



\*  
ISLAM  
folio  
DS298  
M73 1871  
v. 3

C96 .I89t  
INSTITUTE  
OF  
ISLAMIC  
STUDIES  
26187 \* v.3  
McGILL  
UNIVERSITY

2332269



C 96  
. I 894  
. v. 3

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ تَفِيئَةٌ

بار خدایا از زبان حمد و ثنا پیک سزای درگاه کبرنای تو باشد در مانده و قاصیم و از ادای شکر نغوا و آوای در منها  
که عطا فرموده ناکرده و مقصر جا نیکه نزدیکان و مقریان حضرت با عجز و ناتوانی اقرار است ضعف بشریت با عجز  
و مانع است کمال اطوار از مانیانیدنه شایسته که باید نه پرستی که شاید کمال عبادت و عبودیت ما ایست که رسول  
کریم و پسران با نکریم را از روی قلب لسان بمهر انسان پیوستیم و بدین دست رد و سینه و بندگی ذمیم آل و اولاد  
ایشان را کرای داریم و وسایل و وسایط دستکاری شماریم پس شایسته بر ما درین عالم جهولی نادانی و شدت غم  
و توفیق بدل گرامت ظل جایت شفاعت پیغمبر برگزیده و رسول مرسل مختار است و لای عزت ظاهر بر کوار علم صلوات  
الله و سلامه ما دامت الشمس شارفة و رابعه النهار اما بعد بر کزین مطلب مراد نکارنده که بنویسند در معانی  
ممنح خصوصیا بدو امیدوار است که بقر قول و لای نعمت قدسها بون شاهنشاه مجاهد خیر و غادل کارگاه السلطان بن  
السلطان بن السلطان و الخافان بن الخافان بن الخافان ناصر الدین شاه قاجار اید الله تعالی نصره العزیز منقر و شوق  
نکارش تاریخ سلسله جلیله قاجار و این طبقه از سلاطین با تمکین نا جدار است چه جمله مؤلفان که بجز بر آن پرداخته و در  
سنوات خاصه مرتب مدون ساخته نسبتا بن نالیف مفید در حکم مقدمه است این مجلد که نام نیک و ماثر معظمه ارفع با  
فروع مشارالهم خلد الله ملکهم و اخلد میسازد بمنزله پنجم میباشد چونکه چنین است فایده ترتیب این صغری کبری این است  
گفت که نمیشود آرزو و مامل خود ناب آید و مسؤل و مقصود خوش لحاصل کرده لهذا از بخت شکر دارم و از دوز کار هم  
و اگر این تاریخ قاجار به که جلد سیم منظم ناصری است بوضع مجلدات سابقه سال هسال ولی فصل و مطبوعه چنانکه شروع  
نموده بقول الله تعالی بیا بان رسد غنائی است که از لطاف خفیه خداوند شامل حال و موثر از یاد خوش بخوی و اقبال این  
بهتلا رگشته و بخوا خضا و اجال دینی که از سلاطین بر کوار قاجار بواسطه بدل نعم و افزه و عواطف متکاثره بر ذمت  
و رفیع این بند موآبا و اجداد است شده و آری با خبر اند که پدران و نیایان مؤلف نیز چون خود در این دودمان خلا  
نشان همواره با عزتشان بخدمت مشغول و با حسان و اکرام مشمول بودند و در مقابل آن نعمت بی نیاس این خدمت  
قلیل عرض شکر و سپاس است

پوشیده نبست که جلد دوم منظم ناصری بشرح قایع سنه هزار و صد و نود و سه سال انتقال کرجان زندا سنخیم شد و این مجلد بسیار بجا و صحت و نمود و چهار ابتدا شود اما اگر قبل از شروع آن وقایع تمهید مقدمه نماید چنانکه باید و شاید کتاب جامع نباشد و مرام کامل نگردد چه ذکر نسب جلیل فرخنده ایل فاجار و بیان سپر و آثار و معطر اسلاف آباء ملوک کامکار این سلسله علیّه با نمکین و وفادارین محل و مقام از رؤس مسائل و معظان مطالب مهم است نا اهل حال در این باب نشود و اغفالی در فتح ابواب بسط اسباب بکار نبرد و ابراد مفصله میرد از دنا کار را بر مطالعه کنندگان سهل و آسان سازد این تالیف بد رستی و راستی وافی گردد و فقط همین مجلد برای اسناد را کلبه منظور و مقصد کافی باشد

همچنین مخفی نماید که درین کتاب نیز همان سبک طریقه را که در مجلدات سابقه منظم ناصری اختیار کرده ایم ملحوظ و آرا خواهیم داشت یعنی پس از تمام و تحریر وقایع داخله ممالک و نکاتش بر ملوک معطر هر سال حوادث مهمه واقع در تمام روی زمین با فطر کرده ارض مسطور خواهیم نمود و صاحب نظران که تتبع و تصحیح صحیفه کتب اخبار یکی از شئون و افکار پسندیده ایشانند آنند که اتفاقات و سوانح عظیمه ما نه نوزدهم مسیحی تا قرن سیزدهم هجری چندان اهمیت دارد و جاذب نظر است و اطلاع است که شاید آن نیز درجه حسن و محسنات این کتاب بنظر آید و نه المثل چون یاره و خلیفه است و ساعدشاهدان بدع الحمال باشد و من الله التوفیق علی کل الاحوال

### مقدمه

مورخین معین و مصنفین محترم ما نه سیزدهم هجری در اصل اصیل و شیب با بجبل ایل جلیل فاجار و امرای این سلسله باشکوه و افتخار هر یک بقدر مساعده کتب اسباب و جمع آوری دفتار و اسناد و بذل جهد و اجتهاد استقصا نموده اند و شرحی نوشته بنا بر این پسندیده و بهتر است که ما اولاً بعضی مسطورات را بنا بر اعیاناً و برخی را بطور خلاصه و بیفح عبارات ذکر و ابراد کنیم بعد از آن هر دو را به تحقیق و تدقیق بوییم و آنچه را صواب و موثق تصدیق اولی الالباب است مطابق واقع داشته و بسجده ایم بر بان قلم آورده و گوئیم پس شرح زبور از قرار ذیل است در کتاب ملوک الکلام که مرحوم آقای میرزا تقی علی آبادی از رجال معظم از قول خاندان خلدایشان معفور و فخری شاه طاهرا

تراه نوشتن چنین مسطور است

مخت کوه را که پیش از آیش آب و خاک از صلیب پاک نرک بن بافت بن نوح ناز ما اینکه مفضض ظهور کشت شانا بشان و طالاجال تکمیل ترتیب پیرفت تفصیل این احوال آنکه ایل جلیل فاجار از اروغ بممواق قونبلیوی ترکا بنه و آن قبله بنبله از اولاد نرک بن بافت بن نوح که بافت اغلان مذکور و بکثرش اولاد و احفاد مشهور قبایل و عشایر بنیجه بک شکل و فرعی بیک اصل از منشعب گشته پس از شجر ممالک شرق و شمال در ترکستان و چین و صفلاب و خنا و خنن جای گزیدند و وطایفه از آن ملقب براق قونبلیو و قرا قونبلیو اکثری از بلاد روم و شافان و دیار بکر را بچطه نظرند و آورده بغرب ابران مصمم در اندک زمان ابراز استخر و آنرا بسته گزیدند که منور نواریج و بطون اخبار از آثار و کز در سلاطین بافتدا آن وطایفه حاکی و حاوی است جمعی در کجبه و تبریز و ابروان ساکن و رایت سلطنت در ممالک آذربایجان و کرج و عراق فارس افزائش آباء ای گرام و واجداد با عدل و داد مادر اسرا باد و کرجان بعد از اسپتلا بر ترکمانان دشت قچاق تمکن و بهره در مر و شاهجان نوطن جنبه بر اکثر بلاد خراسان حکمران و فرمان روا شدند شاه قلیخان پدرییم که سرخیل آن انج بود پس از انقضای حدت حکمرانی ازین جهان فانی درگذشت و زمام اخبار را محمد و د بفرزندار شد خود فتحی خان بازگذاشت

او امیری بود پادشاه فشان بمعاذک شمشیر و مساعت ند بر شد و کت علبه صفویه را استقامت است حکام تمام حاصل  
 بود پس از شهادت او مظهر جلال خداوند قهار نادار شاه افشار چندی هفتک و فک و حرق بمالک ایران و ترکستان  
 و هندستان را بر آشوفه ایران را ویران گذاشته در گذشت بر حسب فاعده روزگار که (نوبت اندملوک اندر بر سنج  
 سرای) نوبت سلطنت موروث محمد حسنخان فرزند رشیدخان سعید رسید و او پادشاهی مؤدب نفس محرم عقل  
 بود خصایل ملکه با کمال انسانی جمع داشت بطبیعت و زین خلق و عقل کافی و عدل وافی در اندک مدت بمالک عراق و  
 فارس آذربایجان چون فلوججه و ناسمسخر و مغلوب ساخت پس از انصاف مهلت و انصرام مدت بر عادت زمانه نا  
 پایدار زمانش بسر آمد و زمانه پدید رمضان پسر آمد و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند هر یک در افتخام و اصطلام  
 مسائل لشکری و مقابل کشور پدید آمدارم حسینقلخان ملقب بجایانوز شاه و عم ناچارم محمد شاه که در روضه  
 رضوان قرار و دم بدم رحمت پزدان بر روح پاکستان تار باداخر یک برج و کوه هر یک در عرصه مالک شایان تخت  
 و تاج و از سلاطین زمان سنانند و رحمت مانند پوسفت ابن یامین از یعقوبیان محسوب برادر کشند ناد ظلم و عنان  
 زنداری و چهره عدل و انصاف در پرده منواری مانند عم ناچارم در شهر شیراز چون پسر اسپر خا و پدید شمشیر  
 گذارم نا از چاه بجاهش نشاند مغر سر بزجاج زرکان و کند بر جابل هر نطق شمشیر بر کفانی کرمندین بر خسرانی بستر  
 بر کز پدید سنان وارد اسنانهای مری و کردانکه در روزگار پیداکار گذاشت

بر این اختلاف جنگا و سلطنت  
 و استیلای بر مالک مملوک  
 دولت و مملکت مختل ماند  
 ایرانیان تیز و دشمنان چهره

بروز و شب پیر ز مشرب روز و بوزن شب  
 ز ماه و خور پی بر مشرب خواب بود و نه خور  
 بچا بکی و دل بر می چنو سوارند پد  
 اگر چه پور پشک و اگر چه رستم زد  
 همیشه یش پیش از خیال در لخصم  
 بفرق بتغش پیش از نهادن مغض

عاقبت بجهان اختلاف بشهادت سعادت یافت پیر از تبدل چند اذلیل و نهار و غول این دو شناسنده بهمدار  
 (اقبال را بوعده و فاکر در روزگار کرمخان زند که باعث آن کارنا پسند آزادمان شراب ایمان خراب چون نفس بر  
 آب و موح سرابانه گسسته نا چیزها انداز تحت بخت رفت و از گاه بجاک سپاهت  
 از محاق فضا بر و ن شده ماه  
 وز عری خطر برون شد شاه

عم نامدارم از شهر بند شیراز چون شاهنا بجایب آشیان پیر از آمد و امیده مازندران گرفت انهنی  
 مرحوم میرزا ابوالقاسم فایم مقام از وزرا و ارکان دولت خاقان علی بن مکان فخر علی شاه طاب اثره در کتاب تنبیل  
 خاقان کونیدیل جلیل القهار و انبشیرک بن یافت و اغوزخان میرسد و شرح مبسوطی در این باب مینکارد که خلاصه آن  
 از قرار ذیل است

و اندی کوبید برک بن یافت با کبوترت بن جهان ایران معاصر بوده و هر دو در یک عصر واقع رسم سلطنت شده اند  
 بعد از آن بعضی از اولاد سام و حام در ممالک بمن و هند و حبشه و شام دارای داعیه افتدار و احشام گردیدند  
 بنا بر سطور آن تواریخ برک بن یافت اول خانان ملک مشرق است از نسل او چهار فرزند بود جو آمد بر کزاز همه فولک بود  
 که در گوگردی در ساحل رود سنلک صید ماهی نمود لقمه چند ناول فرمود انفا فاپاره کوشش بر پا نازد سنل در قطعه  
 زمینی شور افناد چون آنرا بر گرفت آوده نمک شده بود ذائقه او را از طعم نمک خوش آمد و وقت شام صورت حال را بر عرض  
 پدید رسانید و خاصر عام را بعد از آن میل تمام با استعمال نمک حاصل شد و معدن نمک از ترکان پدید آمد با کمال را بقت  
 ترک در تمامی ملک پدید و املاک برادران چنان افرار خنک کشنکه با آنکه ایشان مانند غر و خلع و چین و سفلاب لمالک

بودند و حدود و سنو شان با بورت مخصوص ترك آشكار و معلوم باز اکنون در تمام رُبع مسكون جملگی را در حكم  
 يك ملك اند و بنام ترك خوانند و او مهتر فرزندان خویش را برای ولایت عهد پسر بدلاجرم مقلید ملك را با و اعطا  
 کرده ابلینج خان لقب داد تا کارهای خطیر کند و بر جمله امیر باشد و خود شهر یاری داد تا هر بود که بر عموم ایلات و  
 احتیام و افاری بنی عام از فرط کجاست بمره و در باستانیاف و بنفس خویش در محل موسوی بود سوق و فار قوم و جیا  
 اورناق و کور ناق پلاق و فتلایق میکرد و آن دو کوهی است شامخ و عظیم که از مشرق تهران عالم است و اجاره دین فعل<sup>الله</sup>  
 طبیب نام آتشه ناز را در جامع رشید ابولجج خان ضبط کرده است بعضی بن لقب مخصوص ترك بن یافت دانسته قوی  
 دیگر بر آنند که این خودی واسطه فرزندان نوح نبی است و علی ای حال اختلافی در این نیست که حضرتش واسطه طلوع انوار  
 حسن از ناصبه جمال دین با قوی خان بوده و این اسم علم کتب منقول است چه در اصطلاح اترک دین به مقام و جا و تخت  
 باشد و با قوی چند پسر و زنج در انتقال جمال حسن از مظهر وجود او به پسر شهو فراخان اختلاف روایا داشت  
 بنا بر مسطورات تاریخ رشید فراخان به واسطه غیر از صلابت با قوی خان بوجود آمده لیکن در تواریخ مشهور چنین  
 مسطور است که بعد از دین با قوی فرزند مهبین و کپوک مهتر ترکان بود و ولایت عهد ملك با فرزند خود ابلیج خان  
 نفوذ نمود مغول و نانا را زو بوجود آمدند و هر دو را وارث تخت و پشمی کرد و مالک خویش بدیشان تقسیم نمود از جمل  
 مغول نیز چهار فرزند کور موجود کرد بدو هر چهار کار فر و نابکار بود نواز جمله فراخان بود که در عهد واحدی جمال  
 اقرار تو حید و خیال نظر بر و مجتهد ممکن نمیشد و از فراخان اغوز خان بوجود آمد و ترکان را در ولادت او اغفاده  
 چندانکه اسناد آن جز با بنیا و اولیا شایان نیست این جمله کو پند پس از تولد ناسه و زکام و دهان بشیر مادر بنا بود و  
 هر شب در عالم خواب خطاب میکرد که بشیر تو وقتی خواهم خور که مؤمن و حق شناس باشی و بعد از آنکه مادر او داخل دین صیف  
 کرد بد اغوز لب به پیش او گذاشت و بشیر نوشید آن دین داری پنهان بود تا عمر کودکی سپسالی فراخان بر رسم ترکان جشن  
 تشخیص اسم پسرانش جمع حصا از آن بر زو پال در آن سن و سال بخت کردند و در تعیین اسم پسر مشورت میکردند که طفل  
 رضیع خود بر زبان فصیح گفت اسم من اغوز است خلاصه غوز و وزیر و وزیر پسر را گرامی تر میشدند اجستن بلوغ رسید محکم پسر  
 دختر عم خویش کور خان را در جلاله نکاح در آورد و عرض ایمان با و کرد و او را نهایت تمکد دید برای اینکه عم و پدر و قوم  
 و حشر این باز با خبر نشوند ترك او قطع گفتگو کرده دختر عم دیگر را که از خان نام داشت بخوانست و اینر هبه خان  
 عقیده چشم از وصال و پوشید و بعقیده اترک لفظ الله را بخواندن در سن لغت عرب اغوز و در زبان کرده و شنو نگا  
 معنی آنرا نمیدانستند خلاصه حوی اغوز مؤمن بود و قوم را مشرک میدید غالباً از خدمت پدر معفارق بود و با اقوام موافق نمیشد  
 وقتی از شکار بشهر باز میگشت از حوالی سرای عم خود گذشتن اتفاقاً بجوی از جواری بر خورد که بر لب جوی جامه میپوشند  
 و دختر عم او بوز خان بر لب جوی ایستاده مشاهده جمال و اغوز را مضمون ساخت به اینرا از اسب فرود آمد و بان محبوب  
 در گوشه ابواب گفتگو باز کرد و گفت از ماجرای من و دختران عم با خبر میسانی که اکنون جمال تو را عاشقم و آنکه نور آمد  
 خواهم داشته که دوست خدای شوی دختر نیز چون دل با غوز داده بود زبان با قرار کشود اغوز او را زنی بگرفت و زنان پیشین  
 حسد برده وقتی که فراخان جشن عظیم داشت او را از ابای اغوز از دین با خبر دادند آتش خشم فراخان مشعل شده فوراً  
 قتل پسر گشته چون موکب اغوز در صحرای بود با کوهی از ترکان بیابان از شهر بیرون شد خاتون اغوز نیز سیکه را بجانب او  
 روان کرده ماجرای اعلام نمود اغوز چون راه گریز ندید دست ستر کشوده آن روز نا شام با پدر بند کرد و در اثنا تبری  
 مقل فراخان رسید و در حال درگذشت بعد ها فوجی از حیل مغول بجیش اغوز پیوسته مدت هفتاد و پنج سال با اعام و بنی

اعلام و سایر طوایف و اقوام جنگ میکرد تا بر ایشان غالب آمد و تانار و مغول چاکری را قبول کردند شهر این پنج  
 بحر خلوک تا حد خوارزم و رود چچون در قبضه تصرف او آمد و عقیده ترکان اینست که از آب چچون نیز گذشته اکثر ربع مسکون را  
 بضر شمشیر عرضه شمشیر ساخت و در مرز توران و ایران و خطه هند سند و دروم و فرنگ هیچ جا مقام نگذرد بطرف مسقط از آب  
 لغزش نمود و حدود او رناق و کرناق را که پورث آبا و اجداد او بود مفتر خلافت نمود و با خضار و سوس و معارف و طوایف  
 فرمان داد تا خلفی کثیر از ترک و تاجیک جمع شده با اتفاق آغا و ابی بر تخت خانی نشست و جشن عظیم بگرفتند و هر کس از اقارب  
 و خویشان که در روم فرسخان بموکیا و پیوسنه بود اینوز لقب را در اقوام فطری و فاروق و پیچانی و آقاجری از نسل  
 ایشانند

بالجمله در نوار پنج مغول مسطود است که اغوز خان را شش پسر بود و از هر پسر چهار فرزند بود و چون آمد که از نسل هر یک در  
 قلیل زمانی جمعی کثیر پدید گشته چهل ایشان از نام پد رنشان یافت که اکنون همان اسم معروف مشهور اند گویند و در پیران  
 اغوز و شکار کرده کافی زمین با سه چوبه نیز در شکار گاه یافتند و نزد پد بردند اغوز خان کان را سپاره کرده به پسرهای  
 بزرگ داد و سهام ثلاثه نیز حصه پسران کوچک شد پس پسران بزرگ را پوز و ق لقب داد و پسرهای کوچک را او چوق  
 خواند و لشکر دست راست با بهترین سپرده و دست چپ با بهترین و فرمود که چون تیر در حکم سیر است که آن بمنزله این تخت  
 پادشاهی از پوز و ق خواهد بود و بر و فوق این وصیت بعد از وفات او گویند خان که مهر پوز و ق بود بر تخت پادشاهی  
 و هفتاد سال سلطنت کرد و او را بابیک نام را از قبله جورجه منصب وزارت داد و خواجرا عاقل و هوشیار بود در بدایت  
 جلوس گون خان عرضه داشت که اغوز پادشاهی بزرگ بود و ممالک مستخر نمود خرابی و اموال گذاشت در بیخ است که آن مال  
 ببقیاس مال روزگار کرد و آن نام بزرگ بزرگی کو با شود صواب است که این بیست و چهار پسر را خلی و حشر و مالود و آ  
 و پورث و مقام مفروز باشد و هر یک از معانی علیهم السلام آنفونی جدا گانه مخصوص کرد و تا ناچه چوققت بجاال خلاف بنفشد  
 گون خان این رای را پسندیده قسمت هر یک از احفاد اغوز را معلوم و مفروز کرد و مهر و نشان ایشان را که نمنا و  
 آنفونی گویند معین فرمود و چون وفات انفال رسید برادر خود آئی خان را فایم مقام نمود و زان پس بر تخت نشست  
 فرزند خویش منکلی خان را و بعهد ساخت چون او درگذشت تخت پادشاهی از نسل پوز و ق بقوم او چوق رسید  
 و نیکر خان که فرزند ششم اغوز بود و ارث ملک پد رکشته بگذرد و ده سال بر تخت خیزی بود بعد از آن عابد و  
 منروی شد و اکبر اولاد خود را فایم مقام کرده ایلیان لقب داد و چون نام و نشان اولاد اغوز و طوایف اغوز بر وجه  
 تفصیل در نوار پنج مشهور نیست و هر جا که هستند پنج ایام تصحیف شده لازم آمد که در اینجا ملاحظه کرد و درج شود

**فرزندان اغوز خان**

فرزندان اغوز خان بیست و چهار نفر اند و اقوام پوز و ق سه طایفه و طایفه گون خان چهار شعبه پس شعبه اول از  
 طایفه گون خان فای است که فرزند مهربان گون خان بود و از سر در فصل امور سخنی می نمود او را فای گفتند که  
 در اصل لغت بمعنی سخنی و شدت است و اکنون بالجامه زکراهی کوه و سنگهای سخت را بدان نامند پورث او و اولاد  
 او نواعهد ایلیان در دیار هیطل و کنار سچون بوده و پس از تسلط توران پورث و وطن در و رماند اند و در  
 عهد محمود بالسلجوقی منقوش گشته و از آب چچون گذشته در حد و دشتبرغان و مرغاب مقام کردند اکنون نیز ساکن  
 حدود دشت داخل طوایف ترکان و در خیل جان تاران دولت بد نشان میباشند شعبه دوم بای آق که  
 فرزند دوم گون خانست بابیک او با و بابیک مفوض بوده و در دار وزارت نشو و نما نموده بسعی و زحمات



برادران و سرور بهادران کردید و بر ساحل فراموزان بُورث گرفت که با موطن اصلی و ز پر فرجوار داشت چون  
 در فوریت و عاوت همّت همگان تقدّم یافت و نام بنکو بفضل وجودش بر آورد او را بای آن گفتند که آن بمغ  
 اسم است اکنون آد کوبند و بای معنی بزیک و شکوه و مال و نعمت اینوه است معلوم نیست که احفاد او در چه  
 عهد با بران آمده اند چه تا عهد تیمور بهیچ وجه نام و نشانی از امرای ایشان مرئی و مشهود نگرد پله همین قدر  
 مسموع و مشهود است که طایفه از این قوم بر حسب حکم تیمور بنفر و شامان مامور گشته چند در آنجا بودند و چون باز معاو  
 نمودند در حد و دشت کرکان نشستند با جلیل فاجار پسر سوند که اکنون بشام بیانی موسوند و در جمع طوایف  
 فاجار محسوب ولیکن از عهد دولت صفوی تا زمان این دولت علیّه سران سپاه و پلان کارگاه از این قوم در رکاب  
 پادشاهان بوده و در سفر و حضر خدمت های بکرموده اند این زمان چند بنامیرین رک از بیانات مطلق و بیانات شام در مسک  
 شاهنشاه اسلام موجود است یکی از آنجمله امیر کبیر محمد علیخان که در حد عراق عرب بیالار سپاه است برادرش اسمعیل خان  
 عاکف حرم درگاه دیگر امیر دلبر پیر قلخان که اکنون در جریک پسران است با چند پسران و فرزندار جمندش محمد باقر خان  
 که در حضرت بیانات و ولیعهد دولت چاکر خان تارا است فوج نظام را سالار بار و این چهار از قوم بیانات شام اند و  
 سلاک خوانین و امرای فاجار و از قوم بیانات مطلق نیز در ممالک عراق و فارس و آذربایجان و خراسان امر او خوانین نامدار  
 و مجتهد بشمار موکب اند پس در ظل ریایات و حضر اعلیٰ را مشغول خدمات اندا قدم ایشان امیر عظیم الشان ابراهیمخان  
 که در عهد پیش عمر خودش در بند که خافان مغفول (افا محمد شاه) و چاکری دارای منصور صرف کرده و اکنون باقی عمر را  
 بخد مت درگاه و بعهد و فف برادرش اسمعیل خان که امیر هزاره الوار است در مغازی پیکار و دیگر مقرّباً الحضره  
 علیخان که چند نفر را بیل را مانند زنده پهل جرات میگرد و بر آخیر آن نفور و ابلا تا آخذ و در پاشیایف و برادرش  
 رحمن خان که چاکر خاص شهر تارا است صاحب عز و اعتبار دیگر از این طایفه بزرگان بسپاد در سلاک خدام در بار سپهر  
 غلام است که ذکر ایشان موجب اطنا بخواهد بود و مخصوص این چند نفر از آنست که ذکر ایشان در وفایع دولت روز  
 افزون که من بعد توفیق خدای بچون در ذیل این کتاب مسطور خواهد گشت بشیر امراد خواهد شد و بهتر آن بود که نام  
 و نسب ایشان بیشتر معلوم و با مجال مرسوم کردد شعبه سیم انفرادی نام این شعبه در هیچ تاریخ نیست مگر جامع النور  
 و او را فرید سیم گون خان نوشته اند و پورثا و در سجدات مالک شرق بوده و در سلطنت ارفع چکنر و سنان  
 سلاطین اثرات امیری معبر و بزرگی نامور از این قوم در وجود بنا مده اکنون نیز نشانی در سن از ایشان در  
 مالک محروسه نیست اگر هست شامل و مطبوس است شعبه چهارم قراولی که بر چهارم گون خاست بُورث او  
 در حد و کوکانا بود که آنسو شهر اینانج و چند بن مرحله از فر افرم مالاترا است هوادین شدت سر و جبالش رعایت  
 سخن خلق آموذع در عهد فیدیم بلان دسه بوده اند و در خیمه میامی نشسته این پسر را قراولی نام کردند یعنی صاحب  
 خیمه سپاه چون در موکب هلاک و لشکری تمام ما موشد که بر مای طوایف اقوام حوالث رفت فوجی از این قوم نیز  
 با بنو لابن سپید در کوه سا جفتو که اکنون داخل مجال سا و جیلانغ است مسکن گرفتند و چون از دخایم خندان در  
 احتشام آنها نبود رفته رفته بطوایف افشار پسر سوند که بالفعل جز و طایفه افشار اند و فوجی از مردان کار در  
 سواران نظام و سربازان خون آشام دارند رعشای بزرگان نیز از بن شعبه چند هستند که در خیل سا پر شعبه داخل  
 گشته و ذکر شان شامل مانده با جمله از این قوم شخص معرزی که نامش قابل ذکر و حالش درخور شرح باشد مسموع  
 نگرد پله بلی هر چه هستند هر جا هستند در جریک رعیت ایل و خدام این حضرت جلیل میباشند

فرزندان ای خان که دویم سپر اغوز خاست چهار نفر اند اول یار ز که نامش مشفق از بارشماق و بعضی برآزند  
 پورثا و در حد و بلاس فاری صیر بود در تاریخ مغول نوشته اند که فاری صیر شهر عظیم قدیم است که چهار روز  
 داشته و از بدایت نهایت آن یکرزه راه بوده در عهد قلاغان تعلق با ولاد اوگتای بافته و مسکن الوس فاید و قونجی  
 کشته اترک مسلمان در آنجا می نشستند و از نسل بارز امیر جلیل بزرگی برآزنده که نام او در تواریخ مانده است  
 نسبت دویم دو کسا آن که بعضی کرده آورنده است یعنی جامع الثقات یورث الوس و در بیابان ناوور بوده و ناعهد  
 منکوفان نام و نشان ایشان در افواج هزاره و صد هفت فوجی بر حسب قوت در جنگ سپاه لاکو بایران آمده اند  
 و در نواحی اردبیل مسکن گرفته سگ در غایت ضانت تمام نمودند و ناووز کولی نام کرده بمرو ریام خراب و پیران مانده  
 بود تا در این عهد سعید بامر فرمان حضرت ولیعهد دولت قاهره مجدداً عمارت یافت و مزرع آن بمقتضی جیش نظام  
 ابراهیم آن سرتیپ تفویض یافت و جلیل آباد موسوم گشت سیم دود و رعه که بعضی ملک بکرنده است و پورث قدیم او  
 معلوم نکشته از نسل او حیل عظیم در دشت گمان هست و این ایشان را حنیف حداکانه است که اغلب جلد و توانا  
 باشند چندان نازک و زیبا چهارم باهر که در بادیه با شعر پورث و مقام داشته معنی نام او صحرانشین است و اولاد  
 او ناعهد بلخان در همان حد و دیلاق و فتلان مینموده اند و اکنون از اعقاب ایشان جمعی فراوان داخل جبلزکان  
 است و حکام استرآباد را بنده فرمان

فرزندان بلد و زخان چهار نفر اند اول او شکر که در اصل اشفاق ما خود از او شماق است معنی بریدن ولیکن در اینجا کما به  
 از چینه و چالاکلی جلدی بنی است آل و اولاد او در موضع او بن را حکم زین بود ندکه نزدیک کلوگ است و کورن  
 آنجا است که پورث چنکیز خان بود و چون کار دولت او در آن مقام بالا گرفت قوم مغول را بفال نیکو آمد و بعد از آن هر که  
 بخت سلطانی بود و بر بخت فانی بنشیند بالضروره در همان مقام قوریلینای عام میشد چنانکه بعد از مرگ کبولک با تو که معشر  
 شاهزادگان بود و عارضه در دپای داشت لاجرم برای محفل کنکاج با سند عای ساپر شاهزادگان و استحضار  
 ساپر امر او نوشتن ابلی فرستاده فرزندان جغای و اوگتای با نمودند که پورث همجنون و ننگه چنکیز خان او بن و  
 کلوگ است تمهید از قوریلینای در دشت پتچاق و خلاف هوس و باساق پس منکوفان با برادران جانب دشت شناسند  
 حضرت با نوراد ریافت و چون خواست که بر بخت نشیند باز جانب کلوگ رفت چند آنجا بماند تا اجتماع همه شاهزادگان  
 دست داد و در همان پورث میوسعی باو فغان شد پس بو قتلکه برادر خود هلاکو خان را بمزاج بران میفرستاد اقوام آرش  
 قتمت خود را از هزاره و صد برون کردند و جمعی غیر از آن قوم بدین ملک رسیدند و مالک آنرا با چنان که ننگه  
 هلاکو خان بو توطن گرفتند و رفتند و در کمان نامدار و امیران باو فاد از ایشان پیدا شد و خیل ایشان را چندان  
 از دیاد و انتشار پیدا آمد که در فارس و عراق و خراسان جای جسته هر جا ممکن گرفتند و پایتختین یافتند  
 و چون بمحضرت ملوک بصدق نیت سلوک میکردند که و همی از ایشان در زمان صفویه و ساپرا زمان  
 با پایه امارت رسیده بعضی از اوقات در تمام آنرا با چنان صاحب امر و فرمان بوده اند و سالهاست که ولایت  
 اروم و سلد و سر مسکن بلد الوس ایشانست و همواره بیکدیگر بیکان جلیل الشان داشته و درایت جلال  
 میافزایشند تا در این عهد فرخنده مهدلوی اعلای بنفوق باوچ کال رسیدند بفرزت قریب دولت پوندار کا  
 طبنده آستان از چند خسرانی ممتاز گشتند و سه شاهزاده باو فاد که باغ دولت را بهارند و کاخ شوکت را  
 نکارا از بطن بنات افشار در وجود آمدند اکنون از سره این خیل سران بافر و جاه چاکر درگاهها پون اند که

چندین مثل اغوز و یلدر و زرا بنده و چا و چا کر در کاه خویش دانند مهر ایشان امیرالامراء حسینقلخان که خال  
ویسک شهراد کاشته و اسیر رئیس آردکان و فخر الکبراء فرج الله خان که یکچند در حضرت خدیو بها سلاار نسفجان  
بود و چند سردار سپاه میان شد و برادرش علیخان که در حضرت شهزاده و لیسعه و لث فاهره صاحب نیال اعنا  
است صاحب اساق بارد بکر از کاه اینقوم فایدهان سپاه و غازبان کین خواه در ظل نوای منصواست که حصن کرد  
و اکتشاید و ناج کیوان را را بناید از انجمله عالیجاه محمد علیخان که در تپه خاصه ها بون داخل امرای هزاره است فایدها  
سواره و عبد الصمد خان که سرهنگ سواران نظام است و ضرام معارفه اشقام قومی بکر نیز در سلسله سربازان خونریز  
مفسلک میباشد و چون نام این اهل ارکثرنا استعمال مشهور بافتار است هر جا ذکر از ایشان شود این نام مسطور  
خواهد گشت و هم بیکدیگر این لفظ از اعلام مرکبه منقول است اصل آن بیک دبل بوده بویوک بمعنی بزرگ است دبل  
معنی زبان ولی از ادوات نسبت میباشد اکنون جند و تخفیف از وضع اصله مخفی یافته به بیکدک مشهور است چنانکه  
نازبان عبد شمس عیسی خوانند و پارسا شاهان شاه راسه نسا که کوندا نغریز را و اهل حال پورثا بنقوم در جیا  
اولنای بوده که استوفرا نوروم است در عهد چنگیز نازمان غازان منسوب با قوام نایمان کشته بوقت غوز شسته ها  
سیر و چشمه ها نغریز دارد و در فضل شنا چندان باد سرد و برف سخت آید که از جنس شجر نوع شمر رسم ایشانند و چون این  
مقام بموقف جلال علیخان نزدیک لشکر تور را پایمال شود آمد و آتش فتنل و بیباد در قوم بیکدک افتاد هر که از بیخ بیباد  
رست بقوم نا ناپرسوست و چند بدین واسطه بنام و نشان در جگر ایشان بود ندان لشکر معول جها بگرد و اکثر  
افوا مترك داخل سپاه و خادم در کاه ایشان کشته در عهد و کتای فوجی از اینقوم نیز در جز و هزاره نایمان بئومان  
نا بچو پیوست و مصحوب لشکر جو ر ما غون بملک ایران رسیده و شعبه از آن در طی اوقات بملک شامات افتاد که مشهور  
بشاملو شد و از در تحقیق معلوم نیست که در چه هنگام از ایران بشام رفتند و چه وقت باز معاودت نموده  
بجلا در دولت صفق و نادری اعیان امر و اشرف و کبرای اینقوم مشهور و معروف بوده و هر یک در زری خویش  
کسی که نموده اند از انجمله مصطفی خان که از جانب ناد در شاه سفارت روم مامور شد و حاجی لطفعلی بیک که در  
عهد خویش بنیال و پکانه بود و در فن شعر اسناد زمانه کتابی جامع در ذکر شعرا نکاشته چو آن در تخلص داشت اشکانه  
نام نهاد بیکر خلف الصدق و حسینعلی بیک مانند شریزاده از است و تخلص شریز و اکنون در سلسله اهاد خاد در بار  
و چاکران سرکار شاهنشاهی تبه انخر اط دارد و پاییه شعر بشارک شعری ندارد دیگر از ارباب صاحب اینقوم احد  
خان نایب است که در همین سال از موقف جلالها بون مامور نقل پس بود و خدمت بکنونم و افواج بسیار از  
پیاده و سوار در خیل خود مسعود دارند که بعضی داخل جیش عراقند و اکثر حافظ نغریز را بچان و اکنون اهل  
والوس ایشان در دو جامر کج و مقام است که ناچه نزد فان که نزدیک دارالخلافه طهر است و دیگری در نواحی  
مراغه که از ملکان آذربایجان است چون راه عام در اینعهد مقدربود اینقوم نیز نام که کشته خود را باز حبسه  
از هر جهت در خصصا جماند امن و اشراحت خصوصاً از رهگذر پورث و مقام که کوی در ازای آن تنگ عیسی و سنجی  
حال که احداث و آبا و اجداد ایشان را در شغاب اولنای بود و در بار حقیق و کوهسایر دغان قسمت نصیب ایشانند  
که از باغ و گلشن آب روشن غله و کشت غنم است چندانکه در پورث قدیم در غله و میوه دره و طبر  
کیره مهکشتند اکنون ثمار الوان در و تاق و ایوان چیده بناز و غرت میل و رغبت نمایند بزم قرق بکسر اول  
و ثانی و سکون ثالث یعنی قوجال پورث و در موضع فالدون بود که در عهد چنگیز داخل مغولستان شد

علف

علف نار و کسب رُوخانه عظیمه است و لاد قرنی از ساپرفرق بیشتر بوده و در عهد ایلخان کثرت بنفیس داشته اند  
 و چندی بالشکر نوز و ناانار از این جنگ پیکا را فرشته بعد ها که لشکر تور بر بلاد ترک تسلط یافتن از بیم جان نفرقه با  
 و بهر جانب هشتافته بعضی داخل او بغوز شده اند که هم حال داخل ترکمانان اند و هر سال فوجی از سواران جرار  
 بموکب منصوب میسند بعضی که آب چون گذشتند ساکن سنجاب گشته در او اخر خراسان افتادند و بقوم او شیر  
 پیوسته اکنون از شعب افشار محسوب اند و بقبر خلو مشهور و نا عهد شاه طهماسب ثانی نام و نشانی از معارف ایتقوم  
 در سپهر تواریخ نیست لکن در آخر دولت صفوی که خزان باغ خسروی بود فخر مانی فادرا مانند نادرا از بن شعبه  
 پیدا شد که از حد موصل نار و دج چون مستخر کرد و بر هند و سند و روم و روس مظفر گشته احفاد او راه ملک و  
 دولت برقرار بو تا طلعه دولت پادار پیدار شد و باغ خسروی با فضلها آمد پس امیر الامرا حسنینان سردار که آن  
 وقت خراسان بود بیک رکضت جبل و هضت میل عملکه را مفهوه و مغلوب کرد و ملک مغصوب باز گرفت و جمع  
 از معارف احفاد و نایح اولاد او را بنید که حضرت فرستاد که هر یک چاکر بکن از انبای ملوک گشته فخر اینگونه چاکر  
 در نسل احفاد نادرا ماند چهارم فاز قین یعنی هنده آتش شیلان و خواجه خوان لوان پورثا و در حد واسپین  
 بود و بعد از تسلط تور معلوم و مذکور نیست که قوم او را چه پیش آمده و در کدام زمین منزلت گزین گشته اند  
 فرزندان کون خان که چهارم پس غوز است اول قوم او چوق چهار نفر بوده اند اول یا بندر که در اصل بای اند  
 بوده بای بعضی بزرگ باشکوه است اندر مکان مرتفع مانند پشته و کوه یعنی بزرگ بلند قدر جای او در حوالی پور  
 ثای بوده و احوال فرزندان او در فتنه تور فریدون مشخص گشته و معلوم نیست که در چه عهد پاران رسیده  
 لیکن پورثا پشان در این ملک معلوم است نا اکنون به با بند پورثی مشهور در واحی سهند مقام لیسند است  
 که مرغزار بدیع و کوهسار فغش از حضرت طلل و رفعت قلل با گلشن خضر کای رخ و جنت علیای خلد برابر است و از  
 نازک کردن پر و طارم بر جلیس و تبر فزاتر شعا بش که زار است سحابش لاله بار نیش عطر بنروز منبش مشک  
 خیز هنگام نموز که از تاب سورت هوا و شدت کرمها در ساپراما کن براحت ساکن نشاید بود و رودها از رفا ز کوهها  
 بر ف روان دارد که آب زلالش چون شهد وصال روان آرد و با بجل در دولت مغول فضا این پورث مقام این  
 ایل بوده در آن جنت عدن نشو و نما میموده اند تا بصرف ایام در حد و فرا باغ و نجوان منشر گشته روز کاری  
 دراز است که ملک بر مع یورث و مرع گرفته اند و بعضی جانب مرز گروس فتنه بالفعل در آن سر زمین ساکن  
 فرا و رباع اند و مالک عقار و ضیاع و در ذکر فخر ایتقوم و شرح مدح ابن ایل همین شن با شد که فاضل عهد فاضل  
 خان و خواجه خلد مکان محل علی سیک از ایشان به خاسته بکه در عهد خاقان مغفور (افا محمد شاه) منصب کلانتر  
 داشت و ابن یک اینک در حضرت خلد پوچها پاییه مرتب رتبه اختصاصی دارد که محسود و در زمان و مغبوط  
 اوج آسمانست و یم پچینه که اسم رسمی از و در مالک ایران نیست در تاریخ مغول نیز نامی از خیل و پشاور ایل  
 والوس و بنظر نماید همینقدر از جامع التواریخ مشتقا کرد بلکه این لقب بر کسی نهند که ساعی در مهمات امور  
 باشد و انجام مهمات نزدیک دورد هدانتهی  
 اینستا نقره بیکه از کتاب مشا بل خاقان دیده شده و عقیده بعضی اینست که این کتاب از مرحوم فایم مقام با ختا  
 و انجام نرسایند است  
 میرزا صادق و فایع نکار مرئی از اعظم نویسندگان عهد خاقان خلد آشیان (فتح علی شاه) طالب ثواب و نازک

جهان آرا گوید

جماعت انرا که عوام و سلسله سلاطین و خوانین ترکستان منسوب باغوز خان پسر ششم ترک بن بافت بن  
نوح علیه السلام اند که در میان انرا که بحسب بد ترک اشعار داده اند است و بعضی دیگر از مورخین انرا که را منسوب  
بقالی خان که پسر سیم عیسی بن اسحق علیه السلام اند و بر خوار خوار اعجاز دادند که قالی خان هان عیسی بن اسحق  
است قالی بن قول اول را دلیل اینکه بعد از وقوع طوفان نوح علی نبیا و علیه السلام سه شبر که خام و سام و بافت  
باشد باقی ماند و هر یک از ایشان بتعمیر کنی از ربع مسکون مامور آمدند ساء بتعمیر قلمر ثالث و رابع که مملکت ابر  
عبار و انرا آن است هفت یک شام روی بولا بت سودان و هند و سنان آورده بخت عزیمت بلا دشرقه و سمنگلی  
را که بت اولاد و احفاد یافت بمناسبت ابریمی ترک بن یافته است ترک آمدند و اول کسی که در آن سلسله خا عدرا  
بر نری غایب مغایر سروری آمد اغوز خان بود که سلاطین و خوانین ترک منسوب بوی میباشند و او ابوالموک  
سلاطین انرا که است چنانکه در سلاطین عم کبورت ابوالموک بود جمعی دیگر از مورخین که اینطایفه را منسوب بقالی  
خان دانسته اند چنین گفته اند که اسحق بن علی نبیا و علیه السلام را از یک بطن دو پسر توام متولد کرد بد اول عیسی  
و ثانی یعقوب و وجه ششم یعقوب اینست که در هین ولادت یافته عیسی را که فرقه قدم در عرصه وجود نهاد بعد از چند  
که برادران بر منبر کمال و درجه جلال رسیده اند نظر بکبر ثنا و اولاد و احفاد و عشایر و قبایل عیسی بن اسحق روی بدیاد  
مشرق و نواحی شمال آورد و حضرت یعقوب بنی در بلا در عرب نوقت نمود و در آن سلسله اول کسی که رایت حکمرانی  
بر افراشته قالی خان بود که بزعم بعضی پسر سیم عیسی بن اسحق است بقول جمعی دیگر هان عیسی بن اسحق است که در  
میان انرا که بقالی خان اشهار یافت علی که مقتدی بود بعد از تبلیغ در اقوال خلاصه مطالب اینست که علم ازنی  
بر این گرفت که نبوت و سلطنت در آل ابراهیم علیه السلام باشد بنا بر این ادبیا در سئل سوای حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه  
و آله که از نسل حضرت اسمعیل علیه السلام میباشند کلاً از آل یعقوب علیه السلام اند که نسل بعد نسل رایت رسالت  
افراشته و خوانین از سلسله عیسی بن اسحق اند انبیا را ظهور رسالت در دیار عرب ام الفری بود و سلاطین را ظهور  
نبر سلطنت از بلا در مشرق و ترکستان عرب را بر عجم تسلطی ترک را بر عرب استیلائی نبود تا بر در هور و افضای  
کردن ماه و هور سلاطین عجم را دولت فدییم سپری شده در عهد خلفاء عرب بر ولایت عجم و برخی از بلاد ترکستان  
سمت سروری و بر نری و کداد عرب با عجم مختلط آمدند و از اختلاط ایشان و توطن عرب رخاک ابران شد بر بعضی  
از طوایف دیگر مثل قاضیه منسوب به بنی خالد اند و اگر اد که مجمع از پراکنده و منفرد عرب عجم اند نام بر آوردند در آخر  
سلطنت سلطان محمود غزنوی طایفه سلاجقه که منسوب اند بسلاجق سلاجقه که وی بقوی از احفاد افراسیاب ترکست  
بجهت اختلاف سلاطین ترکستان از آب عجم عبو نموده در ولایت خراسان بادعای سروری سر بر آوردند و نظر شما  
فطری بر مجموع ابران و روم مسلط آمدند چند بکه بر این منوال گذشت کاخ دولت انطایفه جلبله منزل گشت و  
ارکان سلطنت به توام کرد پد هر کرد فطری از افطار عالم علم حکمرانی بر افراخت همچو سلاطین خوار زمستانهای انا بکا  
عراق و شام و فارس و یزد و کرمان و دیار بکر و آذربایجان و این انا بکان غلام ترک سلاجقه اند که بمنصب انا بکه  
سرافراز کرده و هر یک در مملکتی بخدمت مامور بوده اند و بعد از انقضای آن سلسله خود بنای سرور گه نهادند  
در خلال این احوال فتنه چنگیزی آشکار شد و زمانه را شپو دیگر بدیدار در اوانی که هلاکوخان بدیار عراق  
و حد و روم رو آورد از آنجا که این نواحی با اصطلاح مغول علف خوار سپا او را معین بود موازی بسپه خوار

خانگی کوچ با پیشتر از ایلان اترک و طوایف خود همراه آورده در آخذ و وسامان سکنه دار چون زمان دولت خلیفان  
 تسلط و اوضاع روزگار از اختلاف و پریشانی بوضع دیگر راهیست منت زمان سلطنت بابک کفایه نامی پسر تهور کورگان  
 داد و آن سلطان مکار از فرار بکوه در تواریخ مسطور است با اقطار عالم مسلط آمد هنگامیکه بروایت روم ترکمان  
 آورده بود و ایلانم با پسرید خان را گرفتار کرده ساکنین دیار شام و حلب و سایر بلاد عرب آذربایجان را نظر بر  
 ایلان و بلاخطه آبادی بلاد ترکستان خواست بجز مشرق کوچانیده از رود جیحون عبود دهد چون سالها بود  
 که اقطایفه در ولایات مزبور توطن و اسفزار دست داده و بنای تمدن در آن ملایم نهاده این حرکت بر ایشان  
 شاق می نمود و این جمله تکلیف ما لایطاق لهذا بعضی الحجاجین ترکستان روانه آمدند و پاره بهانه چند متوقف  
 در آن مبان و بعد از چندی که اسپیلای تهوری با سفار سید و روزگار و راه فتنه جوئی پیش گرفت برادر بیغ برادر  
 کشته آمد و بیغ بجز سپر بخون آغشته فلک قانون ستم ساز کرد و آسمان ثرانه جفا بلند آواز هر کشور و لشکر  
 زیر بر نمود و هر بومی را قومی مستخرطایفه ترکان آق قویونلو و فراتونلو در حد و دیار بکر و خلاط و آذربایجان  
 حکمران آمدند و اوزبکها و اراء النهر در مالک خراسان و بعضی از عراق جهانبان حاکم علی الاطلاق را بر عباد پیشانی  
 روزگار یافت آمد و بر بندگان عاجز رحمت برای واج اسلام و آرام انام شاه اسمعیل بر سر سلطنت برآمد و زمان  
 آشوب بر آب حسام آتش فتنه فرستادند نواحی آذربایجان را از رومی و حد و خراسان را از اوزبکها بر دلخته  
 حوزه مملکت را از ساختن بعد از چندی و نیز در گذشت و سلطنت را بحکم وراثت بار شد و اولاد او گذاشت و در نوبت  
 سلطنت شاه عباس ماضی که صنعتی ایران کلیه از وجود اشرار پاک آمد با فضا ائمه صابیحی از منحصن طایفه فاجا  
 را با برخی دیگر از ایلان نامور مامور بتوقف تهور و سرحدات ایران که عبارت از اهرابان و استرآباد و مر و شاهجان باشد  
 نمود که حوزه آن ولایات از رخنه مخالفین مصون ماند و اما نسبت سلسله علیه فاجا رتبه از بیغ سپر و اجار معلوم مستفاد  
 است و انشوران ترکانه ساکن دشت چخاق را نیز خلفای سلف زیاد اینست که در نواحی ترکستان قضیه بود مسیحی  
 بزرگتیا اینطایفه حلیله با اتباع خود در آنجا سکنه داشتند و ایشان بیغ برادر بوده و بمقتضا شاهماست پوشیده با  
 بمضمون این منظوم میکشاده اند

ما بیغ برادری که از یک پیشیم در پیچ روزگار بیغ انکشیم  
 چون فر شویم در نظر عالم چون جمع شویم در دهها مشیم

برادر مضر ایشان که در میان آن قوم رتبه سالاری و سروری بود فاجا رخا نام داشت و اینطایفه در افواه اترک  
 مشهور بطایفه فاجا رخانی شده و این رسم در طایفه اترک شایع و مطرد است که طایفه خود را با اسم بزرگ سلسله  
 صیغه سازند و برای بقای نام جمله را با آن اسم بر خوانند چنانکه طایفه سلاجقه با اسم سلجوقی بک و اترک اغوز خان و  
 قلد خان با اسم قانی خان و جغتایی با اسم قتا خان پسر چنگیز خان و بیکله با اسم بیکله خان و فشار با اسم فشار  
 خان پسر ایلید و زخان که او پسر چهارم اغوز خاست صتم و مشهور گردیده اند و اونی که اغوز خان برای شیخ  
 ولایت ایران اترکستان بسبب عنان آمد اینطایفه حلیله آن سلطان کا مکار را در موکب ظفر کوکب پسر سپار  
 آمدند و در دفع مخالفین نیزه گذار سیلاق و فسلایق ایشان در دیار بکر و خلاط و حد و بر دع و ازان بود بعد  
 از چند که اغوز خان عازم مراجعت ترکستان کرد بد نظر بعلائی که در آخذ و در بهر ساینده بود ندر همان  
 نواحی متوقف گردیدند و از خیال معاودت بوطن مالوف منصرف نسلا بعد نسلا در ولایات مزبوره بشهاست

و دلاوری قرار می داشتند و بامارت و اسینلا استقراری در زمان سلطنت سلطان مراد خان پادشاه بمالک دوم  
 حسنجان ترکان آق قویونلو که طایفه فاجار به عبارت از ایشانند بآدغای سرور و کشتاد و قدم بر سر بی حکمرانی  
 نهادند و فراریکه در کین مسطور و مذکور است حضرتش را با سلطان مراد خان منازعات و مجادلات بسیار روی نموده  
 بالاخره حسنجان را بخت باری کرده صاحب لوائی بخیار می سپرد شهریار آمدنا او آخر دولت تیموری و او ایل  
 سلطنت شاه اسمعیل صفوی این سلسله جلیل در ولایات خلات و دیار بکر و آذربایجان و عراق و فارس استقلال  
 سلطنت نمودند باقتضای انقلاب و زمان دولت ایشان نیز سپر گردید و سلطنت شاه اسمعیل صفوی که  
 هم از جانب مادر بان سلسله جلیل متصل بود رسید بعد از آنکه چند راین اجلال این پادشاه بدروه استقلال انرا  
 میباید و نیز حکم اجل در گذشت و بر سر سلطنت بار شد و لاد بگذاشت در عهد دولت شاه اسمعیل صفوی باقتضای  
 تدبیر و امضای حکام تغدیر هر فرقه از این طایفه جلیله در یک از شعور مملکت ایران حکمران آمد چنانکه قبل اشاره شد  
 جمع با ستر اباد و کرده می پیران و فرقه عمر و شایهجان و سلسله سلطنت نظام خان کینه سنان ( فتحعلی شاه )

منتهی است بجا که در خطه اشرا بآد از باده سردی خرم و دلشادی بوده اند و در اواخر عهد سلطنت  
 شاه ساطا نحسین صفوی که با غنچه فندهار بخر با شرف و محمود افغان بجای مره اصفهان پیرا خنجر و عرصه را بر شا  
 و سپیانشک ساخته بودند نواب فتحعلی خان فاجار که اعلا جده این حد بود عدالت شعار است اعات شاه را با بوجی از  
 دلبران فاجار به رو بدار السلطنه اصفهان بنهاده بعد از ورود و با بخت و جملات مردانه با غنچه برده سر زنده دستان  
 از ایشان بدست آمد چون امنای آن دولت را که در حقیقت خانیان آن خاندان سلطنت بنیان بودند از این قضیه  
 آگاهی حاصل کرد پناز سؤند بر با باقتضای تقدیر صورت ماجری با بکلیت بگریه بدینگونه بر در ظاهر مرهتم نمودند  
 که طایفه فاجار دلبران خونخوارند و شهران بپشته بیکار و نواب فتحعلی خان نیز دعوی شهر باری با در میدان ادعا پانهاد  
 و محبت استعدای سروری و مره خردی با مهتا و آماده است هرگاه در ازای این مردانک نمایان مورد تحسین و اخشا گردند  
 دیگر ضبط عنان ایشان در قبضه افتد و سر بجزه اختیار ما خواهد بود خلاصه شاه سلطان نحسین را که روز دولت ماند  
 شام نکبت سببا بود و گو کب اقبال در عین وبال افا و بلا باطله آن عنوان پیشه کاش کاشکال نفسی در صفت ضمیر جای که آید  
 انظار بجهت جلالت شعار را که وجوه هر یک در رفع چنان حادثه عظمی بمنزله جنود عجب امداد است با بود با حسانی راضی نسبت  
 و تحسین نواخته همان با جای مراسم نکبت شعار که مقدرات الهی است با بود در خور و لایق پیرا خنجر نواب فتحعلی خان چون  
 هال اعات را اثر این دیدند بر اعیان دولت با فایده چنین با چنین جیب از دار السلطنه اصفهان روی بولا پناز ا  
 نهاده با نظام مهتم خود کوشیدند

عبدالرزاق بیگ دینلی که از مورخین عهد خانان مغفور ( فتحعلی شاه ) النسخه الله حلال النور بوده در کتاب آثار سلطانه  
 که با سر حضرت نایب السلطنه رضوانا بکاه ( عباس میرزا ) طاب ثراه نوشته گوید  
 ایل جلیل خسر و نبیل از اغره و اجله اثر ک جلا پر و جلا پر از بز و ن و سا با نوبان از جلا پر است سرتاق پسر سنا با و فاجان پسر  
 سرتاق نوبان است در میان طوائف ترک فاجار سه طایفه بوده است یکی از سلا و س و یکی از شکوف و یکی از جلا پر  
 آنکه از سلا و س است با این نیامده است و آنکه از شکوف است طایفه جزئی بود بقدر سه چهل خانه و بسیار طوائف منقول  
 پیوسته در میان آنها بی نام و نشان شده و آنکه از جلا پر است صاحب دولت و شوکت شده اند و از کنار رود همچون ناهد  
 روی در زجر حکم و فرمان سرتاق بوده و او بفرمان ابا قاسم خان با تا بیکار غوغا خان معزز و ارغون خان تربیت شده او است

و ملکت سرتاق که مختص او بوده از فرز آل آغاچ معان نا حد و بنش بوار است و در جرجان می نشست سنش در جرجان  
 و مازندران زیاد شد و در عهد غازان خان و سابق بر آن از هزاره خاصان توهمان نایجو بوده بعد از آنکه غازان خان  
 سرتاق نایجو را بیستار رسانید توهمان نایجو را بقاجار موقوف کرد و لها پیر عمر و اعتبار را پیدا نمود و ولایات پیدش در  
 او بود و در قدم فرزندان جلا پیر را گویند که بگفته اند و گویند بگفته اند و بگفته اند و بگفته اند و بگفته اند و بگفته اند  
 دست چپ لشکر قیامت اثر چنگیز خان را ایشان داشته اند در لغه کشائی و خصم افکنه معروف و مشهور بوده اند و در عهد  
 چنگیز خان بزرگ ایشان موقلی گویند و در زمان او کنای آن پسر او بوغول گویند که بجای پدر بود و آثار شهابت  
 ظاهر می نمود و در مدینه دولت قتل آن هون نو بان از ایشان امیر بزرگ بوده و ابلو که پسر بزرگ قلدان از قوم جلا پیر  
 بال لشکر بکران که در ظل پادشاه بود بفرمان چنگیز خان بر بنه انا بکی او کنای آن نایل کشنده و انا بیک معنی الله باشد و  
 امیر لغون را که از امرای بزرگ بود براه نوکری خدمت ابلو که داد که تابع امر و نهی می باشد چون امیر لغون مرگ  
 فصیح و عاقل و دلاور بود کار او بالا گرفت از مرشد افران بگذشت و در عهد مستوفی آن منکسار نو بان از جلا پیر  
 یار غوجی که معنی امیر نو بان باشد بود و حکم یا سا و سیاست مقصر بن بفرمان او میگذشت و اروق و بوفا پسران  
 کلای یا هلاکو خان با بران آمدند و ملازم خدمت با اقا خان بودند و بنیبت آن پادشاه هر یک امیر بزرگ کشنده سرتاق  
 نو بان پسر سا بانو بان که در کودکی ارغون خان در خراسان و مازندران امیر امراء بود پسر داشت فاجار نام نسل  
 فاجار از او است و ابتدای نوالد و نسا سل بن سلسله علیّه در مازندران و استر آباد و خراسان از فرزندان فاجار  
 شده و قنبر که مرگت مرگت و خان چنگیز خان را غارت کرد و خاقون چنگیز خان را که جوچی آسین بود پیش او نیک  
 خان فرستاد چون او نیک خان با بیسکولها در پید چنگیز خان از قدیم رابطه دوستی داشت و آنرا فرزند میخواند  
 خانون را چون و سان پسر خود بنظر مهربانی دیده احترام او را منظور داشته مشمول نفقت کرد امر افکند خانون  
 بیایست بزرگ گرفت او جواب داد که عروس من است نشاید مجسیم چانت با و نظر کرد چنگیز خان چون این مرد می از دید و  
 ملا حظ حقوق و بزرگ منته از او نیک خان مشاهده کرد سا بانو بان پدر سرتاق جد فاجار پسر را نزد او نیک خان بطلب  
 خانون فرستاد او نیک خان سا بانو بان را بنظر جلالت و احترام دیده مقدمش را گرامی شمرد و خانون چنگیز خان را  
 با و سپرد و او عازم بند که شد از اثنافات خانون را در راه در زادن بگرفت و جوچی خان بوجود آمد چون را محو  
 بود مجال توقف و ترتیب کا هواره و لباسین یافتند در ار دخیمر کردند و طفل نور سیده را در خمیر گرفتند و در بغل  
 تمام نزد پدر بردند تا اعضا ی و بدر نیاید مثال نشود و نام او را بدان سبب جوچی نهادند یعنی ناکاه در وجود آمده  
 چون دولت چنگیز خان و شوکت مغول بس آمد شیخ حسن نویان و پسرش سلطان او پیش از قوم جلا پیر که نسبت خویشی  
 با سلطان عازان و سلطان محمد بنده داشتند مدتی در این سلطنت کردند و ما اثر ایشان در تواریخ مسطور است  
 الفصّه طایفه فاجار بشهامت و صرامت مشهور شدند و در ایام سلطنت شاه اسمعیل صفوی و شاه طهماسب  
 بجلا پیر امیر سهراردی سرحداری مغول و در عرصه جهابندی همت و شوکت اشتهار یافتند چون نو سلطنت  
 بسناه عباس صفوی رسید از کثرت و عدت آنجا عت اندیش بر او غالب گشته جمعیت ایشانرا مفرق ساخت  
 جمع را بمرک و کوچانیده در برابر او بکیه باز داشت و بعضی را بکنج و ابروان مامور کرد و برخی را در استر آباد که  
 موطن اصیل آنها بود در مقابل نرکانان منوطن نموده که آن نرغوروس ماند فتحعلی خان جدا علوی خاغان سلیمان مکان  
 جماعه از طایفه همون را بر داشته بر سر قلعه مبارک آباد رفت و از دروازه اصلینک فاجار پیر ناک کشیک باشی که



با فتح خان آشنائی نام داشتند اهل قلعه مبارک آباد شده و سر محمد خان ترکان و میرزا احمد زبیرا و ناخنه هر دو را بد بار عد فرستادند بعد از آن کار آن بلند اقبال بالا گرفته شهر استرآباد جایگاه امارت خود قرار دادند در آن اوان شکر یک نام کرد جهان بیکو که بفسد رسک را میان استعلا داشت و تعدی و اجحاشی در منشا و مرتکب انلاف جمعی از اشراف میشد سران فاجار از مشاهده این حالات مجدداً شخصت شناخته اسد عاقبول ایالت و امارت از ایشان نمودند آنحضرت از این امر عاظمی کردند بالاخره فضیله بیک مشایبانی و محمد حسین خان فرامو سانلو و محمد تقی بیک سرکشیک با سایر عظام و رؤساء آنحضرت را بر مسند امارت نشاندند و در کتاب نواب فتح خان بدفع شکر کرده راه سپتامر اهل نصرت و افتدار گشتند و بعد از مقاله و محاربه سپاه او را گشتند پس آن فضیله بیک و محمد تقی بیک در حق نواب فتح خان بداند پیشه سزای خود را بدند و رخت بد بار عدلم کشیدند نواب فتح خان بعد از دفع دشمن اسینصا بدخواه متوجه ساختن مهاتنا استرآباد و حوالی و حواشی آن

خطه ارم بنیاد کردید انقی  
میرزا حسن ز نوزی خوئی از معارف اهل سلوک و عرفان و دانشمند اعهد خانان مغفور فتح شاه طاب ثراه در کتاب باض الحنه گوید

اصلاً پهلجی فاجار از طایفه مغول و از ترکستان است در زمانه استیلای تیمور بنا بر پاره تفریبات از اولاً کوچ کرده بملک روم رفتند و مدت نهاد آن یار همسر میبردند بعد از چند چون زیاده از حد بخورد و باجلادت و رشادت و صاحب حمت بوده و باسانی پیر با اطاعت کسی نمیشد از روم کوچیده بولا پستگن که کجینه از پاجا بود ساکن شدند و بسبب شناختن بر روم به فاجار موسوگر دیند و همیشه با جاعت لکنز به در آن دیار جنگ و جدل میکردند و آنرا با سپتامیکشند و اسپر میگردند چون نوبت سلطنت سبلاطین صفویه رسید و آن طایفه جلایه را صاحب شد و زور دیدند متوهم گشتند چه ایشان زیاده از چهل هزار خانوار و هر صاحب جرأت و جرات بود ندانند بر این قصد کردند که آنها را چند سینه کرده هر سینه را بشغری سرحد مامو کنند که سرحدات از جمله خارجه محفوظ باشند و باجاعت و سلسله علیهم بکجا و در یک محل ساکن بنامند پس بند بر آنها را ایامی نخواستند که کمال مهربانی و ملاحظت داشتند با ایشان میندول داشته محافظت ثغور و سرحدات را با ایشان تکلیف کردند جمعی از ایشان بعد از ترکان و بعضی بر و شاهجان و برخی پیران مامور گشتند و قلاع و حصوات پاجاها را بصره ایشان داده مشغول محافظت شدند و پادشاه نیز خانه کوچ هر سینه سینه را از کجین نزد ایشان فرستاد که مادام العمر آن سرحدات منوط بر ساکن باشند اعیان و اشراف انقوم که از کجین بد بار سنا نرفته بودند را بنوا بیکم پادشاه بفرمان فرستادند خلاصه از آنوقت تقریباً میان آنها و ایفاناد و نوا هستند یکجا جمع شدند ولی از غایت شادت و جلالت هر سینه سرحد و ثغر سپرده بود و در کمال خور حراست کردند و بدینواسطه نزد سلاطین لها بت عزت و اعتبار را داشتند و حکومت و لایات سرحدات پادشاه با امرای فاجار بود و از هر پاجا طوایف امیران نامدار و حکام با افتدار پدید آمدند و امرای استرآباد زیاده از نوا سایر طوایف صاحب حمت شوکت و بیرونی بوه اند و اولد و سرحد کرکان سکند داشتند شاه عباس صفوی ماضی در آن اراضی قلعه برای ایشان ساخته مبارک آباد نام نهاد و باقی قلعه شهرت کرد مدتها در آن قلعه بودند و باز کاینه همیشه جنگ و جدل میکردند و چون بنا بین خودشان نزاعی اتفاق افتاد در سینه هزار و صد و چهل

هری هکی از آن قلعه کوچیده با ستر اباد آمده در این شهر ساکن شدند و آق قلعه و بخارا و نهداد و از آن طرف زیاده از  
 بیست سال است که این سلسله جلیله زمام سلطنت ایران بدست اختیار و اقتدار خود آورده اند و با استقلال هر چه  
 تمام تر در تمام ولایات و ایالات ایران فرمانفرمائی و حکمرانی میکنند اول کسیکه از این سلسله جلیله یا بر سر حکمرانی  
 نهاده شهریار ناجدار محمد حسنخان بن فتحعلی خان فاجار است که بعد از قتل نادر شاه چند با شاه خواجه نادر میرزا  
 چون در و آقا ر شد سلطنت نندید از وی جدائی نموده با ستر اباد آمده بنای فرمانفرمائی گذاشت و نواب فتحعلی  
 خان پدید شهریار میرزا و بعد از استیلاء افغان با صفها در نزد شاه طهماسب ثانی در کال عزت و اعتبار بلکه صاحب  
 اختیار و مدار امور سلطنت بود و با شاه طهماسب بخراسان رفت و در ارض اندلس بجز یک نادر شاه در قاصص هزار و صد و  
 هشتاد هجری شهید و در خواجده بیع مدفون شد خلاصه نواب محمد حسنخان در سمت آذربایجان با آزاد خان افغان  
 جنگ کرده او را شکست داد ولی آنحضرت نیز بدست یک از غلامان خود بدجه شهادت رسید و کویجان زند بر ایران  
 مشغول شد اولاد نواب معظم طاب تره را بقرق و فارس کوچانید و حضرت آقا محمد خان اکبر اولاد نواب محمد حسنخان  
 را در شیراز نزد خود نگاهداشت اما شهریار خلد مکان حسینقلی خان خلیف دیگر نواب محمد حسنخان در ستر اباد بنا  
 طغیان را گذاشته فرمانفرمائی مشغول شد و از بلتک همت سر با طاعت نندید فرود نیار و در آن مرز مین بود تا  
 بدست کابینه شهید شد پس از چند در ماه صفر سنه هزار و صد و سه کویجان در شیراز در گذشت و حضرت آقا  
 محمدخان از شیراز بطرف طهران رانده و خود را با ستر اباد رسانیدند و سرکشان آنولایت را مطیع ساختند و علم کشود  
 کشائی بر افراشته اکثر بلاد دارالمرز و کیلانات را بنصرف در آورده از آنجا عازم عراق گردیده مدتی با امرای زند که در دار  
 نمودند چون علیراد خان زند که از سایر زندیه بزرگتر و شوکت اخلاص داشت در سال هزار و صد و نود و نه در گذشت  
 سلط و افتاد حضرت آقا محمدخان افرود و محض در سال هزار و دو و بیست و شش جمع مالک عراق و فارس و کرمان و  
 بزم و بنا در محض حضرت پادشاهی کردید اتمی

سپرزین ملک در ظرف پانزده  
 سال سه مرتبه از جانب حکومت  
 هندوستان بنفارت با ایران  
 آمده سفر اول او در هزار و  
 هشتصد و سی بود که در  
 است با هزار و دو بیست و پانزده  
 هجری

سپرزین ملک که از جانب حکومت هندوستان بنفارت بدر بارخان مغفور فتحعلی شاه طاب تره آمده در  
 تاریخ ایران که تالیف نموده گوید

طایفه ترک فاجار که مدتی متعادی در شامات سکنه داشتند و امپرتور کورکان آنها را از شامات با ایران آورد  
 یکی از هفت طایفه میباشند که با هم منقوش شده شاه اسمعیل اول پادشاه صفوی را بخت سلطنت ایران جلوس دادند  
 و از آنجا که با وجود کثرت عدد بوصف شجاعت و جلاوت موصوف بودند شاه عباس بزرگ آنها را بسبعه شعبه منشعب نمود  
 شعبه اول را در کجی سکنه داد تا جلوناخت و ناز لکن بهار را بکمر بند شعبه دوم را در مرو ساکن ساخت که مانع تجاوز و تحلی  
 اوز بکها بدست خراسان باشند شعبه سوم را در ستر اباد مقیم گردان تا ترکها بیکه در امانند ساحل و دشت طرف مشرق  
 در پای خزر مسکن دارند بواسطه جلوس کبری اینچاعت اسباب خسارت و اضرار رعایای ایران فتنه و تیرا که مز بود  
 بواسطه جلاوت ذاتی و بواسطه حیرت های کوی که در او ان مخاطرات بدانها پناه میجستند و که نمیتوانست آنها را  
 نقاب کند همواره نواحی کرکان و ستر اباد و آن حد و را غارت مینمودند خلاصه شعبه اولی که در کجی سکنه داشتند  
 بنادر شاه پیوسته بدینواسطه آنها را قیافشار نامیدند و بعد از فوت نادر شاه این شعبه رو بنتر ل و هبوط گذاشتند  
 شعبه دوم که از هر طرف دشمن آنها را احاطه کرده بود همواره در کار بودند که ولایت مرود را از حمل مرودس و در تصرف  
 داشتند باشند شعبه سوم مایل و مستعد بودند که بخت سلطنت ایران را نضاح بنامیند چیزی بکه مانع نیل این مرام میشد

نفاق بود که روسا آنها با یکدیگر داشتند این شعبه از فاجار به نبرد و طایفه منقسم شد طایفه موسوی بخاری باش  
 و طایفه دیگر معروف با شاقه که در دیدند و روسای بخاری باش رئیس کل بودند نازمان نواب فتحعلی خان که از روسا  
 طایفه اشافه باش بود نواب فتحعلی خان چون سردار فشن شاه طها سب شد افتدار کلی بهم رسانیده ریاست بخاری  
 باش و اشافه باش هر دو بر او مقرر آمدند در شاه نواب فتحعلی خان را نکشت و چون میخواست نفاق و تفرقه میان این دو  
 افتاد یکی از بزرگان طایفه اشافه باش را که زمان بیک محمد نام داشت حکومت استرآباد داد نواب محمد حسن خان برای حفظ  
 جان خود در میان ترکها بنک در حوالی استرآباد گله های خود را میچراپند رفت و با مداد این طایفه بعضی دیگر از  
 هواخواهان خود در ایام حیات نادر شاه بعضی وفات جمله بیلاد منصرف نادر شاه بمنو انجا چند فقره فسخ کرده و انجا  
 مغلوب گردیده میان طوایف ترکمان رفت و در آنجا میزیست

خلاصه نواب محمد حسن خان تقریباً مدت بیست سال در میان ترکها بسر بردند تا نادر شاه درگذشت چو از فوت نادر شاه  
 خبر داشتند از میان ترکها معاودت فرموده و چند ماهی نگذشت که فشن مغربی برایشان خوج جمع کردند و لشکر عظیم  
 شاه افغان را که بجا زدن آمده بودند شکست دادند مقدارن سال هزار و هفتاد که گرنجان شیراز را مالک شده بود  
 نواب محمد حسن خان در آذربایجان مشغول جنگ با آزادخان افغان بودند بدین واسطه گرنجان وقت و موقع بدست آورده  
 تمام فارس را مسخر کرد و اصفهان را نیز بگرفت و قسمت علی از ایالت عراق را نیز منصرف شد ولی بعد ها مجبور گشت که بیشتر  
 از این منصرفات را واگرداند زیرا که نواب محمد حسن خان پس از آنکه آزادخان را شکست دادند و باز نادران را ضمیمه بلاد منصرف  
 نمودند لشکر عظیم بطرف اصفهان کشیده و در الحقیقه بعد از فوت نادر شاه چنین لشکر کشته در ایران نشده بود گرنجان  
 نهایت کوشش را بعمل آورد که جلوسینیلای نواب محمد حسن خان را بگیرد اما تمام کوشش او بیفایده شد و معاودت بیشتر از  
 نمودن نواب محمد حسن خان تصمیم شدند که بر اثر او رانده شیراز را محاصره نمایند

نواب محمد حسن خان بعد از آنکه در اصفهان اقیه و نثار خود را دیدند هشت هزار نفر از لشکر بان خود را در اصفهان گذاشته  
 با سی هزار نفر بطرف شیراز رانده این شهر را محاصره کردند و این در سال هزار و صد و هفتاد و یک بود اسباب نافع  
 این شهر را محاصره داشت یک بار و خالی و چند برج مدور که جلوان بر جها خندق عمیق بی آبی بود اما در ایران در این زمان  
 علم حمل و پور شرجان درجه ناقص میباشد که علم مدافعین بر این مختصرترین استحکامات بنظر محاصرین که عده لشکر سوار  
 بودند خلی مستحکم میآمد و توپچنها که هیچ مهارت در توپ اندازی نداشتند هر روز بر حمت خیل تراز توپهای سپاسین  
 خود می انداختند مع ذلك هیئت مجموعی اسباب اطینا محاصرین بود و جمله در فصل شروع شد که صحابه اطراف شیراز با  
 و خرم و دشمنهای از جو بات و اراضی بر حاصل بود و محاصرین چنین نمود می نمود که از آذوقه دست نکی نخواهند کشید و  
 میتوانند بسهولة ذیل محاصره را امتداد دهند اما این امید و آرزوی صبدل پاس کردید محاصرین بخصوص اینکه شروع  
 بکار کردند و چهار حمله محصورین شدند دسته ها فشن متوالیا از قلعه بیرون آمده ناره قنار را اشتعال میدادند  
 عساکر نواب محمد حسن خان با این دستجات فشن گرنجان مشغول زد و خورد بودند که یک سواره عده سیرداری شیخعلی  
 خان سردار رشید زید بار و د آنها ناخن و بنهب اموال آنها پرده اشد سکنه نواحی مجاور نیز مزاع و حاصل خود را آتش  
 زده اهل و عیال و اموال خود را بر داشته بگو هم از حوالی رفته قلاچال را ملازم و ما من خود ساختند لهذا آذوقه  
 در آرزوی نواب محمد حسن خان کیجا شد و لشکر بنای شکایت و خود سری را گذاشتند خشک و طول محاصره غالباً  
 عساکر منظر را شاکی مینماید و بطعینان و نافرمانی و امیدارد تا چه رسد بلشکری که تمام نظم و اسباب پوئیک

آنهم

آن هم زور یکفر از شاهزادگان آسیائی باشد بدتر از هر آنکه بسیار از این قشون را نازه گرفته و از قشون نظامی و جنگ بکاره بجز بودند و عیب بگر آنکه مابقی که جنگ دیده بودند نازمان فراز از ادخان مدتها با هین شاهزاده بجبال اشغال داشتند و پس از فرار مشارالیه در زربستان شاهزاده در آمده و مقبل خدمت کرده بیده خلاصه کریمخان که عساکر او پیوسته محاصرین راعقب مینشاندند شهر سپهر از کمال خوبی کا هداری کرده بعلاوه کمال جهاد را میکرد که بی نظمی و نقره در لشکر نواب محمد حسنخان اندازد چنانکه آخر الامر باین مقصود نایل آمد و هر روز یکدسته از عساکر نواب محمد حسنخان راه فرار را پیش گرفته و این فقره بر نواب معظم معلوم میفود که باید دست از محاصره کشیده معاودت کنند بنا بر این بزرگوار گفته باصفهان باز گشتند و قشونیکه در اصفهان گذاشته بودند ناز عدم پیشرفت کار شاهزاده با خبر گشته و منفر فرکر ناچار راه مازندران پیش گرفتند و در هنگام ورود مجازندران مجموع عساکر نواب محمد حسنخان دوازده هزار نفر بود کریمخان بعد از آنکه بر اسعدا خود اقرود و ایالت فارس را آرام کرد متوجه اصفهان شد اهل اصفهان با کمال شغف و زار پذیرفتند پیشتر از شهر شاعراق نیرافند با اهالی اصفهان کرده مقدم کریمخان را کریمی شمرند و کریمخان که این مساعدت مردم را دید بنای حرس سلوک را با ایشان گذاشت

پوشیده بنا شد که حالت نظامی و عسکری کریمخان چندان نغریغ نداشت از وقتی که سوک اسطنت بسرا افتاده چندان بیفوخان نایل نگردیده بلکه اغلب طور شکست بخورد که حالت پاس با و دست میداد اما چون اهالی ایران همواره او را بر رقبائی که داشت ترجیح میدادند از یک فتح مختصر منفعت کثیره عایدا و میشد و نلازم شکستها او را مینمود و این از باب خوش رفتاری او بود که از روز کمال بزرگ منتهی مردم میفود و از آنجا که از او باین حرس سلوک موجب فخرها عظیم و سبب از دیاد شوکت و افتخار خود دید بر خود ختم کرد که همواره براه عدل و انصاف رو و از این سلسله عدل نماید

همان وقتکه کریمخان در ایالاتیکه نازه تصرف کرده بود بیوفرا کردن نظم اشغال داشت شیخعلی خان را با بهترین دستها قشون خود مجازندران فرستاد که نواب محمد حسنخان را کاملاً منقاد نمایند و اگر طوایف فاجاریه با هم اتفاق داشتند ظن غالب اینیکه این مقصود کریمخان بعل می آمد پیشتر از این مذکور شد که فاجاریه منقسم بدو طایفه شدند بوخاری باش و اشافه باش رئیس سلسله بوخاری محمد حسنخان نام داشت نواب محمد حسنخان که سالیها بوخاری باش هر دو طایفه را داشتند بنای مخالفت و معاندت گذاشت و بعضیده بعضی این خلاف و عناد بجز بیک کریمخان و بسبب عداوت های او بود و شاید که بواسطه کینه قدیمی که نواب محمد حسنخان سبب شده که رئیس سلسله بوخاری باش از ریاست خود محروم ماند این منافضت حاصل شده بهر حال چنین حالتی مشارالیه سایرین نواب محمد حسنخان را گذاشته بلسکر شیخعلی خان پیوستند نواب معظم بواسطه این خیانت جمعی از طایفه بوخاری باش را براه عدم فرستادند و این فقره کینه پرین فیما بین بوخاری باش و اشافه باش را تجدید نمود و شیرازه اتفاق فاجاریه از نو گسسته گشت و نواب محمد حسنخان بدین جهت از غلبه ظفر ما بوس کرد بپند مع ذلک مقابلت و معاندت دشمن پر ا خند شیخعلی خان و عساکر او میدانستند که نواب محمد حسنخان دلبرانه جنگ خواهند کرد امیچه شمر که بعضی دستجات قشون نازه کار جنگ آمده و از رسو و آداب حرب بجز بودند و بمحض شروع بقتال راه هر همت پیش گرفتند باقی عساکر نیز آنها را پیرو کرده کریمخشد و نواب محمد حسنخان شربت شهادت نوشیدند

کونینا کر اسب نواب مغفران ما بزمین بخورده بود چنان خود را بسلاطنت میداد جنگ بدر سپردند چون اسب افتاد دشمن فرحمن یافت و اول کسیکه بان بزرگوار رسید رئیس سلسله فاجاریه بوخاری باش بود که بواسطه عداوت زیاد

در ششمه سابق الذکر دیگر ایشانرا امان نداد و چون روح نواب معظم راه غرافت بهشت گرفت فائز فتح کریمجان و غلبه را  
بر شهر باری که اسبیل ترزل و مانع آرا مشا و بود اعلام نمود

سپردن ملک در جای دیگر از همین کتاب گوید و قنکه یک شعبه از فاجار به درار منستان سکنه داشتند مساکن آنها در کنار  
یک از رودخانه های این ایالت بود بعضی در طرف بالامرتع داشتند و برخی در طرف پایین آنها که در طرف بالامرتع  
داشتند موسوی به پوخاری باش شدند و آنها که مرتعشان در سمت پایین بود اشافه باش نامیده شدند و اینمغی سبب  
انفصا آنها شد و علاوه بر این باز هر طایفه بحدین شعبه منسبت منقسم گشتند بعضی از خانواده ها با اسم بیکفر رئیس  
یا بنام بیکهکده که در حوالی آن مرتع داشتند موسوی شدند مثلاً طایفه دولو چون در ابروان مدتها در حوالی فریه دولو که  
نزد بیک شهر ابروانست اقامت داشتند معروف به دولو که دیدند

مؤلف گوید قریب دولو هنوز بحال خود بر فراز است چنانکه بندکان اعلم حضرت شاهنشاه دام ملکه در سفر نامه مبارکه سفر  
دوم فرنگستان در سال هزار و دو و سیست و نود و پنج میفرماید و جمعه هفتم جمادی الاولی باید رفت با بران هر جا رانده تا  
رسیدیم به دولو دهکده مغرب شیطانیه فاجار قدیم دولو اینجا می نشستند آب این رودخانه از کوه دست راست می آید  
دهان اینخود باغات و اشجار زیاد دارد

بعد از آنکه ایل جلیل فاجار بیا لک ابران آمده و پادشاه صفوی آنها را در اماکن مختلفه جای داد شعبه عمده آنها که اشافه باش  
و پوخاری باش بودند را ستر اباد سکنه گرفتند از زمان نواب فتحعلی خان رئیس سلسله پوخاری باش پادشاه هر دو طایفه  
را داشت نواب فتحعلی خان که از سلسله اشافه باش بود منصب باری لشکر شاه طهماسب یافته بدین واسطه بر افتاد  
او فرود و در میان فاجار به اول شخص و رئیس کل گشت اما از آنجا که طایفه پوخاری باش قلیا بریاست نواب معظم راضی نبودند  
بعد از آنکه آن بزرگوار بدست نادر شاه شهید شد در خرابی کار پسر واحد او نواب محمد حسنخان همدست شدند ناچار  
نواب معظم بمیان نزل که در طرف مشرق دریای خزر سکنه داشتند رفتند و قسمتی از خانواده و اقا را بایشان همراهی کردند  
که از آنجا بیک علی و هر دو بجان (الله و بجان) پدر نوروزخان ایشیک آقاسی باشی خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه طاب شاه بود  
خلاصه نواب محمد حسنخان ۲ الفورا استعداد بهم رسانید که بنوانند با دشمن خود یعنی سلسله پوخاری باش بجادگی درازند  
و ممکن بود که بر آنها غلبه کنند اگر نادر شاه و سلاطین بعد از او حمایت از سلسله فریوره نمیکردند

عادل شاه برادر زاده نادر شاه و جانشین او و قنکه حکومتها زندران را داشتند و طفل نواب محمد حسنخان را گرفته  
حبس کرد و پسر بزرگتر را یعنی نواب آقا محمد خان را که آن وقت میان پنجسالگی و شش سالگی بودند مقطوع النسل نمودند  
که از اینکار داشت حاصل نشده بلکه برعکس نبی داد پادشاه آینه ابران که از بسپار از تمتعات خود بی بهره ماند اینجا  
تمتع اینکه در مشرق زمین برای بزرگان بهیچ مانع حاصل میباشد یعنی میتوانند زجان عدیه در جباله نکاح خود  
دلاورند و مباشرت با آنها اسبیل و هنر و فنور حواس و قوای آنها که در خلاصه این حرمان از تمتعات اینشا هزاره  
بر آن بداشتند که خطا و لذای خود را از راه دیگر حاصل و تحصیل نمایند این بود که نواب آقا محمد خان از طفولیت بحال  
سروری و عطف و شوکت افتادند و در تمام مدت عمر خود در این اندیشه و قصد بودند و بار سوغ تمام همین منظور  
را پیروی می نمودند و از همان وقت یعنی از ابتدا معلوم بود که چه قدر استبداد را می دارند

بعد از مردن عادل شاه نواب آقا محمدخان از حبس آزاد شده پید چنگوار خود پیوستند و در تمام انقلا با نزل و کار  
با ایشان همراهی داشتند بعد از آنکه نواب محمد حسنخان مغلوب عساکر کریمجان و شهید شدند نواب آقا محمدخان

بچنگ کریمخان افتادند و کریمخان با ایشان بنحو خوبی رفتار کرده سر و آبرو از حرم و احترام فروگذار نمیکرد و در تمام وقت  
 در شهر با کریمخان بودند بحصول عارف و پیر و اخلاص و عقلا کسب انش میگردند و از مطالعه کتب برینش خوبی افتادند  
 تا بتوانند شغل خطیری بلکه باید که در می مقلد کردند بد رسته از عهد برآیند بنا بر این حسن تدبیر و اصابت رای ایشان  
 بد وجه رسید که کریمخان در مهام معظمه دولتی غالباً با ایشان مشورت مینمود و ایشان از ایران و پس مینامیدند  
 که پیران و پست و زبرافراستیل اول و زبرافراستین بل ترک بوده است خلاصه نواب آقا محمدخان با کمال عداوت و تنگدستی  
 زنده داشتند در مشورتی که کریمخان با ایشان مینمود چنانست نمیکردند و رای صاحب خود را با اظهار می داشتند  
 زحمت اول نواب آقا محمدخان با ایشان حالت محال داد چنانکه در همان زمان که گرفتار کریمخان بودند تو انش شد  
 خود را با او باز ندید در دل نگاهدارند و طرف اعتماد آن پادشاه کردند و ازین راه که کریمخان پول زیاد بنواب  
 معظم میداد که مصارف خود برسانند و ایشان از امر خص کرده بود که در هر جای شهر شیراز میخواهند بگردند  
 بلکه اذن داده که بر بهترین اسبها او سوار شده روانه شکار شوند و در صحراهای حوالی شیراز مشغول صید باشند  
 گویند طوری نواب آقا محمدخان طرف اعتماد کریمخان شده بودند که وقتیکه حسینیلیان برادر ایشان در مازندران رایش  
 شورش برافراشته بود کریمخان میخواست نواب معظم را مودع این فتنه کند و بمازندران فرستد میرزا جعفر و زبر  
 کریمخان او را از اینکار مانع آمد و وقتیکه نواب آقا محمدخان پادشاه ایران شدند از روی کرامت نفس با کسان میرزا جعفر  
 نیک نمودند و فرمودند تکلیف میرزا جعفر این بود که با قای خود خدمت کند بجلاوه فراهم ضمناً از موالک بجان داده چه اگر  
 بمازندران میرفتم وضع طور بود که می باید علم سرکشی برافرازم و شوکت کریمخان زیاد از آن بود که من بنوام او را  
 مغلوب سازم

پیش ازین ذکر شده پس از فوت کریمخان چگونگی حضرت آقا محمدخان خود را از شهر از باصفها رسانیدند و با چه  
 عجله بمازندران آمدند در اینوقت سن مبارک ایشان سی و یک سال بود و اگر چه ضعیف اندام بودند اما بواسطه  
 که خوردن و پرکار کردن قوه ایشان زیاد بود و در کمال خوبی شکل امور شاقه را میتوانستند نمود چه از بس در  
 شیراز مداومت رسواری و شکار کرده معناد شده و جوارح و اعضا حالت بخشنه بهم رسانیده هیچ چیز ایشان را  
 خسته نمیکرد و از بس در شهر از در مواقع فرصت هلاوت در رسید و رکوب فرموده میتوان گفت ننگ کافی ایشان  
 بر پشت اسب بوده در مدت هجده سال جنگ که برای تحویل استیلا کامل نمودند و از سختی مایل نریز میگردیدند  
 و اینقدر لازم بود زیرا که در این هنگام مهابت و سنان خود مهربانی و ملاطفت نمابند نیز صد مانی که سابق  
 متخل شده فراموش کنند و دشمنان خبیله فدای خود را مشغول عفو و احسان نمایند هیچ چیز درجه بلند عقل حضرت  
 آقا محمدخان مثل ثابت مینماید که در وقت قدرت و اقتدار از رؤسای سلسله فاجار که با ایشان دشمن بودند  
 انتقام نکشیدند و از جرم آنها در گذشتند مخصوصاً کسانی که در خون پدر و آقا و ایشان شرکت داشتند بلکه  
 آنها را یک ایشان از در طفولیت بپادشاه تسلیم کرده و مبتلا بعضی بطیالت نموده بودند و عفو و احسان شدند  
 و این بلبلیت که بانه انحضرت اختلاف و کینه بر پنه را از میان طوایف فاجار که با یکدیگر خوبی بودند نفع سا  
 ناج و تخت سلطنت ایران را با ایشان تسلیم مخصوص چون بد رسته بر فواید اتفاق و اتحاد واقف شدند همان است  
 بلکه پیش از این مجوز صدقات آنها میغرض داشتند بنوازش و الطاف خود امیدوار ساختند طرف اعتماد نمودند  
 خلاصه وقتیکه حضرت آقا محمدخان از شهر از حرکت کردند هدفه نفر با ایشان بودند و با وجود میل همراهمان در

درنگ نمودند فقط یک شب در طهران ماندند و از جانب که می طهران از ایشان پذیرائی خوبی شد پس از آن راه مارندران را پیش گرفته و در راه یک مبلغی از مالیات زندران را که بشیر از میردند تصاحب نموده در زندان بشیر از طوایف بلاد دور آنحضرت جمع شده را با سنا ایشان را اسباب بکنج خود دانستند اما فی القوم حضرت آقا محمدخان از جانب طوایف فاجار بلکه از طرف خانواده خود اشکالات در حلقه راه خوش دیدند یکی از برادران ایشان بر ضد آنحضرت برخاستند رضی فلجان از اخوان ایشان فتوئی برای خود جمع کرده و خود را پادشاه نامیدند جنک محضی فیما بین حضرت آقا محمدخان و برادر در مدتی چهار سال در کار بود که گاهی بخوابن ریا و زمانی طالع آنرا صد کار انبئی

میسترمار حرام انگلیسی در کتاب تاریخ ایران که تالیف نموده گوید سلسله علییه فاجاریه از طوایف ترک توران زمین میباشند که برخی از آنها همراهِ عساکر خچک خان با بران آمدند و در این مملکت سکنته گرفتند امیر تیمور کورگان چون بر مملکت ایران اسیران یافت آنچه از این طایفه جلیل را که در این مملکت ساکن بودند بجای وطن داده بسورتی فرستاد (سورتی عبارت از مملکت شام است سورتی که اسم کلی است بسورتی که کل سرخ است چون در شام زیاده میزدند این مملکت را سورتی نامیده اند) پس آن مدتی با سنا تمامندای اردبیل که از اکابر امامیه بوده امیر تیمور این طایفه جلیل را رخصت معاودت با بران داد و این طایفه یکی از طوایف سبعة فریاد بود که اتفاق کرده اولین پادشاه سلسله صفویه یعنی شاه اسمعیل این مملکت را تحت سلطنت ایران ناپا نمودند

اروستان اهل جلیل فاجار اول کسیکه اسم او در تواریخ ثبت مسطور است پهلای خان فاجار است که در زمان سلطنت شاه طهماسب اول حکومت فندهار یافت چون سلطنت این پادشاه عباس بزرگ رسید چنان صلاح دید که بعضی از فاجاریه را در مرو و برخی را در ایران و قسمتی را در فرزین و بقیه را در اشتراباد مکان دهد ایالت شهر اشتراباد در سمت جنوب شرق بحر خزر واقع است اهل جلیل فاجار به پنج طایفه منقسم بوده اند اول بوخاری باشد و دوم اشافه باشد سیم دولو چهارم شامیانی پنجم فریبی در ایام قدیم رئیس طایفه بوخاری باشد رئیس تمام اهل جلیل معظم بوده تا وقتیکه نواب فتحعلی خان رئیس طایفه اشافه باشد که سردار فتون شاه طهماسب ثانی بود رئیس سلسله علیه کردید و از آن بعد یا تمام طوایف فاجار حق خانواده نواب فتحعلی خان کردید و نادر شاه نواب فتحعلی خان را شریف شهادت چنان نواب محمد حسن خان بعد از آنکه فتواری بودند و در میان ترا که بر میبردند در زمان سلطنت نادر شاه با چند هزار سوار ترکمان لشکر اشتراباد حمله کردند و آنجا را مسخر نمودند لکن در ثانی فتون نادر شاه این شهر را مفتوح ساخت نواب محمد حسن خان بزرگشان رفتند بعد از قتل نادر شاه نواب معظم با بران معاودت فرموده و در جنک بافتون کریمخان زند شریف شهادت چشیدند

نواب آقا محمدخان ولد ارشد نواب غفران ماب معظم در زمانیکه بد زبیر کوار ایشان شهر اشتراباد را محاصره کرده بودند سن لشکر نادر شاه که فتار کشند پس از آنکه نادر شاه را یکی از خدمتگاران او در حوالی مشهد مقدس قتل رسانید علیفلجان برادر زاده نادر شاه که در هران بود بر تخت سلطنت جلوس کرده و ملقب بجادشاه گشت حکم و حشانه او نواب آقا محمدخان مقطوع النسل کردیدند بعد از قتل آمدن نواب معظم از حبس عادل شاه بد در فتنه بخشدیدر بزیر کوار خود شناختند و قیامتکه نواب محمد حسنخان در جنک بافتون کریمخان زند شهید شدند نواب آقا محمدخان تمکن عساکر کریمخان نموده و آنحضرت معظم را بشیر از زند کریمخان آنحضرت را زاید الوصف محترم میباشند از آنجا که ایشان شخص بسیار با اقبال با کفایت و درایتی بودند کریمخان ایشان را ایران و سیه میامید پران و سه

مفصلاً از مقتضای دلیل  
میرزا طاهر صفوی است  
که از معارف بوده

و در صیانت پسر افرا سب با سب ( بعد از فوت کریم خان حضرت آقا محمد خان مجلاز نمازندان نشر پسران  
 شدند و در آنجا مشونی جمع و بجهت کرده پس از مدت ده سال جنگ و جدال آخر الامر شهر کرمانرا مستخر کردند  
 و لطفعلیخان زند را که دعوی ثغاب با آنحضرت داشت براه عد فرستادند و در سنه هزار و دویست و هجده هجری  
 مستقلا شاهنشاه ایران کردند و چون حاجی ابراهیم کلانتر شهر شیراز خدمت نمایان با آنحضرت کرده  
 و اسبیل استقلال و استیلا ای ایشان شده یعنی دروازه شیراز را در زمان غیبت لطفعلیخان برده و عساکر  
 حضرت آقا محمد خان باز نموده او را بیادش اینخدمت منصب وزارت دادند

پس همین مؤلف گوید نوآب آقا محمد خان قبل از آنکه افتدار کامل در پیران بمرسانند بر و سها غلبه نمودند و شرح این  
 کفنه در محل خود بیاید

پس گوید در او اینکه حضرت معظم برای حصول استیلا و کامل شمشیر منزند چند سال در سراسر اقامت داشتند  
 و در آنجا قصر برای خود بنا فرمودند که عبارات از حیاطهای خوش در او چندین طاق عالی فستک و معانی ناریک  
 بود و دیوارهای آن قصر از پرده ها نقاشی که تصویر فتوحات شاه اسمعیل و نادر شاه در آنها نقش شده  
 بود مزین ساخته بودند مردم اهالی ایات با مکت کیلان و مازندران و استراباد مخصوصا مایل بتبعیت حضرت آقا محمد خان  
 و تقویت ایشان بودند و بعد از آنکه لطفعلیخان زند مقبول شد و حضرت معظم اقتدار کامل حاصل نمودند طهران را  
 پای تخت خود قرار دادند و جهه اینکه انبشهر را بدار الملک اختیار کردند نزدیک بودن آن نمازندان و استراباد بود و بعد  
 از آنکه دشمنان خود را که از طایفه ننده بودند مقهور و نابود ساختند بعضی افار ب خود را که براه سرکته و طغیان  
 میرفتند و چندان میل بانقیاد و اطاعت پادشاهی نداشتند بسبب این خورشید نیند و کلبه قصد منظور این پادشاه  
 این بود که تخت و تاج سلطنت ایران مسلم برای برادرزاده آنحضرت (خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه) باشد

حاجی ابراهیم زهر حضرت آقا محمد شاه در ضمن محاوره و مذاکره با سپهر زن ملکم گفته بود روزی حضرت پادشاهی مخاطب  
 ساخته فرمودند آیا شخصی بکفایت و درایت تو میتواند صحیح بر این بگذارد که من عساکر و لشکرهای خود را با تو بچا و  
 سپاهیان منظم و لنگ و سرباز و مقابل نمایم و آنها را در معرض خطر در آورده اسباب خرابی عساکر خود را فراهم آورم  
 البته انیکار بر وفق درایت داشت بنسبت من آنها را در میان بیابان محاصر خواهم کرد انهی

نواب سبط الاحاجی معتمد الدوله ابن مرحوم و لیعهد رضو اجا بیکاه نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه در کتاب  
 جام جم میفرمایند

طایفه فاجار از نسل فاجار نوابانست این سلسله از کجی با ستر اباد آمده اند و اول کسیکه از کجی آمد شاه قلیخان بود که  
 در او خرد و لث شاه سلیمان صفوی با ستر اباد آمد و در استراباد دختر یکی از اعیان را گرفت و بدین واسطه در آنجا  
 رحل اقامت افکند و از او دو پسر شد یکی مستقیم فتحعلیخان که حد سلاطین فاجار است دیگری فضلعلی آقا که جد  
 خواین کبار است پیش از وفات شاه قلیخان پسر بزرگ او فتحعلیخان رئیس قوم و بزرگ طایفه گشت  
 و در وقت افغان هزار نفر سوار از اعیان فاجاریه با عانت شاه سلطان محسن بر و در اصفهان بخدمت شاه  
 سلطان محسن مشرف شد و زحمت او بواسطه اینکه او را در خدمت شاه متهم کردند که خود داعیه سلطنت دارد  
 مقبول نیفتاد و ملا باشی و حکیمباشی که در قلب شاه رسوخ داشتند پیوسته از او سعایت داشتند میگفتند  
 افغان دشمن خارجی و غریب است میتوان چاره او نمود ولی فتحعلیخان که از خود هزار سوار دارد و بیادین شاه  
 باصفهان آمده اطمینان حاصل نمیتوان کرد نا شاه ساده لوح را آن کلمات او اهی مقبول افتاده شمشیر جفا انگشا

و در راه صواب و طریقه خرم را  
 هنر میدانم و بر مصالح اینکار بیدار  
 واقف باشم کوله نشود و در  
 هرگز بمن نخواهد رسید با وجودیکه  
 آنها عقول از کار خود خواهند  
 داشت بکنار بهم جابجاییکه میل دارند  
 بر نندم



باوعنایب کرده اذن انصار داد و آن شمیر در سلسله فاجاریه بشکون و میمنت معروف و فاسد الفصحه  
 رفتن چنان لشکر را افغان از پنج اقبال خود دانستند و الحق چنان بود و آخر الامر فتح علی خان با از راه اخلاص  
 که بدو مان صفت داشته و بیکه شاه طهاسبانی بطهران آمد بخدا شنافت و خدمتها کرد و در رکاب با و بخراسان  
 رفت و در خراسان وجود او را نادر شاه مخلص خود میدانست و در نزد شاه طهاسب سوگند کرد و از آن ملوای حکم قتل او را  
 صادر نمود و در چهاردهم صفر سال هزار و صد و سی و نهم هجری زد و در مشهد مقدس بدست مهد بیگ فاجار و لو بجزیک  
 نادر شاه و اجازه شاه طهاسب کشته شد و در مقبره خواجده بیچ مدفونست و چهل و دو سال از عمر او گذشت بود و از  
 فتح علی خان یک پسر باقی ماند مستی محمد حسنیان و در اسبیلای نادر شاه در دست ترکان فرار و منواری بود و هر قدر  
 نادر شاه خواست که او را بدست آورد ممکن نشد و پس از کشته شدن نادر شاه از دست ترکان با سربا باد آمده بخمال سلطنت  
 افتاد و اکثر ولایات عراق و آذربایجان و اصفهان را مستخر کرد و آزاد افغان را که او نیز داعیه سروری داشت از او می  
 بیرون نمود و بخاصه شیراز شنافت و کرمان را محصور نمود و در آنجا صحرای فاجاریه پوختی داشت و غیره از حقد فیم و  
 کینه دیرینه چنانست که او را در اسکسند فرار کرد و در محمد حسنیان را بحال توقف نماند با سربا باد آمد و اگر چنانست فاجاریه  
 پوختی داشت و غیره نبود هر چند قلعه شیراز برودی مفضوح میشد چرا که قلعه کبان بجهت آذوقه و علوفه کال نیکی را داشتند  
 و کرمان منقلب و لشکر کشیده روان شد و خود در طهران ماند و بشیخ علی خان زند را بماند زان فرستاد و در مابین اسبیلای  
 و اشرف جنگی بین این دو سردار واقع گشت محمد حسنیان شکست خورد و در جرجان آباد در شهر جامدی الاخره هزار و صد و  
 هفتاد و دو هجری بدست سبزی علی بیگ نوکر خوشش بجزیک فاجاریه پوختی داشت بدین وجه شهادت رسید و سربا در طهران  
 بخدمت کرمان آوردند و در تاریخ زندیه نوشته است که سربا با مشک و کلایب شسته سه روز در نزد کرمان بود  
 بعد از با حرم با سربا باد فرستاد که بجهت او ملحق ساختند و فاجاریه کوبید سران امیر نامدار در بقیعه شریف حضرت  
 عبدالعظیم مدفونست از محمد حسنیان پسر باقی بود اکبر و ارشد اولاد آقا محمد خان است دیگران حسینقلی خان و جعفر  
 قلیخان و مصطفی قلیخان و مرتضی قلیخان و علیقلیخان و رضاقلیخان و مهدیقلیخان و عباسقلیخان است که خراسان  
 در گذشت کرمان زندی پس از شهادت محمد حسنیان که ملک ایران بهمانع او را مسلم شد آقا محمد خان و حسینقلی  
 والد خانان را که از یک مادر بودند بشیر از برسم نواید و برادران دیگر با بقر بن فرستاد (والده شاه شهید آقا  
 محمد خان و حسینقلیخان دختر اسکندر خان فاجار قوئلو بوده است که خواهر محمد خان و عمه سلیمان خان است) کرمان  
 آقا محمد خان را حرم زیاد میکرد و او را بر این وسیله میگفت در کلایب اموازا و مشورت مینمود و در سال هزار و صد  
 و هشتاد و چهار هجری حسینقلیخان برادر امی آقا محمد خان را حکومت امغان داده فرستاد و حسینقلیخان  
 بدامغان رفت و در سال هزار و صد و هشتاد و پنج هجری خانان مغفوران امیر نامدار بعرضه ظهور آمد چون  
 ستمی جداجد بود لهذا در عهد آقا محمد خان ایشان با با خان میگفتند (والده خانان خلد مکان و نواب حسینقلیخان  
 دختر محمد خان عزالدین لوانست) و حسینقلیخان از دامغان باز نذران شنافت و محمد خان داد و حکم مازندان را  
 بازه کان خود خفه کرد و در آن ولایت بنای آستوب گذاشت کرمان بدفع اولشکر فرستاد تا سال هزار و صد و هشتاد  
 و هشت هجری در حوالی قندسک سه نفر از پافیه ابکدر بموناز طوائف ترکان بجزیک کرمان او را گشتند  
 و در تاریخ مبرز افضل الله شیرازی مخلص بجاوری شهادت حسینقلیخان را در بیستم صفر سال هزار و صد و نود  
 و یک هجری ضبط کرده است در تاریخ محمدی که ملا محمد سارو نوشته است و از دهم صفر هزار و صد و نود و دو  
 هجری نوشته است ما تاریخ شهادت از تاریخ زندیه نقل کرده ایم و اعتبار این قول در نزد من زیاد تر است و این

همه انقلاب اختلال که از حسینعلی خان در امور ولایت ظاهر شد که بچنان از بجای خلق هیچ از آقا محمدخان مؤاخذه نکرد و در وقت شهادت او حسینعلیخان پسرش در بطن مادر بود که سیزده روز بعد از ولادت با اسم او خواندند و کریمخان سالها سال بناخوشی سل مبتلا بود و در ماه صفر هزار و صد و نود و سه هجری شدت کرد و عماد آقا محمدخان که زن کریمخان بود برادرزاده را از ناخوشی و اعلام کرد و بعضی نوشته اند که خاله آقا محمدخان زن کریمخان بود و آقا محمدخان بغیر شکار مهارلو بیرون رفت و روز سیزدهم صفر هزار و صد و نود و سه هجری که شهر پرگشت در روزه را بسنه بد دانست که کریمخان درگذشته است زنده از نقری کلمه که در میان خود داشت بخمال او بنفینادند که صید از فینا پشیا رهاشده است و آقا محمدخان از هاجها باز سرداد و باز دولت را بر او آورد و واسب باد و نفر تا طهران ناخ و در کاشان خزانه کریمخان را که از رشت میبردند و پانزده هزار تومان نقد و جنس میشد غارت نمود و روز هفدهم صفر بو زامین وارد شد و در آنجا سران قاجاریه و خوانین ایلات بجلقه اطاعتش درآمد با زندران رفت و در مازندران مدتی با برادران کاوش و سازش داشت و علم را در خان زند که پسران کریمخان بسلطنت نشست بخمال دفع او افتاده بطهران آمد و لشکر میآوردند از آن بایر خود و پسران او خان و سرداری محمد ظاهر خان فرستاد و ایشان شکست خوردند و بنی نوایب سنیطاب الاحاجی معتمدالدوله در کتاب و زمانه سفر مدینه السلام و بنی الله الحرام مؤسوس و جلایه السبیل و کفایه الدلیل سنیطابون اعلی حضرت شاهنشاهی را چنین مسطور فرموده اند

السلطان ناصر الدین شاه ابن السلطان محمد شاه ابن اولی عهد الاعظم عباس میرزا ابن السلطان فتحعلی شاه ابن حسینعلیخان الشهری بچنانوز شاه ابن السلطان محمد حسنخان ابن الامیر فتحعلیخان ابن الامیر شاهقلیخان ابن محمد ولیمخان بن مهدیخان بن محمد علی آقایی قاجار از طایفه اشافه باش از بتره فوانلو و در دولت صفویه از همه امری بزرگ از طوایف اشاجلو و شاملو و نکلو و ذوالقدر و غیره جانت ظاهر شده و مورد سخط سلاطین شده اند از طایفه قاجاریه که مصد خدمات بزرگ بوده اند و چند بار سفارت روم و هند و عثمان رفته اند هیچ خلاصه بکر نر زده است

مرحوم رضاقلیخان امیر الشعرا مخلص هدایت روح الله روحه از معارف و اکابر مصنفین نویسنده گان این زمان مرتب افغان است در کتاب وضع الصحای ناصر مینویسد

اصل اصیل ایل جلیل قاجار بزرگ بن یاقوت بن نوح علیه السلام می پونند و قاجار طایفه از طوایف بزرگ اند و گفته اند چون این ایل جلیل از اولاد قاجار یوبان بن سرتاق یوبان بن سبابا یوبان بن جلا پر بن بیرون بوده اند با اسم محمد علی شهرت نموده و قاجار منقسم بسطایفه شده سلد و سرنکفوت و جلا پر طایفه سلد و ساصلا با پسران نامند و طایفه سرنکفوت می چهل خانوار بود بطوایف مغول پیوسته اند و جلا پر در اکثر بلاد تتران و ایران مکتب و حشمت یافته اند و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده اند اما سرتاق یوبان پدر قاجار یوبان بفرمان اباخان مغول بابابیکه ارغون خان مغز و منصوب و مکرم و مخصوص میبوده و بوکالت و بنایستان پادشاه دینچاه از کنار نظر همچون ناخود در حکم اخی و فرمان گذاری میبوه و از قریل آقاج معان ناخود و نیشابور بملکت خاصه او بوده و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته و غالب سرتاق یوبان در ولایت کرمان میزیسته اولادش در استرآباد و مازندران زیاد شده بعد از فوت سرتاق یوبان در زمان غمازان خان ولایت سرتاق به شورش قاجار یوبان مفوض شد و قاجار یوبان امیری با حشمت و شجاعت و لشکر کشته با شهادت و معانت بوده و این قبیله بنیله بنیله

فاجار نوبان معروف شده و اولاد نامدار و احمق د کامکارش در کرکان و ابران ملجا بزرگان و امیران شده اند  
 و روز بروز تر تعدد و زایش و علت و قرایش بوده اند تا باطد و لثا آل چکنر پیچیده و بر چیده گشته بعضی از اولاد او  
 در ماوراءالنهر بر مسند خانی بخارا منگک بودند و بعد از ضعف و لثا کور کایه و قوت سلاطین بزرگان قونلو بنو ابو  
 القاسم حسن بیلق قونلو که در نسب سلسله جلیله فاجار به مشارکت داشتند او ای کشور سنانی بر افراشته باصفوی  
 بارادش و فرایبنا خضامن گشت شاه اسمعیل صفوی که از طرف پیدر موسوی و از جانب مادر آنچه قونلو بود با فاجار  
 طریق پکانکی و منگک سلوک منو لهذا بزرگان فاجار در موافقت و لثا صفویه کاملاً مساعد بودند و ولایات بزرگ و  
 مناصب عالیه می یافتند و در سنه نهصد و شصت نه شاه قلی بیگ فاجار جدا علی نواب فتحعلی خان فاجار این شاه قلی  
 خان از جانب شاه طهماسب صفوی سفارت دوم رفته با سلطان سلیمان خان فرار عهد موثت و صلح داده مراجهت کرد  
 با کجمله در تمام دولت صفویه غالباً امیرالامرائی فراباغ و کجی و حکومت خراسان و مرو و استرآباد با طایفه فاجار به  
 زیاد لو و قونلو بود همینکه نوبت سلطنت بشاه عباس ماضی رسید چون مادر او انطایفه نبوده از کثرت شوکت و  
 حشمت فاجار به نوقم نموده آنها را سه فرقه کرده فتحی را بمر و خراسان بکومت فرستاد و جمعی را در فراباغ  
 گذاشته فرقه را بکرکان و استرآباد روانه نمود و بارها این طایفه شیخاعت آثار در شوق و سعادت ثلاثه ابران جنگها کردند  
 نازمان غلبه افغانه بر شاه سلطان محسن نواب فتحعلی خان بن شاه قلی بن محمد بن محمد و لیخان بن شاه قلی  
 فاجار قونلو حاکم کرکان و استرآباد و مازندران بجای شاه طهماسب افغانه رزمها کرد و بنیاب سلطنت و کانت  
 دولت مخصوص گشته شاهزاده شیخ ارض اقدس و محامره مشهد مقدس بر و بعد ناد و روضای صادر شهادت یافت  
 و ناد بر بلا خطه مال موگ نام فاجار را که دخل در خون نواب عفران مآب بود و پیدر رشید سخنان و الاشان گشته کبکشت  
 همچنین شاه طهماسب بدست محمد حسینخان فاجار مقبول ساخت تا خود بر علی الذمه باشد و سلسله فاجار به صفویه  
 بایکدی که خویشی است بعضی از ارباب سپهر ابران اند که اصل این قبیل جلیله از ترکستان بروم افتاده اند و در آن ولایت  
 میر نیلوفر سال شصت و پنجاه و سه که هلاکو خان از جانب برادر خود منکوقان بروم رفت با مریدان هر ده  
 خانوار مقبول دو خانوار با او بر فشتد و بر این قرار صد و بیست هزار کس از ایلات ترکستان در کردکابا و مامو آمدند  
 که از سعادت ترکستان الی افضای مصر و شام بجا فطنت تغوی پر از ننداز آنچه ایل جلیله فاجار در سعادت شام موقوفه نمایند  
 شدند و در ایامیکه امیر تیمور کورکان بنام رفت و آن بلاد را مستخر کرد ایلات ترکستان را که قریب بیست هزار نفر بودند  
 مصلحت ندید که در روم باشند ایشان را کوچانیده ما مور ترکستان کرد بعضی از آنها تبرکستان شدند و جمعی در  
 آذربایجان بماندند ایل جلیله فاجار نیز در کجی و ابران ساکن گشتند و برخی کفینه اند چون بتوسط و تشیع جناب سپهر  
 سلطان علی صفوی امیر باطلاق اسرای روم فرغان داد این طایفه جلیله و جمعی از ایلات روم مانده بیکدیگی ملقب بشاملودر  
 آذربایجان و در بار بکر موقوف شدند و ارادت طوائف شاملو و ورمو و تکلو و فاجار و غیرهم بسلسله صفویه و  
 اجتماع ایشان از دبار بکر بدور شاه اسمعیل صفوی مجتهد این منت بود در هر حال ایل فاجار از ایلات ترکستان و د  
 ابران موقوف بوده اند و شاه عباس صفوی جمعی را در فراباغ و کجی و کرکان و خراسان و مرو حکومت و  
 الکای داد و در سال یک هزار و هشت هجری که شاه عباس استرآباد رفت و قلعه مبارک آباد بر ساحل کرکان را که  
 از بناهای شاه طهماسب ماضی بود و ترا که خراب کرده بودند تعمیر کرد حسینخان فاجار زیاد اعلی را از کجی کوچانید  
 با فاجار تیر در آن قلعه سکینه داد که ترکانان حایب خان بناخت و ناز استرآباد بنیابند و نطاول نتوانند و طایفه

مردود

مذکوره فاجار علی الثاویب ران ولایت بحکومت سالاری سپهر اشد ناد در عهد وک شاه سلطان حسین صفوی نوبت سردری فاجار و رعیت پروری اسر اباد بنواب فتح علی خان قونیلور سیدانتهی  
میرزا محمد تقی مخلص سپهر لقب لبسان الملک از مورخین معبر این عهد بدمهد در کتاب تاریخ النوارین یعنی در جلد  
معلق بسلسله جلیله فاجار گوید

در سال شصت و پنجاه و سه هجری سلطنت پیران بفرمان منکوفان بن تولی خان بن چکنر خان مخصوص هلاکوخان شد و منکاف  
عازم عراق و بر انداختن دودمان خلفای بنی عباس از جانب منکوفان حکم شد از هر چه خانوار مغول دو خانوار برای حراست  
و حفظ حدود و ثغور از مکان خود بیرون شده از سرحد ترکستان تا افضای مصر و شام در اماکن مختلفه اقامت کنند بنا بر این  
حکم صد هزار خانوار حرکت کردند و در اماکن منظره جای گرفتند سرتاق نوبان بن سبابانوبان بن جلابون بن بیرون یکی از  
نوبانان و سرداران هلاکوخان و ملازم رکابا و بود چون در سال شصت و شصت و سه هلاکوخان درگذشت و پیش  
ابا فاختا بجای او نشست سرتاق نوبان را مورد مرحمت نموده با نایبکی پیش ارغونخان بر فرار کرد و از کنار چچون تا فرات  
مغان را بحکومت او واکذار و مفوض داشت ابا فاختا بن جلابان هفتاد سال پادشاهی نمود و بعد از او نکودار خان برادرش  
دو سال سلطنت نمود و ارغونخان فرزندش هفت سال و کچاخون خان برادر دیگرش سه سال و باید و خان هشت ماه  
و در سال شصت و نود و چهار هجری غازان خان بن ارغونخان بر تخت پادشاهی جلوس کرد و سرتاق نوبان نیز درگذشته  
بود و پیشتر فاجار نوبان که سلسله جلیله فاجار بنامی پیوندد کمال رشد را داشت غازان خان بنا بر حقوق انا بک بید  
فاجار نوبان را درجه اخضا ص داده آنچه در تحت حکم آن سرتاق نوبان بود با واکذاشت و فاجار نوبان اولاد زیاد بهر  
و عشره آورد و بفرزین نهاد و آنچه با بنام جد و پدر فاجار خواندند و در فایده ایام رسم قانون ترکان این بود که  
هر طایفه بجای آن و جلالت مشهور میشدند سایر طوایف مردم مان خود را بدان طایفه ملحق ساختند بنام انطایفه معروف  
میکشند بالجهلیله فاجار شوکت و عدالت حاصل کرده بشهامت و شجاعت معروف گشتند و چون سلطنت چکنر پدید آمد  
منقرض شد و حکومت سلطان ابوسعید بن الجا بود در سال هفتصد و سی و شش هجری بر سر سلسله فاجار بنام بقضا  
خویشاوندی اهل بیت اندک بقیا بلی که در حدود شام سکنت داشتند پیوسته و آن اراضی را موطن خود دانستند تا  
امپرتور کورکان در سنه هشتصد و سه هجری که سال دوازدهم پادشاهی او بود بفر مصر و شام رفت حکم کرد طایفه  
مغول از حدود شام که اراضی بیگانه است کوچ کنند و با بران آیند و از اینجا بر ترکستان که وطن اصیل ایشانست غریب  
نمایند بنا بر این آن قبایل با بران آمده اکثری راه ترکستان پیش گرفتند و بعضی خاصه طایفه فاجار در آذربایجان و  
حدود کجی و ابروان رحل اقامت افکندند چون دولت کورکاینه ضعیف شد حسن بیک ابن علی بن عثمان اول سلطان از طایفه  
آق قونیلو که نسب فاجار میرسانند در سنه هشتصد و هفتاد و یک بخت سلطنت نشست و چهل و سه سال در خاندان او باقی  
در سال نهصد و نود و پنج که شاه عباس اول بسطنت رسید حکم کرد قبیله فاجار از کجی و ابروان با اراضی اسر اباد  
روند و در قلعه مبارک آباد در کنار کرکان که ناز به حکم پادشاه ایران ساخته شده بود ساکن شوند ایشان بدان محل رفتند  
آنجا که بر بالای قلعه جای گرفتند معروف بقاجار چاری باش شدند طایفه که در پائین قلعه بود اشاق باش نام یافتند  
جماعت دیگر از فاجار نیز بحکم شاه عباس میر شاهیجان رفتند و آنچه منزل نمودند و مقصودشاه عباس از این فرمان محفوظ ماند  
نواحی اسر اباد و مازندران از ناخن ناز تر که و محروس بودن اراضی خراسان از مرز اهن قبایل و از نیک بود نیز منجواست  
سلسله جلیله فاجار پاره که جلالت و جلال موضوع و معروف اند در یکجا جمع باشند خلاصه انطایفه با اینکه از چشتی پاره

وعدۀ قلیل بودند بواسطه شجاعت و مبارزت بر تمامی ابران غلبه کردند و حکایات در شادان و دلبری اینجاعت شنیده  
و دیده شده و بعد از ورود با سواران پوسه با ترکمانان جنگ میکردند و پدران فخر علی خان توانلو همیشه بزرگ این سلسله  
بودند با کمال افتخار هرگز با سلاطین صفویه براه مخالفت نرفتند و حال بر این منوال میگذشت تا نوبت فرمانگذاری فاجا

بفخر علی خان رسید انهی

مؤلف گوید از جمله این منقولات و مسطورات مصنفین مذکور بن محمد هم الله بفرمانه و رضوانه چنین مستفاد و  
محقق میکند که نسب سلسله علییه فاجار به منتهی فاجار نو بان بن سرتاق نو بان از امرای بزرگ غازان خان مغول  
میکردد و نسب فاجار نو بان با غور خان پادشاه خدایر سبزرگوار ترک می پوندد و آخر الامر بترک بن باغبین نوح علییه  
پیوسته میباشد و کلیه قبایل منشعبه از این اصل در افطار عا<sup>ل</sup> خاصه در صفحات ترکستان رتبه خانی و خاقانی داشته  
و قدم بر گاه و مستند حکمرانی گذاشته اقل شوکت ایشان آنکه ایلیخان چندین پل و امیر و حکمران چندین قبیله بوده اند  
از این مواضع آنچه تعلق بزمانهای سپا قدم دارد چون در طی اقوال مؤلفین مزبورین ذکر شده نکرار آن را غیر لازم دانستیم  
اما آنچه متعلق با زمانه آخره است بعضی را بطور اشاره ابراد میمائیم تا ادعا و مدعا ثابت مدلل باشد

از سوانح سال هفصد و چهل و سه هجری بکے اینست که شاه طهما سب بعد از انفضا فصل زمستان بقصد شجیر فندها  
وزمین دوزان حرکت کرده بخار آب همرمند و از آنجا بقندهار آمده اینولا بت رانصرف نمود و حکمرانی آنرا بعهده  
بلای خان فاجار موکول داشت

از حوادث سال هفصد و پنجاه و سه آنکه شاه طهما سب یک بغرم که جستان انهاض نموده بود کوچ بر سر کوچ بکنجه آمد و از  
حرکت کرده بموضع پولا قار دوزد و از اینجا کوچی سلطان فاجار و ابراهیم خان ذوالقدر و حسنین خان سلطان رولو  
و شامو پدی سلطان زیاد اوغلی با پنجهزار سوار جرار بطور ابلغار بطرف سناخی که الفاس مبر زاد را آنجا بود روانه  
کرد و یکسال بعد از آن که شهر وان در تحت تبعیت شاه طهما سب آمد حکمرانی آنرا بسپهر خود اسمعیل مبر زاد داد و کوچی سلطان  
فاجار را به پیشکاری او برقرار داشت

در سال هفصد و پنجاه و نه چند نفر از سر کرده ها شاه طهما سب ما مور جنک با عساکر عثمانی شده و همه فایق آمدند و از آن  
جمله بگرام بیک فاجار و طوقون بیک فاجار بودند

در سال هفصد و شصت و دو که ابای ترکان بچال طغیان افتاده چند نفر از سرداران شاه طهما سب با طغای  
ناپره این فتنه ماموش شدند از جمله کوچی سلطان فاجار بود که سیر از جسم ماده فساد در همین سال در گذشت  
در سال هفصد و شصت و هفت سار و فورعان با جمعی از بیک فرمان علی سلطان والی خوارزم به بنشایب آمدند که  
اینولا بت لغارت کنند بلاق سلطان فاجار و ملکن اوغلی ذوالقدر با جمعی بدفع اوزبکان از شهر بیرون آمدند  
و با ایشان جنک کردند و سار و قورغان و بسپار از هرها نازا گشته بقیه السیف فرار کردند

در سال هفصد و شصت و شش الله قلی بیک فاجار منصب قدیمی با شکری شاه عباس اول یافت  
در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعه ابروان را محاصره و فتح کرد و حکومت آنرا با مبر کونه خان فاجار داد  
در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعه کبچه را که نصرت دولت عثمانی بود بقهر و غلبه فتح و حکومت کبچه را  
بمحمد خان زیاد اوغلی فاجار داد

در سال هزار و صد و بیست و شش هجری که امیر کونه خان فاجار بیکر بیک و حکمران ابروان بود محمد پاشا وزیر اعظم

سلطان

سلطان احمد خان اول سلطان عثمانی باشکر زیاده از دیار بکر بارزن الرقوم آمده عازم فتح ابروان گشت و امپر کونه خان  
طوری بمدانده و محارست فلعه ابروان پرداخت که محیا پاشا بعد از کوشش بسیار و کشته شدن چهل هزار نفر از عساکر  
عثمانی از فتح ابروان مأیوس شده باز گشت

در سال هزار و سی و یک هجری <sup>شاه عباس</sup> قورچی فاجار را بسفارت بدر بار دولت عثمانی فرستاده و در ضمن نامه <sup>علاوه</sup>  
سلطان عثمانی را از فتح قندهار و جزیره هرموز خبر داد

در سال هزار و سی و دو امپر کونه خان فاجار بیکر بیکه چخور سعد بتسخیر اخسفاوند میر کرجه رفت

در سال هزار و سی و پنج امپر کونه خان فاجار بیکر بیکه چخور سعد بکر جستانار فتنه جنگ سختی کرده چند زخم بر داشت بعد  
از آن با ابروان مراجعت کرده مشغول معالجه شد ولی چون زخمها کاری بود در گذشت

در سال هزار و چهل و دو هجری شاه صفی حکمرانی مرو را بر نضی فیلیخان فاجار بن محرابان فاجار داد و محمد فیلیخان  
زهد او غلی فاجار بامیر الامرائی فرا باغ و حکمرانی آن نواحی برقرار گشت

در سال هزار و چهل و سه اگراد محمودی و کردستان و قارص و دیار بکر با هم اتفاق کرده بناخت چخور سعد آمدند  
طهاست فیلیخان فاجار امیر امراء و حکمران چخور سعد و ابروان بسیار از اگراد مزبور اکبشت با آنرا منفرقی ساخت

و در همین سال شاه صفی کلجیخان فاجار دواندار را با خان احمد رولانی و سپهافر و علیشکر بجایب موصل و جزیره و  
عماد پتر فرستاد و آنقدر از بنا خشن در این سال نضی فیلی پاشا بیکر بیکه دیار بکر که داعیه وزارت داشت در قلیل

زمانی سپاهی از دیار بکر و کهنه و مرعش و آبلستان و اناطولی و قران جمع کرده بیک حاکم وان رفت خلیل پاشا بیکر بیکه  
ارزن الرقوم نیز با پیوست و با پنجاه هزار نفر حرکت کردند شاه صفی مطلع شده طهاست فیلیخان فاجار بیکر بیکه با چند نفر

سراود بکر و جمعی بامداد سپهسالار خود که مامور بفتح وان بودند روانه نمود

در سال هزار و پنجاه و هفت هجری شاه عباس ثانی مر نضی فیلیخان فاجار و ولد محرابان حاکم مر و ارض اقدس را منصب  
سپهسالاری داد

در سال هزار و پنجاه و هشت شاه عباس ثانی نصد زبارت مشهد مقدس و شیخ قندهار نمود و مر نضی فیلیخان فاجار  
سپهسالار از پیش بصوب قندهار روانه گشت

در سال هزار و شصت مر نضی فیلیخان فاجار سپهسالار قورچی پاشی شد

در سال هزار و هفتاد و پنج کدا فیلیخان بن محرابان فاجار که حکومت ولایت دورق داشت در گذشت

در سال هزار و صد و چهارده کرکین خان والی کر جستان از اطاعت شاه سلطا محسین سر سید پیاده ساه سلطان  
حسین کلجیخان فاجار حاکم کجی را باشکر کران بناد بیک فرستاد کلجیخان بر کرکین خان غالب آمده و از قلیس شد  
و بزکان و دعبای ایاجار با غلام و حسن سلوک مسما و رام نمود

در سال هزار و صد و بیست و چهار که امرای فرزلباش صلاح در این دینند که شاهزاده طهاست میرزا برای چاره کار  
افغان از اصفهان بیرون رود طهاست میرزا با هشت نفر سوار گردیده از طایفه فاجار از اصفهان بطرف فرزون

حرکت کرد با کجی بر اینوال امرای معظم فاجار در هر دو وعهد ساعد دولت و مساعدا سلطنت بوده و سلاطین  
بامکن آنها منقلدا اشغال عمده و مهمام نیز وک و مناصب عالیه منبوه اند چنانکه در دولت صفویه چند بار بسمت ارباب

کبری بدر دولت عثمانی و سلاطین هند و سنان رفته و خدمات بزرگ و نمایان کرده و از آنجا که هرگز منشا خلف و خوار

نوده اند و جز طریقی صدف و در سگاری زاهنی نبوده هپشه کمال اغناد و اطمینان پادشاهان را جالب نقلد  
 و تکفل معظان مهمام و جلا پل امور اشیایان و لایق کشته نامجده اسلطنی که در اصل ایشان را بود رو و توجه باین  
 دو دمان نمود و نه الحقیقه ابتدای این شروق و طلوع و ضیاء و رخ از سال هزار و صد و چهار هجری است که در نسیال  
 نواب فتحعلی خان فاجار قونلو و جلا سلطین بزرگوار فاجار در اسر اباد منولد شد و بعد از بلوغ و رشد در آن نواحی  
 استقلالی بکمال یافت و کویک اقبال و زابت جلال نواب معظم میل باوج واعنلا کرد بر جلالک ارفع و فرغ دو دمان و  
 سلسله جلبله فاجار افزود و ابواب حکمرانی و کشور سنائی بمقالید بخت سعید و نایب آسانی او کشود

کَمِنْ أَبِ قَدَعْلَا بَابِنِ كَهْ شَرَفُ كَا عَلَا بِرَسُولِ اللَّهِ عَدْنَانُ

در سال هزار و صد و بیست و چهار که افاغنه شاه سلطاطا نحسین زاد در اصفها محسوک کردند نواب فتحعلی خان با  
 هزار سوار آجرا از طایفه فاجار از اسر اباد با مداد شاه سلطاطا نحسین شناسان جنگهای سخت بالشکر افغان  
 کرد و هر روز بر غنیمت بیما از آنها گرفته بنظر شاه میرسانید اما شاه سلطاطا نحسین ساده لوح و امر او نزد بکان  
 خانی و بد عقل <sup>نویسنده</sup> امرای مزبور که میبایست با امر از ناپیدان آسمانی دانند از شرط نادانی برخلاف دانسته و فرض کرد  
 و نزد شاه بنای سعایت گذاشتند و بجای محبت و محبت و تر جیب آفرین افساد و نفین نمودند و گفتند طایفه فاجا  
 بجلا دت و شجاعت موصوف و بد بیری و رشادت معروف اند و نواب فتحعلی خان خود داعیه سروری و مملکت داری دارد  
 اگر چه او افاغنه را دفع میکند و بعد از آن دفع خود او خارج از چیز امکان است آخر الامر ملا باشی و حکیم باشی که زباده  
 از بکران در فلک شاه رسوخ داشتند چندان وسوسه کردند که شاه سلطاطا نحسین را بوسواس انداختند ناچار او  
 شمشیر معروف بجهان کشار را بنواب فتحعلی خان عنایت کرد و رخصت مراجعت داد بنا بر مسطورات عبدالرزاق بیک در  
 کتاب آثار سلطانیة نواب معظم نیز بواسطه اینکه اقوال امرای شاه سلطاطا نحسین را در حق خوشینده بود آزرده <sup>نویسنده</sup>  
 شده سواران خود را برداشت و راه اسر اباد پیش گرفت و افاغنه بر اصفها استیلا یافتند و کار باجا کشید که جمعی کثیر  
 با اشاره اشرف افغان بطهران و بعضی این سامان شناسان بن بلذرا و هیران کردند نواب فتحعلی خان باز با سواران باجا  
 در ابراهیم آباد و زابین بگرد از ظهر تا شام با سپاه افغان جنگ کرده شام دو لشکر با رامگاه خود رفتند در همان شب  
 بنواب خلد مکان خبر دادند که شاه طهاسبت را که پیش از اینچرا اصفها برای چاره کار از بن شهر بطرف فرزند فرستاده اند  
 باز نذران آمده و در بلده اشرف است نواب فتحعلی خان که ارادت بیجا نواده صفویه داشت از ابراهیم آباد راه مازندران  
 پیش گرفت و این در هزار و صد و سی و هفت بود از آنجا که کویک اقبال صفویه رو و هیط بود در پین راه مسهوع نواب  
 فتحعلی خان شد که امرای شاه طهاسبت را نسبت بنواب معظم بد دل کرده اند لهذا عنان مرکب را از جانب اشرف  
 منعطف و بطرف اسر اباد راند و امرای مششار بهم بر اغوا و مخربک امزوده نایب این جنگ در گرفت و شاه  
 طهاسبت که فرار شد نواب فتحعلی خان باز راه ارادت رفت شاه طهاسبت از اشرف با اسر اباد برود و بجهت لشکر  
 عظیم نمود و در رکاب شاه طهاسبت عازم خراسان گردید و در سال هزار و صد و سی و هشت در دامغان شاه  
 طهاسبت سبب سلطنت و امیر الامرائی ایران را بنواب فتحعلی خان داد و عازم مشهد مقدس شدند در سال هزار  
 و صد و سی و نه در فلک اشرف امشار خاک رسا و ابورد بخدمت شاه طهاسبت آمده ملقب بطهاسبت فلجان گردید و  
 منصب قوری باشی یافت و مامور جنگ ملک محمود سبستخا و شخیر ارض افندس گشت و در همین اوان نند فلک اشرف  
 وجود نواب غفران ماب را اسنا بعدم پیشرفت کار خود دانسته در پیش شاه طهاسبت اغوا و مخربک امزوده

نمود و او را بقتل نواب فتحعلی خان راضی گردنید شب پنجم ماه صفر در منزل خواججه بیچ ندر قلی بیگ بکشد پستی شاه  
طمانست موافقت مهندس خان نام فاجار د والو بطو خدعه و نیز و بر نواب فتحعلی خان را شربت نهادن چنانستند  
و در بقعه خواججه بیچ بجاک سپردند

از صلب نواب غفران مآب فتحعلی خان دو پسر بر صبه وجود آمدند یکی نواب محمد حسن خان که در سال هزار و صد و  
بسیست هفت هجری منولد شد و دیگری محمد حسن خان که در طفولیت بدو روزندگانی گفت نواب محمد حسن خان که خلف  
مبین و فرزندان شد با تمکین بود بعضی اوقات در اسر اباد و کاهمی در میان طوایف نرکان منبرستند و موجب مسطورات  
مورخین در ایام جوانی و اوقات کامرانی روزی با محمدتومان بیگ ولد محمد حسن خان قراموسالو بر سر آب وانی منازعه  
کرده آزرده خاطر و مکدر کشته و با حشام نر که نهادند و جمعی از اترک و نرکانان زاد و ر خود جمع کرده بر سر اسر اباد  
رفتند و شهر را بگرفتند محمد زمان بیگ که از جانب پسر در این شهر حکمرانی میکرد بگریخت و خود را به بیو خان که در آن  
از جانب نادر شاه سردار و سرحد اسر اباد و مازندران بود بهبود خان <sup>رسانند</sup> باشش هفت هزار نفر که با خود داشت  
رزم و جدال از کار رود اناک حرکت کرد ولی صرفه از جنگ و قتال نبرده منخزم و فراری شد این خبر در موصل بنادر  
رسید محمد حسن خان فاجار را مامور اسر اباد نمود و او با فاشون ابو اجمعی بیو خان و مردم اسر اباد بشهر رفتند این بلای  
و احراب جمع کثیری بقتل رسانید و عده از فاجار تبه نیز در این هنگامه مقتول شدند نواب محمد حسن خان مجال و امکان نداشت  
و ناله بنامه باز عنان بطرف دست معطف ساختند نادر شاه نهایت سعی بود که نواب عظیم را دستگیر کند چنانکه محصل  
خان معبر الممالک میکنند استیا قوت چهارده مشفالی بدیده او در جواب گفته ندیده ام نادر شاه گفته با قوت چهارده  
مشفالی محمد حسن خان است که از چنگ ما پرورن رفته و بر او دست بانفایم خلاصه چون نادر شاه سر را در سودای نهر  
خشونت بر باد داد نواب محمد حسن خان از دست نرکان با اسر اباد تشریف نرول ارزانی داشتند و این بلایه را مقرب و کت  
و حکمرانی خود فرار دادند و مازندران و کپلان را نیز محض ساختند و تقریباً بیست هزار لشکر منظم ترتیب دادند و کار  
ایشان در کال قوام و قرین ترتیب و انتظام بود تا که میخان زند با چهل هزار پیاده و سواره از نجاعت بختاری الو  
غزمت اسر اباد نمود نواب محمد حسن خان در پنجه قدرت و شوکت خدا داد را ظاهر ساخته چنانکه هر روزی جمعی از  
لشکران را بر سر نشون کر میخان فرساده فوجی از آنها را اسپر کرده می آوردند و در عرض چهل روز تقریباً بیست و پنج  
هزار نفر از سپاهیان وکیل مقتول و دستگیر عساکر فزونی ماثر حکمران فاجار بل نا حیدر فرخنده آثار کردید شجاع  
الدین خان زند طعمه شمشیر غازبان شد و کر میخان فرین با سر حرمان ناچار بنده و غرق و تو پچانه و زینور کخانه و سیا  
استیاب سلطنت با وها کرده از ساحل اسر اباد بجانب اصفهان عطف عنان کرد و غنایم کشته بدست ملازمان و لشکر  
نواب محمد حسن خان افتاد و نواب عظیم مصمم سفر عراق کشته از اسر اباد با شرف مازندران توجه فرمودند و اوقاتیکه  
جماعت کر میخان لشکر با اسر اباد کشیده بود چ <sup>جفت</sup> لا رچانی با ظواهر خدمتکناری سپاهیان الوار پیوسته بعد از مر  
کر میخان نیز سر از اطاعت بچیده طبل باغیگری بگوشید نواب محمد حسن خان محمد و لیجان و مقیم خان سار و مامور  
نبدی لا رچا بنها کردند و فوجی از عساکر منصوب بر سر آمد رفت ولی پیش از آنکه بالا رچا بنها تراعی اتفاق افتد  
محمد و لیجان بواسطه شرارت فطری بنای بد سلوک و انفا ده دست بطرف ماموس و عمال اهالی آمل دراز کرد اهالی  
مازندران از حرکت محمد و لیجان مغرور کشته او را گرفتند و مجلس گردیدند و محضه فراهم آورده نزد مقیم خان رفتند و  
او را بر خوی امیر کرده راه طعیان پیش گرفتند و در سار و رحل اقامت انداختند و بخود نمائی پرداختند نواب محمد حسن خان



بدون بنه و احوال از اشرف حرکت کرده بر سر مقیم خان و اهالی مازندران ناخشد مقیم خان بزخم زنبورک از یاد آمد  
دستگیر و نابود شد و اهل مازندران منفق گشتند و چند نفر از معارف اهل این ولایت مورد مواخذة و مصادرة  
کردند بعد از آن احمد شاه ابدالی که در قندهار را پادشاه برافراشته بود با رضی قدس آمده این ولایت را تصرف  
کرد و پانزده هزار نفر از افغانه را ببرداری شاه پسندخان افغان مامور فتح استرآباد کرد و آنجا عتسب زار  
آمدند ابراهیمخان بغاوری و عیسی خان کرد و علیخان فلجی و جمعی دیگر از خوانین خراسان با اهل و عشیرت خود کوچ کرد  
بدامغان رسیدند و آن محمد حسنخان محمد حسینخان و لوی قاجار را که از اعظم امر بود با خوانین خراسان و چهار  
هزار نفر لشکری بدفع شاه پسندخان مامور فرمودند و بعد از ثلاث فریقین افغانه شکست خورده راه فریب پیش  
گرفتند بعد از این فتح نمایان نواب محمد حسنخان با فتنه نضرت نمون بقصد جنگ با کریمخان از مازندران حرکت کرده  
محمدخان بیگلر زند را که بعد از کریمخان در این سلسله کسی از و شجاع تر نبود با هفتاد نفر از امرای زندگرفته بشهر استر  
فرسنادند و محمدخان را از آن بیگانه میکنند که مقدار کف دست از کله او را شمشیر بریده بود آخر الامر نواب محمد  
حسنخان اصفهان را منصرف شده در کلون آباد با کریمخان مصاف داده او را نیز منصرف ساخت پس از آن بعضی  
لشکر آذربایجان را پستانهاض برافراختند از ادخان افغان که این مملکت را مستخر کرده و در اردو میسکنه داشت  
با بیست هزار نفر از افغانه روی میدان کارزار و عرصه پیکار نهاد و از آنجا که اهل و عیال این بیست هزار نفر در اردو  
بودند برای حفظ ناموس خود آنها سخت میبکینند و از روی غیرت مردانه میکوشیدند مع ذلک عساکر نضرت مآثر  
نواب محمد حسنخان ایشان را مقهور و مغلوب نمودند از ادخان با اهل و عیال و معدودی بصوب قزلباش رفتند  
معظم مجمع آوری افغانه در باختر هزار خانوار از افغانه و اوزبک کوچانیده آنها را از راه کیلان بمازندران فرستادند  
و با لشکری افزون شوکونی پاد از عراق بقار س آمده کریمخان زند را در شهر از محاصره کردند در این هنگام قاجار  
پوخاری باش و غیره بواسطه کینه دیرینه راه طغیان و خیانت پیش گرفتند و اردو با عظمت معبری را شکسته  
فرار کردند و از آنجا که آذوقه مخصوصین رو بنامی نهاد بود اگر این طغیان و خیانت از طایفه مزبوره بظهور  
نمیرسید بزودی شهر از دست عساکر نواب محمد حسنخان میگردید با کجمله چون نواب معظم حال را بر اینینوال دیدند روان  
استرآباد شدند و کریمخان از عقب ایشان لشکر کشیده روان شدند و خود در طهران مانده شیخ علیخان زند را بازند  
فرستاد و قیامین استرآباد و اشرف جنگی بین فتنین واقع شده در اینجانبین کاری از لشکر بان نواب محمد حسنخان  
نشد بالاخره در ماه جمادی الاخره هزار و صد و هفتاد و دو و هجری در جرجک آباد بجز یک قاجار تپه پوخاری باش  
آنحضرت معظم بدست یکی از ملازمان خود که موسوی سبیر علی بیگ بود بد جبر رفیع شهادت رسید بعد از آن  
کریمخان استقلالیه رسانیده بمازندران و طبرستان راند و بر استرآباد استیلا یافت و از سپرهای حضرت عفران  
ماب معظم که نه نفر بودند و پیش ذکر ایشان شده حضرت آقا محمدخان (شاه شهید طاب ثراه) که اکبر و ارشد او  
بودند با حسینقلی خان (جهاننور شاه) و الدفاخان مغفور (فتحعلی شاه طیب الله مضجعه) دیگر از سرداران  
دو برابر در معظم برادر صلیبی و بطنی بودند سایر برادران بقربین فرسناد و احترامات و کیل نسبت بحضرت  
آقا محمدخان معروفانستند الحقیقه فدر آن کوه را با کوه را میداشتند در مشکلات امور و معضلات مهمان از  
دین ایشان اسمند و استغانت بنمود و کمال اطمینان را بوفور عقل و راستی و امانت آنحضرت در مشورت داشت  
در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری نواب حسینقلی خان معروف بجهاننور شاه بجزرانی دامغان رفتند

واریان

و از آنجا باز نذران شناسه تبعیت متابعت کریمجان را برکنار گذاشته محمدخان داد و خاک را مازندران را بازه کن  
 خود خفه کردند و این از آن بود که ملک خود را در تحت مالک دیگر نمنوا ننشند بدخلاصه کریمجان لشکر بدیع نواب  
 جهانسوز شاه فرستاد و با حال احرام او نسبت حضرت آقا محمدخان مطلقاً تقبیس نکرد و هیچ این فخر را بر وی  
 ایشان نیاورد نواب حسینقلی خان جهانسوز شاه دست کیل را گوناگون میگرداند که در حوالی فندرسک از دست  
 نفع غداران طایفه ای که در هوناز طوایف ترکمان شریف شهادت بنوشیدند و درخت از سرای فانی جهان جاودانی غیرند  
 در سال شهادت نواب جهانسوز شاه اختلاف کرده که نوباً سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری با یاد اختیار کرد  
 و صحیح دانسته هر حال چندان از شهادت حضرت جهانسوز شاه نگذشت که حقیم کریم خود فرار گرفت و نوبت اغلای  
 دولت جاوید شوکت فاجار در رسید و اگر چند کاهی ظهور دولت که مصو از زوال باد بقول مشهور ناخبر شد مهلت  
 با اینست تا خون شیر شد خلاصه کلام حضرت آقا محمدخان با کمال عزت و شان در شهر از انیس جلیس و کیل بودند نادر  
 ماه صفر هزار و صد و نود و سه کریمجان بنا خوشی سل در گذشت و حضرت معظم دوا سب بطرف طهران شناسه  
 روز هفدهم ماه صفر بوزامین وارد شدند و در اینجا سران فاجار و خوانین ایلات بر کابستر و زنی انفساش  
 پیوسته عزیمت مازندران کردند

سنه هجری

۱۷۷۹ مسیحی

آسیا ( ابران ) در وقایع سال قبل در آخر جلد دوم منظم ناصر ارمغان کوریم خان وکیل و تشریف فرمائ  
 حضرت آقا محمد شاه را از شهر مازندران اجالا ذکر نموده ایم و بسبب کمال پیوستگی حوادث سال قبل این  
 سال کلام را ضرورتاً عادت داده گوئیم حضرت معظم که مدت شانزده سال در شیراز بمصاحب وکیل اشغال  
 داشتند و او را ناخوشی و کبل خاصه اوقاتی که علام انتقال ظاهر شده بود براه حرم رفتن غالباً در بیرون شهر  
 شیراز بمانه شکار کرد مشغول بودند و مستعد بودند که بمحض فوت وکیل راه مازندران و استرا با دراکه دار الملک  
 پناکان بزرگوارشان بود پیش کردند و سلیمانخان فاجار ابن محمدخان خالوئی خود را که در آفرمان ده ساله بود دایما  
 مجرم و کبل فرستاده پنهانی از عهده خود که در جاله نکاح کریمجان بود از حال پادشاه زند و ضعف و شدت  
 بیماری او استعلام میفرمودند بعقیده بعضی خاله حضرت آقا محمد شاه با وکیل سمن از دواج داشته و از او  
 جوانی حالات بوده اند سپرزین ملک در نارنج خود کو بد همیشه حضرت آقا محمد شاه در سرای سلطنتی بوده  
 و ساعت بساعت برادر بزرگوار خود را از حالات وکیل مستحضر مدیباخت نا و قبکه خبر انتقال پادشاه زند  
 را با حضرت داد در حال شب پزدهم ماه صفر سال هزار و صد و نود و سه حضرت آقا محمد شاه در بیرون شهر  
 شهر از بیرون بردند با نهمی که هنگام غروب نزدیک دروازه آمده که بشهر ورود کنند آقا محمد حسینخان احمد  
 و عبداللہ خان دماوند که در سلاک هواخواهان آنحضرت بودند با ستاره با ایشان معلوم کردند که وکیل  
 محضراست لهذا آن شهر بزار معظم بازی را که در دست داشتند عمداً از دست رها کرده و بهمانه اینکه آن را  
 بچیک آرنند از دروازه دور شده و در محله شاه مہر علی ابن حمزه که از محلات بیرون شهر شیراز است رخا  
 رضا خان فاجار شب صبح کردند و انتظار داشتند که نواب علیقلیخان برادر آنحضرت و محمد امین آقا و  
 فضلعلی بیگ برادر نواب عفران مآب شهید فتحعلیخان و سایر افاضل بدان پشیمان پیوندند و از آنطرف زند  
 ملقب شدند که امرای فاجار در جناح حرکت کنند مابراین موسیخان و علیسیخان برادرزاده ها حضرت آقا محمد

شاه زاد ریمان دروازه کرفته باز کرد ایندند سلیمان خان را بواسطه صغری نکلشند و موسی خان و علی خان حکم  
 ابو الفتح خان بن وکیل جا که شیراز بدست محمد طاهر خان زند مقول شدند خلاص چون صبح چهاردهم صفر  
 شد و امرای مزبور بخدمت حضرت آقا محمد شاه پیوستند حضرت معظم صلاح در توقف ندیده با چهارده نفر از  
 خویشان خود رو براه نهادند و مرکب آنحضرت در این سفر اسب بود که نواب جهانسوز شاه پیش ازین برای برادر  
 والا که همد پارس سال داشته و ظاهر اخصر این سفر بوده چنانکه در دو شبانه روز با این اسب خود را با  
 رسانیدند و در منازل خوانین قلیچی منزل گزین گشتند و خوانین مزبور با برکشا طی و بغایری تعهد کردند  
 که از دینال آن شهر پار روانه استرآباد و مازندران شوند جهانگیر خان و رشید بیک پسران فتحعلی خان افشا  
 اظهار موافقت نمودند ولی از التزام رکاب حضرت انشای مختلف گشتند و رضا قلیخان برادر آنحضرت که  
 در اصفهان بود ایشان را همراهی نمود روز سه شنبه بیستم شهر صفر که شب عید نوروز بود بر او بی مقدمه  
 حضرت عبدالعظیم رسیده بزبان امانزاده لازم التعمیم فایز آمدند و در عرض راه آنچه مالیات شیراز  
 میرند بصرف ملازمان حضرت درآمد و حاجی صدکا علی آبادی آنچه فراهم آورده بود بمیل تحویل کرده و  
 مژده قدم شهرناری بماندگان رسانید و عموم اهالی از این بشارت قرین مسرت فوق العاده گردیدند  
 روز چهارشنبه بیست یکم صفر که عید نوروز بود در صبح برادران و هواخواهان بسپردند و  
 ابدالخان و نقدعلیخان و سایر خوانین مدائن و جهان بکل وجه اطاعت و عبودیت در آنحضرت بر زمین  
 نهادند در این اثنا بفتحان زند سردار طهران و مازندران از فوٹ کرخیان با خبر شده جمعیت او متفرق و  
 خود روانه شیراز شد حضرت آقا محمد شاه مهد قلیخان را با یکصد سوار از سواران اکراد و فاجار از عقب او  
 روانه فرموده آنها بفتحان و همراهان او را دستگیر کرده بحضور مبارک آوردند و فتحان پسران بنده مؤاخذه  
 شد و موکب شهرناری بدعوت مجنون خان بوزامین و خوار آمد و خوانین دولوی فاجار بتقدم هدایا  
 پرداخته مشمول عنایت گردیده بعواطف حضرت پادشاهی مستظهر گشتند و بتوسط جعفر قلیخان برادر  
 آنحضرت داخل دراپره هواخواهان شدند موکب حضور در روز در دولا بطهران توقف کرده و بخوانین  
 و بستگان شهرناری که در فرین فامند داشتند راه استرآباد پیش گرفتند و از حوادث غیر مترقبه آنکه در  
 قلیخان برادر حضرت شهرناری پس از استماع فوٹ وکیل با سپاهی از استرآباد بیار فروش آمد و اگر چه از  
 استخلاص برادر بزرگوار اظهار شعف مینمود ولی میگفت مازندران را من بشمشیر خود مصطفی نموده ام  
 و این مملکت خاص منست اگر دیگری طمع در آن نماید کارد به پیکار خواهد کشید و جمعی با مصطفی قلیخان  
 برادر خود بسواد کوه فرستاد که مانع عبور حضرت آقا محمد شاه شوند مفارن این حال رضا قلیخان برادر  
 دیگر آنحضرت از دولا بطهران بماندگان رفتیم رضی قلیخان پیوست حضرت آقا محمد شاه پس از بدل  
 نضای که سوندنیامد جعفر قلیخان را ما مورد نفع آنها کرده پس از مبادرت بچک ابتدا رضا قلیخان  
 مغلوب مقهور گردیده بیار فروش را ند و مرضی قلیخان عزیمت استرآباد نمود و مصطفی قلیخان بموکب  
 معالی ملحق شد حضرت آقا محمد شاه بعلی آباد ساری بار فروش تشریف فرما گردیده خاقان صاحبقران فتحعلی  
 شاه که در آنوقت با عم خود مرضی قلیخان در مازندران بودند بحضور مبارک آمده مصطفی قلیخان با شما  
 مرضی قلیخان مامور استرآباد شد و والده خاقان معظم را که در آن وقت سی ماه از ولادت فرزند گرامیش

حسین

حُسنی خان ثانی بن جها فسوز گشته بود نیز همراه بود و خان ابدال خان کرد جها بکل و حکومت شهریار  
منصوب گشت و رضا خان فاجار قوآنلو بجز استا مل و لاریجان محکوم شد  
نیز از وفایع این سال آنکه زکیان زند بر اقامتی کریمجان که بدست آویز ابو الفتح خان بن وکیل با سپهر خوانین زند  
مخالفت نموده و بر آنها غلبه کرده هر دو مقبول ساختند بود علیمردخان خواهرزاده خود را بجزاشتن صفها  
فرستاد و از آنجا مأمور نظم امور کرد و فرزین و دارالمرکز کرد در این اثنا ذوالفقار خان حمسه بدعو سرور  
از حمسه بفرزین آمد و پس از مقابله با علیمردخان شکست فاحش یافتند منتهی ماوردت نمود و علیمردخان  
مظفر و منصور بطهران بازگشتند محمد قلیخان سبزو و محمد قلیخان سیفند از خوانین لاریجان نزد وی آمدند و علیمرد  
خان آنها را با محمود خان افغان بلسنجیها نزد زان روانه کرد مشارالیه هم به ننگه عباس آباد آمده مهتابی قتل  
و مستعد جدال شدند حضرت آقا محمد شاه برادر خود جعفر قلیخان را با لطفعلی بیگ سر کرده لشکر سوادکوهی  
بدفع ایشان فرمان داده پس از جنگ سخت در آن کوهستان پدید رخسار زنده تیره منهنز و شبها از آنها مقبول  
شدند علیمردخان زند غفور خان نامی در طهران گذاشته خود روانه صفها شد و حضرت آقا محمد شاه  
غریب طهران فرمودند و مجدداً رضا قلیخان و مرتضی قلیخان بنای مخالفت را گذاشته خوانسند با خوانین دولوی  
و زامین همدست شوند حضرت شهریار جعفر قلیخان را از پیشروان نموده بنه و آغزوق را بمهد قلیخان سپرده  
بعلازان حضرت فرما کردیده بسعدآباد و زامین بجان محمدخان ولد رفیعخان که با آن حضرت نشسته داشتند نزول  
اجلال فرمودند و میرزا محمدخان و مصطفی خان و رحیمخان و محمدخان و سایر بزرگان دولو مجدداً بر خدمت و  
سلطنت حضرت پادشاهی اتفاق کرده و عند رضا قلیخان را خواسته او را روانه نمودند ناچار سایر خوانین و  
بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد درآمدند و موکب شاهانه بفرزآباد طهران توجیه فرمود هم در این  
ذوالفقار خان افتار حمسه بلسنجی طهران شنافت و جعفر قلیخان فاجار در فریه قشلاق او را جلو گرفته  
بجنگ پرداختند آخر الامر ذوالفقار خان مغلوب شد بقره وین فرار کرد و جمعی از لشکر با او و اسیر مقبول  
شدند و ذوالفقار خان بعدها با هدایت الله خان کیلانی در انداخته و بجدال پرداختند فعینتر مقهور  
شد و عاقبت بحکم علیمردخان مقبول و روانه دیار عدم گشت و موکب پادشاهی در کوه نونف داشت و محمد  
قلیخان سیاه و سفید لاریجانی اظهار عبوتت میکردند ولی رضا قلیخان با غوای آنها کوشیده بر مخالفت  
ترغیب نمود و در هزار جریب بتهتبه سروری پرداخت لهذا موکب منصور بغیرم مازندران از ری آنهاض  
فرمود و در بین راه دستکشون جعفر قلیخان با سپاهین مرتضی قلیخان قتل نمودند و جعفر قلیخان بعیان  
آباد رفت و مرتضی قلیخان در یکی از فرای فری و زکوه بماند و اسرای طرفین را مرخص کردند بعد از آن  
جعفر قلیخان در علی آباد بموکب علی بیگ بست و مهد قلیخان ناچار با مرتضی قلیخان روانه اسرا باد شدند  
ولایع رمضان فرضتی بدست آورده فرار نموده و بملازمان حضرت سلطنت پیوست و عید نوروز سال  
هزار و صد و نود و چهار را شهریار تاجدار در ساری گرفتند و مهد قلیخان و محمد قلیخان قوآنلو از  
بند شیراز منخلص شده بمحض مبارک مشرف شدند و رضا قلیخان با جمعی بمنار حضرت <sup>علازم</sup> آمد جعفر قلیخان  
بمدافعه او مأمور شد و طایفه مدانلو با پیوستند رضا قلیخان بصفتان نور و کجور رفتند بر سپاهیان خود  
بفرز و در محل موسوبه خواجک با جعفر قلیخان مضاف داده شکست خورده دستگیر شد و جعفر قلیخان

اورا با فاسجان و اسمعیل خان قوالمو بحضور پادشاهی فرستاد و بنا بر شفاعت علیقلی خان و زاعفوز فرمودند  
 و نور و کجور نیز در تحت بقینت ملازمان حضرت درآمد و محمد قلیخانین سیاه سفید لاریجانی بار دیگر در چمن دریا و  
 آن نواحی جنگ سخنی کرده از جعفر قلیخان منهرم شدند و جمعی مقتول و گرفتار گشتند چون جعفر قلیخان با فتح و نصرت  
 بحضور حضرت آقا محمد شاه آمد آنحضرت معظم این شاهنامه را در توصیف او بخواندند (نخستین روز بوم کرگان که شنبه  
 هجری بود و آنجا جای دلبر) همدرین سال در بیست و هشتم رمضان موکب حضرت آقا محمد شاه از ساری عزیمت استرآباد  
 نمود و ابتدا با لکای چارده هزار چربینزول اجلال فرمود اما از آنجا که اپنا و فانی هزار چربین باز اعمال استرآباد  
 و تعلق بر مرتضی قلیخان داشت از جانب مزارالیه پذیرائی نشد آنحضرت از اورنجده و رضا قلیخان و خان ابدالحیات  
 را که مامور توقف ملازمان فرموده بودند حاضر کرده که به یکبار مرتضی قلیخان پر دازند ولی از کار با صلاح  
 گذشت و رضا قلیخان با استرآباد رفته از بخش خاطر مبارک پادشاهی شرحی برای مرتضی قلیخان تشریح نمود مرتضی  
 قلیخان برادر اعیانی خود مصطفی قلیخان را بمعدرت فرستاد و موکب منصور از رفتن با استرآباد عطف عنان کرد  
 از اشرف حرکت نموده و روز هجدهم ذیقعدة الحرام بیار فروش تشریف فرما شدند و در عماران سناه عباسی  
 مشهور بچرازم نزول اجلال فرمودند امر پیا (روس) اتحاد دولتین روس و اطیش بر ضد پیروس (اطیش)  
 مصالحه فیما بین دولتین اطیش و روس بعد از وقوع منازعه (ابطالیا) طغیان و آتش فشان کوه و زور  
 و جریان مواد محرقه از آن امر پکا (اتاوتی) امداد دولتین اسپانیول و هلاند با ناوئی پنکی دنیا

سده هجری

سده هجری

اسپانیا (ایران) از و فایع این سال آنکه حاجی جمال فومنی بالکله خدمات نمایان حضرت آقا محمد شاه کرده بود پیش  
 هدایت الله خان مئوسل بزند به شده و بدین واسطه از خدمت حضرت شهر باری و گردان بود و رتبه انقیدار  
 بر رتبه عبودیت می نهاد لهدا جعفر قلیخان و مصطفی قلیخان مامور لشکر کیلان شدند و مهله چنان سنگابنی  
 مامور امداد ایشان و رضا قلیخان با ستانک محمد قلیخان سیاه و محمد قلیخان سفید و سایر لاریجانیان روانه گردید  
 اما بعد از دو سه فیصل با مخالفان موافق شده و با هزار نفر بطرف بار فروش روانه شدند و حضرت پادشاهی بحضور  
 نمود خان ابدالحیات نیز با جماعتی پیوسته بواسطه عدت و کثرت آنحضرت معظم را بگرفتند و قصد جان آن یکانه  
 دوران نمودند حاجی خان بندپی معروف بجلال خور تدبیر اندیشیده آن قصد را مانع آمد یعنی درخواست  
 کرده گفت و از این سپارید تا محارست نکا همداری میبایم آنها قبول کردند و شهر بار معظم را مقیداً با مهد علیا  
 و نواب جنابانی (فتحعلی شاه) و برادر کهن ایشان حسینقلی خان به بند پی روانه نمودند و رضا قلیخان اسفند  
 یافت نواب جعفر قلیخان که در لاهیجان بود از این مقدمه باخبر گردیده برجناح استیصال مراجعت نموده مصطفی قلیخان  
 را با استرآباد فرستاد و بر مرتضی قلیخان واقعه را خبر داد و خود بکجور رفت مرتضی قلیخان بازندان آمده با خان  
 ابدالحیات کرد سردار رشید رضا قلیخان مصاف کرد و بر و غالب آمد و محمد قلیخانین را بگرفت رضا قلیخان چشم از  
 شهر باری و بار فروش پیوسته از بیم تیغ مرتضی قلیخان به بند پی در ظل عاطفت حضرت شهر باری که بخت  
 و قتل از رود او با نجل میرزا فریدون مشهور بجای جانخان و آفاسی خان برادرش که حضرت معظم را حارست  
 نکاهان بودند اندام بتکلیف حقیقه خود نموده آنحضرت را از بند بجات داده براریکه جلالت نشانده که خدمت  
 و ملازمت این آستانه را بر میان بستند حضرت شهر باری رضا قلیخان را بحضور خوانده و او چون دور مانده قصد

خدمت علم ارخان کرده روانه اصفهان شد و در آنجا نیز مقامی ندیده بمشهد مقدس سافرت کرد و در آنجا نیز رودی در گذشت  
 خلاصه بزبان بند پی حضرت سلیمان را با جمعی روانه بار فرودش نمودند و رضاخان فاجار بنو اب جعفر قلیخان که  
 در کجور بود نزد خردنه فرستاد و خود با برادران و تمامی جوانان مدانلو باستان معظم پیوست و مرتضی قلیخان محض  
 استرضای خاطر مبارک خان ابدالخان طاعی را بکشت و مصطفی قلیخان را بمعدرت و لشکر خلاصی و سلامت مزاج <sup>یون</sup> هما  
 بدر بار شهر پاری روانه نمود و آنحضرت برای استیناس مرتضی قلیخان شریف فرمای ساخت که دیدند و با او ملاقات  
 فرمودند ولی رفع خیال مرتضی قلیخان نشد علیقلخان و مهدیقلخان ملزم رکاب ظفر نصاب شهر بار با اقتدار  
 گردیده و مرتضی قلیخان تخلص جسته و بعدها براه مخالفت رفته لکن کاری از پیش نبرد

روز شنبه پانزدهم ماه ربیع الاول اینسال عهد نوروز سلطانی در رسید هم در این اوان کلیه قلیخان دامغانی از  
 قادرخان عرب بسطامی شکا بنی بدر بار شهر پاری عرض و انفاذ داشت حضرت معظم نواب جهانبانی را بنده میر قادرخان  
 مامور فرمودند نواب شوکت مآب با اسمعیل خان فاجار توانلو و جمعی از سواران جرار با بلیغار بر سر قادرخان عرب  
 ناخند و وقتی رسیدند که قادرخان بر کلب قلیخان غالب شده و دامغان را گرفتار ناخست و ناراج مینمود عساکر نواب  
 جهانبانی لشکر قادرخان را شکسته فاحش داده و او را مقهور ساخته صوت حال را باستان مبارک معروض داشتند  
 و دامغان بسپورغال نواب جهانبانی مقر بمآمل نیز از وقایع اینسال آنکه پس از جنگ و جدل با مرتضی قلیخان و طول  
 محاصره شهرهای این بلاد عساکر منصوره شهر پاری فتح کردند و مرتضی قلیخان بمصالحه و حکومت اسرا باد و  
 هزار جریب کرکان راضی شده بدان ساحت شنافت و قات حاجی لطفعلی بیگ آذر بیکه صاحب ننگ که موسوی باشکده  
 اصفهان (المان) فوت ماری نریزا امیر اطریش المان و اطریش بعد از چهل سال سلطنت استقلال پیرش شرف و یم  
 در امیر اطریش (انگلیس) معا بد کلیسا های کاتولیکه که در لندن و سایر شهرها معشر انگلیس بود  
 باغوا می کردند رئیس منعصبین پرستان غارت شد اختراع اول چرخ بخار در پیرنگام از شهرهای انگلیس ایجاد  
 روزنامه مرنگ هرالد اعلان جنگ مابین ایندولت و هلاند (فرانس) فوت ژنرال پیر از شعری معروف (روس)  
 در ظرف اینسال تقریباً یکصد و سی هزار نفر بنا خوشی و با هلاک شدند

در مالک روسی

سلسله مسیحی

سلسله هجری

آسیا (ایران) در اینسال امیر کونه خان افشار طارمی که علیم ارخان رنده نکام غرمتی فارس و دامامور نظم  
 مازندران کرده بود باغوا و امداد محمد قلیخان سیما و محمد قلیخان سفیدکلا و چقا عازم مازندران و مصمم قنار با  
 عساکر منصوره حضرت آقا محمد شاه گردید و با شش هزار نفر بجای آمل آمد علیقلخان فاجار که در آن حد و بود  
 چون دید از عهد جمعیت امیر کونه خان بر بنیاد مرابن را برض آستان شهر پاری رسانید حضرت آقا محمد شاه بنفس  
 مبارک مصمم مفاصله با امیر کونه خان شده روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانی در جین باغ شاه آمل جنگ در گرفت  
 سپادار المرز و لشکر باین فاجار بر هراهان امیر افشار حمله کردند ابتدا محمد قلیخان سفید مقبول و بعد محمد قلیخان سپا  
 اسپر شد و پسر امیر کونه خان بزخمی کاری از اسپ افناد امیر کونه خان افشار فرار بر فرار اختیار کرد و در این جنگ سخت  
 بسیرها بر سر دار فدا رفت محمد قلیخان سپاه را بپراز بالای عمارت باغ شاه برود خانه آمل انداختند و همان دم جان  
 بساد و پسر امیر کونه خان که زخمی شده بود بمرد و لا ریحان راملا زمان حضرت شهریار منصرف شدند و هزار نفر  
 لا ریحانی بشرف التزام رکاب مبارک سرفراز آمدند و امیر کونه خان در حوالی کپلان در گذشت همد این اوان امیر محمد

حسینخان

حسین خان ارجمند و عبد الله خان دماوندی که در شیراز بود ندر کابها بون پیوستند و در دهم ماه رجب صوب  
 معز میمنت سمنان فرموده حاجی فاضل سمنانی و سایر معارف این بلد بحضور مبارک تشریف جُستند پس از آن بطرف بسطام  
 توجیه فرموده نواب سُننطاب بها بنانی (خافان مغفوع) و کلبعلخان دامغانی بقیض حضور شهریار کامکار <sup>مستعد</sup>  
 گشتند بعد بجانب چمن نگر آنهاض نموده جائی خان فاجارد و لو معتمد خدما نکر بد فادرخان عرب بمعاوشت  
 تراکه و بعضی اهل االی سرحدان خراسان بجبال سرکشی افتاد ولی علیقلخان فاجار جمعیت را منفرق ساخت و او را  
 محصور نمود آخر الامر مصحف کریم را شفیع نمود و با ضراعت عجب علیه آمد و مقرر شد که با اهل و عیال بمازند را  
 رود همدان ایام خوانین قلیچی و برکشاطی و افسار با یا نصد سوار از عراق آمده بار دو مبارک پیوستند و حضرت  
 شهریار حکومت سمنان را بعلیقلخان و حکمرانی بسطام را بجعفر قلیخان مفوض داشتند در بیستم شعبان بمازند را  
 عطف عنان فرمودند رضی قلیخان نیز بخدمت آمده بحکومت اسرا با منصوب شد و بکبلان مامور گردید و  
 هدایا الله خان چون خود را مفهود بدیدن مالیات تمکین کرده لهذا ایالت کبلان را با واکدار فرمودند همدان  
 او را و علیقلخان بخوار و در امین دفتر این ناحیه را تصرف نمود و غفور خان حاکم طهران را نیز محاصره کرد و کلا  
 از پیش نرفت و حضرت شهریار امر بمیاودن و فرمودند و در اسرا با بحضور آنحضرت مشرف شد و برادران  
 نامدار شهریار کامکار از اطراف و باسرا با د نموده در این بلاد جمع آمدند و در موضع خلدا نشینان محمد حسینان  
 و رضوان جایگاه جهانسوز شاه انار الله بر هانما بر اسم تقریب قیام نمودند و عمارت در آنجا بنا کردند نیز در این  
 اوقات بزرگان و اعیان کُکُلان و هموت و فندرسک و کبود جامه کنول در سلاک خدام آستان حضرت  
 سلطنت منسلک گردیدند پس از انتظام امور آن سامان موکب شاهانه بسرا معاودت فرمود و هدایت الله خان از  
 دریا و خشک استعداد فراهم نموده بجبال سرکش افتاد حضرت شهریار بی نواب جهانبانی را بر سر بنای درمازند را  
 گذاشت تا تمامی برادران منوجه کیلان شدند و هدایت الله خان را مقهور ساختند و کیلان مفتوح شد پس از فتح  
 کیلان جعفر قلیخان بمفانله رمضان خان زند که بامداد غفور خان حاکم طهران آمده بود مامور فرمودند او را <sup>مفتاح</sup>  
 خان را مهترم و جمعی از هراهان او را مقبول نموده بفرزین <sup>آمد</sup> و مولا پرده چار اگر فیه مقید کرد ولی بحکمها بون او را خص  
 کرده پسرش را حکومت فرزند داد و بکوران دشت بوکب ظفر کوکب پیوست همدان او را مصطفی خان دولوی  
 فاجار مامور بنسبه علی خان حسنه افشار گشت علیخان با ذریا بجان کر بخت و مصطفی خان مظفر و منصور بفرزین  
 آمد نیز در این ایام سلیمانخان فاجار خالوزاده شهریار کامکار از شیراز باستان مبارک آمده مشمول عوالم  
 ملوکانه گردید

همدرا بیسال صادق خان زند برادر وکیل که بعد از مراجعت از بصره بواسطه استیلا یزیکان در شیراز راهی  
 باین بلد داشت و آنرا کرمان شد و از آنجا که علیرادخان زند را صفهان را بیست استقلال برافراشته بوز کجیا  
 ابو الفتح خان پسر وکیل را با لشکری جرار بطرف صفهان حرکت داده در منزل این درخواست بجانبعلخان مانی زیکان را  
 در جامه خواب بگشت پسر زین ملکم در نارنج خود کوید زیکان چون بمنزل این درخواست رسید معادل هفت هزار و  
 دو بیست هزار از سکنه این محل مطالبه نمود باین عنوان که شما این مبلغ را از وجوه خزانه زد زده اید سکنه انکار کرد  
 و بعلاوه اظهار داشتند که ادای این مبلغ <sup>مستوع</sup> و استنطاق ما است زیکان حکم کرد هجده نفر از اعیان محل را از بلا  
 طلع این درخواست بفرمانداختند بعلاوه یکی از سادات محترم معتمد را گرفتند که نواز این نخواست با خبری و قسمی از آن

نور سیده سید پیمانه آنچه در بر داشت در خود ابرام و الحاح کرد ثمری بخشید عاقبت چند بن نغم کار در بستند  
 او را با هجده نفر سابق الذکر از بالای قلعه نبرد انداختند بدین هم قناعت نکرده زن و دختر سید مقبول را گرفتند  
 بعضی از فرولهای خود که مافی بود داد نداشتنداری بعضی آنها نمایند قراولان با وجود حالک و خشکری که  
 داشتند از بخرکت زکیان بر آشفند و مغلوب گردیدند و بایکدی بکرمه مواضعه نموده زکیان را بکشند و سر او را از بدن  
 جدا نمودند انهمی

پس آنکشته شدن زکیان ابوالفتح خان مستغلا بشیر از مراجهت کرد و صادقان نیز از کرمان با پوسست ولی ابوالفتح  
 بواسطه افراط و ادمان در شرب خمر از رسیدگی با مورملکه غافل ماند و هر چه عیش صادقان او را بیخفت کرد مسود  
 بیفنا دناچار او را خلع کرده خود بر مسند حکمرانی متمکن گردید و میانین او و علمبرادخان که در اصفهان بود جنگ  
 در گرفت و سپهر ادخان زنده که سردار علمبرادخان بود در خارج بشیر از باعلیقلی خان پسر صادقان بمقتله پرداخت  
 شکنجه فاحش خورد و صاحب منصبان او در راه اصفهان گرفتار شدند علمبرادخان بقلعه و علیشکر کرمانتههان رفته  
 قریب بیست هزار جمعیت جمع کرده باصفهان آمده از اینجاریه شهر از ایش کرمان صادقان را در این بلد محصور نمود بعضی  
 خان پسر صادقان که برادر مادری علمبرادخان بود و اکبر خان پسر زکیان زنده علمبرادخان پیوستند و علیقلی خان  
 از شهر بیرون می آمد و با آنها مصافعه می داد آخر الامر پیران نه ما محاصره چون قلعه کیان گرفتار محظ و غلا شده بودند  
 در واره شهر را باز کردند و علمبرادخان در دویم محترم وارد شهر بشیر از شد صادقان و پیران او را مجروح و مقبول  
 ساختند ابوالفتح خان و پیران وکیل را محمول نموده در حکمرانی استقلالی بهم رسانند و سپهر ادخان بنی عم خود را  
 که بنای اصفهان داده بود بشیر از خواستند بالنسب ولایت بد و نفوذ پسر کرد و خود راه اصفهان پیش گرفت و  
 جعفر خان زنده را بکومت کرد ستان فرستاد امری پیا (المان) هر شل منم معروف ها نوری ساره او را نوس که  
 یکی از سیار ایشانست که در این افتاب حرکت مینماید انکشاف نمود (اطریش) بواسطه بدخله امپراطور ژرف و پیم  
 در امور دینیه چشم پاپ با او در نماز عه مینماید مسافرین این امپراطور بیار پس (فرانسه) نگر و زبیر مالیه دخل  
 و خرج دولت را بطبع رسانیده منتشر ساخت و بد بواسطه مغزول گردید و فلری نام بجای او منصوب شد استغلا  
 ملکه فرانسه خواهر امپراطور اطریش در این مملکت عدم رضایت مردم از این استغلا امریکا (انائونی) نماز  
 سخا اهالی انائونی با عساکر انگلیس متوجه آنها

سده ۱۷۲۲ هجری

سده ۱۹۷ هجری

آسیا (ایران) در اول فصل تابستان این سال فو انیوچ نام روسی با چند فرزند کشتی از حاجی طرخان با سربازان  
 آمد حضرت آقا محمد شاه آنوقت در نواحی سربازان تشریف داشتند و انیوچ از ملازمان آنحضرت درخواست  
 نموده رخصت طلبید که روسها در سواحل سربازان در محل مناسبه دار المعامله بنا نمایند که بخار و روس در آنجا  
 بسهولت مشغول امور بخاری باشند حضرت شهرناری قبول فرموده اذن ساختن دار المعامله دادند و روسها  
 در عوض دار المعامله در دوازده فرسنگ شهر استرا با د قلعه بسیار حکمی بنا کردند و هجده عراده توپ توخانه  
 در آنجا گذاشتند بعد از تمام قلعه حضرت شهرناری بمشای قلعه روسها تشریف بردند و از وضع با خبر گشتند  
 چون از قلعه مراجعت فرمودند و انیوچ و صاحب منصبان روس را بشام دعوت کردند وقت شب که صاحب منصبان  
 و و انیوچ بجل دعوت رسیدند حضرت شهرناری که مکار حکم بگرفتند آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته اند



فورا خراب بکنند و توپها خود را با آنچه در ساحل استراباد دارند بر بدجان و مال شما در خطر خواهد بود  
و وانچه چون میدانست فرمایشی که حضرت شهریار میفرماید هرگز تخلف را در آن راهی نیست ان هاجا بکار  
گذاران خود کشتو الملی نوشت که تو بخانه ولواز میگردانند بکشته حمل کنند و قلعه را خراب منهدم سازند خلا  
حضرت آقا محمد شاه چون تهدید زبانی باجاعت فرمودند آنها از استراباد خارج شده بمملکت خود باز گشتند  
برخی بنواقد را بسال قبل نسبت داده اند هم در این سال حضرت شهریار صیقله فخر علیخان فاجارد و لوراکه  
سابقا خواستگاری شده بود در عقد ازدواج نواب جهانبانی (فخر شاه) در آوردند و او را در هودج  
نشاندند بسا رسا میدند و مراسم جشن و شادی کامل بعمل آمد پس از آن موکب منصوب بعزم شیخ طهران تشریف  
شهران شد و غفور خان طهرانی بقلعه داری پرداخت و محصور شد در این وان علیخان افشار خسته از آذربایجان  
مراجعت کرده بموکب علی پورست بمکرانی خسته منصوب گشت مرادخان زند از جانب علمرادخان سرداری بافته در  
صفحات همدان استقلال بهم رسانید حضرت شهریار نواب جعفر قلیخان و میرزا محمد خان فاجارد و لور و علیخان افشار  
خسته را بچک مرادخان فرستادند و در جنتی که علیخان مقصدت الجیش بود چک در گرفت مرادخان کرنی بر سر علیخان  
زد و نزدیک شد که علیخان از اسب بیفتد که نواب جعفر قلیخان رسیدند و بضرقت شمشیر مرادخان را دوپاره کردند لشکر  
الوار که این بدیدند فرار برقرار اختیار کردند و غنایم و اسیر بسیار بدست عساکر منصوره افتاد بعد از این فتح بطهران  
مراجعت نموده در محاصره کوشیدند بواسطه طول محاصره و ظهون غلا و محط در طهران غفور خان کرسنه جان بداد  
و برادرزاده اش محمد خان بجای او علم دعوی برافراشت و از آنجا که هوای دی مستعد عفونت شده بود و بائی شدید  
بروز نموده و جمعی از محاصرین و محصورین را تلف کرد و این بلائی و خیم مستعقب بطاعت عظیم شد ناچار موکب هاجا بون  
چشمه علی دماغان نهضت فرما کرد بید همدان سال در ساری خانه آتش گرفت و در اطفا آن تعال کرده باملد باد  
آتش با ماکن بجار سیده کار بجائی کشید که یک ثلث شهر بسوخت و هفتاد و نفر در این حریق در در پای هلاکت غرق  
شدند حضرت شهریار حکم بجدیدان انبیا فرمودند و بر عمارات این بلاد فرودند و فات میرزا خرد شاعر نوروز مازندران  
(هندوستان) فوت پادشاه میسوحید علیخان بهادر و جلوس پسرش بتیو صاحب بجای او این پادشاه بعد از  
جلوس اعلان جنگ بانگلستان نمود (انگلستان) عزل لرد نرث و نصیب مارکی در کنگام بصدارت که بعد از چند  
مهمید و بیت بجای او صدر اعظم میشو انتراع نمودن اسپانولیا اجزیه مینک را از انگلستان (فرانس) انعقاد  
مجلس کنفرانس در پاریس برای استقرار مصالح در تمام دینا بفرعین امپراطور اطریش و امپراطور روس (اطریش)  
مسافرت پاپ و بنه و مراجعت کردن او بپل مفسو (روس) پل از شاهزاده های روس که بعد بامپراطوری  
خواهد رسید فرانس سفر میکند شورش نا ازارهای فرم بخان خود که دوست و سها بود

۷۱۳ مسیحی

۱۱ هجری

اسیا (ایران) در این سال علمرادخان زند که شیراز را مستخر کرده باصفها آمده بود باچهل هزار نفر غریب  
طهران نمود که بر مازندران و استراباد استیلا نماید و شیخ و بختان و لدار شد خود را با معدودک از پیش روانه  
ساخت بنا بر این بعض حضرت شهریار آقا محمد شاه رسید که محمد علیخان خواری بعضه از دفا و ندها و فیر کو  
و نور پها و لارچانیهها شیخ و پس خان را بتسخیر مازندران ترغیب کرده اند و او ناصحاری را آمده و چراغ علیخان  
زند را باده و هزار سوار بلاد بجان فرستاده است حضرت شهریار ضا خان فاجار را بمقابلت و مقاتلت پسا

زند مامو فرمودند و او جمعی را مقتول و جماعه اسیر کرد در این اثنا علمیرادخان زند نزد یک شد و پانزده هزار سوار  
 با پیروز خود از راه فرزدکوه و ولسر مرادخان زند را با محمد رضا خان نوری از راه نور و اسمعیل خان بن شیخ الدین  
 خان را با محمد علیخان خوار و از راه خوار و دامغان روانه مازندران نمود حضرت شهریار ی نیز جعفر قلیخان و مهد علی  
 خان را با لشکر می مو فرورد وانه نور و کجور فرموده و علی قلیخان را با محمودخان و علی نقی خان و لطف علی بیگ داودی  
 سوادکوهی به دو آب سوادکوه فرستاده سرداران مذکور با غوای مهد علیخان سوادکوهی زند تهنه میل کرده حضرت  
 شهریار چون از این واقعه خبردار کرد بدست حتام حرم جلالت زار وانه اسیر اباد کردند و در روز دساری اقامت فرموده  
 بعد از ورود برادران خود بنزد انسان و دارالملک ابای جلالت و شان هفتصد نفرها گردیدند شیخ و بیجان و سرداران  
 زند سوار آمده دست نظامی و بطرف اهالی دراز کردند و شیخ و بیجان و محمد ظاهر خان بخیاری را باده هزار لشکر  
 مازندران مامور اسیر اباد نمود و او صبحزای وسیع گردید پس رسید حضرت شهریار ی جعفر قلیخان را با حرم سلطان  
 انزلی بدفع زند به فرستاده و در این حصص و بیص مرتضی قلیخان و رضا قلیخان برادران حضرت معظم از راه صواب  
 مخفی شده بنزد تهنه پیوستند و نزد شیخ و بیجان خان اسیر اباد رفتند و علمیرادخان حکم کرد شیخ و بیجان در سا  
 نوقت نماید و محمد ظاهر خان با عساکر فراوان بنسخت اسیر اباد و در محمد ظاهر خان با لشکر و جوار راه اسیر اباد پیش  
 گرفت و از جرکلیاد گذشتند بظاهر اسیر اباد نزول کرد و جرکلیاد عبارت از خند ۲۲ عقیق است یعنی جرمی حفره است  
 و چون این خندق در حوالی قریه کلبیاد است معروف بجرکلیاد شده این خندق را برای قطع راه ترکه بامر شاه عباس  
 ماضی مازندران حفر کرده اند و از حوالی کوه منقل با شرف است تا ساحل دریای خزر که طول او چهار فرسنگ است  
 و دو طرف خندق را درختها قوی گرفته و عبور از آن منعد و راه مازندران با اسیر اباد منحصرا معبر آن است و چون  
 آن معبر را بگریزند بگر راه مازندران با اسیر اباد مقطوع است خلاصه محمد ظاهر خان اسیر اباد را محاصره کرد اما از این  
 طرف حمزه سلطان انزلی و مازندران بیان کرد در لشکر خواه حضرت شهریار ی بودند با سپاه جوار راه جرکلیاد را دست  
 کردند و آذوقه بار و در محمد ظاهر خان نرسیده کار به خطی انجامید و ترکه و فاجار و اهالی را از طرف اف دست  
 به بار دو الوار و اسرا آنها مشغول شدند و حضرت شهریار ی نیز با قشون حضرت نمون از شهر بیرون آمده حمله  
 سخت بر آن سپاه بدین نمودند در هر حمله جمعی مقتول و جماعتی دستگیر میشدند و قتل و غارت ترکه نیز بر بدین  
 اهالی اردو الوار می فرود نا محمد ظاهر خان اسیر شد و چون در شیراز با عث قتل موسی خان و علی خان فاجار و الوار  
 ابن اسکندر خان لوزاد کان شهریار عظیم الاقدار شده بود حکم حضرت شهریار ی براه عدروانه شد و شیخ و بیجان  
 بعد از اطلاع از این واقعه بگریختند در سار و دست نمایند با کمال رعب بطرف طهران گریخت و مطر و در و در  
 پدید کرد بد علمیرادخان زند و مامو مازندران کرد اما لشکر او نیز بعضی از عرض راه فرار کردند و  
 برخی مازندران رسیده شکست خوردند و منتهی مازند علمیرادخان آمدند او خود نیز جماعتی از آنها را بکشتند  
 آنکه کار او پیر پشانی و اختلال کشید با قریخان خراسکانی اصفهانی که از جانب علمیرادخان حاکم اصفهان بود نیز بر  
 این پیر پشانی افزود یعنی فراربان لشکر علمیرادخان را با اصفهان راه نداده و خود طبل با عیگری بد علمیرادخان با  
 شپاره گشته راه اصفهان پیش گرفت و بواسطه آثار و مذا و مندرش بر جنومرض استسفا مبتلا شد همچنین جعفر  
 خان زند صاحب قلیخان برادر امیر علمیرادخان که از جانب او حاکم خراسان بود را نیز خود سری بر افراشت با اسیر  
 کامل از طرف همدان متوجه اصفهان شد چون علمیرادخان بمورد چرخون اصفهان رسید بدروند کانی گفت و جعفر

بمنازعه وارد شهر اصفهان شده بداعیه شهر باری برخاسته و شیخ و پنهان را دستگیر و کور کرد و مرتضی فلجان و رضا  
 فلجان برادران حضرت شهریار که از برادر تا جدا خود رو کردند و بنزیه موصول شده بودند کارزار دیده یا  
 بر ابقاعا لید مرتضی فلجان بفرین و کپلان و طالش و قبه و باد کوبه و خاک روس فنه در آخذ و دجان و دا  
 نمود و رضا فلجان بصفتان خراسان رفته در آن سامان در گذشت تولد حاجی میرزا عیسی مشهور بحاجی میرزا آقاسی  
 ولد مرحوم حاجی میرزا مسلم ابروانی و بان آقاسید احمدها نفا صفتها صاحب جمع مشهور امری پلار (انکلیس)  
 جنکهای عساکر انکلیس یا بتوصی صاحب زهند (فرانسسه) ایجاد و روانگی بکشته کشته مخصوص از سواحل فرانسه با ناو  
 نیکه دنیا اختراع بالن بدست فنکل فیه ابداع کشتی بخار در فرانسه (روس) کاترین دویم امپراطریس روس مترم کوبان  
 را منصرف میشود (هلاند) اغشاش داخله در این مملکت (ایطالیایا) زلزله سخت در سیسین و خرابی ایجا (اطریش)  
 ژوزف دویم امپراطور اطریش به روم رفته با بیستیم پاپ ملاقات میکند (عثمانی) ابتدای نترل شوکت دولت عثمانی  
 در خاک خود امریکا (انائوف) سیزده ایالت از انائوف از انکلیس جدا و مفروز شده و موسوسه ایالات متحد کرده  
 بموجب عهدنامه که در ورسا بل منعقد شد جمیع ول این سیزده ایالت را از انکلیس موضوع و مستقل شناختند

سده هجری

سده مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال جعفرخان زند که بعد از علم احمدخان زند داعیه سرور داشت بخفجان زند را سرور  
 داده بالشکری مامور طهران نمود که با عساکر منصوره حضرت شهر باری که طهران را محاصره کرده بودند مصاف  
 دهد حضرت شهریار که مکار مجنون خان یازکی زاد در طهران گذاشته بطرف زرنند ساوه رانندند و از آنجا بجانب قم  
 انهاض فرموده بالشکر بان بخفجان ثلاثی روی داد پیر از کشتش و کوشش بخفجان در طلع قم محصور شد لشکر  
 نصرت اثر طلع را مستخر نمودند و بخفجان با صفتها که بخت و موکب منصوره عازم کاشان کرد بد جعفرخان احمدخان  
 ولاداد خان افغان را با بختجان زند و ده هزار سوار با استقبال عساکر شهریار که مکار فرستاد و دلشکری و  
 نصر آباد کاشان با شغال ناپره قتال برداختند بعد از جنگ سختی احمدخان شکست خورده فرار کرد و بختجان گرفتار  
 و مقبول شد چون بقیه السیف لشکر جعفرخان منفرما با صفتها رسیدند و او از واقعه با خبر شد با چار از اصفهان  
 بشهر از کر بخت عساکر نصرت ما تر شهر باری بسپار از اموال آجما عت با منصرف شدند و موکب ظفر کوکب حضرت  
 آقا محمد شاه با خود شوکت و جلال با صفتها تزلزل اجلا فرمود و علما و اعیان و اعظم و اشراف بلاد با شغف  
 شناختند مگر عبودیت بمان انقیاد و اطاعت بستند و اموال جعفرخان نصرت ملازمان حضرت درآمد و فتحها  
 با طرف نوشتند و چهل روز موکب معلی در اصفهان اقامت نمود و در این اوان معروض داشتند که ابدا الحان و  
 جبب الله خان بختیاری و بزرگان فرهای و کلیا بکافی باد و از ده هزار جزایر چپ از نواح زند به در چین قهر جمع مهابت  
 کارزار شده اند حضرت شهر باری با فرخان خراسانی را با ایالت اصفهان منصوب فرموده از اصفهان انهاض کرده  
 بمترل آتشکا تشریف فرما شدند و از آنجا با عساکر منصوره بفر عسکران آمده انجیل معسکر سپا ظفر هرا شده با  
 معاندین مشغول جنگ جدا شدند تا بعین زند به بسنکر کر بخت و لی سنکر را بزودی از دست دادند و ابدا الحان  
 گرفتار و مقبول کردید و جبب الله خان و سایر سردگان بختیاری بشغاف چراغ خان بختیاری بخت پانفتد  
 و متقبل خدمت گشتند پس از آن اردوی همایون بچین سنکاران آمد و در اینجا معروض شد که مجنون خان یازکی  
 طهران را فتح کرده است و مهدنجان سواد کوهی و محمدخان حاکم طهران و علینفغان سواد کوهی گرفتار شدند

و بیاسار سید حضرت شهریار امر بر من ابنیه طهران و بنیاد عمارات عالیّه در این شهر فرمودند و کعبه علی طرف  
 قلمر و علیشکر و بقصد شیخ لرستان و کردستان انبساط نمود اسمعیل خان و خسر خان و لانا بنویا یا ناز در اطاعت  
 در آمده مخلص شدند و حضرت شهریار در بیست هفتم شوال اینسال بمقر سلطنت یعنی طهران مراجعت کرده همچون  
 فاتح طهران را مورد مراجع خاصه نمودند و مهد چنان سواد کوهی و محمود خان و علینفخا سواد کوهی خیم خوار در  
 راه هوا خواهی الوار بیاد دادند و محمد خان طهرانی کشته شد و برخی از اعیان طهران که براه خلاف رفته بودند تنبیه  
 شدند و بر حاکم اعلی نواب جهانبانی ( فتحعلی شاه ) و مهد علیا و رضا خان و حاجی رضا خان فاجار و ثامن علی از نواب  
 باشعق فراوان بحضور حضرت شهریار کما مکار شرف بستند و مصطفی فلجان که بچال مخالف با بیکلک سردار میویدیا  
 سازیش کرده و در حد و اسیر اباد بقیه و فسا میردا خشد اظهار پشیمانی کرده بشقا عث برادر کار دران خود نواب  
 جعفر خان معفو شده بموجب امر اعلی با اهل و عیال در بار فروتن ساکن گردید همد اینسال جعفر خان زند بیست  
 هزار سوا جمع کرده از فارس و باصفها نهاد و باقر خان اصفها در قلعه طبرک محصر و آخر الامر مقتول شد و جعفر خان  
 بر اصفها اسیر یافت و حاجی علیقلیخان کازرونی با سه هزار نفر بقم و کاشان فرستاد و خود روانه قلمر و کلیان  
 گردید شهریار ابران برای رزم جعفر خان احکام فضا نظام بنجر و خان والی گردش و محمد حسینخان فراکوزلو و خوار  
 کروس و علیخان افشار غمسه صاد فرموده سرکردگان خلیج و بیات بدفع حاجی علیقلیخان مأمور شدند و خسر خان را  
 و سرکردگان در همدان اجتماع کرده از اینجا بمغانه جعفر خان شناختند و جنگ سختی در گرفت و در روز دوم قتال ابتدا  
 و هفتی بسپا ابوالجمع محمد حسینخان فراکوزلو و علیخان غمسه رسیده و مصروف خسر خان والی و خوانین کرد و غالب  
 آمدند و لشکر جعفر خان را شکست دادند آنها پناه بسنگر برده سرد و ز محصور بودند روز چهارم سنگر را حالی کرده  
 بطرف اصفها اگر بچند و صورت این فتح را باستان مبارک ارسال داشتند خسر خان والی کردستان مخلص و مغر گردید  
 اسفلا ولی بهم رسانید خلاصه جعفر خان بفارس رفتند در ایلات شقایق و الوار بمنته شولستان تا شهر ایشان کردش میکرد  
 و حاجی علیقلیخان کازرونی که از فضا فرار جعفر خان با خبر شده او نیز هزمین لغزمت نمود و عبدالرزاق خان از جانب حضرت  
 شهریار عظیم الشان در حکومت کاشان مشغول گردید امری یا ( انکلیس ) هفتاد و یک بسنه از پنبه امریکا در این  
 سال وارد بندر انکلیس شد و این اول پنبه ایست که از نیکر دنا با انکلیس حمل شده است معاهده دولت انکلیس با پیو صلاب  
 که بعد از این معاهده پیو صلاب پادشاه مستقل میسوی میگرد همد اینسال چرخ جبار و ان نام در انکلیس تکمیل  
 میکند ( اطرش ) مناره ایست و ک با هلاکت معنوی فرانس بهلاند ( فرانس ) در اینسال زشتاد و فرانس  
 خلیج سخت شد و جمیع فرانس در اینسال چهل و هشت کرد و بود ( سواد ) مسافرنگو سنا و سیم پادشاه سونفر

۷۱۵ مسیحی

سنه هجری

اسیسا ( ایران ) در اینسال در روز عید نوروز و زفر روز که روز یکشنبه یازدهم جماد الاول بود حضرت امام محمد شاه  
 در دار الخلافه طهران رسماً جلوس بر تخت شهریار ایران فرموده شاهزادگان و امرای بزرگان و اعیان همه در پایه  
 سر بر سلطنت آنحضرت را تبریک و تحنیت گفتند و بکمرهای زرین و شمشیرهای مرصع و عطیاتی لایفه مقرر و نایل گردیدند  
 سکه و خطبه و بنی ناز بافت رضاخان فاجار قوانو بایالت استرآباد و کرکان و حفظ شعور خراسان مأمور و منصوب  
 گردید محمد حسینخان قوانو بحکومت از نازان سرفراز شد و فاسمخان دولوی فاجار با هزار نفر از نازان بکو  
 طهران بر فرار گشت و میرزا محمد خان فاجار را حکومت فرزند دادند همد ریسان جعفر خان زند که هنوز طمع از

ملکت

ملک داری نبریده بود با جمعی بر ایشان بطرف قصبه فشمه و سمر آمد حضرت شهرناری نواب جهانبانی (فصل ششم)  
را که بنای سلطنت داشتند در طهران بجای شخصی ها پون خود گذاشته خود نبض مبارک بالشکری جرار روز هفدهم  
ماه رجب از راه فراهان روانه اصفهان شدند قلعه میغان را خراب کرده به دهق شناختند در اینجا معلوم شد که  
جعفرخان زند محض اطلاع از توجه موکب منصور از حوالی عراق بفارس گریخته است حضرت سلطنت وارد اصفهان شد  
باز ماندگان با فخرخان خراسکانی را بخواه اطف و نفقات سلطانی مسطره داشتند در این اثنا خبر رسید که بکلک در نزد  
هموت بکوس هزار جریب ناخنه بعضی هفت قتل را انجام داده جانمخد خان فاجار و کاظم خان هزار جریب در صدد منع و دفع بر  
آمد ولی از عهد آن خبر سر بر نیامده اند و طوایف کلان مطلع شده با پنج هزار سوار راه بر سر دار هموت بسبب کلک  
و جمعی را مقبول ساخته و بعضی از چپک آن طوایف را در حکم حکم پادشاهی صادر شده که حکام استر آباد و مازندران  
و هزار جریب نبادی طایفه هموت پر ازند و بعد از آنفصلا ماه روزه نواب جعفر قلیخان در اصفهان مانده موکب  
ظفر کوکب شهرناری بقصد چمن سنکباران انتهای فرمود و اسمعیل خان زند که از جانب جعفرخان زند روبرو و  
انصافان بعضی دست اندازیه نمودند محض اینکه دانست عساکره منصوره متوجه عازم ندره و میباشند راه فرار پیش  
ولی در حوالی اصفهان او را دستگیر کرده محضو ها پون آوردند و چشم خود را بر سر خود سری گذاشت پس آن اورا روانه  
طهران کردند و از آنجا راه دربار علم پیش گرفت همدین او را تسلیمان خان فاجار به تنبیه طوایف بخناری فتنه  
از سرکشان و طایعان آن طوایف را بکشت و جمعی را اسیر کرده با آستان مبارک آورد همدان او فانی علیخان افشار  
خمسه چنار و داعیه سر و دعوی سروری در دماغ جای گرفته موکب منصور برای دفع هوای او راه خمسه در بجان پیش گرفت  
او از استماع این خبر خائف و هراسان شده و سایل و وسایط برانگیخت و خدمات کرد تا از جرم خود معفو شود نیز در  
اینسال در چمن کوزان در شب با حصا هدا بنی الله خان کیلانی حکمی صادر شده او بموجب شمولات نفسا اطلاع نکرده  
نواب مصطفی خان را بدفع او و تقبیل فرمودند هدا بنی الله خان ابوانی خان نام کرچی را در منزل رستم آباد با استقبال  
لشکر با اسعد مصطفی خان فرستاده آنها در جلوان سپل هایل زینت خوانستند کرد لهذا بگریختند و مصطفی  
خان شهر دار المرز را بگرفت هدا بنی الله خان به پیر بازار که عمده اسعدان جنگ او در آنجا بود برفت و ده شبانه روز  
در پیر بازار میان هواخواهان او و عساکر شهرناری فاجار جنگ و پیکار در کار بود آخر الامر هدا بنی الله خان مغلوب  
شده بقلعه عالی که در ساحل تریه داشت فتنه با چند فرزند کشتی و جمعی سپاه را آنجا پناه جست مصطفی خان با اسفا  
خورا بد آنجا رسانیده باز ناپره قتل بنای اشغال را گذاشت هدا بنی الله خان در ثانی مقه و کردید و بوسایل زوارق  
فرار نمود اتفاقا در بامموج بود و باران میبارید سفینه که خزینة نقاشی جواهر و بود غرق شد و هدا بنی الله خان  
بتر بزم کوله از یاد آمده در آب افتاد ملاحان حیدر و از آب بیرون آوردند و در ساحل تریه بجا کش سپردند  
و تفصیل این فتوحات را بعرض آستان شهریار عظیم الشان رسانیدند همدان او نواب علیقلیخان فاجار و علیخان  
افشار بنید بر سرکشان لرستان و اهواز و خوزستان و نظم و تصفیه آید و دو سامان روانه شدند و موکب ها پون  
بعلازانکه نواب مصطفی خان راه کیلان پیش گرفت و نواب علیقلیخان و علیخان خمسه فشار روانه محل مارموت  
خوشند بقر سلطنت معاودت فرمود و سلیمانخان فوانلو بعد از تصفیه کیلان بکومشاپن ایالت منصور کشت  
و نواب علیقلیخان نیز مظفر و منصور از لرستان و خوزستان باز کشت و فانی فاجانی مختصر بسایل و فانی فضیله اش  
اصهبانی پدر نور علی شاه از عرفای معروف امری یا (انگلیس) فرمانفرمای هند و سنان بجهت بعدا بنی الله در این

بالشکر فراوان

ملک

ملکت نموده مغضوب دولت بشود جمعیت مملکت انکلیس در این سال بپشت چها کرد و سیصد و شش هزار و نه صد و  
سوی و نقر است (هلاند) شورش مردم بر ضد والی میا بچکر می ولت فرانسها این دولت هلاند و اطرش را بیاید  
سفا بن جنک و بنر بسوا حل نوسن جمله میگردند

سنه هجری

۱۷۱۶ هجری

آسیا (ایران) در این سال بعد از عبد سعید نوروز و موبک فیروزی که بک حضرت شهر باری از مقر سلطنت بجا  
اصفهان انقراض فرمود و در روز عرض لشکر علیخان غمگینا بر جرابم و خلافتی که از او بظهور رسیده بود از حلیه  
عاطل کردید و فستون ابوالعجی او را بعد از عبدالله خان او صا نلو محول و موقوف فرمودند و پسران بکاه نوقف در حد  
عراقی نواب جهانبانی (خان مغفور) را مامور خراسان فرموده نواب معظم با سه هزار نفر فستون بفرود کوه  
آمدند و دوی های بون بقیه ایام بهار را در چمن کندمان رحل افامانگنده حضرت شهر باری کا مکار عالی بانی فرج  
شکار اشتغال داشتند همدان و ان زکریا بیک نام که از اشراف نام آوران اینطایفه بود و در دربار اراکلی  
خان والی که چستان بوکالت اشتغال داشت بازو های بون آمده عرض بفریک لطیفتم نموده مشمول مراح  
ملوکانه کرم بد جواب او صادر شد و رخصت انصراف یافت هم در این ایام نواب جعفر قلیخان مامور انظام امور  
بجناری شدند و در دو های بون شهر باری از راه بر جرد بطرف همدان حرکت کرد و خسر و خان والی که در چستان  
مالیات و سائله بنوکالت را با آستان مبارک انفاذ داشت و یکی از پسر ها جوان خود را بجنسو های بون فرستاده  
که ملزم رکاب علی باشد و لطف علی خان عم او که مالیات بزبوره و بعضی هدایا و این پسر آورده بود مؤدعول  
کردیده احازت معاودت نافت روز بیست و پنجم ماه ذیقعد این سال دار الخلافه طهران بنزول جلال شهر باری  
فرستی از و روز نافت در وقت بفرض آستان مبارک رسانیدند که باقر سلطان نوری که از اردو  
کیوان شکوه نخلت جسته بازندان رفته در بلده آمل بقیسه و فتا و خود سر و عناد سپرد از حکم های بون صادر شد  
که نواب جهانبانی که در حد و فیروز کوه بودند در صد دفعه او بر آید نواب معظم با نصد سوار برای معاونت محمد  
حسینخان قاجار بیکر بیکه مازندان روانه کردند و محمد حسینخان بعد از زد و خورد با باقر سلطان نوری بر او  
غالب آمده مشار الیه بدست عساکر منصوره اسپر دستگیر شده مغلولا او را بطهران آورده از اینجا براه عد  
فرستادند همدان این سال جعفر خان زند بکازرون و بهبهان رفته و از آنجا مراجعت نموده بر سر نقیخان بزندی نافت  
نقیخان محصور شده از میر محمد خان عرب نگوی استمداجست میر محمد خان با هزار نفر بامدا نقیخان آمده با جعفر خان زند  
مصاف داده او را مضر کرد و توی تو چانه و تخیلات جعفر خان بشرف میر محمد خان طیسر درآمد و خان زند  
بفارس که بخت میر محمد خان بعد از این فتح بهوای سرودی خیال فرمانروائی افتاد و هوس شجر اصفها کرد محمد  
حسینخان و اسمعیل خان عربی که از جانب حضرت شهر باری عظیم الشان حاکم نظر وارد چستان بودند چنان  
میر محمد خان طیسر را تشویق و نایب کردند و اطاعت او نمودند و او ببلوک رود شتا آمد و در انوقت عدسینا  
میر محمد خان بخت هر ار رسید نواب جعفر قلیخان اگر چه در این ایام در شکار از اسب افتاده و در پاداشند ناچار  
با برادر خود مصطفی قلیخان بدفع و حربه میر محمد خان شتافتن چهارده روز علی التوالی ناپره مثال بنما پس کرم  
اشتغال بود آخر الامر میر محمد خان مفهوشده بطیسر که بخت و پیر از قلیل زمانی هوای شجر خراسان در او  
جای گرفته سبزووار راند والله بار خان سبزواری را محاصره نمود ولی در این جنک و پورش روزی از اسب افتاد

و جان بداد همد این سال مرثضی قلیخان که بصفتان فیه و طالش رفتہ بود با مصطفی قلیخان طالش و فتح علی خان  
 حاکم فیه و شیخ علی خان بیکر بیگ با کویہ سازش نموده غفلت بکیلان ناخ و چپاول در انداختند پس ایماخان فاجار  
 کس فرستاده واقعه را بعرض نواب جهانبانی که در فرزند کوه بودند رسانید نواب حشمت نصاب معظم مهدیخان  
 ننگابنی و بعضی از اهالی خلخال و خسته طارم را معاونت و امداد سلیمانخان مامور فرمودند ولی قبل از وصول  
 آنها بکیلان مرثضی قلیخان مراجعت نمود همد این سال جعفر خان زند سپر خود لطف علی خان را بالشکری در عبد  
 خان و محمد خان ولدان نصیر خان لاری که از قدم باز نند پسر می نداشتند بلکه از هوا خواهان نواب غفران ماب شهید  
 محمد حسن خان طابش را بودند فرستاده آن دو برادر کار را بمهر علیخان نامی سپرده بیرون رفتند و جمعیت فرام آورده  
 جنگ لطف علی خان مبادرت نمودند اما کاری از پیش ایشان نرفت و قلعه کارانند به مستخر ساختند و لطف علیخان  
 نزدیک خود جعفر خان آمد ارس یا (فرانسہ) لوی ستانزد هم پادشاه فرانسہ به بندر شیربورگ میرود  
 معاهده بخارن آیند و لٹ با انگلیس صرفه یاد و لٹ انگلیس سن لٹن نام اختراع چراغ کار بنماید (پروس)  
 فوت فریدرک کبر پادشاه پروس جلوس فریدرک یکیلوم برادر زاده او در سن چهل و دو سالگی

سن ۱۷۱۷ مسیحی

سن ۱۲۰۲ هجری

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید نوروز و روز بخت پنجم ماه رجب موکب ظفر کوکب حضرت شهریار  
 از دار الخلافه طهران نهضت فرمای اصفها کردید و نواب جهانبانی را با پنجهزار سوار جرار مامور بنیدن قلیخان  
 بزدی و نظم و انتظام آنصحنی فرمودند بعد از آن اردو معلی متوجه فارس شد ولی جعفر خان زند حصن شیراز را  
 حصین دانسته از مقابل با سپاه منصور نفاعت نمود عساکر ظفر مآثر پادشاه ایران مدت یکمفشد در مشهد  
 معروف بام البتہ اقامت نموده چون از جعفر خان جرات و جبارت بظهور نرسیده نواب جعفر قلیخان و علی قلیخان  
 بعضی از بلوکات شیراز را غارت کردند و با عنینت و فریاد و معلی پیوستند و موکب هاپون حسب المصلحت بمرقا  
 معاودت فرمود و نواب جهانبانی بجانب نیر در اندند قلیخان چون خود را مرد میدان ندید از در ضراعت استگنا  
 درآمد مقبل دادن خراج کردید و بر وفوق نفیل خود در رفتار نمود لهذا نواب شوکت ماب معظم مراجعت کرده  
 باعمال بزدی بمضو مبارک مشرف شدند و منشور حکمرانی بزید با اسم قلیخان بزدی شرف صد و بافت نواب علیقلی  
 خان باد و هزار نفر از سپاه منصور بتوقف اصفها مامور شده موکب شهریار ناچار بدار الخلافه طهران بازگشت  
 همد این سال را و ابلد پنجه باز مرثضی قلیخان با هفت هزار نفر بکیلان رانده در کسکران فرود آمد و سلیمانخان  
 فاجار حاکم کیلان نواب مقاومت بناورده نیز وین آمد و مرثضی قلیخان بر کیلان استیلا یافت حضرت شهریار  
 کامکار چون از واقعه خبردار کرد پند سلیمانخان را احضار فرموده تفصیل ماجری استفسار فرمودند پس از  
 تحقیق باحضار فشن هاپون شرف صد دریافت و کوچ بنه مرثضی قلیخان را از بار فرزند بطهران بردند و محمد حسین  
 فاجار توانلوی نظر باد و هزار سوار مامور کیلان و مقر شد که بعضی شبها بیکر فشن با و پیوند محمد حسین  
 ملاحظه آخر کار را نکرده منظر سپارد شجاعت فشن نشده سبقت جنگ نمود و شکست یافت پس از آن سلیمان  
 خان فاجار و امیر محمد حسینخان نیز و زکوهی و میرزا محمد خان لاریجانی باده هزار نفر در رسیدند و در چهار فرسخی  
 کیلان قدم در میدان محاربت گذاشتند مصطفی خان طالش ابتدا پای جلادت پیش گذاشت ولی منظر مایس  
 نشست و زسیم سلیمانخان با افواج با طرف شهر رفت و مرثضی قلیخان نیز بانه هزار نفر بمقابل او شتافتند

که آنرا غراب نیز میگویند

اندام در مصطفی خان طالش باصفوی میر محمد حسینیان فرزند کوهی مصفا داده امیر بزخم کلوله از پادرامد و پیروز  
 که بی سر در آمدند کاری از پیش نوانستند و این فقره اسباب سستی سایرین نیز گردید میرزا محمد خان لاریجانی و  
 نجفعلی این نور بعد از مجادله و مفاصل بطور جنک کریم باز گشتند و مصطفی خان و لشکر شیروان بسیار از این سیاه  
 بگشتند و سیاهان عاقلانه را حجت کرد و بواب علیقلیخان فاجار نیز از جلو جعفر خان زند عقب نشسته باصفهان  
 و از آنجا بکاشان آمد حضرت شهریار با افتداری چون مطلع گشتند نواب جعفر قلچان را بافتون استر اباد و بسطام  
 بکلان فرستادند و دیده برادر خود مصطفی خان را میل کشیدند و نواب جهانبانی را بجا بستن فرزند و معابد را از  
 بازندان مامو فرمودند و خود بنفس نفیس با سپه سواران مدار بطرف اصفهان حرکت کردند که سی هزار نفر  
 سپاه الوار زاد فرزند در عرض راه بعضی سپاهیان بلشکر نصر اثر پیوسته این فتنه قلیل گشته جعفر خان که طبع  
 معناد بود و با سرعت باد از ورود موکب منصور بکنز اصفهان خبردار شد بجانب شیراز حرکت و مصطفی خان  
 دلوئی فاجار اباد و هزار سوار او را تعاقب کرده چون پیر از طی دو منزل بجهانبانی رسید باز گشت اما نواب جعفر قلچان  
 چون بمنزل رستم اباد کلان رسیدند مرضی قلچان به بند رانته فرار کرده در آنجا قرار گرفت و از جانب پیغامها  
 داده شد و در ساحل دریای خزر و برادر ملافاث و کفتکوها گردید آخر الامر مرضی قلچان در کسفا بن نشسته راه  
 سار و پیشینه سالیان پیش گرفت و جعفر قلچان وارد شهر شد و مراب را بجزیره ابریز حضرت شهریار  
 رسانیدند حضرت قوشوکت معظم در جواب ایشان را بمرحمت امر فرمودند و سیلما نمان در کلان مستقل گردید  
 همدان و آن موکب همایون بدار الخلاف طهران معاودت فرمود و پس از ده روز توقف غریب سفر طهران نمودند  
 و نواب جهانبانی بر اسم پندرائی مقدم مبارک قیام و اقدام کردند و نواب جعفر قلچان بجزوه مهر ظهورت شرف جنبه  
 مورد مرع و مخرج گشتند چندی ربله سار بشکار و سوار گذشت و چند کاهی در اشرف بعیش و ندابر ملک  
 داری در این وان رضا خان فاجار بیکر بیک استر اباد بازرگان بیوت و کلان خارج و هکذا بلاقه گذرانید و موکب  
 اعلی بسیار باز گشته بل مشهور به بختی را که خان خلدا شینا محمد حسینیان طبیب الله مضجع بسیار آن اقدام کرده و سبب  
 شهادت ایشان نامتوم مانده بود حکم بسیار فرمودند و حاجی اسمعیل فولر آقاسی سیرکاری این کار خیر بر فرمان  
 شده باد و از ده هزار تومان خارج آنرا صون انجام و اتمام داد همدین سال بعضی از امرای زند به از قبیل صید را بجا  
 و سپس مرادخان و شاهرادخان و دیگران که در مجلس جعفر خان زند بودند یکی از خدمه حرم او از فرقیه بواسطه  
 او ستمی بجهانبانی چنانیدند و او بد بواسطه مرضی شده روز قوت او بضعف تبدیل گردید شمشیر محبوس فرمود  
 بد بسیار بعضی از مجلس مستخلص شده بر سر جعفر خان ناخند جعفر خان عبد افند بر خاسته بکد و نفر را بضر  
 شمشیر زخمی کرد آنها هجوم آورده کار او را با چاق و تیغ و نیزه چوب سنگ و خشت جاروب پارو بسیار  
 و با همان شمشیر که او در دست داشت سر او را از بدن جدا کردند و میدان ارک انداختند و صید مرادخان بجا  
 بکمران نشسته لطفعلی خان فرزندان شد جعفر خان که بطرف بنادر و عمان رفته بعد از استماع این خبر و واسعه  
 بشیر از راند همینکه باین بلند دیک شد بشیر از پها صید مرادخان را دست بستند و در راه را بروی لطفعلی خان  
 بکشدند و او فوراً بقتل فائزین بدیدر که نیست بر تخت سروری بنشست و علم استقلال برافراشت امنای حضرت  
 شهریار چون از واقعه آگاه شدند موکب فروری اثران از بازندان اشخاص فرموده در پنجم جمادی الثانی  
 بدار الخلاف طهران نزول اجلال فرمود امری پادرا نکلسی در پارلمنت انکلس گفتگو از بیع و شرای برده شد



مبالغه و تاکید زیاد در موقوف نمودن این رسم پنهانند فرستادن مفسرین این دولت را بسمت امرالی و این اول  
 آبادی است که انگلیسها در امرالی پنهانند (فرانس) ایجاد مالیات جدید بعضی اراضی خاصه باملاک کشتیها  
 نفاق و کلای ملت با پادشاه و اخراج نمودن آنها از اورسا بل (اطریش) ژوزف ویم امپراطور اتریش با کازنین  
 ویم امپراطور پروس و سردر قرق ملاقات میکند (روس) مسافرت کازنین ویم امپراطور پروس و سجوالی و ولگا  
 و خرسن اعلان جنگ پنهان عثمانی و روس و دست هر از فستون از عساکر اتریش بکس و سوار در سرحدان عثمانی  
 میشوند معاهده دولتی بنیابین دولین روس و چین (هلاند) جنگ داخل و شورش اهالی آستردام معاونت سپه  
 بوالی امریکا (انائونی) واشنگتن برپا بست جمهور انائونی منصوب میشود

سند مسیحی ۷۸۱

سند هجری ۲۳

آسیا (ایران) در اوایل اینسال حضرت شهریار کمار نواب جهانبانی را با پنجاه نفر از لشکر حضرت اثر ثوقف  
 فیروزکوه و انظام امور مازندران و خراسان مامور فرموده خود بنفسها بون با جمعی از عساکر ظفر نمون از روی عراق  
 و از عراق بفارس با یغار نمودند و متزل بضمضامضرب جنیام سپهر احتشام معلی گردیده اینجا را محل بنه و آغوز ملوک  
 رکاب اعلی فرار دادند و علیقلخان را امر بتوقف پنجم فرمودند و با تمامی لشکر بان بظاهر شهر از نزول اجلال  
 کردند لطفعلیخان با بیست هزار سوار لاری و فارسی قدم جلالت در میدان مجادله نهاد مصطفی خان فاجار که  
 نگاهدار مینه سیاهنوزی شعار بود با فوجی از دلبران شهر شکار دیوار باغی را کینگاه فرار داده جمعی از لشکر بان  
 لطفعلیخان را بجاک هلاک انداخت لطفعلیخان از فرط طهور معترض آنها نکرده با هزار سوار زبله خود با بر  
 قلب دو چیدن را از پای آورده متوجه میسره که در حراست نواب جعفر قلخان بود شدند نواب جعفر قلخان  
 ضدا و کرده از فضا روگ عقوبت در میان بود نواب معظم رکاب بر اسب کشته از آن رو گذشتند و بعضی از دلبران  
 نیز با ایشان پیوستند و جنگ در گرفت بعد از کشتن و کوشش وهنی در سپاه لطفعلیخان پدید آمد در این اثنا  
 جماعتی بک سپاهیا لطفعلیخان آمدند و دیگر باره ناپره قتال اشتعال یافت و کار جنگ سخت شد شهریار کامکار  
 محمد و لیجان فاجار را با فوجی معاونت و امداد نواب جعفر قلخان فرستاده ولی قبل از وصول محمد و لیجان نواب  
 جعفر قلخان جمعیت شمر را منفرق و آنجا عت با منفرم کردند لطفعلیخان نیز از فغای فغای خود بقلعه و شهر  
 شناخت و هزار نفر از لشکر بان او مقبول و هشتم از نفر اسپر دستگیر شدند علی الصباح را بتظرف آبت وارد و  
 کبوان شکوه بکفر سخی شهر شیراز آمد و دو ماه این بلده را در بند محاصره داشتند و بلوکات حوالی عرصه هب و  
 غارت بود و عرصه بر مردم تنگ حضرت شهریار نصف آثار صواب در مراجهت پدید آمدند روز پنجشنبه سیم شهر  
 ذیحجه عنان بکران دولت با طرف اصفها منطف فرمودند و مصطفی خان فاجار و لوی با ساسه هزار نفر در اینجا  
 گذاشتند و نام حکمرانی اصفهان را در دست محمد حسین پسر باقر خان خراسانی اصفها گذاشته موکب معلی  
 از اصفها بدار الخلافه طهران تشریف فرما شد همد را اینسال هال امال شهریار ایران بار و روز با مکر گردیده  
 یعنی حضرت قادر مغال نواب جهانبانی (خاقان خلیا آیشیان فتحعلی شاه) را پنج پسر و لاکر کر امث فرمود اول نواب  
 محمد علی میرزا که از بطن کرحبه نفلبسیه متولد شدند در هفتم ماه ربیع دوم نواب محمد قلی میرزا در بیست و سیم شهر  
 رمضان متولد شدند از بطن صبیبه محمدخان فاجار پسر سلیمانخان فاجار فوالوی سیم نواب محمد ولی میرزا که در روز  
 غره شوال از بطن مسوره اصفهان متولد شدند چهارم حضرت نایب السلطنه عباس میرزا که در چهارشنبه

نهم از بطن صبیحه بحر ما میر کبیر فتحعلخان دولوی قاجار منولد کردیده جهان را از بن فذوم خود فروغی نازده  
 بخشیدند بیستم نواب حسینعلی میرزا که در روز عید اضحی از بطن صبیحه جعفر خان <sup>عبد</sup> عرب منولد کردیده و مولد این بیست  
 شاهزاده ازاده قضیه نوای از نواب دعاوند بود که در آنجا به بیداق رفتند حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه قاجار  
 از طلوع این سنارگان سعادت آثار زاید الوصف منبج و مسرور کردیده یک هفته در دار الخلافه طهران امر بسلط <sup>سلط</sup>  
 سور و سرور فرمودند پس از آن سه نفر از این بیست فرمودند که در آنجا نواب عیسی  
 میرزا و نواب محمد علی میرزا و نواب حسینعلی میرزا بودند که در ساعتی سعادت آنها را محرم سر اخاص بردند و بدایکان بان  
 اخصاص سپردند و نیز بنیادشان پرداخت و هر یک را مشمول مرحمت ساختند هم در این سال خسر و خان والی کردستان  
 غریب شرفانند و حضور حضرت شهریار قاجار را نموده و طی در حوالی فرزین شیند که دو هزار نفر از طایفه بلایاس که  
 غالباً بنهب غارت و سرقت میرزا خستد فرزند ارشد او مهد قلیخان بانها جنگ در انداخته و بدست آنجا غارت  
 کرده است استماع این خبر وحشت اثر اسباب اختلال دماغ او کرده و این ناخوشی معالجه نشد تا آنکه خسر خان <sup>میرزا</sup> محرم  
 شد پس از او طفل خان در کردستان پادشاه داشت تا اما از الله خان بولا نیک کردستان منصوب و برقرار کردید  
**امروپا** (انگلینس) ایجاد روزنامه طمیس فرانسه اعطایش در پاریس و به کلبه عمومی مردم نسبت پادشاه  
 تقسیم مجلس پارلمنت بس فرقه نجبا و روسا دین و کسبه فوت بوفن از علمای معروف مفقود شدن لاپروسیخ  
 معروف که بدو یهای جنوب فرانسه در این سال بجاه کردار است (روس) در جنگی که دولت روس مغول  
 خک با عثمانی است قشون سوو غفله بملاکت روس حمله نمودند و اگر اختلاف و شورش در میان صاحب منصبان  
 سوو بهم نرسید و بر پا می شد و از اجبور بر اجعت نمیکردند بقیماً پادشاه سوو بسیار از بلاد روس منفرد  
 میشد پادشاه دانمارک برای امداد بر روس عساکر سوو حمله نمود و میا بچکری انگلیس و روس مانع این نماندند  
 شکست سفاین جنگی روس در سوو اسناپول (اطریش) عساکر اطریش که از رودخانه سنا و عبور کرده بودند و داخل  
 خاک عثمانی شده مغلوب گردیده عقب نشینند ژوزف و تیم امپراطور اطریش و خست از برپاشدن شورش در  
 مجارستان داد شکست سخت عساکر اطریش از عثمانی در <sup>میسوار</sup> (اسپانیا) فوت شارل سیم پادشاه اسپانیا و  
 جلوس شارل چهارم پسرش بجای او (هلاند) معاهده آیندولت با انگلیس و روس

۱۷۸۹ میلادی

تسندهجری

آسیا (ایران) در اوایل بهار این سال حضرت شهریار قاجار آقا محمد شاه قاجار نواب جهانبانی (خانان مغول)  
 را با نظام بلاد فرزین و سرحدات حمسه زنجان مامور فرمودند و مقرر شد که حاجی رضاخان دولوی قاجار  
 با پنجاه هزار سوار ملثم هم رکاب بظفر نصاب نواب عظم باشد و پیران روانکی ایشان از طهران در سیم ماه رمضان  
 موکب بصره نشان شهر باری بقصد شیخ فارس و تدمیر لطفعلی خان زند از دار الخلافه آنهاض فرمودند و در منزل  
 کناره کرد معلوم شد که در حوض سلطان که آبش از بارانست آب وجود ندارد لهذا مقرر فرمودند که در حوض سلطا  
 اردوی معلی توقف نمایند و دو مترل را یکمترل کرده تا آب برسد شاهنکام حرکت کردند و بواسطه نازکی شیب  
 جمعیت از دحام عساکر منصوبه راه تم را که کردند و ناطلوع صبح رشوره زار و کوپراه پیوند و تجل زحمت عطش  
 علی الصبح نشسته در آن سراب ماندند حکم شهریار مرحمت شکار سفایان شستگان را آب دادند و بعضی روزه داران  
 برای حفظ جان روزه کشادند و افطار کردند اما نفس نفیس شهر باری برای پاسبان امر مقدس حضرت باری عزت کرد

ناشام افغان نغمه رود را بر سائید خلاصه و در ظاهر بلده قم توفیق افغان افتاد بعد از آنجا و از اسفهان و  
 تشریف فرمایان کندان شدند را اینها جز سید که لطف علیخان زند محض اطلاع از حرکت اردو کبوان شکوه بهانه اشهدا  
 از مشایخ بند و انظام بلاد کمرس بجانب دشنه و دستتار فدر و الحقیقه باین جهان کز نری هبنکام کرده معارفین  
 حال مرء و روسا شیرازینها ز تحف و هدایای لایقه باستان ها بون انفاذ داشتند بزبان عجمی بجز عرض داشتند که بنا  
 مطیع فرمان و در رتبه اطاعت حضرت شهریار عظیم الشانیم ولی محض مصحف شیخ بلدا بوفت بکر باید گذاشت فرستاده اها کشته  
 برالم شامله و خلعت شاهانه مشمول و با جوهر شایسته نایل و از آن مراجعت یافت و نواب علیقلیان با محمد قلیخان فاجاد و اولاد  
 و هفت هزار نفر از فسون ظفر نمون مامور و روانه لشکر کوه کینو بوشندنا هل آخذ و از در اطاعت و تمکین درآمده خود را در  
 سلاک عایا منسلک داشتند و علیقلیخان با منال دیوانی بارد و سلطان معاودت نمود هر دین سال در او اینکه نواب  
 جهانبانی در چین کوران دشت متوقف بودند محمد حسنخان حاکم ختال و سران کرو و احمدخان مراغه و حسینخان دبله بیکدیگر  
 خوی بقبه اطاعت و عبودیت بگردن گرفته پیشکشها شایان فرستادند و کعبه حضرت شهریار از چین کندش اطراف فر فرستاد  
 کرد و نواب سنباطی جهانبانی و سلیمانخان فاجار حکمران کیلان با عمال نیولای محض مکر منظمه و پادشاهی تشریح شدند  
 و نواب سلیمانخان بلیغ اغضا الدوله ملقب و مخفی گشت و بار دو معلی بمقر خلافت عظمی آمد همدانین سال نواب حسینعلی میرزا  
 برادر کهن نواب حسینعلی میرزا از بطن صبیح جعفرخان عرب عامی هبطامی منول کرد دیدن با مسطورات نارنج جهان آرد این  
 سال حضرت قاجار محمد شاه نواب سنباطی جهانبانی ( فتحعلی شاه ) را بولایت عهدی قرار فرمودند همدانین سال حضرت  
 اند و برای مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین و یحیی و الدین علی بن ابی طالب با مرها بون ساختند و بدان ساختن خلدن همت سال داشتند  
 ارضی پادشاه انگلیس منازعه عساکر انگلیس با پتو صاحب اطروش شورش اهای بلزایک برصدا اهای اطروش ذکر ملک  
 بلزایک سلطنت داشتند و روس سواد باروس شکست یافتن سفاین جنگی سود از عساکر روس سوار  
 سردار روس در اولانی جنگ سختی با عثمانیها میکند و از آنطرف عساکر اطروش عجاوینت و روس بلگراد در حال عثمانی فتح مینماید  
 پشامکن سردار دیکر روس بند را از عثمانی منزع مینماید (سود) گوسنا و سیم پادشاه قلد و افتاد خود را از دست  
 طلب مینماید (فرانس) شورش سخت در پارس اهای شهر دکان معبر با غارت میکند ما رسیدن در شورس منساجاد کلا  
 ملت و هتم پادکرین آنها بر ضد سلطنت که از سلطنت فانون آزادی میطلبند تشکیل مجلس پارلمانی در ورسایل تبوطط پادشاه  
 مسئول که اجزای آن دو دست بکفر از علمای دینی و دو دست هفتاد نفر از اعیان ملک و پانصد و هشتاد و چهار نفر  
 از سایر طبقات دعوت بودند معاهده شورشبان در نالاریک موسو بنا لار کوبازی مینماید خطبه ها شورش انکر میراث  
 عزل نکر و زبر موقوف باسپیل را که از قلعه جاز و وسط شهر پارس و مجلس ولت بود اهای پارس بعلیه گرفته مجوسین بل  
 آزاد کرده قلعه را منهدم و پیران مینماید نجبا و اعیان علی الخصوص برادر پادشاه بیلا در خارجه فرار میکنند اهای  
 پاریس یافته سرتک که سفید و آبی و سوخ باشد بکلاه خود میدوزند انفلابت شورش مجلد سخت در پارس مینماید  
 که نجبا و خانواده سلطنت داشتند از آنها سلب میشود آزادی مطبوعات و محطی و غلاد در شهر پارس شورش نسوان  
 از دحام مردم در ورسایل و شکایت نجبانی مشکبان بقصر سلطنت و رسایل داخل شده همی از قراولان این عمارت را  
 بقتل میرسانند پادشاه مجبور از ورسایل بیشتر پارس معاودت میکند که شورشبان را ساکت نماید مجبور شدند  
 پادشاه بیر قرار کردن نکر را بوزارت جمیع و طلبان اعلام موقوفه معاودت از دست علمای دین منزع ساختند  
 منصور مینشوند ایجاد روزنامه مینماید که روزنامه رسماست (عثمانی) فوت سلطان عبدالحمیدخان اول و جلوس

لغات

سلطان سلیمان بستم بجای او در سن بیست و هشت سالگی امریکا ( انا تونی ) جمعی انا تونی در این سال هفت کرد  
چهار صد و سی هزار نفر است

سنه ۲۰۵ هجری

سنه ۶۹۰ مسیحی

اسیای ایران در این سال نواب جعفر قلچیان که برادر و سپهسالار حضرت شهریار کا مکار بود در خواست یا ک اصفا  
از حضرت معظم نمود و بنا بر مصلحت استدعا او بد رجوع قبول فرمودند لهذا بجا گفت و خلافت خواست چند در نظام  
ماند و حضور مبارک نیامد آخر الامر با محمد خان و محمد زمان خان عزالدین اوی فاجار سپاهن حال خود بدربار شهریار کرد  
نمود و افتاد ز خلوت از او سعادتی کرده چندی بعد بر سر سانسند که داعیه خود سر داد و با خواهر بن خراسان معاهد  
و مواضع نموده است اصفا حضرت شهریار را با برادر و رشید خود بدل نموده شبی در هنگام مراجعت از حضورها پون  
چند نفر از خدام خاص آن سردار با اختصار از آن دو به معبره ای دیگر انتقال دادند ولی بعد از فضای صادر ملازمان  
حضرت پادشاهی قرین ندانند و اغشوس کامل کرد بدیند و سوگند داشتند در این سال رضی قلچیان از بجای از خود مصطفی  
قلچیان با خبر گشت چه مدت یکسال که مصطفی قلچیان محبوس بود این واقعه نیز منور بود این واقعه از حبس خلاص  
شد این خبر شهر کر دیدم رضی قلچیان کرد با کرم و طالتش و شریوان با استعداد تمام میز بسپن نیز بشند و بار دیگر  
بهیچان آمد بطرف کیلان راند و میرزا بابا را بشی نایب کیلان هر سان شده ماجری با عرض آنهان حضور شهریار منصور  
رسانید حاجی رضا خان دولوی فاجار حال مرتضی قلچیان و عبدالرحمان و محمد خان دولو که هم از منسوبان او بودند با  
عبدالله خان او صانلوی حسن میرزا محمد خان لاریجانی و چهار هزار هزار از سپاه ظفر همراه مامور کیلان شدند و هر چه  
مرتضی قلچیان را نصیحت کردند سوگند میفناد ناچار بنای جنگ خونریزی شد بشی شاه پلنگ نام طالتش بر لشکران  
حلی رضا خان بشیخون زده در این مقدمه کس را با سپاه جوانی گرفتار شدند و نفر در میا سپاه افتاد و مرتضی قلچیان  
غلبه کرد ولی بعد از چند هم گرفتاران را رها و روانه در بار مصلحت نمود سوای حال خود را که با سو احوال نگاهداشته  
با کلاب و ذباب و دیف و حریف می نمود میرزا بابای نایب کیلان مراتب با معرفت آستان مبارک داشته حضرت شهریار رضی  
خان دولوی فاجار و امفله را کج پیش قرار داده از پیشروان گردند و موکب ها پون مستعد آنها صر کرد دیدم مرتضی قلچیان  
و مصطفی خان طالتش از عزیمت شهریار کا مکار و خبردار کرد بد و دانستند که در جلوس سید هایل مقام نتوان نمود ناچار  
بیاگو بر رفتند در آنجا نیز چون کاری نتوانستند کرد مرتضی قلچیان خاب و ما بوس پناه بجاک روس سرد و حاجی رضا  
خان و عبدالرحمان را با مادر خود بطهران فرستاد همد را این سال لطیف علیخان زندا سفید فراهم کرده فصل بخبر  
اصفا نمود حضرت شهریار ناچار از عزیمت استحضار کرد بدید نواب سناطاب جهانبانی را بدفع او مامور فرمودند  
نواب معظم با بعضی از دستجات فسون نصرت خون بچین گدیمان شریف فرما شدند و موکب ها پون بکوران دشت  
لجلا نموده مصطفی خان فاجار شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات شده مقرر فرمودند با پیچتر از نفر چند نواب  
جهانبانی روانه شود و اردو کپوان شکوه بغیرم لشکر آذربایجان حرکت کرد و نواب با غصه الدوله سلیمانخان فاجار  
باده هزار سوار در منزل طارم مامور لشکرها سوله و بنسبه طالتش کردند و او بخوبی اینجند وقت انجام داد و محمد حجاب  
حاکم خلیفان و محمد حسنین حاکم کرمس از دو طالع و انبیاد درآمدند و صادقان شقایق در حوالی قلعه سزاب  
اندام جنگ کرده شکست خورده و پناه براهیم خلیلخان ابن پناه خان جوانشیر برد عسا که حضوره قلعه سزاب  
خواب کرده بار دبیل شتافتند و این شهر را نیز محصر نمودند و یکم هفت در آنجا اقامت کردند احمد خان حاکم مراغه

با حسینه

با حسین علی خان افشار برادر محمد علیخان بیکر بیکه ارومچی و جمعی با آستان مبارک آمدند ولی محمد علیخان را در غنچه حیا  
 گرفته در قلعه اشنو محصور شد و محمد خان عزالدینلو و حسین علیخان افشار با دسکه قشونی ارومچی را بگرفتند و اموال محمد  
 علیخان را منصرف شدند همدراین ایام مصطفی خان فرجه داعی بقبیل عنبه علیه آمد و حاج محمد خان فاجار مامور بنسبه مصطفی  
 خان طالش کرد و نواب اغضا الدوله با پیشخان اردو و معنی ساخت فرجه داعی توجه نمود و قلعه امر (اهار) را  
 مستخر ساختن بجهت کلنگ رفتن و از آنجا به انک سبزه آمد و رحل اقامت افکندند در اینجا حسینخان دینلی بیکر بیکه خونی  
 مبارک آمده مصلح و حکومت اردبیل و تبریز را با و نیز مفوض داشتند و او روانه تبریز شد و حضرت شهریار کامکار چندین  
 روز در اینجیل بصد و شکار گذرانیدند همدراین ایام و آن محمد خان عزالدینلو که بعد از جعفر علیخان داخل در امر ابو و برادر  
 محمد زمانخان حکومت بطام مینوی با محمد ولی آقا و جمعی بگرا نفاق کرده اند نشسته مخالفت با حضرت شهریار نمودند و محمد علیخان  
 شامیانی سپزاده محمد علیخان جو جوق نیز با آنها همدست شد ملازمان آستان هابون ازین مواضع مستحضر گردیدند و محمد خان  
 و محمد زمانخان و محمد ولی آقا چشم در راه بی بصر گذاشتند و محمد یقینان و محمد علیخان جو جوق نیز با مر اعلی در گذشتند و محمد علیخان  
 بیکر بیکه ارومچی شفاعت امر معفوشده که عبودین بر میان بست و حکومت ارومچی منصوب گردید همدراین ایام موکب هابون غریب  
 نیز فرمود حسینخان بیکر بیکه و اعظم و اشرف بلد با استقبال و پذیرائی مقدم مبارک شناسند اما لطفعلیخان زند با بست  
 هزار سوار سیر علیا آمده و نواب مستطاب جهانبانی بطرف نمشاند و جنگ در گرفت لطفعلیخان پناه بسنگ برد و بعد از  
 خان شیرازی برادر مهنر حاجی ابراهیمخان که وزارت و امارت جمیع داشت بجهت ارادت بنواب مستطاب جهانبانی شبی در نزد  
 لطفعلیخان آشوب و انداخت و اردو را منفرق ساخت فاجار لطفعلیخان فرار کرد و مصطفی خان فاجار دولو او را تعاقب  
 نمود اما بوی نرسید و نواب مستطاب جهانبانی با دهنها آمدند از آنطرف حاجی ابراهیمخان شیرازی دروازه شهر شیراز را  
 برد و لطفعلیخان بست و گرفتار سرگردانی شد و مراتب مسموع نواب مستطاب جهانبانی و معروض آستان پادشاه  
 داشتند حضرت هابون شمشیر مرصع و خنجر مکلل برای نواب مستطاب معظم اعطا و ارسال داشتند و میرزا رضا  
 نوابی منشی الممالک منخلف سلطانی مامور تصرف اموال لطفعلیخان و نظم آسامان شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی  
 درازای خدمتی که کرده بود مخلص گردید و حفظ و حراست شیراز بعهده او موکول گشت و مصطفی خان فاجار برای مدتی  
 او روانه شیراز شد همدراین ایام ابراهیم خلیلخان جوان شیراز صادقان شفاعت کرده جرم او را معفو  
 داشتند و موکب اعلی در پنجم در پنجم مقر سلطنت معاودت فرمود و میرزا رضا قلی منشی الممالک مصطفی خان فاجار را  
 با سه هزار سوار در آباد کرده گذاشته خود بشیراز شتافت و حاجی ابراهیمخان بخوبی و زاید پذیرائی و استقبال نمود  
 در این اثنا لطفعلیخان باز از خان خسته معاهده نمود با هزار نفر متوجه شیراز شد و در محله موسوی به کوچه ای  
 گرفت حاجی ابراهیمخان مصطفی خان فاجار را از آباد شهر شیراز بخواند و باغ جهان نما را با یکاه مساکر حضرت مادر  
 فرار داد لطفعلیخان بجوالی شیراز آمده در پیشه که متصل بشیراز بود کمین کرد و جمعی را بکازرون فرستاده آنها آن  
 محل را غارت کرده باز گشتند مصطفی خان فاجار با فوجی از مردان کار پنجفرسخ راه طی کرده با لشکر الوار که از کازرون  
 میآمدند ملازم نمود به بیکار پیرداخت با نفعی که جمعی بدفع آنها فرستاده خود در پناه کوهی با ایستاد ابدالخان عبد  
 الممالک از سر کرده ها لطفعلیخان مقبول گردید در اینجا لطفعلیخان با پانصد سوار از کمین بیرون آمده بر سپه اطرف  
 همراه کجک کرد مصطفی خان فاجار نیز فرار از کوه نیز آمده متوجه قبال و اشتغال ناپره جلال کردید لطفعلیخان نواب  
 معاوضت بناورده راه که بر پیش گرفت ولی سنار کار نکشیده که از طرف و راهی وی بشیراز میآورد و فرستاد

فساد بر نیامیدد برای اینکه مواد شرارت و بکلی مخم کزد و جاج محمد خان فاجار نیز با پنجهزار سوار معاونت و امداد مصطفی خان مامور شد و در هنگامیکه لطفعلی خان استعداد بهم بستر مسجد برد و قریب شش ماه شش روز بود جاج محمد خان مصطفی خان پیوسته بکفنه تمام مشغول جنگ بودند و در این حین بعضی بکر و زینبار حمله و خدعه رضا پلخان دولوز لشکر و رفاقه گرفتار کرد بدو آخر الامر لطفعلی خان مغلوب شد و بطرف ترکان رفت هم در آنجا حضرت هاپون را سکنه غرض شده بسبع هزار مسیح طرفی و مبرزا احمد طیبی و هم از سده و ز صحت یافتند و بعضی بنواقت را بسال بعد ثبت داده اند نیز در آنسال فصدت بیدقیه منوره حضرت خا مس آل عبا علی الخیمه و الشافری و ند و عبدالرزاق خان حاکم کاشان با جمعی بقره تو سبغ قبه مبارکه آنحضرت و ند هبت مامور گردند و حاجی سلیمان صلیبی داده تاریخ آنرا چنین گوید

(کک صباحی از پی تاریخ آن نوشت در کتب حسن علی زبیب یافتند)

همدین وان میرزا رضا قلی نوائی منشی الممالک با اموال لطفعلی خان مجبور شهریار عظیم الشان شرف حسب و از آنجمله مبلغی جوهر و خرد اس مادیان بود هم در آنسال مصطفی آقای عثمانی از جانب سلیمان پاشا و الی بغداد بدر بار هاپون آمد و از بلاد آذربایجان و عراق و فارس انواع هدایا و تحفه حتی جز عنها و شفقارها پشتکش در بار سپهر آقا کردند و قاضی آقا محمد باقر قزوینی از اجله علمای امامیه اعلی الله مقامه در دست خود و سه ساله امری یا (اطرش) بلزبک از آید خود را از تحت سلطنت اطرش اعلان میکند و ولت اطرش از پاپ دول انگلیس و فرانسه و پروس استعانت برای امن کردن بلزبک میطلبد فوت زوزف و تیم امپراطور اطرش که این نکات از انشای خود او بر سنک قبرش نوشته میشود (اینجاست مقبره زوزف و تیم که در تمام ارادات و مفاصل دیده داشته بیخست بوده است) بر فرار شدن برادرش بلزبک و تیم بجای او در سن چهل و سه ساله (پروس و روس و یهود و عثمانی) سوطن پروس بر ضد اطرش و روس و بلزبک مجبور با اتحاد با عثمانی مینماید فوجات عساکر اطرش در سواحل دانوب و فنون عثمانی که در آرزو او بودند چون در آنجا شد و آن زلزله را از فضا های آسمانی دانستند قلعه را تخریب کرده فرار نمودند فوجات و غلبه سفایر جنگی میبود بر کشته های روس در پای سووند چون انگلیس و روس بدولت اطرش وعده میدهند که اگر ترک منازعه با عثمانی نمایند در امن کردن بلزبک و زاکم نمایند ماهه فیا بین اطرش و عثمانی منازعه میشود و سووند باروس صلح مینماید منازعه روس و عثمانی فسخ کردن سوواردی سر زار روس شهر اسمعیل عثمانی را و قتل نمودن این شهر را (فرانسه) شورش و انقلاب را اکثر بلاد میزبان و مقادیر در تمام فرانسیک و زن میشود مواجیب پادشاه بپنج کرد و نومان ایران مفر میشود و زیاده بر این حق صرفت و وجوه دولتی ندارد اجزای فانونیکه شاه و کلا در تحت آن فانون مساوی سلطنت مستقله در فرانسه متروک و سلطنت مشروطه برقرار میکند و خطایات شاهزادگی و عثمانی و بیک از اعیان و بحیاسلک بر داشته میشود علمای دین از تمامی مداخله هاد ولی ممنوع میکردند نیز از وزارت استعفا مینماید امر بیک (اناوونی) فوت فرانکلن و عزای عمومی ملت و ماه

۱۲۵۱ هجری

سنه هجری

آسیا (ایران) دو و انیسال حضرت شهریار به پمال نواب مستطاب جهان بانی زاعامور تو قیظ طهران فرموده و برادر کهنه والا کهر ایستان حسینی خان را با پنجهزار نفر از عساکر نیمت مآثر بجای مناصفها معتین و امر کردند و موبد هاپون بقصدند بر لطفعلی خان نند ز چمن کندان حرکت و اینهاض فرموده ابراهیم سکر کرده دامغانی را مفدته الجیش قرار دادند و چون اردوی معلی بچین ابرج (ابرج) رسید معروف شد که لطفعلی خان از زرفان بجزم

مشین

شبخون حرکت کرده و بجوالی اردو آمده است حضرت شهرناری غیر فرمودند که اگر علامت شبخون بظهور رسد نشون  
 ظفر نمون با مرها بون حرکتی نکنند هنگام شب لطفعلیخان در ننگ ابرج با ابراهیمخان دامغانی ملازم نموده جنگ در گرفت  
 و ابراهیمخان بعد از اظهار جلادت مقبول شد لطفعلیخان عبد الله خان و محمد خان اعمام خود را با طرف اردو فرستاد  
 و خود با هزار سوار در مقابل اردو آمد و اقدام بپوش و حمله نمود عبد الله خان زند نیز فصد سر آورده و حیا م  
 کرد و ناحتشام سلطنت کرده آقاخان کتول قولی آقاسی میرزا محمد خان لاریجانی جلو او را گرفتند و میرزا فتح الله خان  
 اردکانی فرود فغ بلطفعلیخان داد لطفعلیخان در خارج اردو فرار گرفت و وقت صبح با سبب استماع صدای اذان  
 یا بواسطه طبل جنگ داشت که فغ دو شبانه محض هم و میال بوده و اردو شهرناری با کمال نظم برای قتال حاضر  
 پشت ستانست کز بنده و یقین حاصل نمود که مفاومت با عساکر پادشاهی امری محال است طهاره کر نیز پیش گرفت  
 و دو پست نفر از همراگان او اسپر شدند و موکظمر کوکب شهرناری متوجه شیراز گردید پده حاجی ابراهیمخان شیراز  
 و سرداران و اعیان فارس با استقبال و پذیرائی مقدم مبارک شناختند حضرت ها بون در غارات و کپل ترول  
 اجلا ل فرمودند و نواب حسینقلیخان را از اصفهان بشیراز طلبیده و بنای فارس را بجای ابراهیمخان دادند و اهل  
 عیال لطفعلیخان را با دوازده هزار خانوار از کله و طاقی و خواجگه ند و عبد الملک کوچا نیده با ستر اباد فرستادند  
 موکب معالی طهران معاودت فرمود و میرزا فتح الله سابق الکر گرفتار شده ز بان نش مقطوع کرد بدینسان بخشری  
 دوده حسینخان در لونی خا جار در جهاله نکاح نواب حسینقلیخان در آمد و ابراهیمخان بن محمدقلیخان بشیرناز در  
 بز کز بن دختران نواب مستطاب جهانبانی نابار گشت و والده ابراهیمخان را نیز سابقا بقا بعد نواب شطاب معظم  
 در آورده بودند اما لطفعلیخان بعد از فرار بطرف کرمان راند میرزا ابوالحسنخان حاکم کرمان او را از ورو و بشهر طایف  
 آمدن چهار پیر در آمد میرزا محمدخان را وی نیز بنماز عشا و پر خا خت چندین از همراگان او را دستگیر ساخت لطفعلیخان  
 از وواضطرار و از راه چهل پیر لوط بطبرستان آمد و امیر حسینخان حاکم طبرستان سوار بیکام و مامور کرد و او با  
 ابن لشکر قلیل باز بسودای سلطنت از راه بزد عزیمت فارس نمود و با نقیخان بزدی مضاف داده از آنجا با برقه شفا  
 حاجی ابراهیمخان مراتب با بعرض حضرت شهرناری رسانده محمد حسینخان قوالنوی کشیکچی باشی خاله زاده حضرت  
 شهرناری با هشت هزار سوار مامور در دفع لطفعلیخان شد و محمد آقای خا جار نیز با سه هزار کس از عقب روان گردید  
 لطفعلیخان چون از ماموریت و حرکت محمد حسینخان خبردار شد بطرف بوانات رفت همینکه محمد حسینخان بشیراز رسید  
 لطفعلیخان راه دارا بگرد پیش گرفت و این نا امید را مستخر کرد محمد حسینخان بطرف اردان و براه نیز رفت محمد حسینخان  
 بنیرین آمد لطفعلیخان از نیز حرکت کرده و محمد حسینخان او را عقب نموده در پای خرمن کوه بد و رسیده بازده  
 رفت با پانزده روز در اینجا ناپره قتال بجنبی اشغال داشت با وجود کمال جلادت عاقبت لطفعلیخان منتهز شد  
 بطبرستان و محمد حسینخان منظر و منصور بشیراز باز گشت بدینسان نواب محمد تقی میرزا ابن نواب مستطاب  
 جهانبانی از طبرستان مسنوره بجنابارتیه متوالی کرد بد و مشتاقا شاه از عرفاد در کرمان مقبول شد امریایا (المان)  
 قوت مؤثر موسیقی دان معروف (انگلستان) ایجاد مجلس پارلمنت در کانادای بیکه دنیا (اطریش و عثمانی) انعقاد  
 عهد صلحی مابین ولین عثمانی و اطریشی در زینب نو (فرانس) شاهزاده ها خا نواده سلطنت فرانسه که  
 خا لالمان فرار کرده بودند و شهر کلاستر متشوق بر ضد شورشیان تشکیل میدهند هجوم و حمله اهالی پار بقلعه  
 و نیز خراب نمودن آن موقوف نمودن کرک در وازه ها پار و شرفوت میراب معروف مجلس نظری پادشاه موقوف

شدن منصب مزاری و زارت درباری گیلوان طلب چرخ اخراج میکند که بواسطه آن سرانمان بسبب دولت ازین  
 جدا میشود فرار پادشاه و ملکه و اولاد آنها از شهر پاریس و کفرناز شدن آنها در بین راه و مراجعت دادن آنها از پاریس  
 و حبس کردن در قصر سلطنتی پادشاه پروس با میرا طور اطریش و عده میدهد که یک بیاد سناه فرانس و شاهزاده ها  
 که فرار نموده اند بناید لقب علیحضرت از القاب پادشاه در مملکت فرانسه محذوف میشود گویند و ستم پادشاه  
 سوخته بر ضد شورشیان فرانسه تصمیم غم میدهد

### سنه هجری

۷۹۲ هجری

آسیا ( ایران ) در ایسال موکب حضرت شهریار کاظم و مصمم سفر کرمان و فارس کرده روز هشتم ماه رمضان اردوی  
 معلا حرکت و آنهاض فرموده در چین آسیا من حاجی ابراهیمخان و عمال فارس محضو مبارک مشرف شدند و چون هدم قلعه  
 شیراز مکنون خاطر هاپون بود جاجمخدرخان فاجار را با انجام این قصد وانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را  
 بتخیر قلعه کرمان امر نمودند و مصطفی خان دولو باده هزار نفر از عساکر ظفر مآثر و عبدالرحیمخان و جمعی از سپاهیان  
 فارس ملزم رکاب فرودی انشاب نواب مستطاب معظم گردیدند و در این اوان میرزا ابوالحسن خان حاکم کرمان در گذشت  
 وارد و نواب جهانبانی بنهر بابک سپید و قلعه کران واقع در سر جانرا فتح کردند و مصطفی خان و عبدالرحیمخان  
 بتسخر قلعه برم و زفا شهر ما مور کشتند و این دو ناحیه را مسخر نمودند نواب مستطاب جهانبانی ملا عبداللہ فقیر را بل  
 مرتضی علیخان و ولد شاه رخ خان افشارید ربار هاپون فرستادند و مرتضی علیخان حکومت کرمان برقرار کرد بدین اوان  
 جهانبانی نیز در چین کوشک زرد بار دو کپوان شکوه پادشاهی پوکشند و انظر ف جاجمخدرخان فاجار نیز قلعه شیراز را  
 خراب کرده و خندق آنرا نیز انباشت معاد د نمود و موکب حضور شهر پاریس باصفهان بازگشت و محمد رضا خان کرا  
 که فرار کرده بود کفرناز شده بنامار سید هد را بن سال نواب پیر کبیر سلیمانخان فاجار ما مور نظم آذر با بجان گردید  
 وارد و هاپون از اصفهان بدار الخلافه طهران آمد هد را بن اوان رضا خان فاجار که حکومت اسر آباد و داروغه کیموٹ  
 و کلان برقرار بود در گذشت و طوایف نرکان با هم اتفاق کرده بنای مخالف و خو سری را گذاشتند محمد علیخان  
 داشلوی فاجار بان نواحی ماور شده ترکم نمکین و اطاعت ننو ندند بقلیخان دولو و محمد و لیخان و محمد حسینیان تو  
 باده هزار نفر از سپاه ظفر هرا بنده و بنسبه انجاعت وانه شده تن کمانان را مقهور و مطیع نموده باستان معلی باز  
 کشتند و اما مقلیخان پسر رضا خان فاجار حکمران اسر آباد و داروغه کیموٹ و کلان برقرار شد هد را بن اوان  
 چون نواب سلیمانخان فاجار بتبریز رسید صنادخان شفاقی و احمدخان مراغه و حسینیان دینی و کلبعلیخان نخجوان  
 و نصیرخان شاهسون و محمد علیخان ارومیه و عسکرخان افشار از در اطاعت درآمدند و جوادخان و محمدخان فاجار  
 بیکر بیکر کینه و پیمان و اسحق پاشای حاکم با بزید رقیه انقیاد بگردن گرفتند و نواب امیر کبیر سلیمانخان فرستاد  
 بشوش فرستاده با بر اهییم خلیس خان نوشته نوشتند و او را با طاعت خدمت عو کردند مشارالیه پس ان  
 مشاورت با خویشان خود عبدالصمد بیک بنی عم خود را با هدایا و تحف بتبریز فرستاد و نواب سلیمانخان عبدالصمد  
 بیک با خود بطهران آورد هد را بن سال نواب مستطاب جهانبانی عازم زبارت بخجاشرف گردیدند و عظام سلیمان  
 سعید شهید و نواب جهانسوس شاه انا لله برهانما را از قدمگاه خضر که در اسر آباد است جدا در صندوقها گذا  
 بخجاشرف بردند و در جواد حضرت امام همام امیر المؤمنین علی علیه السلام فون نمودند و در انمورد سلیمان پاشای تبر  
 بغداد بعضی خدما کرده بنو جهات پادشاهی مباحی کشت هد را بن ایسال نواب علیسقی میرا بن نواب مستطاب جهانبانی



منولکر دید و فات حاجی سلیمان صباحی کاشانی امری یا (المان) اتحادیروس اطردین بر ضد جمهور فرانسه فون تولد  
دوم امیر طور اطردین و جلوس فرانسوی دوم در سن بسبت چهار سالگی (انگلیس) منازعه شامحت عساکر انگلیس در  
هند بابتی صاحب غلبه نمودن بر او فون رینلد سرنفاش معروف (فرانسه) قوت شورشیان عزل و زدا مجبور شد پادشا  
بتعیین وزیران شورشیان مدغم نمودن شورشیان علمای دینی را از ملتس بودن بلباس مذهبی اعلان جنگ شورشیان  
پادشاه اطردین ریسر پیر و دان ن و مازان رئیس شورشیان ملبسند هجوم و حمله مردم بقصر سلطنه و هند بدقتل پادشا  
نمودن تخطی کردن عساکر پر و کس بیک پادشاه فرانسه حرکت کرده بودند از مسجد فرانسه حاضر کردن شورشیان چهارصد  
پنجاه هزار نفر فشنون برای مدافعه آشتاد نصف مار سیلر که از این شورشیان و بعد جمهور طلبان آنرا در زبان خود  
در وقت جنگ او ان ضدیت و خصومت با وضع سلطنه میخوانند امیر طور اطردین و پادشاه پروس شاهر ما یا شتر آمد و  
دیگر نشویک را سردار کل فشنون دو دولت نموده بدفع شورشیان فرانسه مامور میکنند و که مشارالیه با عساکر خود  
تا ساحل رومل میراند و بدایجاد و د مینا یادها ای پاریس بقصد کشتن پادشاه بقصر سلطنه حمله میبرد فوج سویش فراول  
خاصه پادشاه بود ند اما مسئول میشوند پادشاه اضطرار خود را بجلوس شورشیان می اندازد لوی شانزدهم و زوج او  
در نامیل حبس مینابند پادشاه پروس با عساکر خود بطرف پاریس حرکت میکند قتل جمعی از هواخواهان سلطنه در پاریس  
قنادیل طلا و نقره و صلیبها بر صغ و تجلات و نقایس معا بد پادشاه شورشیان بدار الضرب فرستاده آنچه فلز بود مسکوک و  
بقشون تقسیم مینابند عساکر پادشاه پروس یا لک شامپا و رود کرده در و آلی دو موریز سردار شورشیان بابیت  
و چهار هزار فشنون هشتاد هزار تن از عساکر پروس را شکست میدهد بجلوس ضعیف سلطنه را محذوف و مشرک مینان  
و اعلان جمهور رد دولت فرانسه را نموده مسکوکات و مهر دولتی بلفظ جمهور منقوش میکرد اعلان جمهور فرانسه پادشا  
سار دین که بر ضد جمهور بود و منزع ساحلین بنس و سا و ارا از پادشاه سار دین مراجعت نمودن عساکر پروس  
مغلوبا از حال فرانسه منصرف شدن سردار فرانسه کوسین نامی و فرانکو دراکه از شهرها المان میناشد فوج  
عساکر دولت جمهور فرانسه در بلژیک و مسخر نمودن بروگسل پای تخت این مملکت را خطاب آقا و خانم برجال و نسوان  
فرانسه داده نمیشود برای اینکه مساوات کامل معمول شود و در مخاطبات و عنوانات هشری بیکدیگر مینویسند  
مجلس شورای جمهور لویی پادشاه فرانسه بجهت اسنطاق بجلوس اختا میکند (پرتوغال) ماری ملکه مملکت پرتوغال  
دیوانه شده پیش بنیابسا و سلطنه میکند (روس) فرانسه انگلیس پروس اسطه مصالحه مینابیند و لنین روس  
عثمانی شده معاهده موسو بعهد یاسی بین طرفین منعقد میکرد و در این معاهده اوسا و قرم و کویان منعلق پروس  
میشود (سود) قتل گوشتا و سیم پادشاه سوود در یکی از مجالس جشن بدست یک از اعیان جلوس سپوش گوشتا و  
چهارم بجای او در سن طفولیت

سده ۱۷۹۳ مسیحی

سده هجری

آسیا (ایران) در این سال حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه فاجار غریب خراسان فرمودند ولی بعضی اتفاقات  
مانع تقسیم این عرش شد تبیین آنکه اهالی کرمان بر جا که خود مرئضی قلیخان و ابراهیم آقایی فاجار بشور بدند و حاکم  
را از شهر بیرون کردند و با لطف خان زند که در قاپ بود عهد منافع بستند لطف قلیخان که قلوب اهالی این  
را بخود مایل بد با جمعی از افاغنه بنر ماستر آمده و از آنجا بشهر کرمان را ند مرئضی قلیخان در ارک محض حبس  
ولی را بجا بنر نوا است بستند بنا بر این لطف قلیخان شهر کرمان را منصرف شد و جها نکر خان سپستان نیز با فر

سوار با و پیوست حضرت شهرناری چون از این واقعه آگاه گردیدند فریاد میزدند و نواب سستاب  
جهانبانی را با پنجاه سوار از پیش روانه کرمان نموده موکب غما بون بزرگ و چهارم شوال برای دفع لطفعلیخان  
زندانیهاض کرد نواب سستاب جهانبانی چون بجد و در اوج در رسیدند شنیدند که اهالی جبرفت طعیان کرده اند  
لهذا سنه لشکری آن ناحیه مامور نموده آنها پسران زد و خورد جبرفت را مسخر کردند بعد از آن نواب سستاب  
جهانبانی بتبخی زلعه هژود توجه فرمودند و محمد تقی بیگ فولاد آغاسی با جمعی حمله بقلعه نمود از آن طرف فرار سوار  
کردی از قلعه خارج شده بملاقات کوشیدند و در این زد و خورد محمد تقی بیگ بضر کلوه مقبول شد و همراهانش  
شکست خوردند نواب سستاب جهانبانی خود با عساکر ملزم را با بظرف نصاب اقدام پورش نموده قلعه هژود را  
گرفته مفهم نمودند و جمعی را براه عدم فرستادند در این اوان موکب منصوب شهرناری از راه بوانات بطرف کرمان رفتند  
و در بکفر سخی شهر بابک اتراق نمود و نواب علیقلیخان برادر آنحضرت با چند عراده توپ بتبخی شهر بابک مامور شد  
شهر بابک مفتوح شد پس از آن علیقلیخان و همراهان او بتبخی قلاع سپر جان پرداختند و حضرت هابون بسرفلعه  
مشرف ناخشد و آن قلعه را بقلعه گرفته اثناع لطفعلیخان را بسری دیگر روان کردند و راه کرمان را پیش گرفتند  
تزدیک بشهر شدند لطفعلیخان بمقاتله عساکر حضرت نشان آمد و جنگ سختی در گرفت ولی بعد از کشتن و کوشش  
زیاد مقهور و مفهم شده پناه بقلعه برد و نشون ظفر نمون شهر کرمان را محاصره کردند و اینوقت بعضی حضور  
پادشاهی رسانیدند که مقصود لطفعلیخان رسیدن فصل است و نواب نیاروردن لشکر رضا توان در مرامی باشد  
امر هابون شرف صدور یافت که در خارج کرمان شهر نیار کند داری و روزه و بروج و بیوانات و از اطراف  
آذوقه و لوازم معاش در آن جمع آورند مامورین بمباشند و مشغول کار شدند و در اینوقت نواب علیقلیخان از تبخی  
سپر جان فراغت یافته بار دو معلی پیوست و دیگر بار بنظم کوه کیلوله او را روانه فرمودند و نواب سستاب جهانبانی  
بزرگ علی بیرون ماسرور راه بروی حاجی کار و بنادر شریف فرستادند و بعضی قلاع مستخر کرده و آنصفحات را منظم  
ساختند و بلاد را ندیدند عبدالله خان کازی که خلد مشکذاری که میان زبستانا ما کار خاص کرمان بطول انجامید و بعضی  
ندایر قلعه کیری از حضرت نعت غنه بنفایده شد و کار بر محصورین تنگ شده دوچار محظ و غلا گردیدند ناچار ده  
هزار نفر از فترا و کسبه عجزه را از شهر بیرون کردند و پنجاه دیگر پای ثبات افشردند پس آن حکم رضا و فرمان قدر  
افضا نوبت غلبه فتح در رسیدن احمد خان سواد کوهی با عساکر ابو الجحی خود نزد بانها برد بوار حصا گذاشتند  
و بیالاصعوم نمودند سایر امر این با و اتفاقا کرده تمامی بروج را بگرفتند لطفعلیخان چون علام خندان را مشاهده  
نمود بر سبب غران سوار شده از روه و هژود راه را باز کرده از شهر بیرون آمد و اسب خود را از خندق جهاند راه بم  
پیش گرفت و در کیشنا نه روزی فرسنگ راه طی کرده بدین شتاب خود را بیم رسانید و از آنجا که اهالی کرمان  
خود براه خلافت فته و میل بمنابع لطفعلیخان کرده بود ندیدند و در وجود نامعدود بشهر بقتل عام اشارت  
رفت خلاصه چون لطفعلیخان بیم رسید محمد علیخان برادر جهانبانی که خان سیستان او را مشوش دید و برادر خود  
با او ندیدگان کرد که جهانبانی خان دستگیر و در بند ملا زمان حضرت شهرناری عظیم الشان است قصد کرد لطفعلیخان را  
گرفته باستان هابون فرستادند بنو سبیل را در او مشغول شود لطفعلیخان این معنی را بفترس کرده خواست از دروازه  
بم بیرون رود و فرار بر فرار اختیار کند سیستانا بهاد و رور اگر فتنه و اسب را پی نمودند و در زخم بسرو دست  
زدند ناچار ابد السلام و مفید گردیده مرابن ابر من حضور مبارک رسانیدند حضرت پادشاهی محمد و لیجان فاجار

باخصا اور وانه فرموده مشارالیه لطفعلیخان را بدربار سپهر افشار آورد و چشمی که بخت و تاج ابران دوختند  
 از او دور نمود و قطعه لباس مشهور و معروف بناج ماه و در بای نوید از جواهرات نواب غفران غائب محمد مستحان  
 طاب ثراه که نزد لطفعلیخان بود بوارث حقیقین آن یعنی حضرت آقا محمد شاه رسید پوشیده بنا شد که اکثر مورخین  
 فتح کرمان و ورود سپاه حضرت توامان را با نیشهر و گرفتاری لطفعلیخان را از وقایع او اهل سال هزار و دویست و  
 دانسته اند و نگارنده نیز از عقیده راجع بمشمارد و اینکه در حائمه این سال نوشته بواسطه پیوستگی حوادث است  
 خلاصه لطفعلیخان روانه طهران و از اینجا بسرای آخرت روان شد و حیدر او را در اما مزاده زندین کردن  
 موکب منصوب شهریار از کرمان بشیر از عطف عنان نمود و نواب سناطاب جهانبانی و علیقلیخان از لامعاوت  
 کردند و نواب حضرت سلطنت عموما و حکمرانی فارس و نیز در کرمان خصوصاً بکف کفایت نواب سناطاب امجد  
 جهانبانی (اعلی حضرت فتحعلی شاه) مقرر شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی بر شیره وزارت حضرت هابون سران  
 و از شیراز ملایم رکاب ظفر ارباب از کرمانه ملقب با اعتماد الدوله شد و عبد الصمد ملک برادر زاده ابراهیم خلیل  
 خان چون از سفر کرمان فرار کرده بود در حدود طهران دستگیر شده و با سار سید و اینمغنی مجد السبب  
 خوف و خشیت ابراهیم خلیل خان گردیده از شرفیابی آستان مبارک نفاذ و در زید با امرای آذربایجان در  
 تفهیل عینه علیه موافقت و همراهی نمود و در این سفر خیریت اثر امرای شرف صد و ریافت که دو قطعه بشون  
 عمارت و کبلر که از نفاذ اعدا است از شیراز بطهران نقل و در دیوانخانه دارالخلافه نصب کنند مخفی ماند که سلسله  
 زندی و چهل و سه سال در فارس و عرافین و آذربایجان و کرمان حکمرانی کرده اند اول محمد کریمخان و کبلر که سی و  
 هشتاد سلطنت کرده و سایرین یعنی ابوالفتح و صادفخان و علیهم اذخان و جعفرخان و لدا صدافخان و لطفعلیخان  
 ابن جعفرخان در ظرف سیزده سال در بعضی از ایالات و ممالک مزبوره حکومتی منزلزل داشته اند و این حکومت  
 با سال هزار و دویست و هشت چنانکه ذکر شد بر سر ابراهیم (المان) ایجاد صنعت چاپ بنوسط سنیفدر  
 در مونیک (انگلپس) انکشاف یافته و در شمال آلمانی بنوسط و انکو و رسیاح انگلیس (فرانس)  
 در مجلس استنطاق پادشاه چهار فقره سؤال بنماید اول پرسند آیا لوی نام معروف بلوی شانزدهم نسبت  
 بقاطبه اهالی فرانسه محمل راحت بوده و بر ضد آسایش و رفاهیت رعیت اسباب فتنه و فساد بوده است یا نه تمام  
 و کل بدون استثناء جواب میدهند بل بوده است تا اینا میگویند کسیکه نسبت بدولت و رعیت فتنه چنان خطا و  
 چنانی شود حد نسیب جزای و عقوبت جمیعاً جواب میدهند جزای چنین شخصی قتل است تا انا اظهار میدارند که  
 در باب قتل این شخص آیا باید با عموم رعیت مشورت کرد یا نه بالا جماع جواب میدهند که نه را بقا سؤال میکنند که آیا  
 باید با مؤهل داد پانه همی میگویند نه باید بعد از بسبب چهار ساعت کشته شود بنا بر این در بسبب یکم ماه  
 ژانویه بلوی شانزدهم مقنول شد اگر چه مجلس استنطاق مزبور بلوی شانزدهم را سبب شورش و اختلال کار فرانسه  
 قرار داد ولی حق اینست که او سبب شورش نبود چیزی که هست این است که بعد از بروز شورش بلوی شانزدهم بواسطه  
 ضعف نفس نتوانست اسباب دفع شورش را فراهم آورد و پس از آنکه وضع سلطنت سنیفدر محمل و بنا بر جمعی  
 شد نیز شخصاً قابلیت نداشت که بر پاسداری مجبور بر قرار کرد و خلاصه را بنوقت پسر پادشاه با مادرش در مجلس  
 بود و عمرش که با سایر سلطنت طلبان از خاک فرانسه فراری بمملکت المان مهاجرت نموده بودند این پسر بلوی  
 هفدهم نامیده و شاهزاده مجوس فرانسه در خارج پادشاه فرانسه خواندند و در بلاد مالک اروپا بسبب خاطر

کلی برای دولت جمهور فرانسه فراهم آمد و ایلی دولت جمهور فرانسه از لندن بیرون کردند اعلان جنگ دولت  
جمهور فرانسه با انگلیس هلاکت و اسپانیول سیصد هزار نفر فتنون داد و طلب برای جمهور فرانسه حاضر میشود  
اعلان جنگ اطرش با فرانسه روس و پروس اگر چه در باطن با دولت متحد بر ضد فرانسه مشارکت دارند لکن در ظاهر  
بواسطه تقسیم نمودن لهستان در میان خود اعلان جنگ علیه با جمهور فرانسه دارند انگلیسها جزیرتایبالک  
در بنک بنا و بندر بند شهری را در هند از تصرف فرانسه منزع مینمایند در ایالت و اندک از ایالات داخله فرانسه  
سلطنه طلبان بر ضد جمهور می چنگد ز نزال د مور نیز سردار فرانسه از دولت جمهور منقرض شده بار دوی و سه پایانه  
میر در شهر بار پس ما بین خود جمهور طلبان نزاع سخت میشود ما را آن که یکی از رؤسای جمهور است مقول میگردد  
فتنون اسپانیول بجاک فرانسه ورود مینماید پادشاه ناپل با سلاطین متحد بر ضد جمهور فرانسه اتفاق مینماید  
عدد فتنون جمهور بدو گرد میرسد فتوحات و غلبه عساکر فرانسه بر روس و انگلیس اجناسلاطین فهم فرانسه را  
که در سن دینی بودند از قبر بیرون آورده دور می اندازند هاری آنتوانت ملکه فرانسه را قتل میرسانند پین و  
ایمان و خدا پرستی مزدک و در معا بد رب النوع را سناش میکند هقوم معمول منسوخ شده سال را بسبب صد و  
شصت و دو ماه و ابسی روز قرار میدهند و روز بیست و بیتم ماه سپتامبر که روز بیست دولت شروع  
جمهور مینماید روز اول سال مینامند ناپلیون با یاران که یکی از صاحب مناصب جزو توپخانه است و در بندر  
تولون با انگلیسهای چنگد ناپلیونی بظهور میرسانند (لهستان) تقسیم شدن مملکت لهستان ما بین روس و پروس  
بیکدیگر بنا (انائونی) و اشکنگن مجدداً بر باست جمهوری منتخب میشود

سده ۱۷۹۴ مسیحی

سنه ۱۲۰۹ هجری

آسیا (ایران) در این سال حضرت شهریار کامکار میرزا محمد خان دولوی فاجار حاکم قزوین را بدر بار کرد و آثار  
احضار فرموده منصب امیرالامرائی و بیکری بیکری طهران را با و مفوض و مخصوص داشتند و مهمل بقلیان قوالتو  
فاجار حکومته فرزند منصوب شد نیز در ماه شوال این سال موکبها پون پادشاهی شریف فرمای چمن سلطانیه گردید  
و چندی در این ساختن خلدن هفت نفر ترح و شکار پر داخله بعد بطرف اردبیل توجه فرمودند و محل حسنجان قوالتوی  
فاجار را امر فرمودند که پل خدا آفرین واقع در شش فرسای شوشی را که بر روی رود اس است خراب است نگاهبانی کنند  
و قتی مشارالیه بان محل رسید که آن پل را بکفند بر اهریم خلیل خان جوان شکر حاکم شوشی خراب کرده بودند لهذا انواب  
اعضا الدوله سلیمانخان فاجار قوالتو با مر علی بمرقت و ساختن پل فرمودند داخله و سنکری حکم نیز برای مستحقین پل را نحو الی سابق  
و نواب علیقلی خان بنظم و حراست حدود و نواحی ایران مامور گردید و مصطفی خان فاجار بنده نایب مصطفی  
خان طالش محکوم گشت پس از آن موکب حضرت افغان از رود فراسوار بدبل عبور کرده در آدینه بازار اقامت گزید  
و نواب امیر کبیر سلیمانخان و محمد حسنجان قوالتو بالشکری جزا ربعا و ن مصطفی خان فاجار رفتند چاعت طولش  
احمال و انتقال خود را بسفایان گذاشته بسالیان فرستادند اهل سالیان آنها را راه نداده لهذا آن احوال بضرر  
عساکر فروری حال درآمد و پس از غلبه بر طوالش و مغلوب شدن مصطفی خان و شاه پلنگ خان اهل و کوچ چاه  
از انطا یض را بماند ران کوچا مینماید و مصطفی خان پس از آنکه حصون محکمه آن سامان را با خاک یکسان نمود مظفر و  
منصوب بار دو همایون معاودت کرده شاه نواز پسر شاه پلنگ خان طالش را که جز و سا بر اسر ایدر بار معطی آورده بود  
بقتل عین پادشاهی فانی ساخت و او مورد عنایت گردیده شاه نواز خان لقب یافت هم در این سال در غره ذبح

موکب شهریار منصوب از بل خدا آفرین که محمد اسماخند و مرتب شده بود عبود نمود و ارامنه فرا باغ بجوالی شوشی رفتند  
 محمد لیخان توانلو و مصطفی خان فاجار بر سر آنها ناخن جمعی را مقتول و برخی را اسیر کرده بخصوه همایون آوردند  
 بعد از آن موکب علی از پل ملا نصر الدین واقع در کس فرسنگ شوش عبور کرده قلعه شوشی را در کمال سختی محاصره نمودند  
 مهد قلیخان برادر حسین قلیخان با کویه و جمعی از بزرگان آسمان از در عبودیت در آمده باستان منارک نسنا  
 اما ابراهیم خلیل خان باده هزار سوار از قلعه بیرون آمده بمجادله و مفاصله پرداخت و بعد از جدوجهد زیاد منتهی  
 شده باز بقلعه پناه برد پس از انضام ملازمان سپهر احشام نامه با ابراهیم خلیل خان نوشته و از باطاعت دعوت  
 کردند و ضمناً با و نکاتشند (زمینچینو فلک سنک فتنه مبارکد نوابلهانه کرنی در آلبکت حصلا) ابراهیم خلیل خان  
 که هنوز غرور در سر داشت در جواب نوشت (کز نگهدار من آسنکه من میدانم شیشه را در بغل سنک که میدانم  
 بالجمله محمد بیک اسد بیک برادر زاده ها ابراهیم خلیل خان که در بیرون قلعه ماضی داشتند بدست پسر لیخان و  
 عبداللہ خان از ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان اسیر شدند و انبقره غرور ابراهیم خلیل خان را بکاست و بعضی  
 ضراعی بدرگاه رعیت پناه عرض نموده مستقبل عبودیت بخرام شد و تحف و پیشکش تقدیم نمود و ضعف پیری را علت  
 از شرفی فرار داده مستعدی شد که اینک از این طلب مخاف باشد و وقت دیگر بانکار قیام نماید و این مسئول و مقبول  
 کرد بدین در این ایام موکب منصوب غریب تغلب نمود و فرمانی بوالی کرچستان ارکلی خان مرقوم فرمود و او را باطاعت و انقیاد  
 دعوت فرموده ولی او براه خود سر مایل شده با سپاهی مقابل لشکر حضرت اثر شناسه پس از اشغال ناپره حدال و محل  
 مفاصه قتال تاب مقاومت بناورده راه کرچین پیش گرفت و بتغلب آمد و خواهر و زوجه خود را بر داشته بکار نیندافت  
 و عساکر منصوبه تغلب منصرف شدند و پانزده هزار نفر را در اینجا اسیر کردند و از تغلبس باستانهاض بطرف کج  
 افراشند و از کج بغان آمدند همدان و فغان مصطفی خان دولو که مامور دفع مصطفی خان شروانی بود شروان را  
 مستخر نمود و با او مرفر نمودند که محمد حسن خان حاکم شکی که با برادرش سلیمان کدورت و تراعی کرده و پناه بحضرت همایون  
 آورده اعانت و امداد نماید و او را در حکومت خود مستقل سازد و مقارن ورود مصطفی خان باقی در شجاعی سعید  
 و جمعی از اعیان آن نواحی بدر بار همایون از دست مصطفی خان فاجار شکی شدند که بکجندایان شروان تعدی نموده  
 و بدون جرم اموال آنها را گرفته لهذا مصطفی خان را مغرور و احضار فرمودند و علیقلیان را بجای او مامور نمودند  
 و مصطفی خان را در مراجعت در عرض راه سواران خان چوپان بکشند حضرت شهریار در دفع فساد شیر و انیان  
 بعلیق خان تاکید فرمودند و مصطفی خان شروانی چون چاره جز اطاعت ندید ببقعه بند که را بگردن گرفت و مستقبل  
 خراج و مالیات کردید و علیقلیان پس از انضام امور شروان بار دو همایون معاودت نمود و موکب ظفر کوکب  
 حضرت شهریار نیز غریب بازگشت بطهران فرمود (افغانستان) در اینسال تیموشاه ابن احمد شاه افغان بعد از  
 سی سال سلطنت وفات یافت و شاه زمان پیش بجای او بامارت نشسته استقلال بهم رسانید (مرحبا بالمان)  
 هائیمان طبیب است که معالجه امراض را بمثل فرار و رواج داد و فرنگیها این قسم معالجه را هوم آیات هی صنایعند این  
 قسم معالجه شبیه است بدفع فاسد بافسد (سایر مالک اروپ) انگلیسها جزایر مارینیک را از تصرف فرانسها  
 خارج میسازند جزیره گرس معلق بفرانسه را نیز با اولی نام برضد فرانسها شورانده بخواهد از تصرف آنها  
 منزع کرد سفایر انگلیس بعضی بنا در این جزیره را منصرفانند عساکر اسپانیول که بجاک فرانسه رود و محظ  
 نموده بودند آنها را امداد و اسناد و از خاک خود بیرون میکنند و زوال هتس سردار فرانسه معسکر خود را در کنار  
 گذاشته

همدان و ان عرض سلیمان  
 پاشا و الی بغداد را با همدان  
 بخصوه موکب ظهور  
 پادشاهی آوردند

رودن سمن المان فرار میدهد پیشگرد سردار و بکر فرانسه بلژیک را منصرف و میبشود عساکر فرانسه سردار می  
 بجای ایتالیا و رود میکند فشتون فرانسه هلند را میگیرند در جزایر متعلقه بفرانسه جنس شیایو سنان که در بند  
 رقیب بودند از آمدن بشوند در ایالت و اندوه فرانسه و میان جمیع طلبان و هواخواهان سلطنت جنک سخت در کار  
 دانستن که بیکر اندوسای جمعی نیست فتنم و مقبول میشود در عدت سه ماه بر سبیل اسمار در فرانسه از نجای بلا استفا  
 هرگز با چنگ می آردند میکشند بر صغیر و کبر و انات و ذکور و شیخ و شاب نجای بقا میکنند از برای خود خواهر لوی  
 شانزدهم در پاریس مقبول میشود بقیه نیز از روسای جمعی و بقیه برسد و بعد از کشته شدن او قتل نجای و  
 اعیان و هواخواهان سلطنت بشدت اول نیست وضع جمعی تغییر کرده از شدت و حدتیکه در خون ریزی باشد  
 افتاده قدری بلامین صلح پیدا بدخط و غلامی سخت در فرانسه ایجاد مدرسه پلشیکتک را آفرید و سنت هیلر حکم  
 طبیعی درس علم طبیعی جو انات بتقلین میدهد استخراج نلکار فی در مملکت فرانسه بواسطه علمیم بواسطه نسیم  
 معمول حالت (ایطالیا) و لئانام استخراج چرخ الایس میکند طغیان کوه انش فشان و زو و شهر تر را معدوم مینماید  
 (طغیان) شورش اهالی طغیان و منازعه آنها در چند نقطه با عساکر روس کشته شدن جمعی از عساکر روس در  
 و روشو فوجان عساکر روس در طغیان و تصرف نمودن کرانکوی با که از شهرهای طغیان است و وارث سردار روس  
 قتل و هتایتادی در طغیان مینماید شهر و دشوار محبتا منصرف میشود استیلا بر اس از خانواده سلطنت طغیان  
 که داعیه سلطنت طغیان را دارد بجمک ازین امیر لودویگ و اس از حقوق سلطنت استعفا مینماید یکسال در باب تصیم طغیان  
 در میان دول روس و روس و اطراش گفتگو در کار خواهد بود

۱۷۹۵ مسیحی

سال هجری

آسیا (ایران) در این سال فرخنده فال حضرت هاپون شهریار به پهل با شدت کاسران و بزرگان فاجار و علما و  
 اعیان و حکمرانان ارادت شعار قبول ناچ کناری فرمودند و در دار الخلافه طهران ناچ کمانی از فرق مبارک سلطنت  
 فرستی بود و فرعی نازه یافت باز و بند هائیکه مرصع و مکل بالاسهای در پای نور و ناچ ماه شده بود از باروی نا  
 نیروی پادشاهی ب قدر و قیمت خود فرو د شرایط و لوازم این جشن سعید را ملا زمان حضرت و هواخواهان  
 وجود مسعود مبارک بلکه عموم رعایای ایران کاملاً مرعی و منظور نمودند و در جمیع بلاد و فمالک بحر و سب زمنا  
 بنام هاپون خطبه مطرز و سکه را مزین داشتند عالی و دانی بمرض قهتت و تبریک پر ناخشد و عیش و شادمانی  
 و باجماع و محافل ساختند و بعضی از مورخین ناچ کناری اعلم حضرت شهرتانی افامجد شاه زاد را آخر سال هزار و دویست  
 و نونوشند اندر حال بعد از ناچ کناری چندی عساکر منصوره را آسوده و راحت گذاشتند از مشقت و خستگی  
 اسفار بیرون آید چون چند کاهی بر اینموال گذاشت امنای حضرت علیه مسموع شد که نادر سلطان افشار و  
 از اهالی مشهد مقدس اموال و نقایس از خزینه حضرت رضوی سلام الله علیه بیرون آورده نصاب میکنند بفر  
 معروض داشتند که اوز بکهای بجا را بر خراسان استیلا یافته و مرز قتل و غارت نموده اند لهذا موکب هاپون در هضم  
 دنیقده اینسال از طهران انشاص فرموده استیلا از کمره اسب را در انبیهی بفرموده پس از آن بطن جاکرم  
 را باند و از آنجا مستقیم مشهد مقدس کرد بدین بزرگان خراسان از قبیل اللهپارخان فلجی حاکم سبزوار و ابراهیمخان  
 که شاد لو حاکم اسفراین و امیر کونرخان زعفرانلو حاکم خجوشان و مشخان زعفرانلو حاکم حیاران و لطفعلیخان  
 حاکم آنک و جعفرخان بیابان حاکم نیشابور و زعفرعلیخان بغابری هر یک با فوجی کباب علی پوسند جعفرخان نیشابور

باهل و عبال مامور طهران شد مبرزنامه شد مشهدی از اجله علمای اهرامی شاهرخ مبرزای افشار و قهار فلیه پسر  
 شاهرخ مبرزای محضو مبارک شرف جسته مشمول عنایت و احترام موفور کرد بدند و شاهرخ مبرزای از آن جلوس  
 مادر مبرزای ولد شاهرخ مبرزای بضمه عرض کرده اسناد نمود که او را مخصر فرمایند با منعلقان بهر آن رؤس و مسؤل او  
 مقبول افتاده رخصت یافت اهنجان شاد لومور مؤخذ کشته با کوچ روانه طهران شد آنکاه اعلم حضرت شهریار  
 با خضوع و انکسار تمام از دروازه حیابان پیاده بروضه مقدسه رضو علی ساکنها الف سلام و تحیه آمده  
 بزبارت و ضراعت و مراسم عبادت قیام نمودند پیران با مور و مهام ملکی پراختد و نمای خزینه و جواهر شنبه  
 و لالی آبدار و دراری شاهوار مادر شاه افشار که در نصرت شاهرخ مبرزای پسر نادر بود چون تعلق سلطنت  
 داشت بملازمان آستان هاپون رسید بعد از بیست روز توقف در مشهد مقدس شاهرخ مبرزای با اولاد  
 احفاد امر بر رفتن مازندران فرمودند و شاهرخ مبرزای در راه در گذشت شاهزادگیان او زبک که در مر بود  
 صبت شوکت و توجه ملازمان حضرت شهریار را بساحت خراسان استماع نموده از مر و راه بخارا پیش گرفت خواه  
 خراسان نیز بعد از اظهار عبودیت هر یک بحکومنا یا لات و اوطن خود منصوب و مخصر شدند و بعضی از کسان آنها  
 مامور طهران گردیدند و محمد حسنخان فراگوز لوزا تتر شاه زمان پسر تیمور شاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را  
 که یکی از بلاد خراسانست و در نصرت کاشتگان او میباشد و گذار و نفویض ملازمان حضرت شهریار عظیم افتد نماید  
 و اسمعیل آقای مکرری بر سالک نزد شاهزاده محمود برادر شاه زمان رفت همچین رسوکنز دخان بخارا فرستادند  
 که شهر مرو را خراب کردی و پسر برک و پسر ام علیخان را که با فاجار به نسبت داشت هلاک کردی با اسرا را بفرست با مقاب  
 جنگ باش و مویهای فرستادن اسرا و هدا یا بود که حرکت اشکر و پیش آذربایجان و انتهای اصل حضرت هاپون  
 از خراسان او را از خیال انداخت همدرا این و از خبر دادند که قشون روس بدربند و معان آمده و قصد شخیر  
 ازربایجان دارند و اهالی با کوبه و طالش و سالیان اطاعت آنها نموده بنا بر این محمد و لیجان فاجار سرباری  
 خراسان مامور شده باده هزار سوار در این مملکت اقامت کرد و فتحعلیخان کنول را اجراست قلعه مشهد مقدس و تعمیر  
 مقدسه در یافت مالیات فرمان دادند و موکب ظفر افزان از خراسان غریب طهران فرمود عساکر روس نیز  
 از میان ولایت دغستان گذشته قلعه در بند را محاصره نمودند و چون در این ایام حکمران در بند پسر مردی صد و بیست  
 ساله خود داری و نکهداری قلعه نخواست نمود لهذا قلعه در بند را قشون روس منصرف شد اما در این و آن کانین  
 امیر طر پس روس که سلطنت داشت در گذشت چون سپار روس خبر فوت او را شنیدند مالک بشروان و در بند  
 آن نواح را غلبه کرده بمملکت خود باز گشتند کارنده کوپد موز خین ایران ابوالفعد را از حوادث سال هزار و دو  
 و ده دانست اما چون موز خین فرنگ فوت کانرین امیر طر پس روس را در سال هزار و دو و بیست و یازده نه  
 باید اینسان بخود را بیست و یک سال بعد نسبت داد همدرا این و آن یعنی در او اخر سال هزار و دو و بیست و ده محمد حسنخان فراگوز لوزا  
 که تتر شاه زمان بر سال گرفته بود از افغانستان مراجعت کرده سفر کرد و خان نام از جانب شاه بزمان با او همراه و  
 عرضیه داشت صبیح تشبیه مانی ارادت و نفویض بلخ از روی کمال میل همدرا بیست و یک سال حضرت سبطاب جهانبانی را که  
 حکومت فارس مشغول بود ند پسر عیاز بطن صبیحه شیخعلیخان بوجود آمد و موسوم بشیخعلی مبرزای گردید (چین)  
 استغفای خیانت لوگ خانان چین از سلطنت بعد از پنجاه و نه سال پادشاهی بد فرار شدن پسر کیمیاکن بجای او  
 که بیست و پنج سال سلطنت خواهد کرد سبط مملکت چنان لوگ ناسرحدات ایران و ساحل چین بوده و تمام کشتا

حاکم هرات

و نامدارشان مُسخر نموده این پادشاه از دانشمندان بزرگ و مروجین علوم و صنایع شمرده میشود و نالیفات عدل  
از او باقیانده است و پادشاهی را پیشگردد سر از فرانسه ملک هلند را کلیه منصرف میشود و والی هلند بخاک انگلیس  
پناه میجوید اسپانول با فرانسه در صد مصالحه میباشد مابین پرورس و فرانسه در شهر بال عهد مصالحه منعقد میشود  
اما نماز عطر پیش با فرانسه کماکان بحال خود برقرار است کماثرین دویم امپراطور پس و پس سفایر جنک خود را با انگلیس  
ضد فرانسه متحد میسازد انگلیس در صد مصالحه با ملک هولانده که دو مست فرانسه در زجر حیات او است میباشد  
و در در اسر امپراطور یقین و سبلان هند و سایر جاهها حمله بمصرفات هلند میسر عساکر اطریش با لشکر جمهور فرانسه  
المان مشغول جنگ میباشد در اواخر این سال مابین اطریش و فرانسه عنا که میشود لهستان را روس و پرورس  
و اطریش با سوبه قسمت میکنند و سلطنت هلستان را از نوشجات رسمی و نقشه جغرافیا بوضع استقلال حذف میکنند  
و بعد ها این ملک مجزی شده دولت منفرد سلطنت مستقله خواهد بود اینست: پسلا س یلنا نوسکه که آخر پادشا  
هلستان بود گوشه گیری و انزوا اختیار کرده موظف بوظایف دولت ثلاثه روس و پرورس و اطریش خواهد بود (فرانسه)  
فوت لوی هفدهم پسر لوی شانزدهم در سن ده سالگی در مجلس نایمیل کونیند بزجر او را مقتول نمود بدو بهر حال این  
فوت و عم او که در خاک المان بود خود را لوی هجدهم نامید و سلطنت فرانسه و حقیقت خود در این دعوی معترف میباشد  
و نزال هشت سردار جمهور در بر نایب با بعضی از سلطنت طلبان فرانسه که انگلیس آنها مسلح نموده و تحریک شده  
و از خاک انگلیس خاک فرانسه در داده جنک کرده سلطنت طلبان مذکور را شکست میدهد وضع دولت فرانسه  
بدست بنجفرن پسر خواهد بود که اینوضع را در پرک نوار مینامند شورش سخت در پاریس ناپلیون بنا پارت که  
تو چنانه پاریس در سخت پاست او بود این شورش را رفع مینماید ابحار مدرسه مخصوص علم طب که علوم دیگر در آنجا  
ندر پس تحصیل نمیشود همچین مدرسه بطاری تعیین مفاد پر بوضع مخصوص که در صحت آن نزدیک مینماید  
با پنجه که از قطب خط استوا مسا فیکه بخط مستقیم مابین نقطین است بهر بیست کرد قسمت مساوی تقسیم  
میشود و هر یک قسمت را متر قرار میدهند بهطور اوزان را بر فیکه معین مینماید که بصحت کامل مفر دست  
ایجاد وزیر احسانت را پاریس در خزل لوی شانزدهم که در مجلس بود با اسرای جمهور که در المان بود ندبند و پیشو

۱۷۹۶ مسکرا صبحی

۱۲۱۱ سده هجری

آسیا (ایران) در این سال اعلحضرت شهریار ناجد را قاجار محمد شاه قاجار غزم لشکر از قندهار و نند بهر ابراهیم خلیل  
خان که فراباغ که تقاعد از خدمت داشت فرمودند و قبل از آنها ناصر موبک اعلی نواب مستطاب جهانبانی را از شیراز بهار  
الخرافه طهران اختصار فرموده پیش از پیش بیفقات کامله درجه اختصار داده آنحضرت در مجلسی خاص خواندند و در  
خصوص مبارک نشانند و بکمال عقل و وفور خرم و لیاقت ملکداری و رعیت پروری و سایر خصوصیات شهریار می شنوندند  
و فرمودند و بنصفیه مالک دبلاد و کشور سنائی و لشکر کشی رنج بسپادند و زحمات بسیار کشیده ام و نورا بر این  
و نایب سلطنت ایران بر کربلا اینک مفری سخت در پیش دارم چه بین میندازم که این آخرین ملاقات من با تو باشد بنوا  
نورا الحضا کردم که هم دیده بدیدار تو روشن کنم و هم بعضی وصایای خود را بنوا اظهار نام حضرت مستطاب جهانبانی از  
استماع اینکلمان منقلب کردند که بپسند و وجود مسعودی این رادعا و ثنا گفتند شنیدنها شنیدند و بمرحبت عفت  
حکمرانی و ملک فارسها مورر بپسند نگارنده گوید بنا بر این مفاالات است که بعضی از تحقیقین کونیند حضرت مستطاب  
جهانبانی در همین سال بولایت عهد برقرار کرده بدیدار کرد چه بنوع بعضی در هزار و دو بیست و نه و بعضی در هزار و دو



و چهار با این مقام منیع ایل شده اند خلاصه موبکها یون در اول بهار بطرف چین سلطان حضرت فرما شد و از شاهزادگان  
نواب اسیر مینا و مجمل نامی مینا و حسینقلی خان برادر حضرت مستطاب جهانبانی ملایم رکاب علی  
بودند مینا شفیع صدر اعظم بامیرزا محمدخان فاجار دو لوی بجا رفت و از اختلاف طهران مامور گشتند و حاجی  
اعتماد الدوله نیز آورد و هابون همراه شده راه کنار رود ارس پیش گرفتند و در سلطانیته بشکار جگر برداختند اما  
از آنطرف ابراهیم خلیل خان بعزم اینکه راه عبور موبک منصوبه بند پیل ارس را شکسته بود و آب بر صحاری بشبه  
اعحضرت هابون اردو کبوان شکوه را در آدینه باز آرد گناشته و نواب امیر کبیر سلیمانخان و حسینقلی خان و حاجی  
ابراهیمخان را بجا فکند و گناشته خود بنسب مبارک با صادر نجان شفاقی و جمعی سپای ظفر همراه از آب عبور نمودند  
اگر چه بعضی از سفایب شکسته و برخی از لشکریان غرق شدند از وضع عبور لشکر منصوبه هراسان شده قلع حکم پناه آبار را  
گناشته بداعضا اگر بخت قلع ارسا کر بضر ما اثر یابد شاهی منصرف شدند و اموال و اطفال و قرآن و دفین  
ز یاد از این قلع بدست آمد ولی بعد از این فتح و غلبه کوک جهان شهر باری عظیم الاقل را بران میل افول و غروب نمود  
بنسب اینها قال آنکه سه نفر از ملازمان حضرت و پیاگران خلوت مصلح جرم و جنایتی شده اند حضرت هابون آنها را  
بوعید قتل تهدید فرمودند و چون بجزیر مینا آنها معلوم شده بود که آنچه را شهر باری ناج دار بیان و اظهار فرمایند که  
بعل خواهد آمد شفاعت ضراحتی نخواهد بخشید بنا بر این زندگانی خود را منحصر بشهادت پادشاه ذبحگاه  
ایران دانستند لهذا در شب شنبه بنسبت یکم ذیحجه هنگام سحر بر سر بالین آن شهر باری ناجور آمدند و روانی را از برزگی در  
جهان نمیکشید روانه عرفات جان نمودند و ناج و کربا و بندهای مشهور و صند و قچه جواهر بر برداشته نزد  
صادقخان شفاقی بردند مدت سلطنت شاه شهید آقا محمد شاه طاب ثراه از فوت کریمخان و کپل هجده و دو ماه  
بود که نفر بیاد در ظرف بازده سال کال استقلال زاد اشند نگارند گوید که جمیع مورخین ایران و فزنگ شهرها  
شاه شهید سعید زاد رسال هزار و دو بسن لایذه نوشته اند که اسان الملک که در شب شنبه بنسبت یکم ذیحجه  
هزار و دو بسن و دوازده نکاشته است هر حال از مآثر مشهوره ملوکانه این پادشاه تغییر بلده طهران و نسیب  
فیه حضرت سید الشهدا علیه آلاف التحية و الثناء و ضریح نقره مطلای نجف اشرف و حرمین و صدقه فقهانه رضوانه علیه  
و مسجد جامع فرزند است مدت عمر شریفش پنجاه و هفت سال و الحق از سلاطین باعزم خرم و اهدت و مهابت  
بود و در مدت سلطنت و کشور نشا افلاک بزرگ فرموده است

ابراهیم خلیل خان

پس از آنکه شهر باری معظم آثار سعادت شهادت فایز گشت و آن شب سیر آمد علی الصباح انقلاب در اردو پدیدار شد  
محمد حسینخان فاجار سرکش یکی باشی و میرزا رضا فایز نوابی علیه الملک سر اسیر بجوابگاه پادشاه ذبحگاه شتافتند  
یکم مبارک کش را غرقه چون یافتند آنچه از اسبک سلطنت باقی بود برداشتند و از راه نجوان روانه طهران شدند  
و اهل انولایت بقتل اردو را غارت کردند و چون اینچیز وحشتناک را دیدند و نیز در رسید لشکر متفرق شدند حسینقلی خان  
و نواب سلیمانخان در رکاب شاهزادگان عظام روانه رشت کردند و از رشت راه دارا اختلاف پیش گرفتند حاجی  
ابراهیمخان اعتماد الدوله با جمعی از نیکبختان ما زندانیان را از راه اردبیل و زنجان بطرف طهران روان گشت و  
نجفقلیخان شاهبوس در راه با ایشان همراهی نمود نواب علیقلیخان از راه خوی مراغه و نیز ببارا اختلاف آمد  
در چهار فرسخی طهران افا مشکر در امر اردو فریب بیکدیگر رسیدند و با اتفاق بقریه دولت طهران شتافتند در اینجمل  
مانند نواب حسینقلیخان ثانی برادر حضرت مستطاب جهانبانی خواست شهر طهران و رود نماید بر محمدخان

دولوی فاجار بیکر یک طهران بنا بر وصفت شهر بار مغفور نورالله مضحکه احدی را بشهر راه نداد و منظر و صورت و وارث  
 بالاستحقاق تحت تاج سلطنت ایران کرد بد و میرزا محمد شفیع صدر اعظم که چند وزارت اعظم حضرتنا فاجاد شاه طاب  
 ثواب را داشت بعد از آنکه حاجی ابراهیم بیانی با این مقام رسید و از این رسته عاقل و این وفات در دار الخلافه بود در این باب  
 با امیر معظم همراهی کرد و بریج و باره قلعه طهران را بنیفکها ما زنده زانی سپرده در بر و کتبی امر ایستاد و بر مرصه نظار  
 فشنند هدر این سال نواب عبدالله میرزا و نواب محمد رضا میرزا و نواب امام قاسم میرزا فرزندان حضرت مستطاب جهانگیر  
 مؤلف شدند نیز در این سال قبل از شهادت شاه سعید شهبان را الله برهانه فرستاده که نزد شاهزاده محمود حاکم هرات  
 فرستاده بودند باز گشت و شاهزاده شارا لیه اظهار خلوص و ارادت نموده و معروف شد داشته بود که اگر قبول افتد  
 من نیز یک از حکام پادشاه فلك خراکه ابرام اگر احکام و فراین شهر باری شرف صدور یابد میان خدمت خواهم بستد  
 بلا زمان حضرت خواهم پیوسته بعضی بنوا فخر را بسال قبل نسبت داده اند

نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله در جام جم میفرمایند که در سوال المکره هزار و دویست و ده هجری حضرتنا  
 محمد شاه نسبت سر اباد و کرکان روان شدند طوایف ترکان را ناخدا ناز کرده اند هینه فراتسج خراسان روان گردیدند  
 کلبران خراسان به نهم علیه ها چون شناختند و شاه رخ شاه امیر اجناب میرزا مهکد مشهد بخضو آورد و در  
 خراسان تشریف داشتند که خبر قرن ایام و فتنه که جیشا بسمع شریف ایشان رسیدد فغ و رفع آنظایفه را هم دانستند  
 مراجعت کردند و فصل زمستان در طهران به هینه لشکر برداختند در واسط ذیقعه الحرام هزار و دویست و یازده  
 هجری بجانب کرمان راهت ها چون بحرکت آمد پس از فتح آخذ و در قلعه شوشی در شش شینه بستند بکم شهر ذیحجه  
 الحرام هزار و دویست و ده هجری بدست صادق نام فرانس خلوت شهید شدند و لفظا نارنج نارنج او است حاکم  
 فراباغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر که از اکابر آنولایت است از شدت باس آن پادشاه روگردان شد و پس از شهادت ایشان  
 خاقان مغفور عزایت کرده و حش او را بر احوط و اطمینان مبدل ساختند و صبیحه او و ابعد از دواج خود در آوردند  
 الفصل کادشان پادشاه فهار در روز یکشنبه بیست و هفتم محرم الحرام هزار و صد و پنجاه و پنج در قصبه سمر اباد اتفاق  
 افتاد و از عمر شان پنجاه شش سال گذشته بود انهنی

( کرکستان ) همدان سال ایلند بن عوض اباق بن محمد امین از طب فخران در خوارزم خروج کرده با تار که موث  
 و غیر حکت جدلی را انداختد بر آنها غالب آمد پیوسته بنا شد که در این وان میر معصوم مکنه بشاهرا دملقب با بجای  
 در بخارا حکمران بود و میان علی کلایت شهر سمرقند داشت امیر عالی و در خوانند و دار الملک فرغانه حکمرانی میکرد  
 و بیل و دهان در اند خود حکومت می نمود ( هند و سنان ) پتیو صاحب صد انگلیسها با فرانسه متحد میکرد در ارف با  
 ایند که وضع جمهور فرانسه را دیده و پسندید میخواهد از انگلیس محرمی شود و بوضع فرانسه جمهور را باشد عساکر  
 جمهور فرانسه سرداری ناپلیون بنا پارک که در این وقت بیست و هفت ساله میباشد در ایتالیا بر ضد عساکر اطریش  
 فتوحات بنماید تملک ماسینا فاطمه بکر ایتالیا را منصرف می شود و سر دارد بکر فرانسه در سواحل رین فتوحات اطریش  
 را که سرداری آرشد و ک شارل بودند شکست میدهند نزال بنایارت در ایتالیا بیست هزار اسیر و پنجاه عراده  
 توپا از اطریش میگیرد و شکستها سخت بر و در سیر سردار اطریش میدهد و با سان را مستح کرده فتوحات دیگر  
 بر بنماید غالب ایالات ایتالیا که جزو اطریش نبودند و والی و سلطنت مستقل داشتند همچین بعضی از ممالک  
 عمل را بیعت فرانسه را قبول میکنند با دولت جمهور و سنی میبندند ( اسپانیا ) اتحاد این دولت با جمهور

فزانسه که بواسطه این اتفاقا اعلان جنگ بانگلیس میاید (فزانسه) ناپلیون بنا پارا که سرداری عساکر فزانسه مامور جنگ  
ایطالیابا برقرار شده بود روز نهمین نام را که تیسره بود در هشتم ماه مارس در جاله نکاح خود در می آورد شوهر اول  
روز نهمین چهارم نبوده و دو فرزند از او داشته یکی سر موسو به اوزن و یکی خرمصتاه به هرنائس لایلا سر مجسم  
کتاب نجومی تصنیف کرده که هیئت عالم را بوضعی غیر از وضع بطور سراسر دانسته و سبک جدید هیئت را انتشار میدهد  
(هلائند) دولت هلائند من بعد موسو و معروف به پور با نا و خواهد بود و دولت انگلیس منصرفات هلائند را در  
هند و سنان و افریقا بقلب میگیرد (ایطالیایا) و یکپوز آمده ستم بعد از بیست سه سال سلطنت وفات نمود و  
پسرش اما نول چهارم بجای او بخت سلطنت جلوس کرد (روس) هر اکلوس پادشاه کر جستان در تخت جایست  
در می آید کاترین دوم امپراطر روس در سن شصت هفت ساله بمرض سکنه وفات میکند مدت سلطنت  
کاترین سی و پنج سال بوده است پسر از فوت او پسرش پل اول بجای ما در در سن چهل و دو ساله با امپراطور  
روس برقرار میگرد

سند هجری

سند مسیحی ۱۷۹۷

اسیا (ایران) روز دهم محرم اینسال خبر شهادت شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه در شهر از حضرت  
مستطاب جهانبانی رسید و حامل خبر با ابوسف شاطر بود که در پیاده روی با داد عفو همقدی داشت جلوس حضرت  
ابجد اعظم بر تخت خاقانی و از بکه سلطنت در روز عید رمضان اینسال خبر ما است چنانکه ذکر خواهد شد ولی بزعم  
بعضی از مورخین در هجدهم محرم در شهر از سلطنت خورزا اعلام و جلوس سی نب با تمام شرفیان تاج کناری فرمودند  
و حکام و فرامین حکام و کلابان و ایالات مرقوم و صادر کردید که در وقت معین ببار الخلاف طهران حاضر شوند  
بعد از آن نواب شاهزاده محمد علی میرزا بنایب شهر از داده در او اخر ماه محرم موکب مسعود خاقانی از شهر از آنها حاضر  
روز بیستم ماه صفر ببار الخلاف طهران نزول اجلال فرمودند بعضی حرکت موکب خاقانی را از شهر از روز بیستم محرم  
و در ببار الخلاف در چهارم صفر نوشته اند و در روایت اول طرف انعام است چنانکه نواب والا حاجی معتدل  
الدوله در کتاب جام جم هینطو مرقوم و ضبط فرموده اند خلاصه در گزاره کرد نواب حسینقلیان و حاجی ابراهیمخان  
و سایر امرا بار حضور همایون یافتند و نواب حسینقلیان با آوردن علیقلی خان عمو که سودای سلطنت در سرداشت مامور  
شد و علیقلی خان دو روز بعد از ورود ببار الخلاف از حلیه بصر عاری کردیده او را در بار فروش موقوف  
بداشتند نیز از اشخاصی که بعد از شهادت شاه سعید شهید بجای خود سر و سر باندی افتاد صادقان  
شفاق بود بیستین آنکه فالین شاه جت جاپگاه پس از ارتکاب این شناعا اول کسی که از این غایبه هایل خبر  
کرد صادقان شفاق بود و او چون این واقعه را باور نمود فائلان ببالین شهر بار رضوان مکان شافه  
جواهر کبابها و لالی و دراری هینت مخصوص شخص سلطنت را برداشته نزد صادقان آورده با و تسلیم کردند  
و او پیش بر مهاجری نموده و ششم جواهر شاهوار و لالی آبدار در دماغ او سودای سلطنت تولید کرد لهذا  
بنا امل از قلعه پناه آباد بر او آمد و مصمم غرق شد یعنی ابتدا بسرا بامده برادر خود جعفر قلینان را بگرفت  
قراجه اع مامور و برادر دیگر را که محمد علی سلطان نام داشت ببار و غلبه تبریز فرستاد و خود نیز بپن رانده این  
بلایا محاصره نمود چون اینجمله عرض آستان حضرت خاقان شد با بند احسنخان فاجار فرزند بنی نولانی مامور  
نزدین کردند در این او ان محمد و لیجان فاجار که مامور عواست مشهد مقدمین بود ببار الخلاف آمد و موکب

منصور شهریار عظیم الشان حضرت خاقان با عساکر فراوان متوجه فریب شد صادقان شفاقی نیز با سبب  
 پنجهار قشون آذربایجان در محل موسو بجاک علی از حومه فریب مهتای جنال شد پس از نالان در دوشکر و جنگ  
 سخن صادقان شکسته فاحش یافت و ده هزار نفر از همراهان او مقبول و مجروح و دستگیر شدند و خود بطرف  
 سراب گریخت و این در او اسط ماه ربیع الاول بود پس از غلبه عساکر منصوره حضرت خاقان شهر فریب را بود  
 مسعود نیز فرمودند و در اینجا چند تن از غلامان و دو نفر را که در مثل شاه شهید دخالی داشتند براه عدم روانه نمودند  
 و چون نواب حسینعلی خان در جنگ با صادقان جلا دنی بکار برده بودند حکم ایالت فارس ناپاک کردند و در ایالت طبرستان  
 هابون متعاقب صادقان روانه آذربایجان کردید بعد از ورود بزرگان معلوم شد که در آن حدود و سامان طاعون  
 بروز کرده این واقعه اسبب معاودت اردو معلی بدار الخلافه کردید و در ماه جماد الاخره این سال موکب هابون  
 بطهران معاودت فرمودند این وان محمد خان توانلوی فاجار ابروانی را که چندی مخضوب بود بایران مامور  
 فرمودند و اسمعیل خان فاجار شامبانی را بکونوالی قلعه مزبور فرستادند و جعفر علیخان دینی حکومت خوی و نیز یافت  
 و صادقان شفاقی ربقه انقیاد را بگردن گرفته جواهرات سلطنت را بجز موسو غیب ظم و خانی انقاد داشتند بکومت  
 سراب کرورد نایل کردند و ابراهیم خلیل خان نیز کرامت علیخان بست حسینعلیخان عزالدین فاجار محل نقش شاه شهید  
 سعید نورالله مضجعه که در شوشی امانت گذاشته شده بود مامور کردید و جسد مطهر آن شهریار عظیم الافلاک  
 و ابدار الخلافه آوردند هنگام ورود حضرت خاقان و جمیع شاهزادگان و امر و اعیان و علما و معارف بالباس  
 سیانایکنز در الخلافه نقش را استقبالی کردند و در حضرت عبدالعظیم امانت گذاشتند و شرایط فایده  
 خوانی و جزای مبرات کامل بعمل آمد بعد از آن چهارم محمد علیخان توانلوی فاجار و ابراهیمخان عزالدینلو و ملا  
 فته میرزا موسی منجاشی کیانی و جمعی قرا و سایر لوازم و تقیه تمام آن نقش شریف را بطرف عینان عرض کرد  
 حرکت دادند و ولایه و حکام عجم و عرب باستقبال ششانه احترام و تعظیمات لایقه نمودند خلاصه روز بیستم  
 شهر جب جسد مطهر شاه شهید در بخت اشراف رحلی خاص مدفون شد همدان این سال پانصد هزار تومان از  
 بغایای و لایات الحمریسه را بجهت فداند و در روز عید رمضان این سال که خوب اناب از برج خوبان نیز  
 در این روز اتفاق افتاد حضرت خاقان بساعتی سعادتمندان بکافی و سپهر جهانانی جلوس فرمودند و شرفیات نایب  
 گذاری بوجه اکل بعمل آمد و آن روز الحقیقه برای عموم اهالی ایران سه عید سعید بود عید رمضان و روز نوروز و جلوس  
 خاقان کنیستان و فتحعلیخان ملک الشعراء و مخلص بصبا از اعظم اهالی کاشان و دخول شعری مان قصیده فرید  
 در هفت جلوس هابون بعرض آستان مبارک رسانید که ماده تاریخ جلوس خاقانی را در آخر آن قصیده بدین نحو انشاد  
 کرده ( ز تخت آقا محمد خان شد و بنشست با باخان ) و نواب و الاحاجی معتمد الدوله نیز لفظا با ابراهیم بیکه خود نواب  
 معظم الخراج فرموده اند تاریخ فرار داده اند باین نحو که کلمه با با عبارتست از دو بای موخده و دوالف و چون هر یک ترتیب  
 باین شکل ( پ ا ب ا ) با ارقام هندی مطابق شود عدد هزار و دو و پست و دوازده میشود که سال جلوس حضرت  
 خاقان کشورستان همدان این سال نیز در خدمت تغل غوده محمد حسینخان برادر کشر حاجی ابراهیم شهبان  
 نیزاری بپولینسرافراز شده بلاجاستافت و وجوه مالیات و سالیانه را با الوالهاد ایچان وارد تقیخان گرفته بدار  
 الخلافه آورد پس از چند حکومت کرمان نیز بعضی خان موقوف کردید همدان این سال محمدخان زند که پسر از اسببصال و  
 اشراف زندیه در اطراف در بدر بود مفارقت صادقان شفاقی موقعی بدست آورده با جمعی از انوار باصفهان آمد

و از آنجا که حاجی محمد حسینیان بیکریک اصفهان در بارها برون بود در رضا علیخان از عهده دفع کردن محمد خان بر نیامد  
 و او بر اصفهان اسیر بافت و میرزا عبدالوهاب سنو اصفهانی که قبل در امور و لایبی نمود اعلیحضرت خانان فتحعلی شاه  
 فاجار حسینقلیخان دولو و مهر علیخان داشلو و الهوی در بخان عزالدینلو و حسینخان فاجار فرزند و پنی با لشکری بر سر محمد  
 خان زند فرستادند و عساکر منصوره محمدخان را مقهور و منزهم ساختند میرزا عبدالوهاب سنو را نیز از نور شهر  
 محروم و معجز ساختند و مقررت بود محمد علیخان فاجار اصفهان را بجز اطاعت قتل کند ولی شفاعت علماء و سادات  
 اهالی معفو گردیدند و بوسه خان بختاری بخنجان زند را گرفتند باستان مبارک فرستاد و او نیز از نور شهر  
 روانه دیار عدم گردید همدان بیسالی جعفرقلیخان دینلو و صادقخان شقاقی با یکدیگر مخالفان کرده صادقخان بغا  
 و بیرون کرخت و آخر الامر با هم دست موافقت داده محمد علیخان افشارها که ارومی را نیز فرقی بنای خود سری  
 گذاشتند حسینقلیخان افشار برادر زاده محمد علیخان از پیش عم خود که چینه بدر بار کرد و نانا آمد و واقعه را  
 بر فرزند سا بند خود او با محمد علیخان عرب بسطامی که پوز با شی غلامان بود با طغای ناپره این فساد ما مور کردید  
 و محمد علیخان فاجار بدفع محمدخان زند سبلا خور و بر وجود رفت و نواب امیر کبیر سلیمان فاجار ما مور آذربایجان  
 شد همدان بیسال محمود میرزا و فرزند میرزا پیران تیمور شاه بن احمد شاه افغان ابدالی حکمران کابل و قندهار از اقامت  
 در افغانستان هر سال شده باستان اعلیحضرت خانان آمدند و سبب وحشت آنها این بود که شاه زمان برادر  
 کفر شاهزاده ها بون که ولعهد تیمور شاه بود خروج نموده او را بگرفت و کور کرد و در بالا حصا کابل بند نهاد  
 این معنی سبب خوف و هراس محمود میرزا و فرزند میرزا شده بدر بار اعلی رفت نهادند اسمعیل آقای مگری نایب اشیک  
 آقاسی باشی بهمانداری آنها ما مور و روانه زند شد و آنها را بطهران آورد چراغ علیخان نوابی که امیری خجند  
 و دبیری فهمیده بود بمصاحب این دو امیرزاده و کامران میرزا ولد محمود میرزا مقررت و محکوم شد و بگدها  
 بنویفت آنها در کاشان اشارت رفت و اسدالله خان ولد ابراهیمخان اعتماد الدوله بهمانداری آنها پرداخت  
 و مشمول عیب خانان <sup>انان</sup> کردیدند همدان بیسال موکب اعلیحضرت خانان کیستان منوجه سلطانیه شد و روز هجدهم  
 ذیحجه باین نایب نزل اجلال فرمود و صادقخان شقاقی نواب امیر کبیر سلیمانخان فاجار را شفیع جرایم خود  
 فرار داده و جعفرقلیخان با کرد با بزبیدی پناه برد و محمد علیخان افشار ارومی پسر از قلعه داری دستگیر گشت  
 همدان این سال محمد هاد بخان و الدرضا علیخان امیر الشعراء مختص هدایت صاحب مؤلفات جلبله که بواسطه  
 همدان شاه شهید سجدانار الله برهانه بعباس عالیات دفعه بود بحکم اعلیحضرت خانان کتورستان با اهل و  
 عیال بدار الخلافه معاودت کرد و در پیش سفید علم خلوت پادشاهی بر عهده او موکول شد و فانی آقاسید  
 مهک طباطبائی بر وجودی مشهور بجمع العلوم از جمله فضلا و مجتهدین در سن پنجاه و هفت سالگی کشته شد  
 سپید معصوم علی شاه دکنی از مشاهیر عرفا رحلت نور علیشاه اصفهانی از عرفای معروف در موصل و فانی  
 حسین رفیق شاعر اصفهانی آریا اسپانولها که با فرانسس محمد میباشند با انگلیسیها مشغول <sup>چند</sup>  
 هستند عساکر اطربش با شتون جمهوری فرانسس در ساحل رودخانه رین زد و خورد میکنند فوجها  
 ناپلیون بنا پارت با جمعیت قلیل در ایتالیا که از آنجمله فتح ربولی و فانی بود عساکر اطربش کلمه از ایتالیا  
 خارج میشوند در مدینه ماه سپرداری ناپلیون بنا پارت پنجاه هزار نفر فشان فرانسس علاوه بر غلبه  
 عساکر ایتالیا سه اردو بزرگ معبر اطربش را شکست دادند و ناپلیون با کمال رشادت بطرف جنبه پارتی

اطربش

اطرفش حرکت کرد و ناپائزده فرسخی انبشتر نازند و مقدمات صلح را مابین جمهور فرانس و دولت اطرفش ترتیب داد بنا بر این بلژیک را دولت اطرفش بفرانس و آلمان تقسیم کرد و ایالت لوباردی را در ایتالیا تقسیم نماید جزایر یونین که از جمهور و نیز بود جزء فرانس میشتند مراحتت ناپلیون بنا بر این مقصود بفرانس (انگلینس) بانک انگلینس بقدری در اعتبار میشتود که مدت بیست دو سال وجه مسکوک بر آن در نداده فقط اسکناس میدهد (فرانس) اغتشاش در وضع دولت نفین سلطنت طلبان باقی نام که ایجاد طریق کونست کرده حکم دولت مقبول میگردد قوت هس از سردارهای مغرب و در سن بیست نه ساله (پروس) قوت در بیک کیلوم دویم پادشاه در سن پنجاه و سه سالگی جلوس فریدرک کیلوم سیم پسرش بجای او (عثمانی) عساکر عثمانی بوضع و طرز نشون فرانس ملتس شده مشق میکنند ایجاد مطبعه در اسلامبول حاکم ریشا بدولت باغی شده شکست سخنی عساکر عثمانی میدهد و باشرایط مفیده برای سرسنان مجدداً اطاعت مینماید

سند مسیحی

سند اهری

آسیا (ایران) در ششم محرم این سال موکبها بون خافان کشورشان بظاهر شهر ارومی نزد اجلال فرموده بنظم انصفاط پراخند و در هفتم محرم رایش عزیمت بجانب خوی و سلما س از اشد و حسبنان برادر جعفر فلجان دبیله خدمات نموده مورد مرحمت کرد بدهد آیینا حسنیف خان برادر اعلی حضرت خافان با وجود رعایت مخصوص که از او فرموده بود ندیعین حکومت فارس را که بشاه هزاره محمد علی میرزا تفویض شده بود باوغایت کردند باز راه نفاق میرفت و سودای سلطنت در سر داشت و بدین جهت میرزا نصر الله علی آبادی مازندانی را که در عهد شاه شهید سعید بوزارت حضرت خافانی بر فرار بود و در این وقت از جانب اعلی حضرت ها بون وزارت و پیشکاری فارس داشت با آقا محمد زمان که کلانتر فارس و برادر حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله بود و میرزا اسمعیل کونوال قلعه مشیر از اکر فتنه کور کرد و جمعی را بکرفتن جان محمد خان فاجار سردار کلا در فرسناد و او بطرف کاشان گریخت و حسین بیگلرخان بر اثر او شناخته اما با او نز سید لهدا را باده توقف کرده رشتنجان بیات را بحفاظت شیرا روانه نمود و بنه را بمیرزا علی کرایی سپرد که باین درخواست کرد و خود با اصفهان را ند حاجی محمد حسبنان بیکریک اصفهان قتل از ورود او عیال و پسر بزرگش عبداللہ خان را نیز روانه کرد و خود با محمد علیخان فاجار در خارج اصفهان نشست و اینچنین وقتی ملازمان حضرت ها بون رسید که از ظاهر خوی حرکت کرده عازم شیروان و عثمان بودند بنا بر این نواب امیر کبیر سلیمانخان اعضاض الدوله را مامور از زبان بجان نموده و موکب علی بطرف عراق عطف عمان فرمود و در منزل ارونق نیز محمدخان زند را مفیداً بحضور مبارک آوردند و بموجب امر اعلی از حله بصره عطل نموده و او بحالت کوری کدائی بصره رفت و در آنجا در گذشت و در منزل میانج ابوالفتح خان ولد ابراهیم خلیلخان شرفیاب آستان ها بون شد و از نواب امیر کبیر سلیمانخان اعضاض الدوله سعادت نمودن سیم سلطانیه علیا صفر هزار جویی ملا با شتی حکم فرمودند شاهزادگان عظام نواب عباس میرزا و محمد علی میرزا و حسنیف میرزا در منزل از منازل عراق که باشد با استقبال حضور مبارک نابل سازد بنا بر این در منزل در جزین شاهزادگان معظم شرف اند و بحضور حضرت خافان اعظم گردیدند و پس از توجهات شاهانه راه دار الخلافه پیش گرفتند اما حسنیف فلجان بکرا از و فراهان آمد و فلجان فاجار که در توقف بعراق معطل بماند شده بود بوی پیوست و موکب

جوانشیرم

علی روزی و در منزل سارو و فراهان اقامت فرمود و در این وقت مهد علیا و والده خانان کشورستان باصلاح  
 ذات البرج در رسیدند اما حاصل پنجشنبه و در بیست و هشتم شهر صفر در صبحی کمره مسعد مفاصله شدند ملازمان  
 حضرت خانان محض ملاحظه فرمایند بر ادوی میرزا موسی صغیرا شتی را نزد حسینی خان فرستادند که او را نصیحت نماید  
 حسینی خان از نصایح میرزا موسی که فرمایند آنها را خوشنود شد و بر کباب علی آمد و میدان  
 رزم با یونان بزم مبدل گردید و ولنجان فاجار که محرک او بود میاست شد لشکر حسینی خان بمسکرها یون آمدند  
 و محمد علیخان خوانلو سرداری فارسی یافت نوروزخان غزالدینلو ایشیک آقاسی باشی بسالاری کوهکلو به سرافراز  
 حسینی خان دلولو سپهداری کرمان مفتخر گشت و موکب مسعود خانانی در راه ربیع الاول مبارک الخلفه با هر تزل  
 اجلا فرمود و نواب امیر کبیر سلیمانخان اغضضا الدوله که بعضی از نزدیکان او محرک وی شده که اگر در عراق فتنه بر  
 شود او نیز شمشیر دار الخلفه آید چون دانست که موکب خانانی با ناپیدان نزدی و وارد دار الخلفه شده ترک هوا و  
 سوزانند و علی همت خان کلیائی و پسر حسین و خان بابای ناکله که او را مخرب میکردند خود نواب معظم آنها را گرفته  
 مقیداً باستان مبارک فرستاد و خود از راه باصطبل یاد شاه پیاه برده معفو گردید علی همت خان کلیائی و پسرش پناه  
 عد رفتند و خان بابای ناکله و عبد الله خان اوصالو دیده در راه و بصیر گذار شدند هم در این سال محمود میرزای اتقان  
 که پیاه باستان مبارک آورده و در کاشان منبر بیست و نهم هرات و کابل شد و حکم های یون شرفصد در یافت که امیر خنجان  
 عربا کربطیس و میر علیخان حاکم قانیات بمعاونت و امداد او روند هم در این سال اسحق میرزا ابن چند میرزا ابن شاه استا  
 که از احقاد خلیفه سلطان مازندران با ماد شاه عیسی ثانی که دو سال در دماوند محبوس بود و بتوسط اشرفخان  
 داندانی مستخلص شده باصفهان رفت و اسحق میرزا ان کسی است که کریمخان زند با سم و مملکت ستانی مینمود و در غایت  
 هایل شاه شهید سعید الوار خنجاری تیر او را دستگیر کرده با بن بمانه راه زنی و ناخ و ناراج میکردند و بدین  
 منوال ملعبه جمال بود لهذا او را حبس کرده بودند هم در این سال جعفر قلیخان دینلی که در میا اگر اد بریلدی بود جمعی را  
 با خود منفق ساختن بخوی سلماس آمده برادر خود حسینیان را محصور نمود حضرت های یون ابراهیمخان فاجار  
 دلولو را بدفع او مامور فرموده پسران زرد و خورج جعفر قلیخان مغلوب لشکر بان او بر خدی دستگیر و بعضی منفق گردیدند  
 و ابراهیمخان بنوقف نیزها مورد شد و چند نگذشت که حسینیان در گذشتند جعفر قلیخان بخوی آمده با ولت یابی دولت  
 علیه منوسل شده حکومت آن نواحی یافت هم در این سال زباده از صد هزار تومان نذر و ذات حضرت خانانی عیسی  
 عالیات یعنی جعفر اشرف و کربلای معلی و کاظمین علیهم السلام و حضرت معصوم و میر احمد بن موسی مشهور بشاه چراغ  
 اهد و در سال داشتند هم در این سال با مر اعلی شروع در ساختن قصر چار در حوالی طهران نمودند و حسینیخان  
 بایالت لایب سمنان بر فرار گشت و چون با پولایت فناع داشت حکومت کاشان منصوب گردید و شاهزاده  
 محمد تقی میرزا بمصاحبت وی روانه آن ولایت شد و حکومت سمنان بنواب شاهزاده محمد ولی میرزا منقوض آمد و حکمران  
 فریب را بنواب شاهزاده محمد علی میرزا محقق فرمودند و از آنجا که حضرت شاهزاده معظم عیسی میرزا بموجب خطایب  
 و امیر شاه شهید سعید نواله مضجعه بایبولا بت عهدانید و لنگ جاوید عدت بر فرار کردند جغتایان و خجری و شمیر  
 مرصع و خلعت آفتاب طلعت های یون خلعت و بار بنه و بعهده و بنایب سلطنت حکمرانی آذربایجان منصوب گردیدند  
 و با نایب نواب امیر کبیر اغضضا الدوله سلیمانخان فاجار و با یانزده هزار سوار جرار و غیر حکمرانی نهادند  
 و میرزا عیسی فراهانی مشهور بنیرزا بزرگ از سادات کرام که آبا و اجدادش دیندارانند داشته اند بوزارت خاصه

حضرت ولعهد نایب السلطنه اختصاص یافت و ملازم خدمت ایشان گردید و ابراهیم خان فاجار سردار که در  
 تبریز بود بمنابعت و اطاعت حضرت شاهزاده مامور آمد و بعضی ولایت عهد حضرت شاهزاده معظم  
 و کثرت فرمائی باذر با بجان از حوادث او ایل سال هزار و دو و بیست و چهارده دانسته اند خلاصه مفارن  
 این احوال نواب ابراهیم خان بن مهد بقلینان بنی عم و داماد اعلی حضرت خاقان کشورستان با جمعی از عساکر ظفر مآثر  
 مامور بنوقف چمن کندمان و حواست عراق و فارس گردید و بعد از این او ان محمد آقای دیوان افندی از جانب سلیمان  
 پاشا و ابوالغداد با هدایا و عرافین باستان اعلی آمد و بعد از این سال موکب ها یون بقصد قلع و قمع نادر میرزا ابن  
 شاه رخ میرزا و تصفی خراسان منوجه آسمان گردید و مقدر شد حسینقلی خان که در کاشان مشرف بود  
 بر کاب مبارک پیوندد پس از آن در چمن فیروز کوه اعلی حضرت خاقان سپاه منصور اسان دیدند و حسینقلی  
 بسبب عارضه نگاهد در ارجمند ماند و جانمحمد خان دولو برسم منفی بطرف خراسان روان شد و اردو  
 ها یون نیز از راه جاجرم و اسفراین بطرف مقصد انضا فرمود و صادق خان شقاقی و حسینخان قولر آقاسی  
 بنسج چاران و ندر میرمش خان مامور و روانه گشتند و موکب معالی بنا چه بنشنا بود و رود کرد و علیقلینان  
 پسر جعفر خان بیات حاکم بنشنا بود که پدرش ملزم رکاب مبارک بود مجتو ها یون مشرف شد و بمجهت انجام خدا  
 بشهر دقه و چون حکم شد جز ابرچان بیرج و باره شهر جای گیرند از نقره اسباب توهم علیقلینان شده بنای مخالفت را گشت  
 حسینقلی سیک از بنی اعمام جعفر خان باردوی پادشاهی آمده مشمول رحمت گردید جعفر خان باستان پیشتر بشهر دقه ولی  
 او تبرع صیبا و دید بنا بر این پسر بکر جعفر خان که در اردو بود بنیاست و چهار آمد و حکم بیوش و محاصر قلعه در اردو  
 بتوسط شفعا اهالی معفو گردیدند و جعفر خان نیز مجرم مقلد خدمت گردید و حسینقلی خان عمزاده او بنایب بنشنا بود  
 یافت و بعد از این او ان صادق خان شقاقی و حسینخان فاجار فرزند بنی کاموند میرزا اسنالت مش خان گرد شده بودند صادق  
 بر حسینخان سبقت گرفته با مشخان ملاقات نمود و او را با طاعت نادر میرزا خبری کرد چنانکه از مضمون عرضیه او این  
 مفهومی میشد اعلی حضرت خاقان این نکته را نفرت فرموده ولی قلب مبارک پنهان داشتند و حکم شد صادق خان بجان محمد خان  
 ملحق شود و محاصره مشهد مقدس برپا زدند نگارنده گوید بعضی از مورخین توجه موکب خاقانی را بخراسان نیز از وفایع سا  
 هزار و دو و بیست و چهارده شمرده ولی بعد از نضج مسطورات مختلف معلوم میشود که در او اخر این سال بایتظرف آیت  
 پادشاهی بفرم تصفی خراسان با هنر از در آمده اما سواخ عمده این سفر و محاصره مشهد مقدس از حوادث سال

هزار و دو و بیست و چهارده میباشد انهی

وفات میرزا ابوالقاسم چالقی مشهور بقی علی الله مقامه از اجله علماء وفات آقا سید علی طباطبائی مجتهد و عالم معروف  
 (شکرستان) در این سال ایلند خان خوارزمی ابن محمد امین اینا و ابن فاضل ایناق ابن ابوالغازی بیک ابن اسفندیار ابن  
 عرب محمد سلطان ابن حاجم خان بخارا پورش برد و جمعی را اسیر و دستگیر کرد اما در هنگام عبور از رود آمو بر بعضی  
 چچون غرق و هلاک شد مدت ملکس در خوارزم تقریباً دو سال بوده بعد از آن پسرش محمد رحیم خان نوره بجای او  
 بو قرار گشت اما در شهر روم پای بخنا بیطالیاردم برصد پایپ شوریده اعلان جمهور مینا بند و ششم پاپ  
 که هشتاد سال داشت شهر روم اخراج میشود سورش در سولس و اعلان جمهور سولس مصمم شدن دولت فرانسه  
 برای فرستادن فسون بمصر بقصد غل رسا بند بخارا ثا نکلسن نا ابراندوز پر خا رجه جمهور بسفارت با سلامبو  
 روانه میشود عساکر فرانسه سرداری نزال ناپلیون بنا پارت غرمت مصر مینا بند و ناپلیون جمعی از علماء و حکما و نقاشان



فرنگ را با خود بمصر میبرد و بعد از حرکت از بندر تولن بطرف مصر جزیره مالک منصرف میشود و در ناپلینو بر بند  
 اسکندریه و حرکت کردن او بسبب فاهره جنگ معروف جنگ کبند هرمان غلبه ناپلینو بر فوشون مصر که در تحت سردار  
 مراد بیک بودند فتح فاهره بلسن و امیر البحر انکلپس سفاین فرانس را در بندر ابوقر میبشکند دولت عثمانی بجزایر  
 انکلپس بفرانسه اعلان جنگ مینماید ز نزال بنا پارت تمام مصر را منصرف میشد و اتحاد و اتفاق دول مجرای بند  
 فرانسه با غوای انکلپس بود عساکر فرانسه در ثانی بجاک ایتالیا اتحاد روس عثمانی بر ضد فرانسه آمدن یک اردو از عساکر  
 روس با مدد معاندین فرانسه با ایتالیا (انکلپس) شورش در آمد و اعلان جمهوری در آنجا (فرانسه) ایجاد مدرسه  
 حرفه صنایع مستظرفه از قبل نقاشی و موسیقی و غیره ایجاد اکیون بپوش صنایع در پارپس (روس) جلوس  
 آخو باد شاه کریم شاه اکلپوس در زیر چاپ دوس امریکا (هابتی) در جزیره هابتی در دریای محیط پاسبفیک  
 نوسنت نام برسیا پوشان ریاست کرده تمام مهاجرین فرانسه را که در آنجا بودند برون میکند

سنت هجری

سنت ۱۷۹۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل نینال اردو کوه خانی بدو مشهد مقدس بود و عساکر منصوره شهر را در بند  
 محاصره داشتند و بلاخره احترام مشهور و مقدم مطهر امام نامن نامن علیه السلام چندان مجرای نیکو شدند  
 و مع ذلک کار مخصوص سخت شد و دو چار غلام کرد بند نادری را اظهار ضراعت و اطاعت نمود و فریاد کرد که ای شاه  
 خود را در جاله نکاح یکی از شاهزادگان اولاد ایجاد خافان در آورد و منافرت بدله موافقت کرد و بنا بر این ضراعت  
 و رعایت حرفی که ذکر نمودیم در پانزدهم ماه ربیع الاول نینال موکی منصوره اعلی حضرت خافان گشود و شاه فتح شاه  
 از محاصره شهر مشهور دست کسیده بمنزل چنان آمد و امر کونه خان کرد زعفرانلو حاکم جنوبشان رخصت معاد  
 بجل حکمرانی خود یافت و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر با او همراه شد که صبیحه او را که نامزد شاهزاده حسنعلی میرزا  
 بند باو معلق آورد و جعفر خان بیات ها که بنش باو در نخل جمع و روانه نیشابور شد و در همین بسطام نواب حسینقلیان  
 که تسیب نداشت ان التزام رکاب معاف شده بود صبح سالم بمحضرها بپوشید و بعد از آن غریب امغان فرمودند  
 و به غرق و اهالی حرم جلالت را با مهدی قلیخان فاجار و میرزا محمد شفیع مازندرانی و وزیر وانه دار الحلافه نمود  
 موکی علی در چرخ علی بولاعی بشکار مایل کردید و راه ارجمند و نوا پیش گرفت و در فرزند کوه پتر شکاری شایسته  
 اتفاق افتاد و در او اسطر بیع الثانی دار الحلافه بقدم مبارک خافانی مرتین آمد همدرا پن سال در ماه محرم  
 حضرت ولعهد نایب السلطنه عباس میرزا وارد تبریز شدند و بعد از ورود جعفر قلیخان دبنلی حاکم خوار و انحصار کردند  
 مشارالیه با طاعت مبادرت نمودند حضرت والا بقصد تبریز و بسلاست توجه فرمودند و بطرف فارس و بایزید حرکت  
 و پناه با کرد برد و پانزده هزار نفر فراهم آورد و عزم رزم حضرت شاهزاده معظم کرد ولی ملازمان حضرت قتل از مو  
 او بقلعه هودر که جایگاه نفایس و احاطه زخا جعفر قلیخان بود پوشش برده قلعه را سحر و اموال او را کلبه منصرف  
 کردند و در آن قلعه مقبول و سنوان و صیبان دستگیر عساکر نصرانیان کردند و جعفر قلیخان این خبر را شنیده  
 دیوانه وار بمقابل لشکر شاهزاده کا مکار با افتد از شرافت و در قریه سوغانخوق در هفتم ربیع الثانی فریقین  
 نلانی نمودند پس از کوشش بسپا جعفر قلیخان چاره جز فرار ندید و آخر الامر با ناسف و پشیمانی بجای عثمانی رفت و قلعه  
 ماکو را که از فلاح خجور سعادت پناه با کرد بایزید میبرد و حضرت اسعد والا ولعهد بخوی رود فرمودند و حسب امر علی  
 و حکم والا محمدرخان دبنلی نواده شهباز خان دبنلی حکمرانی خوی و سلیمان مر فرار شد و سرداری این صفحات را

به پسر قلچان شامبانی دادند و بقیه نیز مراجهت فرمودند و صبیبه ابراهیم خلیل خان حاکم فراباغ را که حسب المقرر می باشد  
 داخل در خدام حرم سلطنت کرده از شوشی روانه دارالخلافه کردند همدان ایسال محمود میرزای افغان که با میر حسن  
 خان طلسم و میر علم خان قاپی منوجه هرات کرده بود و قصد مقاتله شاه زمان و قصد شجر کابل و قندهار  
 داشت قیصر میرزا او را شکست داده قندهار را با هرات بازگشت و در هرات نیز افاغنه اردو او را غارت کردند با چهار پانزده  
 آمد و عرض حال را عرضیه بدیدار خاقان بهیال انقاد داشتند مقرر شد با صنفها آید و معززان را نیشهر اقامت نماید  
 تا موقع تقویت در رسد همدان ایسال صبیبه امیر کونه خان در جباله نکاح نواب شاهزاده حسنعلی میرزا در آمد و در  
 پانزدهم ماه جمادی الاخره با بن سوری پرداخت و زباده از صد هزار تومان مخارج این عیش شد همدان ایسال مهنگ  
 علیخان ملقب به جبار جنگ از جانب حکومت هندوستان انگلیس با تحفه هدا یا بدیدار معتمد آمله سلطنت اعلیحضرت  
 خاقان کتوشستان را تحفه تبریک بکف نیز فرستاده بقیه صاحب یاد شاه دکن با سه نخبه فیل و چند نفس مرغها  
 غریبه مطبوع و اکلیمه مرصع بجواهر بدیدار الخلافه با هره آمده هدا یا ی خود را تقدیم حضور مبارک نموده مورد تفضل ملوکانه  
 گردیده با جوارح لایق و انعامی شایان مراجهت کرد همدان ایسال حکمرانی مازندران بنواب شاهزاده محمد قلی میرزا مقوض  
 شد و فرما فرموده ای فارس را بنواب شاهزاده حسنعلی میرزا دادند و میرزا نصرالله علی آبادی که نواب حسینقلی خان او را  
 از نوربهر محروم ساخته بود بوزارت مازندران و پیشکاری نواب شاهزاده محمد قلی میرزا برقرار کرد و بنی جوارح اعلی  
 خان نوائی مازندانی نیز به پیشکاری فارس مفتخر گشت همدان ایسال حضرت امجد نایب السلطنه و لهعهد از آذربایجان  
 بدیدار الخلافه آمده شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کتوشستان گردیدند و سیر از چندین باز در باجان معاودت  
 فرمودند و نواب امیر کبیر سلیمانخان اغضا الدوله و رضاقلیخان و ابراهیمخان فاجار همراهمانحضرت مامور گردیدند  
 همدان ایسال اللهقلیخان قلجی که براه خود سری میرفت عریضه مشتمل بر اظهار اطاعت و اقیان بدیدار معتمد انقاد  
 داشت و مصمم گردید که صبیبه خود را بخدمت حرم جلالت فرستد و میرزا اسدالله مستوفی نوری با انجام این عمل  
 منتهی گشت همدان ایسال عساکر منصوره از اطراف برکاب هاپون اغضا شدند هر راه اطاعت نمودند مگر دستجات  
 شقاقی که بنسبیلان صادقان شقاقی تقاعد و تخلف کردند و چون پیش از این خلاف و نفاق صادقان معلوم شده  
 بود مقضوب و مورد سخط اعلیحضرت خاقانی گردیده و او را در خانه تنگ موقوف و محبوس داشتند تا از سبک راه دربار  
 عدل پیش گرفت و محمد علیخان برادرش بر سر کردی شقاقی بر فرار آمد و برادر دیگرش ساروخان برش سفیدک طایفه فرزند  
 سرافراز گشت و پیش در سبک بسا و لان حضور منسلک گردید همدان ایسال نواب محمد قلی میرزا از بطن صبیبه نواب  
 مرتضیقلیخان فاجار رحم اعلیحضرت خاقان کتوشستان منولد گردیدند همدان ایسال نواب محمود میرزا قلم بصره  
 عالم نهاد و فاتح حاجی عبدالوهاب نایب از مشایخ و کلمین عرفاد رستن بود و شش ساله و فاتح امجد علی امضهانی  
 مخلص بشید و فاتح مهتابیک شاعر شقاقی (هندوستان) بقیه صاحب بواسطه نرسیدن امداد فرانسه با مغلوب  
 انگلیس پیشو و بعد از هفده سال سلطنت مقنول میگردد و مملکت میسور هند را انگلیس تصرف و بنیاد امپراطور عساکر  
 متحد روس و عثمانی جزیره کرکوتوا جزایر یونین را از فرانسه منزع میسازد اعلان جنگ فرانسه با اطریش بعد از یکسال  
 و نیم صلح و انگلیس و اطریش و المان ناپل و پرتغال و روس و عثمانی بر ضد جمهور فرانسه متحد میباشند شکست  
 عساکر فرانسه در روسیه نقطه از قشون اطریش سوارت سردار روس را بطالیان فرمانده عساکر متحد  
 روس و اطریش است که بر ضد فرانسه میباشند قشون فرانسه چندین مرتبه از قشون روس شکست میخورند

مایناسر دار دیگر فرانسه در سوسن فریخت میکند و با سوارت سردار روس ملاقه نموده او را نیز شکست میدهد  
 بعد از این شکست امپراطور روس عساکر خود را اخضا میکند در هولاند کشتیهای جنگی و سوارکلیپان سفاین جنگی  
 فرانسه شکست خورده نه هزار نفر از فئودال روس بدست سردار فرانسه سپرد میشوند ناپلیون از مصر هشتم حرکت  
 میکند و بند ریانا (بافه) را منصرف میشود و عکس را محاصره نموده بند ریانا مقصود بمصر مراجعت مینماید و از آنجا که دنیا  
 که از فرانسه باو میرسد مساعد با خیالات و ترقی باقیست که در خاطر دارد ریاست عساکر فرانسه را در مصر و کلبر  
 و لکاشنه خود بسخت فرانسه و آنه میشود (فرانسه) انقلاب اغتشاش شدید در یار و پس و سایر بلاد فرانسه  
 و رود ناپلیون بنا پارانت بخاک فرانسه بدین طرفش او را با نهایت شغف و محض و رود بنا پارنت پیار پس ریاست فئودال  
 یار پس باو تقویض میشود و اندک اندک در خیال و صلح ریاست کل است مجلس کل بر ضد ناپلیون بنا پارنت میباشند  
 ولی بنا پارنت با فئودال مسلح و در مجلس میکند و با وجود اینکه او را نه تنها بدین منزلت مینمایند بلکه بر او کل میکند وضع  
 دولت را تغییر میدهد و از این بعد دولت فرانسه بر وضع کنسول میباشند و ناپلیون بنا پارنت رئیس و رئیس و رئیس  
 بنشیند و ریاست و رئیس نیز کنسول مقرر است ناپلیون کنسول اول است و کامباسرس و لیر و تود و کنسول  
 دیگر او را معاون خواهند بود در عصر سلطنت تولیون منزل خواهند کرد و از نام دیار (ایتالیای) فونتی  
 ششم پاپ (روس) فونتی رز با زد هم پادشاه که چنان که بعد از فونتی او که جیشا مستقلا در تحت تصرف روس  
 درآمد امریکا (افانوف) فونتی و استکن معروف

تاریخ

تاریخ

اسیای (ایران) در این سال موکب اعلی حضرت خاقان کشورستان فتح شاه معتم شیخ سبزواری و نیشابور کردید  
 بنشیند که اللهبار خان سبزواری قلعی که پیش از این عریضه ضراغی بدربار کرده و مدار عرض کرده و بعضی رسانید  
 بود که صبیحه خود را بخدمت خدام حرم جلالت خواهد فرستاد و میرزا اسدالله مشهوری با انجام این خدمت موکب کردید  
 بعد از رسیدن میرزا اسدالله سبزواری اللهبار خان پشیمان شده بنای عساکر و لکاشنه بنا بر اهرام خان فاجار عمراده  
 خاقان کامکار با مهد قلیخان دولو و حسینیان فاجار فرزند و پی و ده هزار سوار و پیاده بمحاصره آن قلعی  
 روانه شدند و با میر کونه خان زعفرانلو حکم جنوستان و ابراهیمخان شادلو حکمران اسفراین نیز حکم شد که بابر اهرام  
 پیوند و موکب منصور خاقانی نیز آنها حاضر فرموده در چمن نمکه پنجه و زبان سپا ظفر همراه پرداختند و در پنجم محرم اینسال  
 خارج قلعی فریبان مصر و جنام سپهر هشتم کردید و نواب حسینی قلیخان برادر کهتر خاقان محاصره سبزواری مامور  
 اهالی نیک که از مستحق اللهبار خان قلعی بود خوداری نموده لشکر نصرت اثر پوش بردند حصار بان مقصود و اموال ایشا  
 منسوب شده از دستمان درآمدند آفاخان ولد مصطفی خان عمراده خان کشورستان جد امی نکارنده بجز است  
 قلعی محکوم کردید و موکب هاپون خاقانی شریف فرمای حوالی سبزواری شدند و از آنجا که جعفرخان بیات باز سبزواری  
 خلاف رفتن بود حکم هاپون شرف صد و ریافت که نواب حسینی قلیخان محاصره نیشابور و بنسب جعفرخان روانه شود  
 اما اللهبار خان قلعی که موکب ظفر کوکب را نزد یک درها چاره را بسته بدین میرزا اسدالله مشهور را واسطه  
 فرار داده و صبیحه خود را با او بار دو معالی فرستاد و جعفرخان نیز اظهار ندامت نمود ولی عساکر ظفر بنون بنهب  
 تخریب نواحی سبزواری و نیشابور مشغول شدند هفاران ابطال طره باز خان فرستاده شاه زمان افغان بانامه  
 هدایای بکران باستان مبارک آمده شاه زمان بشفاعت جعفرخان و اللهبار خان پرداخته معادرت

کوکب

موجب نظر خانانی را در خواست کرده و اظهار داشته که بعد از بازگشت نشون نصر عنون جعفر خان و اللهیار خان  
بخصوص همایون مشرف خواهند شد ملازمان آستان پادشاهی حسب المصلحت تمینان و مسوولان شاه زمان را قبول فرمودند  
و محمود پسر ولد تیمور شاه که در این سفر ملزم رکاب اعلی بود با برادر و پسر خود فیروز و کامران عازم قندهار و کابل شد  
احکام بامرا و حکام خراسان شرفصدور یافت که رعایت جانب او را منظور دارند و موجب خانانی بطرف دار الخلافه عطف  
عنان فرموده نواب حسینقلی خان در اسفهرین و ابراهیمخان عمو و علی در نزدیکی آق قلعه وارد و معلی پو پشند آقا خان فاجا  
از بنکی قلعه زمینان احضا شد و ابراهیمخان عربی باد شش عرب عجم مامور محافضت آن نواحی و حدود گردیدند و موجب  
اعلی بچمر کا پو شوزول اجلال فرموده مدت پانزده روز در آنجا اقامت کردند پس از آن آنجا بسبب طام و دامغان و علی بولغ  
توجه فرموده نشون فارس و عراق مرخص شدند و موجب همایون از راه چشمه علی دامغان بجهنمان نشرف فرما کردیدند  
مدتی پنج شبانه روز در اینجا بعبش و سرور و عروسی نواب محمد ولیم پسر نوالی جهنمان مشغول بودند آنگاه بطرف دار الخلافه  
هفت فرموده در چهارم ماه ربیع الثانی شهر طهر از مقدم مبارک اعلی حضرت خاقان کشور سار شک و وصیه رضوا  
گردید بعد از ان نظام امومالک محرم سعزیمت تشیث کبلان فرمودند و در فرزندین صبیبه احمد خان مرغره را در سلک ازدواج  
نواب شاهزاده محمد علیمیرزا حاکم فرزندین در آوردند و نواب ابراهیمخان عمزاده خاقان کشورستان بنظم ولایت کبلان رفقه  
لذا موجب همایون بدار الخلافه معاودت فرموده هدایای آن نواب شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه و ولیعهد دولت  
علیه خصوص مبارک آمده مورد توجهات کامله کرد بدهد این سال سپر زن ملک از جانب حکومت هندوستان انگلیس با  
نامه موذی ختام و هدایای لایق و بفرورد بند بوشهر گردید و فتحعلی خان نوری بممانداری او رفت بعد از ورود بدار  
الخلافه در سری حاجی ابراهیمخان منزل یافت و لوازم احترامات او بعمل آمد و قرار اتحاد و دلنشین ایران و انگلیس شد  
معین با او داده و حاجی خلیف خان فرزندینی با جواب نامه مهر علامه که سپر زن ملک حامل بود بانفاق او مامور سفارت  
شد اما اللهیار خان قلیچی و جعفر خان بیات چون بعد از شفاعت شاه زمان باز خلاف قرار داد کردند و بقبیل عبسه  
علیه مبادرت نمودند نواب ظهیرالدوله ابراهیمخان عمزاده خاقان کشورستان با بدست سفار نفیر مجاصره  
سبزوار مامور و مقرر شد محمدخان و ابراهیمخان دولوپر قلیخان شامینانی و حسینخان فاجار فرزندینی بان سرار  
با افتد ارها هر گتند و نواب لهر کبیر اعضا الدوله سلیمانخان فاجار با پانزده هزار سوار مامور نیشابور گردید  
و بخوا این خراسان احکام قضا نظام شرفصدور یافت که معاونت و معاضدت نواب ظهیرالدوله و نواب اعضا الدوله  
مکرم خدمت بر میان بندند و مهدی قلیخان دولوی فاجار بپسر در آذر باچان و توقف در قلعه خوی حکومت گشتند  
محمدصادقخان دینله ایالت خوی یافت و محمودخان دینله باستان اعلا آمده بامارت بساوان حضور بر فرار آمد  
هدایت اینچون برادران و پسران حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله هر یک در ناحیه حکمرانی داشتند و ملازمان  
حضر کردون بسطت همایون نفیر خلایق از آنها فرموده مقرر شد هر راد در وقت تعیین گرفته بنیبه نمایند و چنین  
گردند و خود حاجی ابراهیمخان مغزول و چنددی رفزوبین و طالقان میبود نادو گشتند و پسران محمد شفیع بندینی  
مازندران صفهانی الاصل بوزدان اعظم نابل آمد و لادت رضا قلیخان معروف بلبله باشتی که متخلص به هدایت  
وامیر الشعرا و صاحب صفات جلبله مشهوره و از امرای بزرگ میگردد و وفات پسران محمد تقی کرمانی ملقب بمظفر  
علیشاه از غزای مشهور و علمای معروف صاحب دیوان مشنابقه و بحر الاسرار و خلاصه العلوم و کبریت احمد و  
رساله جامع البحار در کربانشهان و مدفون او در بیرون دوازده مشرف این شهر که موسوم بدوازده اصمغان است

علی بولغ مفضو شبیه  
علی دامغانست

اروپا بعد از مراجعت ناپلئون از مصر بفرانسه وضع فئون فرانسه در مصر مختل میکرد و جنگهای کلیر سردار فرانسه  
 در مصر با عساکر عثمانی و تقاب نمودن آنها را تا سرحد شام اهالی شهر فاهره که در عناب کلیر بفرانسه شوریده  
 بودند پس از مراجعت این سردار بانشهر را منصرف میشد و یک از مسلمانان منعصب کلیر را در فاهره مقلوب میسازد و  
 سردار فئون فرانسه از رودخانه رن عبور کرده با فئون اطرش برابر میشد و آنها را شکست میدهد و اسیر سردار  
 اطرش که با صد و سی هزار نفر از ایتالیا گذشته و بی پیش آمده که با فئون فرانسه مقابل کند ناپلئون با چهل هزار  
 در طرف چهل روز با او بر سر نموده از کوه آلپ گذشته ملاس را شکست داده تمام ایتالیا را محصور میسازد و در مارانگ  
 نبر شکست سختی بکساکر اطردین میدهد مراجعت ناپلئون بفرانسه مقرر و منصوب انگلیس بر ضد فرانسه اطرش تجزیه عهد  
 کرده الا آن دو از جنگ بپول باو میدهد و از طرف ناپلئون مامور بسمت وین میباشند و جنگ سختی با فئون اطرش کرده  
 نلواوی وین میبرد اطرش استیضاح از جمهور فرانسه طلب صلح مینماید انگلیسها جزیره مالته را از فرانسه ها میطلبند  
 ناپلئون این جزیره را برپای اول امپراطور روس میبخشد انگلیس این بخش را مقبول ندانسته خود میخواهد مالته را منصرف  
 شود امپراطور روس چشم از دست انگلیس پوشیده دول سود و دامارک و پروس را با خود منفق ساختن بر ضد انگلیس  
 با فرانسه متحد میشد و ایلچی که پارس میفرستد (انگلیس) ارلند پارلمنت مخصوص ندارد و کلای خود را بپارلمنت لندن میفرستد  
 بلاد غربی میشود در هند بفرانسه انگلیس در می آید (فرانسه) دولت جمهور بر باست ناپلئون بر ضد فرانسه انگلیس یکی از  
 خواهرها ناپلئون در جاله نکاح موزانگ که از سردارها معین ناپلئون است در می آید اجمار بانک در فرانسه عهد دست  
 و بخاری فرانسه با اتا تونی در طرف ایسال در فرانسه و سه رتبه قصد فتح ناپلئون مینماید (ایتالیا) بی هفتم بعد از  
 ششم پاریس شود (عثمانی) جزایر سبعمه یونین که فرانسه ها از وین گرفته اند سفایز روس عثمانی معا آنها از فرانسه  
 منزع میسازند و بوساطت روس این جزایر وضع جمهور پیدا کرده از تحت سلطنت عثمانی خارج میشود و لکن در سال  
 یک مبلغی خراج با اسلامول میفرستد علی پاشا که هجده سال بود از طرف دولت عثمانی حکومت البانی را داشت و مرکز  
 حکمرانی خود شهر بانین را قرار داده بالتمام اطراف البانی را حکمرانی و سلطنت بوضع استقلال قرار میدهد امیرکا  
 (جزیره هابنی) تونس رئیس باغبهای هابنی میشود

سند ۱۸۰۱ مسیحی

سند ۱۲۱۶ هجری

آسیبا (ایران) در ششم ماه صفر اینسال موکبها بون اعلم حضرت خافان کشورستان فتح علی شاه تشریف فرما  
 قهر فاجار کرده یک شب را اینجا اقامت کردند بعد روانه شکارگاه جاجرود کردند و از اینجا بچشم مشایخ ماوند  
 سایر ماکن مشرفه آنساخت خلدانند چندی تفریح میفرمودند و در اواخر ماه فروردین شرحی از خیالات حسینقلی  
 بعضی خصوصاً موهبت ظهور خافان رسانیدند و معلوم شد که مشارالیه از کاشان باصفهان و از اصفهان بعراق رفته  
 همیشه جمعیت لشکر مینماید و سودای سلطنت در سر دارد بنا بر این بموجب امر اعلی جاجرود خان دولوی فاجار و  
 فم و کاشان کردید و حسینقلی خان بن فتحعلی خان برادرزاده او بچو الی اصفهان و اندوآقا خان فوانلو بسلاخورد  
 رفت و فرمانها بون عزت فادانفت که هر جا حسینقلی خان را بدست آرند ما خود دارند و باستان مبارک روانه  
 سازند همدان این او ان ابراهیمخان عمزاده خافان بدو بار جلالت آثار سپهر نشان آند و بوالصبر کسر سلیمانخان غصا  
 الدوله ان سزوار و پشایق بوالعباس میرزا برادرزاده میرزا ابن شاه رخ بن رضا قلی میرزا بحضورها بون شرف  
 جشنند و عباس میرزا و انادر میرزا برسم کرکان فرستاده بونیز در این او ان اعلم حضرت خافان کشورستان حضرت

نایب السلطنه و بعهد عباس میرزا با محمد شفیع صدر اعظم در دار الخلافه طهران مقارن مهام ملکه فرموده بود  
 اعلی در دویم ربیع الثانی از طهران غربت اصفهان فرمود و حاجی محمد حسینخان بیکر بیک از نا بن بجای پاری به نظر  
 آمده در اینجا بنفیل رباب علی فایز کردید حسینقلیخان چون از حرکت کرده ها بون خبردار شد بجانب کرمانشاهان  
 شناخت و اختلالی در امور و اوضاع او بهر سیده محمد فاسم نام که تحریر حسینقلیخان بود بغداد فرار نمود و حسینقلی  
 که راه عراق رفت بر او بسته بودند نادم و پشیمان در قم بقیعه مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها پناه برد اعلمت  
 خافان کشورستان بجانب قم عطف عنان فرمودند حسینقلیخان شمشیر بگردن کرمان در صحن مقدس حضور مهر  
 ظهور خافان آمد پس از اظهار ندامت طلب عفو و استکانت اسدغای اقامت و توقف در قم نمود اعلمت حضرت ها بون  
 او را مخرج و ماذون فرمودند و موبک منصور بقصد معاودت بدار الخلافه حضرت فرما گشت همدان و ان اعوان  
 و انصار حسینقلیخان را از هر ناحیه مکان گرفتند و باستان جلالت بنیان فرسنادند و هر یک بقدر جرم جنایت  
 دو چار عقوبت و سیاست شدند پس از چند بشفاعت میرزا ابوالقاسم محمد کبک از علمای معروف حسینقلیخان  
 بدز آشوب شهربان آمده را اینجا متوقف گشت و آخر الامر بواسطه خود سر جهان بین خود را بدو نمود و در زاشوب  
 بغداد مشغول بود نادست اجل بغداد و زاد در بود همدان ایام اللهی خان قلیجی حاکم سبزوار بملازمان حضرت  
 نایب السلطنه و بعهد ولت علی عباس میرزا متوسل شده و با اهل و عیال بدار الخلافه آمده اطمنان یافت و میرزا  
 محمدخان فیاضی قاجار بحکومت سبزوار رفت اما ناد میرزا با وجود فرستادن عباس میرزا برادر خود را بکرگان  
 در شرفیابی آستان مبارک نعل و نفاع نمود لهذا ابراهیمخان عمزاده خافان کشورستان باده هزار نفر مامور  
 خراسان کردید و اعلمت حضرت ها بون نیز بنفس نفیس مصمم آنصفا گشته بدند و چون در اوایل سال بعد انفاض فرمودند  
 در محل خود شرح آن بیاید ولادت نواب شاهزاده ها بون میرزا وفات میرزا عبدالله مختص بشهاب شاعر تر شیری خان  
 میرزا مهرداد شستانی از فضلاء معروف آری پا معاهده بین اطربش و فرانس که فواید این معاهده کلمه برای فرانسه بود  
 اسپانیا و اینها بجز یک فرانسه بی توغایها که با انگلیس متحد بود ندا اعلان جنگ نمودند پادشاه ناپل مجبوراً با فرانسه متحد گردید  
 انگلیس متحدین فرانسه اعلان جنگ میکنند و سفاین جنگ او ناپای تخت دانا را که پرو د پل اول امپراطور روس که با فرانسه  
 متحد شده بود با غوای انگلیس مقبول میگردد و جانشین او الکساندر اول برخلاف سبک پدر با انگلیس متحد میشود  
 همی در هزار نفر از عساکر انگلیس بمصر ورود کرده فسون فرانسه را بعد از آنکه سه سال این ملک را منصرف بودند از  
 مصر میروانند عهد صلح ما بین فرانسه و عثمانی و روس و کفتکو و مصالحه فرانسه و انگلیس (انگلیس) اغلشتاش  
 داخله و قلت نفوذ بواسطه جنگ هشت ساله با فرانسه فرض دولت انگلیس با نینسال از ده میلیارد فرانک  
 زیاده تراست که هر میلیارد معادل دویست و یکم و دو تومان پول ایرانست خطی محض و شورش مردم که بلاد و فرادا  
 غارت نمایند شورش مردم بر ضد پاپ صدر اعظم و ابن صدر اعظم با هالی ارلند و عده رفاهیت میدهد اما از آنجا  
 که هالی ارلند کاتولیکی مذهب هستند و پادشاه پرستان مذهب است نهایت عصبیت را در این نظر بقیه داران دادن رفا  
 بارلند بهامضایقه مینماید بیست و پنج ساله و زارن از شغل خود استعفا مینماید و ادنگ بن نامی صدر  
 اعظم میشود و ز شیخ پادشاه مباحیه نمودن کیانی انگلیس ناچار گشت که در مغرب مدرس واقع است در مجلس  
 پارلنت گفتگوی مباحث راه آهنی در میان مینباشند تعداد نفوس جزیره انگلیس ششهای در اینسال هفده کرده و  
 سیصد هفتاد و دو هزار نفر و کس مینباشد و جمعیت آکس بیست و دو کرده است (فرانسه) مردم فصد قتل

جنون

نایلیون را کرده و صدوسی نفر از جمهور طلبان بچیک آمده خراج بلد بیشترند و حکم قتل بعضی صادر میگردد  
 چنانکه از بالان مفتوحه رسوایان جزو سایر ایالات فرانسه شده و حکام برای آنها تعیین میشود آداب و  
 رسوایی که جمهوریان حذف نموده بودند مجدداً نایلیون آن آداب رسوایان برقرار مینماید دولت فرانسه با والی  
 الجزایر معاهده نازم منعقد مینماید ایجاد اسپونسیون صنایع در پارسی اول اختراع چرخ بخار در فرانسه  
 تعداد نفوس تمام فرانسه را بنیستال پنجاه و چهار کرده و سیصد و چهل و نه هزار نفر است (روس) نجبا  
 از قانونیکه امپراطور پیل برای نظام ترتیب داده بود رنجیده و متغیرند امپراطور پیل نهایت دوستی با نایلیون  
 دارد با بنوا سطر ایلی انکلیس مقیم در بار دولت روس گنت دو پالمن سردار عساکر متوقفه در پترزبورغ و امریک  
 است بنا بر این محزیک شب بیست و نهم ماه مارس و سالی ششون امپراطور را هلاک نموده پیرار شد و الکساندر  
 اول را بجای او جلوس میدهند کتب فرانسه و دوران بحال روس منوع بود امپراطور جدید آوردن آرا را برین مملکت  
 اجازه میدهد و مطبعه شمار روس را بالنسبه آزاد مینماید که چنانکه کتبه ضمیمه مملکت روس میشود در داغستان جنگ در  
 کار است (سونس) دولت سوئیس که بحزب نایلیون جمهور شده سایر دول اینوضع جمهور را میباشناسند امپرا  
 (انائونی) ژفرسن برپاست جمهور معتین و برقرار میگردد

تفسیر مسیحی

سنه هجری ۱۲۱۷

آسیا (ایران) در اول اینسال یعنی وزد و شنبه هفدهم ماه مهر موکب منصور اعلم حضرت خاندان کشور سنان  
 فتح شاه بقصد خراسان انهای فرمود و دشمنی فرمای چینی را دکان کرد بدینستحق جان قرانی که تاکنون با غن  
 رو داشت این او دانست که جز اطاعت خدمت خاندان کشور سنان هر چه کند با نیست و دل بجای این آستان  
 نموده برای اظهار عبودیت و استرضای امانی حضرت بنفشه پور آمده با ستام جعفر خان بیان پرداخت و او را  
 با خود بحضور موهبت ظهور خاندانی مشرف ساخت و سایر جوانان خود نیز رقیه اطاعت انبیاد حضرت کردند  
 بسطت سلطنت را بگردن گرفتند و نواب امیر کبیر اعظم الدوله سلیمان خان قاجار و حسنخان قاجار فرزند  
 قوال را فاسق خندان ماموش شدند و نواب شاهزاده محمد علی میرزا و استخو خان کرد قرانی مقدمه الحش موکب منصور  
 شده بجای صره مشهور مقدس دانستند روز نهم ربیع الاول رایان ظفر آیات خاندانی از چینی را دکان منوجه مشهور  
 مقدس گردید و در این شهر اسپانف هر اه احاطه کرده و مدت محاصره بطول انجامید و قرا و آباد بها احوال بخار  
 رفت و در شهر مشهور آتش خط و غلا بالا گرفت میرزا محمد مهدی از اجله علماء بارد و معالی آمده بشقاغ پر دخت  
 و معاودت موکب علی را اسند نمود و امرای خراسان مشهور شدند که پیر از عو اردو همایون شهر را مستخلص کنند  
 و نادر میرزا را گرفته بعینه علی آوردند لهذا حسنخان قاجار فرزند پنی حاکم فیضا پور سردار خراسان بتوقف و شهنیر  
 ارض اندر ماموشد و موکب ظفر کوکب خاندان کشور شتا معاودت را انهای فرمود پس از رسید منزل علم بولغ  
 دامغان بصید و شکار مشغول شده بدیننوال سبحان که مقرر حکمرانی شاهزاده والا بنار محمد ولی میرزا بود نزول  
 اجلا فرمودند همدان و ان قیس میرزا پیرشاه رفان افغان بایک زنجیر پیل با سندان حضور مبارک شتافت  
 و در هفتم ماه جمادی الاولی موکب منصور بدار الحلافه بازگشت همدان بنیستال صبیحه حضرت امیر نالدار میرزا محمد خان  
 بپیکر سکی قاجار در سلاک از دواج حضرت مستطاب نایب السراطنه و بعهد دولت علیه عباس میرزا منسلک گردید و  
 شاهزادگان و امرا و اشراف از اطراف و اکناف مملکت در موقع این جشن بزرگ و سوکلازم السرد بدار الحلافه

خصوصاً سبند و ناپاکه فتنه بخت و جور گذرانیدند اما محمود میرزای افغان که با عداد ملا زمان آستان خافان کشور  
 سنان بقصد هار و کابل ناخست ایند و ولایت استخر ساخت و شاه زمان از حلیه بصر عاری نمود و فرزند میرزا برادر  
 خود ز اهرات فرستاد پس از آمدن قیصر میرزا پسر شاه زمان بدریار مکرم آثار خافان حقوق این آستان را از پادشاه  
 براه حقوق رفت افغانه نیز از وی شاکلی و بقیصر میرزا راضی شدند اعلم حضرتها بون قیصر میرزا را بخرم صرع و بر بند  
 شمشیر مکل باهی فرموده بنسخه ملک مورد خود روانه داشتند همدان بیست سال پس از جشن نوروز فرزند و رعیت سبند  
 خافان کشور آستان بهمانی حضرت مستطاب نایب السلطنه و لهعهد و ولت علیه عباس میرزا استر نف فرما شد حضرت  
 معظم بکفر از قطعه جواهر الوان و چند داس اسب استر و مبلغ وجه نقد و مقداری امته و اقمشه برسم پیشکش  
 و شکرانه قدم بخت لزم پادشاهی تقدیم خصوصاً مبارک نمودند همدان این سال بنوسط خواجه اود نام از ارا  
 و بخار بغداد نامه از ناپلیون بنا پارت کسول اول فرانسه بحضرت فاختانی موصول کرد بدخواجه باود لقب خانی پادشاهی  
 حامل جوابیان نامه کرد بده بفرانسه روان شد همدان بیست سال عبدالعزیز نامی از مشایخ بجهت که بر و طریقه و قبابی بود  
 و داعی انبیا فی سبوت در در عیبه فلعو محکم بناخت و چند بار بجزیرین شریفین زادها الله شرفاً و تعظیماً بخت شرف آمد  
 بغارت پراخت و از آنجا که سورش نیز در عهد عبدالعزیز در آخر سال گذشت بکربلائی معلی ناخن و چندین هزار از نفوس  
 زکبه و جمعی کثیر از علماء و سادات و فضلا و عرفا و محققین با در ظرف هفت ساعت شرب شهادت چشایند که از آن  
 جمله عرف کامل و عالم فاضل ملا عبدالصمد همدانی صاحب مجرب المعارف بود که چهل و چهار سال در آن ارض خلد نشان  
 مجاور و بر ناپخت اشتغال داشت خلاصه بعد از سفک دما آنقوم شقاوت انما با وطن خود باز گشتند و این مجرب  
 ملا زمان حضرت خافان کشور نشان کرد بده اسمعیل پیک بنات را نزد سلیمان پاشا والی بغداد فرستادند و امر  
 فرمودند که بطرد و دفع اینجا عنبر پادشاه سلیمان پاشا قبول کرده ولی چند نگذشت که در گذشت و این امر بر عهد ناخیر  
 ماند ولی شخصی از عم عبدالعزیز را براه عذر روانه نمود و ولادت نواب اسمعیل میرزا و فاکت ابراهیمخان منخلون بانو فرزند  
 کورچان زند امر پادشاه عقد عهد مصالحه مابین فرانسس و انگلیس را مابین در این مصالحه انگلیس آنچه را فرانسس در  
 خاک فرنگ گرفته و منصرف شده حق او میداند و جز این فرانسس را که در دریاها منصرف شده بود با و منصرف  
 و از آن طرف فرانسس چیزی سپید از آنکه مال هلاکتها بود حق انگلیس میداند معاهده مابین فرانسس و عثمانی  
 (فرانسس) بواسطه صلح عمومی تجارت و صناعت رواج دارد و طرق و شوارع و سایر لوازم و اسباب سبوت  
 مروده ساخته و آماده میشوند ناپلیون هر ناشر بینه خود را در سلسله فرات و جیب برادر خود لویی بنا پارت  
 منسلک هلیس از کد ناپلیون یعنی فانون فقهی فرانسس که ناپلیون ترتیب داده بود رواج میکرد نشان لژیون  
 دنور ایجاد میشود تمام مهاجرین فرانسس که در ایام فترت و جمهور از خاک فرانسس رفته بودند ناذن و حکم  
 معاودت میدهند اهالی فرانسس کسول اول بودن ناپلیون را در تمام ملت جهان و امضا میکنند بلکه کسول  
 اول حق تعیین جانشین خود را نیز دارد و تصریح بلری سن کلوراً بجهت منزل ناپلیون تعیین مینمایند مملکت  
 پیمانی ایتالیا جز و انفکاک ناپلیون فرانسس میشود در ایتالیا) شارل اما نول چهارم پادشاه ساردن از سلطنه  
 استعفا کرده و پیکور اما نول اول برادرش بجای او منصوب و برقرار میکرد (روس) تعیین و وارد و ولت که هر  
 دایره بدست ز بر مخصوصی است ایجاد وزارت داخله و وزارت علوم طعنا ترق در ساحل دریای آزفان بنادر  
 معتبر بخارند میشود امریکا (انائونی) ایجاد مدرسه نظامی قولین نام از تبعه انائونی در پاریس ایجاد گشته



بجاری میابد (هابی) سردار فرانس که با بیست هزار نفر وارد این جزیره شده بود نوسن رئیس این جزیره  
مغلولاً بفرانس فرستاده و نوسن در این مملکت میسرین در دوهوای نامساعد در هابنی اسباب خسارت و  
زحمت فزون فراموش شده و لکلرک وفات مییابد و مجدداً شور و زحمت در این جزیره در میگیرد

سند مسیحی  
سنه هجری

اسیبا (ایران) در این سال بیکلرک استرا با از شرارت و فساد آنکه صابن خانی بدر بار حضرت خافانی شرحی و  
شکایتی مریض داشت همداد در هفتم شهر صفر المظفر موکب منصور و اعلی حضرت خافان مملکت اسنان فتح علی شاه از دار  
الخلافت طهران بطرف سار و فراتیه حرکت کرد و در موقوفه قریش متوقف گردید و عساکر منصوره به نهب اموال و  
اسرطوایف مزبوره دست دراز کردند و ترکمانان چون کار را سخت دیدند از در استیسا و استکانت در آمدند با این  
موکب ها چون از فراتیه بجزیر کاپوش راند و مشغول نفرج شکار شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه و بعد  
دولت علی عجلس میرزا در علی بولاغ بشف حضورها چون مشرف گردیدند و بعد از بیست و دو موکب اعلی بدار  
الخلافت طهران معاودت فرمودند در این سال در عشر آخر شعبان و الله معطر خافان کشتورستان راه غزوات خبا  
گرفت و در نجف اشرف مدفون گردید همدان این سال حسنینان فاجار سردار خراسان بمعاونت نواب محمد ولیمیرزا  
صاحب اختیار سمنان و موافقت خوانین خراسان یعنی سقو خان فراتی و محمد خان هزاره و امیر قلیج خان تیمور و امیر کوه  
خان زعفرانلو و لطفعلی خان در جزیره هفت هزار سوار را با قلعه مشهد مقدس را محاصره کردند و در این محاصره  
فقدان سکوک و مال بجز این و اموال حضرت رضو سلام الله علیه پرداخت و خود را هدف سهام ملامت ساخت  
هر حال کار بر محصورین سخت شد و در شب غره رمضان شهر مشهد بصر عساکر قضا توان در آمدند و میرزا کمان  
کرد که قلعه دران با اشاره میرزا محمد مهدی مجتهد مشهد تقصیر کوناهمی و قلعه داری کرده و این نفع اسباب غلبه  
سپاه ظفر هرا کرده لهذا بر در و روضه مقدسه شرافت بر خلاف حرمت در با بنی زین شکسته چند زخم کاری  
آن سید غریز زده و بیرون آمد از شهر خارج شد و فرار کرد پس از خروج او نواب شاهزاده محمد ولی میرزا شهر بود  
نمودند و نادر میرزا در چهار فرسخی شهر طایفه از ابلات کرد بگرفتند و خدمت شاهزاده معظم آوردند و در همین  
ایام میرزا محمد مهدی مشهدی انارش زخمهای نادر میرزا بجوار رحمت الهی پیوست و نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی  
خراسان شدند و نادر میرزا و مغلولاً بدار خلافت طهران فرستادند و بمضا صر سید زکوار میرزا محمد مهدی  
مشهد مقتول گردید

نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم میفرماید در رمضان هزار و دویست و هجده شهر مشهد  
مقدس نیز مفتوح گشت و نادر میرزا پسر شاه رخ شاه گرفتار گردید و او را با جمعی از احماد نادر در داو اخوئی  
فدای الحرام این سال بطهران آورده بسیار است و سببند و خافان بلفظ کهر با فرمودند حمد خداوند که  
فضا ص با سم کرد نادر شاه فتح علی خان را کشت و فتح علی شاه نادر میرزا را اسیبا است نمود انهی  
خلاصه سپران و کسان نادر میرزا بعضی از حلیه بصو عاقل و برخی بصدمان عاجل و آجل گرفتار گشتند چند  
تن بنوخت مانندان مامور و چند نفر با نامت فارس محکوم گردیدند همدان این سال فزون روی بطرف  
برهه فراباغ آمدند و جواد خان زباد لوی فاجار حاکم کبیر مراب را بدر بار سپهر اتاها چون مریض داشت  
و سید خان دامغانی مامور تحقیق و تبیین مطلب گردیده روانه کبیر شد همدان بسیار چون حسن خان

پسر قلیچان بزدی در حکومت کرمان اشغلا له نداشت بوابرا بهمنان داماد و عمزاده اعلی حضرت خاقان  
 حکومت آسمان برقرار کردید و نواب شاهزاده حسینعلی میرزا ایالت و حکمرانی دار الخلافه یافت و حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه و لیعهد دولت علیه بحکمرانی و انتظام مهام آذربایجان تشریف فرما شدند و میرزا  
 عیسی فرغانی مشهور بمیرزا بزرگ در وزارت قیام مقام صدارت عظمی گردید و همدانین سال فستون روکش بپوشید  
 سیسیانوف منوبه فقفاز شده بودند بعد از استیلا بر قفقاز کجنگه ناخند و انبشهر را مسخر ساختند و پس از  
 شخیر سر و زقیقل عام پرداخت و جوادخان کجنگه نیز با یک پسر خود مقنول شد و اهل فرا باغ و ابروان نیز خا  
 شده با سر دار روس بطریق مدارا حرکت میکردند (سیسیانوف سر دار روس همان است که عوام انزاک او را  
 ایشیخدا بمکفته اند) اما محمدخان قوانلوی قاجار والی ابروان با عنوای جعفر قلیچان دینلی و کلبعلی خان بخجوانی  
 با سر دار روس بساخت چون اینو تابع بعضی آستان خاقان عظیم الشان رسید حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 و لیعهد دولت علیه لبا بخدود مامور فرمودند و کسانیکه بالتزام رکاب مبارک مقرر و معین گردیدند از انبفرار اند  
 میرزا شفیع صدراعظم مازندران نواب میر کیمبر اعرضنا الدوله سلیمانخان قوانلوی قاجار و مهد قلیچان قوا  
 و رضا قلیچان و مهد قلیچان دولو و ابراهیمخان دولو و پسر قلیچان شامبانی قاجار و از سر کردگان پیاده ولایت  
 اشخاص مسطور در ذیل ملثم اردو حضرت شاهزاده <sup>معهظه</sup> گردیدند

میرزا محمدخان لاریجانی اشرفخان دماوندی عبداللهخان ارجمند صادقخان نکابنی احمدخان سواد کوهی علی  
 اصغرخان بندپی آقا اسمعیل آقا مهکببالار مستاحسن سلطان کلبادی باقر سلطان انزلی با بعضی سرکردگان  
 دیگر و سی هزار نفر پیاده و سوار جرار

چون این اردو در خارج شهر دار الخلافه تشکیل یافت اعلی حضرت خاقان کشورستانا بوداع فرزند لیسند و سنا  
 سپا و سرداران کارگاه از شهر خارج شده بعد از بازید معسکر حضرت شاهزاده معظم و القای فرمایش  
 او امر مخصوصه بدو الخلافه معاودت نمود و دوشنبه بیست و هفتم ذیحجه اردو حضرت شاهزاده آزاده بطرف  
 آذربایجان روان گردید و لادت نواب احمد علی میرزا و نواب علی رضا میرزا

پوشیده بنا شد که بعد از نادر شاه افشار که نفر سیامدت شانزده سال در بلاد و ممالک ایران سلطنت  
 پنجقر از امیرزادگان نادر در خراسان تا انیسال حکمرانی این سلسله کلبه صفرض گردید فیحالی الذی لاید و  
 الاملکه امر و پیا (انگلیسی) بوجهی عهد صلح بافرانسه انگلیس باید جزیره مالک تخلیه کند ولی تعلل و تشام میگردانند  
 بنا بر این فرانسسه تقض عهد کرده عساکر خود را هلاک اند و هانور و رود میهد و مصمم منازعه با انگلیس میشوند  
 و در بندر بولنی نذار کات دبه میشود اسپانولیا و پروغالها بافرانسه در صند پانگلیس مشارکت دارند  
 شورش درارند (پروس) دولت پروس در منازعه انگلیس و فرانسسه بطرف نیست (روس) عساکر بتری  
 و بیری روس و نیز ابداست ایجاد ناروس در ممالک روس برای تعلیم و تعلم (عثمانی) طایفه و هابی بعد از  
 آنکه مکه معظمه را فتح کردند بمصر و قاهره میروند و در مصر کارهای پیش برده مراجعت میکنند و بغلبه مدینه  
 طیبه را میگیرند امریکا (انائونی) ایالت لوزیربان که متعلق بفرانسه بود بوجهی معادل دوازده کرون  
 تومان پول ایران ابتاع شده جزواتائونی میگرد (هاپتی) بقبه فستون فرانسسه از شورشبان اینجیز  
 شکست خورده فرار میکنند

۷  
 فرزاده اشند و اسمی آنها  
 از انبفرار است علیشاه که  
 خوراعاد شاه مینامند  
 میرزا زاده نادر بوا برهم  
 شاه شاه رخ شاه شاه  
 سلیمان ثانی نادر میرزا و  
 در انیسال حکمرانی

سنه ۱۲۱۹ هجری

سنه ۱۰۴۴ مسیحی

آسیا (ایران) در وفایع سال هزار و دویست و پانزده نکاشته شد که حاجی خلیل خان فرزند پنی سفارت هند و  
 مامور روانه شد ایلی مشاریبه تا سال گذشته در بندر بمبئی با کمال اغراض یافت داشت سال گذشته در میان  
 فراوان هند و ملازمان ایرانی حاجی خلیل خان نزاعی در گرفت سفیر ایران با صلاح آمد و کلوله سهوا با ورسید  
 کار او را بساخت لهذا فرما فرمای هند چهار نفر کاپی تن و دو سینه بنتر سر بازی را که منشأ این فتنه بود ندر کت چیس  
 کرد و نامه منبج بر معذرت و انوس بدربار اعلحضرت خاقان کشورستان فخر شاه نکاشته با لوز بصره و بعضی  
 اعیان انگلیس را حامل نامه و مامور بعد خواهی که ملا از این قتل غیر عمد نمود و چون در اول این سال موکب خاقانی  
 کترب فرمای چن سلطانیه کردیده بود مامورین حکومت هند و سنان در اینجیل بحضور موهبت ظهور پادشا  
 مشرق شدند و مراتب با معروض داشتند و از آنجا که معین و ثابت بود که این قتل عمداً نبوده عذر مامورین  
 پذیرفته شد و برهائی محبوسین اشارت فرمودند و محمد بنی خان خواهرزاده سفیر مقبول را بجای او مامور  
 کردند و مبالغی خوبها بجهت اسمعیل خان سپر حاجی خلیل خان داده شد و محمد بنی خان بعد از معاودت از سفارت  
 هند و سنان بوزارت نواب سنبله میرزا فرما فرمای فارس مباحی گردید در این سال محمد خان توانلوی فلجانا  
 بیکر بیگ ابروان که با غوای جعفر فلجان دینل و کلبعلینان نجوانی با سیسیانف سردار روس سازش داشت  
 از حرکت و توجه اردو حضرت مستطاب نایب السلطنه و لیت علی بطرف ابروان خبردار شده سردار  
 روس با ابروان خواند و ایلات حوالی ابروان را کوچانیده بعضی را بقلعه آورد و برخی را روانه فارس روان و  
 با نزدیک کرد حضرت معظم البیگار کرده در کنار رود زنگی واقع در نیم فرسنگی ابروان نزول فرمودند و مهد فلجان  
 دولور با شش هزار سوار بجای عثمانی فرستاده که ایلات کوچیده را باز آرد و مشارالیه ایلکنکر لو و فاجا را باز  
 آورد و سردار روس که بر وفق دعوت محمد خان با بیست هزار سوار و سی عراده توپ با ابروان میرفت در عرض راه  
 بمهد بقلینان و ایلات مزبوره برخورد و در این ثلاثه زد و خورد کرده مهد بقلینان با اردو حضرت نایب  
 السلطنه پیوسته سردار روس نزد و چهار شبته هجدهم ربیع الاول بحوالی اوچ کلپاسا سفر سنک ابروان  
 رسیده جمعی از لشکران روس عزیمت و در بشهر نمودند جز ابرچان قلعه آنها را دفع کردند روز بعد حضرت مستطاب  
 نایب السلطنه محافظت اردو سنکر را بعهد میرزا محمد شفیع صدراعظم واحد خان مقدم موکول داشته و در سنکر  
 لشکر با توپخانه روانه اوچ کلپاسا شد و روز در اینجا ناپره قتال بین سنکین اشغال داشت سردار روس مصمم  
 لشکر ابروان گردید و در اینجا محمد خان بیکر بیگ از مهادده و سازش با سردار روس دشمنان شد و بنوسط میرزا  
 مردزی (وفایع نکار) از میرزا محمد شفیع صدراعظم اطمینان حاصل نمود و حسینعلی خان سپر خود را با پیشکش فراوان  
 بار دوی خاقانی فرستاد و در این اوان سردار روس جلین بکار برده غفله با افواج و توپخانه خود بجای سار دوی  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه راند و با بنوضع خود را بمسجد جامع شهر رسانیده بمحاصره قلعه پرداخته در این ایام  
 موکب اعلحضرت خاقان مملکت سنان از چن سلطانیه استفاض فرموده و در دار السلطنه بنیر مسموع ملازمان حضرت  
 سلطنت کردید که سردار روس قلعه ابروان را محاصره نموده لهذا اسمعیل خان دامغانی بطور مقدمه الحشرونه  
 شده و اردوی هاپون نیز بکار رود و در سر آمد و از آب عبور نمود و روز نوزدهم ربیع الثانی بیکر سنک ابروان  
 مضر و جنام کرد و ناهشام معلی گردید سردار روس سنکرهای متعدد در محاصره ابروان بسته بود و خود در

شهر نشسته صبحگاه آن معسکرها بون توپها بشلیک برداختند و سینهات نشون پورش برده بسنگرها ریختند و بیکدیگر  
 او بچند جمعی مقبول و سنگرها خالی شد سردار روس بچنانه را بر سر تل بلند برده بجانب عساکر منصوبه بنای شلیک را  
 گذاشتند آنها سنگرها را زارها کرده بارد و مصله باز کشید سردار روس افواج خود را بجهت اسبگرهای داد و فستق  
 جعفر قلچان دینلی باده هزار پیاده و سوار مصمم بشنیدن بارد و همایون شده حسنیان فاجار قزوینی که انشب ضعیف تر بود  
 از د بود از قصد جعفر قلچان آگاه شده مراتب را بعرض ملازمان حضور حضرت پادشاهی رسانید لهذا مقر فرمودند  
 لشکر بان از اردو بیرون رفته در دامنه کوهی فرقی فرستادند که اگر لشکر روسی بشنود از آنجا خارج اردو و  
 دامنه کوه برایشان حمله نمایند نشون روس راه را کم کرده وقت صبح بارد و رسیدند و جای لا خالی یافتند بجانب عساکر  
 منصوبه و دامنه کوه شناختند چون قدری صعود کردند حرارت آفتاب تشنگی بر آنها غالب شد ناچار راه معاوضت  
 پیش گرفتند سپاهیان آنها را تعاقب نموده جمعی را از پای در آورند همچنین کسانی که از جانب سردار روس طلب از وقت  
 باطراف میرفتند اغلب دست سردار ایرانی گرفتار و روانه دبار گرد میکشند ناچار سیسیانف سردار روس از دوبر  
 کوچ کرده عازم نغلس شده و حسنیان فاجار سرکشیکمی باشد او را دنبال نمود و بعضی از همراهان او را مقبول ساخت  
 پس باز کشید سردار روس محمد خان ایرانی که در قلعه بود دیگر باره بحکمرانی پروان منصوب گردید هم در این اوان  
 ابو الفتح خان جوان شیرینظم فرا باغ مامور و روانه شد و الکساندر مپزنا و الی که جنتار خستوفوف در بخجان یافت  
 و در اول زمستان او کجافان کشورستان ابدار الخلافه بازگشت همدان امیر ناصر الدین نوره حاکم مرو و بعد از آن  
 خافانی بوسل جنب پوشیده بنا شد که میر معصوم معروف بشاهرا در ملقب ببلجان ولد اینالی انا لیق ابن رحمان  
 انا لیق بن حکیم انا لیق که در بخارا ابو الفتح خان چنگیزی را مقصود کرده و خود سلطنت نمود در عهد شاه شهید سعید  
 آقا محمد شاه طاب تراب بر سر امعلی خان فاجار غزال دینلو که از زمان صفویه تا آن عهد حکومت مرو با آبا و اجداد او بود  
 غالب شده او را بکشید مرو را خراب کرد شاه شهید سعید او را تهدید کردند و بخجال نماند و دفع او بود ند که غایب  
 هایلر شوشی آن مرام را عاقبت آید خلاصه بعد از فوت بجان دو پسر انا و ماندا میر جدید توره که حکمرانی بخارا داشتند  
 امیر ناصر الدین نوره که در مرو حکومت میکرد در اینسال امیر جدید توره قضا سینه صا برادر نموده لهذا امیر ناصر الدین  
 نوره بواسطه کاشتگان نواب شاهزاده محمد ولی مپزنا و الی خراسان بعینه علیه موصول گردید اعلم حضرتها بون او را  
 فرزند خود خوانده افسری مکلان برای او فرستاده و نواب شاهزاده محمد ولی مپزنا حکم شد او را تقویت اعانت  
 نمایند و فرستاده امیر ناصر الدین نوره با کمال خرسندیم و معاودت نمود همدان بپسران محمد خان غلجانی افغان ولد  
 اعظم خان که سالها پدرا نش دریم و نرماشیر کرمان بودند و بعد از حکومت نواب ظهیر الدوله ابراهیمخان عمزاده  
 خانان بکرمان از روی اضطراب بدبار مکرم آثار آمد و دیگر باره بحکومتیم و نرماشیر و آن خود برقرار کشید پس  
 استقلال بنای خود سری گذاشت نوره و زخان فاجار غزال دینلو که حاجب بزرگ و امیر بار بود بقلع و فتح وی مامور  
 و روانه آن دبار گردید و فانت مپزنا جعفر صافی اصفهانی امر و پا (انگلیس) بیست مجتهد ابصدا رت برقرار میکرد و شورش  
 نام الملای دروشمانی چراغ گاز را رواج میدهد (فرانس) کاد و ذال از معاندین ناپلیون بناچار ارات بپیشگرد  
 و مرز که هر دو از سرداران فرانسه میباشند بر صد ناپلیون متحد شده و هر دو مجبور میگرددند دولت دانگن از  
 شاهزاده ها خانواده سلطنت قدیم بچینک ناپلیون افتاده مقبول میکرد پیشگرد در حلیس خضر منشو ناپلیون طلب  
 بختاب ناپلیون اول شده و در قصر سن کلو با مپراطور فرانسه برقرار میگردد در اعلام سلطنت عتاب فیاض و

فدیم را نقش بکنند هجده نفر مارشال سپهسار تعیین میشوند که اسامی آنها از اینها است  
 (بریتیه) (موران) (منیس) (ژوردان) (ماسنا) (اژرو) (یرنادت) (سولت) (برون) (لان)  
 (مرتیه) (نی) (داووست) (بیر) (کلیطان) (لیفور) (پریپین) (سروپ) مروان خاکن فرانسه  
 اخراج شده بانا تونی هر دو پی هفتم پای از روم بیار پس آمده تاج سلطنت بسزای پلین میکند از خرج فرانسه در  
 انیسال هفتصد پلین فرانک و دخل پانصد و شصت پلین بوده است (سایر مالک فرانک) امپراطور روس  
 جدا شدن بلاد المان را که در تصرف فرانسه بود نیز مغرور بودن بعضی از مالک ایتالیا را که در تصرف این دولت  
 بود از فرانسه مطالبه نماید بعد از آنکه خطاب امپراطور بنا پلین دادند امپراطور المان که سلاطین اطرافش خود  
 با این لقب صفت میداشتند لقب امپراطور اطرافش را آنها برای خود اختیار میکند بنا پلین در بولنی مسعود حرکت  
 بطرف مملکت انگلیس است قطع مراد و دو سنی مابین فرانسه و روس اتحاد شود با انگلیس دولت انگلیس سه فرزند  
 کتخ اسپانولی که ملو از شمش نقره میباشد و از امریک برای اسپانولها میآورند ضبط میکند اعلان جنگ  
 اسپانول با انگلیس اخضا نمودن دولت عثمانی سفیر خود را از پاریس (عثمانی) شورشها را سر دستا بر عثمانی امریک  
 در هایتی که نام خود را امپراطور لقب میدهد

### سده ۱۰۵

### سده ۱۲۲

آسیا (ایران) در این سال نوروز خان فاجار غزالدینلو که بند سر محمد خان افغان ولد اعظم تیم و نیز مامور رفت بعد  
 رسیدن با متحد بدفع محمد خان مبادرت نمود محمد خان هم راه کرده بنز مامور رفت عساکر منصوره در اینجا او را  
 محاصره کردند محمد خان فاجار بجا دل برده خنده در انتای جنگ و زخم باور زدند چون بیشتر این مقاومت نتوانستند  
 بسپینا و بلوچستان گریخت و آنچه در تحت حکمرانی او بود ضمیمه کرمان شد همدا انیسال حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 ولعهد دولت علیه عباس میرزا با میرزا بزرگ فایم مقام مشوجه آرزو با چنان کرد بدید و موکبها چون خافان کشورستان  
 فتح شاه نثر بیفرمای چمن سلطانه کورید و اسمعیل خان دامغانی با جمعی سوار بر کاب شاهزاده جلال افشار پوشت  
 و نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان که برادر کهر صلی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه بود در زجان توقف  
 نمود و حضرت معظم در منزل مباحج مهد بفلینان و اسمعیل خان فاجار را با پریان مامور کردند و اسمعیل خان  
 شامپانی فاجار که خوی را نیز بهراهی و فرمان دادند در پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول از چمن سلطانه حرکت کرده  
 بچرا و جان ترول جلال فرمود ابراهیم خلیل خان جوانشیر از توجه عساکر منصوره با این حدود وحشت نموده چهر  
 فلینان ندیده خود را نزد سیسیانف سردار روس که در کج بود فرستاد و استمداد نمود سیسیانف محمد حسنخان  
 ابن ابراهیم خلیل خان را که پدر جعفر فلینان مذکور بود با جمعی از سواران فرا باغ و سیصد نفر سرباز درون محاصرت  
 پاجان آفرین فرستاد که راه عبور لشکر منصوره را مسدود نمایند از اینطرف اسمعیل خان دامغانی بدفع پنجاعت  
 مامور گشته بعد از کشتش و کوشش سواران فرا باغی و پیاده ها روسی مغلوب شده محمد حسنخان جنگل فرار  
 کرد و قبل از آنکه بر او دست یابند خود را بقلعه شوشی رسانید پس آن موکب خافانی از چمن و جان آنها  
 فرموده از دوارس عبور کردند و در منزل معروف بخت طاوس که در هشت فرسنگ شوشی است اقامت نمودند  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه بچمنخان کروی با جمعی بچراست اعلان گذاشته خود از راه چالچی بطرف  
 شوشی را ندید ابراهیم خلیل خان دوچار رعب هر اس شده بسرار روس پیغام داد که من در پناه آبا محصور و عساکر

موکب خافانی

منصوره

منصوره را مفهومی نیست سیاحت یکی از پوگوئیهای روسی را با توپ سردار و غیره بمید خاکر شوشی فرستاد  
 (پوگوئی بنگ بزیان روسی معنی سرهنگ است) پوگوئیها و همراهایش منزل عسکران آمدند حضرت مستطاب  
 نایب السلطنه نیز بدینسان شناساند و بیابان دو عسکر در عسکران جنگ در گرفت و جمعی از طرفین مجروح و مقتول  
 شدند و لشکر روس عقبه که در آن حوالی بود و فتنه قلعه بنا خشد و بتسلیم توپ پرداختند در این اثنا حسینقلی  
 خان دولو باد و الفخار خان دامغانی و چهار عماده توپ را در ویزک خانانی بامداد لشکر بان حضرت شاهزاده  
 معظم آمدند پس از شش روز جنگ عساکر ایران غلبه کردند و سر کرده روسی و زخم برداشته خود را بقلعه نژاوت  
 سه منزل کج رسا بند حضرت مستطاب نایب السلطنه اورا محاصره کردند مشارا ابره برضه نوشته شش روز مهلت  
 خواست و نیم شب بکوه چرق که سفیناق ارامنه فرا باغ است گریخته مهد بقیلجان قاجار بقلعه ابروان رفته بقلعه  
 گرفته حضرت فرمود پس از این مقدمه سیسیانف بیکفر سر کرده روسی با چند فرزند کشتی جنگی روانه کپلان نمود  
 خاقان کشورستان مبرزا بوسف ما ز ندانی را که اصلا کرمی بود بمعاونت کپلانان مامور فرمودند سر کرده روسی  
 انزل بکرفت مبرزا موسی بمخیا شکی کپلان جمعی را به پره بازار برده در کپن نشاند سردار روسی بجانب پره بازار  
 روانه شد تاگاه نیکم کپلان از جنگها تسلیم کردند و جمعی را مجروح و مقتول نمودند بقیته السیف بکشتهها  
 نشسته بجانب باد کوبه کر بچند هدایتان وان موکب خاقانی از منزل تخت طاوس انفاض فرموده باصلان دور  
 آمد و اسمعیل خان دامغانی حسب امر از رود نرس عبور کرد و حضرت مستطاب نایب السلطنه عفا بطلبه سیسیانف  
 از منزل عسکران بکجی شناختند و این بلده را منصرف شد جمعی را کویا بینه بشکور فرستادند پس از آن متوجه منزل  
 نگ شدند و در بین راه با فوجی از فسون روس نلا کرده آنها را مقهور ساختند و از منزل ن که بعضی از اهالی کج را  
 با پیر فلجان قاجار روانه نرس فرمودند و حضرت معظم با خسته و از اینجا با مروان شناختند از اخسفا تا ابروان که  
 پیچیده فرسخ است همه جا سوران قزاق بقصد دستبرد با ر دو خیر که میکردند ناد در حوالی پیشه در وقتیکه حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه مشغول نماز بود نداد در و ن جنگل نفعی بطرف ایشان خالی کردند کلوله آن نفع موزه  
 حضرت شاهزاده را خراشید و بنا بر حفظ احوال وندی کردند ی بوجود مبارکشان فرسید خلاصه بعد از ورود  
 با مروان شرح زحمت حضرت مستطاب نایب السلطنه بتوسط حاجی محمد خان فر اگور و همدانی که مردی نبرک و دانا بود  
 معروض ملازمان آستان هاپون کرد بدعا علی حضرت خاقان کشورستان از حد قپلان کوه نادر رسید در تخت فراتر  
 حضرت شاهزاده معظم نایب السلطنه فرار دادند و موکب خاقانی از اصلان دور بچین اوجان تشریف فرما گردید  
 راه دار الخلافه را پیش گرفتند بعد از مراجعت موکب معلى سیسیانف بقلعه شوشی رفت و ابراهیم خلیل خان  
 جوانشیر خاکر شوشی در قلعه را بر تو او بکشتاد سردار روسان اما زوی در شوشی گذاشته روانه کجی شدند نژاوت  
 این اوان آنکه شیخی خان بیکر بیکه نیته و در بند و حسینقلی خان خاکر باد کوبه و سرخای خان لکزی با حیات آنکه مباد  
 سر کرده روسی که در کپلان شکست خورده قصد محاصره باد کوبه کند از ملازمان آستان خاقانی استمداد نمودند  
 و عسکرخان افتخار روسی بامداد آوارفت سر کرده فر بود برای مجار بود در برابر باد کوبه لشکر انداخت حسینقلی  
 خان و عسکرخان با او جنگهای سخت کردند و چون چند فرزند کشتی روس در ساحل دریا از توپ اهالی باد کوبه  
 شکست سر کرده روس از دریا بخشک آمده در برابر قلعه باد کوبه بنای تسلیم گذاشت در اینجا شیخی فلجان  
 فتنه و نوح بپاد سردار خان لکزی بالشکر بان خود بمعاونت حسینقلی خان آمدند و سر کرده روس را منهر م

ساختند و او به پشت ساری طالب رفت و سیسیانف بجهت استمالک مصطفی خان شیروانی از کجبه با بنو له آباد از  
این طرف پیر قلچان شامبانی بامداد مصطفی خان شیروانی مامور شد و در کنار رود کر معلوم نمود که مصطفی  
خان سیسیانف فریخته و مطین نموده و او بامداد سر کرده روس طرف پشت ساری فرشته سر کرده مزبور نیز فرشت  
قلبی هم رسانده و آماده کارزار گردیده است با کجبه مصطفی خان ابلات و احتشام شیروانی که چنانچه بحال  
شاعر فرستاده خود در قلعه موسوی بکله سن کره سن نشست حضرت مستطاب نایب السلطنه حسینقلیخان  
فاجار دولوراجایت مصطفی خان و حفظ باد کوبه روان فرمودند و احمد خان مقدم بیکر بیگ نیز در این با توپخانه  
و بعضی مشروبات پیاده از عقب فرستادند و خود از تیر بز بار د بیل تشریف بردند و علی حضرت خاقان کتور  
سنان نیز جمعی را از دارالخلافه بامداد روانه آذربایجان فرمودند سیسیانف چون خود را از هر جهت محاط و  
مخصوصاً ایران دید با حسینقلیخان باد کوبه بنای مراده و مماشات گذاشت حسینقلیخان بظاهر  
اظهار سازش با او نموده و برای شوری سیسیانف را در حوالی قلعه طلبید و مشغول مکالمه شدند  
در ایحال ابراهیمخان بنی عم حسینقلیخان از پشت سر سیسیانف را هدف گلوله ساختند و عالم دیگر روانه  
ساخت و عساکر مخصوصه باره و روس ناخستد بقتیه لشکر سردار در سفاین نشسته براه پشت ساری فرشت  
از قرار معروف حاجی میرزا محمد خاکی نیشابوری از علمای بزرگ اجاری پیش از وفات از کشته شدن سیسیانف  
خبر داده بود خلاصه بعد از کشته شدن سیسیانف سر کرده دیگر روسی با فستون روس به پشت ساری فرشته  
بامید موافقت مصطفی خان طالب چپ در آن ناچه بماند بعد ما بوس شده بروسته باز کشته همدا اینسال چون  
تراکمه سرخس وطن و آخال بر حسابت بشارت و فساد و راه رفتی سپرد اخیند نواب شاهزاده محمد ولی میرزا  
بنده بر و نسیه آنجا عتبات مور و بعضی از سر کردهگان سپیان منصفون نیز بفر اهی شاهزاده معظم حکوم کرد بدند و در  
حوالی و دطرین در ماه ربیع الثانی اینسال بانرا که ثلاث دست داد سپی از آنها را بکشند و اموال زیاد بدست  
فستون ظفر نمون افتاد همدا اینسال احمد چلبی با عرضیه علی پاشا والی بغداد مخصوصه باون آمدن این آنکه قلعه  
سیلیانین در حاله ولایت شهرن در که نفر بیابکصد سال قبل سلیمان پاشا وزیر بغداد بنا کرده و اگر در آن سکنه دارند  
و چون بروفق تعیین حدود کردند قدم شده آن ولایت داخل کردستان و ضمیر ایران بوده و کاهی دولت عثمانی آن را  
تصرف نموده و اینمغیر اسباب حدوث خلاف فیما بین و لیس میکردید و با کجبه این اوقات عبدالرحمن پاشا ساکن  
سیلیانین که بعد از مخالفت و مضارعه با علی پاشا والی بغداد بستند آمده و پناه یافتند علی پاشا احمد چلبی را با  
عرضه بدیدار معترف نموده و امشردار عبدالرحمن پاشا را اسند عانمود بنا بر این میرزا محمد صادق و قایم نگار  
مرهزی با جواب علی پاشا مامور بغداد کردید و مقرر فرمودند که عبدالرحمن پاشا را بحکومت شهرن و در بر قرار دادند  
همداین سال حضرت مستطاب نایب السلطنه مهد قلچان دولو بیکر بیگ ابروان را بدفع جعفر خان دینلی مامور  
فرمودند و کلبعلیخان نجوای را بنده میرا بر ایم پاشا حاکم با نیز بد روانه کردند و حسینقلیخان افشار و بحمیل  
فاجار بناخت و ناراج میانه کجبه و نفلیس رفتند و همگی با نیل مرام مراجعت کردند همدا اینسال میرزا رضاقلیخان  
منشی الممالک و ناظم امور در ب ساری سلطنه گردیده و اختیار مقرر آثار و مقابله نظام مهمام خزانگاه  
را بکف کفایت او و گذار فرمودند و فاش نواب امیر کبیر سلیمانخان اعضا داد دولت فاجار امر و پیا (انگلیس)  
استلما زغال سنگ در این مملکت رواج دارد (روس) دولت روس از دولت عثمانی آزادی کشی رانی

در رودخانه فازر که در حوالی نپه مصیبت آرد میطلبید (سا پر مالک فرانک) ناپلئون علاوه بر امپراطوری  
 فرانسه لقب پادشاهی ایتالیا را ضمیمه القاب خود مینماید و در میلان ناج آهن سلاطین ایتالیا را بجز میکند  
 و در بپ خود اژن را ناپلسلطنه ایتالیا میخوانند مراجعت ناپلئون به بولنی و در اینجا با صگ و دوهزار پیاده  
 و پانزده هزار سوار و دوهزار کشته مصمم ورود بجاک انگلیس است و متصل میگوید اگر دوازده ساعت آب دریا  
 با من موافقت کند جزیره انگلیس را معدوم مینمایم اطرش با انگلیس در صدد تفتن فرانسه مشارکت دارد و با بنواسطه  
 ناپلئون از بند بولنی مراجعت میکند که بمنزعه با اطرش پیر دازد و لک موس قشون خود را با عساکر اطرش  
 همراه و متفق مینماید ناپلئون لشکری را که در بولنی برای جنگ با انگلیس حاضر کرده بود بجهت مقابله با عساکر متحد  
 اطرش در روس با حلا درن میآورد فتوحات قشون فرانسه در حاک المان شکست سفاین فرانسه در نزال گاریند  
 نلسن امیر البحر انگلیس که مقبول میشود ولی فتح میکند ناپلئون بعد از فتح مشهور او که سمبند نه پای تحت اطرش  
 میکند و با عساکر متحد روس اطرش را ستر لیتز جنگ کرده آنها شکست میدهد اطرش با فرانسه عهد صلح  
 موسوع بعد پربسوزگ را می بندد ولات با و پرو و ژر تمبر که ملاحظه خصوصیت ناپلئون ملقب پادشاه با و پرو  
 پادشاه و رتبر که میشوند پادشاه ناپل فریدیناند چهارم بحکم ناپلئون از سلطنت خلع میشود تقویم جمهوری  
 طلبان فرانسه محذوف و تقویم قلم برقرار و روز اول ژانویه روز اول سال مبرک کرد

شماره ۱ صبحی

شماره ۲ صبحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتح علی شاه زمام مهام و امور معظمه دولتی مملکت  
 ایران بکف کفایت چهار نفر و زپردادند یکی میرزا محمد شفیع که بمنصب صدراعظمی نایل بود دیگری حاجی محمد  
 حسنین بیکر یکا اصفها که از اسبجای مان بود ملقب با امین الدوله شد و منصب استغای ممالک بحر و سر بر عهد  
 او مقوض کرد و میرزا رضا فرغانوی مخلص سلطانی منته الممالک بوزارت رسایل بر فرار کشت و میرزا هدایت  
 نقرش و وزارت لشکر یافت همدانینا عبدالعزیز خان ولد حاجی محمد حسنین امین الدوله بحکومت اصفها منصوب  
 کردید و حسنینان فاجار فرزند بی که سرداری خراسان و حکومت نیشابور داشت بدر بار معلى اخضا شد بر نیه  
 سرداری سپه سالاری فایز آمد و محمد خان فاجار د ولوها که سابق کراز و ملا بر سرداری خراسان و بنایب آنا ما  
 مباحی کشته خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت و موکبها پون خاقانی از دار الخلافه طهران انهاض  
 فرموده روز جمعته بیست و نهم ماه ربیع الاول بچین سلطانه نزل اجلا فرمودند همدانیناال سفیری از جانب ناپلئون  
 امپراطور فرانسه مامور دربار دولت علیه گردیده پاشای حاکم با نیر بد و حاکم وان بجهت اتحاد دولتین عثمانی و روس  
 بر صند فرانسه سفیر فر بود که فرزند مجلس کردند و اموالش را ضبط و د نفر از ملازمانش را مقبول نمودند حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه و تبعهد دولت علیه عباس میرزا از واقعه خبردار گردیده مامور بطلب سفیر فر شد اند  
 سفیر مستخلص شده باید برای احترام ستایان در چین سلطانه بمحضو همایون تشریف جست و غرض ناپلئون از  
 فرستادن این سفیر و چیز بود یکی اتحاد و عهد مودت باد دولت ایران و دیگر بقصد بقوغدن با امپراطوری و  
 خلاصه جواب نامه امپراطوری را میرزا رضا فرغانوی منته دیوان اعلی حامل و سفارت مامور فرانسه شد همدان  
 سال ابراهیم خلیل خان که بعد از کشته شدن سیسپانف از خود سری و سازش با سردار روس پشیمان شد بود  
 عرضیه حضرت مستطاب نایب السلطنه عرض کرده معذرت خواست برای دفع ماژر روسی که در شوشه

موسوع بر صبحی



افان داشتند نمود لهذا حسین خان سردار و اسمعیل خان دامغانی و امان الله افشارها که خسته بالشکری بنام  
او مامور شدند و قبل از مشارالیه فرج الله خان شامیسون و ابوالفتح خان جوانشیر سیر ابراهیم خلیل خان غریب  
صفحات نموده بودند جعفر قلجان بن محمد حسینیان که با عم خود عداوتی داشت و وجود او را اسبک اخلاص کار خود  
می پنداشت بشی ماژر روسی را با سیصد نفر سرباز روس از قلعه شوشی بر سر حد خود ابراهیم خلیل خان که در خارج  
قلعه بود برد و آنها بخرن سیر ابراهیم خلیل خان ریختند و او را با سی و یک نفر از اهل و عیال و نسوان او بکشید و باز ناپه  
فند در فراغ میل با اشتعال نمود خلاصه بعد از قتل ابراهیم خلیل خان ماژر روسی ضبط و امن کردن فراغ را  
به دقلجان و ولدا ابراهیم خلیل خان محول کرده خود مشغول خراسان قلعه شوشی شد حضرت مستطاب نایب  
السلطنه چون از اخلاص کار فراغ خبر داشتند از تبریز حرکت فرمودند و در قتل آق اغلان معروف در ملازمان  
حضرت معظم داشتند که یکی از سردارهای روس از قتلش حرکت کرده و با سپاه کبیر بطرف فراغ رانده و در قتل  
عسکران مانده و مهتای جنگ است نیز در عرض راه عریضه سلیم خان شکر رسید که از سازش با سپاه روس مغفرت  
خواسته و اسند عا اسند او قبول خدمت و لث علیه را نمود حضرت مستطاب نایب السلطنه فرج الله خان  
شاهیسور را مامور بامداد سلیمان شکر نمودند و چون اکثری از ایالات قرا باغ این اوقات اسند عا نموده بودند  
که از این ناحیه کوچیده در فراجه داغ متوقف شوند عطاء الله خان شاهیسون با انجام انجمنت و حضرت معظم  
نایب السلطنه از آق اغلان بمنزل خانشین شریف فرما شدند را بنجامد و لشکر با هم ملازم کرده چند روز جنگ  
و کارزار سخت در کار بود آخر الامر از گرمی هوا و فقدان آب عساکر روس در مانده دست از جنگ کشیدند و بمنازل  
خود شافتند و از آنجا که در اردو حضرت نایب السلطنه نیز آذوقه وجود داشت از پل عبور کرده بمشقه حسن <sup>تزل</sup> رسیدند  
نمودند و در این وقت حسن خان و حسین خان قاجار فرزند پنی اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار که از دربار  
هماهون بخدمت حضرت نایب السلطنه مامور بودند بر کاب حضرت معظم پیوستند و چون مصطفی خان شیرازی بار و  
ساخته بود اسمعیل خان سردار و امان الله خان افشار بنده پرور و راننده آند در راه کبیده و تمام ایالات را  
کوچانند بقرجه داغ و موغان آوردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بتبریز معاودت فرمودند همد را بنیال چون  
علی پاشا و الی بغداد نصب عبدالرحمن پادشاه <sup>ولایت</sup> در شهر و راز میرزا صادق و فایع نکار فرستاده اعلی حضرت خانان  
کشور شتاینده فامنا ی حضرت کردند بسطت علیه عبدالرحمن پاشا را بدار الخلافه احضار کرده خلعت و نشو  
ایالت شهرزور را با و محنت فرمودند و با امان الله خان و الی کردستان حکم شد عبدالرحمن پاشا را تقوی نماید لهذا  
خالد پاشا که در شهرزور بود بغداد کرخت عبدالرحمن پاشا در شهرزور استقلال یافت علی پاشا بدون  
اسمندان از دولت عثمانی بچال جنگ با عساکر ایران افتاد و از این طرف نواب شاهزاده محمد علی میرزا مامور حدود  
و ایالات مجاور خاک عثمانی شده از حدود بصره الی خرم آباد و از کرمانشهان تا خاک بغداد بکمران نواب شاهزاده  
معظم مقرر گشت و از امرای دیاری ابراهیم خان دلو و فی جاو و محمد علی خان شامیانی و جمعی دیگر ملزم رکاب  
نواب شاهزاده شدند و در دهم جادی الاولی از چمن سلطانیه حرکت کردند علی پاشا با سی هزار سوار و پیاده بمنزل  
زهاب آمد و سلیمان پاشای کباب همیشه زاده خود را بدفع عبدالرحمن پاشا فرستاد عبدالرحمن پاشا نایب مشاورت  
نیاندرده بگردستان رفت و این معضه بر جبارت علی پاشا اثر و دو از زهاب اعلی حضرت هماهون نوروز خان قاجار  
امیر بار و بناخت بغداد فرمان دادند عساکر منصوبه روانه شده بمنزل کوند رسیدند علی پاشا بکار و سیروان

ابوالفتح خان

بزرگ خطی نموده

رفت نو در خان و محمد علیخان باد و هر ار سوار از زهاب نامند لاجرا ناخستند قیام پاشا بمقتله لشکر ایران آمده شکست  
 خورد و بعد پاشا بموست فرج الله خان افشار نسیجی با شی و محمد و لیخان افشار فاسلمو و صفی یار خان کرد بچه از دار  
 الخلافه مامون نصیحت عبدالرحمن پاشا در شهرزور شدند سلیمان پاشا و خالد پاشا از جانب علی پاشا بکنار دریاچه مروان  
 آمده بمقابلت و مقاتلت پرداخت و بعد از جنگ سخت و کشته شدن سه هزار نفر از عساکر عثمانی منضم کرد بدند و علی  
 پاشا بغداد کرد بخت و شیخ جعفر نجفی را که از اجله علما بود واسطه و شفیع فرار داد و اسرای لشکر علی پاشا بتوسط شیخ  
 اجله مستخلص شدند مگر سلیمان پاشای که او را مغلولاً بدر بار خافانی آوردند پس از آن او نیز بتوسط جناب  
 شیخ جعفر معفو و مرخص شد و موکبها بپون اعظم حضرت خافان کشورستان از سلطانیته بدار الخلافه طهران معاودت  
 فرمود همدان سال و سینه اهل بادکوبه را بر حسینقلیخان بادکوبه بشورآیندند و او با اهل و عیال بتبریز آمد  
 و شیخعلیخان قبه در عالم سنه بابکی از سر کرده های دوس بنای دوشمنی بنا نهاد و او را بقلعه در بند راه داد آخر الامر  
 سو سلوک اجماعاً و امانتاً می ساختند بحال داغستان رفت و سردار روس بشکی باند و سلیمان بنا بر مخالفت اهالی  
 شکی بتبریز آمد و مصطفی خان شروانی دانشمند شروان بر و سینه تسلیم نمود که علیخان سالیانی را که با او عداوت  
 داشت از میان بردارند و بدینوتره سالیان هم بتصرف عساکر روس درآمد و مصطفی خان شروانی از این خیانتها  
 ندید به فغانی رفت همدان او ان حسنیخان فاجاز فرزند پسر داری مروان مامور گردید و ولادت نواب که بنیاد  
 مرزا و بهرام مرزا امروزی (انگلیس) فوت یافت در سن چهل و هفت سالگی صدراعظم گرانویل (فرانس) اینسال  
 بفرین سنواث سلطنت ناپلیون استغرا وجهت دختر پادشاه با ویراپرینس ازین ریاست ناپلیون بعد از مراجعت ناپلیون  
 با فتح و تصرف بیار پس لقب اعظم بر القاب افزوده میشود از بلاد مفتوحه کسر عمر خزانه فرانس را بجایا میشود ایجاد  
 بانک در فرانسه در میدان و آندم در پارپس مناری از توپها بیکه از دشمن گرفته شده و ذوب نموده اندک میکنند  
 جمعیت فرانسه امسال بچاه و هشت کرد و رسد و هفت هزار نفر و کسری میباشد (سایر ممالک فرنگ) تصرف مملکت  
 ناپل بدست تو ز فیراد زبیریک ناپلیون سلاطین و ولایت و دکهای المان و ایطالیان در عداد ملتر همین رکاب ناپلیون  
 اسامی خود را ثبت میکنند تو ز فیراد بنا پارث برادر ناپلیون پیا د شاهی ناپل برقرار میگردد لونی بنا پارث برادر  
 دیگر ناپلیون پادشاه مملاند میشود امپراطوری المان بعد از هزار و ششصد سال استقامت و بقا بدست ناپلیون  
 نابود میگردد منازعه فرانسه با پروس شکست خوردن پروس فتح معروف بنا بدست ناپلیون ورود ناپلیون بپاریس  
 و تصرف نمودن او این شهر را ورود عساکر فرانسه بلمستنا مؤذات سردار فرانسه در شهر امیکرد و آل ساکن  
 که با فرانسه متحد بود بحکم ناپلیون پیا د شاهی ساکن برقرار میشود ناپلیون بوردن مغایرت مابین روس  
 و عثمانی در باب ایالت افلاق بغداد را سی و بوخارستان افشون روس از عثمانی منزع میکنند شوشان سنان  
 بلگراد را از تصرف عثمانی خارج مینمایند فریاد محمد علی پاشا در مصرافنداری حاصل مینماید پو نشیده نباشد  
 که اصل محمد علی پاشا از روملخاک عثمانی بوده امانه از نژاد اعظم بلکه از اهالی سوق و کسبه در طفولیت کسب علی  
 نموده در سن رشد داخل در دزدان در بانی شده بعد پش کبطا بفره راه زنی گردیده آخر الامر بسبب عزم و  
 جرات و جلالتی که داشت بولایت مصر رسید

۱۸۰۷ مسیحی

۱۲۲۲ هجری

آسیا ایران) در اینسال بنا بر اینکه جنگ باروس با تهاز سید بر حسب امر اعلی عساکر منصوبه از اطراف وجواب

حرکت کرده راه دار الخلافه را پیش گرفتند و موکب اعلی حضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه عزیمت سلطانیه  
فرمود و در اوایل این سال نواب علینقی میرزا بیکم این فزویین منصوب شد همدان سال چون دولت روس خیال  
جنگ با عثمانی داشت غراف کداویج سردار روس که مامور ففقا بود استیافت نامی را با نام که امیر طور روس میرزا  
محمد شفیع صدر اعظم نوشته بود تدبیر بارد دولت علیه فرستاده طلبه مصالح نمود امنای دولت ایران مصالح را  
منوط با سر داد بلاد جزو ایران و آذربایجان که عساکر روس منصرف شده بودند و فرستاده <sup>نمودند</sup> و آخر مندمعاودت  
دادند و حسنجان قول را قاسی بهادر حسنجان فزونی را که <sup>فاجار</sup> سردار آذربایجان و ایران بود مامور همان صفحان کردند که  
بمعاضدت برادر خود پیرد اخنه و اشرفخان دماوند و جمعی را بخارستان حصصا ایران حکومت ساختند همدان سال  
چون یوسف پاشا صدر اعظم دولت عثمانی فیضی نمود افندی نامی را بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه و بعد  
عباس میرزا فرستاده مودت و اتحاد دولت عثمانی را با دولت علیه اظهار داشته و ضمنا استخلاص سلیمان پاشا  
کیهان را خواهش نموده حضرت مستطاب معظم نیز فتحعلی خان رشید ولد هدا پاشا الله خان را نزد یوسف پاشا فرستاده  
موافقت دولت علیه را با دولت عثمانی ابلاغ کردند همدان سال پنجاهمین نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و فرزند الدین  
میرزای افغان والی هرات جنگ در گرفت تبیین آنکه در زمانیکه حسنجان فاجار قزوینی در خراسان بود و ولایت غورستان  
که در هشتاد و سه هزار است منصرف گردید و ولایت غر بوره با محقق خان قرایی سپرده شد اسحق خان حکومت غورستان  
را یوسف خان برادر زاده خود واکدار کرد و خود در ملازمت کاب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بسر میبرد یوسف خان  
خان بنا بر هوا عهد فرزندین میرزا منافع او را اختیار کرد و فرزند الدین میرزا حقوق اعلی حضرت خاقان کشورستان  
را فراموش کرده صنوا اسلام نامی از صوفیه بخارا را که در کرخ من توابع هرات جمعی میبرد و در وجود جمع کرده بود با  
پنج هزار سوار برده اش به طرف شکبان که شش فرسخی هرات است حرکت کرد از این طرف نیز با برهان چون نواب  
شاهزاده محمد ولی میرزا و محمد خان نایب خراسان و خوانین و عساکر این ایالت بشاه ده بیکفرسخی شکبان آمدند و در  
بلند و نیم ربع اولاد در صحرای شکبان فریب پس ندادند صوفی اسلام که در همدان و بیابانها و با خشم تمام  
حرکت میکرد در همدان مشغول شد و فستون فرزند الدین میرزا شکست خورده بسپاس از خوانین و آحاد و افراد  
لشکران براه عذر رفتن از سرکردگان و سه هزار از سپاهیان اسیر شده بقیه السیف هرات گریختند  
و اموال آنها بصرف عساکر منصوبه درآمد و فرزند الدین میرزا خراج دو ساله داد و مالیات معنوی را منقل  
گردید و یوسف خان قرایی را دست بسته بار داد و والی خراسان فرستاد و خراج مزبور را بعضی هدایا و پیشکشها  
در عین سلطانیه بار داد و خاقانی موصو کردید و موکب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بارض افندس معاودت نمود هم  
در این سال میرزا محمد رضا فزونی که با بلخی گری بفرانسه رفته بود در نیمه محضو ناپلئون اول امیر طور فرانسسید  
مورد القات زیاد گردیده و ناپلئون ژنرال غاربان را که سردار دوازده هزار قشون فرانسه بود با هفتاد نفر معلم  
و مهندس نظامی را با صنایع بدبار دولت علیه مامور نموده فتحعلی خان نوری قوردمبار با شی حضرت مستطاب نایب  
السلطنه بمماندای آقارفت و ژنرال مشارالیه و همراهان او با میرزا محمد رضا فزونی بدار الخلافه آمدند و در خانه  
میرزا محمد شفیع صدر اعظم منزل برای آنها معین شد و ژنرال غاربان بحضور اعلی حضرت خاقان مشرف شده نامه  
مودت علامه ناپلئون را با هدایا تقدیم نمود و بعواطف خاقانی اختصاص یافت بلیغی خان مباحی گردید و عهد مودت  
ما بین دولت ایران و دولت فرانسه منعقد گردید و عسکر خان افشار ارومی بسفارت فرانس رفت و حکم ایران

والی خراسان

شرف صد و بافت که حضرت مستطاب نایب السلطنه نبشکلی سپانظام پرنانند و افواج پیاده اسنر اباد و مازند  
 و عراق وضع نظامی هم سائیده مشغول مشغول شدند حتی شاهزادگان بتعلیم معلین فرانسه بمشغول کردن پرداختند و چیزی  
 نگذاشتند که پنجاه هزار نفر از عساکر آذربایجان و مازندران و عراق و سمنان و دامغان داخل در نظام گردیدند  
 اینسال نو ابامام و پردی میرزا ملقب بالنجانی شده و بمنصب سرکشی با شش و ریش سفید سپانظر همراه نابل آمد  
 همدان اینسال چون علما و نیکوکاران از سلطان سلیمان سیم سلطان عثمانی راضی نبودند و او داخل کرده ابن عم او  
 سلطان مصطفی خان بن سلطان عبدالحمید خان را بجای سلطنت عثمانی جلوس دادند اعلحضرت خاقان آقا ابراهیم  
 شیخ الاسلام منوی لکه مردی انا و خیر بود بهینت جلوس سلطان مصطفی خان مامور در بار دولت عثمانی  
 فرمودند همدان اینسال میرزا محمد علی و میرزا اسمعیل از جانب پرهاک مسدوم و میر غلامعلی و میر کریمعلی از ولایت  
 حیدرآباد هند با هدایا و تحف بدر بار خاقان عظیم الاختار آمدند و فتحعلی خان خواجه ند با خلعت خضر و اندر  
 ولایات مامور شد همدان اینسال غراف کدا و بیچ سردار روس که در نفلپسین بود فرستاده با عرضیه بدر اخلاف فرستاد  
 و نامه بر نزال غار دان سفیر فرانسه که در دربار معلی بود نوشته او را واسطه صلح بین دولین ایران و روس قرار داد  
 و لما بیکار صورت پذیرفت و بعضی این واقعه را از وقایع سال بعد دانسته اند تولد شاپور میرزا و ملک فاسم میرزا و متو  
 میرزا و ابرج میرزا و یکاوس میرزا فرزندان اعلحضرت خاقان کسورستان و از سعادت نهایی بزرگ آخرین سال آنکه  
 روز ششم ماه ذیقعد حضرت مستطاب نایب السلطنه و تبعید را از بطن صبیحه مخمره امیر کبیر میرزا محمد خان  
 بکلی بیکی قاجار د و لوفزند ای رحیمند متولد شد و باذن اعلحضرت خاقان کینه ستان آن مولود مسعود موسو محمد  
 میرزا گردید و این شاهزاده است که بعد از خاقان معظم بسیر بر سلطنت ایران جلوس مینماید و با قتل همیشه  
 ناپلیون در سیلری فتح بر سلو و دانر یک جنگ ناپلیون با قسطن روس در ایلو و شکست فاحش روسها و در این  
 جنگ عساکر ناپلیون پنجاه و چهار هزار نفر و لشکر روس هفتاد و دو هزار نفر بودند و این جنگ یکی از جنگهای  
 خونین دنیا بوده است جنگ دیگر ناپلیون با سپار روس در فریشت لاند ساحل رود نهر من معسکر ناپلیون همیشه  
 در تیسلیست پایاد شاه پروس و امپراطور روس میکند ملاقات امپراطور روس با امپراطور فرانسه در میان یک  
 قنق در وسط رودخانه نهر من و انعقاد معاهده موسو و تیسلیست میشود در این معاهده شهر دانر یک شهر آزاد  
 و بیطرف میکردد ایالات متعدده از پروس منزع گردیده و سلطنت و ستغالی از این ایالات تشکیل یافته به  
 زرم بنای ارات برادر ناپلیون تقویض میشود لهستان از تصرف روس خارج شده با ایالت و ارشوی موسوم  
 پیاد شاه ساکس مهوتمن میگردد آنچه را که ناپلیون در بلاد فنیک تصرف کرده است اگسند اول امپراطور  
 روس در معاهده تصدیق میکند از تصرف روس واسطه صلح مابین فرانسه و انگلیس میگردد و فرانسه  
 واسطه مصالحه روس و عثمانی میشود مملکت هانور جزو سلطنت جدید و ستغالی میگردد معاهده مخفی  
 مابین عثمانی و انگلیس بر ضد ناپلیون نفاذ و کدورت با طرز اهالی فرانسه با ناپلیون دانمارک با ناپلیون بر ضد  
 انگلیس مشارکت دارد سفاین جنگ فرانسه بسیار با وقتب منازع سخت انگلیس با دانمارک و رود سفاین  
 جنگ بدر پای سوند عساکر انگلیس سرور و زو سبب شهر کپنهاگ را کلوله باران میکنند بشته از دول  
 فنیک از انجیل انگلیس ناراضی مینباشند و با ناپلیون در صدمت با انگلیس مشارکت دارند و لک روس  
 بجز ناپلیون قتلند را از سو د منزع میسازد و وعده ایالات دانوی عثمانی را ناپلیون بر روس میدهد

و پوسفان کرجی منصب  
 سپه داری یافت و حکومت  
 عراق منصوب شد

ژنرال ژونو با بیست سه هزار قشون مملکت پرتوغال را برای ناپلیون فتح میکند خانواده براگانزا که  
 سالها در پرتوغال سلطنت داشتند فراراً بر زبل که در سبکی دنیای جنوب و متعلق بانها بود میرود اعلان  
 جنگ انگلیس و روس حکم ناپلیون بخارت انگلیس در ممالک و سبعتی که مستقیماً تصرف و میباشند با متحدین و  
 دوستان ناپلیون مقرر میگرداند ممنوع میکند (انگلیس) کانتینگت بصدارت منصوب میشود (اسپانول) پادشاه  
 این مملکت ابله و ملکه زاینده صدد اعظم ناقابل و خابن در رفتن بلوآیند لنت با نیوضع با ناپلیون عهد مخفی میکند  
 که مملکت پرتوغال را با فرانسه تقسیم کنند پادشاه ابله و بعهد خود را مجوس میسازد و ششوناد سلطنت از این  
 خانواده سلب میکند (فرانس) ایجاد قانون بخارت برقرار شدن القاب که در هنگام جهو و حذف شده بود  
 ناپلیون مشوق علما و ارباب صنایع است شرفیات در بار قدم سلطنت فرانسه محباً معمول میکند سفر ناپلیون  
 با اطالیا و دادن به اژن ریبب خود لغت شاهزادگی و نیز با (عثمانی و انگلیز و روس) و سر و انگلیس بر ضد  
 عثمانی متحد میکند ندساردوی و سر از دینی استر عبور کرده بخاک عثمانی ورود می نمایند امیر انگلیس دوک ورت  
 با سفاین جنگی به دار اند میاید در بار عثمانی منززل است ایلی میفرانسه سلطان سلیمان سیم را محارست میباید  
 قشون انگلیس در مصر اسکندریه را میگیرد یا غیان سر بر باروس متحد میشوند سلطان سلیمان سیم را اعلام میکند  
 که از اراضی نبود دخلع و حبس میکنند و این عم او سلطان مصطفی خان را بجای او نصب میکنند مصر را  
 قشون انگلیس از اسکندریه میبرد و انند امریکار و اج سفاین بخاری لزوم و در قوا ایدان

۱۸۰۱ مسیحی

۲۲ هجری

اسپانیا (ایران) در اوایل اسپانیا نیز موکب اعلم حضرت خاقان مملکت سنان فتح شاه تشریف فرمای عین  
 سلطانیه کردید و عساکر منصوب نیز از هر طرف متوجه آن با تهنه کردید و همد را نیسال امیر ناصر الدین  
 توره ابن امیر معصوم یکجان با یک هزار خانوار مروی با رض اقدس آمدند پس آنکه امیر چدر توره بر او امیر ناصر الدین  
 توره حکمران بخارا ابن او ان بجهت اظهار توسلی که امیر ناصر الدین توره حکمران مرغ بملازمان حضرت خاقان کشور سنان  
 کرده بود از او منوهم شده لشکر بر و کشید و بند مرو را خراب نمود و ز بسین در مرو صعب شد امیر ناصر الدین  
 مرابط بنو اب شاهزاده محمد ولی میر حکمران خراسان عرضه داشت و نواب عظم با سنان هابون و حکم شد محمد خان نایب  
 خراسان برود و امیر ناصر الدین توره را با محمد شریفخان مروزی فاجار برادر زاده حاجی محمد حسینیان غزالدینلو  
 با هزار سوار با رض اقدس آورد و امیر ناصر الدین توره بعد از آنکه در خراسان سکنه گرفت با نواب شاهزاده محمد لیمیزا  
 وصلت کرد و بعد از مدتی بسپاه عثمانی و روس رفت در ممالک روس در گذشت همد را نیسال پیمان سلیمان پاشا  
 والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور و خلاف در گرفت و عبدالرحمن پاشا مغلوب بکرها نشهان آمده با ولیایی و  
 علیه منو تسل کرد بدین فرج الله خان افشار بنصب عبدالرحمن پاشا و تهدید سلیمان پاشا ما مور شده اینخدا  
 با انجام رسانید باز گشت همد را نیسال نوشخت پیمان غراف کدا و چ و ژنرال غاردان سفیر فرانسه ارسال  
 مرسول شده کدا و چ متعهد شد که امسال عساکر روس با اسپانیا ایران بنا بر هتا رکه باشد بلکه صلح با انجام رسد و  
 ژنرال غاردان اظهار داشت که چون ناپلیون با امپراطور روس در کار انقضاء عهد میباشند من در عرضت خود  
 بنا بلیون نوشتم که فرار نخله و لایب کرجستان و فرا باغ واران را نیز یاد و لند و رس بدهند همد را نیسال سپردن  
 ملک که سابقاً از جانب حکومت هندوستان انگلیس بدر بار هابون بسفارت آمده بود محمد بابا ایلی کی از جانب

حکومت مشا را باها به بند بوشهر آمد و چون ز نزال غارتان خان بامدن سفیر انگلیس بدبارها بون مایل نبود و تها  
 نهدات کرده اسمعیل خان پیشخدمت خاصه بشیر از رفت و بوضع خوش بر سپردن ملک پیغام فرستاد که نازمان  
 ظهور نهدات فرشته بنار ایستوف در آنجائی که هست گذارد مفارن اینحال حکمی از فرمانفرمای هندستان  
 به سپردن ملک رسید که سپهر هر فرد و زن از جانب پادشاه انگلستان ما مورد سفارتنا بران و وارد بمشک  
 بنا بر این مراجعت تو اولی است لهذا سپردن ملک بکلکتر مراجعت کرد هدر اینسال حضرت مستطاب نایب  
 السلطنه بکنار رود دار سر آمده بعضی از سرداران سپه دارا ما مورد دفع عساکر روس فرمودند و در شب نهم  
 شوال اینسال لشکر روس بقلعه ابروان پورش بردند مستحفظین قلعه یعنی حسنخان برادر حسنخان سردار  
 و کلیه خان سپه نلور و جار و اشرفخان در مارند و میرزا علیق خان قندسکه بمذافعه مردا خند و جنگ  
 سخت در گرفت و بسیاری از ضامنین و عساکر روس مجروح و مقتول شدند ناچار گدا و بیج باقیه السیف  
 صرف نظر از پورش و حمله نموده بطرف سنگرهای خود راندند و در بیست و دوم شوال راه کرچستان پیش  
 گرفتند در این وان علیخان فوانلو و امان الله خان افشار باد و دست از سپاه روس صفائیه نموده بر آنها  
 غلبه کردند و شیخ علیخان قبه بنزد حوالی در بند باد سنگر جات نشون گرفتند در آنجا بودند و خورد کرده بر آنها  
 غالب آمد و علیخان فاجار بعلت زخمی که در پا داشت در گذشت و این اخبار در زردند و ساوه بجمع مبارک علیخان  
 خافان رسید و موکیها بون بعد از شکار در زردند و ساوه بلاد الخلافت طهران مراجعت کرده هدر این وان  
 سپهر هر فرد و زن سفیر انگلیس وارد بند بوشهر شده محمدخان حاجلر اسرا بادی یوز با شتی بهماننداری او بشیر  
 رفت با سفیر مشا را الیه باصفهان آمد و چون اثری از نهدات ز نزال غارتان خان ایلی فرغ نشده بظهور رسید  
 بیذن امنای دولت و حکم ناپلیون از راه تبریز و نقلیس پیار پس شافت و سفیر دولت انگلیس از اصفهان  
 عزیمت در الخلافت نموده روز بیست و هشتم ماه ذیحجه این سال وارد طهران شد و در خانه حاج میرزا حسنخان  
 امین الدوله منزل برای او معین کردند تولد نوابشاه قلی میرزا و محمد مهد میرزا و وفات میرزا محمد رضی بقریری  
 صاحب بنه التواریخ امر و یا شارل چهارم پادشاه اسپانیول بنا بر بخر بیکان باطله ناپلیون مصمم فرار به  
 امر پاپ است مورات سردار فرانسه با عساکر ز پا و وارد اسپانیول میشود در فرار پادشاه اسپانیول مردم  
 باو میثورند لهذا پادشاه از سلطنت استعفا کرده پیشش فریدیناند هفتم بجای او تخت سلطنت جلوسین  
 مورات سردار پادشاه نازمانیشنا سد و وارد پایتخت اسپانیول میشود ناپلیون پدرو و پسر او در شهر این  
 احضار مینماید که بین الطرفین ثالث و حکم کرد و فیما بین را اصلاح نماید ولی بجای اصلاح نفین نموده  
 و در وقت برادر خود را سلطنت اسپانیول معین تمامور میکند اها الی اسپانیول از این رفتار ناپلیون متعجب  
 شده با فرانسها بنای ضدیت را میکند و پنهان و آشکارا از عساکر فرانسس بکشتن انگلیس با اسپانیول  
 در ضدیت با فرانسس شریک میشود چون در هفتم یا پاپلیول را لعنت کرده بود عساکر فرانسس شهر رم را تصرف  
 به مورات سردار فرانسس تاج سلطنت ناپل داده میشود و لیکه سردار انگلیس سردار فرانسس را در لیزین پایتخت  
 پرتغال شکست میدهد ملاقات مجدد ناپلیون با امپراطور روس که معاهده مخفی با یکدیگر بسته که فرنگ با اسوتیه  
 تقسیم کنند کرک ناپلیون بطرف اسپانیول فشان فرستادن امپراطور روس نیست بود فتوحات ناپلیون در خاک  
 اسپانیول و در ناپلیون بشهرها در پد پایتخت اسپانیول و رفاهیت آزادی دادن در اسپانیول باعث با وجود

رفاهیت بسیار که ناپلیون با سیسیلیا پادشاه داد باز آنها بر ضد فرانسه میباشند (ایتالیا) مؤزات بوضع سلطنت  
 دارد ناپلیون (اطریش) دولت اطریش جمعیت یادی از عساکر خود را مسلح مینماید (دانمارک) فوئت کرستیان هشتم  
 پادشاه در سن شصت سالگی بعد از چهل و دو سال سلطنت جلوس پسرش فریدریش ششم بجای او (فرانسه) دانه  
 القاب پادشاه درها و وزرا عده عساکر فرانسه را بنوشت بدو کرد و رسید (پروس) نظامت جدید در قسطنطنیه  
 دولت (روس) فلانند کتبه از سوذ منزع شده بنصرتن میرا طووردوس در میآید (عثمانی) سورش مردم بر ضد  
 سلطان مصطفی خان چهارم سلطان عثمانی و طلب نمودن سلطان سلیمان ستم زاکه در مجلس بود اما اشتیاقی  
 از سلطان سلیمان ناراضی و شاک بودند و از در مجلس نقل رسانیدند و سلطان محمود خان دویم بخت سلطنت  
 عثمانی جلوس نمود طایفه بنیکچری قتل و غارت زیادی را اسلامبول مینمایند و بسیار از مواضع اسلامبول را آتش  
 میزند و سلطان مصطفی خان را نیز قتل میسازند

سنه ۱۸۰۹ مسیحی

سنه ۱۲۲۳ هجری

آسیا (ایران) در و فایع سال قبل مذکور شد که سیر هر فردی و سنرا لپی انگلیس در کلبست هشتم ذیحجه وارد  
 دارالخلافه طهران شد لپی مشارالیه روز سیم محرم اینسال بمضو اعلمحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاهی  
 مشرف شده نامه مهر علامه پادشاه انگلستان را با یکقطعه الماس که بر سیم هدیه پادشاه انگلستان برای  
 شهریار ایران افتاد داشته بودند بمضو مکرمت ظهور خاقان تقدیم نمود و آن قطعه الماس را کوهرا بن بملقها خطبهها  
 نموده قیمت گزاشند خلاصه سبزه انگلیس مشمول نفقات شاهانه گردیده پس از چندی بانرا بایران رفت در حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه و بعهد دولت علیه مفای منیع بهم رسانید و واسطه او عهده مودت مابین دولتین ایران و  
 انگلیس منعقد گردید و ژنرال غارن خان که بی اذن ناپلیون بفرانس بازگشته بود در مواخذت شده و عسکر خان  
 افتاد سیر ایران که مدتی در فرانسه بود ناپلیون او را بمضو خود طلبید از طول مدت اقامت او و ماطله در جواب  
 عذر خواست و بانام دوستی و مسبوا و غیره نام او را بایران معاودت داد و هدایت او ان سیر ژنر ملکم نیز از جانب  
 حکومت هند وستان انگلیس بایران آمده چندمی تقف کرد و باز گشت هدایت او فای علمای اسلام فوی دادند که  
 جنگ بار و س دفاع وجهها است و اعلمحضرت خاقان کشورستان بجا آمدن سبیل الله میباشد هدایت او ان فتحعلی شاهی  
 خواجه نداز سفارت سند را جمع کرده میراث بنام فرستاده و لا هسند نیز با هدایا بفرستاد و بدد بارها بون آمد و  
 میرزا مهد نام اصغرها با اتفاق میراث بنام علی مامور و روانه سند کرد بدد زمستان این سال زلزله عظیم درمازندران  
 شد ابتدا ای ظهور آن در عصر روز جمعه او اخر شوال بود و ناپگاه زلزله شد بدد مردم را متوحش داشت و چندماه  
 بعد نیز زلزلهها خفیفه در کار بود خلاصه این زلزله عمارات عالیه را منهدم ساخت و زمین را منقوش کرده کل سیسیلیا  
 از آن بیرون آمد و بعضی این زلزله را بسال قبل نسبت داده اند در این سال نواب شاهزاده عبداللهمیرزا شیخ لیس  
 بدار که در بیست و چهارم ماه جمادی الاولی سنه هزار و دویست و یازده منولد شده بود حکمرانی جنسه منصوب  
 گردید و میرزا محمد علی آبادی ولد میرزا محمد زکی مستوفی الممالک شاه شهید سعید طاب شاه ملقب بصاحب دولت  
 بدد عهده وزارت رسید و نواب حسام السلطنه محمد تقی میرزا بحکومت بر و جرد و سیلاخور و جاپلق بر قرار  
 گشت و میرزا علی گراییل بوزارت نواب شاهزاده ناپل آمد و نواب شیخ علی میرزا حکمرانی ملا بر و احشام زند به منقوش  
 گردید و حاجی میرزا اسمعیل اشراف ناظر سابق بوزارت شیخ علی میرزا بجا می شد هدایت او این سال خرافات کباب و

تسلیت

بسبب شکست ابرو ان مغضوب و بدد ر بار امپراطور روس حضنا شد و فر و مسوف بجای و بسرداری کر حستان  
 اهد در این سال نواب شاهزاده محمد علی میرزا بچین سلطانیه مامور شد و حاجی میرزا ابوالحسن خان شهباز  
 همشیره زاده مرحوم حاجی ابراهیمخان وزیر شاه شهید سعید انار الله برهانه بواسطه انساب حاجی محمد حسن  
 امین الدوله و لیافت شخصی سفارت انگلیس منتخب و روانه کرد بد و چون از راه اسلامبول مرفت نامه نیز باهلا  
 دیار سلطان عثمان مصوب او ارسال شد و از آنجا که مصطفی فلجان عربی که ترشتر هفت سال بود بواسطه توهم  
 و وحشی که عارض و شده از تقبیل عینه علیه نخاشی داشت نواب شاهزاده محمد و امیرزا والی خراسان محاصره  
 ترشتر آمدند و مصطفی فلجان را مقهور کرده با امیر فلجان بتویر بدد ر بار معنی روانه کردند و موکب هایون غریب  
 چمن سلطانیه فرمود و نواب شاهزاده محمد علمیرزا با سپاه ای آسنه تقبیل رکاب علی آمد و میرزا بزرگ وزیر آذربایجان  
 نیز از تبریز در رسید و چون دانست که موکب خانی عازم آذربایجان و توقف در او جانشین بجهت هفت و انجام  
 بعضی خدمات در خدمت اصراف یافت نواب شاهزاده محمد علمیرزا دور و زبیشتر حرکت کرد و موکب خانی نیز از  
 سلطانیه تشریف فرمای چمن او جان کرد بدد و هنگام ورود حضرت مستطابا نایب السلطنه و بعهد بسبب هزار نفر  
 پیاده نظام جدید آذربایجان را با بسبب عراده توپاز سان نظر مبارک گذرانند زباده از حد مورد تحسین و  
 تجدد کرد بدد همدان و ان چون تر و مسوف سردار روس در بکفر نیکی تقبیل یافت کرده و صاحب منصبان و شون  
 ابواجعی خود را با طرف مامور و روانه میکرد اعلم حضرت خاقان کشورستان محمد علمیرزا را با بسبب هزار سوار  
 المرزی و فاجار بطرف تقبیل مامور فرمودند و موکب حضرت نایب السلطنه روانه گنج کرد بدد و فرج الله خان نسیمی باشی  
 با مر علی روانه در بدد شد و موکب خانی بجانب سراب توجه فرمود و نواب شاهزاده محمد علمیرزا در حال حائل نور  
 سفره ایروان با فسون روس بلایه نموده برایشان غالب آمد و بعضی اسرا از آنها گرفته بار دو معنی فرستاد و  
 خود بجانب تقبیل ایلات آنصغیان را هبب کرد ند حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از راه کوچیکه سلاقی بکنجه  
 شناخته ایلات آنجا را کوچانیده روانه ایروان کردند و یو ککو بکند و وسی که مجارستان محل و ایلات آمد بود  
 فرامود و امیرخان دولوی فاجار نا حوالی کنجه او را تعاقب کرد و بعضی از زهران او را مقنول و برخی را دستگیر  
 ساختند و مسوف سردار روس چون از اینو فایع خبر دار کرد بدد عرضیه خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 نوشته اظهار داشت که بعد از حرکت رایات حضرت آبان از این نواحی کنجه را خالی خواهد نمود و تقبیل  
 خواهد رفت از آن راه که آذوقه کباب بود حضرت مستطاب معظم با پروان توجه فرمودند و در چمن کوچیکه  
 با برادر و الا که خود شاهزاده محمد علمیرزا ملاقات نمودند و نواب محمد علی میرزا بموکب علی پیوست و فرج الله  
 خان افشار که روانه در بدد و آمد شده بود با مصطفی خان طالش مغالنه نموده بر او غلبه کرد و قلعه نکران  
 را منصرف شد مصطفی خان در قلعه جابیش و ان محصور کرد بدد و ناچار از در عجز درآمد میرزا بزرگ وزیر  
 آذربایجان با ستمالت او رفت و وی را الطیمان داد و فرج الله خان از محاصره بازگشت همدان این سال با برترارت  
 تراکه نکه نواب محمد علمیرزا والی خراسان در ماه جمادی الثانیه با سر کرد کان خراسان بدد شد خاوران  
 یعنی بطرف سنا و ابورد و در و ننه و مهنه و آنصغیان رانده ترکانان شرور را نینبه و مقهور نمودند و بعضی  
 غنایم نصیب عساکر نواب شاهزاده کرد بدد همدان این سال میرزا رضاقله نوابی مخلص سلطانی صاحب دیوان  
 انشا بوزارت خزان رفت و منشی الممالکی مخصوص میرزا عبدالوهاب صفهانی مخلص بنشاط صاحب کبخینه



که شایان این منصب بود شد و محمد حسینیان امین الدوله ما مور محاسب فارس کرد بدو ولات اخسفه  
 و پاشا حق الفاصه یک نامی کرد با بد بارها بون فرستاده اظهار عبودیت کردند و نقوبت و حمایت آنها بر  
 عهد حضرت مستطاب نایب السلطنه موکول آمد همد را بن اوان پنجاهمین عبد الله خان بیک بیکه لارستان و احمد خان  
 بستکه نزاع در گرفت و عبد الله خان از نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس سند عای استمداد نمود نواب معظم  
 صادق خان دولوپیر رضاقلخان قاجار را با سپاه بیگ او مامور کردند اهلای بستک و جهانگیریه بجایعت و هاب  
 بر مئوسل شدند صادق خان با فئشون ابوالجیمی خود در حوالی بحرین و طیف با آنها اقدام بمقابلت و مقاتلت کرد  
 و در اول کار دین فئشون آنها گمان کردند که شکست خورده و فرار کرده است بنا بر این اعراب بحال بنه وارد آمد مشغول  
 بغارت شدند و در سر نهضت اموال نزاع پنجاهمین آنها در گرفت صادق خان غفلت از کین بر آمده بر سر آنها ناخف و  
 هم را روانه دیار عد ساخت قلعه بستک و جهانگیریه را مصطفی نموده بجاکه لار نقوبت کرده لشیر از آمد **اروپا**  
 جنگ اسپانیا سخت عساکر فرانسه و اسپانیا اتحاد اسپانیولیا و پرتوغالها بر ضد فرانسه بر زد و کدورت پنجاهمین  
 اطریش و فرانسه اتحاد دول و ملل تجریک انگلیس بر ضد فرانسه حرکت فئشون اطریش بر ضد فرانسه و تصرف  
 نمون مونیخ پایتخت باویریا که با فرانسه متحد بود عنان زعه فرانسه با عساکر اطریش و فوجات فئشون فرانسه  
 در جنگ زاپتین پای ناپلئون مجروح میشد ناپلیون بسخت و بنه پایتخت اطریش رانده بعد از تصرف این شهر  
 بطرف مروی میرود و در آسپرن و استنگ با عساکر اطریش جنگیده و در این جنگ مارشال لان مقبول میگردد  
 جنگ سخت ناپلیون در واکرام که بعد از این فتح اطریش طالبعلم میشود شورش اسپانیول بر ضد فرانسه در کمال  
 سختی است و لسلنی سردار انگلیس که در پرتوغال فوجات کرده بود ملقب به وی کت و لنگن میگردد مابین  
 سردارهای فرانسه در پرتوغال و اسپانیول تقار حاصل میشد ناپلیون از اطریش عزیمت اسپانیول مینماید  
 عهد و سنی با اطریش در قصر شومبرون حوالی و بنه منعقد میگردد (اسپانیول) احکام ژوزف بنا پارث بر  
 ناپلیون پادشاه اسپانیول برخلاف اهلای است (فرانسه) ناپلیون زوجه خود ژوزفین را که از او  
 اولاد نمیشود طلاق میدهد (روس) اعلان جنگ روس بعمانی عبور عساکر روس از نوب قلعه بوچی را که تصرف  
 عثمانی بود روسها مستخر مینمایند (سوڈ) شورش در این مملکت با نتیجه که گوسنا و چهارم پادشاه چون خیال  
 سازش با انگلیس داشت مردم باو شوریده او را کفره حبس کردند و او را مجبور با استعفا از سلطنت نمودند و  
 شارل عمود گوسنا و بجای او سلطنت برقرار میگردد (عثمانی) شورش سر بسنان کرفین طایفه و هابی  
 دمشق را امریکا برای اثبات بیطرفی مابین فرانسه و انگلیس انا تونی بنکه دینا سفاین فرانسه و انگلیس را  
 در بنادر خود راه نمیدهد مادامیکه بر با است جمع شود انا تونی برقرار میگردد

هد رانیسالی الهی سند  
 هدایا بد بار صفا آمد و بر  
 عبد الوهاب نشاط ملقب  
 محمد الدوله کرد بدام

سند اصحی

سند ۱۲۲۵ هجری

آسیا (ایران) در اوایل این سال موکب خاقان مملکت سنان شریف فرمای چین سلطانیه کرد بدو و نواب شاه ارد  
 علیخان برادر صیله و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه از چین سلطانیه بدفع رسته بینک و آباران مامور شد  
 و امیرعلیخان دامغانی و برادرانش ذوالفقارخان و مطلبخان بالشرک بان سمنانی و سواران مافی و خواجه  
 و عبد الملک ملنزم رکاب نواب شاهزاده کردند و در محال پدیک و آباران با فئشون روس تلاشه و کارزار  
 کرده بر آنها غالب آمدند و نازد یکی فرا باغ و محال کچنه ناختره شیباز از اهلان آن نواحی را کوج داده با هر وان

باز آمدند و هنگامیکه چنانچه وجان مضرب چنان کرد و آن احتشام معی بود بشر و حضورها بون مشرف کرد بدیندهد  
 این سال سپرژن ملک از جانب حکومت هند و سنان انگلیس بندر بون شهر آمد و محرابان بکشلوی افشار بهمانند  
 او رفت سفیر مشارا آمد در چمن سلطانیه حضور مبارک خانانی مشرف ساختن بعضی هدایا و تحفه لایقه را که حامل  
 بود تقدیم ملازمان حضرت نمود پس آن آن عزیز میرزا ابوالحسن خان شیرازی سفیر ایران مقیم لندن بدر بار دولت علیه  
 رسید که امنای دولت انگلیس مقر را داشته اند سیر هر فرد و ژن سفارت مقیم در بار دولت ایران باشند و سپرژن ملک  
 هند و سنان معاودت نماید لهذا سپرژن ملک از راه مراغه بغداد و از بغداد به هند و سنان بازگشت همدان ایسال  
 ابراهیم خان فاجار بغارت و تاراج ایلات فراوانی که از فرمانها بون سر پیچیده بودند رفت و با غنایم بازگشت هم بد  
 این یون اعراب اگر اد بغداد و حوالی با اشاره امنای دولت عثمانی سلیمان پاشای والی بغداد را که در و با سنان  
 ها بون داشت مقبول نمودند و عبدالله پاشا نامی که جی باباک بغداد برقرار کرده احمد چلبی را با عرضیه پیشکش  
 بحضور مبارک فرستاد و ایالت او مخصر شد همدان سال در اول ماه شوال موکبها بون از چمن وجان آنهاض  
 در او خرمه فر بود نشرف فرهای دار الخلافه کرد بد همدان ایسال و مسوف سردار روس بمپانه نقلی پاشا جی  
 رفت قصد گرفتن سلیمان خان حاکم پاشا جی نمود سلیمان خان از امنای دولت علی کل خواسته چنین سردار ایران  
 بامداد اورفت و ابتدا پیشرفت کاملی بمسائیدنا شیه غفلت کرده روسها در اردو اورنجند و قبلا و غارت  
 پرداخت سردار از اردو خارج شد و میرزا علیقلی خان قندرسک جنگ سختی با روسها کرده آنها را مغلوب و مغلوب نمود  
 سردار ایران بقرن برآمد حضرت مستطاب نایب السلطنه جمعی با بامداد و همراهی او مامور فرمودند و او بطرف کلپشا  
 پینک شتافت و از هم اهان او محمد بیگ تاجار افشار و فاسمجان سرکرده غلام تصکیبان ددایسفر دلیرها نمودند  
 و در یکستانه روز بیست هشت فرسنگ راه پیاده در میان برف و بچ و سرما طی کردند و در هشت فرسنگ پینک  
 بر روسها علیه نمودند و جنگ عظیمی در گرفت عساکر مضویه از اطراف بسنگرهای فشنون روس بود رش برده دلول سنگر  
 شدند و در این پورش حمله بسیار از لشکر روس مقبول گشتند نیز بر سرد و سهانیکه در قلعه شیخ او نیز بودند تا  
 جمعی از آنها را بگشتند همدان ایسال میرزا محمد صادق مروزی که در سال هزار و دو هشت و پانزده در شب و نایب نگار  
 یافته نارنج جهان آرا را بنظرها بون رسانیده و داروغه فر معنی کرد بد همدان ایسال و کبک خانان کتور و سنان  
 بطرف کاشان و اصفهان آنهاض فرمود و مبلغ یکصد هزار تومان نفقا از اصل مالیات جریا با تحفه داده شد  
 ارضی یاد دولت بود بر هند انگلیس با ناپلیون مشارکت دارد فتوحات فرانسه در اسپانول پایا از سلطنت جنما  
 و ظاهر خلع شده با بد بهمان سلطنت روحانی بخیر با است بین فاعث نماید شهرم پای تحت ثانوی فرانسه  
 صگرد و مزاجت ناپلیون با ماری لوئیز دختر امپراطور اطریش و ایندفعه ثانی است که ناپلیون مناهل میگرد  
 لویی برادر ناپلیون که سلطنت هلند داشت چون پادشاهی خود را غیر مستقل می بیند از سلطنت استعفا میکند  
 و شهر آسترادام پای تخت ستم ملک فرانسه میشود بلاد یکی دینی که متعلق با اسپانیا میانها شنناز قبیل مکرک و  
 شیل و بوئر و و پاراگانی مجز به خود را از اسپانیا اعلام مینمایند (فرانسه) مسافرت ناپلیون با امپراطور  
 ناز و بیلشک مملکت فرانسه در این سال مشتمل بر صد و سی باباک میباشد و همچنین هشتاد و چهار کرد که  
 این هشتاد و چهار کرد و بچهار زبان تکلم میکنند زبان فرانسه زبان هلند زبان المان زبان ایتالیا (پروس)  
 فوٹ ملکه لوئیز املی در سن سی و چهار سالگی (روس) ایجاد دارالتشورای دولتی امپراطور روس با ناپلیون

اظهار مخالفت نموده از دایره دوسنی او خارج گردیده بنادر خود را برای سفاین انگلیس مفتوح و برای کشتیها  
 فرانسه مسدود مینماید و عساکر فتح روس قلعه سیلستری را در بلغارستان مفتوح مینماید (سوی پادشا  
 ناز که شارل هشتم باشد چون اولاد ندارد یکی از بنی اعمام خود را و تبعه مینماید و بعد از چند روز غفلت  
 میبرد این ملک ناگهانی مردم را بچمال انداخته تصور میکنند که او را کشته کرده اند جمعی از اهالی سوئد سردار  
 فرانسه بر نادت را بولعهت مینماید بر نادت بر صانط ناپلئون قبول و تبعه مینماید و از مد هب کاتولیکی خارج شده  
 قبول بر بقیر نشان میکند اعلان جنگ سوئد با انگلیس

سال مسیحی

سال هجری

آسیا (ایران) در ماه صفر اینسال موکب اعلی حضرت خاقان کشورستان فتح شاه که شتر بیف فرمای اصفهان  
 شاه بدار الخلفه طهران معاودت فرمود و عساکر خان افشار را روی که بسفارت بدر بار ناپلئون اول امپراطور فرانسه رفت  
 بود مراجعت کرده هدایا بکنه ناپلئون برای پادشاه ایران مصحوب او ارسال داشته نفلدیم نمود همد را بیسال محمد رضا  
 خان قاجار که بحکم نواب شاهزاده حسینعلی میرزا با عانت و امداد امام مسقط رفتن بود طایفه و هابی را در تبریز کوشا  
 نیز داده جمعی کثیر از آنجا عت را بد بار عدم و رساند همد را بیسال سلطان محمود خان سلطان عثمانی عبدالوهاب افندی  
 و مشاکر افندی و چهرت افندی را بسفارت بدر بار د ولت علیته فرستاده اظهار اتحاد کامل از جانب سلطان معظم با خا  
 مملکت سنان نمودند و در ضمن از عبدالرحمن پاشا که شهرت و رشک است کردند در جواب عراض آنها مقرر شد که  
 حکمران شهر و در بصواب بدامانی دولت علیته ایران معین کرد و نیز والی بغداد شخص بی غرض باشد که ملاحظه مسافرت  
 و زوار را برانی را در بغداد و اماکن مشرفه مینماید و پس از این نفر برات فرستاد کان مشارالیهم نیز و خدمت حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه مامور شدند و موکب هاپون بجانب سلطانه حضرت فرما کرد دید همد را این اوان صبیحه  
 میرزا محمد خان دولوی قاجار را نواب شاهزاده شیخعلی میرزا و دختر امیر کبیر سلیمانخان اعضا الدوله مرحوم را  
 بنواب شاهزاده عمیدالله میرزای مخلص بدار عقد بستند و در سلطانه مشراط جشن این دو سوکازم السرد و بعل  
 همد را این ایام چون فرزند الدین میرزا والی هرات را دای خراج مقررده براه تهاون و مساعده میرت نواب شاهزاده  
 محمد ولیمیرزا والی خراسان بر حسب امر اعلی از مشهد مقلد لشکر هرات کشیدند و در محل بل نقره سه فرسخی هرات نزول  
 کردند و در مشجات فستون ظفر نمون را بناخت اطراف دادند و در زالدین میرزا چون استیلا مقابلت و مغاللت  
 نداشت جوانان خراسان را که ملزم رکاب نواب شاهزاده بودند شفیع فرار داده بادامی پیشکش خراج پرداخت و  
 ملک حسین میرزا پسر خود را بر سم کردی بخدمت نواب معظم فرستاد و ارده وی شاهزاده از حوالی هرات معاودت  
 نمود همد این سال چون عبدالرحمن پاشای بابان که بحالیت ملازمان حضرت خاقانی حکمرانی شهرت و ریافت بود پس  
 از استقلال دولت سلیمان پاشا ساعی گردیده این اوقات با امنای ابدولت و امان الله خان والی کردستان نیز طرف  
 مخالفت می نمود نواب شاهزاده محمد علی میرزا والی کرمانشهان و لرستان و خوزستان و عربستان ملقب بدولت شاه  
 ابر خاقان کشورستان با جمعی از امرایند میرا حرکت کردند و در غره ماه شعبان اینسال وارد زهاب گردیدند خالد پاشا  
 بنی عم عبدالرحمن پاشا از دراطاعت درآمد و شاهزاده معظم بکنار و دسپروان جای گرفتند و روز خان قاجار  
 در سردشت بر احمد پاشا برادر عبدالرحمن پاشا حمله کرد احمد پاشا بگریخت و عبدالرحمن پاشا نیز فرار بولایت کوی  
 و عرب رفت نواب شاهزاده محمد علی میرزای دولت شاه سلیمانیه و شهرت و در انصرفت کرد بر سر عبدالرحمن پاشا رفتند و

در فلعه کوی محصور فرمودند عبد الرحمن پاشا چاره جز اطاعت نداشت فلعبه بزیر آمد مجد من حضرت شاهزاده مشرف شد  
 و بفرغت استکان پر داخ و فرزندان خود را بر سم بوابی کردی ملتزم رکاب شاهزاده نمود و پیشکشته لایق بباد و حکم  
 دولت شاه مجد را حکومت شهر زوز و کوی و حریر منصوب و برقرار کردید و بواب شاهزاده بکر ما لشهان معاودن فرمودند  
 همدانین سال میرزا ابوالحسن خان سفیر ایران مامور دولت انگلیس بدر بار دولت علیه مراجعت کرد و سر کورا و زلی  
 نام از اعظم انگلیس براهی او مامور سفارت ایران و روانه ایسانان شده و از اتفاقات غریبه آنکه سفینه که دو سفر  
 مشارالیهما در آن بود نذر در باد و چار طوفان شده و بجا اختیار آنها را بطرف بنکی در پنا برده بساحل برز بل رسیدند  
 پادشاه بر توغالی که این مملکت را منصرف بود و از خوف ناپلئون خود بنزد پنا آمده از حال دو سفیر آگاه شده ایشانرا  
 مهمانی و اکرام زیاده نمود و در آقام در آنجا ماری صید کردند که سپرده ذرع طول آن بود و فریب بکن رعایت  
 کردن آن عرض داشت از فرط غایت ما را را بنظر پادشاه رسانیدند و پوسند آرا که بعضی صفت جلد کاو بود <sup>کنند</sup> و با سفر  
 با بران فرستادند خلاصه سفر انگلیس با اتفاق آن بران بدر بارها پون آمد و لوازم پذیرائی را در باره او معقول <sup>شد</sup>  
 و در خانه حاجی محمد حسینیان این الدوله برای او منزل تعیین نمودند و در عمارت گلشن با حضور خاقان کشور  
 مشرف شده نامه پادشاه انگلیس را با تحفه لایفه یعنی یک قطعه الماس بر یلیان که بلبست فریخ فرط وزن داشت  
 تقدیم نمود و عنایات پادشاهی مستظهر کردیده مبلغ وجه نقد و سی هزار فبضه نغنی انگلیس و بیست عراد  
 توپ مقدار سی فورخانه و سی نفر معلم مهندس که همراه داشت تسلیم کرد در زمستان این سال با آنکه مزاج  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه خالی از غلغله نبود و در بخوان و اهر و ان و فراغ خود را مشغول میفرمودند  
 ایلات فراغ را کوچاننده بقراجه داغ آوردند و جعفر قلیخان بنیره ابراهیم خلیل خان که اسیر روسها بود و  
 او را بنفیس میبردند که روانه سپهری کنند هنگام عبور از رود ترتر زمام اسب را که در دست سربازی و سی بود  
 بریده بهال اسب شست شد خود بمیان یکی از ایلات نر بوره که در کار کوچ بودند رسانید و الحق جلادنی بکار برد حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه حکومت قراجه داغ را با چهار هزار تومان مواجب با و در محنت فرمودند همدانین سال سربازی  
 نازه از روس بجای ترسوف مامور شده با سه هزار باز و توپخانه و آذوقه بمحل سلطان بود آمده لهذا حضرت مستطاب  
 نایب السلطنه از سفر سخی بر سر او ناخندام پورش و حمله فرمودند مستر نشین توپچی باشی انگلیس که در خدمت دولت  
 علیه بود توپها را با طرف سنکر سلطان بود بست و اکثر عراده ها توپهای و سهارا بشکست افواج آذربایجانی نیز  
 بر سر سنکر ناخند و جمعی سرباز و یکفر صاحب منصب و سه را مقبول ساختند باقی سرباز سپید که علامت امان است  
 برافراشتند و امان یافتند و هشتصد و بیست نفر باز و توپ اسلحه و قورخانه آنها بچند سپه نظر همراه افتاد  
 بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه آوردند و حضرت معظم آنچله را بدر بارها پون ارسال داشتند علم حضرت خاقان  
 کشورستان مبلغ دو سی هزار تومان بانعام حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرر فرموده و با اسرا نزد حضرت معظم  
 ارسال داشتند و آنفوج قبول اسلام نموده بفوج بنکی مسلمان گشتند از غزای اتفاقات اینسال آنکه در ایالت بواب شاهزاده  
 عبدالله میرزا در محله چوپانی در دافنه کوه سجاس و دوشی بد که مهرهای سفید برون میآورد آنخل را شکافتند  
 و کوی مرتفع و دسند خجری و جام طلاف با چند دانه زر را بد بدست آوردند و بعضی چنین حدس زدند که اینخل میرزا را غوث  
 مغول است که ادت بواب سلیمان میرزا و فتح الله میرزا و ملک منصور میرزا فرزندان خاقان مملکت سنان و قاف نظر زنگنه  
 شاعر مرابا (انگلیس) چون پادشاه و بانوا سطر اجزای پادشاه و بعد از بنیاد سلطنت اختیار میکنند و لگشی

وان المار الان در موزه هایت  
 موجود است

موسوم

و هین میرزا

بجاری انگلیس رود و کلبه بقون سه اسب کشتی رانی مشغول میشود مملکت اسپانول تنها میدان جنگ فرانسه انگلیس است  
 (فرانسه) تولد پیری از ملکه فرانسه زوجة ناپلئون و ملقب شدن او بیاد شاه روم مسافرت ناپلئون بصفت مشال فرانسه  
 و هلاند در هشتاد شهر از بلاد فرانسه مقرر شد و در نام هر روزه منطبع کرد (هلاند) جزایر بنا و پیر از مملکت  
 هلاند انگلیس منصرف میشود (روس) عساکر روس شهر بلگراد را در سریشان منصرف میشوند کویوسف سردار  
 روس از سردار عثمانی شکست خورده و قبضه عقب نشینند تمام قلعه جات عثمانی را که در سمت جنوب جنوب بود  
 خراب بنیاید اما در سلوویو صادر اعظم عثمانی که سردار قشون بود اسپر و وسها میگرد و طلوع دوزخ در این سال  
 که از ماه سپتامبر تا اکتبر طالع و مشهور بود (مصر) محمد علی پاشا اعیان قدیم مصری را که از طایفه مملوک  
 بودند در قاهره احضار کرده همه را بقتل میرساند و املاک آنها منصرف میشود امریکای (بنکی دنیای جنوبی) پاراگای  
 از ایالات مصر فی اسپانول در امریکای اعلان جمهور میکند

سند ۱۸۱۲ مسیحی

سند ۱۲۷۷ هجری

اسیای (ایران) دین سال بر حساب مرهاپون قلعه سلیمانیه زاد روحالی رود کرج با سم سلیمان میرزا بنا نمودند  
 حاجی محمد حسین خان امین الدوله که مأمور این خدمت شده بود میرزا ابوالقاسم اصفهانی نایبکشان را منصف  
 انجیل کرد و سر کور او را فی سفیر انگلیس با نفاق میرزا ابوالحسن خان شیرازی بپذیر رفت که با حضرت مستطاب نایب  
 السلطنه عیسی میرزا ملاقات نماید و بعضی فرار و مدارها داده شود پس آن موکب اعلی حضرت خاقان کشورشانی  
 فتح علی شاه شریف فرمای چنین سلطانیه کردید و در دوازدهم جمادی الثانی این صاحب خلد نزهت ضرب جام کرد  
 احتشام سلطنت کردید و در این وان معروض داشتند که مصطفی خان طالش یار دیگر سیرار روس بوسل حسنه  
 لهذا اسمعیل خان فاجار شامیانی و عبداللہ خان از جند سر کرده هزاره نیز و زکوهی در اول خورجیا مورد و  
 کبلان شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه در پهلوی قلعه لنگران طالش سنکر محکم بستند و صادق خان فاجار  
 عزالدینلو و محمد خان سرهنک ابروانی و جعفر قلچیان و ولد میرزا محمد خان لاریجانی با سه عراده توپ دهنه لشکری  
 بجز است آن سنکر محکوم کردید و پیر قلچیان شامیانی و عسکر خان افشار رومی و علیخان شاطرا شتی نوری و میرزا  
 احمد سرهنک کاشانی برادر زاده فتح علی خان ملک الشعراء باد سینه از قشون آذربایجان بحفظ قلعه ارکوان مقرر گشتند  
 همدان این وان چون در سه منزله شهر زور پنجا بین عبداللہ پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهر زور ناپره  
 قتال اشغال یافته بود و عبدالرحمن پاشا مضمون و بکر مانسها ن کر پنجه و والی بغداد ایالت شهر زور را بخالد  
 پاشا داده ظهر الدوله محمد فاسخان قوالتو و فرج اللہ خان افشار و پوسفخان سپهدار بند میر والی بغداد مأمور  
 گشتند و نواب شاهزاده محمد علمیرزای و لشتا به نیز همین عزم را تقصیم دادند و قشون نصرت نمون بزها ب آمد  
 و پس از ان تمام محبت بغارت بعضی اما کن مغلفه بغیاد پر داخلند والی بغداد مشغول شده جناب شیخ جعفر  
 نجفی با شیخ فرار داد و عبدالرحمن پاشا در حکومت شهر زور استغفار یافت و عساکر ظفر ماثر معاودت کردند و  
 در ماه رمضان موکب هاپون اعلی حضرت خاقان بدار الخلافه طهران مراجعت فرمود و نواب شاهزاده محمد ولی میرزا  
 والی خراسان و ناصر الدین نوره و اسحق خان فرانی بقبیل عینه علیه آمدند نیز از وقایع ایسالی آنکه چون الکساندر  
 میرزا والی کرچینا که در پیران بود بملاقات سلیم پاشای الی اخسغه فته و از آنجا بقلیس شنا فته بنیای آشوب را  
 گذاشت و ری شیخو سردار روس اپوا قلعه طاز ندا بر حضرت مستطاب نایب السلطنه دانسته کتلر و سکر را که مرده

مشهور بود در آقا اغلان گذاشته خود بتفلیس رفت و حضرت معظم نایب السلطنه در کنار رود اردسر در محل موسوم  
 به اصلان دوز بودند کتله و سکی در بنجیم بدلاک مرادخان دلا غارده با سرباز و توپخانه مصمم بشچون بارد و حضرت  
 نایب السلطنه کرد بد و از معبری عبور کرده نقر اولان ارد و حضرت شاهزاده رسیده فراوان را گرفت و کسی انچه را  
 بارد و نرسا بندت افشون روس نزد یک شدند آنوقت عساکر ایران خبردار گردیده حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 فوراً سوار شدند و بتسلیم بنور الحکم دادند اما چون توپخانه سردار روس بر بلند می مشرف بارد و بودارد  
 را منفرق ساخت و انچه نواب معظم در آن شب بار کوشش کردند که آن نفر نه را بجبهت صبدال کنند ثمری بخشید  
 محض چون در هنگام ناخفت و ناز اسب حضرت شاهزاده در حفره بز مین خورده اگر چه بز و کدکا بداری اسب  
 دیگر حضرت معظم رسانید و سوار شدند ولی لشکر بیشتر هر اسان گشتند ناچار اذ و منفرق شده و حضرت مستطاب  
 شاهزاده بمنزل حاجی حمزه لو آمدند و افواج روس بقرا باغ رفتند حضرت نایب السلطنه روزی بجهت دفن مقبولین  
 در آن ناحیه اقامت فرموده بعد راه مشکین پیش گرفتند و بلیتر بز را ندند و کتله و سکی که قوت قلبی بهم رسانند بو  
 بجانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعه اصلان دوز را شنیده بودند و نیک فلعه را از دست دادند  
 و کسی در صدد مقاومت و مدافعت بر نیامد مگر پیرزا احمد سرهنگ کاشانی که سر کرده فوج نیک مسلمان بود این هنک  
 با غیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقبول و نه الحقیقه شهید شد بعد از این واقعه فاشون روس از  
 ارکوان روانه لشکران شدند همد این سال نواب سلطان محمد میرزا و سلطان سلیم میرزا و سلطان مصطفی میرزا و  
 سلطان ابراهیم میرزا و سیف الله میرزا پسران خافان کشورستان منول شدند امری با جنک عساکر فرانسه و  
 انگلیس در اسپانیا غالب بلاد اسپانیا بود پادشاه خود را می طلبید پادشاه سیسیل فرزند پناوند تجریک انگلیس از  
 سلطنت استعفا میکند فوجات و نگلش سردار انگلیس در اسپانیا و ورود او بشهر مادرید و بجزایر حال کردن  
 مادرید را و رفتن سمیت بی توغال دو بیست هفتاد هزار قشون فرانسه بجهت در اسپانیا معطل اند (فرانسه)  
 ناپلیون مصمم جنک باروس میباشد و روس و عده بیشتر از قشون کلک با و مید هد امیر طور اطریش هم قشون  
 بیک ناپلیون خواهد فرستاد خیال ناپلیون انست که سلطنت هسنان را مستقل سازد اتحاد روس و انگلیس بر  
 ضد فرانسه و اطریش و پروس حرکت ناپلیون المان و ورود او به در زرد در این شهر چندین نفر از سلاطین سمیت  
 چاکری سرداری مجسمت ناپلیون که می بندند فی این روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته میشود قشون  
 ناپلیون که مصمم ورود بحاکم روس است عبارتی باز یا ضد و هفتاد هزار نفر میباشد علاوه هفتاد هزار اسب  
 و صد و هشتاد عراده توپ این جمعیت بده ارد و قسم شده است عبور عساکر ناپلیون از رودخانه نیبر من  
 (نیبر من رودخانه ایست در حدود روس و المان) شهر ویلنارا ناپلیون منصرف شده هفده روز در اینجا توقف  
 مینماید جنکهای منوالی عساکر فرانسه با سردار روس در سواحل دنی پیر فتح دونا بوزگ و اسلنسک بدست  
 قشون فرانسه روسها که از جلو لشکر فرانسه فرار میکنند بلاد و فرارا آتش میزند عساکر فرانسه بسکو او رود  
 مینمایند و در اینجا کوئوسفت سردار روس جنک سختی با فرانسه ها میکند و پنجاه هزار نفر از لشکر پان کوئوسفت  
 مقتول میگردد موراث سردار فرانسه و ز چهاردهم سپتامبر و روسکو میشود و روز بعد از آن که روز  
 پانزدهم باشد خود ناپلیون بسکو رود مینماید رستنی شین حاکم بسکو شهر آتش میزند ناپلیون بجهت نگاه  
 در بسکو توقف میکند زمستان شرع میشود و عساکر فرانسه مجبوراً عقب نشینند سرمای سخت صدمه ز یاد

جانب پیران العابدین  
 حضورها یون

بلشکر بان ناپلئون وارد میآورد تمام قشون فرانسه را بسلسله جمع میشوند کمی آذوقه بلکه فقدان آن نزدیک رحمت  
 سرها گردیده جمعیت زیادی از عساکر ناپلئون را هلاک میکند برودت و شدت سرماها سازنده درجه بر صفر است  
 و فوج فوج مردم از سردی مفرط هوانگ میشوند عقب مانده و فراری لشکر فرانسه بدست قزاقها کشته میشوند  
 ناپلئون از روی اضطرار لشکر بسختی فرانسه حرکت میدهد و سرداری قشون را برعهده موزاتس و کول میناید  
 بعد از رفتن ناپلئون لشکر بان او دوچار کمال سختی میشوند درجه سرما به بیست هشت درجه تحت صفر میرسد  
 چهل هزار نفر از عساکر فرانسه وارد و پلنا میگردند عساکر بر و س و اطرش چندین وفاداری با فرانسه ندارند  
 پاپ چون بتحت متابعت ناپلئون را چنانچه ناپلئون بر قشون بلوا حاضر میشود هنگام عقب ناپلئون و نزال  
 ماله جمعی را در پاریس بر او میپشوراند ناپلئون بعد از ورود و از ده نفر از هدیهها نزال ماله را بقتل میرساند  
 خلاصه شکست ناپلئون از روس مقدمه و ابتدای خرابی بدختری او میباشد و آنجا که جوانهای مردم مقنول  
 و بسیار غرادر و بجهت وجه اعانتی که برای مجارف و مخارج جنگ از ملت ثور القاده گرفته میشود خاصه  
 در موقع نار و ابحی بخارث و صناعت عموم ناس ثاکی و مستعد شورش میباشد (روس و عثمانی) مبارکه  
 موفقی بن روس عثمانی مبتدئ بمنازعه شده روسها مجدداً از ورود دنا فوج عبور مینمایند پس از آن عهد صلحی  
 میانین دولین منعقد میشود پس از آن از خاک عثمانی جز روس میگردند حاکم مسبقه مشقیما از اسلامبول  
 بسربستان مامور نمیشود یعنی از اهالی سربستان حاکی معین مینمایند که مطیع عثمانی باشند امریکا (انائون)  
 اعلان جنگ انائونی بانکلپس

۱۱۳ هجری

۱۲۷۱ هجری

آسیا (ایران) در شرح سال گذشته مکتوب شد که قشون روسان از کوان روانه لشکران شدند در شب  
 نهم نهمه این سال آنجا عقبه لشکران پورش بردید و سر کرده نیکچیان لایهچانی مقنول و قاعه لشکران بقصر عساکر  
 روس راه آمد و جمعی از لشکران ایران مقنول شدند و کتل و سکه سه زخم منکر برداشت بقیه سپاه روس بسخت  
 جامبش وان و معاونت مصطفی خان طالش رفتند هر این سال چهار نفر از ارمنه جلفای اصفهان که در  
 عمارت سلطنت شیشه بری میگردند از راه بام داخل خزانه شده بغیر بیاسی هزار اشرفی بسرت بردند ولی سارقی  
 بدست آمدند هر در این سال بعد از عهد نورد و زموکب اعلم حضرت جافان کشور سنان فتح شاه مصمم سفر آذربایجان  
 گردیده بیایغ نکار سنان نقل مکان فرمودند هر این او ان بوسف خواجه کاشغری از اولاد خواجگان ترکستان که  
 سالها در افطار و بلدان سناحت کرده بود باغواي فرابان بلیغ ترکان میان طوايف ککلان و بیوت دفته نغری  
 عوام پرداخت مشنه ابله را مرید و دور خود جمع کرد و بجبال مملکت سنانی افتاد و قلعه سیرک فندرسک را  
 محاصره نمود و میرزا علی بنی خان فندرسکی باروغه ککلان را مرورانه بکار داشت دعوت کرده بدست سپران باجی  
 ککلان مقنول گردید و بوسف خواجه کاشغری بی مانعی قلعه سیرک را منصرف شد چون این خبر بعرض ملازمان  
 حضورها یون رسید بنواب شاهزاده محمد ولیم پیرزا والی خراسان و نواب شاهزاده محمد ولیم پیرزا حکمران مازندران اشار  
 فرمودند که بر سر طایفه بیوت دفته بند میرزا ناد پیر تازند شاهزاده محمد ولیم پیرزا حرکت کردند و بوسف خوا  
 هز غیب رفت و موکب شاهزاده نازک رانده غنایم و اسپر بسپا بد کسنا آوردند و در فرار شیخ کوشالی بترکه داشتند  
 هر در این اوقات ابراهیمان قاجار و اسمعیل خان شامبانی و ذوالفقار خان سمنانی بچین کاپوش مامور شدند

و موکبها بون از نکارستان روانه چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده محمد تقی میرزای حسام السلطنه از برآمد  
 بخصو مبارک اخضا شد همدان و آن اسعد پاشا سپهر سلیمان پاشای بزرگ وزیر والی سابق بغداد با اعراب شنبلیله  
 ساخنه بغداد ناخنه با عبدالله پاشا مصافحه در عبدالله پاشا مقبول شد و اسعد پاشا بر بغداد استیلا یافت  
 و از جانب دولت عثمانی ایالت انولایت نابل آمد و چون پدرش باد و لثا بران سابقه ارادت داشت عرضیه  
 و فرستاده باستان خاقان مملکت سنان فرستاد و نصر الله خان نوری از دربارها بون نشر بفرمای اسعد پاشا  
 بغداد برده همدان پام جلال الدین افندی نام از جانب دولت عثمانی مامور در بار دولت علیه گردید و نواب  
 شاهزاده محمد تقی میرزا و پوسنجان سپهبد از راه سرچم و سنک در روانه آذربایجان شدند پس از آن نواب شاهزاده  
 محمود میرزا و فرج الله خان افشار روانه آسناحت گشتند بعد شاهزاده علیخان با مهر علیخان فوانلو و رضایقلبا  
 روی برآه نهادند و موکبها بون در بازدهم رجب با سپهبد از فاشون نصرث نمون روانه چمن او جان شد و حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه با افواج آذربایجان موکب اعلی استقبال کردند و روز بیستم رجب چمن او جان مضرب  
 خیام خاقان کشور سنان گردید و در ششوف سردار روس بعد از آنکه از احتشاد جنود خاقانی و توجه باوجان  
 خبردار شدند استان جنگ ناپلئون را با سپهبد روس بشنید معتمد نرسر کورا و زلی ایلی انکلیس فرستاد و طالب  
 صلح باد و لثا بران شد و بنوسط و صواب بدید میرزا شفیع صدراعظم فرار را بر مصالحه دادند و میرزا ابوالحسن  
 شیرازی مامور فراباچ گردید در چمن کلثنا اجتماع و ملاقات حضرت شد و عهده و سوبه کاستان را منعقد نمودند  
 و صورت آن عهده نامه از فرار ذیل است

صورت عهده نامه که در میان دولین ایران و روسیه صلح و صوابت میرزا ابوالحسن  
 و سردار روسیه منقوش شد

اعلیحضرت امیراطور عمالک روسیه بالقاب و اعلیحضرت شاهنشاه عمالک ایران با و صافه بلاخطه کمال مهر با  
 و اشفاق دولتین علیین که در ماده و رعایای جانبین دارند بدفع و رفع اوعو عداوت و دشمنی که برعکس رای  
 شوکت آرای ایشانست طالب استقرار مصالحه میهنه و دوستی جواربت سابقه مؤکده را راغب صیبا شدند  
 بعاینجا نیکولای در ششوف بالقاب اختیار کلی عطا شده و اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم امیرالامراء العظام میرزا  
 ابوالحسن با و صافه را در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه منجالی کاستان قلعو بولایات  
 فراباغ بغیره رودخانه ذبوه ملاقات واقع و جمعیت نموده بعد از ایران و مبادله متمسک ماموریت و اختیار کلی  
 خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب <sup>اختیار</sup> حاجت  
 طرفین فتود و فصول و شروط طر قومی ذیل را الی ابد مقبول و مستصوب و استمرار میبداریم

فصل اول بعد از این امور جنگ و عداوت و دشمنی که تا بحال در بین دولین علیین روسیه و ایران بود موقوف  
 و بموجب این عهده نامه الی ابد منسوخ و عرایب مصالحه اکیده و دوستی و دفاقی شدیده و فیما بین امیراطور و اعلیحضرت  
 شاهنشاهی و زرات دولیهدان عظام میان دولین علیین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود  
 فصل دوم چون پیشتر بموجب اظهار و کفیلکوی طرفین قبول رضاد در میان دولین شده است که مراتب مصالحه  
 در بنیاد و سطا طوسکوه او پیرزندیم باشد یعنی در هر موضع و جایکه الی قرار داد مصالحه الحال بوده است  
 آن فراریاتی و تمامی او لکاء و کلابت خوانین ششین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هر یک از دولین بوده کما

اصل این لغت است و تکرار  
 ما خود از این و بعضی حالت  
 حالته است



کان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند لهذا در بین دولتن علیین و سینه ایران بر حسب خط مر قومه ذیل  
سنو و سرحدات مسنفر و بغین کردیده از ابتدای راضی آدینه بازار بخط در سن از راه صحرای مغان نامعبر  
بدی بلوک رود از بالای کنار رود ارمن اتصال و الحاق رودخانه کینک جای به پشت کوه مقری از آنجا  
خط حد و سامان ولایات فرا باغ و نخجوان و ابروان و نیز بسک از سنور کبچه جمع و متصل گردید و بعد از آن حدود  
مزبور که بولایت ابروان و کبچه و هم حدود فراق و شمس الدینلو و نامکان ایسک میدان مشخص و مفصل میباشد  
و از ایسک میدان بالای سر کوههای طرف راست طرف و رودخانه های جزه چمن و از سر کوهها پینک الی گوشه  
محال شوره کل و از گوشه شوره کل از بالای کوه برف آدا کوز گذر شده از سر حد محال شوره کل و همان حدود  
فرقه سدره برودخانه از پیر چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خا نانشین طالش  
در هنگام عداوت و دشمنی دستبند ستانده لهذا بجهت زباده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبور  
را از جانب اتزلی وارد بیل بعد از تصدیق این صلح نامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان ماموره که بموجب  
قبول و وفاق بیکدیگر و معرفت سر باران جانبین جبال و رودخانه ها و دریاچه امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً  
مخبر و بمنزله مشخص میباشد آن نیز معلوم و معین ساخته آنچه در حال حاضر بر این صلح نامه در سند و تحت  
تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسط اطوسکوه او پیر بندیم  
مسنفر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین از سر حد مزبور  
فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان ماموره طرفین هر یک طرف اوسط اطوسکوه  
او پیر بندیم رضا خواهد داد

فصل سیم اعلیحضرت شاهنشاهی مالک ایران بجهت ثبوت دوستی و وفای که با علیحضرت امیر اطور مالک روسیه  
دارند با این صلح نامه و تبعهها عظام تحت شاهانه ایران ولایات فرا باغ و کبچه که الآن مستی با بلی سابط بولک و  
اولکاء خوانین فتنین شک و شپروان و قبه و در بند و با کوبه و هر جا از ولایات طالش را که الآن در تحت تصرف  
دولت روسیه است تمامی داغستان و کرچینا و محال شوره کل و اچوق باش و کورنه و منکر بل و انجار و تمام  
الکاء و راضی که در میان ففقا زبنده سرحدات معینه الحاله بود و نیز آنچه از راضی و اهالی ففقا زبنده الی کنار  
در پای خزر متصل است مخصوص مغلق دولت امپراطور روسیه میدانند

فصل چهارم اعلیحضرت امیر اطور روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود با علیحضرت شاهنشاهی ایران بجهت  
اثبات این معنی بنا بر هم جواربت طالب داعی است که در مالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی  
را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و از عوض و تبعهها عظام افراد مینمایند که هر یک  
از فرزندان عظام ایشان که بولبعهها دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج با عانت و امدادی از دولت  
علیه روسیه باشد مضافه نماید تا از خارج ننهند کسی دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و با مداد و  
اعانت دولت روسیه دولت ایران محکم و مستقر گردد و اگر در سر امور داخله مملکت فیما بین شاهزادگان  
منافقتی رخ نماید دولت علیه روسیه در آن ممانه کاری بنسبت پادشاه وقت خواهد داشت نماید

فصل پنجم کشیهها دولت روسیه که برود در پای خزر برای معاملات نرد و مینمایند بد سنور سابق  
ما ذون خواهند بود که بسواحل و بنادر جانبین ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشیه

از طرف ایران یاری و اعانت و ستانه نسبت با آنها شود و کشتهای جانب ایران هم بدست و سابق مازون خواهد بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شده بپهن خود در هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دو ستانه در باره ایشان معمول کرد و در خصوص کشتههای جنگ روسیه بطریقیکه در زمان دوستی پذیرفته کشتههای جنگی دولت روسیه با علم در یای خربوده اند حال نیز محض و سنی اذن داده میشود که بدست و سابق معمول کرد و واحد از دولتهای دیگر سوای دولت روسیه جنگی نداشته باشد

فصل هشتم تمام اسراییکه در جنگاه گرفتار آنکه از اهالی طرفین اسیر شده از کربشا و هر مذهب بکر باشند میباشد و عده سه ماه هلالی بعد از تصدیق و خطا گذاردن در این عهد نامه از طرفین مرخص و رد گردیده هر یک از جانبین خرج احتیاج باسرای فرجوده داده بفر اگلیسپار رسانند و کلا سرحدات طرفین بموجب پیشتر اعلامی که در خصوص فرستادن آنها بجای معین بکند بیکر بنمایند اسرای جانبین را باز یافت خواهند کرد و آنانکه بسبب تقصیر یا خواستن خود از ملکین فرار نموده اند اذن بان کسانیکه برضا و رغبت خود داده آمدند داشته باشند داده شود که بوطن اصلی خود مراجعت کنند و هر یک از هر قومی چه از اسرا چه فرار بکر بخوانند باشند باینکسی را با او کاری نیست و عفو تقصیر از طرفین نسبت بفرار بان داده خواهد شد

فصل نهم علاوه از اظهار و اقرار مزبوره بالا رای اعلم حضرت امیر اطور ممالک روسیه و اعلم حضرت شاهنشاه ایران قرار یافته که ایچمان معین طرفین که هنگام لزوم مامور و روانه دار السلطنه جانبین میشوند و نفوق لیاقت و امور کلیه مرجوعه ایشان را برداشته و حاصل و محبت بدست و سابق و کلا بیکه از دولتین مخصوص جانبین را با معاملا در بلاد مناسب طرفین تعیین میکنند کرده زباده از ده نفر عمل بخوانند داشته باشند ایشان با اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده باحوال ایشان همچو کور زحمات سبب بل زحمتی که بر عیای طرفین عاید کرد بموجب عرض و اظهار و کلا رعایای مزبور رضائی نسبت دیندگان جانبین داده شود

فصل دهم در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علینین اذن داده میشود که هر کس از اهالی بخار مخصوص بوشانیکه در سنت عابا و ارباب معاملات متعلق دولت علییه روسیه و با بخار متعلق دولت هبته ایران میباشد از دولت خود پا از سرحدات ایران جانبین نذکره و کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق مجرب و بجانب ممالک ایران این دولت و دولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد متوقف گشته بامور بخارت و معامله اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها با وطن خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و نخو از امکان ممالک روسیه بویالات و نیز از طرف ایران بممالک روسیه بریند نخو بعبوض بیع رسانیده با معاوضه مال و اشیاء بکر نمایند اگر در میان ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب غیره شکوه و ادعائی بموجب عادت مالوفه نبرد و کلا از طرفین یا اگر بکبل باشند نیز در حاله انجام فرنده امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از رؤسداقت مرابسات دعای آنها را تحقیق و معالوم کرده خود با معرفت بکرا ن قطع و فصل کار را ساخنه نکند که نفع و زحمتی با ارباب معاملات عاید و واصل شود و ارباب بخار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک ایران میشوند مازون خواهند بود که اگر خواهند با اموال و نخو خودشان بجانب ممالک پادشاهانه دیگر که دوست دولت ایران باشند و بد طرف دولت ایران بلا مضایقه نذکره راه با ایشان بدهند و همچنین از طرف دولت علییه روسیه نیز در ماده اهالی بخار دولت ایران که از حال ممالک روسیه بجانب ممالک پادشاهانه که دوست و سپه باشند

میرود معمول خواهد شد و فیکه یکی از رعایای دولت و سینه در زمان توفیق و تجارت در ممالک ایران فوت شد  
و اموال املاک او در ایران بماند چون ما بعرف او از مال رعایای متعلقه بدو و لنا است لهذا میناید اموال مفوت جز  
قبض الواصل شرعی رد و تسلیم بازماندگان افوام مفوت کرد و بنزدان خواهند داد که اموال مفوت را افوام او  
بفرود شد چنانکه اینمغی در میان ممالک و سینه نیز در ممالک پادشاهانه دیگر دستور و عادت بوده منعلق  
هر دولت که باشد مضایقه نمیناید

فضل هم باج و مکرم اموال بخار طرف دولت و سینه که به بنادر و بلاد ایران بیاوردند از بکومتان مبلغ یا نقد یا  
در یک بلده گرفته از آنجا با اموال مذکور بهر و لا پنا بران که برود چیزی مطالبه نکرد و همچنین از اموال که از  
ممالک ایران بیرون بیاوردند نقد زباده بعنوان خرج و توجیه محتمل و اخراجات چیزی از بخار و سینه  
و شلتاق مطالبه نشود و بهین بخود در یک بلده باج و مکرم بخار ایران که به بنادر بلاد ممالک و سینه میرند یا بیرون  
بیاورند بدستور گرفته اختلاقی بهیچ وجه نداشتند

فضل هم بعد از نقل اموال بخار به بنادر کنار دریا و با آوردن از راه خشکی بلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار  
بار باج بخار و معاملات طرفین داده شد که اموال و متخواه خودشان را داده اموال دیگر خرید یا معاوضه  
کرده دیگر از انای مکرم از مساجرین طرفین اذن و دستور خواسته باشند براه که بر ذمه انای مکرم و  
مساجرین لازم است که ملاحظه نمایند که معطل و ناخبر در کار بخار بار باج معاملات و وقوع بناید باج خزانه  
از باج با از مسج هر بخود در میان خودشان سازش مینمایند حاصل و باز یافت نمایند

فضل باز هم از تصدیق و خط گذاشتن در این شرط ناچیز بود کلاهی مختار و ولین بلا ناخبر باطراف جابین اعلام  
و اخبار و امر اکید مخصوص بالمره ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ار سال خواهند کرد این شرط نامه  
الحاله که مخصوص استقامت مصالحه دائمی طرفین مسفر و دو قطع مشروط با نر جان خط فارسی هر قوم  
و محتر و از و کلاهی مختار ما مورین و ولین مزبوتین بالا تصدیق مهر منموم گردیده و مبادله بیکدیگر شده است  
مینا پندان طرفنا علیحضرت امیر اطور و سینه از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران با مضای خط شریف  
ایشان تصدیق کرد چون این صلحنامه مشروطه مصدقه میناید از هر دو دولت پایدار بود کلاهی مختار برسد  
لذا ولین ولین علین در مدت سه ماه هلالی وصول کرد در بخار برانی معسکر و سینه در رودخانه زبوه منحال  
کشتا متعلقه بولا یات فراغ بنا ریخ بسبت نهم ماه شوال سنه یکهزار و دو و سبت و بسبت هشت  
هجری تاریخ دوازدهم ماه اکتبر سنه یکهزار و هشتصد و سیزده عیسوی

پس از عهدنامه معطوره ما مورین معاودت کردند همد را نینسال محله ابوسف خواجه کاشغری بسبت  
هزار و سوارترکان بطرفنا ستر آباد آمد و بر لب و در کرکان بانواب شاهزاده محمد قلمبرزا بقنال پرداخت و در  
اول محله لشکرکان شاهزاده را عقیق نشانید ناگاه مردی از کرابی ابوسف خواجه را که در جلونز آکه بود نشان  
و سینه او را هدیه کلونر ساخت لهذا ترکان متفرق شده راه فرار پیش گرفتند همد را نینسال خوانین بخار  
در مخالفت بانواب شاهزاده محمد ولیمزنا متفق و معاهد شدند ایلخان شاهزاده را که در چاران بود  
بغارت بردند و دزدیدند حوالی طوس کردند شاهزاده معظم اسحق خان فرانی را صدیق خود پنداشند  
بمشهد مقدس احضار نمودند اما اسحق خان بخلاف خوانین را بشهر رود داد و خود اظهار راپالت و سرکرد

کرد

کرد و این تنگنای نبود و ناچار با عنذار کوشید و ایالت شاهزاده را با کوس بشاد پانز اعلام نمود همد را بنسب سال  
 خوانین خراسان و همچنان از کجی را بناختن رضا فندس طلبیدند و او بطرف خراسان رانده دره جز را غارت کرد و  
 باز گشت همد را بنسب سال حاجی محمد حسنجان امین الدوله بنظم فارس رفت و پسرش عبدالقادر خان بیکر بیکه اصغرها  
 مدارا بخلاف آمده نمیشد و در وقت استیقای ممالک لقب امین الدوله مفسر گشت و حاجی محمد حسنجان نظام الدوله  
 لقب یافت همد را بنسب سال هزار تومان فرض بر زاهد الوهاب معتمد الدوله بامر هابون از خزانه عامه دادند  
 و عمارت فین کاشان را شروع بساختن کردند و موکی معلی پسر از نقرج در کاشان و زبارت حضرت معصومه  
 سلام الله علیها در قم مدارا بخلاف باز گشتند

سنة ۱۲۲۹ هجری

سنة ۱۲۳۰ هجری

آسیا (ایران) در این سال حضرت سنطاب نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز بدربار هابون آمدند  
 و اسمعیل خان سردار افغانی و طلب خان و ذوالفقار خان برادران او به نینب خواران خراسان که بانو  
 محمد ولیم میرزا والی آنوقت مخالف کرده بودند مامور شدند و در دوازدهم ربیع الاول روانه خراسان کردند  
 و در هفدهم ربیع الآخر در حوالی جلوس اردوزند خواران خراسان هر یک از ولایت خود با طواف کرد و  
 اثرک بطرف جلوس رانده بعد از جنگ سخت مغلوب مفسر گشتند و همد را بنسب سال میرزا ابوالحسن خان شیراز  
 ماه و در بار دوک روس شد که عهدنامه گلستان با مضای امیر طور روس رساند و بعضی هدا یا از  
 جبلت و زنجیر نپل و ده راس اسب بیکصد طایفه سال کشمیر و چند دشت شیبج مراد بد و بعضی جواهر  
 کرابنها و شمشیرهای خراسانی و زربتها مفسول بافتن صفهائی و فوطیهای مرتفع یاد زهر و فاقلهای  
 ابریشمی هراتی و غیره مصحوب میرزا ابوالحسن خان برای امیر طور روس ارسال فرمودند و سر کورا و زلی  
 سفیر انگلیس نیز با جواب نامه پادشاه انگلستان از راه پترزبورغ مراجعت کرد و موکی هابون بقصر  
 فاجار شریف فرما شده از آنجا عزیمت چین کاپوش نمود و در این اوان جز طغیان محمد زماخان فاجار عز  
 الدینلو حاکم استرآباد مسموع امنای حضرت پادشاهی گردیده معلوم شد که باسی هزار سوار ترکان مقیم  
 حرکت و عازم طهرانتند لهذا فرمان هابون خطاب بساراف و اعظم استرآباد شرف و صدور یافت و آنها  
 محمد زماخان و امیر خان برادر او را بکرفتند و مغلولاد در چین نمکه محضو مبارک آورده سپاس شدند  
 و حکمرانی استرآباد بر عهده نواب شاهزاده محمد قلمیرزای ملقب بملک آمو کول گردید همد این اوان ابراهیم خان  
 هزاره با حاجی فیروز الدین والی هرات بنای مراد و را گذاشته او را بنسب خیر غوریان بخیر نمود حاجی فیروز  
 الدین میرزا پسر خود را با سپاهی بر سر غوریان فرستاد و محمد خان ولد اسحق خان در قلعه غوریان محصور شد  
 صلاح در آن دید که یکی با بندگان فرستد و کامران میرزا ولد شاه محمود افغان را بارضا فندس خواند که امر  
 میرزا بطبع شهر مشهد مقدس محاصره هرات هضم شد و حاجی فیروز الدین میرزا چون این بشنید از کرده خود پشیمان  
 گردید ملک فاسم میرزا پسر خود را از دور غوریان برداشته و معتمدی نزد اسمعیل خان سردار فرستاد و فوسل  
 بدولت علیته گردیده متغیل بچاه هزار تومان نقد و خراج همدساله و سکه و خطبه بنام اعلم حضرت خان گردید  
 و اسناد نمود اسمعیل خان با مدارا و ماه و رسته بطرف هرات رفت و در پیل نقره شیند که کامران میرزا در  
 منزل روضه باغ سه منزل آنطرف هرات اقامت دارد سردار بنبر و اعزوق خود را در پیل نقره گذاشته بجانب کامران میرزا

را نکه مران خود را مرد میدان مفاومت ندیده بندگان رفت نصیر خان هزاره را بجزدت نزد سردار فرستاد خلاصه حلبی  
 فیروز الدین میرزا چون بمعاونت سردار ایران آسوده شد پیشکش را که تعیل نموده بنویسد و الفکار خان ارسال داشت  
 و اسمعیل خان سردار بارض اقدس معاودت کرد و هدیه این او ان شاهزاده محمد ولیم زارا از خراسان اخضا کردند و  
 بنا بود نواب حسنعلی میرزا بکمرانی خراسان منصوب شود ولی اینفقره در نظر هابون منافی بامصلح ملکه آمد لهذا نواب  
 شاهزاده محمد ولیم زارا با میرزا عبدالوهاب عبدالدوله و فرج الله خان افشار بارض اقدس مامور فرمودند و ابان  
 نزد و بسطام و بنایب از الخلفه نواب حسنعلی میرزا موقوف شد همدان سال ندر طوایف ترا که سابقا با  
 یوسف خواجگ کاغزی موافقت نموده بودند از مهمات دانشه اللهبارخان دولوی سالار بار و حاجی رضا قلیخان  
 فاجار و علیخان امیر خور را با جمعی از پیاده و سوار مامور داشتند که در کابل فرمودند و محمد فاسمخان فاجار و فرج الله  
 خان افشار و یوسفخان سپهدار که در کابل پوش بودند با آنها ملحق شده در ایحال ترا که از توجه عساکر منصوبه  
 خبردار گردیده احوال و احوال خود را بسفنا فانسبک برده خود فرار برقرار اختیار کردند و در ایصال حبش  
 عروسی سور شاهزادگان معظم امام میرزا میرزای بلخانی ایل جلیل فاجار و نواب محمد رضا میرزا مختصر با نسر نواب  
 حیدر قلی میرزا مختصر بخار و محمود میرزا گرفتند همدان سال هانری الس سفیر انگلیس با عهدنامه که سرگور اوزلی  
 سفیر سابق انگلیس بلندن برده بود بدر بار و ولت علیته آمده بعد از تعیین بکلی و فضل از فضول عهدنامه مزبور  
 امضا شد و صورت آن عهدنامه از فرادین است

**صورت عهدنامه دولت علیته ایران با دولت سینه انگلیس در شهر خبیر ۱۲۲۹**

فضل اول اولیای دولت علیته ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروزه شرط و عهد که هر یک  
 از دولتهای فزنگ که بادولت هبته انگلتره در حالت نزاع و دشمنی باشد سینه باطل و ساقط دانند و لشکر سینه  
 طوایف فزنگیان را از حد و متعلقه بجاک ایران راه عبور بطرف هند و عثمان و سمت بنادر هند دهند و احد  
 از این طوایف ترا که قصد هند و عثمان و دشمنی بادولت سینه انگلتره داشته باشند نکرانکه داخل مملکت ایران  
 شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا نارسان و بخارا و سمرقند و غیره عبور بکند هند نمایند  
 شاهنشاه ایران حتی المقدور پادشاهان و والیان و اعیان آنها را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبور  
 باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف خواه از دور فو و عدل

فضل دوم چون این عهد مخبسته بصدق و راستی سینه آمده امید چنانست که انشاء الله از تعیین و بند بده مصلحت  
 و دوزیر و مقتضیات بکانه در میان افزون گردد و پیوند موافقت میان این دو پادشاه حجاجه فک دستک  
 و ولعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزیر و امر و احکام و لایات و سرحدات مملکتین ابدالاابد برقرار  
 و استوار باشد پادشاه و لاجاه انگلیس را در میناید که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان  
 با امر و سرداران منافق روی دهد دولت هبته انگلیس در آن میان کاری نبیند تا پادشاه وقت خواست  
 نماید و اچنانا اگر احد از مشارالهم و لایق و جائی از خاک متعلقه با ایران را با آن دولت هبته بدهد که باز آن  
 ملک و اعانتی نمایند هرگز امنای دولت هبته انگلیس با این اقدام نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و  
 تصرف در مالک متعلقه با ایران نخواهند کرد

فضل سیم مقتضی کلی از این عهدنامه آنست که دولت فو بشوکت از جانبین امداد و کمک بکند بکری نمایند

دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین بیکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردند این عهد نامه محض از برای دفع تقدم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استغفار پذیرفته است و مراد از سبقت بخا و نمودن از خاک مغلفه بخود و ضد خارج از ملک خود کردن است خاک مغلفه هر یک از دولتهای ایران و روسان فرانسست که باطلاع و کلای دولتهای ایران و انگلزه و دولت روس بعد از این شخص و معین گردد فصل چهارم چون در یک فصل از فصول عهد نامه مجمله که فیما بین دولتهای عثمانیه بسته شده قرار در چنین است که اگر طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران بفرود شتند باینکه دولت علیته ایران از دولت هبته انگلیس خواهش امداد نمایند فرمای همد از جانب دولت هبته انگلیس خواهش مذکوره بعمل بیاورند و لشکر بقدر خواهش با سردار و اساس جنگ از سمت هند و سنان با ایران بفرستند و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بجزوف آن از جانب دولت هبته انگلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهد نامه مفصله که من بعد فیما بین دولتهای قوی معین شده میشود و معین خواهد شد الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دو پست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیته ایران ضد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت با طایفه از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور از جانب دولت هبته انگلیس داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای نگاهداشتن فشوشت ایلچی دولت هبته انگلیس لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضر و خاطر جمع شود و بدانند که در خدشات موجوده صرف میشود فصل پنجم هرگاه امانت دولت علیته ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ با ایران بیاورند مختارند که از مملکت آن ممالک فرنگ که با دولت هبته انگلزه نزاع و جدال نداشته باشند معلم بگیرند فصل ششم اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت هبته انگلیس میباشد در نزاع و جدال با دولت علیته ایران نمایند یا در شاه و ااجاه انگلستان کمال سعی و وقت نمایند که فیما بین دولت علیته ایران و آنطایفه صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد یا در شاه و ااجاه انگلستان بطریق دیگر سر قوم شده از مملکت هند عسکر و سپاهیکان ایران مأمور کند با آنکه دو پست هزار تومان مقرر را بجهت خرج عساکر و سپاه و غیره کارساز دولت علیته ایران نمایند این اعانت و امداد را مادام که جنگ فیما بین دولت علیته ایران و آنطایفه باشد و اولیای دولت علیته ایران صلح ننمایند مضایقه نمایند

فصل هفتم چون فرار داد مملکت ایران اینست که مواجب قشون ششماه ششماه داده میشود فرار داد نخواهی که بعضی عساکر دولت هبته انگلیس داده میشود چنین شد که نخواه مزبور را ایلچی دولت هبته هر چه ممکن شود و در بیشتر کار سازی کنند

فصل هشتم هرگاه طایفه افغانه را با دولت هبته انگلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از اینطرف لشکر تعیین کرده بعسمه که مصلحت دولتهای باشد دولت هبته انگلیس امداد و اعانت نمایند و وجهه اخراجات آنرا از دولت هبته انگلیس بگیرند از فراریکه اولیای دولتین قطع و فصل نمایند

فصل نهم اگر جنگ و نزاعی فیما بین دولت علیته ایران و افغانان اتفاق افتد اولیای دولت هبته انگلیس در آن میان کاری نیست هیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه خواهش طرفین واسطه صلح شوند فصل دهم اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و باغی شود و فرار بکند انگلیس نماید بید مجبض اشارت اولیای دولت ایران انکس را از ولایات مزبور بیرون نمایند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران کنند و اگر خبر

دهند قبل از ورود او را بولایت خود راه ندهند و الا کفره بفرستند و شرایط این فضل از طرفین استغفار پذیرفته  
 فضل بازدهم اگر در بحر العجم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهتیه انگلیس بشرط امکان و فراغ اقبال  
 در آن گشته جنگ و فتنه بدهند و اخراجات آنرا موافق بر آوردن آن وقت قطع و فضل کنند و باز یافت نمایند و کشتهها  
 مذکور بر آن خورها و لنگرهاها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران نشان دهند از جای دیگر بخصت ضرورت  
 عبور نمایند و این عهدنامه بنوسط امیر کبیر و شیخ صدراعظم و نایب الوزاره فایم مقام و معتمد الدوله میرزا عبدالوهاب  
 منته الممالک و کلای دولت علیه ایران با مشر موریه نایب سرگور و وزیری با دولت سفیر نیرد دولت بهتیه انگلیس  
 در این واقعات طیجی جلد بود نوشته و مفرد و از طرفین نسخ برداشته و در خانه نوشته و ماکه و کلای حضرتین  
 علیین میباشدیم این عهدنامه مفصله را که سابقا فیما بین و کلای دولتین بقصود دوازه گانه نکار مشایخ حال  
 بتغییر آن چند که منافی دوستی و کینه دلی و لیبین علیین نبود و بصلاح حضرتین انست منمود در فصول باز گانه <sup>تسین</sup>  
 و تقریر و مخر بر کرده دستخط و مهر گذاشتیم بناریج بیست و نهم ماه نوپیش سنه یک هزار و هشتصد و چهار <sup>عشرون</sup>  
 مطابق دوازه ذیحجه الحرام سنه یک هزار و دوست و بیست و نه هجریه مصطفوی علیها جواهر الف السلام و النجیه  
 بحرانی دار الخلافه طهران صانها الله عن الطوارق الخلفان

پس از انعام عهدنامه هانری الس سفیر انگلیس بر احم شاهانه مستظفر کرد بده معاودت نمود هر دایسال انجیوت  
 نامی که در آن جانب نیکولای در پیچوف سردار روس همراهم میرزا ابوالحسنان سفیر ایران برای هفتین صلح ایران  
 در روسیه در دولت علیه آمد و نصر الله خان نوری با فرستاده منور بتغلیس رفت و حامل خلعت نشان صبح  
 شتر و خورشید که خاصه دولت علیه است برای سردار روس <sup>کری</sup> فانت نامجد کاظم والرافعهها امر و یا موران که  
 در مملکت روس بود از سرداری فشنون فرستاده سعفا کرده آن بجای او منصوب میشود ناپلیون مجدنا سبصد  
 پنجاه هزار فشنون در فرانسه حاضر میکند و وصیت مینماید که اگر در جنگها کشته شود پیش پادشاه باشد و <sup>اش</sup>  
 بنایینا و سلطنت کند پادشاه پروس حکم باحضار فشنون زیاد میدهد امان برضد ناپلیون حرکت میکند  
 اطرش در خفا باروس و انگلیس متحد است سوڈنتر با آنها مشارکت دارد ناپلیون مجبوراد وینس هزار فشنون در اسپانیا  
 گذاشته خود پابل لشکر نازه بجاک المان ورود مینماید عساکر ناپلیون تمام اجوائهای بیخبره جنگ ندیدند  
 و اسب سوار و توپخانه هم گذاشتند در لوزن شصت هزار نفر از عساکر روس و چهل و پنجاه نفر از فشنون پروس  
 بتیپ ناپلیون شکست خورده منهرم میشوند ندایا ناپلیون سوار ندارد که آنها را تماقت کند مشار که چهل روز  
 بنمایین دولت رسیدن اخبار موحش از اسپانول ناپلیون روز فبره در ناپلیون که او را پادشاهی اسپانول برقرار  
 کرده از شهر هادر پذیرا میکند مملکت روس که ناپلیون مجبور است آن سلطنت مستقیلا تشکیل دهد مجددا  
 مابین روس و پروس و اطرش تقسیم میشود مشار که چهل روزه باختم رسیده بنمایین اطرش و فرانسه تقیبا  
 اعلان جنگ میشود و روس و پروس و اطرش در مقابل ناپلیون با فضل هزار نفر حاضر کرده و عساکر متحد خود را  
 بساراد و تقسیم مینمایند از سوی اول در بهم سرداری شوارت ز نبرگ سردار اطرش اردوی دوم در سبلیزی  
 سردار بلوخر سردار پروس و سوم سرداری برنادت از ناپلیون که و بعهده سوڈ شده و با معاندین او متفق  
 است ناپلیون در مقابل این جمعیت سبصد هزار فشنون دارد جنگ سخت ناپلیون با شوارت ز نبرگ در در زد  
 و از آنجا که ناپلیون لشکر سواره نداشت نتوانست شوارت ز نبرگ را تعاقب کند شکست فاکد نالا سردار فرانسه

صاحب منصبها

بلوخر

بلوخر در تیسز عهد اتحاد دول ثلاثه اطریش و پروس و روس با مضای سلاطین مشارالیهم میرسد ناپلیون بسمت <sup>دول</sup> زینک  
 میرود و بلوخر و شوارت زینرگ در بکر و زسه مرنبه با و مینا بند در این جنگ تو چنانه طرفین کشتار زیاد  
 میکند از عساکر المان آنها بیکه با فرانسه متحد بودند در بین جنگ از اتحاد فرانسه بر آورده بقشون روس و پروس  
 ملحق میشوند ناپلیون شکست خورده مجبور میشد بفرار شد بسمت دین میاید بلوخر با سواره زباد ناپلیون را غافل  
 میکند ناپلیون فرار آید مایانن میرسد بولوس در پروس وارد آمستردام پای تخت هلان شد ملک هلانند  
 از طرف سلاطین متفق از تصرف فرانسه خارج مستقل در تحت سلطنت خانواده آرانز که سابق در این ملک سلطنت  
 داشتند اعلام مینماید شوالت زینرگ سردار اطریش وارد خاک فرانسه میشود ممالک منصرف فرانسه در ایتالیا  
 با و میشود ند عساکر فرانسه که در اسپانیا بودند عقب نشینند ناپلیون مجبوراً اسپانول را بفریباند  
 هفتم و گذار میکند در داخله فرانسه جمعی بوضع سلطنت خانواده سلاطین قدیم فرانسه مایل میشوند ناپلیون  
 برای مدافعه عساکر خارجه که مستعد حمل ملک فرانسه میباشند قشونی حاضر میکند (هلاند) گیلوم  
 فریریک از خانواده آرانز در سن چهل و یکسالگی بسلطنت هلاند منصوب میشوند (عثمانی) سر بها محمد آدر  
 ندارد شورشانند و بعد از شکست خوردن از قشون عثمانی اکثرینی در ریش آنها بجاک روس فرار میکند

سده ۱۹ مسیحی

سنه ۱۲ هجری

اسیا (ایران) در اینسال حاجی آقا خان و زبیر حاجی فیروز الدین میرزا حکمران هرات و ابراهیمخان هزاره  
 مجنونه ها بون اعلی حضرت خافان کشور سنان فتح علی شاه مشرف شده از بغدی شاهزاده محمود خان افغان شاک  
 شد و اسناد کما استمداد کرد بنا این خلعتی بجهت فیروز الدین میرزا والی هرات معین فرموده میرزا محمد صادق  
 و فایع نکار مروزی مدار و غده فرخان مبارکه را مامور هرات گردید و ابراهیمخان هزاره بواسطه انسانی که در امر  
 غور بان کرده بود محکوم بنوفت دار الخلافه گردید و امارت طایفه با زادخان پسر محمد خان هزاره مرخص شد هرات  
 سال ملا محمد نجانی که از علمای سمیه دار الخلافه بود بجهت قبول عامه بخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن  
 جنهای شراب ایشان پرداخت نواب حسنعلی میرزا حکمران طهران او را از انیشهرا خراج کردند و محمد مهدیخان  
 مازندانی مختصر شیخه از امر و شعرای ایندولت در این باب گفته است

زاهد بشکست از سرخامی خمی اسباب نشاط می کساران شد طی  
 کر هر خدا شکست ای ای بما و بر بهر ریاشکست پس ای بوی

هدد این سال اهالی زلف آباد فراهان از اعمال قم بر بامانی خان حاکم فراهان شوریده باغی شدند و بر اهله پرداخت  
 عبداللہ خان کرچی پوز باشی غلامان بن ندیده آنها مامور و آنها مقهور نمود همد این سال در ماه رجب موکب اعلی حضرت  
 خافان مملکت سنان متوجه چین خوش بلاق و ساحل کبود جامه گردیده در شهر شوال بدار الخلافه معاودت فرمود  
 همد اینسال اسمعیلخان سردار دامغانی بار دیگر بقلع و قلع اثرات و اگر ادخرا سان روان شد و خوانین آنجا  
 در جوشان محصور گردیدند آخر الامر جنوشتان مفتوح و خوانین مطیع گردیدند همد این و ان میرزا صادق و فایع  
 نکار بارشیدخان افغان از هرات باز آمد و مهد بقلیخان دولوبیکر یکی استرآباد حسین و فریان نام کرد پیران  
 یکی از ناپلین نواب جهاندوز شاه طابشاه بودند کرده و آنها بقضای رسیدند اسر و پیاورد عساکر متحد  
 بجاک فرانسه آمدن شوالت زینرگ بطرفت الزاس عبودا و از رودخانه زین و رود عساکر پروس سرداری بلوخر



بایالت لرز حرکت بر نادت نسبت هلاکت ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در روز ولجوا آمدن و ننگن  
 سردار انگلیس از سمت اسپانیا در این وقت تمام قشون ناپلیون زیاده از شصت هزار نیست مگر خردن ناپلیون  
 بی هفتاد یاب را که به روم معاودت نماید ناپلیون و تبری که مابین اردو بلوخر و شوپلرت زین برگ است معسکر خود فرار  
 میدهد و بهر زار و حمله میبرد و شکست میبخشند بلوخر میدهد بلوخر اردوی خود را جمع آوری کرده به سمت پاریس  
 حرکت میکند ناپلیون در شان این شکست سختی با او میدهد بلوخر مجبوراً بشالان بر میگردد شوالرت زین برگ بطرف پاریس  
 میراند ناپلیون با او جنگ کرده از او عقب میپشتاند اما شمال سولتا از اسپانیا عقب نشسته به تولوز می آید  
 اردوی بز نادت به بلوخر ملحق شده عزیمت پاریس مینماید دول متحده ثلاثه ناپلیون تکلیف میکنند که اگر حدودی  
 که فرانسه در هزار و هفتصد و هشتاد و نود داشته قبول میکند با او مصالحه کند چون این تکلیف را قبول نکرد با  
 او مشغول جنگ میشوند جنگهای سخت ناپلیون با بلوخر سردار پروس شهر پاریس که بتصرف روسها در آمده بود  
 ناپلیون آنرا منزع میسازد شوالرت زین برگ که سمت پاریس حرکت میکند ناپلیون پیشه سردار را گرفته اما تمام قشون  
 دول متحده در شانلن جمع شده سمت پاریس عزیمت مینمایند خانواده بوریس سلاطین سابق فرانسه به الکساندر  
 اول امپراطور روس ملجی میشوند شهر برزد و خود را در تحت سلاطین خانواده بوریس فرار میدهد قشون  
 دول متحده که نزدیک پاریس میشوند امپراطور پروس فرانسه و لبعهد به بلو امپروند و شهر پاریس تسلیم میشود ناپلیون  
 با قلیل قشونی به فنلین بلو امپروند در سلخ ماه مارس عساکر دول متحده وارد پاریس میشوند مجلس پاریس فرانسه  
 خلع ناپلیون را اعلام میکند ناپلیون که از فنلین بلو مضمیم حرکت پاریس است سردارها بتعین اجرا مینمایند با این  
 ناپلیون با سم پسرش استعفا میکند چون سلاطین متحده قبول نمیکند کلبه خود و سایر خانواده اش از سلطنت فرانسه  
 استعفا میکنند ملت فرانسه لوی هجدهم برادر لوی شانزدهم را با سلطنت قبول مینمایند ناپلیون جزیره ای عطا  
 میشود و بزوجه اش ابات پارم و یلز آنس در ایتالیا در آنجا ناپلیون مضمیم مسموم کردن خود میشود روز دوازدهم  
 ماه آوریل ناپلیون با سردارهای خود وداع کرده جزیره ای البرود و همان روز لوی هجدهم از حوالی لندن به سمت  
 سلطنت برتانی پاریس حرکت میکند تا لاراند و ز پرا عظم فرانسه با دول متحده مصالحه میکند و حدود فرانسه را همان  
 حدود سال هزار و هفتصد و هشتاد و پنج و سه قلع هزار و دویست و شصت و سه نوپ سی و یک فروند کشتی کوه  
 و دوازده کشتی بزرگ بتصرف قشون دول متحده در میباید روز پنجم زوجه اول بنا پارت امپراطور سابق فرانسه  
 در پاریس وفات مینماید لوی هجدهم پادشاه ناز فرانسه در یکی این با سلاطین ثلاثه ملاقات میکند و در سیم  
 ماه به سمت سلطنت پاریس وارد میشود همه شاهزادها و اعیان دارای القاب بدیم خود شان میگردند از سر و آقا  
 ناپلیون بر پیشه و مازموج جز و قشون پادشاه نازه میشوند عهد نامه موسوی پاریس مابین پادشاه جدید و  
 سلاطین فنلک منعقد میگردد نشان لژیون دونور بر فرار است و لیکن بجای صورت ناپلیون صورت هانری چهارم  
 در آن نقش میشود کنگره و بنه برای بقای صلح عمومی فنلک بر با ست مشرتیج وزیر اعظم اطریش منعقد میگردد  
 پادشاه پروس مملکت ساکس را مطبلید نروژ ضمیه شود میشود هیکلاند تعلق بانگلیس مینماید انگلیس  
 خرید و فروش سیاه پوتس را منزله میسازد مملکت هانوز بوساطت انگلیس سلطنت مستقل کرده و به واز  
 تحت تصرف پروس خارج میگردد (انگلیس) اختراع الکبینه یعنی اسب آتشین که حرکت کالسکه های راه آهن را  
 بدست میآورد استعنان سن (ایتالیا) ایالت لباردی صمیمی اطریش میشود پاپ وارد روم میگردد و تمام

بلاد او که فزون فراتر آنها را مستخر کرده بودند با و رده میشود (اسپانول) فرد بناند هفتم که ناپلیون با و آزادی داد  
 و تاج سلطنت اسپانول را عطا کرده در سلطنت مستقل میکرد و نسبت با شخصی که سبب شورش شده بود ندظم و  
 نقد میکند مگر یک تمکین نمیکند که جز و اسپانیا باشد و آزادی طلب میکند شیل نیز با وجود فنی که سردار اسپانول در  
 این مملکت میکند ربقه تبعیت را بگردن نمیکرد و لکن ویز و لا و نول گزید بعد از تبعیت اسپانول میناید (فرانسه)  
 لوی هجدهم پادشاه مستقل است امانه با استقلال اجدادی بلکه سلطنت مشروطه و پارلمنت دارد مارشال سوئٹ  
 و زبر جنگ میشود آیل در موزا نارنج چین را بفرانسه ترجمه میکند امریکا (اتاؤنی) شهر واشنگتن پای تخت  
 لئاؤنی را انگلیسها منصرف میشوند و آنها را خراب میکنند و آتش میزند اما بعدا ناؤنی انگلیس را شکست داده  
 مصالحه میکند

۱۱۵ هجری

۱۲۳ هجری

اسپانیا (ایران) در اوایل اینسال موکب اعلم حضرت خاقان کشورستان فتح شاه بشکار مسپله قم تشریف فرما  
 کرد بدینسال میرزا فضل الله شیرازی مؤلف تاریخ صاحبقرانی در سلك منشیان حضرت پادشاهی  
 منسلک کرد بدینسال چون خوانین خراسان با نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی اینولایت مخالفه داشتند  
 نواب معظم فرج الله خان افشار شرفی با شی از دربار هاپون با سعادت خود طلبید و مشارالیه باده هزار پیاده  
 و سوار روانه شد مقارن اینحال محمد رحیمان خوارزمی باغوا می قریان قلیج موث باسی هزار سوار بطرف دشت  
 کرگان و استرآباد آمد و این خبر معروض آستان معلی گردید حکم هاپون شد که فرج الله خان افشار که مامور  
 خراسان و در سبطام بود با ذوالفقار خان و مطلبخان دامغانی بدفع محمد رحیمان روانه شوند مشارالیه هم  
 بدانصوب شتافته در حد و دیر ک من اعمال فندک با محمد رحیمان مصاف دادند محمد رحیمان بعد از مفارقت  
 شکست خورده بطرف جنوه فرار کرد و اردو او را عساکر منصوبه غارت نمودند نواب شاهزاده محمد ولی میرزا  
 بعد از مقهور شدن محمد رحیمان بجبال ننبه اگراد افتاده محمد خان فاجار نایب با امیر قلیج خان تیمور و عبد  
 الکریم خان عرب بسطامی و جمعی مجاصره را دکان فرساده و خود نیز بدهر خزانند و بیکر خان چایشلو حاکم  
 دره جزا منظم ساختن بطرف راگان شتافتند خوانین خراسان عربضه محضو اعلم حضرت خاقان ارسال داشتند  
 از قوجه خان که در دکان محضو بود شفاعت کردند و حسب المصلحه این شفاعت پذیرفته شد و حکم هاپون  
 بترک محاصره شرفمند و دریافت لهذا نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا با رضافتس و خوانین با ماکن خود معاودت  
 کردند بدینسال اسحق خان قزاقی که ظاهر با شاهزاده والی خراسان موافق و در معنی نفاق داشت  
 حسنعلیخان پسر خود را بدربار هاپون فرستاده در باطن عزل شاهزاده را مستند می شد و در ظاهر جلوه  
 ترشیز را و اگر چه ابتدا پذیرفته نشد ولی در تانی حکومت ترشیز را با و مرحت فرمودند و او بمجل حکمرانی رفته  
 نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا اعنائی نمود شاهزاده او و پدرش اسحق خان را احضار کرده بجزای خود رستاق  
 و محمد خان پسر دیگر اسحق خان که در ترشیز بود ضبط اینولایت را بحسینعلیخان واکذا کرده بقلعه دولت آباد  
 رفت و در آنجا محضین شد و بنفشه و فتا پیرا خت و واقعه اسحق خان و حسنعلیخان محمد را خیال خوانین خراسان  
 مشوش ساخت حاجی میرزا احمد میرزا حاکم هرات بجبال نصر و غوریان افتاد و ملک فاسم میرزا پسر حاجی فرود  
 الدین میرزا این ناحیه را مسخر نمود و بنیادخان هزاره بجز یک محمودخان بغارت بعضی ولایات مشغول شد

خراسان

برادر خود

محمد خان فاجار نیابت فرج الله خان افشار نهب غور بان و کوسو و باخر و هزاره و فتنه پس از ناخفت و تاز نب  
 ملاحظه کردند و در اینجا فتنه ای که با محمد خان ناپ بودند مفرق شدند و فاعنه و هزاره و فرانی دانستند که محمد خان  
 لشکر عه ندارد بمنازعه او آمدند و او چون از عهد جنگ با آنها بر نیامد بمشهد مقدس شتافت و مصطفی خان سدان  
 رسنای اسرا بادی بدست محمد خان قرانی گرفتار شد بالجمله خوانین خراسان اختلالی در کار مملکت انداخته و حاجی  
 فیروز الدین میرزا را بتسخیر از رضا اقدس محراب منقودند و این مقدمان سبب شد که اعلم حضرت هابون نواب شاهزاده حسنعلی  
 میرزا را شیخ السلطنه لقب داده با یاک خراسان منصوب فرمودند همدان سال عبدالرشید خان فرستاده حاجی فیروز  
 الدین میرزا اذن معاودت بمرات یافت و میرزا محمد صادق و فایع نکار و داروغه و قزاقان مبارکه با او مامور هرات شد  
 امر و پاکت کرده و بنه هنوز بانها فرسیده است اتفاقاً در عهد محفی ما بین فرانسه و انگلیس بر ضد روس حرکت کردند  
 ناپلیون از خبر این باب با هفتصد نفر سرباز پی که با او بودند بقصد سلطنت فرانسه ناپلیون در حوالی کان از کشتی  
 بپاریس آمد لوی هجدهم منزلت شده فتنه جلوبو ناپلیون میفرستند ناپلیون بسبب این حرکت بمنابند و فتنه که جلو  
 او آمده او را امپراطور خطاب میکنند مارشال که کمال صداقت را با پادشاه نازه دارد و قشکه بنا ناپلیون بر میچورد  
 خود داری نکرده خود را بیای و میاندازد لوی هجدهم فتنه خوش شده از پاریس فرار میکند و ناپلیون در بیستم ماه  
 مارس وارد توپلری میشود و مجدداً سلطنت بر فرار میگرد و دولت سلطنت دوباره ناپلیون یکصد روز است  
 که از ده ماه مارس ناپلیون در و تم زدن باشد لوی هجدهم در هرات در شهر گاندینا پیچید و آنچه از قواعد  
 آزادی لوی هجدهم از فرانسه سلب کرده بود ناپلیون باز عطا میخاید اقوام سلطنت از پاریس فرانسه فرار میکنند  
 اجرای کنکر و بنه ناپلیون را دشمن عالم میخوانند و انگلیس و روس و اطریش و روس مضمیم میشوند که هر یک صد و  
 پنجاه هزار فتنه جمع کرده بجنگ ناپلیون روند سه اردو تشکیل مییابد اردوی اول سرداری شوارتز نیر گار و دو  
 دویم سرداری بلوخر سرداری روس و ولنگن سردار انگلیس باشد اردو سیم را الکساندر امپراطور روس خود قبول میکند  
 با آنکه ناپلیون طلب صلح میکند هیچکس نزدیک او نمیاید عساکر انگلیس سرداری ولنگن در بلژیک جمع میشوند ناپلیون  
 سیصد هزار فتنه جمع میکند کنکر و بنه معاهده خود را با مضای دولت اطریش و انگلیس و روس و ملا فرانسه  
 اسپانیا بول و پرتغال و سوئد میرساند این معاهده مشتمل بر صد و بیست فصل است ناپلیون با صد و بیست هزار فتنه  
 بطرف بلژیک حرکت میکند روس و انگلیس در بلژیک میمانند در این جنگ خونریزی سختی بین طرفین در میگیرد  
 در وائر لوی ناپلیون خود جلوانگلیسها را گرفتار کرد و بی سر داری خود حکم میدهد که جلوانوخر سردار روس را بگیرد که  
 دو دشته فتنه معاندند بیکدیگر فرستند شب جنگ را از لوان جلیت باذوقتی و سراها و باران و فندان آتش بر  
 عساکر فرانسه بدترین شبها بود در هجدهم زدن ناپلیون با ولنگن سردار انگلیس مقابل میشود کرویشتی سردار ناپلیون  
 خط با چانت کرده جلوانوخر سردار روس را نمیکرد و لشکر پاریس و انگلیس هم ملحق میگرددند ناپلیون نزدیک بود  
 فتنه انگلیس و لشکر دهد که عساکر روس بیک انگلیسها رسیده چون آیند و لشکر هم پیوستند شکست سختی  
 بنا ناپلیون دادند فتنه فرانسه و ناپلیون فرار کردند و هر جرج غریب در دارد و آنها افتاد ناپلیون بپاریس  
 بقصر لیزیه ورود نمود و از امپراطوری استعفا کرده پسر خود را ناپلیون دویم و امپراطور خواند و کلای ملت  
 اغنا بجر و حکم ناپلیون نکرده غریب لوی هجدهم پاریس فتنه انگلیس و روس از وائر لوی بطرف پاریس  
 راندند و ناپلیون به بند در شرف رفت تصرف نمودن عساکر متحد پاریس را و رود لوی هجدهم با سربازان

کر شعار

که شعار سلطنت آنها نواره بود در هشتم ماه ژوئیه پاریس فوئشتر و نالران دو نفر وزیر و پروده نغش ناپلیون در انور باوجانت میکنند و سبب خلع آخری او این نفر میشوند سلاطین روس اطرش و پرودس در هم رویه وارد پاریس میشوند و کورفوشون خارجیهات و بلاد فرانسه غارت مینمایند ناپلیون در کشتی موسویه سالان فشنه لیمت انگلیس فرست که بیک فرزند کشتی انگلیسیه که کاپی ثن آن میلاند نام داشت بر خورد ناپلیون از کاپی ثن مشارالیه خواهرش کرد او را با انگلیس و نزد ناپس السلطنه بر کاپی ثن این تکلیف را قبول کرده او را در کشتی موسوی به بلژیک فرستائید و ناپلیون کاغذی بخط خود بنایب السلطنه انگلیس نوشته مضمون آن اینکه من بنویس راه آورده ام و در خاک تو ایمنه بخوام اما دول فرنگ ناپلیون را مجبوس خود دانسته و حراسا او را با انگلیس رجوع میکنند بنا بر این دولت انگلیس جزیره سنت هلن را که در دریای محیط آتلانتیک واقع و یکپارچسنگ خشک و دارای هوای غیر سالمی محل حبس ناپلیون قرار میدهند اشخاصی که در این مسافرت واعتراف می کنند برتراند و مزلن و گورگد و لاسکاس از رجال و سردارهای او بودند دولت فرانسه هفتصد ملیون فرانک بطور وجه خسارت بششون متخذه میدهند صد و پنجاه نفر از فوشون متخذه مدت پنجاه ر بعضی از قطعات فرانسه مقیم خواهند بود در این صلح با دول فرنگ و خلع ناپلیون معادل چهار صد کرد و نومان خسارت فرانسه شد اما در بیست سه سال مجادله که با دول فرنگ کرده بود بهر وجه خسارت فرانسه بهشت صد کرد و تومان پرسید (فرانسه) لوی هجدهم پادشاه فرانسه بعد از آنکه در ثانی مملکت فرانسه ورود نمود بنای بعد را نسبت بخواهان ناپلیون گذاشت از جمله مارشال برون بجرنگ او کشته شد و مارشال برون مجبوس و ژنرال رامیل نیز مقول کرد بد مارشال برون در مجلس اسنطاق حاضر شده بعد از گفتگوی زیاد حکم قتل او صادر شد سورش مردم در اغلب ایالات برضد پادشاه جدید (روس) الکاندر اول لقت پادشاهی هشتمینا با القاب سلطنه خود الحاق میکند (ابطالیا) مورات پادشاه ناپل که بعد از مرگ ناپلیون اظهار خدمت با کرده بود دول متخذه او را از سلطنه خلع میکنند و فوشون اطرش با او جنگ کرده مورات بدست آمده مقول میشود (المان) مملکت المان از این بعد موسوم به کفیدراسپن ژرمانیک میشود و بعد ها ما مو دین دول در فرانکفر جمع خواهند شد و باست مامورین مزبوره باشخصه است که از طرف دولت اطرش معین میگردد امپریکا (انائون) ژنرال ژاکسن بر عساکر انگلیس غلبه مینماید

از جزیره البسم

سند مسیحی

سند هجری

آسیا (ایران) در هفدهم محرم این سال نواب شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و الی خراسان وارد مشهد مقدس گردید و خوانین خراسان که بقتله فساد پیرا خشد بجای خود آرام گرفتند حاجی فیروزالدین میرزا حاکم هرات عبدالرشیدخان افغان را با نامه و هدایا بتمجیف و رود نواب شجاع السلطنه بخراسان فرستاد و از گذشته معتذرت خواست میرزا محمد صادق و فایع نکار را که نه ماه در هرات مجبوس داشتند همانگونه مشارالیه بخدمت نواب شجاع السلطنه آمد و ملک ناسم میرزا پیر فیروزالدین میرزا غوربان را بطلب خود هدایت نمود و اینچون طایفه الکراد بلیاس بخاک ارومی قشر و بعضی بی اعتدالها نموده بودند و پیش از این حضرت مستطاب بآب السلطنه امیرخان حال خود را با بوسه فغان کرمی سر هندی فوج پیادگان نیکر مسلمان بنادید آنها ما مو فرموده بودند این او فای محبت امیرخان فاجار با جمعیت بود انخان مکری سر باران جمعی ابراهیم بیک سرتیپ جعفر ظلیخان مزاجه و غیره نیکب آبخاع بخته در محل گرمیان در نزد یکی شهرزور بر آنها حمله نموده فریب بگرفتند و نواز بلیاسهارا مقول نمودند

و سردار پیران ناخست و نواز و معفو نمودن آنجا عتقا و معاودت نمود همدانین سال چون نظم طایفه بخناری بر عهده  
 نواب شاهزاده محمد علمیر زای و لنت شاه موکول شده بود و اسدخان بخناری هفت لک بخصانت در مهران <sup>مهر</sup>  
 کرده از خدمت نواب شاهزاده محمد تقی میرزا حکمران بر و جرد تقاعد داشت موکب و لنت شاه بطرف مهران روانه  
 شد و چون نزدیک مهران رسیدند میرزا محمد اوسانی و زهر و پیشکار خود را با ستمالک اسدخان فرستادند و <sup>عسا</sup>  
 نواب شاهزاده اطراف دز را احاطه نمود اسدخان چون دید مقرتی و چاره جز آمدن بحضور شاهزاده نیست مصالح  
 میرزا محمد اوسانی را پند و پند از قلعه برآمد و با ضراعت استکان عذر تقاعد از خدمت را بجو است <sup>معد</sup> رفتاد  
 قبول و معفو کرد بد و اطمینان کامل حاصل نموده براه انقیاد و اطاعت رفت و ترک خود سرور را هرگز نمود <sup>الینا</sup>  
 نواب شاهزاده علیخان ملقب بظلال السلطان شده ایالت دار الخلافه طهران را بشاهزاده مغزی المیر تقی <sup>میرزا</sup> فرمودند  
 و نواب اسمعیل میرزا بجمکوف نریش منصوب شد و میرزا موسی رشتی که از جانب نواب حسنعلی میرزای شجاع <sup>سلطنت</sup>  
 پابند داشت احضار کرده بوزارت خراسان برقرار و روانه شد و حکومت بزرگ را بچند ماه خان سپهر نظام  
 الدوله اصفهان مرخص فرمودند همدانین سال حاجی میرزا ابوالحسنخان شیرازی که بسفارت بدر بار د و لنت در  
 رفته بود و بواسطه جنگ دوس و فرانس امیر طور روس الکساندر بفرانسه <sup>ممنه</sup> فتنه بودند و سفیر فشارالبه  
 در خارج شهر بطرز بوزغ توقف کرده منتظر قدم امیر طور معظم بود بحضور ایشان مشرف و مورد الطاف کامله  
 گردیده عهدنامه منعقده بین دولین ایران و روس بامضای امیر طور روس رسید و الکساندر بملوف سردار کرسیا  
 نسبت ذریه بخناری از جانب وکالت ماموران شد و مقررت کردید که وزیر بخنار مشاورالبه در موعده معین در چمن سلطان  
 شرفیاب بحضور علیحضرت خاقان کشودستان فخری شاه کرده و عسکرخان افشار ارومی بممانداری سفیر رفت حکم  
 شد میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله بولایت <sup>پنج</sup> د و دیپرازد و در سفیر نیز بود و در چمن سامان ارضی بکفر سخی  
 سلطان نیز فرموده و میرزا فضل الله علی آبادی بامعتمد الدوله همراهی کرده مواظب لوازم و مخارج سفیر باشند  
 همدانین سال نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه از ارض افسر غنیمت هرات فرموده در اوایل ماه جمادی الاول <sup>میرزا</sup>  
 رسیدند و رضا فلخان و ولد امیر کونر خان طوعا کرها بخدمت شاهزاده آمد و روز دیگر خوانین خراسان یعنی <sup>میرزا</sup>  
 شادلو حاکم بخرم و بیگلرخان چانشلو حکمران دره جز و سعادتفلخان بعا پرلو حاکم جهان ارغیان و قوجه خان  
 کبوانلو حاکم رادکان نیز بحضور شاهزاده معظم مشرف شدند و ملتزم خدمت گردیدند و دو هزار سوار برای  
 التزام رکاب الامعین کردند پس از چندی اردوی شجاع السلطنه بمنزل سنک بست جام نزول نمود و محمدخان  
 قرانی فوتی در انجیل بحضور شاهزاده شرفیاب گردید و هنگام عبور از حوالی محمود آباد که در تصرف بنیادخان <sup>میرزا</sup>  
 بود قلعه کبان <sup>نفت</sup> که بطرف ناردو خالی گردید شجاع السلطنه بتسخر قلعه حکم دادند عبداللہ خان ارجمند نیز <sup>میرزا</sup>  
 در ستمخان فراگوزلو و مطلبخان دامغانی و اسمعیلخان سردار بقلعه پور شمرند و قلعه را مسخر کردند  
 و جمعی کثیر از هزاره مفضول و دستگیر و اموال زیادی از آنها بعارث رفت در دوز و در تبرت شیخ جام عطا  
 محمدخان افغان از جانب <sup>الی</sup> هرات بتسلیم قلعه غور بان و اطاعت بد و لنت ایران آمد نواب شجاع السلطنه  
 چون اطمینان با فوالمشارا المیر نداشتند از جام بکوسویر راندند و میر حسنخان عرب ننگونی حاکم نون و طیس  
 در آنمزل بخدمت ملازمان نواب شاهزاده شتافت و روز دیگر بغور بان رفتند و از آنجا روانه شکیبان شدند  
 بعد از ورود بپل نقره معلوم شد شیخا کچیان حاجی فیروز الدین میرزا در مصلی هرات و نل بنکیان مستعد <sup>میرزا</sup>

میباشد و والی هرات خود در شهر آسوده است لشکر نصرت از بر شجاعان فریبور حمله کرده بسیار از آنها را  
 براه علم فرستادند و نواب شاهزاده در کنار رود انجیل <sup>سنکری</sup> بسنه سران سپه را بناختن طرف هرات حکم دادند  
 حاجی فیروز الدین میرزا کلید غور بان را با پنجاه هزار تومان تسلیم کرد و منقبض شد که خطبه سکه کاگان با اسم  
 اعلی حضرت خاقان باشد لهذا موکب الاعازم بادعیسات و بپشه هزاره کردید و اسمعیل خان سردار در دره بام  
 با بنیاد خان هزاره مصاف داد و شکست فاحش خورد و لشکر او متفرق شدند پس از این نواب فوج السلطنه  
 مراجعت کردند همدار ایستاد در دار الخلافه محشر عروس سور نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان و نواب اللهو پرت  
 میرزا پیرا خند و الکساندر پهلوف وزیر مختار دولت روس که خود را از بنا بر جو <sup>عج</sup> خان بن چنگیز خان میدانست از  
 نقلین بطرف ایران حرکت کرد و عسکر خان افتاد هما اندازد و در اوچ کلپسا بوزیر مختار رسید و روانه پروان  
 شدند و حسنخان برادر حسنخان سردار با پنجاه سوار او را استقبال کرد و سردار خود در خادج پروان در خگا  
 وسیع با شرفیاف لایقه ایچی روس را بدین برفت و هنگام ورود پیشتر برین از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 بدین برای کامل از مشارالیه بعجل آمد و آخر الامر در چین سامان ارضی ترویج کرد تا روز و رود موکب اعلی حضرت هاپون  
 بسطایند وزیر مختار روس با شرایط اعزاز درک حضور مکرر ظهور خاقانی نموده محف و هدایای خود را تقدیم کرد و از  
 جمله هدایا فیل و هوچی از زرسرخ بود که با کلید آنرا کونک میگردند و حرکت در می آمد و سه قطعه آبنی بود که هر یک  
 دو ذرع و نیم طول داشت و زیاده از یک ذرع عرض و کثرت از یک چهار یک ذراع سخن و آن آبنی مخصوص عارات سلطنت دارا  
 شد همدار این اوان مجلیخان خلیج بسفارت بدبار عثمانی مامور و نامه منبر بر مودت بسطایند خود خان سلطان  
 عثمانی مرقوم شد همدار ایستاد میرزا خلیل الله (شاه خلیل الله) ابن میرزا ابوالحسن مرشد طایفه اسمعیل در نزد  
 مقبول شد میرزا خلیل الله فریبور چند حاکم کرمان و بعد ساکن محلات قم و پزد بود در این سال میان ملازمان او  
 و اهالی نزد تراسی در گرفت و او در آن نزاع کشته شد و از آنجا که از سادات حسینیه بود و بواسطه ریاست بر استا  
 در ایران و هندوستان اعتبار داشت حکم اعلی حضرت هاپون اهالی نزد سیاستی نسبت نمودند و آقاخان ولدا کبریا  
 خلیل الله بشرف مصافرت پادشاهی و حکومت قم و محلات نایب آمد همدار ایستاد نواب شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما  
 قاری محمد زکیخان نوری سردار فارس مامور بنا دب اعراب جو اسمی ساکن بند مغوبه فرمودند و سردار فریبور مجمل  
 ماموریت خود رفته نقل و هب پراخت همدار ایستاد موکب هاپون غریب ما نذران فرموده چند در عمارت مجرا  
 بار فروش بشادمانی کنز زینده پس از آن بدار الخلافه با شرمه معاودت فرمودند همدار ایستاد محمود شاه حکمران کابل  
 و مشهد هار فنیج خان افغان را که وزارت اخذ و داشت مردی بجایک بود <sup>بصنوان</sup> معاودت فریبور الدین میرزا هرات مامور  
 نمود و او بظاهر هرات نزول کرده پس از ملاقات هنگام وداع حاجی فیروز الدین میرزا بگرفت و بشاد هار فرستاد امر  
 او را مقبول و اهل و اموال او را ضبط و تصرف نمود و حاجی آقاخان وزیر و عبدالرشید خان افغان را بقتل رسانید  
 و خود بگور هرات پرداخت و برادر خود کهنده خان را بپنج غور بان فرستاد و اسرا و خواستین خراسان را با خود  
 متفق ساخت و در جم خان خوارزمی را نیز محکوم شده و در جم خان بر سر سر خسر مد مقبول شدن حاجی میرزا محمد اجناد  
 معرود در کابلین در عوای عوام و کرامات زیاد نسبت باین عالم داده اند <sup>اسرویا</sup> (المان) بعد از کتک و بنه  
 مجلس شورای برپاست و نشاط پیشین برای تمام دول المان در شهر فرانکفر منعقد نمودند و این شورای موسوم به  
 شورای بیست و نهمین ژانویه کرد فوت فریبور پادشاه و در تبریک و جلوس پیش کیلوم اول بجای او (انگلیس)

منازعه عساکر انگلس با والی الخیر ابرو حکم کردن والی مشارالیه الخیر ابرو را (فرانسه) ایجاد یکانی بجهت سفاین بخاری  
 (پرتوغال) فوت ماری ملکه پرتوغال پسر این ملکه که پادشاه برزیل بود و موسو به ژان ششم پادشاهی پرتوغال را  
 ضمیمه سلطنت برزیل مینماید ولی از این مملکت پرتوغال بنامه و نه الواقع پرتوغال در فتح کمرانی انگلسها میباشد  
 (روس) شهر مسکو را که آتش زده بودند تعمیر میکنند (عثمانی) در سرستان عثمانها قرا و آبا دیوار آتش میزند و برجا  
 و نامور احد ابا غنیمتیند چوپان زاده ابرو یو یو یو نام ریاست شورشان را که بر ضد عثمانی هستند مینماید امریکا  
 (نیکو بنای جنوبی) بلنواژ نام در مملکت فریولای بنای باغیگری را با دولت اسپانیا گذاشته با عساکر اهند و لک جنک  
 میکند مملکت پلانانرا ازادی خود را از اسپانیا نول طلب مینماید

سده ۱۱۷ مسیحی

سده ۲۳ هجری

اسیما (ایران) در این سال اعلم حضرت خافان کشورستان فتح شاه معتمد الدوله میرزا عبدالوهاب اصفهانی  
 را با سنانک خوانین خراسان مامور فرمودند و ذوالفقار خان و مطلب خان را بمدافع لشکر خوارزم و افغان  
 مثال دادند و حاجی میرزا ابوالحسن شترازی سفارت انگلس رفت و هدایا بصلح با او برای امپراطور عنسه ولوی  
 هجدهم پادشاه فرانسه و بجهت پادشاه انگلستان ارسال نمودند و میرزا عبدالحسنخان سفارت عنسه معین و  
 با مشارالیه بمجل مامور بن خود رفت و موکبها پون شریف فرمای چینی که و ساور کرد بدهد اینسال فتح خان افغان  
 بالشکر فراوان عنقهت ارض اقدس نمود و محمدخان فراتی و ابراهیمخان هزاره بد و کردند نواب حسنعلی میرای  
 شجاع السلطنه بالشکر چار از ارض اقدس برای دفع فتنه خان حرکت کرد و در کال یا قونی معتمد الدوله و خوانین سنان  
 و دلمغان نواب معظم پیوستند و فتح خان افغان با سی هزار نفر سوار افغان و هزاره در کوسویه مستعد جنگ شد  
 نواب شجاع السلطنه بنه و آغزوق را در کافر قلعه گذاشته در میان رباط کافر و کوسویه با فتح خان بمقاتله دست  
 پیر از جنگ سخت لشکر افغان منهرم شد و کلوله بردهان فتح خان آمده راه فرار پیش گرفت و در این حصه و بصر معتمد  
 الدوله جمعیت بنهاد خان را کمان اردو و شاهزاده کرده بمیان آنها رفت و دستگیر شد نواب شجاع السلطنه زخم حکومت  
 باخزر و کوسویه غور بان را برای بنیاد خان فرستادند و او نیز معتمد الدوله را با نثار کی شایسته بحضور شاهزاده فرستاد  
 هدیه این وان موکبها پون بالشکری چار بام و دود نمود و محاصره قلعه بام اشارت فرمودند و بعد از دویز  
 قلعه بصر عساکر منصوبه در آمد رضی قلیخان برادر سعادت قلیخان بغا بری که در قلعه بام بود با فرزان و شمشیر  
 بحضور مبارک آمد و او و برادرش هر دو معفو شدند و از انفاقات آنکه خافان کشورستان رو کرد در قلعه بام کرد  
 میکردند کلوله از قلعه بطرف اعلم حضرت پادشاهی انداختند آن کلوله بکفر از غلامان که در نزدیکی بود خورد و از  
 اسب و غلطید و با اینکه مرتب بدست آمد و اعفو فرمودند هدیه این وان رحیمخان خوارزمی که از حرکت وانه ناصر موکب  
 خافانی خبردار کرد پله راه فرار پیش گرفته بچپوه شتافت و خوانین خراسان طوعا و کرها مطیع شدند و حکمها پون  
 محاصره خوشان شرفصد و دهافت و رضا قلیخان بقلعه شروان کوچت و میرزا محمد شفیع صدر اعظم منو تسل شد  
 صدر اعظم بامیر زار رضای فرزند پنی منسه و میرزا فضل الله علی آبادی ما زندانی و میرزا فضل الله خاور شیرازی برای  
 اطمینان اطمینان و ان رفتند ولی رضا قلیخان مطمئن نکرد بد صدراعظم مراجعت نمود و نواب شجاع السلطنه با خوانین  
 واکابر و امرای خراسان بار دوکها پون پیوستند و میرزانی خوانین و امرار که بکپهزار و پا بصد نفر بودند حاجی  
 محمد حسنخان نظام الدوله اصفهانی برعهده گرفت و طور انبار را با انجام رسانید که محل نجیب زکان کرد بد

همشیره زاده میرزا ابوالحسنخان

کوبند و این وان در شبی از یک در کوه الی عمیق که فاضل آب مطبخ نظام الدوله بود و نفر شرکان افتاده غرق شدند  
 بالجملة چون کار خویشان و رضا فلجان یکسره نشده بود فرمان هاپون مجامعه این بلده و ناراج ابلات و احشامات  
 و توابع و لواحق فلجانات رضا فلجان زعفران لوصاد رکرد بدو پس از ناخ و ناز و غلبه رضا فلجان و سابل و شغفا  
 برانگشت که خدایان و زنان و پسران ابل خود را با توپ و چیماره و زنبورک و جزایر و شمشال و تفنگ و کمر و کمان بار و  
 معی فرستاد و مورد بخشش و عاطفت خانی کرد بدو و پناه محوود والی قندهار و کابل حکم شد فیج خان را گرفته  
 مقبلا بحضور مبارک فرسند با از حلیه بصر عاری سازد شاه محوود شوق آخری را اختیار و اطاعت نمود و از  
 پیشگاه هاپون خلعتی فاخر و خجری مرصع بجهت حاکم مرات مرحمت شد و امیر حسن خان عرب نگوئی و کپل خراسان لغت  
 یافت و امرای این ایالت مرخص شده با وطن خود باز گشتند و اعلم حضرت خاقان کسورستان بزبان حضرت علی بن  
 موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء فایز کردیدند و پس از شش <sup>روز</sup> توقف در ظاهر مشهد مقدس بدار الخلافه معاود  
 فرمودند و ولادت نواب سلطان مرزا (حسام السلطنه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه در ماه ربیع الثانی این  
 سال ولادت نواب الافرهاده مرزا (حاجی معین الدوله) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه و بعد در قاجاریه اولی  
 این سال عهد انیسال چای عرف که بفرانسیه کنونی کوبند بوجهات حضرت نایب السلطنه در ایران رواج یافت  
 و بعضی شروع و رواج این صنعت را در ایران از وقایع سال قبل دانسته ولادت نواب شاهزاده پچی مرزا  
 امری (انکلیس) فوخت انکلیس در هند استیلای انکلیس این اوقات تا سواحل بود پنجاب امتداد دارد  
 (فرانسیه) در این دو سال که خطی بر مذکوره است دولت فرانسه ببلخ کرافاز دولت روس کشیدم ایتباع میکند  
 شهر یار پس بواسطه چراغ گاز روشن میشود مادام استنایل نویسنده معروف وفات میکند (روس) مرزا  
 گراندوک نیکلاد را در امپراطور روسیاد خنر یاد شاه پروس

۱۱۸ هجری

۱۱۸ هجری

اسیبا (ایران) در این سال خالوق داود خان درانی بایک زنجیر قیل سی طاقه شال کشمیر و مبلغی نقد  
 از جانب شاهزاده کامران بدر بار خاقان کشور شتافتند شاه آمده معروض داشت که بعد از فیج خان و مقید  
 نمودن برادرش پسر دکنان شاه محوود از فراه بقتل هار رفت و بفکر کار افتاد و پسر دکنان برادر دیگر فیج خان  
 جمعی را در قلعه ناد علی و در خود جمع کرد و بجالیفت با شاهزاده کامران برخاست و برادران محبوس خود متوجه  
 و پسر دکنان را خواست شاهزاده کامران ناچار آنها را بر دکنان تسلیم نمود و در اینحال برادران دیگر فیج خان که  
 هر یک در صوبه صوبه ار و حاکم با افتاد بود نواز و قهر آگاه کشته بنای طبعان را گذاشتند عجب عظیم خان که  
 صوبه دار کشمیر بود در سنجلی خان و پسر دکنان برادران خود را به پیشاور فرستاد و شاهزاده ایوب را بخت  
 نشانیدند و شاه محوود جنگ سختی کرده او را مقرر ساختند و شاهزاده ایوب با کای پیشاور را تا حد و جلال آباد  
 بصرفه آورد و دیگر باره محمد عظیم خان برادر دیگر خود عبد الحجاز خان را با استعداد شایان براهی  
 در سنجلی خان بستن کابل روانه کرد و محمد زمان خان برادرش را بهند و سنان فرستاده شجاع الملک ولد  
 یتیم شاه را که بدولت انکلیس پناه برده بود طلبیده بپاوردند و بشنخیر کابل و سیستان عزیمت کردند و کار  
 افغانستان پریشان شده و جزایر و قندهار حصار در دست محوود و کامران مانده اعلم حضرت خاقان فرستاد  
 کامران میرزا را مطهر فرموده معاودت دادند هم را انیسال نواب حسینعلی مرزا فرمانفرمای قندهار را خلا



اختصاص شده و بابر از کهن خود حسن و امیرزای ملقب بشجاع السلطنه ملاقات کردند و امیر کبیر حاجی محمد حسینی  
 مرزی فاجار غزالدینلو که ملقب بفخرالدوله بود در طهران وفات یافت و از آثار خیریه حاجی محمد حسینی آن مرزی صد  
 مشهور بود که مریدان در دار الخلافه که الی آن با حسن وضع و نظام دایر است همد را اینسال یوکلوونیک مرزا و بیج که در  
 نفلس و بوکان ایندولت منصوب بود باظهار الکساندر پرموف سردار که جتتا با آسان ملائیک پاشاها پونا آمد  
 و پیر از چندین <sup>با اتفاق</sup> میرزا محمد علی مستوفی آشنائی ما مور خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده در تبریز مستوفی شد  
 و نواب شجاع السلطنه حکمران خراسان با رضاندن بازگشت و اسماعیل خان دامغانی بلازمست خدمت شاهزاده <sup>مور</sup>  
 شد همد را اینسال موکبها پون تشریف فرما <sup>مور</sup> چمن سلطانیه گردید و داود پاشا والی بغداد که با عانت نواب شاهزاده  
 محل علمیزای دولت شاه والی کرمانشهان در حکومت بغداد مشغول شده بود در این ایام براه خلاف رفت نواب  
 شاهزاده دولت شاه از کرمانشهان بگریزد رفت و سپاهی بناخت و نازحوالی اطراف بغداد فرستادند و <sup>علیه</sup>  
 خان امیر خورنیز باده هزار نفر از قشون حضرت نمون برکات و لنت شاه پیوسته او دپاشا کار را سخت دیده آقا احمد  
 کرمانشهان را که از اجله علما بود شفیع فرار داد و احمد چلی را با پیشکشته لایق مجتوب حضرت شاهزاده معظم فرستاد  
 و از خطرها آسوده گردید همد را اینسال رعایای کبلان از حضرت <sup>مور</sup> کرجی حاکم خود شاک شدند نواب شاهزاده محمد رضا  
 میرزا حکمرانی خود مستدعی شدند و مسئول ایشان مقبول شد همد را اینسال حضرت مستطاب شاهزاده معظم نایب  
 السلطنه بتفصیل عیبه علیه خانانی آمده پس از ادراک حضور موهبت ظهور پادشاهی و دریافت مکارم موفوره با  
 میرزا بزرگ فایم مقام بترین مراجعت فرمودند و اردوی کبوان شکوه خانانی از سلطانه بدار الخلافه بازگشت همد  
 اینسال میرزا محل شفیع صد اعظم در فرین وفات یافت و حاجی محمد حسینی نظام الدوله اصفهانی که ثانی حاتم و از اسبج  
 عالم بود بمنصب صدراعظمی نایل آمد و وزیر اعظم نوریج این امر است همد را اینسال خوانین خراسان بقبه اطاعت  
 نواب شجاع السلطنه را بر رفته انقباد خود نهادند و اسماعیل خان سردار از خدمت شاهزاده معظم بدر بار معلی مراجعت  
 کرد و لایق نواب کرمانشهان و محمد امین میرزا و سلطان حمزه میرزا و سلطان احمد میرزا فرزندان فاحان کتوشان  
**امریا (المان)** پسر ناپلیون با مادرش که دختر پادشاه اطریش است پیش از این بجاک اطریش پناه برده در این  
 سال امپراطور اطریش به پسر ناپلیون که نوه دختری او است لقب وک ریشتر داد میدهد (انگلپس) سنگاپورا  
 درهند انگلیسها در اینسال اتباع نمودند (دانمادک) ایجاد بانک در این مملکت (فرانس) قشون دول متحد  
 که هنوز در خاک فرانسه بودند مملکت فرانسه را تحلیه کرده خارج میشوند ملاقات امپراطور روس و امپراطور  
 پروس با لوی هجدهم پادشاه فرانسه نقشه مملکت فرانسه امسال رسم میشود (ایتالیا) زلزله سخت در سیسیل  
 و در بلاد مجاور کوه ائنا (روس) در اینسال اول تاریخ این مملکت را کارامسن نالیف مینامید (سوئد)  
 فوت شارل سپردهم پادشاه سوئد و جلوس برنادت سردار فرانسه که ولعهدک ایندولت را داشت <sup>مور</sup>  
 نمودن خود را بشارل چهاردهم **اشریقا** (مصر) محمد علی پاشا و پیرش ابراهیم پاشا که مدت شش سال  
 با جماعت و هابی میبکنند بالاخره باجماعت مقهور و منحل نموده رئیس آنها عبد اللہ بن نام را محمد علی پاشا  
 مغلولاً باسلام فرستاد و عبد اللہ در اسلامبول مقبول شد محمد علی پاشا قشون خود را بوضع عساکر اروپا  
 تربیت میکند **امریکا** (نیکی دبنای جنوبی) مملکت شیلی خود را از تحت سلطنت اسپانیول خارج کرده دم از  
 استقلال میزند

اختتام کار عبداللہ بن  
 مورخان از وفات او سال هزار  
 و ده بیست و شش و در  
 چنانکه در سوانح آن سال  
 مشهور است

سنة ۲۳۵ هجری

سنة ۱۱۹۱ مسیحی

اسیاء ایران در این سال با مرخان کشورستان اعلیحضرت فتحعلی شاه عقد مزاجت و ازدواج بنیادین  
نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (اعلیحضرت محمد شاه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا و صبیحه محترمه نواب امیر کبیر  
محمد فیاضخان بن امیر کبیر سلیمانخان اغنضاً الدوله فاجار بمنیت مبارکی منعقد گردید و جشنی شبان در دار الخلافه باهرو  
گرفتند و در این ضمن صبیحه مرحوم میرزا شفیع صدراعظم در جاله نکاحها بون میرزا آمد نیز صبیحه محمد فیاض میرزای ملک آرا  
حکمران مازندران در سلك مزاجت امیر سلیمانخان فرزند نواب امیر کبیر محمد فیاضخان منسلك گردید و پس از انجام این امور  
خبر پیش منظور موكب منصور خانانی بزبارت حضرت معصوم سلام الله علیها و تفریح فین کاشان انشمار فرمود و پس از آن  
مراجعت سلیمان افند سفیر سلطانه محو سلطان عثمانی بحضور مبارک مشرف شده و بعد از چند اقامت در دربارها بون خلا  
فاخره مخلع گردید و اذن معاودت حاصل نمود و در این سال عبدالصمدخان بارگزائی افغان از جانب شاه محمود و کامران  
میرزای افغان با هدایا و تحف بدربار خانان مملکت سنان آمده از نظاول برادران فیضخان شکایت نظام نمود و حکم  
هایون نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا والی خراسان در آمداد شاه محمود و کامران میرزا شرفصدور یافت و عید  
الصدخان با مسرت خاطر معاودت کرد و هدایا باین سال سفیری از جانب امیر اطوردوس الکساندر اول بدربارهایون  
آمده از جمله هدایا که امیر اطورد معظ برای اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشتند عوض بلور معروف و مشهور است که در عبادت  
بلور نصیب شد و هدایا باین سال چون بعد از معاودت عبدالصمدخان افغان شاه محمود با عنای بنیادخان هزاره و او بیافان  
جسید برداخت نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه غریب هرات فرمود و بزرگوار بود که منوجه شده و کلا بپای خزدوان  
حدود دو که بنیاد منصرف بود مستخر نمود و با امیر قلیج خان تیمور سپرد و امیر حسنخان طیس میرخان قرایی در این سفر  
در کتاب شاهزاده معظ بودند و امیر حسنخان شاهزاده را از کرمنش محمدخان قرایی مانع بود از قضایای انصافیه امیر  
حسنعلی طیس این ایام در گذشت ملازمان نواب شاهزاده محمدخان را گرفته بنیادند و بزرگوار بود که در وقت برادران  
محمدخان و ماد رش از در اطاعت و ضراعت در آمده طلعه بزرگ با نصرت ملازمان نواب شجاع السلطنه دادند و این  
و تابع را بعضی سنان هایون رسانیده فرمانهایون صادر شد که اگر نواب شاهزاده صلاح میداند بزرگوار محمد با محمد  
خان و گذار کند نواب شاهزاده چنین کردند یعنی محمدخان خلع ورها نموده بطلعه او شریف بردند و او نیز خدمتها  
شایان نمود و خواهر خود را در جاله نکاح شاهزاده در آورد شاه محمود که از این وقایع مستحضر کرد بدین نحو خوش  
پشیمان شد و از اغوا و بخت بک دست کشیده هدایا و پیشکشی برای نواب شجاع السلطنه فرستاده بنا بر این شاهزاد  
معظ بارض اقدس آمدند و کانت طیس حسب الو را به امیر علیبنی خان بن امیر حسنخان تفویض شد و هدایا باین سال چون  
نواب شاهزاده محمد رضا میرزا والی کیلان حسنطنی بصوفیه سلسله نعمت الهی بهم رسانیده و جمعی نسبت به انبیا نیکه  
دور شاهزاده را گرفته بودند این سفره بوجهی شیع بعضی سنانهایون رسید برای آنکه این از دحام مورد غایله  
نگردد موكب خانانی بشکار و کلا بپای تمام انتهای فرمود و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور مبارک نشرفت و جشن  
و پس از تفریح و شکار مراجعت به بنیاد نمودند و در فرزند لوشان نواب محمد رضا میرزا و اهالی کیلان حسب الام  
شرفیاب سنان پادشاهی گردیدند و بعضی سنانست و بنیاد شده و جمع صوفیه بفرقه مبتدا کشت بیلوه فاضلخان  
گرمی چارچوشی را مامور فرمودند که بیدان رفته از حاجی محمد جعفر فرزند کوزلو از مشاهیر عرفا و افاضت حسن هدایت  
که او نیز از اعظم سلسله فریره بود و هزار تومان برسم مصادره در یافت نماید و همانا این عمل سعادت ابا بابر

بوده و آجلانک فدر حاجی محمد جعفر و آقا سید حسن معلوم و معین است همد را نین سال سرخای خان لکزی و مصطفی خان  
شیرازی و مهد بقلیخان جوان شیراز نظام کما شتکان دولت روس بنوا آمدند و نو تسل بد بار خافان: عظیم الا مقدار  
هندند و بالطف شاهانه نایل گردیدند همد را بن و ان عبداللہ خان امین الدولہ بجهت نفع محاسبات کلان مامور  
رشت شد و فاق میرزا معصوم محبط ولد میرزا بزرگ قایم مقام فراهانی و فاق میرزا صادق ناطق شاعر اصفهانی  
امر و یا (انگلکس) شورش سخت در شهر مخپن نیز شورش در لند مسافرت فرانکلن بقطب شمال

سند ۳ هجری

سند ۱۲ صبحی

آسیا (ایران) در این سال ایلات بخناری و ایلات نرک فشقائی ساکن فارس نزاعی در گرفت اعلی حضرت  
خافان کشور سنان فتح شاه نواب امیر محمد فاسخان فاجار را با صلاح امر آنها مامور فرمودند و حاجی میرزا ابوالحسنخان  
شیرازی که مدت سه سال بود بسفارت فرنگ و مالک عثمانی و نمسه فرانسه و انگلیس رفته با امضای انگلیس در  
ولایت عهد حضرت مستطاب نایب السلطنه بد بار دولت علیہ بازگشت پادشاه انگلستان یک حلقه انگشتری الماس کراستها  
بیار که تهنیت لیه حضرت مستطاب معظم برای ایشان ارسال داشتند همد را بن سال بجهت تحطی ایلات و بد سلوک  
کما شتکان دولت عثمانی با تجاج ایرانی کدورتی بنما بیند و لپس ایران و عثمانی در گرفت و چون طایفه و قهابی ساکن نجد  
نیز بد فتاری با حاج میرکند حاجی حیدر علیخان برادر زاده حاجی ابراهیمخان شیرازی بر حسب امر اعلی با محمد علی پاشا  
والی مصر ملاقات کرده از سو سلوک طایفه و هابی در نجد شرحی اظهار داشت محمد علی پاشا فرزند خود ابراهیم پاشا را  
بجند فرستاد شهر در محبت را خراب کرد و عبداللہ بن مسعود را گرفتند و انرا اسلام نمود و عبداللہ بن مسعود را سلوک  
مقتول شد همد را بن سال خوانین خراسان مجددا در خیانت و نفاق اتفاق کردند و معتمد الدوله میرزا عبدالوهاب  
اصفهان را بخراسان مامور شد و نواب شجاع السلطنه بموجب اجتناب محض مکرر ظهور مبارک آمد و بانور محمد خان فاجا  
دولت بخراسان معاودت نمود و موکبها بون بغیر خراسان روانه زمین خوشن بلاق گردید خوانین خراسان چون از آنها  
موکب اعلی خبردار شدند هر سان کشته بارند و معلی آمدند و روانه طهران گردیدند ولی بنیاد خان هزاره باده هزار  
پاده و سواره در قلعه کارین من اعمال با خزر با عساکر نواب شجاع السلطنه مضاف داده مغلوب منظر مرشد و  
احمال و اطفال او بنصرت سپاه نصر همراه درآمد و نواب شاهزاده نا حوالی هرات رانده میرزا موسی و زهر شاهزاده  
هرات رود نمود و با پیشکش حاکم هرات بازگشت از آنجا که مرگانان تکه ساکن بام و بوره در سال قبل در حوالی  
چوپن ناخ و ناز و شرارت کرده بودند در این سال بر حسب امر قضا مثال خافانی نواب محمد فیلی برای ملک آرا حکم  
مازندان لشکری بند میرا بجای فرستاده در او به آنها ریختند و بقتل و غارت پرداختند همد را بن سال خافان  
بهمال در می وضع که بقیف ده هزار تومان تمام شده بود مصحح و امین الدوله بر وضع مقدسه رضوت علی ساکنها  
الف سلام و نخبه ارسال داشتند و امین الدوله آن در انصب کرده مرا حجت نمود همد را بن سال دوم بنید در شیراز  
زلزله شدید شد و بسپای از عمارات و ابنیه منهدم کرد و جمعی هلاک شدند همد را نین سال ایلات چند راتلو و بسکه  
بجاک عثمانی رفتند و حسنخان سردار بکوچا بنیدن و معاودت دادن آنها مامور شد سلیمان پاشا والی بایزید و انحد و ممتاز  
و مضایقت پرداخت بعد از آن چون خسرو محمد پاشا بسکری منصوب شد بر سو سلوک افزود و ایلات وارد نکرده  
دعوی چهرتقی من توابع سلاسل نامود و حاجی علی بیگ که حدای نیز بر اگر با سواد ایلات رفته گرفته حبس کرد لهذا  
موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه بامرها بون متوجه حد و دار زنده الروم گردید و حسنخان سردار فاجار فرزند

از پیش وانه فرمودند حسنخان در حوالی نیراف قلعه با خسر محمد پاشای سرعسکر مصاف داده سرعسکر بمصاف نیراف قلعه  
 که بخت سردار بقلعه یورش برده چهار هزار نفر از عساکر عثمانی با براه عد فرستاد سرعسکر فرار کرد و تیراق قلعه را سردار  
 ایران تصرف شد حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از چالدران بجانب بایزید حرکت فرموده قلعه زنک روز قلعه را بر سر  
 دستخیز نمودند و بهلول پاشا مطیع شد حسنخان سردار در جامع بایزید فتنه و خطبه بنام خافان کشورستان خواندند  
 و شانزده عراده توپ از این قلعه جات بچنگ عساکر منصوبه افتاد و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه عزیمت از زنک  
 الروم فرمود حاجی حسن پاشای چچن اقلی سرعسکر بایزید بقلعه زنک رفت و از آنجا بارزنده الروم که بخت محمد زماخان  
 دولوی فاجار و حسنخان فاجار فرزند بی فرار بان را قاتل کردند در این حصن و بصیرت حضرت مستطاب نایب  
 السلطنه رسانیدند که سلیم پاشا والی ارمینیه دو محمدخان دولوی فاجار را گرفته نهاد موکب الا بطرف محمدخان  
 رانند عساکر عثمانی از جلوفستون و سپاه حضرت مستطاب بعظم فرار کردند و محمد زماخان با آوردن اهل حیدرآباد نلوف  
 و از آنجا که آنها فرار کرده بودند فرا و قصبان عرض راه را غارت کرد و پنجاه هزار نفر اسیر و هفتاد عراده توپ و دو بیست  
 هزار اسیر و اب اغنام از آن نواحی گرفته مراجعت نمود و اسمعیل خان بیات قلعه ملاذ کرد در استخرا ساخت و حسنخان  
 بفتح قلعه بشیر که معروف بموش است پرداخت و با آنکه جنگ سختی کرد فتح قلعه بقتیر نشد حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 از جبال شامخه و جنگل انبوه بر سر قلعه بشیر آمده بمحاصره مشغول شدند اهل قلعه مصاحف کریمه را شفیع کرده امان  
 خواستند محمد حسنخان زنکنه نایب ایشیک آقاسی پاشای سلیم پاشا را مطهر کرده بمحضو معظم آورد و در ازای این خدمت  
 ایشیک آقاسی پاشای شد و میرزا ابوالقاسم فراهانی (فایم مقام) بشیر نلسر فتنه خطبه بنام نامی پادشاهی خواند و قلعه  
 خوسر را حبش نیز سبعی محمد زماخان و حسنخان مفتوح کردند و سلیم پاشا را اخلع حکومت ارمینیه دادند و ده هزار  
 نفر از ایلات آنجا و در ملازم رکاب حضرت انشاب حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیدند و در بن رکضت فلاح بایزید  
 و ابشکر دو پادین و ملاذ کرد و تبلیس و موش و خلاط و عادی کجواز و ارجیش و خوسر سوای تیراق قلعه که حسنخان مفتوح  
 کرده ضمیمه ملک محروسه کردید و چهل و هشت عراده توپ از توپهای عثمانی ماخوذ شد و موکب حضرت مستطاب معظم  
 مظفر و منصوب مراجعت نمود و قات عالی شاعر شیرازی امر و پایا (انگلیس) ژرژ سیم پادشاه انگلیس فات نموده  
 و ژرژ چهارم پسرش بجای او منصوب میشود و جلوس مینماید و ملکه زوجه خود را که از شاه هزاره خانهای المان است  
 منم برتا کرده محاکمه را بمجلس پارلمنت رجوع مینماید بعد از شش ماه ملکه را بی گناه میدانند (اسپانول) سورش در  
 داخله این ملک و در مملکت بنکی دبنائی متعلقه با اسپانول (فرانس) دوک دبری برادر زاده پادشاه دالو وک نام  
 مقبول مپسازد تولد و بجهت دولت فرانسه که پسر دوک دبری مقبول باشد و این پسر را موسو بهانی کرده  
 دوک دو بر دوفت مپسازد و لنگراف برنده در فرانسه (هلاند) منازعه این دولت در جزیره سومانز با باغیان  
 (عثمانی) علی پاشا حاکم با بنایا غنی میشود و بنای شورش میگذارد و بناها با علی پاشا متحد میشوند

سده ۱۲۱ هجری

سده ۱۲۲ هجری

اسپانیا (ایران) در ماه صفر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه وارد تبریز شدند و بنا بر فتوحات بیک حضرت  
 معظم نموده و شرح آن در سال گذشته مذکور شد یکمبضنه شمشیر مرصع که مکلل بجواهر ثمنیه بود اعلی حضرت  
 هابون برای ایشان اعطا و ارسال فرمودند همدان پشمال چون محمود پاشای ولد عبدالرحمن پاشای بایان  
 حاکم شهر زنوز در فیما بین دولین ایران و عثمانی نفین میکرد و از آنطرف اطاعت هم بداد پاشای والی بغداد داشت

جمعی از عساکر عثمانی باده عراده توپ بامداد داود پاشا آمدند که شهر زور را منصرف شوند و محمود آقای که پانز  
 باده هزار نفر بانهای پوسنه بطرف شهر زور اندند در این موقع محمود پاشا نیز بجانب عثمانی مایل و مصمم خلاف باد و ک  
 علیه کردید و عساکر عثمانی در کنار آب سپروان مقام نمودند لهذا نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولت شاه با پانزده هزار  
 پیاده و سوار و ده عراده توپ از کرها نشهان حرکت کردند و حسنخان فیله نیز با جمعی از الوار لرستان ملحق باره و شاهزاده  
 معظم شد و جنگ سختی فیما بین عساکر عثمانی و لشکر ایران در گرفته آخر الامر فتون عثمانی شکست خورده راه فرار  
 پیش گرفتند و محمود پاشا نیز از عقب کبابجاک عثمانی کرخچ و توپخانه و قورخانه و غیره پاشا و کهایا منصرف سپانظر  
 همراه آمد و نواب شاهزاده دولت شاه بسپه پانزده فرمودند و کهایا شمشیر خود را بگردن انداخته با صطبل شاهزاده  
 پناه جست و معفوس شدند پس از آن نواب شاهزاده بن بارت سرمن رای رفتند و عزیمت سخن بغداد نمودند و ای در منزل  
 دلو عباس مریض اسهال مبتلا شده مع هذا عساکر مضویه بناخت حوالی بغداد مپیر با خند با ضراعت او و پاشا  
 والی شفاعت شیخ موسی نجفی اسباب مراجعت نواب شاهزاده کردید و در طاق کوی مجنه غلبه ضعف توقف فرمود  
 طبیب انگلیس از بغداد معالجه آمد و مفید بنفاد در این حال اسدخان نجفپوری و حسنخان فیله را مریض کردند  
 در شب پنجمینه بسپه ششم شهر صرف وقت صحرا غزوات بهشت گرفتند و نقش مرحوم شاهزاده را در تخت روان  
 گذاشته بکرها نشهان آوردند و در ششم ربيع الاول ابن خیر مختار بدار الخلافه رسید و میرزا نقی علی آبادی صاحب  
 دیوان قضیه در ورثه مرحوم شاهزاده انشاء کرده که فرد منجبت آن اینست

پس از دوران دولت شاهزاده کجی بکرمانشاه چنان پینه مداین را که بی بوشر وانست

عمر مرحوم شاهزاده سی و چهار سال و ده نفر اولاد داشتند نواب محمد حسین میرزای خسته الدوله نواب طهماسب  
 میرزای مؤبد الدوله نواب نصر الله میرزا نواب اسد الله میرزا نواب فتح الله میرزا نواب مامقله میرزای عماد الدوله نواب  
 جهانگیر میرزا و نور الدهر میرزا و محمد رحیم میرزا و ابوالحسن میرزا خلاصه ولایت شاهزاده مرحوم بنواب محمد حسین  
 میرزا مفوض شد و عیسی خان دامغانی امیر آخوردیسر بر سنی اهل و عیال شاهزاده بکرها نشهان رفت همدان  
 سال و بابائی شد بد از سمت هندوستان بسواحل عمان و کر مسیرات فارس سرایت کرد و قریب بیست شهر از نفر  
 تلف شدند و این ناخوشی و با که بفرنگستان و سایر اقالیم نیز سرایت کرد و بفرانسه آن را کلیرا میگویند غیر از  
 ناخوشی و با بیست که پیش از این در ممالک بلاد ظهور و بروز نموده و در کتب مینوشته اند پس این اول دفعه است  
 که این وبا که در معنی همبضه دیده باشد در این ممالک دیده شده و پیش از این بر زبان مخصصه و مشابوه است  
 همدان سال موکب اعلی حضرت خاقان کشور سنان فتح علی شاه شریف فرمای عین سلطانیه کردید همدان  
 سال محمد امین و وف پاشا و جلال الدین محمد پاشای چپان اوغلی که از سردارها معبر عثمانی بودند با هفتاد هزار  
 لشکر و توپخانه و چند نفر پاشایان دیگر از قبیل حافظ علی پاشا و ابراهیم پاشا بسر عسکری از نزه الروم و جنگ  
 با ایران مامور شدند و محض ورود بارزته الروم با سرداد فلاحی که پار سال از آنها منزع شده بودند با خند  
 محمد امین و وف پاشا در از نزه الروم توقف کرد و جلال الدین محمد پاشا با سایرین بولا یات وان و بانزید راند  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه در اواخر شعبان با افواج و توپخانه از نبره بجوی آمدند و سعید آقا نام سپهاسی را  
 بنصب کردند و پاشا فرستادند و عمری نگرد از این طرف اعلی حضرتها بون اللهیارخان دولوی قاجار را با  
 ده هزار پیاده و سوار بامداد حضرت مستطاب نایب السلطنه از سلطانیه روانه فرمودند و حضرت معظم در وسط

ماه رمضان از خوی مجالدان رفتند و معلوم شد جلال الدین محمد پاشا و سایر پاشایان بطرف تیراق قلعه رانده <sup>نظ</sup> علی پاشا بفتح قلعه مشغول و جلال الدین محمد پاشا سنکری بحکم بسنه در آن سنکری نشسته و ابراهیم پاشا از خارج اورا <sup>سنکری</sup> محارست مینماید خلاصه سنه جانب عساکر منصوبه بجز کاشانه و در بعضی مواضع با هم نلایه و زد و خورد می نمودند تا اردو حضرت شاهزاده بجوالی تیراق قلعه رسیده جنگ سختی فیما بین در گرفت و پس از کشتش و کوشش سپاه ظفر همراه غلبه کرده ابراهیم پاشای مستحفظ سنکری بگریخت و جلال الدین محمد پاشای چپان او غلبه نیز از لشکر تیراق قلعه صرف نظر کرده بارزنده الروم فرار کرد سایر پاشایان نیز هر یک بطرفی شتافتند و توپخانه و توپخانه و سایر احوال و افعال سردرد و بصر ف عساکر منصوبه درآمد و حضرت مستنطاب نایب السلطنه مظفر منصور بمنزل خالبار نزول کردند و میرزا محمد فی آشتیانی را بارزنده الروم نزد محمد امین پاشا فرستادند پاشای مشارالیه اظهار خلوص کرده و فرار مصالحه و مراجعت لشکر با بول بهار داد و موکبک الا بتبریز بازگشت و حسنجان فاجار فرود آمد که در این جنگ شاد و جلال دنی ظاهر ساخنه ملقب بسار اصلان (سار و اصلان) گردید همدان این سال میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله مامور خراسان شد و اعلیحضرت خاقان فضل ذی قهار عثمان عالیان و لشکر بغداد فرموده اولاً نواب محمد حسین میرزا و الی کراماتشان را با امیر محمد فاسحان خوانلوئی جبار و لشکر بایان دارالمرزی و اشترابادی بطرف عراق عرب مامور و نواب عبدالله میرزا و الی حسنیه با سواران حسنیه پیادگان سمنانی و دامغانی و خوانین سمنان بتسخیر شهر نورد فرستادند و فضل علیخان فاجار و امان الله خان و الی کردستان را با سواره خود نیز بجهت امر فرمودند و میرزا فضل الله علی بادی بنکارش لشکر و دادن علوفه و مواجب قشون محکوم گشت و موکبکها پون در سیم پنجه از زمین سلطانه انفاض فرموده و نواب محمد حسین میرزا مندلیج و جغتای و بددانی و وزیر باطنیه مسخر کرده ببقیوب آمد داد و پاشا و الی بغداد سید عبدالله شیراز واسطه و شفیع قرار داد و نواب عبدالله میرزا نیز در شهر نورد و روابل بایان جمعی را براه عدم فرستاد در اینجا و بادر اردو شاهزادگان افتاد و جماعتی را هلاک کرد لشکر منفرد گشتند و مطلبخان دامغانی در گذشت و ناخوشی فرورد بزرگ پیادشاهی سرانگردد و میرزا محمد حسین حکیمباشی واقعه را بجز حضور همایون رسانیده قشون را محضر کردند و خود با خواص خدمت در بلاق همدان و دامنه الوندان و قزوین و در اینجا و سنبلخان بسطامی معتر الممالک و الدجسته علی خان معتر الممالک و جعفر فلجان توانی و میرزا مقیم مازندران بمرضد با وفات کردند با کلمه در این سال صد هزار نفر در ایران از ناخوشی و بادر اردو زندگانی نمودند و موکبکها پون در آخر سال عزیمت در الحلا فرمود امر پیا (انکلپس) پادشاه هنگام تاج گذاری و وجه خود را بصفت ملکه بودن معرفت نمیکند بنا بر این مشارالیه از شدت غصه هلاک ملبشود جمعیت انکلپس غیر از ارلند در اینسال بسپت هشتاد و دو چهار هزار نفر است جمعیت ارلند سیزده و سیزده هزار نفر (ایتالیا) اغلشاه در این ملک خاصه در ناپل (پرتوغال) پادشاه پرتوغال که بر زبل دفته بود برخلاف اهل ناپل با ملکت و شرف زیادی که داشت بکشته نشسته بسپت پرتوغال حرکت میکند و دُن پدُر سپر خود را در بر زبل بجای خود منصوب مینماید (اسپانول) مکر یک بیکه دنیا که جزو سلطنت اسپانیا بود را بت آزادی افزاشته و آزادی خود را اعلام میکند و پادشاه اسپانول تکلیف سلطنت مشروطه بالفی امپراطوری مکر یک ملبشود (فرانسه) دُوک دُبر دُو پیر پادشاه موسو به کت دُشامبر دُ ملبشود ناپلئون در سن پنجاه و دو سالگی در جزیره سنت هلن میمیرد و عمده سبب مردن او سخت گیری لو و حاکم انکلپس در سنت هلن میباشد جمعیت فرانسه در این سال شصت و دو و چهار صد هزار نفر است

عثماني) ابتدای شورش یونان الکساندر اپنی بیگانهی که از روس آمده است بجهت فتنه میباشند و او دهها حشی را در زیر این شورش خود جمع میکند یونانیها که در ناحیه مره هستند عثمانیها را با بیرون کرده و با بقتل پسرانند و در پوس نامی در نلس بر خود فرار میدهند انتقام عثمانی بر ضد شورش پیشکش بزرگ یونانیها که در اسلامبول بود با چهار نفر کشتیهای دیگر حکیم سلطان مقبول میشوند و جمعی دیگر از عیسویان نیز در سایر نقاط به سمت موافقت با یونانیها بقتل میسرند علی پاشا که در این اثناء عثمانی باغی شده خورشید پاشای سردار او را محاصره میکند تولد سلطان عبدالجهد خان ابن سلطان محمود خان امپریکا (نیکه دینای جنوبی) مملکت پر که جزو سلطنت اسپانیول بود آزاد میشود و اعلان جمهوریت مینماید (انائونی) ما بین ابلاتا ناوونی در قسمت شمالی و جنوبی همین مملکت در باب نگاهداشتن بره و آزاد کردن آنها در مجلس پارلیت گفتگو میشود و این گفتگوئی است که در آئینه نشیمن آن خونریزیهای سخت خواهد بود

سنه ۱۲۲۲ هجری

سنه ۱۲۳۱ هجری

اسپانیا (ایران) در این سال جمعی از اشکروان با اگراد هم شدند؛ بسلا مس آمدند و غفله بر سرهای در بخت بقتل و ضرب پرداختند حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا پوسفجان کردی با دست خواران و فوج بیک سلطان بدفع آنها مامور فرموده روانه شدند از آن طرف عثمان بیک و نصیر بیک و لد مصطفی ایلیان حکاری با سه هزار نفر بمقائله مامورین فرمودین آمد پس از اشغال ناپره فثال شکست خوردند و یوسفجان قلعه باشقلان را فتح کرد اهالی قلعه را عرضه شمشیر نمود و ابراهیمجان حاکم باشقلان را همراهی عسکرخان افشار حاکم ارومی بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و مصطفی ایلیان حکاری که از اولاد بنی عباس بود بتریز آمده ایالت حکاری را با و مفوض فرمودند و پسرش نصیر بیک که با پدر مخالفت داشت در گذشت و حکمرانی خوی و سرداری آنجا و در اختیار قلعه باشقلان و حکاری کرد سنان را با میر کبیر امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب نایب السلطنه همدان سال میرزا علی فرهادی معروف بمیرزا بزرگ ملقب بمقام مقام در تریز بنا خوشی با در گذشت و پسرش میرزا ابوالقاسم منصب مقام او نایل گشت و سواد فرمان قاجار مقامی میرزا ابوالقاسم از قرار ذیل است

که از آنجا که دست افتد از این دولت ابتدا در در کفایت مهمان جهان داری قاجار مقام مقرر است قدر و قوام قدر توام این شوکت یابد در مناظرات و لیتاری نایب مناب دستگاه قضاای مقتدر آمده بحسن کفالت کار گذاران دیوان نایب اسباب نایب اینها بون سلطنت جا و پدار هر چه مستعد از و نور فواید بقتل پسر در کار مجید توفیق و بیع خلافت ابد مقرون مشغون طغرای عمری دامنا بد است ما در حدای این هواست عظمی و ازای شکر نغای بی منها ملزم همت کردون اساس و پیشهاد مبارک خاطر حق شناس افتاده که از چاکران درگاه و فدوی زادگان دولت جا و پدید ستگاه آنانکه جوابد استعدا دشان مشغون معدن کفالت و کفایت و کفایت در ایشان معدن مناظر چاکری و خدمت نماید با رفتای مدارج اعتبار نشان انتظار عنايت گاریم و باظهار قبول سعای مکتوناً التفات کونا کون در باره ایشان ظاهر داریم و خلاصه این احوال تفصیل احوال عالیه رفیع جایگاه سپادت و سعادت همراه تخامت و مناعت آکنه با هفت و بنالت دستگاه اخلاص و ارادنا گاه مقربیا الحافان فدوی زاده دولت جا و پدید بنیان سیدالوزراء میرزا ابوالقاسم فرهادی است که از خواص خانه زادان دولت بمیرزا کال آگاهی و در این از جمله همگان ممتاز و طومار استعدا کمالش بیصحت تربیت شاهنشاهی از نسخ معاف احوال و اقران قرین صحت اخلاص و امتیاز آمده از بد و فطرت خط حلو و خدمت را بجامت خلوص را در محنوم داشته باشنا احوال و امر فضا مثال پوسه فلم وار سیر

خط فرمان بر داری گذاشته و بدین مویجات اسناد استعدا در اجرای محارجه ارادت بصیغه صحیح مقررین و افراد نفعا  
 خدمت مشرب مطابقت فایده فطرت بجایزه قبول مشغول آمده و لهذا در هذه السنه بوقت بیخبر حجت دلایل و ما بعد همین  
 مفاخر شرابا باضافه منصب قائم مقام دیوان اعلیٰ افزودیم و منشور مناسط اعتبار شرابا بتوفیق تقویٰ این منصب حلیه قبول داشت  
 استقامت و استقلال مقررین فرمودیم نادر یافت این عارفه را سرد فرود مفاخر کامل داشته در مختصر سوخته متکا  
 هدی جلد پانزدهم در ملزوفان خدمت فرموده نورا فدی سزاوار کال کار دانی نماید مقرر آنکه صدراعظم و زاریت و امنای  
 دستگاه دولت معتمدان دیوان در این منصبان ایوان امانت شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود فرموده ملزوما  
 منصب فرموده را بعالیجاه مشارالیه مخصوص و موکول دارند و انحراف از حکم فضا مثال افلاس جایز ندانند در عهد

شنا سند مجری آن شهر ربیع الاول ۱۲۳۱

هدیه این سال میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالفاسم قائم مقام بوزارت حضرت مستطاب ناپاب السلطنه بر فرار کرد بدین  
 در این وان در هزار نفر از آنکه ساکن در بسا لاهری مراد سردار بجوالی از رض افند آمده بهیچ چپا و لپرداختد و چند  
 نفر از اهالی آن نواحی را اسیر ساختند نواب حسینی میرزای شجاع السلطنه با هفتصد نفر سوار در چهار فرسخی مشغول  
 باجماع رسیده آنها را مقهور نمودند ترکان اسرا و اموال را گذاشتند و گریختند هدیه این ایام میرزا عبدالوهاب معتمد  
 الدوله سید محمد خان جلالی کلان بلخ و اعلیٰ حضرت خاتمان کشور سنان فتح شاه آورد و شیخ موسی مخفی از علمای  
 اعلام بدبارها بپون آمده واسطه و شفیع والی بغداد شد که ولایت مشرق باو واگذار شود هدیه این سال نواب حسینی  
 میرزا از فارس نواب حسینی میرزا از خراسان بلار الخلافه آمدند و حسینی میرزا از ولایت خراسان مغزول شد و نواب  
 شاهزاده محمد ولیمیر از حکومت پزند یافت هدیه این سال سلطان محمود خان سلطان عثمانی بغداد این رؤیت پاشا بر سر  
 ارزنده الروم را وکیل کرد که فرار صلح باد دولت علیه گذارد لهذا میرزا محمد علی آشتیانی مشغول از جانب حضرت مستطاب  
 ناپاب السلطنه بارزنده الروم رفت کار مصالحه بنوسط میرزا ابوالفاسم قائم مقام و نجیب افندی ایلچی عثمانی با انجام رسید  
 و شهرزور معلق بکار گذاردان حضرت مستطاب ناپاب السلطنه که دیده ابراهیمیجان باد کون به بنظم آنولایت ماموگشت  
 و قلعه کوی را بنظر مصطفی نمود هدیه این سال داود پاشا قبل از آنکه از دربارها بپون جوابی بشیخ موسی شفیع او داده شود  
 مندلیج را منصرف شد و ایما تخان فرهای که مستحفظ قلعه بود فرار کرده محمد علیخان کلهر گرفتار شد چون این خبر بپون رسید  
 ها بپون رسید نواب محمد حسین میرزا را با مناد مندلیج فرمان دادند نواب محضری الهه با حلاله تی تمام مندلیج را بگریختند و خسرو  
 خان گریختی توفیق در این حال ماموشد و محمد حسین میرزا در ازای این خدمت هشتم الدوله لقب یافت و داود پاشا عرض  
 معذرتی بدبارها بپون فرستاد و شیخ موسی میرزا شجاع پیردخت لهذا مشروط چند برای استفسار صلح نگاشته شد  
 و میرزا محمد صادق و فایح نکار فرهای را که حاوی این شرط بود حامل شده بغداد رفت و آن شرط بپذیرفته شده داود  
 پاشا و فایح نکار را با یکی از معتمدان خود بدبارها بپون معاودت داد هدیه این سال نواب علی نقی میرزا حکم از خراسان  
 منصوب و با همراهم میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله روانه خراسان شد و ولایت بسطام به التمهیر که میرزا تقی میرزا  
 و نواب امام پردی میرزا برادر بطینی علی نقی میرزا حکومت قرظین یافت و میرزا اسدالله نوری در پیش لشکر کبکیش  
 شد و میرزا هدایت پیر ش بنیاد برقرار گشت و نواب حسینی میرزا و اذن معاودت بنارس دادند هدیه این سال  
 موکب خاندان شریف فرمای قلعه البرز شد و از اینجا که در تابستان طور انجام شد بود که لوازم زمستانی باید با تحمل  
 نمود پس از یکستانه روز معاودت فرمودند هدیه این سال فتحعلیخان کاشانی ملک الشعرا مخلص صبا از اجله و فضا

له البرز که خاتمان معتمد شریف فرمای  
 شد اند و قابل ذکر در نگار فایح است  
 واسطه عمارت سلطان سبزه کوه در  
 شهر سنانک بنا شده در این وان با  
 بپون مشغول مسلک چنان تقیمه را آن  
 راه شده که اکنون بجز چند روزی  
 در زمستان بواسطه برین و سرمای  
 نواد باقی سال و فصل و چنان سهل  
 در مسلک است که معتمدان در اینان شد



و شرای این عهد یافت نمود و از غرابتکار این شاعر یاد خداوند نام و شاهنشاه نام و دیوان فضا بدی یافتی که  
 با جواهر زواهر همسنگ و برابر میباشد امر پیا (انگلیس) بواسطه بر زحمتی و مداخله دولت در امور مذمومی  
 اهالی ارلند شورش نمایند (اسپانول) شورش فراوان خاصه در شهر مادرید تغییر و تبدیلی و زرا ازادی طلبیدن  
 اهالی اسپانول (فرانس) مجالس مخفی بر ضد سلطنت منعقد است در بعضی از ولایات دیگر فرانس نیز مردم علی  
 الحضور قشون بر ضد سلطنت اند سپل و ستر د ساسی ایجاد مدینه السنه شرقیه نمایند تا تو بر باند نو بسند  
 معروف بوزارت امور خارجه منصوب میشود فرانس در امور داخله اسپانول خیال مداخله دارد (روس) کرکند  
 فسطین برادر امیر طور روس بواسطه مزاجت با زوج که کفو خانواده سلطنت نیست حق و تعهدی  
 استغنا کرده ولایت عهد حق برادر دیگرش نیکلا میشود (عثمانی) علی عساکر عثمانی بر علی پاشا حاکم پاننا  
 خورشید پاشا علی پاشا را برای گفتگو در امر مصالحه مجارچ شهر مطلید و او را بقتل میرساند شورش و انقلاب  
 سخت در تمام یونان و فرسندان محمد علی پاشای مصر سفین زیاد با مدد عثمانی که طوفان در پان سفین را در بند  
 یونان میشکند امیر طور روس غیر مستقیم بپاننا اعانت میکند انگلیس اطرش هم بدولت عثمانی آزادی یونان را  
 تکلیف نمایند امر یکا (برزیل) دن پد که از طرف پدر خود مامور بتوقف برین بل بود پیر توغال احضار  
 میشود لکن اهالی برزیل او را نگاه داشته مملکت برزیل را محجزی از پیر توغال بنمایند و پارلس برزیل دن پد را امیر طور  
 بر بل مجبور اند و تاج سلطنت بر سر او میکنند دن پد پسر دوم پادشاه بحر یک مادرش که خواهر پادشاه اسپانول  
 است قصد خلع پد را از سلطنت نموده میخواهد خود پادشاه شود (مکزیک) محجزی بودن خود را از اسپانول بکلی  
 طلب نمایند و بتو پد نامی با امیر طور خود منجی میکنند و از این بعد مکزیک از تحت سلطنت اسپانول  
 خارج میباشد

۱۲۳۳ مسیحی

۱۲۳۹ هجری

آسیا (ایران) در این سال حاجی محمد حسینیان صدراعظم اصفهان از اصفهان بدارالخلافه آمده در اینجا مرض شد  
 بجوار رحمت الهی پوست و ماست کره این وزیر بیک محض از بنای مدار بر انبیه خیره بسیار است که از آنجمله قلعه دور  
 نجف شرف میباشد خلاصه بعد از فوت حاجی محمد حسینیان منصب او را پسرش عبداللہ خان امین الدوله بقونین فرود  
 آمد و این سال نجف اقلدی سفیر سلطانه خود خان سلطان عثمانی بدر بار اعلم حضرت خافان کشورستان فتح شاه  
 آمد و صورت عهد صلحی آورد که بعضی فقرات آن مرض خاطر هماهون نبود لهذا سخنان هزار جوی سرهنک با نجف  
 افتد عهد نامه بر وفق رضای اعلم حضرت خافان با مضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهد نامه  
 از فرار ذیل است

صورت عهد نامه در ولین ابراز عثمانی

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال بسبب بعضی از حوادث میان دولین علیین اسلام روابط  
 صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل بنقار و خصومت و مؤدی مجرب نگذرد شده بود بمقتضا  
 حجه جامعیه اسلامیة اسلام و عدم رضای طرفین بسفکد ما و وقوع اینگونه حوادث و اوضاع و اعدا سلم  
 و مودت و تجدید دوستی و محبت از جانبین دولین علیین اظهار رغبت و موافقت شده و بموجب فرمان هماهون  
 اعلم حضرت شاهنشاه مالک ایران بالفابره فتح شاه فاجار خلد الله علیه و آله و حکم مامورین نامه فی اوت لیبهد

دوران عباس میرزا با وصاف از ابن عبدملوک و چاکر جان نثار بوکالت نامه مباح و مخصوص کشته از جانب دولت عثمانی  
 نیز بامیر فرمان اعلی حضرت سلطان غازی سلطان محمود خان مجیده و کالت نامه بجناب الی ولایت اوزن الروم محمد امین و رف  
 پاشای سرعسکر جانب شرق عنایت شده بود این عبدملوک در مدینه اوزن الروم با جناب سرعسکر مشارالیه ملاقات  
 بعد از مبارله و کالت نامه ها مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه با این چنین ترتیب تعیین یافت  
 اساس از فرار بکفر و فریغ بکفرار و بکصد و پناه و نیز بموجب مصالحه و عهدنامه واقعه کشته حدود و سنو قدیمه و  
 شرایط سابقه از امر حجاج و تجار و در فراری و نخله سبیل اسرا و اقامت شخص معین در د ولین علی بن عثمانی و کالاً بین  
 الدولین باقی و مرعی و مغیر بوده بارکان آن وجهها من الوجوه خللی عارض نشده در مابین دولین علی بن عثمانی شرایط  
 دو سنو مفضلاً الف و عجب ابدار کار باشد بعد از این شمشیر خلاف در غلاف بوده در مهانه دو دولت معامله  
 که مؤدی کدورت و برودت و منافق سلم و صفوت باشد وقوع نباید و آنچه داخل حدود قدیمه دولت عثمانیه میشا  
 و در اثنای حرب قتال بدست دولت فخر ایران آمده از جمله قری و اراضی و قضا و قصبه حال فخر از تاریخ ابر قسک  
 مغیر الی حدت شصت و زب طرف دولت عثمانی تماماً تسلیم شود و بمراعات حرمت این مصالحه خبر تبه گرفتاران طرفین با  
 بلاکیم و اخفا نخله سبیل کرده آنچه در اثنای راه محتاج الیه آنها باشد از ماکولات و غیرها عطا شود و شجر حدان طرفین  
 ایصال نمایند

ماده اولی دولین علی بن ادرامورد داخله یکدیگر داخله نیست فیما بعد از جانب بغداد و کردستان ملاخه جایزند  
 از جمله محالی که از توجیهات و سخافات و کردستان داخل در حد و باستان است سبب و وجهها من الوجوه از طرف دولت  
 علیه ایران ملاخه و تجاوز و تعرض در مضر فین سابق و لاحق بشاهب نشود و در حوالی مذکوره اگر از اهالی طرفین به سبلاق  
 و قسلاقی عبور نمایند در باب مرهومان عادیه سبلاق و فی شلاق و سایر دعاوی که وقوع باید مابین وکلای نواب بعهد  
 ایران و والی بغداد مخابره شده رفع نمایند که باعث کدورت در میان دولت نکردد  
 ماده ثانیه از اهالی ایران کسانی که طبعه معطره مدینه مکره و سایر بلاد اسلامیه آمد و شد مینمایند مثل حجاج و زوار و  
 تجار و متردین اهالی بلاد اسلام رومیه با ایجا عن مثل اهالی خودشان معامله نمایند و از ایشان دور مر و سایر  
 وجوه خلاف قانون شرعیه اصلاحی مطالبه نشود و كذلك از زوار عثمانی عالیهات مادامیکه مال التجاره داشته باشند  
 بر وفق حساب مکرمه مطالبه نشود و زیاده طلب نمایند و از طرف دولت علیه ایران نیز با تجار طرف هیئت عثمانی و اهالی ایشان  
 بر این وجه معامله نمایند و بمقتضای شرایط سابقه فیما بعد در حق حجاج و تجار دولت علیه ایران نسیف و اجرای شرایط  
 قدیمه از جانب وزرای عظام و امیر حجاج و میر ایران کرام و سایر ضابطان و حکام دولت علیه عثمانی کمال دقت و رعایت شود  
 و از شام شریف الی حرمین محرمین و از ایجا الی شام شریف از جانب این صوره ها بون بمعرفه معتمد معین که در میان آنها  
 نظارت نماید و از محدات حرم شاهنشاهی و حرمها شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت علیه ایران که بمکه معظمه و  
 عنبات عالیات میروند فرخنده مشیه ایشان حرم و اعزاز شود و كذلك در خصوص سوا کرم تجار و اهالی دولت  
 علیه ایران مانند دولت علیه عثمانی معامله شود و از مال تجار ایشان بیکدفعه بقرار بکصد قروش چهار قروش  
 کرم کوفته و بدست ایشان ند کرده داده مادامیکه از دست ایشان بدست دیگری منتقل نشده مگر از ایشان کرم نکند  
 بخار این لاجل التجاره چوپو فی شهر از که بدار السعاده می آورند در بیع شرای آن مخصوصاً بنا شد و بهر کس که خواهد  
 بیع نمایند و با تجار و بقعه اهالی دولین علی بن عثمانی که بمالک جانبین آمد و شد مینمایند بمقتضای جهت جامعه اسلامیه

معامله دوشانه شده از هر اید و اضرار محفوظ باشند  
 ماده ثالثه آنچه از عشره حیدرانلو و سپیکه مشایخ و مهابوده و امر و زدر خاگ دولت علیه عثمانی ساکن میباشد  
 مادامیکه در سمت آنها است اگر بجز در ممالک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحداران در منع و تزیین ایشان  
 دقت نمایند و اگر از تجاوز و خسارت دست بردارند و از جانب سرحداران منع ایشان نشود از نصاب ایشان دولت  
 علیه عثمانی کفایت نماید و اگر ایشان برضا و اختیار خود بجانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشان را منع و نصاب نکند  
 بعد از آنکه بطرف دولت علیه ایران گذرند بعد از آنکه عثمانی بپایند قطعاً نصاب قبول ایشان نشود و در  
 صورتیکه ایشان بطرف ایران نگذرند و آنوقت احدی و دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت برسد سرحدار ایشان  
 دولت علیه ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند

ماده رابعه عووجه شرط قدم فراری دولتین از طرفین نصاب نشود و کذا از جمله عشا بر و ایلان هر کسکه بعد از  
 این تاریخ از دولت علیه عثمانی بدولت فخریه ایران و از دولت علیه عثمانی بگذرد باید آن گذشتگان  
 نصاب نشوند

ماده خامسه آنچه از دار السلطنه و سایر ممالک دولت علیه عثمانی اموال ایران موافق شرع و دفتر محفوظ نگاه داشته  
 شده است تاریخ این مشک در ظرف شصت و زدر هر محلی که باشد بموجب فائز مرقومه معرفت شرع و معتمد دولت  
 ایران بصاحبان آنها تسلیم شود و سواى اموال محفوظه آنچه در انشای وقوع علاو شان تجار و سایر اهلای ایران که در  
 ممالک عثمانی بعضی صابان جبراً از بعضی گرفته باشند بعد از فاده و اظهار دولت علیه ایران از دولت عثمانی فرمان بر  
 همان فاده بعهده و کپل آنها در هر محل صادر شود و بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند

ماده سادسه در ممالک دولت علیه عثمانی از اهلای ممالک طرفین کسانیکه فوت میشوند اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند  
 مامون بیت المال ترک همان متوفی را بمعرفت شرع و فزی کرده بثبت بجل شرعی رسانند و آن مال را بعینه در محل امن  
 نامت بکمال حفظ نمایند و وارث و کپل شرعی آن آمده بموجب ثبت بجل شرعیته اشیا مرقومه تسلیم شود و رسوم  
 عادی و کپل آن اشیا گرفته باشد و آن اشیا اگر در مدت مذکوره حریق و تلف شود اعای آن نشود و اگر در مدت  
 مزبوره وارث و وصی نرسد که محفوظ را مامون بیت المال باطلاع معتمد دولت علیه ایران فروخته متن آن را حفظ  
 نمایند

ماده سابعه عووجه شرط سابقه برای ناپدید و ناپدید و سستی و مودت در هر سال یکبار از دولتین در طرفین علیین  
 معترف و مقیم باشند و از تبعه دولتین علیین که در انشای حرب بطرفین گذشته اند در حق ایشان بنا محض  
 مصالح خیریه سپاس است این اساست نشود

خاتم آنچه از اساس و شرایط و مواد که در فوق مذکور شد بر منوال محرره که بالذکره فرار داد شد از طرفین قبول  
 ادعای اموال منهبه المضاعفات و تضمین مضار و جزیه از جانبین مضمی ماضی گفته صرف نظر شود و از جانبین دولتین علیین  
 بر فوق عادت بصدوق نامه ها مبادله شده بواسطه سفر از تاریخ این مشک الی مدت شصت و زدر در اس حدود  
 دولتین بگذرید ملافات کرده باستانه دولتین ایصال و تسلیم شود و باین وجه عقد و بجد باین مصالحه خیریه میباشد  
 حقیقتی از تاریخ مشک عشره مرعی و معبر کشته و از هر چه ناپره گذرت و خصوصاً منطقی بوده و منافی دوستی و  
 خلایق این عهد و شروط معفوهر مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله جانبین دارند و از جانبین کپل مشارالیه

نظر بر حضرت کماله از جانب دولت عثمانی در این تاریخ بکهنه رود و بیست و هشت پوم یکشنبه نوزدهم شهر ذی قعد الحرام  
این منگ مهور و موی شد الحاکم بالخبر و السعاده والحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً بحیرت برائی و آخر شهر ربیع الثاني  
سنه بکهنه رود و بیست و سی و نه

همه این سال نو است میرزا بایان کبلان رفت و منوچهر خان کرجی برای اسفندار نواب معزی الیه با ایشان همراه شد  
و نواب علی نقی میرزا از ایالت خراسان اسعفا کرده نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه مجدداً حکمرانی خراسان یافت  
هم در این سال نواب علی نقی میرزا ملقب بر کنالدوله شد بحکمرانی فرعون منصوب گردید و حضرت مستطاب نایب السلطنه  
را سوزن ارج عارض شده میرزا محمد احمد آبادی اصفهانی طبیب ایشانرا معالجه نمود همه در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه  
بانواب میرزاده اعظم ولدا کبر خود شاهزاده محمد میرزا (محمد شاه) در چین سلطانی محضوره ها بون مشرف شد ایالت  
مخالفان طوائف فرار کوز کوشا هزاره معظم محمد میرزا مغرض شد زلزله سخت در شیراز که تا هجده ماه امتداد داشت  
ناشتما زلزله های سخت میشد بعد از آن زلزله خفیفه تا هجده ماه در کار بود و فانی میرزا ابوالقاسم معری و سیکو  
از اجله عرفه که از خلفای حاجی عبدالوقاب نایب بود و در شیراز وفات کرده در بقعه میرزا محمد مشهور شاه چراغ مدفون  
گردید و فانی حاجی محمد جعفر فرار کوز لوی همدانی از مشاهیر واجله عرفا **امریا** (انگلیس) در کانادا که از نیکو دینا برای  
انگلیس مانده نهصد هزار نفر فرنگ از ملل مختلفه سکنه دارند (اسپانیول) اطریش و روس و پرو و سایر ایلیها خود را از  
مادر پد اخضا میکنند فرانسه اعلان جنگ با اسپانیول نماید صد هزار کشتون بسرداری و در کانگو و ماموبجنگ  
با اسپانیول میشو فرد پنا دهفتم پادشاه اسپانیول مطیع و منقاد شورشیان میباشد سردار فرانسه عمارد بود و روس  
میتابد مجلس پارلمنت پادشاه اسپانیول را بطور حبس با خود میگرداند و آخر الامراجبارا او را رها کرده او نزد سردار  
فرانسه میاید بعد از آنکه سردار فرانسه پادشاه اسپانیول را در سلطنت مستقل گردانید فرانسه مراجعت مینماید (ایتالیا)  
فونچه هفتم و جلوس لئون دوازدهم بیای بیجای او (روس) منع نمودن امپراطور تمام کتبی که راجع به بیلپتیک است  
و از خارج بداخله روس میاورند (عثمانی) یا نین سخت چندین هزار خانه در اسلامبول سوزانید و خراب میکند  
**امریکا** در نیکی جنوبی بالاتی که بر ضد اسپانیول شورید بودند قوت میگیرند و پرو کلیته آزاد شده مستقل  
میکردد (برزیل) دن پیدر امپراطور تازه پرتغالها را از ملکت برزبل اخراج میکند و خود مستقلاً در برزبل  
سلطنت مینماید

سنه ۱۲۴۴ هجری

سنه ۱۲۴۴ هجری

**اسپانیا** (ایران) در این سال موکی اعظم خاقان کشور سنجان فتح علی شاه شریف فرمای اصفهان گردیده  
روز و روز حاجیها شتخان و لد حاجی رجبله بخیناری ساکن محله لبنان اصفهان را که بشیرت معروف بود سیاست  
و تئیه فرمودند و امین الدوله از حکومت اصفهان مغرب و نواب شاهزاده سلطان محمد میرزا و حکمرانی داده و  
بسیف الدوله نمودند و پوسنجان سپهدار عراق بوزارت شاهزاده معزی الیه برقرار گردید و دویست هزار تومان  
بقایای اصفهان را بر عایا تخفیف دادند پس از مراجعت از اصفهان اللهیار خان فاجارد و لو که سالار بار و داماد  
اعظم شت شهر بار کار بود بمبصوب وزارت عظمی نایب و اصف الدوله لقب یافت و محمد حسنخان سپه اصف الدوله  
سالار بار شد همه این سال کار گذاران دولت روس وارد نمودند که محل مشهور میانغ و کونی و کوچگردنگر من نواب  
ایران داخل در حد تقسیم تعلق بدولت روس است حسنخان سردار پروان مراتب را معروض داشت و زوال بر ملوف

سردار کرجستان نیز بولگونیک مرزا بیچ و کپل روس را با شاه پیرخان ارمی نرجان بد بار خافان کشورستان فرستاد  
 و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحجه تحقیق این امر بخصوص هابون اخضا شدند و حسنجان سار اصلان از ابرو باستان  
 مبارک آمده برخلاف ادعای کارگزاران روس تقدیم نمودند اما و کپل روس این تقدیم را قبول ننمود و میرزا صادق و فایع  
 نکار با بولگونیک مامور نفلیس شد همد را اینسال میرزا ابوالحسنخان شیرازی بوزارت امور خارجه دولت علیه برقرار کرد  
 و شصت هزار تومان بر عیای و کپلان تخفیف داده شد و مرزا بیچ و کپل روس بعد از ورود بپرزینل از میرزا صادق نفلیس  
 شنافت و در حال پرملوف را بر نفیض عهد با دولت علیه تحریک شد شارالیه کیناز مستحفظ اوج کلپسار انصاف  
 بالغو حکم داد و خود بهمانه نظم داعستان سفر کرد کیناز قلعه فر بوره را منصرف شد و صد نفر هارز و دو بیست نفر سوار  
 در آنجا گذاشته با بیچ کلپسار بازگشت و میرزا صادق و فایع نکار نفلیس رفته در آنجا معطل ماند همد را اینسال  
 ابراهیمخان ظاهرالدوله حاکم کرمان و داماد و عماده خافان کشورستان وفات نمود و خلفایالت کرمان را بپس  
 نلیخان ولد اکبر ابراهیمخان که بطنا بنبره خافان کشورستان بود دادند و میرزا جعفر حمزه کلانی مازندانی و زهر  
 ملک آغا مالان خلعت و نظم امور کرمان شد همد را اینسال امان الله خان والی کرمان درگذشت و خسر خان  
 ولدا و که بمصاهرت پادشاهی اخضا مراد داشت که اینکرستان یافت و محمد حسنخان فراگوزلو حاکم همدان وفات  
 کرده سرکردی طایفه بر شینجا پسرش مفر شد و بخد مت نواب میرزاده اعظم که حکمران همدان و مجال فراگوزلو بودند  
 رفته مورد التفات شاهزاده معظم شد همد را اینسال بوسنجان کرجی سپهدار عراق و وزیر اصفهان درگذشت و  
 فرزندش غلامحسین در هفده سالگی بشرف مصاهرت علیحضرت خافان و منصب پسر سرافرازگشت و وزارت نواب  
 سپهدارالدوله حاکم اصفهان بر عهد منوچهرخان کرجی غلام پشچند من خاصه مفر کردید همد را اینسال اللهقلینان  
 توره ابن محمد رحیمخان حکمران خوارزم که نازه بجای پدر حکومت خوارزم یافته با سپاهی فراوان غزم لشکر خراسان نمود  
 در حومه شهر مشهد مقدس برف و باد شد پادروی او را متفرق ساخت اللهقلینان توره بسرخس کرجیخت اردو  
 او بنا را چ رفت در سرخس جمعی از ترکافان سالور و ساروق را بناخت حد و دجام و سر جام فرستاد دسنة از آنکه در منزل  
 شریف آباد دو چار سواران ارغون میرزا پسر نواب حسنعلی میرزا کردیده منضم و مقبول شدند و دسنة دیگر در  
 حدود ولا پنهان نیز بدست میر نصیرخان تیموری مضمون و نابود گشتند اللهقلینان توره سه هزار نفر دیگر از آنکه  
 فخرات و طایفه قزاقیان و سواران ساروق و سالور را بنا را چ ارض اقدس روانه نمود و آنها خارج شهر مشهد  
 مقدس را ناخشد نواب حسنعلی میرزا بالشکر خراسانی از شهر مشهد خارج شده در دامنه از در کوه براوز بکها و  
 ترکها حمله کرده جمعی را مقبول نموده بقیه السیف منضم شدند همد اینسال نواب علیقلیخان عم خافان مملکت شینا  
 در بار فروش مازندانی وفات نمود امیر پیا (انکلپس) در اینسال انکلپسها فصد کردند که اراضی متعلقه  
 بطایفه آستانی را که معادن زیاد دارد منصرف شوند ولی طایفه آستانی آنها را از سواحل خود دور  
 کردند چکهای سخت انکلپس در هندوستان و در پیرمان در مشرق بنکاله یکی از مهندسین فرانسسه که بر نوبل نام دارد  
 از پیرود خانه نامیر دانی میسازد که دو ساحل نامیر از پیر بهم وصل میکند (فرانسسه) فوت لوی همد را اینسال  
 و جلوس پادشاه شارل دهم بجای و در سن شصت و هفت سالگی (پیر نوغال) دن میگلی پسر پادشاه سورش نازه  
 بر ضد پدر خود بر پامیناید دول فرنگ شاهزاده پانچویس بوینه مفر شدند (روس) ایجاد راه شوشه کالسکه  
 مابین پترزبورغ و مسکو و در حلقه نوا طبعان صحنی کرده خرابی زیاد بشهر پترزبورغ وارد میآورد (عثمانی) مسئله

محمد میرزا

در ارض بقایم

شورش یونان اهتیب هر سائیده انگلیس و روس اشکارا از باغبان یونان حمایت میکنند عساکر عثمانی قتل و غارت زیاد در بلاد یونان مینمایند امریکا (برزیل) انکشاف چهار معدن طلا و خنله معتبر در این مملکت

سنه هجری ۱۲۴۱

سنه ۱۲۵۱ هجری

اسپهان (ایران) در این سال چون سنین سلطنت اعلیحضرت خافان کشور عثمانی فخر علی شاه لیبی میرسد سکه صاحبخانی زدند و بر روی فرانسوی و شش نخود نقره بود این مصرع را نقش کردند (سکه فخر علی شاه خسرو صاحبقران) و بر روی اشرفی که هجده نخود طلا و خالص داشت این مصرع را رسم کردند (سکه فخر علی شاه خسرو کشور سنان) و مقارن این ایام مسکوکات در بلوک ورامین و حدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیداشد که از فرار شخص در آن ایام بعضی سکه شاپور ذوالکفایت بود و برخی سکه خلفا و ملوک و سلاطین چنگیزی و تیموری و صفوی و آنجناب محسن علی خان معتمد الملک سپرده شد هدایای اعیان علمای اعلام از سوء سلوک کارکنان روس نسبت به مسلمانان کینه و فریب خیزد ار شده بوجوب جهافتوی نوشتند و آقا سید محمد مجاهد اصفهانی از عیالات عالیجات مخصوص خافان صاحبقران آمد در این باب ابرام نمود این امان ایلی کیانی هندوستان در آن مکان لکنی به بنبلد بود شهر بسطد و فاسم خان هزار چربی بر شک فوج بزرگی که مجتهد آوردن ایلی به عیبی رفتند و در او را اعلام و مهر از ابوالقاسم مستوفی اصفهانی به مهانداری ایلی مشارالیه مامور گشتند و این ایام نواب محمود میرزا با لک لرستان فیله و نواب هایون میرزا با لک نهاوند منصوب گردیدند و امین الدوله به مهانداری آقا سید محمد مجتهد محکوم و مقین گشت و موکیک هایون از دارالخلافه سلیمانیه کوچ و از آنجا بسطاطیه شریف فرما شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه محضی خان صاحبقران مشرف گردیدند و در این سال ایلی روس کپناز بخشکوف بد بارهایون آمد و چون الکساندر امپراطور روس در ایصال وفات کرده و قبل از وفات تختی از بلو برای هدیه خافان صاحبقران بفرمان او ساختند امپراطور بنکلا که بجای او جلوس کرده بود آن تخت را محضو با ایلی مشارالیه محضو حضرت صاحبخانی اهدا و ارسال داشت و بعد از وصول ایلی علمای اعلام و مجتهد با احترام بار و معلی ورود کردند و آنچه از صلح و مصالحه ایلی سخن را ندانند و مقبول بنفاد و اعلیحضرت هایون بفرجهاد مخرف کرده از وجوب آن سخن را ندانند و اصرار کردند تا ایلی ما پوسن باز گشت و عساکر ایران با طراف مامور شدند و با مشون روس بزد و خود مستغول گشتند و موکیک هایون بار دبل آمد و حاج محمدخان بجال و جاور و دناخت و حسنخان بر سنکران آباران و سبحانقلخان بر سنکران بالغو و حسنخان بر سرزاکلیسارفت و تقیخان بطرف استبا توپخانه کپناز که در حرمه چینه بودند اند و مصطفی خان شبروانی و الکساندر میرزا بکر حبیبشاد و شبروان و شکر رفتند و امیر کبیر امیرخان سردار از راه برکسطا روانه شد نواب سمیع میرزا در راه بسالان حال کرد و در سنکران و چپانی بر خورده جنگ در پیوست و موکیک حضرت مستطاب نایب السلطنه بزد و رسیده از روزان ظهر تا غروب تا بره قتل اشغال داشت و آخر الامر سالان روس مقهور و مفتول گردیدند و لنگران مفتوح و سالیان مستخر شدند و این اوان اغوز لوخان پسر جوادخان کچنر بار و سها جنگیده غالب آمد و در کچنر استقلال یافت امر و ایاز با و پسر لوی اول بجای پدرش ما کبیر میلین ژورگت بسطاط جلوس مینماید (فرانس) سفاین چنکه این دولت در این سال عبارت از صد و پنجاه هشت نفر و نود و پانزده هزار نفر مشون مجری است (ایطالیان) فرزند پنا اول پادشاه اسپینل بعد از شصت و پنجاه سال سلطنت و جلوس پسرش فرانسوا اول بجای او و در چهل و شش ساله (روس) فوت الکساندر امپراطور روس و در طغانزق قسطنطین از ولایت عهد خلع شده بود سلطنت را برادر کهن خود بنکلا واکدار میکند شورش و انقلاب سخت

در پیرزبورغ علی الخوضر رهبان فثون (عثمانی) بفای شورش پونا سپان و آمدن ابراهیم پاشا سپر محمد علی پاشای  
مصر با عساکر بر روی بحر بک سلطان عثمانی امریکای رئیس جمهور انا تونی پنجه دینا آدامس نامی است که پند  
نیز بکوفتی رئیس جمهور بوده است

### سند هجری

۱۲۶ هجری

آسیا (ایران) در این سال بنا بر میل و تکلیف علما و پنا پند و ولین ایران و در سر جنگ بنیخه در گرفت و بنای لشکر  
کشی شد و عبداللہ خان دماوندی و نوروز علیخان سر کرده دسسه فثون سمنانی مجراست و ثوقف کجی مامور شدند و ابر  
کبر امیرخان سردار نیز پنهان مامور شد روانه کجی کردید و مصطفی خان بشروانی نا حوالی شبروان ناخ و ابراهیم خان  
جان محمدخان دولو و حاج محمدخان فاجار با مداد او رفتند و محمد حسینخان بشکی تا منزل جواد رانند و وسها چون کار را  
سخت بدند بشروان و شکی را نخلب کرده بسفناق محال بر یک پناه بردند کینا از فرا کلیسا نیز در قلعه لوی محصور  
حسنخان سار اصلان کردید و نیز با چهار هزار سالدان روس مقبول و دستگیر شدند و تمامی آنجا در دستگیر گشت  
نواب شیخعلی میرزا بقیبه و باد کو به مامور شدند و موکب خفان صاحبقران فتحعلی شاه بعزم فتح شوشی از اردبیل  
بکنار رودخانه طولی آمد و الله پاشا خان آصف الدوله با بیست هزار نفر فثون و ده عراده توپ با هزارم رکاب  
حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شد که بعد از فتح شوشی بکرج حینا و نفلیس رانند آصف الدوله در دم ما  
صفر در خارج قلعه شوشی معسکر حضرت معظم پیوسته آمد این او ان ژون ملکان ملک کبر سپهر کیانی هند و شتا  
بارد و معالی آمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه قلعه شوشی را محاصر کردند ولی مستحفظین قلعه که منظر ملک  
فثون روس بودند از در چله و عده تسلیم نمودن قلعه داده بنا بر این محاصرین از سخت گرفتن در گذشتند حضرت  
مستطاب نایب السلطنه نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) و لدا کبر الختم خود را با محمد قلیخان فاجار و  
دسسه جانب خواجه بند و عبدالملک و نظر علیخان مرندی مامور حراست شهر و قلعه کجی فرمودند از آن طرف  
مدد و فزانه ژنرالهای معسکر روس با جمعی پیاده و سواره و فراق و بیست عراده توپ بتیخه کجی آمد امیر کبر امیرخان  
سردار حراست کجی را بنظر علیخان مرندی گذاشته در رکاب امیرزاده اعظم محمد میرزا بطرف شمکور رانند و در  
خوابه ها شمکور با مدد و فزانه دست داده با اشتغال ناپره قتال پراختند امیر کبر امیرخان سردار عز شها ذیافت  
و پس از شهادت او لشکر دست از جنگ کشیدند مدد و فزانه کجی رانند و این شهر را محصور شد حضرت مستطاب  
نایب السلطنه مشغول محاصر شوشی بودند که این خبر را شنیدند الفور مهد قلیخان جوان شتر را بکوچا پند ابلات  
قراباغ و آوردن بقراجه داغ مامور فرمودند و خود از محاصر دست کشیده بدفع مدد و فزانه و حفظ کجی روانه شدند  
و فقی جوالی کجی رسیدند که مدد و فزانه شهر را مستحضر کرده بود حضرت معظم مستعد جنگ مدد و فزانه در آنجا  
ژنرال سیکوچ با چهار هزار سالدان از نفلیس با مداد مدد و فزانه و جنگ در گرفت ابتدا فثون ظفر نمون بر عساکر  
روس غالب شدند و آنجا که امیرزادگان در محل تیررس بودند حضرت مستطاب نایب السلطنه حکم کردند آنها را بجای  
دودنی بر بند چون آنها را بی قاعده حرکت دادند نظم فثون بهم خورد و مغلوب گشتند حضرت معظم ناچار با ملائک  
بکنار رود ارس آمدند و حضرتها چون ایشانرا طلبیده برای دفع ملائک فرما پشهای نلطف آمیز فرمودند و چون  
در عرّه بیع الاول بر نه شدند در طول پله شای بارید موکبها چون عزیمت نیز نمود نواب شیخعلی میرزا و حاج محمدخان  
دولو و ابراهیمخان فاجار نیز از بنه مراجعت کردند و مهد قلیخان شش هزار خانوار از ابلات قراباغ کوچا پند

حضرت مستطاب بنایب السلطنه آنها را مجرود معان و فراجه داغ روانه فرمودند و بعضی از دستجات فشنون را بناخت و آنرا  
 در اربع حکم دادند مستحان ساری اصلان و مصطفی خان شپروانی و محمد حسینیان شکه بغار فاطراف پرداختند و یاد  
 فرستی نطلبند ناخشد و هزار نفر بیاید هر اجر بی و آنرا با هزار نفر سواد کوهی بجای فطنان و ان مامور شدند و  
 همایون در شیب بیست و ششم بیع الاول از راه مراغه روانه دار الخلافه شدند و در بیخه برگردانیدن ابلات فرابلغ  
 از آباد س عبور کرده مجد و دکر هلو آمد حضرت مستطاب بنایب السلطنه فاسیحان و حسین پاشای بوزباشی و رحمت الله  
 خان سر نیکو باد و فوج فراجه داعی و محمد رضا خان کسرهنگ فوج دویم نیز بمقاومه او روانه گردند نوایب علیه الله  
 میرزا نیز با سپه افسانه روانه اردبیل شد و مدد و فراد آن میان محصور و مستاصل داشتند و چون او نایب نظام  
 بناورد مراجعت کرد و اسبان توپخانه و عراده ها آذوقه او بصرف فشنون ظفر نمون درآمد و آقا سید محمد مجاهد  
 مجتهد که مصمم چها بود در نیز بر میفرستد در راه رحلت نمود همدانین سال شاه محمود افغان از پسر خود کامران  
 خایف شده از هرات بیرون آمد و با افغانه فراه و سبزار در دفع پسر نفاق کرد کامران بنوایب شجاع السلطنه حسن علی میرزا  
 منوچهر شد شاهزاده معظم محمد امین خان پاز که با پانصد سوار بهرات فرستاده کامران مطمن شد و محمود با طراف  
 رفت چها هزار لشکر تربیت کرده بجانب پسران کامران میزاجها نکر میرزا پسر خود بلذخ بدی رامو ساخت محمود از سر حشمه  
 باد غلبه بخارج هرات ناخست و ابتدا بمجد امین خان که در باغ شاه خارج هرات بود حمله کرده کاری از پیش نبرد بعد بر سر  
 جهانبگیر فتنه بر او باقی کشید کامران در قلعه محصور شد و از بیم شورش اهل هرات مران بنایب حسن علی میرزا عرضیه  
 عرض کرد نوایب معظم حرکت کرده بغور بان آمدند و کامران پدر را شکست فرار داده نوایب شجاع السلطنه در سنگ بست  
 هرات نزول کرده کامران میرزا بمجد شاهزاده آمده ایشانرا بهرات برد و کلید خزان بدیشان سپرد نوایب شاهزاده از  
 فرط منع جبر کجایه انکسری هیچ قبول نفرمودند و نوایب رغون میرزا فرزند خود را با پنجاه سوار و سواره نوایب در  
 هرات گذاشته خود بارض افندس معاودت نمودند همدانین سال الله قلیخان نوره برادر رحمن قلیخان نوره پسر محمد رحیمخان  
 اور کجی بولا بست جام رانده بنای عارت را گذاشت و یکبشت با و آخر شب چند راس اسب دارد و او را هاشده سیکه بکر افتادند  
 و غوغا و هیاهو در گرفت خوارزم بها کمان شبنگون کرده منفرد شدند الله قلیخان لبر حشر ف و اردو او بدست  
 جامهان افتاد همدانین سال روسها از طرف دریای خزر در سرحدات مازندران و استراباد بنایب آشوب را گذاشتند  
 و فرزند کشتی جنگه برضه ها این دو کاپت آوردند و ترا که را بنقود تطبیع کردند فیات نامی از ترا که حضرت بای فریب  
 خورده ابلد با فستاد داشت نوایب محمد قلمبرای ملک آو در دربار هابون بود و پسرش بدیع الزمان میرزا در استراباد  
 بحکم این اشغال داشت پس این استماع این خبر مهد بخان و محمد تقی خان هزار جریبی میرزا اسمعیل خان فندرسکه  
 و نقد علیخان کو تول را با خود همراه نموده با سواران و پیادگان استراباد و مازندران و کلان شب بر سر او حضرت  
 بایب پنجه بند میران جماعت پرداخت چون ترا که مقهور شدند سفاین روس هم که ساحل استراباد آمدند  
 بازگشتند همدانین وان منوچهرخان که جی محرابست بند انزلی و فرضه کیلان روانه شد و این الدوله عبد الله خان  
 اصفهانی بوزارت نوایب شاهزاده سیف الدوله سلطانه میرزا باصفهان رفت همدانین ایام الکساندر بر ملوف دار  
 که چستان در دولت روس بنیانت منسوب شده معزول گردید و ژنرال بسکویچ بجای او سرداری یافت کباز در  
 حاکم فراغ و شپروان نیز عزل و انجستون نام بجای او نصب شد و بسکویچ ژنرال دو بیچ نام را باده هزار سالان و بیست  
 عراده توپ بمشیر این روان فرستاد و انجستون نیز با شش هزار سرباز و ده عراده توپ بطرف فراجه داغ رواند ژنرال



دو بیج وارد اوچ کلیسا شد و پنجسود در کنار پل خدا آفرین فاشنگرد حسیخان سردار در قلعه ابروان و برادر حسیخان  
ساری اصلان با پنجهزار سوار و یکفوج سرباز در خارج قلعه ماند از طرف قزاقچه داغ نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا  
(محمد شاه) با شش هزار سوار و چهار فوج سرباز و پنج عراده توپ در کنار رود و در میان رود زدند و زوال دو بیج با  
سه باطالیان سرباز و یک هزار نفر سواره قزاق و چهار عراده توپ از اوچ کلیسا بغیرم قلعه سردار آباد ابروان حرکت  
کرد حسیخان سردار در کنار قراسو که مبانه سردار آباد و اوچ کلیسا است باز نزالد دو بیج مضاف داده چون کاری انقشون  
روس ساختن نشد و بقلعه طالبین که در شش فرسخی ابروان است نهادند از آن طرف روسها که در کنار پل خدا  
آفرین بودند خود استند از آب اسر عبور کرده بقزاقچه داغ دانند نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر آنها حمله کرده آنها  
شکستنه فاشند دادند در این اوان موکبها بون از دار الخلافته منوجه آن با جان شد و روسها اوچ کلیسا بغیرم حسیخان  
بار دو حسیخان ساری اصلان رنجند مشارالیه که با خبر بود بسیار را مقتول و بعضی را اسیر کرد نیز با نصله عراده  
از وقت که بقلعه ابروان میرسد بتصرف حسیخان درآمد موکبها بون در چمن قبله نیز نزل اجلال فرمود و  
قشون روس از محاصره ابروان گذشته عزم نخجوان کردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه از خوی حرکت فرمود  
بچورس آمدند و احسان ولد کلبعلی خان نخجوانی را بجز است قلعه عباس آباد که از مستثنیات حضرت معظم است  
امر فرمودند و محمد امین خان فاجار و عبیدخان سرکرده بخیشاری بمجا خدمت احسانخان محکوم شدند احسانخان  
با بسکویچ سازش کرده او را بمحاصره عباس آباد آورد نواب علینقی میرزای رکن الدوله با پنجهزار پیاده و سوار  
بچورس آمد اللهبار خان آصف الدوله نیز با پنجهزار سوار و پیاده برکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه  
حسیخان ساری اصلان نیز با فوجی از سواران در رسید و باروسها که از رود اسر عبور کرده بودند شروع  
بجنگ نمودند چهار نفر از دلوران روس ضد حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده هر چهار براه عدم رفتند  
فضلعلیخان فوائلو و لاجاجی مهنگر خان در آن روز جلادتها نموده چون اسلشن زخمی شد پیاده بجنگ پرداخت  
و چند زخم برداشت و از معرکه بیرون بردند و پس از آنکه زخمهای او التیام یافت جان نثار دولت باو  
لقب دادند عساکر ایران کلابه چورس برگشتند و بسکویچ علی را که نشان دولت ایران داشت برافراشت  
با این جمله از رود اسر گذشت بنشین عباس آباد دشانف احسانخان مستحفظین قلعه را حلیس کرده در برده  
بسکویچ بکشود بسکویچ محمد امین خان فاجار و عبیدخان سرکرده بخیشاری و بعضی جوانین اینها بفره را گرفته  
تقلیس فرستاد و احسانخان درازای انجمنت بگوم نخجوان رسید حاجی محمدخان دولو و اسفند پارخان که در جیاماد  
سپهدار و طوایف خلیج بجز است خوی مامور شدند و عبدالله خان ارجمندی نیز و زکوهی بادسنه خود بمجارسه  
نیز رفت و موکبها بون بر نهادند و نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بناحت قزاقچه داغ روانه شدند و نواب کنال الدوله  
بنو قف محال چورس حضرت مستطاب نایب السلطنه بجای ابروان مامور گشتند بسکویچ چند روز در عباس آباد  
مانده بعد بار دوی خود باز گشت و و باد رفسون روس افتاده جمعی را هلاک نمود و بسکویچ از نلافی عباس آباد  
توهم داشت میرزا کرماند و ف همشیره زاده خود را بمضو حضرت مستطاب نایب السلطنه بطلب مصالحه فرستاد  
و مقبول بنفاد سنجعلیخان کنکر لو برادر احسانخان نیز قلعه نظاره ارد و باد را بتصرف قشون روس داد  
و ابراهیمخان فاجار دولو بادسنه لشکر فرا کوز لو بجای بند و باد دشانف و قلعه نظاره را بقلعه گرفته و نواب  
شاهزاده اعظم محمد میرزا نیز ولایت قزاقچه را زبر و زبر کردند و باز گشتند و نواب جهانگیر میرزا مستحفظین اسباب

اسپر و توپخانه آنها را بدر پای خزانداختند (ترکستان) در این سال امیر جدید توره ابن امیر معصوم شاه را در ملقب  
 بجان که بسپد و دو سال در بخارا امارت داشت در ماه ربیع الاول درگذشت و بعد از او امیر حسین سپهری سه ماه امارت  
 بخارا نموده در جمادی الاولی وفات یافت و بعد از او عمر خان بن امیر جدید بر هکتاد امارت نشست و نیز بعد از شش  
 راه آخرت پیش گرفت و امیر نصر الدین بن امیر جدید بن بجان امارت بخارا یافت و استغراق بهر ساله بند امری پای  
 (انگلین و روس و عثمانی) در مسئله یونان مابین انگلیس و روس بواسطه و لنگن از جانب انگلیس و فیصله از جانب  
 روس اتحادی حاصل شده بنای سخت گیری با عثمانی میکند و شورش یونانها سخت تر و بعد با عثمانی خاصه اتحاد  
 ابراهیم پاشای مصر که سردار کل فتون عثمانی در یونان است پیشتر از پیشتر است جنگهای سخت یونانها  
 با ابراهیم پاشا اتحاد فرانس با انگلیس و روس در باب یونان روس که با ایران سرداری بسکویچ در مجادله است فتون  
 فرستادن یونان ندارد و بواسطه جنگ با ایران با عثمانی مصالحه مینماید بنا بر این معاهده جز در قلاع سرسبز  
 عساکر عثمانی در سایر بلاد سرب نخواهند بود و صفای روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود در تمام قزاق  
 برای باغهای یونان توجهات میشود دولت انا تونی پنکه دینا یکفر و ندکشی جنگی یونانها پیشند (انگلیس) ایند  
 گرفتاری پولی و محطی و عدم رواج بخار تست بخار با انگلیس ملک آسام از پر ماه منزع میشود (فرانس) تعلیم و تقلم  
 زبان پهلوی در این مملکت (ایتالیا) شورش و انقلاب بر ضد پاپ در بلاد منصری او (پرتغال) فوت ژان ششم پادشاه  
 اهالی پرتغال دین پید و پسر شد ژان را که امیر طور برنیل است بسطنت منخب میکند پادشاه برز بل از سلطنت  
 پرتغال استعفا کرده سلطنت را باماری بختر هفت ساله خود تفویض میکند شورش انگیزی دین میگردد پادشاه (س)  
 تاج گذاری امیر طور بنگلای اول در مسکو (عثمانی) قتل طایفه بنکیچی و معدوم ساختن این طایفه و کلبه امریکا  
 (انائونی) فوت ژان فرسین معروف

۱۸۵۷ هجری  
 ۱۲۷۳ هجری  
 آسیا (ایران) در این سال در ماه صفر شرح فتوحاتی را که در اواخر سال قبل نیکاشیم بعرض علی حضرت خانان  
 فتح شاه رسانیدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا رکن الدوله علی بنی میرزا را در چورس گذاشتند خود  
 با برهان تشریف بردند و فاسخان سر هک و جعفر قلچان مقدم و محمود خان معصوم لوی اسرا بادی را بر سایر مستخفیان  
 آن قلعه افزودند و حسینخان سردار ملنزم رکاب الا کردیده مشوجه محاصره اوچ کلینا شدند مستخفین  
 اوچ کلینا از روسها ساکنان آباران استمداد نمودند و آنها نیز با استمداد قصد املا کردند حضرت مستطاب  
 نایب السلطنه از اینمغز جنبدار کشته بوسفخان کرجی سر هک توپخانه و سهرا بجان غلام پیشخان مت باشی را با چها  
 هزار نفر محاصره اوچ کلینا گذاشته خود براه آباران رفته در اشوک ابروان بافتون روس مصافه اندر روسها  
 مغلوب شده اسلحه خود را در پنجه فصله فرار کردند عساکر معصومه بسپار از آنها را دستگیر نموده و موکب والا  
 بطرف ابروان عطف عنان فرمود بسکویچ سردار روس چون از واقعه آگاه شد در نزال ارستوف کرجی را بجا است  
 عباس آباد گذاشت خود راه ابروان پیش گرفت رکن الدوله و حسینخان سایر اصلا بنز بجای ابروان را زدند  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه عبار ملاقات رکن الدوله حرکت فرموده در دامنه اغری و اغ افی م نمودند بسکویچ  
 باوچ کلینا رفته پس از چند روز توقف محاصره سردار آباد آمد حضرت عظم حسینخان سردار را روانه سردار آباد  
 نموده خود بنخج حوالی عباس آباد پر لاختد نزال ارستوف با استمداد تمام از عباس آباد بیرون آمده در حوالی

قلعه خوک بخجوان مغلوب عساکر حضرت والا گردید و بعباس آباد بازگشت موکب الامیرل چشمه شاهی خوشتر  
 فرمود و درین مهرازان این فتوحات بجز حضورها بون رسیده عبداللہ خان رحمتک و طہما سبغلیخان لاریجان  
 و لجان ننگانی و حاجی حسینی دامغانی و علی قیخان فراگوزلو سرہنگ فوج ہدائی و عبداللہ خان دماوند  
 را باد سبغلیخان و مبلغی وجہ نقد ہر اہم اللہ ہارخان آصف الدولہ نزد حضرت مستطاب نایب السلطنہ فرستادند  
 و موکب ہما بون در مار سبغ الاول تشریف فرمای از الخلافہ کردید و حضرت معظم والا از آبارس عبور کردہ بحال  
 چور سر آمدند و آصف الدولہ دستجات ما زندی داروانہ نبرین نمود و با اتفاق میرزا ابوالفاسم فایم مقام از رودارس  
 گذشتہ بنظم التوحید پرخ حضرت مستطاب نایب السلطنہ بخوی تشریف آوردہ آصف الدولہ و فایم مقام را بحضور  
 طلبیدند بسکوچ با اطمینان تمام سر را آباد را محاصرہ کرد حسینیان سائر اصلاحتہ بنم بشی از شکاف دیوار قلعبہر و آنگہ  
 باہر روان رفت و ارامندہ در قلعبہ سر را آباد را باز کردہ بسکوچ وارد قلعبہ شد و پس از دریافت آذوقہ باہر روان شنافت  
 و پس از دوازده شبانہ روز جنگ اہر و ان را گرفت و حسینیان گرفتار کردید و او را و میرزا محمدخان مفضول و او حمزہ  
 خان انزلی را بقلعہ فرستاد و حضرت معظم نایب السلطنہ در خوی از ماجری خبردار شدند کن الدولہ و آصف الدولہ  
 بہ نبرین آمدند رحمت اللہ خان فراہانی کہ بحفظ راہ دزدگر کہ معبر و وسعہا ما مور بود نبر بہ تیر نبر شنافت و موکب حضرت  
 معظم والا بحال مرند آمد و در اینجا معلوم شد کہ مستحقین دزدگر گرفتند و نبردہ و ارسنوف کرجی با سالدات و توپخانہ  
 از آن معبر گذشتہ و عزیمت نبرین نمودہ حضرت مستطاب نایب السلطنہ فتحعلیخان رشتی را نزد بسکوچ فرستادہ شرحی  
 پیغام دادند و خود بیلد خوی آمدہ انتظام این خواہی را بر عہدہ نواب میرزا محمدخان فاجار و انضدنا  
 خان نایب سپہدار حوالہ فرمودہ خود روانہ نبرین شدند و در منزل طسوج بعضی رسید کہ زوال ارسنوف بچہ اطمینان  
 از حرکت بسکوچ و جذب قلوب اہالی نبرین در قرہ بے صوفیان متوقف است علی در ہین دوروز بقیچہ شہر سپہ یازد  
 لهذا موکب الا عاجلاً بدو فرستہ نبرین آمدہ معلوم شد کہ از خارج و داخل روسہا را گرفتہ نبرین بجز تک میکنند  
 و از جملہ محرمین ہر فشاخ ابن حاجی میرزا پوسف نبرین بود کہ مردم را با طاعت و وسعہا اغوا نمود ناچار فایم مقام  
 داروانہ تیرین نمودہ خود عزیمت سلماس فرمودند خلاصہ نواب کن الدولہ از نبرین بیرون رفت و آصف الدولہ  
 ختام حرم حضرت مستطاب نایب السلطنہ را از شہر روانہ کردہ در فرہ با سبغ برکن الدولہ رسانید و الوط  
 شہر را سلقشون روس شہر تیرین وارد شد و آصف الدولہ را دارا حبس کردند و زوال بسکوچ را خبر  
 دادند و طلب نمودند و ارتعاجیل تیرین آمدہ ایالت را کاگان بھدہ فتحعلیخان سپہدایت اللہ خان کلانی و آنگہ  
 نمود و با آنکہ با آصف الدولہ از صلح سخن صحبت جمعی را بقتیچہ و لایت خوی فرستاد حضرت مستطاب نایب السلطنہ  
 در این موقع مصلحتی بچنگ ندیدہ مستحقین خوی را با توپخانہ و آلات حرب بسلماس اخفا فرمودند و آنولایت را باہا  
 اصلاحتان کہ در خفا بار و وسعہا مواضع داشت سپردند و لشکر روسی ما فی خوی را تصرف کردند بترخان کرجی  
 بعضی ہدیہات از جانب حضرت معظم نایب السلطنہ برای بسکوچ پیغام برد و جواب علامت و مینہ بر صلح آورد و مقرر  
 شد کہ در ہذا رفان ملاقات و گفتگو نمایند حضرت مستطاب والا بندہ و آغزوق را با نواب میرزا محمد بہرام میرزا و امرا  
 فاجار از راہ ارومی سلا و زمیان دو آب مراغہ کہ بر حمت آباد مقرر است فرستادند و خود بار دوی و وسعہا  
 رفتند نواب کن الدولہ ختام حرم حضرت معظم را محافظت کردہ بزنجان رسانید و از آنجا با اتفاق حاجی علی معین  
 ما زندی خواجہ بابشی و عبداللہ خان دماوندی روانہ ہدایان شدند اعلم حضرت خافان صاحبقران نبراز و  
 فہ

آگاه شده باحضار شاهزادگان احکام صادر فرمودند و از آنجا که ژنرال رازن از صاحب منصبان روس بفریب پلانت  
 کرورد و غصبه شقاق آمده بود میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب دیوان که مدتها بوزارت غنسه مامور و اما لی آن بلاد را  
 بحسن سلوک خود ممنون داشت محکوم بچار سنگ آن حد و دگر پد و نواب پیشین میرزا حسین قزوینی را از آنجا که در آنجا  
 حسینخان سپهسالار عراق باده هزار پیاده و دو عراده توپ و رسید و نواب محمد قلی میرزا باده هزار فشتون مازندانی  
 حرکت کرد و نواب محمد تقی میرزا با شش هزار سوار و پنج عراده توپ حاضر شد و نواب شیخ السلطنه حسنعلی میرزا با پشیا  
 خراسان و رود نمود اما روز و روز حضرت مستطاب نایب السلطنه بدختران بسکوچ و هر صاحب منصبان روس  
 با احترام تمام حضرت معظم را استقبال کرده آصف الدوله را نیز از تبریز آوردند پس از گفتگو بسکوچ گفت دولت  
 روس را بن گشاکش معادل بسبب کرده و تومان ضرب متعل شده هرگاه داده شود خلاف منفع کرد و فتحعلی کبکلافی بطهران  
 آمده نرابت با بعضی حضور العلی حضرت خاقان صاحبفران رسانیدند و این مطلب مقبول بنفاد بعد از آمد و شد و سوال  
 و جواب بسبب پاید کرد و فرار گرفت که هشت کرده داده شود و بعد ها نیز دگر و دگر یکبار و مهلت داد کرد  
 سرزن مکان لکن و نیز بخنار انکلسن یا بسکوچ قرار مصالحه داده و حکیم مکین صاحب انکلسن را بدارا خلافت فرستاد  
 خاقان صاحبفران را راضی نمود و منوچهرخان حامل وجه خضارت جنک کش حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 از حد و دگر و میرزا ابوالحسنخان و زبیر امور خارجه از قصبه نجان و آصف الدوله و بسکوچ از تبریز و قوام مقام  
 از طهران حرکت کرده هر دو فرستادگان چای من اعمال تبریز جمع شدند و عهد مصالحه مابین دو لیتن روس ایران  
 که موسو بعهده نرکان چای میباشند منعقد نمودند و شش بخت شنبه پنجم ماه شعبان این سال عهدنامه منبر بوده بانجام  
 رسید یک نسخه بجهت مبارک حضرت مستطاب نایب السلطنه میرزا ابوالحسنخان شیرازی و زبیر امور خارجه بخنوم  
 شد و باز ژنرال رازن سردار سواره نظام روس و حاجی میرزا ابوالحسنخان آن عهدنامه بحضور همایون خاقان  
 فرستاده شد و صورت عهدنامه نرکان چای از فرار بدلاست

**صورت عهدنامه نرکان چای**

اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه بالفابره و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران با و صافه علی السویه  
 اراده دارند که بنواب جنک نهایی بکنارند و بسبب هجوم ارتش صلحی نفاق بعل آرند لهذا امپراطور اعظم جناب پسر  
 بسکا و بیچ جنرال انونار را و پادشاه و الاجاه مملکت ایران نواب نایب السلطنه عباس میرزا را و کلای مختار خود  
 تعیین کردند و ایشان در محل نرکان چای اختیار نامه ها خود را بهم سپردند و فصول آینه را بقرین و فرار داد  
 کردند

فصل اول بعد البوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان  
 و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودت و وفاق کامل ابدالآباد واقع خواهد بود  
 فصل دوم از تاریخ حال هر دو پادشاه با اجلال عهدنامه واقع در محال گلستان فرا باغ رامنروک و این عهدنامه  
 جدید میمونه را با عهده و شروط مسکوک داشته اند  
 فصل سیم پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان کلای نجویان و ایران را خواه اینطرف رود ارس  
 خواه آنطرف بدولت روسیه و کناره میکند و نعهد مینماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدت ششماه هر  
 دفتر و دستور العمل که متعلق بادایره ایند و ولایت باشد بفرستد و روسیه بدهد

فصل چهارم در باب سرحد و لاین ایران و رؤس بدین وجه خط وضع شده از نقطه سرحد ممالک عثمانی که در خط  
 مستقیم بقله کوه آغری کوچک است ابتدا کرده و از آنجا تا بحشید رودخانه فراسو پائین که از سر اشبدین بود  
 آغری کوچک جاریست فرود آمده بمنابع مجری این رودخانه تا بالنقشای آن برود از سر مقابلش در منتهی میشود  
 چون این خط را بنجار رسیده بمنابع مجری آن رسد بقلعه عباس آباد می آید و در دور تعمیرت و این بنه خارجه آن که در کنار  
 راست آن واقع است بنصف قطری بقدر نیم فرسخ رسم میشود و با این بنصف قطر در همه اطراف امتداد می یابد هر  
 اراضی و عرصه که در این بنصف قطر محاط و محدود باشد با آن افراد تعلق بر وسپه خواهد داشت در مدت دو ماه مشخص  
 خواهد شد و بعد از آن از جانب که طرف شرقی این بنصف قطر متصل با سر میشود خط سرحد شروع و منابع مجری  
 آن رسد میکند تا بمجریدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجری آن رسد تا بقاصله و مسافت سه فرسخ بعد از  
 وصول باین نقطه سرحد باستقامت از صحرا و مغان میگذرد و تا مجری رودخانه بالهار و در بجلی که در سه فرسخی واقع است  
 پائین تر از ملتقای رودخانه کوچک موسوی آدینه بازار و ساری قمشه از اینجا این خط بکنار چپ بالهار و در نا بلتقا  
 رودخانه مذکور صعو کرده بطول کنار است و در خانه آدینه بازار شرقی تا منبع رودخانه و از آنجا تا باوج  
 بلند پنجاه کیلومتر امتداد می یابد بنوعیکه جلله آنها نیکه جاری بحر خزر میشود متعلق بر وسپه خواهد بود و همه آنها  
 سر اشبدین مجری آنها بجا بن ایران است تعلق با ایران خواهد داشت چون سرحد و مملکت اینجا بواسطه فلاجیا  
 تعیین میباشد لهذا فرار داشته که پشتهای نیکه از اینکوهها البسمت بحر خزر است بر وسپه و طرف دیگر آن با ایران  
 متعلق باشد از فلسه بلند پنجاه کیلومتر خط سرحد تا بقلعه مکر قوی بمنابع کوههایی میرود که طالش را از حال  
 آن من مفصل میکند در فوق در باب مسافت واقع مابین آدینه بازار و فلاجیا که گفته شد بعد از آن خط سرحد از قله  
 مکر قوی بلیند کوههایی که محال زوند از محال از سر فرق میدهند منابت میکند تا بحر مدحال و لکچ هواره بطریق  
 همان ضابطه که در باب مجری هم معین شد محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف فلاجیا مل کوره واقع  
 است از اینفرار حصه بر وسپه خواهد بود و از ابتدای سرحد محال و لکچ خط سرحد مابین دو دولت بقلجیا  
 کلونوی سلسله کوههای عظیم که از لکچ میکند بر منابت میکند تا منبع شمالی رودخانه موسوی با سنادا  
 پیوسته عملا خط همان ضابطه در باب مجری هم راه خط سرحد منابت مجری این رودخانه خواهد کرد تا بالنقشای  
 دهستان بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این منصرفات و وسپه ایران را از هم فرق خواهد کرد و عمل خواهد نمود  
 فصل پنجم اعلم حضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهد انامی الکاء و اراضی و جزایر و جمیع بمایل خیمه  
 نشین و خانه دار را که در مهانه خط حدود معینه و قتل بر ف دار کوه قفقاز و دریای خزر را سالی الا بتعلق  
 بدولت و وسپه میداند

فصل ششم اعلم حضرت پادشاه ممالک ایران ببلایه خسارت دولت و رعیت و وسپه مبلغ ده که در نقد که عبارت  
 از بیست طیمان مناط سفید و سی است فرار داد و موعده و ره این وصول این وجه در فرار داد علیحد که <sup>بلفظ</sup> لفظ  
 کو با در این عهد نامه مندرج است معین خواهد شد  
 فصل هفتم چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا و ولیعهد دولت فرار داده امپراطور روسیه نیز  
 تصدیق بر این مطلب نموده بعهده کرده که نواب مغزی البه را از نتایج جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق  
 آن ملک دانند

چون فلاجیا از جانبین  
 مجرایها از فرق میدهند  
 در اینجا نیز خط سرحد را  
 قسم تعیین میکنند

فصل هشتم کشتیهای بخار دهنه و نین دوس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند که در بحر خزر و طول سواحل آن بطریق سابق سپر کرده بکارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از هر دو طرف فامداد و اعانت خواهد شد در باب سفاین هر تپه که علیها عسکر بر دستند دارند مثل سابق اذن تردد در بحر خزر دارند و بجز از دولت روس و لهستانی بجز آن اذن ندارند

فصل نهم و کلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و غابرین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام گردند و در این باب دستور العمل مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد

فصل دهم در باب امر تجارت هر دو پادشاه و الایجاه موافق معاهده جداگانه که باین عهدنامه ملحق میگردد تصدیق نمودند و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسوها و حامیان تجارتی که از دولت روس کافی السابق در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد میکنند که این کونسوها و حامیان را که زباده از ده نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نمایند امیر اطور روسیه نیز در باب کونسوها و حامیان تجارت ایران وعده میکنند که همین نحو مساوات منظور دارد و هر گاه از دولت ایران محققا شکایتی از کونسوها و حامیان تجارت روس واقع شود و کیلی با کار گذارد و دولت روس که در دربار دولت ایران متوقف است اختیار کونسوها و حامیان تجارت با او است اذن دارد که امر مزبور را بعنوان جاری ببل بگری مجموع نماید

فصل یازدهم امور و ادعای طرفین که بسبب جنگ بنا بر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت با تمام خواهد شد و مطالبات که رعایای جانبین از یکدیگر با از خزانه داشته باشند بتعمیل و تکمیل مصوبند بخواهند شد فصل دوازدهم دولتین عینین معاهدتین بالاشتراک در منفعت ثمره جانبین قرار داد میکنند که برای آنها بیکه ما بین خود بسپارند و اعداد در وجایب رود در سر املاک دارند و عده سه ساله مقرر نمایند تا با آزادی بیع و معاوضه آنها قدری داشته باشند لکن امیر اطور ممالک روسیه از منفعت این قرار داد در هر آن مقدار بیکه با و منعلق و واگذار میشود سردار سابق ایران حسین خان و برادر او حسنخان و حاکم سابق نجویان کرمان را مستثنی سازد

فصل سیزدهم اسرا بیکه در جنگ آخر و قبل از آن و تبعه که از هر مدتی با سپر افتاده اند از هر دو طرف فرار داد شد که در مدت چهار ماه با اخراجات راه بعین اسرا با دفر سنده شوند که وکلای طرفین در آنجا مامور بانیکار میباشند آنها را گرفتار و ماطا خود برسانند و هر گاه در مدت مذکوره بقویقی واقع شود هر وقت از هر طرف مطالبه کنند با اسرا خود اسند نمایند بلا مضایقه رد کتر آید

فصل چهاردهم از دو طرف قرین الشرف تعهد میشود که رعایای جانبین اعم از فراری یا غیر فراری که در حالت جنگ و قبل از آن بملکت طرفین دفته اند یا بعد از این بریند در صورتیکه وجود ایشان منشأ ضرر و فساد نباشد مطالبه نشود و لکن اشخاص صاحب بنه شان اعم از حکام و خوانین با روسا و ملاهای نزدیک و غیر آنرا که وجود ایشان در ممالک دو طرف بسبب مکانات و تجارت خفیه منشأ ضرر و مزاحمت در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معتبه در فصل چهارم اخراج سازند

فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تفسیر اهالی آذربایجان از خاصه غایه که در مدت جنگ تصرف عساکر روسیه در ولایات سرداد بیکه مباشر چنانی شده اند در گذارند و هر یک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند نامت یکسال با ایشان مهلت داده شود که اموال و اشغال خود را با بیع یا نقل بملکت روسیه نمایند و احدی از حکام بهیچ وجه منعرض خسارت آنها نشود و در باب بیع املاک پخینا که مهلت داده شود هر گاه در

مدت یکساله مذکوره از احدی چنانی ناز به ظهور رسد داخل در غفور گذشت نیستند  
 فصل شانزدهم بعد از امضای این عهد نامه میمونیه فی القور و کلای مختار جابین دستورالعملهای لازم بخود و در آن  
 سازند که بزرگ حضرت و نقد بر داند این مصالحه ناجیه در دست و نسخه بیک مضمون ترتیب یافته و بدستخط و کلای طرفین  
 رسیده و مابین ایشان مبادله گردیده است با بدامضای آن بنصد تیق و پادشاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود  
 زودتر مابین و کلای مختار ایشان مبادله شود محراب در فرقه ترکان چای تبار پنج دهم شهر فورال سنه یک هزار و  
 هشتصد و بیست و هشت مسجیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یک هزار و دو و بیست و چهل و سه هجری  
 بملاحظه تصدیق نواب السلاطنه رسیده امضای و زبرامود و مختار جابین ابوالحسن <sup>ن</sup> رسید  
 نیز عهد تجارتی مشتمل بر فصل و نیم این دو لاین منعقد گردید که صورت آن از قرار ذیل است

فصل اول چون دو لاین عینین معاهدتین نماید که اشیاء خود را از جمله <sup>منازل</sup> قواید بیک از آردی در خصص تجارت  
 حاصل میشود بپوشید دارند لهذا با این تفصیل فرار داد کرد ندکه رعایا و اجاع روس که تذکره منعقد گردیدند داشته  
 باشند در هر بمالک ایران میشوند تجارت کرد و کذا بمالک مجاوره دولت مذکوره میتواند رفت <sup>اهالی</sup> بجهن نسبت  
 ایران امتعه خود را از در بای فرزند با از راه خشک سرحده و لاین روس ایران بمالک روس میتواند برود و معاوضه  
 ببع نمود و خرید کرده معاع دیگر بیرون برده از هر گونه حقوق و امتیازاتی که در مالک اعراضا امپراطوری با اشیاء  
 کامله الوداد و وللهای او داده میشود و بهر مند خواهد شد در حالیکه یکی از اشاع دولت روس و مملکت  
 ایران وفات یابد اموال مشغله و غیر مشغله او چون منعلق بدولت روس است بدون قضا و با قوام یا شرکای او  
 تسلیم خواهد شد که با اختیار تمام بخوبیکه شایسته دانند معامله نمایند در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود  
 نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال بویکیل یا کارکنان با کوشلهای روسیه و آنگار میشود بدون اینکه هیچگونه  
 ممانعتی از جانب حکام ولایات ظاهر شود

فصل دوم حج و برات و ضمانت نامه ها و دیگر عهد ها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جابین مکتوبها میکند  
 نزد کونسول روسیه و حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه بین طرفین برای قطع دعوی بطبق عدالت کفالت  
 لازم نمیشود کرد و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه بخود کور فوق متمکات محترقه منصفه لایق قبول هر حکمه  
 عدالت است در دست داشته باشد از دیگری ادعا نماید و جزا نامه شهود دلیلی بیکر نیارد این قبیل ادعاها و اینکه مدعی  
 علیه خود تصدیق محقیقت آن نماید مقبول نخواهد شد هر معاملات منعقد که بصورت مذکوره مابین اهالی جابین  
 واقع شده باشد با سند با قضا تمام مرغی ملحوظ شد هر گونه بجانب که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین  
 گردد مورد تلافی خسارت مناسب از طرف دیگر خواهد شد در صورتیکه یکی از تجار روس در ایران مفلس و شکست  
 شود حقوق ارباب طلب از امتعه اموال او داده میشود اما اگر از ویکیل یا کارکنان با کوشلهای روسیه استعلام نمایند که مفلس  
 مذکور مال ممکن است که بکار استرضای همان ارباب طلب بیاورد ولایت و سینه گناشته است بانه برای تحقیق کردن این  
 مطلب سعی جمیع خود را مضایقه نخواهند داشت اینقراردادها که در این فصل معین گشته همچنین درباره اهالی  
 ایران که در ولایت روس موافق قوانین ملکه تجارت میکنند مرغی خواهد شد

فصل سیم برای اینکه تجارت بضعه جابین منافعی را که علت غائی شرط سابقه الذکر گشته اند محقق و مستحکم نمایند  
 فرار داد شد که از هر گونه مناعی که بتوسط بضعه روس یا ایران آورده یا از این ملک بیرون برده شود و کذا از

امنعه محصوله ایران که بنوسط بئعه آن دولت که بدیای خری از راه خشکی سرحد ولین روس ایران بولایک روس برده میشود و همچنین از امعنه روس که بر عایای ایران با همان راهها بیرون میسرند کماذ السابق در وقت بیرون رفتن و داخل شدن هر دو یکدیگر بیخ از صد کرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه کرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در کرک و تقریبهای مجدداً داد کند منعده میشود که در این حالت نیز کرک مزبور را که بیخ از صد است اضافه نمایند

فصل چهارم اگر دولت روس با ایران بادی که در جنگ باشد بئعه جانبین ممنوع نخواهد شد از اینکه با امعنه خود از خاک ولین علینین معاهدتین عبور کرده بمالک دولت مزبوره بروند

فصل پنجم چون موافق عادت بیکه در ایران موجود است برای اهالی بیکانه مشکل است که خانه و انبار و مکان محصورین را وضع امعنه بجزارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران بآن خانه و مکانها و انبارها عیناً داخل میشوند مثلکن در وقت ضرورت از وکیل و کارکنار و باکوسنل روسیه استرخاص میتوانند نمود که ایشان صاحب منصبان بجزان تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه با امعنه حضور داشته باشند

خود با جاره پیدا کنند لهذا بئعه روسان داده میشود که خانه برای سکنا و انبار و مکان برای وضع امعنه

فصل ششم چون وکیل و کارکنار دولت ایران بطوری و صاحب منصبان ماموره ایشان و کوسنلها و ترجمانها در ایران امعنه که بکار ملبوس ایشان بپایند و اکثر اشیا ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا میکنند لهذا میتوانند بدون باج و خراج هر گونه امعنه و اشیا که خاصه بمصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورد و كذلك این امینان بنامه در باره وکیل و کارکنار دولت ایران که معینم در دربار دولت روسیه باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسانیکه از اهل ایران برای خدمت ایلچی با وکیل و کوسنلها و حامیان بجزارت روس لازم است صادر میگردند ایشان باشند مانند بئعه روس از جانب ایشان هیز مند خواهد بود و لکن اگر شخصی از آنها مرتکب مجرمی شود که موافق بقوانین ملکیه مستحق تنبیه باشد در آن صورت وزیر دولت ایران یا حاکم و در جاهیکه آنها نباشند بزرگ ولایت مجرم را بواسطه از ایلچی با وکیل با کوسنل در نزد هر کجا باشد مطالبه میکند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مینبیه باشد بر دلا بلی که جم و تقصیر ممتد را اثبات کند ایلچی با کوسنل با وکیل در دادن او مصابقه خواهد کرد

فصل هفتم همه ادعاهای او و متنازع بینها که مابین بئعه روسیه باشد بالاخص بملاحظه قطع و فصل وکیل با کوسنلها اعلحضرت امیر طوری بر طبق قوانین و عادت دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهای بیکه مابین بئعه روسیه بئعه دولت دیگر اتفاق بیفتند در هالیستکه طرفین بآن راضی شوند و منازعات و ادعاهای بیکه مابین بئعه روسیه و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع و با حاکم عرف معروض و محمول میگردد و ملحوظ و طی نمیشود مگر در حضور بجزارت وکیل با کوسنلها چون اینگونه ادعاهای بیکه موافق قانون طی شده باشد و باره استعلام نمینواند شد هرگز اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه تالی کند بدون اینکه وکیل با کارکنار با کوسنل روسیه استایفا از آن اجبار شود ملاحظه نمینواند شد و در اینجالت آن امر استعلام و محکوم علیه نمینواند کرد بید مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز با طهران باشد کذا لکن در حضور بکفر ترجمان وکیل با کوسنل روسیه

فصل هشتم کار قتل و امثال آن کاهها بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی با وکیل با کوسنل روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعی که با ایشان در باب اهل ملکیت خود داده شده است اگر یکی از بئعه روسیه بدعوی جرمی مسنلزم السیاسه بباد بکران متهم باشد هیچوجه او را شایف



باید کرد مگر در صورتیکه شرکات و مجرم ثابت مدلل شود در اینجا نیز مانند حالتیکه یکی از بنوعه و سینه بنفیسه  
 مجرمی متهم میشود حکام ولایت نمیتوانند که بتخصیص حکم پردازند مگر در خصوص کاشنه از طرف وکیل یا کونسل و سینه  
 در اماکن صدور جرم از کونسلها یا وکیل کسی نباشد حکام ولایت مجرم را جاییکه که کونسل با صاحب منصبی از دایره وکالت  
 رو سپرد و آنجا باشند و آنرا میکنند و اسنشته نامها که در باب برائت و شغل متهم بواسطه حاکم و قضا آن مکان  
 از روی صداقت مرتب بهر ایشان رسیده باشند و با این کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه  
 اسنشته نامها بسنده معبر و مقبول ادعا خواهد شد مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید در صورتیکه  
 متهم چنانکه باید ملزم کشته فوری صریح حاصل شود مجرم را وکیل یا کونسل رو سینه تسلیم میباشد که برای اجرای  
 سیاست که در قوانین مقرر است بملکت رو سپته فرستند

فضل هم دولین علیین معاهدتین هاتمام تمام در باب غایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام ولایت  
 و دیوان بیکان و سایر رؤسای طرفین هم از مواخذ شده داشته باشند در هیچ حالتی تخلف و تجاوز نخواهند  
 کرد بلکه تکرار تخلف چنانکه باید محقق شود موجب معزول شدن ایشان خواهد بود خلاصه ما وکلای مختار و اعلم حضرت  
 امیر طور کل ممالک و سینه اعلم حضرت پادشاه ممالک ایران که در دیند مستحظ نوشته ایم شروطی که در این معاهدت  
 مندرج است از بنایج فضل هم عهدنامه است که همان روز نیکان جای اختتام یافته است چندان اعتبار و قوت خواهد  
 داشت که کوبالفاظ بلفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق کشته است منظم و مقرر شد اشیم لهذا این معاهده جداگانه  
 که مشتمل بر دو نسخه است توسط ما دستخط گذاشته هم را رسیده و مبادله شد بجز برادر فرزند نیکان جای بنایج هم  
 شهر نورالسنه بکهار و هشتصد و بیست و هشت مسجده که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنه بکهار و  
 دو سینه چهل و سه هجرت باشد

پس از انعقاد عهدت مابین دولین ایران و روس بسکوچ نیز احوالی کرده و حضرت سنطاب نایب السلطنه  
 بایشهر معاونت فرمودند و لشکرها از سرحدات برخاستند همد را بنیال باغواهی محمد فاسیحان دامغانی پیشکار  
 عبیقلیخان کرمانی که خیال سروری داشت اشرار کرمان بنای شرارت و خود سر را گذاشتند و خانلرخان غلام  
 پیشخدمت را که ولد علمبراد خان و بطنا بیره نواب غفران ماب شهبه محمد حسنخان طابشاه و مامور انتظام کرمان  
 بود هنگام مراجعت در منزل باغبین مقبول نمودند بنی احمدخان برادر محمد مهدیچان متخلص بشعره را که همیشه  
 او در سلاک خدام حرم سلطنت بود بهمانه در کرمان بگشتند و محمد فاسیحان با عبیقلیخان بعنوان اینکه تند  
 عبدالرضا خان نیردی که در او ان جنک در سر ایران بره خلاف رفته مصمم شده ام و قریب به دوازده هزار  
 جمعیت از حدود کرمان و بم و غیره فراهم آورده عزم لشکر بزد کردند شاهزاده محمد ولیمیرزا والی نیرد از واقعه خبردار  
 شده بدار اختلاف طهران آمد که مراتب بعضی حضور خاقان صاحبقران رساند عبدالرضا خان خلف نسیچان بسکوچ  
 قدیم نیرد که کارکنار شاهزاده اموال متعلقین شاهزاده را منصرف شده آنها را روانه طهران کرد و اهالی کرمان  
 و مازندران در منزل شمس و ضاع عبیقلیخان حاکم کرمان را بهم زدند و او بفارس فرستادند و نواب حسنعلی  
 میرزا فرمانفرمای فارس متوسل شد و بعد از چندی مجازندران بخدمت نواب ملک آرافت و محمد فاسیحان  
 دامغانی سپستانا اگر بخت و نواب شجاع السلطنه بکومت کرمان و استرداد اموال محمد ولیمیرزا از عبدالرضا خان  
 مامور شد عبدالرضا خان از بیم بقلعه داری پرداخت نواب شجاع السلطنه بکرمان رفته اهالی کرمان از خوف

براه عصیا رفتند و در حصن را بر برد و شاهزاده نکشودند بعد از ده دوازده شبانه روز جنگ نواب شجاع السلطنه  
شهر کرمان را بگریختند و با بنظام امور آسمان پیرد اخشد تا بعد از چندی بفتح آشوب شد و امینت حاصل آمد  
و محمد فاسیحان با معانی با بلطایف الجبل بکرمان خواندند و مغلوله بطهران فرستادند و در اینجا بسزای خود رسید  
و عبدالرضا خان را بحال خود واکذاش شد و نظم امور پیرد نواب ظل السلطان محول شد و در این سال عبدالرزاق خان  
امین الدوله را از اصفهان طلبید و صدارت دادند و اللهیار خان آصف الدوله برسم سابق سال را بر شد و این سال  
بسکویچ در دکن کران و پروان کار را منوط بحکم امیر طور روس نمود و مقرر شد حضرت مستظاب نایب السلطنه بحضور  
امیر طور رفته اینکار را فصول دهند و این سال چون ایالت خراسان بر عهد نواب هلاکومیرزا ولد نواب شجاع السلطنه  
موکول بود و ایالت سبزوار بر عهد نواب ارغون میرزا برادر نواب هلاکومیرزا خوانین خراسان تفهین کرده برادران  
بر ضد یکدیگر بجراک کردند و فتنه برخاست لهذا اعلیحضرت همایون حسنجان و حسنجان سردار پروان را بحجر اسان  
مامور فرمودند و قات عبدالرزاق بیگ درین مخلصه منقون صاحب تاریخ مآثر سلطانه و عبدالرزاق بیگ و  
حقیقلخان بیکر بیکه نیز بود امیر پیا (المان) فوت پادشاه ساکس و جلوس برادرش آنتوان بجای او  
(انگلیس و فرانسه و روس عثمانی) صاحب منصبان بر ضد عثمانی را بسبب باغبان یونانی را مینابند بعد از گفتگو  
و فایده زیاد که روس و انگلیس و فرانسه با عثمانی در باب اصلاح با یونان دولت ثلاثه مزبوره منفی میشوند که یونان  
آزاد باشد ولی بک مبلغی خراج بدولت عثمانی بدهد عثمانی قبول این تکلیف را نمینابند بنا بر این سفایر جنگی دولت  
ثلاثه با کشتیهای جنگی عثمانی در ناوارن جنگ سختی کرده در ظرف سه ساعت تمام سفایر عثمانی و مصر را شکستند  
و غرق مینابند سلطان عثمانی در مملکت خود اعلان جهاد مینماید (انگلیس) فوت دولت دو پورک برادر کوچک  
پادشاه که ولعهد او بود و رسیدت ولایت عهد بدولت دو کلاکتس برادر دیگر پادشاه و لنگتن علاوه بر سپهسالاری  
تئون بصدارت نابل میشود (اسپانیا) شورش مردم بر ضد فریدیناند پادشاه دن کارلتس برادر پادشاه را  
بسلطنت مینابند (فرانسه) شورش سخت در پاریس و سبب بندگی کردن در غالب کوهچه ها ابتدای نماز عشق  
فرانسه بلحسین پاشا والی الخیر ایجاد آهمن در سنت این شهر فرانسه (پرتغال) عساکر انگلیس برای نظم پرتغال  
برپزین وارد میشوند دن میگل بالاخره بسلطنت پرتغال منصوب میشود

۱۸۲۸ هجری

۱۲۴۴ هجری

آسیا (ایران) در این سال قریباً شش کابل از بغدی فاغنه و غلبه و نجد سببکه هند و در کشمیر بسببوه آمد  
خان جوانشیر از راه بیابان بلوچستان بکرمان فرستادند و مشارالیه از کرمان بطهران آمد انا اجماعاً برادران  
فتح خان شکایت کرده و شرحی از اظهار ارادت اهالی کابل و قندهار و پشاور و بعضی آستان اعلیحضرت خانان  
صاحبقران فتحعلی شاه رسانیده و مستدعی شد که یکی از شاهزادگان عظام را بدین آسمان روانه نمایند اعلیحضرت  
همایون بنا بر موافقت دولت انگلیس فراهم نمایند موجبات آشوب سردان هند و سنان قبول نمودند و حسنجان  
جوانشیر از راه فارس و عثمان بسند رفتند این سال در واسط جهادی الاولی موکب همایون بزبارت حضرت معصومه  
سلام الله علیها توجه فرموده پس از زبارت از قم سلطان آباد کزاز رفتند و سپهدار در این مورد خدمات نموده بمرام  
پادشاه می نابل آمد و در پیش عهدهم جهادی الثانیه بار الخلافته ورود فرمودند و این سال زوزال کر سبب شد  
خواهرزاده مارشال بسکویچ که در هنگام انعقاد صلح مابین دولتین ایران و روس حاضر و در التیام و اصلاح

امور مصر بود بدربار امپراطور روس فخر و بوکالت و سفارت مامور ایران شد که با تمام شرایط عهدنامه پیران  
 مشارالیه بار عایشه و اوزم و روسو احرامات بتبار معلى آمده ولى بنای بد سلوکى را گذاشت و ابتدا با سترداد  
 اسرای قدیم و جدید که چنان و غیره و سخت گیری در این طایفه پرداخت و دو نفر که چپه مسلح را که سالها بود  
 در خانه اللهیارخان آصف الدوله بودند با برام بائیس خواست در خانه خود برده نگاه داشتند تا عاقبت یعقوب رمنی از  
 خواججه سراپان که مبلغی خط از مال دیوان برزقه او بود چون در اصل از ارامنه ابروان و اسرای سپاه ظفر همراه  
 شمرده میشد متمسک بقضل سپرد هم عهدنامه ترکمان چای که مبنی بر استرداد اسرا میشد شده بزرگوارا که بیاید و  
 پناه برده و خود را آزاد ساخت و بقتله انگیزی پرداخته بعضی از نسوان که حقیقتا که مسلمان شده و در جاله نکاح  
 اشخاص و صاحب اولاد بودند اسپر نام برده که بیاید و فدا بخواستن آنها حرکت آمد و حرکات مشارالیه اسباب  
 رنجش مردم و کدورت علما گردید و چندانکه او را نصیحت کردند پذیرفت و برخاست و کجای افزود و یعقوب  
 ارمینی و بعضی مفسدین دیگر نیز در محراب و اغوای گیر بیاید و فتنه ای بودند علما چون دیدند که پای عرض ناموس  
 مسلمان در میان است گیر بیاید و فتنه در بدو کوفت و بد سلوکى مصر است قبول نصیحت نمیکند در جامع طهران اجتماع  
 کرده حاج میرزا مسیح مجتهد را با خود متحد ساخته بر ضد ایلچی هدایان شدند بسبب از اهالی شهر نیز چون مرید  
 علما بودند که کین را بسته و در آنها جمع آمدند مقصود علما تحویف ایلچی روس و ترک کردن زبان مردم بود ولى بعد  
 آنکه نفر پیاصل هزار نفر جمعیت اجتماع کرد کار از دست امنای دولت و علما بیرون رفت و آن از دهام راه منزل  
 گیر بیاید و فدا گرفتند و بخانه او که در خارج اردک سلطانی و تره بک فخر خانه بود همچو آوردند و مانع از یکبار  
 دولت و شاهزادگان را قبول نکردند همراهمان ایلچی که نفر بیاید و دست نبرد بودند چون حال را بر این منوال دیدند  
 سرای بستند و با تفنگ و حربه بالای بام آمدند و جوانی چهارده ساله را با کلوله تفنگ مقنول نمودند عوام که  
 این جنایت دیدند یورش برداشتند ایلچی یعقوب رمنی را که نسبت بفرستاده مجتهدین سخنهای کفرآمیز گفته  
 بود از خانه بیرون کرد و عوام فوراً او را برآه عدم فرستادند و نفر که چپه مسلح را از خانه بیرون نموده کاشتکا  
 علما آنها را مجتبی که باید رسانیدند حاصل فریب هشاد نفر از سبک دار اختلاف در این هنگام مقنول شده و جمعیت  
 برنگشته بخانه ایلچی رنجیدند و او را با سنی نواز همراهمان بقتل رسانیدند و اموالی که در آن خانه بود ببنام برده خانه  
 خراب کرده منفرد کشیدند و هیچ معلوم نشد که فائل و مجرم کیست و معلوم نام که ناپاول ایلچی بود چون در گوشه  
 مخفی شده بجات یافت و او را بار آورده محافظت کردند و او تقصیر ایلچی را تصدیق نموده با منای دربار امپراطور  
 روس معروض داشت و خود نیز تقیاس فخر مراب را به بسکویچ معلوم کرد و از آنجا به پترزبورغ روانه شده  
 برفع اشتباه پرداخت و برای اشرف ضای خاطر امنای دولت امپراطوری نواب امیرزاده خسرو میرزا فرزند حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه با محمد خان زنگنه امیر نظام و چند نفر دیگر بصوابه حضرت مأمور پترزبورغ شدند  
 هم در این سال میرزا عبدالوهاب محمد الدوله مختصر بنشاط از افاضل و اکابر رجال این دولت در طهران مرحوم  
 امرو یا (انکلیس و روس عثمانی) بونا بنها بحایت دوسر وضع دولتی برای خود شان تشکیل میدهند  
 دولت روس که از جنگ با ایران فراغت حاصل نموده اعلان جنگ بعثمانی مینماید عساکر روس از رود انوب  
 عبور کرده و از آنرا محاصره نموده و میکشد از سمت دیگر بسکویچ بطرف فارس و بوطنی رانده با این بد رافع میکنند  
 آنها بلکه از نیکچیران باقی مانده بودند بار رسماً متحد میشوند بوساطت دولتین انکلیس و فرانسه عساکر

مترجم سلطان از ایالت یونان خارج میشوند پانزده هزار فزون فرانسس بطریق یونان حرکت میکنند  
(انگلپس) اکیلا از اهالی ارگند مردم این ایالت را بر ضد دولت انگلیس میثوراند

سده هجری

۸۲۹ مسیحی

آسیا (ایران) در سال قبل شرح مقبول شدن که نباید و فایلی روس مسطور شد در این سال زلزله دالغورک  
از جانب دولت روس سفارت ایران و تحقیق عمل و علت قتل کریبایدوف مامور شده بنیر آمدن نواب علی بن میرزا در کن  
از مطالب الغورکی که حاصل نموده از تبریز بدار الخلافه آمده محضو اعلم حضرت خان صاحب قران فتحعلی شاه مشرف شد  
و مطالب الغورکی را معروض داشت معلوم شد که باید بعضی اعمال که اسباب استرصاد دولت روس شود پوزند  
لذا حاج میرزا مسیح اسر ابادی را که در امر اجماع دخالت داشت در ان عینت عالیان فرمودند و رضایلی بیگ نام پسر پناه  
بیگ طالش که در روز قتل ایلیچ با بیغ خون آلود دیده بودند و مصدق قتل دیگر نیز کرده در صیقل دار الخلافه تقرر رسانیدند  
و دولت روس بواسطه انید و عمل رضایت حاصل نمود همدان این سال نواب احمد علی میرزا حکمرانی خراسان مامور کرد بدین  
انکه حسنین سردار ایران که سرداری خراسان رفته بود خوانین خراسان خاصه ضایقین ایلیخان زعفرانی و حاکم خوشان  
که در نسا بور و چاران و دادکان تسلطی بهم رسانیده بود از او تمکن بکنند و سردار با محمد خان قرائی سازش کرده او را با  
حسنخان ساز اصلان برادر خود و شش هزار نفر بر سر نیشابور فرستاد ولی کاری از آنها ساخته نشده بمشهد مقدس باز  
گشتند و مستحفظین را که از اگراد بودند تغییر داده از طایفه قرائی مستحفظ گذاشتند صید محمد خان کلان نیز با محمد خان  
قرائی ساخته مخالفت سردار مضم شد و نه الحقیقه سردار در راه مشهد محضو شد اهاالی مشهد مقدس را بنیاب بحضور  
هاپون معروض داشتند و رضایلیخان نیز عرضیه عرض کرده خود را خد منکرار و محمد خان را خپانکار فلم داد و اسند  
نمود که یکی از شاهزادگان حکمرانی خراسان منصوب کرد دلها نواب احمد علی میرزا بایالت کلان فر بوره بر قرار و میرزا  
موسی نایب شیخ بوزارت شاهزاده مامور گشت و مصطفی قلیخان عرب پیش منس حاکم سابق ترشیر را که بسپت سال در  
طهران اقامت داشت شاهزاده با خود همراه نموده حکومت ترشیر یافت و چپاران رفتند رضایلیخان زعفرانی و محضو  
خان شاد و محضو آمدند و نیشابور را تحلیف کردند و با بسپت هزار نفر و هشت عراده توپ عزم استخلاص مشهد مقدس  
نمودند خوانین اعراب بنمود در مرز خواجه ربیع بخدمت شتافتند و صید محمد خان کلان نیز دست ان همد شیخ محمد خان  
قرائی برداشته از شهر خارج شده بخدمت شاهزاده آمد بهرام خان ولد بدینا د خان هزاره بیکر بیک جام و باخزر  
بناخت نیز چند تیردفت محمد خان کار را سخت دیده شهر را خالی کرده عازم ترشیر شد و شاهزاده احمد علی میرزا در  
هفتم رجب مشهد مقدس ورود نمود اما مصطفی قلیخان عرب پیش منس که محکوم ترشیر رفته بود چون سابق  
علاوین با بعضی از اهالی داشت بنای بد سلوکی گذاشتند مردم شتور پده او را گرفته مجلس کردند و برادرش محمد  
خان را بر خود حاکم نمودند و حسنین سردار و حسنین بدار الخلافه احضار شدند حسنین از عرض راه از بیم مواخذ  
بعینت عالیان رفتند و حسنین در سن نود سالگی محکوم فریدین و چار محال و سردار ابل بخناری مامور شده پس  
چندی در گذشت همد این سال موکب هماپون به بیلاق شتیران رفته قرنیه سوهانک معضو بچام معلی کردید و ناخوشی  
و باد طهران شیوع بهم رسانید و ده هزار نفر در عرض چهل روز باین ناخوشی در گذشتند که از جمله میرزا فریدون  
ابن حاجی خلیجان جلالت خور بند پی ما زندی بود مشهور بمیرزا خانلر و منیته الممالک دولت علیه چون او وفات  
کرد میرزا محمد تقی علی آبادی ما زندی صاحب دیوان ولد میرزا محمد زکی و زهر سابق بنیته الممالکی بر قرار کردید در ما

بیع الثانی اینسال موکب خافان بهمال از بیلا و شمران بطهران معاودت فرمودن و نیز از وفای اینسال رسیدن نواب  
 خسرو میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه استحضار امیر طور روس مجتهد معذرت از قتل سفیر روس در اینسفر  
 کارگزاران دولت و وسر شرایط احترامات این شاهزاده را بوجهی که منظور داشته و امیر طور نیز خود کمال ملاحظت را  
 نسبت بشاهزاده میندول داشته همیشه مغزی البه را در طرف راست خود نشانده و با خود هم غذا مینمودند و حضرت پد  
 ملاحظت اندو کرد و خسار جنگی که با پیمانده بود بایک کرد و را بخشیدند و کرد و دیگر با پنجسالمهت دادند و امیرزاده  
 محترم مراجعت کرده در سیم در مصائب نیز رسیدند و مدت سفر و سفارتش او ده ماه و پانزده روز بود و همدان بیسالی  
 موکب همایون خافانی عزیمت فارس و خوزستان و انتظام آن نواحی و سامان که خالی از اختلال نبود نمود و میرزا عبد العظیم  
 خان فرزند میرزا باحضر عبدالرضا خان پندی مامور شد و میرزا یوسف کاهیچی باحضار نواب حسنعلی میرزای شیخ السلطنه به  
 کرمان و نوابی للهویر میرزا باده شده تفکیکی فغانی سیر کرد که عبدالحمید خان بقمشه و سیم روانه و علاءالمحسن خان سپهسالار  
 با توپخانه توفیق اصفهان محکوم گشت و موکب همایون بعد از زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از قم بکاشان تشریف  
 فرما شدند و در دوازدهم جمادی الثانی عمارت و سرچشمه فین که در یکفرسنگ کاشان است مضر بچشم سلطنتی کردید و  
 میرزا محمد تقی صاحب دیوان و منشی الممالک از کاشان روانه اصفهان شدند پس از آن اردو همایون بجانب اصفهان انقض  
 فرموده و در بیست و نهم شهری شهر نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا و ملا علی نوری از اجلای حکما با اعیان اصفهان  
 بحضور همان مشرف شدند و باغ سعادت آباد بورود مسعود میرزا آمد و پس از شش روز توقف بجانب فارس حرکت  
 کردند و نواب حسنعلی میرزا فرزند فرهادی فارس نامرکز شوکستان با استقبال اردو و معالی آمد و از اولید رخصت و معاذ  
 یافت و نواب کنال الدوله علینقی میرزا و سهرابخان کرجی و انبیران شدند که بتهمه ورود موکب مسعود پادشاهی  
 پیرانند و در سیم رجب موکب همایون بظاهر شیراز رسیده در باغ فرمانفرمانی از ولای جلال فرموده و در سینه چای پاره  
 و سواره بلوکات بقشلاق پیشرفتند و کل شاهزادگان و امرا و اعیان که التزام رکاب<sup>اعلی</sup> گشته روزه مهمان نواب  
 حسنعلی میرزا بودند نواب حسنعلی میرزای شیخ السلطنه نیز از کرمان در رسید و محمد زکیخان نوری بوزارت او  
 بکرمان رفت و اهالی فارس عموما مورد الطاف خافانی گردیدند از جمله میرزا محمد علی پسر از وی و پسر فرمانفرما مشیر الملک  
 نقی یافت و میرزا علی اکبر کلانتر و ولد حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله ملقب بقوام الملک شد و رضا پلیمان<sup>مخار</sup> بهدایت  
 صاحب مضغان جلایله که در فارس رخدمت فرما فرمود بود بلیغ خانی و خلعت امیر الشعرائی مخلص گردید با بخله بعد از  
 نظم فارس چهل روز توقف در شیراز و روز پانزدهم شعبان موکب خافان صاحبقران بعزم خوزستان آنهاض فرموده  
 از راه فیلیان و بهبهان بکعبه شوشن روانه گردیدند و در نهم رمضان این شهر ورود نموده بملاحظت بند شایسته<sup>حشد</sup>  
 و در جمعه شانزدهم عازم حوالی دزفول و در دوازدهم بلارود گشتند نواب محمد حسن میرزای حشمت الدوله در منزل  
 حسینیه بحضور مبارک مشرف شدند و از آنجا بخرم آباد تشریف فرما گردیدند و جشن نوروز سلطانی در اینجا گرفته شد  
 بعد از آن حرکت کرده در عشاء اول شوال بشهر همدان تزل اجلال فرمودند و در نزال دازغور که سفیر دولت در این بلاد<sup>روس</sup>  
 بحضور همایون تشریف جسته مورد مراسم کامله گردید و نواب امیرزاده خسرو میرزا نیز در این شهر بتقبیل عینیه علیا<sup>میرزا</sup> آمد  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهت نظم و لایست شهرت و در همدان توقف فرموده موکب همایون در هشتم ماه ذی قعدة  
 وارد دار الخلافه گردید و اینسال اللقهلیخان نوره اوزبک از خوارزم باغوی خوانین خراسان نا حوالی طرین آمد  
 نواب احمد علی میرزا بصحرای کاندشت رفت و خان خوارزم خانیف گشته مراجعت نمود و سپید محمد خان کلان در حوالی قلعه

هدایت شاهزاده اسدالله  
نور کبیر که پادشاه منصوب  
نور پادشاهی حکومت نو  
برقرار کرد پدید

محمد آباد بزخم کلور در گذشت همدان سال محمد حسن خان قاجار نسبی پادشاه بنا خوشی و با وفات نمود و محمد امین خان ولد او  
نسبی پادشاه شد امر پادشاه (انگلوس) ندا پر و لنگتن مانع ترقیات روس در مشرق زمین میباشد که ازلدی پادشاهی  
ارلند طلب مینماید ولی قبول نمیشود (انگلوس و روس عثمانی) اشتداد طغیان یا عیان یونانی بر ضد عثمانی و فتوحات یونانی  
ما بین دولت انگلوس و فرانسه و روس در باب تعیین حدود یونان معاهدات بسته میشود شهرات را یا عیان یونانی محاصره  
مینمایند عثمانیها که مشغول جنگ با روس هستند چندان التفاتی بشورش یونان ندارند رشید پادشاه صدراعظم عثمانی  
سردار قشون رتی عثمانی است که با دیر بیچ سردار روس در نواز عزم میباشد بسکوپچ در آسیا با عساکر عثمانی میجنگد با وجود  
ایچی روس در این مقبول شده بسکوپچ از وحشت اینکه مباد ایران محمد با روس شروع بجنگ کند کمال نترس را دارد  
شکست رشید پادشاه صدراعظم از دیر بیچ در سپلیستر ملاقات امپراطور روس و پادشاه پروس در برلین دیر بیچ  
از کوه بالخان عبور کرده بسمت اسلامبول میراند و با در نرو رود میباشد بسکوپچ از زن الروم را فتح میکند و نظر انبیا  
میشتابد مداخله دولت فرنگ در کار عثمانی و روس ممانعت کردن روس از پیش آمدن بطرف اسلامبول و وسای  
از فتوحات خود چندان فایده نبرده مگر مصیبت انوبل منصرف میشوند و ملداوی و ولانتی (افلاق بغداد) بعد  
این از خود حاکم خواهند داشت در سر نیشان والی از خود تعیین میکنند و در زبر هایت روس میباشد ازادی یونان را  
عثمانی میباشد (فرانسه) مقدمان نواز عزم فرانسه با الجزایر (ایتالیا) فوشون دوازدهم پاپ جلوس در هشتم  
بیای بجای او (هلاند) بلژیک در تحت سلطنت هلاند است بنای شورش و مخالفت با هلاند میکند (پرتغال)  
دن میگل پادشاه نازه بنای تقدی میکند دارد و هزار و صد نفر را پنهان و آشکارا بقتل میرساند و پنجاه هزار نفر را جلای  
وطن میدهد و بیست و نه هزار نفر را حبس میکند

۸۳۳ مسیحی

۲۴۶ هجری

آسیا (ایران) در این سال بنامین نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله و نواب محمد تقی میرزای حسام السلطنه جنگ  
در گرفت پیش آنکه حشمة الدوله بعد از آنکه چندی از حکومت کرمانشاهان مغزول بود اهالی آنولا بنایشان را از دیار  
همایون اسناد عانمودند و حشمة الدوله حکومت کرمانشاهان رفت و از آنجا که ملازمان حسام السلطنه بر عیایان  
مینمودند اهالی خون سنان و لرستان بحشمة الدوله گرویدند و حشمة الدوله بخرم آباد آمد و تمامی اهالی لرستان از  
پشتکوه و پیشکوه و حسونند و بوسف و ندا و ارمنا بعت نمودند حسام السلطنه با جمعی قصد تخیر کرمانشاهان کرد  
و نواب شیخ میرزا حاکم ملا بر تو بیکان بجهة حضور صیحه که با حشمة الدوله داشت بفتح بر آورد ولی شکست  
خورده فرار نمود و حسام السلطنه در خارج شهر خرم آباد با حشمة الدوله مصاف داده منفرم شد و برود رفت  
و حشمة الدوله در آنصحنه کمال استقلال بهم رسانید چون ابن اجنار معروض حضرت خافان صاحبقران فتح شاه شد  
غلام حسین خان سپه دار رار و انبر وجود فرمودند و او با صلاح ذات البین کوشید همدان باینال جامعی از ترکانه باغوا  
اللهم قلیخان خوارزمی در عرض راه ارض افسر جمعی را مقتول و جامعی را اسیر کرد نواز جمله اسپران مهد بقلیخان جلال الدوله  
ولد سعادت بقلیخان برادر آصمت الدوله وزیر لکنهو بود که بزبارت مهرش چون اینواضعه بعضی اولیای دولت علیه رسید  
حاجی اسمعیل خان شامیانی بنده پرتراکه مامور و از نواب احمد علمیر زامواحد کردند و حکمی برضا قلیخان زعفرانلو  
صادر شد که مهد بقلیخان را از ترکانه خرد بر رواند دارد رضا قلیخان مهد بقلیخان را بدو هزار تومان خریداری کرده و  
بسیار از جواهر و بجا رفت و از آنطرف اعلم حضرت بون لشکر هابری ترکانان فرستاده فوجها از آنها برآ

عدم روانه نمودند همد را بنیسا بخران و لدنبار خان هزاره که حاکم جام و باخرز بود بر خسر رفتند در دست هزاره  
مقتول و محمد خان فراتی جام و باخرز را منصرف شدند از قایع این سال آنکه حسنعلیخان جوان شیر که سه سال قبل از جانب  
فرزلباشیگر بلعرضه بجنوبها بون آورده بود و از راه سند مراجعت نمود بعد از معاودت او و میر مراد علیخان حاکم سند  
سه پنجبر قبل دسی طافه سال کشمیر و عرضیه مصحوب برزا محمد علی نامی بدر بارها بون فرسناد و نظر علیخان نایب  
ایشیک آفاسی مامو سند حامل خلعت برای مراد علیخان شد همد را بنیسا ل عبدالرضا خان یزدی باشفیع خان را وره  
وصلت نمود و شفیع خان با نواب شیجاع السلطنه حاکم کرمان بنای مخالفت را گذاشت نواب شیجاع السلطنه لشکر یزد کشید نواب  
عسام الدوله تیمور میرزا فرزند نواب حسینعلی میرزا که مامو سرحیات فارس و در آباده بود با مدد عم خود آمده اعلحضرت  
خافان صاحبفران نواب سیف الدوله میرزا ولد نواب ظل السلطان بکومنت یزد روانه فرمودند با وجود این شیجاع السلطنه  
دستان محاصره نکشید و بناز عهد پراخت و محمد کاظمخان سواد کوهی از سران سپاه شیجاع السلطنه مقتول شد و محمد زکیخان  
نوری وزیر شاهزاده در کتشت مدت محاصره بینه فارسید و این جمیع و بعضی حضرت مستطاب نایب السلطنه از آذربایجان  
بطهران آمده بجنوبها بون مشرف و بنظم یزد و کرمان مامور شدند و حضرت معظم سابقا نواب شاهزاده اعظم محمد  
میرزا (محمد شاه) را از راه ساوه روانه فرموده بودند در این هنگام با وجود شدت سرمای مستطاب امر اعلی را امثال  
نموده بطرف یزد شتافتند عبدالرضا خان یزدی با جمیع برادران و برادر زادگان و اعیان در منزل عقد با مصحف شمشیر  
بجنوب نایب السلطنه آمده اطمینان یافتند و مورد التفات کشیدند روز عید نوروز حضرت مستطاب معظم و از یزد گردیدند  
و نواب شیجاع السلطنه قبل از ورود موکب الادستان محاصره کشید و روانه کرمان شده بود حضرت مستطاب نایب السلطنه  
نواب سیف الدوله میرزا کاگان بکومنت یزد گذاشته تکبرمان را ندانند نواب شیجاع السلطنه فرزند اکبر خود هلاکومیرزا را  
ناد و منزلت با سنیبا فرسناد و چون موکب الا تزد یک شد خود نیز بجنوب آمد حضرت مستطاب معظم در خارج شهر کرمان  
توقف فرموده با نظام امور پراخت و شیجاع السلطنه را در معز مفرول ساختند اعلحضرت هایون نواب شیجاع السلطنه  
را احضار فرموده و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهت اینکه احتمال میرفت شیجاع السلطنه بواسطه محاصره یزد خائف  
باشد و با اختیار بدار الخلافه یزد بکفوج فرول با محمد زمانخان دولوی فاجار و دو وینت سوار همراه شیجاع السلطنه روانه  
کرده شاهزاده را با احترام وارد دار الخلافه نمودند همد را بنیسا ل میر حسنخان طالش که سابقا متوسل بر سر بود و بر  
حسب شرایط عهد نامه و وارد کردند در هنگام فرصت و در کوان و لشکران تسلطی بهم رسانده لهذا ابلغ او پراختند  
حسنخان فراد ابطهران آمده و در اینجا بمیرزا سلسفاد رکنش همد را بنیسا ل پلنگ تو شرخان برادر صید محمد خان کلا  
بعد از برادر بالله علیخان خوارزمی ساخته و بعضی نقاط خراسان را ناخنه مساگر نواب احمد علی میرزا او را گرفتار کردند  
و او در استکانت و صداقت در آمد و بخدمت پراخت همد را بنیسا ل موکب خافان صاحبقران در قم یزد حضرت  
معصوم سلام الله علیها پرخیزه پیرانان بچین کوه نشرف فرما شدند و شاهزادگان از اطراف بجنوب مبارک آمدند  
بعد از نظام امور عراق همکرم حضرت شده بولایان خود باز کشیدند و خان ملا علی نوری از اجله حکما در ارضها امر و پایا  
(انکلس) فخر و ناتوانی مردم و قرض زیاد دولت و کسر عمل در جمع و خراج مملکت فوت شد چهارم پادشاه جلوس  
برادرش گلپویوم چهارم بجای او در سن شصت و پنجساله داخل شدن پالمش در خدمت دیوان کشیدن راه آهن  
مابین لپوریل و منچستر (اسپانیا) تولد خیزی از پادشاه که مسماءه با پز ابله میکرد و در چین فولد بولبعهد  
منصوب میشد و کار لیسنها با پنجه شورتر بینا بند (فرانس) زمستان بسپاسحت طولانی کرانی ماکولات

کلا با وزیر دولت شورش مردم برضد پادشاه ابتدای فتوحات در الجزایر فتح سیگفر و شازناد الجزایر  
 فتح شهر الجزایر مارتال شدن بومنت سردار فرانسه بجهت این فتح فرار کردن حسین پاشا و الی الجزایر بسنت ایتالیا  
 شورش سخت در بسنت هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم ماه ژو به در پار پسر متازعه شهر بهار ضد پادشاه  
 بل مردم بجهت و کوزنزال لافیت دپس فستون شورش پانست اسعقای شارل دهم پادشاه و فرار کردن او بطرف  
 بندر شور بوردک معین و منصوب شدن دولت داریان موسو بلوی فلپان اقوام پادشاه بسطنت فرانسه در سنج  
 و هفت ساله فرار کردن شارل دهم از شور بوردک بانکلپس (یونان) دولت انگلیس آزادی یونان را میسنا سدلویلد  
 از شاهزاده کاساکر بسطنت یونان معین میشو شهر سانس از عثمانی خود را منزع ساخنه جزو یونان میشود  
 (ایتالیا) فون فرانسوی اول پادشاه و جلوس فرد بناند و بم بجای او فون پی هشتم پاپ که مدتی طول میکشد  
 ناپاپ نازه منجی گردد (هلاند) شورش در بر و کسل از شهرها بلژیک برون کردن فستون پادشاه هلاند از این  
 شهر گیلو پسر پادشاه هلاند با عساکر زیاده بجهت دفع شورش پان بلژیک بر و کسل میاید جامع اهالی بلژیک  
 برضد هلاند پناه هزار نفر فستون فرانسه که در سرحد بلژیک است از شورش پان حمایت میکند و سلطنت مشروطه  
 در بلژیک برقرار میگردد بدون تعیین پادشاه (روس) بروز و بای سخت در این مملکت که از ایران با پنج سرت کرده  
 یعنی از نعلیس از راه قفقاز و حاجی خان و سارا نو مسکو آمد و جمعیت یادی با هلاک میسازد شورش در  
 لستنا و خارج شدن کراند و قسطنطنین مجبوراً از این مملکت کسکه نام که از صاحبان صنایع ناپلئون بوده در پس  
 شورش پان میشود صد پنجاه هزار نفر فستون لهستان برضد روس حاضر میگردد (عثمانی) میلش نام در سرتنا  
 از طرف اهالی بوالیکری منصوب میشود

سده هجری

۱۸۳۱ هجری

اسیما (ایران) موکب اعلی حضرت خاتون صاحبقران فتح شاه در غزه محرم این سال بچین قهقرو و د فرمود و عبد الله خان  
 امین الدوله بفرغ محاسبه فارس روانه شد ولی در فتنه نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس رسیده لهذا بازگشت  
 و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا را با ازای خدمتیکه کرده بودند با عطا ی کقطعه شمشیر جوان نشان مباحی  
 از کرمان اخضا فرمودند و موکب هاپون بچین سیکاران شریف فرما شد و این چمن را کلباوان نام دادند و ارغون میرزا ولد  
 نواب حسینعلی میرزای شیخ السلطنه که در سبزوار بخود سری حکومت میکرد و از نواب احمد علی میرزا تمکین نمینمود چون آنها  
 سبزوار بگ شور پندار راه بیابان جندق بار دو هاپون آمده بتوسط عم خود شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما معفو  
 گردید هر باین سال در شب ششم شهر صفر المظفر حضرت مجتهد بهمن نواب مستطاب شاهزاده اعظم محمد میرزا  
 (محمد شاه) را فرزند یار جمند عنایت فرموده نام نامی آنحضرت را ناصر الدین میرزا نهادند (اعلی حضرت هاپون ناصر الدین شاه  
 خدا لله ملکه و سلطانم) هدایت او ان موکب خاتون سیر چشمه آب آینه رود و آب گرن شریف بردند و از آنجا بقریه رده  
 چارحال نزل جلال فرمودند و از آنجا که مقصود از اخضا حضرت مستطاب نایب السلطنه و لعیهد از کرمان نظم خراسان  
 بود حضرت معظم خرد میرزا فرزند خود را با پوسنجان کرجی امیر بویچانه بنو فک کرمان مامو و سلیمان خان سرهنک با با فوج  
 شتاقی میرزا فرستادند که نزد امیرزاده سیف الدوله میرزا اقامت نماید و خود با شش عراده توپ سه فوج نظام راه اردو  
 هاپون را پیش گرفتند و در منزل قشع محمد حسن خان بدو سالار بار بخصو حضرت مستطاب معظم مشرف شده شمشیر جواهر  
 نشان مسطوب در فوق را تقدیم نمود و در غزه ربيع الثاني در قمر پده کرد بخصو هاپون شرف بخشند و شیر از بدله



عواطف مکارم شاهانه که از جمله جامی از زر نایب بود فرمان اختیار ممالک شرقی مغلفه بدو لک اپران را طولا نادر و <sup>دو</sup> <sup>مخبر</sup>  
و عرضاً نایب ترک با اسم حضرت مستطاب نایب السلطنه و لیعهد نوشته شد و مقرر گردید که از راه سمنان و دامغان و آذربایجان  
خراسان شوند و رقبه انفرادی که مل بر رقبه خوانین آسمان نهند و کلیه آن نواح را نظمی شایان دهند و پنجاه هزار  
نومان مخارج سفر حضرت مستطاب معظم بذوق شد و چون نواب امیرزاده فریدون میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه  
از جانب پدید و لاکر بنایب آذربایجان داشت محمدخان زنکنه امیر نظام بخدمت نواب امیرزاده معرفی شد و امارت آذربایجان  
ماموشد و میرزا اسحق بنیر میرزا بزرگ فایم مقام بوزارت آذربایجان بر فراگردید و ولایت کرمان بسیف الملوک میرزا  
فرزند نواب ظل السلطان مقوض گشت و فرار دادند امیرزاده خسرو میرزا با بوسفجان امیر توپخانه از راه بیابان سنون و  
طبرستان و پابناش دفته از آنجا بارد و حضرت مستطاب نایب السلطنه ملحق شوند و علیخان پیر عبدالرضا خان یزدی که برسم  
کرگان در رکاب حضرت مستطاب معظم بود با آذربایجان فرستاده شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با حصول اجازه  
از آستان مبارک با صفها تشریف آورده بعد از سه روز توقف از راه کاشان بورا میر طهران آمده راه خراسان پیش  
گرفتند شرح آن بیاید بعد از آن او ان موکبها بون تشریف فرمای اصفهان شد و عبدالرضا خان یزدی و شفیع خان  
را در هنگام حرکت امیرزاده خسرو میرزا بیافق و لاکر گشتند بوسفجان کرچی سلیمانخان کیلان بجهت حضرت مستطاب نایب  
السلطنه باقی را گرفتند و شفیع خان دستگیر شده او را بار دبل بردند و عبدالرضا خان از باقی بجانب طبرستان فرار کرد  
همه را بیست و دو هزار تومان بر عیای فارس تحفه دادند و موکبها بون از آنظر و جوشقان و نراق غریب طهران  
فرموده را بیست و دو هزار تومان بر عیای فارس تحفه دادند و موکبها بون از آنظر و جوشقان و نراق غریب طهران  
که بطرف خراسان آنها حاضر نموده بود در راه عساکر سمنانی و دامغانی و اوصانلو و مازندانی برکات لاپوشند و بعد از  
دو و سیصد و نوبت قهرمان میرزا فرزند خوراک حکمرانی انولایت دادند و محمد رضا خان فراهانی بوزارت او برقرار گردید  
چون موکب لاجوائی سلطان میدان رسید ناچار رضاقلیخان زعفرانلو حاکم خوشان سلطان میدان را بنصرف داد و <sup>او</sup>  
میان ولایت هم خالی کرده حضرت مستطاب الاحکومت میان ولایت <sup>بعضی</sup> امیرزا موسی نایب کیلان موکول داشتند و بجانب  
ارض اقدس حرکت کردند و محمد زماخان فاجارد و لورا بنایب در نیشابور کنا شدند بلینک نوشخان کلان جلا بر برکات  
آمده بسفارت خوارزم ماموشد و نواب احمد علی میرزا روانه دارالحکله کردید و امیرزاده خسرو میرزا از راه بیابان طبرستان  
آمده با امیر علی بن قیستان و کیل طبرستان مامور ترشیز و تصرف قلعه سلطان آباد گردید و آن قلعه را بضرقتوب مسخر کرد و بعضی  
قلیخان ترشیزی امان یافت و علی اصفرخان بسطامی بجزایه قلعه رفت و حاجی فرزند دین افغان که بعد از اغتشاش کرد  
خود ترشیز آمده بود در این ایام مقول شد و امیرزاده خسرو میرزا مصطفی قلیخان ترشیزی برادران او را با رضایت  
آورده با تلفات حضرت مستطاب نایب السلطنه نایب گشتند هم در این اوان بدیع الزمان میرزا ولد نواب محمد قلی میرزای  
ملک آراجمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شده و جان مکلان لاکین سفیر انگلیس در تبریز در گذشت و  
مستور کیل صاحب بجای او مامور ترشیز شد هم در این اوان شاه مراد بیک مشهور بمیرزا بودند از اگر اکراد کرستان که  
حکومت کوچه حیرت داشت بلوک ساو جلاغ مکرری ستاندازی کرده لهذا لشکر بنده میرزا ماموشد و او را مفهوه  
و منزه نموده بعد از بیست و دو سال باز در میان محمد صبر میرزای هشتمه الدوله و محمد تقی میرزای حسام السلطنه خلاف  
و جنگ در گرفت و حسام السلطنه بمنار غر مبارکت نموده با اشتعال ناپره قتال پرداخت و لشکر کرمانستان  
حسام السلطنه را شکست داده بیرون رفت و هشتمه الدوله بر وجود را محاصره نمود و غلامحسین سپهدار از

در بارها بون برفع این قبایله مامور گردیده شمره الدوله بکروانشهان بازگشت و بر وجود راسپهدا رضبط کرده حصار  
 السلطنه با فرزندان خود بحضورها بون آمده چها و ماه الفاتی ندیده بعد از آن معفو و روانه بر وجود گردید بعد این سال  
 حضرت مستطاب نایب السلطنه <sup>نواب</sup> امیر سید میرزا ابن دولت شاه را با چهار هزار پیاده و سوار از رجا بجان مجر اسان  
 اخضا فرمودند بعد از این سال امیر اسد الله خان عرب بخرمهر حاکم فانیات در حضرت مستطاب نایب السلطنه از عبدالرضا  
 بزدی که از باقی کرخچه بود شفاعت کرده و حضرت معظم او را معفو فرمودند و محمد خان قرانی نیز بخدمت حضرت والا آمده  
 بود التفات شد و موکب الاغرمینت خوشان فرمود و رضا قلیخان زعفرانلو حاکم خوشان میرزا ابوالفاسم فایم مقام داد  
 حضرت والا شفیع فرار داد ولی این شفاعت آن غریب را مانع نیامد و قات حاج محمد حسن نائین از مشایخ عرفا در نوش  
 سالکی قات محمد مهدی بجان مازندران مختص نسخه که در چهار باغ <sup>اصفا</sup> جدید در مقبره ملا محمد سراب که از اجداد امی و بومک  
 گردید امر و پادشاه در انکلیس المان (بلژیک) در این مملکت سه نفر را برای سلطنت انتخاب مینامند یکی دوک دیمور  
 پسر پادشاه فرانسه دیگری دوک لوشن برگ پسر اژن دین با پلپون سیمین لئو یلد و الی ساکس از این سه نفر سیمین فوئی  
 و موسو ب لئو یلد اول میگردد هلا اندیها حمله بیلرک مینماید ولی پنجاه هزار نفر فستون فرانسه بکمال اهالی بلژیک  
 هلا اندیها را عقب مینماید (ایتالیا) انتخاب گیرگوارشان زدهم بیای شورش و اشتراک بعضی از شهرها ایتالیا  
 جلوس شارل آلبرت پسرین (پرتوغال) منازعه پرتوغال با فرانسه و انکلیس امیرال فرانسه سفاین پرتوغال را  
 در دهنه رودخانه ناز که از پای تحت یعنی ناپلین میکزد و حبس میکند و پدر پادشاه برزین برادر پادشاه  
 پرتوغال سلطنت برزین را با اسم پسرش دن پدر و هم خود خود بداعبه سلطنت پرتوغال بجاک فرنک می آید  
 فرانسه انکلیس با دن پدر مساعده مینماید (فرانسه) شورش سخت در لیبون انقلاب آشوب در پارس جمعیت فرانسه  
 در این سال شصت پنج کرد و صیبا شد (یونان) بواسطه عدم تعیین پادشاه رؤسای جمهور با یکدیگر مخالفت دارند  
 (روس) منازعه سختی با روس مامور شدن در پیچ سردار روس لهستان برزین با در لهستان در پیچ که نزدیک  
 بود بفتح و تصرف نابل کرد و از ناخوشی با میمیر کرد و دست خطین هم از همین ناخوشی در لیبوانی و قات مینماید  
 بسکوچ بکومت سرداری لهستان مامور برقرار میگردد و این مملکت با فتح مینماید فرار بان لهستان بجا رودس پناه  
 می برند (عثمانی) قواین جدید که سلطانی بخان ایجاد میکند پستداهالی نیش و بدین واسطه خانه های اسلام با در  
 آتش مینند و بغدا و طاعون و با یکم نبره بروز میکند محمد علی پاشای مصر مصر تصرف شام است

۱۸۳۲ مسیحی

سنة هجری

اسیما (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا نواب خسر میرزا رانیات ارض اقدس داده بعزم هرات  
 به اولنک با قوت آمده و از آنجا بچاران شریفه رند و امیر باد را که حصه حصین بود و سپه صد نفر شجاعی زعفرانلو ان  
 حراست مینمود بجم حضرت معظم عساکر منصوبه بقهر و غلبه گرفتند و یوسفخان امیر توپخانه که مردی پیر بود در انوش  
 مقتول شد و کریمخان زعفرانلو برادر زاده مشر خان کرد چنانکه حکومت امیر باد یافت و چون این فتح بعضی از حضرت  
 خافان صاحبقران فتح شاه رسید با نزرده هزار تومان و پنجاه دست خلعت مصوبه جنخان سالار بار برای حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه فرستادند و شاهزاده ملک فاسم میرزا که از آذربایجان بطهران آمده بود نیز بخدمت حضرت  
 مستطاب معظم روانه شد و پنجاه نفر فستون نیز روانه خراسان شدند که ممد شیخ خوشان باشند در رضا قلیخان ایلیا  
 زعفرانلو مشوش شده اهالی قلاع را در شهر خوشان جمع کرد و حسینقلی خان پسر خود را با هزار سوار و شجاعی

در طلع شروان ده فرسنگ خوشان جای داد نجف قلیخان شاد لودر ظاهر بموافقت ایلیخانی و در باطن بقصد خدمت  
 دولت جعفر قلیخان پسر خود را که داماد ایلیخانی بود با هزار نفر شجاعی از شاد لودر مجبوسان آورد و برج باره و دروازه  
 شهر را بایشان سپرد حضرت مستطاب نایب السلطنه از امیر آبا حرکت کرده با امیر زادگان وارد طاس تپه دو فرسنگ خوشان  
 گردیدند و نجف قلیخان حسب الوعد بر کاب الا آمد همدان او ان عریضه کامران میرزا و یار محمد خان افغان بحضور حضرت  
 مستطاب نایب السلطنه رسیده مضمون اینکه اگر منظور ائلاف رضا قلیخان ایلیخانی است ما از او امداد خواهیم کرد و اگر  
 مقصود اصلاح است بدان اقلام نما یتم حضرت مستطاب معظم جوابی بمقتضا اصلاح حال نفر سنا ده داده و او باز کشتن  
 در این اوان پلنگ تو شخان جلا بر کلاتی در پیش سفیدان سا لوراز سرخس بر کاب الا آمد آنها را بمشهد مقدس روانه نمودند  
 و حکمی در نکاه آنها با میرزاده حسن و میرزا صادق صادر شد بالجمله رضا قلیخان بقلعه داری پرداخت و حضرت مستطاب نایب  
 السلطنه بعد از ترتیب سپاه و تمهید مقدمات طلعه کبری عساکر منصوبه حکم بفرستادن فرمودند تو چنان مشغول  
 شلیک گشته هتکامه سخن در گرفت و کار رضا قلیخان مشک شد ناچار و سابط برانگیخت و آخر الامر طینیان یا شمشیر  
 بگردن باریک و الا آمد و قراول برای محافظت و معین شد و خوشان بصورت عساکر حضرت نشان درآمد و ذخایر حربه  
 رضا قلیخان را نصاب نمودند و سام خان پسر رضا قلیخان ایلیخانی شد و نور محمد خان برادر اللهیار خان آصف الدوله بکوف  
 انخلود بر فرار گردید و صادق خان نام برادر بکبر خان که در اردو بود و کاغذی بر رضا قلیخان نوشته و او را بشپخون  
 بارد و بخر یک کرده پیران بر روز نوشته مقبول شد و حیدر اباد دخیه رضا قلیخان انداختند و چون حضرت مستطاب  
 نایب السلطنه باطنا قصد تصرف سرخس را داشتند نشوونکاب ایلیخانی افواج آذربایجان با ظاهر امر حضرت فرموده حکم شد از  
 راه نیشابور بولا بتجام رفته در آن در رسید جمع باشند و موکب الادر و دوم جمادی الاولی بارض افسس رود نمودند و  
 رضا قلیخان در اردک مشهد مقدس مجبوس شد و موکب الادر و از دهم ماه فروردین حرکت کرده در شانزدهم آبان رسیدند  
 رسیدند و در شجران لشکر از اطراف باره و الا پیوستند و در بیست و دوم جمادی الاولی در سرخس نزول فرمودند و طلع  
 سرخس را نیز بکفر نشد و بسیار مقبول شده هر از خانوار از آنرا که را بارض افسس بردند و غلات طلع سرخس را باز افسس  
 حمل نمودند و چندین هزار نفر اسرای شیعه مستحصر کردند پلند پسران آن موکب الادر و از ماه رجب مجبوسان بجای که در تصرف  
 محمد خان فرانی بود آمد و فوراً این ناحیه را مسخر کردند و حکومت جام و باختر را با بر اهیچان حاکم سابق هزاره دادند پس از آن  
 سایر فراع محمد خان را منصرف شده محمد خان مقید و برادران او دستگیر آمدند و حکومت لا با و تربت برش و کدکن و  
 محولات و سرجام بر عهد سهرابجان کردی موکول شدند و زمام اختیار کار را بر اهیچان هزاره را نیز اجینا طالب بدست او دادند  
 مصطفی خان سمنانی و حسن خان سالار باری و انند در الحلافه شدند و موکب الادر بمسارض افسس نمود و محمد خان فرانی  
 بارضا قلیخان ر غفر انلودر یک محبس مجبوس شدند همدان او ان حضرت مستطاب نایب السلطنه بار محمد خان امیر الدوله  
 و ذبیر کامران میرزای افغان حاکم هرانند و بار تبعیت کامران میرزا بدولت علییه الحاق ایالت هرات بممالک بحر و مس کفتگوها  
 فرمودند و فرستاده محمد علیخان خوفندی که بر کاشغر و خنا استیلا یافته بحضور حضرت معظم آمده مورد نفع داشت کردید  
 همدان او ان بر حسب استدعا حضرت مستطاب نایب السلطنه اعلم حضرت هایون خلعت با لئخر اسان را برای نواب  
 شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) فرستادند و میرزا موسی نایب شش بوزارت شاهزاده معظم بر فرار و میرزا صادق  
 بنبره میرزا بزرگ فایم مقام بوزارت جزئیات و معاملات مقرر کردید و شش فوج سرباز از مشهد و سبزوار و نیشابور  
 و نرسین گرفتند و خانزاده ها خراسان بجا بمجلس آنها منصوب شدند و چهار هزار سواران ایلات کرد و ترک خراسان

از کلات

ملازم

بلازمنه معین کشند و میرزا موسی خان برادر کهر میرزا ابوالقاسم فایم مقام ناظم کل معاملات سرکار فیض آقا حضرت  
رضوی سلام الله علیه گردید و بدینوضع کل امور خراسان را حضرت مستطاب نایب السلطنه منظم فرمودند نیز از وفای این  
سال آنکه محمد علیخان ایلیخان فارس بواسطه سعادت که میرزا محمد علی مشیر الملک وزیر فارس از او در خدمت نواب  
حسینعلی میرزای فرمانفرما نموده بود خایف گردیده در هنگامیکه نواب شاهزاده به بند بوشهر رفته بودند ایلیخان  
ایلات خود را که پنجاه هزار خانوار بودند بجانب کرمان حرکت داد و میرزا محمد حسین وکیل حاکم فسا و دارا جید نیز با آنها  
موافقت نمود نواب فرمانفرما شیخ عبدالرسول خان در بابیکه را بر داشته بشیران آمدند که باصلاح اینکار میرزا نواز  
آنطرف میرزاده سیف الملوک میرزا ابن ظل السلطان حاکم کرمان ایلات را بجوای کرمان منزل و مرتع داد و میرزا محمد حسین  
وکیل و میرزا فاسمخان خلیج داماد ایلیخان عربی از ایلیخان بخراسان بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بردند و نواب  
فرمانفرما شیخ عبدالرسولخان را مقرر در روانه بند بوشهر کردند که خود بجهت بر گردانیدن ایلات بجانب کرمان  
روند و شیخ عبدالرسولخان چون ساله خان حاکم براجان را در سنوات قبل بقتل رسانیده بود و اهالی داشتند  
کمال عداوت را با او داشتند و از خوف فرمانفرما اقدام بخلاف نمیکردند در اینموقع که نواب فرمانفرما عزیمت کرمان  
کرده و مال سفر معلوم نبود وقت بدست آمده شیخ عبدالرسولخان که بدالکی رسید و در او را گرفت بجزیک و زد و خود  
مشغول کشند و او را بضر بکلوله کشند و اموال او را غارت کردند با آنکه نواب فرمانفرما بجمعیتی طرف کرمان را بزند  
و در ورد بشهر بابک همپسره ایشان که زوجه مرحوم ابراهیمخان عمزاده حاکم سابق کرمان بود و در شهر بابک توقف داشت  
نواب فرمانفرما را بشهر دعوت کرد و اینشهر را منصرف شدند و شیخ الاسلام فارس را بطلب ایلیخان فرستادند ایلیخان خلیج  
فرمانفرما آمد ولی ایلات را سیف الملوک میرزا نگاهدار نموده نفرستاد و از آنجا که اهالی کرمان نیز از سوسلوک سیف الملوک  
شاکتی بودند بگریز که بشکار رفته بود با نقوت باطن نواب فرمانفرما عصر که مراجعت نمود او را بشهر کرمان راه ندادند و  
سیف الملوک میرزا منجر بر رفتن نزد شد و ایلات فارس متابعت کرده باین مملکت رفتند و نواب فرمانفرما با استخراص قلعه کرمان  
رفتند علیق خان فرار کوزلوسر هتک فوج همدانی از تصرف دادن شهر با نمود نواب الاقلعه را محاصره کرده بگریختند و  
او غون میرزا ابن نواب شیخ السلطنه که شاهزاده دلبر بود با مصطفی قلیخان برادر ایلیخان فارس را بنواقمه مقبول کشند  
و پیران آنکه نواب فرمانفرما قلعه کرمان را مفتوح ساختند اصلا از علینف خان مؤاخذت نموده او را و عیال سیف الملوک میرزا  
را که صبیح محترم حضرت مستطاب نایب السلطنه بود با کمال احترام روانه بند فرمودند و نواب هلاکو میرزا فرزند اکبر نواب  
شیخ السلطنه را با پیشکاری میرزا حسن نظام العلماء بکمرانی کرمان گذاشته معاودت بفارس نمودند و حضرت مستطاب  
نایب السلطنه سیف الملوک میرزا و سیف الدوله میرزا را از بند و کرمان بطهران مامون نمودند و نواب قهرمان میرزا  
فرزند خود را به پیشکاری محمد رضاخان فراهانی بکومت بند فرستادند همدان و آن میرزا ابراهیم مسیحی برادر مهتر  
منوچهرخان کرچی از جانب نزال بارون رازن حکمران کرهستان بدر بارها پون آمد و در مراجعت او میرزا محمد مهدی  
ابن محمد کیخان سردار نوری بسفارت نقلیه مامون شدند نیز گران پیمان و بیچ وزیر مختار روس به بار معلى آمد و بعد از  
تبلیغ مطالب با اعزاز تمام مراجعت کرد و میرزا الکساندر مترجم او بخراسان رفت که بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه  
مشفرف شود و هدیه و نامه امیر طور را برساند همدان و آن اسرای مرخص را که بخیف از بند بودند بتوسط الله قلیخان  
توره خوار می حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرر نمودند و در موقعی که موکت الاعازم هرات بوبلار الخلافه  
اختصاص شدند همدان بیست سال غلامی را در اغلب بلاد ایران اسباب مشقت اهالی بود اسر یا دولت فرانسه و انگلیس روس

یعنی به فارس

اکنون پسر پادشاه با و بر سلطنت یونان تعیین میکنند (بشریک) مزاج پادشاه ناز به بشریک با دختر لویلیپ  
 پادشاه فرانسه (انگلیس) عزل و نکتن از صدارت و نصب کردی بجای او (اسپانیا) ناخوشی سخت پادشاه و  
 واکدار کردن سلطنت نیز وجه نمود (فرانسه) طغیان و بادر این مملکت فوت و کدر پشناد پسر ناپلئون اول در سن  
 نزدیک پنجاه بعضی بلاد در الجزایر (پرتوغال) غلبه دین پدر برادر خود و حمایت کردن انگلیس از دین پدر و با سخت  
 در پرتوغال (روس) غلبه کلی و سن و روش و ملت شدن بسکوچ بلفیبر نیز و زور شور عثمانی ابراهیم پاشا ابن  
 محمد علی پاشای مصر شام را فتح کرده عساکر امیکرد و محصل انطاکیه را نیز منصرف میشود و بقصد ناخنده و شهادت عظم  
 داشت داده او را اسپر میکند و بطرف اسلامبول میراند امریکا (انائونی) و بای سخت که از اروپا با مر بکار فتنه بود

سنة ۱۲۴۹ هجری

سنة ۱۲۳۳ هجری

اسیما (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه و لیهده عباس میرزا که بدر بارها بون احضار شده بودند  
 نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) والی خراسان را در این مملکت گذاشته میرزا موسی نایب شاه را با پانزده هزار سوار  
 و پیاده بخدا مات و او امر ایشان مامور و محکوم نموده خود راه دار الخلافه پیش گرفتند میرزا ابوالقاسم قائم مقام و رضا  
 قلیخان کرد زعفرانلو و محمد خان فراتی و عبدالرضا خان یزدی و محمد تقیخان حاکم تبریز و مهد بقلیخان برادر محمد خان  
 فراتی و جعفر قلیخان ولد جعفر خان شاد لو ملزم رکاب الا بودند و روز بیست و پنجم محرم بدار الخلافه ورود نمودند  
 و بر حسب امر اعلی حضرت صاحبقران فتح علی شاه جمیع وزرا و شاهزادگان با توپخانه و زینورخانه و غیره ناد و فرسخی  
 حضرت معظم را استقبال کردند پس از ادراک حضور خانقانی هر جمعی بداره از حد دیاره حضرت مستطاب نایب السلطنه  
 مبذول شد و چون اعلی حضرت ها بون در باغ نکارستان اقامت داشتند برج نوش برای منزل حضرت معظم مقرر  
 کردید و رضا قلیخان و محمد خان را در ادراک محفوظ داشتند و عبدالرضا خان یزدی در فرانشانه خارج ارک منوف  
 ساختند و چون نسبت بشاهزاده محمد ولیم میرزا والی سابق یزد خلاف کرده بود بدست کسان شاهزاده بنسری خود را  
 و در این وان باز ایالت یزد با سیف الدوله میرزا شد و نواب قهرمان میرزا و محمد رضا خان فرهای مامور خراسان شدند  
 محمد تقیخان عمر بلیش مست مخلص ملزم رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه شد و رضا قلیخان کرد و محمد خان فراتی  
 را روانه تبریز کردند رضا قلیخان در میانج در گذشت و محمد خان در تبریز مجبور شد نواب خسرو میرزا از تبریز آمده  
 و با بعضی از افواج بخراسان رفت محمد حسینخان زنگنه البیشک آقاسی باشی حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا بابا  
 طبیب تبریزی حکیم باشی خاصه سفارت روس انگلیس مامور و روانه تبریز شده که در آنجا هتبه خود را دیده بجلتین  
 ماموریت خود را نمایند و هم در این وان نواب محمد قلی میرزا ملک آرا و محمد تقی میرزا حسا السلطنه بواسطه بر و نظایر  
 از ویلایات خود بدار الخلافه آمدند و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب دیوان از انشاء ممالک مغزول و میرزا محمد تقی نوابی این  
 میرزا رضا قلی نوابی و زین سابق منته الممالک شد هم در این ایام حضرت مستطاب نایب السلطنه با اجازه همایون عزم باز  
 گشت خراسان فرموده در نوزدهم ربیع الاول حرکت کردند و خانان صاحبقران را بنوبه عارض شده و باستعمال کتبه  
 رفع شد هم در این وان نواب حسن علی میرزا ای شجاع السلطنه بکرمان بازگشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه در روز  
 در همین کاپوش توقف کرده تا بعضی از عساکر و ملزمین رکاب الا بار دو و معلی بیوسته آنگاه انهاض فرمودند و در  
 بسطام محمد شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) را مامور هرات نمودند و نواب خسرو میرزا با افواج و توپخانه  
 ملزم رکاب نواب معظم کر دید و جعفر خان شاد لو و امیر علی قلی خان عرب امیر اسد الله خان در عرض راه هرات

و محمد حسن میرزا  
 حشمة الدوله

بارد و شاهزاده اعظم پیوستند و میرزا موسی نایب شهباز پانزده هزار فستون در خدمت نواب مستطاب شاهزاده روانه هرات شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از حرکت فرزند اکرم بزرگوار از ارض فیض آثار در اوایل جای اولی از جنوستان بمشهد مقدس آمدند و سواره و پیاده که ملثم رکاب آنحضرت<sup>بود</sup> همراهم مقام مامور شدند که از دنبال نواب شاهزاده با احتشام روانه هرات گردند کوسوبه غوریان که در دستگاشتگان پاره محمد خان وزیر کامران افغان بود و پاره محمد خان در ارض افسوس ستیکه چون اردو شاهزاده معظم بدین نواحی رسید کوسوبه را سپورش کردند و متوجه غوریان شدند کامران میرزا والی هرات با پنج هزار نفر باستقبال عساکر منصوبه آمد و در پل نقره سه فرسخی هرات قبضه نژاد کرده در اول حمله افغانه مضمون کرده به هرات گریختند و اولاد به نیم فرسخی هرات تزلزل نمود و قایم مقام در جن عبورد و هزار نفر بجا صوره غوریان گذاشته و خود بمحض نواب شاهزاده اعظم آمد و کامران میرزا بارد بکر لشکر تزار بمقالت و مقابلت سپاه منصوب فرستاده این دفعه نیز مغلوب منکوب شده فرار کردند هفتان این خوا قلوب اهل مملکت گرفتار فرج و احوال گردیدند پس آنکه سابقا حضرت مستطاب نایب السلطنه را درم کلیه ارض و رفع شده بود در هنگام حرکت و معاونه نجراسان آن ناخوشی عود کرده و اطبای مخصوص که همیشه ملثم رکاب آنحضرت بودند را بنوقت عقب مانده بنا بر این بیماری ایشانند بهم رسانند و منجر باسهال کبد شد حضرت مستطاب شاهزاده مملکت شان نایب السلطنه و ولعهد و لث علمته ابران عباس میرزا که از نیر که عرصه جهان بر او تنگ بود پس از وصایا و بیانات فتنه شیب چشیده هم ماه جمادی الثانی راه غرافت جهان پیش گرفت و در روضه مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحنه و الثناء مدفون گردید

درد خاکش بهمان کردند و میگفت آسمان از سرشک و حسد بالینه کنت نواب

مدت عمر شریف حضرت شاهزاده مرحوم طاب ثراه چهل و هفت سال و اولاد ذکور ایشان بیست و شش نفر و اناث

بیست و یک نفر و اسامی پسران با عز و شان حضرت شاهزاده از اینفرار است

نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) نواب همراهم میرزا نواب جهانگیر میرزا نواب بهمن میرزا نواب فریدون میرزا نواب اسکندر میرزا نواب جسر و میرزا نواب فرمان میرزا نواب اردشیر میرزا نواب احمد میرزا نواب سلطان محمد میرزا (حاجی حسام السلطنه) نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) نواب فرز و میرزا (فرمانفرما) نواب نوح میرزا نواب لطف الله میرزا نواب حمزه میرزا (هشتمه الدوله) نواب مصطفی قلی میرزا نواب خاندان میرزا (احتشام الدوله) نواب عبدالله میرزا نواب مهد بقلی میرزا نواب ایلدزم بابزید میرزا نواب محمد رحیم میرزا (ضیاء الدوله) نواب بهادر میرزا نواب محمد کریم میرزا نواب جعفر خان

نواب جعفر قلی میرزا

ماتر معظمه حضرت ولعهد رضوان جایگاه از انبیاء معشره مثل فلعئه عباس آباد در کنار رود ارس و خاک نخجوان و فلعئه اردبیل و فلعئه تبریز و فلعئه خوی و فلعئه کوردش در کنار ارس و کنار فواجه داغ و غیرها و عزم و عزم و شش عدل و انصاف و لشکر کشته و مملکت سستانی و قوانین کشور داری و نیز یکی وزیر کواری و ملاطفه با رعایا و برابا و مخصوصا نوب نظام جدید و اشاء صنایع خاصه صنعت انطباع و غیره چندانست که فی الحقیقه کتابی جداگانه باین اوقات بنکارش آن نماید و نعم ما فال

ماهر عطیه بن البصر و الاسل مثل الخلیفه عباس بن فضال

بالجمله این خبر و حشت اثر را میرزا علینقر رکن ملازم الهیابار خان آصف الدوله بدار الخلافه رسانند و کسور با اینو که

بعضی حضوهای بون رسانند نادون از شاهزادگان خوردسال لبانینقال محنت اشغال کشوند و انشار این رتبه  
نه تنها خافان کشورستان و خانواده سلطنت را سوار کرد بلکه عموم اهل ایران قرین محتر و ملال و دوچار ناسف و  
کلال گردیدند و بغزب و فاحخ خوانی پرداختد و از آنطرف نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر حسب مصلحت وقت با کامران  
میرزای افغان کهنکوی صلحی کرده با فلبی مخزون و خاطر ی اند و هیکن از دوهراث حرکت نمودند و در منزل کوسوپه  
دو پست خانوار سکنه آنجا را کوچا پنده بامبر اسدالله خان عربجا که فایان سپردند و خوانین عرب را مخصر فرموده  
در رباط کافر قلعه نیز دسده جان سواره رکابی را رخصت دادند و در اواخر جهادی التائبه وارد مشهد مقدس شدند و  
بغزاری پرداختد و پس از چندی نجفعلی خان شادلو با فرستاده کامران میرزای افغان بحضور و لامشرف شده  
پانزده هزار تومان و پنجاه بسته شال کشمیری پیشکش کامران میرزا را تقدیم نمود اما اعلمحضرت صاحبقران نظر بیاس  
خدمات و بعهدهت مهد طایبتره و لپافت و نیز کواری نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا و لایف خراسان و ولایت آنرا بیجا  
را نواب سنباطر عظم دادند و بکصد سخلت مصوب محمد خان فاجار دولو حال حضرت شاهزاده اعظم محمد خراسان  
ارسال داشتند و میرزا محمد خان بیکر بیگ ولد آصفالدوله نیز با بکصد سخلت با نوبیا جان رفقه غراماران در  
ولایت از لباس سیمابرون آوردند همد را بنیال نواب حسینعلی میرزا فرما نفرمای فارس آقا باباخان مازندران را  
بکرفتن منقضی خان اهل بکی فارس مامور نموده او را در فلاح فروز آباد گرفته و چون اهل بکی زخم کلوله برداشته بود بعد از  
رسیدن بشیراز درگذشت و محمد علیخان الهانی برادر مهتر او را با میرزا علی اکبر قوام الملک در شهر شیراز مجوس داشتند  
همد را بن سال در ایام نوروز بیست چهار معلم انگلیسی که بیکفر از آنها کتبل بعضی سرنهک بود از هند و ستا برای مشق  
سپا ظفر همراه با بران آمدند همد را بن سال موکبها بون نیز بار حضرت معصوم سلام الله علیها رفقه شعیب طاق و در  
بقعه مبارکه حکم فرمودند و بعد از مراجعت نواب سلطان محمد میرزای سپهسالار حاکم اصفهان و جشن عروسی شاهزاده  
فتح سپهر میرزا و نواب صاحبقران گرفته شد و حسینعلی خان معز الملک ابن دو سخلی خان بسطامی و سلیمانخان افشار  
دشرف مصاهرت حضرت خافان مشرف گشتند همد را بن وان نواب خسرو میرزا در آق در بند با ترکانان بمنازتیه پرداخته  
و غالب آمد و غزوری هم رساننده با غوای بعضی از نواب شاهزاده اعظم والی خراسان بدار الخلافه مدعو و در  
اعلمحضرت خافان کرده در خانه عم خود نواب ظل السلطان اقامت کردید همد را بن سال در سنوف نامی از جانب  
رولت روس بغزب و بعهده خلد مکان اسکنة الله فی روضات الجنان مامور شد و در اوتیل سال بعد بدار الخلافه آمد  
آمرچا یا (المان) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطرتش (انگلپس) اکتیل اولند و بر ضد انگلپس میشوند (اسپانول)  
دنگار لس برادر پادشاه خود را سلطنت اسپانول برقرار میسازد فرد بنانده هفتم پادشاه اسپانول در حالت  
مرض دختر چهار ساله خود این ابل را سلطنت جلوس میدهد و زوجه خود را نایب السلطنه و فرار داده فرانسه انگلپس  
ملکه چهار ساله را سلطنت هسنا سند جمعیت اسپانیا در اینسال بیست چهار کرد و صد هزار نفر است (فرانس)  
پادشاه مصمم است که بجهت حفظ شهر و لعه جان نظامی مجرب در شهر با برین سازد در الجزایر امیر عبدالقادر امیر  
مسفر اعزاب را بر ضد فرانسه میشوند و پانزده سال مدت شورش الجزایر است (یونان) ورود آهن پادشاه  
بنیان وضع سلطنت این پای تخت دولت میشود ایجاد نشان سوز قشون فرانسه بعد از پنجمسال توقف در یونان  
آنجا را تحلیف میکنند (ایتالیا) مارینی نام جوانان ایتالیان را بشور شر اغوا میکند (پرتغال) منازعه میان دو برادر  
کردن پلند و دن میگل باشد ملک انگلپس به دن پلند و دن پلند و لیزین پای تخت پرتغال را میگیرد و دنا مار با دختر

چهارده

چهارده ساله خود را ملکه پر توغال میکند ( روس و عثمانی ) در سر سلطان عثمانی بر ضد ابراهیم پاشا تک میکند  
سفاین روس با بفر یک سلطان می آیند قشون زیاد روس را به اسلام قبول را که ابراهیم پاشا با نظر میاید حفظ میکند  
معاهده دوستی مابین دولتین روس و عثمانی فراموش و انگلیس که از این مصالحه ملکه اند با محمد علی پاشا اظهار دوستی  
میکند و او را بر ضد سلطان محمد میشنوند امر یکا ( مکر یک ) بروز و باد را این مملکت

سنه هجری

سنه ۸۳۴ هجری

اسیما ( ایران ) در اوایل این سال نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا ( محمد شاه ) از خراسان بدار الخلافه آمده روز  
دوازدهم ماه صفر خسته ملوکانه در نکارستان آراسته بنا خد مات و زحمت و بعهده فردوس مهلانا را الله برهانه  
و آراسته ذات پسندیده صفات شاهزاده معظم محمد میرزا و لایق عهد دولت علیها را اعلم حضرت خاقان صاحبفران  
فخجل شاه بادیشان حضور اشید و با وجود اولاد کبار این رتبت و شرافت را خاص حضرت شاهزاده اعظم دانستند  
و مقر تشکر بسر پرستی و نظم آذر با بجان روانه نیز بنشیند و پس از انتظام این مملکت منوچه خراسان کردند نواب  
خسر میرزا با ندامت بخدمت آمد و میرزا محمد پسر میرزا ابوالقاسم قائم مقام بوزارت آذر با بجان معین شد و روز  
شانزدهم صفر هوکب حضرت شاهزاده اعظم محمد میرزا ( محمد شاه ) بجزم نیر از آنهاض فرمود و نواب سلطان میرزا  
که بایالت قراجه داغ و مضافات اخضا ص است با استقبال موکب الابه او جان آمده مورد نفقات گردید  
پچنین نواب اردشیر میرزا که مامور نظم کر و س و صابن قلعه بود در فرودین بار و حضرت معظم پیوسته و بعد از انقضا  
زیاد از بجان رخصت انصراف یافت و میرزا ابوالقاسم قائم مقام نیز در بیست یکم صفر از دیال اردو و الاره  
نیر نیز پیش گرفت و بنا بر خلاف جهانگیر میرزا و خسر میرزا آنها را بار دیل روانه و مقید نمودند همد این سال در نیم  
جمادی الاولی هوکب خاقان کشورستان بجزم اصفهان آنهاض فرموده در چهارم جمادی الثانی در باغ سعادت آباد  
اصفهان زول اجلال فرمودند و نواب سلطان محمد میرزا سپهسالار با مشورتی بجزماری المهارخان اصفالدوله  
به نسبت بختیاری مامور شد و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بحضورها بون مشرف آمد و مقر شد نواب  
محمد تقی میرزا با نواب فرمانفرمای شیراز رفتند محض ان ایات چهار ساله فارس باشد و عبدالله امین الدوله نیز با  
هفت هزار سواره و پیاده بعد از دو سه روز از قفای آنها روانه شده حساب فارس را بطور دقت رسید که و تفریح  
نماید مقارن اینحال مزاج مبارک از طریق استقامت صخر کردید و عصر پنجشنبه نوزدهم ماه جمادی الاخره این سال  
در عمارت هفت ست در خارج شهر اصفهان به شش جاودان روان شدند و از سنوچ این حادثه افزا استک تحسیر از بد  
پیر و برنا چون رود جاری کشت شاهزادگان نقش مطهر حضرت خاقان را پس از نخبه و تکفین در تخت  
روان گذاشته بقم حمل نمودند و در بقعه که یکسال قبل با مر خود خاقان مغفور ساخته شده بود دفن کردند مدت عشر  
خاقان مغفور تابش راه بر و این اصح شصت و شتر سال است چه ولادت ایشان از نواب سنطاب الاحاجی معتدل الدوله  
در جام جم در هزار و صد و هشتاد و پنج نوشته اند و مدت سلطنت سی و هشت سال و پنج ماه و مائتر کریمه آثار معظمه  
خاقان مغفور اللسب الله تعالی حلال النور از قبیل نذیب ابوان و قبه حضرت سید الشهدا علیه السلام که مبلغ پنجا  
هزار تومان خرج آن شد و نصب ضریح نقره در آن حرم کرم که به بیست هزار تومان تمام شد و بنای قبه و بارگاه حضرت  
عباس علیه السلام که چهل هزار تومان صرف آن شده و پنج عدد فندک طلا که بوزن چهارده من نیز بیهب است برای حرم  
حضرت رضا علیه السلام و دو ضریح نقره که هر یک ده هزار تومان تمام شده یک برای حضرت عبدالعظیم و دیگری برای

اعلم حضرت خاقان صاحبفران  
فخجل شاه



امانزاده سید میر احمد بن امام موسی کاظم علیه السلام و بنای فنیة حضرت معصوم سلام الله علیها و سخن مفید و انعام در  
 مینا و ضریح آنحضرت و بنای مدرسه دارالشفاء و تعمیر سد قم که مخارج جمله یکصد هزار تومان رسیده بنای سخن جدید  
 در جنب و ضحضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء و اهدای قند بل مرصع و قند بل طلا بآن دو ضحضرت  
 که اینها نیز بجهل هزار تومان تمام شد و جامع دارالخلافة و جامع سمنان و غیرها و بذل عطایای و افزه که از جمله عطای  
 هزار تومان قرض میرزا عبدالوهاب معتدل الدوله و بذل شش هزار تومان صلح شش قصده است بر حرم فتحعلی خان  
 ملك الشعرا و غیر از اینها بسیار است از خصایص آن پادشاه رضوان جایگاه کثرت اولاد است که ذکر او انا نادوسین و  
 شصت نفر از صلب آن شهر بار نا جور بصره عالم قدم نهادند و یکصد و پنجاه نفر از ایشان در زمان حیات پدر راه  
 عالم دیگر گرفتند

### اسامی اولاد خاقان مغفور اسکندر الله در ریاض السعد

حضرت عباس میرزا نایب السلطنه که روز چهارشنبه چهارم ذیحجه در سال یک هزار و دویست و سه هجری در حال نوای مازندران  
 از بطن حضرت فتحعلی خان دولوی قاجار متولد شد <sup>مخبر</sup> محمد علی میرزا که مختصر بدولت بود و دولت شاه لقب داشت شب هفتم  
 ربیع الثانی سال یک هزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد محمد قلی میرزا که ملک آرا لقب داشت و در  
 اشعار خردی تخلص می نمود چهارشنبه بیست و دویم رمضان سال هزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد  
 شد و لیبر زار و زجعه غزه شهر شوال در سال یک هزار و دویست و سه هجری متولد شد حسنعلی میرزای فرمانفرما  
 در سال یک هزار و دویست و سه هجری در ریاضی در قصبه نوا متولد شد حسنعلی میرزای شیخ السلطنه برادر اعجاب  
 فرمانفرما غزه ذیحجه سنه یک هزار و دویست و چهار هجری متولد شد و در اشعار شکسته تخلص می نمود محمد  
 میرزای حنیام السلطنه روز شنبه ششم شهر صفر سال هزار و دویست و شش هجری متولد شد و در اشعار شوکت  
 تخلص میکرد علی بنی میرزای رکن الدوله پنجشنبه نوزدهم شهر شوال در سال یک هزار و دویست و سه هجری متولد شد  
 شیخعلی میرزا ملقب بشیخ الملوک شب چهارشنبه دهم رجب سال یک هزار و دویست و سه هجری متولد شد علی شاه  
 ملقب بظل السلطان سه شنبه شهر شعبان سنه یک هزار و دویست و سه هجری متولد شد و او برادر اعجابی نایب  
 السلطنه است عبدالله میرزا که دارالتخلص می نمود جمعه بیست و چهارم جمادی الاولی سال یک هزار و دویست و نازده  
 هجری متولد شد امام و پدی میرزا ملقب با یحیانی برادر اعجابی رکن الدوله شب چهارشنبه چهاردهم شوال  
 سال هزار و دویست و نازده هجری متولد شد محمد رضا میرزا در اشعار افسر تخلص کرده روز دوشنبه بیستم بقعه سال  
 هزار و دویست و نازده هجری متولد شد حیدر قلی میرزا جمعه یازدهم صفر سال هزار و دویست و چهارده هجری  
 متولد شد و در اشعار خا و ر تخلص نمود محمود میرزا دوشنبه دوازدهم صفر سنه هزار و دویست و چهارده متولد شد  
 و در اشعار تخلص با سم می نمود هماون میرزا شب جمعه بیست و هشتم جمادی الاخره سال هزار و دویست و شانزده  
 هجری متولد شد و در اشعار حشمت تخلص می نمود الله و پر که میرزا شب سه شنبه بیست و سیم شهر رمضان از مادر بزرگ  
 و سال هجرت هزار و دویست و شانزده بود و در اشعار بیضا تخلص دارد اسمعیل میرزا شب جمعه چهاردهم شعبان  
 سال هزار و دویست و هفده شد احمد علی میرزا روز جمعه ششم شوال سال هزار و دویست و هجده متولد شد و  
 برادر اعجابی شاهزاده محمود است و در اشعار بنام خود تخلص کند علی رضا میرزا برادر اعجابی شاهزاده محمد رضا میرزا  
 شب سه شنبه ششم ذیقعد هزار و دویست و هجده متولد شد کیفیا میرزا شب جمعه نوزدهم صفر سنه هزار

و دوینست و بیست و یک هجری منولشد بهرام میرزا شنبه پنجم ربیع الاول هزار و دوینست و بیست و یک هجری  
 منولشد شاپور میرزا شنبه سیزدهم صفر هزار و دوینست و بیست و دو هجری منولشد ملک قاسم میرزا روز  
 چهارشنبه دوم جمادی الآخرة سال یک هزار و دوینست و بیست و دو هجری منولشد منوچهر میرزا شنبه چهارم  
 جمادی الآخرة منولشد در سال هزار و دوینست و بیست و دو هجری میرزا شنبه چهاردهم جمادی الآخرة  
 هزار و دوینست و بیست و دو هجری منولشد ابرج میرزا پنجشنبه غره جمادی الآخرة سال هزار و دوینست و بیست و دو  
 هجری منولشد کیکاوس میرزا روز جمعه هجدهم شوال سنه هزار و دوینست و بیست و دو منولشد شاه قلی میرزا  
 چهارشنبه یازدهم محرم سال هزار و دوینست و بیست و سه هجری منولشد محمد مهد میرزا شنبه یکشنبه غره شوال سنه  
 هزار و دوینست و سی و سه هجری منولشد کجسر میرزا برادر اعیانی کیکاوس میرزا است که پورتر میرزای ایلخانی ملقب به  
 ابوالمولود روز سه شنبه بیست و پنجم جمادی الآخرة سال هزار و دوینست و بیست و چهار هجری منولشد جهانشاه میرزا  
 او نیز برادر اعیانی شاهزاده محمود است یکشنبه بیست و پنجم رمضان سال یک هزار و دوینست و بیست و چهار هجری  
 منولشد سلیمان میرزا سه شنبه چهارم محرم سال هزار و دوینست و بیست و پنج هجری منولشد فتح الله میرزا چهار  
 شنبه نهم رجب سال هزار و دوینست و بیست و شش هجری منولشد و ملقب بشجاع السلطنه است ملک منصور میرزا برادر  
 اعیانی ملک قاسم میرزا است سه شنبه بیست و دوم رجب سال یک هزار و دوینست و بیست و شش هجری منولشد  
 هجرت میرزا ملقب بهاء الدوله شنبه بیست و پنجم شوال سال هزار و دوینست و بیست و شش هجری منولشد  
 سلطان محمد میرزا ملقب بسیف الدوله است میلادش روز پنجشنبه بیست و ششم جمادی الآخرة سال هزار و دوینست  
 و بیست و هشت هجری سلطان سلیم میرزا شنبه پنجم بیست و ششم شوال هزار و دوینست و بیست و هشت هجری  
 سلطان مصطفی میرزا جمعه یازدهم ذیقعد هزار و دوینست و بیست و هشت هجری منولشد سلطان ابراهیم میرزا  
 شنبه نوزدهم جمادی الآخرة سال هزار و دوینست و بیست و هشت هجری منولشد سیف الله میرزا برادر اعیانی بهاء الدوله  
 است سه شنبه چهاردهم رجب سنه یک هزار و دوینست و بیست و نه منولشد یحیی میرزا شنبه غره محرم  
 سنه هزار و دوینست و سی و سه هجری منولشد زکریا میرزا شنبه بیست و ششم ربیع الاول سنه هزار و دوینست  
 و سی و چهار هجری منولشد برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد امین میرزا روز دوشنبه دهم ربیع الثاني هزار و دوینست  
 و سی و چهار منولشد سلطان حمزه میرزا شنبه چهارشنبه بیست و یکم رمضان سال هزار و دوینست و سی و چهار منولشد  
 فرخ میرزا برادر اعیانی سلطان محمد میرزا و ملقب به میرالدوله است سلطان احمد میرزا ملقب بعبدالدوله است  
 جمعه نوزدهم ذیقعد هزار و دوینست و سی و نه منولشد صاحبزادان میرزا طهماسب میرزا جمعه هفدهم جمادی  
 الاولی سنه هزار و دوینست و پنجم منولشد حسین قلیخان ملقب به شاه برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد هادی  
 میرزا برادر اعیانی محمد امین میرزا است یزدان میرزا علیقلی میرزا عباسقلی میرزا و او برادر اعیانی علیقلی میرزا است  
 کامران میرزا اورنگ زیب میرزا سلطان جلال الدین میرزا امان الله میرزا سلطان حسین میرزا  
 اسامی بنات خافان مغفوق البصره لاجل التور

عنا السلطنه

ملقب بنواب عالی

همان سلطان مشهور بجامه خاندان از مادر شاهزاده حسین علی میرزا است و اوضیح ظهر الدوله ابراهیم خان فاجا  
 حکمران کرمان بود شاهزاده بیگم جان هم از مادر فرما فرما است در ساری میر محمد ناسرخان قوا نلو بود سینه بیگم که بعد  
 سلطان لقب دارد هم از مادر فرما فرما است بحیاله نکاح محمد زکچان خوری سردار فارس در امدام سلمه مشهور بکچان

خانم از مادر شاهزاده محمد علی میرزا است خط نسخ را نیکو نوشت و چند مجلد قرآن مجید را تکرار داده در عنایت امر دین علیهم السلام موقوفه است ضمیمه برادرزاده شهریار زین العابدین خان کشت مرصع خانم از مادر حُسن السلطنه زین العابدین خان آصف الدوله بنو است فخر جهان خانم مشهوره بفرالدوله از مادر شاهزاده شعاع السلطنه است و چند در سرای میرزا محمدجان برادر شهریار بود و از وی جدائی گشت شاه بیکم مشهوره بضیاء السلطنه بعد از پدر ضمیمه میرزا مسعود وزیر دوله خارجه شد سلطان بیکم هم از مادر بضیاء السلطنه است و چند با سپر مهد بقلیخان دولو همسر و هم بستر بود و در جوانی وداع بجا گفت که هر ملک خانم با و بعهده و لکن با بسلطنه از یک مادر است نخست در سرای محمد امین خان فاجار نسیمی با شتی بود و از این ضمیمه میرزا ابوالقاسم فایم مقام کشت بدب خانم از مادر محمد قلی میرزای ملک آرا است و ملقب بجاجی شاه ضمیمه اسمعیل خان پسر اغضا الدوله سلیمانخان فوانلو است خدیجه خانم هم از مادر ملک آرا است ضمیمه محمد باقر خان پسر حسینقلی خان برادر شهریار است طبعان خانم بجباله نکاح موسی خان فوانلو درآمد عزت نساجانم با برادرزاده شهریار موسی خان پسر حسینقلی خان هم بستر گشت شمس بانو خانم ضمیمه میرزا موسی خان برادر میرزا ابوالقاسم فایم مقام شد خدیجه سلطان مشهوره بعضه الدوله ضمیمه ابراهیمخان ناظر پسر حاجی محمد حسینخان صدر اعظم اصفهانی است در خشنده که هر خانم ضمیمه میرزا اسمعیل خان پسر میرزاخان لرحلال خورمازندرانی فتنه الممالک با شاهزاده اسمعیل میرزا از یک بطن است که هر شاه بیکم در سرای علی محمدخان فاجار دولو است شاه سلطان خانم ضمیمه محمد صادق خان قوللو پسر محمد علیخان نوه مرتضی قلیخان عم شهریار است شاه که هر خانم ضمیمه سنجان پسر ابراهیمخان عمرزاده شهریار است نا جلی بیکم خانم از مادر شعاع السلطنه و زوجه نصرالله خان پسر ظهیرالدوله ابراهیمخان فوانلو است حسن جهان خانم مشهوره بواجی وی نیز از مادر شعاع السلطنه است ضمیمه خسروخان والی کرمان شد ماه بیکم خانم بجباله نکاح غلامحسینخان سپهدار درآمد سرجهان خانم زوجه آقاخان حاکم محلات است خورشید خانم زوجه عباسقلیخان سرکرده جماعت افشار خسته است مولود سلطان خانم زوجه رضا قلیخان پسر اسمعیلخان سردار دامغانی بود و از او جدائی گشت و بسرای حاجی خسنجان پسر ذوالفقارخان پسر عمر شوهر نخستین رفت عالیبه سلطان خانم زوجه علیخان دامغانی میرآخوند شهریار شد زبیده خانم زوجه علیخان فرکوز است خورشید کلاه از مادر سیف الدوله است ضمیمه میرزا علی محمدخان نظام الدوله پسر عبدالله امین الدوله کشت پشیرین جان خانم او نیز از مادر سیف الدوله است و در سرای مهد بقلیخان پسر حسینخان سردار بوده است فقیصر خانم از مادر بچی میرزا است زوجه سلیمانخان افشار فاسلمو است سلطانخانم هم از مادر بچی میرزا و زوجه جهانگیرخان افشار و او می است آقا بیکم زوجه میرزا علی هجر ارجی ملا با شتی است شاه جهان خانم مشهوره بخان برون زوجه میرزا عبدالباقی فیم با شتی کلاتی است و در سلطان خانم از مادر شاپور میرزا و زوجه میرزا غلامشاه پشید منباشی است ماه نوشت لب خانم زوجه امیر دیوان میرزا نبی خان فرزند پوی است حُسنخانم از مادر محمد مهد میرزا است برادرزاده شهریار میرزا محمدخان بعد از جد از فخر الدوله بجباله نکاح درآمد پاشا خانم هم از مادر محمد مهد میرزا است و نکاح سهرابخان کرجی درآمد فرزندان بیکم هم از مادر محمد مهد میرزا و زوجه حسینعلیخان معیر الممالک است مهر جهان خانم هم از مادر محمد مهد میرزا است و بعد از فوت شاهنشاه زوجه میرزا العابدینخان پسر فاسمخان هزارجریبی قوللوقاسمی شد سلطان خانم از مادر ملک ابرج میرزا و زوجه محمد باقرخان دولو بیکم بیکم است خاور سلطان بیکم از مادر علیقلی میرزا است و بعد از فوت شهریار بجباله نکاح میرزا نظر علی حکیمباشی قزوینی درآمد رخساره بیکم بعد از فوت پدر زوجه محمدخان ابروانی امیر

از مادر شاهزاده محمود است

ملک زاده زین محمود خان رشتی است

وزن صاحب دوام  
عروس حسنعلیخان شاهنشاهی  
وزن میرزا حسنعلیخان شاهنشاهی  
مخوم ۴

شد خرم بهار خانم از مادر کامران میرزا است بزم آرا خانم او نیز از مادر کامران میرزا است ماه تابان خانم بازو چه  
میرزا بی خانم از یک مادر است ملکراده خانم بدرجهان خانم ملقب بامه باجی و او نیز از مادر محبی میرزا است و زن محبی  
خلاصه پس از انتقال و ارتحال خاقان به پهل نوبت سلطنت بشهریار ملکوتی حضاالاعلی حضرت محمد شاه رسیدن و  
مستطاب الاحاجی معتمدالدوله در کتاب جمجم میفرماید خبر فوت خاقان مغفور در شب هفتم و هشتم جمادی الاخره  
بیتبریز رسید اعلی حضرت هماهون محمد شاه که ولایت عهد داشتند در شب یکشنبه هفتم و شب دوم در تبریز جلوس فرمودند  
و روز چهاردهم در جبالان شهر حرکت نمودند و کمال صاحب بلخی دولت انکلیس و غراف سمنو و حج وزیر مختار و وزیر  
در کتاب اعلی بودند و لیزی صاحب بالشکر اسنوه و توقیچانه مبارکه در مقدمه روان شد و در نوزدهم ماه شعبان  
ببار الخلافه باهره ورود و نزول اجلال فرمودند و باغ نکارستان از فردوم هماهون رشک نکارستان چینی شد  
و در مدت چهار ماه کل شاهزادگان اطراف طوعاً کرهاً بجای پای هماهون آمدند و نواب ظل السلطان که در ایام  
فترت بر تخت جلوس کرده بود و بنا شده ما را آکنده و کناشته ها را پراکنده ناچار زنان را شفیع نموده به راهی  
خالدوله عمر مکرّم شاهنشاه و همسر کان سرکار اقدس که عروسان او بودند در نکارستان بحضور مشرف شدند  
و مشهوره ارام شاهنشاهی گردید و میرزا ابوالقاسم قایم مقام بعضی در سایندار هم من راساله الرجا و سلاطین  
و آنچه که بتحقق پیوسته رظرف چهل روز حکمرانی هفتصد هزار تومان نقد سوای حبس از خزانة عامه در آورده  
بر بهوده صرف شده بود و سرکار اقدس علی شب جمعه و یوم رمضان المبارک تقیماعت بطلوع افتاب مانده از در  
فروزی ببار الخلافه مهین نزول اجلال فرمودند و بیشتر مایه محرابینیکار مخوم میرزا ابوالحسنخان و زیر امر  
و نواب لکن الدوله بود و الا خودشان خلاف وصیت خاقان خلد مکان نمیکردند انهمی  
از حوادث اینسال چنانکه ذکر شد جلوس شاهزاده علیخان است که خود را عاقل شاه نامید و بعضی از شاهزادگان  
و امرای دربار طوعاً کرهاً اطاعت نمودند و او نواب علیقلی میرزای لکن الدوله را برای مصالحه و اما موپردی  
میرزای ایلیخان را برای محاربه بایا تزده هزار نفر پیاده و سواره و توقیچانه مامور آذر باجان کرد نیز شاهزاده  
حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس بختبرک برادران واعیان ممالک شیراز جلوس کرد و همچنین حسنعلی میرزای  
شجاع السلطنه را بتسخیر عراق فرستاد اما اعلی حضرت احمدس هماهون محمد شاه بعد از جلوس در تبریز  
جهانگیر میرزا و خسر میرزا و احمد میرزا و مصطفی که آثار خلافت و جنات حالشان پدیدار بود بقلعه اردبیل فرستاد  
موقوفه اش شد و محمدخان امیر نظام که در سرحد ولایت ایران و ارزنة الروم با محمد اسعد پاشا کفنگوی استر و داموا  
منه و به بخار متعلق بود و لکن علیه ایران را در میان داشت در اینوقت با مرهماهون بتبریز بازگشت و با نواب  
میرزا ناپال باله آذر باجان در این شهر هکنام حرکت و کتب اعلی از تبریز جهانگیر میرزا و خسر میرزا از طریق  
خلافه براه بصری رفتند و موکب هماهون با شش هزار لشکر پیاده نظام و چهار عراده توپ سه هزار سوار حرار  
از تبریز بتهران راه خلافت فرمودند و نواب لکن میرزا که در اردبیل حکومت داشت با فوج بهادران در منزل مباحثه بقبیل  
و کباب اعلی فایزگشت و نواب لکن الدوله در بنگ پی و سرچم باردو اعلی سوکند اظهار داشت که اعلی حضرت پادشاه  
بآذر باجان فاعت کرده باقی مالک ایران بعاقل شاه تقوی شود بنا بر این عرض سخیف از حضور اعلی محروم و در  
مکان خود موقوفه اند نیز در عرض راه نواب شجاع السلطنه فتح میرزا با سوار و پشکسته بحضور آمد و حکومت  
حمیه یافت و در خرم دره منوچهرخان عهد الدوله باد و هزار سوار و جمعی فیک و چهل هزار تومان پیشکسته کتاب

ظل السلطان برع

اعلیٰ پویشده مورد الطاف ملوکانه گشت و فضلعلیمان فرا باغی باد و سوار و پانصد غلام خاصه و پنج عراده  
توپان زنجان بطور مقتضای الجیش گشتند و آنه شدند در منزل سیادهن بمقدمه سپه امامو پدی میرزای  
الخان ری سیده آنها را مفهوه کرد پیران سران سپه اهر بر کباب اعلیٰ پیوستند و امامو پدی میرزای نیز ناچار رو  
پناز بندر باها پون آورده ملانزم خدمت کردید و اصفالدوله اللهبارخان که در قم بود بامیرزا محمد تقی علی آبادی  
صاحبدیوان بحضور اقدس شرفیاب شدند و از اینطرف محمد باقر خان خال اعلم حضرت شرفیاب که در طهران مؤلف بود  
باشاره امنای دولت و سیای عساکر مازندران را با خود متفق ساختند و عاد لشاره را از نزدیک شدن موکب  
های پون آید <sup>محمد شاه آگاه کرده از جلوس ممنوع داشت و محمد جعفر خان کاشانی وزیر او را ماخوذ و اموال او را</sup>  
ضبط کرده مرایت را برضد رساند سرکار اقدس اعلیٰ نیکارستان نزول اجلال فرمودند و خسر و خان کرجی و سایر  
الان خاصه پادشاهی را از باز و بند و شمشیر و تمامی اثاثه سلطنت از شهر نیکارستان آورده تقدیم نمود و عاد لشاره  
چنانکه ذکر شد بحضور مبارک مشرف شده مشمول مرهم گردید و میرزا فضل الله علی آبادی و عباسخان فاجار با آوردن  
نواب محمد قلی میرزای ملک آرا از مازندران مامور شده اینجانب <sup>الان</sup> رسانیدند و ز چهاردهم رمضان ذی القعدة  
صفات پادشاهی یعنی اعلم حضرت های پون محمد شاه در دیوانخانه بزرگ بر سر پر سلطنت جلوس فرموده عموم  
شاهزادگان و امرا و طبقات خدمت بار حضور مبارک یافتند بعد از آن نواب فرزند میرزا و معتمدالدوله منوچهرخان  
با جمعی از صاحب منصبان بفارس و عراق مامور گشتند و نواب فخریه خان میرزا را احضار فرموده با اصفالدوله  
اللهبارخان و حسنخان سالار بجو متفرسان معین شدند و غلام حسنخان سپهدار عراق باستان های پون آمد  
و نواب طهماسب میرزا مؤبدالدوله بجگرانی کاشان رفت و جها نیکر میرزا برادر نواب مغزی الهی حکومت نیز یافت  
و هلاکو میرزا ابن شجاع السلطنه که در زمان فترت در نیز د اظهار شوکت میکرد بکرمان بازگشت و نواب بهرام میرزا  
که از عرض راه دار الخلافه مامور گردیدستان و انزاع کرمانستان از حشمت الدوله محمد حسین میرزا شد و  
بکرمانستان و دود نمود و حشمت الدوله که دم از استقلال میرزا فاجار باستان مبارک آمد و محمد قلی میرزای ملک آرا  
بتوقف همدمان مامور شد و چون جمعی از تراکه و اگراد خراسان دور شاهزاده اسمعیل میرزا حاکم بسطام را  
گرفته و او بجبال استقلال افتاده بود نواب اردشیر میرزا با اسکندر خان فاجار این فتحعلی خان حاکم مراغه و  
ابراهیم خلیل خان و بعضی دیگر با سینه سال او مامور شده او را مفهوه کردند و باستان مبارک فرستادند  
و نواب اردشیر میرزا بنظم ترکان و دشت کرکان رفتند آنجا را منظم کرده معاودت نمود و نواب فرزند میرزا با منوچهر  
خان معتمدالدوله و میرزا محمدخان فاجار د و لو خالو زاده حضرت تائب السلطنه معفور و مستر لتری انگلیس  
و شیل صاحب و خید نفر صاحب منصب دیگر انگلیس و چند نفر سرنیپ سرنهنگ و بعضی از دستجات عشق  
ظفر نمون و خید عراده نوپاز راه اردستان قصد فارس کردند و شجاع السلطنه با پنجهزار سواره و پیاده  
قصد لشکر اصفهان نموده بمنزل شوکتخان رسید و شنید که عساکر پادشاهی با نیزه خواسته سیده  
روز دیگر فتنه ملاذ کرده بجار به برداختند شجاع السلطنه با همراهانش منظم شده بفارس بازگشت  
و معتمدالدوله و همراهان او بنیدیر خود را بشیر از رسائیده بجنگ و جنگ ارک را تصرف کردند و بعد از  
دوسه روز فرما نفر ما و شجاع السلطنه را با فوج منصو خان فراهانی و شش عراده توپاز بشیر از بطهران  
آوردند و در روز دوازدهم عساکر منصوره بشیر از رضا قلی میرزا و بنحیفه میرزا و بیورد میرزا از شهر خارج شده

در فرزندین

مجدد مملکت عثمانی رفتند و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا در طهران بنیبه شده در برج نوش موقوف گردید  
 و نواب حسینعلی میرزای فرمانفرما در ماه ربیع الاول در چهل و هفت سالگی بناخوشی و با که در طهران شیوع  
 بهم رسانیده بود در گذشت همدانین سال نواب فرهاد میرزا ( حاجی معتمد الدوله ) حکمرانی عربستان و لرستان منصوب  
 گردیدند امیرنایب ( لرد هیلورن ) بصدارت منصوب میشود ( اسپانیا ) دُن کارلس بر صند ملکه جدید با نهایت  
 سخن در شورش استغناء از ما بین اسپانول و دُن میگل پادشاه سابق پر توغال که بدن کارلس اسپانول  
 پناه داده بود بر میزد و بای سخت در مادرید قوت دُن پدرو بعد از استقرار دادن دختر خود را بسلطنت پر توغال  
 مزاجت ملکه پر توغال باد و کد لشن بر که پسر اژن ریبینا پلئون اول ( فرانسه ) قوت و تیرال لافایت  
 معروف شورش در بعضی بلاد ( روس ) امیر اطور در سر مانع است که جوانان روسی بجهت تحصیل با تجارت بفرنگ سفر  
 نمایند شورش شامبل در اغستما ( سوئ ) بروز و باد در این مملکت ( عثمانی ) شامان که بنصرت محمد علی پاشا بود  
 بر او میشود و از آن طرف بمن عثمانی میشود در اعلی نضاط دیگر عثمانی نیز شورش بر پا میشود بکلیع فتون نظامی  
 موسوم بر دین منصوره در عثمانی تشکیل می یابد

۱۳۵ مسیحی

۱۲۵ هجری

آسیا ( ایران ) در این سال چون میرزا ابوالقاسم قایم مقام با صائب دای مملکت را نظمی داده بود عز در طبع او  
 مستوفی گردید و جلایستدان از اعلی حضرت ها چون بعضی نظرفات در امور کرد و نواب جهانگیر میرزا در نارنجی که نوشته  
 چنین مستوفی میدارد که قایم مقام چون مملکت ایران را از هر کرد نکشان خالی بد و جمیع اولاد خاقان را در قبضه  
 و افتاد خود یافت با انجام جنال محالی که داشت پرداخت از جمله خواست فوج خاصه که بسیر نیب فاسخان لان پراغوشی  
 از نوکهای قدیم حضرت نایب السلطنه مرچوبود و بکشیک در بخانه و سرای سلطنه مقرر شده بود تغییر داده کشیک  
 در بخانه را بر عهد سرهنگ از دست پروردگان خود موقوف دارد و بعضی چیزهای دیگر نیز از او بظهور رسید  
 قبل از تغییر اول خاصه اقدام بعضی اعمال او را از باغ کاله زاو که منزل او بود بنکارستان احضار کرده هر روز  
 در اینجا محبوس بودند در گذشت در بقیع حضرت عبدالعظیم علیه السلام مدفون گشت و این واقعه در شب سلخ  
 صفر اتفاق افتاد و چون اللهیارخان آصف الدوله از ما جری آگاه شد از خراسان بی حکم احضار و بجنال صلابت  
 بدربار معدن اشرار شاهانه آمد و این خیال پسند بنفاده پسر از غلبه او را بخراسان معاودت دادند همدان را و  
 محمدخان امیر نظام را بزرگی انتظام افواج بدار الخلافه احضار فرمودند و او با چند فوج از آذربایجان بطهران آمد  
 مردم چنین پیدا شد که او را بوزارت خواسته اند ولی کافی خطا بود پس از تجدید افواج محمدخان برای پیشکاری  
 نواب قهرمان میرزا باذر با بجان بازگشت و نواب فریدون میرزا از آذربایجان بطهران آمد و در این ایام میرزا ناصر الله  
 اردبیلی ( صدر الممالک ) و محمد حسینیان ایشیک آقاسی در صدور فرامین و احکام دخالت داشتند ولی بزود  
 حاجی میرزا عباس مشهور بجای میرزا آقاسی این میرزا مسلم ابروئی را که از آغاز شباب حسن ظن کاملی باو داشتند  
 بوزارت اختیار فرموده منصب صدارت عظمی دادند همدان را و ان و بای سخت در طهران و سایر بلاد ایران شیوع  
 یافت و پنجاه هزار نفر در مالک محروم تلف شدند و چون در جبرگرمای دار الخلافه بالارفت و داشتند بهم رسانیدند  
 موکب همایون اعلی حضرت محمد شاه غریب نامه و لو اسان فرمود و میرزا مسعود آذربایجانی بوزارت امور خارجه  
 بر فرار گشت و شاهزاده ضیا و السلطنه را با او مزاجت حاصل آمد و میرزا حسن مستوفی الممالک ایران فرمودند

ومیرزا افغان نوری وزارت لشکر یافتند و میرزا نصرالله اردبیل را وزارت وظایف دادند و میرزا محمد حسین غریب  
 شد و همین میرزا بحکومت برآمد و سپهسالار خود و نواب منوچهر میرزا بحکومت کلیا پکان و خوانسار منصوب شدند و فضل  
 خان فرا باغی که بحکومت معروف بود حکمرانی مازندران یافت و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کاشان رفت و نواب  
 خانلر میرزا بحکمرانی نزد برادر کردید و اللهیارخان آصف الدوله پسر از رفتن خراسان بخفلیجان کرد تا امور ابدست  
 آورده اطمینان داده باخوانسار بن خراسان بنار الخلافه فرستاد و منوچهرخان معتمد الدوله به پیشکاری نواب فرزند  
 میرزا در فارس مستقر کردید و نواب بهرام میرزا با ایالت کرمانشاهان روان شد و محمد باقرخان فاجار سبکدریک  
 دار الخلافه شد و علیخان ولد مشایر ائمه بنیادین او یافت و محمدقلیخان بن آصف الدوله ایشیک آقاسی باشی خاص شد  
 و بعضو مشاهیر دکان را که جهال فاسد شدند با در سپهسالار و آذربایجان حرکت دادند همدر اینسال نواب شاهزاده اعظم  
 ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت هاپون ناصرالدین شاه خلد الله ملکی بر حسب امر و داده سپهسالار شاه می بود به عهد  
 دولت علیته ایران اختصاص یافتند و منشور ولایت عهد آنحضرت مرقوم کرد بدعلام این رتبه و مقام منبع از قبیل  
 انصاری و خجری و صرع و قباکیانی مکلل جوهر شاه هوار و گالیا آبدار و بازو بند و نشان شیر و خورشید خاصه غیرها  
 بایشان تفویض شد و در طهران و تبریز جشنه بزرگ در این موقع سعید که فرزند عیدان ملت و مملکت بود در  
 کال آراستگی گرفته و عموم مردم شاد بها نمودند و ابواب نشاط و انبساط از هر جهت گشودند و وزرای مختار دول  
 متخایه این امر در قدر ارضه نموده بسلاطین دول منوعه خود مطالب اعلام و اعلان نمودند و چون محمدخان  
 امیر نظام با ما را شاد آذربایجان ماه مور و مقیم شد و آصف الدوله بحکومت خراسان رفت و وزارت حاجی میرزا آقاسی  
 استقرار و استحکام یافت همدر اینسال کال آفندی اسعد افند از جانب سلطان محمود خان سلطان عثمانی  
 بلبارد و ولت علیته مامور شدند که به تهنیت و تبریک <sup>جولوس</sup> علیحضرت پادشاهی پرازند و مشارالیهما نامه محبتنامه  
 خود را با تبریکات لایقه تبلیغ نموده بعد از تجدید عهد مودت و اتحاد و استمداد مکارم ملوکانه معاودت کردند  
 همدر اینسال میرزا رضا ولد حاجی فرج الله تبریزی منصب کلانتری تبریز و مضافات یافت و حاجی فرج الله نیز در سا  
 هزار و دویست سی و نه موجودیم حضرت نایب السلطنه مغفور بهین منصب بل شده بود همدر اینسال نواب  
 ظل السلطان را از دار الخلافه بهمدان و از همدان بمرغه و از مرغه بار دبیل بردند سیف الملوک میرزا پسر نواب  
 معزی الیه را در زفر بنی فامند دادند و نواب فریدون میرزا که از آذربایجان آمده بود بطرف اشتر آباد و کرکان ما  
 شد و حسنخان سائر اصلاان و جماعه از عساکر حضرت ماثر بالترام رکاب نواب معزی الیه مامور شدند و این  
 جمله مقلقه الجیش لشکر پادشاهی بود ندچه موکبها یون در سال آئید عزیمت نینیه ترا که کرکان خواهد نمود  
 و بنا بر این قصد و نیت مقرر شد که در اول فصل بهار افواج پیاده و سوار بر کابا علی حاضر و مستعد بیکار باشند  
 همدر اینسال آقاخان محمدریس رئیس اسمعیلی بحکمرانی کرمان منصوب و روانه مقصد کردید و وفات نواب جهانشاه  
 ابن خاقان مغفور در حلت میرزا مسلم خونی از مشاهیر عرفا امرفی یا (المان) فوت فرانسوادوم امیر اطور  
 اطریش و جلوس در پنا ند اول شیرش مجامی و (فرانسوا) ایجاد سفاین تجاری بجهت حمل و نقل مال الخارجه و مسافر  
 مابین مارسپیل و اسلامبول و اسکندریه (پرتوغال) فوت شوهر ملکه و فراوجت ملکه با برادرزاده پادشاه  
 بلژیک (روس) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش (عثمانی) ایجاد طرق و شوارع و نیش و نماشاخانه  
 و تنظیمات عسکر به فرستادن سفرای مقیم باطریش و انگلیس و فرانسوا بر و طاعون و و باد مصر طلوع

سناره ذوزنبه موسوبه هالی که هر هفتاد و شش سال طلوع میکند و ایند فعه بیست و پنج است که طلوع نموده

سنه هجری

سنه ۱۱۳۴ هجری

آسیا ( ایران ) در این سال موکبها بون اعلحضرت محمد شاه چنانکه در ذیل سال قبل اشاره نمودیم مصمم بنیبه تراکه  
 کرکان کردید و در سه شنبه بیست و دوم ماه صفر باغ نکارستان نقل مکان فرمودند و در این سفر نواب فرهاد میرزا  
 ( حاجی معتمد الدوله ) هم جا باد و فوج سر باز و هزار سوار چند اول موکبها بون بودند نواب فریدون میرزا و  
 حسنجان ساری اصلان با پنج فوج سر باز و توپخانه و قورخانه در دهم ربیع الاول از راه سمنان قصد بسطام و کابلو  
 کردند و روز نوزدهم ماه فروردین و شش شهر یاری از نکارستان بطرف فیروزکوه حرکت کرد و چهل روز در همین  
 فیروزکوه اقامت فرمودند منوچهر خان معتمد الدوله که از فارس مراجعت کرده بود در این بین بر کابل اعلی پوگست  
 و فرامین بزرگان ابلات تراکه صادر شده بمحمد صالح خان کرد حمله استری ابادی داده او را بکرکان فرستادند و در  
 سیم جمادی الاولی از فیروزکوه اشتهاض فرموده پس از طی منازل نیشاه کوه رسیدند بزرگان تراکه بقبیل عشق علی  
 آمده حکمها بون شد که نواب فریدون میرزا با پنجهزار سوار جوانان فلعه ( فارسی قلعه ) کرکان رفته بکرگان  
 بیان کرد تراکه مصدرا خلاف شده بودند کوشالی بسزاد هدی پس از آن موکب معلی بخرقان بسطام تزلزل اجازت نمود روز  
 پنجم جمادی الثانیه عین کاپوش مضر بچام با احتشام مبارک کوردید از آنطرف تراکه چون داشتند نواب فریدون میرزا  
 نزدیک شده ده هزار سوار در فاریان قلعه مستعد بیکار کشند و محض وصول نواب معظم بان محال ناپره حراشغال  
 یافت تراکه بواسطه شلیکهای توپ منفرت کشته راه هریمت پیش گرفتند و بطرف ناورکج و جنوب رفتند تراکه قلعه را  
 نواب فریدون میرزا منصرف شده مراتب را محضو بها بون عرضه داشت و حکم شد آن قلعه را با خاک برابر کنند بابت  
 روز آذوقه و علوفه بکر قنه بر لب و در کرکان بار دو پادشاهی بیوندند نواب معظم بر حسب فرموده حرکت کرده  
 وارد و بها بون از فراشیخ و کتار آب کرکان بکیند تابوس و در میان طوایف کلکان آمده و بموجب امر افند عثمان  
 فاجار بیگلر بیگ استرا اباد با قصد نفر از معارف تراکه کلکان را برسم کرکان بمیر سعید الله خان فندرسکی  
 سپرده آنها را ابداء الخلافه آوردند ناگاه موکب محضو بمیرانغ فیانیل عیوث توجه فرمود تراکه عیوث راه جبل ابوالخان  
 را گرفته و کرمچندکن در عرض راه دوچار نواب فریدون میرزا که از فاریان قلعه بار دو و بها بون میآمد شدند  
 و جمعی مقبول و برخی اسپر کشته بقیه السیف خود را با بوالخان رسانیدند و بار دو پادشاهی بصرای معروف به  
 بیخ شوان توقف نمود پس از نظم این صفحات شهر بار غازی بدولت آباد اغان تشریف فرما کرد بده در اینجا عرض  
 شد که بنمایین فضلعلیمان فرا باغی و اهالی مازندران و حتنه حاصل شده و کار بکارزار کشته مازندران بنهاج  
 فضلعلی خان را در اردک سار محضو کرده اند اعلحضرتها بون فرخ خان کا مشی غفاری را که مرئی کار دان بود باصلا  
 این سار معاف فرمودند و او وفی رسید که کار بمجدال کشته و از اصلاح گذشته لهذا فضلعلی خان را ابداء الخلافه  
 فرستاد و اهالی مازندران را استمال نمود حاکم دیگر برای انبولا بنا سندن عامود لهذا حکمها بون صادر شد  
 که او خود چندی بر تق و فتق امور مازندران را از دنا بعد از وصول موکبها بون ببار الخلافه حکم مجد در این  
 باب شتر مضد و ربابد نیز از وقایع عرض انبوا آنکه جامعنی از امنای حضرت با هم هداستان شده عربضه مشتمل بر  
 سهو و خطای حلبی میرزا آقاسی محضو مبارک دادند اعلحضرت پادشاه کاراگاه بر آشفته آن عربضه با حاجی ارند  
 حاجی بزرگوار کرده برای آنکه با کسی دل بند کند عربضه را بخواند سوزانند و مطلقا چیزی را از این مقوله بر



خود بنا و در هم در این سال نواب بهرام میرزا ایالتین لرستان و عربستان را منظم نموده یعنی محمد تقیخان بختیاری را  
 که از خدمت دیوان در کردان و در معاذل جبال منواری بود استمالت کرده اطمینان داده و او عیسی خان برادر خود را  
 با جمعی برسم کردی ملتزم رکاب الامود و نواب معظم بنظم صفحات خوزستان را ندیده شیخ مذکور شیخ اعراب شیخ لام را  
 که براه شرافت و خود سری فتنه بود مغزول و شیخ نغمه را بجای او منصوب نموده بکرها نشانها مراجعت کردند و در  
 شتوال حسب الامر از کرمانستان حرکت کرده بدار الخلافه آمدند و منوچهرخان معتمدالدوله بحکومت انصحنان  
 منصوب شد و نظمی کامل در آن نواحی داد و هدایا باینسال اعلیحضرت شاهپون میرزا حسن طبیب شهنشاه را بنده هبیت تبریز  
 کاظمین علیهما السلام مامور روانه داشتند و او پنجمنه را با انجام رسانید و در اینسال نواب شاهزاده محمد علی میرزا  
 ملاک آرا بنوقف همدان مامور گردید و نواب ارشد شری میرزا بحکومت مازندران رفت و میرزا اسدالله خان نوابی بوزارت  
 او برقرار گشت و عباسقلیخان جوان شیر حاکم کاشان با شتاب مبارک احتضار شد و شاهزاده بهمن میرزای بجاء الدوله  
 بجای او بحکومت کاشان یافت سیف الله میرزا بحکومت سمنان و فتح الله میرزا بحکومت همدان و محمدخان زاهدانی امیر ثورما  
 گردیده بحکومت عراق منصوب شد و سیف الملوک میرزا بنوقف نروین مجبور گردید همدان باینسال میرزا جعفرخان  
 مشیرالدوله سفارت اسلامبول و اقامت در دربار دولت عثمانی مامور و روانه شد همدان این سال نواب فریدون  
 میرزا بفرمانفرمای فارس برقرار و میرزا محمد تقی آشتیانی طلبت بقوام الدوله بوزارتین مملکت تایلند نواب فریدون میرزا  
 بحکومت کومان منصوب گشت همدان باینسال میرزا آقاخان نوری بوزارت کل عساکر منصوبه نظام و غیر نظام و نشان  
 سرپیچ اول نایب آمد امری یا (المان) بر دزد و باد را طریش فرانسوی الی نام قصد قتل پادشاه نموده و لکن قتل  
 شده و مقبول گردید بطلاق حضرت پادشاه که اول بنای آن نایب پون اول کرده با تمام رسید لوی نایب پون برادر زاده  
 نایب پون اول دو استر از بوزگ فتنه بر پا کرده گرفتار میشود ولی او را بدون تحقیق آزاد نموده با نایب پون بجلالیه  
 جمعیت فرانسوی در اینسال شصت و هفت کردار است (عثمانی) برای آنکه طاعون میلاد عثمانی سرایت نکند ایجاد  
 فرانسین مینابند و این اول ایجاد فرانسین است در این مملکت

سنه ۱۲۳۷ هجری

سنه ۱۲۳۷ هجری

آسیا (ایران) در این سال موکبها بون اعلیحضرت محمد شاه عازم هرات شد و نواب سنطاب الافرهاد میرزا  
 (حاجی معتمدالدوله) را نایب الاقاله مامور بوقفه دار الخلافه فرمودند نواب سنطاب معظم در کتاب جام جسم  
 میفرمایند روز یکشنبه نوزدهم ربیع الثانی سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری اعلیحضرت شهریار غازی  
 بجانب هرات و ممالک مشرق زمین لشکر کشیده از طهران روانه شدند و در چهاردهم شعبان همین سال  
 عوینان فتح شد و در بیست و نهم شعبان بدور هرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و بچند علت که عمده  
 اختلاف سران سپاه بود نیز سر جان مکیل و زبیر بخنار دولت آنکلیس بجزیره داخله و زبیر بخنار روس غراف منوچ  
 در موافقان نشان را منی برانکار بنود لشکر آن شهر ممکن نشد و در نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست و پنجاه  
 و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره بمقر خلافت وارد شدند و مدت  
 شانزده ماه سفر طول کشید است

توضیح آنکه کرمان میرزا حکمران هرات که پیشتر خود را ائینه بدولت ایران میدانست و در اغلب موارد با ملایک  
 خراسان امور خود را منظم مینماید این اوقات برخلاف راه مخالف پیش گرفت و قصد لشکر سپیشنا کرد و حاکم

سپست انفضه را برض آستان ها بون رسانند پس سرداران افغانه که رودل بدین حضرت داشتند انفاض موکب را  
بجانب خراسان اسند عاگردند هر یک بکشتی و منشور سرافرازشند و قنبر علیخان مانی شمشیر که قبضه آن مکل  
بالماس بود بافتخار کندی خان برد و موکب ها بون بیاغ نکارستان نقل مکان فرمود و حاجی میرزا افاسی و تمام امر او  
ارکان دولت نیز در خارج شهر خپام کونا کون افراشتند و عساکر ایران از اطراف رود بدار الخلافه نهادند معارف  
ایمان فتح محمد خان فرستاده کاران میرزای افغان با پنجاه طایفه شمال کشر می پانزده واسه است که و عرضیه حضور  
ها بون آمد و اظهار متابعت نمود ولی درین سفر بند بلی و بیاف نواب میرزاده حمزه میرزا و حسن خان سار  
اصلان و سی هزار سواره و پیاده از پیش حرکت کردند که در نیشابور باردملحق شوند و حبیب الله خان شاهسون  
امیر توجان را حکم دادند که با شصت عراده توپ و خوار را پیش گرفته مقدمه الجیش باشد و روز یکشنبه نوزدهم  
ربیع الثانی از نکارستان انفاض فرمود پیشرف آباد نزول اجلال شد در اینجا نواب سلطان مراد میرزا را با شصت هزار  
نفر بچین کدهان عراق مامور فرمودند که بنظم آن صفحات پردازد و نواب بهرام میرزا را بکمرانی فرزند منصوب نمودند  
و طهما سبقلخان فرزند بی وزارت نواب مغزی البی بافت روز بیست ششم ربیع الثانی موکب علی وارد سمنان شد  
و سیف الله میرزا حاکم انولایت بجل مانت پراخت پس از یک هفته از سمنان حرکت کرده در دهم جمادی الاولی  
بچین نظام رسیدند و چهل روز در اینجا توقف شد و شنیدند که امیر اطور و روس بکلی بطرف نفلیس و کلینا  
غریب غوده و نامه بشهر بارغازی نوشته که اگر ما بماندند اینجا تو خبر فرمود ملاقات نمایند چون سفر هرات  
مانع فرام بود حضرت شاهنشاه زاده اعظم و بعهد و لک علیته ناصر الدین میرزا (اعلی حضرت ها بون شاهنشاه  
ناصر الدین شاه) را بملاقات علی حضرت امیر اطور و روس مامور فرمودند و حضرت و بعهد در انوقت فریب بهفت  
سال از عمر مبارکشان گذشت بود و خلاصه محمد طاهر خان و کبل فرزند بی از چین نظام بدار الخلافه مامور شد  
از نواب الافره اده پرنای نایب الا یاله بکزوج شال رضائی کشر می بیج رشته ششیج مرارید و چهارده واسه  
نرکانی بجهت هدیه امیر اطور گرفته حضرت و بعهد کردون مهدبتی برده که در رکاب الاموجه نفلیس  
کرد و محمد خان زنکنه امیر نظام و حاجی ملاحون نظام العلماء و میرزا بقنخان فراهانی وزیر نظام و علیخان  
فاجار خا حضرت و بعهد بهمال و میرزا محم حکیمباشی در رکاب حضرت مستطاب معظم بکار رود و ارس آمدند  
و هفت نر از صاحبان روس با کشته مخصوص بخدمت حضرت مستطاب و بعهد بدمهد آمده ایشانرا با همراهان  
از رود ارس عبور دادند و بلوازم تقطعات و بهمانداری پرداخته در ماه رجب با بران رسیدند و بکروز عجاز  
و در حضرت معظم با بران اعلی حضرت امیر اطور با هفت نفر از خواص خود با نیشهر رود کردند و بارون روز  
راتر حضرت و بعهد فرستاده اظهار مودت و اتحاد و مهربانی کامل نمودند و پس از مغالات مقر رشت فراسه  
ساعت از روز گذشته بارون مشارالیه بخدمت حضرت و بعهد آید که بحضور امیر اطور معظم روند و روز  
یکم کالسکه مخصوص آورده حضرت و بعهد را دران نشاندند خود با امیر نظام و سایر همراهان بحضور اعلی حضرت  
امیر اطور رفتند و اعلی حضرت معظم زپاده از حد با حضرت و بعهد مهربانی و ملاحظت نموده و انگشتری الماس  
کرا بنها بیکه صورت امیر اطور در آن نقش بود بدست خود با انگشتمبارک حضرت معظم نمودند و امیر نظام همراهان  
حضرت را معترف کرد پس مجاوران لایقه و سئوالان اعلی حضرت امیر اطور و اجوبه منینه حضرت و بعهد که هم  
مستوجه بچند و موجب تحسین کامل کرد بدین اجبت فرمودند و هدایا و نامه مودت علامه اعلی حضرت شهر بارانرا

تقدیم نمودند و از رزود و دبا بر وان تار و زخروج و بازگشت همش و ز طول کشید و اعلم حضرت امیر طوق  
هر یک از همتها حضرت معظم و لبهده را بعبه شایان درجه انحصار از دویس از رزود بتر بن جقه مکمل الماس  
بریلان و نشان عقاب که مخصوص سلاطین است بدای حضرت و لبهده را سال داشتند و پس از وصول این اخبار و  
هابون شهر بارغازی راه هرات پیش گرفتند و اللهبار خان آصف الدوله را از ارض اقدس بر کباب علی احضار فرمودند  
هدایت آن اللهقلیخان توره جمعی از تراکه کلان را بوعده و عهد بخوارزم طلبید و بعضی را بکوچا پندن آنها  
فرستاد بخلفه خان شاد لو باد سنه از سواران جرار با شرداد تراکه مزبوره رفته خوارزم بهار شکست داده پند  
خانوار از کلان را گرفتند به بوزخج برده سکنه داد و آصف الدوله بر کباب مبارک پیوست و بجهت لشکر خراسان  
مامور شده بارض اقدس بازگشت و اردو هابون در بیستم چهارم التائنه از چمن بسطام حرکت کرده بخیر آباد و منربان  
و سبزوارد و جید الله خان شاهسون امیر توچانه در اینجا بر کباب علی پیوست و نیجان ننگانی نیز با فوج  
و فریب و ننگان در رسید و کلکته سرجام آمدند آصف الدوله با چهار عراده نوپ چهارده هزار نفر بنظم  
بادغیسات مامور شد و در منزل قدمگاه حاجی میرزا آقاسی جمعی از اعیان رخصت پارت یافتند و پس از پند این  
شرف بارد و معالی پیوستند و موکبا علی و زبسته هشتم رجب بربت شیخ جام رسید و از محمود آباد و کوسوی  
و کنار هری و د بغور بان رانند و زور و بغور بان سواران بشر محمد خان برادر بار محمد خان که در آنجا سرحد  
بود از غور بان بیرون آمده با محمد خان امیر تومان تلاک کرده شکست خوردند و زهفتم شعبان حوالی غور بان معسکر  
شهر بار فضا توان کرد بد و حکم بتبخیر قلعه دادند و روز چهاردهم ماه فروردین غور بان مفتوح شده بشر محمد خان  
با اکبر افغانه بمحض مبارک آمدند و میرزا اسد الله خان قاضی بخراسان این قلعه و ناحیه مامور شد و موکبا علی  
در بیست و دوم شعبان بظاهر هرات نزول فرمود و شروع محاصره کردند شمس الدین خان افغان بر کباب مبارک آمده  
در سلاک ملازمان منساک کرد بد و زیارت هم رمضان بار محمد خان افغان بر فراز برج آمده اظهار اطاعت کرد  
و عزیر خان سرهنگ مکری داخل هرات شده با کامران میرزا گفتگو نمود و عرضیه از او بحضور هابون آورد ولی  
مبنای سخن بر دروغ و نر و پر بود و اینمغه معلوم شده باز ناره قتال اشتغال یافت کامران میرزا پس خود نادر میرزا  
را نزد اللهقلیخان خوارزمی فرستاده از او و خوانین میمنه هزاره استمداد کرد اللهقلیخان هزار و پانصد سوار  
بجلیفه عبدالرحمن که مردم آن صفحات با و ارادت داشتند با و اجمع کرده و او نیز در مضرا بجان والی میمنه رفته  
شش هزار سوار از میمنه و اند خود و بشرغان فراهم کرده فضل امداد کامران میرزا نمود بشر محمد خان هزاره نیز  
چهار هزار نفر نزد عبدالرحمن فرستاد و او مهلبای جنگ شد آصف الدوله که بطرف بادغیسات رفته بود  
در آنجا و جنگها کرده در هر یک غلبه نمود و ملا عبدالحق پیشک در هرات بمسجد رفته پس از وعظ با سم چهارم  
میخ شد و جمعی جمع شده از دروازه خوش بیرون آمده که بار دو هابون حمله نمایند فراوان محمد خان امیر تومان  
با آنها خورده بجدال پرداخت و علمج خان کرد بچید را بنوا فغه مقبول شد و محمد خان پسرش بجای او بر قرار  
کرد بد با کله همد و زه در خارج و داخل هرات جنگ در کار بود و ذبل قضیه طولانی گردیده و چنانکه پیشتر عاق  
بنام شد این بود که باطن امرا با هم مخالفت هم رسانیدند و علی رغم بیکر بیکر کار میکردند همد را بسال خسرو  
خان کورجی حاکم اصفهان چون چند نفره شفاعت علمای شهر را قبول نمود مردم بر او بشور پندند و او را در عا  
هفت دست محصور کردند فرخ خان کاشی غفاری بتقیق ماجری مامور اصفهان شد و معلوم کرد که فیا این

اهالی و خسر و خان اصلاح نمیشود لهذا خسر و خان بدر بارها پون اخضا شد و فرخ خان چهار ماه بامو و کاپی  
 رسیده که میکردنا فضلعلیخان فراباغی بحکومت اصفهان منصوب شد و فرخ خان حسب الامر بعضی ظرف و ادوات  
 مرتفع تمام نموده روانه هرات شد و در ظاهر هرات بجنوب هاپون مشرف گشت و همراهِ اجواد که در وزارت  
 اصفهان و منال دیوان دخلی داشتند بر ضد حکومت بود فضلعلیخان او را نابود کرد و نواب مؤبدالدوله طمان  
 میرزا حاکم همدان اخضا شده هرات رفت همدان سال فغان آقا با و در توپخانه بسیر هکنه توپخانه نابل آمد  
 همدان بیست سال شاهزادگان که در قلعه اردبیل مامور بنیافت بودند نفعی از قلعه اردبیل نخبند و خارج شهر  
 بواسطه حقاری احداث کرده رکن الدوله علیبن میرزا و پیرش نصرالله میرزا و ظل السلطان و امام پوری میرزا  
 از آن نفع خارج شده خود را بخاک روس رسانیدند ولی از حمایت امپراطور مایوس گشته با سلا مپور رفتند و  
 از آنجا بعضی عالیجات آمدند و حملات افکنند همدان بیست سال حسینیان مقدم اجود ابنا متی مامور با سلا مپور پاریس  
 شد و نواب اردشیر میرزای حکمران مازندران بر حسب امر اعلی بنا د پیناث نام ترکان از جلوف جعفری بای کرد  
 جزیره چرکن در دریای خزر محاذی باد کوه بفساد و شرارت اشتغال داشتند و آن شد همدان بیست سال بند  
 محقره را بحکم علیرضا پاشا والی بغداد خراب کردند و بدین واسطه میرزا تقیخان روانه از نژاد مردم شد و شرح  
 آن بیاید برین طاعون در آذربایجان ارسف یا (انگلین) فون گلیوم چهارم پادشاه انگلیس و جلوسن برادر  
 زاده اش و یکنویای اول در سن نوزده سالگی (المان) بعد از فون گلیوم چهارم پادشاه انگلیس که سلطنت  
 هانور را در المان گذاشت و کد کومیرا ندیسر ژرژ سیم عوسوبه ارنست کوسنگه اول پادشاهی هانور را  
 میکرد بسلطنت منقله هانور شناخته شد (بلژیک) ایجاد چند شعبه راه آهن (دانمارک) شکجه که از  
 طرف دولت بمقتضی برین هیشده موقوف و منور کشت (اسپانیول) شورشون کارلس که ادعای سلطنت باد  
 و فثون کشته او نا حوالی پای تخت شکست خوردن او (فرانسه) فتح شهر قسطنطین در انجرا بر مسافرت دولت  
 داود و نابل بقطب جنوب ایجاد تلگراف و قوه برقیه بوضع حالیه (ایتالیا) بر روز و بای خلی تخت و سیسیل  
 (روس) فون پو شکیکن شاعر معروف (عثمانی) سیاحت سلطانی خود خان سلطان عثمانی در ایالت داخله  
 خود امریکا (اتاقوف) مارتن وان بورن بر با ست جهود بر فرار میکرد

و میر محمد صادق خان در یک  
 نشان عکال بالاسراده  
 او سر هکنه نابل آمد

۱۳۱۱ مسیحی

۱۲۵۱ هجری

آسیا (ایران) در اول ایستال هرات در بند محاصره بود و منور مکیئل و ذیر مختار انگلیس که از فتود کار هرات  
 خبردار شده و از دار الخلافه حرکت کرده باره و هاپون رسید و اجازت خواسته اخل هرات شد که کامران  
 میرزا را اطمینان داده بجنوب مبارک آورد ولی برعکس نمود و تعهد کرد که اردو هاپون را از ظاهر هرات حرکت  
 وزیر مختار روس عرفان منور و میچ پتزه روز بعد از وزیر مختار انگلیس از دار الخلافه حرکت کرده باره و وی  
 پیوسته در این ایام چند توپ قلعه کوب با مس رارد و در نخبند و بر بالای باستیای نهار بردند و کار محاصره  
 سخت تر شد و محط و غلا در هرات مزید بر سایر صدمات گردید و خلفی از شهر خارج شده باره و آمدند  
 و با امر اعلی آنها غدا اول با سر دادند همدان این اوان میرزا علیبن منشی فراهانی کابناسرا چون بعضی راهای  
 آشکار کرده بود سیاست شد و عرضیه ار کامران میرزا بجنوب هاپون رسیده که در افتتاح ان ابن بیب نوشنه  
 شده بود (ای باغبان چوباغ زمرغان قهی کت) کادی بهری بلان کهن آشیان مدار) و در ضمن عرضیه اطمینان

خواجه حاجی عبدالحمید خلایق با سنمالت او بهرات رفت اما در زهر مختار انگلیس غلبه بر هرات را اسباب خنثی کردن  
هندوستان دانسته در معاودت موکب منصوب دار الخلافه ابرامی آشفته داد بنیسان در پنجم ماه صفر فرستادگان  
مؤیدخان و ابراهیم خان فرزند کوهی با عرضیه پیشکش بجزو مبارک آمده اظهار عجب و شکر کردند و مورد مرام  
پادشاه که در زندهدارین او ان قنبر علیخان که بقندهار مامور شده بود بازگشت شاه پسند خان از طوایف  
افغان اسمو رائی در قلعه کاش جوین و شاه پسند خان سبستان را در علیخان بد و پیوستند و بار دوکها پون  
آمده خود الطاف پادشاه کردیدند و حلا داد خان نیز از جانب هندوستان باد و زنجیر بند و عرضیه بد مبارک  
آمده عرضیه اش که اسد عمای هندل خان ابن است که با مر اعلی لشکر قندهار را کوچ داده بجزو هاپون ابد علی  
افغان محمد شاه در جواب فرمودند اکنون بلشکر قندهار حاجت نیست اگر هندل خان مهتای خدمت است بالشر  
بر سر جلال الدین میرزا اسپر که مران میرزا که در فراه و اسفراز حکومت دارد برود و او را مقهور سازد نیز در او آخر  
اینسال محمد عمر خان ابن کیند خان با چهار هزار سوار بر کابل آمد و بعد از مراجعت هرات نیز بدار الخلافه آمده  
سالی پیش از نومان مقرری یافت بالجمله محمد عمر خان حسیب مر بفره و اسفراز رفتند جلال الدین میرزا را  
ساخته و کارها و هرات سخت شد و لشکر بان نیز از طول مدت بسبب آمدند و اطراف شهر را تا بیست فرسنگ  
خواب کردند و وزیر مختار انگلیس در فراهم آوردن موجبات غللساعی بود نا خاطر مبارک از او مکر شده و بدین  
و اسطر راه دار الخلافه را پیش گرفت و در عرضیه حکم با و رسید که ناپی و وانه هرات کند و خود بلند حاضر شود  
وزیر مختار اسد دت ناپی خود را بهرات فرستاد و خود روانه لندن شد و عساکر منصوبه شهر را کلوله باران کردند  
همدین او ان اسکندر خان از سران سپاه هرات بر داشتند بعد از دو روز در گذشت و در پورش روز هشتم جاری  
اولی که نیمی از دیوار حصا هرات را کلوله توپ خراب کرد و لجان ننگا بنی که در این پورش پیشتر بود و علم خود را  
بشیر حاجی سیم رسانیده نصب کرد بجهت رسانیدن امداد بسنگر خود بازگشت چون از خندق بگذشت کلوله توپ  
سرا و آید و درجه شهادت یافت و بر و سکی صاحب امیر زندگان لهستان که در خدمت دولت علیه بود بزخم کلوله  
هلاک شد و سر خوش خان نیز زخم کلوله یافت و اگر بعضی دسته جان مساهله نمینمودند در این پورش شهر مستحضر  
شده بود عساکر ظفر مآثر با اشاره علیه مهتای پورش بگر شدند و منقبیل گردیدند که در این حمله شهر را مستحضر نمایند اما  
ابرام امان و کارگزاران دولت انگلیس در معاودت موکب اعلی ز یاد شدند بلکه سفاین جنگی آندولت بسوا اهل و بنادر عا  
آمد و بالقر احد اظهار نمودند که چون فتح فستون ابران هرات را اسباب اختلال حکومت انگلیس در هندوستان است  
اگر از آن درگذرند موکب میل بجزو مکرر د اعلی حضرت هاپون شهر بارغازی بنا بر رعایت دوستی دولت انگلیس  
حکم بازگشت اردو معلی فرمودند و در نوزدهم جاری الاخره از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان وارد  
دار الخلافه شدند محمد علیخان ابن آصف الدوله و جعفر قلیخان شادلو با شش هزار نفر بضبط غوربان بماندند  
امیر اسد الله خان بقاین و تون و طلیس رفت محمد عمر خان و شمس الدین خان افغان در کابل اعلی بدار الخلافه آمد  
و نواب سلطان مراد میرزا که بنو ف عراق مامور بود و پس از نظم اخذ و از بختاری و عراق و عربستان بشوشن  
و کوه کیلو به فارس آمده با برادر و الا هر خود فریدون میرزای فرمانفرمایانان کرده و از آنجا راه دار الخلافه را  
پیش گرفته قبل از وصول موکب هاپون بدار الخلافه در راه سمنان بار دو معلی بیوسته عراق سمنو و چ اپلی  
دوسه مقیم دار الخلافه بملک دوس بازگشت و حامل صاحب با هدا یا بجای او آمد و موکب پادشاهی نیز ببار حضرت

مقصود

امیر دیوان

معصوم سلام الله علیها انهاض فرمود و شاهزادگان از اطراف بقبیل عینه علیه آمدند و قنبر علیخان مامور  
 بغداد شد که خسارت محرم را از پاشای بغداد مطالبه نماید چون قنبر اینها را شہراز و توقچیان که در این شهر  
 بودند نزاع در گرفت و ماده فساد غلظت یافت میرزا بنی خان بفارس و رفع انقباضه مامور شد و رضا فلجان  
 الشعر و مختص همدان از شہراز بدربار معلی آید تریب شہزاده عباس میرزا بر عهد کفایت در ایت و موکول  
 شد همدان و ان نواب منوچهر میرزا وفات نمود و میرزا رضای میرزا آقا سع مامور خوارزم شد و میرزا مسعود  
 وزیر مامور خارجه بغوربان رفت و نواب یمن میرزا یسار الدوله بحکومت نزد منصوب شد و فرخ سیر میرزا بکلیا بکلیا و خوا  
 روانه کشت همدان پس چون عبد الله پاشای بابان احکام حکام کرد سنان را پیر وی میبکند و کسان او در آن  
 نواحی فتنه و فساد میکردند برضا فلجان والی کرد سنان حکم شد و را کوشالی دهد و محمود پاشا را که بسکک باند  
 ابدایت داشت تقویت نموده بجای عبد الله پاشا متمکن سازد رضا فلجان بالشکر کرد سنان بجانب شہرزور  
 کرد اما از آنجا بکله او جوانی طرف عیاش بود در هر چینی انجمنی آراست جامی خواست از انطرف عبد الله پاشا  
 که از کار حرف خبردار بود با سپاهی جرار و هشت عراده توپ سرعت والی را استقبال کرد و بچرخ در دره کین نمود  
 شد در هنگامیکه والی سرخوش بود و سران سپاهش هر یک بچو در کوشه غنوده از کمینگاه بیرون ناخ و تک  
 در انداخت و جمعی را با کوله توپ هلاک نمود والی و سپاهش در اگذاشته بر فتنه و اموال آنها را عبد الله پاشا  
 نصاب کرده بشهر نورد باز کشت همدان پس ان شرار و الواط اصفهان بنای شرارت را گذاشته شهبان  
 مسمولین و تجار فتنه نهادند قتل از آنها در یافت و جو و نفوذ کرده بمصارف لهور و لعب خود پرمایند بنا بر  
 این منوچهر خان معتمد الدوله بحکومت اصفهان منصوب شد که دفع شرار نماید همدان پس سلطان عثمانی  
 برای آنکه مسئله محرمه اسباب نغارد و لنین بران و عثمانی نکرده از امپراطور روس خواهش نمود که باصلاح ذوالین  
 پرنانند امپراطور معظم نامه با علی حضرت شہزاده غازی نکاشند در این باب توسطی کردند و قورث صاحب خاملضا  
 آن نامه را بحضور مبارک اقبال داشتند مقرر شد و زرای مختار و سفرای مقیم دار الخلافه مجلس معتمد ساختن  
 این مسئله پر از ندهد این وان عرضیه امام مسقط با پیشکش بدربار معلی موصوف شد همدان پس میرزا  
 ابوالقاسم ابن میرزا محمد تقی منشی الممالک کرد بد امر یا (المان) کلیسای شهر کلن که در هزار و چهل و هشت  
 مسیحی بنا شده و نامام مانده در انیسال مجددا شروع بساختن آن مینماید ایجاد چند شعبه راه آهن (انگلیس)  
 کانادا از منصرفات انگلیس در بنی عثمانی شورش مینماید تا ج کلداری ملکه انگلیس در بیست و هشتم ژون  
 انگلیس در اسپانیا روس فایت و هم چشمه مینماید (اسپانیا) منازعه مابین عساکر دولت و دن کارلس برقرار  
 (فرانس) فوت نالبراندانا عاظم رجال تولد گنت دیار پس و لعهده منازعه فرانس با مکرک (پرتوغال) تولد  
 سری که ولعهده دولت خواهد شد (روس) ایجاد راه آهن از پترزبورغ بمسکو مسافرت امپراطور روس بالمان  
 عثمانی محل علی پاشای مصر و لایب مصر را بطور ارت نسلاً بعد نسل میطلبند همچنین شامات را چون سلطان  
 عثمانی فوت نمیکند مسم حک ملبش و ولی عبد الله انگلیس و فرانس جنگ واقع شده بتبعی سلطان را میکند مسافرت  
 رشید پاشا بلندن امریکا (پنک د بنای جنوب) جنگ قنبر بین شیله و پرو

۱۳۹ سنه امسی

سنه ۱۲۵۵ هجری

آسیا (ایران) بعضی از مورخین در ذیل شرح سال قبل نوشته اند موکبها چون اعلی حضرت شهر بارغانی محمد شاه

اجانب

باجا عتی از خواص لشکر بان غریب اصفها فرمود تا ملازمان حضرت بند بر اشرار واجامه این ولاست پر از زندان و  
 رامصفی سازند و پس از وصول بکاشان الواط انی شهر را گرفته با ستر اباد فرستادند و روز بیست و پنجم در بجه وارد  
 اصفها شده نصرالله خان کیشکی باشی را بکر فتن اشرار فرمودند و یکصد و پنجاه نفر از مردم شریک گرفتار شدند  
 شدند و بعضی از آنها را بار بیل بردند و اهل اصفها آسوده شدند نگارنده گوید در مسافرت اعلیحضرت شهر با  
 باصفها با این فصل حرتی نیستی که در سال قبل بلکه سفرها بون در این سال بود چنانکه نواب سنطاب والا  
 حاجی معین الدوله فرهاد میرزا در جام جم میفرمایند در چهاردهم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری باصفها  
 لشرف فرما شدند و در روز جمعه هشتم رجب سنه هزار و دویست و پنجاه و شش هجری مراجعت فرمودند  
 بالجملة در این سفر نیز نواب سنطاب الافزهاد میرزا حاجی معین الدوله نایب الایالات در دار الخلافه طهران بمهام ملکه  
 اشتغال داشتند همدانین سال نصرالله خان کیشکی باشی حکمرانی فارس منصوب و برادرش میرزا محمد خان کیشکی  
 باشی شد و میرزایی خان را از فارس اخضا فرمودند همدانین سال حسنخان اجودا باشی که سفارت پارسی فرستاد  
 با چند نفر از صاحب منصبان فرانسه مخصوصاً مبارک مشرف شد و نامه پادشاه فراد که مشعر بر اظهار مودت اتحاد بنویسند  
 نمود همدانین سال در بیست و هشتم رجب نصرالله خان حکمران فارس درگذشت و نواب الاحاجی معین الدوله فرهاد میرزا  
 حکمرانی فارس منصوب شدند و میرزا فضل الله علی آبادی نصیر الملک لقب یافته بوزارت نواب معظم برقرار گشت نگارنده  
 گوید اینوا فخر را مورخین در سواخ این سال ثبت نموده اند ولی حق اینست فون نصرالله خان و حکمرانی نواب والا حاجی  
 معین الدوله بفارس از وفایع سال هزار و دویست و پنجاه و شش هجری است خلاصه بعد از آنکه نواب سنطاب معظم  
 بخارسر رفتند آنصفحات را نظمی کامل دادند و از آنجا که میرزا قوام الدین برادر میرزا منصور خان حاکم کوهکیلو پسر  
 حاضر شدن بدر بارها بون و ادای منال دپوانی نهادن داشت منصور خان سر نپس فرهاانی را باده عراده توپ دو  
 فوج سران بنظم بهبهان فرستادند میرزا قوام الدین فرار کرده نزد منوچهر خان معین الدوله رفت و او را شفیع و  
 حامی خود ساخت همدانین و آن نواب خانلر میرزا از کرمان اخضا شده و فضلعلی خان حکومت ابنولایت یافت  
 همدانین سال آقاخان محلاتی بن شاه خلیل الله رئیس طایفه اسمعیلیه که سابقاً بمکرمین شده بود اطمینانی یافته  
 بدار الخلافه آمد و در حضر نعبدا العظم اعتکاف جست و بنابر سیادت عمائم سبزی بر سر نهاد حاجی میرزا آقا  
 حاجی عبدالحمید محلاتی را نیز او پر مقدمه فرستاده که آقاخان را کاملاً اطمینان داده بدار الخلافه آورد اگر چه آقا  
 خان بجهت آنکه حاجی عبدالحمید سابقاً از رعایا و اجزای او بوده از اینبغی استنکاف داشت که بواسطه او بدار  
 الخلافه آید ولی ناچار تمکین نموده با عمائم سبزی مخصوصاً حاجی میرزا آقا سی آمد و بشفاعت او معفو و مرخص شد چنانچه  
 خود رفت پس از چند روز از خاکبای مبارک اجازت خواست که با اهل و عیال بوزارت مکرمه معظم زادها الله تعالی شرفا  
 مشرف شود و پس از حصول اجازه اهل و عیال و احوال و اطفال خود را از راه بغداد بعینات عالیات روانه داشت و  
 باتباع اسمعیماعری و غیره پرداخت و در مدت دو سه ماه تقریباً پانصد اسب معری تحصیل کرد و در هر جا سوار  
 دلبری سراغ داشت را بسند و وجه فریخته و در خود جمع نمود و در اوایل رجب با ملازمان و برادران خود بجانب  
 کرمان روان شد چه هوا خنواهان و مریدها او که از جمله عطاء الهی بودند که داخل در طریقه اسمعیلیه شده در  
 صفحات شهر بابک و آخند و بودند خلاصه برای تسهیل مرام آقاخان فرمانی مجموعی تمام کرد با اینصورت که ما آقاخان را  
 حکومت کرمان دادیم اهل کرمان باید اطاعت او کنند و نوشتنهای بر طبق آن فرمان با هالی کرمان نوشتند اظهار داشت

گفت

که من رخصت بارت مکه خواسته بودم در بین راه حکم حکومت کرمان بمن رسید از نظر و چون خبر حرکت آقاخان بخانه  
 بجانب کرمان بافغانی دولت علیه معروض شد احکام بیها الدوله همین میرزا حکمران برود دفع و رد او صادر شد <sup>چنین</sup>  
 تفصیل را بفضل علیخان فراباغی حا که کرمان مرفوم داشتند اما آقاخان چون بخارج شهر بمن رسید <sup>بسیار</sup> با حبیب الله <sup>توسله</sup>  
 خود را با احکام مجعوله نزد نواب جهان الدوله فرستاد نواب معزی چون هنوز بخر بود فرمان داد منزله در شهر برای آقاخان  
 مهیا نمایند و چند نفر را معین کرد که روز بانهزدهم باستقبال او روند ولی آقاخان وارد شهر نشد و معتد شد  
 باینکه مشغول اخذ زکوة جماعت عطاء اللہی هشتم و راه کرمان پیش گرفت و احکام دفع و منع او بیها الدوله رسید  
 نواب معزی البته با جماعتی آقاخان را تعاقب نمود ولی با و نرسیده بهر بازگشت آقاخان بنواحی کرمان رسید و نوشجان  
 مجعوله خود را بر دم نمود و در زدیگر اخبار صحیحه شیوع یافت کارکنان آن دولت بفرمان آقاخان افتادند چنانکه  
 شرح آن بیاید هر راین سال که نیکان افغان و مهر کجانب برادرش که بطهران آمده و بحکم اعلیحضرت شهریار غازی  
 در شهر بایک منوقف بودند و حکومت آن بلد در اختیار آنها بنا بر نزاعی که میان این آنها و اهالی شهر بایک در گرفتار  
 محل علی که صدای شهر بایک و سه چهار هزار نفر از طایفه عطاء اللہی و مردم شهر و فرا افاغنه را محصور نمودند و فرمان این  
 حال آقاخان در رسید و بنوا فخر را از بناج اقبال خود دانست و چنان پنداشت که بعد از لشکر آقاخان شهر بایک و نواح  
 اموال و اقبال که نیکان و الی فندها و کسان او فتح کرمان و جذب قلب اهالی آسانتر خواهد بود بنا بر این در محاصره  
 افاغنه تا کیدات نمود و برادر خود محم بافرخان را بسیرجان فرستاد و در قلعه زبدا بجای گرفت و در این اوان آقا  
 با الحلافة بفضل علیخان رسید و با جماعتی فضا آقاخان کرد و ابتدا بر سر محمد باقرخان تا حث محمد باقرخان از آقاخان  
 استمداد نمود و او با جماعتی بن پدا باد آمد ولی الوصول بجلک پرداخت و شکست خورد و با احمد و لار که بخت فضل علی  
 خان بشهر بایک آمده آنجا را منظم ساخت و شنید که آقاخان بطرف اسفند فیه و جبرفت ناخنده و در آنجا جمع از وقته  
 اصراری کامل دارد محض استحضار بفضل علیخان سواران خود را برداشته بد آنطرف شناخت و سه فوج سرباز و دو  
 عراده توپ نیز از کرمان بخواست و را بنوقت معلوم شد که آقاخان از اسفند فیه بکر سپهر رفته فضل علیخان مصحف  
 ندید که شهر را رها و او را تعاقب کند لهذا بکرمان آمد و در این اوقات میرزا رضای مهران آفاسی که بخوارزم رفته بود  
 با فرستاده اللہ علیخان او بیک جنونی که انا نیاز محرم نام داشت و چند اسب پیشکشید بدار اعلی آمد و موکب شهریار  
 منصور غازی از راه خوانسار و کلیپکان بنها و ندرت رفتند که آقاخان از آنجا بگردان نزول اجلال فرمودند و مردم  
 کلیپکان از حکومت نیر الدوله فرسخ سپهر میرزا شکایتی داشتند با و همیت بنسبت گفتند فضل علیخان را در بنا بر این بمشغله  
 خان باحضار او رفته و او در فرزند بن بر کابا علی پیوست و معلوم شد که آنچه با و نسبت داده اند محض گمان بوده است  
 پس از مطلب نیر الدوله مشمول الطاف پادشاهی کرد بد هدایت او آن فرسخ خان غفاری که از منازل عمر ز راه اصفهان  
 بتقصو حال امان الله خان افشار وزیر کیلان رفته بود معلوم نمود که مشارا البته بجهت اظهار قدس و تقوی حرکت  
 میکنند که اسباب سحر بر مردم و عدم پیشرفت عمل و ذوات و خدمت دیوانست مراتب را بنوا سطره عرضه معروض  
 آستان مبارک داشتند اعلیحضرت همایون بجهت میرزا که کیلان را با امان الله خان وزیر بحضور مبارک احضار فرمودند  
 و مقرر شد فرسخ خان بر توفیق و توفیق امور کیلان و رسید که بعمل مایا شپردازد و بجهت میرزا بوزارت محمد امین خان  
 نسفی بانوشی کیلان رفت و فرسخ خان این رسیدگی با مور آنوکلاست دستور العمل محمد امین خان داده بعد از هشت  
 ماه بر کابا علی پیوست و بعد از ورود موکب همایون ببلخ اختلاف با همزهجهت نیک میرزا و جلال الدین میرزا سپهران کلمه



میرزا حکمران هران بقصد ملازمت آستان اقدس بحضور مبارک آمدند و مورد الطاف کامله گردیده منزل و رابطه  
 وانعام لایق در باره آنها بند و دل شد همدان او ان سلیمان خان امیر تومان کبلانی که حکومت همنسه است مغزول  
 و نواب هزمه میرزا بجای او منصوب گشت و چون سابقا از جانب دولت عثمانی عبدالرزاق افندی با ملا عبدالعزیز  
 کاشانی بجهت گذراندن امور سرحلات متصله خاصه قضیه محرمه بر کابلهایون آمده بودند و این او ان اذن  
 مراجعت یافته بجانب بغداد در فستد و در باب آمد و شد تجارت و رفع احوال عساکر و مامورین عثمانی با آنها  
 تا کیدات شد نیز از وقایع ایسال آنکه دولت انگلیس شیخ الملک بن تیمور شاه را تقویت کرده با بلیس شهر ارکسان  
 راه پنجاب پیشاور و بطور جنوب هندها فرستادند و لرد سروپم مکانش را وزیر او قرار دادند و گهند لجان و  
 و برادرانش مهرد لجان و رحمد لجان چون دانستند که در قندهار محصور خواهند شد چنانکه پیش اشاره کردیم  
 اهل و عیال خود را با یا نصد سوار برداشته بدربار شهر بارغانی آمدند و در ماه رمضان ایسال وارد طهران شد  
 شهر را بیک کرمان و هرات و مر و س فار س که متصل بیکدیگر میباشند بسپوغال آنها مرتب شده سه سال در آنجا بودند  
 تا لشکر انگلیس با فغانستان شکست خورده برگشتند و گندل خان مرتضی شده در ماه ذی قعد هزار و دوست  
 و پنجاه و هشت هجری بقندهار شناختند و قات نواب کرمان میرزا در نبر نبر او با (انگلین) بهانه کمک والی  
 افغانستان فسون انگلیس ملکت سندا منصرف شده و بعد قندهار و کابل و غزنی را مستخر میناید مخصوصه با چین که  
 بیست هزار صندوق و تر باک را بدربار میرزا نند شهر عدن در عربستان بهانه غیر موثری بنصرف انگلیس در مبادی  
 (دانا و ک) فون فیر در یک ششم پادشاه و جلوس کر سنیان هشتم بجای او (فرانس) زلزله سخت در جزایر  
 مار تینیک قنوجان در الجزایر مصاحبه با مکنز یک اختراع عکس انداختن در صحنه نقره که مخترع موسوی به ذکر میاید  
 (روس) فسون کشتی انید و لک در فغانز بر سر شورشیان اعلان جنگ بخوبه (عثمانی) منازعه عثمانی با مصر  
 ابراهیم پاشا در نصیب چافظ پاشا سر دار عثمانی را شکست میدهد و قات سلطان محمود خان و جلوس در پیش  
 سلطان عبدالحمید خان در شانزده سالگی بجای او

سده ۱۸۴۰ مسیحی

سده ۱۲۰۰ هجری

اسیاد ایران در اوایل این سال فضلعلی خان حاکم کرمان عریضه بدربار معالی فرستاده لشکری برای تقویت  
 خود در دفع آقاخان محلاتی اسند عانود امنای دولت علیه حیدر الله خان امیر تویچانرا با پیاده و سواره و توپ  
 خانیز و این کرمان نمودند و قبل از ورود او بکرمان آقاخان اسنداد بهم بینه قصد سخن کرمان کرد فضلعلی  
 خان سرنیپ باد و فوج ملا بر و توپس کانی و دو عراده توپ جلو آقاخان فرستاد و ولیم خان سرنیپ فنیکی  
 کرمانی نیز از بقای او حرکت کرد اسفند پارخان برادر فضلعلی خان در دشت آب با آقاخان تلاه کرده مقبول  
 جنگ شد اسفند پارخان مقبول گشته جمعیت و مفرق کرد پند و فوراً آقاخان حله بر عبداللہ نمود عبداللہ  
 خان در قلعه بزجان محصور شد آقاخان از او در گذشت بطرف ولیم خان ناخت و در حله اول همراهان او  
 شکست داده خود او را دستگیر کرد و در قلعه مشرف فرستاد کرمان فرود آمد و هر روزه کاغذ و پیغام او  
 با عیال شهر می رسید و در اعوای آقا حیدر داشت و اصوار میگرد که فضلعلی خان را گرفته نزد من فرستید مفارن  
 احوال امیر تویچان در رسید و بر سر آقاخان رفت و جنگ بنمایین در گرفت و بعد از کشتن و کوشش لشکر آقاخان هزمه  
 گشته باز بقلعه مشرف آمد امیر تویچان وارد شهر کرمان شد با فضلعلی خان منتم شدند که بقلع ماده فرستاد آقاخان

پره از نفاقا خان دانست که از عهد آنها بر نمآید و در قلعه مشرف مخصوص خواهد شد از قلعه بیرون آمده راه نیم  
 نرماشیر پیش گرفت فضلعلی خان او را غافل کرده در سرحد بلوچستان در رضله و سوسوهر پکان باور رسید تا پاره  
 قتال باز اشتغال یافت و لشکر آقاخان هر بیست پانته خود او از راه بیابان بگذرهار و از اینجا به هندوستان رفت و  
 در اینجا متکثر شد همدان بن سال پنجاهین ایلان قشقائی و قبایل الوار و ممسنی در فارس نزاع و آشوب در گرفت نواب  
 والا فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) میرزا افضل الله نصیر الملک را در شیراز گذاشته بطرف قبا بل ممسنی رفتند و معا  
 و اماکن آنها را با خاک یکسان کردند و قلعه طوس و قلعه نوزدر را خراب نمودند و از قبایل الوار که در کان بگرفتند و علی  
 خان برادر خان علیخان رشم را که در فهلپان مرتع و مسکن داشت و خرد مفسد بود با چند نفر دیگر که آنها نیز از لشکر  
 بودند سپاس کردند خان علیخان رشم بزرگ طایفه خانیف باغی شده بمآهورد مهلائی که متصل بمجد و دیگو هیکو بود  
 جائی صعب المسلك است رفت نواب معظم شکر الله خان نوری را که در آنصفحات معرفت بود برای نظم آنجا و در پهلپان  
 شهر کو هیکو به منوفاخت ساختن تمام رؤسای ایلان کرکان گرفته باو سپردند که روانه شیراز دارد و میرزا کوچک  
 باور توپخانه را با توپ و سر بازر در ممسنی گذاشته حکومت دادند و خود با جمعیه از راه خشت کارج بطرف بو شهر  
 آنصفحات را منظم فرموده در ماه ربیع الاول سنه هزار و دو و بیست پنجاه و هفت وارد شهر شیراز گردیدند و در آنجا  
 خدمت آنکه در این مملکت نمودند با عطای نشان عثمانی علیحضرت هاپون محمد شاه مفر کشتند همدان بن سال پنجاه  
 برادر یار محمدخان وزیر هرات از جانب کرمان میرزا با پیشکش و هدایا بیدار آنخلافت آمد و معلوم شد که افغانه از  
 سلوک انگلیس کمال گرفته بهم رسانیده و پشیمان گشته اند که چرا اطاعت شهریار را بر آن ننموده لهذا سکه بنام هما  
 زده اند و خطبه را نیز باسم مبارک میخوانند و برخود مخرم نموده که طریقه انقیاد را نسخ و ثابت قدم باشند همدان  
 سال پنجاهین حاجی خان شکی حاکم کرمانشهان و ایلان انولایت خلاف در گرفت و منشا مخالفت امر مذهبی بود با بنی  
 که حاجی خان بر طریقه اهل سنت و جماعت بود و ایلان نواب کرمانشهان غالباً از غلامه میباشند حاجی خان بخوش  
 رعایای ولایت محکوم خود را بر طریقه خود آورد و دارد و معلوم است غالی چگونه سنی تواند شد بدینواسطه که در  
 در کار بود و که ایلان بجمالی یا عیگری افتادند حاجی شکی بگردد رفت که ایلان باغی را مطیع کند مردم گردانند و اطاعت  
 در آمدند و قبول خدمت کردند و مستندی شدند که کسی را بآیین و آئین آنها کاری نباشد حاجی خان نهد کرد و کار  
 باصلاح انجام میداد و بعد از اصلاح میان یکی از اهالی کرند و ملازمی از ملازمان حاجی خان بر سر در یافت آذوقه نزاع  
 در گرفت و ملازم حاجی خان مقول شد حاجی خان متعبر شده حکم کرد تمامی اهل کرند را مقید کرده بدار آنخلافت برند  
 مردم باشا و جنانقل خان بشوریدند و حاجی خان شکر را محصور نمودند و با نثر نضک چند تن را بکشتند که پنهان از  
 پائین و بالا بمنزل حاکم درآمدند و او را بکشتند و بعضی جهت مقول شدن حاجی خان شکی را چند دیگر کشته اند در هر حال  
 پس از سنوج این مآخذ اهالی از بیم مواخذه و سپاس بخاک عثمانی داخل شدند و حکمی بعلی رضا پاشا و الی بغداد  
 صادر شد که آنجا عث راه نداده و نگاهداری نکرده معاودت دهد پاشای مشا را البته اطاعت نمود و آنها باز  
 کشته بند برنج این کشته و عبدالحمیدخان جوان شیر بگومنا آسمان روانه شد همدان بن سال پنجاهین محمد نوری علی آباد  
 صاحب دیوان که در دانش و پیش و خلق و خوی مثل و مانند نداشت در جمعه هفدهم ماه ربیع الثاني در دار آنخلافت در گذشت  
 و شاهزاده فتحعلی میرزا پسر شهریار غازی که چهار ساله بود وفات نمود و مستر و باخ حکم انگلیس برای استمرار ج  
 مصالحه مابین دولین ایران و انگلیس بدار آنخلافت آمده چون مانعی و اگر اهی در مانعی دولت علیه ندید برای اعلام

بلند باز گشت و مکه صلح ماجم آور شده بدار الخلافه آمد و عهد نامه مابین دولین محمد شاد افغان و پانزدهم ملک با  
 پرنس البرهان شاهزاده هاساکس کبود که کتایجات با فتن ملکه از یک نقل ناگهانی فرستادن چند فرزند گشتی جنگ  
 بدر پای چین مسئله شرقی در اینسال عنوان میشود و از آن وقت تا کنون این مسئله بنامین اهالی مغرب مشرق مطرح است  
 توضیح آنکه انگلیس فرانسه و اتریش و روس و روس عثمانی مطالبی را که راجع بملکت عثمانیست مسئله شرقی مینامند  
 و دوله متدارالهم از اینسال تا کنون در مسئله مزبور مداخله مینماید لرد پارلمنت و وزیر انگلیس یاد ولت روس  
 اتفاق کرده بر ضد فرانسه در محبت محمد علی پادشاهی مصر اقدامات مینماید و انگلیس و روس و پروس و اتریش در لندن مجلس  
 کرده در این مجلس محمد علی پادشاه را ولی بالاسلام مصر مینماید و والکری را برای ولاد او ارث میدهند و عثمانی چون  
 قبول این طلب مینماید ناپیه سردار بحری انگلیس شهر بیروت را کلوله باران میکند (فرانسه) میسوپتیم بوزارت اعظم بر  
 قرار میگیرد و لورن ناپلیون برادر زاده ناپلیون اول در بند بولنی خروج کرده به حکم دولت گرفتار مجلس ابدی میگردد  
 پادشاه از نقلی بچانه مینماید سفاین جنگ فرانسه در اینسال مرکب از دو بیست و بیست هشت فرزند و سی و پنج هزار  
 عساکر بحری مینماید ناپلیون اول که در سن هفتاد و دو سالگی بود توان و پهل نیر پادشاه فرانسه را از انقل کرده بسیار  
 میآورد و در انوار ابدی فرزند میشود (هلاند) استعفا پادشاه و جلوس گیلپوم ویم بجای او (پروس) فون فریدریش  
 گیلپوم سیم پادشاه پروس جلوس فریدریش گیلپوم چهارم بجای او

سند مسیحی

سند مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال جبب الله خان امیر تویچانه که بعد از فرار آقا خان محلاتی مامور نظم بلوچستان بود  
 روانه قلعه بمپور شده قلعه بمپور را محاصره و مستحرم نمود ولی فیما بین عساکر او و اهالی بمپور بجای پیدا شده آشوب  
 در گرفت و بسیار از اهالی آن صفحات کشته شدند و امیر تویچانه تا پنج مرتبه فتنه ها برآورد و در اینجا حکم معاودت  
 باور سپید باز گشت و طیبا بنجر مرصع بافتخار او مرخص شد و چون بدار الخلافه رسید فضیله خان قزلباشی حاکم  
 کرمان مغز و لاشه عباسقلیخان جوانشیر بگوشه کرمان منصوص گشت و از آنجا که حبیب الله خان اسباب خونریزی  
 و هلاکت نفوس پریشانی زیاد در بمپور و آن نواحی شده بود در هنگام اراده عروسی و سور عیش او مبدل <sup>تقلید</sup>  
 شده بدرد و زندگانی گفت همدار اینسال فتحعلیخان مهنی که از سرکستان کرمان بود با هتمام عباسقلیخان جوانشیر  
 و الی کرمان رقیب اطاعت و خدمت بر گردن گرفت همدار اینسال هشتصد نفر سوار ترکان و ضد ناخست شهید مقدس  
 کرده محمد ولیخان برادر زاده اللهیارخان اصف الدوله را که بشکار رفته بود در کفره با خود ببردند عساکر خراسان  
 که نرا که را نغاب نموده با آنها فرسیدند اما ای دولت علیته چون از ماجرای خبر او شدند محمد علیخان غفور را بخوار کرد  
 نزد اللهقلیخان و از بک بشهدید و اسیر داد محمد ولیخان فرستادند همدار اینسال محمد و مقبلخان ترکان بکی از  
 نقش بند تیره که دعوی تصوف و کرامت میکرد و بزبان ترکی ترکانی مناجات و اشعار بنظم در میآورد او ادعای زنده  
 و اطاعت نموده و جمعی دیگر از ترکان ککلان و بیوت با و کرده و محض النعمین او را ایشان خواندند و پیر و مرید و توار  
 اسرا باد بنشاپر را خند محمد ناصر خان فاجارد و لومر این را بعضی دولت قوشوگت رسانیده محمد حسنخان سردار ابرو  
 و محمد خان امیر نویمان که بشرف مصاهره پادشاهی مفتخر بود پادشاه را سوار و پیاده و تویچانه با سواران در رفت و توار  
 اردشیر میرزا حکمران مازندران و جعفر قلچیان شاد لوی بوزنجردی با سواران کرد و خراسانی نیز بدان طرف راندند  
 محمد و مقبلخان چون دید چاره جز اطاعت نیست سپر خود محمدخان را با مرشد معروف با ایشان روانه کرکان نمود و سایر

رئیس سفیدان ترا که نیز سپرد برادر خود را بنوا و کروگان فرستادند و اظهار داشتند که اگر حکم شود تا خود خواستند  
 ناختنوا باد شهر میرزا مطلب را بعضی آستان مبارک رساند و وسای ترا که بخلغ و التفات نابل کرد بدو مقرر شد  
 که توفیق گشت تا محمد علیخان مامور خود مراجعت کند که محمد ولیمان را خان جنوه فرستاد کسی را با او کاری نباشد  
 و آلا راه خوارزم پیش کمر ندمقارن ایحال الهقیلیخان خوارزمی محمد ولیمان را با اعزاز فراوان با آستان هاپون فرستاد  
 و از خطر لشکر کشی بخوارزم اسوده همدانین سال چون محمد تقیخان بخناری ده هزار سوار از اشرار در و خود جمع کرده  
 و بمغان جبال پناه جسته سندانازی بمال بخار و عابرین مینمود منوچهرخان معتمد الدوله بنظم اصفیاف و اراضی سرحد  
 ایران و عثمانی مامور شد و باشش فوج سرباز و جمعی سوار ابو اجمعی سلیمانخان ارمنی و شش هزاره توپ  
 بخوزستان رفت علیفرخان برادر محمد تقیخان بخناری که همراه معتمد الدوله بود برادر را خبردار کرد محمد تقیخان برادر  
 دیگر خود کوچیان با عریضه هدا یا نزد معتمد الدوله فرستاد و خود نیز در مال میرزا اشراف قبیله بخلغ رفت معتمد الدوله  
 آمد و مغلغ و مورد التفات شد و شبی معتمد الدوله را در قلعه نزل مهمانی نمود و در خواست کرد که با قبیله و عشیره در  
 قلعه مزبوره متمکن باشد و بعد از نوروز بخندش آید اما چون زمان معقار رسید تخلف کرد علیفرخان و محمد حسنخان  
 فراکوز لورفته او را اطمینان دادند و او با پنج فرسنگه شوشن سپاه آمد و باز توهم نموده بزکشت معتمد الدوله حکم کرد  
 از طولانی چهار لنگ و هفت لنگ سواران جنگ جمع شدند کلبعلیخان و جعفر قلیخان سپهسالار اسدخان بخناری با جمعی  
 حاضر گشتند و علیفرخان که پدرش را محمد تقیخان کشته بود نیز با سواران خود مهمانی کارزار کرد بدو و معتمد الدوله  
 او شوشن و ضد قلعه نزل کرده سلیمانخان سربلپ برادر زاده خود را از پیشتر وانه نمود محمد تقیخان عیال و اموال و  
 بستگان خود را برداشته بشیخ سامرخان حکمران چب فلاحته پناه برد شیخ مشاوانه چون با خاک سرحد عثمانی قریب  
 جوار داشت همیشه با توده هزار سوار جنگ با او بودند درجه اطاعت او همین بود که کامی بیغها فرمای فارس چیزی  
 میداد معتمد الدوله قلعه نزل را بطیفرضاخان سپرده روانه فلاحته شد و بشیخ سامر پیغام داد که محمد تقیخان و انگاهدار  
 نکند شیخ سامر گفت او بمن پناه آورده و در عربتک است که از او حمایت نکند شخص معبری با باطمینان او زبهر رسید  
 تا او را بخدمت آمد معتمد الدوله سلیمانخان را فرستاده محمد تقیخان و شیخ سامر را مطمئن کرده بار داد آورد و  
 مورد نوازش شدند و شیخ سامر مصمم مراجعت کرد بدو معتمد الدوله گفت علیفرخان و کسان محمد تقیخان را نیز  
 روانه نماید شیخ در اینکار تعلق نمود و علیفرخان در خفا جمع کردن سوار و پیاپی بخناری مشغول شد محمد تقیخان  
 سامانی در خواست کرد که بفلاحته رود و علیفرخان را بیارود و چون برقت باز نیامد و علیفرخان و محمد تقیخان با شیخ  
 سامر اتفاق کرده بفکر استخلاص محمد تقیخان افتادند و شب هنگامی بار دوی معتمد الدوله شیخون زدند و جنگ در گرفت درین  
 هنگام محمد تقیخان خواست فرار کند میرزا محمد خان دبوئی بر سر او زده حکم کرد او را گرفتند و بجنه معتمد الدوله برده  
 مقید نمودند تا وقت صبح تقریباً هشتصد نفر از عرب بخناری مقبول گشتند و باقی بجزیمت فشد و از لشکر معتمد  
 سیم چهل نفر مقبول و مجروح شدند را بجال جاعته از مشایخ اعراب که از شیخ سامر متاکی بودند معتمد الدوله شکایت  
 نمودند و شیخ عبدالرضا از اقرار بشیخ سامر که فراری و در بغداد بود اخصار شد و بار داد آمد و قبیله باو پیوستند  
 شیخ عجل و شیخ عقیل و بعضی از مشایخ دیگر مجتمع شدند و منصورخان فراهانی که از جانب حکومت فارس با خاندان  
 چب دفعه بود و شیخ سامر لودا خالی نمیداد نیز با فوج خود نزد معتمد الدوله آمد و حکم شد بعضی از بخندان را  
 قطع کرده بر نهر خرابین پل به بند شیخ سامر پشیمان شده جمعی از علما و سادات را شفیع فرار داد و قبول تکالیف

نموده که وکان معتمد داد و مهلت خواست و معتمد الدوله مراجعت کرد و محمد تقیخان را مقید با خود برد و باز ای این <sup>ن</sup>جنگ  
بلفظه بمثال شهر پاری و یکفیفه شمشیر و بکر شده حامل سبز و سرخ از درجه امیرنومانی با کل مرصع مصحوب <sup>و</sup> اسما  
پیشخدمت خاصه در عرض راه شوشتر معتمد الدوله رسید و مجعلیخان ساکونی سر نهب با شش عراده توپ و شش  
فوج سرباز و جمعی سوار بر وجودی و کمرها نشهانی بمعتمد الدوله پیوستند شیخ سامخان زباده خایف گشت و بعلنیف  
خان اظهار کرد که مرا فدیته نگاهداری نویسنده عینقی خان با اهل و عیال محمد تقیخان بخانه خلیل خان بله که  
با او منسوب بود خلیل خان نیز عذر را و را خواسته ناچار بکوهستان رفتند که معقل پنهان شوند در عرض راه  
بلشکر منصورخان دوچار و تمامی گرفتار شدند مگر علیق خان که فرار کرده بغارش رفت و بعدا بحکم نواب و لادها  
میرزا (معتمد الدوله) او را بگرفتند و بدار الخلافه آورده با برادرش محمد تقیخان مجبوس نمودند و این او ان  
حکومت چیت پسر برعهده معتمد الدوله موکول فرمودند و چون اثری از عهد ان شیخ سامر نپهور نرسید معتمد  
الدوله میرزا محسنخان را بحکومت شوشتر بر فرار کرده خود روانه فلاحیه شد و شیخ سامر با عیال و احوال بقعه  
کوئ شیخ که حصین نزار قلعه فلاحیه بود رفت و شیخ عبدالرضا را بحکومت فلاحیه داد و مجعلیخان را بحکومت بخینار  
فرستاد که دو فوج سرباز از اطوائف گرفته و معامله بخینار مجبوری با پیرازد و صد خانوار از اعظم این طوائف بکوه  
بدار الخلافه بفرستند و کلبعلی خان و جعفر قلیخان چهار لنگ و محمد مهد بخان و علی رضا خان هفت لنگ با مجعلیخان همراه  
کرده و شیخ سامر بخان نصو نموده که چون نایبشان شود معتمد الدوله و عساکر او در چیت توقف ننمایند کرد و  
چون مراجعت کنند و بشوند بر فلاحیه باز در چون برخلاف تصور او معتمد الدوله در کمر مادر چیت ماند شیخ بگویند  
که از اراضی بخینار است که بخت و از غزایب آنکه شیخ عبدالرضا سالها طالب چیت بود و با این آرزو ناچار گردید بگر بخت  
و برادرش نیز از ارد و فرار کرد فدعم و مرید که شیخ سامر آنها را بکوهکان داده بود نیز از شوشتر بگریختند معتمد الدوله  
حکومت چیت نیز بولی فرج الله والی خوزستان داد و حکم کرد محمده را آباد کند و حاجی محمد علی محقق را عاظم بخینار از ارد  
مشلم بصره فرستاد که با محمده را چنانکه خراب کرده ابادا دکنید با بصره را مثل محمده خراب میکنم و بعلی باشا والی  
بغداد نیز همین پیغام داد و در این او ان معتمد الدوله محمد تقیخان بخیناری را مغلولار وانه دار الخلافه نمود و اسما  
عربی سببا خوب پسر بدر بار معلی انقاد داشت و حکومت در فول را بجای ملاحمد کرمانشاهی داد و احمد خان پسر  
حسن خان والی قزلی را مرخص کرد که پیش کوه رود و حکومت لرستان را برعهده محمد حسنخان خرفانی و لکدار بود  
و مولی فرج الله را بحکومت فلاحیه ناکید کرد و مجعلیخان نزد معتمد الدوله آمده حساب بخیناری را پر داشت  
بعد از آن معتمد الدوله مجعلیخان را بکرمانشهان فرستاد که در نظم اینولایت تقویتی از عبدالحسن خان جواب  
کند ولی عبدالحسن خان از راه سوءظن مایل بود و وصول مجعلیخان بکرمانشهان شده و چون حکمی نیز از  
دار الخلافه <sup>بمجلیخان</sup> رسیده بود که فائلان حاجیخان شکی را فوراً در کرمانشهان گرفته دار الخلافه فرستند و این حکم بدت  
عبدالحسنخان افتاده بخوابان کرمانشهان نمود و آنها را بر ضد مجعلیخان تحریک کرد و میخواست با آنها و این  
با مجعلیخان جنگ بگذارد عبدالحسنخان مغزول و مجعلیخان بحکومت کرمانشهان منصوب شد و فائلان حاجیخان  
شکی را گرفته بدار الخلافه فرستاد و این او ان عید الله پاشای بابان قصد مستدج کرد و مجعلیخان با  
پانزده هزار نفر روانه کرد سنان کردید عبدالله پاشا چون خبر حرکت مجعلیخان را بشند خایف شده باز گشت  
مجعلیخان نیز بکرمانشهان معاودت نمود و در حکومت مستقر شد و بدز قول و عزم آباد رفته آن صفات را

نظم

منظم کرد و از بر وجود باصفیها رفت و با منوچهر خان معتمد الدوله ملاقات نمود همدانین سال در ماه رمضان محمد خان امیر تومان در گذشت همکاین سال میرزا جعفر خان مشیر الدوله مأمور اسلامبول با اجازه امنای دولت عهد با وکیل دولت بزرگ منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

**صورت عهدنامه دولتین ایران و بلژیک**

برخرد زندان نیز هوش و نیز هوشان سخن بنوش پوشیده ماناد که جناب بعباد امور معاش و معاد عباد را <sup>بتبصره</sup> ارادت و اختیار سلاطین با عدل و داد نهادن کافیه بریاد تحصیل مال و حصول آمال و انجام مطالب و اسعاف از طریق مهربانی و داد و پیرامون نماند و خلاف نکردند باین ایتقال آنکه اعلمحضرت که چون رفعت مشری سیرت همراهم سلطون خورشید شوکت ناهید بجهت عطار د فطنت فرطت مالک مالک محمد و سرباران وارث تخت و تاج سلاطین کبان ظل الله فی الارضین کھفت الاسلام و المسلمین محمد شاه فاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الاوان و اعلمحضرت فلک رفعت فضا درایت قدرت پادشاه ثمامی بلچو لتو یولد امام الله ایام سلطنته الی آخر الزمان هر دو علی السویه چنین مناسب بدند که بجهت تاسیس قواعد و سنه و محبت و تمهید مراسم یکا نگی و موثرت و اثر منزه حال رعیت و کشایش ابواب صنایع تجارت بر دو عماره بر ایا ما بین دولتین علیین معاهده دوستی و تجارت منعقد شود و لهذا دولت علیته ایران عالیجاه مغربا الخافان میرزا جعفر خان مهندس ساسی عساکر منصوبه ایلچی بختارد و دولت علیته ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان صورتها بون و نشان اولشیر و خورشید سیرت و صاحب و حامیل افتخار سیرت و سرخ و نشان افتخار دولت علیته عثمانیه را از قرار دستخط اعلمحضرت هما بون و امضای جناب جلالتا باجل الفم حاجی میرزا آقا سید در این خصوص وکیل و مختار نموده و اعلمحضرت پادشاه بلچیف از قرار دستخط هما بون و امضای نامتو جلالتا که جناب برون فرزاد و جان وزیر مجرب و وزیر بختارد و دولت همبته بلچیف مقیم اسلامبول صاحب منصب نشان اعلمحضرت پادشاه ثمامی مملکت بلچو و صاحب نشان در

ایر و مغربه و دولت فخره  
فرانسه و صاحب نشان

قرار معاهده و در ضمن هفت ماده بنهیج آتیته داده اند

ماده اول و پنجاه ما بین دولت علیته ایران و دولت همبته بلچیف و تبعه ایشان اساس و مشی مؤتدا بپدار و برقرار شود ماده دوم تبعه دولتین علیین آمتا و سالتا بملکت یکدیگر تردد و کشت و گذار نمایند و هر کدام خواهند باکرایه بامر تجارت و شمشیر خود منزل و حجره و اسباب را حاضر کنند مازون باشند و از طرف صاحبین بپوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیت و دولتین رعایت و حرمت ملحوظ شود از اجحاف و ستم محروم و محصون باشند و اگر یکی از دولتین بپشوکتین باد و لئی دیگر جنگ و محاربه داشته باشد اصلا بدوشمی ابدی ایند و لک بلچو چه ظل نخواهد سپید ماده سیم اشخاصی که از تبعه دولتین همبته بعنوان تجارت باسیاحت بمالکت یکدیگر میروند تا نوقت صیمنند در حق آنها کلا احترام مرغی شود از عوارض و تقسیم معاف باشند و در وقت دخول و خروج بختارد و لک بلچیف از امتعه آنها در یکجا یکدیگر از صلحی که زیاد مطالبه نشود و از امتعه بختارد و لک علیته ایران مثل تبعه دولتین محتاجین فرانس و

ماده چهارم از تبعه دولت همبته انگلیس موافق بفره رفتار کرد و بلچیف اگر بطریق سیاحت بختارد ماده پنجم دولت علیته ایران مازون نمایند هر دو نفر بپس تجارت از دولت بلچیف قادر نیز بوزار الخلافه طهران مقیم بمالکت دولت علیته ایران تردد نمایند شونند که با امور تبعه خود داری کنند و همچنین اگر دولت علیته ایران بخوانند که در شهرهای بر و کسل و سور مش مملکت برای امنیت و سلامتی آنها از طرف دولت علیته ایران احکام و بایستد و بلچیف از پش تجارت بکنارند مازون خواهند بود

ماده ششم

عبارت مرعش شود که کسی مزاحم مانع آنها نشود و حمایت را از آنها نمایند

ماده ششم اگر مابین بنفیه جانبین از باب معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد با شخصاً بر نفس تجارت یا بر جانان دولت  
شهرت عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی شود و در صورتیکه یکی از بنفیه ولین مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق  
اموال و اسباب او را فیما بین ارباب طلب جلور غرما سوتب تقسیم نمایند و همچنین در وقت وفات یکی از بنفیه طرفین اموال  
و منر و کانت او بر نفس تجارت آن دولت تسلیم شود

ماده هفتم ایشانرا این عهدنامه در سنی و تجارت ابدال در کمال صداقت و در قن از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد شد  
و هیچوجه خلل و نقصاناً با جزای آن راه نخواهد یافت این عهدنامه در سنی و تجارت بستیا واحد در د و ضعیف و محترم و امانتند  
و از جانب مرتخصین دولین علیین بمضی و جمهور کشته و مبادله گردیده انشاء الله تعالی نسخ مزبور بوده از طرفین دولین  
بهینین بصدوق کشته در مدت چهار ماه یا کمتر این تصدیق نامه ها با سلامت و آمانه بین المامورین از سر نو مبادله گردید  
بناریخ روز چهارشنبه بیست و پنجم جادی اولی مطابق سال اولی یک هزار و دویست و پنجاه و هفت مطابق چهارم  
شهر جولای هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی در دار الخلافه اسلامبول سمت انجام پذیرفت

همد اینسال یار محمد خان وزیر هرات کارمان مبرز را که تقریباً یکسال بود در یکی از قلاع محبوس داشت بکشت و امانت  
دوستان احمد خان ابدالی در افغانستان منقرض شد پوشیده نباشد که از سلسله مزبور پنج نفر در افغانستان امانت  
کرده اند اول احمد خان ابدالی دوم تیم شاه بن احمد خان سیم شاه زمان بن تیمور شاه چهارم شاه محمود ابدالی پنجم  
کارمان مبرز و ابدالی هادان بن سلسله سال هزار و صد و هفتاد هجری بوده است و یار المان ششصد هزار  
درع راه آهن در این مملکت ساخته شده است (مسئله شرقیه) با هتمام دولت انگلیس و فرانسه اطرش و پرورش روس  
مابین محمد علی پاشای مصر و سلطان عثمانی مصالحه میشود و سلطان عثمانی والی کبری مصر را برای ولایت محمد علی پاشا  
سلا بعد از این پیشناسد و ولایت مصر را این تاریخ بعد در د و بار عثمانی بارش و نشان صدر اعظم میباشد (انگلیس)  
نولد بر این د کال و بعهود دولت انگلیس فتح کانتن بند چین و چند قلعه دیگر از قلاع این مملکت بواسطه سلطان  
انگلیس همد اینسال در افغانستان دو سنج خان مغلوب انگلیس میشود اما بعد از خدی افغانستان شوریده در قلعه  
کابل جمعیتی کثیر از انگلیسها را بقتل میرسانند فرار عساکر انگلیس از افغانه و غارت کردن افغانه آنها را کم از  
پانزده هزار نفر فشتون انگلیس بجز سیصد نفر محبوس بقیه کشته میشوند جمعیت انگلیس در اینسال پنجاه و چهار  
گرد است (فرانسه) فندی که از چغندر ساخته میشود امینازش محسوس است جمعیت فرانسه در اینسال  
و هفت گرد است (عثمانی) عزال رشید پاشا وزیر امور خارجه شورش عیسوی پاشا و مقدر و بنیه بلغاریستان  
که در حق آنها ظلم میشود در لبنان طوایف در روز و ماژنیف با یکدیگر در نزاع میباشد امریکا (اتانولی) بنیر  
نام بر اینست همو در هزار و منسوب میگردد

سده ۱۸۴۲ هجری

سده ۱۲۵۵ هجری

آسیا (ایران) در اینسال کهندکان و برادران او مهر لکان و رحمد خان افغان با اجازه امنای دولت آنکراما  
روایتند هار شدند و عباقلخان جوانشیر والی کرمان آنها را بطور شایسته روانه نمود و بعضی را با آنها راه  
کرد همد اینسال حسینخان اجوداناشی حکومت پذیر یافت و بر حسب امر شهر باغازی اعلم حضرت هابون محمد شاه  
از پابین ثاعتدا (اعدا) که بلیست فرسنگ مسافتی است در رشته قنات که از هر یک یکسنگ آب جاری میگردد  
احداث کرد و در منزلت نه کیند قلعه بساخت و در میان نه کیند و عقدا نیز فغانی با اسم خود جاری کرد و در باغی

برای ثواب بنامود همدان نسیال میرزا جعفر خان مشیر الدوله در اسلامبول نیز عهد با وکیل دولت اسپانیا منعقد نمود که صورت آن از فرار ذیل است

### صورت عهدنامه دولتین ایران و اسپانیا

الحمد لله رب العالمین دولت علیه ایران و دولت هبته اسپانیا بول بحیثه ملاخطه صرفه و صلاح بخار و عموم رعیت مملکتین و تبرک و وسعت دادن بصف بخار و تشویق این امر هم که از مصالح معظم دولت است چنین یافتند که هیچ مقدمه مانند انقضای عهدنامه این مهم جسم معین و مفید نخواهد شد لهذا هر دو علی السویه مناسب بدینند که بعد از این مابین دولتین در شتو کپن و تبعه آنها اساس دوستی و اخذ و نقد و توافق عهدنامه مبارکه دوستی و بخاری که بزیر و حقانیت و عدالت آراسته شده است برقرار و پایدار باشد برای انجام این مرام اعلی حضرت فلک رفعت شمس برج جلالت خیره سلاطین زمان و ارباب تحت و تاج کیان صاحب اختیار و مالک و وسیع المسالك ایران ظل الله فی الارضین کهن الاسلام و المسلمین السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان محیی شاه فاجار ابدا الله ایام سلطنته از طرف فرین الشرف خود عالجه مقر بالخاقان میرزا جعفر خان مهند سباشی عساکر منصوبه ایلی محصور دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر مثل صورت هایون و نشان اول شتر و خورشید سرتیپی و صاحب دو جامه افتخار سبزی و سرخ و نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانی در ضمن اختیار نامه جداگانه در انحصار وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین بدر مبراهت و آفتاب و خشان سلطنت شکوفه نوال نشان جلالت و نایاب ثانی که بنام نامی ایشان در ایام صغر متین امور سلطنت بلیغ و بعهده حضرت بال و مرا صبر تر و صاحب اختیار و مالک دیک نوار در مبل محمول است از طرف خود موسیو آن طولی او بضر و کار کرد و با صاحب نشان بیستام مشهور و ممتاز چار از سیم پادشاه اسپانیا بول و صاحب نشان امیر خان سلطان ایزابل کاتالیک و صاحب نشان علیسوی دولتین و نایاب و صاحب نشان صورت و دولت یونان و صاحب نشان سین کر مقدس بیست المقدس و صاحب نشان اول افتخار دولت علیه عثمانیه اجزای مشهور نمانه حضرت سلطان ایزابل کاتالیک نویسنده خالص پادشاهی و زیر مختار دولت مشار الیه را آسانه علیه را از فرار نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد از نشان دادن و ملا حظ نمودن اختیار نامه بلیک هر دو موافق رسم و ضابطه یافته فرار عهدنامه مبارکه را در ضمن هفت ماده آینه بدین شرح دادند

ماده اول بعد الیوم مابین دولت علیه ایران و دولت هبته اسپانیا بول و تبعه طرفین الی ما شاء الله تعالی اساس و صادر و محبت موالات دائمه باقی و برقرار باشد

ماده دویم تبعه دولتین علینین ماذون باشند که با آزادی و امنیت تمام مملکت یکدیگر آمد و شد و نمایند و معامله بخارت و سیاحت کنند خانه و دکان و حجره و بازار بقدر ضرورت خود گرا به سازند و از طرف مباشرین دیوانه بهیچ وجه ممانعت نرود بلکه پیوسته احوال ایشان را امر اعانت نموده دقت کنند که بسپاهان و مختار طرفین خوش رفتاری شود و بقدر مقدور با ستراحت و آرام آنها بفرمایند و در وقت ضرورت احکام و با ستر رعیت و بانها مرخص شود که کسی مانع نشده ممانعت از آنها کند

ماده سیم در حق تبعه دولتین در شتو کپن که بعنوان معامله و بخارت و با بطریق سیاحت مملکت یکدیگر نرود میانین از زمان ورود تا وقت خروج لازم احترام مرعی شود و از آنها بهیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده



مگر اینکه از امنه آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیگر مثال تبعه دولت متحابه مکرم گرفته شود  
 ماده چهارم دولین علیین بجهت آسایش و اطمینان تبعه خودشان که بجای یکدیگر آمد و شد خواهند کرد ماذون  
 خواهند نمود که در دو محل مناسب وکیل تجارت یافت کنند و لث علیه ایران ماذون خواهند ساخت که بیکفر  
 وکیل تجارت از طرف دولت بجهت اسپانیول در دار الخلافه طهران و بیکفر دیگر در دار السلطنه تبریز مقیم شود و همچنین  
 دولت بجهت اسپانیول راضی خواهند گشت که بیکفر وکیل از طرف دولت علیه ایران در مازندران و پایتخت دولت  
 مزبوره و بیکفر دیگر در بندر صلون و با بعضی محل ثانی در بندر دیگر که دولت علیه ایران مناسب افتد وکیل  
 تجارت نصب نمایند

ماده پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعه دولتین متحابه کشتگو و نزاعی افتد  
 افتد آن باید که باستحضار و اطلاع وکیل تجارت و بازرگان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود  
 و اگر کار بیکفر ناجرا از تبعه دولتین دیشو کین علیین معیوب شود و یا آن شخص ادعای فلاس نماید باید بعد از <sup>حفظ</sup>  
 دفتر و ارسال <sup>اموال</sup> مرسول و مطالبات او با اطلاع وکیل تجارت و بازرگان آن دولت قتمت <sup>غیر</sup> باشد و هر قدر که از فرض  
 آن مفلس باقی بماند از باب طلبا و باید ذمه او را بری نموده عسکات او را رد نمایند و همچنین <sup>و</sup> شکیکه بیکفر از تبعه  
 دولتین یافت کند باید جمیع مزوکات و دفن او بکلی تجارت آن دولت تسلیم شود و قرض طلبا او را با استحضار وکیل  
 تجارت موافق شریعت مملکت جاری شود

ماده ششم اگر یکپ از دولتین متحابه بدولت دیگر جنک و محاربه باشند باید از این رهگذر بدوشی  
 دولت علیه ایران و دولت بجهت اسپانیول هیچوجه خلل و فساد نرسد  
 ماده هفتم این عهدنامه در سئو و تجارت که مابین دولتین بنهج گذشته در ضمن هفت ماده فرار داده شده است  
 بیار خداوند بکانه امنای دولتین متحابه بدین جمیع موارد از ادای مرعی باشند هیچوجه بارکان آن خلل نخواهد  
 و انشاء الله در مدت پنجاه یا کمتر عهدنامه مزبوره بامضا و مهر امنای دولتین علیین رسید در اسلامبول  
 مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد و خانه این هفت ماده که تصدیق وکلای طرفین در دو نسخه بطریق  
 واحد انجام پذیر گشته بعد از امضای طرفین در دار الخلافه اسلامبول بنام سیم مرج مطابق بیستم محرم الحرام  
 هزار و دو هشت و پنجاه و هشت هجری سنه هزار و هشت و چهل و دو عیسوی عوض و مبادله گردید

هدایتیساں حاجی سید محمد باقر رشتی مجتهد ساکن اصفهان از اجله علمای بزرگان جناب رفقا علی الله مقامه و آقا  
 سید اسد الله فرزندان مرحوم از عینات عالیشان باصفهان آمده بر مسند پیشوائی نشستند محمود ابن شهباز خان  
 دبیر نورسینا و لیا شوی که در اصفهان نایب نوجوهر خان معتدال دلدرد بود و صاحب کمال و اخلاق و نظم و نثر در کتبت  
 و سیرت شهباز خان منصب پدیر یافت و قات سید صدالدین رفیق از اکابر علما (ترکستان) فوئد الله فیلینان  
 خوارزمی که همیشه در خوارزم حکمرانی داشت و مدفون شدن او در مقبره پهلوان محمود ثانی و برقرار شدن رحیم  
 فیلیخان پسرش بجای او و حکمرانی (افغانستان) محمد اکبر خان پسر امیر دوست محمد خان والی کابل در کمال جلال بکابل آمده  
 حکمرانی پسر درازد و امیر دوست محمد خان که در هندوستان محبوس بود رها شد بکابل می آید که هندوستان فتح جنگ بن  
 شیخ الملک را شکست داده در قندهار حکمرانی مشغول میشود شیخ الملک در کنار چین در وازه لاهوری  
 مقتول شده و اموال او را هب نمایند امر پادشاه (المان) یا قیظ سنخ در شهر هامبولگ که چند روزی است

نزاع

داری

دارد (انگلیس) بر مذموظ و غلا و کمی پول بجای بافتن ملکه در تانی از کشته شدن بجزه انتقام کشیدن از افغانه  
ژنرال پلک با عساکر زیاد وارد کابل میشود بعد از معاهده با افغانه سردار انگلیس بسند معاودت میکند شهر  
کابل و جلال آباد را و پیران ملیسا زد فلسول انگلیس بقرین معیم خواهد بود و فرانسس و لیبهد و لئاناز کالسکه افتاه  
میرد و پسر چهار ساله اش کنت دپاریس و لیبهد میشود (روس) شامیل و رفقا از غلبه بر عساکر روس منباید

سند اجماعی

سند اجماعی

آسیا (ایران) در این سال ناخوشی نفرس که مزاج مبارک اعلی حضرت هابون شهر پارغزی محمد شاه از طریق اعتدال  
داشتن اشتداد نمود اگر چه شدت این مرض بعد از سفر اصفهان بود چنانکه نوای مستطاب والا حاجی معتدل اوله و فها  
میرزا در کتاب جام جم میفرماید پس از سفر اصفهان ناخوشی نفرس که از قدیم نیز این ناخوشی را داشتند غلبه کرد پس از  
آن بسلام عام بد بو افتاد مبارکه نامت حیات توانستند آمد و سلام ایجاد در عمارت باغ که نشین سلطانی بود  
منعقد میشد خلاصه بواسطه اشتداد نفرس و بجزوین اطبا موکب اعلی بطرف چشمه آب گرم که در حوالی فرزند است  
هضت فرما کرد بده و بعد از آنکه چند گاهی در آن منزهات بسر بردند بجز در باوک تشریف فرما شدند و از  
چین در باوک بولیان نزول اجلال فرمودند و خدام حرم سلطنت و شاهزادگان عظام را باین بیلاق احضار  
نمودند و پس از انقضای فصل گرم و بیلاق باران خوار و باهر معاودت کرد بعد باین سال حاجی سید کاظم  
رشتی شاگرد شیخ احمد احسانی در گذشت و سید علی محمد شیرازی شاگرد حاجی سید کاظم رشتی دعوی بابت نمود  
و ایند دعوی رفته رفته اسباب فتنه عظیم گشت بقیه این آنکه سید علی محمد شیرازی پسر میرزا نام برآورد بدایت  
عمر تحصیل علوم پرداخت و هنوز بهر از آن حاصل نکرده بر باضت شاقه مشغول شد و در شدت گرفتار  
بند بوشهر بالای ام سر برهنه دعوات برای شیخ آفتاب میخواند و این خیالات باطله او را خشک مغز که از

روزها

ثابت آفتاب گرم بوشهر حاصل شده بود تکمیل نمود و بیانات عالیات رفته رفته سالی بود در حوزه درس حاجی سید  
کاظم حاضر شد چون حاجی سید کاظم در گذشت سید علی محمد با بعضی از شاگردان حاجی سید کاظم بمسجد کوفه رفته  
چهل روز باضت کشید و یکم نیند سودا بپوشیده گفت من بایم و با بیدار ابواب داخل بویشد و هر کس  
این کند گواه است چیزی ننگشت که بر ادعای خود افزوده دعوی مهدویت نمود و گفت سال دیگر دعوی  
خود را در مکه ظاهر و خروج خواهم کرد و خونها خواهم ریخت و شما نامه که بمن مینویسید بامرب و ملا دانویسید  
بلکه با سرخی بنویسید که این نیز علامتی خاص است و در اذان و اقامه نماز بگوئید اشهدان علی محمد بقیه الله و  
اکنون که من بیدار گشته ظهور حق تمام گشته چه محمد و علی و من بودند و اکنون هر دو منم که نام من علی محمد است و این هر دو  
بامن بیگ کرده اند و کال معجزه من اینست که روزی هزار بیت کتابت کنم و گاه باشد که هزار بیت مناجات سخن گویم و اینست  
من بر تمام روی زمین خواهد بود و تمام ادیان را امت واحد خواهم نمود با کلمه خرافات بهم میناف و اسامی انبیا و ائمه  
را بر پر و ان خود مینهد و برای بکزن بیشتر از یکیشوی بخوین میکرد و بکده رفت که دعوت خود را ظاهر کند بعضی او را  
تخویف نمودند لهذا بوشهر آمد و جمعی از مردان خود را بشیر از فرسناد که مردم را با و بخواستند و این در وقتی بود  
که حبیبخان اجداد با شعی در حکومت فارس استقلال داشت پس از آنکه حبیبخان از واقعه آگاه شد چندین از  
پیران او را بدست آورده پی آنها را برد و کس بوشهر فرستاده سید علی محمد را در نوزدهم رمضان بشیر آورد  
و بدروغی باواظهار ارادت نمود و گفت که من تو پجانه فارس را با تو حو کند هم و با منکران تو جنگ کنم سید علی گفت

چون دینار امیر کردم مملکت روم را بشو خواهم داد حسنینان جو دینا شاهی صاحب اختیار گفت بهتر آنست که عجب خود را بر  
 علمای عصر تمام کنی تا نایب تو کرد ندانوفت کار عامه سهل است و مجلسی از علما و فقها منعقد نمود و سید محیی الدین سید  
 دارابی معروف بکشف کبری وی باب اختیار کرده بود نیز در آن مجلس حاضر شد سید علی محمد علمای گفت شما چگونه از مشایخ  
 سرچشمه و حال آنکه از پیغمبری که بدین اوهسیدند جز فرانی در میان نیست و قرآن من افصح از آنست و بدین من نایب بدین آن  
 پیغمبر میباشند علما بنا بر مواضعی که با حسنینان داشتند ساکت شدند حسنینان گفت بهتر آنست که احکام خود را در  
 صفحہ بنویسید تا همه بخوانند و پیروی کنند سید علی محمد چند سطر نوشت چون علما بدیدند همه سخن و غلط بود حسنینان  
 صاحب اختیار گفت تو با این پایه و مایه چگونه دعوی برتری بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله غای پس فرمان داد تا  
 او را از مجلس بیرون کشیدند و چون باد زدند او کلمات عیانه در اظهار و اظهاری گفت و اظهار توبه نمود بعد از  
 آن روز او را سیه کرد و بمجلس شیخ ابوتراب امام جمعه بردند و او پای شیخ را بوسید و خود را لعن کرد و مدت شش ماه  
 جلس بود تا خبر او در عراق منتشر شد و بر منوچهر خان معتمد الدوله مشبه کردند که او از بنیکان است معتمد الدوله  
 نفر را بشیر از فرستاد سید علی محمد را با صفهان آوردند و صاحب اختیار سید محیی را از توقف در شیراز منع کرد  
 و او نیز در رفت معتمد الدوله شیعیان و حکما را جمع کرد و سید علی محمد در آن مجلس از عهدۀ سؤال و جواب بر نیامد و بطلان  
 احوال او ظاهر گشت پس از آن باز معتمد الدوله وی را در منزلی محفی داشت و شهرت داد که او از این شهر رفت است  
 در سال هزار و دویست و شصت سه معتمد الدوله وفات کرد سید علی محمد فتنه خود را ظاهر و منتشر ساخت و کارکنان  
 دولت او را از اصفهان بجز بقا آورده در قلعه مشرف ساخت و پس از چندی در شیراز مقتول شدند چنانکه بعضی  
 تفصیلات آن در محل خود مذکور میگردد همدرد این سال که سال هزار و دویست و پنجاه و نه باشد فاضل خان کردی  
 صاحب ندرت که انجمن خاقان در گذشت و شهر خوی از زلزله خراب شد امری یا (انگلوس) شورش در ایالت کاهور  
 تصرف کردن انگلیس تمام پنجاب را (فرانسه) مسافرت ملکه انگلیس سپارد پس مجادله امیر عبدالقادر با عساکر فرانسه  
 در الجرا بر (پون) شورش در این مملکت باغواوی دوس

سده هجری

سده سی و چهارم

آسیا (ایران) پوشیده بنام شد که در سال هزار و دویست و پنجاه و شصت عساکر بغداد حکم عجب پاشا کرد برای  
 واقف و نهیب کردند و در این موقع چون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه در دستر بیماری بودند امنای دولت علیه  
 واقع و مستور داشته بعضی حضور مبارک نرسانیدند پس از آنکه واقعه عرض و مسجوع و چاکران حضرت پیر سبط  
 مطهر کرد بدین معنی که از کار محرمه در خاطر مهر مظاهر اقدس بود این غایب صلح بر بر آن افزود و چون چندی گذشت  
 سفر او و زاری خارجه با اصلاح ذات البین پرداختند و مقرر شد از دولت اربعه روس عثمانی و ایران و انگلیس چهار نفر  
 وکیل تعیین شود و کلای منبوره در مجلس جمع شده گفتگو نمایند و بموجبی استرضای خاطر امنای دولت علیه  
 ایران پردازند بنا بر این با شاره حاج میرزا آقاسی میرزا جعفر خان مشیر الدوله که از سفارت اسلامبول مراجعت کرده  
 بود با پنج من مامور شد و فرار دادند مشاوران به اتفاق و کلای دیگر در ارزنة الروم توفیق کنند و در این  
 امر خوضی نمایند و قرار دادند چون میرزا جعفر خان مشیر الدوله از طهران بگذشت رسید مرخص شد و در دستر  
 ناوانی افتاد حاج میرزا آقاسی میرزا آقاسی میرزا آقاسی میرزا آقاسی میرزا آقاسی میرزا آقاسی میرزا آقاسی میرزا آقاسی  
 دویست نفر از معارف اهل نظام را لوازم حرکت و سفر داده با آنها بارزنة الروم رفت و در عرض راه سرحداران

از واسطه آن در پیرایه شایان کردند و از جانب دولت عثمانی انوار آفتابی نیز بوکالت بارز نه الروم آمد و مقرر شد هر روز در منزل یکی از وکلای اربعه حاضر شده گفتگو نمایند و حاصل مقالات خود را بنویسند تا مسئله بانجام رسد بعد مجلس برای این محاوره منعقد شد و انجام آن سه سال طول کشید هر دو اینسال موکب ها بون پادشاه بشکارت گاه کرج و سلمیینه تشریف فرما گردید و در او ان توفیق در این ناحیه دوزی که از رود کرج عبور فرمودند و آب این رودخانه برف حاصل می شود که در بد معلوم شد که بیشتر آن با مکنه و او دپه میرود که قابل ذرع کشت نیست فایده از آن حاصل نمیشود و آب زیاد عینت تلف میکرد لهندا بخاطر موهبت مظاهرا فذ من خطو کرد که اگر هری از این رود بدار اختلاف طهران جاری کنند اسباب آبادانی و آسایش اهالی شهر خواهد شد و مکتون ضمیر منیرها بون را بجای میرزا آقاسی اظهار فرمودند حاجی میرزا آقاسی چون از رو طبع و فطرت شوقی بحفر قنوات و جاری ساختن آنها را آبادان کردن اراضی با بهره و صحاری غیر مزروع داشت جمعی را بسر حشیره رودخانه فرستاد و در مقام تحقیق و تدقیق انکار برآمدند و قرارداد ندادند از رود کرج تا شهر طهران که هفت فرسنگ مسافت و راه است هری بریده شسته از آب کرج را بواسطه آن بدار اختلاف رسانند بنا بر این فرار داد مشغول کار شدند و شانزده هزار تومان خرج کردند و منظور و مقصود حاصل نشد پس از آن بجای افتادند که از نهر قزیه و سمنار که اصل آن از رود کرج است هری بریده شهر آوردند و چنین کردند اما چون این نهر چندان وسعت نداشت آب آن کافی نبود لهندا بار دیگر بروفق فرار داد حاجی میرزا آقاسی معمار با شئی جمعی مامور شد که از اصل رودخانه کرج نهری جدا کرده از خاک و سنگ و معابر تنگ گذرانند بشهر طهران برسانند و جمعی باجاری ایتقصید را اخذ و این بار بر فصدیکه داشتند فاین کشتند و دو سال در کار بودند و دوازده هزار تومان خرج شد همد اینسال زلزله با غلبت هات سراب گرم رود از پنجان خرابی وارد آورد امر و یا (عثمانی) احداث حسیر جدید چوبی در اسلامبول

سنه ۱۱۴۴ هجری

سنه ۱۱۴۴ هجری

اسیما (ایران) در این سال با امر اعلیحضرت شهر باز غازی محمد شاه بنو پیه جشن سو و عروسی حضرت مستطاب لبعهد کردون مهد و لث قوشوکن علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خدا الله ملکه و سلطان) پرداخت و صیبه رضیه نواب شاهراده احمد علمیرزا را برای ازدواج حضرت مستطاب معظم الشهاب فرمودند و میرزا بنی خان امیر دیوان که از حکمرانی فارس معاودت کرده و مردی کافی و کار دان بود طوی یکی این سو و سرور کردید و برای اینکه آشنایان و شلیک توپ خیاره بقورخانه و بنا بار و طهری نرسانند مقر بشهر خارج شهر در بالای عارت باغ نکارستان محلی را سطح ساخته بنیانهای مستحکم از سنگ آجر و چوب بسازند و آنجا را جشن گاه فرار دادند و در موقع این جشن هوای طهران گرم و موکب همایون به بیلاقی شمیران بود از انقانات حسنه آنکه در عرض یک هفته که موکب همایون از شمیران با تمامی خدام حرم جلالت و عیال منیرین در کاب آفتاب منیر این جشن همایون تشریف فرمای نکارستان شدند باد های خنک و زردین گرفت و ذات آفتاب در پادشاهی و سایرین از حدت و شدت که ما محفوظ ماندند چون شمیران باز کشتند باز هوای کال حرارت را بهم رسانید با کجله روز شنبه هشتم ماه جمادی الثانی صیبه محترم نواب شاهراده احمد علمیرزا را برای حضرت شاهراده اعظم و لبعهد کردون مهد و لث علیه عقد بستند و در شب عیبت هفتم همین ماه شروع بلوازم جشن سو و سبیلان نمودند و شب جمعیه پنجم رجب شبع روسی بود و آنچه در خور این جشن بزرگ و سوکازم السو بود بوجه کل عمل آمد خلقی شادی کردند و بسیار بیهیله مکارم و مواهب بیستنه طهر فرستاد

کودک در اول

کردند همد را اینسال در ماه مبارک فراج مبارک پادشاهی با از طریق اعتدال خارج گشت و ضعف قوت گرفت و  
 وجع نفرین شدت یافت امنای دولت و کارگذاران منزلزل و بکاره بخمال ذاتها بون بودند لهذا فتنه جوانان و قطع  
 الطریق موغی بدست آوردند و راهها محوف کردید و اطباء ایرانی و روسی و فرنگی بمعالجه اعلمحضرت شهرزادی آمدند  
 و فراج مبارک روی بمهبود نهاد و در عید صیام سلام عام منعقد و فاطمه خدام آستان مبارک بن پارت جمال شهریار  
 غازی فایز و پروردگار عالمیا از حامد و شاکر کردیدند همد را اینسال ز نزال در اسنوف جانشین قفقاز حکمرانی گرفتند  
 آمد و میرزا جعفر خان مشیرالدوله برای تمهید ورود او با یکقطعه نشان شمالها بون و بگوشه بسبج مراد پدروانم  
 نفیلس شد و از جانب نواب همی میرزا حکمران آذربایجان محمد خان بیکر بیک ابن فتحعلیخان بن هدایت الله خان رشتی با همدان  
 بهین فصله حرکت کرد و پس از آنجا مامورین هر دو فرستاده باز گشتند همد را بنوان بسبب ناخوشی و ضعف بنده اعلمحضرت  
 شهریار غازی خیالات منگشت شد بعضی هواخواهی حضرت مستطاب لیعهد وک علیله برخی بخمال همی نواب  
 همی میرزا و جماعته دور الله فی میرزا ابن موسی خان بن حسنقلی خان که دخترزاده خاقان مغفور و ربیب جامی میرزا آقا  
 جمع شدند و هر بطور نفاق باهم اختلافی داشتند چون فراجها بون رو بمهبود نهاد الهیله میرزا ایلیخان را بگومش  
 بر وجود و کلیپکان فرستادند و شاهزاده ملک فاسم میرزا ابن خاقان مغفور البسه حلال النور که سابقا حکومت  
 بر وجود داشت از دار الخلافه باز در باچان مامور شد که بکمزار تومان از میرزا نظر حکیمباشی قزوینی مصادره  
 گرفته ارسال دارد و حکیمباشی مشارالیه بقم رفته در آنجا اقامت کرد و میرزا آقاخان وزیر لشکر با احضار فرموده  
 در حضور مبارک چند چوب باساق بر پای او زدند و میرزا در جم پیشینت را بر او کاشته تاده هزار تومان از او بطور  
 مصادره دریافت نمایند و برادر بزرگتر میرزا آقا میرزا افضل امیر دیوان را بوقت کاشان محکوم ساختند و شعله  
 خیالات فتنه انگیز جماعت رو با نطقها داد ولی مقدمه فتنه خراسان که آن نیز از نتایج خیالات منگشته بزرگان  
 دار الخلافه بود شروع کرد همد را اینسال مردم زنجان بر علی اشرفخان ماکوف بشوریدند و احمدخان نوایی باحضار  
 آوردند شده چون علی اشرفخان بدار الخلافه آمد مغز و گشت همد را اینسال محمد کاظمخان پسر امیر محمد حسینخان کاشانی  
 شبانی الاصل بمنصب استتفا بر فرار کردید و مشارالیه پیش از این در کاشان و همدان در حکومت مرحوم شعاع ام  
 وزارت و پیشکاری داشتند و پدر محمد کاظمخان امیر محمد حسینخان در دولت شاه شهید سعید امیر محمد شاه طالب  
 خدمات لایق نموده و بحکومت کاشان و قم و نطنز و جوشقان بر فرار گشته و پسر شد محمد کاظمخان فتح الله خان  
 شبانی تخلص صاحب مراتب فضل و هنر و دارای فواید سیاحت و سفر است در نظم و نثر ماهر و استاد و از بدو  
 دولت و مقدمه فتح هرات ناکنون مشغول خدمات دولت ابدنیاد است همد را اینسال رجعلی بیک پسر فغان آقا  
 بمنصبیاد و تو بچانه و خطابهای سرافراز شد و مقرر کردید با ابو ایچیی خود ملنرم رکاب حضرت مستطاب  
 و لیعهد ابد مهده دولت علیه ایران باشد امیر (المان) ایجاد اکیوز لیسون در برلین (فرانسه) مولوی عبد  
 الرحمن سلطان مارک متصرفت فرانسه را در الجزایر تصرف مینماید منازعه فرانسه با مارک و مصالحه با آن دولت  
 مسافرت پادشاه فرانسه بلندن ایجاد اکیوز لیسون صنایع در پاریس (سوئ) فوت برادرت پادشاه و جلوس  
 پسرش اشکار اول بجای او

هدایا اینسال میرزا محمد حسن  
 اشیاای مستحق الممالک درین  
 شصت و هفت ساله در دار  
 الخلافه درگذشت و میرزا  
 یوسف پسرش بمنصب پسر  
 نایب و مستحق الممالک گشت

۱۱۴۵ هجری

۱۱۴۵ هجری

آسیا (ایران) از وقایع عمده اینسال فتنه خراسانست و تبیین این مقال آنکه اللهیارخان امیرالدوله خال

در حضرت پاشا

اعلی حضرت شهر غازي محمد شاه را با حاجي ميرزا آقاسی صفائی بنود و حجت این کدورت آنکه اختیار کما مورد و لئی  
 با حاجي ميرزا آقاسی و زمام اختیار خراسان را آصف الدوله بدست داشت و محمد قليخان پسر آصف الدوله که حاج اعظم بود  
 و مقرب محمد محرم کاهی مطالب عراض بدرد داد رخفا بعضی حضور مبارک مير سايند و از انطرف اللهقلي ميرزا ابن موسی  
 خان بن حسينقلي خان که از طرف عمارد نيريه خافان مغفور فخر شاه طاب ثراه و مادرش در جلاله از دواج حاجي ميرزا  
 آقاسی بود و پيش از این يلجانی ابل جليل فاجار کرده و در مناصب اشغال دولتی و نمايندگان اعلى حضرت ها بون و بها  
 ميرزا آقاسی و سلطنت است و دوسنه و دوشمنی او برای هر کس هابت و اثر بود که هکاه از محمد قليخان و منستنا او در  
 حضرت سلطنت ميکفت اينفقره انک انک اسباب فکار کلی فيما بين آصف الدوله و حاجي ميرزا آقاسی که بد و چون  
 بر حاجي نظير نيافت رسول از آستان مبارک بر نافت و اندیشه کرد که اگر نوبت سلطنت بحضرت مستطاب و لهيهد لئوک  
 عليه رسد سلسله و لو غرتي نخواهند است و اگر کار بجز ميرزا بالاگيرد برای او خواهد بود لهذا با بجز ميرزا  
 بر سايل و وسايل بنای مواضعه گذاشت و این مطالب در عینه عليه معرفت شد و در مقام تحقیق بودند و حسنخان  
 سالار و والد آصف الدوله که نيريه خافان خلدا آستان بود بخيالهای خام افتاد و تصور کرد که با قوتیکه در خراسان  
 دارد اگر با بجز ميرزا اتفاق کند و وفقی بطهران را نداستتلا بهر ساند و بجز ميرزا بسره حکمرانی و مکر را این بلب  
 ميخواند (مرا عار ايد از این زندگی که سالار با شتم کم بندگی) بنا بر این جیالات فاسده این او غاف در اجرای او امر  
 عليه بنای ماطله را گذاشت و بعدر های ناموجه مشک جنت و با جعفر قليخان شاد لوی يلجانی وصل کرد و چون  
 جعفر قليخان بدار الخلافه اخضا شد و رفتن مشارالیه را امضا نمود و حاضر شد جعفر قليخان مقصود را ظاهر ساخت  
 برای زید اشخصا سلیمانخان دبنلی با بهانه حکومت بسطام بآن سرحد مامور فرمودند و او و فایع خراسان را بولان  
 عراض بدرد بار پادشاهی ابصال داشت و چون در همین نزدیکی جعفر قليخان بر سر محل حسنخان نرزدنی که از هند سگدا  
 صدیق دیوان بود رفته ولایت ممال و اموال او را تصرف نمود و اهل و عیال او را اسیر کرد و محمد حسینی ان خود را ز ميا  
 بدد رفته بدار الخلافه آمد و معلوم شد ضد حسنخان اینست که از اکابر ابلات کروی گرفته بکلات فرستاد پس از  
 نریت مقد مات باقی الضمير خود را اظهار کند هم در انیسال حاجي ميرزا موسی خان را در مرحوم فایم مقام که متولیباشی بود  
 رضوتبه بود در چهل و دو سالگی در گذشت و آصف الدوله و بجایزه ها بون خود مستقد این خدمت گشت در صورتیکه  
 حاجي ميرزا عبدالله خوئی از منشیها خاص از دربار پادشاهی منصب متولیباشی گری یافت خلاصه روز بروز آثار  
 خلاف ظاهر کردید هم در این لوان اللهقلي ميرزا ی يلجانی که بر وجود حکومت رفته بود با مر حکومت و نظم ولایت جدا  
 اغنائی نکرده قدر پیر و هوای نفس و شلو و موجود خان ملک الشعراء که مردی کامل و عاقل بود هر چه منع او نمود فایده  
 نکرد دخل او را اجاره بردند و خرج زیاد بگردش ماند و بنا بر خبر بضا او باش راه دار الخلافه پیش گرفت اما حاجي فایز  
 بیک دستخطی از شهر غازي برای او برده در منزل حوض سلطان با و رسانید و حسب الامر اللهقلي ميرزا ی يلجانی  
 روانه عینات عالیان شد و نواب مهديقلي ميرزا بحکومت برود رفت هم در این سال اهالی ارزنة الروم بمنزل  
 ميرزا تقيخان و وزیر نظام مامور دولت عليه ايران حمله نمودند و شرح سال هزار و دویست و شصت نکاشته شد  
 که ميرزا تقيخان وزیر نظام بجهت کشتوی قتل که بلای معلی و خرابی محتره با ارزنة الروم مامور شد که بانفاق از  
 وکلای روس و انگلیس و عثمانی فرار کرد و اینکار و هند که بعد ها چنین حوادث ساخت و تبرضه و اشرفی و  
 عليه اقدام رود چون این امر بطول انجامید و بعد از هجده مجلس اجلاس مسئله بانجام نرسید اهالی ارزنة الروم

میرزا ابوالقاسم

فصل کردند این اجماع را از شهر خود مشرف و دور سازند و چون سفر ایران را مابین میدانستند جمعیت کرده بهانه و  
 نهی که نسبت بکلی از ملازمان میرزا قیچان بکنه بودند منزل او را احاطه نمودند و اسعد پاشا و والی ولایت نبرد باطن  
 با عوام همراهی داشت خلاصه کمال و فاخت با غوده یکد و نفر از ملازمان سفیر ایران را بکشتند و چندین دیگر مجروح شدند  
 و میرزا قیچان و وزیر نظام با وجود کمال خطر بوفار میگذرانید بحری پاشا که منصب فرقی یعنی امیر توپخانه داشت مصطرب  
 شده از وخامتای عمل اندیشید و با افواج و توپخانه بدر سرای سفیر ایران آمده بزحمت مردم را مشرف کرد و از سفیر  
 ایران عذر خواست اسعد پاشا را از نایب ناگوار اینکار و بدنامی دولت خبردار نمود اسعد پاشا و فاضل و کلای دول  
 انگلیس و روس و عثمانی معذرت بمنزل میرزا قیچان آمدند و بحری پاشا سفیر ایران و همراهان او را بار دوی  
 نظامی برد و سفیر معزی البه خواست بترجمه مراجعت کند و کلای دول مانع شدند و نوشته سپردند که تا بیست روز  
 دیگر اگر کار بخوبی نگذشت سفیر در مراجعت و غیره محترم باشد و از آنجا که بسیار از احوال سفیر ایران را بغایت خبرده بودند  
 صورت خسارت را مصحوب چاپار باسلامبول فرستادند در روز بیست و دوم بود وقت بیک باور حرب (اجود اسلطان)  
 با پانزده هزار تومان غرامت باستر ضای سفیر ایران آمد و اسعد پاشا مغرول شد و عارف پاشای حاجی بار بزرگ بتر  
 بعد خواهی در رسید و حکومت بحری پاشا و آگذاشت بعد از چند یک نفر پاشا و فوج از افواج بکر فتن مقصیر  
 آمد و سیصد نفر از آنها را با فاضل و کهای وزیر بگرفتند و باسلامبول برده سیاست کردند و لمقارن این حال  
 بحری پاشا با نیر نیکه مقبول شد و فائل معلوم نکشت خلاصه عهده نامه مودتی از اسلامبول آوردند و اخر امانت  
 العاده بسفیر ایران کردند و سفیر از ارزنة الروم بتر بتر و از بتر بتر بخلافه آمده عهده نامه را بحضور همایون موصول  
 داشت و صورت عهده نامه مزبوره از قرار ذیل است

**صورت عهده نامه مغفله فی اینک دولتین ایران و عثمانی**

غرض از ترقیم و نکارش اینکلمات مجتسه دلالات آنکه با نیطرف چون بینا بین سلطنت جاوید است سنده و دولت  
 دوران مدت علی بن ابی الدوام باد و لک علی بن عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافت بود بر همت  
 الیام اساس دوسنی و الفت و ضوابط سلم و صفون و جهة جامع اسلامیه که میان دولتین علی بن عثمانی و کار و افکار  
 که طرفین علی بن عثمانی بدان متصف میباشند با سوره اینگونه مواد تراعیه بر وجه موافق و مناسب تمامت نشان در  
 علی بن عثمانی تجدد تا کبد بنیان صلح و مسلم و تشدید ارکان موالان و مودت از جانب دولتین علی بن عثمانی اظهار رغبت  
 و موافقت شده برای تنظیم و مداره مواد عارضیه و مخرب و در نظیر اسناد مقتضیه بحسب فرمان همایون اعظم  
 قدر قدرت که بان حشمت مملکت مدار ملک کبر را پیش تاج و سر بر جلال اسلام و المسلمین جلال الدین و الدین غایت  
 الحق و البقیق و قهرمان الماء و الطین ظل الله المبرود فی الارضین حافظ حوزه مسلمانان داور همیشه جاه دار است سکا  
 انجم سپاه اسلام پناه زب بختیشت تخت کیمان افتخار ملوک جهان حد بود در یاد کاران شاعر غشاء ممالک ایران اسلطان  
 بر السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه ادام الله تعالی زمام سلطنته فلك الاجلا  
 و زین فلك قدره بصابع کواکب الافئال بنده درگاه آسمان جاه میرزا محمد قیچان و وزیر عساکر منصوره نظام که  
 حامل نشان شیر و خورشید بر بند اول سر تیغ و حایل افتخار سبز است بوجا کت مخصوص و مباحی کشته و نیز از  
 طرف اعظم حضرت که بان منزلت شمس فلك نا حیداری بدو فاق شهر باری پادشاه اسلام پناه سلطان البر بن و خاقان  
 العزیز خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکه و الشهماه السلطان بن السلطان بن السلطان عبدالحمید خان جناب

محدث مآب عزت نصاب انوری زاده السید محمد انوری سعادت افندی که از اعظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز  
صفا و لایزال نشانی محض و صریح آن ریشه است مخصر و تعیین شده بر وجه اصول عادی به بعد از نشان  
مادون و ملاحظه و مبارکه و کالت نامه ها مبارکه انعقاد معاهده مبارکه در ضمن نه فقره آئینه فرار داده شده که در این  
کتاب سنیطاب بیان و در مجلس منعقد ارزنة الروم مبادله میشود

فقره اول دولتین اسلام فرار دهند که مطلوبان نقد بطرفین را که تا مجال از یکدیگر ادعا میکردند ترک کنند و لکن بانفراق  
بمقاولات دشواری مخصوصه مند جبر فقره چهارم خللی راه نیابد

فقره دوم دولت ایران تعهد میکنند که جمیع اراضی بسطیه و لایق نهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را بدولت عثمانی ترک کنند  
و بدولت عثمانی نیز تعهد میکنند که جانب شرقی و لایق یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره گردند بدولت ایران ترک کنند و دولت  
ایران قوتاً تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت  
مذکور دارد و قنات الاوفات بطور دخل و تصرف ننمایند و دولت عثمانی قوتاً تعهد میکند که شهر و بندر خرمه و جزیره  
الخر و لنکرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب سیار شط العرب که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است  
بملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتیهای ایران با آزادی تمام از محلی که  
بجبر منصب میشود ناموضع الخاق حد و طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند

نصاب م

فقره سیم طرفین معاهدتین تعاهد میکنند که باین معاهده حاضر سا برادعاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو  
جانب بلا تاخیر و مهندسین و مامورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را

قطع نماید  
فقره چهارم طرفین فرار داده اند که خسار اینکه بعد از قبول اخطار آن دو سنانه دولت بزرگ واسطه که در شهر  
جمادی الاولی سنه هزار و دویست و شصت یک تبلیغ و مخرب شده بطرفین واقع شده و هم رسوای امرای از سالی  
که تا اخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از عدالت وصول و احقاق حق شود از دو جانب بلا تاخیر مامورین را

تعیین نمایند  
فقره پنجم دولت عثمانی وعده میکنند که شاهزادگان فراری ایران را در بر سا اقامت داده غنیمت آنها را از محل کور  
و مروده آنحضرت آنها را با بران رخصت دهند و از طرف علین تعهد میشود که سایر فراری بموجب معاهده سابقه  
ارزنة الروم عموماً رد شوند

فقره ششم بخارا بران رسم کورک اموال بخارا خود را موافق قیمت عالیله جاریه اموال مذکوره نقدا یا جنساً  
بوجهی که در عهدنامه منعقد ارزنة الروم در سنه هزار و دویست و شصت و هشت در ماده ششم که در این بخارا  
مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده و وجهی مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانی وعده میکند که بموجب عهدنامه سابقه امتیاز اینکه لازم باشد در حق زوار ایران  
اجری دارد تا از هر نوع نقد یا ثبری بوده بنوائند بکمال امتیث محلهای مبارکه را که کائن در ممالک دولت  
عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد میکنند که بمزاد استحکام و ثاکید روابط دوسته و اتحاد لازم است  
بین این دولت اسلام و بقدر طرفین برقرار باشد مناسبت بین مسائل و استحضار نمایند چنانکه زوار ایران  
در ممالک دولت عثمانیه بجمع امتیازات نایل میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور



بوده خواه در بخارت خواه در مواد سا بره از هر نوع ظلم و تعدی و بجز من محفوظ باشند و علاوه بر این بالونها  
 از طرف دولت ایران برای منافع بخارت و حمایت تبعه و بخارت را بر این جمیع محلهای عمالک عثمانیه که لازم باشد نصیب  
 تعیین شود بجز از مکه مکه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول مینمایند و وعده میکنند که کافر امتیازاتی که  
 شایسته منصب مأمورین بالونهای مذکوره باشد در حقوق و تسولهای سایر دول متخاصمه بخاری میشود در حق آنها  
 بجز جاری نشود و نیز دولت ایران تعهد میکند که بالونهاییکه از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای عمالک ایرانیکه  
 لازم بیاید نصیب تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه و بخارت دولت عثمانیه که عمالک ایران آمد و شد میکنند معاملة  
 متقابل را کاملاً اجری دارند

فقره هشتم ولین علیین اسلام عهد میکند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرفت عشایر و فبالی که در سر میباشند  
 ندایر لازم اتخاذ و اجری کنند و همین خصوص در محلهای مناسبه سکر افانت خواهند داد و ولین علیین عهد میکند که  
 از عهد هر نوع حرکات بخارت و تبعه مثل غارت که در اراضی بکلی بکمر و وقوع میباید برآیند فرار دادند عشایر بیکه منازع  
 مینباشند و صاحب آنها معلوم نیست مخصوصاً انتخاب تعیین کردن محلی که بعد از این دایما افانت خواهند کرد بیکه ضمه  
 باراده اختیار خودشان حواله شود و عشایر بیکه تبعیت آنها معلوم است حیراً با ارضی دولت منبوعه آنها داخل شوند  
 فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده که در سنه هزار و دو و سی و هشت در رزق الرو  
 منعقد شده که مخصوصه باین معاهده حاضره القاه و بغیر نشده مثل آنکه کله بکله در این صفحه مندرج شده باشد که  
 احکام و قوت آن ابقا شده است و بنامین دو دولت علیه فرار داده شده است که بعد از مبادله این معاهده در طرف  
 دو مابا کمر مدینه از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامه ها اترامبادله خواهند کرد و کان دلت منو  
 سادس عشر جمادی الثانیه سنه هزار و دو و سی و شصت و دو

هم در اینسال ناخوشی مباد در احوال خلافت بر ذکر دوار و هاپون و خدام حرم جلالت و حاجی میرزا آقاسی و بعضی از  
 امنای دولت به سلاطین و اوسان رفتند پس از چندی در اردو و نیز با افتاد و جمعی از معارف با این ناخوشی در گذشتند  
 و موکب هاپون بلواسان بزرگ رفته و پس از چندی توقف در او خوا ماه شعبان به نیاروان معاودت کردند و در این  
 اوقات خبر رسید که رحیم قلیخان بن الله قلیخان خوارزمی بعد از پنجسال حکمرانی در گذشته است چون رحیم قلی  
 توره یعنی خانزاده منصب ایناقتی داشته بقانون او ذبک مجانی بمنرسید محمد امین خان برادر کهر رحیم قلیخان خان  
 خپوشده است بنابراین از دربار پادشاهی میرزا رضا بنوینت تقریب بخوارزم رفت و در اینسال کنیا  
 دالغورکجا از جانب دولت روس بوزیر بخاری بدر بار دولت علیه آمد مقرر شد و وزیر بخارت سابق معاودت  
 نمود و در اینسال آب رود کرج که پیش بدان اشاره نمودیم بخارج شهر طهران جاری شد و موکب هاپون از  
 قصر قاجار بقماشای این شهر تشریف فرما شده بعضی تشریفات بجای آمد و در اینسال محمد حسین میرزا یحیی حشمه اللد  
 که در تبریز اقامت داشت در گذشت و میرزا محمد شفیع شیرازی مشهور بمیرزا کوچک مخصوص بوصول از محول  
 شعرا و خوشنویسها و ارباب کمال و حال در شهر از وفات کرد و نشاطی خان هزار جریبی شاعر نیز در اینسال  
 بدو در زندگانی گفت امر پارانگلیس حرکت فرانکلن بطرف قطب شمال (فرانسه) شورش سخت در مملکت  
 الخراب باغواوی امیر عبدالقادر مخاصمه فرانسه با مکرک معاهده با امام مستط (عثمانی) شورش بطایفه ارناؤت  
 طایفه در روز در لبنان نسبت بطایفه مارونیک که مسلمان صدقات زیاد مینهند

سند ۱۲۶۳ هجری

سند ۱۲۶۴ هجری

اسیما ( ایران ) در این سال حسنجان سالار ولد الله پادشاهان آصف الدوله خالوزاده اعلم حضرت شهریار غازی محمد  
عصیا و خود سری خود را آشکارا کرد و آنچه آصف الدوله او را نصیحت کرد مسود بختید آخر الامر آصف الدوله کجا  
گفت من صد هزار تومان برداشته بطهران میروم اگر در امر سلطنت اختلالی است من بتر مردم را برانگیخته همین میرزا را  
از آذربایجان مخفی بیاورم و تو را خبر میدهم که راه دار الخلافه را پیش گیری و مقصود حاصل شود و اگر اختلالی در کار  
نباشد با حاج میرزا آقاسی دوستی کنم و این صد هزار تومان را ببلای زمان حضرت سلطنت پیشکش نموده حکومت قوش  
و اسر آباد و سمنان و دامغان را ضمیمه حکمرانی خراسان میبایم آن وقت بهتر میتوانم خیال خود را با انجام رسانیم خلاصه  
آصف الدوله بطهران آمد و با آنکه چندان محل اعتنائش در فرمائی صادر کرد که سالار منوچهر پاشا شد و میرزا محمد خان  
پسر دیگر آصف الدوله بخراسان رفت بنیابت آصف الدوله حکومت کند و سلیمان خان حاکم بسطام . یافند نفر نیکو و  
یکصد سوار و دو عراده توپ با میرزا محمد خان نامزینان بفرستند بدینوال میرزا محمد خان از بسطام گذشت و بسالار پیغام  
داد که توپ و سوار و پیاده بسطام را بیا نه همراه آورده ام اگر از من میدهی تصرف کنم سالار در جواب گفت هنوز زود است  
محمد خان توپ و سوار و پیاده بسطام را باز پس فرستاد و نزد سالار رفت سالار و جعفر قلیخان ایلیانی شاد لونیچان  
افتادند که کلاش را تصرف کنند و معتقد در دست ایشان باشند و چنین کردند بعد از آن جمعیت کثیری فراهم آورده غازم  
شیر دار الخلافه شدند چون آصف الدوله از واقعه با خبر شد اجازه سفر مکه معظمه حاصل نموده روانه کرد بدین محاز  
کوفی در این سفر نمود و انعامات وافره بداد و ابراهیم خلیل خان سر نشین حاجی اسمعیل خان با جمعی از پیاده و سواران  
دار الخلافه بدفع سالار روانه شد و در غره رمضان بسطام رسید و از آنطرف سالار با لشکری جزا ناسبز وارد  
جعفر قلیخان کشاد لور آباد و از ده هزار نفر مقدمه الحش ساختن از راه کلاته پنج بقره بقیع آمده انزاق کرد و بنیابین  
لشکر کتوزد و فرسنگ بود سلیمان خان حاکم بسطام و ابراهیم خلیل خان مشورت کرده فرار بر این دادند که ابراهیم  
خلیل خان با جعفر قلیخان رو برو شود اگر غلبه کرد بنیابین را با بسطام آید بنا بر این فرار داد ابراهیم خلیل خان  
با لشکر جعفر قلیخان دو سه نفره مصاف داده آنها را شکست دادند بعد از آن حسنجان سالار با بیست پنج هزار سوار  
و پیاده خراسانی بمنزینان رسید و محمد خان بغاری و جهانگیر خان کوی را با هزار سوار با مدار جعفر قلیخان فرستاد  
و در این اوان محمد علیخان از سرداران ظاهر همرا با ده عراده توپ چهار فوج سرباز از دار الخلافه بدامغان و از اینجا  
بله ملا آمد و دوازده هزار خراسانی متصل بشنخون و هله بر اردو محمد علیخان نموده ولی معلوم منضم گشتند  
و ابراهیم خلیل خان در ده ملا محمد علیخان پیوسته و یکروز بعد نواب حمزه میرزا ( حشمة الدوله ) برادر و الا کهر شهباز  
غازی با چهارده عراده توپ پنج هزار نفر در رسیدند و ابراهیم خلیل خان و محمد علیخان باردو شاهزاده  
ملحق گشتند و معلوم شد که سالار با بیست پنج هزار نفر در میامی انزاق داشته و دوازده هزار سوار منضم  
بدو پیوسته مستعد قتال میباشد نواب حمزه میرزا بطرف میامی باندند و سالار با خبر شده آماده جنگ شد  
و چون احتمال قوی میداد که مفعود کرد چهارده راس اسب بجوامع خود سپرد آنچه میسر بود وجه نقد بزرگ  
اسبها بسته که اگر بنای فرار شدست عالی نمائند پس از این تمهید ناپره قتال اشتعال یافته دست بجانب سوار  
و عساکر خراسانی بجزیه متفرق شدند و برخی بر کاتب الا آمده از سالار خبر می نمودند سالار پسران خود را با جعفر  
قلیخان و سلیمان خان در جزیه و شاهزاده خان قاجار کرمانی برداشته مجبور گریخت سلیمان خان در جزیه

نزد نواب حمزه میرزا آمده اظهار عبوس کرد و معروض داشت که سالار میخواهد در قلعه کلات محصن شود نواب عظم  
 او را مامور در وجه جز و دفع سالار نمود سالار امیر اصلاخان پسر خود را با نفوذ و جواهر بکلات فرستاد که اگر بکلی  
 مغلوب کرد و خود نیز بدباجار و در مردم کلات امیر اصلاخان را راه ندادند و او در خارج کلات بماند سالار نیز از جوی  
 به بوزنجرد آمده بوزنجرد بان او را پذیرفتند لهذا با جعفر قلجان بطرف آخال راند و چون چهل هزار تومان بجهت  
 همراه داشت نرگانان بطبع زر سالار و همراهان او را پذیرائی کرده فرار او غلان آن بیکه آنها پورث و الاچنی خود جای  
 داده و طایفه توقمش را که تابع وی بودند نزد سالار آورد و اظهار خصومت نمود از آن طرف نواب حمزه میرزا که سالار  
 شایسته میکرد بوزنجرد رسیدند و چون شهر مشهد را نظمی نبود ابراهیم خلیل خان داروانه از خراسان فرستاد و میرزا  
 محمد علیخان را بکومت بوزنجرد و آن نواحی برقرار کرده خود نیز بمشهد مقدس فرستاد محمد علیخان چون در بوزنجرد بدست  
 کرد مردم بسالار و جعفر قلجان ایلیخانی منوسل شدند سالار و ایلیخانی با فرار او غلان و دو هزار سوار بوزنجرد آمده  
 این شهر را متصرف شدند و محمد علیخان مقتول شد و فسون ابواجعی او در کله محسوس گشته در مدافعه میکوشیدند  
 نواب حمزه میرزا از ماجری خبردار شده تعلیم میرزاان و یزدان بن رضا قلجان زعفرانلو نوشته و راه مامور بوزنجرد  
 نمودند و محمد علیخان فاجار نایب نیز بالشرکی با ساحل فرستادند و خود نیز عازم بوزنجرد کرد بدایلیخانی و سالار  
 چون دانستند که مردم بدان مقادیر نپسندند بعضی از طوایف شاد لورا کوچ داده و نرگه و اگر ادیسر بسپا از سران  
 خاصه از طایفه بیات برداشته روانه آخال شدند و نواب حمزه میرزا بوزنجرد آمدند و با آنکه برف باریده و مسالک را  
 صعب نموده قصد غایت سالار و ایلیخانی کردند و به مانه که محل سکای ایلیخان و طوایف شاد لو بود راندند و چهل  
 روز در ایجار حمل اقامت انداختند همد را بنیال عبداللہ خان امین الدوله اصفهانی در ماه شعبان در محف  
 اشرف درگذشت و نواب شیخعلی میرزا ابن خافان مغفور وفات نمود همد را بنیال خسر و خان کرجی بگردستان  
 مامور شد و بعضی بهمن میرزا نوشتند که خسر و خان بکر فتن تو می آید لهذا بهمن میرزا بطهران آمد و اطمینان یافت  
 و چون خسر و خان بگردستان رسید مقلدا امور حکومتی گشته رضا قلجان والی گردستان را که مغزول شده بود  
 بدار الخلافه فرستاد همد این سال میرزا جواد غلام پشچند متهمش زاده میرزا محمد علیخان شیرازی و ذریه مامور  
 خارجه مامور اسلامبول شد که عهدنامه را که میرزا تقیخان و ذریه نظام در ارضه الروم بسته بود مبادله نماید  
 همد را بنیال بهمن میرزا مجدداً توهم کرده بسفاردخان دولت دوسر رفت و بموجب سند عا و ز پر بخار دوسر معفو  
 گردانند و نقل شده در خاک دوسر گشته همد را بنیال حاجی ملا محمد تقی میرانی که در ششم بابیه در مسجد فرزند در محراب  
 آگشته شد و آقا میر محمد مهدی امام جمعه دار الخلافه رحلت نمود و آقا میرزا ابوالقاسم برادر زاده او با امامت بجای او  
 برقرار گشت همد را بنیال حاجی سید اسماعیل مجتهد قزوینی را بسبب اجابت گفت و حاجی میرزا مسیح طهرانی که  
 در عبادت عالیات ساکن بود در همدان سالکی جواد رحمت از دی پوکت همد را بنیال هزار چهار سدی و  
 هشت نفر که حاجی میرزا آقاسی خود آباد کرده بود و نفر بیاد و کرد و قیمت داشت بشخص هابون شهر بارغازی  
 همد پشکش نمود آسرو پای (انگلس) در برت پل بصدارت منصور میشود بعد از چندی روز روز سیل بصدار  
 برقرار میکرد دستور درارند فتح ملک لاهور در هندوستان که بعد از فتح د و کرد و لهره از اهالی لاهور  
 جرمه گرفته میشود (روس) شورش در همدان که بزودی دفع میشود (اسپانول) مزار و جنت ملکه با این عم خود

فرانسه

فرانسوا (فرانس) بجای پادشاه در تائی از کشته شدن فرار لوی ناپلیون از قلعه هام بروز محظ و غلا  
در این مملکت طغان آنها و خرابی شهرها انقلاب در انجرا بر بواسطه امیر عبدالقادر لودی پیغم معروف سناره  
بنظون را انکشاف نمایند اختراع پنبه بار و طی جمیث فرانس در این سال هفتاد و نیکر و راست (ایطالیان) فونی گور  
شانزد هم پای و جلوس در نهم بجای او (روس) بروز و باد بریز بورغ که سه سال متداد میابد (عثمانی)

ایجاد مدرسه دارالفنون

۱۸۶۷

شماره هجری

آسیا (ایران) در پنجم محرم این سال جعفر قلیخان ایلیانی قصد سبزوید و شیخون بارد و نواب حمزه میرزا (حشمه  
الدوله) که در مانده بود نمود ولی کاری از پیش نبرده جوانیکه لطفعلیخان بغایری را که مامور بقلعه خان بود دستگیر  
کرده به آخال بردند و چون در میان قبا بل توقفتش و او تمش در توقف سال در آخال خلاف در گرفت سال در اعان  
کلاکت کرد و پس از آنکه دانست کلاکت بنصرف پسرش امیر اصلا نجان در نیامده بسرخس رفتن همان اراضیان رخس پند  
تا آنکه سرخس کردید و امیر اصلا نجان پسرش با اهل و عیال بدو پیوست پس از چندی معلوم شد جعفر قلیخان در محلی  
از کرکان بکن کرده نواب حمزه میرزا عبدالله خان افشار صابن قلعه را با سواران افشار و خواسانی بر سر او فرستاده او را  
منهزم کردند و جعفر قلیخان بطرف هرات رانده بنار محمد خان پیوست و نواب الاشب هفتاد سنک راه طی کرده بر سر  
ناخته جمعی را مقنول و دستگیر نموده آخر الامر شفاعت میر سعید الله خان فندر سکی سیصد خانوار کرد و کان از ترکانان گرفت  
آنها را بسلفان پورث دادند و جمعی از سواره آنها ملزم رکاب الاشدند پس از آن خبر رسید که سال از با هشتاد نفر  
قصد شهر مشهد کرده ابراهیم خلیل خان با جمعی مبادعه او مامور شد و در کان یا قونی جنک در گرفت عبدالله خان  
افشار صابن قلعه و دو برادرش مقنول کشتند ولی سال در منهزم شد و جمعی از ترکان اسیر گشتند و نواب حمزه میرزا  
بشهر مشهد رفتن نظم امور پدید آمد و فر اول بحر است میرزا محمد خان بیکر بیک برادر سالار و متعلقین ایلیانی کردند  
مطهره حضرت رضا سلام الله علیه نشستند بودند کذا شنه مصطفی قلیخان فرار کوز لو سپهرت همدانی را بحفظ شهر مامور  
کرده سام خان ایلیانی ابن رضا قلیخان زعفرانلور را بر کاب الا طلبیده بجزم دفع سالار بقرا بقعه حوالی سرخس رانند  
دیش سفندان سرخس پیشکشته فرستاده از سالار توسط نمودند مقارن این حال نواب حمزه میرزا در مرضه شدید عارض شد  
و سالار و برادران او موقع را مساعد دیدند مواضع در ششبر مشهد کردند با پیغنی که برادران سالار اشار و اهالی شهر  
بطغیان محرب کرده و سالار را بنصرف شهر خواندند چون شهر بشورید نواب حمزه میرزا با وجود ناخوشی بطرف شهر  
رانده اهالی که باغی بودند مبادعه برخاستند و در این وان سالار نیز بالشرک پاد بمشهد آمد و ناده فرسنگ مسافت از  
اطراف شهر مشهد مردم بجای اهالی شهر منفق و با سالار مساعد شده کار سالار فونی گرفت و هر روزه فها بین عساکر  
نواب حمزه میرزا و اهالی شهر و سالار جنک در کار بود و جمعی از طرفین مقنول میشدند مقارن همین اوقات ناخوشی و  
ضعف بر فراج مبارک اعلم حضرت شهر بار غازی محمد شاه غالب آمد و آفتاب عمر این پادشاه که در جود و سخا و علم و جفا  
و عزم و عزم و لشکر کشته و مملکت ستانی عدل و مماندی نداشت میل فول نمود نواب سبسطاب الاحاجی مغمدالدین  
فرهاد میرزا در کتاب جام جم شرحی از این واقعه غم افزانکاشته و نارنج ارنحال شهر بار میرزا رضه محمد شاه غازی  
چنین نظم فرموده اند

سبب شش چهار روزی فرار و بست شب سه ششم هم از مه شوال

بمصر نوشته ایران زمین محمد شاه اجل پیا له عمرش نمود ما لامال

و معصوم از قهر نوقصر جدید محمدی است که در غریب بجز نشد و مدت سه ماه بامر شهریار میر و اسکنه الله فی دهاض التری  
ساخته شد نیز نواب سنطاب معظم در کتاب عدک و کوبند و لادث شهریار غازی محمد شاه روز سه شنبه ششم ذیقعه  
هزار و دویست و بیست و نه بوده و مدت عمر مبارکش چهل و یکسال و باز ده ماه تمام قری و نفس مطهر ایشان را در  
باغ لاله زار که خارج شهر طهران است بامانت گذاشتند و پس از و شاعنشا هجج اعلحضرت هابون ناصر الدین  
شاه خلد الله ملکه و سلطان به دار الخلافه طهران آن حید مبارک را بقم فرستادند و در شب عبد غدر هین سال در  
صحی مفلس حضرت معصوم سلام الله علیها مدفون گردیدند و این قصر جدید شباهت کلی بقصر سبکتکین داشت  
که قبل از وفات خود بنا نهاده چنانکه کلیای یکی در رتبه عینه کوبید در اواخر ایام و خوانم عمر سبکتکین سرانی فرمود  
بود و اورا سهل آباد نام کرده و مالی بسیار عمارت آن اتفاق افتاده و او ستادان چوب دست در محبتن و نیزین  
اساس وضع قواعد آن صنعتها بدیع و نافعهای غریب نموده بسبب جاد ثر کار نه او نام تمام بماند و فرزندان او از آن  
اعراض کردند و بدان فال بد زدند تا خراب شد و سعیه کرد تا سبعلی شان دفتر بود ضایع ماند خلاصه شهریار  
السبه الله حلال النور جامع اوصاف حمیده بوند خط نستعلیق خوش منوشتند در صنعت نقاشی مهارت داشتند  
و مدت ملکشان چهارده سال و سه ماه بوده استانی

نکارنده کوبید بعد از آنکه دست این مصیبت پراهن حبر و شکیب اهل مملکت خاصه خانواده سلطنت و رجال و ارکان و  
فیانم و اشکها جاری و دلها فرین سو کواری گردید مرهم اینر خم جانسوز و در زیت غم اند و جلوس ایما نوس اعلحضرت هابون  
شاهنشا هجج ناصر بن الدین شاه آید الله تعالی بود بر سر پر کرد و سپر خلافت و اریکه سلطنت که این سرش اجران محنت  
گردید و دهنها پس از آن هم خون جگر خوردن بچندید ( اقبال را بوعده وفا کرد و زکار) جسم مملکت جانی ناز گرفت و  
اجن مکرمت و وحی اندازد بافت جمال ملک و کمالی شایان حاصل گشت و دست معدلت او را ق نظاول ایام را در نیش  
و از آنجا که ماسرح سلطنت و شهر یاری این شهر بار عادل با دل متعنا الله تعالی ببقا در کتاب ماسر السلطان در ضمن  
دو جلد مفصلا کاشنیریم در این کتاب محتاج بدیسط بنسیم محض اینکه تر نیب از دست زد و خلاصه مطالب را خواهم  
نوشته بعون الله تعالی

هدرین سال چون شهریار ماضی انا الله تعالی برهانه از قهر محمد ته شمیران بر باض قدس در پیوستن نویبت خسری با علن  
هابون خسرو صاحبفران شاهنشا کل مالک محرو سه ایران شهر بار عادل بازل ظل الله المهد و السلطان السلطان بن  
السلطان و الخافان بن الخافان ناصر الدین شاه فاجار ارام الله تعالی ایام ملکه رسید ذات ملکونی صفات فقد  
که تا آنوقت بولایت عهد سلطنت در دار السلطنه فریز شریف فرما و در ان نظام امور مملکت آذر با بجان نخست  
مبفر دند بعد از وقوع غایله هابله شهریار ماضی طاب الله تره مسرعی از طرف نواب مهد علیا طیب الله تر نبها و امنا  
دولت اعلام را با آذر با بجان شنافت (نواب مهد علیا دختر زاده خافان معفور فتحعلی شاه و فرزند امیر محمد فاسم  
خان بن سلیمان خان فاجار قوائلو والله اعلحضرت شاهنشا هجج بودند) و نواب معظم لها بنظم شهر و نواب دار الخلافه  
و تمهید مفدا ن جلوس یاد شاهی دام ملکه رای و ندا بر صابیه فرموده شاهزاده علیقلی میرزا که بزور فضل و دانش  
آزاسنه بود بوزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند خلاصه سپان و رود چیر و وصول خبر با آذر با بجان  
و اقدام کار گزاران با انجام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سوار شب چهاردهم شوال المکرم بعهد

کامکار در نبرین بیمار کی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امر حاضر شده جلوس مبارک را هینت گفتند از شاهزاده  
 بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمد فی میرزای حسام السلطنه بقبیل عیبه علیه سر بلند کردیدند و میرزا یفتخان  
 فرهاینی و وزیر نظام و میرزا جعفر خان مشیرالدوله بجهت لشکر و تهیه سفر و روانگی موکبها بون بدار الخلافه پرداختند  
 و فرمان صادر شد که میرزا جعفر خان متوقف بتریز و مامور امور و در کنار جده باشد و موکب اعلی روز نوزدهم شوال از شهر  
 نبرین هفت فرمود و چون مردم نبرین و طهران از طایفه ما کوئی و حاجی میرزا آقاسی بجهت که داشتند علیخان ماکوئی را  
 که سرتار آنرا با چنان معروف بود دخلی در اینجاست ندانند و میرزا فضل الله بنصره الملك به پیشکاری مشغول بود و میرزا  
 یفتخان و وزیر نظام بر توفیق و فوق امور لشکر سپرداخت و چون محمد خان زنکنه امیر نظام در اینوقت در کنش میرزا یفتخان  
 منصب امیر نظامی یافت

و از اینطرف حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر میباید و از همه ما بوس بود بجهت اما مزاده  
 عبدالعظیم علیه السلام پناه برده بیست شد و امر او بزرگان هر منظر مقدم فرخنده ششم مبارک بودند و اجابا اگر فساد  
 در داخل و خارج میدیدند بقدر قوه در اصلاح آن میکوشیدند و قطع و فصل احکام برای صابین و ابمهده علیا  
 طابثرتنها بود منشور همام قوم فرمودند و ملا حظا منظر و شد حاجی علیخان و الد مؤلف را که در اینوقت از زبارت  
 بیست الله الحرام مراجعت کرده بحکومت و تنظیم کیلان فرستادند و عباسقلیخان جوان شیر نصیبت فرای خالصه پرداخت  
 جعفر تلخیان فرای اجاعی و پناه سوار بحفظ خزانه اصفهان مامور شد که سلامت بطهران برساند با کله موکبها بون  
 کوچ بر کوچ سلطانیه رسیدن نواب عبداللّه میرزا عم شاهنشاه ایران بوزارت میرزا شفیع نوبه کانی حکومت حمله یافت  
 و در این ایام میرزا نصر الله اردبیل صدور الممالک خیزد و اصدا اعظم <sup>اولت</sup> و چنان مینداشت که بجز در وصول اردوی معلی  
 این منصب بدو تفویض خواهد شد سبب الملك میرزا اولاد اکبر ظل السلطان که در فرزندین متوفی بود بوسا من نسا بمیان  
 قبایل نواحی فرزندین رفته بنای سرکشی گذارده هوسر بادشاهی افتاد و ارقام با طراف فرستاد ولی سلیمانخان افشار  
 او را در بقعه اما مزاده معروف بکانز سنک در یافت و دستگیر نموده بدار الخلافه آورد همد این ایام میرزا علی علیخان  
 شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دار الخلافه بود تا اردویها بون در فریب یافت آباد که فریب دار الخلافه است  
 قرار گرفت شاهزادگان و بزرگان درگاه بخاکوسر آستان مبارک سرفراز شدند در این محل پیشکاری میرزا یفتخان این نظر  
 معلوم هر کس کرد و میرزا علی سعید انصاری کاتب اسرار مکتوبه <sup>کتاب و نبره و نگار</sup> و منشی در سایه خاصه شد

روز جمعه بیست و یکم شهر ذی قعدة الحرام اعلحضرت شاهنشاه کل ممالک محمد و سپهران با مر و شگوهی فرزندان دار الخلافه  
 طهران را بقدم سعادت لزوم مبارک نبرین فرمودند و در شب شنبه بیست و دوم در سرای سلطنه پیش روی کلاه فرکی  
 هفت ساعت و بیست دقیقه از شکی نشسته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا یفتخان بلغنابا بیک و منصب  
 صداری عظمی نایل گردید و ببلغنابا فخر خلع آمد

روز شنبه بیست و دوم سلام عام در نالار تخت مر مر انقفاذ یافت و هم از آن روز میرزا یفتخان انایست اعظم به  
 ندابرا عور ممالک محمد سپرداخت و بامیرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالک دیگر بصیرت داشت  
 راه اتحاد گرفتند میرزا بوزارت میرزا موسی نهرش مشغول بگومش فرزندین رفت شاهزاده میرزا ولد فرمانفرمای  
 مرحوم حاکم کاشان شد و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت در روز نهم ذی قعدة شهر یاری میرزا و طابثرتها را  
 بدار ایمان تم نقل و تحویل دادند حاجی نور محمد خان سردار و سلیمانخان افشار با مداد نواب حمزه میرزا و نظم

و اصلاح امور خراسان و قلع و قمع حسنخان سالار و جعفر فلجیان روانه خراسان شدند نواب شاهزاده سلطانزاده  
 میرزا که بلفیض حسام السلطنه اختصاص یافتند نیز از جانب علیحضرت شاهنشاهی مأمور خراسان و مصمم فتح بوزنجرد  
 و نخر بیاسفر این شد و نورمحمدخان و سلیمانخان هم باردوی نواب الاحسام السلطنه آمده و جعفر فلجیان که منفوق با  
 سالار بود با ستمانک سلیمانخان برقیفه اطاعت و انقیاد دولت درآمده روانه طهران شد و پیران و ورد و معفو و  
 مورد مرحمت شاهانه گردید و نواب حسام السلطنه با لشکر راه خراسان گرفته بسبزوار رسید و لشکر را بجا حاضر مقرر  
 فرماداد و در اینوقت بسپاه از خوانین خراسان سرطاعت پیش آورده باردوشاهزاده پیوستند و پیوسته نقاط  
 و بلاد دیگر عرض راه خراسان مسخر سپاه منصور گردید و نواب حسام السلطنه پیش میرفتند در حوالی جوبین ثلاثه فریبین  
 شده جنگ سختی مابین سپاه منصور و لشکر سالار اتفاق افتاده و دوپشت نفر از فستون سالار مقتول و خود او فراری  
 شده پس نشسته مجد ابراهیمخان فاجار از جانب نواب الاحسام السلطنه جوبین یافت و شاهزاده قصد شتر سبزو  
 کرد در اینوقت مجیدخان ثریزی از دارالخلافه با استعداده مجده و خزانه در خور و نشانهای الثقات برای ساختن و  
 دیگران در رسیدن شاهزاده حسام السلطنه اسکندرخان سرینچه فاجار را با استعداده وانی بر سر تپه تریشر فرستاد  
 تریشر تریشر نیز سپاه منصور گردید و شهر و حصا بسبزوار هم که چندی در محاصره بود مفتوح شد و شاهزاده از  
 از آنجا عزیمت نیشابور کرد و اما مویزدیجان بیات که از جانب نواب الاحشمة الدوله حکومت نیشابور داشت در این  
 مدت بسالار موافقت نکرده بود در این موقع با استقبال آمده استعدا نمود که جمعی را معین فرماید تا به نیشابور  
 در آمده شهر را با ایشان سپارد در این ایام که عید نوروز فرزند بود نیشابور را نیز بضر و کردند

هم از وقایع ایصال مأموریت میرزا محمد صادق و قایع نکار در اوایل سال بوکالت رعایای غامی آذربایجان و رسیدن  
 بحاکمات مملکت مأموریت میرزا جعفرخان مشیرالدوله سیر حد بغداد بود که با اتفاق و کلای دولت در سرانگلس  
 و عثمانی از آنجا بجزیره سرحد ارضی دولتین را تشخیص نواب مؤبدالدوله طهمااسب میرزا مأمور بحکومت کرمان و  
 فضلعلیخان از آنجا اخضا شد و سعلیخان حاکم بزد بدارا اختلاف آمد و حاجی بیژنخان کرجی که رئیس سفید علی  
 خلوت بود بحکومت بزد رفته بزودی نیز مغزول شد نواب میرالدوله بهرام میرزا با یالت فارس و نواب کرکندالدوله  
 اردشیر میرزا بلرستان و خوزستان و خانخان سلیمانخان فاجار حاکم اصفهان شد نواب میرزا نادر میرزا از مازندران  
 خواسته مازندران را برادرش نواب مهدیقلی میرزا سپردند و در زمان او نشسته طایفه بابیه موجب هلاکت جمعی گشته  
 شد همدان ایصال میرزا فیضخان صدراعظم عیاش شاهنشاهی حضرت شاهنشاه سرفراز گردید بعضی افواج بخریب برخی  
 امراء حسود بر میرزا فیضخان شوریده دوباره آنها را آرام کردند حاجی علیخان والد مؤلف منصب فرانسوا شیکری  
 قیامین علمای غیر از اختلاف پیدا آمد و نواب ملک فاسم میرزا حکمران ثریز با صلاح پدید آمدن میرزا احمد شاملوی  
 خوشنویس در گذشت حاجی میرزا آقاسی مقرر شده بعینات عالیات رفت و میرزا نصرالله صدر الممالک اردبیل  
 را بعد از شورش افواج مغرضین متهم نموده بقر رفت و از آنجا او را روانه کرمانشاه کردند و آغا بهرام فراباغی  
 نیز بجزیره و لاکرمانشاه برده و سپردند و جمعی از امرای که مورث فتنه و شورش و برضد میرزا فیضخان بودند بنبسته شد  
 آقا سید میرزا علی کشی بمصیبت پیشخدمت حضور نابل گردید حاجی رجبله سبک با ورتو چنانکه سرهنگ تو چنانچه شد  
 مادام تلساز فرانسوی روجه حاجی عباس شپازی که بشرفنا سلام مشرف شده بشغل مشرفی خادمان حرم جلالت  
 بر فرار کردید

بهر وجود فرستادیم

نیشابور

تفسیر شرح فتنه بایستی

هر دین سال سید مجیدی سپر آقا سید جعفر معروف بکشتی اصطهباناتی که از خواص مریدانها باب بود نیز در رفت  
 معتمدین او در بلاد و ممالک محروسه منفرد و بنای دعوت و عوام فریب نهادند از جمله ملا حسین بشرویه که از  
 علما و بامید باستان تابع او شده بود در مشهد مقرر در میان فتنه سالاری مشغول فریب جمعی بود او را  
 گرفته بار دو نواب چشمه الدوله آورده همس کردند بعد از چندی در حرکت او فرار کرده بمازندران رفت  
 و سید چهار صد نفر از فریب خورگان با او وصل شدند که با دزدان با بجان بسیاری سید علی محمد روند و سید علی  
 که از سال قبل در حضور حضرت آقا سید و بعهد و جمعی از علمای دار السلطنه نیز بمعرض اصحابان و اخبار در آمده و  
 بطلان دعای او و مشهور و خاص و عام گردیده بود بامر آقا حضرت و بعهد و فتوای علما انا ان زمان در چهار تو محسوس  
 بود و نابین او در هر جا در پرده بنای فساد و عوام فریبی گزاردند حاجی محمد علی نام بار فروشی که او نیز یکی از مشاهیر  
 این طایفه گردیده بود با ملا حسین بشرویه و جمعی دیگر در خارج شهر بار فروشی افاعت کرده در پرده بنای عوام فریب  
 گذاشتند سید علما خبر شده امر باخراج آنها نمود و کار بمنزعه و مفاصله کشید و دوازده نفر از بایسته نقل سید  
 و بعد از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند و در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف  
 فنلای محققین و مشایخ طبرستان قلعه بنا کرده متحصن شدند و کشت بفارث ماکولات و محصولات رعیت کشیدند  
 و جمعیت فغان بد و هزار نفر سید نواب بهد نقلی مرزا با خوانین و سرگردان مازندران بدفع این طایفه مامور شده  
 و در خارج قلعه خرویه با بایسته محاربتی سخت کردند و ملا حسین بشرویه در مقام عصیان ثبات قدم بجزج میداد و مثل  
 خوبها بناحق رنج شد تا عاقبت سلیمان افشار فاسم لواز در بار معدلئد مامور مازندران شده قلعه را  
 گرفته و انطایفه مطرده و قلع و قمع کردند نیز از فتنه های این قوم مطرود یکی خروج ملا محمد علی زنجانی در نجف  
 بود که بعد از مدتی محضن در زنجان و کرد آمدن جمعیت زیاد بر او و محاربات سخت با مشون دولت آخر بدست  
 محمد خان بیکر یکی سپر فخر علیخان کپلانی زنجان مسخر و ملا محمد علی مقبول و سایرین نیز مقبول و منواری کرد بلند و  
 معلوم اولیای دولت شد که اصل شعیب فساد وجود سید علی محمد است لهذا فتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدان  
 او از چهار بقی بتریز آوردند و بیکر سنده از فوج بهاداران نصرانی سپرده او را نیز باران کرده بکشیدند و این واقعه در  
 هزار و دویست و شصت و شش و نمود فتنه دیگر خروج سید مجیدی سپر آقا سید جعفر اصطهباناتی در نیز بفرس  
 بود و جمعی هزارهالی با او گردیدند بوان بیکر محمد علیخان بن حاجی شکر الله خان نوری و مصطفی فلیخان فرار کرده  
 سر بزیج حکم نواب بیضه الدوله فرزند میرزا حکمران فارس بدفع سید مجیدی اتباع او مامور شدند و بعد از مفاصله بر  
 علیه کرده سید مجیدی را دستگیر نموده بشیراز آورده بحکم قضاوت بکشیدند و ذبن العابدین خان حاکم نیز بکضعه  
 در کار حکومت هم رسانیده بود دوباره مستقل شده و در این چندی او را در کومابه بکشیدند امر پیا (اسپانول)  
 در این سال در داخله اسپانول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد (اطرش)  
 داخل دولت اطرش در این سال مسی و سی بیج کرد و دویست و سی و هشت هزار فلرن و خرج سپه و سی و  
 هفت کرد و دویست و نود و هشت فلرن بود (فلرن معادل د و هزار و پانصد پنا پول ایران است) (المان)  
 در این سال اشرار فتنه از هستان که در نظر پروس است بواسطه شورش که در سال قبل نموده بودند بنیستند  
 (انگلین) در این سال جوانان دانکلس لشکر طبرستان بندینب از بنکی دنیا نیامد پول که متدا کئل که از معارف اند



بود و فایده افتادار انگلیس را فغانستان و لاهور و تبریز نهاد مپانند دولت چین و انگلیس مجادله در گرفت و این دولت چین را بنصرف کانتون که بند چین است تهدید کرد و بعضی امپاراتها از دولت چین مجتهد دخول مال البخار خود حاصل نمود ( ایتالیا ) و رود اول سفیر دولت عثمانی بدر بار پاپ در این سال بود و همچنین بطبع رساله هند و خیل دولت پاپ اول در فدر ( پرتوغال ) عجز دولت پرتوغال از نظم و رفع شورش داخله مملکت استعانت نمودن از دولت انگلیس در این سال بود ( روس ) در این سال محظوظ و غلاد در فرنگستان نمودار شده غلات و حیوانات دولت روس در آن ملک بقتل و مبالغه کزان بفرود شد و انبفرد موجب مکت و آبادی و وس شد طلای بیادای نیز از معادن کوهها اورال عاید روس گردید ( سوئیس ) در این سال هفت ایالت سوئیس که مذهب کاتولیک دارند در بعضی مسائل که راجع مذهب است با وکلای تمام ایالت سوئیس که در برن پایتخت مجتمع شده مخالفت نمودند و اول اطریش و فرانسه هم در باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب محرم و نفی سبکتند لیکن دولت جمهور سوئیس نزال در خوردن با بجاه هر از نفر جنگ اهالی آن هفت ایالت ماموساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منضم نمود ( فرانسه ) در این سال در فرانسه محظوظ حیوانات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد اما کتدم روس که از بند ادو ساحل بکشتیها فرانسه شدافاته کلی بحال اهالی مملکت فرانسه نمود مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود مسیو کپرو منصب صدارت پافت پرشس اولاد خواهر لوی فیلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد امیر عبدالقادر مبارک فرزند مؤدود و مال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید در مارت امیر عبدالقادر را حکم سلطان مارت گرفته دبر فرانسه تسلیم نمودند دخل دولت فرانسه را این سال دو بیست هفتاد و هفت کرد و بیست و پنج هزار و شصت هشتاد و پنج هزار ریال و خرج سپه و بیست و یک هزار و دویست و شصت و هشتاد و بیست و پنج هزار بوده افتتاح راه آهن از اسپین ببولن هم در این سال شد امریکا ( اناٹونی ) در این سال ما بین اناٹونی و مکزیک جنگ سخت روی داد و قشون اناٹونی مکزیکه پایتخت مکزیک را فتح کرد ( هاپتی ) در این سال ریشه و ریشه سوئیس وفات پافت و سلوک که از جنس سپاهان بود بر پاست بر فرار کردید

### شدهجری ۱۲۶۵

### شدهمسیحی ۱۸۴۸

آسیا ( ایران ) شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی بمبارک تحویل شمس ربیع حمل شد و شرابط سلام خان و عام و جشن نوروز در شب روز بعل آمد مطلب هم این سال باز رفع فتنه خراسان و دفع محمد حسنخان سالار و نواب چشمه الدوله بار دوی خود متوجه هرات کرد پده در دوشنبه غوربان لشکر کاهی اختیار و از نیمه عمر تا آخر ربیع الثانی در اینجا اترق نمودند و بار محمدخان از بابت مالیات هرات نفذا جنساً خدماث نمود پس از اطلاع نواب چشمه الدوله از ما مورث نواب حسام السلطنه عزیمت بنشاور و در ایجاد و شاهزاده و برادر یکدیگر را ملاقات کرده و در آن اشنا فرمان احضار نواب چشمه الدوله و ولایت نواب حسام السلطنه شرف وصول یافت و نواب چشمه الدوله پس از ورود بدار الخلافه و شرفیابی حضورها پون بکومت آذربایجان منصوب و میرزا محمد مشوق و دلمیرزای قوام الدوله بوزارت ایشان مخصوص گردید و در این ایام چراغعلیخان زنکنه را برای کشف امور خراسان و اسنالت سالار بداسناحت وانه نمودند و او پس از چند روز توفیق در مشهد و چند مجلس ملاقات و مقالات با سالار و علمای مشهد آخر بپیل مراسم مراجعت کرد و بلطایف الجبل جان خود را از شر او باس و جهال مسلمانان بریده بار دوی نواب حسام السلطنه پیوسته و از آنجا روانه دار الخلافه شد با کلمه نواب حسام السلطنه

سلمات

سلیمان خان دره جزئی از فرمان داد تا کلاک را تصرف نماید و خود از راه سر لایب پشاور و مشهد مقدس کرد  
و چون بقلعه شاهان که در چین کوبانغ واقع و در تصرف توابع سالار بود رسید فرمان مجاصره و لشکر دار پیران  
قدری مقابل و لکنی خون ریزی از طرفین سکنه قلعه منظم و قلعه مفتوح شد و قلعه کبان از دراسیمان در آمد  
و اردو شاهزاده از آنجا بچین قهقهه و از چین قهقهه بخارج مشهد مقدس رود نمود و در زمان ده هزار نفر  
از شهر بیرون آمده از طرفین جنگ در پیوست و پیران چهار ساعت مجاصره فشقون شهری پیرنشت و نواب شاهزاده  
حکم داده مجادتی هر دو روزه سنگر محکم شدند و هر روز کار مجاصره بیست و نایره فغال از طرفین اشتعال داشت  
ولت کسکند هر شب ایدار هر روز از طرف لشکر سالار بود و چندین بد بینوال گذشت سالار را دیکر نابکار  
و سفالنده را که مجبوریتش در داد و برای بخارج سپا لشکر سنی دامن کبر او شد و بجبال اقصی تصرف خزانم حضرت  
رضوی علیه السلام افتاد و باجرات و جسارت تمام هر چه در خزانم مبارکه قنبه مطهره آنحضرت از فتاد پل  
طلا و نقره و ما برالات زرین و سیمینه اشیا نفیسه بود بنجا برد که بسبب دو هزار تومان زر مسکوک از اشیا  
طلا و نقره بدست می آمد و حیوانات انبار خاصه حضرت را بجای علوفه بلشکران بخش کرد و از امام جمعه و علمای  
مشهد بددل شده آنها گرفته مجوس داشت و محبت آنکه از علمای مجوس مسک با بمهر اثاث و اسباب منتهو حضرت  
را گرفته بخدا آستانه مقدسه میسر و خلاصه باز در این ایام از دار الخلافه طهران لشکری بمبارد و نواب  
السلطنه روانه خراسان داشتند که معاون اردو و منابع حصصا خان سر تپت باشند و ان لشکر عیارش بود از  
عباسقلیخان بنا بر اهیجان باد کوبه و فوج خوئی و علیخان فراکوزلو و فوج هدانی و حسنقلیخان سر تپت که الحال  
سالار لشکر است با فوج کوه سی و جمعی از سواران کرد و نژاد آذربایجان و عبدالعلیخان مراغه سر هنگ توپخانه بنا  
چهار عراده توپ برخی دیگر از فشقون ظفر نمون سالار هم از اموال آستانه مقدسه باز بر و قوی گرفته دوباره از  
طرفین ساز جنگ کردند و ابایی چند بد بینوال بود بنا باز لشکر سالار منظم و در حصصا شهر محقق شدند بطوریکه  
غدیر بیرون آمدن از شهر و بالشکر حسام السلطنه رزم کردن برای آنها مانند ولی از بالای باره و برج بواسطه توپ  
و تفنگ معارضه می کردند و گاه گاهی آنها از فرسوده نموده بر سنگرها پورش می آوردند و حاصل جز انهم از بنیافتند  
هم از دار الخلافه حاجی بوسنجان سر تپت فوج قراداغی و توکل خان با فوج خسته چهار صد نفر سوار کلیانی و پانصد بار  
قورخانه و سه عراده توپ بارد و ملحقی شد و حکم والا بر عده و استحکام سنگرها افزودند و از آنطرف باز ساجری  
بجنگ شده هر روزه با بیشتر امیر اصلا نجان بیرون آمده بالشکر فیزی اثر مجاریه می نمودند و زباده از دو بیت  
نوبت با سپاه منصور کارزار شده بودند که امنندان از وقت صبح تا هنگام شام میبود در این ایام اسکندر خان  
فاجار از اردو خراسان بدار الخلافه احضار و محمد ناصر خان دولو (ظهر الدوله) سرداری سپاه خراسان مامور  
بالجمله در مقام انیسال سپاه نصر پناه و غازبان دولت مشغول مجاریه با سالار و محاصره شهر مشهد مقدس  
بودند تا عرصه بر اهالی شهر تنگ و دلها از طول مدت مجاریه و محاصره ملول گردید و عده سبب تراخی و طول  
زمان این بود که غازبان دولت پنجره استند بواسطه کینهش شر بر سالار و اتباع مخصوصا و که از در طغیان و عصیان  
در آمد و باعث این همه شر و فساد و نباحی حال عیاد شده اند بجا که در نجر پشته و ملک و ائلاف نفوس  
مشرکه اهالی در عینکه در هر حال باز هر دو ملوک پادشاه و متعلق بدولت بودند بگوشتند  
هدر اینسال پیرزا آقاخان نوری بلیغبا اغما الدوله ملقب گردید و میرزا کاظمخان ولد مغزی الهی بمنصب

استفانایل آمد میرزا محمد حسین ولد میرزا محمد حسین عرب باشی همپن منصب نیرسرا فرزند همد را اینسال در شهر  
 نیرسرا نشو و نشی در میان عوام سکنه و اهالی برخاست و محمد رضا خان فراهانی که در اینوقت وزارت آذربایجان  
 داشتند سناری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرود نشاند نیراز و قایع اینسال رفتن عزت خان اجودان  
 باشی شب با پروان برای هفت روز و حضرت ولایت و سرالکسان در دویم پسر مرحوم امیر طور نیکلا  
 (امیر طور مانی) مرچو که مقبول شدند پدر همین اعلا حضرت امیر طور الکساندر رسم که برای نظم حدود نفقاز  
 و مملکت کرچستان با پروان میآمدند و نامه مودت خنامه با تمثالی مهر مثال مرصع و مکلن با لباسهای قیمتی با یکشنبه  
 حامل آسمان رنگ براهی مغزی لپه برای حضرت ولایت و نفعها نفاذ فرمودند و اسمعیل خان خزانه دار نظام نایب  
 اول سیرد ولایت شده حامل هدیه و تحفه امیر نظام برای فرمانفرمای کرچستان گردید

هم از سوانح این سال طبعان بعضی از اشرار اصفهانست چون خان خانان را از حکومت اصفهان بدبار اخذ  
 و حکومت اصفهان را بغلام حسین خان سپهسالار تفویض داشتند و محمد حسین خان خلیج بنیاد است پهلدار از پیشتر با اصفهان  
 آمد روزی به بازی با یکی از بستگان مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه نزاعی کرده حوث امام جمعه منظورند شد  
 امام جمعه هم برآمد اشرار فتنه جو اصفهان که سرهشتا آنها احمد میرزا که از طرف مادر سبلاطین صفوی می  
 پیوسته میرزا عبدالحسین مشغوش و محمد علیخان و سپهسالار ابوالقاسم غیره بودند بی رضای امام جمعه فتنه را بزرگ  
 کردند و محمد حسین خان خلیج نایب الحکومه پهلدار را در مسجد جامع بکشند مابین اشرار بلد و سرپاز و بستگان  
 حکومت حبال و قتال سخت شد جمعی از اشرار خلافت ما مور در غایب شدند آخر اشرار فراری و منواری جمعی  
 از آنها مقبول و دستگیر شده احمد میرزا بقم فرار کرد پسرهای محمد حسین خان خلیج دستگیر و باخته بخون پدید  
 اورا بکشند و میرزا عبدالحسین مشغوش مدتی در فرید خورکاشان منواری بود و آخر الامر در فرید خور  
 اصفهان در خانه علی نام ملازم خود ترکسان سپهسالار اورا گرفته بشهر برده بقتل رسانیدند و بعد از  
 این غایب چراغ علیخان حکومت اصفهان ما مور شد

همد را اینسال نواب خورشام الدوله خاندن میرزا حکمران عربستان و لرستان و برورد خورشان لک گرفته  
 مغلوک بدار الخلافه فرستاد و عیال علیان جوانی بکومت اذربیل و مشکین ما مور شد و از حاد تا بن این سال  
 وفات شاهنشاه افغانه سلطان محمود میرزا بود که بولعظم منصوب میبود و در سفر سن رحلت کرد و حاج میرزا  
 آقاسی که در عیبات عالیات فامت داشت بقا لم باقی روانه و محمد حسین خان سردار ایرانی حکومت نیرسرا یافت  
 و آقاخان ایرانی از آقاربا و نایب الحکومه او شده بنیرد رفت و محمد عبد الله که در اینوقت باز دم از خود سری  
 میرد و اشرار دورا جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمیکردند پیران چندی آقاخان از نیابت مغزول و شیخ علیخان  
 عمزاده محمد حسین سردار بجای او منصوب شد و محمد عبد الله با اسما لث و احتیال بدست آورده مقبول داشت  
 و شهر نیرسرا آسوده و منظم شد و هم بصواب بدین نظام ابراهیم خلیل خان را از دار الخلافه با هر بار دیپل کوچ دادند  
 امیر (اسپانول) در اینسال شورش در مادری پدای تخت اسپانول برپا نمودند لوزاناکه یکی از شوران  
 بود مجبور شد میان دولت اسپانول و دولت انگلیس بجهت نفی سفیر انگلیس قطع مراد شده شد اول  
 خط راه آهن در اسپانول بمسافت بیست و پنج هزار ذرع که از بارسلون الی مائنا و با شد ایجاد و ابداع شد  
 (اطرش) در اینسال بتعین وزرای مجارستان شده و معین کردید که از وزرای مملکت اطرش بخبری باشند

در شهر

در این پای تخت اطریش شورشی برپا و مسیو فرنیج وزیر اعظم مغزول شد امیر غور اطریش نسبت در این  
 وین و بعضی ولایات دیگر نوقف نمودن در شهر انبوروک را غیر لازم دانسته از اجتماع اجرت کورد حساس اطریش که در حاکم  
 ابطال بودند شهر فرار که جز دروم و در تصرف پای بود بقلبه منصوب شدند امیر اطور اطریش سباز چندی وارد  
 شد مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است بدولت شوریده کونت لامبرک سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش  
 مامور بود بقتل رسانیدند و نیز در این کونت لا نورد وزیر جنگ را شورشیان کشتند امیر اطور محبوبا از وین با  
 فرار کرد و سه روز سبلا ستر افریشون دولتی شهر وین کوله توپ نارنجک می انداختند تا روز سیم شهر تسلیم شد  
 امیر طور فرزند اول از سلطنت استعفا نموده اعلحضرت فرانسوا ژوزف برادرزاده خود را که در اوقفیت هجده  
 ساله بود بجای خود منصوب نمودند (انگلیس) در این سال در بعضی از شهرها ارتد شورشی بدینا آمد لویا  
 که از معارف رجال دولت بود در کنت ایتالیا در این سال در جزیره سبیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا  
 شد قیامین دولنا اطریش و ساردین و لباردی نزاع در گرفت ایالتین ساردین و لباردی یکی شده سلطنت متاثر  
 البریاد شاه پمین را اختیار کردند شهر میلان که بنصرف لبر در آمده بود و از تصرف اطریش خارج گردیده بوا  
 نفاق جمهور طلبان برپا شده از نضرت متاثر البریون شدند و مجددا بنصرف اطریش درآمد شهر وین در  
 نواب اعلان جمهور نمودند با پی بعد از قتل مسیوروسی صدر اعظم آزاها لی روم سوظن حاصل کرده بناچار رفت  
 (باوین) در این سال لوی پادشاه باوین از سلطنت استعفا کرده و لاد خود ماکسیمیلین دوم را بجای خود نصب کرد  
 (پروس) در این سال در برلین پای تخت پروس مختصر شورشی ظهور رسید (دانمارک) در این سال کرستیان هشتم  
 پادشاه دانمارک در کنت سلطنت بفر در یک هفتم ولدا شد او رسید ایالات اسلشویک و هولسٹن شورشی نمودند  
 فشنون پروس با این ایالات وارد و رانزل سردار پروس چند شهر از این دو ایالات را تصرف کرد دولت فرانسه و انگلیس  
 روس را این جنگ مدخله نموده حمایت از دولت دانمارک کردند روس در این سال در اغلب بلاد ممالک روس  
 شد بظن ظاهر شد و در بعضی نقاط خستک سالی سبب شفتها الی کرد بدست روس در این سال سلاطین سود و دانمارک  
 با یکدیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات یا عنبر سلطان سوامدار نمود (سوئیس) در این سال  
 شهر یون پای تخت دولت و مرکز جمهور گردید و مقرت مستوفوفات کلیسا با اطلاع رجال دولت جمهور مجاری مقر  
 برسد (عثمانی) در این سال رشید پاشا صدر اعظم عثمانی بجه مقدمه از صدارت عظمی عزل و صارم پاشا نصیب  
 کرد بدجهد اعدا از بجای نصب رشید پاشا در افلاق بغداد شورشی نمودند و فشنون روس بهمانه نظم این دو پای  
 آمده نابوکارس پای تخت رفت (فرانسه) در این سال لوی فیلیپ پادشاه فرانسه بواسطه شورشی مردم خود را  
 از سلطنت خلع نموده پسرزاده خود را بجای خود پادشاه نمود اهل پارسی تمکین این مطلب نکرده بشورشی نمودند  
 لوی فیلیپ غفلت فرار مملکت انگلیس نمود اهل شهر بمرحله خونریزی شدند در حوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت  
 سلطنتی که موسوی بویلری بود غارت گردند نگاه اهل فرانسه چندی دولت موفق وضع نمودند بعد تمام اهل  
 مملکت جمهور طلب شدند لوی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول که در مملکت انگلیس فراری بود وارد پارسی  
 شده دو سه بار لسا را بسختی کالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند آرتوگ پارسی که اعظم قستیین  
 انشهر بود با چند نفر در یکی از جنگها که اهل شهر با هم میگردند کشته شدند آخر الامر لوی ناپلیون برپا  
 چهار ساله جمهور بر فرار شد راه آهن از پارسی لند رسید در این سال کشته شد ستا تویر یاند که شاعر

سفایر جنگی پادشاه ناپل  
 و ساردین بر بند نظر است  
 از بناد اطریش وارد شد

معروف و فو پسند مشهور اند بود بستن هشتاد ساله در اینسال در گذشت (هلاند) در این سال در مملکت هلند  
 فرار ازادی دیان شد با بیغنه هر کس در هر مذهبی باشد در کال آسودگی در فاهیت میتواند در این مملکت زیست و  
 زندگی نماید افریقا (مصر) در اینسال مرض محمد علی پاشای مصر کشاد یافت و ابراهیم پاشا ولد محمد علی  
 پاشا والی شد و چیزی نگذشت که در گذشت عباس پاشا برادر زاده محمد علی پاشا بوالیکری رسید امریکا  
 (انائونی) در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت  
 مسیحی مهندسی از اهالی بنگالی بنام محمد طلایی در سواحل رودخانه های سالرماننو و سان ژوانیک در ایالت کالیفرنیا  
 انکشاف نمود نزال بنو در پاست جمهوری منجبت بر فرار کردید بنام این ناوونی و مکزیک عهد صلح منعقد گشت  
 نول کالیفرنیا را مکزیک بمبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان و جبرایح ایران و آکنار کرد با ناوونی

۱۴۹۱ مسیحی

سنة هجری

آسیا (ایران) تحویل بزرگ اعظم محل در اینسال هشت ساعت و یکدقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی  
 گذشته بود و مراسم جشن تحویل و سلام محمد بوجهی شایان بعمل آمد نظم ممالک در این سال بدوجه کال رسید عهد  
 اخذ که در کار کشور بنظر میآمد فتنه سالار اغتشاسر کار خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید نظام میل  
 بانظام شده صورت اختام یافت بدین شرح که موافقان سالار در آخر الامر مجز و بیچارگی شادی شد و رعایا  
 آمد و قصد اطاعت و متابعت نواب حسام السلطنه کردند و در نظم جمادی الاولی اینسال شهر مشهد را بشرط اینچ  
 و سلامت جان و مال خودشان بنصرف عساکر منصوبه دادند سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر  
 بدرون صحرا مفلس پناه برد و هواخواهان او متفرق شده هر یک بطرفی رفتند و چون سالار خود محرم آن روضه  
 مفلسه بقعه مبارکه را نگاه نداشته بود امروزه بنجته سواعمال و خامنه آنهمه حساب نهاد امز گهر خود او شده حکم  
 نواب حسام السلطنه او را باد و پسرش امیر صلان خان و پسران بخش میرزا و محمد علیخان برادرش دستگیر کرده ببلشکرگاه  
 بردند و پسران شورای عسکری بنون جرابم و تقویت سالار آنها را سیاست مثل رسانیدند بعد از انجام اینخدمت  
 نواب حسام السلطنه بستان عثمانی بمثال همایون و شمشیر مرصع و هین لقب مغرور و نابل کردید و مجددا صرخان  
 سردارستان الماس یافت و هر یک از چاکران خدمت گذار با نذاره لیاقت و خدمت مورد مرحت شده دارای خلعت و  
 نشان گردیدند و بعضی از نوپها و افواج روانه دارالخلافه نمودند و چراغ علیخان بعد از دود و فولر آفاسی گشت و  
 نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد بنزد اینسال فتنه سید مجیدی رفع و با تها در رسید و شرح آن در ذیل قاف  
 سال اول نگاشته شد نواب ضوق الدوله حکمران فارس شیخ نصر خان پسر شیخ عبدالرسولخان در بابیکه را از حکومت  
 بند بوشهر مغزول و میرزا حسنعلیخان ولد حاجی قوام الملک را بجای او حکومت دادند شیخ حسنعلیخان شیخ نصر خان  
 بنرسید که این حکومت مورد ثن از این سلسله بیرون رود با مداعراب راه حاکم جدید با بست در بند بوشهر نشین  
 مصطفی قلچان فرار کوز لوی مرتب با افواج خود بمجاونت میرزا حسنعلیخان و مدافعت شیخ حسنعلیخان برقت و او را  
 دفع داد و باز ای پنج خدمت منصب پر پیچیدگی نابل و میرزا حسنعلیخان سالها در آن ولايت با سبک پسندیده بماند هم از  
 و تابع اینسال طعینان میرزا قوام الدین بهبهانی برادر میرزا منصور خان طباطبائی است که سالها در کوه کبلو حکومت  
 داشتند و وی را حکومت بهبهان بجهت بیعالاتی صافی نگشتند و زکری ترد منو چه خان معتمد الدوله و پسر از آن  
 در خدمت امین الدوله عبداللہ خان بسمر بود چون حکمرانی فارس بنواب الا بهرام میرزا (مقر الدوله) رسید

محمد که بخان فاجار یا لک کوهکلو میر یافت امورا آصفیات غلی نکرش والوار سکن آن بلاد خود سری کزیند میرزا قوام  
 بلخاخرافه معاوینت اعراب بعضی دیگر دستنخستین در اموال و اشیای خلاق در از کرده و قلعه ها محکم کرد و کلاب را  
 تعمیر کرده راه خود سری پیش گرفت و بقطع طرق قوافل پرداخت و بر فراز اعراب افزود و در دفع او کوششها رفت  
 تا آخر الامر در حکومت نواب فیروز میرزای بصره الدوله بنیست عباسقلخان سردار کار بجائی گرفتار شد و او را بشیراز  
 و از شیراز بدار الخلافه آوردند و حسب الامر مجوس کردید و محمد باقر خان نوری نیز بدست سردار مزبور افتاده مغلول  
 شدند و نیز در این اوان نواب مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران امور و شعور بلوچستان را منظم کرد و ساخان الخاق  
 و عیالقلخان میرنیج و میرزا عبدالباقی منولیا بشی حضرت رضو علی السلام از دار الخلافه رخصت یافته بمشهد  
 مقدس مراجعت کردند و بر حسب امرها چون شاهنشاهی در آن بلاد سراج و خانها ساختند و بتجیر سرخس نصیم  
 نیت دادند سلیمانخان دینی حکومت خربت رفت و محمد بقیخان جوانشیرها که شاه رود و بسطام کردید و محمد رضاخان  
 فاجار حکومت اردبیل و محمد حسینخان نوری بکاردازی مشکی نابل شد و فاسخان فاجار جراحیات حکومت  
 فراجة راغ یافت و حکومت ارومیر نواب مصطفی غایم را موقوف شد و محمدعلیخان ماکوئی منصب میرنخبه کرد یافت  
 محمد علی بیگ ناظر شاهنشاهی میرزا میرزا قاسمی ابلات قره یون رفت و اهل او را مهلت نداد نظار شاه علی حضرت اقدس  
 هاپون بنظر امیرخان ولد امیر کبیر فاسخان خال شاهنشاهی موقوف شد قوج مصطفی قلخان بیا شاخان مکرری  
 ( مظفر الدوله ) سپرده آمد موکب فیروزی کوکب اقدس علی غریب قم و بعضی از نواح عراق فرمودند امری با  
 ( اطریش ) در اینسال اهالی مجارستان بدولت اطریش باغی شدند سردار اطریش از طرف امپراطور این مملکت و اندکسرا  
 مانع بنظم مجارستان و بنسبه اشرار و باغیان شد و در وسط زمستان قشون مجارستان گشته وارد شهر بود  
 پایتخت آن مملکت کردید عساکر روس که در و الاشی بودند بکامپراطور اطریش وارد مجارستان شدند و اولیها  
 مجارستان بیست شهرها را که بنصرف قشون دولت بود منصرف شده کوسو نام را بنسب چهره و فرار داده اتفاق کرده  
 مجارستان را خارج از مملکت اطریش اعلان نمودند و شهر سیپک در حوالی شهر بود پایتخت میباشد بنصرف باغیان  
 در آنجا علیحضرت امپراطور اطریش بشخصه سرداری عساکر خود را متقبل وارد و خود را در شهر پسرورک فرار داد  
 عساکر روس که در اطلاق بعدان بودند ملاحظه اینکه مبادا شورش اهالی مجارستان امتداد یافته بجهت همسان  
 روس سزایت نماید بجددامصمم حمایت امپراطور اطریش شده قشون بکامپراطور اطریش مجارستان فرستادند  
 نیز در اینسال لشکر اطریش در ایتالیا فتح نموده و قلعه مدین را منصرف شدند سردار بزرگ اطریش را در نزدیکی نام  
 در نواریاد شاه ساردین را مغلوب کرد و پادشاه ساردین از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را  
 بساطنت انتخاب بر فرار داشت سردار من کور اغلب شهرهای ایتالیا حتی فلورانس و غیره را منصرف شد و مملکت  
 نوبار و دیگر اکر از ممالک ایتالیا است علاوه و نیز کلیه بنصرف اطریش در آورد بگذر سنه از قشون فرانسه وارد بندر  
 سپونیا و بشیابند با لث دوم شد بعد از فوجات مذکوره در ایتالیا جرات عساکر اطریش در مجارستان زیاد شد  
 در دفع اشرار بخاطر بیفتن حاصل نمودند یکصد هزار قشون از روس مجله وارد مجارستان شده بکامپراطور  
 اطریش آمدند سردار این قشون بسکا و بیج بود علیحضرت امپراطور روس شکلاهی مرحوم بشخصه به کراکوی بکام  
 امپراطور اطریش آمد باغیهای مجارستان مناسصل شده فرار برقرار اختیار کردند و پناه بجاک عثمانی بردند بالاخره  
 بعد از یکسال یا عنکری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد ( المان ) همد اینسال اجراء

پارلنت که در شهر فرانکفور جلوس منجورند ریاست دول معااهده المان را که آن زمان با اطریش بود مسترد ساخته  
وکلای پارلنت منفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول معااهده المان خلع نمودند این ریاست را پادشاه پروسی  
در آن فردیک کبوم بود تسلیم کردند پادشاه پروسی جواب صریح در رد یافتول این شغل نداده اما از نظر امپراطور  
اطریش مجلس وکلای پارلنت اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را  
که جز و سایر وکلای در این پارلنت بودند احضار بوی نمود دولتین و در بمبورک و باویر که از دول معظمه المان  
میباشند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروسی باشد پادشاه پروسی هم بالطبع مایل اینکار  
نبود و قبول نفرمود بواسطه عدم قبول پادشاه پروسی ریاست دول المان را که خلک با حکام مجلس فرانکفور وارد آمد  
بود در مملکت هاننور که نیز از دول المان است در بعضی ممالک دیگر المان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت  
ساکس از دول المان شورش سختی کرد که مردم بر ضد خانواده سلطنت شدند فشتون پروسی را در زد پای تخت آن  
دولت حمله برده شورشیان را منفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود در ایالت باد نیز بنای شورش  
شد بعد از چندی پادشاه پروسی ریاست دول المان را ضعیف شد مشروط که بواسطه عهد نامه سلاطین ساکس هاننور  
قبول این فطره نمایند و بر عهد گرفته که داخله مملکت المان را مضطرب سازد و دست شمن خارجی را از ممالک المان کوتاه  
نماید در پروسی نزال پوکریا کمال رشادت و سخنی در مملکت باد با شوشیان جنگ دارد در پائیز این سال سلاطین  
اطریش و پروسی ساکس با هم ملاقات کردند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروسی چنین معااهده شد که از هر  
طرف و نفر بجهت ریاست ممالک المان تعیین شود که فی الواقع ریاست خطه را آن بعد همان دولت اطریش و پروسی  
مشترک باشد ( انگلیس ) همدان سال بندر عدن در عربستان که متعلق بدولت انگلیس است بجهت تجارت تمام روس  
زمین باز شد ایالت گینه را که در افریقا است انگلیس از پر توغال اتباع نمود نیز جنگ انگلیس با افغانه و هند بنگا  
لاهور بمبئی و فیخ ملتان و حمله افغانه به پنجاب و فتح پنجاب بدست عساکر انگلیس تصرف آنجا از وقایع این سال  
هدر این سال بجهت عبوکا اسکراه آهن بر کرد در بادر بوغاز منی پلیستند که جزیره انگلیزی وصل بکار آمد و شد  
جمعیت انگلیس در این سال پنجاه و هشت کرد و بوده ( ایتالیا ) در این سال اعلام جمهوری در شهر روم وضبط  
موقوفات کلیسا بدست جمهوریان اتفاق افتاد جلوس و بکورا مانوئل بر سر سلطنت ساردین و شورش اهالی ژن پادشاه ناز  
از وقایع این سال است الی سابق در پارم با عانت اطریش مستقل کردید دول اطریش و فرانسه و اسپانیا بول ناپل پای  
اعانت نمودند که از شتر جمهوریان روم محروس باشد چهار هزار فشتون اسپانیا بول سرداری ژنرال کوردوا بک  
پاپ لند و اهالی روم بنای محاصره با فشتون فرانسه گذاردند روم محاصره و در واسط نا بستان مفتوح شد ریاست  
جمهوریان با کاری بالدی و مازینی بود سلطنت ظاهری پای مملکت روم بنوسط فرانسه استقلال یافت شارل  
البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پر توغال در گذشت مابین پادشاه ساردین و بکورا مانوئل امپراطور  
اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد پای کایت که آنجا را مامن خود قرار داده بود بروم مراجعت کرد ( دانمارک )  
هدر این سال مابین دانمارک و عساکر المان که بک شورشیشان اسلشویک هولشتین آمده بودند شروع بمنازعه شد  
و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند فشتون دانمارک عساکر پروسی را که بک باغنها آمده بودند شکست دادند  
و شش ماه مابین باغیان و دولت دانمارک اتفاق افتاد نیز در این سال بواسطه دولت انگلیس مابین دانمارک  
و پروسی سایر دول المان انعقاد مصالحه شد ( روس ) در این سال دولت روس با اطریش و شورش مجارستان

کل

کلی نمود و خرج این امداد شصت و درمنا شد اعلحضرت امیر اطور روس فرمادند که طایفه خود که در ممالک  
 روس موقوف اند با باید لباس و وس ملقب شوند با ملبوس جدید فرانس را اختیار کنند با هر سال مبلغی مابین این  
 جمعیت چهل و نه اباک مملکت و سبعة روس در این سال یکصد و هشتاد و نه بود و هزار و سبصد نفر بودیم  
 و فایع این سال اینست که جمعی که در صد و نفل اعلحضرت امیر اطور روس بودند بدست می آیند و بیست و یک نفر آنها  
 که از عدالتخانه حکم قتل آنها داده شده بود امیر اطور از قتل آنها در گذشتن جنس مؤبد می کنند (سولس) همد  
 این سال در مملکت سولس اوزان و مفاد بر بطرن فرانس قبول میشود (عثمانی) در این سال دولت عثمانی با دولت  
 روس در خصوص افلاق بغداد معاهده می بندد در این معاهده قید شده که حکام افلاق بغداد را عثمانی معین  
 خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال بر سر شیکا والی افلاق بغداد کرد بدین در این  
 سال دولت اطرش و روس با دولت عثمانی گذرت حاصل نمود که چراغ را بر کاهنای و مجارستان را که بنا  
 بجاک او برده بودند پس بنده دولتین انگلیس فرانس و روس را توسط نمودند امیرال انکلیس با  
 باکشتهای جنگی انگلیس بک عثمانی وارد دادند شد (فرانس) در اوایل این سال لویی ناپلئون برادرزاده ناپلئون  
 بزرگ که در چهارده کمر و منجنیقین بازده کمر و یکصد هزار نفر او را بر باست جمهوری منجنیق نمودند با این شغل  
 فرار شد و عمارت البره را مسکن او فرار دادند در این حال در فرانس مدت دو ماه و بای شد یک روز کرد  
 بیگارشال بوژ و داز این مرض در گذشت مرگ آن فرانس در نزال و دینوژ نزال و لپان روم را مستخر نمودند  
 مارشال مولیسنو که از سرداران رشید بزرگ فرانس بود نیز در این سال اتفاق افتاد (هلاند) در این سال کپلوم  
 دوم پادشاه هلاند در گذشت و پسر او کپلوم سیم در اوایل بهار بجای او جلوس نمود (مصر) در این  
 سال محمد علی پاشای مصر در گذشت امریکا (انائونی) در این سال در ممالک اناونی گفتگو را با آزادی سپاه  
 که در بعضی ایالات این ممالک برده بودند نمودند و صیانت انکشاف معادن طلا در کالیفرنیا با طرف رسیده از  
 هر طرف جمعیت رو بکالیفرنیا آوردند اول و فتنه که منجر به منسجم علی الخصوص جای بیان ما وارد شد این سال  
 بود آیات کارولین انائونی شروع بزراعت چای نمودند (بنگال و بنای جنوبی) در این سال نزال روز در ربا  
 جهو ابان نوزد استقلال نام و نام بهم رسانند و این پالت با انگلیس بهان فرار که با فرانس عهد تجارت دو  
 بسته است معاهده نمود

سنه ۱۱۵۱ هجری

سنه ۱۲۴۷ هجری

آسیا (ایران) تحویل آفتاب مجلد و جمعیه هفدهم جادی الاونی بکساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب  
 گذشت بود نواب حسام السلطنه والی خراسان مسافرت بسرخس و دفع شر نزال که آن حدود و نامین و نصف  
 آن نواحی را نموده مراجعت پاریس کردند چراغ علیخان زنکنه قوللر آفاسی که بعد لقب سراج الملک یافت  
 بحکومت اصفهان نایل شد محمد امین خان والی جنوبی که بعد از برادر خود را خوارزمشاه میخواند تا بنا بر محرم  
 که از نزال پکان او بود با همدایا لایحه سفارت ایران و بیست و شش شاهنشاه عیبه روحان فداه مامور کرده در ما  
 ربیع الثانی وارد دار الخلافه شد و شرفا بند و حضور مبارک کردید و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی است  
 سپهر نشان همراه او بخوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد بر حسب امرها چون مرحوم رضا خان  
 الله باشی را که یکی از اعیان کاروان عتد ام در بار معتمد اار و مردی خیر و بصیر و نگارنده فاضل و بی نظیر بود انتخاب  
 نمودند

عمر باصطلاح اهل  
خوارزم بیست و شش



نمودند و اعازم این سفر شده و قایم مسافرت خود را من البدو الی الختم نکاشته و شرح این مسافرت در جلد دوم  
 مرآت البلدان موسوم بآثار السلطان نکاشته شده است در اینجا حاجت با عاده نیست همدایین سال در این وقت  
 جاوید عدت یعنی در الخلافه با هر روز نامه دولتی جاوی اجاز داخله و خارجه بعضی اعلایان بخاری و غیره  
 ایجاد شد و اول نمرة این روز نامه که از طبع خارج کرد بدو رخ بناریج ربيع الثاني سنه هزار و دویست  
 و شصت هفت بود نیز در این سال بواسطه فراوانی آنکه در هر نقطه شهر در الخلافه ساخته شده بود بنظم  
 سهرافزود و مقرر شد که در سایر بلاد نیز فراوانی آنکه در هر نقطه شهر در الخلافه ساخته شده بود بنظم  
 آقاخان ماکوفی سرتیپ سواره فرزند پسر پادشاهان مکرری (حالا مظفرالدوله است) سرتیپ فوج سمنان  
 و دامغان شد سلیمانخان دینیه حکومت تربت یافت بوسیله افتخار را منصب سرهنگ فوج جدید افتخار ارومیه دادند  
 رضاقلیخان ولد سلیمانخان افتخار صابان قلعه بنیاب حکومت صابان قلعه برقرار آمد همدایین سال مقرر شد که  
 ماهی و مریه بکلی و وزغره و مریه دیگر در پانزدهم ماه چا پار بادز با بجان و فارس کیلان و مازندران و کرمان و  
 خراسان و اشترآباد و کرمانشاهان رفته مراجعت کند محمد تقیخان جوان شیر خا که شاه رود و بسطام کرد بدست  
 خان نایب اول اجود انباشی مامور مصلحت گذاری و اقامت لندن شد میرزا حسنخان (مشیرالدوله سپهسالار  
 اعظم مرخو) ولد میرزا بنی خان امیر نومان مامور بکار پیرازی بمبئی شد بنای کارخانه چیه سازی در دار الخلافه  
 طهران و کارخانه بلور سازی در قم شد مسئول دوزی در لباس اهل نظام که تا آن وقت در ایران معمول نبود در  
 طهران مستماة بجور شد خانم نمونه از آن دوخته بنظر اولیای دولت ساینده و حکم شد سردست بفرصت صاحب  
 منصب را مسئول دوزی کنند مثال چوخای مازندران طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز بسیار بخورد  
 حکومت اردبیل محمد رضاخان قاجار بقویض آمد محمد حسنخان نوری بحکومت مشکیان و ایلات آنجا رفت قاسمخان  
 قاجار جارجی باشی حکومت قراجه راغ یافت میرزا زین العابدین بتریزی مامور تعدیل مالیات کیلان و فومن  
 من اعمال کیلان شد میرزا هدا بن الله مشوق (جناب زبرد فتر) بعد از مالیات صابان قلعه رسید که بموجب سوار  
 آنجا رفت میرزا حسنخان و وزیر نظام برادر جناب میرزا تقیخان انابک اعظم حکمرانی عراق یافت محمدعلیخان ماکوفی  
 را منصب بیکری دادند و حسنخان پوز باشی و له مشا را لیه سرهنگ مامور شد که از اردبیل و مشکیان بکفوج سرباز  
 جدید و از مراغه نیز بکفوج سرتیپ جعفرقلیخان قاجار و از خلخال بکفوج سرتیپ محمدعلیخان و از کرمان بکفوج  
 سرتیپ کرکی اما معلیخان گرفتند اعلان سلطان از طایفه افتخار خرفان منصب باوری یافت مصطفی میرزا بحکومت  
 ارومیه رفت نواب شاهزاده مؤبدالدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد حکومت بر دین محمد حسنخان سردار  
 بنایب حکومت معری الیه بشیرعلیخان ابروانی مقرر شد کلب حسنخان اجود انباشی مامور سرپرستی قشون در اینجا  
 کرد بدینعلیقلیخان شقایق سرهنگ فوج دامغان شد و نیز مقرر شد چهار فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف  
 در الخلافه باشند سپهسالار کرمان مامور دیوان از رعیت چنانکه رسم بود متروک شد البته کوبیدن اطفال معمول  
 کرد بدو در بعضی منازل راه خراسان مثل الهاک و زید بنای قلعه گذاشته تفنگی و مستحفظ قرار دادند ایجاد  
 نکره عبود و مرز در جمیع بلاد ایران کرد بدو کاروانسرای معروف بکاروانسرای امیر در دار الخلافه بنا شد محمد  
 حسنخان نسیمی باشی (علاءالدوله امیر نظام مرخو) بحکومت خوی مامور شد امر معدن مسفر را در نظام گرفت

محمد باقر

محمدخان نومی را که از خوانین منتره پشتکوه فارس بود و در قلعه صعبه محضت علیقلخان سردار لاریجانی حکم  
 بهیمنها و راجیک آورد و بسزای خود رساند شال کرمائی بطوری نثری کرده و خوب شده که مشتمل بشال کتیمبر  
 کرد بدشکرمانند ران را بطوری تصفیه نمودند که مثل شکر هند و سنان شد نواب ابلدر میرزا برادر کوچک  
 نوابخانلر میرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد عبداللہ خان صارم الدوله مامور بمپور و آنقدر  
 نظم کلی را در طایفه بلوچ سپستانا که شراوت مینمودند بار محمدخان ظہیر الدوله بامر اولیای دولت علیہ جمعیت از  
 ہرات بر سرانہا فرستادہ آنها را بنیہ کرد آقا اسمعیل سرہنگ مخولیدار جبرہ و ملبوس و غیرہ نظام شدہ طلب بیک  
 تفکدار سرکرده صد نفر سوار و صد نفر پیادہ شدہ بخراسانہ خراسان مامور شد ہفتاد خانہ در لر کرد  
 آتش گرفتہ بسوخ قظران کہ بچہ مصارف نوجوانہ از روس ہا آوردند در حین آباد کپلان بقدر کفایت بچو  
 ساختہ بکفوج سرباز جدیدان بنیابور بسرہنگ محموجان کرکری گرفتہ شدہ ہم جادی اولی در تبریز نزلہ  
 سخن شد جوادخان باد کوئہ سرہنگ فوج جدیدہ وجود شد نصر اللہ خان (نصر الملک مرند پل) سرہنگ فوج  
 کلیان کہان کردید ہاشمخان قراباغی سرہنگ فوج کرہ شد جبرئیلخان پسر صمصا خان سرہنگی فوج جدیدہ ہرات  
 ارومی و سلیمان یافت حسینعلیخان سرہنگ کرسی را بدار الخلافہ احضار فرمودہ منصب سر تپی دادند محمد تقیخان  
 جوانشہر حاکم شہر دود و بسطام مرحوم و حسینعلیخان منسوب او بجای او حکومت یافت کوچہ ہا شہر تبریز را بحکم  
 نواب چشمہ الدولہ ستک فرشتہ و منظم کردند حکومت کلیان بکان و خوانسار از عربستانا و لرستان مجرتی و بحول بنواب  
 احمد میرزا شد ہرآنخان برادر کھتر حسینعلیخان سر تپی فوج کرسی شد سبب چهار صد خانوار مشہد و ہراتی کہ  
 کہ در ایام انقلاب شہر ہرات رفتہ بواسطہ امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منسوخ شد پس  
 امام میرزاخان بنیابور کہ دم از خود سری میزدند بدست اللہقلخان دستگیر و فلاح آنها کو بیہ شد صد نفر پیش  
 سفید را و کدخدایان معشر سرخس خراسان آمدہ مشہد طاعت شدند ظہیر الدولہ میرزا محمد علی برادر میرزا تقیخان را  
 از ہرات با عرضہ بدی ہما ہون فرستاد اہالی لاریستان فارس کہ بواسطہ فلاح مستحکم و جبال شامخند راہ طغیان  
 منسیر دند بدست نواب الاصلۃ الدولہ حکمران فارس مشہور و مطیع و فلاح آنها کو بیہ شد  
 ہدرا بنیال موکب ہما ہون اعلا روز سہ شنبہ نوزد ہم جادی الثانیہ بقصر ناچار نقل مکان کردند کہ در ماہ رجب  
 شریف فرمای صحفان اصفہا شوند میرزا حسنخان وزیر نظام کہ حاکم عراق بود با نظام امور فسون از راجا  
 رفتہ بعد از انجام این خدمت سفر شد کہ در اصفہا بر کباب علی بیوند قلعه ارگ نازہ بمحاری عبداللہ خان ہزار  
 باشی بنا کردند عمارت دیوانی اصفہان را برای وجود موکب ہما ہون تعمیر نمودند محمد تقیخان برادر محمد حسنخان  
 سر تپی فراہانی سرہنگ فوج جدیدہ فراہان شد محمد و لیجان حاکم نھا و ند مغزول و مہدیقلخان نایب جواد بنیاشی  
 بجای او حکومت یافت قلعه ابرندگانرا عبداللہ خان صارم الدولہ از تصرف محمد علیخان بلوچ خارج کردہ بمند  
 سپرد قلعه نہ کیند و حسین آباد در راہ ہنر چون دزد گاہ و خراب بود شیخعلیخان نایب الحکومہ آب انبار ہنر  
 آورده بسبت خانوار در آنجا سکنداد کہ عابریں از آنجا اسباب بگذرند  
 روز شنبہ غزہ شہر رجب موکب ہما ہون با شوکت و شکوہ تمام از فقر خلافت عظمی وانہ یافت آباد شدہ کہ  
 شریف فرمای فرزندین از آنجا از راہ سلطان آباد و بر وجود بسبت اصفہان غصت فرمایند جمعی شاہزادگان  
 عظام و وزرای کرام و امرا و ارباب مناصب قدر و معندی سپیان سوارہ و پیادہ ملزم رکابا علی بودند

حاکم بنیابور

عزیز خان اجودایا شی ما مور توفد دار الخلافه وارک و نظم فثون شد سیم رجب قمر سلیمانیه کرج اطراف ملوکا  
 نموده روز چهارم بمنزل فاسم آباد نزول اجلال فرموده و از اینجا بمنزل عازم فرودین شدند میرعلینقی خان به  
 سپر سعد الله خان فندر سکه را منصب سرهنک دادند هادین خان حاکم ساوجبلاغ و مکرری مغزول و عیقلین خان کروی  
 بجای او حکومت یافت عیقلین خان با دکنوبه سرحدی فوج دهم خوئی بمهریجه که فوج مزبور و چهار فوج کورمانشاهان  
 نابل گردید سواره پا پر و ندهامور خراسان شدند فثونی معتمد با جعفر قلینان سپر بیجه ما مور کرگان گردید روز نهم  
 رجب زبر بخنار انکلیس سپهر روم از دار الخلافه روانه اصفهان گردیدند و روز دهم و زبر بخنار دروسن زبر همان  
 صوم غزم کرد فوج الله خان سرهنک بکفوج سر با ناز شتر گرفت روز هشتم رجب موکبها بون وارد فرودین شد  
 کتاب نظام ناصر از مؤلفات نواب بهرام میرزا (مغزالدوله) در دار الخلافه طبع و منتشر شد برج و باره دار الخلافه  
 تعمیر شد موکبها بون هجدهم رجب از فرودین شریف فرمای صفحات عرفان شد حاجی علیخان فراستبانی والد مؤلف  
 اداره و اختیار عمارت دیوانی کل ممالک محروسه ادرند سپید عراقی صفحه از آهن ساخت کلوله بر آن کار نمیکرد و معتمد  
 بود که با همین آهن زره میسازد که کلوله را در آن اثری نیست نسبت صنایع غریبین با و میدادند در فرودین بجهت منع  
 سپید ساختن سدید با مرد و لنگ میسند سر از آن فوج سواد کوهی را که نواب مهدیقلی میرزا فرستاده بود در دار الخلافه  
 سان دادند محمد و لیجان بیکر بیکه استر آباد بقصدند میرزا که با سه هزار نفر از سواره و پیاده از شهر حرکت کرد  
 موکبها بون دوازدهم شعبان شریف خرمای سلطان آباد شد و در این سفر در منزل آشتیان مولود دکنور  
 از صلب مبارک شاهنشاهی روشن بخش ایضا گردید جباخانه در همه بلاد ایران خاصه در دار الخلافه طهران  
 دایره انواع اسلحه ساز ساختند و همچنین مهناب بجهت آتش دادن توپ موکبها بون روز نهم شعبان وارد  
 برج رده شده باغ شاه بود و مسعودی نیز گردید حاجی محمد حسین کاشانی پارچه از پنبه و کج در کاشان  
 ترتیب داده و با فاضل بختیاری ماهر و لی لطیفه را باد و ام نرود و هزار توپ بکلیجه آنان برای اهل نظام بر سر علی الحساب  
 بشوید چهار هزار و پانصد پنا را ابتیاع شد افواج و سواره زبار در این سال از غالب بلاد و ایلات گرفته  
 و در غالب ایلات خراسان و مشرق افواج شد و امر فثون ایران خیل ترقی کرده و منظم شد  
 و فثونی کابوق بجهت نظم حدود کرگان و استرآباد و خراسان و دفع ترا که همه آنحدود فرستاده شد و تمام حدود  
 شرق و غره ایران منظم و امن و مصفا گردید از اتفاقات غریبه اینسال آنکه کاوی در رشت حامله بوده و  
 وضع حملش نمیشده صاحبک و بنو هم آنکه مبارک امیر آنرا می نمود شکمش را شکافته کوساله بیرون آمد کرد  
 سر داشته یکی بزرگتر و دیگری بچهره الجله کوچکتر تا کردن که چسبیده بشانده است و تا بوده و دست پا و سینه  
 شکم موافق فاعده یکی و دم آن باز دو و تا بود دکن شلم آن کوساله را گرفت که شتر می نماید  
 موکبها بون روز شنبه بیست یکم شعبان از برج عزم اصفهان انهای فرمود در مشهد مقدس فوجا  
 و شریف نزل شد پند شد آقا با با خان بوزباشی حکومت صایفله یافت موکبها بون اوایل رمضان شریف فرما  
 چمن قهزی بود دوازده هزار تومان بکرمانشاه و چهار هزار تومان بملایر بخصیف مرحت شد اشرف فوج قهرمان  
 که چند ی قیل همی فوج دیگر طغانی نموده بودند در تبریز هر یک با اندازه تقصیر خود تیبیه شدند سرهنکی فوج  
 جدید کردستان را بامان الله خان والی کردستان مرحت فرمودند سرگرد کی سواره سنجابی حکومت طایفه  
 مزبوره را بعلوه منصب سرهنک با سلا الله خان گوران دادند

در مراد

موکبها بون اعلم حضرت شاهنشاهی روز پانزدهم ماه رمضان شهر اصفهان را بقدر و مبارک فرزند فرمود این  
 سفر خیر بنامش از ایل الوصفه ضمن صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و در هر جا حاجت استحقاقی بقدر  
 لزوم تخفیفی مرحمت فرمودند و منزل ذات هما بون در عمارت سلطنتی شهر اصفهان و ارکان و اعیان حضرت در  
 اینه نزدیکی در بار هما بون و سایر اهل اردو از نظام و غیره در عمارت هفت دست در کنار رودخانه زاینده رود  
 چادر زده بودند میرزا محمد علیخان بمصیبت وزارت دو و کنار جبهه نایل کرد بد سلام عام روز عید صیام در اصفهان  
 باشکوهی تمام آنه قادیان عمارت سلطنتی دار الخلافه را برای معاودت موکب اعلیٰ تقیه و بعضی اینه ناز بنابر کرد  
 محمد علیخان بیکر سیکه استر اباد قلعه خواجہ نفس را تمام و حمزه خان ازانی را بمسئولت اجماع گذاشت و بسند  
 کرکان اینر ساخته و بانجام آورد و نواحی کرکان و استر اباد نظمی کامل یافت میرزا احمد کار پیر داز از نزهت مردم  
 بر کباب اعلیٰ آمدن بنایت و تیم وزارت دو و کنار جبهه یافت و مقر شد سه فوج سپاه از نواح اصفهان بگرد و جبهه  
 خانه در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سبصد قبضه نمنک هزار دست الفقه و اسباب مریازی در آن تمام شود  
 و نظر بر عیانت حال اسماج اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست طبوس نظامی در اصفهان و خسته شود میرزا احمد  
 و کبک دیوانخانه مبارکه را بمصیبت ناظم دیوانی و لقب خانی سرفراز فرمودند جاجان خان فاجار بجای نواب مهمل  
 ظلمت نا حاکم مازندران شد بنای نیک کاری در حدود دار الخلافه شد با محمد خان ظهیر الدوله در سبزواری  
 در گذشت و پسرش صید محمد خان بجای او متمکن شد سیف الدین خان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ با  
 طایفه خود خدمت نواب مؤبدالدوله حکمران کرمان و بلوچیتا منعقد خدمت گذاری کرد بد موکب هما بون از  
 اصفهان بمقر خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذی حجه بدار الخلافه باهره نزل و احوال فرمودند  
 و در هر پنج روز در آنرا تخت مرمر سلام عام منعقد گردید اهل دار الخلافه بزبارت جمال مهر مثال مقدس نهادند  
 نمودند بازن بندکان هما بونی مردم رخصت سواری کالسکه بافته و در دار الخلافه و دار السلطنه اصفهان  
 کالسکه ها ساختند که بخوبی کالسکه های ممتاز فرنگ بود مصطفی ظلمت را که سابق حاکم ارومی بود بحکومت مازندران  
 مامور شد میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه با پلنگی کرکی بر سر دست جاجی میرزا علیخان خونی بمصیبت سر هینک نایل  
 در آنرا خانه میرزا غفار خان اجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و باشش خانه دیگر در جنب و تمام  
 سوختنغا بله برای قورخانه موهم خطر بود ولی توپچیان و قورخانه چنان آتش را خاموش کرده بقورخانه  
 آسیدن رسید کویچه ها ارک یا د شاهی در الخلافه را شروع هجو و آتش زدند و دستک فرستادند نمودند که را  
 کالسکه و صاف باشد میرزا تقی و ذریه سابق عراق بمصیبت استیقا و مباحثی کل وظایف ممالک بحر و سبزواری  
 کردید با راهیم آقا سر هینک فوج نهم خونی بمصیبت سر نیلی فوج مزبور و فوج حیدر افشار بکشور فرزند نایل  
 کشت بمخود خان کلانزستان از مرید اول سر هینک و خلعت مرحمت شد را و لغز بقعه طوایف از کرکان دست  
 کرکان متفق شده بافتشوند و لشی بنای مجادله گذارد ه جعفر علیخان میر نیجه آنها را اشکنه فاحش داده متفرق نمود  
 محض اشاعه خیر و نفع اهل مملکت هما بون شرف نفاذ یافت که بندگوار پیل شوشن را به بندند و سده هم در هر  
 مشهور بهائیم شبته شود آن بند و سده و این او ان با تمام رسید و عربستان با هتمام نواب جلال میرزا خلی  
 منظم همد این سال در آنک هما بون مدرسه مبارکه در الفنون ساخته شد که چه شروع بساختن و اقدام به  
 بنای این محل منفی و مکان رفیع و الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال مجسمه عالی ساخته آمد طرح این بنا را

میرزا رضای هندس با شکی کرد و معماری محمد فیضان معمار با شکی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا با تمام رسانیدند و معتبر  
 از برای تعلیم علوم جدید و انگشافت نازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنگستان طلبیدند لکن صاحبی که خدمت  
 جلیله بدولت علیه کرده بود و در دولت شهریار میرزا محمد شاه طاب الله ثراه منصب میرزا یوسفی با فخر در گذشتند  
 او را عزت و احترام تمام برداشتند امر پاپا (اسپانول) مراد و دوستی این دولت با دولت انگلیس بعد از آنکه چند  
 بود مقطوع شده مجدداً برقرار شد و نزال لوزین نام جمعی رجاله را و با شکی در میان با خود منفق نموده که جزیره  
 کوبای پنکی در کنار آن در تصرف اسپانول است تصرف نماید ولی کوشش و بیفایده شده و مقرر شد که انگلیس (المان)  
 در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل را چه بالمان  
 استکار اجرائات اظهار نمینمود و از آن طرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت بسبب ایالت از ایالات  
 نمره دوم المان با پروس متحد شدند در شهر فرانکفور در مجلس پارلمنت تمام ممالک المان بواسطه کونستون مامور  
 اطریش مفتوح شد در شهر درشتو طستیا مجلس گفتگو منعقد شد که امپراطور پنیکلای مرچویاد شاه ممالک پروس  
 و برین متواستن برک و وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قراردی در اتحاد المان و دوستی بین الدول  
 این مملکت بدهند دولت پروس چنان فرستادن و کپل در مجلس پارلمنت که در شهر فرانکفور منعقد است نثار در نزاع  
 مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که در یکدیگر مسپوراد و بزیر بوزار و بخارج پروس فراد شد ملاقات  
 امپراطور اطریش و پرنس شای پروس کونستون برانلو تورک و زیر اول پروس و مرچویاد امپراطور پنیکلای در پایتخت اینسال بود  
 استعفا می سپوراد و بزیر پوپلیتیک پروس را تعیین داده از صرافت محاصره با اطریش افتاد و زدی اعظم پروس اطریش  
 بچهار انعقاد مصالحه در اولوژ ملاقات کردند بواسطه نزاع مابین دایمارک و ایالت هولسین در برلن مجلس گفتگو  
 جواهر شد و لسان انگلیس منعقد شد با عیان هولسین از عساکر دایمارک شکست خوردند دولت انگلیس و فرانسه اطریش  
 واسطه اصلاح مابین دولت دایمارک و با عیان هولسین شدند دولت پروس قبول مباحثه کردی اصلاح نمیکند جمعیت  
 ممالک پروس در اینسال بسی و دو کمر و در سیصد هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید محض فرائع در خارج  
 دولت در اطریش هشتاد هزار نفر از فسون خود کسر نمودند (انگلیس) لورد پالمرستون که در این سال وزارت خارجه  
 این دولت داشت در بعضی مسائل جزیه بدولت یونان ابراد وارد آورد و یکشنبه کشته جنگی انگلیس ناپیر بندد  
 یونان رفت و آنجا لنگر انداختند دولت یونان را نهد بدیجیک خود دولت فرانسه مباحثی شده انگلیس قبول و ساط  
 اوران خود دولت فرانسه سفر خود را از لندن احضار کرد و بی نپاده از بکاه فستد میان فرانسه و انگلیس اصلاح شد  
 سپری و پرتغال که از معارف انگلیس بود از استین زمین خورده هلاک شد سیم نلکراف بحری که فرانسه و انگلیس  
 از کالبد و وزیر هم انضال هم بدیجیک ایجاد شد بنای عمارت بلو و بچهره اکیو لیبیو آئیده در انگلیس نیز در اینسال شد  
 (ایتالیا) در مجلس شورای ملی تو دین فرار گذاردند که در ممالک ایتالیا که متعلق بود بکثور اما قبول است علمای دین  
 هیچی چه بنا بدیجیک با جزای قانون و صد و دو حکام نمایند قانون همان قانون دولتی است و همه مطیع آن هستند  
 نیز نسبت در معابد و کلیساها موقوف باشند که در پال آن نوعی صدراعظم برضد این قرارداد احکام از طرف پاپ  
 بکشیشا صادر نمود کشتیش اعظم چون اطاعت این احکام نکرد مغلوکه در قلعه این شهر مجلس شد کونست کاو و در گذار  
 روزنامه نویسیها بود جز و وزیران شد شش هزار نفر از عساکر اطریش در ایالت لشکان بچهره حفظ خانواده والی  
 متوقف هستند پاپ که فرار از رم مهاجرت کرده بود در اوایل بهار وارد رم شد (پرتغال) دو کشتی جنگی

۲  
 (چین) امپراطور چین  
 طاو کو آنک در حلیه  
 گذشت و پسر چهارم  
 ایشان که نوزده سال  
 بجای پادشاه بر سلطنت  
 چین جلوس نمود

وارد دهند و دخانه تاج که از وسط لیز بن پائی تخت میگذرد شده دولت را نهادند که در فزاری در چند سنده  
 که از قدیم در میان اناطولی و پیرنوغال مابیه الترع بود بگذارد پادشاه سو و نروژ بین دولتین حکم شد اما ملک  
 باوچو و سلطنت فرانسه و انگلیس و اطریش و سو و نروژ و حضور سفایر جنکی روس در سواحل امارک بحیره کک  
 ایندولت ایشان حقوق و در دویالت اسلشویک و هولسٹن که با او باغی هستند باغی کی بر جا و اها الیا  
 علی الخصوص بر وس تحریک باغیانست از فرستادن نشو و آنچه لازمه تقویت است برای باغبان کوناهنی ناز (روین)  
 دولت روس با طایفه چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامیل است منازعه سختی نمود و اول و هله شامل بر عمال  
 روس غلبه کرد اما بعد مغلوب بگوهها و اغشتا فزاری شد شورش رعایا بار باب خود در بعضی ایالات (سولس)  
 بعضی آزادی طلبان المان و فرانسه را این ملک پناه یافتند اول صغوبکوه بن بنان که چهار هزار و پنجاه دوزخ از  
 سطح دربار ارتفاع دارد در این سال بود تمام جمعیت سویش را بیست سال چهار کرد و در سپید نمود و سه هزار و  
 سی و یک نفر است (عثمانی) و بای شد یک در فوش و طرابلس بر وز کرد (فرانسوی) ایجاد قانون در تعلیم و تعلم کرد  
 مرا با لنت باید یک مجمع العلوم باشد پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهور فرانسه ایالات شرقی و لورماندی مسافر نشد  
 لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سال که در قصر کلارنس در کنشت بالرا که از  
 نویسندگان معروف بود وفات نمود زردم بنایار که عمومی پرنس لوی ناپلیون بود بمنصب مارشال فرانسه مامور  
 آمد و اجب بقیس جمهور در سال مبلغ دو پست نشان زده هزار تومان معتن کرد بدو و اول کشته تجار مستحقا  
 از نوپیک نیکه دینا به بندها و پرفرانسه در پائیز اینسال بود افریقا (مصر) بر وز و بای شد بد در این ملک  
 (سور) اول بر وز و باد در این ملک در این سال بود امریکا (مکزیک) ز نزال اریسنا بر پاست جمهور رئیس و  
 شد و بای شد بد در مکزیک بر وز کرد (اناطولی) ایندولت بار و لنت انگلیس بحیره ساخن هجر مجری در پامانافه  
 مرکزی بنویسنا که در محیط و مهم وصل میباشد معاهده نمود مسپو تلو و رئیس جمهور در او اسط نابتند رکنش  
 و مسپو تلو بجای او ریاست یافت کلدی نام که یکی از کلای ملک بود مجلس اظهار داشت که نگاه داشتن سپاهان بگوه  
 بنده و خرید و فروش آنها که در بعضی ایالات اناطولی رسم و معمول است رهان ایالات محدود باشد و اینظم بسیار ایالات  
 سرایت نکند دولت مانع باشد مجلس کلای و لنت قبول این تکلیف نمودند و آنها بر ووش نگاهدار غلام و برده یا  
 در اناطولی رواج گرفت و شروع انجیل و ایالات جنوبی اناطولی مثل ایالت ویریز و کارولین بدرجه رسید که  
 بخانه بزرگ از خرید و فروش سپاهان دایر کرد بد تقویت و لنت و رواج و انتشار این فتح بود که احکام  
 اکیه صادر نمودند که اگر از بر دکان و سپاهان که بنده بودند از مسو سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده بایالتی  
 که این رسم شیع در آن مسو نیست رفته پناه بچونند حتما بایان ایالت آنها و امضا جان خود متان مسفر نمایند  
 در ایالات شمالی شخ اصبه که بر ضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش گذاوند جمعیت اناطولی  
 در اینسال بجهل و ششک و رود و دست چهل و شش هزار و سی و یک نفر رسید که در ظرف سه سال دوازده کوه  
 بواسطه مهاجرین فرنگ جمعیت ملک افزوده و علاوه شده بود و نزال اریسنا در مکزیک بریاست بفرار شد  
 بعضی از مطالع کنندگان که چندان جبر و بصیرت و فایح و حوادث عالم نیستند و تفصیلا که ما دیوای سپاهان که  
 در یکی مینارده بودند و پیشتر ایم در سن مطلق نشدند شاید از عدم بصیرت و اطلاع بما ابرار کنند که مقصود  
 چندی با اینکه طالبان علم از اطلاع از نواحی و افشاخوها هم بصیرت حاصل نمایند لازم بود که قدری از جاده

وفایع نگاری تمام عالم در ضمن اینسال که هزار و دو و پست و شصت و هفت هجری است قدم برون گذاشته تا رنج بندگی  
و خریدن و فروش آنرا که در تمام عالم چیده شده و چه شد که در انا توفی بیکه در سنه هزار و هشتصد و شصت  
پنج مسیحی مطابق هزار و دو و پست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی با دین عمل شایع را موقوف نمودند بکار هم اما  
چون این تفصیل را موقوفی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد

۱۲۶۱ هجری

۱۱۵۱ مسیحی

اسپانیا (ایران) ذات ملکونی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیر مال مزید آسایش رعیت بمالک محرم  
و نظم بلاد و ترتیب و ثروت عمومی را و چهره همت ملوکانه فرموده بعد از و نصف ممشک و منقلا اعمال سلطنتی نمودند  
شیخ خان چیر چپاشی الزام داد که مکتوبان بلاد بنظم بصا اجرا برسد و چا پاران زباده از حق خود مطالبه نکنند  
میرزا مصطفی مستوفی ملقب با مین الملک شد خیر بنده بخند و دل کردن سپاه منصوب طوایف نرا که با غیبه در صحرای  
کرکان و اسر اباد بدار الخلافه رسید در سمنان فرمود که در کورد آورده که دو دهان و دو دماغ و دو گوش و سه  
چشم داشت و لی آن مولود نماند در کرمان شاه ناخوشی و با بره ز کرد و بعد از چند بار آن آمده نزول رحمت دفع  
ناخوشی را بیکه نمود میرزا اغفار خان بنیابند و پیم وزارت جلیله خارجه بر فرار شد میرزا سعید خان بلقب مؤتمن  
الملک نابل و براجم مخصوص سر بلند شد فوج ننگه کرمان شاه که نازه گرفته شده وارد دار الخلافه شد نور الله  
خان شاطر انلو ناپا جو دینا شتی با سر همت فوج خواجه ند عبد الملک فرمودند سعید محمد خان حاکم هرات سپر طهر  
الدوله که میرزا بزرگ را با پیشکش بدربار معمله نزار فرستاده بود محض بدین عاطفت و تسلیمت او در فوج  
ظهور الدوله میرزا احمد ناظم دیوان دار و انده هرات و اسبی بر اطلاق و کار دی مکلان بالماس و خلعتی فاخر برای  
محمد خان عنایتی ارسال فرمودند از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار نرکان سرخسی بجهت بیست چند آمله  
نواب حسام السلطنه جمعی را بر سر آنها فرستاده چکه عظیم در گرفته نرا که را مفهومی و بسیار از ایشانرا مقتول و  
زباده از دو پست و پنجاه نفر اسیر و سرید شد قشون ظفر نمون افتاده باقی فرار کردند نواب نصر الدوله حکمران قاف  
با محمد بلخان ابل بکی برای نظم و سرکشی بطرف کوه کپلو و بهبهان فرستاد میرزا باقر خان امیر طبرستان بپرد آمد بکی از  
کششها بکنی پناهی ساکنان رومی نیم پنبه بکنی پناهی درار و می کاشنه حاصل آن بسیار خوب شد لهذا فرار دادند  
که از این نیم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند برای اینکه مردم بپوشند خود را طبیب فلم دهند و طبیبان  
فوج داخل نشوند مفر شد طبای فوج در اداره دکتر کاز و لانی حکیمباشی نظام باشند و بتصدیق مشارالیه طبیب  
هر فوج مشخص شود محمد خان نایب الحکومه از ندران بمکومت رومی بر فرار کرد بدین پیش سفید نرا که سرخس در  
خدمت نواب حسام السلطنه متقبل انقیاد و خدمتگذاری شده با عباسقلی خان مشهده که مامور حکومت سرخس  
کردند بقر و انرا بخل کرد بدند شب چهارشنبه چهارم محرم دو ساعت از شب گذشتند در تبریز زلزله شد پند  
تزیبک صبح نیز مجددا زلزله میشود قبل از زلزله سه چهار روز بر نمانده و بعد از آن بسیار بارید و روز بیست  
پنجم ماه محرم بافتضا صوابانای هاپون و نظر بمصالح ملکی میرزا نقیخان انا بیک اعظم از منصب امارت نظام  
و وزارت عظمی و لقب انا بیک و سایر مشاغل و مناصب بیک خلع و معزول شد و میرزا آقاخان اعتماد الدوله  
بجای او بتفویض منصب امارت عظمی انتخاب و مقتر کرد بدین مساعی جمله برای نظم راه خراسان و آسایش زواران نمودند  
این اوقات بیکشت سبلی عظیم در تبریز آمد و لی خرابی بشهر وارد پناورد و چون اکثر اوقات پنا باین جدی السلام

ارامه و پسر و کبر مادر با اموال منوفی گفتگو بود حکم شد رسید که با نیرافه مخصوص بهار الخلافه و دیوانخانه  
 بزرگ پادشاهی باشد و احد از حکام شرع و عرف و لایات مداخلة در اینکار نماید سبب نقر از اهل اشرف  
 نواب مامور مستحق نظر در وازه های شهر دار الخلافه شدند اعینا دالیک و در عهد را عظم بعضا مکمل بالما سر  
 یکو بجبهه فرجه شمس مرصع و بندک غدا شتر ابره مرادید نشان در صدارت عظمی نایل کرد بدی حاجی حسن خان سردار با عطا  
 یکقطعه نشان نمال هاپون سرفراز گشت حاجی یحیی خان را بمنصب شیخدینیا شکر می و ریش سفید علم خلون و  
 تفنگدار با شکر می مفتخر فرمودند نواب خانلر میرزا ملقب با جشنام الدوله عزیر خان اجودا بنا شد در خدمات  
 مرجوعه مستقل و بکفایت شمشیر باو عطا فرمودند خانه نزول که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم  
 شد برای حاکم و نوکر عمارت دیوانی بسازند و نهار آبی از سبب لای شهر شهر بسازند و بجبهه آسایش فواید از  
 دزفول ناخالص بر وجه در هر منزل قلعه بسازند برای نظیف شهر دار الخلافه فراری مجددا گذاردند ساختن  
 و حقایق در اصفهان نرسد کرد تا درین قلعه را حسب الامر در شیراز بنا نمودند اسدالله خان امیر خور بکفایت شمشیر نایل  
 شد میرزا فتح الله برادر زاده جناب صدر اعظم را شکر نوپساستی فرمودند و حاجی علیخان والد مؤلف که از اول  
 دولت بمنصب فرزند شکر می برقرار و بعد همام خانخانه و تعمیر و بنای باغات و عمارت دیوانی دار الخلافه سایر  
 ممالک محروسه عزل و نصب فرزند شمشیران عموم و لایات و انتظام امرها مخانه دولتی بعهده مشارالیه محول شد  
 بود ملقب با حاجی الدوله شد بکفایت مرصع باو مرصع فرمودند بسبب از افواج و سواره مامور خراسان  
 اختصا بدار الخلافه شده بهم مواجب داده و بدل مرصع شده مرخص شدند که چندی آسوده باشند و در خانه گرفته که  
 قدما بولایت عوبنه مرفت و چند سال شده بود که بمرد بکرا فزاده مقرر فرمودند آنرا بواسطه سگ در مجرای اول  
 جاری کنند عمارت ملک مجید خان مصلحت کنارا اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشارالیه بدو لایه هزار تومان فر  
 و فرار دادند سفارتخانه برای سفرای بران که ماموران پای تخت میشوند باشند سر تپی فوج جدید اصفهان را به  
 مصلحتی علیخان فاجار نفویض فرمودند بعضی قلاع صعبه رستان و کره سیر افارس که مسکن طابعان بود با اهتمام  
 نواب نصر الدوله مفتوح و خراب شد شیخ حسن عریکه با میرزا حسن علیخان حاکم بند بوشهر از درمزد برآمد  
 بجزیره حاد که رفته بود میرزا حسن علیخان جزیره را منصرف و شیخ حسن فرار بکسیا که جزیره و محرمه است و او نشا  
 حسن نام تیریز می و صندوق خزینه بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای بسیار خوب فرنگ بود و یکی بکلی وار و در  
 داشت بعد از آنکه معلمین فرنگ که از دولت آسوده خواسته بودند بدار الخلافه رسیدند و طرفش در مدرسه  
 دارالفنون بنام شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا  
 و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در این مدرسه منتخب شده بودند بنوسط میرزا محمد علیخان وزیر و کار جد شرف  
 اندوز حاکمای مبارک شده بعد از آن بمدرسه آمد بجهت شروع تحصیل کردند و در این روز دارالفنون افتتاح یافت  
 و حسب رسم شرفیای معموله بعل آمد و ابتدا علی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام  
 و بعد مشق طب و جراحی و علم دوا سازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسده لباسی علیحدی بپوشند که فقط از  
 وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و فرار دادند ترجمین از برای بدو سنجین کنند و از آن روز علوم جدید  
 و انکشافات نافه ملل فرنگ که در چند ماهه بجهت بسیار و مشقت بشمار معلوم شده بود در این ملک شروع  
 بانشار نمود و شرح احوال و اسامی و مسا و معاین و مشعل این مدرسه مبارکه و شرح شرفیات و مراتب و



شئون و امیازات و مخصیلات و ماموونهای هر یک از شاگردان از ابتدای افتتاح مدرسه تا سنه هزار و دو  
 و نود و پنج مفضل و مشر و حاد در جلده و هم مرآت البلدان ناصر موسوی بآثر السلطان نکارش یافته است و در  
 اینجا حاجت بکر نیست همدارین سال میرزا احمد خان نایب دیم و ذوالخارجیه بلغخانی و نشان شیر و خورشید  
 مرید اول سرهنک با جا بل سفید نایل کرد پد میرزا فضل الله براد و جناب صدراعظم بمنصب جلیل و زار نکل نظام  
 سرفراز و روانه آذربایجان شد و در سنه غلام چلیسیا نلوا بواجب جواد خان و محمود خان ماموون نظم طرفی شاهرخ  
 و شباطم شد و عبدالقلیخان سرنبدی فواج فروین و سایر سرگردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هر یک با مقام  
 و خلعت همایون مفتخر گردیدند اسکندر خان قزاق باق بنیاد اول اجودا بناشی برقرار آمد عبدالحمید خان و میرزا  
 محمد خان و آقا رضا خان و زینب خان و لطفعلیخان که مدتی مشغول مشق نظام بودند هر یک بمنصب نایب اجودان  
 باشکری نایل شدند کاظمخان قزاق باق برقیه سواره قزاق باق و سید نورمان اضافه مواجب سرفراز شد  
 حسنخان قزاق باق نیز سرگردی سواره قزاق باق یافت بحکم نواب نصره الدوله حکمران فارس با نژده باب چایارخانه  
 در عرض راه این مملکت ما خند میرزا نصر الله باشکری رئیس آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ضبط حساب  
 کرد که آنجا و فحیل یک بنیاد اجودا باشکری رفتند حکم کازولانی بحکمباشکری کل فواج فاهر سرفراز شد  
 حکم داود خان مسیحی که خدمت بدولت کرده بود در ماه ربیع الثانی وفات نموده با احترام او را بحال سپردند نواب  
 نصره الدوله حکمران فارس بکوتوبجیه نژده شمس الماس مفتخر کرد بد نظم سرخس با مقام عبدالقلیخان بشکری یک دره جزئی در جنبه  
 کال یافت در بلوک با بیج مانندان تصفیه آهن را بد رجبه کال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان نژده با استعمال  
 نزدیکتر و مثل آهن حاجی ترخان نخته کرده بدو الحلا فرادند و امر بشوق و تکمیل این عمل عامین شد راه اسرار با  
 بواسطه فراوانخانه ها حدیالینا و مواظبت مستحفظین کال امنیت یافت مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران با عطا بکوتوب  
 جیه مفتخر گردید بخلفیخان پسر محمد طاهر خان و کپل چون خطور بطی داشت رسلک ارباب قلم منسلک آمد مسیحیخان  
 داود مسیحی نژده اول دولت علیه جز و اجزای سفارت بطرز بوریغ شد علیقلیخان ولد محمد طاهر خان و کپل نایب  
 اجودا بناشی شد راه زنان ابلان ارمنان و پشتکوه با اهتمام نواب جانلر میرزا نایب شدند و محضو نصیرخان چو که  
 که معرض فوائد و عابریین در قول و عریشما میشد لیری خود رسیده از دوقول تا حرم آباد رباط طاف ساختند  
 بکوتوبجیه نژده شمس مرتضی مصحوب نواب شاهزاده ملک فاسم میرزا با فتحار حشبه الدوله حکمران آذربایجان اتفاق  
 نژده شد حکومت سمنان و دامغان بمیرزا محمد خان کشیکباشی و کذا فرمودند و اما مقلیخان از جانب مغزی البه  
 نیابت یافت و علیخان قراطر احکومت چون دادند و محمد و لیخان فاجار بحکومتها و ندر قرار شد میرزا کوچک  
 دماوند باور بلغخانی و منصب سرهنک نایل آمد این اوفات ماهی هزار قبضه نفلک در جنبه دار الحلا فرعیان  
 پنیه بیکم بنا که در وی کاشته بودند خوب بعل مد کلو صاحب حکیمان شی جمعی در خانه خود در سن تجاری داده و  
 مفضل تکمیل این علم میباشد میرزا تقیخان که سابقا امیر نظام و شخص اول دولت بود در فرقه فین کاشان وفات کرد  
 میرزاها شیخان حاکم ملا بر و نو سیرکان بجیه نژده مخلص کرد بد محمد تقیخان فاجار که سابقا سر کرده سواره خزل بود  
 با نهمه پیشه را آمد در حیوشان برق زده چند باب کان را سوزانده بعد از لرزه شدید شده خرابی زیاد کرد  
 جناب اعتماد الدوله صدراعظم را بکوتوبجیه نژده فرین مفاخرت فرمودند میرزا محمد علیخان و ذی سر و خارجه نیز  
 یا عطاء بکوتوبجیه نژده کرمانی مفتخر گردید بجایار صدراعظم بیازد پد مدرسه مبارکه دارالعلوم نخته بعد از

امتحان متعلمین و حصو اطمینان بترتیب آنها هر یک را تشویق نمودند بکثرت و بجهت نر و مخلصان هابونی برای نواب حسا  
السلطنه حکمران خراسان فرستادند عزیز خان اجودا باشی بیکو ببنای نظامی زرد و زاز ملا بس خاصه مخلص گردید  
نصرت الله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپی سمرهنکه فوج بندپی سمرهنکه فوج بندپی سمرهنکه فوج بندپی سمرهنکه فوج بندپی سمرهنکه  
حاکم کرمانشاهان را سرنهک فوج سیم مراغه فرمودند چرخ منگنه که اقمشه بر شیمی را مویج میدهد در بزرگترین قتلگاه  
مندا اول شدن الفزای بلوک رفسنجان کرمان خبر رسید که جوانی است نوزده ساله که بر دوش شکم و سینه  
بشکل آدم طفله مستوف الخلفه آفریده شده که دو پای آن در شکم آن جوان و سایر اعضا او بر دوش شکم جوان  
میباشد در هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فزوغ بخش ابرار کردید که مویج  
مبین الدین میرزا شد میرزا محمد خان کبکی یا شی با عطای بکقبضه شمشیر مرصع مفضی گردید و هجدهم ربیع الثانی  
میرزا محمد علیخان وزیر در بخارجه مرحوم شد محمد پورستخان بمنصب سمر بلیچ و بیکو بجهت نر و مخلصان هابونی  
نانکی که ما شوقیان داخل فتون ظفر موم شدند بلیچ خان سرنیچ سواره مافی که از خراسان برگشته بر روی کتوب  
جهت نر و مخلصان هابونی در وقت فرودند فضل علیخان سرکرد سوار و شاهسوار نیز از خراسان مع او در کرده با عطای  
یکتافه شال سرافراز شد حسب حکم فرار شد و معادن آهن ماسوله که آهنش بسیار و حدیست که رکنند و آنرا با  
چند باب فرا و خانه علاوه بر فرا و خانه های سابق ساختند محض رعایت بخت کرمان نقره با شش هزار تومان نقد  
سه هزار جزو ارجنس باقی آنحضرت فرمودند عبد القادر خان شکی بمنصب سرنیچ سرافراز و مخلص گردید  
رحمت الله خان نایب اجودا باشی سرنهک فوج شازدهم و مخلص مامو آذر باجان شد که عمل فوج مزبور را صورت  
استاد عملی نیکساز که حسب امر مجر اسان رفته بود که نفعک بر بازی بسیار این اوقات پانصد ششصد  
نصفک نماز ساخته که هر کس پسند کرده و تشویق او نمودند در عرق جمادی الاولی بندکان سرکار اعلم حضرت  
شاهنشاهی بند رسد مبارکه دارا افنون شریف فرما شده متعلمین بکه در اندک وقت یاد نرنگ کرده بودند  
سر کتبه و تشویق فرمودند میرزا کاظم خان مستوف و دلجایب صدراعظم بلفب جلیل نظام الملک و خلعتی خاص فرین  
اختصاص فرمودند میرزا ناصر خان (ظهور اللذری) را بمنصب بکیشک آفاسی با شکر و بار هابون و بکقبضه  
مرصع مفضی فرمودند میرزا محمد سعید نوین الملک بلیچ خانی و منصب پیری معام خارجه که فام مقام وزارت  
دو بخارجه است سرافراز و مخلص گردید حاجی میرزا آخیا و رئیس نکره بلفب ناظم المهامی بلفب خدمت سید که  
بامور معادن و کارخانه ها بلور سازان از اختلافه و غیرها را با و محول و خلعت هابون سرافراز شد و بلیچ بیک  
پاور توچانه بمنصب سمرهنکه و اثب خانی و خلعت هابون نابل شد این اوقات ماهی یکصد سکه کال سکه با آنها  
معیر الملک ساخته میشود که کال امتیاز را دارد اما مهک ملک البخار بیکو بجهت نر و مخلصان هابونی  
امیر فایز بیکو بجهت نر و مخلصان هابونی در وانه خراسان شد جعفر علیخان میر بلیچ که در استر اباد و کرمان بود طایفه  
مزبوره را براه انقیاد در آورده و با اجازه امنای دولت آنها را با خود بدر بار هابون آورد ببطای بیکو بجهت  
نر و مخلصان هابونی حاکم شاعر و در سیستم محمد با حکومت ببطام و بیکو بجهت نر و مخلصان هابونی  
ماه جمادی الاولی محضرتان در حضور پناشای خاص سسطوی در دین با عریضه پیشکش بقبیل عبده علیه سرافراز  
گردیدند (میر حسین) برادر کرمیاد خان بیکر بیک هزاره با عریضه کرمیاد خان (سید علی خواجهر فرستاده  
حکومت خان والی غنچه بلیچ خالی) (محمد و لیجان پسر مرحوم ابراهیمخان بیکر بیک سابق هزاره) (اللهیار خان

عالم نیکو کار

برادرزاده او) (عبد الحمید بهادر فرزند حسن و فرزند اسپا گوهری با عرضنامه او) (عبد الکریم بیگ فرستاده  
ابراهیم خان سردار نایب با عرضنامه) (خان میرزا بیگ فرستاده ابراهیم خان و اکرم خان فرزند گوهری با عرضنامه) (شاه  
بیگ فرستاده نصیر خان جمشید با عرضنامه) (رضا بهادر بربر) (ارباب خالق در پیش سفید طایفه ایچک) (علی  
بهادر در پیش سفید طایفه قریبینان) (عظیم بیگ در پیش سفید طایفه قهقهر) (ملاحسین در پیش سفید طایفه هرنکی)  
حکیم کارولانی حکمیاشی نظام و فاش کرد از قوت صید محمد خان حاکم هرات کاسنر امیر افضل خان سپر کهنه خان  
فندهاری با جمعی افاضه بر سر راه آمده اند و شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیت نیست در عقل بلوک شوشتر  
تکرک بقدر کوله توپ آمده چرخها که در صحرا برای نهند و مرث فتوات بوده بکلی خورد کرده است نواب شاهزاده  
بهرام میرزا که در اوقات سفرها بونی باصفها از جانب منته الجوانب در دار الخلافه نیابت داشتند نشان تمثال بی  
مثال مبارک فرزند افتخار کردند میرزا عبدالوهاب پسر مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر و تجار جبهه نیابت دوم  
وزارت و تجار جبهه بکتوب جبهه تره مخلع و نایب کردید از اصفهان تا منزل مقصود بیگ در راه فارس همچین از  
اصفهان الی کاشان و ارومخانه هادر راه ساختند با طایفه کلان در اسرا بار که نقشون ماموران نواحی خدمت  
کرده بودند و هزار تومان تخفیف مرحت شد میرزا محمد ولی طبیب حکمیاشی کل افواج فاهره کرد پدا سمعیل میرزا  
ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنک بافت نواب الانصره الدوله حکمران فارس که میرزا آن مملکت را  
نظمی کامل دادند عبداللہ خان صارم بکقبضه شمشیر مرصع سرافراز کردید و نیز مامور شد که کسری فوج ملا بر  
توسیرکان و فرار کوز لورا بکیر دین اوقات ملغی از جوهی که در هرات با اسم مامور سکر زده بودند و عرضنامه صید  
محمد خان با جمعی از معارف هرات بدر <sup>دو بیگ</sup> مامور فوج جدید مراغه ابو اجمعی اسکندر خان سرهنک فوج خلیج ساوه جبهه و  
علتو کوفته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ابلات فرورین مامور خراسان شدند و هزار و پانصد دست  
فالسفند و هزار قبضه نفلک طرح انگلیسی که در فورخانه و جبهه خانم دار الخلافه ساخته اند بخراسان حمل دادند  
نواب حسا السلطنه والی خراسان عیالقلیان میرنیر یا با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه نرب جام  
نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم اصفهان باشند فمخلع بیگ نایب جودا نباشی با نواب الاحشاه الدوله  
حکمران آذربایجان مامور نظم امور مراغه نمودند روز شنبه بیست هشتم چادمی الاولی هفت ساعت سی و شش  
دقیقه از روز گذشته آفتاب از برج حوث مجل بخوبی نمود و سلام عام در بالار تخت مرمر با شکوهی با فر سعقد  
کردید و قریب سه هزار اعیان و دریش سفید هزاره و نیمینی و جمشید در این سلام مخلع کردید شب بعد جناب  
صدراعظم بکقطعه نشان تمثال بمشال مامورین مکلان بالماس بر پلیمان مقرر شدند و بکتوب جبهه تره دوره  
مزار پدر و زبکیر ذات معذرت صفات مامورین بکار جدید نشریف فرما میشدند جناب معظم الیه مرحمت فرمودند  
در این ایام نواب شاهزاده اما مقبله میرزا بککومش که ما نشان و خلعت سرافراز کردید بخسرو خان والی اخلت  
و حکومت خردین دادند از غراب انفاقیه کرمان اینکه در رفو به بزی چهل روز دیوانه شده و سه چیر زانیک  
که یکی از آنها شهابت بیگ داشته مخصوص است و پای و که خلیه شبیه بسک بوده است حکومت ساوجبلاغ  
آذربایجان را بکریمخان مکریمی محول فرمودند نواب احشاه الدوله با اجازه اولیای دولت مخفیقلیان پسر مهدیخان  
قرابایاق را مامور کسری پسر ایلیا ایاق نمودند حکم شد هر کس معذرت در مالک محروم سپید کند بواسطه جلی  
میرزا جبار ناظم المهام بعضی اولیای دولت برساند آن کار کردن در آن معذرت را با و خواهند داد و نایب

هر چه از آن منفعت حاصل نماید مال خود او است هر کس بی اذن در معدن کار کند منافعت آن ضبط دیوان میشود  
چون جمعیت دار الخلافه زیاد شده حکم شد هر که بخواد بپروند در وازه خانه بنا نمایند برابر این دو پیش باب خانه  
ناکون بنا نموده اند گرمی هار مانند در شکم مرعها در صفی ان کرمانشاهان و عربستان پیدا شده مرغ دیوانه  
میشود و خوردن گوشت او مضر است خوانین و اعیان بلوچستان در خدمت نواب مؤبدالدوله حکمران کرمان  
مطیع منقاد و خدمتگذار شدند میرزا محمد علیخان ناظم الملک از جانب نواب حضرته الدوله حکمران فارس بکر مشیر  
دفته سه قلع حکم بلوک اهر را که بکوی رحمداد و در کوه بود گرفته و خراب کرده حاجی ابوالحسن اهری را نیز که بوقت  
استظفا برفقاع مزبوره شرارت مینمود بسرای خود در سانسرا نادر خان بیکر بیک سابق کار و بنا دکان شفاقی  
و اهر خان بهار لکه از حکام سابق و کردان بودند اسما لشدن بخدمت کرد و بدند حکومت حوی با شاهزاده محمد  
میرزا و حکومت غلخال با نواب شاهزاد میرزا مرحت فرمودند اینچار حکومت عراق بحباب مشوق المالک و الکار و  
لطیف علیخان نایب جودا بناشتی از جانب معظم البینایب حکومت عراق معین در وانه کردید عبدعبا سقلینان سر نیلی نو  
که در فرسان خندان کرده بود بیکر شدن جابل سرخ از مرشد سر نیلی اول نایل کردید سکه قدیم در شوش مسکوک  
نیفش کلمه طیبیه لا اله الا الله و آیات شریفه قرانی پیدا کرده ببار الخلافه آوردند و شرحی میرزا جعفر خان مشیر  
الدوله هرام مسکوکات کارش و ارسال داشته که از فرار دبل است

در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوش آثار عمارات عالیه از زبر خاک نمودار شده از جمله عمارت اردشیر  
دراز است که آن عمارت از سی و شش ستون سنگ یکپارچه فاصله هر ستون هفت ذرع و بلند ستونها بعضا افکن  
و شکست معلوم نیست لکن از زیر ستون و سر ستون که اکثر صورت کوساله و غیره دارد معلوم میشود که ستونها بسیار  
بلند بوده با وجود اینکه در صحای عربستان یکپارچه سنگ پیدا نمیشود سی و شش ستون در پیش رو همین عمارت  
دو بشال آت پیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده است عمارت در طرح وضع مثل تخت جمشید است و بعضی  
از ستونها عماران بخط سربانی و کلدانی منقود است آجرها بوزن هفت هشت من در اینجا کار کرده اند در بالا  
بکهارت قدیم پول سفید مسکوک بخط کوفی بیرون آمده معلوم میشود بعد از غلبه عربان بر پولها را دفن کرده اند  
و این پولها سکه بصر و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور دارا بجد و واسطی بود تاریخ سکه پول یکصد و بیست  
هجری است و عجیب است که چگونه در ایندند پولها با بن صفا و نازکی مانده

شهر خرم آباد که آبجاری نداشت نواب احتشام الدوله دارای آبجاری کردند نواب بهادر میرزا مرحوم شد میرزا  
محمد مستوفی بلفظ فوام الدوله ملفی کردید از دربار دولت در سر نشان سند آنا از مرشد دوم دوره الماس حکیم  
کلو که حکمبناشتی مرحت شد قلعه نسکن و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و مسخر کردید که کندگان که لشکر بهر آن کشید  
بود منظر مشهد رفته ملک از کابل و قندهار طلبیده است در همین قهقهه سه فرسخی مشهد مقدس شش مرغ  
بهر سبب که هر یک از کوسفند بزرگتر میباشد عمارت جدید سلطانی در دار الخلافه ساخته شد بر عمارت قدیم  
نمودند و حکم شد در بعضی آنه ما بین شر او لخانه ها در وازه دولت و در وازه قزوین که جای چهار صد نفر بیض  
و منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند و عده قویها چون زیاد شده انباری جدید بنیلهای ای بنا  
قدیم ساخته شد و باغات و عمارت بیرون شهر از و بتیله لار و کارستان و قصر دار و کمال خوبی تعمیر کرد  
و نیزه شد عمارت جدید سلطانی در قصبه بنا و در آن بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب کان در بنا و در آن نیز بسازند نواب

شاهزاده نصره الدوله حکمران فارس بنشان اول میرنشین و جمایل سرخ و سفید مخصوص ابن ریشه مفسر کردید  
بعضه افواج که کسر نفری داشتند بسربان و سرهنگان آنها مقرر شد معجلا بکیند و تکمیل نمایند خانبابا خان اسپر  
عبدقلیخان سربنیا فواج فرزند بنصب سرهنکه فوج قدیم فرزند و خلعت همایون سرافراز شد برآبای اصفها  
بازده هزار تومان مخفیست مرخص فرمودند لزله شد بنگ درشاهرو و شد ابراهیمخان پسر عبدالرضا خان پرتو  
حکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز کردید حضرت خان کرمانی حکومت قراجه دایق بافته مخلص شد میرزا علی احمد  
پسر مرحوم میرزا بزرگی اهودان و ذارف امواج خارج شد ریش سفید آنرا که کلان و همون مخلص و مرخص شدند  
برای سایر ریش سفیدان ترکمان خلعت صدول و انفاذ شد و حکم همایون شد که کل صاحب منصبان فوج کلجه  
نظامی ستوار نیک پوشند که در وقت مشو میابک باشند ریشتر از ترک غریبی یاریده که دانه های آن بد رشتی نارنج بوده  
و یکدانه از آنها بسر بکفر خورد و چشمها از حد فریون افتاده و معتسر او از هم پاشیده گو سفند و مال و مواش بیاد  
در صحراها تلف کرده است و رشتی فئات دریم و نماشیر احداث کرده اند که باغات بعل آرند بعضی آبلانند و در بار  
و غیره کرمان که عنقریب شده بود نداستمال شده فرار دادند با ما کن خود باز کردند و ناچار سالان مالیات معاف  
باشند بیکمطلعه نشان مرید اول سرنشین و بکر شنه جمایل سرخ مخصوص آن بافتار میرزا فضل الله و در نظام انفاذ میرزا  
شد هشت فوج از افواج فاهره را ابو اجماع محمد حسن اسرار فرمودند و عبداللہ خان ولد مشارالہ بمنصب میرنشین که کسر  
افراز شد عباسقلیخان پسر بیکر خان بزچلو منصب سرهنکه مرخص شد جناب میرزا آقاخان صدراعظم بنشان مثال  
همایون مفسر کردید و نشان امیرنومانی که شاه مرحوم محمد شاه با ایشان اعطا کرده بودند اجازه استعمال آن یافتند  
در بلده در قول بسپاس از بیوت راسبل خراب کرد بند شهر فرزند و بن ساخته شد کارخانه بلور سازی در دارالخلافه  
ترک کرد نوایب اما مقل میرزا حکمران کرمانشاهان پنجاه سوار بمراسم طرف و شوارع انصفاث برقرار نمود در بند  
جز استر آباد اقلب خانها را خراب کرد تخم پنبه بکنی دبنائی بزار عین دار الخلافه و بن بر داده شد که امتحان در  
زند اعطاء نمایند فضلعلیخان میرنشین و بیکر بیکر را بمنصب امیرنومانی سرافراز فرمودند عبداللہ خان جوانشیر سرهنکه  
فوج اول خاصه منصوب شد زنت در خراسان طلعه زانیده بعینه بمون ولی دم نداشت خوانین سپهتنام سفاد شد  
عبدقلیخان میرنشین و عسکرخان سربنشین دو فوج افشار و هزار نفر سوار حسب با نظام صفحات خراسان مامو شدند امیر  
علیقلیخان و کپل طلبی حکوم طلوس خلعت همایون سرافراز شد اسکندر خان زند حکومت مرند و کرکر بافتن میرزا محمد علی  
سربنشین در فوج اول خاصه سربنشین ارکل توپخانه بمالک محروم شد اما مقلیخان مایهت بمبولک خان برادر عسکرخان  
سربنشین بمنصب سرهنکه فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور و از خراسان شد هرات که چند ی بوز از نصرت  
سلاطین ایران خارج شده بمیل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد هزار و دو دینار تومان بر مواجب فواج نصر الدوله  
افزودند ریش سفید خلوت و منصب نیکدار باشکری در بار همایون را مجدداً به آقا محمد حسن مهرداد مرخص فرمودند  
نوایب سعوی میرزا احاکر بار فرزند شد کارخانه شکر سازی ساک در میدان ارک سازی تمام شده در اوایل شعبان  
فند سفید از شکر سرخ آبخار بخش حکومت کلیا پکان و خواصار را با جود بناشتی و کلازار فرمودند و در قلعه  
عنایت آباد و مبامی کرد در سر حدت کانت قلعه خندق و شهر حاجی بنا کردند و در حنظل آباد از دهات پیشگاه ببولک  
بنادکان را نیز قلعه بنا شد

روز غره شوال که عید فطر بود در عمارت عید بنیانوران سلام عام منعقد و طبقات خدام بجایکای مبارک مشرف

شده

شدند و در این سلام بکفینه شمشیر مرصع و بکتوب جبهه شمشیر مرصع مجنبا بصدرا عظم مرصع فرمودند ساسان هم  
 بها الدوله بلبله کی نواب شاهزاده معین الدین میرزا اخصاص یافت محمد قلیخان ولد مرصع حسینخان سردار که غلام  
 پیشخدمت بود بیوز با شکر غلامان مامور کرمان بر فرار شد خان جنوف که بغیرم گرفتن زکات بمرد آمد و مرد بها  
 تمکین نکرد که کار بمباد فقه کشید برج آق و در بند و قرا و کخانه های مزید و دران و غیره مرصع شد در سر جام نکر که  
 بار بد بوزن چهارده سپهر میرزا رفیعخان فورکی نظر بخصانت قلعه فورک که از قلاع محکم خراسانست دم از خود  
 میرزا نواب حسام السلطنه والی خراسان فشنون بدفع او فرستاده قلعه مزبور را گرفتند ساخلود و لئی گذاشتند  
 و میرزا رفیعخان بهرات رفتند صید محمدخان سردار حاکم هرات را شقیع خود ساخت و در دربارها بون مقبول افتاد  
 معفوشد اما فی قلعه کزبک و طافان از قلاع خراسان نیز از در اطاعت درآمدند محمد حسینخان سردار بحکومت کرمان  
 و بلوچستان و نیز در سرفراز و بیکتوب جبهه شمشیر مرصع خلع کرد بد فاسمخان غلام پیشخدمت خاصه بجای احمدخان  
 نوابی بکار برد از فیضلیس نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بکفینه نشان از مرنبه اول سرهنک و بکیشنه  
 جامه سفید نایل کرد بد خدایان چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مقبول  
 و مورد مرصع کرد بد میرنجیب کی بیخ فوج از افواج قاهره را بعبداللهخان ولد محمد حسینخان سردار مرصع فرمودند محمداف  
 خان ولد محمدخان امیر تومان بمنصب سرهنک فوج ششم اقبال تبریزی سرافراز شد سی نفر زن از قلعه نرق از قلاع  
 خراسان اسپرنگان شد و بلافاصله بهوارد و لسان عقب آنها ناخنه اسرا را مسرود و ترکمانان را دستگیر کردند صید محمدخان  
 حاکم هرات فشنون بغیره که فندها در تصرف نموده بودند فرستاده قلعه گاه را که هشت فرسخی فراه است بپوشش گرفتند  
 خان خوارزم بحد و دم و آمد و در این اوان خلیفه عبدالرحمن وفات کرده طوایف سالود و ساروق بسپراد بجای او  
 خلیفه ساختند با خوارزمی بجای او برداخته آنها را از حوالی قلعه مرصع نشانده اند

و از وقایع معظمه اینسال آنکه جمعی از اتباع سید علی محمد با علمهم اللعنه و العذاب بر پاست ملا شجاع نام شمشیری که خود را  
 ملبس بعظیم نموده نایب باری بیدار است بنای فسا نهاده جمعی در خانه حاجی سلیمانخان تبریزی که خود از معتقدین فرقه ضالیه  
 بود جمع و قصد آسب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بغای آن موجب امن و اشاعه عدل و انصاف براندازند  
 و سم ظم و اعساف است نمودند و دوازده نفر را و طلب شدند هر یک بسلاحی مسلح گردیده بنیاد و این آمده در کین و منظر  
 وقت شدند و باقی در خانه سلیمانخان مهیا بودند که اگر موقع فسا شود بیرون نازند و بنیادهای او و سفک دما و  
 اضلال مسلمانان برانند و روز یکشنبه بیست و هشتم شوال هنگامی که بندکان اعلم حضرت اقدس شاهنشاهی خلد  
 الله تعالی بلکه از قصر بناوران شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقه مطروده که در زجر جامه خود بقعه و طایفه مسلح  
 شده بودند در در منظرین و عارضین در محلی که هنوز ملنزمین رکاب علی تمام ما بهم نه پوشنده جلواست سوارهای هابون  
 و راه آمده چند طایفه خالی کردند و بی پرها خطا کرده مکر یک از آنها که ساچه داشت چند ساچه آن بعضی از قطعا  
 بدن مبارک را خراشید چاکران از قبیل اسداللهخان میر خور و نظام الملک و کشیکچی باشه و سایر اعظم و معارف  
 دونفر از آن سه نفر را گرفته و بکلی در میان هنگامه بضرر بیخ و سنک و چوب و وانز جهنم نمودند بعد از آن سرکار  
 اعلم حضرت شاهنشاه دو خان قبا و عزیمت شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیرخان اجودا باشی و حاجی الدین  
 والد مولف و کلانز و کدخدایان بفتح و جیججوی و سالی فرقه ضالیه برداختند و اول بجان حاجی سلیمانخان شانه  
 نور اباد و از ده نفر از شرارد دستگیر کردند و از این دوازده نفر سایر رفقای ایشانرا معلوم نمودند و آنها را نیز

بگرفتند

بگرفتند و هر را بقتل فرستادند و از خدمت بزرگ که در این وقت و الله مؤلف نمود بدست آوردن ملا  
بشخص بود که سر نشانی بود و مرده سلامتی و جوی سعادت مبارک را عاقلان با اران با صفاغ بلاد ممالک محروسه  
رسانیدند و هر جا بیکر آن جشنها گرفتند و شهر را این جشنها را غان نمودند

پربالمشکون لیطفوها و بابی للآلان نیمه

بسیار از سواره و افواج برای سان و رسید که اسب اسلمه آنها حکم شد حاضر رکاب علی شوند محمد ولی خان بیکر یک  
و حکمران اسرا یاد بیکو بجهت نر مه خلع و حمره خان ازانی با عطای بکفایت شهر براق طلا سرا فرازند مهد بخان  
صاحب جو خار حره عرابه کالسه چهار اسب خوب بجهت کرابه با تمام رسانیده ساعتی بکفران کرابه میدهد محمود  
خان کلانتر بعطای بیکو بجهت سرا فراز کرد بد زنی در نیز در محله در سرد مولود هشت ماهه آورد که چشمهاش در  
پیشانی بود و این داشت محمد ندان در زبرد و دو شاخ در پشت گوش و نبالش مثل زبان کا و دو گوش مثل موی کمر  
و از کمر بپایین سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک کردی داشته بکفایت بعد از تولد مرده است پسر از احمد خان  
ناظم دیوان که در ماه اول مهر نهم کرده بود بیکو بجهت نر مه خلع شد پسر از احمد خان کار پسر از حاجی نر خان بیکو ب  
جهت نر مه خلع شد پسر از عبدالواحد کلانی با سببهای محاسبه کلان و خلعتها باین نابل کردید و این سال از

شانزدهم رمضان المبارک در محرمه عیناری ظاهر و روز بروز در نر اپد بود و چنان غلیظ شد که اکثر روزها از صبح  
تا شام آفتاب پدید نمیآید و بعضی روزها طوکر روشنی که بود که در ده قدم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهند اما در  
ساعتها شب گذشت عیناری بر طرف در هوا جوهر و اعتدالی نمودار میشد بجهت اطفال را مانده نیز در حیات کلیسا  
حکم شد در سه سبازند پسر از افضل الله و نیز نظام که دو عرابه توپ پیروند بلند قد بسیار خوب در نیز بد بجهت پیشکش  
کرد بیکو بجهت نر مه خلع کردید حسابی مقرر شد تومان بند کل افواج فامره را نمایند و کسب آنها اسم و عدل  
تومان و افواج نقش شود در کار و نر مولود شده که سر آن بشکل کوبه و بدش تمام مثل بلیک سفش و انگشتا  
هم با فنی بکلی او بلند پای بکر کونا و فلاد و بکو جیم دندان هم داشته کاهی که بر میگردد بعد از بکر و زمرده است  
انجام امور فوق خان و حبه خان و مدرسه دار الفنون و مطبوعات بعد از محمد خان بیکر یک و میرزا محمد محمول و مولود نر  
حاجی مبارک بلیغ خان و منصب سر پد سواره نانکله و هداوند و ککر لونا بابل کردید پادری محی پیشوای مذاهب کتولیک  
علی و در خلفای اصفهان در گذشت و چون نهائیم خوب بود از امانه مسلمانان همه مناسبت شدند امری یا

(اسپانیول) و کلای علی عزل شدند نار و این عهد را عظم استعفا نموده مؤدول بجای او نصب شد و نرال پلنر که بقصد  
تخصیص پره کوبا از منصرفان بنکی بنای اسپانیول با بخارفته بود گرفتار شده در هاوان پای و نخبه پره کوبا  
مقبول شد شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیول مولود شد (المان) مجسمه فر در یک اعظم پادشاه پروس را در برن بر پا کردند  
ایالات همن در نر بمملکت پروس الحاق شد طایفه یهود با عیسویان در باویر در حقوق و در همه مساواه بهم رسانیدند  
و حال تا آن زمان دارای این امتیاز بودند که اگر کسی از کد در گذشت و در زرد پسرش  
با آنکه کور مادر زاد بود بیست و دو سالگی بجای او جلوس نمود (انگلس) قبول کردن از طایفه هور و اینست  
و کالت رعیت مجلس با ویست تصدیق کرده بود ولی مجلس لرها قبول نکرده نمودند اسپانیول بپسوعومی در لندن  
در عمارت سلو در راه پاد پار که از باغات بزرگ عمومی شهر لندن است افناح یافت و مدت پنجاه این اسپانیول بپسوعومی  
بر فراز بود لود و پالمستان و نیز اموا خار حبه استعفا نمود در شمال دماغه امبد در انریفا که از منصرفان انگلس است

سخت بنامین حال آنجا و طایفه کافر اتفاقا فساد عهدنامه تجاری با جزایر مسند و بیج بشبه مثل معدن طلا در کوهستان  
 شرق استرالیا کشف کرد بد تلکراف جری از انگلیس بفرانسه از نبرد دریای مانش که بندر دور و کاله و ابهم وصل میکند امتدا  
 یافتن اهالی از ندها جری زیاد باعث جنگ بنا رفتند چنانکه در این سال شصت و پنجاه هزار خانه آنجانی سکنه بود و غلام  
 اهالی خانه ها را بپاره به جنگی در بنا رفتند بودند نگار در مورخ فوئت شد جمعیت تمام جزایر انگلیس را بیست سال بپناه و بچکار  
 و دو شصت و سی و هشت هزار و نه صد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرد و دو سصد و پنجاه و نه هزار و شصت  
 و چهل نفر است (پرتوغال) مارشال سالید تا که بر ضد و ذرای پرتوغال پیوسته و در اسلحه دولت را مجبور کرد که گن نما  
 صدراعظم را مغزول کند و خود بجای او بصد ارت منصوب شد (دانمارک) ایجاد وکلای دعوت و بنیان قانون  
 جدید از لندن که متعلق بدانمارک است از سنت معلوم علم طبیعی در گذشت مابین دولت دانمارک و ایالتین اسلیشویک و  
 هلستین صلح شد (روس) دولت روس مقیم است که از دست فرانسویان جمعیت خوشن کشته کند (سوئیس) و نروج  
 در بالٹ نروج طایفه خود را قبول نمودند (عثمانی) نزاری مابین دولت عثمانی و اطرش بجهت آزاد کردن کسوف  
 که از اثر ارباب ارستان بود و پناه بجای عثمانی برده حاصل شد امپرشور از روسای اسپینا فوئت شد در این سال  
 کسوف افتاد با عثمانی پناه بماند بگرفتند و هر چه مجبور خواستند ثابت کنند که اثر اثری نیست مردم اعتقاد نکردند  
 (فرانسه) شان کا بنه از سرداری فوئت پاریس مغزول شد در پاریس بعضی بلاد دیگر فرانسه شورشی بر پا کرد بد در شهر  
 پاریس ایجاد راه آهن نمود برای صاحب منصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی  
 در حال حیات اندر سوئیا بچین نمودند برای نسیب طایفه فنیلی که از اعراب الجزایر اند فوئت فرستادند مارشال  
 سبا سینی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوئت شدند راه آهن نور و پوایشه برقرار و پاریس شد  
 بنای بازار فرانسوی ماکولات در پاریس نمودند بکشد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهور علاوه بر آنچه معمول  
 بود مطالبه کرده وکلای ملک قبول نموده رد کردند وکلای ملک عزل و انتخاب کلای تازه و تعیین وضع جدید دولت  
 بمیل عامه نمودند از آن ده که در فرانسه مدت با ست لوی ناپلیون رئیس جمهور داده سال فرار دادند جمعیت فرانسویان  
 هفتاد و یک روز و دو و پست هشتاد و پست و یک روز بود (آفریقا) (مصر) ابان مصر قبول تنظیمات جدید را نمی نمایند بسو  
 کیانی انگلیس راه آهن از اسکندریه بفاهره ایجاد شد امپریا (انائونی) ایجاد راه آهن مابین کانادا و کبشن شد  
 کتابخانه دولت را بیست سال آتش گرفت (مکزیک) شورش و انقلاب در اکثر بلاد این مملکت پیدا آمد دولت انگلیس  
 با کمال شد مطالبه طلب خود را می نماید (بنگال) بنای جنوبی) ژنرال اشپیک بر سر در با ست با ف عهدنامه مابین فوئت

و یکم از دو هشتاد

و بر زبل بر قرار کرد بد

سنة هجری

۱۸۵۲

اسپا (ایران) در این سال از ارض خان ترکمان با شصت نفر از روسا و ریش سفیدان ترک که سرخص برای عهد  
 خلدنکاری همیشه مقدم آمدند که همیشه مقیم مشهد و غیره و نو کرد دولت و مشغول خدمت باشند عمارت مرصوف  
 عبداللہ پیرزا و دروازه های زنجان که در مقدمه طایفه ضالته با بیخیزا شده بود حسب امر تعمیر شد و کارخان  
 بلور سازی و چینی سازی در الحلافه خوب کار میکنند محمد کرم میرزا از جانب علیخان سیتخان بعضی خدمت نواب  
 مسام السلطنه نوشته که او را بخدمت گذاری دولت علیه قبول و یک بپرق نشان مشرف و حور شید برای سواره او  
 خدمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوبه اند و مقبل و معهد نظم و ضبط هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است

کرد بد



کرد بدینچنین که پلادخان بیکه هزاره دو هزار خانوار هزاره و باخوری با سپه خلیفه مرد و کده نایان ساز و سالور و با  
 بطرف ارض افسس نمود در ششم صفر حشون و کادت هماهون داد تمام ممالک محروسه کلا کر شد نوآباد احمد میرزا بجوار رحمت  
 الهی سوکت افواجی که نازده از هر جا گرفته شده بود مشغول بشوق شدند از غراب اینکه در عرض عمر برف آباد از نواح هر و ن آباد  
 من اعمال کرمانشهان خرمی که پنجاه خوار کندم پاک کرده داشتند صاحبان آن حاضر شده که عمل نمایند که یک دفعه مانند  
 آسیا بچرخ افتاده بزین فرورفته بطوریکه روز دیگر چند ذرع زمین را کندند آثار ریخ الجبل از کندم بود بعد از آن تمام  
 یکجا محو و معدوم شد و اشخاصی که حاضر بودند اینوا بعد از بدینطور و حشون و دهشت برآنها غالب شد که بکفر از آنها  
 ببرد و باقی مد هوش شدند بنای چایارخانه در ساری و اشرف بیخ سیر تخم پنبه را نه بکنی بنائی داد و بلوک خوار کاشند  
 و کچزار و پنجاه مجوز ویرداشته و دانه های جوئی را که در بعضی از تبه ها آن شمرده بودند و دست پنجاه و دو دست  
 هشتاد بلکه سپه دانه جوئی داشتند میرزا سیدخان مؤتمن الملک بر مهمام خارج بجا بل و نشان سر پیچ اول مکمل  
 بالاسر سرفراز شد نوآباد بلدم میرزا بیا دانش بنید اشرا طایفه کاوند و خالد و ندرستانی بعبای یکجه تره خلعت  
 هماهون سرفراز کرد بدینامیرزاده ابراهیم میرزا در ازای خدمت نظام امور عربستان و ساحلین هر هاشم و لبش بست  
 و غیره بیکو رجبیه تره مخلص کشت حاجی قوام الملک بعضا مرتجع مقرر کرد بدین معین دار الفنون را سالی سه مرتبه در  
 حضور هماهون امتحان میکنند نوآباد مافقی میرزا حکمران کرمانشهان را ملقب بجماد الدوله فرمودند چراغ علی خان نا  
 الحکومه اصفهان بکفطعه نشان از مرنبه اول سر پیچ با بکر شده جابل سرخ نابل کرد بدین حال فرزند با هنام چراغ علی  
 نظام با فقه و فقه علمیه خان که حصان نشان موجب شرا بتمشاران ابره شد که بیدند چند نفر از خوانین بلوچ که  
 انقیاد بند داشتند بوساطت نزد محسنخان سردار حکمران کرمان و بلوچستان منقبیل خدمت اطاعت شدند میرزا فوج  
 الله خان ابودان نوبخانه حبیب میر بجه جدید در انزلی بنا کرده و در عراده توپخانه نماز رخت محمد ناصر خان ایشیک  
 آقاسی با شتی از ظهیر الدوله بیکو رجبیه تره مخلص کرد بدینامیرزان که سر شده اراصفها بیکو رجبیه تره که هانی نابل  
 چهار صد نفر سرباز فوج بهادران با اتفاق اصلان بیک باور ما مؤسسه جو شهر شدند تقاره خانه سردار بیک جدید  
 بنای شیراز را در کمال شکوه ساختند چند نفر از بدین سفید طایفه آخال ترا که در ارض افسس خدمت نوآباد حجام  
 السلطنه دانه از جانب کلان که فر بوره منعقد خدمت مستعدی شدند که داخل در عساکر منصوب باشند میرزا سید  
 خان مؤتمن الملک بمصیبت حلیل و زارت امور خارجه لیفه جنابی و خلعت هماهون سرفراز شد محمد خان مصلحت که از مقیم  
 اسلامبول مرحوم و حاجی میرزا احمد خان ناپی و هم و زارت خارجه بجای او منصوب شد میرزا بزرگ فر و پی بمصیبت  
 برداری از زنده الروم بر فرار کرد بدینجا میرزا خان حاکم ارومی بخلیفه هماهون سر بلند آمد جناب نظام الملک با عطاء بکوف  
 لباده تره بطان خرفر بیا عراز کرد بدین نوآباد حشام الدوله با عطاء بکفطعه نشان مرنبه اول میر پنجه که بیکر شده  
 جابل سرخ مقرر کرد بدینجا میرزا خان نوابی بیکو رجبیه تره درجه افتخار بافت صاحب منصبان بزرگ نظام حبیب الامروزها  
 بعد از فراغ از مشق بعد سوارا الفنون آمده علم جنگ میخوانند بشیر خان (اعضضا الدوله) ولد خان خانان بمصیبت  
 سرتیم سواره اسیر آباد و خلعت هماهون سرفراز شد سرگرد سواره شاهسو مشکین بابیه بولوخان ولد خان سحزان  
 در خدمت فرمودند میرزا بزرگ خان بله بیکه ملافه مخلص شد چون اهل شاهسو از طرف ما سبقتی خان اهل بیکه شاکلی شدند  
 او مغز و سحزان بخلیفه هماهون نابل و بجای او منصوب شد بضا میرزا خان پسر مرحوم خان شهاب الملک بمصیبت  
 سر هیکه خارج از فوج سرفراز شد حشون و بزرگمان مؤتمن شد که سه سر داشت و پاهای او کج و کفت پای او با شپا

مثلهم ویکساعت نینده بود در کرامت‌ها که الاغی منولد شد که بکسر دو تن داشت و تمام اعضا دولتی از هم منفصل  
 دارای چهار دست پا و دو دم و لکن زنده مانده است محمود خان فرکوزلو (جناب ناصر الملک) نایب اول سفر مخصوص دولت  
 علیّه عامه سنّت بطرز بورغ با عطای بکفطعه نشان سر بنی از درجه اول با جامیل سرج سرافراز کرد بد محمد صدیقان پیش  
 محمد خان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان و غیره که بدر بارها بون آمده بودند بخلاص فاعزه مفتخر کرد بدین سلبان خان  
 سهام الدوله مسیحی مرحوم شد در کابل ناخوشی و بابر و زعمود هفتاد نفر و سالی ترا که مرد توکری و خدمت و لکن  
 علیّه با میل خود اختیار نمودند میرزا فتحعلی خان مستوفی بکثرت بجهت ترغیب خلع کرد بد بارق کومستوفی صاحب منصب دولت  
 آستر که دو ساله بخدمت بند و لکن آمده و قتل از انقضای مدت مسند علی مرتضی و معاودت شد لهذا پادشاه نومان  
 انعام و شصت تومان قیمت بکطافه شمال علاوه بر سایر مرام در خوا و میندول و او را مرخص فرمودند سواره بخینار  
 و باجلان را اوج جمع نور محمد خان سر بنی نمودند بکثرت بقبای نظامی میر بنی که بکفطعه نشان نفره از مرشد اول  
 این منصب با جامیل آن بنواب انعام الدوله خاندان میرزا حکمران بر وجود و عمر است و لرستان و بخینار مرتضی شد حاجی علی  
 خان حاجی الدوله والد المؤلف با عطای بکثرت بخر قداب و ترغیب بظان ترغیب مفتخر کرد بد محمد صدیقان معمار باشی بکثرت  
 جبهه ترغیب مباحی کشت فوج جدید فرکوزلو ابوالجحی احمد خان ولد محمود خان (ناصر الملک) و سواره نظام بسیر کرد که امان  
 الله خان (جهاء الملک) برادر محمود خان بمجزی البسیر بد نور محمد خان فاجار بمنصب سر بنی سرافراز و مجمع شد بین  
 العابدین خان بپرانوند بسرهنگ و بکطافه شمال خلعت نایل کرد بد عبد الحسین خان اشتر نایب اشیک آفاسی باشی شده  
 خلع کرد بد مسوسنابنی طبیب فرنگی بیخاه نومان اضافه مواجب صد تومان پول داد و اگر فرزند هر ساله با ویر  
 شود و بکطافه شمال ترغیب نایل و خلع کرد بد بک جبهه تنگ انکلیس بسپا ممتاز بساخان ایلخانی خراسان مرخص کردند  
 آفراسیابخان نزد بنی با سواره ترکان که بناخت و ناز آنصفی آمده بودند بخار به کرده بعضی را قتل و برخی را زنده  
 دستگیر و بقیه را منفر کرد مامورین جز بولا پادشاه موقوفه مفر شد در سال و مرسل احکام بنوسط  
 چا پاران با شده برنا فضل الله و زبیر نظام از آذربایجان بد بارها بون آمده مرام مخصوص و عطای بکثرت جبهه  
 نزه علی سرافراز شده دوباره سر بجا حساب مرعاودت با ذربایجان کرد ملک الکتاب با عطای بکثرت جبهه ترغیب نایل  
 و مفتخر کرد بد چون در ایامیکه در رومی ناخوشی و بابر و زکود اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شد بد چهار هزار تومان  
 نقد و دو بیست هزار هکتار بخت بخت شد ماهی هزار نفر شکر سفید بسا خوب از مازندران حل بدار الخلاقه  
 و پیشو هدایتینا حاجی الدوله والد المؤلف مامورین حاضرین عمارت دوشان پتیر کردیده در روئیته مزبوره عمارت  
 بسپا عالی باشکوه خوش منظر بنا نمود و روز نشرف فرمای موبکها بون با بجا بکثرت بکلیه بن پویش مجری البسیر  
 فرمودند و از آن اوان الی الآن بنیر بعمارات دوشان پتیر افزوده شده است هدایتین و ز موبکها بون از دوشان  
 نشرف فرمای عمارت شده قشون حاضر بکاب مشوقا ملی کردند بکثرت بکلیه بن پویش با جودا باشی و معلمین مشوق  
 فرنگی را بنیر همه شاهای ترغیب که کثرت و غیره خلعت مرخص فرمودند این اوقات بکر و جناب صد اعظم و جناب نظام  
 الملک و اجداد باشی و جمعی از امر و صاحب منصبان بزرگ نظام بمجموع الصنایع که حساب امر حسین علی خان معبر الملک  
 دایر نموده و انواع و اقسام صنایع که ان قابل ملک را در آنجا فراهم آورده بود رفعت از باب حرف و انشویق  
 زیاده نمود و خواجرا احمد ساعت ساز بزده با که از مشاهیر صاحب صنایع ان پراشت بکصد تومان اضافه مواجب  
 در دست نشینده هم جاری الثانیه بساعت و بسپا بیخ دقت از سبک شد انساب انبرج حوث بمحل قبول

نمود و سلام خاص عام در حضور آنها بون منعقد کرد بدو اسکندر خان سردار را بگومند خوی و میرزاهاشخان را بگومند  
 نهادند و منصوب فرمودند و سرگرد کی سواره خزل بمیر مطیع خان پسرهاشخان نقوی بنام شد و رضی خان فاجار بمنصب  
 مؤلف آفاقی گوی غلامان سرکاری نابل شد چون در سنه ما ضربه از دبا پجان دعایا بواسطه بروز ناخوشی و بامبلا  
 و خسارت شده بودند محض و بفضل در باره آنفاده هزار تومان نقد و هزار خوار و حبس از مالیات سال گذشتند و هزار  
 تومان نقد و هزار خوار و حبس نیز در هذه السنه تخفیف مرحمت شد بنز بکبزار تومان با اسکندر خان سردار مر حمت <sup>میرزا</sup>  
 که عارت بپوانی خوی را که فرمای این نهادم بود تعمیر نمایند خلفه عبدالرحمن خلیفه مرد پسر خود را با پنجاه نفر از رؤسا و کج <sup>خان</sup>  
 مردی خدمت نواب جسام السلطنه حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد مینماید و مستدعی است حکم از برای مراد  
 جانب اولیای دولت علیه تقرب بشود و وی که با عبداللہ خان میرنچم بلوچستان رفته بود از بمپو و قلعہ سران و تمام  
 خان بلوچستان را و ز کرده بقلعه سور و میج حوالی مکران رسیده و در هر جا طایفه بلوچ از او به نشین و غیره بتقدیم  
 خدات پیرا خندند سردار علیخان سبستان که همیشه اظهار انقیاد بکارکنان این دولت جا و بد شوکت مینماید این <sup>میرزا</sup>  
 که امیر علیخان فانی و حسنخان جلیل و ند بسبستان وارد شده اند بمرق دولت علیه را در سر و قلعہ کوه که از فلاح معظه  
 سبستان و محل توقف خود سردار علیخان است نصب کرده و پسر خود را با پیران دوست محمد خان و ابراهیم خان سبستان <sup>میرزا</sup>  
 کردی بمیر علیخان سپرده خوار یکبارہ در ظل جانب رفیع اطاعت نمایند و لثا بدایت کشید

چون شاهنشاه اهرده اعظم معین الدین میرزا بمنصب و لقب بجهت اخضا ص یافته بود در این وان رسما این معنی انتشار  
 یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند محمد حسن پسر مر حمت محمد خان مصلحت کنان سابق دولت علیه  
 مقیم اسلامبول بمنصب پنا بصلحت کنان اسلامی سرافراز شد حاجی محمد حبیجان را مامور بند عباسی و انظام آن  
 صفحان فرمودند نواب مؤیدالدوله و لہد حکمران ولایت همدان دادند و لہم از خان نرکان که از معینین ریش سفیدان  
 طایفه ساروق است با بسبب نفر دیگر بار مزا قدس خدمت نواب جسام السلطنه آمدہ مستدعی است که بکند نکند و این  
 دولت علیه قبول شود میرزا محمد خان سرکشیک با شتی با عطای کلچین پوش مبارک مفضل کردید نواب مصلحتی فله میرزا  
 حکمران مازندران بپا ضد تومان اضافه مواجی نابل کردید او دخان بگومند ارمانه و نصارتا سرحدات او  
 و سلماس خوی سرافراز کردید سلیمانخان چون خدات بد دولت علیه کرده بود بعد از وفات او ولدان او مورد  
 مرحت شده جهانگیر خان را بمنصب بر نیی و نیز ہما تخان را بنیابت اول اجو د با شتی مفضل فرمودند حاجی میرزا علی <sup>میرزا</sup>  
 باغیشہ بکلانتری نیز بر بران شد صد و دوازده نفر از رضای افواج فاهر این وفات در مر بختانہ دولتی با ہما  
 میرزا محمد ولی حکیم با شتی نظام صحیح یافتند فشنون ظفر نمون کہ بطرف مکران رفته بود تد قلعہ مکران کہ از فلاح <sup>میرزا</sup>  
 مستحکہ است تصرف نموده و سردار دین محمد خان کہ مقدم بزکان بلوچستان است بد و اظهار مخالفت از در اطاعت  
 در آمدہ است تاکنون بصفتی مکران کہ فشنون نبرده بود در فلاح و نواحی مکران قریب و بسبب هزار ابل ممکن دارند  
 ذوالفقار خان خمسہ سیر کردی سوار خمسہ بر فرار کرد بد منصب بر نیی فوج نصارتا را بحسنخان پسر حاجی محمد خان  
 مرحت کردند مالیات چنان طلبہ سبزوار را بکل بخشیدند نواب ارد شہ میرزا را حکومت دار الحلا فہ ماہرہ دادند  
 بوزارت میرزا موسی مرص و بازر دار الحلا فہ بروز کرده است شب چهار شنبہ بسبب و پنجم رجب شہر از زلزله  
 سختی شد و خرابی باد رسانیدہ و نیز میان پادہ از دوازده هزار نفر تلف شدند صاحب منصبان و آحاد فشنونی کہ  
 ہر امری عبداللہ خان میرنچم در فتح فلاح کبج و مکران بلوچستان خدمت کرده بودند بنشان و انعام و خلف ہما <sup>میرزا</sup>

میرزا

سرافراز شدند درین بد بادی از سمت شمال وزیده که ابتدا ز درین و بعد سرخ و بعد سیاه گشته است در خلخال  
و خسته و بار و زد کرد آقا اسمعیل بخوبی ادر عساکر منصوبه بخزان داری کل نظام و لقب خانی سرافراز کرد بدین ارجاع  
خان نایب الحکومه اصفهان خلع کرد بدین راجع سامان دشتی که نام بر کنکان سر فرسخ است تکرار غریبه باریده و خراج  
زیاده نموده دانند که چنانچه آن ده سپه وزن داشت بیکانه آن بر سر زین خورده فی الفور او را هلاک نموده است علی  
سواد کوهی که فراوانی از ک پادشاهی و خزان و حقیقا و جو مبارک با و مقرر بر در حوم شد خدما و اراکلا رجوع  
بمیزان که بخان سرهنگ فوج سواد کوهی فرمودند فغان آفای سر نپس تو بخانه با تو بچیان منوفا دار الخلافه و فوج  
خدیو فراوان بواجب مصطفی فلجان میر بیخه فراوان شهر اند برج شهر کرمان که خرابی داشت تعمیر شد از غراب آنکه  
در کرمان جوهر مرغ خانکه از تخم در آمده که در سر داشت در یکس سر چشم و سه سفار و در سر دیگر نه چشم و نه منقار  
و سایر اعضا آن منسوب الحلقه و چند وز زنده بوده و دانند بخورده بعد از آن مرده است در قم و کاشان و اصفهان  
و مازندران نیز ناخوشی و بار و زبافت و مخصوصا در مازندران چند شدت کرد میر عزیر خان در پاییک با عطاء  
یک قطعه نشان از مرینه اول سرهنگ سرافراز شد آبادی و ابنیه عمارت دولتی و غیره دار الخلافه نسبت بخند سال  
قبل مضاعف شده هزار نفر سواران ترا که بعزم ناخز و از طرف شاه رود آمده مجد و همچنان خیز شدند با جمعی سوار  
و پیاده سر راه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر زنده دستگیر و باقی را هر میت داد منسوب بمعلم سواره نظام بعلما  
یک قطعه نشان نفره از مرینه اول پاوری نابل و سه ماهه در خصوص شد که با سرب و وطن خود رود نواب مصطفی قلمبر زاکرمان  
مازندران بخلعت همایون سرافراز کرد بد کاسکه که بجا اب شعبان فلجان با فتحار صید محمد خان ظاهر الدوله مرحت شد  
بود چون بیکسری سخن هرات رسید مغزی البه استنباط نموده شرایط تعظیفات و احترامات را نموده در کاسکه نشسته  
داخل شهر هرات شد نواب بصره الدوله حکمران فارس و بعضی اعیان فارس بخلعت همایون مفضل شدند نواب عبداللّه  
حکمران کرمانشاهان نیز بخلعت همایون سرافراز کرد بد زکریا سلامی در دار الخلافه در کال خود کار میکنند بیک قطعه  
چینه فرنگ ساز حساب ساخته که نهایت نماز و پنجاه هزار تومان تمام شده است نواب بصره الدوله از حکمرانی  
فارس استعفا نموده و نواب عبداللّه حکمران فارس منصوب و خلع شد اسد الله خان امیر خور مجکومف همدان  
و خلعت همایون سرافراز کرد بد جها نسو خان منصب میر خوری مفضل گشت زنی در کرمانشاهان با آنکه شوهر نداشته  
بیک شکم چهار طفل آورده از بدی را طفلان از او سوال نمودند گفته بود در حاکمی که مردانه بود و بعد زانمانه شده رفته  
و در اینجا آبتن شده ام با کجلی آن چهار طفل هیچک بیش از چهار ساعت ننده نبودند نواب احتشام الدوله  
خان میرزا حکمران بروجرد و عربستان اولرستان و بخیناری بخلعت همایون سرافراز و امیرزاده جلال الدین میرزا نایب  
الحکومه لرستان شد عزیر خان اجودا بناشتی را منصب داری کل عساکر منصوبه عطا فرمودند هوکب همایون واسط  
ماه ذیقعد و عزیمت بچین سلطان فرمود ناخوشی و با از هم خا مرفع شد میرزا محمد خان بیکر بیک شیراز و لد حاجی  
قوام الملک مرخواست میرزا علیخان و لدا و ابجای او بیکر بیک و خلع فرمودند نیز بیکو بجه ترم بجای قوام الملک  
خلعت مرحت شد میرزا علی اکبر سرهنگ مورخانه طلیف خانی نابل کرد بد خان خوه که بر سر و آمده بود شکست خورده  
علاوه در اردو او ناخوشی و با افتاده بطرف خوه کوچیده اسناد دوی همایون در چین سلطانه و عده ملزمین  
رکاب نشست بمقتاد هزار نفر میرسد روز عید قربان سلام عام با سکو همی تمام منعقد کرد بد و بجای بصل اعظم  
در این سلام اظهار میرزا مخصوصه فرمودند بعزیر خان سردار کل و اجودا بناشتی یک راس است خاصه مرحت شد

طامسین صاحب شارژ دافردولت انگلیس وانرا در وادی پادشاهی کرد بدستگ نشانه بیرون آوردن باهنام و تعلیم کنونی  
شایع شد و در یکسال خود او بیست و سه سنک را آورد که یکی هلاک شد و باقی سلامت سند  
موکب هاپون از چین سلطان بن غریب در الخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذی حجه شش بقصرهای طهران شد  
و در نالار تخت مهر سلام عام انعقاد یافت حاجیالدوله والد مولف که در این سفر خدمات شایان نموده بود عطای بکثوب  
کلچین پونش مبارک مفتخر کرد بد زرگرا سلامی ایلت کرایسهای که حسب الامر از جواهرخانه مبارک ساخته روز  
عذر در چین سلطان بن محضو مبارک برده مورد تحسین شد و اهل خیره آنرا بیست و پنجاه تومان قیمت کردند بر حسب  
استدعای نواب چشمه الدوله حمران آذربایجان یا بصد تومان بصف شعر بافتن بر منجیف مرحمت شد حاجی میرزا  
مخبرخان نایب الدوله وزارت و خارجه بلیغ برههام خارجه خلعت هاپون سرافراز و از قزوین باذریباچان رفت فخر علی  
که بیکر سیک و خاکه شهر تبریز بود اخضا و احد خان نوائی که دیوان بیکر از موکب هاپون بود بجای او مامور و روانه شد کلب  
حسین خان نایب الدوله بناستی بلهناستین نظام ملقب و بخلعت هاپون سرافراز کرد بد امر پیا (اسپانول) شخصی قصد  
قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت کاستن از معارف اسپانیا یاد رکذشت غربای اسپانیا که دارای دیوان  
مختلفه هستند بموجب حکم سخت و لنگه بجهت ظاهر خبر بطریق کاتولیکه بمنشواستند عبادت کنند و زوای نازه در اسپانیا  
بصدارت رن کالی بر فرار شدند و جزیره کویا و مایلدن لزه سخت شد (المان) اعلم حضرت امیر طهور اطرش بحاکم کدر  
ایطالیامعرف بود سفر نمود بر نشن شوران زن برون صدر اعظم اطرش در سن پنجاه و دو ساله بکبرک فجاد رکذشت  
بتر اعلم حضرت امیر طهور ببحارستان سفر نمود عهد نامه تجاری مابین ایندولت و دولت عثمانی بسته شد صد و شصت کرد  
قرن مجد یاد این سال دولت قرض کرد بتر اعلم حضرت امیر طهور اطرش برین سفر کرده با اعلم حضرت پادشاهان پروس  
هانور و غیره ملاقات نمودند بعد این سال دولت عثمانی متعلق بر روس و بایر و زکرده و از آنجا بملک پروس سرانست نمود  
پادشاه ایالت بادشارل ل اویلیک فردریش بن شتت یکساله در گذشت و پسر برونک اولوی چون که مثل اینست  
صرع میباشد نیز اکثر پروس پادشاه مرحوم فردریش بر تخت سلطنت جلوس نمود که زایل بروس و اکثر تیران قاضیها  
معروف المان وفات نمود هجده پروس در این سال سی و دو کرد و پنجاه و پنجاه پروس بازده نفر میباشد (انگلیس)  
زن روسی صدر اعظم دولت انگلیس کلپف کرد که علاوه بر فسون معمول دولت بایصد و بیست هزار لشکر حریک بجهت  
ذخیره داشته باشند هنگام لزوم بآنها اسلحه و اوزم جنگ دهند و آنها را خدمت مامور کنند و زوای سده و یک  
استغفا کرده و زوای نفوس بر قرار کرد بدند کرد و در منصب صدارت یافت و لیکت ن سراد و زب معروف انگلیس  
در سن هشتاد و سه ساله وفات کرد و عزای عام در مملکت انگلیس بجهت فوت او گرفتند مجلس پارلیت بر ضد دینه  
و زوای جدید است و زوای سده یک مجد را منصوب شدند جنگ انگلیس با ایالت کافر در افریق جنوبی با تمام نرسیده  
دولت انگلیس به برمان فرستاده و فتوحات را بملک نموده است بجهت انکشاف معدن طلا هشتاد و هفت هزار  
نفر از انگلیس بدولت یکسال باشرالی مهاجرت کردند کشتیها جنگی انگلیس که در این وقت موجود میباشد صد و سی  
سه فروند است آنچه در کشتی سازخانه دولتی میباشد بیست و یک فروند است در این تاریخ در جزایر انگلیس بازده  
هزار و صد و پنجاه رذع یعنی هزار و صد و پنجاه کپلو مریه آهن دایر است در ظرف بازده ماه بعد از انکشاف معدن  
طلا تا این وقت معادل چهل کرو طلا وارد انگلیس شده تمامس مور شاعر معروف ابرئدی در این سال فوت شد (ایطالیان) کونث  
گو و بوزارت مالیه بعد بوزارت بحریه آخر الامر منصب صدارت پادشاه یمن بر فرار شد در ساردین و بعضی

اینگلیس  
از انگلیس و صدر سن برمانی

جاهای

جاهاى بگوشورش نمود مجلس شورای مملکت در روم منعقد کرد بد کوه آتشفشان اناطلیان نمود (پرنوغال) با  
 یک کیانی معاهده نمودند که از زمین پامی تخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنه مند نمایند (بلژیک) عهدنامه بخار  
 پروردی با فرانسه بست و زرای تازه بصداوت بر دگر نام تعیین شدند روزنامه ها بلژیک را سخت ممانعت نمودند که  
 نسبت بشخص سلاطین خارج الفاط مستحق بدست نویسند و این فقره بخواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمشد  
 ولی آخر موقع قبول یافت (دائما) ایالتین اسلشونیک هلشن دارای زرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند  
 که دخلی بوزن و پارلمنت داتمارک ندارد (روس) اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین  
 و با اعلیحضرت پادشاه پروس در زوجه خود در برلین ملاقات نمودند پرتش دولشان بر کد اماماد اعلیحضرت امپراطور  
 وفات نمود در اوخا پترز در سنت پترز بوزغ و با پرویز کرد راه آهن دولت روس در این سال سبصد و بیست هزار  
 ذرع است (عثمانی) رشید پاشا صدراعظم عثمانی در ظرف سه ماه غزل و نصیب شد در شامات دزدی و راهزنی بی  
 حد است علی پاشا بجای رشید پاشا صدراعظم شد فواد افند بمنصب وزارت خارجه رسید ابتدا ای جنال استقرض دولت  
 از خارجه معادل ده کر در تومان پول ایران و این فقره بواسطه عدم رضایت روس اطریش و بعضی از اهالی خود عثمانی  
 انجام نمی یابد بایک مصر اجازه میدهند که مستغلا از انگلیس قرض کند شور شرط بقدر روز در شامات و شور شرط  
 منفک و هرگز کین که مالیات نمیدهند مأمورین عمر پاشا با بیست و پنج هزار از قشون به بنده اهالی منفک و هرگز  
 (فرانسه) در بر نهیهای فرانسه علامت و تصویر عقاب که ناپلیون اول اختراع کرده و بدنه مشرک بود بر فرار نمودند مسکو  
 با تم تصویر پرینس لوی ناپلیون رئیس جمهور منفوش خواهد بود ریاست ده ساله لوی ناپلیون را عموما قبول نمودند  
 مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و بجای مملکت باشد بر فرار کرد بدلا ملاک و اموال لوی فلیپ پادشاه سابق  
 فرانسه اولاد او را حکم بضبط و فروش نمودند ریاست مجلس سنا بر سر ذرم عمومی رئیس جمهور قرار میگردد قانون  
 موسوبغانون ناپلیون میگردد در روز پانزدهم ماه او که روز ولود ناپلیون بوده جشن میگردد رئیس جمهور  
 بایک جنوب بورتلین بزور و فور سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب میکنند امیر عبدالقادر والی الحجاز که  
 در مجلس فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز او را از مجلس برود آورده بروسا از حال عثمانی  
 میفرستد و در رئیس جمهور بیادش با کمال شوکت و جلال در عمارت سنک کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را  
 بحضور او و نمنا کردن که قبول ریاست جمهور را مادم المرناید بالاخره در ماه قوس انشال اغلب اهالی فرانسه جمع  
 شده پرینس لوی ناپلیون رئیس جمهور را ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرینس ذرم عمومی لوی ناپلیون را  
 ولیعهد او فرار دادند مارشال ژرژا و ومارشال اکرمان فوت شدند کشتیها جنگی فرانسه در انشال بکصد  
 هشت فرزند بود (هلاند) کشتیها جنگی هلاند در این سال چهار فرزند است (یونان) اهالی یونان تمکین  
 میکنند که ممانعت کشتیهای یونانی که در اسلا قبول است نمایند و بواسطه تکلیفی که دولت با آنها میباشد بعضی  
 ایالات شورش میشود در سواحل یونان طوفان سختی شد افریقا بعضی از سها ان که در امریکا بودند مهاجر  
 نموده برلی بریا که یکی از نقاط افریقا است آمد در این ناحیه یک جمهور شبیه جمهور بنکی دنیا تشکیل داده اند  
 ناحیه بریا که در این سال هزار و سبصد و پنجاه نفر از هفتصد هزار سکنه دارد که سیاه پوستند و شانزده  
 هزار از آن سبها میباشند که از بنکی دنیا مهاجر نموده باین ساحه آمده اند دولت  
 اتانونی و انگلیس و بلژیک و پروس و بزدیل و فرانسه بایک جمهور افریقا شناختند آمریکا (اتانونی)

اول گشتی کرد در ظرف نر و روز سه ساعت از بنکور بنکی دینا به پور پیل بندر انگلیس آمد گشته موسو بر آنک  
 بو و این سفر در راه دلو اتفاقا قناد جمهور انا تونی در صد فرسنگ جمع از دانشمند با آنجا که از این صیبا  
 و غرض از این سفرها انکشاف مسائل جدید و مینا شدن بر آنکه بنادر زاینها آن وقت برای هیچک از ملل یاز نبود  
 از اهالی چین چند هزار نفر بجهت کار کردن در معدن طلا کالیفرنیا از مملکت خود با نا تونی مینا کلینا از معارف آن  
 در گذشت فرانسوا انگلیس هر قدر خواستند نا تونی را با خود میبرد کنند که دولت اسپانیا را در نگاه داشتن  
 جزیره کو با تونی کتند قبول نکرد گشتی ها چنانکه نا تونی در این سال سی و شش فرزند بود (بنکی دینای جنوب)  
 ابتدای خیال مردم در حرکت بردن شط امان با کشتیهای بخار در این سال بود خرد و زوش غلام و کتند در  
 بریل بوساطت انگلیس موفوق شد تو ضیح آنکه شط امان از غم سطهای روی زمین عظیم و بزرگتر است حتی  
 از نیل سر چشمه این شط از خیال آنست بجزاطی <sup>چهار صد هزار ذرع</sup> مسافت در محاذی خط استوا  
 بحیط اندانینک میریزد در حوالی سر چشمه در جاهای که عرض این شط خیل که است سه الی پنج هزار ذرع است اما نزدیک  
 بدر با عرض این شط دو سبت هشتاد و شش هزار ذرع میباشد و عمقش سیصد و بیست و پنج ذرع زیاد است  
 این شط بحدیست که وقتیکه بحیط میریزد بمسافت صد و بیست و پنج هزار ذرع در در باطم آن هیچ وجه تغییر نکرده بشرین است  
 و مخلوط آب دریا میشود انکشاف این شط در سنه هزار و پانصد و بیست و مطابق همد و شش هجری شد

سنه ۱۲۷۰ هجری

سنه ۱۲۷۰ هجری

اسیا (ایران) میرزا محمد خان سر کشتی باشه بکشتی کلیمه ترمنش پوش مبارک سرافراز کرد بد و این ایام  
 حکم هابون شرف صدر با فک فلعه مضبوط در مرو ساخنه بعد ضرورت ساختن و در آنجا گذارده شو و خلفه  
 مر که عرض مشعر بر اظهار عبوت بدربار معدن دار فرساده بود از جانب سینه الجوانب خسر و آن فرمان هابون سینه  
 بر شمول مراجع ملوکانه خطاب بمغری الیه صادر و بکشتی حیه ترمنش برسم خلعت و سیصد تومان انعام نقد بافتخار او  
 مبدل شد و چون خوارزمها محصول و ذرا عنائها را چرانیده و بواسطه کمی غله در صفحات مر و عشر حاصل است  
 امر فرمودند هزار غره و ارغله با نهادند که از این رهگذر آسوده باشند این اوقات فیمابین دولت روس و عثمان  
 بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوبه مامور از باجیان شد که بدان سرحدات اغتشاش و بی نظمی حادث شود  
 جناب آیت صاحب فتنسول دولت انگلیس بر خصمان دولت چندی بوطن خود رفته بود این اوقات مجدداً ابدار  
 الخلافه معاودت نمود هاد بجان و لدم حرم عیله بقلیان میرنچیرا بر سر تیپ افواج نیشتا بود و وزیر سرافراز  
 روانه خراسان شد که افواج فر بوره را سر کشتی نماید علیجان سر هک فوج چهارم نیز بمصیبت سر تیپ و نایب اول  
 اجود ابنا شیکری سرافراز شد میرزا بن العابدین سر رشتندار مهاجر و سواره نظام بمنصب لشکر نویسی رسید  
 جبرئیل خان سیرافا لر خان که حین نایب و هم اجود ابنا شکی کرد بد علیقلی میرزا پیر نواب عماد الدوله بمنصب سر تیپ  
 سرافراز و از جانب نواب عماد الدوله حکومت کلانی رفت نظام الملک بر شیه شخص دویمی نیابت صدارت عظمی  
 و لقب جنابی و مثال هابون و جابل آبی و سبز که مخصوص شخص دویمی است نایب و بوزارت شاهنشاه راه معین  
 الدین میرزا نیز منصوب کرد بد عبدالله خان میرنچیرا زای خد مات بلوچستان و شخر فلعه بافتان بنشان میرنچیر  
 سرافراز گشت مجدداً سرفراز سر تیپ به پیشکار می میرزا کوچیک خان سر هک فوج جدید کرمانی از جانب محمد حسن  
 خان سردار حکومت بزرگ رفت سر پرستی ایل شکاک ارومی را بحسن علی خان پشخند خاصه گذار فرمودند

اسدالله خان حاکم همدان بلیغ معتمد الملک ملقب کردید بقدر ریاضت ششصد نفر از طایفه ضالیه بایسته در نبرد جمع شده  
و در کوه نزدیک نیریز سنکرها بچینه خود ساخته بودند و اب مؤالد و له حکمران فارس بر نایبیم لشکر نویسن حاکم  
نیریز و لطفعلی خان سرنبد با فوج شقایق و غیره و چند عراده توپ مامور دفع آنها نموده بعد از جنگی سخت سنکرها  
آنها را مستحضر و صد نفر از آنها عرض شمشیر و باقی را دستگیر کرده قلع ریشه فساد آنها را از آن حد و دهنودند حاجی  
پوسنیان سرنبد ایل یکی معان شد عقب قلعه آن هشتاد و دو حکومت هشتاد و دو بافت ناخوشی و بابا امه از جمیع بلاد  
مالک بحر و کس مرز نفع شد میرزا ابوالقاسم نقره سر رشته داری فزاسبقا و دو فیست مان اضافه مواجبت ایل  
کردید میرزا محمد حسین صد سفر مخصوص سفارت سنت بطرز بوزخ معاودت کرد فافله بخارا که عازم مرو و مشهد  
مدرس بود میرزا احمد جمشید با هزار نفر سواران از بک جلواتها رفت و فافله مزبوره در چهار جو ماند بهادر خان حسنخان  
سزوری با با صد نفر سوار فرستاده سواره میرزا احمد خان را مهزم و برخی را مقبول نمودند و فافله مزبوره بدین  
آسیب برد آمد بر حسب استدعای خلیفه مرو و بهاء علاوه بر فست که سابق مامور مرو میشد این اوفات نواب حس السلطنه  
و الی خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و چیماره با فو رخانه روانه مرو نمودند که اخبار از نیریز  
ارگنجی میرزا و سواران نواب حسام السلطنه با عطا ی بکتوب کلجی نیریز پوش مبارک مباحی کردیدند و هزار سوار بخارا  
و غیره که در نزد یکی مرو سکنه داشتند و دست اندازی بمال و حال مردم میکردند فرار نمودند چهارشنبه چهارم بیج  
الثانی بندکان اعظم شاهی شاهنشاهی عزت نیریز بجهت امتحان معاینه بدست دارالفنون شریف فرما شدند چون مابین  
شهر علیخان پیرامرد و ستمی خان حاکم کابل و سردار کهندکجان سردار فندهار نقاری حاصل شده بود عبد الله خان  
سیستان را با فرامین و احکام مامور انصفیات فرمودند که آنها را براه مودت و اتحاد دلائل کند سردار سلطان بعلیخان  
پیر سردار کهندکجان که بجاکمای مبارک آمده بود او را بلیغ مظفرالدوله ملقب خلیع فرموده بصحابت او خلیع  
فاخره و انعامات شاهانه بر او سردار کهندکجان و درجه کجان و مهر کجان و سایر جواین مبدول داشتند خرد خان  
و الی حاکم نیریز و بن عطا ی بکتوب کلجی نیریز پوش مبارک سراز کردید میرزا محمد حسین صد بدو انچه ملقب بحمد  
کردید کارمند صاحب حکمباشی آذربایجان بعطای بقطعه نشان سرهنکی از درجه اول نایل کردید بر جلیس صاحب  
باشی و زنامه و مزجم دیوان و میرزا عبد الله و زنامه نویسن کلجی همایون سراز کردید نایب حاجی بابا پیر خرد  
آقا حسین ملک البخارا بد کوبه بعطای بقطعه نشان درجه دوم سرهنکی مقرر کردید کیتان زلی صاحب منصب مهندس  
از امر آسیریه مسیور هر نوطا معلم علم معنی که در خدمت و کتاپران بودند وفات کردند فاسخان صاحب بلیغ  
نشان سرهنکی از درجه اول و بکر شده عاقل سفید بکتوب جبهه نریمه کرمانی سراز شد بکتوب غرقه تره بطانه  
خرن پوش مبارک نواب الا فرزند و میرزا فرزان فرامرحمت فرمودند امیرزاده عبد الباقی میرزا ولد نواب مؤید  
الدوله حکمران فارس بخلعت همایون سراز شد عاقل املا اگر مر مشق هر ان چند را ساسی سم پیشکشته از جانب  
صد محمد خان حاکم هرات بجاکمای مبارک آورده مورد انفضات شاهانه کردید قشون مامور مرو را جمعیت کل از  
والکه سرخر و خوانین آنها استعفا کرده و منتهای خدمتگذاران از آنها نموده و دو و پست نفر سواره سرخر نامرو  
همه اردو رفتند کنان طرزه نیریز خدمت نواب حسام السلطنه و الی خراسان آمده و نواب عظمه را عسکرها  
مهرجند نموده اندیش خان ناظر بلیغ عین الملک و بلیغ کاکر مرصع مفتخر کردید جهان نیریز خان امیر آخو بکتوب کلجی  
نریمه بطانه خرین پوش مبارک سراز شد فاجد حسن صد فاد بعطای بکتوب نیریز نریمه بطانه پوش مباحی

کردید



کردید آقا مهدی ملك البخار حسیب الامر بعضی روزها مجلسی از اعیان بخار در سرای امیر تشکیل داده در آنجا امر بخار  
ملاکه مینامید مجلسی بخاری هفت تن که بدزدی و شرارت معروف و در یکی از فروع صعبه آنجا محصور بود  
با هفتاد نواب و لشکرمالدوله حکمران عربستان و لرستان و بختیار و بر وجود قطع و قطع کردن قشون مامور و وارث  
شده مرد و پهلوانان و استغنی از آنها نمودند نواب الامور بالدوله حکمران فارس بکفطه نشان امیر نومیانی و  
مخصوصا بن دینه بکتوب جبهه از جانب سنی الجوانب صباهی کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرما بکلمه از خراسان  
ناپل شدند و میرزا فضل الله در نظام را موله با شی حضرت رضو سلام الله علیه و پیشکارا مومنان فرمودند  
نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر فاسمخا از منصب امر نظام مرخص فرمودند نواب نصرالدوله بنبان نواب سبط  
و بعد ولت علیه امور بحکومت آنجا کرد بدند میرزا صادق مشوق بلفب نام مقامی و پیشکاری کل امور آنجا  
سرافراز کرد بد ساکار مهدیخان و ولد ملوک و سالار الله بلوچستان نزد حسنخان سردار حکمران کرمان و نیز آمده  
فهد خدنگاری بد ولت علیه مینامید شاهزاده مصطفی فله سردار حکمران مازندران بکفطه نشان سرتیوی از مرز اول  
و هایل آن سرافراز کرد بد شال باقی کرمان خیل نری کرده است ششم شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت  
هفته دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوث بجل بخوبی نمود سلام خاص بخوبی سلام عام روز عید نوروز در  
پیشگاه حضور مهر ظهور اعلم حضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد کردند بند رعای که از بنادر فارس و حکومت از جانب  
اولیای دولت علیه بجهت شیخ یوسفخان محمول بود بعد از شیخ یوسفخان شیخ عبدالرحمن و بعضی از مشایخ دیگر بخار  
خود سرفرازانده صید ثوبی سپر امام مسقط را بر بند آورده با او عهد و میثاق کرده و دور بند خدایه خرد آذوقه  
و توپ و قورخانه و جمعیت از امام مسقط و صید ثوبی دریافت نموده بکفطه هفت عراده توپ بزرگ در برج و بند  
داشتند سواهی توپها بیکه در جهازان منعده امام مسقط در ردی با بود و دستک فشنون دولت علیه کلولری  
انداختند نواب موبالدوله امیرزاده ابوالفاسمخان را با توپخانه و فوج کلیا بکافی ابوالجعبی نصر الله خان فوج شقایق  
لطفعلیخان با مصطفی فلیخان پوز باشی و فیکلی لاری مامور بحاصره بند عباسی نموده اینداسنکرها و خانه های  
شهر را بمصرف در آورده از آن طرف هم صید محمدخان برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و زباده از پنجاه عراده توپ  
بامداد آنها آمده نادر روز هشتم ماه جمادی الثانیه فشنون فشنون پورش برده بقهر و طلبه شهر را مستحضر کردند و  
فشنونیکه بکلی مشایخ آمده بودند چنان سراپه شدند که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را بیغله و چهار پستانند  
و بدربار افتاده غرق شدند همچین قلعه که بر که از فلاع صعبه کرمانست به خوانند عباسها لی آن نیز  
دم از خود سر میزدند و ز ششم هین ماه بمصرف رضا فلیخان عرب اما معلیخان که با فوج عرب فوج کرمانی  
از جانب محمد حسنخان سردار حاکم نبرد و کرمان بکفر آن قلعه مامور بودند درآمد  
جناب صدر اعظم بکفطه نشان امیر نومیانی اعظم و بکر شسته چایل سیر که اول نشان ایندولت علیه مخصوص شخص  
اول است تاکنون بچیل از وزرای سابق مرخص نشده و بکر شسته شتر آیه بند کاغذ مکلان بالماس و مر و اردن نابل  
و بلفب نیل الله ( اشرف امجد ) سرافراز آمدند حاجی جابر خان از حکومت حجه و مغزول و حکومت آنجا را بشیخ  
حاکم که محصل عالیات مشط العرب است معوض نمودند جناب مسو او بکوف شارژا فرد و لشکر و سر و نشان زدیم  
رمضان وارد دار الخلافه با هر و دور روز بعد با اجزای سفارت بمخصوصا بون مشرف شد روز عید فطر سلا  
عام در بنار و انعاماد با ف حاجی محمد تاجر نری که بر حسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع

ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلور سازی و شکر ریزی و ریخته گری و تجاری و آهنگری و چلنگری و سبک  
 پلزی بزرگ بود این اوفان بر اجتنک ده هکی مورد نفقات امنای دولت آباد شدند و مقرر شد عیال برای در دستگاری  
 چرخ دستی که غذای که همراه آورده اند کارخانه ساختند و چرخ راه بندازند و محمود خان (جناب ناصر الملک)  
 مصلحت کن از صیقل سنت پلزی بزرگ نوشتند که دو دستکاه دیگر از همان چرخ کاغذ سازی را آنجا خریدند ارسال  
 نماید و حاج مشا و الیم از ندان رفت که بنای کارخانه شکر سازی در آنجا بنماید و در این اوان شکر سفید از هانزند  
 آوردند که هنر از شکر خوب هند بود عبا بی در کاشان از ابریشم بعل آورده اند که مثل عباهای خوب بجناب شرف و  
 کر بلا می علی است و حکم شد از این عباها با فند حاجی محمد شرفیجان فاجار بکومتادومی و جیدر فلیجان شادلو  
 بکومتادومی و اسدالله خان فاجار بکومتادومی و حاجی خان ایلیانی بکومتادومی و غنای نابل کردید و وزارت طاهر  
 و اوفان را نفیض میرزا محمد حسین عضد الملک فرمودند متعلقین دارالفنون از پنجه علوم خود کتب مفیده علیه  
 تالیف میکنند صد محمد خان ظهیرالدوله حاکم هرات چند راس است بعنوان پیشکش با اتفاق سردار صالح خان بدر بار  
 هانز فرستاد امیر دوست محمد خان حکمران کابل نیز جعفر فلیجان کابل را چون با عرضیه بدر بار معدله دار فرستاده  
 بود بعد از شمول مراسم کماله و انعامات شامله در حق جعفر فلیجان و همراهان او را مرخص و بکوشه جبهه نزمه پولک  
 دوز شمس مرصع و بکر اس است و بمناسبت از اصطبل خاصه با نفیض از زین و پراق تمام طلا برای امیر دوست محمد خان و دو  
 توجیه نزمه زنجیره دار برای پسران امیر معزی الیه محمد فضل خان که در سمت کشتی غلام جیدر خان بجهان آباد  
 انقاد فرمودند نواب اعشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بجنپاری و بعلای نشان مثال در مثال  
 هانزون مفتخر فرمودند این اوفان ساله و مهد بجان با عرضیه از جانب خوانین بلوچ نزد محمد حسن سردار حاکم بزرگ  
 گویمان آمد از جانب آنها اظهار انقیاد نمود ولی از فراریدن کور امیر علیخان حاکم در کجا جازه سوار نزد ابراهیم خان  
 ضابط و مستحفظ بمپور فرستاده اظهار نموده که از ادخان خانی جمع کرده که در کجا با اید ابراهیم خان  
 نیز خوانین بلوچ را به بمپور خواسته که در صورت صدق مستعد دفاع باشند بعضی فتوان عرض راه خراسان را جانب  
 صد اعظم امر بنقشه نمودند محمد حسن ان پسر سردار علیخان سیستانی و شاه پسند خان و میرکالخان این اوفان  
 از دستشاد برار هانز آمده علی قدر مرتبتم مورد الطاف ملوکانه شدند بعضی خوانین و اشخاص صیقله در قلعه کهن  
 فارس و فراع بلوچستان خدمت کرده بودند این اوفان خلعت نشان در حق ایشان علی قدر مرتبتم مرحمت شد  
 این اوفان حسب الامر اسلحه خانه مخصوصه برای اسلحه منازعه و آلات حربیه سلطنت بنا کرده و تمام اسلحه سلطنتی باضیه  
 و این عهد هانز را که هم منازعه و مزین بطلا و مرصع بجواهر و ان کارهای اسایند فلیمه جدید بود در آنجا  
 بنظم و ترتیب کنگاشد و همچنین کجا بجان مخصوصه برای کتب سلطنتی و فطعان خطوط اسابتد بوضع بسپا خوشنیا  
 کردند مبالغی مخفی مالیهی بارامنه ساکن حلفا و بلوک فریدن اصفهان مرحمت فرمودند و هم این اوفان از طایفه  
 ترکمانیه یا نصد نفر سواره بغیر مباحث و ناز بقریه افزیره که یکی از فرای حیدر قوشخانه است اعده اهالی فراع افغان را  
 دفع داده پسران باس نرگانان از غلبه بر آبادی بسوزا بندن و چراندن محصولات پرداختند بزدان و پسران بجان برادر  
 ساخان ایلیانی مجرب شده قدرش اللهافا و غیره و سواره و شمشیرچی و غیره را جمع آوردی کرده بدفع آنها روانه شد  
 از آنطرف هم نرگانان ندره ای اندیشیده قریب سه هزار سوار با سیل و کلنگ نزدبان بر سر قلعه خیر آباد که از فراع  
 سرحدی قوشخانه است آمد که آنجا را تصرف کنند سواره و شمشیرچی و لوی جلوانها را گرفته و با آنکه جمعیت فسون

ظفری نو ز پاده از چهار صد نفر نبود آن سه هزار نفر نژاد کان را منضم و متفرق نمودند نظر باین حسن خدمت یزدان  
 و پدیدمان یکتوبه و جبهه ترمه بکلیت قطع نشاند از مرزها اول سرهنکه ما حمالان آن برای معزی الهه انفاذ و مرحت شد پیرا  
 حسنجان برادر مرحوم میرزا بقیمخان بنیان حکومت عراق منصوب کرد بدجیبک لاهران پیر خیر و خان کرمانی که در شام  
 اشرار بلوچ با بار اختلافه آورده بود بعطای بکطافه شال از ترمه و بکثوبه بای زری مفرخ کرد بدیکه سنگه از ترمه که  
 انک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند محمد رحیمخان نایب الحکومه بمحضر  
 شده بر سر آنها رفه آنها را منفرق ساخته و قلعه ساخته بودند بیکه حالی ماند جناب احمد فوائده ایلی کبیر  
 دولت عثمانی از دربارها بون رخصت انصار حاصل و بیکه قلعه نشان مثالها بون مکلان بالاسر با حمال  
 آبی از طرفها بون شهر باری نابل شده حیدر افند مستشار خود را در عیاب خود بمصلحت نگاری بر فرار نمود  
 راه کتل بالا و آنجکه معبر راه مازندران ولی بسپاس است و صعب المسلت بود بحکم جناب صدر اعظم بخوبی سلطنت  
 در اوایل ماه دئیقهه بسپاس شد و طوفانی بیره در صفحان کر سپهر افارس اتفاق افتاده تقریباً صد هزار  
 نخل از نخلستانهای قیر و کازرین و لارستان را از ریشه کنده است فتح کلاذ و دفع جعفر افای کلان که چند  
 بود در ظاهر مفاد ولی رباطن مخالف و لث قوی بنیاد بود با مر و اهتام نواب فرما نفر ما حکمران خراسان و  
 میرزا فضل الله زین نظام و بیادش اینجذمت خلایع فاخره برای نواب فرما فرما و بشیر نظام مرحت و ارسال شد  
 دو شبانه هم ده بجی که روز بعد فرابن بود در او بدت جناب صدر اعظم سلام عام در حضورها بون شاهنشاهی  
 منعقد کرد بد سنک مرمر در کمال صفای و زینت با خطوط خوش مجبیه مزار مرثیة آثار خانان خلد استیان  
 (فتح علی شاه) نور الله مضجعه تمام کرده با نشر بیانات کامل بصیحات میرزا اسد الله روانه رقم داشتند اسمعیل خان  
 ولد مرحوم بشیر الدوله چا پارچی باشی دربار و مخلع کرد بد و مواجب چهره مرحوم بشیر الدوله نیز در حق او برادر  
 و مواجب خود اسمعیل خان بسپار اولاد بشیر الدوله مرحت شد روز عید غدیر سلام عام نیز در او دیده  
 منعقد و عموم جا کران با رخصت معدلت ظهور شاهانه بافتن خلیفه طاطاوس که بزرگ ملکش را منته حلقه  
 بد دربارها بون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال و لایات نسبت با رامنه چنانکه باید بر رسم عدل و اعتدال  
 حرکت نمکنند لهذا فرامین و احکام مؤکده بحکام و لایات صادر شد که نسبت بمجمیع ملا که رعایای دولت علیاند  
 رعایت کمال عدل را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف دادند (چین) شورشیشان از  
 جنوب بسیمت شمال حرکت کردند شهر نالکن را گرفتند و اسر بیس یاغبان تین نه که خود را از ظایفه مغول  
 و از اولاد قبلائی فنان میداند و سلطنت چین را خود ش فرض نمایند کان تن شهر دیگر را میگرد شهر  
 اموی را ضبط میکند نا حوائی یکین میراند امر و بیما (توضیح) قبل از اقدام بنکارش اخبار را ظاهر میداد که بعد  
 این هر جا ذکر می از مسئله شرفیه شد مقصود از جنگ دولت روس و دولت عثمانی است که در سنه هزار و  
 دو سبست هفتاد شروع شد و عهدنامه که در صلح منعقد شد و فرار بیکه دولت متحابه عثمانی در حفظ احد بود  
 و شعور و عدم ملا خله دولت دیگر بکار داخله عثمانی داده اند و شرف طیکه دولت عثمانی نموده است که نسبت  
 بر رعایای خود ش کلنه علی الخصوص بعضی نایغه خود چه قسم رفتار کند و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع  
 بدولت عثمانی است اینها را مسئله شرفیه مینامند) و از اینجا که بنای بنکارش اخبار مالک برز تین که در اتم  
 مملکت بنای بنیش و بنابر اینکه این مسئله تعلق کامل عثمانی دارد بجای حرف عین نکاشته میشود

حرف بطبی است

(امپراتور)

( اسپانیول ) فوئدُن زُکُرتِش از فصحا و علما که در این وقت بمن سفارت کبری دادند و پادشاه داشتند و او را  
 که جلای وطن یافته بود اجازه مراجعت یافتن افتتاح راه آهن از آن ژوان به نانبیک ( المان ) فوئد ژنرال  
 داد و بد سرهای شهر میلان ایتالیا که جزو اطریش است بجز یک ماه بی بنای با عینکری میگذاردند یکی از اهل  
 مجارستان خيال قتل امپراطور را میکنند بهما جزین پهن که در میلان بودند از طرف دولشا اطریش کال سخنی میبرد  
 و بکتر اما نول پادشاه ساردین و پهن از انفقنه بدول فزنگ شکایت میکند قطع مراده و دوستی ما بین اطریش  
 و سویس تاج سلطنت مجارستان و فرقه سن اینین که یکی از امیہ علیسونان است با عینها مجار در سال قبل از این وقت  
 نموده پنهان کرده بودند مکتوف میکرد و بدست دولشا اطریش میافتد در مملکت ساکس عروسی پرنس آلبر و بعد آن  
 دولت تفصیلاً مثل امپراطور اطریش از این امر احواف این تفصیلاً است که از روزنامه معروف کارژ وین در  
 بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه مسیحی نوشته شده است

اعلمت امپراطور و اجودالتش کنشادید بالای بوارش وین خم شده پانین میان خندق را نماشا میگردند که پل  
 نشون در میان خندق مشغول مشغول بود بعد از نماشای مشوا امپراطور بالای همان دیوار دور قطع مشغول کردش  
 شد شخصه از اهل مجار علی الغضبه برین آمده با کارد ضربتی کشید کردن امپراطور اطریش زده امپراطور شمشیر خود کشید  
 که بقائند زندگت اندلی خود را برده و ضارب انداخته کرد و از دست او گرفتند بر زمینش افکند جمعی رعیت که  
 از آنجا میگذشتند اجوان مزبور را کتله نموده فائل را گرفتند امپراطور بدست خودش دهنه زخم را نگاه داشته بود  
 که خون زیاد از او نریزد و عارثا رسید و لاکیر که در آن حوالی بود امپراطور خود را با مجار ساپند بعد از آنکه قدر آرام  
 گرفت بکلسکه نشسته بقصر سلطنت رفت و بعد از دو روز کتله هبود یافت اسم ضارب یعنی بوده دولت اطریش  
 بگدشته نشون بجز عینانی مامو میکند که حمایت مستنگر و هرگز کوبنها را بنا نید در حالیکه عمراشا با منتنگر  
 و هرگز کوبین در جنگ است ( انگلیس ) کتله کیرا لاندن بوزارت خارجه بر فرار شد امتداد خط نکر از  
 مملکت انگلیس هلاند و بلژیک از زیر دریا افتتاح اسپونیسو بزرگ در دبلین طایفه کافر که در سمنافریقا  
 بادولت انگلیس در جنگ بودند طایفه صلح شدند کتله جنگی مجاری که صدوسی توپ و آن بود با اسم دولت انگلیس  
 موسوس شد جنگ با پیرمان در کال شد و کرمی است افتتاح راه آهن هندوستان در بمبئی فوئد گت بورن  
 که از طرف دولشا انگلیس مامو ببردن ناپلئون بجزیره سنت هلن بود و بیخ فایح سند ( ایتالیا ) سفر برادر  
 پادشاه دولت وین بسیار پس لندن جزئی شورشی در توئد پای تخت و در استرالین ( دولت اتریا ) دولت اتریا با آنکه  
 الحال لاؤیلد دویم است بسین بلوغ عرت که هجده سال باشد رسید با پدر خود پادشاه بلژیک سفری بران  
 وین و ساکس نمود آرش و شن ماری دختر یکی از شاهزاده مجارستان را بحاله نکاح آورد پادشا  
 بلژیک و پیرو عروستی انگلیس سفر کردند ( پرتوغال ) دناماری ملکه پرتوغال در وضع حمل اولاد هشتم میبرد  
 کیر بزرگ ملکه دن پیدر پنجم که شانزده سال دارد بجای مادر پادشاه میگرد ( دانمارک ) بواسطه نداشتن  
 اولاد زکور پادشاه دانمارک و لاپت عهد را برادر زاده خود کیرتین میدهد ( روس ) ضبط املاک و بیوتنا  
 طسنا پنهان که برضد دولت هستند افتتاح راه آهن از سنس پترزبورخ الی و در شوسیط مملکت و فوئد  
 در ترکستان فتح جنوه و فرار خان جنو بیجارا فوئد این ژر نو پسند معروف ( سو و نروج ) و با می شیل  
 در نروج علی الخصوص در کپس تبا پنا پای تخت آن مملکت ( سوئیس ) جمهور سوئیس مضایقه در فوئد

مکلف بعضی دولت میباشد که روزنامه نویسیان آن ملک را مانع شوند نسبت بسا بر ملا و سلاطین خارج بد  
نویسند و زمانه را از آمدن امتداد برای هنگام لزوم بسبب هشتاد و هشتون حاضر میکند (عثمانی)  
اندای مسئله شرقی دولت روس در پالت سر بسازن محکم کشتیها اسلاواست بر ضد انگلستان و الی آن  
مملکت استعفا پریش شیکا والی افلاق بغداد بواسطه برتون عساکر روس و آن مملکت اهلانی فرا داغ عثمانی در  
شورش اندر صند دولت برلین چاپش از آنها میکند سفر مخصوصا با فون با اسلاوا و بجهت تکلیف بعضی  
مطالب که راجع بقرا داغ است هر دو دولت عثمانی قبول این تکلیف را نمایند دولت روس طالب آزادی و ق  
تمام عیسویان بعد دولت عثمانی است پس چنگیز در هر چه در روس ما مور با اسلاوا و عامل نه شده بعضی  
برای سلطان عثمانی دولت انگلیس و فرانسه محض اطلاع از این نوشته است دولت روس که نوبت بچنگ است  
چنگی خود را بخلج بزیکا که از آنجا با اسلاوا و سوی شش ساعت مسافت بیشتر نیست و آن میدانند پریش که شکست مراد و  
از دو معانه پریش که سرحد روس عثمانی است بخا و ز کرده تا بسازان این سال وارد خاک افلاق بغداد میشود و درون  
پای تخت اطرش مجلس مشا و ده دولت که عبارات از کفر است بشکل میباید سفر آری کبار پریش و اطرش و فرانسه و  
انگلیس در مسئله شرقی گفتگو مینمایند آنچه بطور باد داشت از این مجلس نوشته میشود تکلیفی که در این لایحه ضبط  
بود دولت روس قبول میکند اما دولت عثمانی رد مینماید کشتیها چنگی فرانسه و انگلیس که جنگ میان عثمانی و روس  
قریب بعضی بدیند ریا پریش و روس با اسلاوا میکند هشتون عثمانی بر درای عمر پاشا از داغ و بعبور کرده در حوالی  
اولینینا و نور کانی هشتون روس مقابل کرده آنها را شکست میدهد و در همان وقت شروع محاصره را تا قولها میشود  
در بند پینیک کشتیها علیه کشتیها چنگی عثمانی را روسها شکست عرق مینمایند و آیت عیسویها که بعد عثمانی دند  
روستال بود و فی الواقع میخواست آنها را با این اسم رخت هاست خود در آورده در این و تمام مملکت فرنگستان  
عثمانی که سی که در جمعیت شمرده میشوند بدیند و گوید آقا عیسوی و باقی مسلمان یا اهل بکر اندر پریش چنگیز  
میرتد و سر قبا و زور با اسلاوا در روسنایل بخت هفت کشتی چنگی روس را سان دبد و مسئله عهد که اسباب  
نفا ر شد و اعلان جنگ از طرفین کردند این بود که دولت عثمانی مصر بر این بود که هشتون روس را افلاق بغداد  
خارج شوند و دولت روس این فخره را میخواست هشتون عثمانی در سمت انا تولیا چند شکست خوردند در سمت از پیش  
طایفه تی فاطمی های دزدی و غارت گذار شدند عباس شاه و الی مصر بر ضد روس و هند مکنند عثمانی است و عن  
بلخ نمود که جو بات از مصر بخارج نبرد دولت فرانک بطلان این حکم را از عثمانی خواستند که محض تکلیف بیاسن پاشا  
قبول نمود (فرانسه) فرا و جناب اعظم امیر طو ناپلیون با اژنه صبیح بکی از سران و این وزیر کان اسپانیا بواسطه  
بدی حاصل اسپانیا از طرف حکم اعظم ناپلیونی علیه نباری مملکت فرانسه آوردند سگ که در شرق تورک هفت  
سال بود با کرده بودند تمام شهر را سانی بول کالدری بصرق فرانسه آمد فوجات ژنرال بیکه و ژنرال  
ماکاهون در الجزایر (هلاند) بیاد در جزایر هلند که از مصرفات هلاند است بخارج جمع دولت باز میشود (یونان)  
ژنرال صف در شهر ریب میشود امریکا (انائونی) رئیس ناره جمهور ژنرال پیرش در صلده و سف مملکت  
آبادی است نفا جمهور انائونی با دولت اطرش بجهت حبس بکفر از تبعه انائونی آکسیونی سیو عمومی در نورد  
(مکزیک) آری پشمار پش جمهور اضطرا استعفا نمود از مکزیک خارج میشود سان نا آنا جای او منصوب  
و این جدید ایجاد میکند هشتون را منظم مینماید و عثمانی این را از مملکت دارد که مادام المر رئیس بوده و بعد

که باید

که باید بعد از نوشتن بجای او باشد خود معین کند

سنة ۱۲۷۱ هجری

سنة ۱۲۷۱ هجری

آسیا (ایران) چون خاطرهایون پادشاه همواره متوجه آسایش عموم اهالی کشور و لشکر است بعد از فتح کلان  
مقرر فرمودند سپورسان مشون ساغلوئی آنجا در سنه یابهار سانسند که همیشه از وقت پنج ششماه حاضر داشته  
باشند و با اهالی کلان نیز کمال مرحمت نمودند و انفا در پیش سفید آوردن سالی ترا که سر جنی از طایفه آقمتش و تقمش که  
هر طایفه و زاده تیره و هر تیره هزار خانوار اند بخند من نواب فرما فرما حکمران خراسان آمده اظهار انقیاد و امتداد  
خدمتگزار می باشند و لکن علیته را نموده فرار و مداریکه باید داده راه اطاعت میبایستند قلعه روئین زینهار و نواب  
کردند نواب سیف الله میرزا بیکرانی فرزند برادر کردید شب عبد مولودهایون هم جای مالک محروسه جشن گرفتند  
و سلام عام در نالار تخت مر مر انقاد با نواب مصطفی قلمبرزا حکمران مازندران مرحوم و نواب احمد میرزا بیکرانی  
مازندران و خلعتهایون سرافراز شد و میرزا اسد الله مشون بوزارت مازندران برقرار و خلعت کردید مهر علیخان  
سزلیپ افواج فارسی را بلفظ شجاع الملک و خلعتهایون مفتح و جمیع مشون فارسی را ابو اجماع مشارالیه فرمودند  
میرزا عبد الرحیم جودان و زارنخار جبر عنصبت سائب اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و لقب خانی سرافراز و خلعت  
و روانه محل ماوردین شد میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) کارپرداز سابق بمکه عنصبت نزال توفیق امامت و نظایر  
باعطای همه تیره از ملا بسبب خاصه سرافراز شد سیف الله خان شاهسور مرحوم و سرکردگی سواره شاهسور بپراد  
اولطف الله خان رحمت فرمودند و برادر کوچکتر آن مرحوم هدایت الله خان عنصبت بیکرانی طایفه مزبور و برادر کشت  
جناب جلی ملا اسد الله معروف بحجه الاسلام از علمای معتبر بر درج در من مطنبه بجوار رحمت الهی پیوسته در حوض سلطنت  
که آپم بود بکم جناب صدر اعظم اسطرهای آب ساختن عمارت و پوائی اصنافان را تعمیر نمودند نواب فرید میرزا  
فرمانفر ما بعد از نظم سرحدات و حوث کلان بطرف آخال رفته که آنقدر دراهم نظیر در سنه بد هند حسنخان  
پاؤر توپخانه عنصبت سر هکی توپخانه مبارک سرافراز کردید حیدر علیخان سر دنگ که در سفر خراسان خدمات کرده  
بیان اول اجودا بناشتی سرافراز و ماوردین با بجان شد سنه چهارم ماه ربیع الاول بنده ان اعلی حضرت شاهنشاهی  
شرف فرمای مدرسه اراکون کردید تعلیم پس از آنجا مفصله بفرخواست اعطای خلعت و انعام باوقاف  
و نشان فرمودند و محمد خان میر بچه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقتب کرده بود بیکو بیکو بیکو ترمین پویش  
مبارک سرافراز کردید و در رضا علیخان ناظم مدرسه نیز خلعتهایون مفتح کشت کبند مطهر حضرت امامزاده عبد العظیم  
قلیه السلام را حسب الامر تعمیر و طلا کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که بطرف آخال و نظم آنحدود  
رفته بود نذر کافان انک نشین با بعضی از سپاه منصوب و چار و پس از گذر منتهی ما فرار کرده نواب الاجمیع امکان  
و قلاع آنها را که سی و شش قلعه بود منهدم و خراب تمام آذوقه و اسباب تر و خشک آنها را نیز باقتن فقر می  
سوزاند و بنا بر انعامات نواب اعظم در آنصفت بیکو بیکو فیای ترمین پویش مبارک و بکفوضه کار در سنه مرتفع  
مکمل بالاسرار جانب سنی الجوانبهایون برای نواب ملتر بین خدمت و همراهان فرمانفرما و نیز بخواطف و خلعت  
فاخره و امینان دولتی سرافراز میدارند جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد در پراوان  
فاصله که از هرات مشهد مقدس میآمد که قنار محمد شیخ و اسپر شده اند و خبر بصلی محمد خان ظهیر الدوله رسید  
جمعیت را باصلح اصران فاصله فرستاده سواره جامی و خوانی و هزاره با مداد جمعیت هراتی رفته با همراهان شیخ محمد

نموده برخی را مقبول و بسیاری را منهدم و اسیر را خلاص نموده فراریها را غایب گردانید چون اسرا و کوفتند که از ترس  
 پس گرفتند مقلوب بر غایب و لنت علیه بودند نوایز ما نقرها و وزیر نظام بصد محمد خان نوشته بودند که غنچه ناپند  
 سواره هم را اسرا و کوفتند از دست نمانید و چنین کردند محمد علیخان بختاری چهار لنگ که مدتی بود مصد شرارت  
 شده و در قلعه زک از قلاع محکم است محقق کرد بدله امیر زاده ابراهیم میرزا برای دفع او استعداد فراهم آورده و بر سر  
 قلعه و رفتن سپاه چهار روز کوشش و محاربه قلعه را مسخر کرده و محمد علیخان بنده شیخی زادی و مواری شد و از آنجا  
 را بیاد اش اینچنین است از طرف دولت بکثوب جبهه تره مخلص فرمودند محمد و لیجان بیکلر بیک حکمران اسرا بادی بکفبضه  
 مشهور براق طلا کل مرصع سرافراز شد جعفر آقا کلانی که بعد از فتح کلات فرار بجبهه کرده بود بقرا بادی سنا فیه  
 با هزار سوار فرابادی بقصد گرفتن کلات می آمدن سر بازان و فراوان جنز شد بنای تملیک را میکشادند و میر ابراهیم خان  
 سر نیل مطلع نموده مغزی الهیه سنده سر بازی بیک سر بازان فرور فرساده بعد از پنج شش ساعت نود و نورد با آنکه شب  
 بوده شکست فاحشه سواره فرابادی داده هر را مفهومی و منفرق مینماید بخواجوی اصفهان را تفر کردند شبلاست  
 مازندران و اسرا بادی امیر علی اکبر خان در پاییکه و میر عبدالصمد خان سپرده و مشارالیهما را مخلص فرمودند میرزا  
 حسنخان نایب الحکومه عارفه کاکین شهر سلطان آباد و باغات و عمارت دیوانی را مرصع تعمیر و غرس اشجار کرده  
 و از بلاد دیگر از هر بنیاد باری بنایع با بنشهر آورده سکنه داد محمد حسنخان سردار حکمران بزد و کرمان در قلع و قمع و قتل  
 و اسرا و بلوچ که بقصد ناخ و ناز و دستبرد بعضی حدود کرمان آمده بودند شرط خدمت بجای آمدند عیسی خان  
 و الحاکم آن کتلان بکفبضه کار دسند مرصع و بکثوب کلجه تره من پوش مبارک مخلص و برای مغزی الهیه فرساده شد  
 منصب محقق بلداری تویر خانه با بکثوب جبهه تره کرمانی بجای میرزا موسی خان مرصع شد و از ای خدمات بند عباس  
 بکفبضه نشان سر نیل اول با خانیل شرح و بکثوب جبهه تره با میرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤید ولد و ولد  
 قلع نشان سر نیل و بکثوب جبهه تره عبداللہ خان صارم الدوله مرصع شد همچنین بسیار صاحب منصبان بنا بر نام  
 و امینان کرد بد نظر خدمات نمایان رضا علیخان سر هک عرب فوج عرب رفیع بند عباس را در این منصب سر نیل  
 سرافراز فرمودند محمد ابراهیم خان سر نیل فوج اصفهان خدمت اخذ امیر احمد خان اوزی که از جمله اسرار فارسی بود  
 و نخبه قلعه و بکثوب جبهه تره خلعت هابون سرافراز کرد بد لطف علیخان سر نیل فتنفائی در زای دفع شر فساد خان  
 شفقائی که از سار فین و اسرار بود نیز بکثوب جبهه تره مخلص کرد بد نواب جهان نسو میرزا منصب سر نیل و فوج عرب  
 و عجم و خلعت هابون نابل کرد بد هدایت اوقات محاربه فتنون ظفر نمون با محمد امین خان خان خنوه و کشته شدن او  
 اتفاق افتاد این تفصیل خوانین و حکام مملکت خوارزم که شهر معین و مشهور حال بد آن خنوه اسناد عجم و  
 همیشه در سلسله اطاعت و انقیاد سلاطین ایران بودند و اگر وقتی سرکشته و خود سری می نمودند از طرف سلاطین  
 ایران تنبیه و کوشائی میدادند در عهد شاهنشاه میر و در ماضی محمد شاه غازی انار اللہ برهان که حکومت محمد امین  
 خان رسید بواسطه بی اعتنائی امانی دولت متر از خدمت نموده سهل است پس از چند مجال تصرف مر و کرد رعیت  
 مخصوص ایران اسنا افتاد و هر بد و سهال بکر نبیره و آمده با اسم زکات چیزی می گرفت تا در او اهل ایند و لنت فوجها  
 شوکت باز برای خد زکات بر و لشکر کشید نواب حسام السلطنه که در اسوقت فرما نقرهای خراسان بود انوار  
 فاهر با فرساده او را شکست فاحش و دفع دادند این اوقات محمد امین خان با چهل هزار نفر فتنه را در کج و خنوب  
 و در آن جمع کرده برای لشکر مر و آمدن نواب فرما نقرها هم که دنیا پتر از این واقعه مطلع و فتنه ساز و خراسان را

مشهد

مسئله دفع او فرموده بودند بعضی از فثون ظفر نمون را از پیش بطرف سر حرکت داده خود نشان نبر از عقب حرکت  
 کردند خان چو که مطلع شد پیش دست کرده بر سر سر خرد بعد از چند روز محاربه با سر خسته و سپاه ظفر همراه  
 آخر عساکر دولت فائق آمده فثون مجدداً پسر خان خان جنوه را منفر کرده و با کمال جلا در دست بر خود او باقیه  
 او را با سوخت و نفر از بنی اعوام و محارم و خواص نقل آوردند و آنچه تحقیق پیوسته و پیشت هفتاد نفر از صاحب  
 منصبان خان جنوه کشته شده بودند شب سیزدهم رجب که شب عبد مولود مسعود حضرت شامیر المؤمنین علی بن ابیطالب  
 سلام الله علیه بود خبر فثون خان جنوه بدار الخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضا فلیخان با سرها وارد کرد پدر و زبانه  
 نوزدهم در سلام عام بفرمان خاکیای هاپون رسانیدند ذات ملکوتی صفات مقدس با سر خندان اجداد خان را با صلوات  
 با تمکین ایران و بزرگ دادگی او را منطوق فرموده اختصاصاً او و کسان او را بحضور هاپون اجازه ندادند و امر فرمودند  
 آنها را با کمال احترام تعظیم و نگه داشتن نمایند و در جای مناسب فن کنند تا آب اعنشاء الدوله خاتمه میرزا بیاد اشرف  
 بیست و سه روز در حوزة سکه فصدت مشیر مرتجع از جانب سنی الجوابت مغفرت کرد بدندان غرابی که بخندان شط  
 العرب و سرزمین عراق و حاکمان و اولاد مولود کرده و غیره مظلوم کردن کند مطهر اما فراده عبد العظیم علیه السلام  
 مساعی فایده نموده بود مورد مرام مخصوص کرده بدو و بیست و نه سر و سینه نفر اسیر و دو عراده توپ بیکر او همیاد  
 که بقیه فتح فثون کرمانی در بند رجم بود بدار الخلافه آوردند در این اوان محض خبر بد نظم و انتظام امور فثون  
 و استفسال سردار کل و مستحقی بنام مجرم هاپون خطاب بصداعظم شرفضد و در یافت  
 چهارشنبه دهم رجب یکشنبه چهارم قیمة از طلوع آفتاب گذارنده بخوبی آفتاب بجلد و ابتدای سال خبر سال شفا  
 میل شد و سلام خاص در عمارت کلاه فرنگ و سلام عام در تخت مرمر شکل یافت توپ علیقلی میرزا (اعضاً السلطنه)  
 بکف طعمه کل که مکلان بالاس مغفرت کرد و در بند میرزا فضل الله و در نظام منویشا شعی و پیشکار خراسان چهار روز و یک  
 نفره که هر یک دو ذرع طول و یک ذرع و سه چارک عرض دارد بجهت اطراف حرم محترم رهو مشرفها الله تعالی مرتب  
 بنام هاپون تمام و ضبط نمود جناب سپه انچیکان شازده افرو و لک روس مقیم دار الخلافه بکف طعمه نشان دور  
 الماس مصور و تمثال به مثال هاپون سرافراز کرد بدو در این اوقات که فون مرحوم امیر اطور روس و سیکل و جلوس  
 اعلی حضرت الکساندر دهم و بعد از دولت مشارالیهما اتفاق افتاد اعلی حضرت هاپون شاهنشاهی توسط میرزا  
 محمد حسین عضد الملک جناب سپه انچیکان شازده افرو و لک روس صاحب منصباً سفارتش را در دعوت بحضور  
 موهظ و مبارک فرموده بعد از اظهار تاسف زیاد از وفات مرحوم اعلی حضرت امیر اطور و طیف جلوس اعلی حضرت  
 امیر اطور الکساندر دهم بر سر سلطنت ممالک روس بلفظ گوهر نثار ادا فرموده و پس از تفقدات متاهله اجزا  
 سفارت را اجازه انصراف دادند نظر بخدمت میرزا محمد صادق فایم مقام بکجام آئینه تمثال هاپون که بزرگترین  
 اسباب مفاخرت معری الهیه را مغفرت فرمودند محمد حسنخان سردار در سمت دروازه اول و شهر کرمان تازه  
 باغی موسوی بیاض نامرتبه احداث نمود میرزا شفیع نويسرکافی بوزارت کرمان رفت پل رودخانه فرزا و زن را  
 که از خاک کروس میگذرد چون خراب بود در کمال استحکام ساختند که بزرگترین فی این سو که از تحول اطمینان در  
 سلك چاکران در بار منسلك کرد بد حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم و میرزا نصر الله ولده مشارالیه جبه دار  
 باشی و محقق کرد بد فوج جدید حسابی امرا شفاقی که فصد چهار صد سنا سبب توپ کستی سوای اسباب توپ  
 کستی سابق که در بار بود حسب الامر دوخته تسلیم انبار فورخانه کردند جناب چارلس الکس مری وزیر مختار ایلچی



مخصوص و لشکر کلبی که مامور با فامت در دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد  
در اواخر ماه جمادی الثانیه شش هجری و چند بکاره در بند لنگه بواسطه زدن باد قوی و طوفان  
شد یک سکنه غرق شده و تقریباً دویست هزار تومان بختیاری خسارت وارد آمد میرزا محمد صادق فایم مقام بیک  
قطعه نشان تمثال هاپون مکل با لباس سفید و مرخص شده با ذریه با بجان معاودت کرد میرزا صادق خان ولد شیر  
الدوله سرهنگی فوج جدید شغالی خلعت هاپون سرافراز کرد بد سرهنگی فوج اردبیل و مشکین محسن علی خان  
پیشخدمت خاصه مرعش مرخص شده با ذریه با بجان رفت پل آق در بند در کمال استحکام ساختند عمارت هزار جریب  
اصفهان را تعمیر نمودند با سند عاقل میرزا محمد صادق فایم مقام <sup>از حاجان</sup> بعضی محکومین جزا در با بجان و مناصب نظامی نایل  
کرد بدند میرزا محمد خان سرکشکی با شنی غلامان سرکاری بواجب خود را سان داده با عطای بکثرت کلجه تره من پویش  
مفتخر کرد بد و دین تومان بزواج میرزا محمد علی خان چا پارچی افزودند نظر بخدمات جناب نظام الملک در تمام  
دستور العمل سال نو حکام و ولایات کمر بسته شراب و مراد بد مرعش آینه ز مرد بمغزی الهه مرحمت شد میرزا رحیم پیشخدمت  
محصل کل محاسبات بقطعه نشان از مرید اول سرهنگی و خلعت هاپون نایل شد میرزا فتح الله لشکر نویسنده را  
با عطای بک هزار تومان اضافه مواج کلجه تره من پویش مبارک سرافراز نمودند کل محمد خان از اشراق و مریدین  
بلوچ سنبله طلعه ایرند جان که مامور و حصن او بود مستخر شد نواب الاعبد الصمد میرزا (عزالدوله) محکومین و فرزند  
بر فرار و حاجی حسن علی خان خونی اجوبان با شنی سابق بوزارت نواب معظم منصوب شد حکومت ملا بر و توید کنز  
نواب سیف الله میرزا مرعش فرمودند علیه خان والی کبلان بقطعه نشان تمثال هاپون و بکثرت جبهه تره مفتخر  
کرد بد محمد علی خان جوان شنی سر نیل فوج اول خاصه مجاورت عینات عالمان اختیار کرده محفل علی خان سرهنگ جوان <sup>سرافراز</sup>  
او بمنصب سر نیل فوج فرود سرافراز کرد بد خانلر خان ولد کلبعلی خان افشار بمنصب سرهنگی فوج اخلاص افشار  
منصوب کرد بد چشمهای جبا نقلی خان سرهنگ فوج کردی بسبب ارض مزمنه ناپنا شده منصب سرهنگی او با ملک  
پناز خان ولد مشار الهه مرعش فرمودند محمود خان سر نیل مصلحت کنار سنت بطرز بودغ (جناب ناصر الملک)  
بلفج جانی مهتر کرد بد قشون ظفر نمون که در این سال خیزمال مجید در فتح بندر عبس خدمت کرده بودند در بند  
از سر کرده و صاحب منصب بفرخور استحقاق بمنصب عطائی نایل شدند چون ده دوازده هزار خانوار از اشراق  
و او با فانات انصفاات در فراباب جمع شده و در آن حود و حوس بلکه گاهی در بعضی ولایات خراسان ناخ و باز  
میکردند نواب فرید و میرزا فرما فرما بفصله نسیب آنها بر سر فراباب که اشراق مرز بود ایجاد اسفناق برای خود  
فرار داده بودند فرزند اشراق چون در خود نواب مضابطه ندیدند در استیذان در آمده نواب فرما فرما از  
قتل و زهبت امان داده حکم بخریب طلعه کوچا بندن آنها بموطن خود دادند و هشتاد خانوار و کوچ <sup>بنا</sup> از معینین  
برو کردی که فرقه خانشوار سلطان هزاره را در آنجا محکوم منصوب کرده بمشهد مقدس معاودت نمودند از  
جانب سنی اجواب هاپون نواب فرما فرما و هر یک از صاحب منصبان که در رکاب الا بودند علی قدر سزایم  
مورد مرعش نشان و منصب خلعت کرد بد بدستم شعبان در دست نشان تکرک شد بد که هر دانه بقدر تخم مرغ  
بوده آمده و تقریباً بیست نفر از اهالی آنجا و بسیار از دواب و اغنام را تلف نمود دوم شعبان در شیراز  
برق جانده صفر سلطان فوج شیرازی زده یکفر جارت بد و را ساسک هلاک نموده خانه را هم خراب کرد نواب  
مؤیدالدوله حکمران فارس بکفوح از کر مسیوفار سرهنگی باقر خان نسکسانی که فرقه به بندر عباس فرستاد

که با فوج عرب ابو بصیر رضا قلیخان سرنبد سپاه خلو بند عباس باشند جناب ژنرال برسیلف که از جانب اعلیحضرت  
امیرطور بدولت روس با نامه موذن خنامه اعلان جلوس اعلیحضرت امیرطور بیعت سلطنت مامور دارالخلافه بود  
بهمراهی بار توپه پولکوونیک که او نیز از طرف جناب مراد بیف جانشین بمالک ففغان با مرسله مخالفین دارالخلافه  
باهره و در بارها بون آمده با اتفاق اجزای سفارت و نامه موذن خنامه بحضور باهر التور مبارک مشرف و موذن  
نقدان خنامه شاهنشاهی گردیدند و آب چشمه الدوله حکمرانی اصفهان و خلعت ها بون مفتخر و میرزا کی کبلا  
به پیشکاری اصفهان کافی السابق بر فرار و مخلع گردیدند و عرا بقر سوار می عباسخان سرنبد که از امنای دیوانه  
و در رکاب مبارک سوار میشوند و رجوع شد عباس قلیخان پسر امیرطور که در سبطام مامور گردید محمد  
حسنخان پسر امیرطور که حکومت کاشان رفت شیخ فارس خان حاکم محضر مخلع و برادر او شیخ حاکم خان بیکبضه شمشیر  
نه غلاف که ملک ظلا نایب گردیدند سابق الملک علی قلیخان بعد از عطا ای القاب نشان و جا بل بر پنجی و خلعت  
شمشیر که مرصع و دیگر مرصع های شاهان از جانب سینه الجوانب هم بون با نامه مهر علامه برای تقریب فون مرصع  
امیرطور پیکار و تبریک و تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندر دوم امیرطور کل ممالک روسیه سمنیا بلچی که بر بد با  
روس رفت و ناسخان کارپرداز سابق تملیس مستشار این سفارت کبری نابل گردید جناب نصیبه و وزیر  
نخار و بلچی مخصوص دولت فرانسه که مامور سفارت دربار دولت علیه ایران بود بر بندر بو شهر وارد و از آنجا با اتفاق  
هماندار مخصوص دولت دارالخلافه باهره آمده با اجزای سفارت و نامه موذن خنامه اعلیحضرت امیرطور شرفیاب  
حضور مهر ظهور مقدس گردید امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندر عباس منصب سرنبدی و خلعت ها بون سرافراز  
گردید علی قلیخان بر پنج درازای خدمات سفر خراسان با عطا ای نشان و جا بل از درجه اول میر پنجی و خلعت ها بون  
مفتخر گشت فوج بند پی جمعی نصر الله خان سرهنک ساخلو اصفهان و فوج نمحه فاپوی فزاجه داعی جمعی محمد علیخان  
سرنبدی مامور ساخلو فارس گردیدند بارده مراده نوی با قورخانه به بندر بو شهر بردند و چهار عرابه توپ با قورخانه  
نیز بعلت این مامور گشت کلبه پنجان نایب اول اجود انباشتی سرنبدی قورخانه و خلعت ها بون سرافراز گردید  
محمد قاسمخان که سمت مستشار سفارت کبری مامور سنت پترزبورغ و نیز بر بنده مصلحی نگذاری مامور توقف  
در پترزبورغ شده بود بیک قطعه نشان سرنبدی اول با جا بل سرخ سرافراز و عازم محل ماموریت گردید با بابک  
افشار و رضا بیک یاوران توپخانه مبارک که منصب سرهنک توپخانه سرافراز گردیدند میرزا اساتمخان  
حاکم سرب کمر و حکومت خلخال با فوج جناب ژنرال برسیلف و بلچی دولت روس معاودت بر دوس گردید فتح علی  
بیک نایب اجود انباشتی سرهنک فوج پشنا بود و لقب خانی و کریمخان سرهنک فوج نصار نیز سرهنک فوج شیر  
و خلعت ها بون سرافراز گردیدند حاجی شکر الله بیک با و توپخانه منصب سرهنک توپخانه و خلعت ها بون نابل  
گشت فرهاد کما سردار کهندنجان حکمران فندهار با عرضیه پیشکش بدربارها بون رسیدند و در عهد اضحی  
در فریدانجه که متعلق جناب صدر اعظم است سلام عام در حضور افسر ها بون شاهنشاهی دام ملکه منعقد  
میرزا علی اکبر اجود انباشتی توپخانه تجو بلداری کل توپخانه و اصطیل توپخانه و صدنومان اضافه مواجب نابل  
گردید و آوار حصا بون شهر را که در ممتد ربا است با کمال ممانت ساختند و جزیره خارک فارس را مرصع کامل  
و ساخلو مغیرا و سعید احر و کافی در آنجا گذاشتند محمد حسنخان سردار حکمران بزد و کرمان در ماه ذی حجه  
مرصع شد (چین) با عیها که برضت دولت بودند در صد رسانیدن صلحه بقوسو کخانه فرانسیه کرد

شانکائی است میشوند و این واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده با آنها را از شانکائی خارج کرد  
شهر را بنصف کارکنان چینی میدهند اما کان تون که نیز باغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند امر پاپا  
( اسپانیا ) تولد خرمی از ملکه اسپانیا و فونتا و بفاصله سه روز آخراج بلدغون اغلیه از سرداران قشون را  
بی خودی دولت شدت دو هزار سوار یکه متوقف پای تخت بودند شویله بیکه از سرداران بیکه اخراج بلد شده بودند  
مپیونند شورش در اغلب بلاد سردارها را که اخراج کرده بودند معاودت دادند اما در ملکه را شورشان برای  
وطن دادند و ز حرکت او از مادرید پای تخت شورش پادوی در شهر ری داد بروز و با در بعضی از شهرها شورش  
مخضری در مادرید بر ضد دولت شدت و با در جنوب این مملکت قوت نکارلس ( المان ) از دواج اعلیحضرت ایلدو  
اطرش با البرانیا از ایجیجایی با و پر وزیر جنگ مملکت پرور اتحاد خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت مغزول  
میشود قوت فرزند یک گوست چهارم پادشاه ساکس بواسطه زمین خوردن از اسب سلطنت شان برادر پادشاه بجای او  
افتتاح اسپنویسینو صنایع در مینک پای تخت با و در آخر اینسال اعلیحضرت امپراطور اطریش را بختری متولد شد  
ابتدای راه آهن از مملکت بوهم بجارشتا بنوسط کمپانی فرانسیسی ( انکلیس ) فرستادن یک سده کشته جنگی معبر  
بد ریالی بالینک میری امپراتور ایجیجایی مجلس پارلمنت قبول میکنند که از طایفه بیخون و کلای مدت بشوند  
مراجعت کاپیتن ماکلور که راهی بد و محط در سمت شمال و مغرب پنکی دنیا انگتاف کرده بود قوت کتر بارث و  
و ادنکتن دو مسافر بیکه در وسط افریقا سفر کرده و انگتاف تازه نموده بودند ( ایتالیا ) در ایلت پارم  
والی ایجاری که موسویه دوک پارم بود مقتول نمودند و زوجه او که خواهر شامیرد است طفل شش ساله خود را  
والی نموده و خود بنایت سلطنت اختیار میکنند تا کپشیدن او بروز و با در ژن و سپین ( ساردینیا از ایتالیا )  
مادر و زن پادشاه بفاصله ده روز و دوک در زن برادر پادشاه بفاصله پانزده روز از سایر قوت زن و ایلت  
مار مارا سردار در سوسنا پول بمرض و با ( ناپل از ایتالیا ) بروز و با و محطی و دزدی و شرارت و راه زنی بجلا و  
تعددت و لث بر حیت روم ان طوفانی صدر اعظم را میخواهند هلاک سازند اگر چه پادشاه ناپل کمالی طرفداری  
در جنگ روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطن طرفدار دولت روس است و فرانسیسی انکلیس  
کمال نارضا مند دارند ( پرتغال ) پادشاه جوان این مملکت بسبب احتضرت نک هر دو در مراجعت پرتغال و بسبب  
رسیده است خود بدون قیم با مور سلطنته رسیدگی مینماید ( بلژیک ) شورش مردم در تمام مملکت بجبهه کرانه  
ماکولان علی الخصوص کندم اهالی پای تخت هم در شورش اند مسافرت و بعهده و زوجه او با طرش و بعدها بعهده  
تمام فرنگستان را سپاحت میکنند تا مصر میرود ( دانمارک ) عموی پادشاه پرتغال پنا نده که هم و بعهده دولت است  
مغضوب میگردد ( روس ) فونتا اعلیحضرت امپراطور بیکلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه حوت این سال ولادت  
مرحوم امپراطور انگلستان در و کم و بعهده بودند قبل از جلوس بر سر سلطنت بعد اجرائی خیالان پتر کبر  
و سایرین عظیم الشان روس را الی زمان سلطنت الدماجد خود میدهند اما با خصما قشون زیاد از مالک  
روس میشوند هزار هزار نفر از نفوس و زاده نفر مرد باید بارد و ها بفرستند تمام راه آهن روس در اینسال بنا  
از هزار و چهل و پنجاه رذیع شده بود ( عثمانی ) فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که باید عیسویها هم جز قشون  
و سایر ارباب مشغول خدمت باشند دولت عثمانی قبول خیال مسیول سپین فرانسیسی را در حقیقت جمع الیچین سوتها  
نموده و اجازه ایستادار را میدهند پادشاه والی یونس قوت میشود ( مسئله شریفیه ) کششهای جنگی

شاه شرف

فرانسه و انگلیس در اوایل زمستان وارد فرادنگز می‌شود در سرحد دانوب عثمانیها بقتون روس حمله می‌کنند نوشته  
عند پادشاه انگلیس و فرانسه بر روس که حتماً افلاق بغیان را خالی نموده بصرف عثمانی بد هدا اعلان جنگ اعلمت  
امپراطور روس و من جمیع ممالک خود اظهار بیطرفی در دولت ایران و دولت سود و دامارک در این جنگ نوشتجات مخفی که  
مابین روس و انگلیس در باب تقسیم ممالک عثمانی مبادله شده انگلیس آن نوشتجات را بطبع رسانده منتشر میکند  
عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دولت فرانسه و انگلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت بر عایای عیسوی خود  
رفاهت منظور دارد و رفع ظلم و تعدی از آنها کند و ایجاد قانونی در ممالک عثمانی شود که هر تبعه او امن آسوده  
باشند قطع مراد عثمانی با یونان و رزیدیکسنت فستون فرانسه بپیره بندر یونان فرستادن مامور از طرف  
شامیل و عثمانی با سلام فستون روس با کمال تسلط در افلاق بغیان زینت میکنند در محاصره قلعه سلیمس  
شکست فستون روس دارد میاید ز نزال سلیمس سردار روس کاری از پیش برده ز نزال کورچاکف در این سمت  
دانوب بجای اید سرداری مامور میشود فستون فرانسه و انگلیس که در وارانامه مؤلف بودند وای سخنی در اردو  
آنها افتاده آنها را منفرد میاید لرز لکران سردار انگلیس و مارشال سنش آرنند سردار فستون فرانسه انگلیس  
همسند فستون بغلانها جزا از افلاق بغیان بپند و لمخا بر اقتصاد دولت عثمانی بکسند فستون دولت اطرش  
موقتاً در اینجا مؤلف میشوند شکست عثمانی در این بند و فارص تکلیف صلح مابین روس و عثمانی بوساطت لکاترش  
قبول نکردن اعلمت امپراطور روس تکلیف صلح را درود بچاه هزار فستون فرانسه و انگلیس در اواخر تابستان بقرم  
فتوحات فستون فرانسه در کنار رودخانه الماکه با پنجاه هزار فستون روس جنگیده فتح کردند سردار فستون روس  
پنجکف است فستون مارشال سنش آرنند سردار فستون فرانسه از مرض و بانسبت نزال کان ز بر بجای او جنگ در بالاح  
قتل ز یاد سواره انگلیس که با فستون عثمانی منفعتاً میجنگیدند و سیر اعلمت امپراطور روس که اندوک پیشک لکراند  
بنکلا با فستون نازه که میجنگ رفته آورده بود در آنکرمان با عساکر انگلیس و فرانسه در کال سخنی جنگ میکنند  
فتح فستون فرانسه انگلیس و شکست روس طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگ فرانسه و انگلیس دولت  
بر روس هم باطن بادول فرانسه و انگلیس و اطرش که بر ضد روس اند موافقت میکنند کشتنهای جنگی انگلیس قلعه  
سخنی بار سوند که متعلق بر روس در جزیره آکند در دریای بالینک واقع است با کمال سخنی با کلوله توی نار جنگ  
ویران میسازد استخکامان سواستاپل بواسطه تعلیمات نکلونین مهندس روس بقدر سخنی است که حمله های در پی  
عساکر فرانسه و انگلیس داشته بقاییده میگردد انعقاد مجلس کونفرانس در وین دولت پر روس میخواهد این مجلس شود  
اما دولت اطرش قبول نکرده میگوید چون عساکر خود را بر ضد روس یا حاضر نکردی حق ورود را این مجلس ندارد  
دولت سارین بپیشتر از فرانس عساکر خود را بجنگ روس و بکس عساکر فرانسه و انگلیس میفرستند فستون روس  
امپراطور بنکلا که در ماه حوت اتفاقاً افتاده بپهچوجه وضع جنگ را تغییر نمیدهد عمرایشا سردار عثمانی از طرف  
دولت خود بکس عساکر میخده وارد سواستاپل میگردد در کونفرانس وین دولت اطرش را مقصود انعقاد مفدا  
صلح مابین روس و عثمانی بود بواسطه عدم قبول دولت روس که در فرادنگز سفاین جنگی نداشته باشد  
کونفرانس وین متمرثی نکرد بد دولت اطرش بکسده هزار فستون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص میکنند وضع  
خود را در انتظار آورد بگر جلو میدهد که در مسئله شرفه عنجواهد اخله بکند نزال پلیمس سپهسار کل  
عساکر فرانسه شده وارد سواستاپل میگردد خیل سفینه جنگی فرانسه و انگلیس در دریای آزوف ورود میکنند فتوا

نمایان از آنها معروف میشود و اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل در هاین کر میست نفا لیکه در تصرف عساکر  
 دول متحده است چنانچه نزدیک بقعه بجهت پورش ساعد است و در اکلان سپهسار انگلیس هم عرض و با که شدنی دارد  
 در سواستاپل فتح قلعه معروف بکلاکوف بواسطه عساکر فرانسه سرداری نزال بوسکه و ژنرال ماکا هو که در اول  
 فتح سواستاپل از هان شد و اوایل پانزده نزال کورچاکت سردار روسین بعضی از سفاین جنگی خود را بواسطه اینکه  
 مبادا بتصرف دشمن در آید غرق عیساز در نزال پلنسر سردار فرانسه منصب عالی میرسد قلعه جاک و بسکرها  
 واستحکامات که در سواستاپل بود تماماً معدوم و باز من مساوی کشت در کامشاتا تکا یکی از قلعه جاک روس را  
 سفاین جنگی انگلیس و فرانسه خراب میکنند و ناده رود آمو و سپان بندر مملکت فنلاند متعلق بر روس قلعه را بنصب  
 نارنجک متصرف میکردند امیر طور جدید روس اعلیحضرت الکساندر دوم بهر نی کلافه میاید زمستان بسیار سخت  
 امسال بجهت عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است فوت امیرالفرانسس بر و در با از مرض و با مور او  
 سردار روس قلعه فارص را که مهندسین انگلیس حکم ساختند محاصره نمود ماوریت عمرباشا بطرف باشا اچاق فتح فارس  
 در اوایل زمستان بدست سردار روس اتحاد دولت سو و نروژ با دول انگلیس و فرانسه (فرانسس) بجهت مصاف  
 جنگ دولت فرانسه معادل پنجاه کر در تومان پول ایران استقرض میکند و ملتزاده از صد کر در تومان حاضر میکنند  
 مالیات دولت که عاید خزانه شده است سصد و بیست کر در تومان پول ایران است خارج دولت که و کلام معین کرده اند  
 که باید از آنفرار باشد سصد و دوازده کر در و کسر تومان پول ایران است هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت  
 بمصارف فقره که در وصیت نامه ناپلئون اول است و چیزی سه سنت هلن میرساند شدت و یاد ریاریس اعلیحضرت ناپلئون  
 و امیر طریس بلندن بیازد پدید شاه انگلستان میروند شخص ابطالیاتی که در پارلیمنٹ ناپلئون است بچک آمده  
 مقبول میشود پادشاه ساردین باوزن اعظم خود کونکاد و ریاریس آمده در عمارت طولی ناپلئون آن پادشاه  
 را پذیرفتند افتتاح اکیون بیون صنایع عمومی ریاریس بچاه امتداد دارد در ریاریس بجهت حفرة  
 مجمع البحرین سوئیز مصر تشکیل یافت (هلاند) منع خرید و فروش غلام و کپنر در جزایر سمند و سنان که متعلق  
 باشند و لنا است عهد نامه تجارتی با دولت ژاپن (یونان) دزدی و راه زنی شدت در این مملکت و جزایر  
 که با دولت روس عداوت دارد پادشاه خود که دوست روسهاست کلمات مستهجن میگوید (مصر)  
 عباس پاشا والی مصر بجهت مساوت قلب میله که بخونیزی است و نفر از غلامها او را خفه میکنند عمومی او  
 سعید پاشا که بزترین اولاد محمد علی پاشا و در فرنگستان تربیت شده بود در انوٹ بجای او والی مصر میشود  
 امریکا (انائونی) که درت مابین ایندولت و اسپانیا بجهت حبس یک از کشتیها انائونی در هاوان بدست  
 کارکنان دولت اسپانیا عهد نامه تجارتی با ژاپن دولت انائونی در صد است که میان دول متحابه و روس  
 شود دولت انگلیس از اهالی انائونی را و طلب بجهت ماوریت بجهت مشرق زمین میخواهد در مجلس شور کشتی  
 سنج بجهت آزاد کردن غلامان میشود در آیالت و پرژینه بت در حالک و بانی هم رسانند معادل شش کر در  
 (کلیسه) نیز از انائونی بخارج حمل شده (مکزیک) در حوالی ما فامور و سنان لوی فستون بدولت باغی شده شود  
 بنمایند فرادین جمهور قرار وضع دولت موقتی (بنکی دینای جنوبی) افتتاح راه آهن جدید در برزیل از  
 جزایر کوچک شنکاس که متعلق بملکت پرو است که چندین هزار سال بود ظهور در بائی انجاسکنه داشته فضلات  
 خود را انجاسکنه بودند و آن زمان فرنگیها این انکشاف را نکرده بودند و تمامی راضی اینچنین بچندین قطر از قتلان

فوت میشود

طیور

طوبیجری است برای شوه زمین خلیه متمرکز میباشد در اینسال انکشاف کرده کشتی کشتی بیلا دفرنگ و سایر بلاد  
یکدیگر بنا بردند افتتاح راه آهن از ساکرا الی پاناما بعد از پنجسال از شروع هشتماد هزار دویع با هفتاد کرو و رومان  
پول ایران خارج شود ششصد در مونت پد و (تنگی نیای مرکزی) در شهر سان سال و آن که در برز بلا واقع است  
زلزله سختی شده خرابی زیاد و دلیلی آورد

۱۲۷۲ هجری

۱۱۵۵ هجری

مامور

آسیبا (ایران) موکب ها یون شهر یاری و داوین بهام دولتی فوجیه میفرمایند جعفر قلیخان ایلیخان جنگلستان  
و یکتوب جبهه نر مه کشمیر مملوع کرد بد و میرزا اسمعیل خان مباشر مهمام خارجه استرا اباد به پیشکاری استرا اباد نیز  
نابل و مملوع کشت عبداللہ خان میر پنجه ولد مرحوم محمد حسن خان سردار از کرمان بدر بار معدن ارامده و مملوع التفات  
مفخر کرد بد چون صید محمد خان ظہیر الدولہ حکمران ہرات بنای سوسلوک با اہالی ہرات گذاشته اعلیٰ و ادا نی  
از خود رنجائیدہ از جملہ کریم باد خان ہزارہ را بہوجی قبیل رسانیدہ بود اہالی آنولایت ہزار ہشت ہشتہ کشیدہ و صہب  
محمد خان را گرفتہ و در جزویشا ہزارہ محمد پوسفکہ در خراسان مشغول خدمت بود نامہ نوشتہ اورا بحکومت  
خواستار شدند مشارالہ نیز بمحض وصول پنجر فوراً بدون اینکہ نوایر ہما نفر ما حکمران خراسان یاد بکرے را مطلع  
سازد بہر ہفت شنافتہ و اہالی اورا بحکومت خود اجینار کردند در ستمخان بیاورے و تو چنانہ سرافراز کرد بد مامور  
ساخو عریبتنا شد حاجی ملا محمد نظام العلماء بر حمت پذیردی پوشت نادری قلیخان مافی از جانب حکومت آذربایجان  
بحکومت و نفی و اتواب مامور شد شب ششم جشن عید مولود ہما یون کرد تمام ولایات ممالک محروسہ گرفتند و روز  
عید و داوینہ سلام عام در حضور ہما یون منعقد شد محمد علیخان شیخ الملک را با عطا ی یکقطعه نشان از مرنبہ  
سیتیم میر پنجه سرافراز فرمودند میرزا اسمعیل خان پیشکار استرا اباد و مباشر مهمام خارجه آنولایت یکقطعه نشان از مر  
اول سرفہیکے سرافراز کرد بد میرزا نصر اللہ را دبلی مشہو بصدد الممالک در کورما نشان مرحوم شد نصر اللہ خان خالو  
اعلیٰ حضرت اقدس شہر یاری بمنصب نظام العلماء و خلعت ہما یون سرافراز کرد بد میرزا فضل اللہ وزیر نظام را از خراسان  
بدر بار ہما یون اخصا و میرزا محمد قوام الدولہ را بوزارت خراسان بر فرار و مملوع فرمودند آقا خان سر نیپا بلاد  
فرزین بمنصب میر پنجه و خلعت ہما یون مفخر کرد بد میرزا محمد حسین عضد الملک بمنصب مشولباشی کردی حضرت رضو  
سلام اللہ علیہ نابل و مملوع کرد بد عبدالقیلخان میر پنجه مامور کرد فرین بکفوج جدید امیر تہ شد فرمان ہما یون کہ لیا فرات  
اراض خان و سایر کمانان سخر شرفضد و بافتہ بود نہایت مایہ امید واری آنها کردیدہ پنج ششہار اخواوار با صلا  
در خدمت اطاعت و لنت علیہ میباشد حکم کلو کہ فرانسو و وفات یافتہ حکم بولا کجای او بمنصب حکمیا شگری  
حضور ہما یون بر فرار و بلی قطعہ کراماس و بکطافہ شال کشمیری سرافراز شد محمد تقی نیک پیشچند بلفخانی نابل کرد بد  
روز یکشنبہ چہار دہم ربیع الاول بندکان اعلیٰ حضرت ہما یون باصحن شاکر دان مدرسہ دارالعلوم شرفیہ مرا  
مدرسہ مبارکہ شدہ استونقیابہمہ بدل انعام و اظہار مرحمت فرمودند بکطافہ شال ہفت رنگ بقیمت صد و پنجاہ  
نومان و طافہ دیگر سفید و آبی بقیمت صد نومان بد سنور العلی مرحوم محمد حسن خان سردار در کرمان بافتہ بودند  
بدار الخلافہ آورده با نشانہای خوب کشمیری کہ بہنہن قیمت است ہیچ فرنی ندارد محمود خان کلانتر بیکر شہنشاہ  
از مرنبہ اول سرفہیکے و یکتوب جبهہ نر سرافراز شد محمد قلیخان نوری غلام پیشچند بحکومت غربت جدیدہ بر فرار  
کرد بد امیر فابن بازای خدمت دفع تراکہ کہ با محمد و د آمدہ بودند مملوع و میر علیخان پیر مشارالہ نشان از مرنبہ اول سرفہیکے

سرافراز

سرافراز شد غلام حسن خان پسر پسران حکومت کرمان و مضافات و بکتوب جبهه نرمد و در زنجیره و بکتوب بنای نرمد  
 ملا ابن خاصه مخبر و میرزا محمد مستوفی سرکاران دابوزارت و پیشکاری کرمان و خلعت هابون سرافراز فرمودند سواد  
 ادب ساندوی خوار ابوالجمع محمد حسن خان پسر پسران مستوفی کردید عبد الکریم بک غلام پیشین مستوفی پسران برادر عبا  
 پسران حاکم شاه مرد و بسطام را نبر کردی سواره و پیاده مزبوره مخبر فرمودند امیر و مستوفی خان سراجا بل بک  
 هسایگان قشون بر سر قندهار کشیده آنجا را منصرف شده و اراده نصرت هرات را داد و میرزا عبد الله خان را  
 منصب اسمینفای خاصه خلعت هابون سرافراز فرمودند میرزا جانی لشکر نو بس مرحوم و میرزا باقر برادر زاده او منصب  
 لشکر نو بس بی بقرار و مخرج شد شخصی در فخر سراج نو مشیر ناخوش بود در حالت نزع و صحت کرد که بعد از مردن  
 شکم مراد بشکافند جانوری در آن هست فوت او شکم او شکافند جانوری بر ترکیب چلیپا سه که شش ماهه چهار بک  
 وزن داشت از شکم او بیرون آمد بر آن فتح الله لشکر نو بسیاشی در کرمان نشهان مرحوم شد میرزا علی آقا و در کرمان  
 بمنصب اسمینفای سرافراز شد فرخ خان صند و فدرا و جوه خاصه بکفطعه کل کر مکان بالماس سرافراز کردید شیخ  
 ابونر ابامام جمعه شیراز بر حنطه پیوست بندی از بندها بلوک کر بال فارس که از بناهای عضدالدوله  
 دلیلی بر و در خوابی هم ساینده و چهل پنجاه پارچه هله که بی آب لوزیوع مانده بود نواب مؤیدالدوله حکمران فارس  
 در کمال استقامت بسند نواب فرزند و میرزا فرمانفرمای خراسان در مشهد مقدس داعی حق را بلیک اجابت  
 گفت و ابانک ملک خراسان نواب حسام السلطنه موقوف و بکتوب خرفه تره زن پوش مبارک خلق کردید شمس  
 الشعراء میرزا محمد علی منکخلص سردار شریف خانی و خلعت هابون مخبر کردید میرزا محمد خان دبیر مدام خارج با عطا  
 بکفطعه نشان شیر و خورشید از مرز به اول سر بنی و جمایل سراج سرافراز کردید نواب پناه زاده لطف الله میرزا  
 حکومت مازندران و بکتوب جبهه نرمد و زنجیره مخبر کردید حاجی میرزا از اجرای سفارت کبری ماورسنت بطرز بود  
 بلقب خانی و خلعت هابون سرافراز شد میرزا عباس رحبان قوام الدوله مخبر اول و زار بخارجه با عطا ایقین خان  
 و بکفطعه نشان شیر و خورشید از مرز به اول سر هک و جمایل سفیدترین مباحات کردید میرزا عبد الرحیم خان اجودا  
 و زار بخارجه که بنیاب اول سفارت اسلامو مامور شده بود بکفطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول  
 باور سرافراز کردید محمد خان میرزا محمد ناصر قوامی و زرنال اجودای خاصه هابون سرافراز شد امان الله خان  
 از اجرای سفارت کبری در مسکو مرحوم شد امیر زار ابراهیم میرزا نایب الحکوم عربستان بکفطعه نشان از درجه اول  
 سر هک و جمایل و بکتوب جبهه نرمد سرافراز کردید و آنجان سر بنی فوج سیلا خور مرحوم و در مستحان پسر و بمنصب  
 فوج مزبور نایل کردید عبا قلجان پسران حاکم شاه و دو بسطام و در عرض راه شاه و دو بسطام اشرا عفا مقبول  
 نمودند لهذا پسران نایب الحکوم سابق اصفهان حکومت شاه و دو بسطام مامور شد عمارت جدید بطرز تازه  
 در جنب عمارت اندرونی سلطنت دار الخلا و مشتمل بر هشتاد و دو باب با طاق تختانی و فوفانی در کمال سنگ و سیم  
 باهنام و مباحث حاجی الدوله والد مؤلف ساخته شد میرزا ملک سر هک مهندس انا مازر و مزجم دولت علی  
 با عطا بکفطعه نشان درجه اول سر هک و جمایل سفیدترین مباحات آمد بار و ط کو بخار نرمد و بن که سابقا نرمد  
 هم ساینده بود حاجی حسن علی خان پیشکار فرزند پسران مرشد کرده و بکصد خوار بار و ط ناکنون در آن ساخته  
 بعد از رفتن جناب سمر موره و وزیر بخار دولت انگلیس از دار الخلا و بتبیر بز بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاد  
 که ضرر کلی بجهت داخله خراسان دارد و بر اولیای دولت علی لازم شد که از برای حفظ انضباط حکومت قندهار

ده

توچانغی

و هرات چنانکه موافق فرار داد خودشان بودند ایلازمه بیکار برید که هم دفع آن فتنه‌ها بشود و هم آن دو ولایت بجا  
حکومت علیحدہ بر فرار بماند تا این عبط قلیخان پسران که از اشرا در نوکر کواری بودند دستگیر و سپاس شدند محمد  
رضا خان سر نایب بمنصب خود ان خاصه و بکر شنه حایل فرمز و بکفطعه نشان اول سر نایب سرافزان شد عبد العلی  
خان سر نیک توچانغی بمنصب سر نایب مقرر گردید مشغول برات نویسی و عمل کل اصطلح توچانغی مبارکه عمر زاهد علی  
سر شنه دار توچانغی و الا در شد اصطلح توچانغی را با صلا ن بیک یا و اول توچانغی و الا در نمودند امیر صلا ن خان  
بجکومت کلان مقرر و بیکو بجبهه ترمه و وزنجیره خلغ کردید محمد ابراهیم خان سر نایب بنشان و حایل سر نایب اول  
سرافزان کردید شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران ابنه فرج آبا در ان غیر کرده در آنجا استحقاقان است  
از فرار مذکور کار او و کجیها بسیار بنشان شد و برادر خان جنوه را که نجای او در او کجی حاکم شده بود طایفه  
پوٹ نکان متشول نموده و بالفعل پوٹ بجاعنا و کجی فایق و عرصه با آنها شک کرده اند از اتفاقان حسنہ  
امسال موافق عید نوروز و عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین است در دار الخلافه جشن گرفته چراغان و  
آشپازی نمودند و سلام عبد بن سعید بن در کمال شرف و شکوه در حضور همایون شهبازی ابد الله عیسیٰ انصاری  
یافت جناب صدر اعظم را با عطای بکفطعه قلدان مکلن بالماسر سپاس نماز که علامت بزرگ صدارت ایران بود  
شرفاً انصاری عنایت فرمودند میرزا حسن علی خان در پاییک بند بوشهر بنشان دویم سر نایب سرافزان گردید  
نواب عماد الدوله حکمران کرمانشاهان بکفطعه نشان شمال همایون مکلن بالماسر مقرر گردید حکومت نگاهداری  
محمد علیخان شیخ باشی (مرحوم) مرهت و بیکو بجبهه ترمه خلغ فرمودند و سواره خزل را بر عبد الله  
ولدا ایشان ابو ایچ داشتند نواب علیقلی میرزا ملقب با عنصفا السلطنه و خلغ بیکو بقبای ترمه بن پوٹ گردیدند  
حاج آلدوله والد مولف بکفطعه نشان شمال همایون مکلن بالماسر سرافزان آمد محمد قلیخان بوز باشی پادشاه  
خزرات بکفطه نشان کشری و بیکو بقبای پولک دوز سرافزان آمد محمد علیخان (جناب شهباز الدوله وزیر عدلیه اعظم)  
بمنصب ترمه و زار خا رجبه بر فرار کردید بنده طایفه نکر ترکان با هتام جعفر قلیخان حکمران استرآباد عبد الله  
خان صادم الدوله بمنصب میرنجلی و بیکو بکلیان از ملاسرا خاصه مقرر شد امیر صلا ن خان حاکم کلان بلخ عبد  
الملک ملقب گردید و عماد ن کلونه دیزی مازندران خوبکار و می کنند و اهل انولایت نیز در کاشتن شکر و علا و دین  
شکر اهتمام مینمایند با محمد خان فاجار بکومت شاهر و دو بسطام سرافزان کردید رضا قلیخان ناظم مدرسه دار  
الفنون که از اجله امر و فضل است حسب الامر همایون نادر بیخ و وضه الصفا ناصر را که احوال بعد از هفت روز و ضنه  
الصفا تا این عهد همایون است در سه جلای البیت و تمام ده جلای سابق و لاحق و با بطبع رسانید میرزا ملک خان شکر  
اناماز و در شرح مخصوص ما مورسینا از خانه دولت علیه را سلام قبول کردید پیرا غلی خان از شاهر و بسطام  
احضار و بکومت حصار و بنشان سیم سر بیک مقرر شد خرابی بسیار از خانه هادر ساره از سیل  
و شدت باران طغیان در دار الخلافه تولد نمود که سر سرداشت و عز این یاد بکر نیز در او بود و از شرم  
مثل آواز جو جرم و سینه چهار ساهن زنده بود و بعد فوت شد مقرر شد قلیخان ولد محمد اسمعیل خان  
نور (مرحوم) بیک الملک بمنصب سر نایب سرافزان کردید و وزیر عید فطر سلام عام در فالار تخت مر مر انصاف  
یافت میرزا محمد ساد و قیام مقام بیکلغه اکثری که اینها و بیکو بجبهه ترمه از ملاسرا خاصه بنشان و حایل امیر  
تولانی مقرر و مرخص شد که معاودت با ذرا با چنان نماید فرخ خان صمد و دار بلخ جلیل امین الملک و بیک

در بسطام



قطره نشان نمنال هاپون مکلان بالماس مفتح کردید پسر ز اصادق کاشانی بلفیخانی و درجه پنجم سرهنگ و منصب بنایب  
 اول کار میرزا خانه عیسی سرافراز کردید در نه هاب من اعمال کرمانشهان تکر که باریده که از فرار مذکور هر دانه نقد  
 نارنجی کوهیک بوده و بعضی مال و مواش را تلف نموده سلطان علیخان مظفر الدوله پسر سردار کهندخان حکام  
 قندهار از تصرفات و سوء سلوک امیر دوست محمد خان با اهل و عیال و جمعی دیگر بنیاه بد و نک علیها آورده با مرد  
 در خراسان ساکن و منووف شدند قورخانه شیراز با مر نواب مؤید الدوله توسیخ تجدید شد و مؤید خان  
 فرکوزلو (جناب ناصر الملک) بمنصب پسر پنجک و خلعت هاپون سرافراز کردید با خود ملاکام که از جمله فقها و مجتهدان  
 دار الخلافه بود بر حتم حق پیوستن نواب اردشیر میرزا حکمران دار الخلافه بیکتوب جبهه شرمه محشمه و میرزا مودودی  
 دار الخلافه به صاعه مفتح کردید بلند محض اتحاد و کال مودت بین دولتین علیتین ایران و فرانسه از جانب  
 اعلم حضرت ناپلیون امیر طور فرانسه نشان درجه اول (لژیون دن) مرصع بالماس که اعظم نشانهای آن دولت است  
 با جا بل و لوازم آن بجهت اعلم حضرت اقدس هاپون شهرت اهدا کردید روز باز دهم در بقعه موکب هاپون از بیلا  
 بنایوران بعثت ماوند و فیروز کوه نشریه فرما شد جناب نظام الملک بشیر آبه مکلان بالماس هاپین امیر تومانی و امیر  
 نوبانی که محض درجه شخص و سبی است مفتح کردید جناب هاپین الملک فرخ خان بسمنایلی کپیر از دربار هاپون  
 با نام مهر علامه مامود در بار دولت فرانسه شده و نیز مفر شد بعضی مکونات خاطر هاپون را شفاها در اسلا  
 محضو اعلم حضرت سلطان بلیغ نماید و الففار خان حاکم قوساوه بمنصب سینفا سرافراز کردید مهر علیخان  
 شیخ الملک بکفطعه نشان اول میر پنجکی مفتح شد علیسه خان بیکر بیکه فاجار بکجو مش ملا بر و توتسیرکان ناپل  
 کشت عمارت عاقایوی اصفهان را حسب الامر نواب چشمه الدوله حکمران اصفهان تغییر کردند عبدالحسینخان برادر  
 مؤلف که از شاگرد های پیاده نظام دار الفنون بود بمنصب سرهنگ خارج از فوج و یکصد تومان اضافی  
 سرافراز کردید جناب سیف الملک سفر کپیر دولت علیته از پیرز بوزغ با نشریهات کامله را حبت کردند ظهور  
 روشنی بر ف مانند را صفتها در هوای صاف و بعد از سه روز نزل صاعقه بسیار عظیم و صدای مهیب در  
 آسمان میرزا محمد زمان بمنصب امارت دیوانخانه و خلعت هاپون سرافراز شد جعفر قلینان ایلخانی بیاد  
 شکست فخر بنی که نکره و دفع شر آنها بکفبضه شمشیر مرصع مفتح کردید محمد شاه خان سیه و نادر شاه خان  
 پسرش قلعه سب را در بلوچستان حصین شمره دم از خود سری میزد سپهسالار حکمران کرمان امامعلی  
 خان سر شیب فواج کرمانی را با فتنه کرمانی بمجا صر قلعه فرسناد بجلا دت قلعه را شمشیر و محمد شاه خان باناد  
 شاه خان و اتباع آنها دستگیر کردید یا شنا خان پیشخدمت بلفیخانی صر و ملفی کردید میرزا محمد ثنی مستوفی  
 منخلص سپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی نگارنده کتاب ناسخ النوارنج و صاحب البیانات دیگر است ملقب  
 بلسان الملک کردید جناب صدر اعظم را با عطا ای جبه شمسه دار و عصای مرصع مباحی فرمودند موکب  
 هاپون روز دوشنبه سلخ ذیحجه الحرام از بیلا آخچه و لواسان نشریه فرمای بنایوران کردید (چین)  
 زلزله شد بد در پوچیک عمارت سلطنه واقع در پنجفر سخی پای تخت یکی از اولاد خانان که در آنجا منوطن  
 بود زیر وارفته تلف میشود امرها یا (اسپانول) شورش در اغلب ان نقاط مملکت علی الخصوص در  
 مادرید پای تخت انتشار کلمات مستهجنه نسبت بمادر ملکه ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چند روز در  
 برنوز شورش در مالاکا (المان) فولاد دختر اعلم حضرت امیر طور اطربش در بهار مسافرت اعلم حضرت

با اجرای...

حکمران اسرار...

ای...

امیر طور و امیر طرس با ایطالیادرایالت بادعروسی برادر والی که بواسطه عقد لیاقت برادر بزرگ ولایت  
نطق گرفته است با شاهزاده خانم لوزی دختر پادشاه پروسی که الحال امیر طور المان است (انگلین) خبر  
روس و عثمانی را تمام مملکت انگلیس با کمال میل و رغبت پذیرفتند و کدکاهی از منسوبان پادشاه انکلا  
که در جنگ سواستاپل حضور داشته بمصیبت سپهسالاری کل عساکر انگلیس بر فرار شد مسافرت شاه  
فر در یک پروسی (همین شاهزاده حالا ولت عهد است) با انگلیس بخواستکاری و خیر بزرگ پادشاه انگلستان  
در هندوستان پادشاه مملکت اودرا دولت انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را منصرف شده و نزال اط  
بحکومت آنجا مامور کرد بد جمعیت این ایالت هشت کرد و اسنا اعلان جنگ با دولت ایران در اول نوامبر  
و این مطابق است با اوایل سنه هزار و دویست و هفتاد و سه شرح آن بناید لونیکنستن مسافر و سیاح انکلا  
بعد از سیاحت کامل در داخله افریقا صحیح و سالم بخیر بر مورس معاودت میکند (ایطالیایا) سار دین  
کرد و تومان دولت بجهت مخارجی که در جنگ سواستاپل نموده است استغراض میخواهد کند کا و روزی  
دولت در مجلس کنکرم پارسی از برای دولت خود بعضی امتیازات بطلبید و میگیرد (توضیح آنکه مقصود از کنکره که از  
لا این اخبار شده بجهت انعقاد مجلس شور در امورات معظمه است اجزای چنین مجلسی باید شخص سلاطین با سفر  
کبار ایشان که اموال و اعمالشان همان اثر افعال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسیوسین مختصر  
جمعی فصد مثل پادشاه ایطالیایا نموده رئیس این اشخاص که یکی از اهالی سسپیل بود بدست آمده مقبول شد  
(بر توغال) شورش و ازدحام سخت در لوزین پای تخت بجهت کرانی نان افتتاح راه آهن از لوزین بکار کا در  
سختی سیانی از روس) فوت پیکوچ معروف در ورت شود در مسان حکومت پرنس کرچاکف در لوزستان بجا  
پیکوچ که حاکم بود کتارلف بمنصب صدارت بر فرار میشود کتارلف داز و زارتخار جبر اشعفا نموده بر  
الکساندر کرچاکف بجای و منصوب میشود جشن ناج گذاری اعلیحضرت امیر طور در مسکو در ماه عقرب فر  
بایک کیانی معین که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نماید اول از ورشو به پتر دویم از مسکو به نیرنی نوکر  
سیم از مسکو بکارا چهارم از کورسک بسمشکور لاند (سو و نروج) افتتاح راه آهن از نوری به آر ب  
انادی مد هیت با این مملکت (سوین) کفتکوی سخت ما بین ایالت جمهور سوین با دولت پروسی هت جنگ  
طرفین دولت و ورثین بزرگ و اطرش ما بین با این جنگ نیستند (عثمانی) انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که  
مشتل بر بیشتر یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان بعه خود مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان  
کمال ناراضی را دارند در سمت آسیا خاک عثمانی از پت زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند اهالی ملدا  
و لاشی مقصود افلاق بغداد است) طالبند که یک ایالت شوند در مصر راه آهن از اسکندریه ب قاهره  
افتتاح میباید مهندسین که بجهت حفر جمع البحرین سوین مجر آمده بودند اینطور مقره داشتند که از بند  
سوین واقعه در ساحل بحر سفید الی پلوز که در ساحل بحر اسفند است هر مستقیم بدون اعوجاج حفر نمایند در  
جزیر قندی نزلت سخت و نمود (مسئله شریفه) دولت انگلیس مشغول ندارد زیاد است که از دریایه بند  
گورنشاد روس حمله برد شورای عسکره دول معا هده در عمارت طوبلری با حضور اعلیحضرت امیر طور با یلیون  
سیم در قرقه جنگ با دولت روس بروز من نفوس در میان عساکر دول معا هده دولت اطرش که ابرام زیاد  
در مصالحه دارد دولت روس با این داشت که مقد مات شرط مصالحه را قبول کند انعقاد مجلس کنکره در

پارسی و صورت اجزای مجلس از این قرار بود کنت و الفسکه و زبرامو خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم بر او قرار گرفت  
از طرف دولت پاریس کنت بو تول و بارون هونبر از طرف دولت انگلیس لورد کلاراندون و لرد کولی از طرف دولت روس  
بارون برونتف و کنتار لوف از طرف دولت ساردینیا و ایتالیا کنت کاوورا از طرف دولت عثمانی عالی باشا مامور  
دولت پروس بعد از چند قبول شدن ابتدا حضور نداشت انعقاد مصالحه مابین دول معااهده و عثمانی از یک طرف  
و دولت روس از طرف دیگر در واسط بهار دولت عثمانی از این بعد در تحت حمایت و اعظم فرنگ خواهد بود  
فرانکیز بجزه بخارت جمع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد در تابستان فشنون  
معااهده سواستاپل را تخطیه کرده بصره کارکنان دولت روس دادند و از آن طرف عساکر روس فرانسوی  
عثمانی غزل عالی باشا و نصیب شیدا پاشا دولت انگلیس فرانسه پادشاه ناپل را تهدید بر این میکنند که آزادی بر عا  
خود ندهد سفاین جنگی آیند دولت بزرگ و دو بنای خواهد نمود دولت روس را این تهدید مناله شد (فرانسه)  
افتتاح مجلس پاریس که در بهار واقع شد و نطق اعلم حضرت امپراطور ناپلیون که امید صلح میدهد سبب خوشحالی  
عامه گردید با وجود این نطق صلح امیر بکسید و چهل هزار فشنون علاوه بر معمول حاضر گردیدند تولد پیر از امپراطور  
فرانسه در بهار سردارانیکه بمنصب مارشالی برقرار شدند و ژنرال کان روبر بوسکه دانند که این آخری حاکم اخیر پروس  
انعقاد مصالحه مابین دولت روس عثمانی باطلاع و وساطت دولت معااهده در واسط بهار کنتار لوف سفیر  
کبیر روس با اعلم حضرت امپراطور ناپلیون رسماً جلوس اعلم حضرت الکساندر و پم را تحت سلطنت روس اظهار میدارد  
اتحاد و ملزومه دوستی مابین دولت روس و فرانسه سفارت کنت مرئی در مملکت روس بجهت تهنیت جلوس  
اعلم حضرت الکساندر و پم امپراطور روس نمود و بجزه از نفر فشنون فرانسه در این جنگ سواستاپل چه از خم  
و چه از اراض مختلفه هلاکت رسیدند دولت فرانسه معادل بیست و یک ورتومان پول ایران باشخاصه و عده میداد  
که اراضی با نلافی که در مملکت فرانسه است قابل زراعت نیست آنها خشک کنند و قابل از برای هر نوع زراعت  
نمانند هر کس در این بفرقه اخراج کرده باشد که با سانی بتواند این قبیل اراضی را خشک نماید علاوه حقی هم داد  
خواهد شد کتا بچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریباً سیصد و سی و نه که دررتومان پول  
ایران و خرج دولت تقریباً سیصد و چهل کرد و طغیان روخانه هارن ولو ارد را واپس تابستان و خرابی زیاد  
ایالاتکه در سواحل اینرودخانه ها واقع شده اعلم حضرت امپراطور ناپلیون شخصه سرکشته این ایالات میرود سفر  
اعلم حضرت امپراطور بیدر پاشا مال بنایت سلطنت در عینت امپراطور ناپلیون با امپراطور پروس وجهه اشتناست فشنون  
فرانسه کلینه از خاک عثمانی مهاجرت کرده دارد اوطان خود میشوند تقریباً سیصد هزار نفر فشنون فرانسه در سواستاپل  
و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ باروس حاضر بودند و مارشال پلپسیه که قلعه مالا کف سواستاپل را فتح کرد  
بلعبت و کد مالا کف بر فرار کرده هزار تومان هم ساله مواجب خواهد داشت در اخیر بر لزله سخت علی الخصوص  
در شهر فلیپیل (یونان) کوشش دولت برای دفع راه زنان و شرار افریقا فوت سلطان مسقط سعید نام  
که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنجبار این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست نظاول طایفه  
و هابسبورگ داد و بادیول انگلیس و فرانسه و اناوونی بنکی در بنا معاهدات بخارت بست امریکا (انائونی)  
مجادله شد پدید در مجلس مابین کلابیکه مایل بازادی غلامها بودند و آنها یکم نبودند انتخاب بوکامان نام بریاست  
جمهور که طالب عدم آزادی غلامان سیانند که در بعضی ایالات انائونی بطور وحوش و چهارپایان با آنها

رفتار میشود و بزخم نازبان وزیر سرمانه آنها را بکافور زخم و میذارند و بوجه ملوک آنها را عبا بیه میبندند  
سرافراز کردید (بر نایل) بغداد نفوس نازده و دو بیست هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر رسیده

۱۸۵۶ شمسی

تستاهری

آسیا (ایران) در این سال حاجی قوام الملک بیاداش نظم بندر بوشهر بکفطعه نشان شمال هاپون مفتح کردید  
نواب یونالدوله حکمران فارس بقاع مشرکه و اماکن مشرفه فارس را مرتضی نمود و سرافراز و کپل نواب جلشام الدوله  
بمنصب استیفا نایل کردید جناب سیف الملک سفیر کبری ما مو سنت پترزبورغ وارد دار الخلافه شد محمدخان ولد  
مرحوم محمد حسنخان سردار منصب جلیل میرنجکی و بکفران یا نصرت تومان مواجب سرافراز آمد و یوسفخان سرتیپ  
حاکم نبرد ولایت بکر مرحوم مشارالیه نیز هشتصد تومان مواجب ایضا ابوالفتحخان و عبدالرحیمخان و ولایتان  
مرحوم سردار هر یک بمقتصد و پنجاه تومان مواجب نایل کرده بدین سردار سلطان انبلیخان مظفر الدوله پسر مرحوم  
سردار محمدخان باعیال از فندهار بغرم خدمتگذاری با رض افند سآمد محمد اکرم خان رئیس آجینائی و ابرکاب  
مبارک فرسناده مشارالیه بخلعت هاپون نایل و خلع هم برای مظفر الدوله و سایر رئیس سفیدان آجینائی مرحمت  
و مقرر شد آخر اجناس آنها را نیز در ارض افند سرب دهند و مشغول خدمتگذاری باشند نیز بعبایب الله امین شکر بلیک  
قطعه نشان اول میرنجکی و جلیل مفتح کردید صید سعیدخان امام مسقط که به بندر عباس آمد و مشمول عنایت  
اولیای دولت فاهره شده و پیران معاودت بتندر مسقط بشکرانه و مباهان انبیر احم امنای دولت علیه عبدکریم  
و تقدیم بعضی خدمت نمود جناب سیف الملک بکفطعه نشان شمال هاپون مکلل بالماس مفتح کردید شکر الله خان  
نوری بجای معصومخان برادرش که فوت شد بمنصب پوز یا بشکری غلامان سرافراز شد شب عبدهو لود مسعود  
هاپون در دار الخلافه باهره و غمام و لا پان جشن گرفتند همدار ایسال فتح هرات اتفاق افتاد بدین شرح که بعد از  
خلع شدن صید محمدخان ظهر الدوله و نصب محمد پوسفت <sup>شاهزاده</sup> بحکومت و امارت هرات امیر دوست محمد خان امیر کابل بخوا  
فتح هرات افتاد شاهزاده محمد پوسفت به دولت علیه استغانت جشن نواب حسام السلطنه فستونی از خراسان باسام  
خان ایلخانی بامداد او فرستادند اما افغانه هرات باغواهی امیر دوست محمد خان امیر کابل در صدد مخالفت وضع سام  
خان ایلخانی از ورود بهرات برآمدند از اینجا معلوم اولیای دولت علیه شد که امر هرات باغواهی دوست محمد خان  
امیر کابل فرین بظلمی و اختلال و شاهزاده محمد پوسفت که مطیع و تابع این دولت قوشونک بود نیز جهلاً بر سر  
خود سری است لهذا بصلاح اولیای دولت فاهره نواب حسام السلطنه فرمانفرمای خراسان عزیمت بخجرت و نصر  
هرات را تقسیم لشکر بدان صوب کشیده پس از چندی محاصره شاهزاده محمد پوسفت دستگیر و سرتیپ علیسی خان  
نیز که پسر از شاهزاده محمد پوسفت باغواهی امیر دوست محمد خان هوای حکومت هرات داشت مطیع و منقاد و شهر  
هرات با جمیع ولایات و نقاط تابعه قهرام فوج مستخر سپاه منصوب شد و در چهارم ربیع الاول مرده این فتح نبرد  
بدار الخلافه باهره رسید و نظر بنیاد بر ما پید جناب صمدراعظم که در کار این جنگ کرده بودند بکوی کانی سمو ابر  
رضائی چهل بند سببا اعلی که بندهای آن مرصع بجواهر قیمتی بود از ملا بر خاص هاپون بجای معظم مرحمت فرمودند  
بکفبضه عصا مرصع نواب حاجی محمد ولیمیرا عطا شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه هریر با بگشتند  
میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویسن نظام بکیشو جبیه ترمه کشمیری و بکفطعه نشان اول سرتیپ باها پیل آن  
سرافراز کردید میرزا علیخان منشی اول وزارت امور خارجه نیز بخلعت هاپون مفتح گشت و برای نواب حسام

حسام السلطنة والخراسا يكفطه كل كرم مع بجواهر كراينها و دشنبه باينام زرین و نباتی زربافت و چهارها  
 تومان انعام مبدول داشتند و ميرزا محمد قوام الدوله و وزير خراسان و ساخان ايلخاني خراسان را بجلاعه قيمت  
 مفتح فرمودند ساخان ملقب بشجاع الدوله كشت و هزار و سيمصد و پنجاه فضل نشان طلا و نقره بناورها  
 و سلطانهای افواج سر بازي که رشادتي نموده بودند مرخص شدند و امير حسنجان برادر ساخان ايلخاني و حسنجان  
 پوزباشي را که بحضرت دار الخلافه آمده بودند سر و مواجب مضاعف کردند و حسنجان پوزباشي بمنصب سر نيمي مفتح  
 کرد بدخواين و سر باران و فضلا و فضاها هرات بنز بخلغنها و نشانها سر بلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد  
 بجهت مخارج و انعام و مساعده مردم هرات و سپاهيها و مهربانان نفاذ شد بنز از و قايع ملاك انگيز اين سال که در چهار  
 ماه صفر اتفاق افتاد اين بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم و بعهده دولت شاه مذهب عليه معين الدين ميرزا شيخ  
 جان پرواز نمود جناب ميرزا سعيد خان وزير امور خارجه بکفطه نشان تمثال بمثالهايون مکلل بالماس قرين مفاخرت کرد بد  
 حاجي ميرزا محمد خان ديپري مهمام خارجه بنز بخلغنهاهايون سرافراز شد نوآر چشمه الدوله حکمران اصفهان بکفطه نشان  
 تمثالهايون مکلل بالماس مفتح کرد بدند بچي خان مترجم وزارت امور خارجه (جناب مشير الدوله) بمنصب صدراعظمي  
 نابل کرد بد ميرزا داود خان ولد جناب صدر اعظم بمنصب وزارت لشکر و خلعتهايون مفتح کشت چون تمثال مبارک  
 حضرت امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام که در عصر آنحضرت از روضه چهره آن بزرگوار ساخته اند از خراب ملوک سلف  
 بخرينه اين دولت جاوید عدت انتقال بافته بر حسب امرهايون ميرزا ابوالحسنخان نقاشباشي که در اين صنعت  
 و حيا عصار است از رؤسای عمال الممالک ساخته بجواهر آبدار ترصيع کردند و نظر بحسن عقيدت  
 و خلوص نوسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسرواني فرو آوردند همدراينسال نظر بکدورت که ضماين  
 دولتین ايران و انگليس حاصل شده در اوایل ماه ربيع الثاني کشتهها چنگي انگليس بخلج فارس و نزديکی بندر بوشهر  
 آمد و چند کاهي قبل از ورود جهازهای جنگي مذکور سفر و کار گذاران آن دولت از خاک ايران برون رفتند و علم  
 دولت خود را خوا با باندند و ميرزا محمد خان فاجار کيشکي باشي با اسعدا حردی ما مو بوشهر شد و عساکر دولتین  
 مشغول محاربه کردند بدند چندی نگذشت که رفع منازعه شد و جناب امين الملك سفیر کبير دولت عليه ايران در  
 پاریس بجواهرش اعلى حضرت ناپليون سيم امير طور فرانس بباد دولت انگليس عهد مصالحه جديد بست جناب غلام  
 مشارق دفتر دولت فرانس وارد دار الخلافه کرد بد حاجي ميرزا احمد خان مصلحت گذارد دولت عليه بمقيم اسلامبول  
 بمنصب نيز بمقصد ربار دولت عثمانی بر فرود کرد بد بند بنو و در عراق ميرزا حسنجان خاگر عراقي بسناقارضا خان  
 نایب و هم اجودا باشي بنیاب اول اجودا باشي نابل آمد حاجي عبدالله کاشنه امام صفا با پيشکش و هداياي  
 کاهنه بديارهايون آمد شهيدي بن خان حاکم مکران وفات بافته شهيدي عبدالله خان سپهسالار بجای او حکومت دادند  
 کلان شد اگر سفیر دولت آسریه از جانب اعلى حضرت امير جلورد دولت آسریه با هداياي نفيسه بدار الخلافه با مره آمد  
 بشناينکه پيروزيه شد ميرزا شفيق وزير بزرگ بمنصب استيفا و خلعتهايون مفتح کرد بد ميرزا نصير فيلخان سرحد دار  
 انزلي ميرزا فتح ميسلا شده برادر و مشارا اليه بحضرت فيلخان سرحد داری انزلي برقرار کرد بد ميرزا اسمعيل خان ميرزا  
 آقاسی شيراز که لاند وفات يافته محمود خان سپهسالار و بمياشيري شيراز مفرق شد از ارخان خاگراني نوکران  
 دولت جاوید بشوکت بکثرت بجهت نرسه تمام زنجير و بکفصنه شمشير تمام اسباب طلا سرافراز کرد بد ميرزا ابو  
 الحسنخان نقاشباشي بخاري بکعبه نك نقاشي طلا که در وسط آن گل الماس کراينهاي مزين است مرخص فرمود

میرزا

میرزا محمد رضا منوچهری شاهی حضرت معصوم سلام الله علیه اسرار و جناب میرزا سید حسین الدانم جو بجای بدی و نیت  
 میرزا محمد صادق فایم مقام از آن با بجان اخضا و میرزا محمد الله و وزیر نظام که سابقا در آذربایجان بود مجدداً مورد  
 املاک کرد بدو نواب محسن میرزا امیر آخور و خلف هاپون سرافراز کرد بدو جناب امین الملک سهر کبیر دولت علیه ایران  
 شبت و شبینه بیست و چهارم جمادی الاولی با ابلغ سفارت کبری و هدایای لایقه اعلم حضرت هاپون شاهنشاهی  
 بجوفه اعلم حضرت پادشاه و در کمال شان و شایستگی پذیرفته شد شبینه بیست و چهارم  
 رجب چهل و دو قفقه از شبت گذشته آفتاب جهان تاب از برج حوت مجلی متولد کرده سلام خاص بخوبی و سلام  
 عمید در پیشگاه هاپون شرف انعام یافت امیر سلطان محمد امین الملک بکفطه نشان شمال هاپون مکل  
 بالماس سرافراز شد جناب کیناز بارانکی که ناز از جناب اعلم حضرت امیر اطور روس بجانشین مملکت قفقاز منصوب  
 کرد پده ژنرال کینا املیکوف را بدربار دولت علیه روانه نمود که ماموریت خود را اظهار دارد و مستار را اله  
 بشا بستیک در دار الخلافه پذیرفته شد امیر علیخان شیخ الملک بنستان امیر نومان و حمالان و بکفبضه شمشیر  
 مرصع مغنجر کرد بدو محمد علیخان ایلخانی فارس بنستان از مرتبه سیم میرنجکی و خلعت هاپون سرافراز شد علیخان  
 سرتیپ فرکوز لونیستان از مرتبه سیم میرنجکی نواب عفران ماب والده حضرت شهریار میرورعاضی (محمد شاه)  
 آقا و الله بهانه روز پنجشنبه بیست و پنجم سوال المکر ما بنسبالت بغراف جنان اطفال نمود نواب کنالدوله  
 زلفی آذربایجان سرافراز و نواب الامیر میرزا حکمرانی دار الخلافه برقرار کرد بدو نواب والا عبدالصمد  
 میرزا حکمران فرزندین شد جناب سهر موره وزیر مختار و ابلیج مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز  
 و یکم ذیقعد با اجزای سفارت خود بدار الخلافه آمد احمدخان نوایی حاکم بند بوشهر بلیقت در بابیکه بحر فارس  
 و نشان و حمال درجه اول سرتیپ سرافراز شد محمدخان امیر نومان بکفبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و هرات  
 نومان انعام ناپل کرد بدو حکم سخت مؤکد در زمین و اساتیر ملل مختلفه که رعیتانند دولت هستند شد جناب  
 حیدر افندی شارژ دافر دولت عثمانی که مراجعت بدربار عثمانی میکرد بکفطه نشان شمال هاپون از درجه  
 دویم مکل بالماس معری اله مرتبه شد و جناب توفیق افندی بجای مستار اله مقیم کرد بدو مستشار الملک  
 خراسانی بیاضد نومان اضافه مواجبت استصوابی بعلاوه استیفا خراسان و سرشته داری کل خراسان  
 سرافراز شد جناب سپهسالار غوثیک شارژ دافر دولت روس با بکفطه نشان شیر و خورشید از درجه اول  
 و حمالان اخضا در دند فرستاد کان و لاپات و سرداران کابل و قندهار و غیره با عرض اراادت امیر خدیو  
 نواب حسام السلطنه آمدند عسکرخان سرتیپ ارومی مرحوم و پوسفغان برادرش بجای او بمنصب سرتیپ رسید  
 نومانجان نایب جودا بنیاشی حامل عهدنامه مصالحت دولین ایران و انگلیس بدو درجه سرتیپ رسید کیناز ملکوف  
 بکفطه نشان شیر و خورشید از درجه اول و نصاب برص اجمنصبار روس که همراه معری اله بود ندهر یک  
 علی قدر سرتیپ نشان مرتبه شد و مراجعت کردند میرزا عباسخان فیض اول و زارنات مورخ از درجه بمنصب نایب  
 وزارت امور خارجه سرافراز کرد بدو در صده مطهر حضرت معصوم سلام الله علیه و منا زل و پلهای باه تمهید  
 مرهت شد اللهورد بجان با ورتو نجان بمنصب سرتیپ که تو نجان سرافراز کرد بدو آقا محمد حسن مهرداد بکفطه نشان  
 نصاب مبارک مکل بالماس مغنجر کرد بدو محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج ثلاثه اصناف بلیقت سهام الملک و خلعت  
 هاپون مغنجر شد خراسان و ابلیج دینی حرم شد میرزا حسن برادر میرزا حسین سرد شد در قورخانه

حکمران کلان

ناملات

مبارکه بمنصب چه دارباشگری سراز شد سرار علیخان سبستجا بمصاهرت نواب بهرام میرزا معزالدوله مبارک  
 همداین سال بر بادگ شهر دار الخلافه خلی افزوده شد (چین) کشتیهای جنگی ایندولت با وجود عدم استحکام بعد  
 استقامت در مقابل سفایز جنگه انگلیس و خسارت کلی با نهار سائیدن بالاخره شکست یافتند جزیره هوانان را  
 در محاذی کانن ماموین فرانسه انگلیس منصرف شدند و بشهر کانن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای  
 خارج شهر را منصرف شدند امری پیا (اسپانیا) شورش سختی در مالاکا پایتخت آوردن جمعی از شورشیان در ناپل  
 پانی تخت در پالت و پلا انحصار شورش غزل نارا و ایزد نصیب امیرال ادریس فیروز ملک و موسو بالفنس رودخانه  
 ابرادولت در صدد آنست که بحرین و عفتش بفرزاید تا کشتیهای بزرگ باسانی در آنجا سپر نماید بحسب  
 تمام اسپانیا در این سال بی و دو کرد و وسعید و پمیل هزار نفر میباشند (المان) ایجاد قانون تجاری بمحکم  
 ممالک المان هنگام سفر اعلم حضرت امیرطورا طریش بمالک ایتالیا می منصرف خود ژنرال رادشک سرار پیر که فی الواقع  
 فتوحات این پالات بدست او شده بود از منصب حکمرانی استعفا نمود و حکومت ابلات مذکوره منتقل  
 به ماکس بیلین برادر امیرطورا میگردد در مملکت پر و سرطایفه هورامنع میکنند که قانون دولت تحصیل نمایند افتتاح  
 راه آهن از میلان بروینز اعلم حضرت پادشاه پرو سر که بشدت ناخوش انداختار سلطنت را موقتا سه ماهه برادر  
 کهر خود که ستاد و سائل کوچکر است و ولعهد میباشند و اکنار میکنند و این سه ماه چندین مرتبه بخند پادشاه (انگلیس)  
 غزل و کلای ملت بواسطه اختلاف که بارجال دولت داشتند بقیه و کلای چندیکه اغلب بالرد پالمیستن صدراعظم  
 خیالشان مطابق است فرمان اعلم حضرت پادشاه انگلستان در مجلس فرانت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه  
 بعد ازین مخاطب پرنس شوهر خواهد بود گفتگو و مساعی با پرنس با امین الملک فرخ خان ولرد کولی سفرای  
 کبار و لیتن بران و انگلیس در پارس شورش عسکر انگلیس در بنکاله بواسطه خالت دولت در طبقه ملتی و مذهبی  
 آنها این شورش با غالب فضاظ هند و سنان سر این غوده قتل و غارت زیاد بجد و حساب نسبت باهالی انگلیس میشود  
 در دهلی یا عنها یکی از اولاد سلاطین کورکانه خودشان را بپادشاهی بر میدارند فواج انگلیس را در کلکنه براق  
 چینه میکنند فتون مملکت انگلیس عود و گولپو بدولت انگلیس میشوند در آنچه گاون پرنس علی الخصوص ننه صاحب  
 رئیس آنها کال و حشبری اسنیت باهالی انگلیس مینمایند جنگ سخت با عنینها در حوالی اگره در بمبئی طایفه سیک  
 از طوایف هند نسبت با انگلیسها میشوند شهر هلی بعد از رحمت پاد و خون نری سپها مفضوح گردید و در این  
 جنگ جنلی از فتون انگلیس تلف شد پادشاه دهلی که نود ساله بود در چین فرار دستگیر شده دو دیشتر اسپر مقبول  
 گردید و اغلب شاهزاده ها خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند صرف دولت انگلیس خبره پرنس را در پرتگا  
 لهر ما بین عدن و محاموا فتو عهد نامه که با دولت ماریک بسته شده ایندولت حقوق دارد بعد از این در بناد داخله  
 مملکت انگلیس قونسل روانه کند کشتیها جنگی انگلیس در این سال هشتاد و چهار فرزند بوده است (ابطالیا)  
 فتون اطریش بعد از هشت سال فترت در پالت پارم بیرون رفتند در شهر لپور مردم بنای شورش  
 دارند محرم جمیع شورشیان مازنی است مسافرت حضرت پاپ بفلورانس شروع یکیدن دالانی از عرض کوه منسپه  
 بجزیره راه آهن از خاک فرانسه با ایتالیا در افتتاح اینکار بزرگ پادشاه ساردین و کورامانول و پرنس ناپلیون  
 برادر پادشاه امپراطور فرانسه حضور داشتند (پرتوغال) پادشاه پدرو پنجم شخصه افتتاح مجلس پارلمنت میکند  
 پرنس پاپو تخت جمای زرد و خصبه با ثبت بهر سائیده جمعیت پادی را میکند (بلژیک) عروسی دختر پادشاه

صدراعظم

شاهزاده

شاهزاده خانم شارل با برادر امپراطور اطریش و اکیه میلین (دائما زك) طایفه اسکاندینی و کبر بیشتر اهالی سو  
 و نروج و دانمارک از این طایفه هستند قبل با اتحاد دولت ثلاثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سو  
 بجزه اسکار انتخاب نمودند و هشت پادشاه دانمارک از این فرقه و نوشتجات رسمی پدر بار دول فرنگ فرستادن و  
 اظهار و هشت نمودن اجزای مجلس شورای ایالت اسلشوبک و وضع قانون ایالت خود را بسبب المان طالبند و مقضا  
 در دادن مالیات بی وقت دانمارک میمانند همز دن حاکم اسلشوبک بحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را  
 مطالبه مالیات از رعیت بزور و ول اطریش و پیروسان این عمل ناراضی اند و لک روس با پادشاه دانمارک مساعف  
 حامی است (روس) امپراطور روس رسد آزاد کردن رعایای روس است که نسبت نجبا و ملاکین و اربابان  
 خود حالت عبودیت داشتند برادر اعلم حضرت امپراطور روس مستظمنین که سمت امارت بحر می دارد بر بنابر  
 نظامی دول فرنگ بسپاحت رفت علی الخصوص در فنون و شرب پورک بنا در جنگی و نظامی فرانسه ملاقات شاهزاد  
 معزی الیه با اعلم حضرت پادشاه انگلستان عهدنامه بخارنه با این عروسی کردند و میشن برادر کهنر اعلم حضرت  
 امپراطور با شاهزاده خانم سیسیل دختر والی با افتتاح راه آهن از پتر پورشو (سو) پادشاه این مملکت بواسط  
 مؤخر ارج قدرت سلطنت نداشت پس خود را که و بعهده بود بنیان سلطنت مفرد داشت (سوئیس) جنگ با  
 پیروس بواسطه مهاجرتی فرانسه صدر بصر شد پادشاه پیروس از داعیه سلطنت شهر نفسنازل که مغلق  
 بسوی این دست کشیده حتی نخواهی که از سوئیس مطالبه مینمود از آن نخواهم صرف نظر نمود عهدنامه با متصفا  
 طرفین و با مضای جمیع دول فرنگ در پاریس منعقد کرد (عثمانی) در مصر تعیین وضع وصول مالیات سفر و  
 مصر زمین سوآن تعیین بخارج معین برای شخص والی و این راضی نشد که بگذرند از علمای انگلیس فرانسه و المان  
 که بجهت انکشاف سرچشمه نیک برآمده بودند جنالات خود را در اجرای این عمل با انجام رسانند در تونس قتل بکنفر  
 پیوسته که بدین اسلام با احترامی کرده بود و الی قدم ملداوی شبکا که در این وقت در پاریس بود خود را میکشد  
 عیسویان هرگز کوبین و بسینه و آلبانی که از طرف مسلمانها با نهاده می رسد می شنوند (بقیه مسئله شرفیه)  
 الحاق با ایالت ملداوی بولگاریا و اکتشاف شدن بدولت عثمانی جزیره ماران را و اختیار مصت و در انقوب را  
 بفراد بکنز نبرد و لک عثمانی نخله نشون اطریش ایالات افلاق بغداد را موافق عهدنامه که موسو بعهده نامه  
 پاریس است حد روس عثمانی در سمت او پاریس عری خواهد بود سفیر بلژیک مقیم در دربار عثمانی مهم  
 باین شد که اهالی افلاق بغداد را محرم شده که سیر کهنر پادشاه بلژیک را با سلطنت خود اختیار نمایند عزل  
 رشید پاشای صدر اعظم صدارت عالی بایش قطع مراده ایلچیه فرانسه انگلیس و اطریش و روس با و ز  
 خارجه عثمانی بطوریکه دولت انگلیس و اطریش عهدنامه مخفی مینسندند مسافرت ناپلیون امپراطور فرانسه  
 بانگلیس ملاقات او با پادشاه انگلستان در قصر از برن نخله مراده سفرای مذکور بقاصد چهارده و  
 باوزار خارجه عثمانی ملاقات ناپلیون و امپراطور روس را سبب گذارد پای تخت مملکت و در تبرک در عمارت  
 سلطنت پادشاه آنجا و ملاقات امپراطور روس و اطریش در ویمار (فرانسه) قتل کشیش بزرگ پاریس  
 سبب و نام بلیست که از کشیشها در جه پین و رز در هنگام عبادت در کلیسا سن ایشان ایجاد قانون جلد  
 نظامی صدره از نفر نشون ذخیره فرانسه هنگام صلح حامن خواهد بود هر سه و بجنف از رعایای فرانسه خود  
 فرستادن یک و یکبار را شور و دارند دولتین مان پی نام ابطایانی محرم جمعی است که ناپلیون امپراطور



فرانسه بقتل رسانند و گت فرانسه مابین دول پرور و سولس مباحی شده پرسن با پلینو بسبت مباحیگری برن  
 پانچت پرور و آمدن برادر امپراطور روس قسطنطین و پادشاه باو بر بیار پس فوت ژنرال کاو پناک فجاه  
 ماموسیت بیست پنجهزار فسون براری ما کاهون بجنک طوایف صحرائشین فنیله امتداد سپم تلکرافه جری از  
 مار سبیل بالخر بر جمعیت انجیر بر است صد و شصت هفت هزار و ششصد هفتاد نفر قتل داده شده است در جزیره  
 ماد کا سکر فرانسه هبار از پای تخت آنجز به اخراج میکنند عهد نام بخارند و دو سنی یاد و گت مساجد حال ساختن  
 راهی از پرورد پای هاشق مابین فرانسه انگلیس فوت شاعر معروف الفرد موسی بغداد نفوس جمعیت فرانسه هفتاد  
 و دو کور روسی نه هزار و سیصد و شصت چهار نفر رسیده امریکا (۲ تا ۱۰۰۰) غلط و غلامی سخت در ایالت  
 مشیگان در شهر نیورک منازعه سخت و خونریزی مابین فسون دولت احسان شهر کی پولی تا یکبار بانک بود  
 و بستن از دادن پول بیارت دار مضایقه نمودند (مکنیک) شورش سخت در این ایالت علی الخصوص در واکر و  
 (سکی دینای جنوب) شدت مرض تبخرد در منته بدو

فرتکه کور

### ۱۵۷ مسیحی

### ۱۲۷ هجری

آسیا (ایران) در این سال کافی السابق کلمه توجه خاطر خطیر هاپون با نظام بامو کشور و لشکر و اشاعه عدل است  
 میرزا محمد بنشیر کرمی مهام خارجه استر آباد و با عطای بقطعه نشان از درجه دوم سرهنک سرافراز شد علیقلیان  
 منصب بیکر بیک بنیر مفتح کردید قلعه خرم آباد و باغ علی آباد دوباره آباد شد حستان سرکرده سواره فرایا پاق  
 بقطعه نشان اول سرهنک و جا پل آن سرافراز کردید حرم مطهر حضرت رضو علیه السلام را آئینه کاری کردند  
 بقطعه نشان مثال هاپون مکلل بالماس از درجه اول برای جناب کیناز الکسند بارانک جانشین ملک ففقا  
 اهدا و انقاد شد در شب ششم شهر صفر المظفر جشن مولود هاپونی در هر جا ایشا پیشک گرفته شد حاجی جابر خان  
 حاکم حیره منصب میرنجکی و پانصد تومان اصنافه مواجب و خلعت هاپون سرافراز کردید راه چابان مازندران  
 حبساک مرتقم نموند میرزا فضل الله و زیر نظام پیشکا راندر باجهان بقطعه نشان مثال هاپون سرافراز کردید  
 غلامحسینان سپهدار حکمران کرمان نیز بقطعه نشان مثال بمثال مفتح شد علیقلیان میرنجک منصب  
 ایودایا شیکری کل عساکر نظام بر فرار آمد محمد اسمعیل خان چا پارچی پاشی ملقب بشیرالدوله شد میرزا سید  
 سپهر اصادق لشکر نویسن منصب لشکر نویسن سرافراز شد در اول عشر دوم ربيع الاول نواب سنطاب  
 شاهنشاهزاده امجد اعظم امیر محمد فاسمخان را و لاینت عهدا بند و لثابده عنایت فرمودند میرزا حستان  
 حاکم عراق بقطعه نشان اول میرنجکی با جا پل آن مفتح کردید بقطعه نشان اول سرهنک با جا پل نواب  
 محمد جم میرزا حاکم خوی و سلاطین محنت فرمودند آقا محمد حسن مهر دار در بیست یکم ربيع الثاني مرحوم و مناصب  
 او با آقا عبداللہ رختدار باشی سرش مرحمت و رختدار باشیکری با آقا ابراهیم برادر زاده آمر حوم اعطاشد  
 حسینقلی خان سرهنک فوج عجم مرحوم و محمد علیخان و لدار شد آمر حوم سرهنک فوج مزبور سرافراز شد میرزا  
 علی سپهر حوم میرزا ابوالفاسم فایم مقام منصب استینفا مفتح کردید ریاست کل مدرس مبارکه دارالفنون را در  
 ماه جمادی الاولی نواب اغضضا السلطنه و اگذار و نواب معظم البیة بخلعت هاپون سرافراز فرمودند علیخان سرهنک  
 افواج فراگوز لو منصب میرنجکی و خلعت هاپون مفتح کردید جعفر قلچیان الجانی بیکر بیک استر آباد بقطعه شمشیر  
 مکلل بالماس سرافراز شد بقطعه نشان مثال هاپون با فتحار رسید ثوبی امام مسقط اعطای و سال مسقط کردید

جناب مسعود بنشون وزیر مختار و ایلی مخصوص دولت فرانسه مور با قامت در بار دولت علیه وارد دارالمنزل شد  
 و مسبقاً قبلاً نشان از درجه اول خارج با جامبل سبز و کلاه  
 شال رضائی نایل کرد بدیجه خانه اصفهان در صنعت نفیس سازی خلیه تزیین کرد میرزا عبدالوهاب خان شیراز  
 (جناب نصیر الدوله) بنیابت وزارت امور خارجه خلعت ها بپوشید نایل کرد بدیجه میرزا اسپند دخی سرشنه دار که  
 بنیابت کل کل خانهای محاکم و سب بر فرار کردید رکن الدین میرزا اسپر توپخانه در ماه رجب هجوم شد  
 در این اوقات حسب اشاره علیه حکمی نظامی جناب صدر اعظم بجهت تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام درین  
 نوده صد آن موشح بدست خطی جها نطاع ها بون کردید نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مفسدین کانا  
 سرخس مرو را بنیابت نمودند

شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت بعد نیکه از شب گذشت آفتاب از برج حوت بجل بخوبی نمود  
 مراسم جشن عید از سلام و غیره با کمال شکوه بعمل آمد شب یازدهم شعبان که مولود مسعود حضرت صاحب الامر  
 عجل الله تعالی فرجه میباشد با مرها بون مقرر و مر سوادین و وزیران و جشن دولتی بگردید محمد ضابک  
 سپر جو محمد ضابک باور توپخانه بمنصب سرهنک توپخانه سرافراز کردید عیسیه خان والی بکمرانی اصفهان  
 ماموشد نواب بصره الدوله را بکمرانی عراق مقرر فرمودند میرزا ذوالفقار خان حاکم بکفقطعه نشان اول  
 میرزا بختی با جامبل آن سرافراز کردید و میرزا ابوالفاسیحان ولد مغزی المله با نشاد بون اعلا برقرار شد نواب عباد  
 الدوله حکمران کرمانشهان با عطای بکفقطعه کل کر مکلان بالماس مقرر کردید عمل چارخانه محاکم و حشر سنجان  
 سرنیپ محول کردید نمونه از نکران عمارت سلطنت شهر الباغ لاله زار برفیق مسعود کریشش معلم توپخانه ایجاد شد  
 و معلم مشارالیه بکسر شده جامبل سفید سرهنک و خلعت ها بون مقرر کردید حسینقلیان بختیاری بکثوبت جبه  
 تره بکفقطعه شمشیرت غلاف طلا مباحی شد حسینقلیان معبر الممالک وفات نمود و منصب خزانة داری و مقبر  
 الممالک را بدو و علی خان ولد آنر حوم فرمودند امیرزاده علیقلی میرزای سرنیپ حاکم سنقر و کلپائی بکفقطعه  
 نشان اول سرنیپ و بکسر شده جامبل آن سرافراز شد جناب نظام الملك بوزارت و پیشکاری شاهنشاه هزاده  
 اعظم امیر فاسیحان و بعهد دولت علیه مقرر کردید آقا عبداللہ و لمر حوم آقا محمد حسن صند و فلدار راحت الامر  
 با سم پد را میبندد اشرا ترا که سرخس که دم از خود سری میزند نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با عساکر  
 نصر مآثر آنها را بنیابت بدهید نموده بر سر اطاعت آورد نواب رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان  
 بکفقطعه نشان اول امیر تومانی با جامبل آن و یک هزار تومان اضافه مواجب سرافراز شد میرزا فضل الله  
 وزیر نظام وزیر آذربایجان نیز بکفقطعه نشان اول امیر تومانی و جامبل آن و بکثوبت جبه تره شمس جمع  
 مقرر کردید میرزا مصطفی قلی مشنوی و پیشکار محاسبات آذربایجان بکفقطعه نشان اول سرنیپ و جامبل آن  
 و خلعت ها بون نایل کردید صنعت خیز آذربایجان را از مالیات معاف فرمودند میرزا فضل الله نایب البشیک  
 آفاسی با شی بمنصب بیکر بیکر نیز و لقب خانی و خلعت ها بون مقرر گشت میرزا نصیر که خدا با سنی سابق نیز  
 بمنصب مشنوی آذربایجان برقرار شد مسعود کریشش معلم و سرهنک توپخانه بمنصب سرنیپ نایل کردید  
 میرزا محمد علی مباشر امور خارجه کلان بکفقطعه نشان دوم سرهنک و خلعت ها بون سرافراز شد  
 روز هجدهم ذیقعد الحرام طاہر روح شاهنشاه هزاده اعظم امیر فاسیحان و بعهد دولت علیه پیراز بخلد

برین نمود و در زانوئیه مقدمه حضرت امامزاده عبدالعظیم علیه السلام بقعه مخصوص بنا کرده مدتی نمودند جناب  
فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه مامور با فامند در اسلامبول شد یک راس اسب عجمی خاصه با بر او مکتوب  
بجواهر جناب صدر اعظم مرحوم فرمودند حاجی حسینی بروجره بنیاب اول ایشیک آقاسی باشی سرفراز شد  
(چین) حاکم ایالت کانتون به نام و سپهسالار چین از طایفه نا تار بدست عساکر انگلیس مجبوس گردید حاکم مزبور که  
بکلکته مجلس فرستاده میشد معترف باین است که در این چهار سال که از طرف دولت چین مامور بکولونیا نولایت  
شخصه فرزندم از باغبانها بقتل رسانیده است مامورین فرانسسه و انگلیس با مبدانیکه بلکه بنوانند با دربار بکن گفتگو  
نمانند تا کیانک سومیر و ندر گفتگوی فایده در مصالحی بعد از امیک از مصالحی عساکر فرانسسه و انگلیس در خلیج  
شلی واردمیشوند در این خلیج رودخانه پهلو که بکشعبه شان از میان شهر بکن بای تخت میکند و چینیها در ساحل این  
خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جان چله سخت محکم دارند بعضی از قلعه جان آنها را که صد و سی و هشت توپ با آنها  
داشتند عساکر متفقہ گرفتند دهنه رودخانه بدست آمد با لارفته شهر نپ سین داهم منصرف شدند مامورین روس  
در این عهده عهدنامه دو سته بادولت چین منعقد کرده جمیع بنا در چین را از برای سفاین روس باز و آزاد  
در سمت رود امور تقریباً با نصف مسافت از مرحد سیر ضمیمه مملکت روس شده بعد عهدنامه چینیها در تپین  
بافرانسه انگلیس بستند سفرای انگلیس و فرانسسه در بکن و سفرای چین در لندن و پاریس متوقف خواهند بود  
کردن تومان پول ایران خسارت دولت چین بدولت انگلیس خواهد داد و سه کرد و هر افسانه مسافرت و سیاحتها  
فرنگ و چین آزاد خواهند بود که در جمیع ممالک چین گردش کنند هیچ عیب و در تمام ممالک چین محترم خواهد  
بود تجارت نوابک حق فرنگیها خواهد بود (ژاپن) عهدنامه تجارتی با نا نا توئی و انگلیس و روس فرانسسه و  
(اسپانول) اختلاف را مابین و زریاد شاه انگلیس با کال سنخه بادولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان  
گفتگو دارد افتتاح راه آهن از مادرید ببارلی کانت (المان) فوت مارشال زادیشکے فرض دولت اطریش در این  
سال معادل هزار و دویست کرد و تومان پول ایرانست بولدیسری از امپراطور اطریش در میلان ایتالیا منصرف  
دولت اطریش اهلای بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت بیکر امانول پادشاه ساردینیا طالبند پیر پادشاه روس  
دختر بزرگ پادشاه انگلیس را باز دواج خود در آورد افتتاح راه آهن از کپرن برک شهر روسی که سرحد روس پرش  
کیوم برادر پادشاه روس مستفاد بدون تردید بدون تعیین وقت بنیاب سلطنت بواسطه سونراج پادشاه  
که برادر بزرگش برقرار میشود (انگلیس) عزل و زراء دولت و نصیب ذرائع طایفه نوکر بر پادشاه  
کورکافی دهلی را حبس بجزیره آندمان میفرستند حکومت فرمانفرمائی هندوستان که تا آن زمان بنصرف کیانی  
بوده تا با خیار دولت پالمیشن در او اخصدارت و لر در بی در او ابل صدارت در طرف ایساک تکلیف دولت  
میکند که اینوضع کیانی را موافق داشته هندوستان یکی از ابالات معتبره معظمه انگلیس تصور نمایند و بیک وزیر  
بسمت وزارت هند وستان در سنه و زرافرت شود سپر کامل با مدارا چه بنیال با پنجاه هزار فسون شهر نوی  
هندوستان را بنصرف در آورد بیست و پنجه از نفرز باغبانها بسمت سارس فرار کردند بجهت فوجات نمایان  
کامیل سپهسالاری هند و لغت کلبه از طرف دولت انگلیس با و داده میشود لرد استیسن که از طرف کیانی  
حکومت هند داشته بسمت فرمانفرمائی و بنیاب سلطنت در هندوستان بر فرار شد در جزیره نول کالدونی مغلق  
با انگلیس معادن طلا و خلیج با مکتب منکشف شد مجلس لرد ها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه

یهود در مجلس یاریت بسمت کالت رعیت حضور یابند و چنانچه در آن مجلس قبول شد و در آن  
از اهالی المان ایجاد روزنامه نکرانیه عمومی نمود (ایتالیایا) گاز و در اعظم ساردین فصر بر اینست که باید با  
اتحادی داشت (پرتغال) ازدواج پادشاه با یکی از شاه

هامنهای روس (بلژیک) در صد ساعت فلعه محکم در بندر آنورس بر آمد (روس) انعقاد مجلس محکم اعظم  
امپراطور بجهت آزاد نمودن ربا عا در مملکت روس آنچه بعد آمده صد نه هزار ار با بستن این عده هزار و چهل

نفر از هزارالی ده هزار رعیت دارند که این رعا با بمنزله مملوک هستند و خرید و فروش میشوند و فی الواقع اعظم  
امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کر و دو پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک بحکم

امپراطور آزاد شدند (سوی) بواسطه بانفین سخن فصر عده از پای تخت منسود (سویس) افتتاح راه آهن  
زانوبه یونان (عثمانی) جبال اتحاد ابلتن و الاشی و ملداوی و افلاق بغداد) در تخت یک حکومت چون از برای

افتاد روس این نواحی پیشتر میند بود دولت عثمانی قبول ننمود با بنوا سطره باز ما بین روس عثمانی بز یک  
مراده شد لهذا مجلس شورای مجتدی در پاریس از مامورین جمیع دول منعقد کرد بد بعضی فرارها جدید در علم

اتفاق بغداد و فراغ عثمانی و بعضی جاها کنایه شد سپر هانزی بلور سفارت انگلیس در دربار عثمانی بجای  
لدر یکطرف بر فرار شد فوت رسید پاشا نجاه شورتن سخت در پالت هر کوبن و منفنگر در سینه فتوحات

پاشا با اعراب بدو در حوالی بغداد باریدن باران سخن در شامات و خرابی ساپندک در جزیره کاندی بجهت  
مالیات اهالی مشوریدند مسلمانها عیسویان را در این جزیره بقتل رسانیدند در بندر عبده فرنگی ز یاد بقتل

من جمله فونسلوهای انگلیس و فرانسه بود ناکشیتها جنگی و لنین فرانسه انگلیس بضر کلوله نار جنگ خرابی  
بجده وارد می آورند و لک عثمانی جمعی را بجهت تخمین انبقره مامور بجده نموده ده نفر از مفسرین که محرم مردم

در این قتل و ضعیب ست قدرت میکشند ایجاد مجلس کلای ملک در بلگراد و سرستان و کلای هلث این بالک  
فادرا از شرطاطا لند که از طرف دولت عثمانی و آلی بوده و بصلت نوبی و انعقد مصر احمد پاشا امیر ابراهیم پاشا

ژویش

در بند غرق شده هلاک میشود در تونس ایجاد یک بانک ایجاد اول راه آهن در خاک عثمانی از زمیره آبد (فرانسه)  
جهان ایتالیا که رئیس آنها رسیده نام بود قصد قتل ناپلئون امپراطور فرانسه کردند و شیعی رمدخل

تمام شاخه نبرد سد نار جنگ بسمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول  
با امپراطور بنزد حنی وارد آمد موافق فرمان امپراطور ناپلئون در زمان عیبت اعلم حضرت ایشان از فرانسه بنایب

سلطنت با امپراطور پس خواهد بود نزال نشان کار بنه و نزال بد که از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجاز  
پافتد که وارد شوند سفارت کبرای دوك دمالاکت بانکلیس برای بنده شهر پاریس در ظرف ده سال سفر

سی و شش و نومان ابران خرج شود که از این مبلغ ده کر و دو لک خواهد کرد مابقی را اهل شهر فوت ماد  
کنت پارسی نوه لوی فیلیپ پادشاه فرانسه و لبعهدا و در انگلیس و زارت الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در

خارج از مملکت فرانسه لک است پیرش ناپلئون عموزاده امپراطور مقر شد حکومت نزال اما کاهون به الجزایر مملکت  
سپام قبول فونسلو فرانسه ننمود جزئی که در نزال با د و پرتغال تر صبه خراسان دولت پرتغال و عفو دولت

بجهت فریح محمد بن سوئز کیانی اسبعل در پاریس افتتاح استغراض کرد آمدن پادشاه انگلستان شربخ به بند  
فرانسه ملاقات نمود با امپراطور فرانسه فوت ژانل بازی که معروف (یونان) ایجاد موزه در آن پای تخت

دولت بر وز لرزه در آتش خرابی شهر گریخت بواسطه زلزله جزیره کوفه را انکلیس مایل بیصرف است لیکن اهالی جزیره زیادتر میل دارند که جزیره یونان باشند افریقا در شمال دماغه امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرانک علی الخصوص هلاند بهادر سواحل دروخانه تراسن وال سکیز گرفتند و بسینت دو سال بود دولت انکلیس لا یقطع بالافا در منازل بود بلکه آنها جزو رعایای خود کرد در افریقا دارد نماید ممکن نشد تا در این سال انکلیس این جمهوریت مختصرا شناخت جمهوریت تراسن وال بسبب نام هلاندی با انتخاب عامه اهالی تراسن وال مد هفت سال ریاست یافت امریکا (انائونی) اختراع وضع تلگراف جدید بنوسط دکتر مریس از اهالی انائونی که باسم همان شخص این تلگراف الحال موسومست دولت انکلیس چهل هزار تومان انعام و حق السعی باین شخص میدهد (بنکی دنیای جنوبی) شورش شیخ در جمهوریت پروردف آن (برزیل) ابتدای راه آهن جدید موسوم براه دن پدرو (بنکی دنیای شمالی) بعد از دو مرتبه تلاش به بوده در مرتبه ثالث مابین والان شهر هلندا انکلیس و سنث ثان شهر بنیکه دینیائی امتداد سپیم تلگراف بحری شد اول مخابره تلگراف هینت آمیز مابین رئیس جمهوریت انائونی و پادشاه انگلستان بود وقتیکه در ساعت شهر والان تبا دو ساعت و چهل پنج دقیقه از ظهر گذشته بود و در شهر سنث ثان انکلیس ظهر و اختلاف افق بانقدر اما بزودی این سپیم بحری پاره و قطع مراد مابین اروپا بنیکه دینا کردید

### شدهجری

۱۸۵۱ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خبر مال ذات افسر هایون بنفس نفیس مبارک غور و تعمقی در کلیه امور دولتی و مبرم مایند ریاست دفتر خانه وزارت امور خارجه را میرزا محمد از اجزای وزارت خارجه داده و با عطاء نشان شرف و خورشید از درجه اول سرهنگ با جا پیل آن مفتخر کرد بدستعلیم مدرسه دارالفنون نوزده کلی کرده اند جناب سپو انجلوف وزیر مختار و ایلی مخصوص دولت روس مامور با فامت در بار دولت علیه وارد دار الخلافه شد پذیرا رسمی از مغزی الهیه بعل آمد میرزا کی معلم و باور نوچانه بمنصب سرهنگه نوچانه مفتخر کرد بدستعلیم شهر حرم الحرام بوجه سنخه مبارک جناب صدر اعظم از صدارت عظمی و نظام الملك و وزیر لشکر از مناصب دولت نشان مغزول شدند و بعد از عزل صدر اعظم شش وزارتخانه در دربار دولت علیه ترتیب تشکیل یافت اول وزارت داخله دوم وزارت خارجه سپیم وزارت جنگ چهارم وزارت مالیه پنجم وزارت عدلیه ششم وزارت وظایف و اسباب و ذرا و القاب هر یک از اینها را است جناب میرزا محمد صادق قائم مقام بلیق امین الدوله و وزارت داخله سرافراز شد وزارت خارجه کا کان بعهدت جناب مؤمن الملك میرزا سعید خان است جناب میرزا محمد خان کبکی باشی بلیق جلیل بهساری وزارت جنگ مفتخر کردید وزارت مالیه برعهده کفایت جناب اجل آقا میرزا یوسف مستوفی الممالک مفوض آمد جناب علیقلیان والی جوان شهر ملقب بمجتهد الدوله شده وزارت عدلیه بعهدت ایشان محمول گشت وزارت وظایف و اوقاف بعلق میرزا فضل الله نصیر الملك یافت و میرزا عنایت الله امین لشکر کا کان مستوفی ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود در امور مهمه فرار بشوری افتاد و امضای کلیه امور بنفس نفیس ها و کردید و بدون اسپندان و اجازه از جانب سنی الجوانب حکمی نفاذ نمیناید حاج محمد خان پیشخدمت خاصه نجاشی الدوله مؤلف منصب فراسباشیکری و لقب حاجب الدوله و لکایه مناصب ریاست مجلس شوری را بمیرزا جعفر خان مشیر الدوله مرحمت فرمودند میرزا با فراد رزاده میرزا جانی بلشکر نویسی فارس مامور شد حساب نزد و میرزا جعفر برعهده میرزا رفیع مستوفی مفوض کردید بمیرزا جانی بلشکر (جناب مشیر الدوله) بمنصب خود ان مخصوص و منزهی حضور

باهر

باهرالنور و خلعت هاپون سرافراز کرد بدجشن مولود هاپونی در ششم صفر مبارک گرفته شد همدار ایستاد از  
 قله عاوند نگرفتند و معلوم شد از سطح طهران پنجزار و پانصد و نود ذرع و از سطح دریا شش هزار و شصت و  
 ذرع است حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی و استکان خود بدربار هاپون آمد و بعد از آنحضرت انصاف بجای  
 و خلعت هاپون نابل و همراهانش نیز بمناسبت خلعت هاپونی سرافراز شدند سفیری سمیت شارژ دافری دولت بلجیا  
 بدار الخلافه باهره آمد میرزا ابراهیم خان بمنصب سرنچی اول و حمال و نشان آن سرافراز شد میرزا حسن الله باشی بمنصب  
 زینت سفید در بحر مخانه و خلعت هاپون سرافراز شد مصطفی قلچان حاکم سبزوار خلعت هاپون و یکقبضه شمشیر  
 غلاف طلا نابل کرد بد بکتوب عیای نزهه جناب شیخ عبدالحمید مجتهد ارسال عنایت شد جناب حاجی سید جواد امام  
 جمعه کرمان نیز یکقبضه عسکرم صغیر ارسال کرد ند جانجی خان سرهنک فوج خلیج ساوه بمنصب سرنچی سیم سرافراز شد  
 حسنین نظام الدوله بمنصب سرنچی صغیر شد جناب فرخ خان امین الملک سفارت کبری و ماموت خود  
 بیابان رسانده در ماه ربیع الاول وارد دار الخلافه و شرف بحضور هاپون شده بکفطعه کل کر مرصع ممتاز و بکتوب  
 حیه نزهه کشمیر هاشمیدار از ملا بر خاصه مخلع و سرافراز کرد بد میرزا شفیع شیرازی بمنصب سرفراز شد بد  
 عدلیه در تمام ولایات برقرار فرمودند بچی خان اجودان مخصوص و مترجم حضور هاپون بکوشنده حمال سفید از سر  
 سرهنک سرافراز شد میرزا ملک خان سرهنک ناماژ که بمنصب مستشاری و سفارت جناب امین الملک با و پاماد  
 شد بمنصب سرنچی و نشان و حمال مخصوص این رتبه مفتخر گردید بواب شاهزاده بهرام میرزا و بلبغ معز الدوله  
 و بصاحب اختیار بی ملک آذربایجان و یکقبضه نشان مکلان بالاس از مرزبه امیر قوامی با حمال آن سرافراز فرمودند  
 و عزیزخان سریار کلزای نشان و حمال و خطا بانکه سابقا داشت مجدداً برقرار و در راست کتبه و نظم امور مملکت  
 آذربایجان را بعهده معز الله موکول فرمودند میرزا ابوالقاسم مشهور بلبغ معین الملک ملقب گردید میرزا عباسخان  
 نایب زاد نواحیه بمنصب سنا بن اول و لقب معاون و زارت امور خارجه خلعت هاپون سرافراز و ماموت بکار گذارد  
 بالاسفلا المهم خارجه آذربایجان شد علیخان و اچاکه اصفها با عطای لقب عماد الدوله کی سرافراز کرد  
 و محمودخان میرنجه بلبغ نایل ناصر الملک مفتخر گشت و انتظام مهم سواره نظام ملایم رکاب معجزی الهیه نفوس  
 نواب چشمه الدوله را بحکایتی خراسان و بکتوب بنای مقبول در نظامی بن پوش مبارک و بکوشنده حمال سبز و ابی  
 مخصوص منصب سردار است سرافراز فرمودند میرزا محمد قوام الدوله و وزیر خراسان بکوشنده حمال سبز و سرافراز  
 مرزبه امیر قوامی نابل کرد بد میرزا جعفرخان مشیر الدوله را بیکقبضه عسکرم صغیر فرین اعزاز فرمودند فوج خلعت  
 را بعد الحسین برادر مؤلف مرحوم فرمودند جناب میرزا فتحخان صاحب دیوان حکومت مفتخر آمد هنگام  
 مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحفه لایفه از جانب پلویون امپراطور فرانسه و  
 مخده امر بکاو ساردین و بلجیک برای حضور باهرالنور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عزت و وصول  
 یافت محمد و لیجان فاجاد بیکر بیک سابق استرآباد بمنصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید میرزا احمدخان  
 شیرخوم میرزا ایمنخان امیر کبیر بمنصب سرنچی سرافراز شد جناب فرخ خان امین الملک بوزارت حضور و مهر  
 داری شهر مبارک و زینت سفیدی و ریاست علم خلو و برقرار کرد بد میرزا علیخان و لد میرزا مصطفی خان افشار  
 بمنصب سرهنک سرافراز شد نظر عیالات و اتحاد دولین ایران و روس اعلم حضرت شایر اطورد و سر یکقبضه  
 شمشیر مرصع برای اعلم حضرت هاپون اهدا نمودند میرزا هدا بت الله شیر نضیر الملک بمنصب استیفای وظایف

مالک محروسه بر فرار کردید حاجی میرزا عبداللہ خان ولد مرحوم میرزا بنی خان امیر دیوان بمنصب استیفای دیوان  
اعلیٰ سرفراز شد اجماع و امتداد سہم نکر افراز دار الخلافہ باہرہ العارث سلطانہ و از آنجا تا تبریز مباحث  
نواب اغضا السلطنہ چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران بر پاسست عبدالرسول خان نوادہ مرحوم صدیق  
انتخاب شدند کہ در مدارس علم پارس مشغول تحصیل فنون مختلفہ <sup>شوند</sup> حسنعلی خان سرنہی نزال اجودان حضور  
ہابون بمنصب وزیر مختاری و ایچیکری مخصوص دولت علیہ ایران مامور باقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسی  
کردیدہ بخلعت ہابون سرفراز شد و حاجی حسنخان سرہنگ بنیابت اول و میرزا صادق خان بنیابت دوم و نظر آقا میرزا  
اول سفارت مزبورہ بر فرار کردیدند شاگردان نیز سپردہ بجناب حسنعلی خان و وزیر مختار ہستند میرزا عبدالرحیم  
بمنصب کارپردازی اول دولت علیہ منصوب و باقامت نقلین مامور کردیدہ باعطای بقطعہ نشان سرنہی و حامل دخلت  
ہابون سرفراز شد و میرزا عبدالوہاب خان بمنصب بنیابت اول کارپرداز خانہ نقلین بر فرار کردید نصر اللہ خان سرنہی بقطعہ  
نشان از درجنہ سہم سرنہی سرفراز شد حکومت کرمان از بنواب کورث میرزا و وزارت کرمان از امجد اسمعیل خان مقوض  
فرمودند جناب میرزا حسنخان (سپہسالار اعظم مرہو) بمنصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت ہابون سرفراز  
کردید و اجزای این سفارت را اینقرار است

(میرزا باخان سرنہی پیشکش اسفارت) (میرزا سلیمانخان سپہسالار مؤمن الملک و زہرا موخار جہ نایب اول) (میرزا حسن  
نایب دوم) (میرزا زماخان سیمت قنصول و زرائی مامور باقامت مصر) (میرزا مہدی مامور بکارپردازی از ذنہ الروم)  
(میرزا حسین بمنصب کارپردازی مامور باقامت طرابلس) (حاجی میرزا الدین بمنصب کارپردازی شام)

بچو خان سپہسالار حسنعلی خان و وزیر مختار سرہنگ فوج اول کرویس سرفراز شد نواب عماد الدولہ بقطعہ نشان  
امیر تومانی و حامل سرفراز کردید خوام الدولہ و وزیر خراسان نیز بقطعہ نشان امیر تومانی مفتخر کردید اللہ و پرنجا  
سرہنگ توچانہ بمنصب سرنہی سہم توچانہ بر فرار شد حسنعلی خان سرنہی افشار بقطعہ نشان دوم سرنہی و  
حاجیان نایب کشت محمد باقر خان سرہنگ فوج ششم بقطعہ نشان اول سرہنگ و حامل سفید مہا می شد علمدار خان  
سپہسالار خان سرنہی فوج گوران چون این اوقات اشرار آن سامان پدرش را غفلتہ قبیلہ رسانند و فانیان  
اورا گرفتند خود او بمنصب سرہنگ فوج مزبور بر فرار شد شاہزادہ احمد میرزا بکجکوف کلیایکان و خوانسار رفت  
حاجی حسنخان فلجاریوزارت فرورین منصوب کردید کاظمخان سرہنگ فوج ناصر تہ بمنصب سرنہی سرفراز کشتند  
حاجی علیلوی فراجداع را ہم بمعزای المہر و الکار فرمودہ مقرر شد پچاہ سوار رشید خوب ہم از اہلات فراجداع بکشد  
و ابوالمجد او باشند روز دوشنبہ شانزدہم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب گذشتہ مہر چہا تا بان برج حوث بجل محویل  
نمود سلام خاص محویل در کلاہ فرنگی و سلام عام نوروز در نالار تخت میرزا ثاقا افشار نواب الانصرہ الدولہ را بکجکوف  
دار الخلافہ سرفراز فرمودند چون موکب ہابون عازم سلطانہ است را باجم غیبشار دو معالی پاسست نشون منوقف  
دار الخلافہ و قورخانہ و حبیخانہ ناصر الملک شفیق فرمودند میرزا آذربایجان را امیرزا عبدالرحیم میرزا آقاسی  
والکار فرمودند روز دوشنبہ بیست و ہفتم شعبان نواب اشرف والا شاہنشاہزادہ افخم کامران میرزا دار نایب السلطنہ  
امیر کبیر و وزیر جنگ) بنیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سر بلند فرمودند حکمرانی فارس را بنواب جمال السلطنہ شفیق  
داشتند روز بیست و نہم شعبان موکب مسعود ہابون از مقر خلافت عظمی بعزم زیارت حضرت معصومہ سلام اللہ علیہا  
و شریف فرہانی بسلطانہ انہا حاضر فرمودہ بافتاب آمد محل نزول اردو معالی کردید جمعہ چہارم رمضان از بہادران

خیمار و کوهها بون حاجی میرزا محمد خان پیر مهام خارجه نایب ل و زار شامو خارجه بجهه انجام خدمات مفیره و  
 نشو به فرار داد هائیکه فیما بین ایلی کپر دولت علیه و لپای و لنت عثمانی در اسلامبول سمت تمام با فقه سمیت موز  
 مخصوصه مامور بغداد و مخلص کردید و میرزا علیخان (جناب امین الدوله) پسر معزی الیه بمنصب مشیر کبری وزارت امور  
 خارجه اعطای مواجبه سر بلند و بانفای مشارالیه روانه عراق عرب شد میرزا محمد صادق امین الدوله وزیر داخله  
 علف مزاج از منصب خدمت معاف شد نواب آقا فرهاد میرزای نایب الا یاله بنشان و حاجی علی میرزای نایب کردیدند  
 امان الله خان والی کردستان بنشان دویم سر نیی با حاجی بل آن سرافراز کردید شد چهارشنبه غم رمضان منزل عوض  
 سلطان مفروکب هاپون بود نواب حسام السلطنه بیکه بطلعه نشان مکنک الماس از درجه دویم امیر نوبانی و بیک  
 رشنه حاجی سبزوآبی و خلعت هاپون سرافراز کردیدند جناب فرخ خان امین الملک بلفبا امین الدوله مملکت و علاوه بر  
 مناصب سابقه مفروضه بودند که عراضه مطالب علما و شافراد کان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارک دار  
 و عزل و نصب حکام و لایات ممالک بحر و سرهم بمشاورت و صواب بدلائشان باشد روز پنجشنبه دهم رمضان موکب  
 هاپون وارد فرم کردید از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند میرزا زماخان کارپرداز مصر بنشان اول سرهنکه  
 سرافراز شد و محمد باقرخان ولد محمدخان امیر تومان نیز بنشان اول سرهنکه مفتخر گردید بیست و سیم مناصب  
 محلی نیز اول اجلاول موکب محلی بود امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب یضه الدوله بمنصب سرهنکه خابج از نوب  
 بفرز کردید مدرسه نظام نیز با اهتمام محمد صادق خان سرهنکه رونق کامل یافت امیرزاده ساسان میرزا  
 بمنصب سرهنکه نایل و بیکر بیکه نیز شد موکب هاپون از راه همدان شریف فرمای مستند شده سه روز  
 در آنجا توقف فرمودند و چون از عهده سالانه در انبوه بخت معمول ولایت بود که صاحبان املاک تصرف مالک  
 در ملک و مایملک خود چنانکه بایدند اشتمد حکم هاپون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموماً رها  
 نشود بعد نسیل مالک فاهر اموال مورد و مکشید خود باشند موکب محلی از مستند انحصار فرموده بساحت  
 کرم و نیز اول اجلاول فرمود و بعد از دور و روز توقف عازم سلطانیه شده روز دویم ذیحجه سلطانیه محکم ارتو  
 کیوان شکوه کشت نواب اعضدا السلطنه را بیدادش خدمت کشیدن سیم نکران نا سلطانیه بیکقطعه نشان  
 تمثال هاپون مکنک الماس و بیکهزار تومان انعام و بمنصب لقب و وزارت علوم منصوب و مملکت فرمودند سلام  
 عبدالحی در عمارت شرف انفاذ یافت و در انیسلام چهل هزار از عساکر نظام و غیر نظام حاضر بودند  
 فاسخان و وزیر مقیم دولت علیه متوقف سنت پترزبورغ بمنصب ایلی مخصوص وزیر مختاری سرافراز کردید  
 نواب احتشام الدوله خانلر میرزا بحکومت اصفهان و نواب عضد الدوله احمد میرزا بحکومت بر و جرد سرافراز شد  
 حکومت سنان را ضمیمه حکومت کرمانشهان نموده نواب عمار الدوله مرحت فرمودند والد مؤلف حاجی علیخان را  
 بلفب ضیاء الملک مملکت بحکومت ابالت عریضتا سرافراز داشتند حکومتها زندان و اسیر اباد را بنواب حاجی  
 کبورت میرزا ایلیخان ایل جلیل فاجا مرحت فرموده نواب معزی الیه را مملکت آرا نمودند و بیایب این ابالت  
 با میرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد محمد مهدیخان پسر جناب پسر سکار بمنصب کشیکباشکری  
 مفتخر کردید امیر صلاخان عبدالملک حکمران کپلان بلفب مجالدوله مملکت شد پاشا خان سرتیپ اول شجاع  
 الملک بلفب یافت نواب حشمت الدوله حکمران خراسان در سرخس با اجازه علیه طلعه جدید حکم و نیز آنکه عبارت  
 شمر بیست و نهمه هندسه بنا نموده و بقدر سه چهار هزار خانوار از ابلات داخله خراسان برای سکناي آن



قلعه معتین و چهار فوج کسرباز و پانصد سوار در آنجا ساخلو گذاشته محمد و لجان سردار خراسان را بر باستان آنجا  
 برقرار کردند (چین) فوئ حاکم کانتون به که اسپر نکلپسها بود در کلکته حقیقت دادن بسفرای انگلیس فرانسه و نیک  
 دینا در این مملکت و نیند بر فتن خانان چین ایشان را در حضور خود (ژاپن) جز بند بود که هو ما از برای و دو  
 سفاین ملل فرنگ بازن بود هنوز به بد پای نخت و رود نکردند امرهایا (اسپانیول) افتتاح راه آهن از  
 مادرید به ساراگوسا مبلغ مردم بجنگ باد و لث مرفش سرداری آذین در این جنگ سخت مابین فشن اسپانیا  
 و مرفش آنلان فشن اسپانیائی بواسطه امراض و بانی فتح فشن اسپانیا و شکست فشن مرفش در اوایل  
 زمستان هنگام منازعه اسپانیا با مرفش دولت انگلیس با اسپانیا شرط مینامد که بند نشان در راه بعد از فتح افتد  
 نگاهدارد که امضا عهدنامه صلح بشود (المان) نزل دولت اطرش از برز جنگ در اوایل این سال مابین ایند  
 و ایتالیا و فرانسه فرستادن اطرش بکینه فشن بر شینا حاک عثمانی ابتدای کدورت مابین دولت فرانسه  
 و اطرش و کلمات سخت ناپلئون امپراطور فرانسه بد و لث اطرش در اول ژانویه بتوسط سفر اطرش دولت اطرش  
 هینه جنگی در ایالات متضخ خود در ایتالیا مینامد کفکوی سخت مابین دولت اطرش و ایتالیا دولت روس از برای  
 رفع غلبه بد و لث فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنکره مینامد و قبول نمیشود دولت اطرش و بکتر اما نول پادشاه روس  
 را هلد میسند که بطور ختم هینه جنگی که دیده منفرد نماید و عساگر خود را مخرج کند و سه روز مهلت با و میدهد  
 دولت فرانسه از این هلد مینامد شده سردار از خود را بجایت ساردین بر جرات ایتالیا مامو میسازد شروع  
 منازعه مابین فرانسه و اطرش در مملکت ایتالیا کک بعضی ایالات کوچک ایتالیا بد و لث اطرش و بی طرفی بعضی  
 حضرت پاپ در این جنگ روس و پر و س هینه جنگی می بینند و مداخله در جنگ مینماید و لث انگلیس که بی  
 اثر شد نطق ناپلئون امپراطور فرانسه که مقصود از جنگ اتحاد و آزادی ایتالیا است حرکت ناپلئون از پار پش را  
 بهار بیست میدان جنگ و دو ایشان برین شهر ایتالیا و قبول کردن سرداری فرانسه ایتالیا را و بکتر اما نول  
 پادشاه ساردین بنیانش ناپلئون در این جنگ مقر است کسب بالدی در این جنگ حالت دارد شکست فشن  
 اطرش در آن تویی که از فرانسه آورده بودند و کلوله او هزار و ششصد ذرع مبرق سبب فتح شد جنگ  
 سخت چیا لاپنی سردار و بکتر اما نول در مرفش ماژاننا و شکست فشن اطرش بد سن فشن فرانسه در شاد  
 ژنرال ما کاهون در این جنگ بسپه هزار مفتول و هفت هزار اسپر چهار تویی دو برق در این جنگ نصیب فشن  
 فرانسه شد در همین جنگ ژنرال ما کاهون بمنصب مارشال و لقب ماژاننا بر قرار کرد بد و رود امپراطور  
 و بکتر اما نول بمیلان در اوایل تابستان شکست سردار اطرش میند شکست فشن اطرش از هر نقطه و دو امپراطور  
 اطرش وارد و خود در و دان نهمه جنگ پر و سر که دو بیت پناه هزار فشن حاضر میکند شکست فشن فشن فرانسه  
 و ایتالیا بد سن امپراطور اطرش جنگ سخت بزرگ در سلفین فشن امپراطور اطرش صد و هفتاد هزار فشن  
 ناپلئون فرانسه و پادشاه ساردین صد و چهل و پنجهزار و در کرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول  
 کشید و فشن فرانسه فتح کرد و سه برق و سه تویی شش هزار اسپر بد سن فشن فرانسه افتاد از عساگر  
 فرانسه در این جنگ پانزده هزار و از عساگر ساردین پنجهزار و پانصد نفر تلف شد ژنرال نیل سردار فشن فرانسه  
 بمنصب مارشال بر قرار شد فرستادن چند کشته جنگی نیمه و نیز اهالی المان از این فتوحات فرانسه چندان  
 مشغول نیستند شورش در مجارستان بر ضد دولت اطرش دولت پر و س انگلیس و روس را مینماید بگری مابین

۷  
 (ماچین) فشن دولت فرانسه  
 اسپانیا سواحل و خانم نول  
 مقصد شاه خود را نیز نصیب  
 کرد

فرانسه اطربش مطلبد شمار که فثون فرانسه اطربش ملاقات امیرطور فرانسه و امیرطور اطربش در و  
و کفکوی مصالحه عمده شرط مصالحه این بوده است که دولت اطربش حق سلطنتی که در ایالت لباردی ایتالیا  
با امیرطور فرانسه اگذار نماید و ناپلیون نیز سلطنت لباردی را بویکتز امانول پادشاه ساردین نفویض نماید  
مذک خاصه هالی فرانسه نخب این داشتند که با وجود فوجات پد در پی امیرطور فرانسه را چه بر این داشت  
مصالحه نماید خود امیرطور این عذر معذرت شدند که بواسطه حرارت هوا و امراض و بان و بعضه جهات  
من جمله شرکت کردن جمهور طلبیان ایتالیا با مادر این جنگ بود من خواستم امتدادی در این جنگ بدهم علاوه  
چون جمیع دول فرانسه در ابتدای جنگ بوجه غیر عادله با ما حرکت کردند و بعضه مضامین گفتند خواستم بعد از  
نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطربش بدو دعالت دولت بکر مصالحه بنام اضطراب و لث انکلیس  
مباد این مصالحه فوری فرانسه با اطربش سبب صانع ما بین فرانسه انکلیس کرد و پنجاه هزار عساکر فرانسه  
و ایان سردار متوقف ایتالیا خواهند بود صلح ما بین فرانسه و اطربش و ایتالیا (ساردین) در و دیک من  
عزاکت دیوال و نصب شکر بجای او بی پولی شد بدو در مملکت اطربش استقر اض سه کرد و نومان پول  
فوت و زهر بزرگ منبرج در نا بسنان بستن پیری فولد پیری در پرو سا از پسر ناپسا سلطنت فوت الکساندر  
منبرج در برکن فوت کال دیر جغرافدان معروف (انکلیس) مسافرت و بعهد دولت انکلیس را فطاع فرانسه  
مالت بتین پنجاب چهارم ایالت هند و سنان در این ایالت چهارم هند و سنان که پنجاب و دهلی در جزو  
شمرده میشود و چهارم کرد و رعیت انکلیس دارد عزال و زلای فوری نصب زلای بک و صداری کرد و  
شورش علجات در لندن منسوخ نمودن دولت انکلیس بنیسه سر بازان مقصر با اشتقاق تفار جوی با انا تو  
دینا مسافرت ما کلتن بقطب شمال و انکشاف دریای قطب و یقین بر فوت فرانکلن مساحت قطب که در سنان  
و دو بیست و شصت و پنج بقطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تا کون دولت انکلیس در جستجوی او  
اینوقت که یقین بر فوت او و همراهان او نمود فوت هلام مورخ و بر و بل مهندس اهالی جزیره کرفو با وجود  
دولت انکلیس و الحان آن جزیره بملکت خود دارد قبول نموده تبعیت یونان را اختیار کردند (ایتالیا) قبول  
اعلحضرت و بیکتر امانول سرداری فثون خود را در جنگ اطربش جمهور طلبیان ایتالیا کاری والدی با بر پاسد  
خود اختیار کردند ملکه پارم پسر خود را برداشته بسمت سوپس فرار میکنند و الی مدین نیز مملکت خود را گذاشته  
میآید و از جانب بیکتر امانول حاکم آنجا بتین میشود ایالت لشکان نیز جزء مملکت ساردین شد فوت پادشا  
نایل فرید پاندد و تیم در سن چهل و نه سالگی که مدتها مریض بود و جلوس پادشاه فرانسه ای دویم که  
خواهرها ملکه اطربش با درجه الة نکاح دارد استعفا کت دگا و و راز صداری و نصب کت داز که یکی از  
ناپلیون امیرطور فرانسه است و رود فتح امیر پادشاه و بیکتر امانول بشهر فلان نظلم پیر والی لشکان در در  
فرانسه قبول نکردن امیرطور ناپلیون نظلم او را اهالی ایتالیا عموماً سلطنت جیما حضرت پای و امانع اند  
ایالات ایتالیا سکه و بقرق ساردین و بیکتر امانول را قبول کرد ندا خارج نمودن پای ناپلیون و بیکتر امانول را از  
اعتشاش سخت در ایالت روم از واج شاهزاده خانم کلینلدا با پسر ناپلیون عمو زاده امیرطور فرانسه که  
نومان ایران دولت ساردین استقر اض نموده برای هتبه جنگ با اطربش احضار کت دگا و در صد اعط  
اعلحضرت و بیکتر امانول بیار پس و کفکود دستور العمل ناپلیون امیرطور فرانسه با او در او ابل چهار (پرو)

پادشاه

امیر اطور روس از شهر در شو شهر بر سیل آمده با نایب السلطنه پروسخا لوی خود ملاقات کرده عهد مخفی بین  
 دولین با کمال سختی منعقد میگردد (پرنوغان) فوت ملکه در تابستان (بشربک) تولد پسر از ولعهد این مملکت  
 موسو بکنت دهن گفتگو در مجلس شوری در استحکام بندران و دس روس) عهدنامه جدید دولت روس با  
 چین حبس تمام با چهار صد نفر از مرید هایدن پیرن یاد باسکه (سوی) فوت اسکاد پادشاه این مملکت جلوس شاری  
 پانزدهم ولد اکبر و در سن سی و سه سالگی (عثمانی) ابالات افلاق بغداد معاصرین کوزا را بر باست خود منیع کرد  
 مشارالیه عده میدهد که از رؤفان حکومت کند دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود در سر تابستان میشل  
 پسر میلتش بولایت منصوب و بر فرار شد فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق بجای او فانون جدید عثمانی  
 که حکم بقتل در حق مفسرین پولیتیک خواهد شد و بجای وطن آنها اقامت پیشو اول شخصی که بجای وطن رفت عمرایش  
 معروف است غزک فرس پادشاه صمد اعظم که مداخله در مخارج و در باره خواهد نماید و از وجه معنی که  
 سلطان ما خود میدارد میل دارد که در مجلس کفر این پارس که بجهت گفتگوی افلاق بغداد منعقد شده بود  
 ایلچی عثمانی ضراجه گفت که دولت عثمانی مؤمنان پرنس کوزا را بوالکری و ایالت میبناشد (فرانس) بعد از آن  
 پرنس ناپلیون عموزاده ناپلیون امیر اطور فرانسه با دختر پادشاه ایتالیا دو پست بیست هزار تومان فواجیه رحق  
 او برقرار میشود غزل پرنس ناپلیون از وزارت الخراب و نصیب شاسلوب لوباد دولت یکصد کرد و نومان پول ایران  
 از رعیت استقرض نمود همینکه ملک صمد دولت را در استقرض پذیرد و باضد کرد و وجه نقد بجهت دولت حاضر  
 شد در زمان خدایت امیر اطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایتالیا بود امیر اطور پرنس و جبهه ایشان بنیان سلطنت  
 مقرر و پرنس ژرژم عمومی اعلیحضرت ناپلیون بمبششار امیر اطور پرنس برقرار کرد بد جشن اهالی پاریس در مراجعت ناپلیون  
 امیر اطور از جنگ ایتالیا توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریا است در تولد گالدونی از مصر با  
 فرانسه باغواهی سه نفر انگلیسی اهالی بد و لنت شوریدند معاهده دو سنتی و تجارتی با این مامور پرنس پرنس  
 نزد امیر اطور فرانسه در آبهای معتمد پادشاه بلجیک بواسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد در بندر  
 بیاراپتس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات نموده در استحکام مودت دولین فرانسه و اطریش گفتگو می نمایند  
 آفریقا فوت مولو عبدالرحمن سلطان مرشد در سن هشتاد سالگی و بعد از سی و هفت سال سلطنت پرنس از این  
 سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مرقش را دارند جنگ داخله امریکای (انائونی) شورش سپاهها برده  
 در ابالت و ژرژینی که تفریباً بیست و پنج فرسخ ناپای نخت مسافت دارد اختلاف سخن مابین رجال دولت و کلاهی  
 ملک که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی بر ضد شورش سپاهها در ابالت سنت لوی رئیس جمهور مساعد  
 طرز است که آزادی برده ها را طالب نیستند (برزیل) مسافرت ششماهه امیر اطور بباخا مملکت برزیل (مکزیک)  
 ژاودژ رئیس جمهور تمام موقوفات کلیسا را ضبط میکند جنگ و اغتشاش سخت در داخله (بنکی دینای جنوبی)  
 خرابی شهر کیت بلند لزل سخت شورش در ونه ژواکلا و در شیل منازعه اهالی بلاتا و از تابستان

سنت اجمری

سند ۱۸۵۹ مسیحی

اسپا (ایران) موکبها بون در اول محرم در سلطانه اقامت دارد و در چهاردهم محرم بزم شریف فرمائی  
 آذربایجان انتهای فرموده روز پنجشنبه بیست و پنج و اردچین او جان شدند چراغعلیخان حاکم خنسه لقب بمرج  
 الملك مقرر کرد بد حسنعلیخان شاهسوک در سیستان خدمت کرده بود بکف قطع نشان دوسریندی و بگوشه

پرنس

حکایت

حاجاب سرخ و یکقبضه شمشیر براق طلا مفتخر کردید محمد صالح خان کردی بجهت که نیز سپستان شده بود بمنصب سرنیه و خلعت  
 هابون نایل شد جناب مشوق الممالک بکفطعه نشان نمثال هابون مکلان بالماس سرافراز شدند موکب هابون روز سیم  
 صفر شریف فرهای نیز بر کردید شب ششم صفر جشن ولادت هابون مفصلاً در هر جا که فرزند رضا فلجان ناظم  
 مدرسه دارالفنون بنیاد وزارت علوم برقرار کردید و علیقلیان پسر رضاقلیان (جناب محمدرالدوله) بمنصب سر  
 نکراف سرافراز شد و جعفرقلیان پسر بکر مغزی امیر بمنصب کتابداری مدرسه دارالفنون نایل گردید و مستعلیان  
 معیر الممالک باعطای یکقطعه نشان از مرئیه اول سرنیه و بکر شنه جابل مخصوص این رتبه سرافراز شد در طلائی حسب  
 الامر برای وضو مقدسه وضو علیه السلام عضد الممالک متولیا شایع تمام نموده نصب کرد سردار کل عساکر منصوبه بکفینه  
 شمشیر مرصع مفتخر کردید و میرزا احمد خان سرنیه اول توپخانه مبارکه بلفظ سعادت الممالک مخلص شد موکب اعلی  
 از نیز شریف فرهای مراغه کردید میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه بکفطعه نشان از مرئیه دوم سرنیه  
 و بکر شنه جابل سرخ سرافراز آمد مما تخانه محبزه وزارت در مشهد مقدس حسب احوال و وسعت و عظمت بنا شد میرزا  
 نصرالله لشکر نویسنده بمنصب لشکر نویسیا لشکری آذربایجان و خلعت هابون سرافراز شد روز دوم ربیع الاول کوه  
 هابون از مراغه هفت فرسوه از راه هشت روز شریف فرها کردید روز بیست دوم دار الخلافه باهره بمقدم  
 مبارک مرتب کردید نواب الاضره الدوله حکمران دار الخلافه بکفطعه نشان نمثال هابون مکلان بالماس و بکثوب  
 بنای همه نظامی و در کلابون نکر طلا سرافراز کردیدند مجلس شورای ولایتی برقرار و اجزای مجلس فرارذیل است  
 (نواب اغضا السلطنه وزیر علوم) (نواب الاضره الدوله حکمران دار الخلافه و عراق و ملا پروتو سرکار) (جناب  
 سپهسالار) (جناب آقای مشوق الممالک) (جناب معتمد الدوله علیقلیان جوان شیر و زیر علمیه) (جناب امین  
 الدوله) (جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (سپهبدان) (مشیر الدوله) (جناب ناصر الممالک وزیر تجارت  
 و صنایع) (جناب پسر الممالک) بکر شنه فئات معبر برای شهرت با سر هابون بجهت رفاهیتا هالی آنجا احداث  
 و اجرا کردید حسنینان سرنیه که چایخانه های ممالک محروسه سیرده باو میباشد بلفظ شهاب الممالک مخلص کردید  
 همدان بنسب علاوه بر دارالشورای ولایتی مصلحت خانه مرکب از جمعی جاه دانشمند مجرب و لایق بر پاست علیه  
 خان اعتماد الدوله برقرار شد که هر روزه در مصالح ملک و مزای مملکت گفتگو نمایند نواب والا فرهاد میرزا  
 نایب الایاله بکفطعه نشان پسر نیکی و بکر شنه جابل مخصوص آن سرافراز شدند محمود خان احتسای آقای سنی بلفظ  
 احتسای الممالک و خلعت هابون سرافراز شد میرزا علی اکبر اجداد بنای بلفظ خان و خلعت هابون نایل کردید میرزا غیاث الله  
 امین لشکر بکفطعه نشان از مرئیه اول امیر قومانده و بکر شنه جابل مخصوص آن سرافراز شد جناب محمود خان ناصر الممالک  
 وزیر تجارت و صنایع بکفطعه نشان نمثال هابون مکلان بالماس از مرئیه دوم مفتخر کردید پادشاهان پیشین خاصه  
 و این صوره بکفطعه نشان از مرئیه اول سرنیه و بکر شنه جابل زرد و فرسوه که در غیر نظام مخصوص آن مرئیه است نایل آمد  
 میرزا عبدالرحیم فلسفه با شایع بوانخانه مبارکه بمنصب مشوق کردید و یوان اعلا و خلعت هابون سرافراز شد مسیحو جان  
 داود خان سرنیه و مرید و شایع که سال سابق جاهل نشان نمثال هابون بجهت اعلم حضرت امیر اطور غنیه شده بود  
 در این ایام مراجعت کرده بکفطعه نشان اول فرانسوا و زلف از طرف اعلم حضرت امیر اطور معظم البجهت بنده آن حضرت  
 هابون هدیه آورد محمد باقر خان سرهنگ فوج ششم تبریزی نشان سرنیه سیم بکر شنه جابل فرسوه سفید نایل شد  
 محمد خان پسر فاسخان وزیر بخارا و لک علی مقیم بطرز بورغ بنیاد سفارت فرسوه برقرار کردید بنیاد این نای

شهر جدید سرخس برای نواب حشمه حکمران خراسان قمر مرصع و جبهه نوره بولک دوزن پوش مبارک و قوام الدوله  
 وزیر خراسان خرقه نوره ن پوش مبارک و محمد و لیجان سردار خراسان شمشیر کل مرصع و خلعت همايون و جعفر تلخا  
 سر نیاک مراغه لقب نصره الملك و شمشیر کل مرصع و خلعت همايون مرصع ارسال کردید و سایر بار باینصاف انواع  
 عطا با و مواهب سرفرازی یافتند جناب سپه سالار بکفطعه نشان اسپر نو بانی از مرثیه اول و بکر شنه جابل سبز  
 سرفراز شدند عبدالعلی خان پیشخدمت خاصه برادر مؤلف بقباله بیا الملك و خلعت همايون مفخر کردید جناب نزال  
 نلسن و وزیر مختار و ابلیح مخصوص و لثا انگلیس با نامه مهر علامه اعلم حضرت پادشاه انگلستان وارد دار الخلافه کردید  
 نواب شاهزاده احمد میرزا حاکم کلیایکان ملقب بمعین الدوله کردید میرزا محمد ابراهیم بدایع نکار که مشغول نکارش  
 و تابع این عهد همايون و مردی عالم و فاضل است بمنصب پناث اول و زانگه و خلعت همايون سرفراز کردید میرزا  
 اسد الله نوائی و لدر جو میرزا مهدی لاسکر بوسه منشی مخصوص نوائی و موخارجه بمنصب منشیگری اول وزارت  
 موخارجه اعطای بکفطعه نشان از درجه اول سرهنکه سرفراز شد هدرا اینسال با مرهايون در نقطه بسپاخو  
 از صفحہ ستمبران باغ و عمارت بسپاخو عالی و مفصل احداث و بنا شده موسو بسطنت آباد کردید حاجی خان سهرتپ  
 بکر شنه جابل سرخ و نشان سر نیاک دویم سرفراز شد عزیز خان سردار کل از اجزای شورای وزیرا کردید میرزا پوسف  
 خان کلپر دران مقیم حاجی نجان با عطای بکفطعه نشان سر نیاک سیم با جابل آن مفخر کردید چندین دست قشون  
 مغیر با صا جمنصبان در این ایام مامور خراسان کردیدند مستشار الملك خراسانی بر با سنده فخر خراسان نایب  
 الکهاپار خان حاکم دره جز مغزول و بهادر خان دره جزی که از همان سلسله استججای و منصوب کردید جو پنا  
 کارخانه ها کاشان ترغی و رونقی دارد علیقلینان ماکونی که سالهاست در مدرسه دار الفنون مشغول تحصیل  
 بوده برهنکه فوج قربان بر فراد شد زین العابدین خان حاکم کر و سن بکفطعه نشان سر نیاک و بکر شنه جابل مخصوص  
 این رتبه سرفراز کردید حاجی محمد خان حاجی الدوله بکفطعه نشان درجه اول سر نیاک و جابل مخصوص آن سرفراز شد  
 میرزا محمد علیخان نایب جواد بناشتی سپر مرحوم میرزا ابراهیم خان کارپرداز سابق بغداد بمنصب کارپردازی بنیدن  
 و بکفطعه نشان سرهنکه اول و بکر شنه جابل سفید مفخر کردید در این اوان چون ضیا الملك و اللؤلؤة محکو  
 عربستان مشغول بودند مؤلف پناث حکومت شو شتر را داشت عمارت اسب وانی که سابقا محقر بود اما  
 حسب الامر عالی و جدید رکال استحکام در اینجمله بنا نمودند نواب کن الدوله اردشیر میرزا بحکومت کلان مفخر  
 کردید و میرزا که مستوفی رشتی نیز وزارت بر فرار شد اعتماد الدوله عیسی خان والی بحکومت نایب و خلعت همايون  
 ماهی کشت بحال الدوله امیر ملاخانرا حکومت ولایت حشمه مرصع فرمودند کارخانه برای ساختن نشتک خاندار  
 در طهران حسب الامر بنا شده از ماه ذیقعد مقرر است ماهی یک هزار فیضه نشتک خاندار دنگی در کارخانه نر بوه بسازند  
 و نشتک جمیع افواج خاندار باشد عمل آرد و طساز می نیز تکمیل شده فرار شد بار و طها پیکه از سابق در قورخانه است  
 دوباره بسبب جدید بکونید حکومت مملکت لرستان را نیز ضمیم حکومت عربستان نموده جز حکمرانی ضیا الملك الدوله  
 مؤلف نمودند نواب جهانسوز میرزا سر نیاک افواج عرب و عجم بکفطعه نشان دویم سر نیاک با جابل مخصوص آن سرفراز کردید  
 میرزا بنر کمان بکار پردازی اول مامور اقامت بغداد کردید بکفطعه نشان اول دوله علی که مخصوص شخص سلطنت  
 است از طرف بندگان اعلم حضرت هابونی بجهت اعلم حضرت سلطان عثمانی و بکفطعه نشان شتر و خور شد مکل با  
 از درجه اول با جابل سبز برای جناب فواد پاشا ناظر امور خارجه بصحابت محبی خان اجوان حضور مبارک اهدا و  
 انقاد شد اسد الله خان معتمد الملك حاکم همدان مرحوم و محمد حسینیان سپر مرحوم را بحکومت همدان بر فراد فرمودند

جناب

جناب صوبدارون و وزیر فقیم دولت پروس با هدا یای نفیسه اعلم حضرت پادشاه پروس مجتهد حضور هما یون روزیانه  
 وارد دار الخلافه شد میرزا احمد خان نایب نارت امور خارجه بنیاد اول و زارت خارجه و نشان سوم سر تیپ و چهار  
 سرفراز کردید شاهزاده سیف الدوله سلطانه میرزا بمنصب جلیل سر تیپ اول و خلعت هما یون مفتخر شد حکومت  
 بر وجود و ضمیر حکمرانی اصفهان نموده بنواماحتشام الدوله مرصع فرمودند و نواب عضد الدوله را بحکومت ملا  
 توپیکان مامو فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان بلفی ایندیوانی و یکمبضه مرصع مفتخر کردید بکفطعه نشان  
 امیرنوبانی مکل بالماس با جمایل آن بافتخار غریزخان سردار کلان نفاذ آذربایجان فرمودند رستمخان و فرضه خان اب  
 بیکیان ابل شاهسون اردبیل و مشکین بواجب نشان و جمایل سر تیپ سیم نایل شدند میرزا ابوالقاسم معین الملک  
 پیشکار محاسبات آذربایجان بکفطعه نشان و جمایل سر تیپ اول سرفراز شد محمد اسمعیل خان وزیر کرمان  
 وکیل الملک ملقب آمد همدان بنسال نواب هشتم الدوله حکمران خراسان با مردولت برای ثنیه تراکم مرو شاه جگر  
 لشکر برو کشید و با قوام الدوله وزیر خراسان بدانصوب رفت بعد از محاربات و فتح بعضی فلاح و فرار تراکم مرو  
 کردند (چین) منازعه مابین چین و دول انگلیس فرا شده و از ده هزار فسون انگلیس سرداری امیرالهی و  
 ژنرال گران و یکدسته فسون فرانسس سرداری ژنرال منت در بهار اینسال شروع جنگ مینا بند و در همین  
 بین با عنهای پیک بعضی ایالات چین را قتل و غارت مینمودند و نا حوالی شانکای داندند فتح قلعه بیانک شد  
 قشون منقعه یورش بقلعه جات پهبو و بدست آوردن توپخانه زیاد فتح شهر تین سین که سبب صلح از همین  
 دار حرکت فسون منقعه سمب پیکن پای تخت شکست دادن سردار چینه که از طایفه نازار و موسو لبان کول  
 بو فتح پالی کا و در یکفر سنج پیکن شکست چهل هزار چینه در این نقطه فرار خان چین سمب مکدن و رود فسون منقعه  
 بجوالی پیکن مصالحه مابین دولت چین و دول فرانسس و انگلیس پیکن در این مصالحه تین سین مفتوح از برای تجارت  
 دول مزبور خواهد بود و از این تاریخ بعد دول فرانسس و انگلیس حق داشتن ایلچی در شهر پیکن خواهند داشت  
 خسارت جنگ کراف دول منقعه از چین ژنرال اکتا پیف مامور روس از پرنس گمک برادر خانان که سمت صدارت  
 داشت بعضی امیازات از برای دولت خود گرفت (ژاپن) قتل یک از منر چین سفارت انگلیس در کوز هفده نفر تین  
 السلطنه علم برده بدنا او را مجروح مینسازند امر پاد (اسپانول) منازعه سخت ایندولت با مرش سردار فسون  
 اسپانول اذنی است فتح شهر تینوان از شهر هامر مش بدست سردار مذکور ملاقات بنفایده سردار مذکور با بر  
 پادشاه مرش برای صلح حرکت فسون اسپانیا سمب آن در اضطراب اهالی مرش و عجله در صلح و قبول دای بست  
 کرد و تویمان ایران و قبول پذیرائی بکنفر ایلچی اسپانیا پائی در فری پائی تحت مرش مننه و شورش اشخاصیکه طالب سلطنه  
 دن کارلس که یکی از بنی اعمام ملکه است میناشند جلس بعضی از معارف که باطنا بادن کارلس مراده داشتند مجبور  
 پنجفر از کشیشهای پرستانه که صد درواج این مذهبند اسپانول هستند مسافرت ملکه بالات شرعی افتتاح راه  
 آهن از اولاد لید به بورنس طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد در سانبندن (المان) نایب السلطنه مرش را فتح  
 راه آهن سار بورن حضور بهم رسانند در مجلس جشنی که برای اینکار منعقد شده صراحت اظهار داشت که ملک المان  
 منفعا و غما را رضی بر این مینشوند که بقدر یک بند انگشت از دولت المان بصرف خارجی در آید ناپلئون امپراطور  
 بمملکت بادرفنه با نایب السلطنه پروس سلاطین با و پرو و ژنرال باد و ساکس و هانوز ملاقات مینماید و اظهار  
 دوستی میکند ملاقات امپراطور پروس و امپراطور روس و امپراطور آتریش بیکدیگر و ملاقات نایب السلطنه پروس

فتح طبرستان پهبو

ورود فسون فرانسس  
 شهر تینک چو که چهار صد  
 هزار جمعیت دار غارت  
 فونیک از عمارت پلانی  
 سلطنه راج

پادشاه انگلستان در اکس لا شایلا ایضا ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در ورسوا اظهار علاوت نمود  
پادشاه با ویرا و بیکر امانول و خشت پروس و از انجا که روس و فرانسه در نظر دارند در مجلس و کلاب بعضی تکالیف که راجع بقسود  
است نمایند و تمام این تکالیف قبول میشود ملاقات پادشاه با ویرا بعضی از سلاطین المان و کفنگوی اتحاد در میان  
آوردن ملاقات امیر اطوار اطریش با پاپ السلطنه پروس و خشت اهالی المان از دولت فرانسه و ندارد جنگ دیدن آنها  
مابین دولت اطریش با ویرا افتتاح راه آهن از وین پایتخت اطریش بمونیخ پایتخت با ویرا انگلیس انجام ایلی  
انگلیس کردی که مامور در ویرا فرانسه بود و سنی با دولت فرانسه مکوم داشتن بعضی اسرار دولتی بلکه یکف  
اوانها رید و لک مشهور خود بود محض و سنی با دولت فرانسه اخصا اولندن و جواب دادن در مجلس و کلابه لودر نماید  
که او متمم ساخته بود و مجرب نمودن لودر نماید و مجید و معاودت بد دولت فرانسه نمودن بهمان سمت سفارت هفتاد هزار  
نفر و اول حاضر خدمت دولت انگلیس میشود اخراج توچه بد و وزن در مملکت انگلیس موسویه و بیت فرانس  
دید پادشاه انگلستان و اولیان جلد بردار یکی از باغات لندن از این حاضر شدند و اولیان و گفتگوها در مجلس شد  
استشمام کردت مابین لنین انگلیس و فرانسه میشود اهالی منجیر نفاذ دولت انگلیس با فرانسه صلاح نمیدانند  
مسافرت بعد انگلیس بحر سفید و مراجعت نمودن با انگلیس و مجدد در ظرف هفت سال سفر کردن بکانادای سنی  
و اناوینی مالبات مشین به نینا کو و نمک در هندوستان سفر اول کشته بزرگ معروف بر بنیر اعظم از سوت هافمن  
میدر انگلیس به پورک سنی در بنا درناستان ( ایتالیا ) مسپوگا و در عدد اعظم و کلابی ملت پین و لیاردی  
در یک مجلس جمع میناید بجای دم با پاپ عتقی اند و استقلال جسمنا و ااطالیا اهالی نیکان تبعیت پادشاه ایتالیا را  
طالب اند حکومت پرنس گاری نیان اقوام پادشاه با یالت نیکان اغنشا در مملکت ناپل لغت نمودن حضرت پاپ ششم  
را که در صد کردن مملکت دوم از اهنسند گاری بالدی از اعظم و بیکر امانول بواسطه واگداشتن بنیر ساوینر  
و چند ورود پادشاه سار دین به فلان در بهار ثزال لامر سیراز سر باران فرانسه که در جلوس اعظم ناپلیون  
سلطنت مملکت فرانسه اخراج بلبل شده بود قبول سرداری عساکر پاپ یا میکند پادشاه ناپل و بیکر امانول را متمم بر این  
مبسا زد که گاری بالدی بجزیک و بنای اغنشا در سرحد مملکت ناپل گذاشته پادشاه ناپل از دولت فرنگ طلب غلبت و  
حایت میکند و لاضطر از ابو سطا دولت فرانسه قبول تبعیت بیکر امانول را میناید و رنگ برق این پادشاه قبول نموده  
بالای عارت سلطنت ناپل برق سرتیک و بیکر امانول اغنشا شد تمهید نمودن عساکر ایتالیا حضرت پاپ که گفتو  
ملل خارجه از دم اخراج نماید گاری بالدی اعلان میکند مادامیکه پادشاه ایتالیا در عارت کری نال که یک از عارت  
حضرت پاپ است در شهر دم جلوس نماید و عقد مطالب مسائلی که راجع بانحاد مملکت ایتالیا است نخواهد شد  
و از اینکلام چنین معلوم میشود که گاری بالدی مل بصرق رم دارد و از هیچ چیز بنا نیست مگر از سلطنت جسمانی پاپ  
و الحاق مملکت فرانسه فرسارن در فوج جلد پان مملکت فرانسه بجز حفظ حضرت پاپ درم بخش دولت فرانسه  
اینکلمات و احضا سفر که در ایتالیا داشت پناه حسین پادشاه ناپل در شهر گانت مغلوب شدن عساکر پاپ  
سیرا و ثزال لامر سیرا در فرانسه و اسیر شدن ثزال مزبور بدست سردار ایتالیا یکی از جنکهای پاپ و ناپل  
ناپل شخص با بنسب هزار مرد با گاری بالدی جنگید سفرای دولت خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در کما  
گذاشته در دم نزد ماد پادشاه رفتند و رود فخر آمیز و بیکر امانول بشهر ناپل پادشاه ناپل بجمع سلاطین  
فرنگ اظهار نظم میناید ولیکن این نظم بیفایده میشود محاصره شهر گانت بوسط چال دینی سردار ایتالیا ورود

نیر ستادا

گاری

علیسویان

کاری بالدی و فثون داوطلبی که مطیع او بودند بسبب حرکت گاری بالدی بیعت نایل فثون فرستادن فرانس در روم  
بجمله حضرت پاپی احضار دولت و درین ایلی خود را از ایتالیا (بلژیک) رضایت مردم از پادشاه خود و عهد جلوس او را  
کال شکوه برپا داشتند (دائمارک) جمعیت این مملکت در این سال سه کمر و رو صد و پنجاه نفر است (روم) افتنا  
راه آهن از پطریه دو نابورک هفتصد هزار دینار فوٹ مادر امپراطور روس در سن شصت و دو سال که دولت روس  
پنجاه هزار فثون بسا حل پر و ت سرج عثمانی روانه میکند عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال مینماید دولت  
فرانس دولت عثمانی را تهدید میکند که فواین جلده در رفاهیت بعه خود ایجاد سازد (سود و زوج) جلوس شارل پاد  
سلطنت (عثمانی) انعقاد مجلس بریاست محمد پاشا صدراعظم بجهت فرار داد لایحه که عیسویان بعه عثمانی در رفاهیت  
و آسودگی باشند در کوه لبنان شام منازعه سخت مابین طایفه در و ز و مار و بنف در روزها که مسلمان هستند دها  
مار و پنجاه که عیسوی هستند ملبس و ناسند و اهالی را قتل مینمایند و فثون دولت نیز در این عمل متنبع با آنها شریک  
در صعد او بیروت و دمشق و در الفهرست عیسویها و غارت سخن واقع میشود نسبت بقتسولهای دول فرنگ نیز  
بی احترامی سخت واردی آید در شهر دمشق مدتی پنجاه روز منوالا مسلمانانها هر کجا عیسویان را کبری و درند بقتل میرسانند  
حتی فثون هلاک مغول و فثون لیکه دنیا مجروح کردید فثون دولت عثمانی غایب نکرده بلکه کل مینمایند امیر عبدالقادر  
الجزیری که در دمشق سکنت داشت جمعی از عیسویان را از قتل بجات داده در تحت حمایت خود نگاه میدارد اعلم حضرت  
سلطان محض شنیدن این اخبار و زهر امور خارج خود فواد پاشا را مامود دمشق مینماید دولت فرانسه جلد در صدد  
تحمیل این عمل است و دول فرنگ با بلخود شریک مینماید و در دولت پاشا در بیروت و حلب جمعی از اشراف قتل بعض  
از آنها علی الخصوص خورد شهید پاشا و الی شام که منتهی با بیغالت محبوس میشود بعضی از سردارهای بزرگ معتبر که نفر  
هفتاد نفر میشدند بکام فواد پاشا بیاست میرسد و در عساکر فرانس از راه دریا به بیروت مامودین دول فرنگ  
از برای تحمیل این مقدمه در تمام ایالت شام کرد نش میکنند بالاخره بعد از تئیسبه شرار خسار تنگه بطایفه مار و بنف وارد  
آمد است علی النجین بیشتر کرد و تومان ایران مقرر میدارند که چهار کمر و دولت عثمانی از خزانه و دو کمر و طایفه در  
بد هند از سی هزار نفر در روز که مرگ بکین لعمال شیعه شدند هزار و دو پست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند این  
مبلغ را این هزار و دو پست نفر باید بدهند شورش در ایالت البانی قتل والی مننگر و دایمل نصیب در زاده او در سن  
نوزده سالگی بجای او فوٹ والی سرجه میلش و ولایت پسرش متبیل بجای او ایجاد فوٹون در مملکت تونس افتتاح  
راه آهن فثون کسوف ششمین بانیام در هجدهم ژولیه اوایل تابستان که عثمانیها انفراد لیل شوی دانستند (فرانس)  
استقامت مسیو و الفسکه از وزارت خارجه نصیب فوٹون که سابقا در اسلامبول سفیر کبر بود بجای او و در آخر  
فثون فرانس پاریس از ایتالیا با فثون مارشال و ایان فوٹ کران دو شش استغالی از اقوام مادر ناپلیون امپراطور  
فرانس که دختر خوانده ناپلیون اول بود فوٹ پسر نیز روم برادر ناپلیون اول و عموی ناپلیون ستم در سن هفتاد و  
شش سالگی مسافر امپراطور به بنس و ساوا و به کرس و به الجزایر ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور ایجاد فوٹون  
ملح در الجزایر که هم ملت اسلام الجزایر مطیع آن فوٹون هستند و هم عیسویان در سینگا که پادشاه ایجاد بدست  
برادر زاده کان خود مقبول میشود و پسر آن پادشاه منصوب شده فوٹون پد را بد کس آورد و نیز امیر بسان در قتل  
و این اعنتش از شوکت و افتد از فرانس در آسمت نمیکند فوٹون خواهر امپراطور پس دو شش و الب عهد نامه تجارتی  
بابرمان فوٹون در مایهین موقوف داشتن نکرده عبور مابین انگلیس و فرانسه صانع و مداخل شهر پاریس

بنهائی



بنهائی در این سال بسینه کرد و سصد هزار تومان ابرانت افریقا اغتاش با خلد در آن جشن مابین نفوسه  
 بادشاه واقعی و نادرس شخص اچیه که داعیه سلطنت دارد و دود و سیل نام از صاحبین باجوری نرافت با خانه  
 صحیح و ما از مر جفت کردن ابر پیکا ( اناوون ) و دو سفیر تاین بواشنگ بن نصیب ابراهیم لیکن بر پاشه  
 و عرب بوکانان که مدت ریاست او بانهار سیده بود و رئیس جمعی نازه از آره غلامان را طالب است بعضی ایا که غلاما  
 سیاداشند از انتخاب بئس نازه خوشحالی ندارند و طالب این هستند که از جر که منته اناوونی خود را خارج کنند  
 از ایالاتی که ابتدا سوا شدند و مجد بر این هستند که نکا هداشتر غلام از واجباشند که این جنوسب اهالی این ایالت  
 بعضی از اهلی که مخصوص دولت بواز جیه خان و چا پارخانه و قورخانه و کرکخانه منصرف شدند و بنای شورش کباشند  
 (یکی دینای جنوبی) سلطنت یکی از بقعه فرانسین توان نام در پالک و کانی که خود را بان توان اول موسوم  
 کرده بود

سده ۷۷۲ هجری

سده هجری

آسیا ( ایران ) این سال نغز به خوانی دولتی در تکه مبارکه بنا و دانست حاجی جعیلیان سرهنگ توپخانه  
 لیرفضان آقا بمنصب سر نیلپ هم توپخانه سرافراز شد حسب الامر نواب ملک آرا حکمران مازندران و استرآباد یا  
 بعضی نشو استرآباد در آنکه دان را بنیله سخن نمود سیده برای کاشانی سرهنگ فوج کو هیا به ججه انتظام قلعه ناصری  
 حفظ و حراست سرخرها مو آن سامان شده که در دایره محمد و لیجان سردار حاکم سرخر مشغول خدمت باشند  
 رسید که کامل بر ابر ملهوفین و منظرین روزها یکشنبه را ذات ملکوفی صفات مقدس فرار دادند سفر و خضر آد  
 جائی مخصوص بد بوان مظالم بغیر نفیس هم بون جلو فرماید و بار عام ببارضین از هر صنف ملت دهند در موقع  
 جشن مولودها بون سلام عام در قصر بنا و دان منعقد کردید در اطباعه دولتی و طبع و زناجات را بمرزا  
 ابوالحسن خان نقاشی غفاری که در این صنعت بکانه زمانه نشو بعضی فرمودند و روزنامه دولتی مصوب شد  
 صفر علیخان سر نیلپ سواره اینانلور نیز با هفتصد نفر سواره ابواجیمی خود و یکماده توپ نچو اهی بجهت عساکر اردو  
 مراد و الخلافة عبیر دو مشا را لیه سر نیلپ اول سواره و خلعت هم بون سرافراز کردید عبد القلیان معین الدوله بیک  
 قطعه نشان شمال هم بون مقرر شد شاهزاده جلال الدین میرزا بمنصب اجودانی مخصوص و خصوص مبارک سرافراز کردید  
 کارخانه چاشنی ساز نماز و طرفه برای توپ بوسط مسبور و س در دار الخلافة ایجاد و ساختند نواب خسته الدوله  
 و قوام الدوله را از خراسان اخضا و نواب حسام السلطنه را حکمرانی خراسان مامور فرمودند و محمد ناصر خان ایشیک  
 آقاسی باشی را بلفظ ظاهر الدوله ملقب و بیست پیشکار و سرداری خراسان مقرر فرمودند و محمد ابراهیم خان ولد جناب  
 ظاهر الدوله را بنای اول ایشیک آقاسی باشی دادند نواب مؤید الدوله حکمرانی فارس منصوب کردید محمد ابراهیم خان  
 اول افواج حنیف مظفر الدوله سرافراز شد نواب کبوتر حکمران کرمان ملقب بمعید الدوله کردید بنای و تعمیرات  
 کلبه از وجود دولت در اماکن مشرفه کربلا معلی بوسط جناب شیخ عبدالحسین مجتهد شد میرزا غفار خان

رفیق شش خان  
سپاه اعلا

دو بخارجه

دلفنای

صدیق الملک ناباکل و زار بخارجه بمنصب در بخاری و ابلیجی مخصوص مامور اقامت سلف بطرز بورع کردید بیکفرضه  
 شمشیر مرصع خلعت هم بون نابل کشت و میرزا جواد خان ولد مشا را لیه مامور رسیدگی امور بخارجه که محول بصدوق  
 الملک بود شد جناب میرزا محمد حسین دیر الملک بیکفرضه نشان شمال هم بون مکال بالاس مقرر کردید بچی خان اجودان  
 مخصوص که از اسلامو مر جفت نموده از جناب اعلم حضرت سلطان عثمانی نشان از درجه اول مجیدیه برای شاهزادگان

وامنای اید و لکن علیّه ابلاغ نمود نو اباعرضا السلطنه وزیر علوم در ازای خدمت کشیدن بسم نلکراف الی غیرین با عطا یکتوی  
 خرفندی ن پونش مبارک و یکقبضه قه مرصع مفر کرد بد علیقلخان رئیس کل نلکرافخانه مالک محروسه و نایب و قلم  
 وزیر علوم بنشان و جمایل سرهنکه از درجه اول و خلعت هماهون سرفراز شد و الذم مؤلف ضیاء الملک حکمران عربستان و  
 ارستان با عطا یکتبغه نشان و بکر شنه جمایل امیرنومانی و بکتوب کلچیر فرمیزن پوش مباحی کو پدید روز هشتم رمضان و  
 آفتاب برج حوث مجل محویل نمود حضرت اشرف امجد شاه هشتا هزاره و الا سلطان مسعود میرزا ابلق بن الدوله  
 ملقب بجمکرانی ابالت مازندران استرآباد منصوب فرمودند عین الملک خواستار بکفطعه نشان تمثال هماهون مفر کرد  
 میرزا کر شوی بمصبت مستو کری دیوان اعلی و وزارت خسته سرفراز شد و دستعلی خان معین الملک بکفطعه نشان  
 تمثال هماهون قرین مفاخرت آمد میرزا ابوالقاسم معین الملک بمنصب لشکر نوپسباشیکری برقرار کرد بد محض منع و رفع  
 سپل از دار الخلافه طهران مفر شد در بالای شهر سید به بندند که مانع سپل باشند میرزا مصطفی خان افشار بوزار  
 مازندران و استرآباد برقرار کرد دید امان الله خان والی سابق کردستان مجد ابابالت کردستان و یکقبضه نشان  
 تمثال هماهون سرفراز کردید حسینیان شهاب الملک بمنصب ری تپی اول و یکقبضه قه دسنه مرصع مفر آمد  
 حضرت اشرف امجد اعظم و الا شاه هشتا هزاره کامکار مظفر الدین میرزا ابابالت از ری باچان منصوب و عزیر خان سرفراز  
 کل به پیشکار حضرت معظم الیه برقرار شد حضرت اشرف امجد الفخم شاه هشتا هزاره و الا نایب السلطنه را بجمکران داد  
 الخلافه باهره مامو فرمودند حسین الامیر سیم نلکراف از شهر دار الخلافه شهمان کشیدند و وزارت تجارت و صنایع و  
 راعلاوه و وزارت علوم و سایر مشاغل نفو بضر بنواب اعرضا السلطنه فرمودند موکب هماهون در اینسال بطرف  
 دماوند سیلا فلیشه فرمود (چین) بعد از فرار از یکین هنوز خاقان وارد پایتخت نشده است نفو بضر وزارت  
 برینس کنگ برادر خاقان و رود سفری کبار فرانسه انگلیس به یکین در بها و انکلیسها در صد این هستند که از ثبت دهم  
 چند باز کنند لیکن آنها ببقاید میشوند فتوحات فتون دولتی در بعضی نقاط که با آنها بودند مخصوصه ریالت بچلی شوی  
 و با عنکری ریالت جنوب چین زیاد است در حوالی ثبت مخصوص فوت خاقان در شهر ژهل جلوس سپر هفت ساله او بجز  
 سلطنه چین بجهت طفولت خاقان هشت نفر از اعیان و معینین چین متفقا سلطنت چین میکنند برینس کنگ اگر چه  
 جزو این هشت نفر نیست و مادر خاقان جلبدار و اسمیت مستشاری خود اختیار نموده باز احوال او در امور آن  
 سندا است (زاین) قتل بکفر از هلاندی که مترجم و واسطه انعقاد مصالحه با این دولت و این وینکی دنا و انکلیس بر  
 بود بدست بعضی از اشرا در بد بعضی اشرا در صد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند امر پایا (اسپانیول) فوت دوز  
 از اولاد و نکا و کس در ملت گرو فوت زوجه اش بلا فاصله فوت یکی از صبا یای ملکه در طفولت و درود سفر کبر متر  
 بمادر پد پایتخت این سفیر برادر سلطان مرفش بود و در رئیس سابق مکن بک میرا من بمادر پد افشاح راه اهر  
 از مادر پد با سکو دبال (المان) فوت پادشاه پروس فریدریشیم چهارم در سن شصت و پنج سالگی در زمستان جلوس  
 برادر او و یکم اول بعضی از وکلای ملت پروس در صد اتحاد ممالک المان و سلطنت بک امپراطور در المان هستند  
 بجهت از اهل المان باشد یکی از طالبان که طالب اتحاد المان بود در مملکت بادطیانچه بیادشاه پروس خالی میکند  
 چون کلوله بیادشاه بنحوی در عدالتخانه حکم به بیست سال حبس و صادر میکند نا جلداری پادشاه پروس در شهر  
 کیتز برک اهلالی مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطربش ناج سلطنت مجار در بر سر گذاشته بالفا بخوابد  
 مجارستان را الحاق نماید و آن نام از اهلالی مجار رضی بر این نیست که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس

(ماچین)  
 جنگ فتون فرانسه با عنکرافت  
 آتام فتون بعضی از نقاط مملکت  
 از اولاد و نکا و کس در ملت گرو فوت  
 آتام علی الخصوص سینه فتون  
 عدل فتون فرانسه و اسپانیول  
 در این نقطه بدست فرسیدند  
 است که به هوه پایتخت بود  
 برینس

نمایند شورشی در پراگ افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار مجلس پارلمنت المان یا قصد و بیست عراده توپ بقیه  
 یازده کمر فلان ابداع نموده که از برای حد و تغیر مملکت المان لازم میدانند فسون المان بر و هم صلح و پنجاه و دو  
 هزار خواهد بود فرستادن ایلی از طرف پادشاه پروین با بران مقصود از فرستادن این ایلی علاوه بر بعضی مامورین  
 رسمی تحقیقا بعضی مسائل علمی است (انگلینس) بی ثباتی و بی پایداری علم جرات کارخانه هارسیمان رسی که بواسطه بنامند  
 پینر ازینکی دنیا در تعطیل و بی اجرت مانده اند روزنامه ها انگلیسین بعضی طرفدار رینجین جیوه و بعضی بر ضد او  
 هستند هینه بدن انگلیسین از برای جنگ بحری فوت پرینس البرت شوهر پادشاه انگلستان بغداد نفوسی که در این  
 سال شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کرد و روسی بکهنر او و صد و شصت و چهار نفر است ایجاد  
 نشان موسو سواره هندان را چه ها هند بکسیکه این نشان داده شد نظام جدید آباد مهر چه کو الی مهر چه کس  
 نواب رامپو کشتکوی سخت در پالم سن در مجلس و کلا بر ضد دولت اسپانیا که حزب و فر و مت غلام و کنیز از در کوبا  
 منع نکرده است و دولت انگلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایطالیا را بویکترا مانول پادشاه پین داده بودند می  
 شناسد اضطراب در مملکت انگلیس که مبادا جزیره ساردین را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد (ایطالیا)  
 حکومت پرینس گاری بنان از اقوام سلطنت در ناپل بوزارت بنگر اقصا تصرف گاری بالدی مازنه و نیز با محاصره گانت  
 که پادشاه ناپل را و بود بیوسط امپراطور فرانسه مدت شش روز بقویق افتاد چون پادشاه ناپل از آن شهر خارج  
 نشد و تسلیم نکرد بدینجا بعد از شش روز نزال چپال دینی حکم بپورش داد سقا بن جنگ فرانسه که در سمت در باجا  
 و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین نمودن او به بضای دولت فرانسه شراع کشیده رفتند امیرال پیرسان امیر  
 بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی ایطالیا از سمت در با ننگ گانت را محاصره نمودند شهر گانت بعد از نوره روز مقاومت  
 تسلیم شد فسونیکه در این شهر بود و مرکب از یازده هزار نفر تسلیم کرد بدیند قطع مسین که یکی از فراع مستحکم بود نیز  
 تسلیم شد و این آخر فلع بود از فراع پادشاه ناپل که بصرف سرداران ایطالیا درآمد اول دولت که قطع مرادده  
 با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود نفین و اغتشاش سخت در ناپل و بعضی ایالات مفوضه گاری بلدی که بحری بر  
 کار گرفته بود و میل بخلاف کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا را به بحقوق نسبت خود منم میسازد فوت مسیو و  
 صد اعظم در نا نشان بعد از فوت کاو و ربارن دیکار که از مغارف و متولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود  
 افتتاح راه آهن از میلان به پیزا افس طبعان کوه آتشفشان و زود را و ابل پاییز بر نوغال) فوت پادشاه در سن  
 بیست و چهار سالگی جلوس برادرش لوی اول بجای او (بلتریک) ملاقات پادشاه بلتریک با پادشاه هلاندر بلتر  
 اهالی بلتریک در شناختن دولت و بکتر اما نول را بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند (دانمارک) دولت بطیجی چه راضی  
 نیست قانون مملکت المان در اسلیشویک و هلینن چنانکه اهالی المان سابق بر این هستند رواج بگرد دولت فرانسه  
 انگلیس و روسید و لک دانمارک تکلیف میکنند که با اهالی پالین مهربانی کند (روس) انقلاب اغتشاش سختی در  
 ورسو لهستان حکمران لهستان پیشل که چاکف عاجز از نظم مملکت است تغییر اعلی حضرت امپراطور نسبت با اهالی ورسو  
 لهستان فرستادن فسون بجهت نظم لهستان در ورسو منازعه رعیت با فسون دولتی و قتل معدود از طرفین  
 فسون مامور شو بهشتا و پنجاه ارد سید و مخارج این فسون را مدت توقف مجبوراً اهالی ورسو باید منقبیل  
 بشوند مختصر شورشی در پالت فزان فوت پیشل که چاکف حاکم ورسو و نصبت نزال سوخوزانت بجای او مجلس  
 هزار و شصت و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان بعضی را بسپری

و بعضی را

و بعضی را بقلع دیکر محبس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو به ولادیمیر (عثمانی) انقلاب و اغتشاش سختی  
در ایالت هرزکوپن بک هاالی قرا داغ آنها را تهدید عمر پاشا سردار عثمانی باغیان را منازعه مابین اهالی قرا داغ و  
عثمانی در کنار دریاچه اسکوناری در سر زمین شورس مردم بدولت بواسطه سکندادن طایفه ناچار فرم در بلغارستان  
که نزدیک باقی است طالت تونس سید صادق ایجاد قانون جدید که در مملکت نمودن جمله جز بکرن در حرم خود نخواهد  
داشت مامورین دولت فرنگ در بیرون بندر شام اجاع کرده بودند و سعید بیک رئیس طایفه در روزی که مجلس نموده بودند  
در مجلس دگر بفرمان بعد از این یک حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت داد و افتد که از عیسویان کاتولیک  
مذهبت به پیمان قوت سلطان عبدالمجید در سن سی و هشت سالگی و جلوس سلطان عبدالحزین برادرش بجای او  
وزارت خارجه فواد پاشا صدراعظم عالی پاشا وزارت علیه کابمیل پاشا در مصر رئیس سر بازار باجوب مؤتوف کردید طغیان آب  
پند و خراب نمودن اغلب ایالات را (فرانس) حکم ناپلیون که بک ستر از قشون فرانسه بجهت حفظ پایتخت پاریس  
در شهر رم مؤتوف باشد نصیب مسعود مرتبه بر پاست مجلس با ولنت فرانسه شناختن ناپلیون امپراطور فرانسه بکرامت  
و سلطنت ایتالیا معاهد بخارند بابلر یک بواسطه عمل بنامد حاصل بقصد کفایت مملکت فرانسه اینباع حیوانات  
از خارج میناید و رود سفرای پیام بفرانسه و پذیرفتن امپراطور آنها را در عمارت فونتن بلنقر بنیاد و هشت سال  
بود که ایلچی پیام بملکت فرانسه بنامده بود فوق مارشال سبکه در سن پنجاه سالگی فوت اسکریپت شاعر معروف  
تقداد نفوس در این سال شصت و چهار کرد و در سپصد و هشتاد و دو هزار و دو سبت و بیست و پنج نفر که از این  
عده شصت و شصت و نه هزار و پنجاه و نه نفر اهالی بلس و ساوا هستند که ناز و الحاق بملکت فرانسه شده است  
جمعیت پارسی بنهای سر کرد و رسد و شصت و هفت هزار و چهل و یک نفر است انعقاد مجلس کفر انسن در پاریس  
مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ عیسویان شامات مدتی هم باید در شام مؤتوف کنند (یونان)  
شورش بعضی از صاحب منصبان نظامی بک از طلا و قصد قتل ملکه نمود در زمانیکه پادشاه بالمان سفر کرده بود  
اهالی که قوی و جزایر یونان مایل بملحق شدن یونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع سخت خود نمودند  
نمودند آفریقا تادرس باغی در حبشه نفوس پادشاه جوانز امقتول و خود بجای او سلطنت حبشه جلوس  
کرد فوت ملکه خود بخوار جزیره ماداکس کار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس شیرش باگت که براماداماد و م مؤتوف  
کرد که دو سن فرانسه ها و عیسویها بود در مر قش پایشان ژر سید محمد الحنفی که از طرف پادشاه مر قش مامور  
بمراوده بادول عیسوی مذ هب بود و با فرانسه ها در سن هزار و هشتصد و پنجاه یک عیسوی مطابق هزار و دو سبت  
و شصت و هشت هجری علاوه و زید و در سن هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دو سبت و هفتاد  
هفت هجری اسپانیو مغز و شد امریکا (انائونی) هفده ایالات انائونی که جمعیت ایشان بر روی هم  
سی و هفت کرد و پیشد و از این سی هفت کرد و هشت کرد و غلام و کنیز سیبا بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس  
جدید انائونی که باید غلام و کنیزها از آزاد باشند در مملکت این هفت پالان از سایر ایالات خود را مجری کردند و بجا  
دولتی موقتی از برای خود بر پاست بک رئیس که مدت ریاست او شش سال باشد نمودند رئیس این هفده ایالت  
ژفرسن داو پس است که از سردارهای با علم عبرت انائونی میباشد در سن ناز و انائونی که ابراهیم لشکر باشد  
بعضی از معاندین در شهر ماربلان همچو اسند بقبل رسانند ایالات انائونی دو سبت شد جنوبی و شمالی  
جنوبی آنها که میل بر بند که غلام و کنیز دارند شمالی آنها بکه میل بازادی غلام و کنیز دارند هفتاد و پنجاه

فشون ابالا شمال از برای منازعه ایالات جنوبی می بینند (مکزیک) فراد رئیس سابقی میرا من بسمت هاوان  
 نصب و آرس بر با سطح و آرس رئیس نازه در موفوفات معابد و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیکی من  
 نخواه استغراضه از دول فرنگ داندند در پایدی تخت مکزیکی استرارد در صد قتل سفیر فرانسه و بعضی از اعیان  
 انگلیس هستند اخرج نمودن با کمال اجترامی سفیر اسپانیول را از مکزیکی چون در ملک مکزیکی جمعیت بیاری  
 بنوعه فرانسه و اسپانیول هستند اینجکات به ادا بانه مکزیکی سبب انعقاد عهدنامه لندن مابین دول فرانسه و  
 انگلیس اسپانیایا بر صند و مکزیکی کردید بدهند بدینجک نمودن فرانسه و انگلیس بوسیله سفیرای خود به آرس  
 و رود فشون اسپانیول بر داری شزال پیرین در واکر روز و تصرف شهر و قلعه سنت تانت

رئیس نازه

سنة الهجری ۱۲۷۱  
 سنة المسیحی ۱۸۶۱

آسیا (ایران) امسال در دهه عاشورا مختصر غریبه داری و ریلای شهر سنانک و در عشر دوم ماه صفر  
 در تکیه جدید البانی سلطنت آبا بمثل هر سال غریبه خوانی کردند نواب الافهاد میرزا با عطا ی نشان تمثال هاپون  
 ماهی و علفی بعین الدوله کردیدند میرزاها شخان محولیدار صرف جیب مبارک بلفی این خلوت مملکت کردید  
 روز عید مولود هاپونی در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد کردید نواب مؤیدالدوله حکمران فارس پل بسپا  
 معبری حکم برد کرد و دخانه سنوید در هشت فرسخی شهر شیراز کشیدند حاجی محمد شریف خان سر تپ بلفی مستش  
 لشکری سرافراز شد نواب احمد میرزای معین الدوله را بچکو منت و لایت استر آباد سرافراز فرمودند که در اطاعت  
 حضرت والا پین الدوله بوده باشد نواب حسام السلطنه حکمران ممرین و انشرا بر آکه را تئیب کردند میرزا سلطان  
 محمد خان بهنگا که چال خود سر داشت نواب مؤیدالدوله حکمران فارس واکر قرار نمودند چون بعضی عمارات پوا  
 فارس را بام زلزله خرابی بهم رسانیده بود شش هزار تومان بنوسط نواب مؤیدالدوله صرف تعمیر عمارات فارس شد  
 چون اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان سلطان عثمانی در هفدهم دی حجه هزار و بیست و هفتاد و هفت حلت  
 نموده و اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان بر سر سلطنت جلوس فرمود در این بام اعلیحضرت افسر هاپون شهر  
 محمد رحمان سنپچی باشی در بار را برای تعزیت تهنیت سمیت سفارت کبری مامور در بار دولت عثمانی فرموده و  
 مغزی الیه در این موقع بلفی علاء الدوله مملکت با عطا ی بکقبضه شمشیر مرصع و بکقبضه نشان درجه اول پرت  
 با جا بلان سرافراز فرمودند انکشاف معدن زغال سنگ و کور کرد و مس و زرنیخ در قره چوشقان شد قورخان  
 و توپخانه محرمه را که متدب خراب کرده بود حسب الامر ضیاء الملک حکمران عربستان و الد مؤیدل نجوی مجد ابنا کرد  
 بکر شسته فئات در صحرای و شان تپه دار الخلافه احداث و جاری شد بکنفر باغبان ماه برای تربیت بعضی باغبان  
 و بناات از پارسیان حضار فرمودند انبار غله دیوانی بواجیح حمد الله خان پشیمان خاصه شد جناب ناصر الملک را  
 مامور بانعام ساختن راه کیلان فرمودند ضیاء الملک و الد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بشدت مرض و  
 سلیمانخان سر تپ افتاد و مامور این دو ایالت فرمودند که معاون ضیاء الملک باشد هم ربع الثاني شاکردان دار  
 الفنون را امتحان کالمی فرموده نظر بروفق و نرفه کمال مدرس نواب اعضا السلطنه و زیر علوم را بکقبضه نشان  
 از مرتبه اول امیرتومانی با بکر شسته چایل مخصوص آن از داخل نظام و اعطای بک هزار تومان انعام ناپار و مفتخر  
 فرمودند و نواب و الافهاد میرزای معین الدوله که در امتحان مدرسه حاضر بودند با عطا ی بکقبضه نشان طلا از  
 مرتبه اول مدرس بکر شسته چایل امیرتومانی خارج از نظام سرافراز داشتند رضا قلخان رئیس همد سه بخلعت هاپون

وجعفر

ت  
رویا

وجعفر فلجیان ولد رضا فلجیان با عطای بکفطعه نشان سرهنک و بکر شنه جامه پل خارج از نظام و خلعت هاپون و بجا  
انعام سرافراز شد محمد حسینیان اصفهان بمنصب اجودانی مدرسه اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواج  
و بسپت تومان انعام مفتح کردید و سایر اجزای مدرسه معلّین و منعلین و غیرهم نیز هر یک بقدر شرف و استحقاق  
بانعام و نشان و خلعت هاپون سرافراز شدند همدان این اوقات نواب حسام السلطنه حکمران باقر کمان نکر مروی معادل  
هزار سوار بودند بک صعبه کرده تمام هزار نفر را مقبول و اسپر نمودند نفک بسیار از فرانسس اتباع شد قلعه شهر  
طهران را از داخل و خارج مرقت کامل کردند عباسقلجیان جوان شیر معتمد الدوله و زبرد پواتخانه مرحوم و برادر او محمد  
ابراهیمخان بریاست پواتخانه مبارکه و لقب امیر بوفانی سرافراز کردید پاشا خان امین شود بکفطعه نشان تمثال  
هاپون مفتح شد امان الله خان والی کردستان بکفطعه نشان از مرتبه اول سر نیپه و جامه پلان نابل آمد حسینیان  
همدان را احتضار فرموده محمد حسینیان پیشخدمت خاصه حکومت آن نواحی سرافراز شد میرزا علی بن طبیب پسر ناسر  
پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود بیار پس رفتن بود معاودت نمود جبهه خانه و قورخانه دار الخلافه با همتا  
مسبور و سر و نفی دارد و در خانه چاشنه سازی طهران نیز سالیه که در چاشنی بنا خند میشد نواب کن الدوله  
حکمران کیلان بکفطعه نشان تمثال هاپون سرافراز و نواب حسین حاکم اسر آباد بکفطعه نشان از درجه اول  
سر نیپه با جامه پلان مفتح کردید در عینا بجناب علاء الدوله مشاغل و خدشات مرحوم بعمری الیه را بغلا معلّینان  
نایب لیسچی باشی و اکدار فرمودند از شهر رشت تا بخیل را که همیشه شدت کل و لجن بود با مردولت ساختند عجم  
سپاه حضرت همه خراسانی با ترکه که بقصد ناخست جلگه مشهد مقدس آمده بودند و کشته شدن شیخ محمد که سرخیل  
اشترار ترکه بود با جمعی دیگر از ترکه و انضمام باقی آنها نیز در این اوقات اتفاق افتاد و سرداران همه بیادش اینجست  
با نظامات و مناصب و خلع ملوکانه سر بلند شدند عیسیه خان اعتماد الدوله مرحوم شد و حسینقلجیان امیر حوم که نایب  
الحکومه نیز بود بک حکومت مفتح کردید چنانکه در سایر دول رسم است مقرر شد کلیه احکام و اسناد دولتی که با مضاف  
مقرون میکردند و دولتی نوشته شود و نشان مخصوص و دنده دولتی سپرده با مین شود و شد اصطلح نوبخانه  
میرزا علی اکبر خان اجودا باشی نوبخانه سپردند کاغذ کر خانه دار الخلافه کاغذهای بسپا خوش قلم ممتاز میسازد پل  
شوشتر را که از طغیان آب خراب شده بود ضیا الملک و المؤلف حکمران عربستان و لرستان مجوبی تعمیر نمود حسب  
الامر در ازله مناره سرحد (فانوس بحری) ساختند و عین الملک لشکر نوبسپاشی با عطای بکفطعه نشان تمثال  
هاپون از مرتبه سیم سرافراز شد میرزا محمد علی کارکنار مهام خارجه فارس بلبغ خانی سرافراز کردید میرزا مهد همدانی  
منشیه مهام خارجه بلبغ خانی و ناظمی مهام خارجه بندر بوشهر و سایر جزایر بحر العجم و خلعت هاپون نابل کشت زین  
العابدین خان حاکم کرد که با سرکردگی افواج کور و سامو سا خلوکلات بود مرحوم شد و علی رضا خان پسر او بک  
کرد و خلعت هاپون مباحی کردید با محمد حسن صند و نادر بلبغ اعتماد الملک و خلعت هاپون سرافراز شد میرزا مصطفی  
لشکر نوبس بلبغ کیل لشکر مفتح کردید این اوقات محض زین نظام امورد پواتخانه عدلیه سخطی مبارک خطاب  
بمحمد ابراهیمخان امیر بپوان شرف صدور یافت جناب میرزا جعفر خان مشیر الدوله که در سال قبل سمت سفارت کبری  
مامور دولت انگلیس کردید و بیار پس بای تحت فرانسس و اسلا م و آتن پای تحت پونان و بسپا از جاهای دیگر نیز  
رفته و سیاحت کامل نموده در این اوقات مراجهت کرده بمحض هاپون شهر باری مشرف و با عطای بکفطعه نشان  
امیر بوفانی با جامه پلان مفتح کردید و علجیان نایب و هم سفارت کبری بمنصب پنا بشارت برقرار کردید و میرزا

اسحق خان منشی منصب کادی را می هم خارجه سربار مامور و بکفطعه نشان اول سرنه که با جاپان نایل گشت <sup>حسنه</sup>  
خان سرنه ایضاً منصب نزال اجودانی حضور مبارک و خلعت هایون سرافراز شد راه پیوژن و راه شریف آباد بمشهد  
مقدس که هر دو بیجا صوبه دشوار و اسباب خدمت عابری بود با مرهایون ساخته و هموار کردند نواب الافره ها میرزا  
معتمد الدوله بحکومت عربستان و لرستان مامور گردیدند میر عطاء الله خان نیمور بمنصب سرنه سرافراز آمد جناب علا  
الدوله الجبلی که مامور در بار دولت عثمانی بود مامور شد در انجام رساننده روز ششم رمضان المبارک وارد دار  
الخلافه شد در ماه شعبان این سال موکب هایون شریف فرمای شکار گاه جاجرد شده بیلکه بسپا بزک شکار شست  
مبارک شد فیر علیخان سعد الملک بمنصب سرنه اول و خلعت هایون سرافراز گردید میرزا سید تقی نقیث سرنه دار <sup>شسته</sup>  
سابق آذربایجان بمنصب لشکر نویسی و خلعت هایون نایل آمد حاجی میر علی اصغر شیخ الاسلام نیز بر رحمت پر دی پوسه  
میرزا ابوالقاسم سپهر آرم حرم بمنصب شیخ الاسلامی منصوب و خلعت گردید جناب صیو کو بنیو که بسمنه و نیز بخناری از جناب  
در لنگ فرانس مامور در بار دولت علیته بود بار الخلافه باهره وارد و بحضور هایون نایل گردید میرزا علیخان سپهر  
مهام خارجه (جناب بن الدوله) که باحداث سن در اکثر علوم از فرزندان کاوت بار بط شده و خطر را در کمال خوشه  
منوید خلعت هایون سرافراز و مقر شد سفر احضار در کاب عالی ملزم خدمت باشد شب تسبیح رمضان پیشش  
ساعت از شب گذشته آفتاب جهان تاب از برج حوث محل بخوبی نموده سلام خاص بخوبی در پیشگاه حضور مهر ظهور حشر وانه  
منعقد گردید حاجی میرزا محمد رضا مستور خراسان بمنصب استبقای دیوان هایون سرافراز شد میرزا جعفر خان مشیر  
الدوله و رئیس دارالشوری را با ابقای ریاست دارالشوری بمنصب ولپا شیکری حضرت رضو سلام الله علیه سرافراز  
فرمودند نواب احتشام الدوله مر جو گردید جناب ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی بحکومت اسرا سرافراز شد میرزا  
عبدالوهابخان نایل اول وزارت خارجه (جناب نصیر الدوله و نیز بخناری) مامور اداره انظام مهمام خارجه آذربایجان  
و خلعت هایون و نشان و جاپل سرافراز گردید میرزاها شیحان امین خلوت بکفطعه نشان سرنه اول سرافراز شد  
نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت شیر بر فرار گردید محمد فاسیحان و نیز بخناری سابق سمنه نظر بوزع حکومت کتلا  
و لقب نایب کیوی ملقب و سرافراز گردید بضر الله میرزا ولجایی سیفا الدوله میرزا بنیاب دوم وزارت علوم و خلعت  
هایون سرافراز و بهر ای نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مامور آن مملکت گردید نواب اشاهنشا هزاره اجل  
اجد سلطه محسن میرزا بلیغ جلال الدوله ملقب و حکمران اصفا منصوب فرمودند و قوام الدوله بوزارت و پیشکار  
شاهنشا هزاره معظم الهه سرافراز شد علیخان سرنه اول بلیغ بضره <sup>قرانوی</sup> المله مفخر گردید بکفطعه نشان نمنال بنیاب  
هایون برای حضرت شاهنشا هزاره اجل اعظم مظفر الدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ مملکت فرمودند شرحی در قوا  
نشان شیر خورد شید باشاره علیه هایونی نکاشته شد که صوت آن در جلد ویم مرآت البلدان موسوم بآثر سلطنت  
تیت افاده است نواب والا عبدالصمد میرزا بلیغ عزالدوله ملقب و بحکومت همدان منصوب گردیدند و حاجی میرزا  
عبدالرحمان بوزارت و پیشکاری آن نواب سرافراز شد نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلاک اجزای دار  
الشوری مسلاک و خلعت گردید نواب چشمه الدوله حکمرانی پر و خلعت هایون سرافراز شد ضیا الملک والد  
مؤلف که از عربستان بدر بار معتمد آرا مده در سلاک و زرای عظام و اجزای دارالشوری داخل و خلعت هایون  
نایل آمد و بعد از آن بوزارت عدلیه اعظم منصوب گردید و محمد ابراهیمخان امیر دیوان بلیغ معتمد الملکه سرافراز  
شد محمد مهدیخان کیشلی باشی بکفطعه نشان سرنه اول و خلعت هایون مفخر گردید نواب الافره الدوله

حکمران عراق و ملایر سپرداری افواج و فسون عراق بر فرار کردند در بعضی فلجان و کابل الملك سر هتک فوج ملائک  
بکفطه نشان از درجه اول سر هتک سرافراز شد بوکخان پسر محمد خان امیر تومان بمنصب سر هتک فوج ششم نبر سرافراز  
و فوج نر بود ملقب بفوج اقبال گردید و آخر ماه ذی الحجه الحرام حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهی کامکار مظفر  
الدین میرزا حکمران آذربایجان را بولعهتک ابد و لنت جاوید شوکت سرافراز و بکفطه نشان ثمال بممال افسر نشانه  
ولايت عهد و بکتوب حبه نر مه کتیمی و در مر و اید موشخ بلائی و جواهر کر اینها فرین افتخار و اختصاص فرمودند و  
وزارت مخصوص حضرت مستطاب معظم الله را بغزیر خان سردار کل نفوس و اکلار کردند و بجی خان اجودان مخصوص  
حضورها بون حامل این نشان و خلعت مبارک کرده روانه آذربایجان شد (چین) در حوالی شانکای جنک مابین باغیها  
نای نیک و عساکر فرانسه و انگلیس شکستیا غنچهها زخمی شدن امیرال پرنیز سردار فرانسه که بهمان زخم هلاک گردید و  
عقب نشاندن یا غنچهها را نفر پیاسی فرسخ (ژاپن) تعدی نسبت بانگلپسها خروج سفاری خارجه از بند پای تخت و دروستان  
به بکها ما و نرضه خواستن از دولت ژاپن امر پیا (اسپانیا) در مجلس شورا و اید و لنت و کلار رجال دولت و امتم بد  
این میکنند که در فتره مکزیک اتحاد بکه باد و لنت فرانسه داشتند بجهت هم زدند (المان) عهدنامه بخارنه پروس با  
بافرانسه شناختن دولت پروس و بیکر امانول را سلطنت تمام ایتالیا استقراض دولت از برای هتک جنک و کلای ملت  
در این مسئله مساعد باد و لنت نیستند تقار مابین پادشاه و وکلای ملت و رود مسپو نیز مارک سفیر پروس را بنوقت که ملوک  
فرانسه بود و قبل از این سمت ریتر زبورغ بود در جرکه و زرای دولت و ذر هاله و زرخار جبه هر و بعد از و درو نیز مبارک  
بجمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند و مسپو نیز مارک بمنصب صدارت بر فرا کرد بد ایجاد و نیز بجوی در  
ملک اطرا پیش تمام سفایر جنک اطرا پیش از شرعی و بخاری عبارت از صد و بیست نه کشته است که دارای هتک و نود و شش  
توپ و هجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمده کشته و فسون بجری است ایجاد پلی در و رودخانه رود حوالی نایس بجهت  
عبور راه آهن (انگلیس) در این سال همه جهات پارچهها پنبه که صد و هشتاد و سه کرد لبره قیمت داشت زیاد  
از ملکت انگلیس بخارج برده نشد در صورتیکه سنوات سابقه معادل سپصد و پنجاه و شش کرد لبره کارخانه جات انگلیس  
پارچه پنبه بخارج میفرخت و این نبود مگر بواسطه جنکی که در پنکی دنیا واقع شده بود که بقدر لزوم حمل پنبه از پنکی دنیا  
بانگلیس نمیشد بخارج زیاد دولت در این سال بجهت اداره فسون لرد الزن بفرمانفرمائی هند منصوب شد عدل فسون  
هند و شان که در سال قبل سپصد و پنجاه هزار فسون بومی بود بصد و هزار فرار دادند و عدل فسون انگلیس  
که از انگلیس فرستاده میشد و نود هزار بود ببقنا د هزار فرار دادند قوت پادشاه دهلی در انگون مسافرت  
و بعد از انگلیس با سلامبول و پونان عروسی دختر دویم پادشاه انگلستان شاهزاده خانم الپس با شاهزاده حسن  
قوت سیرج رز مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود (ایتالیا) اصلاح بهبوده دولت فرانسه  
مابین پای پادشاه ایتالیا قوت پرنس کا بویکا از اعمام پادشاه سابق ناپل ملاتاف والی مصر با پادشاه  
ایتالیا در ناپل ایجاد بند نازه در ناپل با حضور پادشاه حال راه آهن بنایل استقراض دولت مبلغ بجهت بخارج  
انکار از صرافان رچیل سورش در بعضی نقاط بجهت هوا خواهان گاری بالک تقار کا ریالیدی با پادشاه خطبه  
حضرت پاپ بر ضد پادشاه ایتالیا شناختن دولت روس بیکر امانول را سلطنت تمام ایتالیا گاری بالدی اشکارا  
میگوید پامرک یارم و اینکلام کا ریالیدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد پادشاه جدید ایتالیا است که اولی بخارج  
رژم وادو عهد کرده و ثانی عهد کرده است که در دم مداخله نماید عروسی دختر دویم پادشاه ایتالیا با پادشاه

سپس پنج



پرتوغال افتتاح راه آهن از ناپل برُم (پرتوغال) شورش در بعضی نقاط بجهت کرانی جویات (دائمارك)
 دولت دائمارك مسلح شده هت جنگ می بیند و حخته دارد از بعضی ادعاهای پروس با پاپن اینسشونيك و هلسن
 و بدولت فرانسه و انگلیس و روس و سوڈ شكابت بنما بل از وضع طریقی که دولت پروس پیش گرفته است (روس)
 فوٹ صدم اعظم کت نشاند املا درسم نلکرا فاندن به سپرد در طرف چهل و دو ساعت از بطرز بودغ به پرتو
 پای بخش پروس بنوسط راه آهن میشود رفت سلیم حکومت هسنان به گرانند وک برادر امپراطور در طرف پکمال
 چهارده هزار هشتصد و سی و سه نفر از مردمین هسنان مجوس شدند حکومت گرانند وک پیشل برادر گهر
 امپراطور بمملکت قفقاز (سوڈ) ملاقات سلاطین سوڈ و دائمارك (عثمانی) صدارت فواد پاشا و زار خارجه عالی
 پاشا شورش در حلب رئیس طایفه در روز در حران خالدا بیک از اداء مالیات مضایقه دارد و در ذی شرف
 داتا بدروان املا از هت افتتاح مجلس پاپن ملماوی و والا شوی بدست پرتو کوزای و اینجک عمر پاشا با
 اهالی خرادغ مجلس کفر السن از دولت در اسلامبول اشکل میشود و اصلاح میان عثمانی و سرچ میکند معاهده
 بخار عثمانی باروس و با علیک و لفرنگ و آلی مصر سعید پاشا بسپاحت فرنگ میرود در حفر هنر جمع الحریین
 اهتامی کامل بل میباید وند و علمه جات جدا مشغول کا دهشتند (فرانسس) مواجب شرفال منبشان سردار فرانسه
 که در چین فوجات کرده بود به پنجهزار نومان مقرر شد که سنلا بعد اسل با ولاد کور او داده شود ایجاد ما پاپن
 جدید علا و بر معمول بر کالسکه و اسب و نمک غلغین اکید بوزرا که علا و بر مواجب مر سو که هنگام و یازار مقرر
 خرج نکند در مجلس و کلا از قشون کتت بمکن مکزی کفتگو شد و کلای دولت جواب دادند که مقصود از فرسناد
 بقای نام و حفظ ابروی فرانسه است و فراری در پنجاهی که اهالی مکزیک استقر از اهالی فرانسه نمودند ملتف
 شدن مسوود میری بلیند وک (دوک بمنزله امیرالامرات) نصیب روان دلوپس یواد بخار جه (بونان) سو
 درینلی که قورخانه دولت آنجا واقع شده است جنگ قشون دولتی با یاعیان شورش در اغلب نقاط مملکت ضد
 سلطنت شورش بر ضد خانواده سلطنت اجماع مردم بر عزل پادشاه که از شاهزاده ها با و بر بود انجاد قشون
 باشو شبان استعفا پادشاه آهن از سلطنت ایجاد دولت موقتی خزانه دولت خالی است انقلاب
 اغتشاش در جمیع نقاط قشون بنظم و بی سردار افریقا در سوان مرکزی جامع عمر که در سنگال فرانسه ها و را
 دوامده بود ند مالک منگنکار نا و تمام سواحل رود نیژر زگردید جنگ سخت مابین پادشاه دهم و پادشاه
 ابو کونا هسریکا (انائونی) جنگ مابین پاپن شمال و جنوب در کال شتند بود داپالات کاد لپن و درین
 علی الخصوص بعضی از پالاتکه داشتن برده در انهار سم بود لکن شوریده با ایالات جنوبی بر ضد ابراهیم لنگن رئیس
 نه اسناده بودند رئیس فریبو غلامها آنها را آزاد و بکلیغی باسم خسادت با آنها عوض داد جنگ سختی که مصر
 جنگ پرتو بود که در حوالی شطامپس سپوی فتح شمالی در این جنگ
 فتوحا بعضی قلمه جا
 شمالی با ست جنوبی شکست یافتن عساکر شمالی در نول اولان نسبت بقیعه هاند و انگلیس و فرانسه کالی
 احترا می و صلحه از عساکر جنوبی وارد مپاید و نا آن زمان که یکسال از ابتدای جنگ گذشته بود شمالی بر انها
 سپصد و پنجاه کرد نومان ابران مخارج کرده بود ایجاد راه آهن از سان فرانسیسکو کالی فرنی (برزیل) نقا
 بادولت انگلیس بعد مبلد بصل میشود (مکزیک) عساکر انگلیس اسپانیا و فرانسه که با هم منفق بودند در
 نصیر وضع دولت مکزیک بناپنی مابین سردار هادولت ثلاثه پیدا شد با اینکه ژوارز رئیس هوور مکزیک در

تذکره

وقتی که سواران اسپانولی در خاک مکزیک آمده بودند بالنسبه با ایامی اسپانولی کمال تعدد را نموده دو کور در نومان از آنها جمع کرده و با تمام جزئیات جمع از آنها را بقتل رسانید با وجود این سردار اسپانولی ژنرال پیرین اتفاق با سردار فرانسه مصلحت ندیده آنها را فرستاد در محصله انداخته دو چار مجادله با ژنرال زبدهائی نموده سرداران اسپانولی و انگلیس بکشته نشسته با وطن خود مراجعت نمودند و از آن بعد دولت فرانسه مصمم بر این شد که جمیع مکزیک را در امپراطور نموده ماکسیمیلیان برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد

۱۲۷۹ هجری

۱۲۷۹ هجری

اسیا ( ایران ) در این سال نوزدهم داری دولتی در ترکیه مبارکه سلطنت آباد شد جناب پیرزا سعیدخان وزیر امور خارجه با عطای بکر شسته شراب مرصع بجواهر تیشنه نابل کرد بدیند حال الصبحات در این برکت الله خان ساری اصلان واکدار شد بکصد باب کارخانه شال باقی در شیراز و شمشیر باب در بندر کربلا کرد بدینصدا الملك وزیر اعظم والد مؤلف بلفجانی سر بلند کرد بدینجناب ظاهر الدوله محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی حاکم استرآباد و شاه رود و بسطام و غیره بکفایت مرصع مباحی مدحکومت بندر بو شهر با حمد خان نوانی مفوض شد میرزا حسین وزیر سابقه از اختلافه منصب استیفا نابل کرد بدینصدا محمد ولد میرزا بابای حکیمباشی منصب استیفا و میرزا علی برادر مغزی الیه منصب لشکر نویسی برقرار کرد بدیند بعضی از پیش سفیدان از آنکه سارن و سالور بارضی اندس خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده بر حسب استیفا خود نشان داخل در شکر و سواره خراسانی شدند موکبها چون غزنی کجور فرموده و از کجور بسپاحت کنار در پای ما زندان روانه شده از راه بلده و کلا رسا و بقصیه نیاوران فرمودند جناب حاج میرزا حسینخان وزیر مقیم در بار عثمانی بکفایت نشان شمال مبارک مکمل بالاس مفتخر کرد بدینصدا الملك والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی بلفجانی نابل اعناد السلطنه ملقب آمد حاج میرزا محمدخان دبیر مهاباد خارجه بوزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علیخان ولد مغزی الیه ( جناب امین الدوله ) بنیاد اول وزارت امور خارجه برقرار کرد بدینخط نکران از دار الخلافه تا کیلان امتداد یافت روز بیست و یکم محرم در استرآباد از سمت قبله ابری ظاهر شده بزمین می آمد بعد هوا صحو میکند و در بین صحو صدائی مهیب از آن سمعها میرسد و پس از یکساعت از هم پاشیده آتشی از آن نمایان میگردد و آن وزه های استرآباد بطوری گرم میشود که اغلب آنکهها بجای میشوند جناب مسعودی وزیر مختار دولت ایالتی نشان دو جبار اول سلطنت آن دولت برای اهدای حضورها چون این اوقات وارد دار الخلافه شد میرزا فخران مشهور نظام آذربایجان بکفایت نشان از درجه سیم سرنبدی و ریاست فر لشکر آذربایجان سرافراز شد محمد رحمان سرنبدی سواره ایلات فرین بمصوب سرنبدی اول مفتخر کرد بدینحاجی فوام الملك شیرازی بکفایت نشان از درجه اول امیرنومانی با جابل آن سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معمار باشی بکفایت مرصع و لقب خانی نابل کرد بدینمحمد اسمعیلخان وکیل الملك در معابر کرمان و شهر بلوک باط و حمامهای خوب کار و انسترا و بازار بنا کرد این اوقات ایام هفتم رانهم کرده در هر دو ذات ملکونی صفات مقدس بر عارض یکبار و زار رسید که میفرمایند میرزا هدایت شیر مرحوم نصیر الملك بمنصب مستوفیگری سرافراز شد میرزا اسدالله از اجرای وزارت علوم بنیاد حکومت ملایر و توشیحکان و لقب خانی سرافراز شد میرزا محمد ابراهیم شیر مرحوم میرزا احمد استرآبادی بمنصب لشکر نویسی و ریاست نومان مواجیب نابل آمد محمد اسمعیلخان وکیل الملك با عطای بکفایت نشان شمال هابون مفتخر کرد بدینحاجی

میرزا

میرزا علی پشخدا م بلیغ مشکوه الملک ملقب شد جهانگیر خان سر نیپ و نرال اجودان مخصوص بر پاسن فودخانه  
 مبارکه سرافراز کردید علیقلیان نایب اول اجودان باشی بکفطعه نشان از مرتبه سر نیپ و حاجیل آن مفتخر کردید  
 علیقلیان سرهنک (جناب جنرال دولت) که در امتداد سیم نلکر اف کلان خدمت کرده بمنصب سر نیپ سیم دوپست  
 تو مان اضافه مواجب سرافراز شد نواب حاجی محمد ولیمیرزا بمنصب وزارت دارالشوراکبری سرافراز کردید بنده  
 مؤلف بمنصب نرال اجودانی و تشریف ها پون سر بلند آمد جناب ناصر الملک مشیر خصوصاً ها پون برسم وزیر  
 مختاری ها موبافانم دربار دولت نکلنس شد امان الله خان سر نیپ بمشاک سفارت مرزبوره و یکفطعه نشان  
 از درجه سیم سر نیپ با حاجیل آن فرین افتخار آمد محمد مهدیجان سر کیشکی باشه بکفطعه نشان مثال ها پون سرافراز  
 عبدالعلیخان ادیب الملک پشخدا م خاصه محکومتم مفتخر کردید سواره مقدم مراغه سپرده بحسب الدوله شد  
 ابوالفتح خان پیرم حوم عبدالحمیدخان جوان مشیر بمنصب سرهنک فوج اول خاصه سرافراز کردید محمد باقرخان ولد  
 محمد خان امیر تو مان لیسر نیپ سیم و فوج جدید و قدیم فرزین بر فرار شد باقرخان که در کارخانه شماعی خدمت کرده  
 بود بمنصب سرهنک مفتخر شد نواب علیقلی میرزا ولد نواب عماد الدوله ملقب بصبارم الدوله کشت و باعطای بکفطعه  
 شمشیر کل مرصع او را مفتخر فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحب دوان بکفطعه نشان امیر تو مانی و پیکر شنه  
 حاجیل آن سرافراز شد میرزا احمد خان ساعدا الملک ولد مرحوم امیر انابیک اعظم باعطای بکفطعه نشان مثال  
 ها پون مکلن بالماس سرافراز کردید در کارخانه شماعی دار الخلافه چندم شمع رکال خوب بسبک شمعها فرنگی میرزا  
 ابن اوفات کتابچه سنو العملی حکم ها پون برای تعیین تکالیف و انتظامات و ترتیبات مورد پو اتخانه علیه عظمی  
 نوشتند و صدر آن موشح بدستخط ها پون شد حاجی رجبلعلیخان سر نیپ سیم تو پچانه بمنصب سر نیپ دوم پو چانه  
 بر فرار کردید حاجی آقا بابای حکیمباشی بلیغ ملک الاطباء و یکفطعه نشان از درجه دوم سر نیپ با حاجیل آن  
 سرافراز کردید میرزا ابوالحسنخان صنایع باعطای بکفطعه نشان سر نیپ و حاجیل آن مباحی آمد معدن فرودچی در  
 زندگ ساوه با هتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فروزه آن در کمال صفا است کلیه عمارات مبارکات  
 دولتی را حاجی محمد خان حاجی الدوله سپردند محض زینت نظم و انتظام امور فسون دستخطی مبارک با فتحا رجناب  
 سپهسالار شرفضد و ریافت جناب سپهسالار باعطای بکفطعه کل کر مکلن بالماس مفتخر فرمودند صبح شنبه غره  
 شهر شوال المکر نیم ساعت بطلوع آفتاب مانده پیر اعظم از برج حوث مجل بخویله نمود و سلام خاص و عام در  
 پیشگاه حضور مبارک منعقد کردید پاشا خان امین شوره بکفطعه نشان از درجه امیر تو مانی مفتخر کردید  
 حاجی میرزا عبداللہ خان مشهور بکفطعه نشان سر نیپ سرافراز شده و حکومت همدان را نیز معزای الیه و اگدا فرمودند  
 تراکه متمرده اسر اباد نسیبه کامل شدند کلب چنجان امین نظام بر پاسن فسون خراسان و سر نیپ اول سرافراز  
 شد محمد باقرخان سرهنک بمنصب سر نیپ سیم نایل کردید میرزا عبدالرحیمخان کارپرداز اول مقیم تفلس بمنصب  
 شاد ز دانی قائم دربار دولت و سر مفتخر کردید برای مر اکیب مجرب تبعه دولت علیه وضع علم مخصوص نمودند  
 که اسباب امیناز و تشخیص آنها باشد حکومت اسر اباد و ما زندان را بعهد کفایت عین الملک خواستار و اگدا  
 فرمودند و محمد علیخان برادر معزای الیه بنیاب حکومت میرزا مصطفیخان بها الملک بمباشری امور ما زندان  
 سرافراز شد و مستعلی امیر الممالک را باعطای بکفطعه نشان از درجه امیر تو مانی فرین مفاخرت فرمودند  
 میرزا رضا مشهور خاصه لیسر معین الملک بکفطعه نشان سر نیپ با حاجیل آن سر بلند آمد نواب حسام السلطنه

حکمران خراسان که بجهت بعضی عرائض و زمره بدار الخلافه آمد مجلس حکمرانی خود معاودت نمود حضرت شاهنشاهی  
 امجد و اکیمین الدوله ( ظل السلطان ) دام اقباله حکمرانی مملکت فارس منصف و طاهر بود و بوزارت حضرت معظم البه  
 مفر کرد بدجدر فیلیجان ایلیخانی و حکمران مجنورد بیکفطعه نشان تمثال هاپون مکلان بالماس سرافراز آمد امیر  
 حبیبخان ایلیخانی زعفرانلو جیش خدمت تئیسند میراشرار ترا که خراسان بیکفطعه شمشیر کل و کرمک مرصع  
 مباحی شد محمد علیخان ایلیخانی فارس بیکفطعه نشان تمثال هاپون مکلان بالماس سر بلند کشت حاجی قوام الملک  
 بمنصب صوبلپاشی گری آستانه حضرت ثامن الائمه علیه السلام و لقب جنابی مفر کرد بد میرزا عبداللہ خان مشغول  
 حاکم همدان ملقب بعلاء الملک شد نواب الامعند الدوله حکمران عربستان و لرستان بیکفطعه نشان تمثال  
 هاپون مباحی کرد بد و سلطان او پس میرزا ولد نواب معظم البه رئیس دیوان نظامی لرستان بیکفطعه نشان از  
 درجه اول سرهنک نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک شد و کابان  
 ملا بر تو سپرکان و نواب اعضاد السلطنه وزیر علوم و اکتادار و مالیات آخارا از بابت مخارج و مصارف و  
 دارالفنون مقرر فرمودند جراح علیخان سراج الملک بمنصب بیکری کرد بد و دیوان نظامی اصفهان  
 برقرار کرد بد ( افغانستان ) فوت امیر دوست محمد خان در بهار منصب امیر شیر علیخان و لدا امر موم بجای بد  
 نقار مابین امیر شیر علیخان و برادر او محمد شرفیخان جنگ داخله و شورش در هرات و کابل ( چین ) شاپانو  
 سردار چینه که با با عنهاد در جنگ بود متهم باین شد که شکسته که بافته است از راه چنانت بوده و با وجود خدا  
 چندین ساله که بدو لشکرده بود او را محبوب نمودند و حکمی با و صادر شد که در حبس خود را بگذرد و بعد از  
 صد و رانیگم او خود را بدست خود کشت بنیاد بک کلیسا کا فو لیکه در شهر کانتن ( ژاپن ) نهاد بد نامه انگلیس  
 باند و لشکر مجتهد استر صافل جمعی از انگلیسها در ژاپن بجا فایده میبند امیرال انکلیس کپی یکی از شهرها ساحل  
 کاکو زمارا بضر بکلوله توپینهم ملسازد ( ماچین ) و بای سخن در هوته امر و یا ( اسپانول ) ژان پیر  
 دتکارلس انزابا ملکه اسپانول را شناخته و حقوقیکه پدرش و طایفه اش در سلطنت اسپانول داشته ژان دست  
 از آن حقوق میکشد زلزله سخن مابله که مورد خرابی بنیاد شد نزاع مابین سپاهها و سفیدها در هانتی با عنهاد  
 بادر هانتی سوزا بندند ( المان ) اتفاق آراد را ایجاد مجلس پارلمنت واحد در تمام مملکت ملا فانا امپراطور اطریش و  
 پادشاه پروس در گاسن در سرحدا طریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس را بیک مجلس شورای  
 مرکب از سلاطین و ولای المان در فرانک فر منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیه المان بشود پادشاه پروس  
 قبول عضو آن مجلس نمیکند لیکن مجلس بزبور در و اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزو با وزرای خارجه  
 که دارند حضور بهم میرسانند این مجلس نظور بیکه مفسود بود فایده بخشید افتتاح مجلس پارلمنت پروس که در تابستان  
 اینسال شد و از مضمون خطبه که در افتتاح این مجلس مسبو نیز ماریک صد اعظم فرانت کرد معنی صلح و سلامت مفسود  
 نمیکرد در پروس بواسطه بنایین را بیکه مابین مسبو نیز ماریک و وزرا و وکلای ملساست مجلس و کلا عزل شده  
 وکلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را علیحضرت پادشاه پروس شخصه نمود استغراض وجه معتد  
 برای هیئت جنگ در مملکت پروس بر ضد امانارک ( انگلیس ) از مخارج وزارت جنگ ده کرد بد بیره کسر میشد توپ  
 جدید بیکه آنم اس ترک نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنگ در قبول زلاند با طایفه ماورای مالیات  
 دولت بواسطه ترپاک و نمک در هند وستان زباده از سال قبل است در هند وستان فی شکر و پنبه را افت

سلطنت اسپانیا

ملخ رکه ضرر ز یاد رسا بنده است این ملخها از سمت سنند آمد و بیشتر از زداغنها می سواحل درو خانه کنگه را خراب کرده اند جنگ دولت با طایفه کوهستان لاهور نصیب سر ژان لاورانس بفرمانفرمائی هندوستان فوت حاکم سابق لرد الرن ایجاد راه آهن زینر زمینه در شهر لندن (پرتوغال) ترک قتل مفصر بن بخت دولت از این بعد اشخاصی را که واجبات قتل هستند بقتل می رساند بلکه مجای قتل حبس مؤبد میکند (دائمارک) در دایمارک و بعد آن دولت فردیناند فریدریش عموئی پادشاه بدون وارث فوت میکند و بفاصله چندی پادشاه دایمارک فردریش هفتم بسین پنجاه و پنج سال بنروقات میاید که سنیان هم که از اقوام دور پادشاه فر بود بود بجای او جلوس میکند پادشاه ناز و چهل و پنج سال داشت یکی از صبا پای ایشان زوجه لعهد دولت انگلیس است پس بزرگ ایشان ژرژ اول پادشاه یونان میشود شورشی در ایالت هلسنی که مخبری از دایمارک بشود دولتین پروس و اطریش هفت روز دایمارک مهلت میدهند که عساکری که بجهت بنیاد باغیان هلسنی فرستاده احضار نمایند و الا شروع بجنگ خواهد شد (روس) شورشی در لهستان نه تنها در ورتشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم نکران و خط راه آهن شورشیان ریاست خود را به می برانفسک و آندار میکنند دولتین پروس و روس معاهده میکنند که باغیان لهستانی اگر بجای پروس پناه بچوید عساکر روس مخطی نموده در خاک پروس آنها را غایت نمایند نوشته است که دولت فرانسه بدولتین روس پروس در این بفره مینویسد بجا بدید و فرمان امپراطور روس که هر کس در طرف بسین و زاز باغیان اسلحه خود را زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جریمه جرم او خواهد گذشت فرادیهای لهستان که با ایتالیا و فرانسه رفته بودند بوطن مراجعت نموده با باغیان شریک و همدست میشوند و اتفاقاً در شورشی است ژنرال برک سردار روس مامور بنیاد است و هم چنین ژنرال تراویف و جمعیت بادی که از نجبا و کشتیها و کسبه و غیره که در زمزمه باغیان بودند و سرداران فر بود آنها را بچنگ آوردند باقی المجلس کشید با بسین بچسب فرستادند حکم امپراطور روس با حضار فشنو زیاد که تقریباً سیصد هزار باشد برای دفع باغیان از مسلمان قطع جنگ نکرد گران و کسطنطین برادر اعظم امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف میدارد ژنرال برک مستقلاً از طرف اعظم امپراطور روس فرمانفرمای لهستان میگردد در ففاز مختصر شود در میان طایفه لزی سفاین جنگ روس در این سال صد و بیست و دو فرزند است که در آن کشتیها و هزار و دو بیست و چهل و شش توبه بیست هزار و پانصد نفر فشنون مجری بودند (عثمانی) اعظم سلطنت از وزرای خود در مساب که راجع بسربستان و فرا باغ بود ناراضی حاصل نموده بنیرو بند بکل در دایره و زراداده شد فواد پاشا از صدا عزل و مجلس شور و وزیر مالیه کردید و لیکن بعد از دو ماه باز بصد ارت منصوب شد فوت سعید پاشا والی مصر در زستان و نصب اسمعیل پاشا برادرش بجای او سفر سلطان بمصر در بهار اول بخبر کتابچه جمع فر دولت در این سال که مائات دولت را غیر از فروغات شصت و نه کرد و صد هزار تومان معین کرده اند و بخارج داشتند هشت کرد و دو بیست و شصت هزار تومان (فرانسه) ورود سفرای انام ماچین بیار پس افتتاح مجلس در شور در فرانسه جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر فو ابلا میگزینک با هواخواهان ژوآرز رئیس جمهور مکزیک و فتح این شهر بدست ژنرال بازن و در سردار فرانسه مکزیکو پاپی تحت مکزیک و فرار ژوآرز با شش هزار فشنون بسا تلوی مجلس شورای مکزیک که ناز و در مکزیکو پاپی تحت تشکیل یافته است با انفاق ارشید و ماکس میلین برادر امپراطور اطریش را با امپراطور خود منتخب مینماید و در این مجلس دگر میشود که چنانکه

مشا و البته قبول سلطنت ایشان را ننماید هر که را امپراطور فرانسه انتخاب کند آنها با ثقات او را قبول خواهند نمود (یونان)  
 دولت فنیک در صد نفیس پادشاهی از برای یونان هستند و بچند نفر از شاهزادگان المان که تکلیف کردند  
 آنها را نمودند بالاخره در ژرژ پسر و بعهد انمار که در این وقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان  
 باسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند با وجود  
 بیعی پادشاه باز در آن فرق مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه میباشند در این مورد دولت انگلیس  
 وعده میدهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدو بدهد یونان رد کند پادشاه نازه یونان  
 بلند از آنجا بیاید پس از آنجا بونیه بعد با آن پائی تخت یونان ورود میکند **آفریقا** (ماداگاسکار) شورش  
 اهالی بر ضد و نداد خواص پادشاه و بعد از چندین قتل پادشاه و نصیب وجه اش نجای او امریکا (انائونی)  
 جنگ ایالات جنوبی با شمالی در کمال سختی است اگر چه فیح غالباً با عساکر شمالی است لکن هنوز پنجه که فایده از آن بر  
 دارند حاصل نشده ژنرال گران سردار شمالی و سرتیغه معین از جنوبیها نیز در اسلحه گرفته و متصرف شده است لکن  
 رئیس جمهور انائونی که حالا بواسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فطرتاً با آنست که  
 حکم با هتار صد و بیست هزار فتنه علاوه بر فتنه معمولی خود میکند دولت فرانسه در صد و مابینگری است که  
 در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت این دولت فایده میماند (برزیل) بر وز و بای سخت  
 در اعلیه الک برزیل

سده هجری

۱۸۶۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال امور ملک و مملکت بنو جهان خاطر خطرهای یون فرین انتظام کامل است حکومت  
 لرستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان و نهاوند زمره بنو ابی عماد الدوله واکذا فرمودند حکمران عربستان را  
 بنو ابی حشمه الدوله نفویض داشتند عبدالعزیز خان ادیب الملک حاکم قم بکفطعه نشان از درجه سیم سرتیغه با  
 جامه آن سرفراز شد آقا خان پسر مرحوم عبدالصمد خان افشار بمنصب سرتیپی سیم و پادشاه بپوشانده مازندران  
 نابل کرد پد عسکر خان سرهنگ سرپرست ارامندارومی و سلمان بمنصب سرتیپی سیم سرفراز شد نظر با خاکدو  
 ایران و عثمانی از جانب دولت علیه با سمعیل افتد نابل اول سفارت عثمانی نشان دوم از درجه ششم و خور  
 مرحت شد تبیبه و ندمیر تر که سالور و سار و فکه بقصد سربد مجد و حراسان آمده بودند موکب همایون  
 شهر باری در ماه صفر شریف فرهای نور و کجور شد میرزاهاشیمان امین خلوت با عطای بکفطعه نشان شمال  
 همایون مکلان بالناس سرفراز و میرزا محمد خان پسر مشارالیه بمنصب نیابت با ست خلوت برقرار آمد پادشاه  
 نظامی عربستان بعهد عبدالله میرزا زوال اجودان واکذا شد حاجی محمد بیک خوه چی باشه با عطای بکفطعه  
 نشان ششم و خورشید از درجه سرهنگ سرفراز آمد حبیب الله خان ننگابنی (ساعدا الدوله) بمنصب سرتیپی اول  
 مفتخر کرد پادشاه آفات مبارکات سلطنت دار الخلافه را احیاء مرمت نموده بر صحن و تزیینات آنها افزودند میرزا  
 احمد خان ساعدا الملک سرتیپی اول بر بنده امپراطورمانی سرفراز کرد پد آقا خان سرتیپی اول سرتیپی دوم و فوج مراغه  
 مابهی آمد محسن حینجان صد الدوله ایشیک آقاسی باشی حضرتنا عظم والا و بعهد دولت علیه ایران بیک  
 فطعه نشان و جامه سرتیپی سرفراز شد محمد علیخان برادر عین الملک بمنصب بیکریکه کردی سرباد قرین افشار  
 کرد پد حضرت اکرم والا نایب السلطنه العلیه چون در فواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام داری

منصب

منصب سرهنک از درجه اول کرد پدید آمدن محمد پسر پسران کبشیک باشی با عطاء یکقطعه نشان امیر تومانی و بکر شده  
 حایل آن مفتخر کرد پدید آمدن انوشیروان میرزا نزالاجودان خاصه سرپایه فوج سربداران سرافراز شد  
 نواب الامیرالدوله راجه و اجزای محترم دارالشورای کبری منسلک فرمودند محمد قلیخان شاطر باشی یک  
 قطعه از درجه سرپایه و حایل مخصوص آن سرافراز آمد محمد قاسمخان والی کبلان با عطاء یکقطعه نشان نمانالهاپون  
 قرین افتخار آمد جعفر قلیخان سرپایه اول بمنصب امیر تومانی نایل گشت در دارالخلافه با هر در خارج دروازه دولت  
 در جنب میدان مشرف به خانه بسپا خوبی بنا نمودند میرزا و اهر سر رشته دارکاشانی بمنصب استیفا در نایل کرد پدید  
 از ولایات ممالک محروسه با اشاره علیه سواره ردیف انداخته و انتخاب شد و پیشود همیشه خان را بمنصب سرپایه  
 توپخانه سرافراز کردند سیم تلکرافاز سردار سرنا بندر بو شهر امداد میا بد حاجی محسنخان سرهنک مستشار  
 سفارت دولت علیه مقیم پارس بمنصب سرپایه سیم و نشان و حایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی  
 الثانیه اینسال با اتفاق بنده مؤلف که در اینوقت بنیابت دویم سفارت برقرار شده روانه پارس کرد پدید آمد نواب  
 عمادالدوله بکتوب جبر برمه شمس مرصع مطلق و امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم الهه بیاراش ثنبی طایفه  
 سکوندر نشان یکقطعه شمشیر بران مرصع نایل آمد آقا رضای پیشخدمت حضورهاپون بلفظ عکاسباشیگری  
 سرافراز کرد و صنعت عکاسی در این عهدهاپون در پاران خیل رواج و ترقی یافت همدرا اینسال جناب حاجی میرزا  
 حسینخان وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار عثمانی با میرزا حسن نایب ویم سفارت از اسلامبول بدار الخلافة  
 طهران آمد مورم خاصه ملوکانه کرد پدید در سلسله اجزای دارالشورای کبری منسلک کرد پدید و میرزا حسن نایب  
 دویم سفارت یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم و اقبغانی و بنیابت اول سفارت و دوپست تومان  
 اضافه مواجب سرافراز شد و میرزا حسین کار پر باز طرا بزین بلفظ حاجی وزیر نزال قونسول سرافراز آمد همدرا اینسال  
 نظر بکمال و داد و اتحاد بین دولتین علیسپه پاران عثمانی از جانب اعلیحضرتهاپون یکقطعه نشان شیر و خورشید  
 مکمل بالباس کرینها با حایل آبی که از اعلام اولیه خاصه سلطنه است برای اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان  
 سلطان عثمانی هدیه و انقاد فرمودند و برای جناب فواد پاشا وزیر جنگ و صدر اعظم عثمانی و جناب عالی پاشا  
 وزیر امور خارجه آن دولت نیز نشان نمانالهاپون مکمل بالباس ارسال داشتند و جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر  
 مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری روانه اسلامبول شد میرزا محمد علی سر رشته دار توپخانه بمنصب لشکرپایه  
 سرافراز کرد پدید میرزا نصرالله مستوفی پیشکار اصفهان با عطاء یکقطعه نشان اول سرپایه و بکر شده حایل  
 مفتخر شد میرزا مصطفی خان بها الملك وزیرها زندان و اسیر با یکقطعه نشان نمانالهاپون سرافراز  
 آمد و نادرث مالیه را مستقلاً بعهد جناب آقا مستوفی الممالک واکدار و ایشانرا مخاطب بوزیر مالیه  
 فرموده در مجلس شورادولتی قلمدان که محبره آن مکمل بالباس بود از جانب سنی الجوابین جناب معزی الهه حجت  
 شد عین الملك خواشالار و حکمران مازندران و اسیر با یکقطعه نشان کبری و پاشا ایل جلیل فاجار سر  
 افراز کرد پدید از خط سرحد خانقین نادر الخلافه نیز شروع بکشید سیم تلکراف شد غلامحسینخان پسر علیقلی  
 خان نایب اول اجودان باشی بمنصب بنیابت اجودان باشی سرافراز آمد جناب فرخ خان امیرالدوله با عطاء  
 یکقطعه نشان امیرنوبانی قرین مفاخرت کرد پدید جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم اما  
 جمعه دار الخلافه بمنصب امام جمعه که دار الخلافه برقرار شده با عطاء یکقطعه عصا مرصع قرین مباحث

آمدند

آمدند و جناب میرزا مرتضی عجمی جناب معزی البه ملفف بصدر العلماء کردیدند چون جناب محمد ناصر خان ظاهر الله  
ایشیک آفاسی باشی اغلب رایالات مالک محروسه مشغول انجام خدمتی بزرگ میباشد ایشیک آفاسی باشی کردی  
بامبراصلا نجان مجدالدوله مرحت و بیکفوضه عصا مرصع و خلعت هاپون ایشانرا سر بلند فرمودند جناب صید  
کرهس که بسخت زبیر بخاری و ایلچیکری از جانب دولت روس مامور افتاد در بار دولت ایران شده بود روز  
چهاردهم رجب اردو دار الخلافه کردید میرزا محمد علیخان کارکنار خارجه فارس با عطای بکیظعه نشان  
شیر و خورشید از درجه اول سرهنکه با جا ایلان مباحی شد محمد علیخان بیکر بیکه و حاکم استرآباد بیاد استرآباد  
استرآباد که بیوت بکیظعه نشان از درجه اول سرهنکه سرافراز شد و بعدها جعفر فلچان امیر تومان مامور  
شد که بوجه اکل طوائف طاعنه زاند میرزا باید نواب چشمه الدوله حکمران عربستان و بخیناری بیکطوف و کر مکل  
بالماس سپتامناز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه وزیر عدلیه عظمی و الد مؤلف بیکفوضه عصا مرصع سر بلند  
شد حاجی رحمان پیشخدمت خاصه منصب جلیل صند و فداری و رختداری ملبوس مبارک بر فرار و بیکفوضه کل  
کر الماس و بیکتوب جیمه زره سرافراز گشت آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و ایل شاهسون بغداد بی یک  
طوف و کر مکل بالماس مباحی کردید مجدالدوله به پیشکاری اصفا و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مامور  
شدند میرزا صادق خان کارکنار خارجه سابق کلان بکارکناری خارجه استرآباد مامور شد برای نظم کلبه سرحد  
استرآباد اردوئی بسر کردی جناب میرزا محمد خان سپهسالار کل عساکر منصوبه نظام و غیر نظام مامور استرآباد  
و جناب معظم البه با عطای یک داسر اسب اصطل مبارک با زین و پراقرص مفتح فرمودند و جعفر فلچان امیر تومان  
که مامور بنیدیه نژاد که طاعنه آنصفا بود ندیر کمالی از استرآباد نواحی نمود در جناب جناب سپهسالار یا شاهخان  
امین شوره و بیعتان امیر تومان بامور شون رسید مینا نید میرزا محمد حسین دبیر الملک با عطای بیکر شسته شرا  
بند کاغذ مرصع سرافراز کردید از طرف از دار الخلافه تا کنار بحر خزر که از کوه البرز بکجور و از آنجا بکار دریا  
که سی و دو فرسخ مسافت دارد چون راهش خلیه سنگ و صعب بود بامرد دولت مسبوک استیکر مهندس مسافر  
در کمال خوبی شروع بساختن نمود صادق خان پوز باشی برادر شهاب الملک با عطای منصب سر بله از درجه  
سپتم سرافراز شد (چین) غدغن سخت در بنادر چین که کشتیها اناوئی نیکه دنیا عبور نکنند چینه ها بوسا کر فر  
ملجی شده باغنه های نای یک باشکست دادند شهر ناکن را که مرکز باغنها بود فثون ز یاد چینه فتح کرد (ز این)  
عهدنامه ها دوستی و بخاری این دولت بادول فرنک و نیکه دنیا با مصفا میکاد که پادشاه روحانیت و حقیقت  
سلطنت با او استامامری غلبشود و طبقون پادشاه جینا که فی الواقع صد اعظم مستفلا است بدن امضا  
میکاد نمینواند عهدنامه را امضا نماید منازعه سفاین جنگ انگلیس و فرانس در جزیره نیفن که متعلق بتر این است  
و بعد از جنگ شکست دادن شاهزاده که والی انجزیره بود دولت محذمه معادل سه کرد و سب صد هزار  
تومان پول ایران بطور ترضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه میکند امر پایا (اسپانول) چهل و چهار  
هزار ذرع راه آهن که وصل میکند راه آهن اسپانیا را براه آهن فرانسه از دره ها کوه پیرنه امسال با تمام  
رسید و مسافر میتواند از پاریس بمادرید پای تخت اسپانیا مستفلا سفر نماید (المان) فوت پادشاه  
باویرا کسب میلین دویم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پسرش لوی دویم در سن هجده سالگی فوت  
پادشاه و وزیر بزرگ یکم اول و جلوس پسرش شارل بجای او ایجاد نفک سوزنی جدید در مملکت پروس



معروف بنفک در بزرگه بواسطه اختراع این تفنگ اول امید بفتح و غلبه بردشتم میدهد شورش در نظمی  
 در مجارستان و در اغلب نقاط مالک طریش مسافرت امپراطور اطریش و شاهزاده ها خانواده سلطنت مجار و نظم  
 دادن آنجا را بشخصه و کلاهی ملک اطریش بدولت بوفائی دولت پرورس را اثبات میکنند که چون حال دولت پرورس  
 بزرگ شدنست لهذا بدوستی او بنا بیا اعتماد نمود (انگلیس) توکلیس و بعد در زمستان و زود گاری بالدی ملک  
 انگلیس با نشر بیانات کاملی که برای او فراهم آوردند بطوریکه و بعد انگلیس بمنزل او رفتند و ملاقات نمود ملک  
 انگلیس ایرادها ساخت بوزرا گرفته اند که چرا در فتره دانیارک سبکوت گذرانیده اند صد و پنجاه هزار نفر از علمای  
 انگلیس بواسطه نرسیدن پنبه از پنکی دینا بیکار مانده اند از مهاجرین انگلیس در ظرف اینسال تنها بود و چهار هزار  
 و صد و چهل و هفت نفر با نانوئی نیکه دینا رفتند اندا نقاد مجلس در درگاه هور بنو سسط سپر گورتن فرمان فرمایند  
 که ششصد نفر از سلاطین هند و راجه نواب و لاهه هند و افغانستان حین از خود حضور بهم رسانیدند افتتاح  
 راه آهن از بمبئی بداخله هند ابتدای بلکراف مجری از خلیج فارس که سواحل هند و سنان و عربستان را بهم وصل  
 چیت پنبه که از کارخانه جانش انگلیس در ظرف اینسال بخارج برده اند معادل بود و یک کرور و دو پست شصت  
 هزار لیره انگلیسی است هر لیره معادل دو تومان و پنجاه ار ایران میباشد (ایتالیا) مسافرت گاری بالدی یاد  
 میسر خود با انگلیس خیال تغییر پای تخت و نقل از تورن بفلورانس نقادان شکار مابین پایت دولت معاهده مابین  
 پادشاه ایتالیا و امپراطور فرانسه که دولت فرانسه عساکر خود را که بجهت حفظ سلطنت ظاهری پایت در روسه  
 گذاشته بود از این تاریخ بعد از انقضای دو سال بردارد و پادشاه ایتالیا معهد است که بجهت چه در صد تصرف  
 روسه حدود معینه سلطنت ظاهری پایت بر بناید شورش و تغییر اهالی تورن که چرا باید پایت تخت از آنجا عوض شود  
 دوروز و دو شب قتل و غارت و جنگ در تورن تغییر اغلب از وکلای ملک ایتالیا بدولت فرانسه که بجهت مانع  
 است که روسه جزو ایتالیا بشود (بلژیک) معادل یک کرور تومان پول ایران دولت بلژیک از اهالی مملکت خود  
 مانع شده اند که بندر آنورس را محکم نموده نفع جات در آنجا بنامید (دانمارک) نامزد نمودن پرنسین داکار دختر  
 پادشاه دانمارک را برای کراندوک بنگلادیس امپراطور روس و بعد ایندولت (روس) شورش سخت و خونین  
 زیاد در هستان پناه ندادن دولت پرورس اطریش با غلبه هستان داکورث مابین دولتین روس و فرانسه  
 که اهالی فرانسه با غلبه هستان از اغوا میکنند جلادادن اغلب با غلبه هستان از اسپینر و سیاست سخت آنها  
 نمودن پایت در خطبه ها و مواعظ هاست بدولت روس بسیار بدیگردد بواسطه پیرجی که بلهستانها میشود  
 رعایای هستان کمال رضایت اند دولت روس دارند که دفع شر ملاکین و مجاویب اعتدالی که با آنها میسند شد  
 در ایالت نازان بعضی طلبه مدارس سبند بدولت بنای شورش را گذاشته مقصرین قتل و بنی شدن طلبه  
 بنییلست که طیفه نازه هستند و میرضند بدین دولت و نظم عقده دارند سبب حرق شهر سامبرسبک شد  
 طایفه چرا که بواسطه خط و غلا بکه میان آنها بر زکرده و رو داده هزار هزار دسند شده با اهل والوس  
 بجاک عثمانی پناه میسند در بین راه جمعیت پادای از آنها تلف میشود فوجات فسون روس در خودند و فتح  
 شهر بخن از شهرهای خودند نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارک را برای بعد دولت روس اعانت باطن  
 دولت روس بدولت دانمارک (سوئیس) ایجاد مجلس معظمی در ژنو و حضور مابین اغلب دول فنک در  
 انجلس مقصود از انعقاد انجلس ایجاد بعضی از قوانین و قواعد لازم است بجهت پرسیاری رعایت نهادن

در همان وقتون دولت فرنگ از هر طرفه و هر ملتی با شدند که با هم در صدد محاصره و مفائله بر می آیند (عثمانی) در  
 افلاک بغداد علاوه بر حق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا نشون میکرد شورش و انقلاب در ایاالت تونس نارسا  
 رعیتا زوالی بواسطه ایجاد بعضی مالیات فوق العاده برقرار داشتن دوازده هزار نشون همیشه زیر پر و منجبه  
 نرسیدن مواجبه با غلبه همین دوازده هزار نشون بر ضد والی شورش و انقلاب بحکم است که کشیش حاجتی انگلیس و  
 فرانسه ایتالیا بجهت حفظ تبعه خود از شر اعراب رسواهل تونس لنگر انداخته اند طغیان رود بند در مصر خاست  
 زیاد بزراعت امتداد خط لنگران از مصر بپروت نیز امتداد خط لنگران از بغداد بمبئی از بغداد باسلا بمو نغتر  
 اهالی بلغارستان از روت و طوایف چراکسه با ایالتها وسکنه دادن دولت عثمانی اینطوایف را در این ایالت شورش  
 اعراب بغداد و شامات محظی پول در اسلابول (فرانس) حبس چها نفر از اهالی ایتالیا که قصد نقل امیر طو  
 فرانسه را داشتند و نفره فرستادن نشون بمکنیک در مجلس پارلیت فرانسه ابرادان سخنی بدولت وارد آورده اند  
 ملاقات و بعهد هلاند و ولعهد بلژیک با امپراطور فرانسه در قصر فونتن بل و ملاقات پادشاه بلژیک در  
 ونیزی آمدن و پذیرجک پروس و ن در روی ستان نزد امپراطور فرانسه حکومت مارشال ماکما هون با کجواب  
 شورش و با غلبه بعضی شهرها الجزایر بخصوص در میان فبا بل عرب محظی و کامپری سخن در ماچین مصر فرانسه  
 ورود سفاری ز این بیار پس فوت مارشال پلی سپه ملقب بدوک دمالاکت برقرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه  
 که در مکنیک بود بمنصب مارشالی فوت بمیر بمعلم معرف علم موسیقی فوت هاس نپلوس جنگ مابین عساکر فرانسه  
 و ملک مکنیک بانهایت شد برقرار است (هلاند) در جزایر سولوانزا و برنه نوزراعت شکر و نیناکو و فهوراید  
 الوصف بدیده است بر ذوبای شدید در بنا و به (پروان) شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پاریس تحت نام فرانسی اغلب  
 افواج نشون بضا جنمبنا که در بعضی شهرها ساخلو بودند اندام فلعه جزیره کرفور و فن عساکر انگلیس از آنجا ورود  
 عساکر پروان و تصرف نمودن آنجزیره دوک پروس و اطرش در وجدید پروان را با سلطنت ژرژ اول شناختند و اکثر  
 و شرارت فاطمان طریق در اغلب نقاط بی پولی خزانه آفریقا (مرفش) قتل و نهب طایفه نبی اسراهد در اغلب شهرها  
 مرفش مراده بخارنی ایندولت با تمام دولت فرنگ آمریکا (انائونی) رئیس جمهور لنگن پک کرد و نشون برای  
 جنگ با ایالات جنوبی جانر منیاید جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دو سپه  
 و بیست هزار نشون در مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گراند و سردار جنوبی ژنرال بلایک بگر محاصره نمونده  
 و جمعیت بادی بکشتن دادند بدون اینکه شرمی بجشد مگر در سواهل رودخانه جمس مختصر شکست بعضا که جنوبی  
 داده شد چون موعد پنجسال ریاست لنگن منقضی شده بود در انتخاب رئیس تازه مجددا او را بر قرار کردند

(تیکه بای جنوبی) در ملک شیله  
 شهرت بیاید بواسطه زلزله سخت  
 معدوم میشود مردزکوه اشفتا  
 حیدر ملین شیله و بولوی مازعه  
 مابین دولت بریلدارو گای

سنه ۱۱۶۱ هجری

سنه ۱۱۶۱ هجری

اسیا (ایران) در این سال خاطر خطره ها پون متوجه کلیه امور و نری جمهور و آبادی و ایالات و نری  
 رعایا بود تقریبه داری ولتی در نیکه مبارکه سلطنت آباد میشود مجمل و لجان سردار که مامور سرداری نشون  
 خراسان بود بحکم انی اسرا با دسر افراز کردید میرزا محمد علیخان و کبل فارس سیر حاجی قوام الملک بک قطع  
 نشان از درجه دویم سرنپی با جمیل ان مباحی اهل هالی فلعه ابر افشان از فلاح بلوچستان نظر باستحکامی که  
 داشتند م از خود شرمیزدند مجمل اسمعیل خان و کبل الملک ابراهیمخان سگهنک بلوچ را با نشون مامور کرده  
 طبعه خیز بوره را تصرف و خراب نمودند یا شاخان امین شوره ملقب با مین الملک شد شب ششم ماه صفر

عبد مولود هاپون را در تمام بلاد مالک محروسه با شکوهی تمام گرفتند و مسائرا که ککلان و پوزانیم نمودند  
و با سپاه منصور بچین کالیوش نزد جناب پسر همدان آمدند طلب عفو و تقبل ادای مالیات سپاه خود را نمودند  
صند و عدالت حسب الامر وضع و در میدان اردک آنرا فرار دادند که هر کس برضیه بجزو هاپون دارد در آن صندقی بفرستد  
خانعلی خان سر نیک بگومت در جزین و سر نیچ فوج بخبران فرار کرد و سرافراز شد در تبریز بیقاع مشرکه را مرشد نمودند  
میرزا احمد بن مرحوم میرزا عبدالکریم شیخ الاسلام شیخ الاسلامی در الخلافه منصور کشتن محمد حسن خان پیشخدمت  
خاصه حکومت کلپایکان و خوانسار برقرار آمد جناب پسر همدان با سرداران و سپاهیان همراستما مشغول نظم حدود استرآباد  
و بنیه ترا که هستند و فتوحات نمایان کرده اند آثار حبیب منصب ختاری المسمی سرافراز کردید عبداللطیف خان  
ادب الملک پیشخدمت خاصه بنیای وزارت علیه عظمی مفتخر آمده راه مازندران را که مسبوک شکر مهند نسوا مشغول  
ساختن آن بود با تمام رسید موکب هاپون در ماه بیسبغ الثانی تشریف فرمای سخفات کجور و سواحل بحر خزر شدند  
دو مراحه از راه کلاردشت که راه مسبوک شکر با آنجا قاطع مینماید قطع منازل نموده در هشتم ماه جماد الاولی سلطنت  
آباد نزل اجلال فرمودند در باجه در میدان توپخانه قدم حسب الامر ساخند که همیشه چند سنگ آبان عمارت سلطنتی  
خارج و داخل دریاچه شده بسیار محلات شهر میروند تمام قضای این میدان حسب الامر عرس اشجار و کلکاری میشود  
یک حلقه انگشتری الماس بریلین بسیار گران بها برای جناب پسر همدان انفاذ استرآباد فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء  
الملک بوزارت دیوان عدالت منصور برگزیده میرزا مصطفی وکیل اشکر بیک قطعه نشان از درجه سیرافراز کردید جناب محمود  
خان ناصر الملک وزیر مختار مقیم لندن موفرا اجازه تشریف آوری دربار هاپون حاصل نموده میرزا سلیمان خان مستشار  
سفارت پاریس در سم شارژ دافری مقیم پاریس بنده مؤلف بمنصب بنیاد ویم سفارت خان در دولت علیه مقیم در  
دولت فرانسه خواهد بود سیم تلکرافت از طهران با استرآباد کشیده شد نوای ملک را بگومت بر برد و هوشتک  
میرزا پسر نوای مغزی الیه بنیادت حکومت رفت میرزا پوسنجان کاویر دزد دولت علیه در حاجی ترخان بیک قطعه نشان  
از درجه ویم سر نیچ و حامل مخصوصان سرافراز شد عزیز خان سردار کل پیشکار آذربایجان در چین کاوکان که از بلوک  
مراغه است اردوئی مرکب از شش هزار نفر سرباز تشکیل داده که هر روزه مشغول تعلیم و مشق هستند حضرت شافقت  
والا و لبعهد دام الله اطفاله العالی هم در اردو و سربور تشریف فرما هستند بکتوب بنای نظامی سرد مشقه و در اردو  
از ملاسین پویش مبارک با افتخار سردار کل انفاذ شد بعد از آنکه تمام حدود استرآباد موصفا کردید جناب پسر همدان  
ببار الخلافه با هره معاودت نموده شرفانند و خاکپای مبارک کشته با عظامی بیک قطعه نشان اقدس مکتب الماس با  
حامل آن سربلند و مخاطب بجناب پسر همدان اعظم کردید چون اغلب خطوط تلکرافتی ممتد شده از بندر بوشهر تا  
خافین بمعبث اسنادی و مبر شامپین سا بر صا جنم صبا انگلیسیه با تمام رسیده و بهم وصل شده فرار داد نام مشتمل  
بچهار فصل بنا برنج شهر جادی الثانیه با مقصود وزارت علوم و سفارثا تکلیس بن الطرفین مبادله شده که صورت آن  
در ذیل جلد سیم مرات المبلدان موسوم بآثر السلطان نکارش یافته است حضرت شاهنشاه ازده انجم و الایمن اللد  
حکمران فارس بیک قطعه کل که مرقع بالماس بریلین مفتخر و در نظام بمنصب نشان سرهنکه مخصوص میرزا محمد قوام  
الدوله پیشکار حضرت اسعد معظم الیه بجناب لقب جنابی سرافراز آمد میرزا عبدالوهاب مشوق کیلان بمنصب  
استیضاح دیوان هاپون برقرار آمد میرزا مسیح زهر مازندران با عظامی بیک قطعه نشان سر نیچ با حامل آن میاهی  
کشت قنات سابق بجهت آنکه شهر را مشروب میداشت و چند بار و خراب شده بود بمرغوبه دولت دایره و جاری

شد بنا برنج بیست چهارم شوال رای صوابنای ملوکانه بعضی تغییرات در امور آن دولت داده که حاصل آن استحکام  
 و زارتخانه های ثلاثه عسکرته و مالیه خارجه بعلاده نفویضه شاعلد ولئی که راجع بنفس نفیس هاپون بود بعد  
 کفایت و کفایت جناب سپهسار اعظم بود و دستخطی آفتاب غمط کحوی این مطالب بود شرفضد و ریافت و بکثوب  
 جبهه نومه و در وارد شمشه مرصع جناب میرزا محمدخان سپهسار اعظم مرصع فرمودند و جناب مستوفی الممالک و جناب  
 وزیر امور خارجه نیز هر یک با عطای بکثوب جبهه نومه شمشه مرصع بکثوبه شرابه مکلل بالماس اختصاص یافتند  
 حضرت شاهنشاه فراده اجل و الاجلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و بجای آنی مملکت خراسان بر فرار <sup>دول</sup>  
 و ثواب مؤید الدوله بکار گذاری مملکت خراسان مامور کردید حاجی رحمان صند و فدار با عطای بکثوبه نشان  
 مثال هاپون سرافراز کردید میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان که از اجله آید و لث جا و پدا فرانسست بحکومت عرسنا  
 بر فرار کردید چو اغعلی خان سراج الممالک بر پاست احشساب را از اختلافه مامور آمد میرزا حسن لشکر نویسنده مشهوری  
 نظام سرافراز شد سررشته داری کل معاملات خراسان را بعهده کفایت حاجی میرزا محمد رضا مستوفی دیوان اعلی  
 و لکنار فرمودند میرزا اسحق از اجزای وزارت خارجه با عطای لقب خانی و منصب کل پر داری حاجی ترخان سرافراز  
 شد میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملاهر و نویسنکان بنیابند و هم وزارت علوم و خطاب مقر با الحاقانی <sup>طب</sup>  
 کشت (چین) پریش کلک از اقوام سلطنت که سمت صداری داشتند در مدت ششماه معصوب میکرد و با عتق میسخت  
 در سمت شمال چین قلعه ناکو که عساکر انگلیس فرانسند که خضارت نگاهداشته بودند تخلیه میسختند (ژان) سفرای انگلیس  
 و فرانس و هلاند و اتا وونی بطرف اصراری بنمایند که امضای عهدنامه کرده سال قبل از این دول مذکوره با ژان  
 بسنه انداز میسکاد پادشاه حقیقی و روحانی مطالبه نماید و چون نهاد میسختی بنمیشد سفرای مزبوره با سفاین حکم  
 خودشان بنده از کار امسکر فرار داده بزور اسلحه امضای عهدنامه مذکوره را مطالبه نمودند طبقی جمع از جناب  
 اهل بلد را که از محارم میسکاد و مانع امضای عهدنامه بودند که فرقه حبس نمودند تا امضای عهدنامه مزبوره را گرفتند و  
 بعد از گرفتن آن سفرای دول مزاجت بسفارتخانه های خود نمودند امر <sup>پایا</sup> (اسپانیول) بی پولی دولت در نهایت  
 شدت استسفر اضرا جاری از رعیت که سید کرد و رعایا شده است مملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خالصه  
 خود را بملک واکنار میسکند که بفر و شر برسانند و حاصل آنرا بقرض عمومی دهند شورش در مازند و در ایالت ولایت  
 جلای وطن دادن ژنرال پرین و دوباره او را احضار کردن مسافرت مملکه در ایالات شمالی و خوب نپذیرفتن  
 رعیت او را و بای سخت در جزیره مادرید (الممان) دولتین اطرش و پرس بواسطه مقصود ایالتین اسلشوبک و  
 هلستن که نازه از دامنا که بر و در گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند پرس خیال دارد که ناما را خود منصرف  
 شو اطرش بواسطه بعد مسافت از مملکت خود چون میشود صرف کند باین خیال است که ایالتین مذکورین را یک  
 از دول مستقله الممان محسوب دارد پرس فریدیک شارل و ژنرال ملک از طرف دولت پرس برای فرار و عدا این  
 فتره بوین پای تخت اطرش میر و ندگیل که یکی از بنادار ایالتین مذکورین است بنده نظامی پرس میسخت مسوون  
 و ژنرال رون در مجلس شورای پرس بطور صراحت میگویند باید کیل در تصرف دولت پرس باشد و حفظ حد و  
 و تعوی دولت پرس از این سمت نباید و دولت پرس با قصد این است حاصله که از دامنا که با لشر که با اطرش برده  
 بتامه خود منصرف شو و چون دولت اطرش تمکین با نیستله نمیکند پرس همیشه میبندد که با او جنگ کند بعد از وساطت  
 و مباحثه کردی و کس و با پرس و غیرها عهدنامه کاستن منعقد میسخت و در سالس بورک سلاطین اطرش و پرس

با یکدیگر

با یکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که پاپائین را با این قسم تقسیم کنند ایالتها سلسله بک تمام از پروس و هلستین از  
 اطریش باشند و اتفاق بعد از این تقسیم منافع کلیه دولت پروس بر دو مسوومین مارک ملقب گشت شد (گشت بمنزله خانان)  
 و پروس سفر کرده با ناپلئون ستم ملاقات نمود (انگلیس) در مجلس پارلمنت بدولت تکلیف میکنند که مداخله در امور  
 فنلند نیکه دنیا همچو چه نکلند از باد عدل <sup>سفایند</sup> چنانکه انگلیس مختصر شورش در ارلند مالی مرکه در انگلیس بطور سخت است که اینست  
 روسیه و مجارستان سرایت کرده است بله ای زاعث را غلبه نقاط بر دز طایفه فیان در ارلند که بمنزله کونینتها و با  
 باشد مجلس اکثری از ایشان وقتل بعضی فوت کرد پاپائین صد اعظم در سن هشتاد ساله صدات کرد و سال من  
 هفتاد و سه ساله وزارت امور خارجه کرد کلارند و وحشت و لسا انگلیس کم مبادا کانا که از منصرفات او است در  
 بنکی بنا بر او بشورند شورش سیاه پوستان در ژمانیک منصرف انگلیس جلس و قتل اغلیان سیاهها ایجاد چراغ گاز  
 در کویچه ها بمشوق جنگ در ایالت یونان هند شورش مردم در نول زک اند اما ملکه جزایر ساندوچ مسافرت با انگلیس  
 میباشد (ایتالیا) بغیر با پی تحت و نقل از تورن بفلورانس جنلی سید کرد رتاهالی تورن شده است افتتاح راه  
 آهن که از تورن مشرقا به بندر بند پری بند پری و زو باد در طرف شرق و جنوب ایتالیا (پرتوغال) ایجاد  
 اکسپو سیتو عمومی در ایزت بکی از شهرها (بلژیک) مابین وز پر جنک بیکه از وکلای بر سر مسئله اختلاف شد  
 کار جنگ طیا پندر سیده دولت هر دو را مجلس قید و جریمه بنیبه میباشد ناخوشی سخت و ولت پادشاه و فوت  
 او در سن هفتاد و پنج سالگی جلوس لوی و لیک دوم پیرش در سن سی سالگی بر وز ناخوشی طیفوس بطور و با  
 و شپوع در این مملکت و سرایش از هلانند (دانمارک) ملاقات سلاطین دانمارک و سوئد با یکدیگر اهالی دانمارک  
 بیاد شاه سوئد انطور که باید و مشایه با بی میکنند و جبهه کم نکردن در جنگ اطریش و پروس است (روس) شورش  
 هستنا صدک بنظم کرده و از آن بعد جمیع اموات که راجع بلهستان است نهالیه غیره بجای اینکه مثل سابق در و شو  
 مجلس معینه برای تحقیق و اجرای مطالب باشد در پیرز بورخ مرکز دولت و س خواهد بود مسافرت امیر اطریش به  
 نپسیند و فرانسه فوت گرانند و بنکلا امیر اطریش که سمت و بعد دولت با داشت در سن بیست و سه ساله  
 در این بندر فتوحات عساکر روس در سمت خوفند که جزای تحت خان خوفند ساپراپالان و را بچطه تصرف را و داند  
 فتح ناسکند و سمرقند منازعه عساکر روس با امیر مجار را مروده نکر از از نقلین با بران و مجوان بر دز تپی هیئت و بائی  
 در سمت سبیر بر زو و با در سمت جنوب قفقاز (عثمانی) شورای خاصی از وزرا که در هر هفتد بکیار در حضور  
 سلطان حاضر شوند بر وزو با بواسطه ورود و آرمک در تمام ممالک عثمانی و سرایش از راه بغداد با بران فقط در  
 اسلامبول در طرف هفتاد و روسی و بچهراد نفر تلف میشوند و بواسطه بافتن د و هزار و پانصد خانه طعمه آتش میشود  
 والی مننگر و بوین سفر نموده دو سنی دولت اطریش را برای خود مطالبید (فرانسه) طبع جلد اول از تاریخ ژول سزار  
 فیض روم از نالیفات ناپلئون امیر اطریش امیر اولی و پد که بکی از وکلای دستچپ بر ضد دولت بود مایل بطرف  
 داری و دولت میشود گفتگوی سخت مسوومین در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که چرا حاکمان ایتالیا نمودن فرزند من است  
 از جنگهای فرانسه که متعلق بدولت بود چنانکه دولت را ایجاد بک اکسپو سیتو برای دو سال بعد مسافرت امیر اطریش  
 بالجزایر و بنایب سلطنت امیر اطریش زوجه او و رود امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شامات مسکن داشت  
 بملکت فرانسه مسافرت امیر اطریش بالجزایر چهل روز طول کشید مسافرت امیر اطریش و امیر اطریش سوس ملاقات خانوا  
 سلاطین فرانسه و اسپانیا در سن سی و سه سالگی ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلم حضرت امیر اطریش در میان پروس (یونان)

اجزای این شورش

بجای از اعمام پادشاه پرفرنش دول بواسطه بد رفتار بکه عملت کرده بود دولت او از پایداری تخت جلای وطن <sup>هد</sup> میل  
تغیر و بندید و زراجید بکه دول فرنگ یونان را بنهد بکرم نکه اگر انبفره را ترک نکند را مو داخله او مدخله <sup>هند</sup> خوا  
کرد ایجاد اول کلیساکا تو یکی در پای تخت افسانیا صدمه و از بن نسبت بطایفه هود در مملکت فرس شورش  
سخن در ما و اسکار نادرس پادشاه حبشه کاپیتان کفرن فونول انگلیس و جمعی از بنغه انگلیس را که در حبشه بودند  
مجبور و مغول نمایند امر <sup>یکجا</sup> (انا تونی) بر فرار بودن جنگ ایالتین جنوبی و شمالی بم تقار و جنگ بادولت انگلیس  
فوجان ژنرال گراندر سردار ایالات شمال و شخراغلیان ایالات و فلوجان جنوبی کنکن ریشن جهور در چهاردهم  
آوریل که تقریباً بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از نماشاخانه ها و اشکنان پای تخت بدستگیر  
از بازیکرهای سابق نماشاخانه کشته شده شد همه شان او نیز میبایست در همین جن ژنرال گراندر سرار کل تغیر رسانند و  
مجال کردند تا و فسون جمیع مردمان آبر و مند چه در یکی پنجاه در فرنگستان از انبفره ژنس که در عنقوا جوا  
بضعت جاپط مشهور بود رئیس شد جنگ سخت بین طرفین بدست آوردن ژفرسند و پس ایالات جنوبی که  
یاغی بایالات شمالی شده بودند شناختن دولت انا تونی ما کس میسین برادر امیر طور اطرش با امیر طور مکرک  
انام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی مخص کردن لشکر تری و بحر ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمه جنگ و چه  
امراض مختلفه سصد و بیست و پنج هزار نفر آدم بکشتن داده بودند مانا زعمه مابین سیاهها و سفیدها در اغلب نقاط  
باغوا می بعضی اشرا حلیس و قد شد بد ژفرسند و پس رئیس ایالات جنوبی تقار دولت انا تونی با انگلیس بواسطه اعانتها  
که با ایالات جنوبی شده است (برزیل) اتحاد دولت برزیل و جهور اور و گای بر ضد لوپز رئیس جهور پاراگای که این  
ضد پناشدای جنگ پنجساله است جنگ سخت بین طرفین امیر طور برزیل داماد خود کنت دونه لوی فیلیپ پادشا  
سابق فرانسه را سرار کل میباید شورش اهالی مملکت پرور رئیس خود و عزل او جنگ آید و با اسپانیا اتحاد اعلی از  
اهالی ترکی بیای جنوبی بر ضد اسپانول (مکرک) ایجاد نشانی موسو بعبا مکرک ایجاد بیکه سن فسون داوطلب  
اطرش و بیکه سن فسون داوطلب بلژیکی در مکرک جنگ هواخواهان ژارس رئیس جهور سابق مکرک با امیر طور مکرک  
دراغلی نقاط ژارس اعلان رسمی میکنند و خود همیشه رئیس جهور میدانند و وضع سلطنت مکرک را قبول ندارند  
آنکه تمام ملت بدین استثنای تصدیق وضع سلطنت او را بنایند مآلت مکرک در این سال صد و دوازده ملیان فرانک که  
معادل بیست و دو کرو و دیش هزار تومان پول ایران باشد و بخارج دو بیست و بیست و پنج ملیان که معادل اهل  
و پنج کرو تومان ایران باشد دولت انا تونی و ساطت فرانسه را بچه قبول نمیکند که وضع سلطنت را در مکرک بنیشت  
(یکی پهای مرکزی) شورش سخت در ماسال و ادرو هند و راس

**۱۲۱۲ هجری**  
**آسیا** (ایران) در این سال نیز تفرقه خوینی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار اکیسویستی در بند  
یستی افتتاح می یابد از دولت علیّه در این باب استناد مینمایند و بعهد دولت در سن انتقال نموده و بواسطه نگرانی  
اعلی حضرت ها پون اعلی حضرت امیر طور روس را تسلیم گفته و از جانب اعلی حضرت امیر طور جوا بهای بودند نامبر  
اظهار و شد بر نفسها طود و وحوش که برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی در باغ لاله دار ساخته بودند افزوده و در  
دار پانصد نفر سوار ترا که مری عزیمت کرد بدو در اسیان آمد قشون ظفر خون ساحلو آخرو د آنها را  
تاسار و د هارت لغات کرده بلکه از بیم جان باب خنده عرف شده این غارت کرده بودند و از خود نیز داشتند

بصرف عساکر منصوبه دو آمد در نصر آباد کرمان زلزله شد یک شده قلعه قدیم آنجا را منهدم ساختند و در آنجا بنیاد بنا  
بر زانی که دارد محفوظ مانده است هوکب ها چون روز بیست و پنجم عمر چون هوای این صفحات گرم شده بود بطرف کارد و  
نبرد کوه انماض فرمودند و باری عضد الدوله را بگرفتند و بن مامور فرمودند میرزا موسی زید را اختلافه در ستر هشتاد  
و چهار سالگی مرخو شد این اوقات دستخطی با فتحار جناب پسرهای اعظم میرزا محمدخان مینه بن نفوسین نظم دار الخلافه و نواب  
جناب عظیم الله شرفضد در یافت چون حاجی قوام الملك متولیا شاهی مشهور مقدس فرموده در این اوقات مرحوم میرزا محمد حسین  
عضد الملك که باین خلدت مسبو بود بمنصب متولیا مشکری آن آستانه منبر که مفتخر کردید جناب میرزا حسینخان وزیر فتحار  
مفتخر در بار عثمانی نابلق نبیل مشیر الله و له ملقب فرمودند بخو بللاری جوه صرف جیب مبارک بچی خان اجودان مخصوص  
مرحمت شد نیکداری در شهر سفید و ریاست خلوت بعد از او منصب مهر داری با اعتماد الملك آقا میر حسن صندقدار سابق  
اختصاص یافت اسلحه خانه و کتابخانه مبارک حاجی رحمان صندقدار جالبه سپرده شد بخو بللاری و رفته دولتی مخصوص  
آقا علی ( امین حضور ) پیشخدمت خاصه گردید موکب ها چون از نبرد کوه معاودت بنا و دان فرمود اختصاصا السلطنه و در  
علوم بکفایت شمشیر مرصع مفتخر کردید حکومت خوی را با سکتد خان سردار مرخمت فرمودند نواب حسام السلطنه مامور  
حکمرانی مملکت فارس گردید و حضرت شرفناخدا هشتاد هزاده و الا مین الدوله بجهت عمر سه و انجام امر خیر ایشان اختصاصا  
بلار الخلافه شد حاجی محمد فیلیخان فاجار بنیاد من حضورها چون مباحی گردید در پیش سفید علی خلوت ها چون بجای محمد  
خان حاجب الدوله اختصاص یافت منصب امام جمعه که مشهور مقدس را میرزا هدایت الله و له ملقب بچی عسکری امام جمعه مرخمت  
فرمودند جناب پسرهای اعظم حسابی را نوابان جدیدیه در امر نظام مقرر داشت حکومت اردوی نواب شاهزاده امین  
الدوله و الکار نمودند محمد اسمعیل خان و کبیر الملك زکریا کرمان بلفی جلیل سرداری ملقب کردید بچی خان اجودان مخصوص  
حضور با عطای بکفایت نشان از درجه اول سر تیپه سرافرازا آمد میرزا فخران مستوفی نظام آذربایجان بلفی مشیر  
مفتخر گردید ملخ زیاد می بکرمان آمده او را فاشیخار را بکلی خوردند ولی عجب آنکه در تحتها عربان د و بار مبارک و شکوفه آوردند  
بعد از وضع میدان ارک و طرح و نحو وسیع در آن و عرس و وباع در دو طرف حوض و نصب ستونهای سنگی بقاصله چهار  
ذرع جلوی باغها و محرابی در فواصل ستونها محض اینکه ساحل چنین میدانی از آمد و شد و اب که حمل اجناس میکنند  
مصلوب باشد حکم شد در جانب شرقی ارک ها چون دروازه از خار گهر البشهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را بنا شده  
با سطح زمین برابر کنند و جانبی عرض نادهنه بازار تشکیل دهند و این اوقات این جمله صورت انجام یافته است جناب  
خیر الله افندی وزیر فتحار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی وارد دار الخلافه با هر که گردید مصطفی خان سر تیپ اول که در سفر  
کرکان خلدت کرده بود بمنصب امیر تومانی سرافرازا شد نواب شاهزاده عضد الدوله حکمران فرزین بکفایت نشان  
از درجه دوم سر تیپه نایل کردید محمد صالح خان سر تیپه سیم سر تیپه دوم سواره بر و آمد علیخان سپه نظام الدوله  
بمنصب سر تیپه سیم مفتخر کردید با حدات فئات و آب جاری در شهر دشت شد میرزا بزرگ خان بکار پر دازی بغداد  
مامور گردید با اعتماد السلطنه حاجی علیخان را بوزارت موفوفات و وظائف سرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیمخان  
سهام الملك سر تیپه اول مفتخر کردید بوسعیان سر تیپه اول که در سفر کرکان خدمت کرده بود ملقب بشجاع الدوله  
شده با عطای نشان و حجابی سر تیپه اول مباحی آمد محمد حسنخان سر هندی فوج کلهر بمنصب سر تیپه سیم نایل شد  
احمد میرزا پسر بقور میرزا بمنصب نایب اجودانی مرید دوم مفتخر گشت در طوایف اگراد در عراق زخمی مولود آورد  
دارای دوسر و چهار دست و سایر غرابی خلفی بود جناب سبزوکلوت دما سبناک وزیر فتحار دولت فرانسوا مامور

محمود

افانند و بار ابران وارد دارالخلافه کرد بدین مجلس تهنیت دیوان نظام بر پاستن نواب مغزالدوله بهرام میرزا برقرار شد  
 عسکرخان که در لوازم هما نظاری سفرای دول پیوسته مرافقت نموده با عطای نشان سرنبدی از درجه سیم با جامه  
 سرافراز شد میرزا صادق خان کارکنار خارجه سرباد بکفطعه نشان از درجه سیم سرنبدی و جامه آن نابل کرد بد  
 حسینخان پسر جناب بهشکار اعظم بنیابت جناب معظم بر پاستن توپخانه مبارکه مفتخر آمد حاجی میرزا بهی خان نایب الحکومه  
 بلاه نوز و کجور با عطای بکفطعه نشان سیم سرنبدی میباهی کرد بد میرزا علیخان پسر مرحوم میرزا حسینخان بمنصب سرهنکه  
 توپخانه مبارکه برقرار آمد در ماه شعبان از منقلبین مدرسه دارالفنون اشخاصی مفصل نموده بهر پیک از رؤسا و معلمین  
 و شاگردان بدین منادیت امینان سرنبدی و سرهنکی و خلعت نشان و اضافه مواجب فرمودند عنین الملک خوانسار  
 نیکو در در می فتون مازندران و اسر آباد و کبلان سرافراز شد حسینخان شهاب الملک بمنصب امیر نوامانی فرزند  
 امیر میرزا: بمات الله منتهی اول و نایب دوم سفارت پاستن با عطای بکفطعه نشان سرهنکه از درجه دوم سرافراز شد  
 مصطفی فلج از عرب غلام پیشخدمت بنیابت اردستان برقرار گشت در راه کرمان بنای باطان جدید و تعمیر باطان قدیم  
 را کرده ندرت ساجد و مدارس و سایر انبیه همدا و شوشتر و غیره را مرمت کامل نمودند نواب الا عبد الصمد میرزا عز  
 الدین الحکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا ذکری مستوفی وزارت ابنولا پست برقرار آمد جناب حسنعلی خان وزیر مختار  
 و ایلچی مخصوص مقیم در بار فرانسه با عطای بکفطعه سه مرتبه سرافراز شده بیار پس مراجعت کرد نصر الله خان  
 زینوری که پشته سرنبدی سیم برقرار گشت و میرزا تقی لشکر نو سبب نشی بمنصب لشکر نو سبب لشکری خراسان مامور آمد  
 اللهو پستان بمنصب سرنبدی اول توپخانه مبارکه نابل کرد بد محمدخان حاکم نبرد بکفطعه نشان از درجه سیم با جامه آن  
 سرافراز شد اکبرخان سرزنک فوج نهاوند بمنصب سرنبدی از درجه سیم مفتخر کرد بد میرزا علی نفر شتی بمنصب لشکر نو سبب  
 نابل گشت شش چهارشنبه سیم ذیقعه الحرام پجنساعت از شبکه شده آفتاب از برج حوث بجل بخوبی نموده مراسم جشن  
 و سلام عید و رخصتوها یون بعل آمد چون حضرت شرف الخیم شاهنشاه هزاره و الا نایب السلطنه در تحصیل فنون  
 نظامی بکمال رسیدند بکفطعه نشان از درجه سیم اول و جامه مخصوص آن اختصاص یافتند منصب حلیل کشیکی باشی  
 کری با محمد میرزا پسر محمد پستان مفوض فرمودند و مصطفی خان امیر تومان بنیابت کشیکخانه مبارکه مقرر کرد بد  
 میرزا تقی پسر میرزا مصطفی و کمال لشکر بمنصب لشکر نو سبب سرافراز شد ابوان طلا ای ناصر که در روضه مفید سه خصوص  
 سلام الله علیه حسب الامر بنا کرده و با هتمام عضد الملک منولباشی زینورا تمام یافته مغزی ایله با بازی اینخدمت  
 با عطای بکفطعه عصا مرتبه مفتخر فرمودند محمودخان پسر میرزا افضل الله وزیر نظام بمنصب سرنبدی از درجه سیم  
 سرافراز شد محمد باقرخان سرنبدی سیم ولد محمدخان امیر تومان سرنبدی دوم سرافراز کرد بد حسینقلیخان سرنبدی  
 قورث بکلو بنشان و جامه سرنبدی دوم نابل آمد موکبها یون دروازه شهر ذیقعه الحرام عزیمت سفر مازندران  
 نموده روز عید اضحی شهر سار نزل اجلال فرمود و از آنجا بساحات و نقاط مازندران تشریف فرما شده  
 بعد بفرج آباد و بندر میانکاله و کنار دریا تشریف برده سفاین و مامورین دولت دوس که از طرف محض احترام  
 و تعظیم ذاتها یون یادشان در کنار دریا حاضر شده بودند بحضورها یون مشرف شده در باره هر یک از آنها بد  
 مرحمت اعطای نشان علی قدر ابراهیم فرمودند و اعتماد السلطنه از طرف دولت ضیافت شایانی از آنها نمود  
 بالجه موکبها یون نا آخر ایستاد تشریف فرمای ساحات مازندران (چین) سخت با اعیان میان فنی عز  
 فرما فرمایان کن که با فرنگها عداوت داشت بنای معبد کافولیکه بنوسط فرانسه هادریکن پای تخت (ژاپن)

منصب

آن دولت



باز شدن بنادر ساکاو و هبک برای اهالی خارجه بموجب عهدنامه هاما موطن دولت فرانسه را در پاید پای تخت در کمال  
احترام پذیرفتند فرار نامه این دولت انگلیس و فرانسه و انا تونی و پیچی در باب دریافت صد بیخ از قیامت اجناس  
وارد آنها بر این و در باب تعیین نرخ مسکوکات دولت مزبور و تعیین حقوق اهالی تاپین در دولت خارجه معاهد  
بخاری با ایتالیا جنگ داخله نفاذ مابین اموساها که عبارت از اعیان و جنبای مملکت باشد جنگ مابین طبقون پادشاه  
جسطنی و شاهزاده شو اچو فوت طبقون و برقرار شدن شاهزاده میناشه بجای او زلزله و پانفن در بوکو هو ما  
**سر پیا** ( اسپانول ) شورش در اغلب فواج نظامی علی الخصوص در فواج سواره ساخلو آران ژوژ پناه بود ژنرال  
پریم که محرک شورشیانست فرار بملکت پرتوغال شورش سخت در مادرید پای تخت این دولت در تابستان زخم برداشتن  
نار دایز از رجال دولت کرد در مقام اطفاء ناپره شرر شارب بود شورش و انقلاب بعضی نقاط جزیره کو با افتتاح راه  
آهن از شهر مادرید بشهر کرد و مانند خط راه آهن از مادرید بلن بن پای تخت پرتوغال مجلس مارشال سرفو ( المان )  
بنابر عهدنامه گاسن دولت پروس حکمرانی پالت اسلشویک دولت اتریش حکمرانی ایالت هلستن را بر عهده میگردانند  
نفاذ مابین دولت اتریش و پروس در همین نقره در شورای خاصه مملکت پروس حکم بندارک و جنبه جنگ پیشو بالاخره دولت  
پروس با تصریح میل خود را در تصرف ایالتین بدن و شرکت اتریش آشکارا میسازد دولت اتریش هم آشکارا جنبه جنگ پیشو  
دولتین با پروس ساکن منجوا هند طرف دولت پروس را منظور دارند اتحاد محفی دولت ایتالیا با دولت پروس بر ضد اتریش  
شورش و انقلاب رونیز که آنوقت متعلق بدولت اتریش بود میل اهالی بنز اینست که جزو ایتالیا شوند دولت ایتالیا  
بنز مجلا جنبه جنگ می بیند و رود ژنرال انونول سردار پروس با عساکران دولت پالت هلستن که متعلق با اتریش بود  
ابتدای جنگ دولت پروس با دولت ساکس ها نورود دولت اتریش ورود فستون پروس بیای تخت هانور و ساکس  
تابستان دولت اتریش سرداری بنیک سپصد شصت هزار فستون در مقابل پروس دارد دولت با پروس و بنیک که  
منعده کل با اتریش شده بودند از جای خود حرکت نمیکنند و رود فستون پروس سرداری بمعهد و پروس فردرک  
شارل برادر زاده پادشاه پروس بوهم خاک اتریش سرداری کل فستون را پادشاه پروس کلپو شخصه قبول  
می نماید از طرف دیگر دولت ایتالیا سرداری خود پادشاه ایتالیا در سرحدات شرقی ایتالیا اردوی میزنند  
مناره فستون ایتالیا با ارشد و البرت سردار اتریش و شکست فستون ایتالیا لیکن سردار اتریش بعد از این فتح  
بواسطه جنگی که پروس میکند جرات ورود بجاک ایتالیا را نمیتواند جنگ سخت مابین عساکر پروس با اتریش در بوهم  
مقبول شدن جمعیت زیادی از فستون اتریش بواسطه نفک سوزنی جدید بکه عساکر پروس بدان مسلح و در اشغال  
مسلط بودند فتح تا پان فستون پروس بعد از جنگ سخت در ساد و ادرا این جنگ از طرفین دولتینست هزار نفر مقتول  
میشوند فستون اتریش فرار با طرف و بنه پای تخت میرود در این بین توسط ناپلئون سیم امپراطور فرانسه پالت نیز با  
اتریش از خود مجزای نموده دولت ایتالیا می شناسد دولت فرانسه مابین دولتین پروس با اتریش میا میجو میشود  
( انگلیس ) اشناد مال مبری در مملکت انگلیس بد رجی که در ظرف مدت یکماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل  
کا و کوسفند تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فینان در ارلندا افتتاح مجلس پارلنت انگلیس بعد از فوت پرنس  
البرت شوهر پادشاه انگلیس پادشاه معظم البهانا افتتاح این مجلس را افتتاح مجلس شخصه خصوصاً بمناسبت بود  
صدارت و وزارت طایفه نوری در ریاست در بی نفویضاً موخارجه به لر اسنانلی سپر لر در بی شورش و انقلاب  
در شهر لندن و اغلب نقاط اتباع صد و پنجاه هزار قبضه تفنگ تیر معروف بنفک شیندر و بیای سخت در پیوریل

دو بوهم

و در لندن شورش اهل فیان در ارتد سبب حبس خید بن هزار نفر میشو ( ایتالیا و روس ) فراداد دولت فرانسه با ایتالیا  
 در باب وجود دولت مستفاد در آن مملکت که یکی سلطنت پاپی و دیگری سلطنت ایتالیا معاخذ  
 مخفی ایتالیا پاپوس بجهت جنگ با اطریش جنگ در کوسن با اطریش و شکست ایتالیا در این جنگ جنگ بحری و دیگر اینها  
 بادولت اطریش در این جنگ نیز برای عساکر ایتالیا پیشرفتی نمیشد و بهین جهت با وجود فتوحات پروس  
 در مساد و ادولت اطریش مضایفه دارد که و نیز را بشتر ایتالیا یاد همد عهد نام و بنام این پروس و ایتالیا و اطریش  
 در پاپا اینسال منعقد شده بموجب این عهد نامه و نیز با جمع فلاح آن واکتار با ایتالیا میشو بمال المصالحه و دست و پنجا  
 علیان فرانک که معادل پنجاه کرو و تومان ایران باشد ( بلژیک ) اهالی بلژیک کمال وحشت از عظمت و شوکت  
 پروس دارند و از این میترسند که فرانسه نیز بواسطه هم چینی با پروس در مقام نوسه بر مملکت خود بر آید و بلژیک را محو  
 بمملکت خود نماید ( دانمارک ) ازدواج پرنسس داکر شاهزاده خام این مملکت با ولیعهد دولت روس در پاپا اینسال  
 ( روس ) نادیده کردن دولت روس کششها کاکا بولکی با در هشتاد و حرفهای سخن پاپی را اینوقع نسبت بوزیر بخار دولت  
 روس قطع نمودن و وزیر بخار مراده را با پاپی عمر پنا از روسه بگریزید انکان روسی موسو بکار کزف بسن بسین  
 و پنجا الکی در شهر سنت پترز بونع در بهار و صلح قتل امیر طور در اینستاد و لقمه خونی نرسید مجلسی برای تحقیق بعمل  
 بریاست نرال هویدا و بیف منعقد و گفتگوها طولانی میشو و حدس که میزند در شرانک لهستانها در این عمل اما هدرستان  
 و دفاعی بسپا از این عصر بدست میآیند که هر کون بیستهار روسی میباشند پرنس گاکا هم بریاست مجلس آخری این تحقیق  
 برقرار شده حکم قتل این مفسر صادر و در پانزدهم ماه سپامبر بقیل پرنس حرکت ناگهانی چراگستره تصرف نمودن آنها سخو  
 قلعه جنگ روس با امیر بخار اینجهان اینکه یکی از سفرای هند دولت رانکا هداشته و غلبه دولت روس ( سوئیس ) در شتواز  
 جانب یکصد و شصت هزار نفر علیه از وکلا برای بجزه مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای این مجلس اهل فرانسه و  
 انگلیس هستند و کتر المان و ایتالیا میانی این وکلا شکا پنا از دنیا از باب کار کشیدن آنها در کارخانه ها و مدعیگری  
 آنها با مردم هادر این باب دارند ( عثمانی ) شورش طایفه مارنیت در حال ادین در سمت جنوب شرقی نر پلی سرداری  
 یوسف کارام داود پاشا حکم عیسو لبیان لشکر امدادی آباد از بیروت گرفته با وجود این بنیواند این طغیان را زخم  
 یوسف کارام فراد پناید ولی باز طغیان را محک است امتداد میدهد و ابتدا پناه بجاکر شام که با داود پاشا عداوتی دارد  
 میرد ولی بخراسان بعد از بقیه بقسولهای اروپائی میشو آنهم معین فایده نمیکرد آخر الامر با کجرا بر میرد و مدتی در آنجا  
 میکند در نوسن علی بن عدا هم رئیس شورش طغیان آخری گرفتار و مجوس میشو و مالیات پس افناده را نیز و اسلحه دریا  
 میناید حد بومصر از سلطان عثمانی اجازه حاصل میکند که بعد از او پیشتر مستقیما وارث و جانشین او باشد چونکه در  
 دولت عثمانی و خانواده و لاه مصر سلطنت و لایست بار شد طایفه میرسد در مستقیما با ولاد برقرار شدن مجلس و کلامی  
 در مصر تصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرار داد آخری حد بومصر با اکیان ظهر مجمع البحرین سوئز اتفاقا مجالس منعقد در کل  
 ممالک یونان بجهت معاونت بهم و طغان و برادران دینی خود که بفرع عثمانی هستند تکلیف نمودن بر عزال کار زین که در کث  
 منولد شده است پاست فثون را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست بچینک آوردن یا عنیان اسلحه منفرد  
 از راه شامات بخرا بفرس و بشو و مملکت نیز در نزل و اضطرر است دولت عثمانی فثون زیادی که اکثر آنها مصر میباشند  
 جمع آوری مینمایند هتای سردار سیم پاشای مصر با اسمعیل پاشا حکمران جزیره سفارت بفرصتی پاشا حکم فدم کند  
 از اسلحه بجهت دلالت با عنیان بصلح و ما موشد همین سفیر میر کردکی فثون حمایت سفرای بخار فرانسه انگلیس از

سفر عثمانی در آن پای تخت یونان و زیر بخار روس و هم آتن در الحمله از سفیر مزبور حمایت مینماید سفیر فرانسه موسوم به مارک  
دومسپت هم در اسلامبول که بعد ها وزیر امور خارجه شد مانع اتفاق یونانهاست از اول ماه سپتامبر هر روز در بلاد  
کانه جنگها و خونریزیها میشود چندین هزار خانوادها یونانی بواسطه سفایز روسی انگلیسی اوطان خود که خاک عثمانی است  
مهاجر کرده بجزایر و بلاد یونان میروند و در اینجا با کمال عسرت محصل معاش خود را میکنند بسیار نیز بانظار کشتنها  
متحرک است که در سر کاسخ میشوند جنگ پاسا میر یونانیهای که در با عثمانی دولت انگلیس فرانسه مابله بحر کانت و رفتار با عثمانی  
نیستند بلکه بجهت آنها میباشد کشته بخار یونانی موسوم بیا هلندیین فعه هفتم است که از میان سفایز عثمانی که در جزیره  
کرفه گذشته آذوقه و ماکولات یونانها میرساند اتفاق دولت فرانسه دولت روس در تقصیر یونان نمودن کینه موسوم  
بمقره حضرت عیسی را و در سلیم بی بی خزانة عثمانی که بدین واسطه منافع فرانسویان را که باید در ماه ژوئیه ادا کند  
از عهد بر نیامدند سدرت محمد رشید پاشا بجای فواد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصلحه در اسلامبول که اجزا  
این مجلس دولت خارجه میباشد یکی از نمایندگان فرار داهای این مجلس نیست که حاج در صورتیکه و باد در میان آنها باشد  
مراجعت از راه دریانها بندر و زو باد را آسیای عثمانی و سر نشاند بار و پاد در تمام مرکز و شمال این اقلیم ناهلانند بلژیک  
و فرانسه و انگلیس و رسیه آن بانا تونی و جزایر اینتل (فرانسه) در افتتاح مجلس شود که امپراطور وعده میدهد  
که بجهت رفع مغایرت مابین فرانسه انا تونی عساکر خود را از مکرک کلیه اخضا نماید در مجلس و کلای دولت پسین که  
یکی از وزراست بالصر احمه تکلیف میکند از طرف امپراطور که از برای نظم و آسودگی ملت افتد از کامل رئیس دولت لازم  
است اشتهار اتحاد باطنی روس و ایتالیا با فرانسه بر ضد دولت اطریس که در عوض دولت پر و سوان سرحدات المان  
که طرف و دخانه دن است بصرف دولت فرانسه هد با کرد دولت فرانسه بلژیک را بخواهد منصرف کرد دولت پر و  
و ایتالیا بطرف بوده سکوت کنند بنه دنی که سفیر کبری فرانسه است در برلن با مسپونین مارک صدر اعظم ملاقات نمود  
برای دولت فرانسه حقی مطالبه میکند و جوابها سن و امیدهند است عقا دوران دولت پر و سوان وزیر خارجه و نصب  
ملوکید هونیه سفیر کبری دولت فرانسه در اسلامبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت امپراطور که سه ماهه ضوالیاست  
بوسلح نمون فشنون فرانسه را بنفک جدید بکه صبح بنفک شاسپواست عد فشنون فرانسه اسما آنچه اعلان  
نموده اند و کرد و دویست و سی و دهماد و دویست پنجاه نفر بوده در جنگ مکرک غیر از تور خانه موجودی  
که دولت در جبهه خانه ها متعدد داشته و جهت نقد بکه بمباران فشنون رسید معادله شش کرد و تومان پول ایران  
بوجهینت فرانسه بوجه بغداد نفوس اینسال هفتاد و شش کرد و شصت و هفت هزار و نود و چهل نفر بود  
بروز و بای سخت در پاریس در نقاط دیگر طغیان اغلب و دخانه ها در داخله مملکت و جزایر ساپند آنها و در  
سفرهای مارک بیار پس شورش پسد لولود را الجزایر بلخ خوار که سخت در الجزایر فوت ماری ملی و جبه لوی فیلیپ پادشا  
سابق فرانسه را انگلیس فوت تونل از معارف رجال دولت صل و فرمان بواسطه فرانسه انگلیس در باب اعلام مخصوص  
از الوان بر فها بجهت تکلم در دریا و قبول فورد دولت آنرا سیم نلکراف بحری خط مخابره مابین ارلند و تر نورامعشر  
مینماید بنا بر این افتتاح سیم نلکراف بحری از دنیا عینی بدینای جدید که از بنورک پای تخت انا تونی در ظرف هشت  
ساعت مخابره بیار پس میرسد (هلاند) شورش اهالی شهر استر دام نسبت با جزای حکومتی در اوقات بشوع  
ناخوشی با مال مری شدید در مرکز اروپا و هلاند و سوئیس یونان) اجماع فشنون یونان در سرحدات اینرکشا  
سرحدات دولت عثمانی و پر نشسته دولت عثمانی این مطلب امریکا (انائونی) نفوس سپهساری کل عساکر ایند

بزرگال کران برقراری تفرات شرفان بمنصب سرداری کل آمد و نفر سردار در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند  
 رئیس ایالت جنوبی فرسند و پس که عدالتخانه حکم نداد و اصدار نمود و رئیس جمهور آنا توفی از حبس نفل او گذارنده فقط بحسب  
 نظر و بیرون رفتن او از شهر من رأی آنجا نمودند قرض و نشانی سال معادل دو هزار و ششصد و چهل کرد و یوازی آن  
 مراد و و به و شش و شصت و شصت با انگلیس نیز با فرانسه نهایت تفرات است بر خلاف اتحاد آنا توفی با دولت روس طبعان سیلها  
 و در دهانها (مکن بک) در بر کران که سردار آنا توفی و مکن بک است سرداران جمهور طلب که هواخواهان او و ارس رئیس جمهور  
 سابق مکن بک میباشدند اجماعی کرده از عساکر آنا توفی با خود شریک نموده بر ضد ماکس میلیین امپراطور جدید اردوی دارند  
 و زیرا موخارجه فرانسه در وین بنویسند سفر آنا توفی از دولت مشا را ایها متما میکند که دولت آنا توفی بطرف بماند و عمل  
 در امور مکن بک نکند این تمنا بی جواب مانده دولت آنا توفی تمکین نمیکند بنا بر این نوشته در سه از طرف وزارت امور خارجه  
 فرانسه سفیر فرانسه متوقف در مکن بک فرستاده میشود که از این بعد وجه امن الوجوه صرف خود مانراد در حمایت ظاهری  
 دولت مکن بک مینمایم و مجبوریم که عساکری که بک امپراطور ماکس میلیین فرستاده بودیم اخضا کنیم بعد از انشاد این  
 خبر مکن بک سردارها جمهور طلب قوی ل شده بیشتر از پیشتر در صد دهم زدن دولت امپراطور ماکس میلیین میشوند  
 و ایالات شمال بلکه بعضی از ایالات مرکزی را تصرف در می آورند تفرات دو سردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله بانها می آورند  
 دولت آنا توفی یاد داشت رسمی بسیار بر صفر شدند که اگر فرانسه عساکر خود را کلبه از مکن بک حضار نماید و نیز بطرف خواهد بود  
 و کل ظاهری جمهور طلبان مکن بک خواهد نمود مشون شخصی ماکس میلیین که مرگباز اها لی بلژیک و اطرش بودند و عدل چند  
 زیاد نشده در این مدت خواستند که بعد از رفتن مشون فرانسه بلکه کاری از پیش بر نهان مآجک و حملات ایشان بی نتیجه نماید و مان  
 امپراطور ماکس میلیین از هر جهت خود را بدین جهت بد چنانکه دوستان و هواخواهان او را میکشند و کل فرانسه امپراطور مکن بک  
 از هر جهت می شود و در تمام مکن بک بکرمی بنای شورش و بی نظمی شد حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور با و شود بدند  
 (هائیتی) دولت جمهور سنت تمینیک که سابقا جزو هائیتی بود و در سنه هزار و هشتصد بیست چهار از هائیتی جدا  
 شده دولت آنا توفی تا کنون او را شناخته در این سال شناخت بکسمت از شهر گنا پورا باغبان آتش زدند با فتن های  
 شد بد ریپت پرین (برنیل) جنگ مابین برنیل و لوپز رئیس جمهور پاراگای با کمال شدت است با و جزو پادشاهی مشون برنیل  
 تفرات لوپز بانها بک شاد جنگ کرده جمعیت پادشاهی آنها را هلاک میسازد در ریپت پرین و پادشاهی مشون برنیل افتتاح  
 اکیونو صنایع اتحاد شطی با پر و بر ضد آسیا بنا و مباحثی شدن دولت فرانسه و انگلیس در این فقره

سده سی و نهم

سده هجری

آسیا (ایران) موکبها چون پس از فرج سپر سخا حات مازندران از طرف کلاردشت در راه هزارچم عزیمت معارف  
 فرموده روز بیست و هشتم محرم تشریف فرمای سلطنت آباد کرد بد نظر تیرت و تکمیل اداره تلکراف ممالک محروسه  
 بک از صاحب منصبان که در چل این خدمت بودند از فرار مسطور در دریل بدل عنایت فرمودند علیقلیان سرنایب تلکراف  
 منصب نشان و حجاب سرنایب اول میرزا جعفر خان منصب سرهنک و نشان و حجاب از این درجه میرزا جواد خان نشان  
 و حجاب سرهنک میرزا جعفر علی با و تلکراف منصب نشان و حجاب سرهنک میرزا فضل الله خان با و منصب نشان و حجاب  
 سرهنک میرزا حسن حکیم سامانی و لدمرجو حکم نا آئی نشان و حجاب و منصب سرهنک نصر الله خان با و منصب نشان  
 و حجاب سرهنک میرزا محمد ابراهیم خان ناظم تلکراف منصب نشان و حجاب سرهنک بر حسب اراده سپهر رهنه السنی پارس پل  
 سعادت دلد فرار تقسیم کارها و طرز اداره مهمام دولتی را بوزارتخانه های متعدد داده و کفالت هر شعبه امور را

بلاخره لیاقت اشخاص بعهدہ یکے از چاکران مجرب درباری از فرار تفصیل ذیل محول و مرجوع فرمودند

### تقسیم وزارتخانهها و ولایات از انبقر است

وزارت جنگ و ریاست قشون کافی السابق (اداره و البکری حکومت اینولایات (خراسان) (سپستان) (استراباد) (شاهرود و بسطام) (دماوند) (پزندکوه) (کوه) (جابر م) (نزدین) (خوار) (سمنان) (دامغان) (خدمان) مر فوضه حکومت ولایات مفصله بعهدہ سپهسالار اعظم میرزا محمد خان محول و مفوض است وزارتخانه مالیه و رتق و فتق بحسابات و معاملات دیوانی) (اداره امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرد) (حساب رتق دولتی) (اداره رختدارخانه و صندوقخانه و اصلبل خاصه سایر پهنانته دولتی و وابسته بعهدہ جناب میرزا پوسف مشوق الممالک مقرر است وزارت علوم و صنایع و تجارت) (مدیر ستر الفنون و نگرارتخانهها) (معادن) (روزنامه دولتی و علمیه) باسماخانهها دارالخلافه و ولایات) (کارخانهها) (حکومت ملایر و تویسرکان) برعهده اغضما السلطنه علیقلی میرزا مفوض و معول خواهد بود

وزارت امور خارجه اداره حکومت کرمانشهان (الرشان) (نهاوند) (خرقان) (نذکره سرخا) (راه سار) (حفظ و آسایش ملا مختلفه که رعایای ایند و لذت علیهم هستند) بعهدہ وزیر تجارت میرزا سعیدخان است وزارت خصوصاً بیون) (اداره حکومت ولایات مفصله (کاشان) (اصفهان) (فارس) (نظر) اداره کمرگانهها ولایات ممالک محروسه محول با مینالدوله فرخ خان خواهد بود وزارت عدلیه بعهدہ حاجی محمد بلخان محول و مفوض است

وزارت دربار و بلاوه ایشیک آفاسینا شیکری (شاهزادگان درباری و ولایات) (علماء و سادات دارالخلافه و ولایات) (اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات) (غریبا و مهمانان ولایات در دیار) (انظام امواجاد مآحرم و خواجہ سراپان) (عمل بنائی) (چاپارخانهها) (مواظبت ساندن غله دیوانی) (حکومت جوشقان) (حکومت کلیایکان و خواسان) بعهدہ محمد ناصر خان ظهیرالدوله خواهد بود

(الینجا بکری خوانین و آقاپان قاجار) (دارالنظاره) (حکومت و سرداری قشون مازندران) (اداره حکومت فرودین و عربستان) (حکومت محلات) بعهدہ اغضما الدوله انوشیروانخان که نازه با بن لقب سرافراز و ملقب شده است خواهد بود

(طهران و توابع و خالصتیا و بلاد و اجادات و غیره) (حکومت کرمان و عراق و درجزین) (چاپارخانهها راه آذربایجان) بعلاوه وزارت دارالانشاء بعهدہ دیرالملک میرزا محمد حسین محول و مفوض فرمودند وزارت وظایف اوقاف) (اداره حکومت همدان برعهده اغضما السلطنه حاجی علیخان است (نظم خزانه و مالیات عاید خزانه) (جمع آورده وجوه مخصوص خزانه اندرون) (وصول مالیات و اقساط) (سپاندن وجوه) بران داران از فرار حواله دیوان) (ضرایب آنها ممالک محروسه) (کالسکه خانه) (زنبورخانه) (حکومت کپلان و پند) بعهدہ دوستعلیخان معیر الممالک محول است

(مهرنامه مبارک) (اداره حکومت برورد و حمنه) بعلاوه اغضما و زدا و رساندن اخبار انجانب سنی الجوابت هابو بعهدہ امین الملک پاشا خان محول است

(دیش)

(دیش سفینه خلوت) در پاست نفکداران سرکاری (کافی السابو بعهد) پسرانها شخان امین خلوت مرجوع گردید  
 پادشاه خدمت در راه مازندران محمد علیخان برادر اعضا الدوله بمنصب بیکر بیکه گری و پسر زامسج بمنصب اسپهان از در  
 چهارم و خلعتها پون نایل کرد بدین حبیب الله خان سرنیت کابجه بنشان و جاپل از مرزبه اول سر تیپه مفخر آمد محمد قلین  
 شاطرباشی بنشان و جاپل از درجه دوم سر تیپه نایل شد تنبه و نفر بی طوائف از لکه نکر و شخر بیکه و مساکن آنها که در  
 حد و خراسان مایه فتنه و شر و بی نظمی بودند بمأموریت شهاب الملک امیر تومان سردار فشتون خراسان نواب شهنشاه الدوله  
 بیکه لای بر و جرد و عمر بستن منصوب شدند عزیز خان سردار کل براری کل فشتون ظفر نمون و وزارت جنگ بر فرار کردید  
 منصب کشیک باشکری محمد باجید مهد پجان و گذار و مرحت شد حکومت مملکت خراسان را بعلاوه حکم از خوار و سمنان  
 و دامغان و شاهرود و سبطام و اسرآباد و سپستان بعهد کفایت جناب سپهسار موکول فرمودند و بعد از چند  
 روز جناب معزی الهی روانه محل ماموریت خود کردید بواسطه برود ناخوشی و باد ریزش حضرت نصرتاب اجلا عظم مظفر الدوله  
 میرزا و بعهد دولت علیه بارد بیل شریف بردند دهم جادی الثانیه موکبها پون از بیلای تشریف فرمای دار الخلافه کردید  
 مراتب کلیه مأموران الخلافه را بر عهد جناب قای مشهور المالک موکول فرمودند و بصواب بدین جناب معظ جناب علا الدوله  
 به بیکر بیکه طهران و پسر زاعلیه پسر مرحوم میرزا موسی بمنصب گری کل خالصه جات طهران انتخاب نمودند محضرت زینه خلیف و  
 مرعات بخار که در بسیاری از اجناس را معاف کردند بعضی فتنانها از جانب دولت روسین حال و اکابر ایند و دولت هیئت  
 شد و با اجازه اعلم حضرتها پون قبول و زبور بیکر خود نمودند محمد اسمعیل خان و کپل الملک سردار با عطاء عصا مرصع  
 سرافراز و مستقلاً بحکومت کرمان و بلوچستان مفخر آمد و مرتضی بلخان سرهنک فوج ملا بر ولد معزی الهی سر تیپه دو  
 فوج کرمان نایل کردید حاجی رشید خان بیکه بمنصب اسپهان از درجه سیم فرزند مفخرت کشت نظر بکثرت اخبار انکاره  
 داخله بخارج بنواب اعضا السلطنه وزیر علوم حکم فرمودند بکچط سیم بیکر از سرحد و شهر لاسر حد جلفا بر همان شهرها  
 سابق امتداد دهند فوجی مرگیند و پشت و پنجاه نفر بنوسط نواب اعضا السلطنه از ملا بر گرفته و بنو الفقار خان  
 سرهنک مهندس سیره شلکه آنها را مشوق هد در این پام سیم تلکراف ابران با سیم تلکراف دولت روس و انگلیس ایضا  
 یافت نظر ناخجارد و لشن علی بن ابران و عثمانی اعلم حضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنه دولت خوشنشان  
 که مکل الناس میبایند برسم هد به مصحح عصم افند معنی باشی برای اعلم حضرت شاهنشاهی یاد کار فرستادند بنده  
 مؤلف بمنصب پیشخدمتی حضورها پون سرافراز شد حکومت اسرآباد را بنواب حاجی کپورث میرزای ملک ارا مرحت فرمودند  
 چون میرزا ابراهیمخان مظفر الدوله سر تیپ اول در سیدسان خدمت کرده بود او را بمنصب امیر نومانان مفخر فرمودند  
 شب پنجشنبه چهاردهم ذیقعد الحرام ده ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشت آفتاب از برج حوت محل بخوبی بل کرد و سلا  
 خام و عام بخوبی و عید در حضورها پون منعقد شد خسته اطلال که برای کیند ما امینها امین عسکرین علیهما السلام  
 حسب الامرها پون ساخته اند در ماه ذیقعد بمأموریت علی رضا خان پشخیزت خاصه (جناب عضا الملک) حل جرایع  
 مثل نواب الامیر نفی میرزا حکمران ولایت خسته لایق کن الدوله ملقب فرمودند میرزا که مشغول به پیشکاری حمسه  
 سرافراز شد و ز پانزدهم ذیحجه الحرام موکبها پون بغیر سفر سعادت اش خراسان و زبارت ارض اقدس و سرکشی آن  
 مملکت از دار الخلافه باهره بقصد و شان یتیم نقل مکان فرموده روز بیست و سیم روانه مقصد شدند میرزا علیسه  
 پسر مرحوم میرزا موسی وزارت دار الخلافه و پیشکاری حضرت اجل الفخ والا نایب السلطنه مفخر کردید وزارت کرمان  
 مالک بحر و سیرت محمد قوام الدوله نفو بنفش علیقلخان نایب اول اجوزا باشه بمنصب سر تیپه دوم مباحی که بدین

خان سرتیگ نشان و حایل سرتیگ فرین افتخار کشت حاجی حسنخان شهاب الملک میرنومان بیک قطعه نشان امیرنومان  
و حایل آن سرتیگ کردید میرزا آقاخان نایب و هم و نازنخارجه باعطای بنای اول و نشان و حایل سرتیگ دوم و کفایت  
مهام خارج کردید با بجان سرفراز و مامو شد میرزا محمد علیخان کا دیرداز اول دولت علیه مقیم حاجی ترخان باعطای نشان  
سرتیگ سیم و حایل آن مفتخر کشت سپه سلطان محمد ملقب بشاهزاده جهان برادر حکمران جزیره کرد که جزیره ایست نزدیک  
بمد کا سکر واقع در جنبه افریقیه بد بارها بون آمده مفارن انتفاض موکب علی سفیر خراسان شرفیاب حضور مبارک  
و مورد تفضلات گردیده از جانب دولت علیه برای ستار الیه منزل و محتاج منزل معین شد حسنعلیخان وزیر بخار و  
ایمانی مقیم یار پس و میرزا سلیمانخان شاردن آفر و سایر اجزای سفارت احضار بد بارها بون شده میرزا پوسنخان سرتیگ  
سبب شاردن آفری مامو سفارت یار پس کردید و علیخان سرتیگ پیر مرخو حسنخان نظام الدوله بر دم کا دیرداز اول  
مامو اقامت نقلیس شد حاجی حسنخان سرتیگ ل سبب شاردن آفری مامو سفارت لندن کردید (چین) با وجود صد  
علای مذهبه ایجاد مدد سه بجهت تعلیم و تعلم السنه فزیک در یکن پای تخت (ژاپن) فرستادن برادر طبعون کسرتیگ با نوزده  
ساله با جمعی از معارف سبب سفارت در دربار دول فزیک انعقاد مجلس شود در آن مملکت امر پیا (اسپانول) شورش  
ایالت کاتالون و ساراکس هلاک پادشاه بر توغال با ملکه (اطرش) ملاقات امیر اطور فرانس با امیر اطور ایش در  
سالن بود که که پنجه ملاقات سبب خیال و سوظن غریبه برای دولت پروس گردید صدارت مسپوئست سبب سبب نامیر اطور  
درا اول نالیشان خبر فوئت برادر خود ماکس میلیس امیر اطور مکزیک را که بدست جمهوریان در کتر مکزیک بقتل رسید  
ملاقات امیر اطور با پادشاه با ویر ملاقات امیر اطور با پادشاه پروس در مملکت با ویر مسافر نشین یار پس و لندن (المان)  
دول خود حضور با ویر مایل بر این اند که وضع فشو خود را بسبب عساکر پروس نمایند و اتحاد معنو با او پیدا کنند  
ساکس و ورنیز که هم با ویر در این مسئله مختارند و پادشاه پروس با سبب سردار اعظم کل عساکر المان اعم از دول سما و  
خود پیش بلند ملاقات پادشاه پروس با پادشاه ساکس در در د پای تخت پادشاه ساکس افتتاح مجلس پارلیمنت گفتند  
بلکه پادشاه پروس بشخصه با حضور جمیع شاهزادگان و بعضی سلاطین و وزرای تمام المان قرینها بود که چنین مجلسی این  
برای هیچیک از سلاطین المان دست نهاده بود دولت المان بو حشمت اینکه مبادا الو کسانو بدست فرانس بپشتند با اتفاق  
با پروس سازش باطن نمودند و این سازش و دوستی باطنی که سالها مخفی بود آشکارا گردید و برای جنگ آینه با فرانسه که  
فریب الظهور میدیدند مدبر عساکر پروس نزال ملک و نزال رون و وزیر جنگ بعضی فواعد و فواین جدید ایجاد  
میکند و عدل نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت پادشاه پروس قرار داده بودند بشصت کرد و رسیده است و در  
هنگام صلح این شصت کرد و نفس پاید سپه هزار نفر فشو مسعود آماده داشته باشند (انگلیس) بروز خط و غلا  
در اغلب شهرهای این مملکت بنیاب اضطرار با هالی لندن در این فقره ندارد جنگ بدک دولت انگلیس بر ضد پادشاه  
حبشه نادر پروس که با وجود شورش داخل این مملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است برای تدارک این جنگ معادله کرده کرد  
تومان ایران استقراض میکند پروس و بر سپه سوار این فشو است تدارک این جنگ از هر جنبه کمال اشکال را داد  
زیرا که حمل و نقل آذوقه و قورخانه را بواسطه چهار پاپان با داخل حبشه نمود و در عبدالغفر بخان سلطان عثمانی  
و والی مصر با انگلیس در نالیشان (ایطالیا) عروسی وک داد و ستد پروس پادشاه در پروس و پست و دو سالگی  
از وایج او با یکی از جنای اهل مملکت (روس) استعفا پریش داد بان از والی کریم پالت منکر و داد از خفت خود را  
با انحضرت امیر اطور و سن برش که چاکت بلیغ صدارت عظمی ملقب کردید با وایج دختر کراندوک غسطنطین الکامیاد

میشی باعطای منصب سرتیگ  
دوم و نشان و حایل پرتین  
مباهات آمد میرزا معصوم  
خان کار پیر در خصوص دولت  
علیه مقیم

یونان بعضه فتوحات در بخارا (عثمانی) بعضه جوانها که از بجای مملکت بودند در جبال آزادی افتادند که اغلب آنها را  
 مجوس کرد و جلای وطن داد صدراعظم عالی پاشا و زار بخارا چه فواد پاشا مدتی غایت اعظم سلطان که بفرنگستان رفته  
 بود چهل روز شد شورش سخاها را فتنه و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها مسافرت عا پاشای صدر اعظم  
 رفتند برای اسمانک باغبان سرداری عمر پاشا بجهت ند میر باغبان نفویض لیت خدیو بوالی مصر عبو سفاین بخارا از نصر  
 سوئز شورش اهالی بلغارستان و آرام کردن آنها بر داشتن دولت عثمانی فتنه خود را از قلعه بلگراد سرقتنا (فرانس)  
 اعظم پاشا بطور نا پلین از برای جذب قلوب اهالی فرانسه بواسطه خطبی که از رجال دولت در مسئله مکن یک بظهور رسید  
 بود مسیو امیل الیوی بر آنکه یکی از وکلای دست چپ بود بسخت خود اسمانک داده و عدو وزارت باو میداد آزادی  
 روزنامه ها در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور در خطبه خود استعلا فتنه از وکلای ملت برای حفظ و حراست حد و  
 ثغور مملکت فرانسه مطالبید با حینا ط اینک مبادا دولت مجوس بجزایر پروس شود هفتاد هزار فتنه علاوه بر معمول حاضر  
 نمود و بعد از چنگ که اطمینانی حاصل شد در خزانه شدند تقار و ضدت کلی سعیت وکلای ملت با دولت در فتره مکن یک  
 در مدت شش سال که دولت فتنه بمکن یک فرستاد سصد شصت ملیان فرانک که معادل هفتاد و دو کرومومان پرا  
 مخارج بیفایده برای دولت بهر سپید مسیو طر مخصوصا با کمال شدت قباحات اعمال دولت را آشکارا مینماید افتتاح اکیسینوسین  
 عمومی در پاریس بود اغلب سلاطین اروپا سلطان عثمانی بیار پین برای نمائش اکیسینوسین از سلاطین که بیار پین  
 و نمائش این اکیسینوسین پامند پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا و پادشاه ایتالیا بودند هنگام بون امپراطور  
 روس در پاریس رسان فتنه که نا پلین امپراطور فرانسه بجهت شرفیافت سلاطین حاضر در پاریس که از جمله پادشاه پروس  
 بود در حوالی پاریس مبتدا قتل از وصو مبتدا مشق شخصی هستانی طیا بخره بطرف امپراطور روس خالی میکنند و اینکه  
 کولر با اعظم معظم مجوز رفتن امپراطور نا پلین نیز بت مملکت اطریش علت مزاج امپراطور نا پلین و رفتن ایشان  
 بیار پین یک از بناد فرانسه بجای شهرت اتحاد باطن دولت ایتالیا با پروس غلا و شعیران در پاریس و سایر بلاد  
 و شکایت نارضائی مردم از دولت در اغلب نقاط دولت فرانسه بواسطه عظمت پروس کمال خسران دارد و در صد اینست  
 که پان لوکسان بود که جز و پالاتان محسوب شده و لیکن سلطنت آجا با پادشاه هلانداست منصرف نکرد و اجرا  
 اینعل با برضایت پادشاه هلاندا پالاتان پادشاه هلاندا بحسب ظاهر تمکین نموده اما باطن پادشاه پروس را از این ماجرا  
 اطلاع میدهد تغییر سخت پادشاه پروس از این مقدمه و اتحاد دولت جنوبی و شمالی المان بیکدیگر بر ضد فرانسه همیشه  
 چارن طرف دولت فرانسه چه از طرف دولت المان علی الخصوص پروس (هلاندا) و بای سخت در اغلب بلاد (یونان)  
 مکن یک دولت مخفی و آشکارا مهاجر به فندی با بشورش نسبت بد دولت عثمانی مسافرت پادشاه بفرنگ و از فو  
 با یکی از شاهزاده خانمهای روس امریکا (اناثونی) ابتاع دولت اناثونی بعضی ارضی را که در حوالی این مملکت  
 دولت روس منصرف بود کسر عد فتنه بر روی بصری تقار و کرد و در ظاهر بی با انگلیس بواسطه حمایت از ایالت  
 جنوبی که باغی بودند مانند املاک سیم نکر اف مجری از طرف بد مجریه کوبا

۱۸۶۷ مسیحی

۱۲۸۳ هجری

اسیما (ایران) چنانکه در اواخر سال قبل اشارت شد موکب های بون روز بیست و سیم ذیحجه از دوشان تپه غزل  
 ها تون آباد نشرفترها شدت حضرت شاهنشاهزاده امجد والا نایب السلطنه حکمران دارالخلافه را در عنباب  
 موکب های بون بنیاب سلطنت کبری مخصوص فرموده جناب آقای مشوق الممالک بوزارت مالیه انتظام خزانه و



و صورت ایصال مالیات بر فرارند و سایر وزارتخانه های حلیله نیز بنیابن سابقه اسنان هر هان این سفر خیرت اند  
نواب سنبطاب مهمل علیا و جمعی از خادمان حرم جلالت و از شاهزادگان نجام ملک منصوب میرزا و سلطان احمد میرزای  
عضدالدوله و غیرها و از وزرا و چاکران بزرگ ملترزم رکاب علی جناب فرخ خان امین الدوله و افو شیر و انجان اغنضا  
الدوله و حاجی علیخان اعتماد السلطنه و محمد ناصر خان ظهیرالدوله و میرزا محمد حسین دبیرالملک و پاشا خان امین الملک  
و جمعی از مستوفیان عظام و امراء کرام و صاحب منصبان عسکریه و از باب صاحب خلوت ها بون مثل میرزاها شتخان امین  
خلوت و چچی خان اجودان محضو و غیرهم هستند و شنبه غره ماه محرم موکب ها بون تشریف فرمای لاسیجر کردید  
دویم محرم ششم سمنان شرف و دروزانی فرمودند روز پنجم از سمنان انشاهای فرموده تشریف فرمای آهوان شدند  
روز ششم از آهوان هفتاد فرموده بقوشه نزول اجلال نمودند روز هفتم امیرآباد منزکاه موکب ها بون نکریدید  
روز هشتم شهرامغان بمقدم مبارک فرزند روز دوازدهم محرم تشریف فرمای قره منان دوست شدند  
روز نهم فرزند ملاه مضرب چغام سلطنه کردید روز چهاردهم ساخت بسطام منزکاه موکب ها بون آمد در این  
وقت جهانشون میرزا جگوف شاه رود و بسطام منصوبت میرزا سید کاظم مشرفنا صطبل خاصه در بسطام بمنصب  
مشتوگری سرافراز شد روز هفدهم از بسطام بخیرآباد تشریف فرما کردید روز هجدهم فرزند امیرآباد منزکاه  
موکب علی بود روز نوزدهم تشریف فرمای منزل میامی شدند روز بیستم منزل میادشت مضرب چغام معطل کردید  
روز بیست و یکم از میان دشت بمنزل عیسی آباد تشریف فرما شدند روز بیست و دویم استرآباد مضرب چغام  
اردو ها بون شد روز بیست و سوم بمنزل داودزن نزول اجلال فرمودند روز بیست و پنجم از داودزن بمنزل مهر  
توجه فرمودند روز بیست و ششم قره بید منزکاه موکب ها بون کردید روز بیست و هفتم سبزوار بمن  
قدوم ملوکانه فرزند امیرآباد جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان از مشهد مقدس تا اینجا موکب اعلا را استقبال  
کرد چون ارک شهر سبزوار میرود و در خرابی می رسد ساپنده بود اینجا سپهسالار فرمودند که از امر مت نماید  
روز غره ماه صفر موکب ها بون از سبزوار بر باط زعفران تشریف فرما کردید دویم صفر از عفران بزمان آباد  
توجه فرمودند روز سوم صفر بنیسا بود بود و موکب منصوبت میرزا شدند روز هشتم از بنیسا بود بقدمکاه تشریف  
فرما کردید روز نهم تشریف فرمای پیرآباد شدند روز دوازدهم تشریف با دوزول اجلال فرمودند روز  
سیزدهم بجانب طرق نهضت فرما شدند در پهن راه در محل موسوی به پتیه سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والا جلالت الدوله  
فرما تفرمای مملکت خراسان و حاجی بها الدوله و سایر چاکران و اعیان خراسان بر رسم استقبال بتقبل رکاب اعلی نابل کردید  
روز چهاردهم موکب سعوی مشهد مقدس بود و فرموده ولدی الور و ذات اقدس ها بون بزبارت روضه مقدسه رضوی  
سلام الله علیه تشریف جنس جبهه مبارک را که علامت خاصه سلطنه است بحضور احترام پیشکش آستانه مشرفه حضرت  
فرمودند منزل خاص وجود مبارک در ارک مشهد بود و اردو معالی در خارج ارک سکنه گرفت و شرح جفرافیا و اینبه  
آثار ارض اقدس مفصلاً در جلد دویم مراتب البلدان موسوماً اثر السلطان نکارش بافته است و زشان روزهم  
خوانین و سرکردگان و صاحب منصبان خراسانی بنو سبب جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرزند سا کردید پند نیز میرزا  
سیخ سایر صاحب منصبان و سرکردگان ماندند و این بنو سبب اغنضا الدوله شرفیابی حاصل نمودند روز هفدهم  
وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را البک اجابت گفت و خاطر مهر مظاهر از این جهت منال کردید پند از استرآباد  
خبر رسید که مراد مملکت باستان بسمنان قلعه ناخته و با نواب ملکان اجنک در انداخته و جناب حاجی ملا رضای

بالجمله روز بیست و پنجم از بخارا  
آباد تشریف با دوزانجا با نواب  
و از ابون کعب بمشلاق و از  
مشلاق بمنزل پاده نهضت ملوکانه  
فرمودند و اینمیرزا اعطی  
و بتشدت خاصه مملکت حکیم الممالک  
کردید روز بیست و نهم به نیک  
نزول اجلال فرمودند

و پس العلماء را این جنک بدرجه شهادت فایز کرده و خود ملکا را با معدود در خانه آدینه خان که از خدمتگذاران  
دولت است محض کرده و محمد پسر نوایه مغزی الهه زخم کوله و شمشیر بر داشته و چون جمعیت نواب ملک آرا که و ترا که  
چندین هزار نفر اند پیش رفتی برای او شده است و ساعتی از شب فتنه چا پاری از دار الخلافه رسیده شده داد که  
نواب ملک آرا غالب تر که منفرم و ایشان پتی خود نواب معظم کشته شده است امیر شاهنواز خان سپر مرحوم سلطان احمد  
خان حاکم هرات با عبدالله خان برادرش و چند آندوسای علی کدائی و خورائی و دیگر طوایف افغان که از راه سیستان  
بجای مظهر الدوله بجهت شرفیابی آستان هاپون آمده بودند نیز بنفقات خسروانه میبایستی کردیدند و مبلغی در این روزها  
استحقاقی مشهود کرد و اعلم حضرت شاهنشاهی بدین واسطه فرمودند و جمعی را بوظیفه مستمری و اخلاص در جرگه دعا گو  
و آسوده نمودند سردار یعقوب خان و امیر پسر سردار امیر شیخ علیخان که بجزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود با تمام  
زرکان و اعیان هرات و افغانستان بنوسط ظهیر الدوله با رضو هاپون یافت و عرض پیشکشها نمود حاجی میرزا رضای  
مستوفی خراسان بلیق مستشار الملکه و جمایل و نشان از درجه دوم سر تپه سرافراز شد حاجی محمد باقر خان و کبیر طلیس  
عماد الملک لطف یافت و محمد حسینیان ولد مشا و الهه بمنصب سرهنگی نایل گردید روز هجدهم ربیع الثانی آستان عرض  
نشان حضرت رضو علیه السلام را و داع فرموده موکب معالی تشریف فرمای چمن فقهیه کردید روز نوزدهم  
کیلاست زول اجلال فرمودند نواب پیر و پیر میرزا حاکم سبزواری ملقب به پیرالدوله شده از خاکپای مبارک اجازه انصار  
مجل حکمرانی خود یافت روز بیستم چمن کو باغ منزله موکب معالی کردید و بیست و یکم ببلده رادکان تشریف فرما  
کردید روز بیست و یکم انرادکان بمنزل سوهانزول اجلال فرمودند روز بیست و چهارم بعلی آباد که اول خاک  
فوجانست تشریف فرما کردید روز بیست و پنجم فوجان بود در مسعود خسروانه مزین آمد امیر حسینیان ایلخانی  
شجاع الدوله لقب دادند و بابو الحسنی پسر مشا و الهه شمشیر کل مرتع مرمت شد بیست و نهم موکب هاپون تشریف  
فرمای چمن لیلی کردید روز غره ربیع الثانی بمنزل فیض آباد نزول اجلال فرمودند روز دهم ربیع الثانی شهر سبزو  
بور و مسعود شاهانه مزین کردید روز سیم منزل عبدالمصعب چغام شد روز چهارم بفرموده تشریف فرما  
شدند روز پنجم ربیع الثانی بلده بجنورد بمقدم مبارک مزین آمد چون نیمی ندمی ترا که طاعنه عیون و کلان  
مکون خاطر هاپون بود از اینجا جعفر قلچان سهام الدوله ایلخانی را با جمعی فسون ظفر عیون و سواره خراسانی  
و غیره را مامور این خدمت فرمودند روز هشتم موکب فبروز از بجنورد تشریف فرمای فرموده کردید و نظم  
از فرموده بجهت ایستادگی اجلال فرمودند روز نهم چهارده ستیخام معالی کردید در غالب نقاط خطا پناه منفر  
شد فراوانخانه ها و قلعه جابنا نمایند روز پانزدهم موکب معالی بجای تشریف فرما کردید روز سیزدهم از جاجو بقریه  
ایور و دره تشریف فرما شدند روز چهاردهم نزدین مقدم مبارک مزین آمد روز شانزدهم موکب هاپون از نزدین  
بکاشی در نهضت فرما کردید در این منزل اغضا الدوله بحکومت استرا با دسرافراز فرمودند و نواب جهانسوز میرزا  
بنیابین جناب ایشان مجلا با استرا با د رفت و نحو اغضا الدوله از منزل خوشن بیلاق از حضور هاپون مرخص و روانه  
مفر حکومت شد روز هفدهم بیلا و مرتکاه اردو هاپون کردید روز هجدهم از بیلا و رنجوش بیلاق از نهضت فرمودند  
امیر حسینیان شجاع الدوله بجلعت هاپون سرافراز و اجازه انصاران مجل حکمرانی خود یافت روز نوزدهم از خوشن بیلاق  
بکلان ریج بسطام تشریف فرما شدند چدر قلچان سها الدوله بجلعت هاپون و نشان امیر تومانی سرافراز و رخصت  
معاودت بجنورد یافت روز بیستم از کلان ریج بکمره و قلعه نونهضت فرما شدند روز بیست و یکم بقریه ابر سیج

و بیست و یکم و فتنه از هرات شجاع  
بیت غصه و روانه کردید بعد از تا  
صبح روز چهاردهم بر لاجقه هرات که  
ناخن زبانه از هزار اسب و دو سب  
نیز اسب و الجوز باد بدست آوردند

بسطام نزد اجمال فرمودند روز بیست و چهارم بناش شریف فرما شدند روز بیست و پنجم شاهکوه مضر جناب <sup>کرید</sup> معنی  
روز بیست و ششم چهارده کلانتر لکاه اردوی هاپون بود روز بیست و هشتم مجسمه علی و امان شریف و ملازمت  
غره جمادی الاولی شریف فرمای سرخنده شدند روز دهم فولاد محله مضر جناب مبارک کردید روز بیست و نهم منزل  
خوند توجه فرمودند روز چهارم شریف فرمای اسرا ن شدند در این منزل از دار الخلافه خبر رسید که ناخوشی و بیا  
در ماه ربیع الاول اشتداد داشته و ناروکی هفتصد نفر تلف میگردد است اینک تخفیف کلی یافته و اسمعیل خان  
خران در نظام با نیر خرد رکن شده با کجده روز پنجم کور و سفیدتزل اجمال فرمودند روز ششم اردوگاه هاپون  
بسمت شورستان و جلگه فیرز کوه استفاض فرمود روز هفتم تنگه و اشی مقر اردو معلی کردید بچرخان و نزال  
اجودان مخصوص و هاپون بکلی طره نشان و جابل از درجه امیر تومان سرفراز شد آقا علی آشتیانی پیشکش  
خاصه بلفاضلین خصوصاً مکتوب کردید علی رضایان فاجار پیشکش من خاصه که حامل خسته شایسته اطلالی کبند مطهر امامین  
هاپون عسکریین علیها السلام بود بعد از انجام این ماموریت بزرگ مراجعت کرده در اینجیل بخاکای مبارک حضرت  
شد روز یازدهم بقبر شریف فرما کردید و دو روز دهم بمنزل ارجمند و در این منزل میرزا علیخان پیشکش  
و پیشکش حضور هاپون منجم کردید مرخص روانه دار الخلافه شد روز سیزدهم بزرگ شریف فرما شدند روز  
چهاردهم بکریه انکار و روز پانزدهم بجاک لاریجان توجه فرمودند روز شانزدهم چشمه لایح ماوند بقدم  
مبارک فرزند کردید روز نوزدهم بسمت مبارک آباد ماوند حرکت فرمودند از فرار عرضة محمد اسمعیل خان وکیل  
الملك حکمران کرمان و میر علیخان حشمتی الملك امیر فایز و سید شایسته نادر علی را که التفت و دهر همدان و از طریق عسکر است  
فشون ظفر نمون بعد از محاصره و محاربه از ابراهیمخان بلوچ التراجع نموده و منصرف شده اند روز بیستم برستان محال  
لواستان تزل اجمال فرمودند روز بیست و یکم لیمان و کار و رود جاجرود محل اردوگاه هاپون بود یکشنبه بیست و دوم  
جمادی الاولی بالین و استاده وارد سلطنت آباد کردید در روز دهم جمادی الثانی شریف فرمای قصر و شان پته  
کردید روز پانزدهم شهر دار الخلافه بمقدم بیست و ششم مقدس مرتزی کردید جناب آقای مستوفی الممالک در این روز بر پشته  
وزرا سرفراز و باعظای فلان مرصع و جیه ششم الماس که از علامات این منصب جلیل است مقرر کردید حضرت شاهنشاهی  
اعظم و لبعهد دولت علیه ایران فرمای از دریا بجان و حضرت شاهنشاهی اعظم بین الدوله حکمران اصفهان  
بدر بار هاپون اخضا فرمودند هر دو این سال سیل عظیم در دار الخلافه آمده بعضی اندک بیوفات و آخراب کردید میرزا فخر  
مشیر لشکر لقب امین لشکر یافت بنشان سرتیپ از درجه اول با جابل آن سرفراز آمد میرزا علی اکبرخان اجودان باشه  
تو بخانه بنشان و جابل سرهنکه معزز کردید میرزا حمید الله لشکر نوسر ملقب مشیر لشکر شد چون در عراق عرب ناخوش  
طاعون روز کرده حکم شد در سرحدات فرانسن بکنار وند وزارت خراسان را بعهده جناب ظهیر الدوله واکنار و وکالت  
آن ایالت را بپا شاخان امین الملك مفوض فرمودند حاجی میرزا محمدخان بلیغ محمد الملك بلیغ بنصب جلیل منولیا لشکر  
حضرت امام ثامن علیه السلام سرفراز کردید حکومت بلوک خوار مجانب بر الملك و مقام فیرز کوه و ماوند میرزا هاشمی  
امین خلوت واکنار شد پیشکاری حضرت شاهنشاهی اعظم و لبعهد دولت علیه کارگزاری ملک آذربایجان را بنوا  
والانضیر الدوله واکنار فرمودند امین لشکر مجبه رفق و فقا امور مالیاتی و رسیدگی بکار نظام ماوند آذربایجان  
کردید در ماه جمادی الاخره در نبر هفت شبانه روز مجیش عروس حضرت شاهنشاهی اعظم و لبعهد دولت  
علیه باصیبه در حرم میرزا بقحان انا بیک اعظم از نواب علیه عالیة العز الدوله اشغال نمودند میرزا عیسی و زهرار الخلافه

بکامله

بکفطه نشان نمائالها بون سرافراز آمد محاسبه دار الخلافه طهران و نواب را بعهدت میرزا علیخان معاون الملك  
 واکذا فرمودند مدرس دار الفنون ترقی کلی کرده و کتب مفیده علمیه با د معلمین و متعلمین ترجمه و تالیف کرده اند  
 مجدداً سید علیخان وکیل الملك حکمران کومان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و در پیشانیان شهاب الملك امیرنوما  
 بحکومت کرمان منصوب کرد بد جناب سید و بون پرویز پرخار و ابلیجی مخصوص و زلف فرانسه مامور با فامند دربار دولت  
 علیه با نشر بیانات وارد الخلافه شدند نصرالله خان سر بزین بنور کخانه با عطای بکفطه نشان سر بزین و حاجابان سرافراز آمد  
 نواب حسینی را بحکومت عربستان و بر وجود منصوب فرمودند میرزا سید حسین سر بزین در چایارخانه به پیشکاری گشتا  
 بر فراز کرد بد چون جمعیت آبادی دار الخلافه نهائیش رو باز باد نهاده و شهر کینا پیش جمعیت حاله را تاراد مقرر فرمودند  
 که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران بکهر او و هشتصد ذرع و از سب جانب دیگر از هر طرف بکهر از ذرع و سعت  
 دهند و کمال این امر را بعهدت جناب آقای مشوق الممالک میرزا علیش زبرد از الخلافه موقوف فرمودند و روز یکشنبه  
 یازدهم شعبان شروع با این امر فرموده حضرت تین سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی کلنگ بر زمین زده حضرت مجد شاهنشاهی  
 والا نایب السلطنه نیز اقتدا بوجوب مسعودها بون کرده کلنگ بر زمین زدند از آن پس مامور بن حضرت خلد مشوق کردند  
 دور این شهر مختصاً فرستاد و نیم خواهد شد و دروازه دروازه مقرر است که ساختن شود و از این روز شهر طهران  
 موسوم بدار الخلافه نامی کرد بد نواب الامتعالی دولت فرهاد میرزا بنشان امیرنوبانی سرافراز شدند آقاخان جلالت  
 که چندین سال است که در صفات هندوستان مشرف میباشد سلسله نخبه و بلک کردن بد و بار معدله اندازند  
 همدان سال بنای عمارت مبارکه شمس العماره که به پنج مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت  
 اتمام یافت و دروازه مبارکه ناصر در اینهای جنابان ناصر تپه نیز بنوی تمام بدن پرفت میرزا محمد صادق فایم مقام  
 به پیشکاری حضرت مجد شاهنشاهی زاده والا و بجهت دولت علیه و زان آذربایجان بر فراز کرد بد که حسین میرزا  
 حضرت شاهنشاهی زاده اعظم والا در ملازم ایشان روانه آذربایجان کرد و نوابی حضرته الدوله را بحکمران  
 فر و بن منصوب فرمودند را بن او ان ایام هفت با اشاره علیه بنو مخصوصه بمشغله و لکنی گشت محمود آقای تهرهک  
 و معلم پایه نظام سربهنکه فوج خلق قم سرافراز کرد بد میرزا اسحق خان بمصیبت کاد چندان ای دوزخ الروم مامور شدند و در  
 چهارم سوال موکبها بون عزیمت شکارگاه مسبله و زبارت بقصر عنزوه حضرت معصوم فرمود حضرت شاهنشاهی زاده  
 اجل اعظم و بجهت دولت علیه ایران را اجازه انصراف بحکمران خود داده روانه آذربایجان شدند و فایم مقام که بریا  
 و پیشکاری آذربایجان بر فراز شده بود در خدمت حضرت معظروان کرد بد نواب الامتعالی الدوله را بحکمرانی کرد نشا  
 و سرفراز استر اباد بعد از نظم اخذ و در سر کشته نمازندان بجاکای مبارک مشرف شده بنشان امیرنومانی سرافراز کرد بد  
 میرزا فتحخان صاحب دیوان بوزارت حضرت مجد شاهنشاهی زاده والا امین الدوله بر فراز و در خدمت حضرت  
 معظروان و انصفاً شد میرزا کاظمخان للرباستی مرحوم جلالت الدوله بنشان و حاجابان درجه اول سربهنکه نابل آمد  
 حاجی محمدخان پسر مرحوم وکیل الملك بمصیبت پیشخدمتی منقحر شد میرزا سید کاظم سر بزین در صند و نجانه بمصیبت اینها  
 سرافراز گشت علیقلی میرزا صادم الدوله و لدنواب عمار الدوله بنشان و حاجابان امیرنومانی سرافراز کرد بد علیقلی  
 نایب وجود با نایب بکفطه نشان از درجه دوم سر بزین و حاجابان امیرنومانی سرافراز کرد بد امیرنومانی سرافراز کرد بد  
 نوبت بمصیبت لشکر نو سید بر فراز کرد بد روز بیست و پنجم در بقعة الحرام چهار ساعت و دو دقیقه از طلوع آفتاب گشت

الدولم

از نفره بدست مبارک

روز بیست و دوم سوال موکبها بون  
از شکارگاه مسبله هم معاونت فرمود

مهر خجاناتا از برج شوخیل تحویل نمود و سلام خام در نا اراجدید شمس العاره در پیشگاه حضورها بون منعقد کرد  
 چو خان اجودان مخصوص بلیغ بنیل معتمد الملک ملقب گردید میرزا زمان بمنصب کلانتری شهر دار الخلافه سراز شد  
 عبدالرزاقخان سرهنگ فوج خرفانی بمنصب ریئی فوج مزبور نایل آمد چون میرزا ابراهیمخان مظفرالدوله مرحوم  
 شد منصب سر ریئی فوج حسنیه با قاضی خان پسر مرحوم مرشد فرمودند اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را بمراتب محمد  
 خان افشار واگذار نمودند روز آخر ماه ذیحجه بکوشجه ترمه کشته شد و در مکه با قوت و الماس که مخصوص وزیر  
 اعظم و شخص اول است بجناب اهل آقای مستوفی الممالک مرشد فرمودند با سخاوت شجاع الملک ملقب مظفرالدوله کردید  
 دو فوج حسنیه پانصد سوار آبخارا ابوالجمع حاجی مهر علیخان شجاع الملک فرمودند استرا با دو مازندران و شاهرود  
 و بسطام که حکمرانی اعضا الدوله مفر است از فرار دبل توآب برای آن ولایات تعیین شد

(حکومت مازندران با اعتماد الدوله پسر اعضا الدوله به پیشکاری حاجی میرزا چو خان سر ریئی فروری) (بنای حکومت استرا با  
 بچ علیخان بکلر بیگ و اگذار شد) (بنای حکومت شاهرود و بسطام بچ حسینخان پسر شرفخان و اگذار آمد) (اقاضا  
 منار غم بخارا با امیر شرفعلیخان و فتح بلخ بدست امیر شرفعلیخان (چین) فرستادن بکشته از رجال دولت بیست  
 سفارت با غلبه بلاد فرنک بواسطه شخصی بنکی بنانی (زاین) جنگ و مشورتش در داخله خیال عامه اینست که مباد که  
 پادشاه حقیقی است بدین مداخله طبقون مستقلا بامور سلطنت برسد و دست بردن بچوسه العینی بخجای ممکن  
 غلبه هواخواهان مباد بر هواخواهان طبقون آسویا (اسپانیا بول) شورش را باالت گرنادان رضائی مردم  
 از دولت خارج این ابل ملکه همیشه خود و شوهر را باهام سازش یا عیان ضلالت سردارهای فسون با ملکه برود  
 کینه عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استغنا با ملکه ایجاد و تشکیل دولت موفقی بر پاست سر تانه اهالی اسپانیا  
 در صدد این هستند که وضع دولت با جمهور فرار بدهند خرج دنگار لرس که یکی از اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی  
 اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب کنند و وضع جمهور را قبول ندارند شناختن دولت  
 انا توفی جمهور اسپانیا بپوزا و بعد از آن شناختن تمام دولت مند جا این جمهور را بر دوشورش در جزیره کوبا متعلق  
 با اسپانیا که همین شورش مقلد بک جنگ طولانی خونریزی شد که در آنته ذکر خواهیم نمود فرار ملکه از ابل بملکت فرانسه  
 و پناه یافتن در آن مملکت (اطریش) عدد فسون تمام مالک اطریش در حالت صلح ششصد هزار مفر شد (المان)  
 کوشش پادشاه پروس و مسپوینر مارک صدر اعظم در اتحاد و اتفاق دولت المان آنها پادشاه پروس را بر پاست خود

و شناختن

افزایشن مجسمه لوزر رئیس مذ هی پرستان المان در حرس با حضور پادشاه پروس هیئت جنگ پروس فرانسه  
 با کمال دقت و سختی در المان دیده شده است خیال میباید بگری دولت انگلیس را مابین پروس فرانسه که بلکه اخرازی  
 این جنگ فربها الظهور بشود اغلب وز نامه ها المان نمیستند (انگلیس) صدارت پسر ایشلی شورش و انقلاب  
 سخت در آتلند استعقاد پسر ایشلی بعد از چند ماه و صدارت کلاد سنر رئیس طایفه دیک فتوحات فسون انگلیس  
 بسرداری نیپه در حبشه با وجود مخاطر و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت در حوالی ماگدالای پای تخت حبشه  
 پیشتر عساکر انگلیس بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند با آخزه در واسط عمل پورش پای تخت برده بخارا  
 فقرت نموده نادر پادشاه در بین جنگ خود را بدست خود کشت نیپه سردار بعد از این فتح بلیغ کردی نامیده شد  
 اخراج نعلک هاربتی و نوبه هاری در مملکت انگلیس قبول کردن دولت این اسلحه و تقسیم نمودن آنرا بفسون خود (ایطالیا)  
 از دواج و بجهت با صید و کد زین موسوم مبارک گریب طغیان کوه آتشفشان انا (پرتغال) ضلالت مردم با بیکر

در مسئله

در مسئله اتحاد اسپانیا بول و پرتوغال و نفوذ سلطنت اسپانیا پادشاه پرتوغال (دنا ریک) ازدواج و بعهده بندگی  
 بادختر پادشاه سوئد (روس) دوچار شدن ایالات شمال بخت و غلا و برودنا خوشی طیفوس در فلاند نفیس  
 تهر برعینا کرد و من قو حات در ترکستان بخارا فتح سمنند بدست نزال کفان (سویس) طغیان در دخانه ها که  
 از کوه آلب جریان دارد طغیان آب در کجاچه خرابی اغلب آباد بها انقلاب مال و آدم زیاد و در سید خسار زبرد  
 زباده از سر کرد (عثمانی) فل والی سربیشل در کرد شکه خارج شهر بلگراد و نصب میلان برادر زاده او بیست چهار  
 سالگی شورش سخت در جزیره فتک حرکت یونانها بر ضد عثمانی در خاک دولت فزک در کار یونان و عثمانی صد در فرما  
 اعظمی سلطان که ولایت عهد حق میر خدیو است برخلاف قانونیکه رسم بوده که ارشدا و لاد بخلافت میر سپید است  
 (فرانسس) شورش آشکار بعضی شهرها بد ولت بعد از پانزده سال امنیت و آسودگی اغوا نمودن شورشبان مردم با بوا  
 و روزنامه و غیره نطقهای سخت و خطبه ها خشن در مجلس کلا از جانب صیوطه و ژولفا و در نفیس نفیس موسو بشاسپو  
 بشون فرانسس با کمال عجله فوت و الفسکه از معارف و گذشتن رسنه معلم معروف علم موسیقی فوت بارون متر بجل در  
 سن هفتاد و شش سالگی در عالمی که اول شخص با مکت مردم دینا بود **افریقا** (مرغش) افتداری سلطان سپید مو  
 مجد با عنگری بعضی ایلات عرب خاصه طایفه طهر و غارت اطراف شهرها بر و زبای سخت در میان انطا بغه و پراکنده کرد  
 انطا بغه **امریکا** (مکزیک) شناختن دولت نا توئی دولت جهو و مکزیک با بریاست و ارز (پنکی د بنای جنوب)  
 بر و زبای سخت در این ملک منازعه سخت بر زبل پایاد گای بر و زحای نزد در مملکت پر و زلزله سخت در پانز انبسا  
 در اغلب نقاط و زمین و بواسطه این زلزله در حوالی کالفرنی و شیل طغیان آب در پاسید جزایر اغلب آباد بها و

هلاکت مردم کردید

### سده ۱۸ مسیحی

### سده ۱۱ هجری

**اسپانیا** (ایران) از ابتدای اینسال ذات بهمالها یون بشعم مکارم و مزاحم شاهانه در باره خاص و عامتو  
 بود علی رضا خان پیشخدمت خاصه خصوصاً یون ملقب بعبدا الملک کرد بدو اب موئیدالدوله به پیشکاری و کارگذاری  
 مملکت آذربایجان مامور و با عطاء جیه شمشیر در مفتح کرد بدند سر دار کل عزیز خان و زربچک با عطاء بکر شش جابل  
 لوی از درجه اول امیر یونانی سرافراز آمد نواب شاهزاده محمد امین میرزا بر حسب شندگان نواب اعضا السلطنه و زهر علوم  
 بیانی ملا و تو دیگران مفتح کرد بد جناب ضابک و زربچکار و لک عثمانی مامور افتاد در بار دولت علیه و اد  
 دار الخلافه شد نواب حسام السلطنه قنقرهای مملکت فارس بک راس است خاصه با براق مرصع جواهر نشان مفتح کرد  
 کا طحان سر نیب غضب فرانسوا ششگری سرافراز آمد رفیق فلجان فولر افاسی با شتی بمنصب کشیکی با شگری مباحی شد  
 جلد فلجان پسر مرحوم محمد و فلجان فاجار از اجزای دیوانخانه کرد بد بخلعت هما یون سرافراز کشت حاجی بها الدوله  
 به بیکر بیک کری نیز بر فراز کرد بد موکب هما یون از مفتح خلافت عزیمت پلا فالار و غیره فرمود مسبوکا شکمهد  
 عساکر بیادش ساختن راه هزاریم مازندران بلفجانی سرافراز آمد هم در این افات شاهنشاهزاده معظم  
 جلال الدوله حکمران خراسان داعی حق و البیک اجانب گفتند در بار دهم جادی الاولی <sup>مکمل</sup> از پلا فانت بقصر سلطنت  
 آباد مرا حین فرمود شیب یازدهم جادی الاولی تقریباً پنجساعت از شب گذشته زلزله شد بیک در طهران و کاشان  
 و فر و زکوه شد حاجی فلجان اعتماد السلطنه و الد مؤلف در سلخ ربیع الاول داعی حق را اجانب گفت و شرح  
 لحوال امر حوم مفصلاً در جلد دوم مرآت البلدان موسوم بآثر السلطان نکارش یافته است عبدالدوله امیر

اصلاً تاجان حکومت کپلان منصوب آمد نام قلیخان نایب الحکومه خسته ملبغ عبد الملک سرافراز شد نظر بمراتب  
 نزفیات و مراسم غالب حضرت شاه شاهزاده اجداد فخر و الا نایب السلطنه ایشانرا بمنصب جلیل و لقب نایل سرداری کل  
 قشور سرافراز و باعطای بکتوب سرداری و در مراد پد شمس مرصع بکفینضه شمشیر مکمل بالماس و بنای نری بباهی  
 فرمودند و نواب چشمه الدوله بنیاب اول و ذوات جنگ و مرافقت در انشقاق و انتظام امور لشکر مامور بکتوب  
 سرداری شمس مرصع مقرر کرد بدند امارت و ریاست نوبخانه مبارکه و امر بدینا بر مشاغل انوشیروانخان اغنضا  
 الدوله فرموده بکتوب سرداری شمس مرصع مغزی البه فرمایا افتخار آمد و خان خانان پسر اغنضا الدوله بمنصب  
 نظارت و خوانسار لاری درجه اغنضا صرافت جناب میرزا محمد حسین پسر الملک عینیت متولیا ششگری حضرت رموز  
 سلام علیهمه سرافراز آمد علی صاحب خان عضد الملک بمنصب خاندان مهر مهر آثار درجه افتخار یافت عبد العلیخان نایب  
 الملک پیشخدمت خاص بمنصب جلیل وزارت و وظایف او فاق مقرر کرد بد حاجب الدوله محمد خان حکوم مشرفین خلعت  
 هابون سرافراز شد مسجد ملک در بلبل کرمان که از بناهای قیام و درین جعفر بیک بن میکائیل بن سلجوق است صاحب الامر  
 باهنام شهاب الملک حکمران کرمان بتمیز شد مدرسه نیز با بر جلید کرمان بجهت نلامه جناب حاجی سید جواد مجتهد  
 کرمانی از نوسا خنده اند میرزا سید حسین وزیر کرمان بمنصب استیفا و خلعت هابون نایل شد و در هشتم رجب در  
 مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرموده مرابرت بر مفاخر بک مشهور و با انعام شاهانه سرافراز کرد بدند انوشیروان  
 فرار و نریب جلال الدوله در امر قشور نظرمون داد ندکه عینیت بر انظامات کلیمه و منیع ترقیات آینه بود میرزا کاظم خان الله پاشا  
 مر جو جلال الدوله بمنصب استیفا از درجه چهارم نایل گردید با قاسم ابوطالب و ضه خوان ملبغ بعد از انکه کرین شد  
 میرزا محمد رئیس دفتر و زان بخارجه بنشان شهر و خور شد از اول سر نیبه و حاجی ان عفتی آمد حاجی رجب علی خان  
 سر نیب نوبخانه بر پاسن کل نوبخانه از ریایجان بر فراز کرد بد جناب میرزا حسینخان مشیر الدوله از درجه وزیر بخار  
 و ابلی کبی مخصوص اردنقا و بنفوی بفر بنه سفارت کبری اعلا داده بکتوب جیه نریه شمس مرصع خلعت فرمودند  
 جناب علاء الدوله رئیس قدرخانه را باعطای نشان مثال هابون سرافراز داشتند جدید قلیخان الیجا  
 سهام الدوله بر سر ترکان طاعنه خلد و خراسان ایلغار و بعد از جنگ سخت آهار اندام و بنیبه کامل نمود  
 نواب مؤید الدوله پیشکار آذربایجان بکفطه نشان امیر نوپانی فرزند افتخار آمدند علاء حسینخان پسر مرحوم  
 علی قلیخان انجود انباشتی بهین منصب سرافراز کرد بد این ارفاق اغنضا الدوله داعی حق و البیک اجابت کشته حکومت  
 استر اباد را بهمه اعتیاد الدوله فیو انم روم و اگذار فرمودند و محمد علیخان بیکر بیکه بنیاب حکومت استر اباد  
 بر فرار کرد بد و عین الملوک پسر بکر مرحوم اغنضا الدوله بمنصب نظارت و خوانسار لاری و لقب عین الملک سرافراز شد  
 و حاجی میرزا پچی خان کافی السابق بنیاب حکومت هان دران مباحی میباشند نواب بهرام میرزا مغز الدوله حکمران  
 ولايت لرستان و بر وجود و اعطای بکتوب جیه شمس مرصع سر بلند آمدند و میرزا زک مسنون بوزارت نواب مغزی  
 البه خلعت هابون نایل آمد نواب الافرها میرزا معتد الدوله حکمران کرد سنجان بکفطه نشان امیر نوپانی  
 مکمل بالماس فرین اغنضا کرد بدند علیخان پیشخدمت خاص بمنصب نوبلاری و جوه نظام سرافراز آمد محمد  
 مهدیخان که بمنصب کشیک باشی مسبق بود مجدداً با این منصب مقرر گشتن این اوقات مجدداً شجاع الدوله امیر  
 حسینخان شاد لو و جدر قلیخان سهام الدوله الیجانی زعفران لود و همای انک اخل بر طایفه نکه مردی اخل  
 نشین ناخه بکلی اینطا یفه طاغیه موهوبه بلکه نابود نمودند انشتام الملک پسر مرحوم اغنضا الدوله و جوه

خلعت هابون

کاشان

کاشان سرافراز آمد سلیمان سر نیا اول افشار حکومت و سرداری استرآباد سرافراز کرد بدین سرافراز علی اکبر خان  
ازاداره و زیر عاوم بنای حکومت طلا بر و تو بیکان و لقب مغرب الخافانی و منقر کشت نواب چشمه الدوله نایب زیر  
جنک بلقب جلیل امیر جنگ درجه اختصاص یافتند میرزا عبدالرحیم خان و زیر بخار دولت علیه که مقیم بطرز بونغ  
بود ملقب بسا عدل الملک شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک بحکومت همدان منصوب گردید محمد تقی خان افشار  
پشچود من خاصه امیر خوراصطبل تو پچانه بکفقطعه نشان دویم سر نیب و حاجیان سرافراز آمد روز شنبه  
ششم پنجمه ساعت سید فقه و چهل و سه تا پنه از روز گذشتن نیر اعظم از برج حوت بجل بخوبل نمود و سلا  
خاص نالار شمس النجاره انقضاء یافت حضرت شاهنشاه هزاده انجم اکرم والا نایب السلطنه را بمنصب جلیل و لقب  
نبیل امیر کبیر درجه امین از عنایت با عطاء یکتوب سرداری شمس مرصع و بکفقطعه کل کر مکلک بالباس با همی فرود  
نواب چشمه الدوله و حکمرانی مملکت خراسان منصوب و عزیز بخان سردار کل کافی السابق سرداری کل نظام و غیر نظام  
سرافراز کرد بدین محمد آقای سر هنک نایب اول سفارت دولت علیه در دربار دولت انگلیس با عطاء یکتوب سر نیب  
از درجه سیم حاجیل مخصوص آن سر بلند آمد که مجلس ما موریت خود روانه کرد بدین میرزا محمد علی خان اصفهانی شمس  
الشعر امر حوم شد (ز این) اجرای قواعد و فوائد جدیده اجازه دخول فرنگیها را غالب بنادر فرار دادن شهر  
پل و راه سما پای تخت دولت سفرای فرانسه انگلیس ایتالیا و هلاند و پروس و انا تونی در این بای تخت فرود  
سفرانخانه خواهند داشت اجمار مجلس شورای دولتی که اجزای آن تمام دپوشها (یعنی نجبا و اعیان) هستند  
امر پیا (اسپانیول) بنایب سلطنه اختیار کل دولت را رعیت بامثال سران گذاشتند شورش هالی  
کویا با کمال شدت و باو بند زدند در این جزیره شایع است انگلیس) مخارج جنک حبشه که مجلس کلایع ضمه  
داشتند بجهت کرده که هر لیره عبارت از بیست و پنجزار است سیده است فوت کرد در بجهت رئیس طایفه  
تور پهاد رس هفتاد سالگی (ایتالیا) تولد پسر و بعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را بشاهزاده  
ناپل (بشیریک) فوت و بعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی (روس) شورش طایفه فالوفی و قرقیز و  
تصرف نمودن آنها شهر اولار کس با در حوالی دشت و بعد از غافل نمودن فشتور روس آنها را پناه بردن آنها بخان  
چو نرسنادنا امیر بخارا سفر و پسر خود را بطور کردی و پسر زبورغ و کاستن شوکت امیر بخارا بواسطه تصرف  
روس تفریبا نصف مملکت او را و هر سال نیز مجبور است بجهت مخارج جنک مبلغی بکار گذاردن روس شنیم  
نماید و پسر بزرگش نیز با او باغی است بختش اعلم حضرت امیر طور و نصیرت شمس را امیر پکا (انائونی)  
انتخاب رعیت نزال گران را بریاست

۱۸۶۹ هجری

۱۲۸۶ هجری

امیرا (ایران) در این سال امور ملک و دولت را از پر تو نظر عنایت سرکار اعلم حضرت افندس هاپون شهرت  
رونی بکال است حکومت اصفهان را مستقلاً بمیرزا فتحعلی خان صاحب دیوان مفوض و مغربی الیه را بخارجانی  
با عطاء یکتوب جبهه ترمه بولک و در شمس مرصع سرافراز فرمودند نظر بجهت مر جو محمد اسمعیل خان و کل  
الملک مرتضی قلیخان پسر امر حوم را بلقب کبیر الملک و حکمرانی کرمان و بلوچستان منقر داشتند مستشار  
ملک خراسانی بنشان و حاجیل از درجه اول سر نیب و پیشکاری کل خراسان سرافراز آمد میرزا خانلر فشت  
وزارت امور خارجه بکار گذاری مهمام خارجه کبلان و نشان و حاجیل از درجه سر هنک سرافراز شد شاهزاد



سام میرزا که از مدحت سرایان ایندولناست طبیب شمس الشعرائی سرافراز کردید نواب الانصره الدوله که با  
امور خان بر فرار بودند منصب پناخت وزارت جنگ سرافراز شدند لقب منصب میر الممالک بر حسب استدعا امیر  
دوست علیخان میر الممالک بامیر دوست محمد خان ولد مشارالیه در حین فرمودند علیخان پیشین من خاصه ملقب با همین  
صرت کردید آقاخان سرنیپا ملقب بمصفا الدوله فرمودند جدید الله خان سرنیپا اول نکابنی بلفظ مساعد الدوله  
سرافراز آمد علیقلیخان سرنیپا رئیس نلکرا فخانه همایون محمد و سر ملقب بمجنرال الدوله کردید میرزا حسینخان سپه  
مرحوم میرزا مسعود وزیر درویش و کتبخانه سابق بنایب امور خارجه یافت موکبها بون شریف فرمای شهر سنانک و فریب  
دونا و کچیر میباشد میرزا کچیرخان سرهنک قورخانه مبارکه بمنصب سرنیپا سرافراز شد علیخان سرنیپا کار پر از اول  
دولت علیه مقیم نفلین نشان و حاجیل سرنیپا سرافراز کردید میرزا مهدیخان منشی وزارت امور خارجه با عطا  
بک قطع نشان شیر و خورشید از درجه سرنیپا با حاجیل آن مباحی آمد موکبها بون دوز هشتم جاری الثابینه  
از شهر سنانک بسطنت آباد نزول اجلال فرمود جناب مسیو بکر که سمیت وزیر مختاری از جانب دولت روس  
مامور افتاد در بار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد آقا ابراهیم ابدار با شتی خاصه  
بلفظ امین السلطانی و خلعتها بون سرافراز کردید علیقلیخان سپه کاظمخان فراسباشی سرهنک فوج فخرمانیه  
شفای بر فرار آمد همد را بنسب افخ اورامان کردستان با هنام نواب الامتدا الدوله حکمران کردستان اتفاق  
افتاد و طوایف طاغیه اگراد که روزگاری در سرحد مابین دولتین علیین ایران و عثمانی بقطع طرق و بیاطاف  
ولایت کردستان عادت کرده بودند بنیهای بسزای بده مخدول و منقطع الشریک شدند بر تقوی قلچان و کبلا الممالک  
حکمران کرمان و بلوچستان با عطا بک قطع نشان شیر و خورشید با حاجیل از درجه اول سرنیپا فریب مفارقت آمد  
جناب حاج میرزا حسینخان مشیر الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول با عطا بک سرشنه حاجیل آید و بکرشنه  
بند کاغذ مرصع فریب اختصاص آمد نواب ضیاء الدوله با عطا بک قطع نشان شمالها بون سرافراز کردید بدجای  
میرزا بیچرخان نایب الحکومه مازندران بک قطع نشان شیر و خورشید و بکرشنه حاجیل از درجه سرنیپا مفتخر  
شد روز بیست و پنجم درجه صفتها بر مدرسه مبارکه دارالفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات آنها مشهور  
افتاد نواب اعنصا السلطنه وزیر علوم را بیکتوب سرداری شمس صاع سرافراز فرمودند چون مجددا بر اهلیان  
معار با شتی عمارتی جدید حسب الامر در جاجرد بنا نموده که بسند خاطر افلاس ملوکانه افتاد مشارالیه با عطا بک  
قطع کل کرد نشان و حاجیل از درجه سرنیپا سرافراز شد نصر الله خان سرنیپا فوج فرهاقی بلفظ نصر الممالک مفتخر  
کردید میرزا محمد علی مشهور ولد مرحوم میرزا محمد حسین عضد الممالک بصدور دیوانخانه شد حاجی شرفخان  
مستشار لشکر حاکم نرسین و نرسین بر حسب استدعا نواب چشمه الدوله حکمران خراسان بلفظ مستشار الدوله  
مباحی آمد حاجی محسنخان سارزداد فر دولت علیه ایران مقیم لندن با عطا بک منصب وزیر مقیم در بار دولت  
انگلیس بر فرار کردید محمد آقای سرنیپا که نایب اول سفارت دولت علیه مقیم لندن بود و بدار الخلافه با هر  
احضار شده بمنصب مستشار سفارت و خلعتها بون سرافراز و روانه محل ماموریت خود کردید نواب  
عماد الدوله حکمران کرمان نشان و نشان و نیاوند را احضار بدار الخلافه نمودند و روز عید فطر نواب  
معظم الیه را بفرستاد از درجه امیر نوبانی سرافراز نمودند کاظمخان فراسباشی ملقب با حاجیل الدوله کردید بدجای  
میرزا علی مشکوة الملك بمنصب کبیر العبابی کل ممالک محروسه بر فرار گشت دکتور طولوزان حکمباشی مخصوص

و هبل اموال

منزوره

حضورها بون بیکفله نشان نمائند مثال مبارک فرین افتخار کردید این حضور پیشیند من خاصه امام و نظیفان  
 و انظامات شهر دار الخلافه و حوالی فرمودند نواب هشتمه الدوله حکمران خراسان در ندر طواپفند که  
 اهتمام فرموده و فخری طبعه نظرن و فلهه موسوی بقوشه که از فراع بزرگ طایفه طایفه است فتح نموده اند غلام  
 حسنجان سپهسالار بوزارت علیسه برقرار و منصوب کردید چون بجهت برخی موارد سرحدیه دایره مابین دولتین  
 علیین ایران و عثمانی بایده کیستو از طرفین مامور و روانه سرحد شود میرزا محبت علی ناظم دفتر خانه وزارت خارجه  
 باعطای خلعت های بون سرافراز و بجهت مقصود فرمود مامور سرحد شد نظر آقا منصب شارژ دافری و اقامت در بار  
 دولت فرانسه خلعت های بون و نشان شیر و خورشید از درجه ستم سر تیپ با جا پیلان سرافراز شد میرزا عبد  
 نایب اول سفارت بلقیه خانی و مستشار سفارت برقرار کردید میرزا احمد خان نایب و هم سفارت بنیاب اول  
 نایب آمد بعضی بناپنها ای ندر حد و د فراع سرحد به اسرا باد با مرد و لشکر کردند میرزا کی پیشکار عربستان  
 و بر وجود ملک بیضا الملك شد نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا ابن خافان مغفور داعی حق و البک اجابت  
 گفت جناب شیخ عبدالحسین مجتهد نیز در عنایت عالیات بجوار رحمت الهی بسوخته و کب های بون روز یکشنبه  
 بیستم شهر شوال از دار الخلافه بعزم سفر خیرینا اثر کبیران انفاض فرمود در عنایب موکب مسعود شاهانه  
 حضرت شاهنشاهزاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبیر و جناب اجل آقای مستوفی الممالک بمهام ملاک میرداند  
 از وزرای عظام نواب عنقضا السلطنه و نیز علوم و وزیر امور خارجه طهرالدوله ملانزم رکاب علی میباشند  
 موکب مقدس و دوز در کن و دوروز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمود روز بیست و نهم شوال سفر آباد  
 مضر و جناب اجلا لکریدر بیست و هفتم بقیشلانی و روز بیست و هشتم بعید آباد و روز بیست و نهم سراسر  
 هزار چریک تشریف قدم از زانی فرمودند سلخ شوال بفرزین و غره ذیقغه از قرزین بقبریه آقا بابا و دویم  
 بقبریه بکندی و روز چهارم بدره ملا علی توجه فرمودند روز ششم بلوشان که اول خاک کیلان است محل اردو  
 های بون بود و روز هفتم اما برستم آباد تشریف فرما شدند بل منجیل بنو سبط جناب حاجی ملا رفیع مجتهد در کال استحکام  
 ساخته شده است و زدهم جنک اما مزاده هاشم و کنار رودخانه سعید رود بود مسعود شاهانه نیز  
 یافت و روز یکشنبه یازدهم شهر دار الخلافه در پشت با بقدر و م بجهت لزوم مبارک آرا شدند و در این روز نیز  
 قولی بکین جا که یاد گوید و نواب که از جناب اعلیحضرت امیراطور در و سن حاجی از حکام و صاحب منصبان فقهار  
 بنهیند و دو موکب افسر آمده بود بار حضور مبارک یافت و قوسو لهای دول مقابله فرانسه انگلیس که توقف  
 رشت بودند شرفیابی حاصل نمودند و علماء و معارف کیلان و لا بجهت در روز دیگر حضور مبارک نایل شدند  
 روز شانزدهم موکب های بون عزیمت انزلی فرمود مجد الدوله از حکمران کیلان استعفا نموده زمام حکومت این ایالت  
 را بیکفله جناب مؤمن الملك و زهر امور خارجه و اگذار فرمودند علماء و اعیان انزلی وارد بیل و غیره که در  
 انزلی شرفیاب شده بودند بجلا ع های بون سرافراز کردید پندرت نیزال قولی بکین بنشان نمائند های بون مکلان با  
 سرافراز و سایر صاحب مناصار و سوسو نیز هر یک بنشان و جمایل از درجه که در خور بود مغفرت کردید مرخص  
 شدند سبفا الملك حاکم طوالش بنشاستیر و خورشید و خلعت های بون مباحی امیر علی اکبر خان در بابیکه  
 بنشان سرهنک و خلعت های بون نایل کردید بلطفه الله میرزا سرهنک تو بچانه بنش و جمایل سرهنک سرافراز شد  
 نصر الله خان سرهنک خارج از فوج بنشان و جمایل سرهنک و شمشیر کل و نه طلا و حکومت کرکان رود مغفرت

منجیل و روز نهم

گشت

کشت امان الله خان بجکومت نالند و لاجب غیره و اعطای شمشیر تطلا سر بلند شد همچنان بجکومت شاندرمین شمشیر  
 نه طلا سرافراز آمد سایر اعیان و بزرگان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز بجو اطف شاهنشاهی مباحی گردیدند و  
 بیست و ششم از راه منکوده که کنار رودخانه مبارک آباد واقع است براه پیر بازار وصل مقیم و موکب همان بخارا  
 رشت گردید و روز بیست و هفتم علما و اعیان رشت و غیرهم را بجو اطف خلایع و انعامات ملوکانه قریباً اختصاص  
 مباحات فرمودند و در سلخ فوسولهای خارج را بخلاص قارزه و اشیا نفیسه معجز داشته شد روز غره شهر پنجشنبه  
 و السعاده از شهر دارالمرزا نهاض و عربت صوب دار الخلافه فرمودند روز پانزدهم مهر سلطنت کبری و دار الخلافه را  
 بقرت و م طبع لزوم شاهنشاهی دام ملکه زین کردید شب و شنبه هجدهم پیر اعظم از برج حوث بجبل خویلی نمود  
 سلام خاص در پیشگاه حضور اقدس انقصاد یافت همدارین سال حضرت اجل اکرم شاهنشاه هزاره کامکا  
 بین الدوله حکمران فارس بقیه جلیل ظل السلطان ملقب گردیدند میرزا رضا پیر مرحوم میرزا زین العابدین  
 منصب مشهور بی مباحی کشت میرزا شفیع منش و زارنکار جبه بلخ خان سرافراز آمد و میرزا کاظم خان ولد رضی خان  
 تاجار سیرهنکه نویی و تیم خاصه برقرار کردید همچنان در شهاب الملک که بمکه معظمه مشرف  
 شده بود عرض راه بر حنا بردی پو کشت آقا سید محمد باقر فرزند بی داعی حق زالبیک جانب گفت امر یا (اطرش)  
 مسافر تاپر طور اطرش جهت مشرق زمین که از راه رسحق و دارنا باسلام قبول و انانجا بونان و از بونان بتراف  
 و از انجا به بیت المقدس از این شهر بمصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز حضور بهم رسانیده بعد مراجعت بترک  
 نمودند انقصاد معاهده بخارته با پاشاه سپتام و خاقان چین (عثمانی) ختم نمود اعلا حضرت سلطان از اینکند  
 فرنگ دفع محاصره و از بابونان نمودند فوت فواد پاشا و ذرا مور خارجه در نرس از بنا در فرانسه تقوی حضرت وزارت  
 جنک بحسین عو پاشا که حاکم جزیره قندی بود بنوسط عالی پاشا صد اعظم مسافر ت والی مننگر و بدو اجازه  
 اعلا حضرت سلطان تمام فرنگستان و بر وسیه مراجعت نمودن بولا پت خود با پر نرس و الفرو که که یکجا از اجودانهای  
 خاصه امپراطور روس است مسافر ت والی افراغ بخدان نیز بفرنگستان و فرا وجهت با پر نرس الیزابت روس و پس خلد بمصر  
 که مغرور بالطان اعلا حضرت سلطان شده بود بدون اجازه و اذن با عالی در قاهره افتتاح مجلس شورا ایمنی بدین  
 بی خصت بفرنگستان سفر نموده سلاطین عظیم الشان را دعوت با افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز میکند (هشناد کرد  
 و در بیست هزار و هفتصد و هشناد تومان و در قران محتاج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و شش  
 فرسخ و یکصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و در این دو حطم پاشا عو خدیو و مصطفی پاشای برادرش که  
 از خواص اعلا حضرت سلطان هستند سعادت از حد پو میکنند بنا بر این صد اعظم عثمانی بخدمت پاشا آمد و مصر منو پاشا  
 که اول عده فسون خود را که کشتا بنا بر عده سفاین چنگه نفر اید تا هرسال کتابچه خرج و دخل خود را بایب عالی  
 اسلامو انقاد دارد در انجا بدو اعلا حضرت سلطان مراده بخارته و نیر پو لستیک با هیچ دولتی از دول فرنگ  
 ندانسته باشد خاصا بدون اذن اعلا حضرت سلطان استقرض نماید بالجه بعد از ده سال کار بریاستند در بنا  
 دلس فرانسو در هفتاد و نوا بر نسیال افتتاح نهر مجمع البحرین سوئز کردید حضور اعلا حضرت سلطان در شهر از راه  
 بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مزبور بجز شاهزاده ها خانواده انگلیس (فرانسو) فوت لامارتین شکر معرود  
 در واسط زمستان فوت مارشال پیل و زارت جنک ززال بولوف چون اینسال سال صد تولد ناپلیون اول  
 بود برای بزرگ و جشن در این خانواده ملکه و لجه مجریه کوس که موطن و مولد ناپلیون اول میباشد شهر  
 میکند

که شیخ عبد علی بود بعد از  
 گذشتن چهار ساعت و بیست  
 دقیقه و سه ثانیه صحیح

شدت مرض امیر اطرونا پیلو سیم و با بنواسطه هر چه مرجع اموزان خطبه نما شورش انکیز خواندن پرسن ناپیلو این  
اعم اعنصر ناپیلو بروز و باد رکال شدت در منصرفات فراختر در مایهین مسافر ناپیلو طرین مشرق زمین و حضور  
ایشان در مصر موفع افتتاح نهر مجیح البحرین (یونان) مخصوصه مابین ایندولت و دولت عثمانی که بدو از ابتدای شورش  
اهالی قند بود و نا این زمان امتداد داشت و بواسطه کجلیس کفر انص که در یار پس منعقد کرد بد مامونین دولت فرنگ که  
در آن مجلس جلوس نمودند رفع محاصره شد معدوم شدن شهر سنت فر بواسطه زلزله

سنة ۱۱۷۲ هجری

سنة ۱۱۷۲ هجری

اسیا ( ایران ) جناب مؤمن الملك که حسب الامر چند روزی در کابل ان اقامت داشت تمام انتظام آن ولایت را  
بر عهده میرزا عبدالوهاب جان نایب الوزاره ( جناب نصیر الدوله ) واکدار نموده خود بجاکای مبارک مشرف آمد  
حکمرانی نزد انواب حسام السلطنه نفوس فرمودند و امیرزاده ابو الفتح میرزا ( عوید الدوله ) ولد نواب معظم المیرزا  
میرزا محمد حسین مشهور بنیاد حکومت آنولایت در فتح خزان سردار کل بوزارت و پیشکاری آذربایجان سرفراز  
گشت میرزا ابو الفاسم معین الملك بمنصب متولیان شکر می حضرت رضو علیه السلام سر بلند آمد محمد قلیخان شاطر  
باشی ملقب بصارم الملك شد سردار باشی بدرجه سر بنی سیم و نشان و جامه آن نایل گردید نقشه راضی شهر  
جدید دار الخلافه ناصر راجع فرلیخان رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون و میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضه  
بابسته نفر مهندس کشیده بنوسط نواب اغضا السلطنه و ذبیر علوم بحضور مبارک برده بسده هزار تومان  
انعام سرفراز شدند مجدالدوله بمنصب امیر خور و اصطبل مبارک سرفراز گردید علی رضا خان عسکر الملك باعطا  
نشان مثال هابون درجه اخضا صرافت حکومت همدانرا منصب حکومت کرد نشان فرموده بنواب الامیر الدوله  
واکدار فرمودند و امیرزاده سلطان اوپس میرزا ولد نواب معظم المیرزا جان ایشان بجکومت همدان رفت افاده  
ملك البخار مرحوم شد آقا محمد کاظم ولد آن مرحوم بمنصب ملك البخاری ایران مقرر گشت علی بنی آن سر بنی فوج کزازی  
ملقب بصمصا الملك شد محمد حسین خان فرکوز لوسیر مرحوم علیخان نصره الملك بلقب حسام الملك مباحی گردید  
میرزا محمد حسین خان نایب الحکومه اصفهان ولد صاحب دیوان بنشان و جامه سر بنی سرفراز آمد حاجی محمد قلیخان آصف  
الدوله و ذبیر فارس بکفطعه نشان مثال هابون مباحی گردید امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب معز الدوله بنشان  
و جامه سر بنی سرفراز حاصل نمود میرزا ابوطالب خان نایب الحکومه لرستان مرحوم محمد حسین خان حاکم  
سمنان و دامغان بلقب اغضا الملك مقرر گردید و سنجان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومیه باعطای یک  
قطعه نشان از درجه اول امیر قومان با جامه آن قرین مفاخرت آمد و فوج خور از بنر علاوه بر سه فوج افتخار  
ابو ایچ مشار المیرزا فرمودند نواب اغضا السلطنه و ذبیر علوم بکفطعه نشان امیر نوابی مکمل بالماس با جامه  
آن درجه اخضا صرافت میرزا سید احمد مشهور بجکومت ولایت عراق منصوب آمد میرزا علیخان مشهور حضور  
و نایب اول و ذراتجا حبه ( جناب امین الدوله ) بنشان از درجه ثانیه خارجه مباحی گردید بدو بنده مؤلف بلعطا  
بکفطه کذا مکر مکمل بالماس سر بلند شد میرزا سید ابراهیم سر شد در مالیات خراسان بمنصب سید سیدها از درجه  
چهارم و میرزا محمد حسین پیشکار خمس نیز همین منصب سرفراز شد مستشار الملك خراسان در ازای راه  
انداختن نثار و وفای قاری قطعه الترام نواب حشم الدوله حزه میرزا بنشان مثال هابون مقرر گردید  
امان الله خان سر بنی هابو الملك لقب یافت علیخان پسر سید افغان صاحب اختیار حکمران اسرا باد بمنصب سر بنی

فوج اخلاص افشار اسد آبادی مهاجر گردید میرزا حسنخان پیر شد مرحوم میرزا مسعود و ذریه او خواجه سناغ  
بنیاد اول وزارت خارجه نایب الامد میرزا اسدالله خان نایب اول سفارت دولت علیه مقیم بطرز بوکغ بکار پیر داری اول  
نقل پس ما موشد میرزا عبداللہ بامورث مخصوص بندر عباس سیرافراز و بستان و حاجی اول سرهنگ نایب کشت  
جناب صاحب دیوان حکمران اصفهان بیکر شش جلال الیسر فرینا میاز آمد از وقایع معظمه ایضا مسافرت بندکان <sup>علی</sup> حضرت  
شهریار شحات عراق عرب وزارت عینای عالیان است چنانکه در سفرنامه مخصوصها بونی بشرح رفته است  
روز بیستم ماه جمادی الثانیه از دار الخلافه الباهره حرکت فرمودند ریاست و معالی بانو ابصام السلطنه  
در غیاب هوکبها بون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر  
اول بمهام ملکه رسید که مینا پند اغلب از رجال دولت و خواص علم خلوت ملتمس رکاب علی میباشند تا ظم افندی  
شار زافر عثمانی و مسبو کر بل نایب اول سفارت و س نیز همرا هکنند روز سیزدهم رجب که عید مولود حضرت  
امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود شهر همدان بقدوم بهجت لزوم مبارک مزین آمد و ز غره شعبان عمارت  
عمارتی در کفار و فراسو بقدوم مبارک مزین گردید روز بیست و یکم تشریف فرمای  
خانقین شدند از طرف دولت عثمانی اردوی مفصل با تشریفات شایان و مدحت پاشا و ای بغداد و کال پاشا و غیره  
در سرحد حاضر بودند روز بیست و هشتم شعبان در حالتکه طبقات ملتمسین رکاب علی بالیسر رسیده حاضر شده بودند  
بدار السلام بغداد هفت فرما شدند لکرام اجار و روزها بونی و جواب تبریک و رود مسعود با کمال گرمی مبانه اعلی حضرت  
ها بونی و اعلی حضرت سلطان عثمانی در همان ساعت کشته شد و بیست و نهم شعبان غریب ببارت کاظمین علیه السلام فرمودند  
و هر جا از طرف قرین الشرفها بون ملوکانه بدل انعامات شایان میشد روز هفتم رمضان المبارک وارد کردی معلی  
گردید ولدی الوروزی ببارت خامس الی عبا حضرت سید الشهداء ارواح العالمین له الفداء و بعدین ببارت حضرت عباس  
و سایر شهدا علیهم السلام استسعا فرمودند روز سیزدهم برای نهم درگاه عزت اشباه حضرت امیر المؤمنین  
صلوات الله و سلامه علیه عزیمت نجف اشرف فرمودند هنگامیکه بروضه مطهره علوی فایز شدند بقیعه الماس بریلیان  
که مبارک مبارک داشتند پیشکش ایشان ملائک پاسبان حضرت کردند روز بیستم معاودت بکر بلائی معلی نمودند  
روز بیست و چهارم رمضان عزیمت معاودت بصوب ایران فرمودند و هر جا انعامات و عطایای وافر و خلائع فاخره بطبقا  
خلام و دعا گویان و غیره مبدول داشتند روز دهم شوال بجز ستر من رای انتهاز فرموده روز ششم وارد  
انشهر صوب بهر شد ببارت عسکری بن علی علیه السلام مقام غیب حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فایز گردیدند  
و روز هشتم شوال عزیمت معاودت فرمودند روز پانزدهم بجانقین نزول اجلال نمودند در این روز برای پاسبانان  
و ما موبن که از طرف اعلی حضرت سلطان عثمانی آمده بودند و منصف خدمت شده انقبه ان مرصع و انگشتری و سایر  
و وجه نقد بیکه شایسته بوار سال داشتند روز بیست و ششم عادت پیر کرمانشهان بمقدم مبارک مزین گردید  
روز بیست و نهم ذیقعد شهر قم بمقدم مبارک مزین آمد روز سه شنبه غره ذیحجه یا میان سعادت اقبال بدار الخلافه  
باهره و مقر خلاف عظمی و لاجلال فرمودند همدان این اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقاف و وظایف را  
بعهد کفایت و کفالت جناب مشیر الدوله میرزا حسنخان مفوض و مرحت فرموده معظم الیه باعطای بکثرت حبه  
شمسه و بکلفه انگشتری الماس سیرافراز داشتند همدان سال نواب الامیر الدوله حکمران کردستان را باعطا  
بکفیضه شمشیر مرصع مکلان الماس قرین اخصاص فرمودند حاجی رحیمخان صند و قدر خاصه ملقب بخان الملک کرد

میرا موسی و

جان محمدخان سریندی فوج خلعتا بلیف سبقتا السلطنه ملقب آمد هدر این سال شاهنشاهزاده امجد اعظم ظل السلطان  
 را باری بغالی ولد زکوة عطا فرموده بلیف جلالت الدوله واسم کرامی سلطان محمود ملقب کرد پس سلیمان خان صاحب  
 نشان و حاجی ایل میر توغای صفیر کشت میرزا محمد حسین مستوفی وزیر امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران بزد بلیف ناظم الملک  
 صاه ای آمد میرزا جعفر نایب الحکومه علاء و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه تو سپرکان بلیف خمانی و خطاب صفیر الحاقانی سر  
 افزا آمدند میرزا عبدالوهاب جوان و امیر جو میرزا محمود علیخان و زید امیر و حاجی سافو بنای اول و زارن علوم یافت  
 جناب مؤمن الملک میرزا سعیدخان و وزیر امور و حاجی بیکه نطع و واثق مرصع بالماس نایب کشت میرزا عبدالوهاب خان  
 نایب الوزاره حکمران (جناب صفیر الملک و لیس) با عطا ای بکس طعه نشان شمال هاپون مکللا بالماس صفیر کردید میرزا عبدال  
 الوهاب مستوفی کلان نشان سریندی و هم و حاجی آن مباحی آمد میرزا زکی ضیا الملک نشان و حاجی ایل از درجه سریندی  
 دویم صرافوز و روانه عرضت باشد و میرزا زین العابدین پسر شاد اله بمنصب لشکر نویسی تجار به بر فراد کردید میرزا  
 هدایت پسر بزرگ لسان الملک بمنصب استغفار از آمد و میرزا عیاض علی پسر دیگر مشارالیه بمنصب انشای مخصوص مباح  
 کشت نصر الله خان پسر امین الدوله مرحوم میرزا اسد الله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب میرزا من سکنه وفات کرد  
 لطف الله میرزا که سبزه وار ملقب بشجاع الدوله کردید حکومت کرد و ابواب محمد امین میرزا مرصع فرمودند هدر این  
 سال قبل از حرکت موکب هاپون بصوب عراق عرب راه از دار الخلافه ناخافین بنو سبط مسبوک استبکر خان مهندس مساف  
 در کمال خوبی ساخته و همه جا کانسکر و شد امر و یا (اسپانیا) استغفار ملکه ایزابل از حقوق سلطنت با هم پیش  
 دُن الفنس در پاریس شاهزاده هوهن زلرگن بواسطه ضلالت فرانسه که بفرانسه چک برود و فرانسسه شد سلطنت  
 نو سپید بر خیزد و او امان دُن کارلس که داعیه سلطنت داشت در پالت نوار داوطلب شدن دوک داووست پسر دوم  
 پادشاه ایتالیا برای سلطنت اسپانیا تصدیق نمودن دولت اطریش و پروس این چال او را و پادشاه شدن او با  
 مملکت قبل از او و دیپای تخت دُن الی پروس که دوک داووست بچاپتا و پادشاه شده بود بدست چند نفر اجنبی قتل  
 میکرد و بعد از او و دیپای تخت و گذاشتن تاج سلطنت بر سر موسی بامید و همه بیکر هدر اطریش) تسلط نفوس  
 بممالک اطریش و این سال بمقتاد و یک کرد و چهار صد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر سپه است  
 (الممان و فرانسه) اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملکه اسپانیا پرنس لاویگ هوهن زلرگن بنی عم پادشاه پروس را  
 سلطنت خود و وجود یک جنبه که مابین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده بر فراد است چنان اینکه صادا  
 ان یکمیت هم با یکی از شاهزاده ها خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشود که بالمشق برای فرانسه مضرت  
 فرادند با کمال سختی و دشمنی بدولت پروس بدلیف میکنند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت از  
 ابتدای گفتگو معلوم بود که کار پروس و دشمنی پروس و فرانسه بجز عمده خواهد کشید که توقع انکلیس و ایتالیا و  
 اطریشها بیکدیگر میبکنند ولی بجز پروس و فرانسه بجز عمده خواهد کشید که توقع انکلیس و ایتالیا و  
 بنزدی سفیر کبیر فرانسه مقیم در پروس در شهر امس و دیگر دشگاه خاصه پادشاه پروس با ملاقات غوده مصیفا  
 بادیشان تکلیف میکنند که او را بجز خودشان عند خواهی از دولت فرانسه بکنند و قاپنا امنانت که شاهزاده هوهن زلرگن  
 نرحال و ندر آنته و جها من الوجو بچال سلطنت اسپانیا نباشد اعلم حضرت پادشاه پروس اعنائی بجهت فرانسه  
 نکرده بلکه او را عند غن میکنند که بمضو پادشاه مینا بدو مطالب خود را مصیفا امر و من نداد بعد از فرستادن این  
 خبر پارس چه رد و بار وجهه در مجلس دولتی و ملی جز گفتگوی جنگ نیست کلای میباید چه خاصه سپه و پروس فرزند

تشیرو دواز  
دانیس

بدولت فرانسس تکلیف میکنند که اسناد صحیحی که سبب جنگ است عیانا بنام بعد اتمام جنگ کیندا غنائی بانچه فرها نکرده  
 فسون بری و بجز خود را حاضر میکند و بعضی جهال پاروین بحال رخن بسفارتخانه پروس و غارت نمودن اینجا هستند  
 و بمسئول طر که بر ضد این جنگ است بدبگوینده کرده و وجه مسکوک برای بخارج فسون بری و سه کرده و وصل  
 نومان بجهت بخارج عساکر بجزی در طرف سردوز برای دولت حاضر میشود و از آن طرف پادشاه پروس سبلاطین  
 دولت شمالی و جنوبی المان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلفین میکنند که غرض اینست که بعضی و  
 جهت از مایهانه بگیرد و با ما جنگ کند و نقره در میان جمعیت مابیندازد و شوکت و قدرت ما را بکاهد بنا بر این  
 دولت جنوبی از قبیل باو پرو و رینلک و باد که نا از زمان اتحادی با پروس نداشتند متفق شده فی الواقع یک المان بنام  
 بر ضد فرانسه برجا شدند و تمام دولت بدن استثنای سرداری فسون خود را بپادشاه پروس واگذار کردند دولت  
 انگلیس مجتهدا و ساطت و مباحثی کرده ولی شمر نتر نشد و از آن طرف ناپلیون امپراطور فرانسه سرداری عساکر  
 فرانسه را قبول نموده با پیرو خود و بیعهد و لیب و ز پر جنگ بسرد پروس حرکت میکنند ناپلیون امپراطور فرانسه  
 تصور مینماید که اگر با یکدسته فسون متحین بد خود را معجلا بسرد رساند همین قدر خطی نموده دوسه شهر کوچک  
 از ممالک المان منصرف شود و از طرف دیگر دولت انگلیس و سایر دولت معظمه را مباحثی فرار دهد هم شکست المان  
 علی الخصوص پروس وارد آورده و هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است نیز بعضی شهرها را از این طرف  
 بملک خود افزوده است ولی غافل از اینکه در مقابل سپید و پنجاه هزار نفر فسون فرانسه بگریزید دولت پروس  
 پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است با سردارهای معین از قبیل فدریک شارل  
 بنی عم پادشاه پروس و بیعهد خود پروس و سایر سردارها بجز از قبیل استن مین و ملک و غیر هم علاوه بر فسون  
 معمول پنجاه هزار سواره و او هلان جلو فسون المان بطور پیشرو اولی حرکت میکردند سایر بزرگان از شهرهای پروس در  
 اول جمله با حضور امپراطور بنصرف فسون فرانسه آمد و از آن طرف در و سپانورک یکدسته فسون عمده فرانسه بشار  
 مارشال ماکاهون شکست خورده معدوم و منقرض شد سرداری فسون پروس با و بیعهد پروس بود و روز دیگر  
 مارشال ماکاهون با مختصر فسون بکه داشت و زیاد از سی و پنجاه نفر بکشد با یکصد هزار فسون پروس سرداری  
 و بیعهد پروس مقابل کرده و تفصیل جنگ و خونریزی درت چون زیاد معروف است مابینکارتان بنیروازیم بحال  
 این شکست راه مملکت فرانسه برای فسون پروس باز شد پادشاه پروس که نا اونیف و دو بجاک فرانسه نکرده  
 وارد شد و شهر استرا زبورک را که از قلعه جات سرحد معظمه فرانسه است فسون با محاصره نمود و بعد از چند  
 منس که یکی از قلعه جات معظمه است سرداری فدریک شارل محصور شد مارشال بازن سردار فرانسه با صد و  
 بیست هزار فسون در منس محصر شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید امپراطور ناپلیون از حوالی منس  
 بطرف شمال بغیب نشست و عساکر پروس امپراطور را تعاقب میکنند از ابتدای جنگ نا اونیف از فسون المان  
 صد و پنجاه هزار مقبول شده و از کار افتاده است لیکن علی الاضمال از ممالک المان یک پرسد تعاقب و بیعهد  
 پروس اردو و مسائل ماکاهون و اعلم حضرت ناپلیون را از طرف دیگر مامور کردن یکدسته از فسون پروس  
 بمحاصره پارسیس مارشال ماکاهون هر قدر میخواهد پارسیس را زن وصل شده کاری از پیش بر نهد بمشور و عقب  
 نشستن یکدسته از فسون فرانسه با ناپلیون بطرف سواد در مقابل این فسون که امپراطور ناپلیون در آنست  
 پادشاه پروس حرکت میکند جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سلطان زخم منکر برداشتن مارشال ماکاهون

با ایندولت

دولت فرانسه تمام مایهات  
استثنای اینست که  
میکند

فسون

فشون فرانسه تسلیم از پنجاه هزار نفر اسیر شدند علیحضرت ناپلئون نیز تسلیم گردید با فشون متوقف قلعه سلا  
هشتاد و پنجاه از فشون چهار صد عماره توپباردوی و صد و پنجاه توپ قلعه داده هزار اسب بچیک پادشاه پروس افتاد  
حضرت ناپلئون بسم امپراطور فرانسه و فرستادن او را یکی از قلعه جان در حوالی کاسل فراد و بعد پس ناپلئون بحال  
حرکت وارد و معبر از فشون پروس بخاصه پارسی خلع اهالی پاریس ناپلئون و خانواده او را از سلطنت و ایجاد در  
موقتی نمودن فرار ملکه امپراطور پاریس از پاریس اعلان دولت جمهوری در پاریس برپاست نزال ترو و شو عزله وزیر سابق  
و نصیب ندای جمهوری طلب مسافرین مسوول بلنک و بنه و پترز بورغ و ملیخی شدن بدول مذکور بجهت مباحثگی  
میان فرانسه و پروس و مراجعت این بنا مقصد شهر در سابل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص پادشاه پروس  
کرد بد محاصره پاریس از هر سمت تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس بشهر نور آنتز که هفت عمارت سن طوید  
حوالی پاریس تسلیم شد مارشال بازن با تمام فشون و قورخانه خود و اگدا اشتن قلعه منس را بپرسها تصرف فشون  
پروسی اغلب فلاح و شهرهای شمالی فرانسه را کمال سختی زمستان و سخت گشتن بمجموعین و نبودن آن و فرار پاریس  
ناجکنداری پادشاه پروس و روس سابل که امپراطور تمام مملکت المان باشد و تمام این سال در حالیکه پاریس هنوز  
در بند محاصره است و لث روس صلح باطنی خود را در فتوحات پروس ظاهر مینماید و نشان سنت ژرژ که نشان  
جنگ دولت و ساست از برای سربازهای فشون پروس انفاذ میدارند و بارضايت انفاذ پروس بپایان فصول عهد  
هزار و شصت و پنجاه و شش که در مجلس کنکره پاریس منعقد نمودند پنجم میزید دیگر فرانسه نیست که حامی و جارس  
عثمانی و ضامن آن عهدنامه باشد و در نفاطیکه در سواحل فراد نکیز ممنوع بود قلعه نیس از بعد از این خواهد شد  
و مستحکم خواهد نمود چون دولت پروس اطردش نمکین این جنرال روس را گردند و لث انکلپس که بدنگین نمود مراد  
رجال دولت جمهوری که در شهر نفوذ متوقف بودند با اهالی پاریس بواسطه باون و کبوتر جلد کاران کمی از فرط  
بمجموعین پاریس سخت شده بود که زباده از سسر کوشش بانان در یکشنبه روز قیامت بکفر نمیشد رفتن اجزای  
دولت جمهوری موقتی از شهر نور بشهر برد و مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهل انکلپس) فوشر بکلاراندن  
و زپرامو خارج در سن هفتاد سالگی نصیب دیگر انوبل بجای او دولت انکلپس چند کامل برای منع مناعه مابین فرانسه  
پروسی نموده ولی شمر نمیشد یکی از کشتیها دولتی در سمت غرب اسپانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد (ایطالیا)  
مجلس اینکه اعلان جنگ مابین فرانسه و پروس پیشو با وجود اینکه پاریس مجلس شورای بزرگ و کشیشها و قسوسین اثبات  
معضوب خورا نمود چون از تحت حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و این دولت بواسطه جنگ با پروس بخود مشغول  
و عساکر خود را از روس طلبید پادشاه ایتالیا بدو مخصوصاً بادی از طرف عساکر پاریس صرف کرد بد کوه معروف ببلین  
که حد و سده مابین فرانسه و مملکت ایتالیا است پیزده سال تمام بود که آن کوه را سوراخ میکردند در او ابل زمستان  
اینسال با تمام رسیده کالسکه های راه آهن از دو مملکت ازین سوراخ کوه عبور و مرود میکنند (دانمارک) نغدانفوس  
تمام این مملکت در اینسال بسر کرد و در وقت هشتاد و صد هزار و پانصد و شصت و پنجاه رسیده است (عثمانی)  
اجازه دادن علیحضرت سلطان که هنگام شب کشتی از هر دولتی باشد بدو منافع وارد دو بجای سبقر و دار داخل شود  
یا نفعین سخت و اسلایب در محله رامنه و غیر کپها که دو کشتی نفر تلف شدند و شصت هزار نفر پنجاه ماندند شورش  
انرا ب در حوالی نجد (یونان) نغداد نفوس این مملکت در این سال دو کرد و رو چها صد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد  
و نود و چهار نفر میباشد

امریکا



امریکا ( اناٹونی ) بغداد نفوس هالی اناٹونی هفتاد و هفت کرد و چهل و شش هزار نفر میباشد چهارده شهر  
در اناٹونی هست که هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد

سنة ۱۲۸۸ هجری

سنة ۱۲۷۱ هجری

آسیا ( ایران ) در اوایل این سال خبرهای دای صوابنای ملوکانه بر این مملکت یافت که شاهزادگان عظام و وزیران  
کرام مسکون در دجله هفتاد و دو روز که روز شنبه و شنبه باشد در دارالشورای کبری حضور بهم رسانیده در مقام ملکه  
مشاوره نمایند ( نواب مؤبدالدوله ) ( نواب ملک آرا ) ( نواب اعنضا السلطنه وزیر علوم ) ( نواب الانصر الدوله  
وزیر جنگ ) ( مجمل الدوله ) ( جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه ) ( جناب میرزا حسنخان مشیر  
الدوله وزیر عدلیه و ظایف و اوقاف ) ( جناب نظام الملک ) ( جناب قوام الدوله ) ( غلام حسنخان سپهسالار )  
( جناب میرالملک ) ( دوستعلیخان معبرالملک ) ( جناب علاءالدوله ) ( پاشاخان امین الملک ) ( جناب ناصر  
الملک ) ( جناب حسنعلیخان وزیر مختار ) جناب علاءالدوله فقیه باشی بمنصب جلیل فرزند شایسته سیرافرازند  
اداره دولتی را با اسم ایران موسوف فرمودند حکم آنی خراسان علاوه بر حکومت بزد بر عهده کفایت نواب حسام  
مکول داشتند میرزاده محسن میرزا بمنصب میرانوز کرد بدغلام حسنخان سپهسالار حکومت فرمودند یافت  
حکومت مازندران را بجناب عضدالملک فرمودند حکومت عراق و کرد بجناب معتمدالملک نفوسین حکومت  
شاهرود و سبزوین را باین خلوت میرزاهاشخان و اکنار فرمودند پاشاخان امین الملک بمنصب وزارت حضرت  
شاهنشاهزاده اجلاء عظم نایب السلطنه و پیشکاری و اختلافه برقرار کرد بد اداره چا پارخانهای کل ممالک محروسه  
میرزا علیخان منشی حضور ( جناب امین الدوله ) سپردند دفتر لشکر که مجری از اداره وزارت جنگ بود باین اداره ملحق  
کرد بد جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود محاسب کل ممالک محروسه را  
بعهده جناب نظام الملک میرزا کاظمخان مکول و معزالمالیه را خلع فرمودند و میرزادادخان برادر معزالمالیه پاشا  
برقرار کرد بد حکیم الممالک پیشین منحصرا ناظم دفترخانه مبارکه شد جناب میرالملک بوزارت رسایل مخصوص  
که مستوفیان بود سیرافرازد کرد بد عمل جنس ممالک محروسه بکفایت حاجی میرزا محمدخان مجملالملک و اکنار فرمودند مملکت  
آذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل بهمان حکم آن حضرت اجلاء عظم و بعهد دولت ایران و پیشکاری امین  
لشکر میرزا عفرمان ابقا فرمودند امیرزاده عبدالکامیل میرزا مامور خدای نظامی آذربایجان شد محمدعلیخان زین الدین  
بلیق امین السلطنه سیرافرازد بد جناب حاجی میرزا جواد محمدنیرینی که چندی در نجف اشرف متوقف بود از قرار دستخط  
هما بوق امام جمعه آذربایجان کرد بد محمدتقیخان ولی بوزارت حضرت شاهنشاهزاده اکرم الفخام ظل السلطان حکم آن  
سیرافرازد شد میرزاهاشخان امین خلوت از اجزای دارالشورای کبری کرد بد جناب حسنعلیخان وزیر مختار سابق فرانسه  
مامور بوزیر مختاری اسلامبول شد منصب خاندانی بعهد کفایت عضدالملک میرزا و حکم آن مازندران و اکنار  
کرد بد امین السلطان بمنصب صاحب جمعی سیرافرازد شد میرزا علیخان سرهنگ بجای دولتشان از درجه سیم سرندی ناپل آمد  
حکومت کاشان را علاوه مشاغل و مناصب میرزاهاشخان امین خلوت فرمودند مجلس شورای نظامی مجددا برقرار شد  
میرزا مهدیخان ولد میرزا محمدخان سپهسالار اعظم بلیق اعنضا الدوله ملقب بر حسنعلیخان معزالمالیه منصب  
کشیکی باشی کبری بجا میرزا ولد معزالمالیه مرخص فرمودند امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب عمادالدوله بکفایت

و نشان و جاهل از درجه دوم سرتیپ سرافراز شد میرزا محمد خان پیشین مفت خاصه لدامین خلوت بمنصب نفعدار باشکری  
 برقرار گردید روز دوشنبه سیم ماه صفر امیر اصلاخان مجدالدوله بجوار رحمت الهی بیوست حکومت عربستان و وجود  
 علاوه بر عراق و کوه بجناب معتمد الملک مرحمت فرمودند حاجی میرزا محمد خان مجد الملک در سلك و زرای دار الشوری  
 منسلك کرد بد عبد العلیخان ادیب الملک پیشین مفت خاصه بحکومت کیا پکان و خوانسار سرافراز شد حکومت  
 اصفهان علاوه بر حکم این خراسان بنواب حسنا السلطنه واکدار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله)  
 با پیشکاری میرزا محمد حسین ناظم الملک روانه اصفهان کرد بد حاجی میرزا رضای که خدا منصب کبک الزاری بافت  
 بعد از فوت مرحوم قزح خان امین الدوله میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب با امین الدوله کرد بد و میرزا محمد خان  
 نفعدار باشقی و لد میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب بافت حکومت کرد با امیر دوست محمد خان و لد معتمد الملک واکدار  
 فرمودند میرزا محمد علیخان سرتیپ که مدتی کار پرداز بمبئی بود بلفظ معین الوزاره و بنا به حکومت کمران سر  
 افراز شد میرزا هاشمخان امین الدوله که منصب وزارت حضور یافت در می از چو دن برای دروازه جیبان با هاجان  
 ریخته اند که کمال امتیاز و ترفیع دارد و این اول پنج خراج بخار است که دو کارخانه دار الخلافه را بر گردیده  
 میرزا اسدالله خان کار پرداز تعلیم یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپ دوم و جاهل آن سرافراز  
 شد میرزا اسحق خان کار پرداز سابق ارزنة الروم بمنصب کار پرداز اول ماه و افامت بغداد کرد بد و با عطا  
 یک قطعه نشان و جاهل از درجه دوم سرتیپ سرافراز شد جدر فلجان سهام الدوله الهجانی سردار کل خراسان  
 ایشان سردار ترکان را با هفتصد نفر سواره ترکان خو که بزم دست برد حده دخراسان آمده بودند مقبول  
 نموده معدود از آنها فرار کردند نواب صارا الدوله علیقلی میرزا که بدر بارها پون اخضا شده بود بحکومت هاوند  
 و مضافات بر فرار کرد بد محمد علیخان سرتیپ نزال اجوان سرتیپ فوج نظیره دار الخلافه که بمنزله پلیس است سرافراز  
 شد نواب ملک آرا بمنصب کشیک باشکری بر فرار آمد جناب معتمد الملک بمنصب وزارت مخصوص مفتخر گردید در  
 خراسان کار دستگیر علیه بالا گرفته است بنده مؤلف بلفظ صنیع الدوله و صد و رد سخطها پون سرافراز کرد بد  
 میرزا کی ضياء الملک بحکومت عربستان و بجنابری سرافراز آمد رضا فلجان لله باشی امیر الشعر افضل من جلد است  
 در واسط ربع الثاني بر حجابزدی پیوسته میرزا زمان مشهور نوری بدرجه اول منصب استیفا مفتخر آمد  
 در آتجان علیه عظمی بوزارت مشیر الدوله کمال نفوذ را یافته و حکم در این اداره معطل و غیر مجری نماید ابو الحسنخان  
 ولد امیر حسینخان شیخ الدوله زعفرانلو حاکم قوچان ندره سرتیپ نیز از آنرا که که قصد ناخ و ناز این زبان و آن حد و را  
 داشتند نمود میرزا عبد الوهاجان نایب الوزاره که در مامون بن خازر با بجان و حکومت کمران خدمات  
 نمایان نموده بلفظ جلیل نصیر الدوله ملقب کرد بد دار الزجه مرکب از مرجهین السنه خارجه بر فرار و بنده مؤلف  
 بریاست این مجلس مامور و مباحی امیر خان ولد محمد صالح خان کردجه سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ  
 حکومت همان را علاوه سایر مشاغل و مناصب جناب علا الدوله فرمودند بعد از فوت مرحوم میرزا محمد حسین ناظم الملک  
 حسینعلیخان مافی پیشکاری اصفهان سرافراز شد میرزا حبیب الله مولد مرحوم میرزا شکر الله شکر نوسر بمنصب لشکر  
 نویسه مفتخر کرد بد جناب میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان به پیشکاری آذر با بجان و وزارت حضرت شاهنشاه از  
 اعظم و بعد از ولت علیه ایران مباحی شد امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم بر وجود احتشام السلطنه لقب یافت محمد  
 باقرخان سرتیپ ملقب بشجاع السلطنه کرد بد مرفعی فلجان و کبک الملک حکمران کرمان و بلوچستان اعطای نشان

مثالها بون مفتخر کرد بد چون اعلم حضرت امیر طور روس سمث نقل پس فهمم عزم داده اندا اعلم حضرت شاهنشاهی در آن  
 برای بزرگ و صول اعلم حضرت امیر طور با محمد و نواب چشمه الدوله امیر جنگ را <sup>جمع</sup> از صاحب منصبان بزرگ و نامر مضر  
 علامه روانه نقل پس فرمودند این او ان دو مرتبه در شیر بز سپل آمده است مبلغ هزار تومان نقد و یکصد و پنجاه خرواحین  
 در هده النسبه بر عین فقرای قم تحقیق دادند همچنین شش هزار و هفتصد تومان بعضی ز منالهای دار الخلافه تخفیف بند  
 فرمودند نیز با فتح الله شاهنشاهی از متعلمین مدرسه دارالفنون معلمی کل افواج توپخانه فاهمه بر فرار کردید و پسران  
 مستشار و زارت علیه بر بنه سربندی اول خارج از فسون و حامل نشان شیر و خورشید از آن رتبه سرافراز آمدند <sup>سان</sup> در حرا  
 نسیه نقد بر طایفه ترکمان با هانام سهام الدوله ایلیانی و قتل و اسرا کثیری از ترکمانان را روز سیزدهم که عبدعلوورد مسعود  
 حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است سلام عام متعهد و ذات ملکوت صفات هابون در نالار تحت مهر  
 سپهر حضرتانی جلوس فرموده و در همین موقع سلام جناب شیرالدوله حاجی میرزا حسینخان <sup>بنا</sup> ملقب لیسپه سارا اعظم و منصب  
 و زارت اعظم عسکریه سرافراز فرمودند و همدان نیز در مبارک معرالمالک و زبیرخانه عامه را بلیف نظام الدوله و منصب <sup>وزارت</sup>  
 طالبه مالک محروسه ابران مفتخر فرمودند حضرت شاهنشاهی در اجلا اعظم ظل السلطان حکمران فارس که اخضا بد بارها  
 شده بودند روز پانزدهم رجب وارد دار الخلافه شدند در راه عربستان حساب بعضی قلعه ها و استحکامات ساختند  
 مسوول شارژ دافرانسه ما مورافا من در بار دولت علیه وارد دار الخلافه و مخصوص هابون مشرف شد حاجی ظاهر الدوله  
 ایشیک آقا می باشی بوزارت علیه سرافراز کردید فقرای ای طرف که بواسطه خشکسالی بار الخلافه آمده بودند هر را  
 در قلعه نصر آباد جمع کرده فوف بومیه برای آنها مقرر داشتند همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند بجهت  
 هر یک لباس نظامی ترنبد داده و در مدرسه مخصوص بجهت ایشان اخراجات معین کرده بریاست و مراقبت میرزا حسینخان  
 کاربرد از مشغول تحصیل <sup>العلوم</sup> هستند جشن عروسی حضرت اجلا اعظم والا نایب السلطنه امیرکبیر که صبیبه نواب حسام  
 السلطنه عم اعلم حضرت هابون شهرناری را بقد فرزند حضرت معظم در می آوردند در ماه شعبان اینسال بود یکشنبه  
 ششمین مکمل بالاس کرده هزار تومان قیمت داشت پنجاب سپهسار اعظم میدان و مرهم فرمودند حاجی سعدالدوله فیر  
 علیخان بنصیبه امیرتومانی سرافراز کردید روز بیست و نهم شعبان اینسال جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسار اعظم  
 بمنصبت درک صدارت اعظمی دولت علیه بر فرار و مضبوط فرموده بکشور جبهه رتبه ششمه وضع که از لباسهای خاص هابون  
 بود باد سخط مبارک که حاوی شرح شود العی صدارت عظمی بود بتوسط جناب عبدالملک وزیر مخصوص بافکار جناب معظم  
 اعطا و ارسال نمودند محمد مهدیخان اغضا الدوله بالیانی کریم ابل جلیل فاجار سرافراز شد امین خصوص پیشین فخاصه  
 خان نصر فوجی هابون کرد بد حکومت سمنان و دامغان را بعهده ادب الملک پیشین فخاصه واکدار فرمودند جناب مسوول  
 وزیر بخار دولت انگلیس مسوول بنده را که از طرف دولت انگلیس بسمت قنصل کریم مامور توفد در بار هابون است بخیر  
 مبارک آورده معترف نمود عبدالحسینخان سرهنگ پیرمرد و اعماد السلطنه در سینه و هفت ساکنی هم رض مطبفه و محرفه  
 بر جنت از دی پوسند نواب چشمه الدوله امیر جنگ که بجهت هبنت مقدم اعلم حضرت امیر طور روس و نته شده بوسلح نام  
 شعبان مراجعت مدار الخلافه نمود حاجی حسینخان وزیر مقیم دولت علیه ما مورافا من در بار دولت انگلیس باعطای لقب منصب  
 وزیر مختاری سر بلید کردید این اوقات امخانی از متعلمین مدرسه مبارک دارالفنون نموده هر یک از متعلمین و متعلمین و مبتدا  
 را باعطای منصب اضافه مواجب انعام و خلعه که لایق شناختن سرافراز فرمودند شخص اغضا السلطنه وزیر علوم را بیک  
 قطعه کلک الماس جعفر علیخان رئیس مدرسه نشان و حامل سربندی اول و مسوول پیشار علم را لقب خانی و میرزا علی اکبر کاشانی

نقل پس

لین

لغیر نقاشی اشکری اعطا فرمودند حاجی محمد کو بجان کومانی از اجله علمای شیخیه در راه عینات عالیجات بر حمت الهی در خراب  
 اشکری تا محسن میرزای امیر خور مجید حسین میرزای ولد مغزی له بمنصب میر خوری منصوب شد ماهی خیدین هزار تومان  
 از دولت فقیر و ضعفا بیکه بواسطه خطی از اطراف مالک بحر و سپاه مبارک الخلافه آورده اند مرحمت میشود و مجلس اعانه  
 برقرار شده است مجال دولت نیز بقدر امکان دستگیر و اجای نفوس فقرا را مهیا کند فوج نظیره باللهار خان سر تیپ  
 فوج و سواره خرفانی و گذار فرمودند میرزا حسن <sup>تاج</sup> آفشته بفری از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول بمنصب پیشه اسلری  
 صدراعظمی نایب المملکت در اختلاف طهران را مستقلاً بعهده گرفت حضرت شاهنشاه از راه اعظم نایب السلطنه امیر کبیر  
 غرض فرمودند و پیشکاردی حضرت معظم و وزارت دار الخلافه محمول میرزا عبید ز بر کرد بد حکومت سواد کور را ضمن حکومت  
 مازندران نموده جناب عضد الملک رحمت فرمودند ریاست فرات و وجود مسعود ها چون که با فوج سواد کوهی است خاص جناب  
 مستطاب صدراعظم کرد بد محمود خان سر تیپ فوجی با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه ثالثه خارجه بر سر فرزند  
 بهماننداری سفر که از سمت کچلان بدر بار معدله ثمانی آمد بر قرار کرد بد میرزا ابوالقاسم معین الملک متولیان شیخیه حضرت رضوی  
 سلام الله علیه در رمضان این سال مرحوم شد حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله بولیت استانه صدراعظم حضرت رضوی  
 علیه السلام سرفراز کرد بد انا بنیة مغیره دولتی بکجهان بان الماسه موسوی سیاب ها بودند که بوسط جناب علاء الدوله  
 و دیگر ایسای بخار است که بوسط جهانگیر خان سر تیپ اجودان باشی فور خانه تمام اسباب آنرا در قورخانه دولتی ساخله  
 جدا این سال با تمام رسیده است اداره باغات میان کانت سلطنه را تمام ما بین حضور پیشخدمت خاصه گذار فرمودند نواب  
 الله پهلوان ایلیاتی که سالها در خارجه میر میرزا بر حمت الله جناب مستطاب صدراعظم اخضا مبارک الخلافه شده در شاه  
 ذیقنده باستان مبارک آمد عبدالرشو کخان سر تیپ حکومت ملا پرو نویسرکان سرفراز شد عی حضرتان پیشخدمت خاصه  
 بخوبی ادا نظام کرد بد جناب عماد الملک بمنصب جلیل سر کشیک با شیکری با همی آمد نواب جوا نسو میرزا سر تیپ حکومت  
 شاهزاده و در نظام صفیر کشت با پاشا خان امین الملک بوزارت جلیل علیه عظمی منصوب کرد بد حاجی میرزا علی سکنوه الملک  
 حکومت هدان سرفراز شد (چین) معاهاه ما بین چین و ژاپن در الفت و دوستی (ژاپن) ایجاد صدر رسد دار الفتون  
 برای تعلیمات علوم فرنگی در پای تخت امر و پیا (اطریش) نفوس و وزارت خارجه کشتند راسی که یکی از اهالی بخار است  
 (المان و فرانسه) بد برای رسمی پادشاه پرو در قصر سلطنه در سا بل حوالی پار پس در اول عهد فرنگیان که مفارن واسط  
 زمستانه محکوم و پار پس و قلعه جات اطراف آن با کمال شدت بدست بگر و تمام نارنجک توپخانه پرو در پیش پار پس مبارک  
 نفوس امیر اطراف تمام ممالک المان بمیل اهالی المملکت پادشاه پرو در سا بل کداری ایشان اهالی شهر پار پس یعنی جمهورتی  
 شیخ در صفا نهادم و حرقه دار الحکومه شهر پار پس هستند کرده مسبو و لغا و در با مسبو بنی مارک و در سا بل خواهش  
 ماز که نمودن از مسبو بنی مارک و قبول و بشرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینه اختیار کنند انتخاب کلای ملت در و لا با  
 فرانسه بلیتی نشون در پار پس توسط عساکر المان و جرمه نمودن امیر اطراف المان اهل شهر پار پس را بجهل کرد در نومان ایران  
 عده عساکر بیکه در این وقت دولت المان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند بنهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب  
 بود و از ابتدای جنگ تاکنون صد و هفتاد هزار و بیست نفر از فتن المان تلف شده بودند هفتاد و نه برقی و بیست و هشتصد  
 هفتاد نفر صد و هفتاد و یکصد و توپ بفری و چهار صد هزار اسب از فتن فرانسه بفر عساکر المان در آمده بود  
 بقیصر وضع دولت جمهور در مملکت فرانسه بر باست مسبو طر بنی مسبو و لغا و در نومان اخبار کشتکوی او با مسبو بنی مارک  
 بجهت عمل صالحه فرود در بیست و ششم فوریه امضا عهد صلح از طرف فرانس و در سا بل شد بشرط مفصله ذیل

اولا و کذا شن بالین الساس لرین بامیر طور المان ثابینا معادل هزار کرد و نورنومان ایران خسارت جنگ دادن ثالثا طوعا  
متن اشتران بورگ را ملک طلق دولت المان دانستن بعد از افتقاد مصالحه جمیع سلاطین کوچک المان از حال فرانسه و  
باو طان خود نمودند امیر طور المان نیز در کتبها بعد از اینهمه فتوحات نمایان بپای نختن خود وارد کردید و ناپلین سیم امیر طور  
سابق فرانسه از حبس خلاصی داده سمیت انگلیس روانه کردید و در قصر اسلیش هورن حوالی لندن اقامت حسنه افتتاح مجلس  
پارلمنت المان بتوسط امیر طور مشخصه دادن لقب شاهزادگی سپه پنهانک از طرف علیحضرت امیر طور المان و اکذا شن  
دول المان اختیار عساکر بری و بحری خود را با امیر طور جدید گیلیمو پادشاه پروس جمعیت تمام ممالک المان در انیسال شتا  
و دیگر و رسد و هفت هزار و هشتصد و چهل و نه نفر است انگلیس در مجلس کلای دولت کرد گرفت و ز پرامو خاتمه  
اهمیتی برای خیالات دولت و سربانیکه در پای سپه برای عبور و مرور کشتیها اوازاد شود فریاد کرده فی الواقع یکی از  
فصول عهدنامه موسوم بپاریس که بعد از جنگ غزم منعقد شده بود دولت روس باطل میسازد ناخوشی سخت و بعهده دولت  
انگلیس در زمستان اینسال بغداد نفوس سیزده انگلیس در اینسال بشصت و سه کرد و در سپتامبر هفده هزار و صد و هشت  
نفر رسیده است ابطالیا و در و بعهده اند و در و جبر و بشهر و در و وطن نمون در این شهر تعهد نمودن پادشا  
ابطالیا که مداخله در افتاد و در و حکم پای نماید و در سال سپتامبر بیست و د و هزار و پانصد تومان از خزانه دولت مواجبت  
خواپ بر فرار کرد بدلیکن پای قبول نمود و در پادشاه ابطالیا بشهر و در و نایبش و این شهر پای تخت دولت ابطالیا نمود  
و در قصر کبریه که از پها بود منزل کن بدین افتتاح راه آهن مینسین که بکشعبه از کوه آلی سور باخ نموده بطور دلان و ده آهن  
مملکت فرانسه را بر آه مملکت ابطالیا اتصال دادند طول دلان مزبور در و ده هزار و دویست و بیست نفر است و عرض  
آن بقدریکه بکاسکسکه میرود و یکی میاید (روس) مروده نکرانی پند و لک با ژاپن از ژاپن ناپتر بزورغ بازده هزار هزار  
دفع مسافت است اول مخابر که از این بطین بزورغ رسیده در و ده که ساعت و پنج دقیقه بوجه جمعیت مملکت روس اینسا  
بصد و شصت و چهار کرد و رفتن رسیده است عثمانی فوت عمر پاشا سردار اکرم فوت عالی پاشای صدر اعظم افتاد و کل  
سفر و سن نزال اکنا پنهان را اسلامبول علیحضرت سلطان عبدالعزیز خان جمال دار کبر خلاق فانونیکه در سلسله جلیله  
سلاطین عثمانیست که ولایت عهد بار شد اولاد میرسد از افتاد و ولد عبدالحمید خان مرهون که ولایت عهد را در خلع نماید و  
پیر سیزده ساله خود عزالدین افتاد و بعهده سازد (فرانس) بعد از معاودت فتون المان از اطراف پاریس ورود  
و کلای ملت در این شهر بود جدید بور سا بل جمعی از جمه و طلبان سخت در پاریس اسم خود را کونستانتین گذاشته بر ضد این  
دولت جمعی بر پاست مسبو طر که رور سا بل است مردم شهر پاریس را لغوا نموده اغلب اینها علیه شهر را مثل عمارت سلطنتی  
نویسندگان را حکومت و عمارت وزارت مالیه دارالشورای خاصه و عمارت وزارت عدلیه و غیره را آتش زده و چند نفر از  
را که یکی از آنها کشیش بزرگ پاریس بود قتل رسانیدند نفوس سیه سادگی کل عساکر فرانسه بجا رسال ما کاهون  
خراب کردند کونستانتینها خانه مسبو طر را در شهر جنگ سخت کونستانتینهای شهری بافتن دولتی غلبه فتون دولتی بر پها  
و گرفتن سپه از آنها و کپل نمودن جمعی از عیایا و نفر از شاهزاده ها اولاد لری فلیپ پادشاه سابق فرانسه را  
فوت الکساندر در مانو پسند و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالگی در شتاسخ انیسال در پاریس که نمود سال  
بود زمستانی باین سختی بنده بود ندانود و در هزار نفر از اهالی فرانسه در جنگ و س که شده شدند و تقریباً هفتصد  
در ایام اسپر از کرسنگی و پیچیدگی تلف شدند علاوه بر یک هزار کرد و وجه نقدیکه دولت فرانسه متقبل شد که بدولت المان  
سلیم کند معادل هزار کرد و نورنومان نیز خراج خسارت بیکر بر آورد شد سه کرد و در و هفت هزار و دویست و بیست

مشت نفر سکنه الساسورن از بیعت فلانسه خارج شده جز دولت المان شدند آمریکا (انائونی) شهر شبکا که  
سپصد و ده هزار سکنه داشت در مدتی پنجشیا نه روز علی الاضال مشغول و بواسطه باقیین سخن مختصری میشود باقی  
نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرد و نومان ایران خسارت مردم وارد می آید (بر زبل) مسافرین امیر طود و امیر  
بمالک خرنک و هونو بیض بنایب سلطنت در زمان غیبت ایشان بدختر امیر طود (پرو) در مملکت پر و بکشهری موسوی  
هوی بواسطه طغیان آب معدوم کرد بد مصالحه پاپین پرو و اسپانیا بواسطه دولت بر زبل

### ۲۸۹ هجری

### ۱۷۶ مسیحی

آسیا (ایران) از بدو این سال جز مال بمیان افغان بزوالها بونی اسباب مزید ترقی و انتظام در کار دولت فراهم است  
حکومت خسته بنواب الامجد یعنی میرزا رکن الدوله مرحت فرمودند حکومت فرزند بنواب الله علی میرزای الیحانی مفوض  
داشتند بل حاجی واقع مابین اسرا باد واق فلعه با کمال استحکام ساختند اداره و رفه دولتی را باین چاکر سپرده و  
باعطای بکفطعه کل کر سرافراز فرمودند محل کاظمخان ولد مرثی خان فاجار منصب بر نیدی ستم یافت فاسمخان والی  
حکمران فارس شایزده هم محترم بمرض حصیه گذشت جلالت الدین میرزا ولد خانان مغفور (فتح شاه) مرحوم شد  
علیه میرزا صارم الدوله ولد بنواب عماد الدوله وفات نمود جناب فاعبدالله بجهت کرامت نشانی بر حمت الهی پوست  
کلی حسنیخان این نظام داعی حق را بلیک اجابت گفت حکومت کرامت نشهان و نواب را بعهده نواب هوبدالدوله واکدا  
فرمودند حکمران خوزستان و لرستان را بنواب حشمت الدوله حیره میرزا امیر جنگ مرحت فرمودند چون جناب مستطاب  
صدر اعظم جشن مولودها پون را در دوشنبه و یکروز از ابدامکان با جلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان  
بخارج این جشن بپرد ساختند پاسرخدما جناب عظم را بیکروز فلان طلا مکل با لباس بریلیان بجای ب عظم مرحت  
فرمودند حکومت بر جرد و نواب بعهده نواب اغضضا السلطنه وزیر علوم مرحت شد حکومت ایاالت کبلان را  
بدوستعلیخان نظام الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند توجیه سردار ترکمان که بادی و هزار سوار ترک بفرم تا  
و ناز بجهت خراسان آمده بود خود او و اکثری از همها انش مقبول و اسپر سپه منصور شدند مستر الیکون و  
مخار دولت انگلیس در دار الخلافه طهران وفات نمود در کبچانه مبارکه را بعهده غلام حسینی پیشخدمت خاصه  
واکدار فرمودند امر کشکیانه مبارکه و منصب جلیل کشکی با شیکری با جناب علاء الدوله واکدار نمودند میرزا صاف  
فایم مقام که چند سال بود بنا خوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در این وان بر حمت الهی بیوست در ماه ربیع الاول  
اینسار پورته جناب مستطاب صدر اعظم بجهت بعضی تغییرات و ابلاغ رسو جلد به نوشته موشح و مضه با مضای  
هما بونی داشتند منصب الیحانی کری ابل جلیل فاجار بنواب الاعز الدوله عبدالصمد میرزا مرحت فرمودند محل تفحصان  
افشار پیشخدمت خاصه که اصطبل تویچانه مبارکه نیز بعهده مغزی الهیه است بقیه جناب الدوله و منصب شبا شیکر  
برقرار و با عطای بکفطعه عصا مرصع سرافراز کردید نواب ملک آرا ولد خانان مغفور (فتح شاه) بر حمت الهی  
حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس با عطای بکفطه نشان امیر نوایبی از درجه اول  
مناهی کردید مراجعت بمقر حکمرانی فرمودند محمد صالح خان سر نیکر دبیچه مرحوم شد میرزا مصطفی فلحان مستوفی  
در گذشت میرزا سید اسمعیل کلانتر سابق که زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود جناب ناصر الملک محمدرخان  
رئیس مجلس شورای عسکره بمنصب امیر تومانی سرافراز شد میرزا فضل الله نوری وزیر نظام سابق که نفر بیاض  
سال داشت مرحوم شد میرزا رضای نجم الملک نیز بر حمت الهی بیوست مر حومین اینسار اغلب بمرض حصیه بگذشت

غلامی ذکر کرده بود مبتلا بوده اند حکومتش را بدست راجد و همچنان سر نیشاپور را محول فرمودند جناب اشرف پاشا  
وزیر مختار دولت عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه در عرش آخر ربیع الثانی وارد دار الخلافه شده بمقتضای مبارک  
تشریف جنت و زغره بجای اولی موکبها بون عزیمت بلاق کار فرمود جناب آخوند ملا زین العابدین محمد کلبا بکانی  
که هشتاد سال از سنش گذر نرفته بود بجوار رحمت الهی پیوستند حاجی میرزا جیم پیشخدمت و ناظم دفتر خانه مبارک هم  
شدند مسال بر خلاف سال قبل آبه از یاد زراعتها خوب محصولات و افزای انواع نعمتها و از ذائق فراوان و از آن وقت  
مردم مرفه و شاکر هستند قتل و اسرو نهب طایفه ترکها طایفه در عهد و خراسان راه از آمدن بار الخلافه را با سر  
ها بون میسازند میرزا ملک خان ناظم الملک لقب یافت بشیر خان آغا باشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر بمنصب  
خواجیه باشکری مقرر شد موکبها بون از کار تشریف فرمای ساحت نور و کجور و ساحل دریای خزر شده جز  
بشهر سنانک فرمودند محمد حسینیان و ولد محمد نیکان حاجی الدوله بمنصب پیشخدمتی حضورها بون سرافراز و محمد خان  
ولد بکر حاجی الدوله بنیاب مغزی الهی بر پاستا صطبل توپخانه مبارک بر فراز بیولو خان سر نیشاپور و افشار بلقیصا  
الملک ملقب شد نواب میرالدوله مجدداً حکمرانی ترشیز برقرار کرد بدینعلت باقی خان افشار مجدداً بحکومت <sup>جامه</sup> باختر نابل آمد  
عبدالله خان ولد جناب علاء الدوله بمنصب قوال آقا سی باشکری صغیر کرد بدینعلت حسینیان و ولد کهن جناب علاء الدوله  
بمنصب پیشخدمتی باشکری سرافراز شد میرزا کاظم کبلائی که از تحول حکما و اطبا است بلقب ملک الاطباء سر بلند آمد حضرت  
شاهنشاه ازاده اجل اعظم و بعهده دولت علیه ایوان سلطان مظفر الدین میرزا دام الله اقباله العالی که اخضا  
ببار الخلافه شده بودند روز هشتم شعبان وارد شدند موکبها بون روز چهاردهم شعبان اشرف فرمای عادت  
سلطنه دار الخلافه کردید و در این روز بکوشیدیم نرود و در روز پانزدهم صبح بمجلس شتاب بشیر الدوله صدراعظم  
مرحمت اعطا فرمودند میرزا ملک خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی بنشان ثمالها بون درجه افتخار یافت  
مکتب تجانی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه با همام مؤلف داپر شد ناظم الملک میرزا ملک خان بوزارت  
مختار و ماموریت با فائز متلک و اعلان عزیمت موکبها علاء الدوله در سال آینه بفرنگستان در نیمه رمضان روانه فرنگستان  
شدند که طولوزان فرانسوی حکیمانستی مخصوص علیحضرتها بون که موقتاً رخصت مسافرت بفرانسه یافته بود  
این اوقات معاودت کرده بخاکهایها بون مشرف و بیکفوی انقبه دان مرصع بالماس سرافرازی حاصل نمود جناب  
حسنعلیخان که سابقاً از جانب دولت علیه در فرانسه بعد از اسلام بود وزیر مختار بودند بوزارت فواید عامه  
منصوب گردیدند حضرت شاهنشاه ازاده اجل اعظم کما مکار و بعهده دولت آید با بکفطعه نشان از درجه اول  
امیرنوباتی مکلان بالماس بر پیلان فرین اعزاز فرموده و پس از رخصت ملوکانه معاودت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند  
جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی بیاب عالی اخضا و جناب صیفا فتد بجای او برقرار گردید و چون روانگی  
اشرف پاشا جناب مغزی الهی را بنشان اول شیر و خورشید و جابل سبز و عطای بکفطعه قوطی انقبه مکلان بالماس با طفرای  
ملوکانه میاه فرمودند و قوطی نیز بوصوله قصیده غزائی بود که در مدح علیحضرتها بون افتخار کرده بود حاجی  
شهاب الملک امیر توپخانه مبارک بحکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود در اوایل ماه ذیقعد الحرام لایحه جناب  
مستطاب مشیر الدوله صدراعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته عرض حضورها بون رسانیدند و صدراعظم  
بدستخط مبارک موشخ کردید و در آن لایحه ترتیب تعداد وزارتخانههای دربار دولت از اینقرار بود (وزارت  
داخله) (وزارت خارجه) (وزارت جنگ) (وزارت مالیات) (وزارت عدلیه) (وزارت علوم) (وزارت

نویسد) و وزارت بخاریت و وزارت (صدارث عظمی) که مسئولیت کل وزارت و ادارات دولتی بر  
عهد صدراعظم است نواب عزالدوله بکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیدند ایجاد مساکن نام در دولت علیشند  
ایجاد چراغهای پایه چوون برای چنابان ناصریه و غیره نیز از محضر عاقلین سال است جناب کنت دو سیکه وزیر بخاریت و  
آسیریه که علاوه بر ماموریت واقامت در بارها بون مامور بدعوت اعلیحضرت قوشوک شاهنشاه همملکت آسیریه  
و نمائشی با زاراکسپوشین و بنیه بود پیشتر بقعه وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردید و نامه  
اعلیحضرت امپراطور را با بعضی هدایا بشلیح کرد میرزا پوسنجان مستشار سابق دیوان عدالت بنیابت وزارت خارجه و  
مباشرت مهام خارجه آذربایجان برقرار کردید میرزا نصرالله خان منشی خاصه وزارت خارجه بنیابت وزارت خارجه  
آمد میرزا محمود خان وکیل بکار پیردازی حاجی ترخان مامور گردید نزدیک آفرینسال خبرمال حقوق دیوانی و طیفان  
نوکراز چیره و مواجب علقوالدوب با هتمام جناب صدراعظم پرداخته شد در ماه ذیحجه انفسال امتحانی از متعلمین  
ملکیت مجانی که با هتمام بنده مؤلف دایراست بعمل آمده بعد از تمجیدات شایسته جناب صدراعظم مکلفین برون بنیابت  
خود موسو و ملکیت مشیریه نامیدند و بسیاری از متعلمین را بمعال و نشان نقره و مس و انعامات عظمی رسانیدند  
لیقتضای نشان اول نشان ایند و نشان ابیات است بجناب مستطاب صدراعظم اعطا و مرخص شد پاشاخان  
امین الملک وزیر عدلیه درین راه حضرت شاهزاده عبدالعظیم علیهم السلام روز هجدهم ذیحجه از درشکه برت شده  
و بنیامده روز نوزدهم مرحوم شد نواب الامعهدالدوله حکمران کردستان را موقتاً از محل حکمرانی خود بدار  
الخلافه احضار نمودند که در عیاب و کوبها بون و او ان تشریف فرمائی بفرنگستان بجا و انت حضرت اجل اعظم  
شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر بیگم کشتور و لشکری بسید که نمایند (ژاپن) یا نقیض سخت در شهر  
بی پای سخت قوش سب صد پنجاه نفر و به مسکن و ماوی ماندن سی هزار نفر افتد سلطنت جسمنا و روحانی همکاد  
و فرستادن جمعی از جوانان بملکت فرنگ بجهت تحصیل ارسپا (اسپانیا) در ایالات بدیسکاری و ناواردن کارکن  
نامی از شاهزاده ها اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را بد و ر خود جمع بنیامید در یکی از شهرها نا بستان  
جمعی قصد مثل پادشاه و ملکه را بنیامید ولی صدمه و آسیب با آنها وارد نیامد (المان) در دویم ماه مارس که  
مفان بار و زامضا عهد نامه صلح مابین المان و فرانسه منعقد در سال قبل بود چینه در برلن و سایر ممالک و  
بلاد المان که فتنه به پیشتر نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادت بیروز داده بودند تا ظرف امپراطور  
علی قدر در انهم انعامات بادل و اعطاشند از جمله برتن فرزدیک شارل و کنت دملک و ژنرال دون و ژنرال سنفل  
معادل چهار صد هزار تومان پول ایران که هر نفری صد هزار تومان با شد انعام داده شد مسافرت امپراطور المان بمالک جنوب  
المان بجهت سرکشته نشون آن ممالک ملانث امپراطور روس امپراطور اتریش با امپراطور المان در برلن و مستحکم نمودن مبنای  
دوستی بینا بین را (انگلین) نزاع عساکر هند و سنان با طایفه باغی در طرف شرق آن مملکت قتل اردما بوفرا نفرمای  
هند بدست شخصی از مسلمانان قتل در نیش بک بفرمانفرمای هند جشن اهالی انگلین بجهت سلامتی مزاج و لبچه  
انداختن بسیمت پادشاه انگلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم الیها از آن ابتیاع نمودن دولت انگلین بعضی از  
منصرفات هلاکت را در افریقا مرجهت استیله و خبر دادن از سلامتی لونسون مسافر معروف دولت انگلین شش  
گردود و دست پنجاه هزار نفر بدولت نا تونی نیکه در بنا خسارت کشته موسو به آلاما که در بناد انگلین ساخته  
شده و در جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب نا تونی اهالی جنوب آن کشته را ابتیاع نموده و بجا و نشان خسارت



کلی با ایالات شمال رسانند پس بعد (ایطالیا) فون ما زینی از معارف طبعیان کوه آتش نشانی و زرو (روس) افتتاح راه آهن نفلین بندر پوطی انعقاد عهد الفت و دوستی با خان کاشغر نزل و اندیشه خان خیو از عساکر روس بروز و بادریالات جنوب مرکز مملکت (سو و نروج) فون شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصیب اسکاردوم برادر او بجای او (عثمانی) عزل و نصیب کلے در این مملکت بتغیر صدر و وزیرای جنگ بنوا از صدرت مدحت پاشا آنها محمود پاشای صدر اعظم سابق با حد پول زیاد از طرفان فرنگ فتح عساکر عثمانی قلعه سینت صغارا در عربستان اختیار نام دادن در جمیع اموز طرف اعظم سلطان مجذوم مصر نازعه عساکر مصری با امپراطور حبشه (فرانسوی) فون مارشال و آن از سرداران حیالات رئیس جمهور در نظامات داخله و دادن وجهه دفتر خسارت جنگ را بدست المان که در دست ممالک فرانسه را تحلیف نمایند امریکا (انائونی) در ظرف مدت سه سال هفتصد ده هزار و چهارصد و بیست و پنج نفر از اهالی لان و یک کر در و شصت هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ارلند و هفتصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد و شصت نفر انگلیس بحاک انائونی مهاجرت نموده در آنجا سکونت و جا گرفتند خشکسالی و بارندگی نشدن در ایالات نیورک هلاک جمیع کبش از حدت حرارت آفتاب در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو میل امتداد راهها انائونی است (مکزیک) فون ژوان رئیس جمهور و نصیب لوزان بجای او

۱۲۹۰ هجری

۱۸۷۳ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امود ولئی در ایسال اخیر مال بوجهات خاطر خطبه هایون منظم است حاجی محمد قلیخان اصف الدوله بوزارت عدلیه عظمی منصوب گردید میرزا محمد خوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر سابق بوزارت دفتر بر فرانس مدجناب میرزا محمد حسین پیر الملک علاوه بر وزارت رسایل بوزارت داخله مباحی و نایب گشت امواج پارخانهای مالک محروسه با میرزا مهدی قلی میرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولیم میرزا و آکدار فرمودند جناب سیوطی طاعت و وزیر مختار دولت انگلیس مورافا شد و بار دولت علیه وارد دار الخلافه کرد بد جشن عید ولود مسعود اعظم شاد شد جناب مستطاب صدر اعظم با کمال شکره مانند مثال قبل گرفتند بنده مولود با عطای بقطعه نشان از درجه ثانیه شهر زنجیر شد میرزا شاد جناب نظام الملک بحکومت ندر منصوب گردید و دستعلیخان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی بحرفه مرحوم شد حاجی قاسم خان پیر مرحوم فتحعلیخان ملک الشعراء بر حجاب دی بوست این اوقات که عزیمت سفر فرنگستان نزدیک شده فستونظرمون حاضر کابل علی تمامایک روز با مرها یون در بیرون دروازه دولت حاضر شده سان دایمند و نظریان و ثققات و معنایان ملوکانه کرد بدند حاجی شهاب الملک والی خراسان بعضی از اشرار را که را بنیبه نموده است میرزا رضاخان اجودان صدرت بمنصب سید بنی سیم مقرر کرد بدند حاجی آقای میرزا شاد فرستادند و دولت علیه مقیم لندن بنیای اول وزارت قواد برقرار کرد بدان و فایع معظمه انیسال سفر خیرت اثر اعظم شادها بوشش بفرنگستان که سابقا نیز بدان اشاره نموده ایم و شرح این سفر سعادت اثر نیز چون سایر اسفار ملوکانه بقلم معجزانم خسران مردم شده است ولی ما با خلاصه این سفر عظیم مسطور و مبداریم

میرزا کاظمی

روز بیست و یکم صفر المظفر انیسال از دار الخلافه با هر اشخاص فرموده اشر بفرمای فری برکن کرد بدند شنبه و از دم ربیع الاول شهر شنت بود و مسعودها یون مرزین کرد بدامروز بر نرسید بکوف و کلنل بنی که از جانب دولت و با مامورهاینداری موکب معالی هستند و از بطرین بودع با میرزا عبدالرحیمخان ساعد الملک سفیر دولت علیه مقیم بطرین بود قبل از ورود بر شنتار و هوها یون پیوستند و در یکشنبه سیزدهم بغیرم اترلی آنها حاضر فرموده دو شنبه چهاردم

کلی

بکشته مخصوص وکث روس نشسته بطرف حاجی نر خان و در وسط حرکت فرمودند ملغزین رکاب علی در سفر خپراثر نکشتا  
از این آثار هستند

### در کشته مخصوص هاپون

(جناب سنا بصد اعظم حاجی میرزا حبیبخان) (جناب عند الملك) (جناب عند الملك) (منته خصوص) (امین السلطان)  
(امین السلطنه) (مهذبقلیان پیشین منحصه) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص) (عکاسباشی) (غلامحسین زین الدین)  
(مجر حنیف محقق) (امیر خلوتی فتح خان) (امیرزاده ووجه الله میرزا) (جعفر فلجیان) (حاجی محمدخان فهوجی باشی) (آقا رضا)  
(دهباشی) (میرزا عبدالله فراشکوت) (میرزا عبدالرحیمخان ساعد الملك) (سلطان حسین میرزا) (آقا محمد علی) (آقا حسینی)  
آباد) (آقا باقر) (حیات فهوجی) (بند مؤلف)

### در کشته دیگر

(نواب الاعز الدوله عبدالصمد میرزا) (نواب عنقضا السلطنه وزیر علوم) (نواب حسنا السلطنه) (نواب الانصاف الدوله)  
(نواب عماد الدوله) (جناب علا الدوله) (جناب حسنعلیان وزیر فواید) (جناب بالله فلجیان البلخانی) (میرزا فخرنا امین لشکر)  
(امیرزاده احتشام الدوله سلطان وپس میرزا) (حکیم الما ملک) (رضیر الملك سرنپاول) (جناب مجیر الدوله) (محمد باقر خان شیخ)  
(سلطنه) (حسنعلی خان ژنرال اجودان) (میرزا رضاخان سرنپال اجودان صدارت) (ابراهیمخان نایب) (میرزا احمدخان ولد)  
جناب علا الدوله

### از فرنگها که در کشته ثانی بودند

(جناب سپوئیکی وزیر مختار عنقه) (جناب سپو طوموس نایب سفارت انگلس) (مسبو بکسین حکیم انگلیس)  
روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول حاجی نر خان بورود مسکو خسر وی وزیر آمد و شرایط نشر بیات قدوم هاپونی  
کامل فراهم آورده بود ندیر تن میچکوف کلنگ پراک بانفاق جناب صدر اعظم از حاجی نر خان با اجازه هاپونی از جلو مسکو  
رفتند روز پنجشنبه هفدهم پس از نماشای اماکن منزهه آثار قدیمه حاجی نر خان از در ورودی و لکا بواسطه کشتی  
غریب سار بنسب فرموده عصر روز هجدهم بشهر ساریتسین نزل و اجلال فرمودند در اینجا نیز نشر بیات مفرقه قدوم  
سلطنه بجل آمد بوزان اینجا بکلسکه بخار نشسته روانه مسکو شدند پرتش الووریکر که شهر مسکو با استقبال و کب  
هاپون آمد و با نشر بیات تمام بشهر مسکو ورود فرمودند منزل اعلمحضرت هاپون و ملغزین رکاب رعایت کرملین بود  
که مزین با انواع اسباب گرانمای نفیس از انبیه عالی سلطنه و مقر سلاطین قدیم روسستان بکشتیم در خانه پرنس لئون  
بیال نشر بیات فرما شدند و روز بیست و یکم غنیمت پترن بود فرموده روز بیست و چهارم بشهر پترن بود نزل  
فرمودند اعلمحضرت امپراطور کل مالک روس آنکس از دروم بانواب بعهد و سپار شاهزادگان خانواده سلطنه در کار با  
حاضر بودند و اعلمحضرت شاهنشاه ایران با کمال گرمی پذیرفته با نشر بیات تمام بعارت سلطنه و در دادند و نشان  
سنت اندید که اعظم نشانهای ولایت و وسو مکمل بالماس است با حاکم آبی از جانب اعلمحضرت امپراطور آورده با اعلمحضرت  
شاهنشاه ایران اهدا و تقدیم نمود و ازین برای قدوم مبارک نکنه فر و گذار نکردند بنه کان هاپون بکر و زبمدان مشق  
و بکر و زبماشای موزه ارمنی باج و بکر و زبماشای مشق سواره نظام و جلدی بانک و ضرباننده دولتی و بکر و زبماشای  
پترهوف و گرنشاد و بکشتید بشهر سار مسکو سلو بلوغت شام نشر بیات فرما شده و در این شب اعلمحضرت امپراطور  
بجمع ملغزین رکاب اعلمحضرت شاهنشاهی عطای نشان و انگشتری و ساعت و غیره فرموده روز دوم ربیع الثانی

ضربا

اعلیحضرت هابون بعد از وداع با اعلیحضرت امیر طو در ارزاه و بلنا که شهر روس و کونکسین بود که شهر پر و س است غریب  
 و پر و س فرموده و روز چهارم عازم برلین گردیدند عصر وارد کار برلین شده اعلیحضرت امیر طو کلپوم و نواب لبعهد  
 پسر ایشان و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت و ذرا وارکان دولت همه بر ما حاضر بودند اعلیحضرت هابون با  
 اعلیحضرت امیر طو در کالسکه سبازی نشستند بعضی سلطنتی شریف فرما کردند روز پنجم بسپاح شهر نیشام که خارج  
 برلین است حضرت فرما کردند و روز ششم بسپاح باغ وحش برلین و بعضی اماکن دیگر شهر و روز هفتم بسیر آوار بوم  
 یعنی جا پیکه جوانان و بنات در پای را بجهت تماشا نگاه میدارند و روز هشتم بنمایش میدان مشق و انواع <sup>اشتیق</sup> سوار  
 و باز بدبجبه خانه شریف فرما شده و روز نهم نشان اهل نوار مکلان بالماس با جابلان در از جانب اعلیحضرت امیر طو با اعلیحضرت  
 شاهنشاهی نیشام شد آنگاه با کالسکه بخار شریف فرمای شهر نیشام شدند روز دهم به پارک شریف برده بعد از آن  
 با اعلیحضرت امیر طو وداع فرموده و روز یازدهم عازم شهر کلون و ویسبا شدند یک ساعت بغر و بعد به کارخانه کرون  
 رسیدند مسبوک و یصاحب کارخانه بگردان نو پیر شش بودند بسپا اعلیحضرت قدم مبارک نمود شب شهر کلون منزل <sup>کس</sup>  
 هابون بود و روز دهم بعد از نماشای بلخ بنات و باغ وحش کلون حرکت فرموده تا بشهر نیشام رسیدند از آن گذشته شهر  
 کونکسین را از آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد بشهر ویسبا و در فرمودند و روز سیزدهم قضیه ارسین و قضیه اربش  
 بمقدم هابون فرین آمد و روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفر فرمودند و بعد از سپاحت باز دیدن شهر بوین باد فراراجه نمود  
 شب را بشهر سیر بردند و روز پانزدهم بعزم بادن با دنا حاضر فرمودند و از شهر ما بادنس و فرانکفر و در استا عبور نمود  
 بشهر هیلبرخ که اول خاک کراند و بار است رسیدند پس از آن بشهر کالسه که پای تخت کراند و که باد است و در فرمودند  
 کراند و با جمیع بنرکان مملکت در کار حاضر بودند و اینجا حاضر و غذا و قند و کمرش فرموده آنگاه باراه آهن به بادن بار  
 شریف بردند و روز شانزدهم کراند و کربیان با آمده و در اینجا تمام بسپا خوبی بود و اینجا بوین باد معاودت فرمودند  
 روز هفدهم با کشتی بخار از دور و در نغمه مملکت بلژیک فرموده اول بشهر کوبلانتر و بعد بشهر بون رسیدند از <sup>کشته</sup>  
 بیرون آمده تا بشهر کولین را نند و از آنجا و دیگر بلژیک فرموده از شهر دورن و بعد از شهر اکسلا شاپل که با اینجا  
 شهرها المان است گذشته رسیدند برو دخانه کوچکی که سرحد بلژیک و المان است از اینجا نیز بخار و فرموده وارد شهر  
 اسپان که اول خاک بلژیک است کرده بعد از دور و روز توقف و در سپیم عزیمت بروکسل پای تخت بلژیک فرمودند بعد از سا  
 بشهر لیر که کارخانهای نضک سار و کالسکه بخار سار محضرت دارد رسیدند از آنجا گذشت بعد از دو سه ساعت بشهر بروکسل  
 و در فرمودند اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان کنت فلاند و غیره حاضر بودند اعلیحضرت هابون با اعلیحضرت لئولید  
 کالسکه نشسته بخارت مولتی رفتند بعد از ساعتی اعلیحضرت هابون نشان صورت خضر و اندر برای پادشاه بلژیک فرستاد  
 کال شریف از مقدم هابون بعل آمد لارنس صاحب کابل صاحب طمس صاحب چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای  
 مهمانداری آمده بودند بر و کسل محضرت هابون مشرف شدند بعد از دو سه روز توقف تماشای هم جا و هدای نشان  
 افتاب با جابل بلکه بلژیک روز بیست و نهم با اعلیحضرت پادشاه و وداع فرموده از راه بندر استانبول عازم انگلیس شدند  
 و در بندر مملکت فلاند از کالسکه پیاده و بکشته اعلیحضرت پادشاه انگلیس داخل شده و اندک از بسلا استانبول داد و در  
 که اول خاک انگلیس است پنج ساعت راه بود پیرها اعلیحضرت پادشاه انگلیس با وزرای دولت و اشراف لندن و دیگرها  
 دولتی باد تابند و روز باستقیلا آمد بودند پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه و کد داد بموضع و پسر سیم پرنس آرتور نام  
 دارد بعد از دور و با سکه کالسکه بخار نشسته عزیمت لندن نمودند در حوالی شهر لندن نواب لبعهد دولنا انگلیس

پرند و گال با عیینه زیاد از حد از اهل نظام و غیره حاضر شده بودند اعلحضرت هاپون پیاپی شده بانوار و لعهد  
 در کالسکه و بازی نشسته روانه عمارت بوکنکام که عمارت مخصوص پادشاهی است شدند اعلحضرت پادشاه انگلستان  
 در قصر و بند زور که در شش فرسخی شهر است بودند روز بیست و چهارم که سیم روز و روز بود با جمیع ملزمنین رکاب اعل  
 بقصر و بند زور بدین اعلحضرت پادشاه انگلستان شریف بردند اعلحضرت پادشاه ناپای پله قصر اعلحضرت هاپون را  
 استقبال کردند و جمیع شرايط مودت و اغزاز ملحوظ شد بعد هالردن امیر لاند و زبرد بار پادشاهی نشان تار پیر مکل بالیا  
 بلکه بزبان معروف و سواى اعلحضرت پادشاه انگلستان که رئیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انگلیس و سلاطین خاصه  
 کسى در این بیست برای اعلحضرت شاهنشاهی آورده اعلحضرت پادشاه انگلستان و امیر اطریس هندوستان برخاسته  
 بدست خودشان نشان تار پیر بیکر انور ملوکانه زدند و حاملتقریب انداختند اعلحضرت هاپون هم نشان و حامل آفتاب مکل  
 بالیاس را نشان تصویر بی نظیر مقدس هاپون با اعلحضرت پادشاه انگلستان دادند بعد از صرف نهار و نغزج مراجعت  
 بشهر شد روز بیست و پنجم بنامشای کارخانه جات و لویج که چینه خانه و توپخانه و آهنکارخانه دولت انگلیس است بنامشای  
 مشو توپخانه شریف فرما شدند بکونین چون پیشکش حضور مبارک کردند روز بیست و ششم بسپاحت باغ وحش گند  
 روز بیست و هفتم برای سان کشتیها که عزیمت بندر پورشمون فرمودند و شب مجلس کشتی یعنی ساز و آواز کرد  
 عمارت آبرهال است شریف بردند روز بیست و هشتم بجهت سان فستون که اعلحضرت پادشاه انگلستان خواستند  
 عازم قصر و بند زور شدند روز بیست و نهم بکریج بجهت بنامشای هدرسه بحری انگلیس شریف برده روز سی و یکم  
 اتانی بسپاحت شهر لوی پول و قصر نرنام و دروزخه جمادی الاول عازم شهر منچستر که کارخانات پارچه بافی و غیره است  
 شدند روز دوم شریف فرمای لندن شده باز هر روز و شبی بنامشای محلی و دعوت مخصوصی اوقات هاپون گذراندند  
 روز ششم برای دعای اعلحضرت پادشاه انگلستان به و بند زور شریف بردند روز هفتم بعمارت بلور و روز هشتم  
 بنامشای ریختن و شریف شده روز نهم جمادی الاولی عزیمت بندر مشر بورغ فرانسه نموده در کار و بکتور با بانواب و  
 وداع کرده با کالسکه بخارج حرکت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بند پورشمون شده و از اینجا با کشتی فرانسه بدین  
 مشر بورغ شریف بردند روز دهم با کالسکه بخارج نشسته از مملکت نورماندی عبور و نیم ساعت در شهر کان پای تخت  
 نورماندی توقف کرده بکساعت بغروب مانده بیار سر رسیدند مگاربامار شال ماگانون ریسر دولت جمع و رود  
 دوبر و کلی که تازه وزیر امور خارجه شده نعار فرمودند عمارت کزلر بسلائیف متر لکاه اعلحضرت هاپونست و روز بیست  
 و سیم موکب معلی در بار پیر اقامت داشتند و بنامشای عمارت و بلوغ و رسایل و روز چهارم به انوال الهد که مغیره ناپلیون اول  
 و غیره است و روزی بلونشان برای سان فستون و روز پنجم برای اسب وانی بلونشان و شب بنامشای سبرک  
 رفتند و هکذا هر شب در بنامشای محلی و دعوتی که شریف فرما شده روز بیست و سیم جمادی الاولی از پاریس  
 عازم پرتون که یکی از شهرها فرانسه است شده با کالسکه بخارج با اعلحضرت شریف بردند روز بیست و چهارم از پرتون  
 فرموده عزیمت بشهر نیک که از شهرها سوئیس است سپندند روز بیست و پنجم و بیست و ششم بسپرد و در بار پیر  
 گذشت روز بیست و هفتم در میانخانه هونل داپه بنهار موعود دولت سوئیس بودند روز بیست و هشتم از نیکو  
 بشهر تورن پای تخت قدم مملکت ساردن و سپه مؤن شریف فرما کرد بدین اعلحضرت و بکتور اما نول ثانی پادشاه  
 ایتالیا و بانواب پرند و لعهد و لک و سایر شاهزادگان و رجال دولت ایتالیا دم کار موکب معلی را پذیرفتند  
 و اعلحضرت هاپون با اعلحضرت پادشاه ایتالیا در کالسکه دوباره نشسته بعمارت دولتی که برای متر لکاه اعلحضرت

عمر

هاپون است و اعلم حضرت پادشاه ایطالیا در همین عمارت منزل دارند نشین می بردند روز بیست و نهم و سیخ جهادی اولی  
 در تورن اقامت شد و بنماشای ایطالیا و اماکن و نیز هتکاهها گذشت و ز غره جهاد ایشان از تورن بعد از وداع اعلم حضرت  
 پادشاه ایطالیا عازم شهر میلان شدند روز دهم از میلان غریب شهر سانسو بیخ که خزانه ملک اطریش است فرمودند  
 در آنجا سانسو آلا که سرحد و این ایطالیا و اطریش است هماننداران آسیر به حاضر بودند از آنجا رانده روز سیم نزدیک  
 عز و بافتاب با سانسو با یزید که در دوفر سخی شهر پینه پور رسیده کالسه که ایستاد اعلم حضرت امیر اطور شراپ مودت  
 بانوار و بعد از مشاهدگان آن ملک نا آنجا با استقبال مستقیم و در این آمده اعلم حضرت امیر اطور شراپ مودت  
 بجا آورده با کالسه بخار روانه منزل که قصر کالسا بود غایت شکر روز چهارم بقصر شونیزون بیازد اعلم حضرت  
 امیر اطور شراپ برد، مراجعت فرمودند روز هفتم بمماشای شهر پینه و باز آراکیو بسپویر داخل شدند و ناز روز دوازدهم  
 خاطر مبارک بنفوح مماشای محلی مشغول بود و کال پینه برای تشریفات از فردوم هاپون منظور داشتند روز سیزدهم  
 بعد از وداع با اعلم حضرت امیر اطور شراپ سبوع تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم شهر اسپیرا که پور و مسعود  
 هاپون شاهانه فرین شد روز پانزدهم غریب شهر بولون ایطالیا فرمودند روز شانزدهم در بوشون توقف شد و  
 بگردش این شهر و نواحی پرداختند روز هفدهم عازم برتیزی که آخر بندر ایطالیا است شده روز هجدهم به بندر مزو  
 و در فرمودند و کشته از دولت عثمانی با اشرف پاشا همانندار حاضر بودند روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیدند روز  
 بیست و دوم بیازدارانل رسیده مجدداً شد پاشای صدر اعظم با رجال و صاحب منصبان بزرگ دولت عثمانی  
 از اسلامبول از جانب اعلم حضرت سلطان بچاق قلعه با استقبال موکب هاپون آمده بودند روز بیست و سیم کشتی آمد  
 نا مجازی عمارت مشهوره بیکر بیکر که برای منزل اعلم حضرت هاپون تعیین شده بود اعلم حضرت سلطان که در عمارت  
 بیکر بیکر بودند سوار فایق مخصوص که برای اعلم حضرت هاپون حاضر کرده بودند شده بکشته سلطانیه آمده از اعلم حضرت  
 شاهنشاهی بپنهان غایب و متفقاً در فایق نشسته با سکه تشریف فرما شده بعمارت صغوف فرمودند و سر  
 تشریفات مقدم مبارک کالما بعل آمد و ناز روز بیست و نهم اعلم حضرت هاپون شهر یاز در شهر اسلامبول اقامت و هر  
 روز و شبی بمماشای محلی تشریف فرما شده و در هر موقعی از ذات هاپون پنهان تایان نموده روز غره و رجب بماند  
 وداع اعلم حضرت سلطان دو کشته سلطانیه نشسته غریب پوطی نمودند روز چهاردهم به بندر پوطی رسیده پرسش  
 پنجگونی و کلنل بزرگ هماننداران سابق دولت روس نا آنجا آمده مشغول پنهان برای مقدم مبارک شدند و از  
 کشته سلطانیه بکشتی بخار کوه چکی که از طرف پوطی آمده نقل مکان کردند نوایب کرانند و کبیشل برادر اعلم حضرت  
 امیر اطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقاز است با صاحب منصبان دم اسکله حاضر بودند بعد از تعازات با کالسه  
 بخار براه افتادند و فریاد صبح بقلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله بعل آمد و روز هفتم از قلیس عین پنهان بکوه  
 فرمودند روز هشتم تشریف فرمای کجیز و روز نهم بطرف توپان چای و روز دوازدهم دو ساعت از شکر شده شهر یاد کوه  
 و در فرموده و بکشته نشسته بطرف انزلی حرکت فرمودند روز چهاردهم رجب انزلی شرف و در ازانی فرموده عموم  
 اهالی مالک محروسه از سلامت معاودت اعلم حضرت اندلس شاهنشاهی فرین شکر کامل گردیدند و روز سیخ و رجب  
 المرجیه در اختلاف با هر طهران بمقدم مبارک فرین و مشرف شد

هم از وقایع حزن انگیز این سال رحلت نوایب علیه عالیله مهد علیا و الله عمره اعلم حضرت اندلس شاهنشاهی است که در  
 ششم ربیع الثانی در دار الخلافه طهران بجوار رحمت الهی پیوستند عین قلخان سردار لاجپانی بیست و هفتم ربیع

الاول برخواستن نواب فخر الدوله عمده محرمه اعلم حضرت همايون شب بيشم شهر جمادی الاولی بر حمتا بزدي پوپست  
 حاجی سید اسدالله مجتهد اصقها ولد مرحوم حاجی سید محمد باقر از اجله علمای اصفهان داعی حق را بیک اجابت گفتند  
 حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله صدر اعظم بعد از ورود موکب سعوتی نجاک ایران از این منصب استعفا کرده در رشت  
 متوقف گردید وزارت جنگ و امارت توپخانه مبارکه و قورخانه کما فی السابق بعهده کفایت نواب الانضرة الدوله <sup>کول</sup>  
 آمد مجلس دربار با اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله رئیس  
 کل خاثر و محاسبا و خزانه و غیره و رئیس ارشود و ناظم دارالخلافه و خالصجات) (نواب الانضرة الدوله وزیر جنگ)  
 (نواب اغضا السلطنه وزیر علوم) (نواب عماد الدوله وزیر عدلیه اعظم که نازنه باین منصب بنیل نایل شده) (جناب میرزا  
 سعیدخان مؤمن الملک وزیر امور خارجه) (جناب ضیاء الدوله وزیر تجارت) (جناب مجمل الملک وزیر وظایف) (جناب  
 میرزا علیخان منشی حضور و وزیر رسائل) جناب اجل آقای مستوفی الممالک با عطای قلمدان مرصع بجواهر مباحی گردیدند  
 جناب علاء الدوله که علاوه بر منصب کشیکباشی در سفر نکستان مؤتمنا بسفرا بشیک آفاسی باشیکری معزز شدند  
 در این اوزان اداره فراخخانه مبارکه و باغات و عمارت دولتی بمریدسار مشاغل جناب معزی الیه نموده با عطای بکفینه  
 عصا مکل بالماس بر پیمان مباحی آمدند آثار ضایعکام سبانی و پیشخدمت مخصوص خازن صرفیست اجودان مخصوص  
 حضورها یون گردیدند مؤلف بمنصب معاونت دیوانخانه عدلیه اعظم مفتخر و سرافراز آمد برای هر یک از ولایات  
 ممالک محرمه مقرر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و رئیس آن از طرف وزارت عدلیه دارالخلافه معین گردید  
 روز هجدهم شعبان موکب معالی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون و برپختن آن دولتی شده وضع انظام این دو دایره  
 جلیله پسند خاطر مبارک انوار اغضا السلطنه وزیر علوم را بکثوب سراری ملبوس مبارک مفتخر فرمودند حکمرانی  
 عراق را بجناب سپهر الملک و اکتدار فرمودند جناب میرزا علیخان وزیر رسائل بلفی جلیل امین الملک گردید حسنعلیخان ژنرال  
 اجوان را بحکومت ولایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهسون آجا منصوب فرمودند جناب عضد الملک با علاوه بر منصب  
 جلیل خوانساری و خازن مهر آقا بمنصب آیتانی کرای ایل جلیل با جار سرافراز فرمودند جناب کتدیسه وزیر خا  
 دولت مسندت ریارد دولت علیه عو کرده روز پنجم رمضان وارد دارالخلافه گردید محض مرحمت مخصوص از جانب سنی  
 الجوابت همايون در باره حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم و بعهده دولت علیه دام الله اقباله العالی بکفینه  
 مکل بالماس کرا بنها با فقار حضرت معظم مرحمت فرمودند جناب صاحب دیوان بمنصب لفظ جلیل وزیر نظامی و بکثوب حیه  
 شمس صغ خلعت سرافراز گردید معاودت با ذریه با بجان کرد ایلدغ او امر علیه مجلس شورای کبری عرض عرافین و ذریه تمام  
 بجا کما ی مبارک بر عهد امین السلطنه پیشخدمت خاصه فرمودند جناب سپهر ملینه که از جانب دولت فرانسه نسبت وزیر خا  
 مامود دربار دولت علیه بود وارد دارالخلافه گردید نواب شجاع الدوله بحکومت همدان سرافراز آمد نواب محمد امین میرزا  
 بحکومت کلیان و خوانسار مباحی گردید انجام خدمات مسطوره در ذیل بعهده میرزا فخرمان امین لشکر موکول کشت  
 (وصو و جو نظام از ولایات ممالک محرمه) (نصدا امر ملبوس کل فتون) (رسیدگی با امور خاثر نظام و رسیدگی با امور  
 محاسبه قورخانه ممالک محرمه) حاجی میرزا بیخه خان نایب نور دایکی از نوکرهای او بزخم چاره از یاد آورد امیر علیخان  
 حشمة الملک بر قومان که در سبستان خدیش کرده بود بکفینه شمشیر صغ عکمل بالماس مفتخر گردید فوج بهادران  
 تبریز با علاوه بر فوج ششم اقبال جمعی بقرخان شجاع السلطنه معزی الیه ابواب جمع فرمودند وزارت عسکر با همتا  
 حضرت امیر اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر دام الله اقباله العالی و نواب حسام السلطنه و نواب

معین الدوله و جناب ناصر الملك و میرزا موسی بیگ فخر لشکرهای منتظم است و زارت امور خارجه برعهده کفایت جناب حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله مفوض فرمودند امیرزاده هوشنگ میرزا و لایحه حاکم آرا با یلجانی کری بکهار سوار افشار و دو برن و غیره و لقب یلجانی سرافراز فرمودند نصرالله خان حاکم کرکان رود بمنصب سرنویسیم اللهیارخان حاکم اسلام بمنصب سرهنکه مباحی آمد خدایت نولت آستان ملا بک با سباحت حضرت رضو سلام الله علیه با جناب میرزا سعید مؤمن الملك رجوع فرمودند میرزا عبدالغفار معلم کل علوم ریاضی بمنصب محکم با شکر کوفت بخت الملك و خلفت هاپون سرافراز شد عبدالحسین خان ولد میرزا خانبابا خان سردار بلیغت منصب نزال جودانی و اعطای بک قطع نشان و جایگزینی درجه و بزم سرنویسیم مباحی کرد بدینده مؤلف بلیغت منصب مقدم السفر لای سرافراز آمد آره عمارت و باغ و مبارکات را با علمه احشمت بن بجا کرد و اکنار فرمودند حاجی میرزا محسنی از بختار اسلام بلیغت بنیل معین الملك سرافراز آمد (چین) خافان چین که طفل بود و بسن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت میشود (ژاپن) مسافرت نوا کرد و اول انکیه لیسر اعلیحضرت امیرطور روس با بنمکت میکادو عهد نمود و ز فرنگها را جشن گرفتند سفر این را که در بار او مستندین برای میکند امر پیا (اسپانیا) شوش هواخواهان دن کارلس قوت و امتدادی هم رسانیده و دولت هسپنیا دی نمبر دفع با عیان می بیند همچنین شورش اهالی جزیره کوبا استعفا امیده دویم پادشاه جدیدان سلطنت و رفتن پادشاه با خانواده خود بپرتغال مجلد و وضع جمهور نمودن فتوحات دن کارلس در اغلب نقاط (اطریش) فوت امیرطور روس کارولین گوستا از اقوام امیرطور مقرر داشتند فتون دولت اطریش را هشتصد هزار افتتاح اکیونیسو صنایع را اول ماه دروین درو اعلیحضرت امیرطور روس و بعد دینک با شای اکیونیسو در اول ماه ژون و دو امیرطور لیسلمان در اول خرمین ماه ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران بوین درسی و یکم ژولیه ملاقات امیرطور ایتالیا و امیرطور اطریش دروین اختتام اکیونیسو در دویم نوامبر جشن سال بسنت نیم جلوس اعلیحضرت امیرطور در اغلب نقاط گرفتند (مان) ورود سفرای ژاپن در برن شورش در فرانکفر که استعمال حریر برای دفع شورشین لازم شد مسافرت اعلیحضرت امیرطور بپترزبورغ از دواج شاهزاده لایک باویر با پرسنن ژول دخترا امیرطور اطریش ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در برن در سلخ ماه هرچو قسط آنرا حساب جنگ فرانسه داده شد قلعه بلیفر را که آخر نقاط منصرف بود و بطور کرکان نگاهداشته بودند عساکر پر و سرخالی کرده رفتند ملاقات پادشاه ایتالیا و امیرطور لیمان در برن و ملاقات امیرطور لیمان با امیرطور اطریش دروین فوت ژان پادشاه ساکس (انگلس) بعضی از رجال دولت از ژوینت و پیشرفت فتون روس فتوحات آنها در سمت جنوبی متغیرند بنا بر این دولت روس نزال شوالف جودان مخصوص امیرطور را بجهت اطمینان دولت انگلس بلندن میفرستند فوت ناپلیون سیم امیرطور سا نو فرانسه در قصر اسلشهورست من نواب لندن در نیم ژانویه یکساعت نیم قبل از ظهر در افتتاح مجلس پارلمنت لرد گر افویل وزیر امور خارجه کلای ملت را اطمینان میدهد که دولت روس هیچوجه در خیال نگاهداشتن جنوب نیست اعلیحضرت پادشاه انگلستان بفرست و شلیت بقصر اسلشهورست بدین امیرطور لیمان رفتند ابتدای منازعه ما بین پادشاه آستانه که یکی از سلاطین افریقا است دولت انگلس نزال ولسنی مامور بمنازعه پادشاه آستانه است فتوحات سردار مذکور در بیان مملکت (ایتالیا) طغیان رودخانه پو و خرابی ساپندن با اغلب نقاط استغایب دم او فوت ناپلیون سیم توجه کرد مردم در میان خود فتوحای برای صاحبان مجسمه ناپلیون سیم ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بسنت نیم ژولیه با ایتالیا (روسی) فوت عمه امیرطور گران دوشسین هان و دو جمی از عارف فرقی بپترزبورغ و نظم نمودن از غذای خان جنوبی

بنابر این تیرال کفان بادوا زده هزار نشون به نینب خان خجوق ما موشد و رود اعلم حضرت شاهنشاه ایران در شانزده  
 ماه مهجری برخان بنز و رود اعلم حضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه بطین بویغ عساکر دوش داول تابستان  
 از د و نقطه وارد خجوق شده شهر خجوه را منصرف شدند بعد از تصرف شهر خجوق در بیست و یکم و لیه انعقاد مصالحه مابین  
 سردار روس و خان خجوه شد مشروط بر اینکه بکسبیت از مملکت خود را بنصرف سردار روس و بیکسبیت یا بنصرف سردار بخارا هد  
 و خود مثل سایر خوانین ترکستان در تحت سلطنت روس بشناسند بعد از انعقاد این صلح طایفه مویش خجوقی بخان خجوق  
 شور بدند و خان مجبوشند که از سرداران روس استعانت جوید انعقاد عهد مابین دولت روس و امپراتور کشته رانی در  
 رود اموا زاد خواهد کرد و ان بخارا روس با کال از آردی در تمام خاک بخارا میتوانند بخار کنند بخارا بدون اینکه دارای  
 باشن بی از روس باشند حق توقف در بخارا ندادند خرید و فروش برده و بند ممنوع است (سویس) فوت دو و بر تریک  
 در شهر تریک و پنجسید معادل چهار کرد و در ایران املاک خود را با هالی شهر (عثمانی) بصلب سعید یا تصدات و عزل  
 محمد شکر پاشا و رود اعلم حضرت شاهنشاه ایران در هجدهم او با سلام (فرانس) ایجاد مجلس کلای دولت کرد  
 سلطنت بسم بوده موسو مجلس سنا استعفا مسیوطی از ریاست جمهور و وزیران بکسبیت او بودند در اواخر او پیل و نب  
 مارشال ماکامون بریاست و رود اعلم حضرت پادشاه ایران در دهم ماه ژوئیه بیار پس مدت ریاست مارشال ماکامون هفت  
 سال مقرر شد مارشال بازن که در فله مشن محصور بود و آنقله را بنصرف عساکر روس داده بود حکم عزل او از سرداری با حکم  
 قتل او از شورای عسکری صادر شد مارشال ماکامون بواسطه حق عفو بیکه در اذ قتل او در گذشت لیکن مقرر شد مدت  
 بیست سال تمام در جزیره سن ماگریت که نزدیک سواحل فرانسه است محبوس باشد (هلاند) ابتدای منازعه مابین این دو  
 و سلطان انجین که بد بکسبیت از جزایر سومانز سلطنت دارد اهلای مذهب اسلام دارند شکست قشون هلاندی از نشون  
 انجین بواسطه زخم خوردن تیرال کلهر سردار عساکر هلاندی امریکا (مکزیک) لودین دار رئیس جمهور در قضا  
 مجلس در صدد اینست که بلکه بتواند رشتن لغت و دوشه که سابقا با فرانسه داشتند حکم کندهاالی ملت در دوشه  
 ژوئیه رئیس سابق بار و عز او در روز تولد او را مقرر داشتند روز عیشتن برای تمام ملت باشد و برای ولاد و اقربا  
 او وظیفه فرار دهند

۱۷۶۴ هجری شمسی

۱۲۹۱ هجری

آسیا (ایران) کلبه مور و هماد ولتی از نوجها خاصه هجرون در این سال قرین نظام کامل است میرزا ابراهیم خان  
 سهام الملک بلیغ بهام الدوله کرد پند میرزا سپید رضی برادر مرحوم میرزا سپید عبدالله ناظم میران بمنصب استیفا از دجه سیم  
 ناپل آمد حکمرانی دارالعباد نزد راجنایه عند الملک و در خصوص حجت فرمودند و حسب قلیخان مافی از جانب جناب معظم  
 بنیاب حکومت رفت حاجی حسنخان شهاب الملک بلیغ جلالت نظام الدوله و خطاب جنابی سرفراز آمد میرزا جواد خان سرنک  
 و رئیس نکرانخانه آذربایجان بمنصب سر نیی مقرر گشت و الی گوی ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان فرموده بنوا  
 مؤالدوله مرحت کردند حکمرانی عراق و بر وجود را بعهد کفالت نواب الانصره الدوله واکذا فرمودند مستنفا  
 الملک خراسانی بمنصب استیفا اول دیوان علی و عصا مرصع سرفراز شد مهام و امورد ولتی کلبه راجع بوزرای سته  
 زبل کرد بیه و معظم البهم را وزیرای مختار دربار اعظم لغت دادند (جناب آقای مشوق الممالک) (جناب مشیر الدوله)  
 نواب اعنضا السلطنه وزیر علوم (نواب عبدالدوله وزیر علییه) (جناب علاء الدوله وزیر جنگ) (جناب عضد  
 الملک الخانی و خازن مهم مبارک) رسم نظایم حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرائی آن بعهد نواب اعنضا السلطنه



موکول آمد جناب علاء الدوله مجد رحمان چنانکه اشارت شد بوزارت جنک سراز آمد پسر ابوالفاسخان سرهنک  
 پسر میر محمد صادفخان در بابیکه بنابیکه یافت نواب پتور پسر زاحسا الدوله که زباده از هشتاد سال زندگانی کرد  
 بود بر حین اطمینان پستند که مرد و غیره که عزیمت یافت و نازرا اسان داشتند شجاع الدوله امیر حسنخان حاکم قوچان  
 و غیره آنها را نینهی لبر نمودند اما قارضا اچودان مخصوص بکفطعه نشان شیر و خورشید از درجه دوم و پانصد تومان  
 اضافه مواجب سراز آمد اعلم حضرت پادشاه انگلستان بکفطعه عکس شما بخود را برسم یاد کاری برای اعلم حضرت شاهنشاهی  
 دام ملکه فرساده ندرتقی خان ناچار ملقب بشهاب الدوله شد پسر زاموسرخان سرهنک فوج سواکوهی بکفطعه نشان  
 شیر و خورشید با جا بل سرهنک نابل آمد از جانب ولایت پیرمان سفارت با نامه هدایا بدو با معدله دار آمد حکمرانی

کرمانشاهان و کردستان بنواب عماد الدوله مرعش فرمودند جناب پسر زاکا ظمخان نظام الملک بوزارت علیله اعظم منصوب  
 و بناهی شد حاجی رحیمخان سر تپ و بی منصب سر تپ اول توپخانه سراز آمد جناب پسر زاعلیخان امین الملک وزیر پسر  
 خاصر اعطای نشان مثال هاپون مکل بالماس سراز آمد سراز آمد موسی رئیس فز لشکر منصبی جلیل و وزیر لشکر منفرد  
 حسینقلی سر تپ سواره شاهسون قورن بیکو منصب سر تپ اول مباحی کشت نواب بدیع الملک پسر زاولد نواب عماد الدوله  
 بلیغ جلیل شتر السلطنه ملقب از جانب نواب معظم البیخکومت کردستان منصوب جناب آقا میر سید محمد امام جمعه  
 ملقب سلطان العلماء مؤثر شد اداره نکر انجاندر بلا واسطه بخیر الدوله و انکار عمر مؤثر عبدالرسولخان نایب الحکومه کیلان  
 بمنصب سر تپ اول سراز آمد حسینقلی مافی وزیر پزد بلیغ معنای الملباهی کردید آقا رضای دهباشی بلیغ ناظم خلوت  
 و اعطای بکفطعه نشان شیر و خورشید از درجه سیم سراز آمد پسر زاعلی اکبر پسر میرزا محمد حسن عزیمت داشتند فخرخان مباحی  
 منصب بباشی یافت حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دارالخلافه هجوم و نزدیک چشمه علی طهران مدفون شد پنجاه هزار  
 قبضه نفلک انبیا علی المنان بمرور بدار الخلافه میرسد در ماه شوال اینک امور مالیه و مهام کشور مستقله جناب آقا مستوفی

المالک امیر عسکری و وزارت جنک با لقب سپهسوار اعظم بچنان مشیر الدوله و انکار و مرعش شد روز بیست و هشتم  
 شوال چون طرح باغ عشرت آباد ریخته شده و دیوار در و در ساختن بنای مشیر مؤذن آتش بندکان اعلم حضرت هاپون شاهنشاهی  
 دام ملکه شریف فرمای این باغ که در میان قصر ناچار و نکارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت بدست مبارک انجمن  
 غرس فرمودند پسر زامیر حسین ادیب اصفا که هشتی روز نامه دولتی و در صحبت مؤلف است قطعه در تاریخ این درخت  
 کاری عرض کرده با نعامان و مرام ملوکانه سراز آمد و سوا آن قطعه که عینا در ذیل ثبت میشود با مرهاپون کتبه شده  
 بدیوار قصر عشرت آباد نصب کردند

بادست خوش خسر در قصر عشرت آباد	فرمودند عینای رای درختکاری	ای باغبان فردوسی نام خوش نوزاد
کوش پیر کاپنک مشرف آبادی	اصلش بو عدالت فرعش تو کرامت	شاخی که شرف نشاند بادست شهرتاری
نابرتک کشتد سر انبشاخ عدالت	بکچند و در شای بر نوبهاری	شاخ ملک نشان را صد بار به نواز گفت
از دوخته همیشه از سر و جوی باری	از این شجره ها بنیاد اهل عالم	برزخ بختیاری بهرز گاه و کار
زود که عشرت آباد همچون پسر کرد	هم مشرق کو اکبهم مطلع دراری	بر جای میو خورشید آرد ایند رختان
از فر شهرتاری از فرط بختیاری	نا اصله کرامت بار آورد فتوت	دست ملک نشاند شاخ برز کوار
اصلش نشان افدس فرع اند جمله عالم	از اصل فرع را باد پوشنده استوار	در باغ عشرت آباد از پهن دست خسر
باد اشکفته دام کلهای ناچار	شمارد بیاستد در مدح شاه شاهان	چون آفتاب روشن مانند آب جاری

شاخ نشاط کشتناریضه خسرو کخسروانشاندی شاخ امیدوار سع صبیح دولنا مرخداو اعظم  
بخشد این بار آئین استواری

میرزا محمد حسین ایباصمها املین بزوغی فرمودند حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات بم  
تقبل آستان علی باد الحلافه آمدند اداره صندوقها عدالت و لایات و احباب عضد الملک شویب فرمودند و دستخط  
ها بوسیله بردشو العمل و تعیین تکالیف این اداره خطره شر قصد و بافت (چین) تفار و کدورت سخت مابین ایند  
و این مجبه فرستادن ژانیه ها چند فرزند کشتی جنگی بتسجیر جزیره فرمز بواسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده  
بود در اوایل پاییز اینسال در سواحل جنوب چین و سواحل ژاپن ایبیه سپاه و کشتی زبا دختی کشتیهای آتش زره دار  
غز شد در مسئله جزیره فرمز بین دولین چین و ژاپن کار بمصالحه انجامید عساکر ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند  
(ژاپن) پد برای امپراطورین و جات سفاری کبار که در ایند و کدورت بودند فرستادن یکدسته فئون سیراری سانی گو  
و تصرف جزیره فرمز که جزء مملکت چین است اسرارها (اسپانیا) شویب و پاسه و لشکرهای اسپانول را بمار شال  
میرانه فتوحات کارلس در بلبا تو قتل مار شال کشتیهای از سرداران معبر که بدفع نکارلس رفتند بود بصوب کولوبه فیلو  
نمودن مار شال سرانده پس چهره سیراری فئون را بمجبه دفع نکارلس جمعان معارف و بریزکان مملکت طالب سلطنت انفس  
پس این ابل ملکه سابق میباشند بغير وضع جمهور و مسافرت مار شال سرانده بفرانسه تمام فئون بدو استناد انفس را  
بیاشاهی میخواستند (اطرش) مسافرت اعلم حضرت امپراطور اطریش بطیر زبورغ و ملاقات ایشان با اعلم حضرت امپراطور روس  
(المان) آمدن و بعهده دولت انگلیس و وجه ایشان برین خطبه برین زمانه در افتتاح مجلس بر ضد جمعی از وکلای ملکش  
زدن و ختم کردن نطق خود را با این طلب یکی از شرافات من اینست که اول شخصیکه طرف نفرت تمام اهالی اروپا هست بواسطه  
وطن و خند نکذاری بد و از خود منم مسافرت امپراطور اطریش بپای نخست با و بر مسافرت امپراطور اطریش نیز به با و بر ملاقات  
صید خود عد فئون المان در فتح از صاحب منصب و نایب چهار صد و یک هزار و ششصد و پنجاه تنه نفر مقرر کرد بد  
مار شال ملک در مجلس ظاهر میکنند که فتوحا ماد مملکت فرانس را اسباب جذب قلوب سایر دول سنت بمانشد بلکه کینه و عدا  
آنها ز یاد فرکر دیافلا پنجاه سال دیگر آچی را حالانبر و اسلحه تحصیل کردیم باید با عانت اسلحه حفظ کنیم امپراطور روس که  
بمملکت انگلیس سفر میکردند در برلین با امپراطور المان ملاقات نمودند با عانت ملاقات دو امپراطور در شهر اوس شخصی  
موسو بکولمان بسمن صیون نیز مارک طپا پنجه خالی کرد که جزئی نالتی بدست او وارد آمد ملاقات امپراطور اطریش  
و امپراطور المان در اینجلس کنت دارنیم سفر سابق دولت المان در پارلس با تمام اینکه بعضی نوشینات دولتی رسمی  
که در سفارتخانه پارلس بوده مخفی داشته است استعفا موفقی برین نیز مارک و قبول نشدن آن (انگلیس) حرکت  
عساکر انگلیس بسمن کوماسی پای نخست طا بغه آسانی که پادشاه ایجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود در افریقا از دواج و آ  
دولت و پنورگ پس دویم پادشاه انگلیس با گران دوشس ماری صبیله امپراطور روس مخط و غلای سخت در نکاله  
هند و فون چندین کرد در نفس سردار فئون انگلیس شهر کوماسی را که پای نخست آسانی بود فتح نموده قنده از ان شهر را  
آتش زده که کار بمصالحه انجامید عزرا و زرای دیک و نصب ندای نوری بریاسته سرائله و دو امپراطور روس بلند  
دایان بنکاله می کرد در نفس که دوچار مخط بودند با عانت دولت انگلیس از هلاکت خلاص شدند یاد داشت فرستادن  
دولت عثمانی بدول المان و اطریش و روس که وجهامن الوجوه انقضاء عهد بخاری با ایالات که در تصرف عثمانی است از  
عین افلاق بغلان و سرب و منتنکر و نادر فتح دار فوران مالک افریقا بدست فئون مصر جمعیت دار فور که بصرف

مصر آمد و در نفس است ( ایتالیا ) جشن بزرگ گرفتند مردم بجهت سال بیست و پنجم جلوس پادشاه ( بلژیک ) پذیرا  
 نمودن پادشاه بلژیک از امپراطور روس با شرفیات لازمه قشکه امپراطور معظم از انگلیس مرا جت میکردند ( دانمارک )  
 استعفا تمام وزرای پند و نک مسافرت پادشاه بجزیره ایزلند که جشن سال هزارم الحاق این جزیره بملکت دانمارک  
 گرفته شد ( روس ) ایجاد قانون نظامی ممالک اروپا در وضع گرفتن احاد فشن و اجبا خدمت نظامی بتمام رعیت  
 بدو استناد در این مملکت و در ولعهد انگلیس و در جزایران ببطریق بورخ مسافرت اعلم حضرت امپراطور بالمان و  
 بعد بانگلیس بکاز برادر شاهخان جنوق در جزو قشون روس قبول خدمت میکند ( عثمانی ) عزل شدی پاشای صد اعظم  
 و نصیب عونی پاشا و زهر خلیجی او و رود پیرش میلان والی سربا با سلامبول ( فرانسه ) مدت ریاست مارشال  
 ماکا هون بدو تود بد بخت سال مقرر شد فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریت ( هلاند ) فتح کوانتن بکی از فلعبا  
 ایچین بدست سردار هلاندی جشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس پادشاه آمریکا ( اتا نوئی ) عقد فشن  
 دولت را بهر جنبه به پیشتر مقرر داشتند ( برزیل ) صلح حقیقی ای می مابین ایند و پاراگای

شماره ۱۷۵ مسیحی

شماره ۲۹۲ هجری

آسیا ( ایران ) جناب ظهیر الدوله محمد ناصر خان مامور حکمرانی و والیکری خراسان و سپستانا کرد بد حاجی سلیمان خان  
 نایب اشیک آقاسی پاشی مامور حکومت فراجة داغ شد بعضی ولا یات که سیم تلکراف ندارد مقرر شد تلکراف کشیده شود  
 احتشام الملک بمنصب سرتیپ سیم سرافرا شد حیدر قلیخان و لد حاجی آصف الدوله بمنصب سرتیپ سیم نایب آمد ریاست  
 مدرس جدید نظامی و صاحب منصبان انا مازر بعهد میرزا عبدالخان سرتیپ مهندس و اگذار کرد بد میرزا موسی وزیر  
 لشکر با عطای نشان نمثال هاپون از درجه ویم سرافرا شد حاجی حسینخان نظام الدوله روز بیست و سیم محرم  
 شد حضرت اجل اعظم شاهنشاه هزاده و الاطلا السلطان حکمران اصفهان و نواب ادم الله اقباله العالی بکفقطعه  
 نشان افسر کلل بالماس درجه خصاص یافته از آستان هاپون بجل حکمرانی خود معاودت فرمودند وزارت و دار  
 اعظم و بعهد جناب علماء الدوله مفوض داشتند وزارت علیها اعظم را بجناب عبدالملک موکول فرمودند حکمرانی  
 عربستان و لرستان و نواب عزالدوله بهرام میرزا و اگذار نمودند حکمرانی فارس و بعهد کفایت جناب معتدل الملک  
 موکول داشتند حکمرانی کیلان برعهده جناب ناصر الملک مقرر آمد والیکری بیز در ایچ خان والی سرتیپ اول محنت  
 فرمودند نواب عماد الدوله در نیمه رجب اعی حق را بسبب اجابت گفت و نواب چشمه السلطنه بدمع الملک میرزا ولد  
 آتم حوم بچکو منکرمانشهان و کردستان سرافرا شد وزارت کرکخانه ممالک محروسه بمرزا قهرمان امین لشکر  
 مفوض فرمودند روز هفتم شهر شعبان بجهت امتحان فشن ظفر نمون و ترفیبات اداره جنگ در صحرائی و نشان سپه  
 در حضور هاپون مشق بزرگ عمده شد و بکفیت شمشیر مرصع بجناب سپهسار اعظم مرحت فرمودند میرزا قهرمان  
 امین لشکر با عطای نشان نمثال هاپون و لقب جلیل جناب سرافرا آمد موکب فرزند کوب مبارک عزیمت سفر خیریت  
 اثر مارندان فرموده روز بیست و چهارم شعبان از افسر سپه بفریاد او شان تشریف فرما شدند و از آنجا بشهر سنجان  
 و از شهر سنجان بطرف قلعه کجور و دشت نظیر و اماکن منزه و نقاط و اماکن سیلان ما زندان الی فرج آباد و آخر  
 رمضان المبارک و اوایل شوال المکرم را در مشهد سر و فرج آباد و سواحل بحر خزر تشریف فرما بودند روز نوزدهم  
 بشهر بارغ و شتر و لاجال فرموده و نایبیت و دویم در آنجا اقامت شد روز بیست و سیم بامل و از امل بطرف بلوک  
 لایجان و از آنجا هفت فرمای دماوند شده چهارشنبه دویم ذیقعد الحرام از چشمه لای دماوند بصوب دارالخلافه

روز نهم شوال شهر مبارک خردید  
 اردانی فرموده تا هجدهم در آنجا توقف  
 بودند

حرکت فرموده شب بیستم مفر خلافت عظمی را بمقدم مبارک آراستند جناب عبدالملک حکمران مازندران را بپادشاهها  
 لا بقدر بلوک لاریجان بکثوب سر راهی نرود ششمه صرع مفر فرمودند را را اسوار کبری و مجلس وزرا مجدداً افتتاح  
 شده و بنفس نفیس همایون در مجلس افتتاح شرف فرما کرد بده و نظمی مفصل فرمودند و نیز دستخطی مبارک مشعر بر حد  
 و حقوق این مجلس خطاب امین الملک و زبیر سایل خاصه شرفصد و دیانت میرزا عبدالوهابان لیسر جناب نظام  
 الملک عنصبا سینفا از درجه و پیم نابل آمد پیشخان ممالک محروسه ایران در این سال بوضع پیشخانها فرنگستان  
 کرد بدو خوجه سردار ترا که که با جمعیت باد بناخت سرحداث خراسان آمده بود خود با جمعی از نهران او بدست سپاه منصور  
 مقبول و بقدر السیف مفرق شدند جناب الله بلخان ایلخانی را بحکومت همدان سر بلند فرمودند (چین) فوت خانان  
 چین در وازدهم ژانویه امرشیا (اسپانیا) در جزیره کوبا ژانوال کوزا مردم را دعوت بید تبعیت پادشاه جدید الفنس  
 مینماید و رود پادشاه جدید در نهم ژانویه بنمید بارسلن از بنادر اسپانیا منازعه سخت هواخواهان دنکارلس  
 با عساکر پادشاه نفاق مابین کارلیسینها و نفر فرمیان آنها فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیسینها منصرف  
 بودند (اطریش) مسافرت امپراطور بملکت الماسی ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه ایتالیا در شهر و نیز ملاقات  
 والی منتکرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتار افتتاح کشته رانی در شعبان زانویه که بحکم امپراطور نازدهم فرموده از وسط  
 شهر و نیز عبور داده اند ملاقات امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور و نیز در ژانویه فوت امپراطور عمومی امپراطور  
 حالیه که از سلطنت استعفا نموده و سلطنت را باین امپراطور تسلیم کرده در بیست و نهم ژون در شهر بیک پناه  
 حسین باغبان مملکت عثمانی بجاک اطریش (المان) مخالفت آشکار پاپ بر ضد بند و لث صدور احکام از رم بکشیشها  
 کاتولیکی مذهب که تمکین و اطاعت قوانین جدید که دولت مجوه اهدا و مذهب ایجاد نماید نمایند غلغله دولت در برین برودن اسب  
 از مملکت پر سن نیز مبارک بالمر احد در مجلس شور میگویند که در مسئله مذهب نظر این است که شخص مخالف عقیده باشند بمخلاف و  
 مقصود از اینجرف کتابه بیایست ملاقات و بعهد المان و پادشاه ایتالیا در شهر نابل در هفتم ماه مه کشته موسو بر سبیر که  
 از هانورک عاده به بنکی دینا میرفته و مراجعت مکرده است سپصد و پنجاه نفر را حامل بوده غرق میشو و از این جمعیت  
 سپصد و وازده نفر هلاک میشوند ملاقات امپراطور المان و امپراطور روس برین ملاقات پادشاه سو و ملکه این مملکت  
 با امپراطور المان در برین ملاقات ارشید وک البرت سپه سکا در عساکر اطریش با امپراطور المان در امس مسافرت و بعهد  
 دولت المان بمملکت اطریش ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در ایشل کشیش شهر کلن که بر خلاف حکم دولت رفا  
 نموده بود اخراج بله میشو ملاقات امپراطور المان با پادشاه ایتالیا در میلان (انگلین) صد و بیست هزار نفر عمارتیکه  
 در معدن زغال سنگ گال کار میکردند بکریته شوریش نموده تعطیل از کار میکنند الحاق جزایر فیجی بمملکت انگلین بر امور  
 خارجه در مجلس بکل اطلاع میده که دول روس المان و اطریش با هم متحد شده اند که با ابالات سر و افلاق بغداد که جزو  
 مملکت عثمانی هستند بدون اسیندن و اطلاع دولت عثمانی معاهده بخارده به بندند ما موثیکد سنه از علمای باستان کلند  
 برون برای تحقیق و انکشاف علی مملکت چین مغرب و مقصود نرسیدن و در اوایل و رود بخار که چین صد و کلی دین و کشته  
 شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن بجاک برهان نثار مابین دولت انگلین و دولت برهان عزه والی بارود از ابالات هند  
 بحکم دولت انگلین باستان بعهد انگلین مجمع فراموشیهای آن دولت مسافرت جمعی از علماء و دانشمندان بقبط شمالی در هجده  
 ماه اوکشتی موسو به البرنا که پادشاه انگلستان در آن کشته بود و از ایزرن به پرستو میآمد در عرض راه علی الغفله کشته  
 میشو بر خورده قتیله از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق میکند کاپیتان و بیاز بندر دو و و را انگلین به بندر کاله فرستاده

باشا از دریا عبور کرده بدین چها ساعت تمام در کوه آب چماند در یازدهم اکتبر و بعد آنکلیس بقصد مسافرت هندوستان  
از بندر رود حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بند بمبئی میشو و ابتیاع دولت آنکلیس سهامی که حد پومصر در نظر مجمع  
البحرین سؤ داشت هیشکر و ریزه انگلیسی را اول دسامبر و بعد آنکلیس پس از آن میرسد در یازدهم همین ماه بمدرس  
و در بیست و سیم بکلکترا (ابطالیا) گاری بلدی در مجلس کلابد و لث تکلیف میکنند که رودخانه پیرا که از شهر روم  
گذشته مصیبتش در پاست قابل کشته رانی نماید بر در ظرفه از فراموشخانه هاد روم (روس) نقاره و لث باخان خوفند  
و رود عساکر در وس برداری نزال کفان بخوفند ناصر الدین خان والی خوفند مطیع میکرد لیکن عبدالرحمن نابی برضد  
روسها برخاسته حکم بجهاد میکند نزال اسکلف مامون بند میر عبدالرحمن شده تمام خوفند را بمصرف میشو اگر چه نامها  
طرف صلح را دارند و از جنگ حرف نمیزنند و لیکن دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را بدیده حفارت نمی نکرده و سهل  
نکرده نه تنها ندارد جنگ میرازد و آشکارا اعانت و رعایت پادشاهی باغبان عثمانی (عثمانی) باغبان زکون  
جد با فاشون دولت در مجادله هستند اهل ایالات منتکر و سرجه با آنها اعانت میکنند باغبان شهر تیرا با محامه کرده اند  
استعفا اسعد پاشا از صدرارت و نصیب محو پاشا مامون بکسینو از طرف دولت عثمانی با معین قونسولهای دول فزک  
نزد باغبان هر زکون برای تحقیق شکایات آنها از دولت مامون بعد از ورود بشهر مسنار هر قدر روسیا باغبان را <sup>طلبند</sup>  
که حاضر شده گفتگو نمایند آنها قبول نمکنند و مامون بی نبل مقصود مراجعت نمایند در سرجه و کلاهی ملت بوالی تکلیف میکنند که  
باید رعایت اعانت یا عنهای سرجه را نموده با آنها حاجت کرد دولت عثمانی اعلان بطلیکاران خود مینماید که نصف طلبی که از  
دولت عثمانی دارند از باب نزع نخواهد داد و از واج والی سرجه یا پرسن نالی کوشک و در عساکر مصوری  
محبشه و شکست با فن از حبشه مراجعت کردن آنها عجز مشور شر اهل هر زکون و بسینه نه نهایت است و روز بروز در نزل  
پیشا شد عزت حسین عوئی پاشای صدر اعظم و نصیب اسعد پاشای ای و نزاله سخت دراز میر و حوالی ایجاد در دوازدهم ما  
مه که پیشتر از دو هزار نفر هلاکت می کنند (فرانسس) فوت کتشد و نوفا از وزرا و از رجال معتبر فرانسس طغیان  
آب و دخانه ها جنوب فرانسس و خرابی رسانند با اغلب اماکن دو پیشتر از تومان دولت از خزانه باشتی صی که اموا  
و املاکشان تلف شده است سحانا بخشش میکند (هلاند) فتوحات فاشون ایند و لث در اچین امریکا (انائونی)  
فوت رن سن رئیس سابق (بنکی پنیای جنوبی) شهر لیانه بواسطه زلزله کلیت خراب میشو

سنه ۱۲۹۳ هجری سنه ۱۸۷۶ مسیحی

اسیما (ایران) در این سال امور مملکت خراسان را از هر چه بجای بشیر الدوله سپهسالار اعظم واکدار فرمودند  
جناب حاجی ظهیر الدوله با مر اعلی عارنی سببا عالی مجتهد محل سکناى و لاه و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا  
نموده اند جشن میلاد سعادت بنیاد هاپون را جناب سپهسالار اعظم با علی در بعد کمال گرفتند در تمام بلاد ممالک محرقه  
بجز جشن مفصل گرفته شد جناب اکوسین محترم آرشو که هر کله از طرف حضرت پاپ با هدا با و نامه بحضور مبارک نشین  
جشن جواب لث نامه از جانب اعلی حضرت شاهنشاهی مضمون بر کمال مودت ترقیم و تبلیغ شد حضرت اجل اعظم شاهنشاه  
والا و بعد کرد و مهد و لث علیه ایران ادام الله افاضه العالی اخصا بدار الخلافه شده روز بیست و دویم صفر  
وارد دار الخلافه کرده در باغ دولتی موسوی باغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین کرد پد علیقلخان محبر  
الدوله رئیس اداره تلکرافخانه بوزارت تلکراف و اعطای لقب جناب و سرافراز شد روز دوشنبه بیست و سیم شهر  
صفر سه ساعت و سوهشت و قف و چهل ثانیه از روز گذشته آفتاب عالم ناب انبرج حوث مجل بخوبی نمود حکم

المالک پیشینت باشی سلام حکومت بر وجود منصوص بگردید نواب والا کن الدوله حکمرانی ایالات خراسان و سپستان  
مفخر گردیدند ادب الملک پیشینت خاصه حکومت تم و سواوه سرفراز شد حاجی میرزا شیخ و کبک الرعایا منصب کلانتری دار الخلافه  
برقرار کردید و میرزا محمد حسین پسر معزی اله بیک خدائی محله عتو کاجان میناهای آمد محض ظهور عواطف خاصه خسروانه در باره حضرت  
اجل اعظم شاهنشاه هزاده امجد اکرم و بعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی بکفینه شمشیر مرصع بجواهر ثمنیه و  
فیروزه از شمشیرها خاصه سلطنه بدست مبارک همایونی حضرت مستطاب معظم مرعش فرموده و پس از رخصت ملوکانه  
معاودت باز با بچان فرمود حکمرانی ایالت عربستان و لرستان را بنواب حشمه الدوله مفوض داشتند امین حضور  
پیشینت خاصه حکومت ایشان سرفراز شد میرزا اسد الله مشنق اول به پیشکاری همانندران مفخر آمد نواب والا معتدل  
الدوله فرهاد میرزا که بکله معظمه مشرف شده بودند غره ربیع الثانی مدار الخلافه و رونموده بجاکهای مبارک شرفیاب مورد مرعش  
مخصوص گردید حاجی میرزا محمد رضای مستشار الملک پیشکار خراسان بیک خلدان دوان مرصع و خلعت همایون سرفراز  
حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک بکفینه نشان نمثال مبارک مفخر گردید جمعینه از آنکه با عا شورتک که یکی از سزبان  
ترک است وادنه نفس که او نیز از روسا ترکانان همیاستند بناخت و ناز سرحان خراسان آمده مصطفی نینجان میرنج رئیس  
اردو خراسان با فشنو ظفر نمون سزاه بر آنها گرفته جمعی را مقنول و عیشو لنک را کشته وادنه نفس را باده نفر سوار  
دستگیر کرده باقی منفرد کردیدند حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را نیز بدسایر مشاغل جناب سپهسالار اعظم فرمودند  
وزارت معادن ممالک محروسه را مجددا بر عهد نواب اغنضا السلطنه و زیر علوم موکول داشتند ربا سفا صطلیل  
تو پچانه مبارک را بنواب جهانسوز میرزا مرعش فرمودند با محمد خان ایلخانی شاد لونی بنیوی و سرحان مجنوب از آنکه  
نموده است محمد خان والی حکمران نیز در خطاب جناب سرفراز آمد لشکر نویسی فواج اصفهان میرزا محمد حسین لشکر نویسی و لد  
میرزا بافر لشکر نویسی راجع شد میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضوه هایون بلیف شیخ الاطباء ملقب گردید و موب هایون  
در ماه جمادی الثانی عزیمت پلایق لافر فرمود حکومت و فرمانفرمائی فارس را بنواب الامعتدل الدوله واکدار فرمودند  
محمد حسنینان ولد جناب علاء الدوله و زبرد ربار اعظم بمنصب فزایشا لشکری سرفراز شد سیم نکران خراسان بمشهد مقدس  
و صل آمد اداره ملبوس و جناب خانه نظام را بعهد مرافقت حاجی میرزا عبداللہ خان علاء الملک موکول داشتند جناب  
سپهسالار اعظم را بکیتوب سرداری مقنول دوز نظامی شمس مرصع از ملا سزب خاصه سرفراز فرمودند مجلس تحقیق علاوه  
بر مجلس شور اکبری و مجلس خاص و زرا بر فرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس از فرارند است

(نواب الا اغنضا السلطنه و زیر علوم) (نواب حسا السلطنه) (نواب الا نصره الدوله) (جناب حاجی ظهیر الدوله)  
(جناب ناصر الملک) (جناب حاجی دبیر الملک) (جناب حسنع خان) (جناب نصیر الدوله) (جناب امین لشکر) (جناب مخبر الدوله)  
(جناب امین الملک و زیر مسائل خاصه مدبر مجلس) (میرزا محمود خان منشی اسرار و کاتب مجلس)  
بعضی بناهای بدیع ربیع بر این سلطنه دار الخلافه افزوده شد نواب والا نصره الدوله حکومت ایالت مرکزی که عبارت از اعراف  
و همدان و ملایر و تویسرکان و کلیایکان و خوانسار و نهاوند و بر جرد باشد منصوص و بلیف فرمانفرمائی ملقب گردیدند  
حکمرانی ایالت تبرک ما شهان و کردستان را بعهد نواب حسا السلطنه مفوض داشتند روز نوزدهم ماه شوال جناب  
سینف اندی و زیر بخار و ایلی محصور دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلم حضرت سلطان عبدالحمید خان بر  
تحت سلطنت عثمانی بود بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شد ایالات تم و کاشان و سواوه و زونند اضیم فرید مشاغل  
و حکمران حضرت اجل اعظم شاهنشاه هزاده والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دار الخلافه ادام الله اقباله العالی

فرمودند وزارت عدلیه اعظم را بحجاب میرزا کاظمخان نظام الملک که مسبوق باین امر یوسفی و یوسفی فرمودند بنده مؤلف بیکر نشسته  
 سرخ و نشان سریشی سرافراز آمد چون او اهل عشر سیم ذی قعدة الحرام این سال اول سال سی ام سلطنت اعلی حضرت شاهنشاهی  
 جمعی بود و این قرن سعید باقر صد ساله سلطنت سلسله ابد پیوند فاجارته افزان داشت جناب سپهسار اعظم حسین ابن  
 قرن ها چون را در چند روز و چند شب بوجه اکل گرفتند جناب مسیحیون یوسف و زهر مختار و ایلی مخصوصی دولت و مامور  
 با فامند و بار دولت علیّه با تشریفات معموله در شانزدهم ذیحجه وارد دار الخلافه گردید (چپن) فو حافات عساکر خبیث  
 در کاشغر گرفتند شهر اُتشی با ان یغیو بیگ امیر کاشغر (ژاپن) مسافرت میکا د پادشاه این ملک با سفایرین جنگی  
 با طراف جزیره خود موقوف داشتن شکنجه را نسبت بمقتصرین در این ملک شورشی ایالات مغرب قتل با عیان امر و یا  
 (اسپانول) تمام نقاطیکه عساکر باغی در نکالرس گرفته بودند فشنود دولتی بمحبطه تصرف را آورد شانزده هزار از فشنود  
 باغی کالینست اسلحه خود را زمین گذاشته مطیع پادشاه اسپانیا شدند فرار نکالرس بمملکت فرانسه رود پادشاه  
 اسپانیا با فتح و نصرت بمادرید (اطرش) مسافرت امپراطور اسپانیا نکالرس ملاقات پادشاه یونان و ملکه این مملکت با امپراطور  
 اطرش در ونیز ملاقات امپراطور روس با امپراطور اطرش در ریشند در حالیکه صدراعظم دولت روس صدراعظم  
 دولت اطرش حضور داشتند ملاقات امپراطور اطرش در ونیز با پادشاه ساکس رود پادشاه یونان بونیه (المان)  
 منع دولت خرد و شرابت بکسانیکه میخواهند آنها را بخارج ببرند فوت و تزلزل بگوگران معارف در برلین طغیان اغلب و خانه ها  
 علی الخصوص در شهر فرانکفورت و در مسافرت پادشاه انگلستان بشهر باد ملاقات پادشاه انگلستان و امپراطور المان  
 در شهر کوبورگ ملاقات امپراطور روس امپراطور المان در برلین ملاقات و زلزله روس المان و اطرش در پرنس  
 کراچاکف (پرنس نیه مارک) کنت اندراسی ملاقات ارسبند و البرت سپهسار اعظم دولت اطرش با امپراطور المان و امپراطور  
 اطرش در شهر امس مسافرت و لبعهد و لبا با با با وجه خود برلین ملاقات امپراطور اطرش و امپراطور المان در سالزبورگ  
 و دو امپراطور برنیل و امپراطور برنیل با المان (انگلین) لر در ریج زبرامو خارجه مذمت از وضع سلطنت و حکم این دولت  
 عثمانی میکند ملتفت شدن دسپراپلی صدراعظم بلیف کنت دیوکوفنس فلین و عدلی و ظلم عثمانیها نسبت با هالی بلغارستان با  
 کال نفرت در انگلین بدو میشود مسیو کلا رسون کناچیر در من مٹ دولت عثمانی اشته میکند سان دادن فشنود هند در  
 دهلی با حضور و لبعهد افتتاح پارلمنت با حضور شخصی پادشاه انگلستان تکلیف دسپراپلی صدراعظم بگو که با لقا اعلی حضرت  
 پادشاه انگلستان امپراطور برنیل و مسانان فروده شود ابلتایع بقیته سهام خد بو مصر از تتر اکت حضرت مجمع البحرین سوئز  
 بواسطه دولت انگلین مسافرت پادشاه انگلستان با المان و مراجعت با انگلین معاودت کامرن سباح معروفت زانر با انگلین  
 مراجعت لبعهد از هند و مسانان با انگلین مسانان کشته ها جنگی انگلیس با اسلامبول بمجهت رعایت دولت عثمانی (ایتالیا)  
 مسافرت و لبعهد با وجه خود بیطر زبورغ و در سفری مرغش بنورن و بحضور پادشاه رفتن اهالی ایتالیا از صد ما پتکل از  
 طرف دولت عثمانی با هالی بلغارستان مسانان میماند میباشند فوت کادینال آنونلی معروف صدراعظم پاپ بر فرادی کاردینا  
 سینوچای ای و زوجه دولت و پسر دوم پادشاه ایتالیا فوت میناید مسافرت از امپراطور سابق فرانسه بشهر رم  
 (بلژیک) زو پادشاه یونان و ملکه باین مملکت نیز ورود امپراطور برنیل و امپراطور برنیل ملاقات پادشاه بلژیک  
 و ملکه در شهر و پستیا ستورش مردم در شهر بروکسل پای تخت و دوا نوزس (دانمارک) مسافرت پادشاه با زوجه  
 خود بیطر زبورغ (روس) در دهم نوامبر این سال که مطابق است با جمعه بیست و دوم شوال خطبه اعلی حضرت امپراطور در مسکو  
 با حضور جالد دولت واعیان و اشراف مملکت فرات کرده آشکارا بیان میناید که اگر اجاع دولت فرنگ نتوانستند قراروی در

رفاهت عیسوی با رعیت عثمانی بدهند مسلماً بشخص حاضر هشتم که کمال رعایت با آنها بنام وسه و ذ بعد عسا کرد و مهاجرت  
مامون توفیق در ایالت اسکر دیند نواب کراندوک بنکلا برادر امیر اطور سردار این اردو گردید اردو مذکور عبارتست از  
دویست شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار و دویست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ و دویست  
کرد و منافع مجال از برای تدارک جنگ و ولایت داخله مملکت اسفراض نمود و مقرر شد که از آن بعد وجهه کرک ز مسکو  
باشند بول دیگر تمام اهالی روس از هر مملکت هر نقطه عربیها با امیر اطور روس نوشته دعای جناب اعلیحضرت معظّم  
که بجبال آزاد و عیسوی عثمانیست در اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم ذیحجه است نواب کراندوک بنکلا و سپهسالار  
برادر امیر اطور که سردار عساکر جنوب بود سمیت کشتن بینه که معسکر اردو روس بود حرکت کرد فوٹا امیرالکرا ب و زیر  
مجره در زمستان فوٹا کراندوک دوشماری خواهر اعلیحضرت امیر اطور الحاق مملکت خودند بمنصرفت روس در ترکستان  
و موسومون این ایالت را با یالت فرغانه فنو حان و غلبه نزال اسکلف سردار بر طایفه قراقزین (سو و نروج) فوٹ  
مادر پادشاه در تابستان (سویس) دخل این مملکت در این سال هشت گزید و دویست و چهل و یک هزار و پانصد و پنجاه  
و دو تومان و شش هزار دینار است خرج هشت کرد و چهار صد و بیست و هفت هزار و شصت تومان (عثمانی) جنگ سخت  
دولت با باغیان هرزکوبین و بسینه گت اندر اسی صد اعظم اطرش دستور العمل و باد داشته برای استمالت باغیان  
هرزکوبین و بسینه که با اعضای دولت روس المان و انگلیس سپه است با اسلام بود و آنرا میسازد و اصول این دستور العمل  
و باد داشته منبر بر این بود (آزادی نام و تمام اهالی دولت همی که پیردی میکتند) (فانون در وضع اخذ مالیات که بعد  
با آنها نشود) (نشوب زاپین و ملاحان) (بکفتم از مالیات معینه که این دو ایالت باغینه بدولت عثمانی میدهند هم  
ساله خرج خود آن ایالت شود بجز صرف ساختن مدارس راهها و مرصفتها و غیره برسد) (ايجاد مجلسی در این دو ایالت  
مرکب از عیسوی و مسلمانان که معاندان مجلس نشسته فرار محال لازم برای فاهیت رعیت بدهند) دولت عثمانی قبول  
این تکالیف را نمیناید و چنانچه بنا بباغیان مهلت میدهد که اگر در ظرف این مدت اسلحه بزمین گذاشته ایلت اختیار کنند  
آنها را عفو کرده نیز سلطان برای خرابی که با اهالی رسیده مقرر میدارد که در ظرف دو سال تخفیف کلی در مالیات آنها  
داده شود ملاقات نزال بر بیج حاکم الماسی من ایالات اطرش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر کوز  
باغیهای اسی با بنای شدت بر ضد دولت هستند مختار پاشا با هفده هزار فوٹون با باغیها هرزکوبین و بسینه در  
جنگ است ابتدای شورش در بلغارستان استعفا محمود پاشای صدراعظم و نصیح رشک پاشا بجای او بدست آورد  
فانلین فوٹونولهای فرانسه المان که در سالونیک بند عثمانی مقتول شده بودند و بقتل رسانیدن آنها را در اسلا  
خلع سلطان عبدالعزیز خان از درسی ام مه که سه شنبه ششم جماد الاول با شد و نصیب سلطان مراد پنجم بجای او در حیات  
ماه ژون که شنبه بیست و چهارم جاری اولی با شد حسین عوفی پاشای وزیر جنگ و رشید پاشای وزیر امور خارجه  
حزینام چرکس در خانه مدحت پاشای صدراعظم بقتل رسانند رجنی که در بلغارستان و هرزکوبین و بسینه فوٹون  
دولتی با طغیانا پر شرارت باغیان مشغول بودند و آن ایالات را منظم کرده ایالت سر به بهانه اینکه میخواهند خود  
و سنو خود را محفوظ از دست بر و تحط باغیان یا فوٹون منظم دولت عثمانی نمایند عسا کرد بادی حاضر میکتند و پرس  
میلان والی سر در این فوٹون را بشخصه قبول میکند را اول ژو به که شنبه هفتم جمادی الاخری با شد منتگر و وزیر  
بعثانی اعلان جنگ میکنند سردار عسا کرد سر بی نزال چنانچه میباشد فوٹا مختار پاشا در رفتند و از طرف  
دیگر شکست دادن فوٹون منتگر و عسا کرد عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا عسا کرد عثمانی سردار اکرم

یکشنبه ۲۰ جماد الاول  
پادشاه عبدالعزیز خان شیراز  
خود را با مقرض در بدله خود  
ملاک عیسوی در شانزدهم  
ژون کرد



عبدالکریم پاشا و در آنجا که سر نشینا مینامند فو حان عبدالکریم پاشا در سر نشینا میانجی گری و ولت انگلیس که اسباب اصلاح  
 میان سر و عثمانی را فراهم آورد در بیست و یکم ماه او که در شنبه نهم ربیع الثانی شد فو حان شیخ الاسلام که سلطان مراد خان پنجم  
 مرمر و مجنون است و قابل سلطنت نیست از سلطنت خلع شده برادر کهن او عبدالحمید خان بجای او منصوب گردید در هفتم  
 سپتامبر که پنجمینینه هجری شمس با شد سلطان عبدالحمید خان رسماً جلوس بخت سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت  
 انگلیس و دولت عثمانی را با سر و منکر و باشواکت سا برد و ل فرنگ و جوابی بهم دادن دولت عثمانی و درود امپراطور  
 بر پهل باسلامی ایجاد پارلمنت عثمانی هر کجا رسد و بیست و نهم فو حان عبدالکریم پاشا در سر و استملا نمودن سر و  
 از دولت روس بدو صا جمنصبت و سر باز زبایدی با اسم داوطلبی ملک سر و بطریق اختیار کردن افلاق بغدادی قبول  
 کردن دولت عثمانی بک مجلس کفرانسه که اجزای این مجلس سفرای کبار دولت فرنگ باشند بجهت قرارداد های جدید  
 در داخله عثمانی استعفا از نزال جزایف از سرداری عساکر سر و دولت روس بدهائی مطالبه بک عثمانی از طرف  
 دولت عثمانی میکند که بوعده آنها اکتفا نموده با بدضا من شود که فرار کما جدید که مامون دولت فرنگ خواهند گذاشت از  
 عهد بر آید و مامون با وجود اینکه این مجلس برای او معتقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد دولت عثمانی جدا  
 پاشا و ادم پاشا از طرف خود مامون نموده با این مجلس میفرستند افتتاح مجلس کفرانسه در وازدم دسامبر که سه شنبه بیست  
 و پنجم دیقعه باشد و قبول حضور مامون عثمانی بر باست ثنوال اکتانینف سفیر کبیر روس عزت رشید پاشای  
 صلح اعظم و نصیب حاکم پاشای بجای او دولت عثمانی پنج تکلیف از تکلیف مجلس کفرانسه را قبول نمیکند (فرانس)  
 ریاست سپه گری مجلس پارلمنت و ریاد شاه انگلستان به بندر شر پورغ و در وینا پاریس و ملاقات مارشال ماکا هو و درود  
 سفرای مرعش پاریس (هلند) آزاد کردن غلام و کنیز را دولت هلندی در جزیره سونانرا (یونان) و درود امپراطور بر پهل  
 در این مملکت مراجعت پادشاه یونان بعد از کردش و سپاحت تمام فرنگستان بملکت خود استقر اض دولت برای ندادن قشون  
 فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک امریکا (انائونی) در چهارم ژوئیه که سه شنبه وازدم جمادی الثانی باشد  
 جشن سال صدم آزادی انائونی را تمام آن مملکت گرفتند (مخفی ماناد که قبل از صد سال ممالک ضعیف المسالک انائونی  
 جزو مملکت انگلیس بوده و از آن تاریخ بعد آزاد شده دولت مستقلی بر کی گردیده است) و درود امپراطور بر پهل در  
 بهار این سال به بنویک پای تخت بخارجی که بحضور پسر انائونی میدادند از طرف دولت آن بخارج را از نزال کران رئیس نصیب  
 نمود افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دوک و ملل و زمین در شهر فیلادلفی در اوایل بهار (برنیل) مسافرت  
 امپراطور به بنویک بنای شمالی (شیل) بنسوان حق داده شده که مثل مجال آنها در مجلس پارلمنت حق تعیین و کپل دارند  
 (مکزیک) شود در اهل بوگراند بخربک ثنوال دپار و شکست یافتن با عیان از قشون دولت (بنکی دینای جنوبی)  
 ثنوال برادر باست جمهوری منتخب گردید

سده ۱۸۷۷ هجری

سده ۱۲۹۴ هجری

آسیا (ایران) ابتدای این سال خرمال حضرت پدینظم و انظام امور دولت و رفاه و آسایش حال رعیت جناب سپهسالار عظم  
 با شاره علی ملوکانه فانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام در و سافشون که در ولایات ممالک محروسه هشتاد و سه  
 با مقصود ملوکانه موشخ داشتند هر زانستکراج که نفر بیایکصد و ده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در بنزدای حوفا  
 بسیک اجابت عید ولود مسعود شاهنشاهی دام ملکه راجناب سپهسالار اعظم با شکوهی و زینت تمام گرفتند در تمام ممالک  
 محروسه جشن کاملا گرفتند بعضی استخوانهای مامون را در اصفهان میرزا آقاسی خان حکیمباشی حضرت اجل اعظم شاهنشاهی

والا ظل السلطان حکمران اصفها و مضافا انکشاف کرده است ( مامو و جو انست که قبل از طوفان آخری در کره ارض و جو  
 داشته شبهه قبل و نیز در کربلا از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود یافته است ) روز سه شنبه چهارم ربیع الاول بعد از  
 نه ساعت و سی و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه از روز گذشته بزاعظم از برج حوش بحال بخوبی برگرد سلام خاص در عمارت  
 عاج در پیشگاه حضورها بون منعقد گردید و سلام عام در نالار تخت مرصفا بوقت حکمرانی ما زندان را بعد از  
 جناب عبدالملک در بر مخصوص موقوفه داشتند میرزا علی دکتربعد از مراجعت از سفر در نکستان که برای تحصیل دفته بوز  
 اطبای حضورها بون و منصب علمی علم طب در رسیده و بار که دارالفنون سرافراز آمد رسید که مامو و جو دستاورد سنا و ابعده  
 کفایت جناب علاء الدوله وزیر مالیه در بار اعظم موقوفه داشتند نیز آراءه کیلان را مندرجاً در مشاغل جناب معظم فرمودند  
 و ضیاء الملک بحکومت کیلان منصوب شد حکمرانی خمس بنو ابوالاعز الدوله عبدالصمد میرزا و اکتاد فرمودند میرزا محمد حسین  
 پسر میرزا جعفر و فایع نیکار بمنصب استیفا سرافراز آمد و کبکها بون پانزدهم جماد الاولی نشر بقدر فرمای بلاق لا و نماز سنا  
 کرد پنج رخ سکه و ضرابخانه دولتی در محلی که مشهور بکارخانه دیسبان در سیستان برپا شد جناب میرزا علیخان امین الملک  
 وزیر رسایل خاصه مباشرت مسوومین نسیان و تکمیل و دایر شد آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلیغ جناب ملقب و از اجرائی  
 دارالسوراکبری گردید مهم و امور دولتی را در تحت دو وزارتخانه قرار داده جناب جلالتی مستوفی الملک وزیر امور  
 کشور و جناب چه سنا را اعظم را وزیر امور لشکر خوانند میرزا کی رشته وزیر در بصرم جلالت بجناب جناب معتمد  
 در سلخ زینت شهر سنا نیک ضرر بچشم معطل گردید بعد از معاودت سفرای پیرمان از دار الخلافه آن مملکت میرزا فضل الله خا  
 کار پیران بینه را مامو بسایلی گوی و سفر پیران قرار دادند مشارالیه این مامورین را از روی کفایت با انجام رسانیده معاودت  
 کرده این اوقات عرضیه از مسافرت و شرح سفارت خود بجا کیمای ها بون ارساله داشتند میرزاها شتخان امین الدوله حرم  
 شد میرزا محمدخان امین خلوت و لدمر جو میرزاها شتخان علاوه بر باستان نکلادان خاصه بر باستان خلوتها بون سرافراز  
 کرد بد مسوومین کل اسب و از جانب مسوومین در رئیس کل پستخانها بباستان کلیه بافت میرزا اسحق خان بکار بریاری مهم خان  
 استرآباد برقرار گردید در ماه رمضان این سال تکیه دولتی محل و جایگاه تقریبی داری استماع مواظبت و در غزوات  
 جواهر فرشتان دار الخلافه و بخار و در باب صناعت و مخزن منزل نموده بکسب حرمه خود مشغولند نصر الله خان نصر الملک  
 سر نیک دل بکف قطع نشان تمثالها بون سرافراز کرد بد میرزا استیجلی جناب منصب بابت نظام العلماء یافت نواب والا  
 جهانسوز میرزای امیر تومان حکمران استرآباد با عطای نشان تمثالها بون معتمد میرزا اسحق خان ولد جناب علاء الدوله  
 بمنصب کشید منباشیکری مباحی کرد بد میرزا جو ادخان که مامو و جو اصل اجناس ایران با کسب و بسو بیار پس میباشد منصب  
 سر نیک دویم مباحی آمد میرزا محمد علی ناظم پستخانه بعطای پکر شده جا بل و نشان از درجه سر نیک نابل کشت بعضی از نیک  
 سار و نیک که بخاک خراسان بناخت و ناز آمده بودند مصطفی قلیخان پسر بیخ نظام خراسان آنها را ندید پس نیز نموده است  
 محمد علیخان امین السلطنه حاکم دار خاص بعطای بکف قطع نشان و جا بل سرخ از درجه دویم سر نیک سرافراز آمد میرزا اسحق خان  
 ژنرال فنس و دولت علیه مقیم نعلین با عطای نشان و جا بل سر نیک اول مباحی کشت (چین) فوت و بعد در سن بیست و هشت  
 سالگی (زاین) ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از آزا کا به کبک ( اسپانیا ) هوا خواهان  
 دیکارلس که بخارجه فرار کرده بودند بحکم پادشاه با وطن خود بر میگرددند تمام یاغیهای جزیره کو با مطیع و منقاد دو  
 شدند ( اطرش ) ملاقات پیر من بزم عارک صدراعظم المان و کشت اندر اسی صدراعظم اطرش در شهر سالسبورگ  
 ( المان ) کوفتن امیر طور چینه در موقع سال هفتادم داخل شدن ایشان بخدمت فتونی و سال هشتم عمر اعلم حضرت معظم

پرتو نبره ارك بواسطه علت مزاج مؤثنا چنگ از كار كناره بچو بد ملاقات امير طور المان با امير طور اطر بش در شهر اشبل  
 (انكلس) و رؤساي چين بلند كهكوي سخت در مجلس پارلمنت در مسائلي كه راجع بعتما بنسبت الحان جمهور و نراش و آل افريق  
 فرست با س امد بصر فاش انكلس در آن ناحيه سقا بن جنگ انكلس و ر و د بجلج بركا نزد بكي اسلامبو ميگند (ايطاليا) بپنم  
 پاچش سال پنجم سلطنت و حاني و حيتبا خود را ميگيرد (بر توغال) ببطر في ايند و لك در جنگ روس و عثماني (روس)  
 صدام عظم ايند و لك پرتو نبره كجا كه بول المان و اطر بش و فرانسه و ايطاليا ياد داشته ميگرسند كه دولت عثماني بچو بجهت  
 دولت روس در مسائلي كه راجع بر فاهيت عيسوي انملكت است قبول ننموده و باين جهت دولت روس در نهيته فسون است  
 آمدن اعليحضرت امير طور به كشيون با هتاق و لعهد و سان د بدن فسون و در انجا اعلان جنگ كردن بعثماني شارژ دافر عتبا  
 با تمام اجزاي سفارت خود از بپرتو نبره مملكه خود حركت ميگند امير طور و با و لعهد بخصه بپرتو نبره كس بلك عثماني و ر و د  
 ميگند حاضر هستند (عثماني) سرداري سلیمان پاشا بجای مختار پاشا در هر دو كمين صفون پاشا در مجلس و كلا از طرف سلطان  
 اظهار ميگردد كه تكليف مجلس كفر است و ل را كه در اسلامبول منعقد شده بوسيون بشان و شوكت عثماني خلع و اورد سلطان  
 قبول نكرده و ر و د نموده اند مجلس و كلاي دولت تمام تكليف مجلس كفر است و ل فرزندك يار در كند رفتن ماسونين دولت كه در  
 مجلس كفر است حاضر شده بودند از اسلامبول عزل مدحت پاشا از صدارت و بضيف هم پاشا بجای و انعام صالحه مابين پرتو نبره  
 و عثماني سرداري كل سفان جنگ عثماني به هر پاشا نام كه اصلا انكلسي است تفويض شده شارژ دافر روس با اتباع سفارت پرتو نبره  
 خواباننده از اسلامبول خارج شدند در بيست چهارم آوريل مطابق سه شنبه دهم ربيع الثاني عساكر روس و ر و د بپرتو نبره  
 نمودند بايالت اطلاق بغداد بقشون روس اجازه ميدهد كه از مملكه او عبور نموده بلك عثماني بروند و والي اطلاق بغداد  
 پرتو نبره شارل سرداري عساكر خود را قبول كرده بخدمت عثماني بر ميخيزد نصرت عساكر عثماني سخم قلعه را از بنا در روس ر هفتاد  
 مطابق پيچشنبه سيم چادي اولي شهر اردهان دار و روس نصرت شده شيخ الاسلام فتواي حرمها ميدهد و چهارم ژوئن مطابق  
 دوشنبه بيست يك چادي اولي عساكر روس شهر فارص را محاصره ميگند در بيست دوم همان ما عساكر روس و ر و د  
 دانبو بچو مينايد و ر و د عساكر روس در سمت ر و پ پرتو نبره احوال عثماني پيشتر اول فسون روس سرداري ژنرال  
 كوزكواز كوه بالكان عبور ميگند شهر نيچلي بصر ق عساكر روس در مي آيد شكست اورد و هم روس بدست عثمان پاشا سردار  
 عثماني محمد علي پاشا بجای عبدالكريم پاشا سپه سالار كل عساكر عثماني در سمت ا و پ پيشو عثمان پاشا در پلونا محصور شده و  
 حمله اول عساكر روس بان نقطه ده هزار نفر قشون روس كشته ميشود شكست بژنرال كوزكواز در حوالی فان لور و ميدهد سلطان  
 پاشا در پل حمله بار و سها بجهت بچنگ آوردن دره شپكاد و هزار نفر بگيشن ميدهد عساكر اطلاق بغداد با عساكر روس منفق  
 شده در محاصره پلونا جدا مشغولند و سردار اين دست فسون با پرتو نبره شارل حاكم اطلاق بغداد است فضا بصر روس در آمد  
 در حمله دوم عساكر روس و اطلاق بغداد به پلونا بپشت هزار نفر از عساكر روس كشته ميشود شكست مختار پاشا در الشكر و  
 خود را بقلعه فارص را حاش در هجدهم نوامبر مطابق پيچشنبه يازدهم ذيقعدة الحرام قلعه فارص بصر فسون روس در آمد  
 و عساكر روس بسمت ا ر زنه الرقم حركت كردند در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذيقعدة عثمان پاشا با فسون ابواجي  
 خود در پلونا تسليم عساكر روس ميشود و در همان وقت ا بال سر با و جو عقد مصالحه با دولت عثماني نقض عهد نموده با فسون  
 روس منفق ميشود با و جو سر مای سخت و برون زياد عساكر روس از چند نقطه كوه بالكان عبور ميگند (فرانسه) ر پاست  
 مسبو كردن مجلس و كلاي ملت فوت ژنرال شان كارپنه از سردار هاي معروف در سيم سينا مير كه دوشنبه بيست و چهارم  
 شعبان با شد مسبو طر پرتو نبره سابق دولت جمهور و فرانسه و فانت ميگند (هلاند) فتوحات عساكر دولت در انچه فون ملكه

این مملکت

این مملکت در تابستان (یونان) با کمال عجله دولت در تهیه حاضر کردن فتنه است کارخانه جات اسلحه ساز ایجاد میشود  
 بیست هزار فتنه علاوه بر فتنه معمول حاضر میکنند و در نواب و بعد دولت انگلیس این پایدی تخت یونان اهریک (اتاقی)  
 در بها این سال در بشارد ها بر پاستر جمع و بر فرار و ژنرال گران از اسلحه خلع گردید سالی پنجاه هزار دلار بر تیسر حد بدو واجب  
 مر سودا ده میشود (هر یک دلار معادل سب پنجاه ان پول یونان) پیغمبر طایفه سوزن که مذ هبی است جدیدا احداث و دشمن نام  
 پیغمبر میز بود است حکم دولت تقبل هر سده تمام فتنه اناونی بری بجزی بیست پنجاه است مسافرت و پیش سابق ژنرال  
 گران بیست نیک و دو او به لوی پول بند انگلیس شکست عساکر دولت از طایفه سوزن که از وحشیها اقدام نیکه دینا میباشد  
 (بریل) بواسطه خشکسالی و نیامدن باران در ایالات شمال مردم بیلته خطی مبتلا میشوند (مکزیک) ریاسته باز نام در

مکزیک

### سده ۱۲۹۵ هجری

### سده ۱۲۷۸ هجری

اسیا (ایران) کلبه نمود و لنی در این سال فرخنده فال از توجهات کامله بندهکان اعظم شاهنشاهی دام ملکه زایل  
 مکان فرزند نظام است جشن میلادها یونان اجاب پسر سارا عظم بوجه اکل گرفتند کتاب سُنطاب منتخب منوی که بقلم  
 معجز نام مبارک انتخاب شده با هنام محمد حنیفان محقق بطبع رسیده است حکومت کرمان و بلوچستان را حاجی غلامرضا خان  
 شهاب الملک موقوف فرمودند میرزا محمد مستوفی و لدمرحوم میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استبقا نظام سرافراز شد ثنینه  
 شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن ساعث و پانزده دقیقه و دو ثانیه آفتاب از برج حوت مجله تحول غوده سلام خاص  
 در عمارت عاج و سلام در نالار تخت مر مر منقلب گردید طاره امور بنای دار الخلافه باهره و سایر ممالک بحر سده عهد  
 نواب اعضای السلطنه و زیر علوم موکول فرمودند حکمرانی کلیایکان و خوانسار و برورد راضیم حکمرانی صفا غوده پنجاه  
 اعظم اجل شاهنشاهرا ده والا ظل السلطان و الکنار فرمودند نواب الاعظم میرزا که چندین سال در عینت عالیات و  
 عراق عرب میر میر عواطف و مراسم ملوکانه ایشان ابد بارها یونان احضا فرموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانه  
 عامه برسم سپرد و مواجید در حق نواب معظم و بکهراد و پانصد تومان در حق نواب محمد میرزا ولد ایشان بر فرار و نواب  
 معظم را بلفظ جلیل ملک آری و حکومت خمس مباحی فرمودند نواب میرزا اوله بهرام میرزا را بوزارت عدلیه عظمی مقرر  
 فرمودند حکمرانی ملا بر و نهادند و توبیر کارا بر عهد کفالت نواب یوبلد لوله موکول داشتند جناب الله قلینا نا ایجا  
 حکومت همدا مباحی کشت حاجی محمد رحمان فاجار شامیاتی بر پاست مجلس مظالم عامه بر فرار آمد امیر دوست محمد خان معین  
 الممالک با عطای نشان نمثالها یونان سرافراز گردید میرزا حسن نودی ولد میرزا ابراهیم بمنصب شایفا از درجه ستم نایل آمد  
 حاجی میرزا علفنی منشر باشی نظام بلفظ مشر لشکری سرافراز گردید حاجی آغا جوهر خواجه باشی بلفظ معتدل الحکم منفر  
 کرد بدکل فراد و خانه ها دار الخلافه را بعهد کفالت امیرزاده وجه الله میرزا پیشخدمت خاصه خزانه دار کل وجوه نظام  
 و الکنار فرمودند آقازاده ای جوانان مخصوص حضورها یونان و خازن و جوهر و نواب مبارک با عطای کفقطع نشان از در  
 اول شهر و خورد میشد با حاجی سبزه منفر آمد اسفند پارخان بر نوبت یکقطع نشان شهر و خورد میشد و بگوشه حاجی مخصوص  
 آن مباحی شد از وفای عمله این سال خیر مال مسافرت علیحضرتها یونان بفر نکستاست که شرح آن در سفر نامه مبارک  
 بقلم معجز نام مبارک مرقوم است در اینجا نیز بر مسبل اجمال نکارش میباشد و مقدمه اظهار میداریم که چون مقصود  
 و خیال حفاظت نمثال حضرتانه از این سفر خیر اثر استندادک دفاق و نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بلیغ اقلیه آری یا  
 بیست و این سفر مبارک را بدو سمت سمت قرار دادند ناشر نجات سلاطین و وزرا و بزرگان دولت و در ایام ملایع

بنام مفسد اعلا و مطرب منظوم نگردد

هنکام غزینا این شهر خیر اثر بنایت مخصوص وجود مسعود شاهانه را در مدت غیبت ذات سلوک صفات اقدس حضرت  
 اجل اعظم شاهنشاهزاده انجم والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی مقوض و جناب اجل آقای مستوفی الممالک را  
 در کلبه کارهای کشور مشارک رای و جناب حضرت اشرف معظم فرار دادند و جناب عند الملك وزیر مخصوص نیز از  
 جانب سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی بکار لشکری و نظامی و امور دایره وزارت خارجه کردید و بعد از وضع این ترتیبات  
 روز پنجشنبه سیخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشت بود موکب های پون از دار الخلافه با همه اشراف  
 فرموده دوشنبه چهارم ربیع الثانی بظاهر تروین نزول اجلال فرمودند و پس از سه روز توقف غزینا از باجیان  
 نموده ضیاء الملك حکمران کبلان در عرض راه بنشان نمثال های پون مقرر آمد روزیازدهم بسطایه نزول اجلال فرمودند و از ده ظاهر شهر نجان  
 روز چهاردهم بنهضت فرموده هجدهم میانیج مضر باره و کوهان شکوه کردید پین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده  
 والا و بعد ولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحب دیران وزیر نظام و پیشکار آذربایجان  
 بجاکلیای مبارک مشرف شدند دوشنبه بیست و نهم شهر تروین فرمود مسعود خسروانه مزین کردید و رابع شمال نزول  
 اجلال فرمودند و پس از ورود مسعود سلام غام منعقد کردید و نواب والا حسن علی میرزا و دلار جمید حضرت مستطاب  
 و بعد ولت علیه که نا این روز بحضور مظهر مبارک مشرف شده از قبیل آستان مسعود و مباحی آمد بیست  
 و هشتم جناب خجری بیک سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب دیار بکروان بتبریز آمده و سه روز پیشتر با بنشین شهر رسیده  
 بحضور باهر النور مقدس مشرف کردید روز بیست و نهم از شهر تروین با اشراف فرموده روز سیم جاری اولی بکار ورود  
 ارس و شریف فرما کردید و در سه شنبه چهارم از ورود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند پرتو منچکوف که از  
 جانب ولت روس میماندار بود با ما جمعیتنا از بادی لب رودخانه حاضر و بشرف حضور های پون نابل شدند

دوازدهم ظاهر شهر نجان  
 مضر بنجام معا کردید

اسامی ملتزمین کباب عالی در این شهر نکستنا از قرار خیر است

- (جناب سپهسالار اعظم) (جناب عند الملك) (جناب ناصر الملك) (جناب امین السلطان) (دکتر طولوزان چکمیاشی مخصوص  
 اعلا حضرت های پون) (حکیم الممالک) (مهدیقلینان پیشیند خاصه) (آقا رضا جودان مخصوص و خازن صرف جیب های پون)  
 (مجد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطانا خجیر میرزا) (غلامحسینخان زیندارباشی) (مجد حسنخان محضوف) (فرخخان  
 پیشیند) (جعفرقلینان غلام مجیدباشی) (آقا رضای ناظم خلوف) (آقا محمدآبادباشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن ایلد)  
 (حاجی حیدر) (بنده مؤلف نیز بشرف الترام رکاب مبارک سرفراز بود)

جمعه هفتم شریف فرما و ایران شدند روز نهم بعد از آنکه جمیع صاحب منصبان نظامی و فنی و حاکم شهر ایران علی قدر  
 مراتبم نشانها را حمل فرمودند و همگی مشغول عوارف ملوکانه کردند پند از این شهر غزینا نفلیس فرمودند سه شنبه یازدهم  
 شهر نفلیس با بقدم مبارک مشرف ساختند در پین راه جناب امین الملك که چند ماه قبل مامور فرنگستان شده بود  
 با اثرال نفلیس ایران میرزا محمودخان مقیم نفلیس بقبیل رکاب عالی فایز کردید پند نشرفات زار در ورود مسعود شاهانه  
 بشهر نفلیس بجل آوردند پرتو منچکوف با جمیع صاحب منصبان نظامی و فنی نفلیس را در حضور باهر النور اقدس  
 مترجم کرد نواب کراند و مک مثل جانشین قفقاز اینجا نبودند ولی دو سیرایشان که در این شهر نفلیس با شده بحضور  
 ظهور مقدس شرف جشد روز سیزدهم بعد از آنکه بشاهزادگان پسرهای جانشین نشان و جمایل ایران عطا فرمودند  
 و سایر بچیان و صاحب منصبان را نیز بقدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از نفلیس اشراف فرموده بمنزله ملت

نشریف

تشریف فرما گردیدند روز چهارم تشریف فرمای شهر و کلا دفن فزاز شد از وسط شهر عبور فرموده دم گار پیاده  
 شده بکالسه بخار نشسته نظر افافا و زهر بخنار ابران مقیم پاریس هم از پاریس آمده بحضور مبارک مشرف شدند ناسه  
 شبان روز از کالسه بیرون بنامه متصل در حرکت بودند عصر روز هفتم هم جادی اولی شب هم مسکو و روز نهم  
 در این روز فاما زوف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از بطرما مؤسسه بود و میرزا ملکم خان ناظم الملک پانچ معین لندن  
 بحضور هاپون مشرف شدند در ورود بکار پرنس دالفورکی حاکم مسکو با همه صاحب منصبان و ژنرالها با استقبال آمده بود  
 منزلگاه هاپون در مسکو قصر کرمین است تا غروب روز چهارشنبه نوزدهم در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام  
 براه آهن تشریف فرما شده عازم بطرز بورغ کردیدند روز یکم چون بکار بطرز بوزغ ورود فرمودند اعلیحضرت  
 امپراطور و همه شاهزادگان خانواده سلطنت و جمیع صاحب منصبان آگاهار با استقبال آمده بودند در این محل بعد از ادای  
 مراسم مودت اعلیحضرت امپراطور و کلام شاهزادگان خانواده خودشان از مغز کرده اند آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی  
 در یک درشکه سرانزی نشسته بعارث زستانی از می تاج که منزل اعلیحضرت هاپون است و در فرود آمدن و زیاده از  
 آنچه بنصوب باید اعلیحضرت امپراطور اسباب احترام و پذیرائی موکب هاپون را فراهم آورده اند جمعه بیست و یکم در بطر  
 افانته شدند در این روز انا اعلیحضرت امپراطور و نوایان برادران اعلیحضرت معظم باز دید نمودند شام را اعیان مخصوصا  
 در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند شنبه بیست و دوم در میان شان دو مراسم بان بسیار خوب از قشون هفت  
 در بطرز بورغ داده شد و در این سان جمیع فرمانرا خود اعلیحضرت امپراطور و میدادند امشب نیز در منزل مخصوص  
 اعلیحضرت امپراطور شام رسمی عوٹ شدند یکشنبه بیست و سوم بکروچ کلدان چینه بسیار مناز اعلیحضرت امپراطور  
 برای اعلیحضرت هاپون فرستادند شب این روز در خانه نواب لبعهد و لک روس شام رسمی مهمان بودند و در این شب  
 نشان مثال هاپون مکل بالماست برای نواب کراندوک الکسیه اهدا فرمودند و شنبه بیست و چهارم تشریف فرمای بطر هو  
 که بیلوق بسیار باصفائی است شدند روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع خانواده امپراطور  
 با کالسه بخار عزیمت و رشا و فرمودند روز بیست و هشتم یکساعت نیم بغروب مانده وارد شهر شدند منزل اعلیحضرت  
 هاپون در این شهر قصر لانسکه است حاکم و صاحب منصبان مؤلفان بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را  
 بعمل آوردند شب چهارشنبه بیست و هشتم و پنجشنبه بیست و نهمم در و رشا و افانته شد و موزه و سپرک و بعضی مواج  
 دیگر این شهر را تماشا فرمودند جمعه بیست و هشتم عازم برلن شدند و شب یکشنبه سلج جادی اولی وارد برلن گردیدند  
 و تشریفات کامله از مقدم مبارک بعمل آمد و روز سلج اعلیحضرت امپراطور کلپوم بدیدند اعلیحضرت هاپون آمدند و اظهار  
 مخالفت و داد کامل از جانبین شد منزل اعلیحضرت هاپون همان عارث دولتی است که در سفر سابق فرنگستان در منزل  
 داشتند بعد از بنساعت اعلیحضرت هاپون بیازدیدند اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند عصر این روز در حالیکه اعلیحضرت  
 امپراطور در کالسه و بازی نشسته کردش میگردند شخصی دکتر شارل بلنیک نام از خاندان معروفی از طبقه موهو  
 به بسیار بسیار مکرث بافتنکه که با چهار پاره زیادی پر کرده بود و بر بطرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون  
 کلا خود بسیار شد سرایشان محفوظ مانده ولی حوالی شان و گردن ایشان مجروح گردید و این سان خود زیاده مانده  
 ناله اعلیحضرت هاپون و جمیع ناس شد سه هفته پیش از این هم بیکفر از طبقه مذکور طپا پنجه شش لوبه با اعلیحضرت  
 امپراطور انداخته اما آسپیه بانیشان نرسانده شنبه غزه جادی الثانیه دو ساعت بغروب مانده بغرم بادن باد  
 آنهاض فرمودند روز دوم بان شهر وارد گردیدند و پس از پنج روز توقف در آنجا و سپر و تفریح و شکار و غنا

اماکن منزهه روز یکشنبه هفتم یکساعت بظهور مانده با کالسکه بخار عازم پاریس شده و در بین راه شهر  
استراخ بونخ را نماشا فرمودند و شنبه هشتم صبح بسبب ازد و وارد دارالملک پاریس گردیدند و در کرا اند هول بیخ  
ممانخانه بزرگ منازل و اطافهای خوب برای اعلحضرت هایون و ملتر مین کابا علی اجاره و معین شده بوهمه  
پادشاهان که پاریس میآیند در همین ممانخانه منزل میکنند جناب مارشال ماکاهون رئیس جمهور بدین اعلحضرت  
هایون آمد بعد از آن بیاز پداکسیون بسپون تشریف فرما شدند و روز ویم و رود مسعود بیاز پدا جناب مارشال  
ماکاهون رفتند بعد رسما باکسیون بسپون تشریف و رود بخشیدند و همه جار کردش و باز پدا فرموده از جمله بنا بیکه  
حکم هایون بسبب ایران در نهایت خوبی ساخته اند با اصفه نمازه ایران که در این عمارت گذاشته بودند  
ملفوظ نظر انور کرد پدا خلاصه بگردد بود بولن بگردد باکسیون بسپون روزی به بون دشومون که تفریح گاه بسپا  
خوبیست و زی به آن گن که قصه بزرگ بسپون تشریف فرما کرد پدا از سواخ این پام آنکه پادشاه سابق هانور  
که مملکت آنرا دولت المان تصرف کرده و عموی ننه اعلحضرت پادشاه انگلستانست و مدتی در پاریس بوده  
غفلت و فاقت میناپدید و شنبه سپزدهم نواب بعهد دولت انگلیس از اعلحضرت هایون دیدن نمود روز چهارم  
درلستان اسبت وانی بود و اعلحضرت هایون با جناب مارشال ماکاهون بتماشای اسبت وانی تشریف فرما گردیدند  
شب شانزدهم را برای شام تمام مارشال ماکاهون بودند با کجلیه بسپون و روز موکب هایون در دارالملک پاریس  
اقامت داشتند ذات هایون هر روز بتماشای تفریح و باز پدا بحلیه اهرا از خاطر فرموده روز دوشنبه بسپون تمام  
جمادی الشانیه تشریف فرمایانزه شده جناب مارشال ماکاهون را وداع فرمودند بعد از آن باکسیون بسپون توجه نموده  
فداری کردش کردند روز سه شنبه غره رجب بالین و السعاده عازم ایران شدند مارشال ماکاهون و واعظم  
آن مملکت موکب علی را بد رفه کردند و وقت شب استراخ بونخ عبور شد فرما عصر بشهر سانسبون و رود فرمودند نواب ارشد  
و یکنور برادر اعلحضرت امیرطورا طریش که از جانب اعلحضرت امیرطورا با استقبال آمده بود در اینجا محضو مبارک تشریف  
جست تشریفات کامله از ندم هجرت لزوم مقدس بجل آمد روز سیم در اینجا توقف شد امشب در عمارت پلیدت خارج از  
شهر همان نواب ارشد و یکنور بودند روز چهارم غریمت وینه فرمودند و چون بگاری وینه رسیدند اعلحضرت  
امیرطورا و همه ضامنصبا و غیره دم گار بالباسر سیم حاضر بودند اعلحضرت هایون با اعلحضرت امیرطورا با کمال  
خصوصیت و مهربانی و مودت دست دادند و بعد از نهدیم رسوم و تشریفات با اعلحضرت امیرطورا در کالسکه رو  
بازی نشستند عمارت و لئی موسو بیاله دبور فی تشریف فرما شدند منزل اعلحضرت امیرطورا هم در همین عمارت  
بعد از دقیقه اعلحضرت هایون بیاز پدا اعلحضرت امیرطورا تشریف بردند روز پنجم بتماشای همین عمارت از خزانه  
و موزه و غیره گذشت شام در آنها اعلحضرت امیرطورا بودند روز ششم بتماشای بعضی ابنیه و عکس پردهانقا  
و غیره مشغول گردیدند روز هفتم بعضی از وزرای مختار و وزیر کار وینه محضو مهر ظهور مشرف شدند با کجلیه نارد  
دوازدهم رجب بدکان اعلحضرت هایون مشغول ملاقاتهای و ستانه با اعلحضرت امیرطورا و تفریح  
و تماشای اماکن منزهه بودند روز مزبور اعلحضرت امیرطورا وداع فرموده بعد بقصر شونبون تشریف فرما  
گردیدند و پس از تماشای باغ و حشر آبخار و سپزدهم که عید ولود مسعود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام  
است از وینه بطرف ایران حرکت فرمودند و اعلحضرت امیرطورا بمنزل اعلحضرت هایون آمده بعد از فدری صحبت  
بافتاد در کالسکه نشستند بطرف گار مشرف را شدند و در گار مجددا اعلحضرت امیرطورا وداع کرده روانه شدند

بغارت انزه

و فرقی از ظهر و آرد سرحد و سرگردیده در اسنا سپن و وسها هماننداران و صاحب منصبان و سر حاضر بودند  
 از آنجا بکالسه های مخصوص علم حضرت امیر اطور و روس داخل و روانه راه گردیده روز پنجشنبه هفدهم رجب بولاق فقط  
 شرف و رؤیای داشتند و شب دوازدهم از تفقاز توفیق شد و شرفی که ملامت از چراغانی و غیره بعلت مدینه نور هم  
 از ولادت تفقاز حرکت فرمودند بیستم بگردن نوای و بیست یکم از پنجانشها حاضر فرموده با کالسه نماند ریط و فیکه طی را  
 شد از اینجا در کشته موسوی با کسند بسزای بویج و رؤیای فرموده روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب از نزل بمقدم فر  
 شیم مبارک نماند و این سفر خیر اثر بسیار اقبال حسرتانه بسفادت اختتام یافت روز نهم شهر شعبان المعظم بدار  
 الخلافه ناهمه و مقرر خلافت عظمی نزل اجلال فرمودند و عموم اهالی ببارت مجال مهر مثال مقدس سر بلند آمدند  
 و سه شب در الخلافه چراغانی و جشن بود

هدایت اینک امیرزاده خان سرهنک رئیس تلکرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی سرافراز شد حاجی آغا جوهر معتمد الحرم  
 سرتیپی دوم و نشان و جاوید مخصوص آن مباحی گردید توپخانه همدانی و نهاوندی و شرانی که ماندهانی با میرزا علی اکبر خان  
 اجودباشی توپخانه مبارکه ابواب جمع نمود چون خط تلکراف عربستان کشیده شد تلکراف دوله و زین تلکراف با اعطای یک قطعه  
 نشان شرف و خورشید از درجه اول با جاوید سرتیپی مخصوص است مقرر فرمودند و حسینقلی خان سرهنک و رئیس تلکرافخانه  
 ولجانب مغزی اله بمنصب سرتیپی سیم و نشان و جاوید آن مباحی گردید و پنجشنبه چهارم جمادی الثانیه جناب مخزی  
 بیک سفیر کبری عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه با شرایط معموله وارد دار الخلافه گردید امیرزاده و جبه الله میرزا  
 سرتیپی اول با اعطای نشان تمثال هاپون سرافراز گردید پادشاه و بر در بختان سرتیپی اول توپخانه با اعطای نشان هاپون مقرر آمد  
 موسی خان سرهنک فوج سواد کوهی بمنصب سرتیپی سیم مباحی گشت با فرخان سرهنک افتار قرار و مخصوص بمنصب سرتیپی  
 سیم نایل شد اسمعیل خان سرهنک فوج فیروز کوهی با منصب سرتیپی سیم سر بلند فرمودند هنگام اقامت سوکب هاپون در  
 پلزن بوزع یک قطعه نشان سنت اسنا پس از درجه دوم با ستاره و پلاک از جانب دولت و سر به بند مؤلف اعطای شد  
 و قطعه نشان طغرای غرای نام مبارک مکمل بالماس که از بزرگترین نشانهای ایند و لنگ جاوید شوکت است جناب  
 سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند مهدقلی خان پیشخدمت خاصه بن نشان تمثال هاپون سرافراز شد عمید الملک و ولید حمزه  
 مجدالدوله حکومته سرفراز آمد یک قطعه نشان فوس مکمل بالماس که از بزرگترین نشانهای دولت علیه است جناب  
 اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند عمارت سلطنتی که در پللاق شهر سناتک نهایت عالی و مزین با مرهاپون جناب  
 امین السلطان بنا نمودن بپایانم یافت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله ابواله  
 العالی یک قبضه شمشیر مکمل بالماس از شمشیرهای خاصه سلطنت مباحی گردید میرزا محمود مستوفی وزیر دار الخلافه  
 بلقیع جنابی سرافراز شد محمد حسینخان رئیس عیالات حکومت دار الخلافه بن نشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد این اوقات  
 اراده علیه هاپونی افتضا فرمود که سرتیپی سابقه ادارت دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستفلا محل  
 باشد و در این حسن سرتیپی باج و فواید که همیشه مقصود خاطر خطیر هاپونست بسطین وجه حاصل شود نواب  
 اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله ابواله العالی و جناب اجل آقای مستوفی الممالک و جناب شرف سپهسالار اعظم را  
 مخصوص مهر ظهور مبارک احضار و بدینگونه خطاب فرمودند که انتظام مهام مملکت اگر چه برافش و دد و لشواهی و ذرا  
 و کارگزاران دولت تصور ندارد لیکن هنوز خاطر مرا ارضی و نافع نیست که معاذیر و بطی اقدامات شما اصلاح فرود  
 امور ناخبر کرده و منظوراث بلند ما را بمقام انجام بیاورده است

نشریه



چون نایب السلطنه را در مبارکه عمر شوق و شوق جوانی بر جوع خدمات امتحان کرده ایم و محبت بیستم بغیرت و دانش فطری چه  
 فد بخندت و لذت هایل است در رتبه شاهرادگی پایه وزارت هم داده و در این خطاب با شما شریک میکنیم و اداره امور مملکت  
 چنانکه بود با چند بن مراب استیلا و استقلال بشما تفویض میشود بشرابط و حدود بکه خواهم نوشتن و شما سه نفر را  
 با جرایب تکالیف مامور و مشور فراموشیدیم باید و زرای مامور و محبت باشند با بدکارها بطرز واسلوب کهنه فایده نشود  
 بآیند دستکار و اسباب نرفه حواس و مفسده و سواس منسوخ شود کذا در حضور ما و سایر و وسایط مختلف انظار  
 احکام و عرایض را مختل نکند تمام نوشتهجات از هر قبیل در هر قسم با منی الملك برسد و او بحضور آورد و عرض کند و جواب هر  
 اداره را او بفرستد دستورالعمل و تکالیف شماها را مینویسیم باید خود را بنام آنچه معین و مقرر کرده ایم مکلف بمانند  
 پس از حضرت زرای تمام جنابا منی الملك را بحضورها بون خواسته از روی یادداشتی که مشروطاً بدستخطها بون مرقوم  
 شده بود جدا و تکالیف ادارات مستقله را نیز بفرمودند جناب مغزی لیه منصوصاً او امر علیه ثبت با مضافاً ملوکانه توشیح  
 داد و خطاب هر یک از وزرای مستول کانه دستخط مخصوص در شرح اداره و توضیح تکالیف معظم الهم صادر نمودند  
 کرد بلکه روز دیگر تمام چاکران و رجال دولت و شاهرادگان و اعظم در تالار تخت مر حاضر شده دستور العمل و تکالیف  
 وزرا مستول در مجمع عام فرستاد دستخطها مطالعه که با افتخار هر یک شرفضد و یافته در همان مجلس ابلاغ شود  
 روز سه شنبه هفدهم شوال حسب الامر الاعلی مجلسی مشغول بنام شاهرادگان و وزرا و رجال و اعظم ترتیب شده دستور  
 العمل ادارات مستقله را لسان الملك فرستاد نمود چون بعضی از تالیفات بنده مؤلف در بارش بمطالعته جناب مستوشرف  
 منجم شاهی دولت جمهور فرانسه رئیس مدرسه السنه شریفه سایر علما و دانشمندان اخیر و بصیرت مملکت که وفوقی کامل و  
 مهارت تمام بزبان فارسی عربی دارند رسیده زاید او وصف مجید نمودند و جناب امیرالار و نسبه نوری رئیس مجلس خبرافغان  
 فرانسه این بنده را جزو اجراء آن مجلس محترم شمرده جناب صوبه بار و دوزیر علوم و صنایع و مذهب آن دولت و فخره شیراز اظهار  
 بر جلال دولت جمهور فرانسه فتانی از مشرب اول مجمع العلوم که بالاترین علام و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص  
 از طرف وزارت علوم دولت جمهور فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکهای هم بون اجازه استعانت آن پادشاه  
 میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه مکتوب بصدوق الملك کرد بدو محبت بجان امین السلطنه جامه در خاصه شریفه و خازن  
 مخزن ندارد کات عسکر به منصب صند و فلاری صند و فحانه مبارکه که سرفراز شد (افغانستان) قبول نکردن امیر شیر علی  
 خان امیر افغانستامامورین انگلیس در مدار مضنا و قبول نمودن مامورین روس در کابل انتشار این خبر در لندن سبب  
 اضطراب کرد بدو فن امیر شیر علیخان از کابل سمینتر کسان و زمام اختیار سلطنت بپسیر خود سردار یعقوبخان دادن در وزارت  
 امریایا (اسپانیا) عروس بیاد شاه بایرین سیر سیده دختر دولت دهنوت پانسیه که خاله زاده اعظم حضرت معظم بود شورش  
 اهالی کوبا بر ضد این دولت رفع شده انجمن به بیکه مطیع میشود فوت ملکه جدید و جبه پادشاه در بیست و بیستم ژون  
 این ملکه که پنجاه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت و شصتی مسیحی مؤلف شده بود جمعه بیست و هفتم شوال  
 شخص جلیک سازی طپاچه بطرف پادشاه خالی کرد و بی با ایشان نخورد (اطرش) گشت اندر اسی و زهر اعظم اطرش بدو  
 المان و انگلیس فرانسه ایتالیا اعلان سبی میفرستند که مامورین در مجلس گفته که از برای فرار مسائل شرقیه منعقد  
 خواهد شد بونیه پانی تحت اطرش روانه دارند و دولت المان تکلیف میکند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد فصول  
 عهد نامه در سان استافان مابین روس عثمانی را گشت اندر اسی قبول نمیکند و در عساکر اطرش هرگز کوبن و بیست  
 ایالات عثمانی بجهت نرف نمودن این دولت و راضی نبودن اهالی در هشتم رمضان این سال عساکر اطرش شهر فرین را

در هر کوفه

در هر زکون و پینه برف نمود و بانوا سطره دولت اطرش از تصرف کردن ایند و ایالت و جنگ با اهالی آسود کردید  
 سفارت کبرای سپه سبک طرف دولت اطرش بفرانسه آتش که من کشتی موسوم با سفنکس در محط و تلف شدن پانصد  
 نفر استقراض دولت معادل دوازده کرو را بران بجهت مخارج لان نه فسون منصرف شدن عساکر اطرش شهر سراجورا  
 که شوشان و پینه در آنجا جمع بودند (المان) در افتتاح مجلس پارلنتا امپراطور شخصه خطبه خوانده و کوشش خود را  
 در انعقاد مصاحبه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دولت فرنگ اظهار میدارند در یکی از کوچها برین معروف به  
 نبل امپراطور با صیبه خود و الهه یاد در کالسکه و بازی از گردش میگردید هیل نام دو نیر طایفه سمبک اعلم حضرت معظم  
 خالی میکند و یکدیگر امبا نشان بنمخورد کشته جنگی زده در نبرد المان موسوم بگرس کور فوروست در حوالی انگلین کشته  
 جنگی موسوم به کینک و بل هلم بر خورده با سپه صد نفر که در آن کشته بودند نعره میشوید نیز در کوچه نبل برین هنگام رفتن  
 امپراطور بگردش و بر تنک بمبت اعلم حضرت معظم خالی میشود و خیل چهار پاره بیاز و و شانهای امپراطور منخور ضارب که  
 موسوم به نبلنگ است با طایفه قصد هلاکت خود را کرد لیکن زخم شادک باوز سپیده و نمیرد بواسطه جراحات سختی که  
 میداد امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقتاً بولعه میدهند مجلس کنگره دول در برین افتتاح شد و ما  
 دولت المان و اطرش و فرانسه و انگلین و روس و عثمانی و ایتالیا در مجلس جلوس کرده و پاست مجلس برین هم مارک داد  
 میشود مامورین دولت عهدنامه برین را امضا مینمایند اختتام مجلس کنگره دهم بجهت امپراطور سالماً از پلادان و شهرها  
 آب معدنی که چندی را آنجا سفر کرده بودند برین مراجعت و درود نموده بشخصه مشغول رسیده که با امور سلطنت شدند و  
 ژوئاد پادشاه هانود در پاریس (انگلین) مابین ایند دولت و دولت روس آثار کرد و در پدیدار است را اغلب بلاد انگلین  
 اهالی با دولت موافق در جنگ با روس نپسند و در عساکر روس در حوالی اسلامبول استیلا کال وحشت جالد دولت انگلین  
 و این جهت کشتیها جنگی انگلین از سمت دریا بحوالی اسلامبول میاید استعفا در دربی از و از مخارج که بیهیه فسون انگلین  
 راضی نبود از خطبه پادشاه انگلستان در افتتاح مجلس پارلنتا منخوانند و نوشجا نیکه لر سال پس بود که نازنه بوزات امور  
 خارجه انگلین منصوب شده چنین معلوم میشود که دولت انگلین هیچوجه راضی بقصود عهدنامه منعقد شده سان استفا  
 مابین دولت روس و عثمانی نیست و با کمال شدن دولت انگلین هتیه جنگ می بیند استقراض دولت دوازده کرو را برین برای حاضر  
 کردن عساکر بری بحری و دریای عثمانی اظهار کمال امتنان را از دعایب و حمایت انگلین دارند تا نزد نمودن پرسن آرتور پیر  
 پادشاه انگلستان پرسن مارگریت صیبه فرنگ بک شارل بنی عم امپراطور المان را در مجلس کنگره برین کت بکستت صدر اعظم  
 اظهار میدارد که بنا بر این عهدنامه محفی مخصوصه که مابین دولت انگلین و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انگلین جزیره  
 قبرس جزایر عثمانی را منصرف میکند ندر سالن بود بعد از مراجعت از مجلس کنگره برین بجهت آن زیاد از نتایج این مجلس میکند  
 بجهت اینکه عهدنامه سان استفانو برهم زد مرض نمودن دولت انگلین عساکر بکه نازنه جمع کرده بود کشته موسوم برین پرسن  
 در چهارم رمضان با کشته دیگر بود و طمس از وسط شهر لندن میکند در خورده کشته پرسن الپس در آن واحد غرق شده  
 ششصد نفر مسافر هلاک میشوند فرستادن نهادند نام از طرف فرمانفرمای هند با مبرشر علیخان امیر کابل در راه دیفعد  
 بنجشنبه بیست و پنجم بفقده عساکر انگلین از چند نقطه وارد جاک افغانستان شد و فرمای آن روز قلعه علی مسجد  
 که در دهنه تنگه خیر است منصرف شدند قلعه دره پورا افغانستان بدست ثرال ربر سردار انگلین فوت کت بوسل  
 از معارف (ایتالیا) فوت و بگنور امانول دوم پادشاه ایتلک و جلوس هو مابل و ولد ارشدان پادشاه بنی سلطنتا  
 فوت پنجم پاپ اعظم انعقاد مجلس کنکلا و یعنی شورای بزرگ کشیتا بجهت انتخاب نمودن پانزده و اشخاب نمودن کشیتان

هر زکون

در هشتم جمادی الاول

در سی و چهارم جمادی الاول

کار بهالچی را بیای در باستان کابلکی و اورام لقب بلبون سیزدهم نمودن صدارت مسبوک بهو در ایطالیا در شهر ناپل شخصی  
 با سنان نام با کار در حمله بیاد شاه کرده ولی باستان پنجمی در اما کیستو صدر اعظم در صندل جلوکا لسکه نشسته بود در آن  
 از آن ضربت مجروح میگردد بعد از این مقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش میکنند (بلژیک) اهالی بلژیک جشن  
 سال بسپت پنجم روسی پادشاه و ملکه را گرفتند (روس) دولت روس اعلان میکند که اگر کشتهای جنگی انگلیس در حوالی  
 اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را منصرف میکند در لهندا غنیمت از سفایر جنگی انگلیس بجوالی کالی پولی رفتند شهر صومالی  
 از مالک اروپایی عثمانی بصرف عساکر روس درآمد سرهای شدید را که بلا نهایت بود قشون روس مد خود ساختن از تنگه  
 شپکای کوه بالکان که قسمتی از قشون عثمانی بواسطه بردن هوا تخلیه کرده بودند گذشتند مراجعت امپراطور بعد از  
 فوجان نمایان در خاک عثمانی بطرز بوع و ورود عساکر روس در نه نواب کراندوک نیکلاس در عساکر روس در قریه سان  
 استیفان نیم فرسخی اسلامبول وارد و زدن نواب کراندوک نیکلاس شهر اسلامبول رفتند و با اعلم حضرت سلطان ملاقات نمودند  
 ژنرال کتایف که از طرف دولت روس مامور بعضی کشتکوها مابین دولت روس اطیش بود بویست رفتن بی نیت مقصود  
 مراجعت میکند معاودت کراندوک نیکلاس از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال نیلین را بجای خود تصرف نمودن عساکر  
 روس بندر و شهر باطوم را تصرف قشون روس شهر عثمان با زار و سیمتی و از نزاروم رارفتن قشون روس از سان  
 استیفان حوالی اسلامبول مجروح ساختن ژنرال تریف جاکر شهر بطرز بوع را شخصی از طایفه پهبیلیست ژنرال  
 مرنیت زور تیس احسان محفی روس را در یکی از کوچها بطرز بوع در روز روشن بقتل رسانیدند و قاتل محفی کراندوک  
 سان دادن قشون در بطرز بوع با حضور اعلم حضرت شاهنشاه ایران (عثمانی) اهالی اسلامبول و عربیستان ادن با حضور  
 سلطان فرار دادن بعضی از اصول مصالحه در شهر در نه فوجان مننگر و عساکر روس در نیش فتح شهر فلپس  
 قشون اطلاق بغدادی وین را منصرف میکرد در انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استیفان و این عهدنامه منبج بر  
 بیست و نه فصل است و مفود داشتن منصب سوارت در مملکت عثمانی سفرای عثمانی در لندن و ونیز بدولت انگلیس و  
 اطیش رسماً اطلاع میدهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس مضی شد سفایر جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر  
 بویان لنگر انداختند و لنگر بویان را تهدید میکنند که اگر عساکر خود را در خاک عثمانی محظوظ نموده اند بطلبیدن بندر را بضرر  
 کلوله معدوم سازند جمیع دولت انعقاد مجلس نکره را بجهت حل مسائل شرقیه قبول مینمایند مگر دولت روس و المان که در محل  
 انعقاد این مجلس کشتکودارند و راضی نیستند که این مجلس در ونیز منعقد شود بقیس خسارت جنگی که دولت عثمانی بعهده  
 گرفته که موافق عهدنامه سان استیفان بدولت روس بدهد و هزار و هشتصد بیست و هشتاد و هشتاد است ایالات بلغارستان  
 و دیگر جای را از مملکت اروپا خود مجزی دانسته در سمت آسپانیا فارم و باطوم وارد نهاد اعلی دولت روس میداند  
 جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را بحد بلژیک سلطنت جلوس سلطان عبدالحمید خان را خلع  
 نمایند حتی جرات نموده خواستند این فضل بوقوع اجرا رسانند مفسرین گرفتار شده مورد نیندها سخت کردیدند  
 مسلمانهای باغی در ملی در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده با فایز فتح و ظفر با باغیان بودند  
 بلغارستان که بموجب عهدنامه سان استیفان از خاک عثمانی مجزی شده بود با بندر لنگر بویان و قرار نکره از برای عبور و  
 مرود سفایر جمیع دولت آزاد شد و با بنیید دولت عثمانی مشرد کردید و با بجهت راه تجارت با ایران آزاد و باز شد  
 یا تعیین سخت در بار عالی (فرانسوی) اقتحاح اکیس و بسپو عمومی صنایع با اشریفات نهاد در اول ماه در تمام دولت  
 فرانسه علو مخصوص در پارسی در سیام ماه ژون با سم عهد و جشن جمعی و جشن بزرگ گرفتند قیمت بخار با نکره

در زمانه

در فرانسه کاپیتان پنج ساندیم مقرر شد (یکفرانگ صد ساندیم است) ادارات تلگراف و چاپخانه را در فرانسه یکی نمود و در وزارت مالیه قرار دادند شورش اهالی بولگاریا و اسیران بر صندل و فرانسه کشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آن جزیره سفارت کبری میسپو فورین از طرف دولت فرانسه با فرمان اسلام و انتخاب کلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود اغلب کلای ملت جمهوری طلبند سلطنت (هلاند) مزاجت و بعهد آیند و یک از شاهزاده خانها پروس (یونان) با عیسا ابان مقدرند که بر ضد عثمانی هستند بلکه بتبع یونان دارند و یک یونان بدولت عثمانی اطلاع میدهد که اجاء عساکر خود را با ایالات ابرو نشانی و عقد و بند من ایالات عثمانی خواهد فرستاد

صورت ترجمه نامه مفصله منعقد در مجلس نکره برلین که در اینسال سمت اختتام یافته بود و در اینجا موقع درج است چون در جلد بیستم کتاب مستطاب مرآت البلدان مستقیم بآثر السلطان بعینها مندرج شده است لهذا در اینجا عا و نکرار نشد امریکا (انائونی) بر دژ برد با نهایت شدت در بعضی ایالات انائونی

۱۷۹۰ مسیحی

۱۲۹۰ هجری

آسیا (ایران) امودولت در اینسال بپن نوجها اعلم حضرت هابون شهر باری فرین انتظام و آراستگی تمام است در ماه محرم اینسال با مرها بون و از وجه خاصه دولت و عیاشی جناب امین السلطان شروع بساختن راه سوار (کالسکه دو) و منازل و اما متکاهها از دارالخلافه طهران الی آذربایجان و سرحدارس شد که بعد هابن نزد بجا آتیا راهها ایران الی سرحدات بپن طور ساخته شود دست از فستون سواره ایران را بوضع سواره فراق روس برآید و معالی کلند منت و بچ صاحب منصب در سی تربیت بر فراد کردند و نیز هفت فوج از فستون عراق را با ششصد نفر توپچی عیالجه بطور نمونه انتخاب و بسیک و وضع فستون اطریش مرتب کرده بلکه صد صاحب منصب با شش کلند شپو و شپو نو و تپس برای تعلیم و ریاست افواج مزبوره از دولت اطریش استخدام نمودند جشن ولادت هابون را در ششم صفر المظفر بر رسم معمول هر ساله جناب سپهسالار اعظم با شکوهی تمام گرفته با عطای یکجلفه انگشتری الماس بر پلیمان از طرف اعلم حضرت هابون مفتخر شدند تولیت در پای نور و نوشنجات و اسناد و نامها عظیم الشان دولتی بعهد جناب حاجی محمد رحمان خازن الملک که از خدمت صند و فدار ای استعفا نموده بود مفوض شد مهد تقیخان پیشین من خاصه منصب میرآخوری اصطبل مبارک را بر فراز کرد بد حکومت عراق و مضافات بعهد حکیم الملک پیشین منباشی سلام موکول آمد در صفر خراسان بکنج سردار ترکان با جمعی سواره و پیاده از او به خود که بزم را خفت دستبرد حدود خراسان آمد سپهسالار منصوب ساخلو سردار آنها را بنیب و کیفی بنبر دادند رحمت الله بجزم ساکن اصلان با عطای یکقطعه نشان شمال هابون مفتخر آمد جناب میرزا عیاسخان معاون الملک بیکجلفه انگشتری الماس برافراز کرد بد جناب امین لشکر و زپر که با عطای یکثوب خرفه از ملا بسر خصوص مباحی شد ساعد الدوله جدید خان سر نیپ اول با عطای یکقطعه نشان شمال هابون مفتخر گردید سهام الدوله سر نیپ اول نیز بیکقطعه نشان شمال مبارک و شجاع الملک عبدالقادر خان بمنصب سر نیپ اول برافراز شد حاجی ملا محمد جعفر حاکم ابدانی از اجله علمای دارالخلافه ششم بیستم صفر بر حمت ایزدی پیوست حاجی محمد فیلیخان صارم الملک شاطر باشی در سلخ هین ماه نیز داعی خود را اجابت کفت اسواق و خانان و مدارس و بقاع دارالخلافه طهران را عموماً مرث و تعمیر کردند در روز بیست و هفتم صفر در پیچ جناب امین الملک شصت صندوق و سی پوٹ خالی از نفت بخته آتش در آنها

افزاده ملبسود و نیز در شب بیست و هشتم دکان نقش فرشی ستار نام در چهار سو بزرگ دار الخلافه آتش گرفته و  
پانزده شانزده دکان دیگر نیز آتش گرفته تمام مناعش ملبسود و چهار سو نیز خرابی وارد می آورد عبد مولو مسعود  
حضرت خانم البیبر صلی الله علیه و سلم را در هفدهم ربیع الثانی جشن کامل گرفتند نواب اشرف والا شاهنشاه  
اعظم و بعهد جاوید مهد ولت علیه ادام الله اقباله العالی از محل حکومت آذربایجان موقتا اخضا بدر بارها بون  
وارد دار الخلافه شده شرفیاب حضور مبارک کرد بدند بازده ساعت و سی نه دقیقه از شب معبر بیست و هفتم ربیع  
الاول گذشت آفتاب جهات نایاب برج خوش محل بخوبی کرده مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه هما بون کاملا بیل  
آمد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی بیک قطعه نشان تمثال افسس که از خزان  
هدیه ذات هما بون است مغز و مخصوص گردیدند امین خلوت در موقع سان نقشداران خاصه با عطای بکتوبی  
خلعت هما بون مباحی شد ضرابخانه جلایا لبنای دولتی با مرولت و توسط جناب امین السلطان دایر شده مسکوکات  
ایران چهار صبحی هر سانه مصون از غل و غش گردید و عیار فران نفره در بیست و چهار نخود که یکمشتال تمام باشد و نما  
طلا بهین نسبت و پانزده نخود قرار گرفت بر حسب سند عا نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران  
حکومت ملا بر تو بیکران و نهادند مستقلا نواب الاعز الدوله و حکومت از ندران با میرزاده نوبالدی هر چهارم شد  
محمد باقر خان شیخ السلطنه بنشان و حاجل سر تپی اول سرفراز گردید فضل الله خان پسر مرحوم حاجی صادم الملك بنصب  
شاطر باشی گری که بدان مسبق بود سرفراز گردید فتح الله خان پسر دیگر آن مرحوم بمنصب ناظمی دیوان عدالت مباحی آمد  
اراده علیه هما بونی اداره پلین بجهت امنیت شهر بنو توسط نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی  
و بریاست مسبول کنته منت فرست در دار الخلافه طهران برقرار گردید در اردبیل و بعضی بلاد دیگر آذربایجان چند  
روز متوالی زلزله شد نواب اشرف والا شاهنشاه اعظم و بعهد ولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی  
با عطای بیک قطعه نشان ذی شان افسس مکلل بالماس قرین اعزاز آمده پس از رخصت ملوکانه در جنب آذربایجان فرمودند  
بنده مؤلف پس از تقدیم خلد ثانی مآثر السلطان نجایای هما بون و نایل شدن آن بشرف قبول با عطای بیک قطعه نشان  
از درجه اول این دولت با بکر شنه حاجل سبیر سرفراز گردید محمد رحیمخان از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان دولت  
علیه ایران ادام اقباله العالی بحکومت بر وجود منصوب شد علیخان از جانب جناب اعضضا الدوله حکمران قم و کاشا  
بنیاب حکومت کل شان برقرار گردید نواب الا نصره الدوله فرمانفرما بحکومت ایلین کرمان و بلوچستان  
و اعطای بکتوب سرداری ترمه شمس در صرع منصوب و مخلع گردیدند نظام دفتر خان مبارکه استیفا علاوه بر خد  
محصل بقایا بعهد افا علی امین حضور محول شد ایام شنبه و سه شنبه حسب المقر جمیع وزرای عظام در مجلس  
شوراکبری که در عمارت دولتی موسوم بخلوت کریمخان است حاضر شده در مورد ولتی مشاوره نموده پس از انقضای  
مجلس و ساعت بعد از ظهر حضور هما بون شرفیاب پیشوند آذربایجان چون بواسطه اختلاف و واج امیر پال  
و جنس ضایع اختلافی در امر معاملات بهم رسیده بود مقر شد در دار الخلافه امیر پال از قرار دو تومان و دو هزار و  
خمس صنف روسی پانزده عدد بکتوبان رواج خزان و غیره باشد و اهالی آذربایجان هم از همین قرار یاد و شدند نمایند  
از طرف اعحضرت امیر اطوار کل ممالک روسیه و قطعه نشان سنت اندره مکلل بالماس بیک بجهت نواب اشرف والا  
ظل السلطان دولت علیه دیگری برای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی انفاذ گردید  
نواب پیر میرزا بزرگ الدوله بجلاوه حکومت سبزواری بحکومت نیشابور و بیک قطعه نشان سیر نیچ اول با حاجل آن نایل شد

متعلقین دارالفنون را امتحان نمودند جناب میرزا قاسم خان امین لشکر بوزارت و پیشکاری آذربایجان و مصطفی قلیخان  
اعتماد السلطنه بریاست فستون آذربایجان و جناب میرزا عبدالرحیمخان ساعدالملک با داره مهام خارجه آذربایجان  
وحاجی علیقلیخان پازکی بخوبی داری و تحصیل داری جو نظام <sup>انمکتک</sup> عاموشند نواب الا احمد میرزا معین الدوله <sup>مکتوب</sup>  
ارومیه و نواب حاجی سیفالدوله میرزا بجکومت اردبیل و مشکین و حاجی محمودخان بجکومت ساوجبلاغ و علیخان پسر  
مردو والی پیشخدمت حضورها بون بجکومت مراغه و مهملدقلیخان سرتیپ نبله بجکومت مرند و آقاخان سرتیپ  
افتخار سرجداری و حکومت قراجه اغ منصوب کردند نواب الاعضالدوله حکمران فرزین با عطاء بکفطعه نشان  
و بکرشنه حاجی امیرتومانی مباحی آمد حکیم الممالک پیشخدمت باشی سلام حکمران عراق بکفطعه نشان و بکرشنه حاجی  
سرتیپ اول سر بلند کرد بدجناب آقا شیخعلی نایب نظام العلماء بلیف ناظم العظمای ملیف شد محاسبه بنار دارالخلافه  
و غله دیوانی کل ممالک محروسه برات نویسی اداره نظیمه احتساب حساب کرد و سرخوار و برات نویسی محاسبه راه  
سازی از هرجه میرزا عبدالله خان مشهور نویسی محول کرد بد میرزا محمد علی لشکر نویسی توپخانه با عطاء نشان و حاجی  
سرتیپ سیم سرافراز شد مهملدخان با فوج هفتم افشار روی از ماوروی فارس مراجهت کرده نشان و منصب سرتیپ  
خارج از فوج سرافراز و محمد علیخان ولد مشارالیه منصب سلطانی نایب کرد برات نویسی کل اشباع و وزارت خارجه بجهت  
میرزا محمد حسین مشهور آشتیانی محول شد ریاست کل فستون خراسان بسلیماخان صاحب اختیار موقوف اند که گمانه  
بوشهر از طرف دولت تعمیر کامل شد بکفطعه تمثالها بون با عراز نواب الاجهانسو میرزا امیرتومان حکمران آذربایجان  
مرحمت کردید امان الله خان بها الملک فرار کوزلو بر حجت ایزدی پیوست مرتضی قلیخان و کبیر الملک سرتیپ اول طایعی  
حق با اجابت کف از غره شهر رجب بموجب اعلان دولتی اعطای نشان مشهورها بون غنم و مشرک شد موکب  
همایون غنم بیلاق لار و فرور کوه فرمود میرزا حسین پیرجناب زبرد فتر بنیاب و وزارت دفتر و خلعت همایون  
نایب و خلعت کردید کنته مشرف ریس اداره نظیمه احتساب شهر دارالخلافه بکفطعه نشان و بکرشنه حاجی  
سرتیپ اول سرافراز شد حاجی میرزا علیقلی مشیر لشکر با عطاء نشان و حاجی از ریشه سرتیپ اول مفتخر کردید نواب  
اشرف و الا شاهنشا فراده اعظم و لجهت ادام الله انباله العالی حکومت شهر تبریز نواب شعاع الدوله موقوف  
داشتند عمارت دیوانی ساری مرمت شد نوغان کپلان ترقی و امتیاز یافت روز بیست و هشتم رجب کسوف  
انفانافناده ثلث فطر آفتاب منکسف شد محمد تقیخان حاجی الدوله میرآخوری اصطلح توپخانه برقرار کردید  
جناب میرزا موسی وزیر لشکر نشان و حاجی امیرتومانی سرافراز آمد الله بهارخان اجودا باشی بکجهت اربنومان  
اضافه مواجب نایب شد اعطای لقب جنابی بر حسب اعلان دولتی موقوف و مشرک کردید مکر در حق کسیکه ریشه  
وزارت داشتند با شد آقازین العابدین اشرف الکتاب نسخ نویسی اصصفا دوسن بکصد سالگی بر حجت ایزدی  
پیوست نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله محمد رحیمخان را از حکومت بر و جز د معزول و محمد علیخان را  
یحای و منصوب نمودند موکب همایون ملوکانه شنبه هشتم رمضان از بیلاق شهر سنانک شریف فرمای حضور و  
شد جناب سترانللا طامسن بوزارت مختار و اپلی مخصوص دولت بجهت انکلیس ماور با فامنه در دربار دولت  
ایران شد و شنبه یازدهم رمضان در سلطنت آباد بحضور همایون شهر پاری نایب و مورد مرحت کردید  
قدیم که چندان عالی و وسیع بنو با سایر عارانی که در روال آن و ما بین دو حیاط باغ همایونی واقع بود خراب  
و جای آن را دریاچه بسپا طویل عرض ساختند و موزه بسپا وسیع عالی مثل موزه های معین دول اروپ

در يك ضلع سمت شمالی عمارت باغ مبارك بنا کردند سبزی میدان و اما نژاده زید و مسجد جامع سلطانی و بازارها  
 در اختلاف را مرتکب کردند ایجاد و افتتاح کارخانه چراغ الکتریسیته در مجمع الصنائع جنب خیابان باب‌هاپون بنوسط مسو  
 فابوس معلّم در هفدهم رمضان همین سال شد کارخانه چراغ گاز که اسباب آنرا جناب پشه‌سار اعظم از فرنگستان  
 خواسته آورده اند بنوسط همین مسو فابوس را بر پیشو از غرابیا بیکه سکی در شیراز بیک شکم پانزده بچه آورده  
 است نیز بچکر به است که دو دست ندارد و جای دستها صاف و حرکت او شبیه بچست و خراست  
 سلام عید فطر در باغ لاله زار منعقد شد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران با عطای  
 حلقه انگشتری الماس بر پلیمان اختصاص یافتند سیم تلکرافت بپرد و کورمان اتصال یافت نواب الله قلمبر نایب الحاکم  
 در سلك وزرای شوراکبری منسلک گردید در رضاخانه دولتی که سپرده بجایاب امین السلطان است در ظرف هفت  
 هفت بیست و یک کرد و هفتاد و دو هزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس را چرخ بخار بسکه جدید  
 مسکوک شد قوام الملك در سفر سنکه شیراز فانی بجهت شرب اهالی شهر احداث کرد که دو سنک تمام آب دارد  
 محال فطوری که از نقاط سرحد ایران و از محالات مخصوصه بخوی است و در زمان فتره سالار در حد و خراسان سرحد  
 دولت عثمانی فرست غنیمت شمرده آنجا را خصیبا اشرف کرده بودند و ناچار در دو اسیر داد آن از طرف <sup>ع</sup> علیتین  
 ایران و عثمانی مسامحه شده بود در این اوقات که مجلس کنگره برلین منعقد شد موافق فصل ششم عهدنامه کنگره برلین  
 بدولت ایران مسعود و اقرار شد و محمد صادق خان امین نظام از طرف دولت علیه ایران برای مقصود تصرف محال  
 فطوری موافقت شده نوزده فریب را تصرف کرد بکلیف انگشتری الماس بر پلیمان بسپا مناز در باره نواب اشرف والا  
 ظل السلطان دولت علیه ایران ادام الله ابوالعالی مرحوم شد میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپردازان دولت  
 علیه مقیم بغداد با عطای نشان و جامه سر نیی اول نایل گردید روزنامه استعفا موسو بفرهنگ بنوجه نواب اشرف  
 والا ظل السلطان ایجاد شد عمارتی عالی بجهت دفتر خانه مبارکه دولتی در جنب باغ اوزک قدیم ساخته و تمام گردید  
 در حوالی فریه کاوند از قزاقی حمله و دستمال قبل پانزی نام قطع سنک طلائی پیدا کرده بود معدنی پان مشوق کوش  
 و کار هستند و باز خاک طلائی از حوالی کوه ایجاد شده آورده اند علاوه بر این <sup>م</sup> نیز کوه دیگر کشف شده است  
 که دارای معدن طلا است اعلم حضرت ملکه اسپانول بکفینه شمشیر عکله الماس گران بها برای اعلم حضرت هاپون <sup>ص</sup> صان  
 اهدا و ارسال داشتند و کب هاپون یکبار از بیلاق نشر پرفر مای شهر شینان بنده مؤلف با عطای بکفینه  
 قمر صغ کرد بد شجاع السلطنه محمد باقر خان سر نیی اول با عطای بکوش سرداری تر صه سرا فرزند کرد میرزا تقیخان  
 پلشخانی خاتمه لاجناب مجد الملك بمنصب منشی حضور و بنا به جناب امین الملك سرافراز شد در هم نه بجهت الحرام  
 مراسم تبریک عید اضحی و انعقاد سلام در حضور مبارک بعل آمد هفدهم اپناه بندکان اعلم حضرت هاپون بجهت امحا  
 متعلین مدرسه دار الفنون نشر پرفر ای مدرسه که شدند و روز هجدهم مراسم جشن و تبریک عید غدیر بعل  
 آمد روزنامه شیرین موسو بنیر بنیر بوجه و امر نواب اشرف والا و بعهد دولت علیه ایران حکمران مملکت آذربایجان  
 ادام الله ابوالعالی دایر و طبع شد (چین) شور شرعام و انبلا ب عظمی در شهر تکی و شهر شان کانی حادث شده است  
 لمری پایا (اسپانیول) ملاقات پادشاه اسپانول با پادشاه پرتو گال در شهر الساسن مجمع وزرا استعفا ای  
 عمل کرده و در نزد پادشاه قبول افتاد مجلس شورای کورنبر (کلای هلنی) استعفا از عمل کردند پرتوگال و دولت  
 و بعهد دولت عمه اردما در بدگشت کنگر من تیر و ملار امپراطر پس قدیم فرانس و فانت کرد عروس اعلم حضرت

انتهای

(الفولس) باشا فراده خانم منسه ماری کرستین (اطرش) قرار داد مستحفظین و فرانسین بجه حفظ مملکت منسه ماری  
 در و بسته بر ز کرده است پرتو او و سیرک رئیس وزرا و وزرای مجاستان از عمل استعفا نمودند اسیری ما بر  
 بجای او رئیس وزرا کشت تا آن بوزارت داخله ناپل امدا علی حضرت امیر طور بشهر شردم که از سبیل بالمره خواسته  
 بود رفتن جشنها یا شکوه در این موقع سال بیست و پنجم مزاجت امیر طور و امیر اطریش که عهد بزکی شمر اند بریا  
 کشت عقد معاهده و فرار داد اتحاد مابین ایند ولت و دولت المان پارلمنت اطریش و مجار بر استعدا حرا بفرز  
 عد فشنون لهیستند هز ارفر فراداد (المان) مزاجت پادشاه هلاندا و والی زاده والدک پرتسین اما از شاهزاده  
 خانها المان افتتاح مجلس پارلمنت در برلن با حضور امیر طور و کلیو که خطبه افتتاح را امیر طور بشخصه قرائت نمود  
 پس و عهد المان پرتسین هانزی که جزو عساکر مجریست در کشتی آداب مشغول تعلیم و تقلم است به بند بوکا هاما خاک ژاپن  
 رسیده و از طرف میکا د پادشاه ژاپن بها بت احترام در باره او مرعی شد جشن مفصل با شکوه در برلن و اغلب مملکت  
 المان بجه تبریک و تهنیت امیر طور اطریش که سال بیست و پنج و جناب ایشان بوده است ملاقات امیر طور منسه امیر طور  
 المان را در شهر کاسل بر روز حضورت و مشاجره سخن در میان دو نامه ها و بسته المان پرتسین که چاکف و زبیر عظم  
 دوس و ارد برلن متدا (انگلیس) رفتن فشنون انگلیس و بنفید هار و رود ژنرال روبر به ماژن و روز بعد از ورود  
 شکست دادن و متفرق ساختن طایفه مالیک را که بر دور او احاطه کرده بودند خان کمار برای اظهار عقیدت و تمکین  
 بانگلیس و در جلال آباد کشت دولت انگلیس در کار جنگ با پادشاه زولو (سپنوا تو) است یک اردو انگلیس را که  
 مرکب از نهصد و پنجاه نفر نابین و هفتاد و دو نفر صا جهنمیت بوده در اهاندا و لوزوسها بالمره معدوم و مفتول گردید  
 از دولت انگلیس یک بجای فشنون کاپیتان در مجلس ملی در مسئله پولیتیک افغانستان مشاوره دارند لر د  
 ناپیه مالکدار این است که جلال آباد و قندهار را از افغانستان منزع و جز و ولايات مختصه بانگلیس کرد فرار  
 مصالحه با امیر یعقوب خان امیر افغانستان داده شد و فشنون انگلیس مامور بخیلیه کابل گردید پادشاه انگلیس از سفر با  
 کمن غیر رسم رفتی بود و در مراجعت نمود و در بلجیکاً مذمت پلینیک دولت انگلیس میکند معاهده صلح افغانستا  
 بهر و امضا رسید و نقاطی که در تصرف فشنون انگلیس بود با امیر مشرد داشتند با استثنای معابر تنگه خیبر و حرم و  
 پیش و سپه که در تصرف فشنون انگلیس ماند سالی یکصد و بیست هزار پاره انگلیس از دولت انگلیس برای امیر استرا در  
 شد و یک سفارتخانه انگلیس هم در کابل بمقیم و برقرار کردید پرتسین ناپلیون پرتسین ناپلیون سیم امیر طور سابق فرانس  
 که بعد از مهاجرت بانگلیس جزو عساکر اندولت شده بود با فشنون انگلیس جنگ زولو سهار فتره و در مقدمه مجلس  
 بو مقبول شد و کفن و دفن و غرای او بجل آمد علیه ژنرال نودکا از نقاط عدیه بز و لوسها و بفرق قلعه  
 شلمفرا ماژ و کاب و اینار سفیر انگلیس و در بار امیر افغانستان بار با فتره و مجلا این برای شد سبتوا تو پادشاه  
 زولو س چند نفر واسطه باردو انگلیس فرستاده که در صورت امکان صلح کند و اگر نشد تسلیم شود ماژ و در مارت  
 سبتوا تو پادشاه زولو س را اسپرود سیک کرد ایلی انگلیس با همه اجزاء سفارت در کابل افغانستان بشکل  
 ژنرال روبر سردار انگلیس که هنوز از سرحد افغانستان نرفته بود بعد از مقدمه قتل سفیر از طرف دولت حکم با و  
 صادر شد که مجلا بجه ند امیر افغانستان وارد کابل شود فشنون انگلیس مجده افندهارا مسخر کرد و در جلال آباد  
 نیز بجه تصرف راوردند فشنون انگلیس فغانه وارد کابل شد ژنرال روبر در ملاعام باهل کابل و دیگران این  
 قرار و اعلان کرده بود (قلعه بالا حصا که از کابل بو خراب خواهد شد و علاوه بر فضا قتل سفارت سپر سکنة



کابل را بد از عهد خوارنقشون کشتی انگلیس برآید امیر بعلو بخان از والکری افغان نشان استعفا نمود این بار بارو  
زیادی ربا لا حضا کابل آتش گرفته است بکشتون پیش بندی برای مواقع اهدا خله و خارج خود دولت انگلیس در کابل  
بجهر و ترتیب داده است جنگهای سخت عظیم مابین قشون انگلیس و افغان در کار است ( ایتالیا ) معا هده نجات  
بادولت نموده امضا نموده مبادله کردند پادشاه و ملکه ایتالیا بدین پادشاه انگلستان که در قضا از شهرهای  
ایتالیا آمده بودند رفتند مجمع وزرای دولت استعفا نموده وزرای جدید مرکب مقرر گشت ( طغاری ) مجلس شورا  
ملتی منورک و بکلی موقوف شد ( هالند ) عرس پادشاه با شاهزاده خانم اقادو والیک کلندر نرسن حصین حصین  
آچین را که موسو به کلنگ است بجهت نصرت در آورد پادشاه استعفا و زارتخانه و دارالستور را قبول  
نکرده از این فتره نخاشی دارد ( دانمارک ) وزارت جنگ و بحر که بدست بکفر بود از نیکو بکفر مجزی گردیده دو روز  
خاصه شد ( روس ) در فریه و لیا نکا من اعمال حاجی ترخان رسما خبر دادند که یکصد و چهل و شش نفر از طاعون  
تلف شده اند اهالی روس از امیر طور مسند عی شده اند که آنچه از شرایط حفظ وضع است از فرانسین و غیره  
معمول فرموده نکند از در معرض طاعون در تمام مملکت نشر کند مصالحه نامه و عهدنامه ختم عمل با عثمانی که مدتی بود نوشته  
و تمام شده بود از جانبین با مضا و مهر هر دو پادشاه رسیده و مبادله گردید طایفه بنهیلیست من رئیس سوار  
پطرز بورغ و ندران نلن را مصمم فل شدند بموجب سخط اعلحضرت امیر طور حکام مقتدر موقتی خدی بجهت  
پطرز بورغ و خرف و اوسا و مسکو و کپف و وارستو معین شده است که با کمال تسلط و اختیار طایفه باغبه  
بنهیلیست دفع دهند اعلحضرت امیر طور و امیر اطرس از پطرز بلیوا در فشد بکفستند بزرگ شهر را بنورغ  
بواسطه آتشی که طایفه بنهیلیست با اجازه بودند سوخت خبر رسیده و ولئی از حاجی ترخان رسید که مرض طاعون  
در آنجا تمام شده است آتش زدن طایفه بنهیلیست در شهر را اسک آتش زدن طایفه بنهیلیست شهر ابریت  
را بطوریکه تمام آن شهر خراب و برانه شد آتش زدن طایفه مزبوره در دفعه ثانی شهر را بنورغ را  
شهر بیچ نووالسکه را نیز آتش عظیمی زدند شهر پطرز یا فلونسکه را آتش بزرگ در انداختند که خرابی و خسار  
زیادی بار آورد در چندین نقطه و موضع از شهر بارم بقاصله آتش زدند ز نزال کفمان محل مامونین خود  
که حکومت کستان باشد مجددا معاودت نمود اخبار چندی انتشار یافته است که بین دولتین انگلیس و  
روس در مسئله سیام گزی محاصرت می افتد بر و زکرده است و لک روسیه استعدا خود را در کستان  
زیاد کرده است و ز نامرگولوس نامت پیچاه ممنوع از طبع و انتشار شد طایفه بنهیلیست نقی بزیر خط  
راه آهن نزدیک مسکو در سراه عبو امیر طور زده و آن حفره را بدینا ممتکه یکقسم بارو طایفه بنهیلیست  
بودند که هنگام عبو محرق شده بوجود آن اعلحضرت اسپه سالندان فصا بجزر دعبو ایشان نترکیده و همین که  
انکه از آن دام بلا سلامت و ر شده بودند احراق دست داده بود ( سوئیس ) انقلاب اغتساش زباری  
در هر نقطه از این مملکت روداد ( عثمانی ) با بعالی فرانسین در سرحد طرف روس گنا شده است که طاعون مرئی  
بداخله خاک عثمانی نکند ممانه با بعالی و نمسده روس چونان خیل کفشکوه های دولتی مربوط با اصلاح امور و کلابان  
سرحدیه و نظم و قرا آنها و تعیین حدود و غیره رد و بدل شده است مهر و امضای عهدنامه ورد و بدل آن با  
دولت روس با بعالی بجهت مامونین خود که در خارج مپا شدند اعلان نموده و لایحه که مپا میشد و گذار بمنتگر و شو  
از آنجمله با آنها تسلیم شد اجتماع عمال و اعیان بلغار در خدمت شاهزاده دند و کف کرا کف نامور روس برای

تعیین

بغیر والی مجبوره بلغاستان اعلیحضرت سلطان بدولت انگلیس قول میرج دادند که برای عزل خدیو مصر که رفتارش  
 مرضی خاطر فرانسه و انگلیس نبوده و عمل مایهات را نیز خوب اداره و ادا نموده است آماده و حاضرند و حاکم پاشا بجای او  
 خدیو خواهند نمود و حال و رجال بلغاری پس الکساندر با تمیز و بولا بت خود انتخاب قبول نمودند اسمعیل پاشا  
 خدیو مصر بناخواست دول معظمه فرانکستان و خصوصاً بحکم المان از خدیوی استعفا نموده و توفیق پاشای پیرش در  
 عوض بخدیو مصر منصوب شد خیرالدین پاشا از صدراعظمی معزول و عازم پاشا بجای او منصوب شد انقلاب و  
 اغتشاش زیادی در بلغاری و روملی شرعی فراهم آمده است و سنها روملی با باره نخلیه کرده اند کشتی جنگی انگلیس  
 محض اظهار مخالفت و تقار با عثمانی در خلیج و درکمانا شتی و در کرد روزنامه ها و سراسر اظهار کرده اند که هرگاه  
 کشتی جنگی انگلیس در خلیج و درکمانا خنده و توفیق نماید کشتیها روس نیز داخل در بحر ما را خواهند شد  
 روزنامه های انگلیس اظهار کرده اند که کشتی جنگی انگلیس را حکم و امری بدخول و ورود در خلیج منزه نشده است  
 اعلیحضرت سلطان بکر پاشا را برای آبادی قرار داد جدیداً ناطولی ماموت پاشا داده اند قسمتی را که از ابدان پیران  
 و گذار نموده اند تمکین به تبعیت و عین منتظر و ندارند والی منتظر و مکرر پسر انقشمت سرکش طاعنی فشنون فرسنا  
 و آنها را مجبور تمکین میدارد (فرانسه) دو هزار و سیصد پیچنفر از مقصودین فرانسه را که بطرف نولکالدونی  
 جلای وطن داده بودند و مدتها در آنجا اقامت داشتند مخصر کرده اند با وطن خودشان مراجعت نمایند اما  
 ماکاهون رئیس جمهور فرانسه از ریاست استعفا نمود و جهت استعفا بعضی تغییرات در اداره فشنون بوده که شیر  
 و شان فشنون خلل وارد آورده است و کلاً برخلاف رای و میل ما در سال اصرار در اجرای آنها داشته اند اما رسال  
 ماکاهون از ریاست استعفا نمود که بدست این شکست با فشنون وارد بنا بدوژ و ولگروی بر ریاست جمهور  
 فرانسه گامینا بر ریاست مجلس شور و منتخب برقرار شدند بواسطه طوفان شد پادکشته جنگی دولتی و رگانت در ریاست  
 سفید غرق شد ملاقات رئیس جمهور فرانسه با پادشاه انگلستان در سفارتخانه انگلیس در پاریس هنگام  
 عبور پادشاه معظم الیها از پاریس بقصد مسافرت با بیاطالیاسی هزار تومان و کلای مجلس استا بجمله خارج مرز  
 مقصودین از نولکالدونی بدولت میدهند چنانکه در طی وقایع انگلیس نیز ذکر شد پیرس ناپلیون ولد ناپلیون سیم  
 پادشاه سابق فرانسه که قبل از اعلان جمهور و بعهدان دولت بود و بعد مملکت انگلیس رفت در آنجا اسکندران  
 حبس در اوقات جنگ انگلیس با طایفه زولوس با عساکر انگلیس بدماغه امید رفت در ماموت پاشا پیشتر قراولی  
 اردو انگلیسها بدست طایفه زولوس مقبول کرد بد مقدمه شورش میان مسلمانان الجزایر که دولت مجبورند از  
 حرب اسلحه کردید الجزایر شورش و بلوای عامی کرده اند در شهر نانسیمه مسبو طر رئیس سابق فرانسه را  
 بر پا نمودند جمعی از معقودین کونینها و مقصودین از کالدونی جدید که مجلس آنها بود مراجعت کرده به بند وارد شدند  
 افتتاح مجلس و کلاً را کاتبان را الشور نمود شدت و کثرت سرما و برف و یخب در فرانسه مجلس است که در هیچ  
 بدین درجه برف و سرما کسی را مملکت خاطر ندانسته است (مجارستان) در کناش و مشاوره جدید بیکه بوی قرار  
 داد مجلس کلاً کرده اند طرف آزادی طلب پیشتر استنباط ظفر متد نموده و بجباره آخری طرف قوی واقع شده اند  
 بواسطه طغیان آب خرابی عمده و خسارت کلی در این مملکت داده است (یونان) ماموت پاشا که برای تعیین خدیو  
 سرحد یونان و عثمانی انتخاب شده بودند حرکت کرده بشهر پانین که معاکاه هم اجراء کمیسیون است و ارد شدند  
 پادشاه یونان در جواب رضیه اهل پیرنکاشنه بگو که میدارم دول معظمه حمایتی از ما فرمونه در اجرای قرار داد

معاهده ایستادگی و بوعده و اکنار نمودن اپر یونان و فغانماید و همچنین تسالی و ژانینارا آنرا در شورش بان طاعت  
 گریک با یکفوج در فغاناری افریقا (مصر) مخالفه منافض بین مصر حبشه بعدل بسلم و صفاسند فشنون مصر  
 شهر ماسورا مسخر کردند امر بیجا (انائونی) دولت انائونی در صلح تجدید عهد نامه با چین است در مجلس شور  
 عد فشنون حاضر در کاب پرین انائونی به بیست و پنج هزار نفر مقرر شد (پرو) اعلان جنگ مابین دولتین پرو و شیلی  
 (شیلی) استعدانظامی و مجری جمهور شیلی با استعدادان دولتین متفقین پرو و بولیوی علیه نموده آنها را در ایک  
 شکست داد و کشته جنگی پرو ها را که موسو به سپکو ما پواس است اسپر نموده و فشنون شیلی فائحه داخل ایک شد  
 (هایلن) بلوای عام و شورش تمامی در شهر هائیتی برخاسته در مجلس کلا و امنای دولت یکی از اهل شورش و طغیان  
 طیان فشنون له از بغل کشید و در برادر رئیس جمهور خالی کرده بود

فشنون عثمانی

سده ۱۸۸۰ مسیحی

سده ۱۲۹۷ هجری

آسیا (ایران) در این سال کلبه امود دولت قوشوک از توجهات نظر انورها پون شهر پاری قرن کمال نظم و انضام  
 استانبولی مجبیه غله دیوانی جناب امین السلطان نزدیک دروازه شاهزاده عبدالعظیم بنا شد که کجا پیش صد  
 هزار خوار غله دارد میرزا علی لد جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر بمصیبت لشکر نویسی و خلعت همایون مفتخر شد  
 نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم و بعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار ملک آذربایجان دام الله اقباله العالی  
 را با عطاء تکلیف انکسری الناس بر پلین بیستامناز معزز فرمودند جناب مسپورتیکو از جانب دولت پنجمه فرانسه  
 وزیر مختاری مامور با فاضل دربار دولت علیه شد توپچیان جدید که معلی کابین و اکثر اطرشی مشغول میگردند با توپهای  
 نر پر جلد با اتباع در حضور همایون امتحان دادند نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران حکمران و لایه  
 اصفهان و نیز و غیرها دام الله اقباله العالی موقتا بدربارها پون احتضار و وزیر بیست و هشتم محرم و اژده الحلافه شد  
 جناب جلای مشهور الممالک میرزا پوسف وزیر اعظم داخله با عطاء بکتوب و غیره ترمه شمس مرصع بطانه غرمبا هو کردید  
 حاج میرزا محمد حسین دیر الملک فراهانی در سن هفتاد و دو سالگی بر حمت الهی پیوست حاجی ملا محمد مجتهد ترائی پسر  
 مرحوم فاضل ترائی علی الله مقامها در ولایت کاشان بجوار رحمت حق شرافت جشن مولود مسعود همایون در ششم ما  
 صفر در تمام ممالک محروسه خاصه در داد الحلافه با هره بتوسط جناب سپهسار اعظم گرفته شد حکومت ایالات عربستان  
 و لرستان و عراق علاوه بر حکومت لایه اصفهان و نیز و بر وجود و کلیایکان و خواستار بر عهد کفایت نواب اشرف  
 والا ظل السلطان دولت علیه دام الله اقباله العالی مفوض شد هوکب همایون شریف فرمای شکارگاه جاجرید شده در  
 عرض راه پلنک شکار ششم مبارک اعلم حضرت همایون صاحب قرانی کردید هفدهم ربیع الاول مراسم جشن و تبریک عبد  
 مولود مسعود حضرت خانم النبیه صلی الله علیه و اله کاملاً بجل آمد نواب اشرف والا ظل السلطان را بیکفیه شمشیر  
 مرصع بیستامناز و نواب الاجلال الدوله و لدار شد نواب اشرف اعظم دام اجلاله را بیکقطعه کل کرگر اینها معزز  
 فرمودند فضل الله خان شاطر باشی نشان و جاهل از درجه سیم سرتیبه نابل آمد بر حسب استعدان نواب اشرف والا  
 امیر کبری نایب السلطنه دولت علیه دام الله اقباله العالی عیال قلیخان نایب کل اداره جلیله نظمه نشان و جاهل سرتیپی  
 سپه و عبد الحسین استشار اداره مزبوره نشان و جاهل سرتیبه مفتخر شدند جناب حاجی رحمان خازن الملک  
 در سلاک اجزای محترم دارالشوراد و لوی هندسلاک کردید حسین قلیخان سرتیپی قورث بیکلو مرحوم امیر خان سرتیپی را  
 برادرها غیر بطنی و مرغنی قلیخان و مصطفی قلیخان بدختره خدیجه که در سرار پشه با و داشتند زخم زده بقتل

در سانسند

رسایند منصفی فلجان که در حقیقت نابل بود که فنار و با مرد و لث فضا ص شد و اسم منصب مواجبه مر سو انر حوم  
 در حق پاشا خان پسرش مر عت فرمودند روز هشتم ربیع الثانی دو ساعت و نیم کسری از طلوع شمس کنشده آفتاب از  
 برج حوت بجبل نحو بل کرد و مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه حضورها یون بعل آمد نواب شرف والا طلا السلطان حکم  
 اصفهان و پرد و بر و جرد و عراق و عربستان و لرستان الله اقباله العالی کسری ان اعطای یکقطعه نشان دیشان آفتاب  
 که بر شرف نشان آیند و لثا بدافرا نشد مر حض فرموده نواب شرف معظم از قضیه طیبه حضرت عبدالعظیم علیه السلام  
 روز غره جامی الا و عمر بمب اصفهان و مفر حکومت فرمودند جناب پسر نواب فرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده که  
 فی السابق منصب وزارت کرکخانه هاهما مالک محروسه بر فرار کردید پسر علیخان حشمته الملک با عطا یکقبضه شمشیر مرصع  
 سرفراز شد و وزارت بنائی دیوانی کل مالک محروسه جناب معتمد الملک وزیر مخصوص اعطاف فرمودند نواب حشمته السلطنه  
 بلیغ الملک پسر از حکمرانی کرمانشهان منصوب فرمودند پسر زاده و جعفر پسر نواب سر نیک لاد و خوانه دار و جو نظام با عطا یکقبضه  
 شمشیر مرصع منفر کردید پسر نواب رضای مهند سبانی را بکهرار تومان انعام و یکجمله انگشتری الماس مباحی فرمودند و  
 پسر از حسینخان ولد مغزی المپه را بدرجه سیم استیفا سرفراز ساختند نواب شرف والا و بعد و لث علی پسران حکم  
 آذربایجان ادام الله اقباله العالی با عطا یکقبضه شمشیر مرصع مکل الماس از شمشیرها خاصه فرین مباحات فرمودند  
 پسران فراغ از امتحان متعلمین مدد سبار که دارالفنون روز چهاردهم جماد الاولی سلام عام در دارالفنون منعقد  
 صورت مساعی متعلمین و شرفیات متعلمین ملحوظ نظر اندس کردید نواب والا اعضضا السلطنه با عطا یکجمله سرفراز  
 تره شمس مرصع و یکهرار تومان انعام مباحی فرمودند و محمد حسن پسر زاولد نواب ز پر علوم بمبصبت سر نیک سیم و نشان مطلا  
 و سی تومان انعام نایل شد سایر پسران نیز از اینقرار مورد مرام و امینا زان کردیدند

جناب پسر زلوسی و زپر لشکر که کتابچه درجانی تحصیل و اندازه استحفاذی اهالی مدرسه را بعرض حضور مبارک پسر پاشا  
 خرفه تره ابرانی بطانه سجاب دکترا طولوزان حکمیاشه مخصوص حضورها یون که در مجالس امتحان حاضر بود بکطرات نشا  
 بسپا نماز جعفر قلجان رئیس مدرسه نشان شیر و خورشید از درجه اول با جا بل آن و دو پست تومان انعام محمد  
 حسینخان ناظم منصب ریوی و هم و جا بل و نشان مخصوص آن و دو پست تومان اضا فر مواجبه پنجاه تومان انعام محمد  
 ثقی میرزای جویدان نشان و جا بل سر نیک سیم و شصت پنج تومان اضا فر مواجبه بیست تومان انعام  
 حاجی میرزا عبدالعقار رنجیم الملک معلم کل علوم ریاضی نشان و جا بل سر نیک دوم و پنجاه تومان اضا فر مواجبه چهل  
 تومان انعام میرزا ابوالقاسم معلم طب ابرانی جبه تره حاشیه ارثوب انعام سی تومان میرزا علی دکترا معلم طب فر نیک جبه  
 تره حاشیه ارثوب انعام میرزا کاظم معلم شیمی و فزیک نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضا فر  
 مواجبه بیست پنج تومان انعام میرزا علی اکبر خان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضا فر  
 مواجبه میرزا علیخان معلم طب مجانی نشان و جا بل سر نیک میرزا ابوالحسن معلم طب مریه دوم لقب خانی و سی تومان اضا  
 مواجبه بیست تومان انعام علیخان معلم توپخانه منصب سر نیکه خارج از فوج و صد تومان اضا فر مواجبه  
 مسوولباشی معلم زبان فرانسه انگلیسی نشان و جا بل سر نیک دوم و سی تومان انعام مسوول نظر نشان شیر و خورشید از  
 درجه سیم شال نامه ابرانی طافه مسوول و سکه سر نیک معلم زبان فرانسه و علم جغرافیه شال تره ابرانی و لقب خانی سیم  
 و دین شال تره کشمیری نشان طلائی علمی مسوول شال تره ابرانی و نشان ظرای علمی و صد تومان اضا فر مواجبه شاد رو سجا  
 معلم زبان روسی مترجم زبان روسی و فرانسه نشان شیر و خورشید از درجه چهارم و شال تره ابرانی

سی تومان

میرزا اسحق مشهور مدرس منصب شیفا از درجه دوم و دو پست تومان اضافه مواجب جبهه نمره ایرانی حاشیه د احمد  
ابراهیم خان سرهنگ محولدار مدرس نشان و حامل نیرتیه سیم انعام چهل تومان اضافه مواجب هشاد تومان میرزا محمد  
خان منشی باشتی وزارت علوم یکصد تومان اضافه مواجب و خطیب مقرب الخاقانی و جبهه نمره ایرانی حاشیه دار و مظالم  
نیز هر یک بقدر ریش خود با اضافه مواجب انعام نایل شدند

میرزا جعفر و فایح نکار همسر مرحوم میرزا صادق و فایح نکار در دبستان پنجم جادی الاولی مرحوم شد میرزا عبدالحق خان  
رئیس مدرسه ولئی نیز با عطا ی بک قطع نشان با حامل از درجه سرنیچ سیم سرافراز شد و وصول خبر شد میرزا فلاح شیخ  
مذکور خان حا که کلدار و کاتب با ابناء و از فاس که متمرک و منشاء شرارت و فساد در حدود فارس شده بود با همتا  
نواب الامم عبدالدوله فرهاقم و حکمران فارس و ترک درشت در فرای نظر که نپذیرد ترک در دو با مهانشست و  
هر دانه ترک که بد رشتی فندق بود میرزا محمد علیخان پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب شیفا از درجه سیم نایل  
کرد بد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه حکمران دار الخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی با عطا ی بک فیضه  
شمس از شمشیرها خاصه سلطنه قرین مفاخرت فرمودند بوجه ستخطها یون خطاب بنواب عنصنا السلطنه وزیر  
علوم در باب آلیه کوفی اطفال تمام مالک محروسه غدغن و ناکیا کید شد اداره تنظیمه احلسایه الخلافه را بچو  
دستخطها یون بر بنده مؤلف و اکثر فرمودند محض اشاعه و تقیم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک بنواب عبدالدوله  
وزیر علمیه اعظم منبر بر نا کید نظم دیوانخانه و رسیدگی بر ارضی مظالم و ملهوفین و اجرای احکام حقه فصد و  
حاجی محمد حسینی ولد مرحوم احمد خان عمید الملک بمنصب پناک دل دیوانخانه عدلیه عظمی بر قرار کرد بد روز یکشنبه هجدهم  
رجب موکب سعودها یونی از سلطنت آباد انفاض فرموده بسمت کلاردشت و ساحات بیلاقیه مازندران تشریف فرما  
گردیدند نواب حاجی عبدالدوله سرنیچ ل بک فیضه شمشیر مکل بجواهر از درجه دوم سرافراز شد چندی قبل مابین  
اشتهارد و بوغین در نزد یک فشق شاهینو بغلادی سیکه بزین فاده که تقریباً پانزده من نیز وزن میباشد  
این اوقات سنگ مرپور اصحان کردند و معلوم شد چهار عشر آهن در صورت خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلز  
موسوبه بکل حران یافت میشود و ازین جهت سنگ دوشن و باد زان نقره نما بنظر می آمد دانها آهن خالص مخلوط  
با سنگ سیاهی بود که آنرا الو مینیو سبیلکان می نامند که دینلهای سبز نیز در آن مشاهده نموده اند که نظیر آن در  
اغلب سنگهای آسمانی دیده میشود سرگردان و صاحب منصبان و یوزباشیان کیشکخانه خاصه سپرده بجناب علاء الدوله  
وزیر دربار اعظم بغل از سان دادن در حضور مبارک و بثبوت استحقاق آنها علی قدر مرانیم بعواطف و مراحم و خلایق  
و امینان ملوکانه مباحی کردیدند موکبها یون شاهنشاهی عنرضه از کلاردشت معاودت فرموده روز بیست و پنجم  
شعبان بیلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشت نواب والا عنصنا الدوله حکمران فرزون با عطا ی بک جعفر  
انکسری الماس بر پیلان سرافراز کردید موکبها یونی سه شنبه هفدهم رمضان المبارک بقصر سلطنت آباد تزلزل اجلا  
فرمود نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و نیز دوعراق و بر و جرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله  
اقباله العالی این اوقات از اصفهان بقصد سرکشی عربستان و لرستان حرکت فرمودند مورد مراحم ملوکانه کرده بکتوب  
سرداری تره شمس در صبح از ملاسب خاصه افتخار ایشان ارسال فرمودند جناب حاجی میرزا حسینیان سپهسالار اعظم  
دادار و ابل شوال از اداره امور عسکریه وزارت امور خارجه معافانسته حکمرانی فرزون برقرار نمودند لزوم شد بد  
در کردار انفاق اذنا در ترتیب مهمان ملک آذربایجان علاوه مشاغل جناب اجلا نای مشهور الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند

میرزا

همدان اوقات دولت را این که از دول مشرق زمین در قتی از اقلیم آسیا واقع است محض فتح باب مراد و دست  
 و استحکام روابط موثبات دولت علیه ایران مامور مخصوص موسوم به (پوشیدار مستخر) براهی (پوکو یا ما کونی جی دو)  
 سرحد (توکار و انولوش) سلطان مهندس و چهار نفر با جزئیاتی در بار دولت علیه فرستاده در ماه شوال وارد  
 الخلاف شدند و بجنوب همایون شهر ناز با یکدیگر پند و تعلیم نامه و تبلیغ پیام مودت امیر اعظم امیرالمؤمنین را نمودند  
 استعجاب از طرف فرین الشرف همایون ملوکانه نمودند و باستان اداره جلیله عسکره و فسون ظفر نمون را که عبارت  
 از وزارت جنگ باشد بعهد کفایت و کفالت نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله مقابله العالی نفویض فرمود  
 بکتوب سرداری بر سر بنفرد و زان ملا سب خاصه سلطنه نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند جناب میرزا سعیدخان مؤمن  
 الملك و ذر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا سلام الله علیه منصب متولیا سپهری  
 مستعد بودند با رها این اخضا شده مجدداً بمنصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردید و بکتوب جتیه نرینه  
 شمس مع خلع و معزز شد جناب امیرالدوله سپهسالار اعظم را که حکمرانی فرزند داشتند به پیشکاری تمام مملکت  
 آذربایجان برقرار فرمودند جناب کنت زالوسکی و ذر بخار دولت اطربش مامور باقامت در بار دولت علیه که وقتاً  
 بوظن خود رفته بود این اوقات بدار الخلافه معاودت نمود میرزا رضای صدیق الدوله وزارت دار الخلافه برقرار گردید  
 مسوکت و منفرت رئیس پلیس شهر دار الخلافه بمنصب برتیبی دوم سرفراز شد جناب حاج میرزا محمدخان مجد الملك  
 و ذر وظایف و اوقات مرحوم شد و وزارت و ظایف و اوقات بموجب سخط جهان نظام مبارک بر عهد جناب میرزا  
 علیخان امیرالملک موکول آمد بعد از این سال فتنه شیخ عبداللہ کرد و بداد و دفع شر او کرد پس آنکه شیخ عبداللہ  
 که از قدیم در سلاک نضوب بسته عوام فریب بر سر برد و در ناحیه هکاری میان اگراد سینه دولت عثمانی مطاعینه داشت  
 در اوقات جنگ دولتی روس عثمانی بعضی نفک و اسلحه جنگ بدست آورد و بجهال واهی افتاده که اگراد سرحد نشین  
 دولتی ایران و عثمانی را در تحت داشت خود را و در اواخر این سال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ کزیر  
 شده بشیخ عبداللہ پیوسته خیالات او را تا بید و محرک نمود لهذا در حد و کردستان دولت علیه بنای قتل و  
 طبع حرکات و حیثانه که ناشی از فطرت پاک میباشد گذاشتند و برای دولت علیه که از ظالمه با خبر شدند در عرض  
 روز بیست و پنجم از قراغ عساکر موجوده را بر باریست نواب چشمه الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مته  
 حاضر ساختند و قبلا از و سوار و کوزیک دولت بسا و جیلان و ارومی آن صفیان اعناده السلطنه مصطفی فلجان که  
 ریاست فسون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان و عساکر منصوبه در حد و مراغه و بناب و هرات قراغ باغبان  
 طبعه توتی نفک نمود شکستها فاحش بانها دادند و ششصد هفتصد نفر را که حیثان اسپهسالار و می  
 کرده بودند بقتل رسانیدند و در سه فرسنگ ارومی نیز جمعی از اگراد که با شیخ صدیق پسر شیخ عبداللہ بودند براه عدم  
 فرستاده و با بنام کزیرا هزیمت داده نادر فرسنگ غافل نمودند و علیخان پیشخدمت حضور پسر مرحوم مجد ناسخان  
 والی که در انوقت بحکومت مراغه منصوب بود نیز از کمال عزت و همت و شجاعت در دفع اگراد کوششها کرد و حد  
 حوزه حکومت خود را از نظام و شورش اشرا بخوبی حفظ نمود و این اثنا نواب چشمه الدوله رئیس اردو کوزیک در  
 حواله صابنقله عرض طبعه مبتلا شد مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را معاودت دادند و مفر شد که وقتاً  
 مجد ناسخان حسیام الدوله رئیس اردو با شدنا جناب سپهسالار اعظم وارد و ملحق شوند و عبدالقادر خان شجاع الملك  
 برای تبلیغ احکام لازم بر سر دکان اردو روانه شد خلاصه از آن طرف شیخ فادر حمزه آقا با بعضی اعوان خود کزیرا

بطرف ساوجبلاغ مرفعه باز بهر شهر که میرسدند آنرا با تشکر در حرم میسپندند تا جناب حسنعلی خان وزیر فواید با توجیح  
 و سوار شاهان شود و برین باره دو اعتماد السلطنه پیوسته و با یکدیگر بطرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدینواسطه شیخ  
 فادر وجهه آقا جمال زینت پدیده بسمت اشنوی میرگوشند شیخ عبداللہ نیز در حد رارومی از عساکر منصوبه شکست  
 خورد و با احوان خود بقطعه اسمعیل آفادرد و فرسخی شهر را رومی که جای محلی اسکرخت روز شانزدهم زبجه جناب  
 سپهسار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحشین کردار را نامین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عبداللہ  
 و تبعه او در بستی یکم زبجه بطرف سرحد محال نکرود فرستادند بموجب خبر تلگرافی که در سلخ ذی حجه سیصد و پنجاه  
 ساوجبلاغ وارومی بکلی از جو د اشرا پاک و امنیت و آسایش داپوشد و محمد آقا رئیس طایفه ماموش بلپاس از نیرکا  
 کرد با صطبل توپخانه پناه برده معفو کردید و شیخ فادر شیخ عبداللہ با معدودی از تبعه خود بنوجه مسکن  
 شیخ عبداللہ و در خاک دولت عثمانیست که بخت امر ای (المان) اعلمحضرت امیرطور در وقت انعقاد پارلمنت  
 المان در یکی از نقطه های سلطنت از دیار استغلا فشونی خود را بملایطه استغدادان جریت بهجوار کازم و اقم شمرده  
 و در این مسئله امر را و مبالغت فرموده اند اختتام مجلس پارلمنت ملاقات امیرطور المان و امیرطور اطروش در شهر ایشل  
 و زارت بخارت علاوه بر سایر مشاغل نیز مارت کردید (انگلیس) لر و اسیل پس از این کردن زلوسها و فراغ از  
 کار آنها با انگلیس مبحث نموده انگلیسها همیشه افغانه را خیره دیده و در کار خصوصیت و خلاف و دشمنی و بیفای ثابت و  
 یافتند مجرد در مقام نینیه و هلد بد آقا بر آمده تا با کابل و بالا حصا را تصرف کردند و نزال بر بیغ آباد افغانستا  
 را که واقع در جلگه لغمانست فتح نمود فشنون انگلیس در افغانستان هستند و افغانها با کمال سخنی خود سر می  
 مابین دولت انگلیس المان در باب بیغ آوردن برده و غنغن بیغ و شرای غلام و کبتر در طرف مشرق زمین معاهده  
 شده است چندین مجلس عامه برای اصلاح امور دارند داپر نموده اند لر در و بی آخرین عقیده و نیت مکنون ضمیر خود را  
 که میل و علاقه بطرف آزادی طلبان باشد نصرت بجای بر ز داده و توضیحا اعلان نموده است معادل مبلغ پنجاه هزار لیره  
 انگلیسی الماس از پیشانی آنه کاپ بفرست بوده اند نزال ر بر نکه در افغانستان بو کاعذی از موسی خان و سایر امرای  
 افغان که در غزنین جمع شده بودند با و رسیده در این کاغذ خوانین مشارالهم بعین خود شانرا بدولت انگلیس اظهار  
 میکنند بینه شدن مجلس پارلمنت انگلیس با یکخطبه از پادشاه انگلستان و امیر اطروش هند و سنان مسافر اعلمحضرت  
 معظم لها بسمت المان جنگهای سخت ضوالمی افغانه با فشنون انگلیس در افغانستان مفاثلات شدید و پورشها  
 بسپا سخت صابین شهر کابل و کندهک و رود عبدالرحمن خان از نیرکستان با افغانستان انتخاب کلای نازه برای  
 مجلس پارلمنت مساعدا پلینیک و زرای ویک و کلاد سون میباشد اجرای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل  
 و نوزده نفر هواخواهان و زرای ویک و دست و سی و پنج نفر هواخوا و زرای ثوری و شصت و سه نفر از نندی تعیین  
 و زراد را انگلیس و صدارت کلاد سون فشنون ابو اجمعی نزال استوار در حوالی غزنین بسه هزار نفر سوار افغان  
 بر خورده و جنگ سختی فیما بین فشنون واقع میشود دولت در مجلس بلینا اظهار میکند که احکام سخت برای فرما نفر ما  
 هندوستان صادر شده است که عساکر انگلیس از افغانستان اخضا کنند خطبه فشنون انگلیس کابل را و شناختن  
 دولت انگلیس عبدالرحمن خان را بسمت امیر افغانستا عبور کردن ابو بخان از رود هیرمند و حرکت کردن او بطرف  
 فندها فشنون انگلیس در نزال بود که در فندها بود اعلم مقبول شدند و بقیه السیف آنها باره فندها  
 پناه برهند فشنون ابو بخان که این شکست سخت را بعساکر انگلیس مقیم در فندها را در مرکب بجوازده هزار مرد

(افغانستان) شورش مابین  
 عساکر عبدالرحمن خان شورش  
 سختی در هران قتل حاکم  
 ابو بخان که در زمین دادند  
 خود را بجهان بھارت رسانند  
 (چین) مراده بلبلیکه این  
 دولت و سرزردک  
 باه تظاع استم

و بسبب شش عراده توپ لوله سخت در منیل که جمع کثیری با هلاک و مجروح کرد و بسبب بسیار منهدم نمودن ابتدای  
شورش در با سو تو که اندر افریقای جنوبی بر ضد ولت انگلیس نزال در بر سر دار کل فشتون انگلیس را فغانسنا  
باده هزاره رزیده بیک فشتون انگلیس که در فندها ر محصور بودند حرکت نمود مسلمانهای هندوستان در صلح  
شورش بر ضد ولت انگلیس میباشد اهاالی ارلند نیز بر ضد ولت مشارالیه علم شورش افران شد فوت لرد  
رد کلیف از معارف محاصره نمودن ابونجان فندها را و در نزال در برت بقندها ر عقب فشتون ابونجان  
از حوالی فندها و ارغنداب شکست یافتن او از نزال در برت جنگ با سنس با عساکر انگلیس شکست با ستسها  
اما اخبار بیکه از راس امپد هر سده لیل بر ضعف فشتون انگلیس است تمام طوایف با توپها بر ضد ولت انگلیس  
نمودند شورش ارلند بهار و زیز در نزال پداست (ایطالیا) یکی از توپهای صد پوندا گشته زره پوش موسوبه  
دوبلا در بندر سپریا تر کیده است محاجره و نقادین پاپ المان تمام شد غزل و کلای ملت بکلم پادشاه ایطالیا  
وضیف کلای جدید کوه آتش فشان و زو و بانها بت شدت آتش فشان می کند (اطریش) طغیان آب رود خانی  
در پالان مرادی که ضرب کل بزاعف رسانند جشن سال پنجاهم اعلمحضرت امیر اطور زلزله سخت در روسیه در <sup>آزم</sup>  
ورسپدن خسارت زیادی بر دم (اسپانول) یکی از پلهای تیکه برد و در ایب بود و وقوع حرکتش از روسیه  
شکسته و صد نفر غرق میشو تولد ختری از پادشاه که مستاده به مر سید میگرد و ولایت عهدا و راست در راه کا  
طغیان آبها خسارت خرابی زیاد وارد می آورد (بلژیک) افتتاح اکسپو سیتو عمومی در شهر بروکسل بواسطه  
کدورنی که مابین دولت بلژیک و پاپ روداد دولت بلژیک ایلی خود را از دربار پاپا خصا نمود (روس)  
کار گزاران نظامی و مسلح و آلت هر پیه بسیار خرابی مینابند و در سرحد المان و اطریش فشتون جمع آوری میکنند  
بک زد و خورد و غایبه عظیم مابین طلا و طایفه نیهیلیست و پلیس در پترز بورغ رو داد طایفه نیهیلیست  
نداعا و جنگها را در مسکو آتش زدند و نزال میکف بجای نزال گورکو بر با ست اداره امنیت برقرار گشت  
برای طلع و فتح طایفه نیهیلیست اسباب نظم و نسق فراهم آورده و اهنامی تمام دارند و سه کمال احتیاط و تشو  
دارند که مبادا در روز سیم ما مارس که سال بسبب پنجم نا جگداری اعلمحضرت امیر اطور و روز عهد و جشن  
بزرگ است طایفه نیهیلیست فرسیافنه غفله مرکب فتنه و شرارت شوند و عیش را بر مردم منعص کنند طایفه نیهیلیست  
شیری برای نزال میکف خالی کرده ولی خطا شده بود اعلان اشکاراتی از طایفه مزبوره در تمام ولایات  
روسیه منتشر شده و بک مجلس عا ته و اجتماع ملته در شهر و رشو طایفه مزبوره منعقد کرده اند پر تشو ارف  
ایلی روس مقیم فرانسه بواسطه اینکه فرانسه هادرد آرتیمان نام که بقب در راه آهن مسکو زده و از نیهیلیست  
بود تمکین نکرده بودند از دولت فرانسه ر بخش دارد کاغذیکه از طرف امیر اطور المان با امیر اطور روس سده  
و مضامین آن مشعر بر دشمنی و موذنت مابین دولتهن المان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار مینابند  
ژنرال لورس ملیکف از اعظم وزرای این مملکت که زندگانی او بدست طایفه نیهیلیست در معرض خطر بود بدو صد  
بخات یافت فوت امیر اطور پس این مملکت عساکر چینه خود را فتح نموده اند پیش رفتن ژنرال اسکلیف بسبب  
کولتیه شروع بساختن راه آهن از نفلین مباد که نزال لورس ملیکف و زیر داخله میشو پادشاه و ملکه  
یونان وارد پترز بورغ میگردند رسیده که با عمال طایفه نیهیلیست که در زیر عمارت مخصوص اعلمحضرت امیر اطور  
نفته کنده و آتش زده بودند و جمعی مقبول و مجروح شده جدا میشو نیز نفع در راه آهن که محل عبور کالسکه



اعلیحضرت امیراطور بوده متکشف میشود اعلیحضرت امیراطور پیشتر لغور که را منعه مینماید نماز عه سخت بنما  
 بپزاهالی پلپس طلاب مدارس رسکو (فرانس) مجلس امانه و وکلا فرار داده است که هر مطلب مسئله که راجع  
 منعلق باحو معفون باشد هیچ وجه مسوع ندارند و معنای به شمارند مجلس کلاء قانون جدید از برای فستون ایجاد کرده  
 وجرکه اناماز را منظم میکنند انتشار حکم رئیس جمعی در اخرج نمودن سلسله ژر وئیک که یکی از شعب من هکونو یکی  
 میباشد از مملکت فرانسه و شروع کردن با سبیل بخشیدن تقصیرات هشتا و سه نفر از اهالی کون را که مجوس بودند مکتوب شد  
 جزایر ناپئنه بمملکت فرانسه نصیب سپو بار طلی سنت هسلر بوزار بخارجه (سود و نروژ) پارلسنت اینمملکت خدمت نظامی را  
 برای تمام افراد و احاد رعینا بدولت ناسن چهل سالگی خم و واجب میداند استعفا و زرای اینمملکت ترسنگر لدا ز  
 علماء راه و صوحوالی فطی شالی را از نقطه غریب مفوح مینماید (عثمانی) شدت و بشوع خط و غلا در بلاد عثمانی  
 خصوصاً در رومینه که از همه جا اشندا و امتدادش بیشتر است وک معظه فرنگسنا هر یک رسما مامور از جانب خود بر  
 تعیین حدود یونان و عثمانی متخص کرده خواهند فرسناد شرفیاعظم مکه را در جده بفصل مرسا ستاندند وک مضام  
 دارد که بندر دوسینورا به مننگر واکذار کند حسین حسنه یا شایجای عثمان یا شای غازی و زب چنگ میشود  
 مصلحت گذار مننگر و مقیم اسلامبول بطور فخر از این شهر خارج میشود زلزله سخت دران مهران طرف اعلیحضرت سلطان  
 حکم ماموتی بود چنگ صادر شد که معجلآ به دولسینورفته و آشهر استلیم مننگر و نماید دول فرنگ و عثمانی را تهدید  
 میکنند که اگر دولسینور را معجلآ بمننگر واکذار نکند با سفان چنگ با او منازعه خواهند کرد سفیر کبیر دوللمان که  
 اقدام بر سپاه سرفراء است از طرف تمام دول فرنگ یادداشتی بنا بعالی اظهار داشته و عده را که در کنکره برلن در رضیه  
 یونان داده بود بخاطر دولت مشارا اهلها می آورد اهالی البانی بادولت عثمانی در منازعه هستند که چرادولسینور  
 بمننگر واکذار نمیناید بغیر از اصدارت سعید پاشا و زارنخارجه عاصم یا شاسفان چنگ دول فرنگ برای تهدید عثمانی  
 در بندر اکوز جمع میشود تسلیم نمون دولت عثمانی دولسینورا بوالی مننگر (افلاق بغلان) مسافرت والی افلاق  
 بغلان و زوجه ایشان با طریش بشهر ایشل و ملاقات با اعلیحضرت امیراطور و امیراطر پس طریش بر تنس شارل آنتوان  
 لیسر لویول ههن زلین که بوادر زاده والی حلبه است بواسطه نداشتن اولاد از طرف عم خود بولایت عهد افلاق  
 بغلان منصوب میشود (بلغارستان) افتتاح مجلس پارلسنت این ایالت (هلاند) تولد یک خنر از پادشاه مسما بوبلهل  
 (یونان) دولت یونان در صل اینست که مروده یلیتیکه بادولت عثمانی در باب تعیین حدود بهم بزید و روابط مسما  
 قطع کند و اینمزم را کوش زده دول معظه کرده است پادشاه سفری بفرنگ بنما بد امریک (پنکی دهنای جنوب)  
 سفان چنگ شیلی بندگالا تور اضر بنوی منهدم مینماید چنگ ناگافخ فستون شیلی و غلبه انفشون بر عسا کر منفقه  
 پرو و بلیو فستون شیلی شهر اربکار افخ نمودند و زشورش در بنزر کشتکوی مصالحه مابین پرو و شیلی بشلی پرو قبول  
 میاجگری ناثونی نامکنند رحوالی ایما چنگ منخه مابین شیلی پرو و میدهد و قریب پنجاه هزار نفر در این چنگ  
 از طرفین مشغول مقاتله میباشد افتتاح مجلس پارلسنت بزیدل با خطبه مفصل امیراطور و ایجاد قانون و آزادی  
 انتخاب کلا دکترا ناز نام که شرط کرده و نذر رسنه بو مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه او منقض شد و جمعی  
 نذر رسنه بودرد ایسانی افتتاح اکیتولسینو عمومی در شهر ملیورن اسرالی

۱۸۸۱ هجری

۱۲۹۱ هجری

آسیا (ایران) از میان اقبال بزوال اعلیحضرت هاپون شهر باری خلد الله ملکه کلیه امور دولتی نظم و انظما

کامل

کامل دار دجنات سنی خان وزیر فواید نسبت حکمرانی ساو جیلان برقرار کرده بد اسرا بنگه از آن نواحی و غیره نزد طغاه اگر  
 بود کلیه مستخلص شدنیار و دو مامور بنسب عیثیه سنگور بسرداری عزیز بن الله خان سر رئیس محل خود اصابت کرده یعنی بخا  
 منگور رسید حمزه آقا خود را آماده جنگ نموده سنگور خود را استحکام داده با طایفه خود که بر شادت معروفند در مقابل  
 عساکر منصوبه خیل اسناد کی بنیاید و زیاده از شش ساعه جنگ طول میکشد و خونریزی زیاد میشود و هر ابرقرا از  
 لشکر مقبول شده حمزه آقا دیگر مجال زیست نماند بطرف حد و دولت عثمانی که پیش از دو فرسخ <sup>اصطلاح</sup> نرسیده کج حسیل علی بیگ و  
 فوج نیم و دست جمعی او قلعه نعلین و عمارت عبدالبناوی حمزه آقا را که ماضی و بنگاه فساد آن حد و با خاک یکسان کردند شب  
 محرم زائر که مانده ستماه بنان خام که زیاده از پانزده سال زمین کبر و اقلج بود در روضه مقدسه حضرت علی بن موسی  
 الرضی علیه آله النجفی و الشفاء بحسن توسل شفا یافت غریبه داری ده عاشورا در تکیه دولتی با کمال شکوه بعلم آید جناب عقد  
 الملک خوانسار و خازن مهر آقا و مبارک بکثرت خرفه نرزه از ملا بسبب خاص درجه اختصاص یافتند و محل قلج خان  
 نایب النظاره با عطای بکفبضه که مرصع مفرح آمد نواب اعنضا السلطنه وزیر علوم شیخ عاشورا بر حمت الهی پیوست و  
 ریاست در سه مبارکه دار الفنون دولتی <sup>میرزا</sup> رضی خان را بجای خبرالدوله علیقلج خان وزیر کل لکرانخانه کما مالک محروسه  
 و کذا فرمودند مجلس نایب کتاب نامه دانشوران ناصر را بر اثبات مؤلف مفوض داشتند جناب میرزا فخرمان امیر لشکر  
 بموجب دستخطها بون مقرر شد هر روزه در مجلس وزیر را حضور یافته معلومات و اخبار خود را در شعبه امور دولت  
 اظهار دارد جشن عهد مولود اعلی حضرت ها بون خدا لله ملکه را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ  
 ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه با علی درجه خوبی گرفتند در موقع این عبد سعید اشخاصی که بنشان و جمال سر  
 افزا شدند از انبشار است (دجیحان سر نیل فوج دوم نصر نشان و جمال از درجه دوم سر نیل) (میرزا زکیان  
 سر نیل دبیل و مشکین نشان و جمال از درجه دوم سر نیل) (کنل شمیل اطریشی رئیس مامورین اطریش نشان و جمال  
 از درجه اول سر نیل) (بارون نورمان مترجم دارالترجمه ها بونی نشان و جمال سر نیل) (میرزا عیسی خان پیشین ضیانت  
 نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامنه شوکته نشان و جمال سر نیل) (میرزا علی دکنر طبیب خصوصاً  
 حکیمباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی نشان و جمال از درجه سیم  
 سر نیل) همد این اوقات دستخط مبارک صیبه بر حسن ثریب تکمیل امور دولت از قرار شرح بل بشر فصد و ریافت

سواد دستخطها بون

چون اعظم و مهم امور دولت نظم مملکت و سرحد و آسویکی بعبا و رفع ظلم و ستم شرک در میان آنها و انتظام مهمام فشنون و  
 فورخانه و مهمات عسکریه سایر شعبه ادا و استیجاب و ایجاد و انتظام این مهمام در خارج و تشکیل فواید و تدبیر این لازمه  
 آن منوط با اجرای سر بعه نایب احکام مفیده و نشیبات صحیح دولت است و آن اجرای احکام و استیجاب مبنای انکار و چاپ همه  
 منوط بوجوب و ذوا و نوکرها صاحب تجربه و دلخواه عادل کامل با غیر قسطنطنیه بموجب این دستخط که خود مان مینویسیم  
 اختیار و افتد ارکا مل میزدیم بوزرای مشیخین حالیه دولت که در مجلس دربار اعظم حکم بجای فرموده ایم که از این تاریخ بعد  
 در هر قسم از امور دولت از جنبه و کلی مختار و مجاز و نداد بخوارا دهند بود که فرارها بنگه متقصد خبر و صلاح دولت و ملت  
 باشد بکنارند و آنچه را که آنها صلاح دانسته و عزمین برسانند قبول فرموده و در نخواستند هیچم کرد و نقاد امر و قدرت سلطنت  
 را بیست پنجم اعطای میفرماییم که انشاء الله تعالی آنچه منظور است و مقصود است دولت در شرح امور ملک و ملت منصوراً  
 در اجرای احکام بعهده فواید و بر ذوا و ده خاطر ما را از حسن خدمات و خیر اندیشیها خودشان خرستند و نمایند

وحسن و الثقات ما را نسبت بخودشان روزیروز با نثر کرده اعمال نیک خود را بر هر ظاهر نماید بخیر ۹۸  
 اداره معادن ممالک و سرسبز با علینقی حکم الممالک و اکتاف فرمودند نواب اشرف والا و بعد از این مبدء و لکن علی بران  
 حکمران آذربایجان و مضافات دام الله قباله العالی که در نسب او عسکر و اربابها آذربایجان مساعی چسبید و لکن  
 داشته بودند با عطای یکتوی بر داری مقبول دوز شمس صقع تن پوش مبارک قرنها ختصا و اعزاز فرمودند در شکارگاه  
 جاجرود پلنگ شکار شستن مبارک کرد بد محمد تقی خان حاجالدوله مرحوم شد محمد حسن خان قراشباشی و لد جناب علاء  
 الدوله بلیغ جلیل حاجالدوله بلیغ کرد بد آقا محمد علی آبدار باشی و لد جناب امین السلطان بلیغ امین حضرت مفتخر آمد  
 امیرزاده محمد حسن میرزا و لد مر جو اعنضا السلطنه بمنصب جلیل پیشیند منی حضور مبارک برقرار شد عبد الله خان حکمران  
 کبلان بوجای شد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه و زبیر خنک دام الله قباله العالی سرافراز آمد نصی الله خان  
 سرتیپ حاکم کرکان و زبیر نیی دویم مباحی کرد بد هد راپن و اوقات رای جها آرای صوابنای بندکان اعلم حضرت همایون صاحب  
 فرانی خلد الله سلطانه بران علاقه گرفت که احد از اشخاصی که در سلاک هر طبقه از طبقات نوکر منسلک هستند در صورت  
 صحب و سلامت مزاج بیکار نباشند و عاری از خدمت مشغول نگردند و سواهی طبقه عاکوبان و اهل شریعت و ارباب علم که  
 محض توقیر شریعت با دعا گوئی و اوقات آنها و وظیفه منبری رحمت مشوق دیگر هر کس زیاده از پنجاه تومان مواجب هر سو  
 داشته باشند مشغول و خدمت مناسبت حال مامو و مشغول و منقلد شود و رسید که با این امر و در پاستان اشخاص را هم بعد  
 مراقبت جناب عضد الملک خوانسار و خازن مهر مهر آثار و ایلخانی ایل جلیل فاجار موکول فرمودند جناب زبیر خان  
 وزیر مختار و لکن علی مقیم و بنه که موقتا بد بار معدن دارها بنو احضار شده بود بدار الخلافه با هر وارد کرد بد  
 اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و نیز دو عراق و بر وجود و عربستان و لرستان و غیرها دام الله اقباله الهاک  
 که موقتا بحضور مبارک احضار شده بودند روز هم رابع الاول وارد دار الخلافه کرد بدند جناب علاء الدوله و زبیر دیار  
 اعظم و سرکشکی باشی را با لقب امیر نظامی و اختیارا ت نام با اجزای لازم مرکب از نوکرهای کار دیده کافی مامو آذربایجان  
 فرمودند که مجرای ممالک رفته مشغول انتظام امور کرد و نواب و الاعباس میرزا ملک آرا حکومت غزنین و مضافات  
 منصوب کرد بدند و امیرزاده محمد میرزا و لد نواب معظم له با عطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد نواب الله قلی میرزای  
 ایلخانی حکومت و ارباب منسب بر فراد کرد بد چون میرزا رضا صدیق الدوله و زبیر دار الخلافه همراهمی امیر نظام مامو آذربایجان  
 شد خالصه جات طهران که اعظم املاک دولتی است میرزا محمد آقا قریب صدیق الدوله سپرده شد که بنیای صدیق الدوله  
 مشغول امر اخبارت غزنی و نبیره باشد و دو سند مالیاتی و اربابی و سایر مشغولات طهران و بلوکات متعلق آن بر عهد محمد  
 ابراهیم خان که از حجرتین پیر مردان در مجامع نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر زبیر خنک حکمران دار الخلافه و غیرها  
 دام الله اقباله العالی صبا شد موکول شد روز هم رابع الثانی نکر اعی از جناب معین الملک سفیر کبیر و لکن علی مقیم  
 اسلامپور رسید بد بنضمون که اعلم حضرت سلطان عبدالحمید خان اطمینان داده بودند که دیکر شیخ عبید الله و اگر اد  
 طاعی جبارتی خواهند نمود و اسباب امنیت حد در داد و لکن عثمانی با اتفاق دولتها بران فراهم خواهند آورد نواب اشرف  
 والا شاهنشاهزاده معظم و بعد و لکن علی حکمران مملکت آذربایجان و مضافات که بد بار معدن دارها بنو احضار  
 شده بودند بدار الخلافه با هر و روز فرمودند روز یکشنبه نوزدهم ماه رابع الثانی بعد از گذشتن هشت ساعت و هفت  
 دقیقه و کسری از طلوع آفتاب آفتاب جهان تاب بنقطه اعتدال رسی رسیده از برج حوث مجل غروب کرد و مراسم جشن  
 عید و سال نو بد پیشگاه حضورها بون معقول افتاد بقدر و هزار نوکر سواره جدید از عراق و آذربایجان با همراهمی

بلیغ و ایلخانی

جناب علاء الدوله امير نظام گرفته و مرتب داشته با اسم غلام منصوم موسوم و در اين ابام بنو سطر ميرزا احمد خان پيشه  
خاصه سر نديپ اول ولد جناب امير نظام از سان حضورهايون گذشته و مقرر گشته ناده هزار نفر هيمن اسم وضع و هيئت  
توكر سواره گرفته شود عبد الحسني اولاد مرهوجا بنا با خان سر بار بنشان و حاجابل سر نديپ اول نابل گرد بد و عثمان لطيفه  
شده چهار چشم و دهن و دوشاخ دلت و باقى اعضايش در سن بود و پسر از تولد بمرد بموجبتلكواي جناب ميرزا  
سفر كبر و دلت مقتم اسد مبر اول اعلى حضرت سلطان و عدو صريح بتبعيد شيخ عبيد الله و پسر او را از سر حد كرد و متشا و اخضا  
باسلام و فرمودند و نظامى مركبا زيغ فوج و يك هزار سواره و دوازده عماره توپ كه ده عماره از آن از توپها عابد  
اختر اعلى است نواب اشرف والا نواب السلطنه امير كبرى و زير جك ادم الله افناله العالى بر پاستا امير زاده ناصر الدوله  
سر نديپ اول بخير نموده علاوه بر ارد و كها سابق روانه اندر با بجان داشتند حكومت و فرمانفرمايى ملكت فارس را نابتى  
اينسان نيز بد حكومت ايلات و ولايات صغرى و بزرگ و عراق و بروجرد و غرستان و لرستان و خوانسار و گلپايگان  
بگفت كه نواب اشرف والا شاهنشاه زاده ظل السلطان ادم الله افناله العالى نفوس كرده و بر حسب استدعايى  
نواب اشرف معظمه بنايشان ايلات بنوايى الاجلال الدوله فرزندار نشاندنشان و كار كذارى امور آنها ملكت بجناب ميرزا  
فتحعلخان صاحب ديوان مرجوع شده نواب الاجلال الدوله بگفتوب سر داري نهمه شمس مرصع از ملا بسر خاصه جناب  
صاحب ديوان بگفتوب بجهت ترقه و مفضل و دوششمه مرصع از ملا بسر خاصه مخلص شد بميرزا محمد خان اين خلوت و  
تفنگدار باشى و در مرهوجو ميرزاها اشخان اين الدوله خطاب جنابى مخاطب آمد جناب پسر هسار اعظم از طرف شخصهايون  
سلطنت براى نيز بقتل امير طور الكسان در دوم و نهمت جلوسى على حضرت امير طور الكسان در سيم بر تخت سلطنت  
روسته بسفارت در باران دولت هامو و باهدا بايلاقه بباي اعلى حضرت امير طور و امير طور پس روانه كرد بد  
و خود سيمه سار اعظم بگفتوب سر داري مفضل و دوششمه مرصع ممتاز مخلص كرد بد و اجزاي ملزمه سفارت ( امير زاده  
و جبهه امير زاسر نديپ اول ) ( عزيز الله خان صادم الملك سر نديپ اول ) ( ميرزا رضا خان مترجم سر نديپ دوم ) ( ميرزا  
حسنيان سر نديپ منتهى اسرار ) بود نظر وزارت علوم جناب عظيم قلنجان مخبر الدوله مرحوم شد جناب علاء الدوله خطاب  
نابل جنابى مخاطب و سرافراز آمد ميرزا محمد حسين ولد وزير لشكر بمبصيت استيفاد ديوان اعلى بر قرار كرد بد بچي ميرزا  
نابل الا يالدر خدمايت ديوان كبرى و در بايش بخارنا اسمان مرافقت نموده بنشان و حاجابل سر هيكه سرافراز شد و در  
هيمن سال نشان شير و خورشيد از درجه سيم تا دهم مرتبه فرمودند ميرزا كاظمخان الله باشى مرحوم جلال الدوله به شيشكار  
شاه و دوشطام بر قرار كرد بد نواب ابو الفتح ميرزا بنو بد الدوله حكمران كردنشان بنشان و حاجابل سر نديپ اول نابل آمد  
و در هيمن سال چون در فتنه شيخ عبيد الله ولايت كردنشان را خوب نگاهدار نموده بود بلفيف مؤيد الدوله ملقب كرد بد  
ميرزا هدايت الله مستوفى و در مرحوم ميرزا محمد تقى اسان الملك بعد از فوت پدر بلفيف لسان الملك نابل شد محمل مستحقا پيشه  
حضور حكومت ولايت كاشان مامور و بجلغت همايونى مخلص كرد بد عمل اندك و در و صادر ممالك محروسه كه از فديم مقرر  
و مجبور بنو سطر و ناز و جليله خارج مستحكم و منضبط شد نواب اشرف والا ظل السلطان ادم الله افناله العالى با  
نشر بخاصه حضورهايون عرض شده با صفتهايون كه مقرر حكومت و فرمانفرمايى ايشانست و ماوردت فرمودند فرار  
اشرايى با نيمه احد و نديچلبى از حد و دخال كرمانشاهان بجز و دخال عثمانى و عراق عرب بواسطه حركت اردو نظامى  
حاجى شهاب الملك حكمران كرماتها بطرف سرحد بقبضه عصا مرصع از دوجه اول محض نيز بتكريم و اعزاز جناب  
مخبر اسلام آقاى حاجى ملا على سلمه الله تعالى از طرفهايون ملوكانه اهدا شد جناب ميرزا كاظمخان نظام الملك بعد

فوت میرزا موسی زبیر لشکر بر حسب انتخاب نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنک دام الله ابان الله العالی بوزارت  
 لشکر که از مشاغل مورد و اجدادی جناب مغزی الیه بوسه افراز و بیکشوی جبهه شمسه مرصع مخلم گردید با نام مودت خنامه  
 اعلی حضرت امیر الطور اعظم کل مالک و دستگیر الکساندر بیسم صبی بر اعلام حادثه عزت انکیر اعلی حضرت امیر الطور مرصع و جلوس خود نشا  
 بخت امیر الطور با علی حضرت ها بولکل مالک خرد سه بنو سبب جناب سببوزن پان بوف و وزیر بخار دولت روس مقیم در بار دولت علیه  
 بحضورها بون مودت کشت مهد بقیلخان امیر آخور بکفینه شمشیر مرصع از درجه ستم مفتخر گردید بکفینه افند دان مکل  
 بالاس که روی آن مزین بمثالها بون بود در خاکت و منت فری و رئیس اداره پلیس دار الخلافة اعطاشد فضل الله خان نشا  
 باشی بلقب بشیر الملک مطلقه سرافراز کشت روز بیست و چهارم جمادی الاخری در دربار اعظم که نواب اشرف والا و بعهده  
 مهد دولت علیه نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنک دام الله ابان الله العالی و جمیع وزراء و وکلای عظام  
 دولت حاضر و حاضرین بودند دستخطها بون اعلی حضرت شادس شهر باری دام سلطانه در ترتیب جدید و انتظام ادار  
 دولت فرانت و کوش و اولیای دولت شد جناب کبیر از نوبسکوی که از طرف دولت بجهت روس و سما برای اینهای امر  
 سلطنت با لور اثره اعلی حضرت امیر الطور الکساندر بیسم بیست سفارت با نامه مودت علامه مامور در بار دولت علیه بوز  
 بیست و سیم جمادی الاخری بکمال احترام و تشریفات معموله دولتی وارد و تشریفات حضورها بون شد و هنگام معاوت  
 درباره جناب مغزی الیه و همراهان او از طرف دولت علیه نشان و جایب شد (بجانب کبیر و بکوی بکفینه نشان عثمان  
 ها بون مکل بالاس) و بسیار همراهان علی قدر مرتبیم از نشان درجه دوم شیری و خورشید نا درجه پنجم و بعضی که درجه  
 نازل تر بودند مدال طلا و نقره بدل و مرصع کرد بد جناب سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی هم که از طرف  
 اعلی حضرت سلطان با نامه مودت خنامه برای از دربار رسام دوسنی اینهای بعضی مقاصد و اینی با اتفاق نواب حاجی حاتم  
 السلطنه روانه در بار دولت علیه ایران بود روز بیست و چهارم همین ما با تشریفات شایسته دولتی وارد و بحضورها  
 ملوکانه نابل و ششمین خدمت معاوت حاصل شد و خود جناب مغزی الیه بنشان شیر و خورشید از درجه اول  
 خارجه با جایب مخصوص آن و همراهان مغزی الیه نیز بنشانهای امتیاز از طرف دولت علیه اختصاص یافتند ساعده  
 سرتیپ اول بحکومت اشرا باد مامور و سرداری زمره خلعت ملوکانه مخلم و مباحی گردید بمرزا اسد الله خان شازده  
 دولت علیه مقیم بطرز بوزن بوزن بخار و اقامت همان در بار اختصاص یافت امیر زاده سلطانی پسر زاولد نواب  
 عهد الدوله بنشان و جایب سرتیپ دوم و منصب نزال اجدادی خاصه حضور مبارک نابل گردید میرزا محمد تقی لشکر  
 نویس پسر مرحوم میرزا مصطفی و کبیر لشکر بلیغ کبیر لشکر و نقل مشاغل پدید و خلعتها بون امتیاز یافت جناب  
 سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفارت روس بفرمانفرمائی ملک خراسان و بیست و ایلوا و امر قلیت اسنانه تقد  
 حضرت رضا علیه السلام منصوب و بکفینه شمشیر مرصع از درجه اول مباحی و روانه خراسان شدند نواب محمد علی الدوله  
 و حاجی خازن الملک و امیر زاده و جبهه الله میرزا سبب الملک و صارم الملک عزیز الله خان سرتیپ شاهین و محمد علی  
 امین نظام و حاجی میرزا علی نقی مشیر لشکر و نصیر الله خان نایب الوزاره هم در معیت جناب سپهسالار اعظم مامور و روانه شد بکوشی سرداری زمره نواب عهد  
 و بکفینه سر عظام مرصع بجایب حاجی خازن الملک نیز اعطاشد معاوت نواب الاحاجی معین الدوله از فارس که  
 بختا مشغلا بفرمانفرمائی آن ملک منصوب بود تندمغ اعطای القاب مناصب نشان و جایب و امتیازات نظامی  
 مکرر بقبول یافت کامل و بصدق شخص نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جناب و جناب زبیر لشکر و بیست  
 از امرای عسکر که فوتشان امیر محمد حسین در اصفهان که از اجله علما و آفایان محترم سلسله امام جمعه خود نیز چند عی

بدل امتیازات

ع

نظر بوفور کتاف نواب اشرف والا  
 ظل السلطان حکم از اصفهان و ق  
 و نیز و عراقی کر نشان و میرزا  
 غیرها حکومت با آنکه مانتها  
 سرحداری عراقین نیز نواب اش  
 معظمه نفوسه شد شخص نیز  
 و احترام جناب حج الاسلام آقا  
 سببصاد و عالی بخلیفه انکشت  
 الامن بر بلیان از طرف ملوکانه بار  
 ایشان اهداشد مضع اعطای القاب  
 دولتی در حق محوم جا کران مکرر  
 و نقد بوق جناب اجله نواب و

الدوله

امام

امام حلی منصوب بودند جناب آقا سید آقا ای پشیمانار و سید بنویستند جناب امیر نظام علاء الدوله شیخ الاسلامی  
 منصوب شد و در سه روز بعد رسیده بود و در سه روز بعد رسیده بود و در سه روز بعد رسیده بود  
 شده در این سال با تمام رسیده و با او که در تمام عمارت اندرون سلطنت شهر سنجان و اعطای کتوب سرداری  
 کتوب سرداری از این خاصه جناب معتمد الملک و وزیر مخصوص و وزیر بنای و برقرار می بکشد تومان مواجب راجح حلی  
 ابو الحسن بن عماران قتل خیره آقا ای یلباس رنگ و مو و آقا و خیره آقا و خلی آقا که از معتمدین اقوام خیره آقا و هر سر جنب  
 اشرا کرد و خاتمان دولت بودند در سار و جلاله حسن بنی و واهام جناب حسن علی خان و وزیر قتل امیر اسمعیل ولد  
 جناب امیر سلطان که از جانب جناب معز الیه و باستان خزانة عامه دارد بمنصب بنشیند من خصوص مبارک و بکتوب سرداری  
 خلیف ابون سرفراز شد نواب عبداللهم نزار که از جانب نواب شرف والا ظل السلطان امام الله اقباله العالی حکوم  
 که ما ایشان منصوب است بقصدی شاهنشاه فراده معظله بلقب جلبل حشمه الدوله ملک سرفراز داشتند نواب  
 انوشیروان میرزا بیکر یک شهر نیز بلقب ضیا الدوله شد فوج مجربان و فوج پنجم شقای علاوه بر فوج بهادران و  
 فوج ششم اقبال فرزند مخصوص سپرد و محمد باقر خان شیخ السلطنة سر نیپ اول و خلیف ابون نیز در حق معز الیه  
 اعطا کرد بعد ناپسند و ناکیه لو کانه در اخذ و اسبها و ادای حقوق و مواجب اهل نظام و فستون ظفر نمون بموجب سخط  
 مبارک خطاب بنواب شرف والا نایب السلطنة امیر کبیر و وزیر جنگ امام الله اقباله العالی شرفصل و ریافت استحکام و استقرار  
 وزارت و ظاهره اوقات جناب امیر الملک بموجب سخط های ابون فوٹ مصطفی فلجان فر کوز لو ملقب باعما و السلطنة  
 امیر نوبت آن که معتمد خدیوات عهد شده و در با بان عمیر حکوم می نمود و منصوب بود بر من حصه اقتراح و شتر چوای کاژد  
 شهر و در اختلاف طهر آن که قنده بود علیا شان مشغول بودند با جشن و ولای جناب صنیع الدوله بکتوب سرداری و قمر  
 کتوب سرداری از این خاصه بنوعی که در پدر نصر الله خان نصر الملک بر نیپ اول باعطای نشان و مجاز امیر نوبتانی سر بلند و عمام  
 الملک نیز نشان و مجاز امیر نوبتانی منفر کرد بدین معنی از احدی ان پیشین من مخصوص من لدن جناب امیر نظام علاء الدوله چون در  
 گرفتن و نگاهداری سوار و غلامان منصوب منهای حسن خدمت بجای آورده بود در موقع سان دادن غلامان من نور بنشان  
 و مجاز امیر نیپ اول نایل کرد بدین ترتیب تقسیم ایام هفته برای رسیدگی زانسانها و نایب ملوکانه بمشاعر و بهام ادا داد و ولی تکلیف  
 شمشیر مرصع مطلق و باهر که انبها از شمشیر و خاصه سلطنتی مجبه نواب شرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و  
 فارس و نیز در عراق و بغداد و لرستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها امام الله اقباله العالی اعطای نشان  
 اصفهان شد بکتوب سرداری و در نظامی که علاء نشان مرصع در سرد و شهای آن داشت از خلع خاصه ملوکانه بود  
 با فتح رخسار من نظام علاء الدوله مرصع نایب الاذری با چنان فرمودند حاجی میرزا حسنخان مشیر الدوله سپهسالار  
 اعظم والی ملک خراسان روز بیست یکم ماه ذیحجه در مشورت مغل سر در سن پنجاه و هفت ساله دعوت خواجگان کف  
 (افغانستان) جنگ سخت اما این عهد الرحمن خان و سردار ابونجان در حوالی قندهار در میگردید سردار ابونجان غلبه  
 بر فتنه عبدالرحمن خان کرده سعی کرده توپها را بقباله رحمن خان گرفته شهر قندهار را تصرف میشود عسا که سردار  
 ابونجان از او روگردان شده بطرف عبدالرحمن خان میرود و عبدالرحمن خان بطرف قندهار حرکت کرده سردار  
 ابونجان از قندهار بجای او بیرون می آید و در بیست و هشتم شوال سردار ابونجان از امیر عبدالرحمن خان شکست  
 سختی خورده بطرف هرات میرود و توپها و آذوقه و ابدن امیر عبدالرحمن خان می افتد امیر ابان (استر) به  
 مسافرت نواب لجه طریش بمشرق زمین مرا حبت نواب معز الیه بویبند از سفر مشرق زمین آمدن والی

روز و شدت ظفر شیخ و اسبها  
 در عهدی که کن و مصیبت است

بله از میان بونیه فوت ز نزال بندک عهد بخارنه با سر پنا پادشاه و ملکه بلربک با پرشس استغفای صبیحه خور  
که از نوب و بعهد اطربش است اردو بینه میشوند در ده ماه مه عروس زفاف نواب بعهد و شاهزاده خانم بلربک  
انفاق می افند پادشاه جزا بر سن و بچ بونیه مرود فوت بازن همی و زهرامو خارجه بطور فجاه اعلم حضرت پادشاه  
ایه الیا و ملکه بجهه ملاقات اعلم حضرت امیر طور اطربش بونیه می آیند کت کالنگ بوزارت امور خارجه منصوب میشوند  
(اسپانیا) افتتاح مجلس شوکر ملاقات سلاطین اسپانیا و پرتغال (افلاق بغداد) اهالی اسبکت والی خود را پادشاه  
و مملکت خود را دولت و سلطنت اعلان داشتند در بیست و دوم ماه مه پادشاه و زوجه اش تاج سلطنت افلا و بعد از  
سیر میگردانند (المان) شپس نواب و بعهد المان با یکی از شاهزاده خانمهای سلشوبک هلینن اعلم حضرت امیر طور المان  
و اعلم حضرت امیر طور اطربش در شهر گستن ملاقات مینمایند ملاقات اعلم حضرت امیر طور المان و اعلم حضرت امیر طور روس  
در دنا نزلک (انگلین) شکست عساکر انگلین در باسنس از طایفه بورگ در جنوب افریقا سکند دارند فرستادن یک  
از انگلین بجهه متفاد نمودن بورها و کلای رلندی از مجلس پارلمنت اخراج میشوند و ایضا شکست عساکر انگلین در حوالی  
امداز طایفه بور و قتل ز نزال کولی سردار انگلین بدست طایفه بور مامورین ز نزال ریرت از انگلین بر اس امبد  
ز یاد بجهه ندیم طایفه بور انغقاد مصالحه مابین انگلین و طایفه بور و در این عهد نامه انگلین آزادی نام و تمام جمهور  
نزال سوال را میباشند لرد بیکنس فیلد صد اعظم سابق انگلین در پانزدهم آوریل وقت میکند عساکر انگلین ها  
تخلیه میکنند سی هزار نفر از عساکر انگلین بجهه دفع اغتشاش و قاپمین رلند با بجا میروند کالاکو پادشاه جزا بر  
سن و بچ وارد رلند میشوند شورش و انقلاب سخت در رلند (ایتالیا) اعلم حضرت پادشاه ایتالیا و ملکه جزا بر  
سیسیل سفر مینمایند در سیسیل از طرف بل تونس جمعی از اعیان تونس بجهه نزلک و در اعلم حضرت پادشاه ایتالیا  
می آیند زلزله شدید در شهر ناپل و خرابی خسارت زیاد در مجلس پارلمنت گفتگوهای بسیار سخت بر ضد دولت مینمایند  
که چرا در مسئله تونس دولت ایتالیا سکوت کرده اقدام بچک بر ضد فرانسه نمیکند (دانمارک) فوت ملکه مادر  
اعلم حضرت پادشاه فوت پرنس کلین زوجه بعهد سابق (روس) انکشاف نفی در راه آهن بجهه قتل اعلم حضرت امیر طور  
روس انغقاد مصالحه مابین روس و چین فتح کوه پمید است ز نزال اسکلف در بیست و چهارم ژانویه کشته شد  
اعلم حضرت امیر طور روس الکساندر دوم بدست نیپهلیستها در پترزبورغ در سپنردهم مارس و جلوس اعلم حضرت  
الکساندر سیم و بعهد با امیر طور تمام مملکت روس تحقیق در اعمال فائین امیر طور هجوم روسا کف و چهار نفر از  
هدسنان او که قتل امیر طور هجوم و سبب بودند بدار او بجهه شدند در شهر کیو طایفه بهور را قبیل مهربانند فوت  
پرنس الدنورک استغفای ز نزال بلو تین از وزارت جنگ با نقین بسیار سخت در مسکو نوابی گرانند و فسطین  
از ریاست شورای دولتی و از وزارت بحریه مغزول میشوند اعلم حضرت امیر طور و امیر طور سبت مکاره سفیر  
پادشاه و ملکه دانمارک بجهه ملاقات صبیحه خود که امیر طوریس روس است به پترزبورغ می آیند اعلم حضرت امیر طور قصر  
کچینای را برای سکنا ی خودشان انتخاب میکنند جمعی که قصد قتل اعلم حضرت امیر طور را داشتند و بواسطه بنامین  
مجنو شدند عمارت سلطنت را خراب کردند و خراب شدند و بجا نیفتد که بعد از استنطاق از مقصرین معلوم شد که رئیس  
پلیس پترزبورغ با مقصرین هم دست و شریک بوده است (سوئیس) کوه سن کتاز که سالها مشغول سوراخ کردن آن  
بودند سوراخ شده و راه آهن از این سوراخ عبور میکند (عثمانی) دولت عثمانی قبول حکیمت دول فرنگ را در مسئله  
یونان مینمایند عثمان پاشای غازی وزارت جنگ برقرار میشود بر وز طاعون یا ترغه شبیه بطاعون در عراق و بلخ

صفت

سفری که بار در اسلا میبود برای دفع منازعه مابین عثمانی و پونان جزیره مشهور کپو (سفر) بواسطه زلزله زبر و زبرد شد  
 دولت مابین دولت عثمانی و پونان میانجی شد تعیین حد و طرفین را میکنند و دولت عثمانی را در این مسئله مجبور نمایند  
 در ویش پاشا سردار عثمانی با پاجنه های البانی تصادف کرده چهار هزار نفر از آنها را مقتول مینماید استنطاقی شد  
 پاشا و سایر اعظم که مژم تغیل مرحوم سلطان عبدالعزیز خان بودند و مدحت پاشا و هشت نفر از همتاها را  
 حکم قتل و در نفر را مجلس مؤتبدادند تمام سفر سیکه در عثمانی هستند شکایت خودشان را بیا بجالی در باب حکم  
 قتل مدحت پاشا اظهار میکنند و بتوسط سفر العلی حضرت سلطان از قتل او و سایرین که شش حکم مجلس است او مینماید  
 اصطلح سلطانی تمام آتش بگیرد شورش طوایف اعراب در حجاز زلزله سخت در ساینجی که بسیار از مردم تلف شدند  
 برزد و باد مرکه معظمه و جدّه (فرانس) قوت زوجه مسبو طبر قوت بلا لکی جهو و طلب مشهو قوت در وین و لو  
 طایفه که پیر از طوایف اعراب تونس در سرحد الجزائر با فشنون فرانسه در جنگ اند دولت فرانسه هتیه فشنون بده  
 عساکر زیادی بر حدات تونس مامو میکند و از آن طرف والی تونس را دولت فرانسه فهم مینماید که با طایفه کریه  
 هد ست است عساکر فرانسه جزیره ناباکارا از تونس تصرف میشود دولت عثمانی حق سلطنت خود را در تونس اظهار  
 میکند و باد داشتنی در این باب بوزارت خارجه فرانسه میفرستد و زبر جنگ فرانسه سه کرد و توان دیگر از برای امداد  
 کشون کشته در تونس مینماید زلزله در شهر لیون قوت رچلد صراف معروف فتح فیروان از شهرهای تونس  
 بدست عساکر فرانسه هاتری بر بسن بر پاست مجلس کلاری است بر فرار میشود و زاری فرانسه معزول و مینماید  
 بصدارت منصوب و مامو تشکیل و زارتها است (پونان) منازعه مابین پونان و عثمانی قریب ببطه و است سفرای  
 دولت خارجه که در پونان هستند ایند لک با مانع از جنگ با عثمانی مینماید عساکر پونان بقصد تصرف نقاطی که  
 از دولت عثمانی بآنها واگذار شده بسر حدت بر بند و تمام نقاطی که عثمانی مینماید موافق عهد نامه پونان و اکتدار  
 نفوس خود برزد مطیغه و بانی در این ملک با نهایت شدت افریقیا (تونس) عساکر فرانسه شهر صفاقس را  
 کلوله باران میکنند جنگ سخت در حصار مابین دوازده هزار عرب فشنون فرانسه و فتوحات فشنون فرانسه در  
 تونس (مارک) بر فسطاط و در این ملک (مصر) بر فدا غلغله اش در این ملک و شورش فشنون مصر بر ضد  
 حدیو و محاسن نمود آنها فصر حدیو در آمریکا طغیان رودخانه هادر این اقلیم که موجب خرابی بنیه هلاک  
 بسیار از نفوس میگردد (انائونی) انعقاد عهد بخارتی و دوستی میان این انائونی و چین در دویم ماه ژوئیه  
 کینو نام طیانچه بطرف مسبو گارنی بگذر بسن و هود انائونی خالی میکند و زخم مملکتی با و وارد آمده ابطاء از معاجبه  
 مابوس میشوند و پس از چند وقت مینماید از تونس بر پاست جهود بر قرار میگردد در ششم اکثر جشن بزرگی در  
 انائونی در موقع سال صدم آزادی حتی این ملک از شعبت و تصرف انگلیس میگردد بانقیس بسیار سخت در شهر نوپور  
 (پرت) رگین جهود این ملک و وزیر امور خارجه او را عساکر شیا محجوس کرده بملکت خود میفرستد (مکسیک)  
 طوفان سختی که در این ملک شده باعث خرابی چندین هزار خانه و هلاکت چندین هزار نفس میشود  
 ۱۸۸۳  
 ۱۸۸۲  
 ۱۸۸۱  
 ۱۸۸۰  
 ۱۸۷۹  
 ۱۸۷۸  
 ۱۸۷۷  
 ۱۸۷۶  
 ۱۸۷۵  
 ۱۸۷۴  
 ۱۸۷۳  
 ۱۸۷۲  
 ۱۸۷۱  
 ۱۸۷۰  
 ۱۸۶۹  
 ۱۸۶۸  
 ۱۸۶۷  
 ۱۸۶۶  
 ۱۸۶۵  
 ۱۸۶۴  
 ۱۸۶۳  
 ۱۸۶۲  
 ۱۸۶۱  
 ۱۸۶۰  
 ۱۸۵۹  
 ۱۸۵۸  
 ۱۸۵۷  
 ۱۸۵۶  
 ۱۸۵۵  
 ۱۸۵۴  
 ۱۸۵۳  
 ۱۸۵۲  
 ۱۸۵۱  
 ۱۸۵۰  
 ۱۸۴۹  
 ۱۸۴۸  
 ۱۸۴۷  
 ۱۸۴۶  
 ۱۸۴۵  
 ۱۸۴۴  
 ۱۸۴۳  
 ۱۸۴۲  
 ۱۸۴۱  
 ۱۸۴۰  
 ۱۸۳۹  
 ۱۸۳۸  
 ۱۸۳۷  
 ۱۸۳۶  
 ۱۸۳۵  
 ۱۸۳۴  
 ۱۸۳۳  
 ۱۸۳۲  
 ۱۸۳۱  
 ۱۸۳۰  
 ۱۸۲۹  
 ۱۸۲۸  
 ۱۸۲۷  
 ۱۸۲۶  
 ۱۸۲۵  
 ۱۸۲۴  
 ۱۸۲۳  
 ۱۸۲۲  
 ۱۸۲۱  
 ۱۸۲۰  
 ۱۸۱۹  
 ۱۸۱۸  
 ۱۸۱۷  
 ۱۸۱۶  
 ۱۸۱۵  
 ۱۸۱۴  
 ۱۸۱۳  
 ۱۸۱۲  
 ۱۸۱۱  
 ۱۸۱۰  
 ۱۸۰۹  
 ۱۸۰۸  
 ۱۸۰۷  
 ۱۸۰۶  
 ۱۸۰۵  
 ۱۸۰۴  
 ۱۸۰۳  
 ۱۸۰۲  
 ۱۸۰۱  
 ۱۸۰۰

خبر در صده تشکیل مجلس  
 وکلا است

۱۸۸۳  
 ۱۸۸۲  
 ۱۸۸۱  
 ۱۸۸۰  
 ۱۸۷۹  
 ۱۸۷۸  
 ۱۸۷۷  
 ۱۸۷۶  
 ۱۸۷۵  
 ۱۸۷۴  
 ۱۸۷۳  
 ۱۸۷۲  
 ۱۸۷۱  
 ۱۸۷۰  
 ۱۸۶۹  
 ۱۸۶۸  
 ۱۸۶۷  
 ۱۸۶۶  
 ۱۸۶۵  
 ۱۸۶۴  
 ۱۸۶۳  
 ۱۸۶۲  
 ۱۸۶۱  
 ۱۸۶۰  
 ۱۸۵۹  
 ۱۸۵۸  
 ۱۸۵۷  
 ۱۸۵۶  
 ۱۸۵۵  
 ۱۸۵۴  
 ۱۸۵۳  
 ۱۸۵۲  
 ۱۸۵۱  
 ۱۸۵۰  
 ۱۸۴۹  
 ۱۸۴۸  
 ۱۸۴۷  
 ۱۸۴۶  
 ۱۸۴۵  
 ۱۸۴۴  
 ۱۸۴۳  
 ۱۸۴۲  
 ۱۸۴۱  
 ۱۸۴۰  
 ۱۸۳۹  
 ۱۸۳۸  
 ۱۸۳۷  
 ۱۸۳۶  
 ۱۸۳۵  
 ۱۸۳۴  
 ۱۸۳۳  
 ۱۸۳۲  
 ۱۸۳۱  
 ۱۸۳۰  
 ۱۸۲۹  
 ۱۸۲۸  
 ۱۸۲۷  
 ۱۸۲۶  
 ۱۸۲۵  
 ۱۸۲۴  
 ۱۸۲۳  
 ۱۸۲۲  
 ۱۸۲۱  
 ۱۸۲۰  
 ۱۸۱۹  
 ۱۸۱۸  
 ۱۸۱۷  
 ۱۸۱۶  
 ۱۸۱۵  
 ۱۸۱۴  
 ۱۸۱۳  
 ۱۸۱۲  
 ۱۸۱۱  
 ۱۸۱۰  
 ۱۸۰۹  
 ۱۸۰۸  
 ۱۸۰۷  
 ۱۸۰۶  
 ۱۸۰۵  
 ۱۸۰۴  
 ۱۸۰۳  
 ۱۸۰۲  
 ۱۸۰۱  
 ۱۸۰۰



امیر خور با عطا یکتوب سرداری ترمه از ملا سید خاصه سلطنته مغنیز فرمودند عبد الله خان قولی را فاسی باش و در جناب امیر  
 نظام علا الدوله را بمنصب یکدیگ باشی گوی و خلفه هر طلعه صبا هی داشتند ما موبت حاجی میرزا عبدالغفار بچم الملك معلم  
 کل علوم ریاضی و دیگر مهندسی برای آوردن مخارج بسن سدا هواز با مرد و لث اعطای یکبضیه ششصد و صبع بسپا نماز از  
 شمشیرها خاصه سلطنته در باره نواب اشرف والا نایب السلطنه میر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی محض کمال نظام  
 وزارت جنگ کتر طولوزان حکمها شیخو هها یون بختاب جنابی مخاطبک سرافراز شد نشان مجید از طرف دولت علیه  
 عثمانی برای اشخاص مفصله ذیل اعطا و ارسال گردید (کتب و منتفوت رئیس پلیس دارالخلافه نشان درجه سیم مجید)  
 (عباسقلیان سپه نیک منجه درجه چهارم) (میرزا علی محمد خان سرهنگ منشر و ناظم دارالطباعه دولتی و عبدالحسین خان  
 سرهنگ مستشار اداره پلیس نشان درجه پنجم مجید) اعطای یکجمله انکستری الماس بر پلکان بسپا نماز در موقع عید  
 مولودها بونی و عرض نشون در حق نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی محمد ابراهیم خان  
 دارالخلافه بختاب جنابی مخاطبک مباحی کرد بد میرزا کاظم ملک الاطبا حکمها شیخو هها یون با عطا یکتوبه نشان مثال  
 هها بومکلا الماس مغنیز شد وزارت کرد با قضا حسن اداره جناب امین السلطان باز نمود ایشان استقرار و اختصاص  
 امین حضور محصله محاسبان و نظم و ترتیب امور دفتر خانه استیفا که مستویان بود منصرف گردید بکتوب سرداری ترمه  
 ن پورش خلع کرد بد جناب صنیع الدوله بر حسب داده علیه و دستخط هها بونی جز و وزطوا عضا مجلس شورای کبری  
 شد باغ و عمارت و شان پترو باغ و وحش بجا مستغلا با میرزاده سلطا محسن میرزا پیشخدمت حضور و گذار و بکتوب  
 سرداری ترمه در باره مغزی الیه مرتب کرد بد شاهزاده سام میرزا شمس الشعراء بکتوب جبه ترمه خلف هها بون خلع شد  
 میرزا علیخان سردی مهندس محضو حضور هها یون بکفطه نشان شیر و خورشید از درجه دوم خارج امین از پاشا  
 میرزا رضا قلجان ابروانی کاشنه نواب اشرف والا اظلا السلطان بلیغ سراج الملك و منصب استیفا از درجه سیم سرافراز  
 شد میرزا علی رضای مستوی بکتوب جبه ترمه حاشیه از خلع کرد بد میرزا احتشام ولد درجو میرزا مصطفی وکیل لشکر  
 بمنصب لشکر نویسی نایب مدجایی میرزا حسین بکتوب جبه ترمه ابروانی سر بلند شد میرزا محمد حسین ادیب بلیغ سراج  
 منشر و ز نامه در صله میجره مولود هها یون بکفطه شال ترمه خلع کرد بد بندگان اعلی حضرت اقدس هها بون شهریار  
 خلا الله ملکه بکهر از تومان از وجود مصر و نجیب مبارک بر رسم اعانت برای باز ماندگان و ایام تحریقین تمام شاهانه و سپه مورو  
 بر نیک اعطافر فرمودند با میرزاده و چه الله میرزا سیف الملك مقرد کرد بد هزار نفر سوار جدید از بیک زاده ها و خانه زاد هها  
 معین گرفته با سلاح و لباس نماز از سان حضور مبارک گذارنده و ابواجع خود مغزی الیه موسو نسواران ناصر باشند حاجی  
 مصطفی قلجان میر شکار بکتوب کلمه بطانه سنجاب خلع کرد بد جناب میرزا حسن ثانی میرزا جناب اجل آقا و ذی پر اعظم خله  
 و مالیه بمنصب جلیل و شغل بنیل مستوی الممالکی که منصب شغل موردی ایشان بود با جمیع مواجیب مر سوفا این منصب  
 نایل و بکتوب جبه ترمه و دره معقول در و شمس مر صخ خلع کرد بد نواب اشرف والا اظلا السلطان حکمران ممالک و کباب  
 فارس و اصفهان و یزد و عراق و بروج و سنان و عربستان و کوما نشهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی  
 بر رسم هر ساله برای شرفیاب حضور هها یون از مقر حکومت مؤتمنا اخصا بد ربار هها یون و هشتم ربیع الاول وارد دارالخلافه  
 و فور اشرفیاب حضور هها یون شدند اعلان دولتی در باب صحیح عیار مسکو کاشیده و نیزه ضربانجامه دولتی که الحال بیخ  
 دستکای چرخ سکه دایر است و در یکصد هزار عدد پول طلا و نقره بسهولت ضو اند سکه نماید و حکم صریح جمیع و کباب  
 ممالک محروسه که جمیع سکه های قدیم را از اشرف و قران بضر انجامه دولتی فرستاده بفاصله ده روز پول جدیدی از نقره

نایب و نفوسه و اقلان  
 علامه عظمی و عجب سلطنت  
 اکید هها بونی

و هر کس از تاریخ ماه ربیع الاول اینسال لغایت ششماه دیگر پول که همه از طلا و نقره داشته باشند بمبدل بیو جدیدی ضرب نکرده  
باشد خزانة عامه دیگر آنرا در عوض پول رواج قبول نخواهد کرد و بقیه جنس گرفته خواهد شد علیالهای دولت از طلا و نقره  
و مسکه بمصروفات میازان دولتی میرسد تمام در ضرابخانه مبارکه ضربت غرض میشود بندگان اعلمینست افسر ها و پون صاحبان  
خدا الله ملکه بکر و زجهه تشویق اهل مدینه از انقبون تشریف فرمای بد رسیده جناب بختراک و له وزیر علوم بقیه  
و نقشه جائیکه در این اوقات در مدینه باقیست مزجه بعضی از آنها هم منطبع شده بود از لحاظ نظر ها پون گذرانند و رو  
مستوی الوادیر بخنداد دولت فخریه میفرستد موی با فاضل دربار دولت علیه بخار الخلافه باهر با نشر بیانات لازمه دولتی و  
شرفیابدن بخدمت مبارکه میرزا محمد صدیق الملک بپس دفتر وزارت تجلیه خارجه بیکو و بجهت ترصد حاکمیت در مملکت  
سلطان ابراهیم میرزا ولد خوجه الدوله بنصبش مال اجداد از حقوق مبارکه شرف از آمدن طرف دولت بجهت فرانسه بجهت  
اشخاص مفصله در بیانشا علی حسب بجایم داده شد (صدیق الملک میرزا محمد بپس دفتر وزارت خارجه نشان گو ماند و در  
سپهر بیون دور) (میرزا مصطفی خان نایب الوزاره اوفیسیه درجه چهارم) (میرزا عبداللہ خان سرنبد بیستار الوزاره  
اوفیسیه درجه چهارم) (میرزا مهدی خان حامل پنجامان وزارت خارجه بسفارتخانه ها اوفیسیه درجه پنجم) (میرزا نصرالله خان  
فخریه و شرفا شکر الله نام نگار اوفیسیه درجه پنجم) فوت فاجعه ابراهیم نواب بیایع ذکر دولت علیه در نیمه ماه ربیع الاول بمسکن  
نواب شرف والا ظل العاطل فرمانفرما و حکمران اصفهان و فارس نیز در عراق و بروج و لرستان و عربستان و کرمانستان و کردستان  
و غیرها امام الله الفیاله العالی الباس فی مشایخ و نادیشان از برای برانخت باست خودشان بیکه فرمودند تا از قمشه و منسوجات  
خوابان در کال قماش خوب دوام و مرغوبی که از نظر مبارک نیز گذارند و مطبوع افتاده فقر فرمودند و در ابروی کاشفون  
ظفر بیون دولت علیه از همین جنس نوع لباس تهیه کرده شود حکومت اهل آن کردستان ایران و کلمه افواج و فشن و لا بان  
حکومه نواب شرف والا ظل السلطان امام الله الفیاله العالی با تمام تمام سکرته و لوازم مرتبه آن با داده خود نواب شرف معظم له  
والکاد و ضمیم حکومت سایر ولایات بممالک حکومت ایشان فرمودند نظر بکمال توجه بندگان اعلیه شرف افسر ها پون صاحبان نام  
ملکه با داده فشن و انتظام این وزارت معظمه دستخط مبارک برای مزید افتاد و اختیار نواب شرف والا امیر کبیر نایب السلطنه  
وزیر جنگ امام الله الفیاله العالی انحصار جمیع شغلا این وزارت جلایه با داده شخص خود نواب معظم له صادر و مرتب فرمودند  
نواب ابرازاره مؤید الدوله ولد نواب جمعی حاکم السلطنه از ولایت کردستان حکومت ولایت خمنه صورت روانه شد محمد حسن خان  
پنجشنبه حاکم کاشان بیکو سرداری تمامه ابرای خلعت ها پون که ارسال کاشان فرمودند مقرر کرد و نواب شرف والا  
ظل السلطان امام الله الفیاله العالی جناب ناصر الملک محو خان را که از روز او چاکران بزرگ دولت است ای حکومت بالین کرمان  
و کردستان انتخاب پس از تحصیل اجازت از خاکای ها پون بصورت ایاالتین بوزیرین روانه فرمودند فرج مسعود طهران بر حسب  
نواب شرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ امام الله الفیاله العالی کافی السابق با میرزاده سید الملک و همه الله میرزا  
سرنبد بیو اجمع شد محمد حسن خان پنجشنبه خاصه امیر خود اصطلح و بچانه مبارکه بیکو سرداری تمامه ابرای خلعت کردید  
شبهه شنبه غره جماد الاولی بعد از گذشتن دو ساعت چهار دقیقه و کسر از عز و بلغنا باقی ببقظه اعتدال بیعی  
رسیده از برج حوت محل محو بل کرد سلام محو بل در غار جدید البانی رفیع البیان موزه شرف تشکیل یافت مراسم سلام  
و جشن عید نوروز نیز کاملاً بعمل آمد نواب شرف والا و بعهده بدمه دولت علیه ایران امام الله افیاله العالی حکمران  
و صاحب اختیار مملکت از ریاحان که سال قبل بجهت اصنعاً بعضی فرمایند ان شفاهی علوی که در باب اعمال و مواهب حکمران  
از ریاحان احضار بدار ها پون شده بودند بر این اوقات الفای آن مفاصله فرمایند باقی باقیام رسیده مغز او مکرماً

از حضور هاپون رخصت انصاف حاصل و رجعت عمقر حکومت آذربایجان فرمودند و هنگام روانگی از دار الخلافه محض تکمیل  
 ظهور الطاف خنجره ملوکانه و مندی و تبر و اعزاز جانب شاهنشاهی از اعظم بکفایت شمشیر مرصع مکران بالاس بر پیمان از  
 شمشیرها اگر اینها و بکوی بر روی عقول و در شمشیر مرصع از ملائحت امر ملوکانه در باره نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند  
 و نواب اشرف معظم له نواب اشرف معظم له را بلیغ تبدیل اعضای السلطنه و لقب بکفایت نشان نتمثال هاپون میباید  
 و محض تکمیل و تنمیم مراسم ملوکانه در باره نواب اشرف والا شاهنشاهی از اعظم معظم له که در فریب طرشت نقل مکان کرده بودند  
 ذات هاپونی بقدم مبارک منزل ایشان از اشرف فرمودند جناب امیر نظام علاء الدوله مقرر است که کماکان در آذربایجان بنشیند  
 فقیه مهاب و اشغال شاعله خود مشغول باشند علیجان امیرکتابخانه با عطاء نشان نتمثال هاپون میباید مکران بالاس  
 انحصار یافت نواب الاجلال الدوله و نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی و مشغول مرصع خاص فرموده  
 بکفایت نشان نتمثال امیر مکران بالاس امر فرمودند میرزا علی قاسم مقام و حاجت محبتی را حسب نیاز در سلاک اجزای  
 مجلس محترم دارالشوای و ولای فلسک باشند جناب امیرخان این خلوت با عطاء نشان نتمثال مبارک مکران بالاس مقرر  
 کرد بد حکم الممالک پنجون میباشی سلام بخواند ساطع ابلاغ احکام هاپونی بدو بخانه عدلیه عظمی و مرافقت خیم اجازت بدو بفرمانه میا  
 ما و شود حاج غلام رضا خان شهاب الملک از جانب نواب اشرف والا طلب السلطنه امر کردی و زهر جلد ادم الله اقباله العالی بحکومت  
 مانندان و اعطای بکفایت نشان نتمثال غور شد نتمثال هاپون نایل کرد بدو عبداللہ خان والی کپلان با مسند اعالی نواب والا  
 امر کردی نایب السلطنه و زهر جلد با عطاء بکفایت نشان از درجه اول خارج دیگر شمشیرها پس فرستادند و انتمثال هاپون  
 سرهنگ فوج مهندس بریندی ستم میباید کشت جناب حاج شیخ علی محمد مرید میرزا سکت مرصعوم شد بر آوی جمع  
 و خروج هذه السنه و لث علمیه شده بعد از وضع جمیع مخارج مبلغ هشتصد و شصت و سه هزار و هشتصد و نود و یکنوا  
 نقد و جنساً فاضل بخرج آمده بعد از آنکه جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه کتایب جمع و خروج را بطحاظ نظر انور  
 هاپون رسانند تمام و مقرر است این فاضل بصرف اتباع اسلحه و انتظامات فوق العاده قورخانه و قشون برسد و پختنینه  
 پانزدهم جمادی الاول برسم معمول است و از شد جناب نظام الملک زیر لشکر که اسامی اسبها سوغانی را معروض حضور مبارک  
 میباشند بکوی حبه تره حاشیه در خلع کرد بدو مهمل علیجان میرخورا صطبل خاصه را بکوی بر روی نهمه خلعت هاپون  
 خلع فرمودند از طرف اعلی حضرت امیرطور کل ممالک و سینه بکفایت نشان نتمثال اسبها سوغانی را بجا پیل آن برای جناب  
 صنیع الدوله اعطا و ارسال کرد بدو میرزا علی دگر طیب حضور هاپون و حکم میباشی نواب اشرف والا امر کردی نایب السلطنه  
 وزیر جلد و معلم علم طب و تشریح فرنگی مدد مبارک در افقون با اقتضای علم و حذافت بلیغ معین الاطباء بلیغ  
 شد جمیع کویچه ها شهر تبریز با همام جناب امیر نظام سنکفر نش میبود نواب الارکن الدوله حکمران مملکت خراسان  
 سبقتاً از مشهوره هفتاد و پنجاه مقام سرحدت عزمی سفر سرخس و کلات نمودند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران  
 اصفهان و فارس و عراق و بروج و لرستان و کردستان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی از  
 حضور هاپون شهر تبریز با اسناد کرامت مخصوصه رخصت انصاف حکومت حاصل نموده روز دوشنبه بیست و هشتم  
 جمادی الاولی از دار الخلافه با هره عزمی اصفهان و بجزر عبد العظیم علیه السلام نقل مکان فرمودند و محض فریب اعزاز و تکریم  
 جانب نواب اشرف معظم له بندهکان اعلی حضرت هاپون بیکر و در حضرت عبد العظیم نشین فرمایند امیر شاهنشاهی از اعظم  
 نه شدند و روز چهارم جمادی الثانیه از زاویه مقدسه روانه فقر حکومت کرد بدو جناب اعضای الدوله حکمران فتم  
 و شاهسون بغدادی باشند تا خودشان شرفیاب خاکپای مبارک شده با انصاف کفایت جناب مغزی الیه استند

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی حکومت ساوه و اضمیمه حکومت جناب اعضا الدوله  
فرموده و معزیه الهیه و باعطای بکتوب سرداری ترمه شمس مرصع خلج و صباهی داشتند میرزا محمد علیخان مستوفی ولد جناب معاون  
الملك منصب شرفی خاصه از درجه اول نایب شد از طرف دولت روس چند قطعه نشان بجهت اشخاص مفصله اعطا کرد بد  
(میرزا جوادخان سزایی نشان سنت آنا از درجه دوم) (میرزا نصر الله خان صاحب منصب مخصوص زارنجار جبر و میرزا  
شکر الله نامنکار نشان سنت آنا از درجه ستم) کویچه ها شهر شیراز را عموماً با هتاهام جناب صاحب دیوان شروع حساب  
و سنک فرست کرد نند از جانب نواب الارکن الدوله حکمران خراسان و سپستان حکومت نربند حاجی میرزا محمد خان  
منشع و بجای محمد میرزا و آنگار و حکومت جوین و اسفراین از نواب نیرالدوله موضوع شد جوین بوسی خان و اسفراین  
بجسینعلی خان بخوبلدار سابق نفوذی کردید و حکومت پیشکوه را نیز از ابراهیمخان فاجار گرفته بسهام الملك دادند  
بازندگی زیاد در جمیع ولایات خاصه در فارس شش شنبه چهاردهم جمادی الثانیه خداوند تعالی بخت مبارک  
فرزندی به بندگان اعلی حضرت اقدس هابون شهر باری از بطن نواب علی بنه السلطنه گرامت فرموده بنام نامی نصیر  
الدین میرزا موسو داشتند و بیشتر آنرا این موهبت عظمی جسته بزرگ گرفتند و علی الرسم نامه ها بسلاطین دول معظمه متجاوزه  
تولد مشاهده فرموده نیرالدین میرزا را اعلام نمود جناب معتمد الملك بلیغ بنیل مشیر الدوله و وزارت عدلیه اعظم  
که از مهم خطر است ملقب منصوب و بکتوب سرداری شمس مرصع از ملا بس خاصه خلج کردید و میرزا حسنخان  
ولد جناب معزیه الهیه را بلیغ معتمد الملك و بکتوب سرداری ترمه خلج هابونی مفتخر فرمودند نواب الاعز الدوله بکومت  
ولایت همدان منصوب و باعطای بکتوب سرداری ترمه از ملا بس خاصه خلج شد بد میرزا احمدخان پیشیند فخر خاوند و میرزا  
اول ولد جناب میرزا نظام علاء الدوله غلامان مهذب و منصوب ابوالمجمع خود را که بسید سواره فراق مشق میکنند با کمال  
آراستگی در حضور هابون سان داده بکتوب سرداری ترمه خلج هابونی سراز شد در ترمه بسید کل کاشان زنی بیک  
شکم سه خزان و در محمد علیخان پیرخانلرخان از جانب اهلش با الملك حکمران ملا پروتو لیسرکان و نهاده بند بنای حکومت  
لها و ندب قرار شد روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت صدیقه طاهره زهرا سلام الله علیها است  
نواب علی بنه عا لیه میر السلطنه والده نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بر ششم  
جشن بزرگ گرفته و ضیافت عام از نسوان محترمه و غیرها کردند و عصر این روز ذات هابون شهر باری ابد الله علیه  
نیز تشریف فرمای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ شدند ملاسه مجمع الصنایع واقع در جنب خیابان  
باب هابون را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و حکمران دار الخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی  
حساب هابون بار بای حرف و صنایع مشوعه دایر فرموده و هر صنعتگر را بدعا محض تشویق از خودشان دستا به  
دادند و پس از ترتیب تکمیل مجمع الصنایع بگرو بندگان اعلی حضرت هابونی محض افتخار و تشویق اهل صنعت تشریف  
فرمای نجات شده هر را بختسپان و انعامات و تشویقات ملوکانه نایب و سر بلند فرمودند امیر ابو بختان پسر مرحوم امیر  
شیر علیخان امیر خا نشان با همراهان از خراسان بدار الخلافه آمدند بحضور هابون مشرف و باعطای بکتوب سرداری  
کلابون دوز از ملا بس خاصه سراز شد جناب میرزا محمد خان امین خلوت در موقع سان دادن تفنگداران سرکاری  
بکتوب سرداری ترمه از ملا بس خاصه سلطنه خلج و حاجی میرزا شفیع مستوفی نیز در این موقع بکتوب جبر ترمه خلعت  
هابونی صباهی بد محمد حسنخان پیشیند حضور سپر از جهت اهل حکومت همدان بکومت کاشان سراز و بجلف و طلف  
خلج کردید میرزا ابو سفیان مستشار و زارنجار جبر با نخبان استبداد جناب مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم

بنشستار وزارت علی به بر فرار شد میرزا علی رضا مستوفی سیم منصب سنیفا از درجه دوم و یکم و جبهه شهر ابرانی حاکم  
 منصوب و مخلع گشت میرزا احمد سر رشته دار کل وزارت دربار اعظم منصب سنیفا از درجه سیم و اعطای یکم و جبهه شهر  
 ابرانی نایل گردید و در چهارشنبه بیست و نهم ماجادی الثانیه تمام جرم آفتاب رعدیه دین منکسف شد و آب شرف والا  
 و بعد جاوید مهند دولت علی ابران ارام الله انبیا له العالی روز نهم جادی الثانیه با اشرافیات تمام وارد شهر تبریز و  
 مقصود مآذ با بجان شده و روز دیگر در سلام زمام کلیه امور و مهم و لایق بل بجناب این نظام علاء الدوله واکزار و  
 در شهر تمام فرود مکلل بجواهر محض تکمیل التفات از کرم خودشان باز کرده بجناب این نظام مرحمت فرمودند و در سیم  
 رجب که عید بود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود در نال و عمارت باد گریه تشکیل سلام در حضور  
 همایون شد و مراسم جشن عید کا ملا بعل آمد دختر اصفهان که هم کرده لال بود در خم منو سل حضرت معصوم سلام  
 الله علیه شده شفا یافت رساله علی فارسی از جناب حجت الاسلام حاج ملا محمد حسین مجاهد کاشانی بطبع رسیده  
 تجانا منتشر گردید موبک همایون صاحب فرانی روز هجدهم رجب شرفی بلاق صاحب قرآنیه شمیمت گردید بنایب  
 ایالت خراسان و نظم امور شهر مشهد مقدس در عیال نوابی که در کنال دولت حکمران مملکت خراسان و سبب است که در کشته  
 و در نایب امور حدات خراسان و فتنه اند با نواب بعضی از دولت احمد میرزا است جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک و در بخار  
 و سفر و ولت علی مقیم در بار انگلیس که بجز بعضی مشاغل و مهم شخصیت خود استند کاشانی و خاکجای مبارک و  
 کرده و این اوقات بلار الخلافه و در بار همایون آمد علاء و بر سفارت دربار دولت انگلیس سفارت دربار دولتین  
 المان و هلند را نیز بعد کتابت جناب معزی الیه موقوف و مغزی الیه دایم نایب ناظم الدوله و یکی مملکت فرموده و هنگام  
 حرکت از دار الخلافه نیز مغزی الیه را بیکو بپردازی نرید از ملا بسبب خاصه مخلع و مباح فرمودند میرزا یوسفخان مستشار  
 الوزاره بلیغ مستشار الدوله و لکن نایل و مملکت کردید جناب بنی سلطان چون در زمان رجوع وزارت کرد معزی الیه و  
 خدمت بزرگ کرده یکی آنکه مبالغه حسن را فتنه بر وجود مالیات ترک افزوده و دیگر چنین منفعت آمده از خارج در داخله  
 ایران و مال البخاره داخله ایران بمالک خارج که در ظرف یکسال چند وجه فداست از رگدشت و صحیح غوده و صور  
 آن ابرض خاکجای همایون رساند بیکو بپردازی نرید از ملا بسبب خاصه مخلع و مباح گردید بجناب علیخان قاجار  
 رئیس طایفه حاجی مهلی بلیخان بنشان و میا پل از درجه سیم سرتیپ سرفراز شد محمود خان ولد محمد ابراهیمخان قاجار  
 که دو سال هزار و دویست هشتاد و پنج بریاست طایفه شاه بود داخل و برقرار گردیده بود در اینسال بنشان و میا پل  
 سرکنه نایب آمد میرزا و لقلی سر رشته دار قورخانه مبارک که منصب لشکر نویسی قورخانه مغز شد از طرف نواب اشراف والا  
 شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکومت بوشهر هم جز و بجهان و مجاجو نصیر الملک بنفویض گردید در کار و فارس  
 زلزله شد بلایا و نفقت در شهر رشت طرف پربازار آتش گرفت در استرا با د زلزله شد موبک همایون شهر را به  
 از صاحبقرانیه تبریز روز سه شنبه هم شعبان غریمتی پلا و کار فرمود جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر و ظایف  
 و اوقات پیشخانه های مالک محروسه مدبر دار الشوری دولتی بلیغ جلیل امین الدوله مملکت مباحی شدند جناب  
 جلالآب محمد الملک خواستار و پانچانی ابل جلیل قاجار و خازن مهر مهر آثار مبارک جمیع طوایف خواهانین و امیر  
 زادگان ابل جلیل قاجار و با کمال نظم در حضور مبارک سان داده مورث مرحمت گردیدند غلامان کشتیخانه مبارک  
 عبدالله خان سر کشتی باشه و غلامان مهدیه و منصور امیرنا احمد خان پیشخدمت خاصه سرتیپ ل نیز بکروز با  
 کال راسته با بیر قنای طلا و نقره و لباسهای ماهوت ناز و ممتاز سان داده مورد محتسبات و الطاف ملوکانه

آمدند نواب الاعضا لدوله برباست در بخانه نواب اشرف والا ولعهد کردون مه دادام الله فباله العالی منصوب  
 و میرزا فضل الله خان منتهی بمنشی باشیکی حضرت والا ولعهد مباحی کردیدند میرزا ابوالفاسیحان مشهور نوری حاکم  
 سابق خلخال بکومت مرغه و خانبا با خان پیشین منتهی خاصه حضرت والا پت عهد بکومت د مخوار فان از طرف نواب اشرف  
 عظم له انتخاب شدند در خوی نزله شد شد حسینقلی خان ایلخانی بخیناری در اصفهان بد رود جهان کرد در چها  
 باغ اصفهان بحکم نواب اشرف والا ظل السلطان ایدام الله فباله العالی سران خانه بسیار کردی با کردند در نیمه شعبان  
 که عید مولود مسعود حضرت صاحب الامر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه است زاردوی هاپون در ساحل کار حشینه  
 بزرگ گرفتند میرزا بونفجان مستنسا الدوله مستشار وزارت عدلیه عظمی بکوتو بپرداری تهر ابرانی خلعت  
 هاپونی خلعت کردید حاجی میرزا مرتضی طبیب بلبق شریف الاطباءی ملقب شد تمام بازارهای شهر شیراز را مثل بازار وکیل  
 با اصفه آجری باشکوه میسازند نواب الا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سپستان دارالسیاده حضرت رضو  
 عظمه الصلوه والسلام اینه کاری میکنند و سه هزار تومان مخارج آن را معین و از منافع موقوفات حضرت دارند  
 در گرهان با مرد و لث و دستنوی العمل نواب ناصر الدوله حکمران کرمان و بلوچستان افتخار خوب مناسبتی برای لباس تمام  
 انواع میساختند و از جنس نیک که پالتوهای نظامی بسیار نفیس خوب مثل ماهوت در سنه بکند در بقعه امامزاده جعفر  
 پرید خرفا کجی شفا یافت موکب اعلائی شهر باری زکار بساحت خارشاقی ما زندان و حدود بلده و نور و شرف فرما  
 کردید جناب حاجی سپید حسین زک از جمله علماء در عنایت عالیه بجاور رحمت حق ارنحال نمود خداوند و اهدای العطا با  
 جمع و از دهم رمضان مولود مسعود با علی حضرت اقدس هاپون شهر باری گرامت فرموده موسو بمنصو الدین میرزا  
 کردید جناب امین السلطان یا نصد نفر سواره خواجه ند که ساکن کجور هستند در حد و نور بار استکه از سان خصو  
 مبارک کند ایند جناب جهانگیر خان اجودا بنا شتی سر تپال و رئیس قورخانه مبارکه در سلاک زرای و لث منسلک و  
 وزیران صنایع منصوب کردید میرزا محمد خان نوری حاکم بلوک از رود بکوتو بجبهه نوره ابرانی حاشیه در خلعت شد  
 میرزا عبداللہ خان پیشین منتهی خاصه بکوتو بپرداری از جامه خانه خامر خلعت یافت حاجی شها بالملک حکمران مازندران که  
 در ارد و بیلای شرف نواب خاکیای مبارک شده بکوتو بپرداری نوره خلعت مهر طلعت خلعت کردید موکب هاپون رود  
 شنبه سلخ رمضان شهر سنانک نزل اجلال فرمود جناب امین السلطان با عطا ی کلچقره انگشتی الماس بر پیلان منما  
 مباحی فرمودند اعلی اصغر خان صاحب جمع لد جناب امین السلطان بلیف امین الملک و آقا محمد فاسم ولد کتر جناب بصری الیه  
 بلیف خانی نایل و سرافراز شدند محمد حسینیان حاجی الدوله فرامباشی و نسبی باشه با عطا ی بکوتو نستان نمانا ب  
 سناک هاپون مفتوح کردید حاجی مصطفی قلیخان بر شکار را بکوتو بکلچقره بطنه سنجاب خلعت فرمودند جناب  
 عن سینه و کلوزل که از علماء و متیسین بزرگ مذہب کا تو یک مسیحی و اصلا فرانسو و سالها ساکن در خسر آباد ارومی بود  
 بود شد اعلان دولتی در منع نکارش القاب در روزنامه دولتی مکر از برای شاهنشاهراکان عظام نواب الا و نوابه  
 واخوان و اعیان بزرگ سلطنت نواب بندهائی نوشتند خواه شد الله تعالی میرزای ایلخانی با عطا ی بکوتو بپرداری از جامه  
 خاص خلعت کردید بکوتو بپرداری ترمه شمس مرصع از ملائین خاصه با فتحار اعضضا الملک حکمران سمنان و دامغان اعطا  
 در سال سمنان فرمودند و شنبه بیستم شوال موکب هاپون از شهر سنانک شریف فرمای قصر صاحب فرانسو شد  
 وفات نایبستان را برسم هر سال اردو نظامی مرکب از تمام فشنون ساخلودار الخلافه طهران در بالای قصر فاجار  
 نواب الانا بای السلطنه امیر کبیر و زبیر حاکم با کمال نظم و آراستگی ترتیب داده بودند بندگان اعلی حضرت اقدس

تشکیل

شهر بار خا بد الله جیشد بعد از مراجعت از سفر بلاق بکروز بار دو روز بفرستید فرماده بافضای کمال خوستندان  
نظم اردو و نژد مشوق افواج و سواره بکلیت فدا و مکلل بالماس از دست مبارک بنواب شرف معظم امر محبت فرمودند  
میرزا یوسف خوری لشکر نو بسو لدمر حوم میرزا محمد حسین در اولین ولایت خاندان معقود نا اواسط دولت شاهنشاهی میرزا  
بوزارت و حکومت ولایات ماه و همیشه در او اشراف و شرفیه سال در جز و مستوفیان در جوان اعلیٰ منسلک بقو بعد از  
فوت او منصبی استیفاموافی فرمان شاهنشاهی ماضی محل شاه غاز علی طالب الله شاه میرزا یوسف محبت شد نادار و  
این دولت روز افزون که مدرس مبارک دار الفنون ایجاد کرد پدر حوم میرزا آقاخان صدر اعظم خواست که از اول  
فلم که از اهل کمال باشد تقوی و فقیه عمل مدرس دار الفنون را که قبلاً بود میرزا یوسف را انتخاب کرده امور مدرس را  
با رجوع نمود و چون مدرس دار الفنون مدرس نظامی بود موافق فرمان مبارک منصب لشکر نویسی توان اعلیٰ با محبت  
و نایبیت سال با صدق و راستی با امور مدرس سید که منمود تا در سال هزار و دو و سیست هشتاد و پنج از عمل مدرس  
استغفا کرده در عوض خدی فوج چند سینه سوار با رجوع شد بجلا و مقرر گردید در مجلس شورای عسکر به چار  
شده با موآنجار سپهبدی کند و سال قبل مقرر شد که نیز از اجزای مجلس ترقیات عثمانی باشد و در هده السینه جل  
آنها اجراء امتیازات عثمانی کرد بدینجه کردن ساعد الله حکمران اسر آباد کسان فلیح خان ترکان را که دست  
بشارت و هرگز که راز کرده بودند در حوالی آقا قلعه اسر آباد فرار شیخ عبید الله کرد از اسلامبول و آمدن بخانه خود  
برای تجدید فتنه و اغلشاش در سرحلات آذربایجان و دوباره مامور شدن مامورین دولت عثمانی برای اخذ و بنیاید  
از سرحد و فرستادن با فتنه بلاد عثمانی بشوع و شدت در کل و مرض نویز در مریز آذربایجان و رفع آن میرزا محمد  
سرنیچ ل ولد امیر نظام حامل بکریج سردوشی مرصع از طرف فرین الشرف همایون با افتخار نواب الا و لبعهد کردن  
مهد و ولت علیه نشان مرصع امیر نوبانی اعظم با حامل آن مجبه امیر نظام وزیر دربار اعظم شده روانه آذربایجان  
کردید سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی که حامل هدیه کراستهای و نامه مخصوص از قبل اعلیٰ حضرت سلطان  
عبدالمجید بود در ماه ذقعد وارد دار الخلافه شده و شرفیاب خصوص مبارک کردید منزل معزی الیه مثل سفر سابق  
در باغ لاله زار و هماندار او نیز بنیده مؤلف بود مسجد رفیع البنا ای حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم حوم را که معترف  
بمسجد سلطانی در جنب باغ امر حوم بنا شده است با مرهمایون ملوکانه مشیر الدوله وزیر علیه اعظم از وجود خود آن  
مرحوم سر بعامشغول تمام است من وسیع سط میدان است وانی را که بطورند در نیم فرسخ تمام محیط آن است  
و سابقا از اراضی خشک کم بزراع بود با مرد ولت مرافقت امین السلطان وزیر خزانه و کمرک و غیره فانی که منجا و این  
چهار سنگ آبد ارد برلی شرب با خاجاری احداث و در ظرف ششماه آنجا را مشیر و آباد و باغی در کمال حضرت صفا  
نموده موسو باغ شاه کردند و عمارت عالی در ظرف ششالی این باغ واقع است که منظر باغ دارد و کوب همایون از صفا  
شرف فرمای سلطنت آباد شد شب شنبه سلخ ذی القعداء علاء الدوله امیر نظام در ارومی بمرض سکنه مرحوم شد  
میرزا احمدخان و لیا امر حوم را بلیف علاء الدوله ملقب فرمودند حسنعلی خان وزیر فواید بریاست فشنون آذربایجان و میرزا  
رضای صدیق الدوله بر سید که امور مالیاتی و داخله مملکت منصوب و مامور شده و خود نواب الا و لبعهد کرد و مهند  
من بعد جمیع امور آن مملکت را مستقلاً اداره مینماید هر راینسال بمیانشرف امین السلطان وزیر خزانه و کمرک و غیره  
عماران و بیوت متعدده اند و بی سلطنته را که کهنه ندیم شده بود در ظرف شش هفت ماه تماماً از بنیاد خراب کرده  
و بجای آنها عمارت و چیا طی و چیا عالی وسیع و باشکوه که جباط آن یکصد و بیست و پنج طول و یکصد و دو ذرع

که امر حوم

عمر

عرض چهارم آن در مرتبه عمارت و مشتمل بر حوضها و جداول متعدد است و با پای آن نیز خلوتها و جاپاهای  
کوچک خوشوضع متعدد دارد تا ما با آبر و صا و ریح و کج و سنک بنا کرده و با تمام رسانند بلکه آنجا عالی خوبی نیز در جنب  
نجا بان ناصر پسر جوار مد رسیده که در الفنون که مشتمل بر منازل متعدد و فوقانی و تحتانی است و وجود و اثبات  
مخبر الدوله وزیر علوم و نکلراف ممالک محروسه بنا شد جنابانی وسیع عالی نیز از طرف شرقی بابها چون نجا بان ناصر پسر  
ساخته و مفوض کردید حکومتهای آن از طرف نواب اول و بعد و ثلث علیه حکمران مملکت آذربایجان بجای صاحب الدوله  
مفوض شد صاحب منصبان جدیدی که برپا شد کنار چار کو و سکوی محضه مشرفی سواره سبک فرزان دولت بهیبه دوسر خواسته  
بودند و در دار الخلافه شده بنویسند نواب الا نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ بخصوصها چون مشرف و معترف شدند  
سلیمان پاشا هم او مخصوص و ثلث علیه عثمانی هنگام مرخصی و مراجعت با سلامبولیک قطع نشان شیر و خورشید از  
درجه اول مملکت بالاس هر هان مغز ایامه نیز بنشانهای امین از سرافراز شدند و حسنعلی ان وزیر خواهد بلیف سالار  
عسکری و بکقبضه شمشیر مرصع و ریاست فاشون مملکت آذربایجان منصوب و مفتخر کردید بهر آرزای صدیق الدوله  
بکثرت جبهه شمسه مرصع و خطای جنابانی وزارت مالیه داخله آذربایجان سرافراز شد این لشکر منصب وزارت فواید عامه  
مفتخر کردید مغز الدوله بهرام از اعمام عظام سلطنت مشبه یکشنبه هشتم ذیحجه الحرام بمعرض مجاهد رحمت الهی میوست  
امر و اراده علیهها چون مجلس منبازی بجهت ترفیحات و ترفیع مناصب اعطای امینان با فراد عساکر منصوبه نواب والا  
نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ مرکب از وزیر لشکر و امرای فومان و صاحب منصبان از عسکری و غیر هم ترقیب و تشکیل  
دادند و روزنامه موسوم با بران که از ابتدای پاستان بنده مؤلف تا این سال در زیر سایه سلطنت سینهها چون نیز  
یا فضل رسیده بود حسب سمعی او و یا یا فضل غمره را در یکجمله جلد کرده نقلیم خاکیمای مبارک داشته دستخط من  
بر اظهار کمال رحمت و رضایت با فتح این بنده شرفصله ریافت اینده بولوی و دولتی شهر که ما نشاها از انامر المملکت حکمران  
که ما نشاها و کردستان با مرد و ثلث و اجازت مخصوص نواب الا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس بزد و عراق  
بر وجود و لرستان و کردستان و کردستان و غیرها مرث و تعمیر کامل کرد موکبها چون در این وان مقیم  
و لشرف فرمای عشرت آباد است از ترقیبان جدید که با نا کبدا کبده ملوکانه در امور دولت مرث و موکب شده است که در  
مشغول را از قرار تفصیل ذیل در مشاغل و اعمال خودشان مسئولیت کتبه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده  
ایشان را و وزای مسئول خوانند (نواب الا نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ) (جناب آقا رئیس نداد وزیر داخله  
و مالیه) (مؤمن الملک میرزا مسجد خان و وزیر راه و خارجه) (مشیر الدوله وزیر عدلیه عظمی) (امین السلطان وزیر  
دربار اعظم و خزانه و کورک) (امین الدوله مدبر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و پیش) (نظام الملک وزیر دفتر  
لشکر) (نصیر الدوله وزیر فلاحه بخار) (مخبر الدوله وزیر علوم و نکلراف و معادن) (میرزا فخرمان امین لشکر  
وزیر فواید عامه) (امین حضور و وزیر بقایا) (جهانگیر خان وزیر صنایع) (صنیع الدوله بنده مؤلف) و وزیر انطباق  
و دارالترجمه خاصه بجهت ترقیب و بیرون راجه کارخانههای شمالی و باقی ایران از غره عمر مسنه هزار و سیصد عدد غن و دولتی  
شده تمام خلاصی که از صندوقخانه مبارک که مرث مطبوعه است نشاها سوال کرمانی باشد موکبها چون صاحب فرزند یکبار  
از عشرت آباد شریف فرمای عمارت زینسانی سلطنت شهر شد کتبه و ثلث را با کمال شکوه بشده در دهه عاشورای  
شیر روز مشغول بود و تقریب حضرت خا مسال عبا صلوات الله علیه هستند ایام هفتمه نیز ترقیب ذیل برای بسند  
ذاتها چون ملوکانه مشاغل با مورد دولتی تقسیم شد مشرف و طالب وزارت عدلیه علوم معادن و نکلراف و بخار



وفلاحت کیشنه مطالبه ذالجهک و دفتر لشکر و وزارت صنایع دو شنبه تقابل سه شنبه مطالبه وزارت داخله و مائنه  
دفتر اسنفا و وزارت بقا پاد و وزارت خزانه و دربار و کمره و غیره چهار شنبه و نازنخارجه و وزارت وظایف و اوقاف  
و غیره و وزارت انطباعات و وزارت فواید پنجشنبه مخصوص باضنائوز و شاهزادگان است همه تعطیل نواب والا  
ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و بزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها  
برسم معمول هم ساله برای شرف اندوزی حضورها بون از مقرر حکومت غریب از اختلافه فرموده در ماه محرم وارد و شرفیاب  
حضور مبارک شدند و جمعی از اعیان حوزه حکومت و فرمانفرمای خودستان را بنز شرفیاب جایگای مبارک نموده معرفت کردند  
اجرای جمیع وزارتخانه ها جلایه نیز حسب الامر هر روز گذشته بنوسط مدیر و وزیران اداره و وزارتخانه بحضورها بون  
شاهنشاهی مشرف و معرفت شدند غنغ و منع رواج و داد و ستد اسکناس در تمام ممالک محروسه از طرف وزارت  
بخارت و نیز منع طرح نقش و رنگ فرنگی در قالی ایران که موجب ناروای آن شده است از جانب وزارت مزبوره  
ایجاد روزنامه مصور موسوم بشرفناز اول محرم سنه هزار و سبصد بنوسط بنده مؤلف حبش بن عبد مولود مسعود  
ها بونی بدر شد و در ششم صفر المظفر نواب الا نایب السلطنه امر کبیر و وزیر جنک کاملاً گرفتند و در بیست و یکم حضور  
مبارک انعقاد سلام خاص و عام شد جمیع سلاطین دول معظمه محتایه تلکرامهای تبریک و هبهت گشتند از طرفها بون  
ملوکانه جوابهای مفیضه داده شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن کامل گرفتند بندگانها بون تسکیر گاه  
حاجر و دشریف فرما شده پس از ده شبان روز اقامت جعت عمیر سلطنت فرمودند بلیک قوی نیز در انیسف صید شست  
مبارک شد شدت و شیوع مرض در کل و بلاد در کرمان و بلوچستان حاجی ابوالحسن رئیس معماران بنوسط واسندگما  
امین السلطان و زید در بار اعظم منصبی با شکر سیرافراز کرد بد شنبه هفدهم ربیع الاول که عید ولادت با سعادت  
حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اجمعین است مراسم انعقاد سلام در نالار بلور و جشن و تبریک  
کامل از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی بکفطع نشان درجه اول عثمانیه مکلان با لباس با حایل مخصوص آن  
محض مزید از نواب الا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و بزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان  
و کردستان و غیرها و اصل دربارها بون کرد بد اللقیان ایلیانی با عطای بکفبضه عصا مرصع مفخر شد میرزا  
پوسفهان مستشار الدوله بیکتوب سرداری هر ابرانی مخلع گشت دکتربیرزا حسینخان ولد میرزا پوسفهان مستشار  
الدوله که فارغ التحصیل از لندن مراجعت کرده بود در سلاک اطبای حضور مبارک منسلک کرد بد میرزا ابراهیمخان  
سهام الدوله سر نیک بر حسب عا نواب الا نایب السلطنه امر کبیر و وزیر جنک بحکومت امانت مازندان منصوب شد  
در ترتباط و موزهها بونی شمشیری از عبداللہ بن زبیر ملاحظه شد که چند کتبه داشت کتبه اول (امیر عبداللہ بن  
زبیر) کتبه دوم (علی بن ابدون) کتبه سیم (مخاربن ابی عبیدہ ثقفی) کتبه چهارم (امیر قهور کورکانی) کتبه  
پنجم (بنده شاه و لایب صفی) کتبه ششم (هلال بکشید مهر ذوالفقار علی بیست شاه سلیمان چو ذوالفقار علی)  
و این شمشیر که از نفا بر عالم است مرعوطها سبب بر نای مؤبدالدوله در زمانی تقدیم حضور مبارک شهرتاری داشته  
نواب حاجی حسا السلطنه سلطان مراد میرزا بحکومت ایالتن خراسان و سپستان منصوب کرد بد میرزا محمد علیخان ولد  
قوام الدوله بلیق معاون الملک ملقب شد عبداللہ حسینخان سر نیک پاد مرعوطها با خان سردار بلیق بجز الملک کرد بد  
شنبه شانزدهم ربیع الثانی آقا سید صادق محمدان اجله علمای اثنی عشریه داعی حوال بسبک اجابت گفتند بچوار حث  
خوشنافت و در بیست و سیم ربیع الثانی بندگان اعلیحضرتها بون صاحبقرانی تشریف فرمای منزل نواب والا

شده و نیز در کتبه نواب والا  
شاهنشاه هزاره معظم له عبد  
خان وال حکمران ایالت گلران و  
طوالش خطاب جنابی نایب کرد بد

مستوف

ظل

خل سلطان شدند روز دوم جمادی الاول شاهزاده حاجی حسا السلطنه بر حجت الهی پوست حکومت و فرمانروایی  
ایالتین خراسان و سیستان و باره بنوای کنالدوله نفوذ شد کتابی مشتمل بر لغت همیم فرانسه یعنی الفاظ متشابه  
ازجه فارسی این بنده نگارنده جمع و تالیف نموده بطبع رسانید (چین) شورش سنجی در ملک گره و مبدله بلکه  
اولاد او کشته میشوند پادشاه فرار میکند و جمعی مقتول میگردد دولت زاین سفاین جنگ و فتنه با این ملک  
**مصر** پادشاهی (آستریم) مابین اطرش و افلاق بغداد و سرحد ورتست و لک انگلیس میان اطرش و افلاق بغداد  
مباحی است در هشتم فاد سامیر حرق در نماشاخانه رنگ در وینه زباده از هزار نفر تلف نمود بروز شورش در  
ایران هر یک بنی و شکست دادن با عیان عساکر اطرش را سخت شدن شورش ایالتین مزبور بین عساکر اطرش از  
با عیان شکستها سخت میخورند با عیانهای هر یک مایل با صلاح هستند برای دفع شورش اهالی کربوسی و لک پیشت  
چهار ملت طنز استفاض میباید و لک اطرش در هر گون و بسنه فتنون میگردد در شهر امثال اعلمحضرت امیر اطور  
اطرش و اعلمحضرت امیر اطور المان ملاقات مینمایند از طرف اعلمحضرت سلطان عثمانی نشان امین از برای اعلمحضرت  
امیر اطور اطرش ارسال میشود مسافرت اعلمحضرت امیر اطور به ترتیب برای تماشای اکیسپو پستونوات لجه اطرش  
برای فاد اعلمحضرت امیر اطور المان بیرون میرود و ز پر خار جرد و سرد ماه ژانویه وارد این ملک میشود (اسپانیا) مطبوع  
این ملک چند روز بسته شد بقتل در این چند روز در تمام مملکت اسپانیا نول شش روز نامه نشد انعقاد عهد  
بنامین ایندولک دولت فرانسه تولد ختری از ملکه اسپانیا (المان) بجهت دوستی ایندولک با دولت عثمانی زین  
زادریو با جاما نشان از طرف اعلمحضرت امیر اطور المان برای اعلمحضرت سلطان عثمانی شد سفیری از جانب دولت  
المان برقم پایتخت ایتالیا فرستاد و او را که سابقا با پایر کار بود و چندکاهی مظلوم گردیده مجددا بر فرار مینماید و این  
بنامین حاصل میشود افتتاح مجلس پارلمانت المان مجامع وکلای ملک با وزیر در مجلس پارلمنت بر ضد دولت که معهود  
مع و شریخی بخیات را خاصه دولت کند با وجود خطبه پرینز مارک در مسئله خیانت وکلای ملک قبول نمیکند  
که بیع و شرای آن مخصوص دولت باشد مسافرت اعلمحضرت امیر اطور به امس فتن آن اعلمحضرت به بر سلو همجفت  
المان در این سال از انقراض است پنجاه و شش کرد و سیصد و چهل هزار پرتستان و سوی دو کرد و رو دست و  
سوی چهار هزار کولیک و یک کرد و شصت هزار بود و سوی هزار نفر از اربان مختلفه و هفتاد و سه هزار نفر  
مذهب پرتن مثال برادر اعلمحضرت امیر اطور فوت میشود (انگلیس) شورش سخت در ارلند و سوزا بند با عیانها  
اکثر ایندی و لئی را موافق تو چهی که اعیان پیش خود نمودند معادل شش کرد و نومان وجه نقد حاضر کرده برسم  
اعانت برای وجود بهایکه در ملک رو بر طرف صدمه شده بودند میفرستند در ارلند شورش بر ضد دولت رو  
نیز اید است هر روز چند قتل نفس اتفاق می افتد بوانه بطرف اعلمحضرت پادشاه انگلیس و امیر اطرش هند و  
طیایح حال میکنند و اینک کوله با اعلمحضرت معظما بخورد مسافرت اعلمحضرت معظما بفرنک مراجعت بانگلیس  
منصوب شدن لرد اسپانیا بر فرمانروایی ارلند کرد کونندیش فرمانروای ارلند و بورک وزیرش در شهر دویلن  
پای تختارلند بدست طلعیان مقتول میگردد سفاین جنگ انگلیس طمراهی کشتههای جنگ فرانسه بطرف مصر حرکت  
میکند که خلدورا از شرعی با شا حفظ نمایند امیرال سیمور سردار سفاین جنگ انگلیس مصر بهار اهدا میکند  
که اگر در آن ساختن اسلحامان نکشد شهر اسکندریه را کوله باران خواهد کرد سپنوا پادشاه سابق لوس  
وارد انگلیس میشود و با شرفیات زیاد او را می پذیرند انقلاب ارلند و شورش اشرار برقرار است شورش مردم

بر ضد نجار و ملاکین پلیر که مامور بحفظ مردم و گرفتن مفصرتین بوده بیشتر مردم را بجا بخت جسد مینا بد مجلس کفر این  
 دول معظمه راجع بکشش زانی در رود خانه انوب در لندن منعقد میشود امیرال سیموزان مصر بان بکلس معاودت مینا بد یکی  
 از این سلطنتی را معاندین دولت آنش میزنند (ایتالیا) فوت گاری بالدی معروف بجمعی ایتالیایا در این سال پنجاه و  
 هفت کرد و چهار صد و پنجاه و دو هزار نفر و کسری است طغیان آب خرابی زیاد و خسارت کلی مردم در ورنه ایالت  
 وینز (افلاق بغداد) پادشاه افلاق بغداد از اعلیحضرت امیراطور اطریش ترغیبه میشود (بلژیک) افتتاح مجلس  
 پارلمنت (پرتغال) جمعی از عده عمارت سلطنتی بنیاد آنکه در صدد مسکو کردن پادشاه هستند مجوس میشوند  
 اعلیحضرت پادشاه اسپانیا بول و ملکه وارد این زمین پایتخت پر توغال میشوند (روس) پانزده نفر از نیهیلیستها خود  
 بلیاس قشون ملیر کرده خواستند بجا بخت سلطنتی ورود نموده اعلیحضرت امیراطور را بقتل رسانند آنها را گرفته  
 حبس نمودند بکفرت زوال و چند نفر صاحب منصب مهم بنیهیلیست هستند مجوس شدند شهرک نشاد بندر نظامی  
 روس بنیهیلیستها آنش میزنند زوال اسکلیف سر بار روس که در بار پس است خطبه بر ضد ولت المان بخواند و این  
 خطبه المان خیله مؤثر میشود و اسباب بغیرت زیاد در المان و اطریش بر ضد روس میشود انکشاف حال جمعی از نیهیلیستها  
 که مصمم قتل اعلیحضرت امیراطور هستند حکم بقتل پانزده نفر از نیهیلیستها صادر میشود هشتصد نفر از اینها صبه که سو  
 ظن در حق آنها داشتند از مسکو اخراج شدند و ناسا خانه لپواد را آتش خراب میکند مسکو دیگر بجای پرنس کرچاکف  
 که از وزارت خارجه استعفا کرده بود بر فراز روز پرامو خارجه میشود از بخت کردن اهالی روس بعمو طایفه یهود که  
 در این مملکت سکنه داشتند فوت و زوال کفمان حکم آن ترکستان افتتاح اسپینو صنایع در مسکو کتت نلسنوا  
 بجای کتت ایگنیف بوزارت داخله منصوب میگردد جمعی از نیهیلیست مجوس میشوند فوت زوال اسکلیف  
 سردار معروف اعلیحضرت امیراطور روس لقب پادشاهی ترکستان را با لقب سلطنتی خود الحاق میکنند و بزیراوخاچه  
 روس سفیری المان مینا بد و مقصود از این مسافرت ایجاد بین دولتین است پرنس کرچاکف صدراعظم ایندولت در  
 بادن با در وفات نمود (سریه) این ایالت خود را سلطنتی والی خود و پادشاه بخواند اعلیحضرت پادشاه سرب بویسه  
 میردز وجه یکی از مقصرتین که شوهر او را حکم دولت مقبول نموده اند در کلیسا طایفه با اعلیحضرت پادشاه حالی  
 میکند ولت ایشان پنجه در پرنس بلان پادشاه سر نسبتاً افتتاح مجلس پارلمنت مینا بد (سوئد و نروژ) دختر اعلیحضرت  
 پادشاه که ولعهد است پسر میزاید که موسو بر اسکار میشود (سوئیس) افتتاح رسمی معیرتین کنارتشد (عثمانی) شورش  
 سخت در سودان بر وزلزله شدید آنا طولی شورش اعراب رمن بر ضد دولت عثمانی ایتباع کردن دولت عثمانی اسلحه  
 زیادی از امریک عبدالرحمن پاشا بجای سعید پاشا صدراعظم میشود سعید پاشا بوزارت خارجه بر فرار میگردد  
 انقلابات سخت در شامان خاصه در بیروت اعلیحضرت سلطان باغیگری علیه پاشا را اعلان میکنند انگلیس بهانه  
 اینکه این اعلان دیر شده است قبول فرستادن فتنه عثمانی را بمصر مینماید روز سیزدهم ماه نوامبر که مفارن غزه  
 محترمت عینک که روز اول سال اوله ماه چهاردهم هجری است با شرفیات زیاد گرفته میشود صدارت سعید پاشا و  
 وزارت خارجه عازم پاشا (فرانسه) مسکو گامتا صدراعظم و وزیرای با بره او مغزول و فرسپینه بصدان منصوب  
 فرسپینه از وزارت خارجه مغزول میشود وزیرای تازه بر پاست مسبود و کلر تعیین میشوند قطع مرادده  
 سفری ما با اسکر فوت کامنا از رجال معروف دولت فرانسه کنت و لغان سفیر کبر اطریش مقیم فرانسه خود را کشتن  
 زوال شانت و انسارهای معروف فرانسه فوت میشود پرنس ناپلیون اعلان در حقوق سلطنت خود طبع و منتشر

در نزدیکی پارلمنت

نموده لهذا حکم دولت مجوس میگردد و اول فری صدراعظم میشود و یکی از میدانها شهر را بر سر شورشی می کشد و  
شورشیان مصمم میشوند که بپارت رفتن و نروان شوند و نیز در اسلحه متفرق میگرددند (مستغز) و این مستغز  
به پتر بوزغ و پنه میرود (هلاند) طغیان آنکه اسباب غرابی میشود و راه استعفا میکند (یونان) نلانی  
عساکر عثمانی و یونان در سرحدات سالی معاهده سرحد آیند و لک باد و لک عثمانی راه آهن یونان وصل بر راه آهن  
میشود عساکر یونان عبارت از بیست و یک هزار و سیصد و هشتاد و نه نفر پیاده و هشت هزار و شصت و هشتاد و نه نفر  
توپچی سه هزار و سیصد و نود و نه نفر مخبران و چهار هزار و صد و پنجاه و چهار نفر احساب هزار و شصت و هشتاد و نه نفر  
و پنج نفر صاحب منصب است سیصد و نود و سیصد و هشتاد و نه نفر عظم یونان و فانی میباشد (تونس) شهر فسنه بصرف  
عساکر فرانسه در می آید طبیب یک برادر محمد صادق بیک والی تونس حکم والی مجوس میشود فوئ محمد صادق بیک  
والی تونس در بیست و هشتم اکتبر و جلوس برادرش علی بیک بجای او (زولو لاند) سینه او بود که در لندن سباح میگرد  
مستقلا بسطین تونس معاودت میکند (مصر) بروز و باد مصر مجدداً بشورش اهالی قشون بر ضد خدیو مشور  
نظامی سزده نفر از صاحب منصبان قشون زاکر بر ضد احمد علی پاشا بود تا خراج بلد میکند و ذرا و کلای ملک را بدون اشخاص  
خدیو اختصاصاً مینماید و بفرنگها اعلان میکند که جان و مال آنها را مانت اگر از دو بخارج و ولی نخواهد در آمد و اخله  
مداخله کند اهالی مصر بر ضد آن دولت اقدام خواهد نمود سفاین جنگ فرانسه انگلیس مجازی اسکندریه و روم کرده  
و علی پاشا حکم سباحین است حکامان در ساحل میدهند قوسولهای فرانسه انگلیس جلای و طر علی پاشا را از مصر  
میطلبند و در پیش پاشا از جانب اعلیحضرت سلطان بفاهره برای استمراج وضع مصر با اظهار خدیو بد و پیش پاشا  
که سازش مابین او و علی پاشا غیر ممکن است شورش در در اسکندریه قتل جمعی از فرنگیها اجماع سفار در مجلس مخصوص  
در اسلامبول برای فرار دادامو مصر در پیش پاشا صاحب منصبان بلخی مصر را جمع کرده با آنها بغیث سلطان را تکلیف میکند  
قوسولهای فرنگ مصمم برین رفتن از مصر میباشد و در هم توپ سفاین جنگ انگلیس بنای کلوله زبری را بشهر اسکندریه  
میکارند و بعد از دوازده ساعت تمام قلعه جاث اسکندریه بصرف عساکر انگلیس را آمده در اغلب نقاط شهر با قوسول  
بروز میکند خدیو مصر بقصر رأس الطین پناه برده برای حفظ خود از عساکر انگلیس یک میطلبد علی پاشا در حوالی  
اسکندریه اردو خود را متحصن ملباز و در پس از چند با قشون زیاد به تل الکبر رفتن مختصر میگردد و دولت عثمانی بجهت  
تظلمات مصمم فرستادن قشون مصر میباشد اما انگلیس جلای این طلب را رد کرده میگوید ما میکند عثمانی علی پاشا را  
باغی نشناسد قشون عثمانی مصر را نخواهد داشت انگلیسها ابو قریه کلوله بازان کرده متصرف میشوند شرف پاشا بصلا  
مستوف میشود سفاین جنگ انگلیس بغاز سوزن را بصرف مینماید جنگ عساکر انگلیس را کاساس و قوسولان انگلیس ژنرال  
و لیب با قشون زیاد بطرف تل الکبر حرکت میکند و در روز سیزدهم سپتامبر با عساکر عربی پاشا ملاقات مینماید و شکست بخند  
باو میدهد عربی پاشا بزقون میگرد روز چهاردهم و پانزدهم عساکر انگلیس بجمع مانعی وارد ناهمه میشوند  
عربی پاشا که فرار کرده بود مجوس میشود بیست و یکم خدیو وارد ناهمه میگردد و عساکر انگلیس با وطن خود معاودت  
مینماید در جنگ انگلیسها با عربی پاشا استعلا عساکر عربی پاشا چهل و چهار هزار پیاده و هجده هزار سواره و چهل  
هزار عرب بدو و صد و چهل و سه عراده توپ بوده و قشون انگلیس تقریباً چهل هزار نفر میباشد ژنرال و لیب با  
صاحب منصبان ابره خود از مصر با انگلیس میبرد شکست عساکر مصر از متهم و رود اردو فرنگی کبر انگلیس مصر  
حکم قتل علی پاشا از مجلس استنطاق صادر میشود و بنوسط انگلیس خدیو از قتل او کشته او را محنتاً حفظ میگرد

سبلان مبرند امریکا ( اناونی ) از اناونی سفیری با بران مامو میشو طبعان آید ر شهر سنسپانی جمعیت کثیرا  
غرف و شهر را خراب میکند ( برزبل ) افتتاح مجلس بارشست ( برز ) نماز عه ما بین جهود و پر و وجه و شیل مجد شروع  
میشو ( شیل ) عهد مصالح ما بین شیل و بلو ( کستاریکا ) دو ناحیه کستار یکا زلزله هشت شهر را خراب کرده چند  
هزار نفس تلف شدند

### اعلام عمومی مطالعه کنندگان این کتاب

از ابتدای نگارش و تا لیفا این کتاب که تقریباً از هفده هجده ماه قبل باشد بواسطه روزنامه جان بموچا کران آستا  
هائون و رجال و ارکان دولت و نویسندگان و ذافرون اعلام و اعلان نمودیم که شرح مناصب امینان و القاب و نشانی  
که از دربار مقدس آنها اعطا شده صوت آنرا بدو الطباعه مبارکه ایصال دارند تا در کتاب راجع و اسباب نشر صحافت آنها گردد  
نیز امتیاز آنکه آبا و اجداد آنها از سلطان ناخدا رسلسله علیها قاجار بواسطه خدما صافانه دریافت نموده و باعطا  
آن مباحی کرده اند و نشر و انتشار آن وسیله افتخار اعقاب است شرح صورت آنرا داده تا در کتاب منقطع اسباب مزایا  
ایشان شود بعضی صوت دادند و ثبت شد پس اگر برخی اهل با استنکاف نموده باشند و امتیازی از امینان آنها  
ترک و حذف و مسکوت عنه مانده باشد حق شکایت و کلام خواهند داشت با آنکه نگارنده از فرط تصفح کتب روزنامه جان  
و اسناد و اوراق تاریخی و حکایات و روایات دقیقه فرود گذار نمود و جهد وافی مبذول داشت تا کتاب حاوی و جامع  
تمامی سیر و کشف کلمه اخبار ایند و لنگ جان و آثار ارام الله تعالی بقیاتها باشد و در هر صوت هر گونه لغزش که از حد و سهو  
و غیره رفته باشد از مطالعه کنندگان طلب عفو و اغماض مینماید چه انسان از سهو و نسیان مصون نیست و سر کارها از مکارم  
اخلاق و اوصاف و شیو مرتبه ما جهان دولتی انصافست

والتسلام علی من ابغ الهدی

جله ترم کتاب مستطاب نظم صر شمر راجع سلطنت خدیجه سید علی  
قاجاریه یعنی آنکه علم و رسم خدیجه الله مرزبان طهران در  
ابت در زمان سخن و جوسر این سید علی بر سر سلطنت با آنکه ترم کمال  
صد و نود چهار در هجرت تقدیر نموده به خاصه تقجب و قانع و حوا  
قطر عالم کمال اتفاق قاده است اروضه انبیا و ائمه  
و جلیبایان و محققان و نویسندگان و ذافرون اعلام و اعلان نمودیم که شرح مناصب امینان و القاب و نشانی  
که از دربار مقدس آنها اعطا شده صوت آنرا بدو الطباعه مبارکه ایصال دارند تا در کتاب راجع و اسباب نشر صحافت آنها گردد  
نیز امتیاز آنکه آبا و اجداد آنها از سلطان ناخدا رسلسله علیها قاجار بواسطه خدما صافانه دریافت نموده و باعطا  
آن مباحی کرده اند و نشر و انتشار آن وسیله افتخار اعقاب است شرح صورت آنرا داده تا در کتاب منقطع اسباب مزایا  
ایشان شود بعضی صوت دادند و ثبت شد پس اگر برخی اهل با استنکاف نموده باشند و امتیازی از امینان آنها  
ترک و حذف و مسکوت عنه مانده باشد حق شکایت و کلام خواهند داشت با آنکه نگارنده از فرط تصفح کتب روزنامه جان  
و اسناد و اوراق تاریخی و حکایات و روایات دقیقه فرود گذار نمود و جهد وافی مبذول داشت تا کتاب حاوی و جامع  
تمامی سیر و کشف کلمه اخبار ایند و لنگ جان و آثار ارام الله تعالی بقیاتها باشد و در هر صوت هر گونه لغزش که از حد و سهو  
و غیره رفته باشد از مطالعه کنندگان طلب عفو و اغماض مینماید چه انسان از سهو و نسیان مصون نیست و سر کارها از مکارم  
اخلاق و اوصاف و شیو مرتبه ما جهان دولتی انصافست

بجاء الله تعالی

و حسن و قبح تمام شد جلین استمر

کتاب مستطاب نظر ناصر در روز غره شوال المکرم  
سنه هزار و سیصد و هجرت از فلک شکسته غرق بحر کینه و معاصی  
و آرزو مند بخشش و الطاف سبحان البر و محو میرزا محمد  
احمد الطائی الاردستانی حیرت  
با قضا













فهرست اسامی سلاطین فاجار پدانا نارا اللہ تعالیٰ برہا

السلطان فتحعلی خان	ولادت سن ۹۷	جلوس سن ۱۳۳	مدت سلطنت ۳۳ سال	رحلت سن ۱۳۶	عمر چهل و دو سال مدفن در خواجه
محمد حسن شاه	ولادت سن ۲۷	جلوس سن ۶۴	مدت سلطنت ۳۷ سال	رحلت سن ۱۰۱	عمر چهل و پنج سال مدفن حضرت عبدالعظیم
حسین شاہ ملقب بچھان سوز شاہ	ولادت سن ۶۴	جلوس سن ۱۱۴	مدت سلطنت ۵۰ سال	رحلت سن ۱۶۴	عمر بیست و ہفت سال مدفن اسرائیاد
افانند شاہ مرحوم	ولادت سن ۵۵	جلوس سن ۹۳	مدت سلطنت ۳۸ سال	رحلت سن ۱۳۱	عمر چھ و ہشتاد سال مدفن بجھ اشرف
فتحعلی شاہ میرور	ولادت سن ۱۵	جلوس سن ۱۲	مدت سلطنت ۱۷ سال و پنج ماہ	رحلت سن ۳۲	عمر بیست و چار سال مدفن در روضہ
نائب السلطنہ جبار مرچور مرحوم	ولادت سن ۲۳			رحلت در خراسان سن ۳۱	عمر چهل و پنج سال مدفن مشہد مقدس
محمد شاہ طالب نراہ	ولادت سن ۲۲	جلوس سن ۲۵	مدت سلطنت ۳ سال و سہ ماہ	رحلت سن ۲۸	عمر چهل و یک سال مدفن در روضہ

# سُلْطَنُ عَظْمَى

السُّلْطَانُ بْنُ السُّلْطَانِ وَالْحَافَانُ بْنُ الْحَافَانِ هَفْنَادُ وَدُونِ الْحِجْرَةِ

نَوَابِ شَرْفِ وَالْأَنْصَرِ الدِّينِ مِيرْزَا نُؤُلْدَرُ وَرُؤْدُ شَبْنَه سَنَةِ ١٢٠٤

بْنِ الْحَافَانِ نَاصِرِ الدِّينِ شَاهِ صَاحِقِرَانَ بْنِ مُحَمَّدِ شَاهِ بْنِ

## نَوَادِرُهَايِ سَلْطَنُ

أَوْلَادِ نَوَابِ شَرْفِ وَالْأَوْلَادِ لِبَعْثِهِ

وَلِبَعْثِهِ عِبَّاسِ مِيرْزَا بْنِ حَافَانَ فَيَحْيَى شَاهِ بْنِ حُسَيْنِ شَاهِ

بْنِ سُلْطَانَ مُحَمَّدِ حَسَنِ شَاهِ بْنِ سُلْطَانَ فَيَحْيَى حَافَانَ بْنِ أَمِيرِ شَاهِ

قَلْبَجَانَ بْنِ مُحَمَّدِ وَلِيحَانَ بْنِ مُحَمَّدِ حَافَانَ بْنِ مُحَمَّدِ قَلْبَجَانَ فَجَارِ

خَلْدَةَ اللَّهِ مَلِكَةً وَدَوْلَتَهُ

نَوَابِ الْأَعْتَصَادِ السُّلْطَنَةِ مُحَمَّدِ عَلِيِّ مِيرْزَا

تَوَلَّدَ يَوْمَ خَمْرٍ دَهْمِ رَبِيعِ الثَّانِي سَنَةِ ١٢١٤

## تَوَلَّدَ هَابُونِ

نَوَابِ الْأَمْلَاقِ مَنصُورِ مِيرْزَا

شَبْنَه شَبْنَه شَشْمِ صَفْرِ الْمَظْفَرِ سَنَةِ كَهْرَارِ وَدَوْلَتِهِ

نَوَابِ الْأَبْوَالِغِ مِيرْزَا

جَهْلُ وَهَفْنَةُ مِنَ الْحِجْرَةِ الْمُقَدَّسَةِ النَّوَبِيَّةِ

أَوْلَادِ نَوَابِ شَرْفِ وَالْأَوْلَادِ لِبَعْثِهِ السُّلْطَانِ

## جَلُوسِهَايِ بِنِ مَحْتَكَاهِ سَلْطَنُ

نَوَابِ الْأَجْلَالِ الدَّوْلَةِ سَلْطَانِ حُسَيْنِ مِيرْزَا نُؤُلْدَرِ سَنَةِ ١٢١٤

رُؤْدُ كَيْشَبَه هَجْدَه مِ شَهْرِ شَوَّالِ الْمَكْرَمِ سَنَةِ كَهْرَارِ وَدَوْلَتِهِ

نَوَابِ الْأَسْلَاطِ مَحْمُودِ مِيرْزَا نُؤُلْدَرِ سَنَةِ ١٢١٤

وَشَشْمِ وَجَهَارِ دَرِيَارِ السُّلْطَنَةِ شَرِيفِ

أَوْلَادِ جَلَالِ الدَّوْلَةِ مِرْجُومِ

جَلُوسِ مَنَارِكِ بِنِ مَحْتَكَاهِ سَلْطَنَةِ حَرَّزَادِ

نَوَابِ الْأَمَهْدِ قَلْبِ مِيرْزَا

## الْخِلَافَةُ نَاصِرِي

## بِنَاتِ سَلْطَنُ

دَرِ شَبْنَه شَبْنَه دَوْلَتِهِ شَهْرِ ذِي قَعْدَةِ الْحَرَامِ سَنَةِ هَرَارِ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ فِخْرِ الْمُلُوكِ نُؤُلْدَرِ

وَدَوْلَتِهِ شَشْمِ وَجَهَاكَةَ الْحَالِ سَنَةِ شَرِّ سَالِ ثَمَامِ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ عَصْمَةِ الدَّوْلَةِ نُؤُلْدَرِ

بِالْإِسْتِقْلَالِ مَعَ الشُّوْكَةِ وَالْعِظَمَةِ وَالْأَجْلَالِ سَلْطَنُ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ أَمْرِ الدَّوْلَةِ نُؤُلْدَرِ

جَهَابَتَانِي مَيْفَرِ مَا بِنْدِ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ وَالِيَةِ نُؤُلْدَرِ

## أَبْنَاءُ سَلْطَنُ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ ضِيَا السُّلْطَنَةِ نُؤُلْدَرِ

نَوَابِ شَرْفِ وَالْأَشَاهِدِ شَاهِ زَادِ اعْظَمِ وَلِبَعْثِهِ جَاوِيدِ مَهْدِ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ افْتِخَارِ الدَّوْلَةِ نُؤُلْدَرِ

مَظْفَرِ الدِّينِ مِيرْزَا أَدَامِ اللَّهِ بِنَا لِهِ الْعَالِي

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ فِخْرِ الدَّوْلَةِ نُؤُلْدَرِ

نُؤُلْدَرُ وَجَمْعُهُ خَمْرٍ دَهْمِ شَهْرِ جَمَادِي الثَّانِيَةِ سَنَةِ كَهْرَارِ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ فِرْعَانَ الدَّوْلَةِ نُؤُلْدَرِ

وَدَوْلَتِهِ شَشْمِ وَنَهْمِ مِنَ الْحِجْرَةِ الْمُقَدَّسَةِ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ أَيْرَانَ الْمُلُوكِ نُؤُلْدَرِ

نَوَابِ شَرْفِ وَالْأَوْلَادِ السُّلْطَانِ دَوْلَتِ عَلِيَّةِ سَلْطَانَ مَسْعُودِ

مِيرْزَا أَدَامِ اللَّهِ بِنَا لِهِ الْعَالِي

## أَخْوَانِ سَلْطَنُ

نَوَابِ الْأَعْيُنِ مِيرْزَا مَلِكِ آرَا نَوَابِ الْأَعْرَاقِ الدَّوْلَةِ

تَوَلَّدَ بِشَبْنَه شَهْرِ صَفْرِ الْمَظْفَرِ سَنَةِ كَهْرَارِ وَدَوْلَتِهِ شَشْمِ

عَبْدِ الصَّمَدِ مِيرْزَا نَوَابِ الْأَرْكَانِ الدَّوْلَةِ مُحَمَّدِ عَلِيِّ مِيرْزَا

شَشْمِ مِنَ الْحِجْرَةِ

## أَخْوَانِ سَلْطَنُ

نَوَابِ عَلِيَّةِ عَالِيَةِ عَمْرَةَ الدَّوْلَةِ نَوَابِ عَلِيَّةِ عَمْرَةَ الدَّوْلَةِ

نَوَابِ شَرْفِ وَالْأَنْبِيَاءِ السُّلْطَنَةِ مِيرْزَا كَبِيرِ وَزِيَرِ جَلِيدِ دَوْلَتِهِ

عَلِيَّةِ كَامِرَانَ مِيرْزَا أَدَامِ اللَّهِ بِنَا لِهِ الْعَالِي

تَوَلَّدَ رُؤْدُ نَوَزِ دَهْمِ شَهْرِ ذِي قَعْدَةِ الْحَرَامِ سَنَةِ كَهْرَارِ وَدَوْلَتِهِ

نواب علی بن عفته الدوله

اعمال سلطنت

نواب الاله بن میرزا نواب الاحاجی معتمد الدوله فرها  
میرزا نواب الامین الدوله احمد میرزا نواب والا  
فرها فرها فرها فرها  
اولاد خاقان مغفور  
نواب محمد امین میرزا نواب عضد الدوله سلطان احمد  
میرزا نواب محمد هادی میرزا نواب امامان الله میرزا  
نواب جهان سوز میرزا امیر تومان نواب نیر الدوله پور  
میرزا

سابر میرزا اکر کرام

نواب حاجی سید الدوله میرزا ولد مرحوم ظل السلطان  
نواب احتشام الدوله سلطان اویس میرزا نواب شمشیر  
السلطنه بدیع الملک میرزا نواب مؤید الدوله ابوالفتح  
میرزا نواب ناصر الدوله سلطان محمد میرزا نواب شمشیر  
الدوله عبدالله میرزا نواب حاجی جهاء الدوله ساسان میرزا  
نواب عبدالله کبیر میرزا نواب احتشام السلطنه  
ابراهیم میرزا نواب معز الدوله اسمعیل میرزا نواب شعاع  
السلطنه دین الله میرزا نواب حاجی حشام السلطنه ابوالنضر  
ضیاء الدوله انوشیروان میرزا سهام الملک مهد فیله  
میرزا شعاع الدوله حاجی سلیمان میرزا سیف الدوله  
سلطان محمد میرزا نزال اجودان مخصوص حضور مبارک

میرزا ولد ایضا محمد صادق میرزا ولد ایضا حاجی محمد  
طاهر میرزا اکبر میرزا حاجی فریدون میرزا محمد حسن  
میرزا پیش محمد ولد مرحوم اعنضاد السلطنه محمد حسن  
میرزا ولد مرحوم اسد الله میرزا حاجی محمد حسین میرزا  
ولد مرحوم جهانگیر میرزا حاجی مسعود میرزا ولد مرحوم  
ایضا محمد علی میرزا ولد مرحوم خسرو میرزا نور الله  
میرزا سام میرزا شمس الشعرا کامران میرزا لطفعلیان  
پسر مرحوم مؤید الدوله حاجی محمد مهد میرزا ولد مرحوم ایضا  
محمد کریم میرزا ولد مرحوم ایضا محمد باقر میرزا دارا میرزا  
ولد مرحوم ضیاء الدوله احمد میرزا عالم شاه میرزا سلطان  
محمد میرزا ولد نواب بهمن میرزا محمد علیمیرزا ولد ایضا  
نصر الله میرزا پسر حاجی سید الدوله میرزا اسد الله میرزا  
محمد صادق میرزا حاجی نصر الله میرزا امیر آخور حضرت  
ناب السلطنه جمشید میرزا ولد مرحوم بهاء الدوله  
شاه محمد میرزا ولد مرحوم حاجی عباس فیله میرزا حاجی محمد  
خوایین و آفایان قاجار و غیر هم را بلجانی کرد  
جانب جلالتاب عضد الملک در حضور هابون خوانسار  
و خازن مهر آناد

عمده الامراء العظام میرزا محمد خان و لجناب عضد الملک  
میرزا حبیب الله خان مجد الاشراف لشکر نوسن فاجان

امراء و ساء

طایفه قویانلو

میرزا دکان و غیره که در جزو طایفه و خواهرین فاجاد  
منظور اند  
اویس میرزا محمد شریف میرزا سرنیب محمد علیمیرزا ولد  
مرحوم مؤید الدوله محمد صادق میرزا حبیب الله میرزا  
احمد میرزا شاهج میرزا اکبر میرزا محمد حسین میرزا  
عبدالرحیم میرزا حاجی سیف الله میرزا محمد یوسف میرزا  
محمد رضی خان حیدرخان محمد تفتخان حسنخان  
اکبرخان محو خان محمد ابراهیمخان عباسخان  
علیخان

### طایفه سیانلو

حاجی شهدی

محمد تقیخان رئیس سرهنگ محمد رحمان اسدالله  
حسینعلیخان محمد طاهرخان میرزا باقرخان علیخان  
شاه بوذرغلی

محمدودخان سرهنگ و رئیس حاجی محمد زمانخان  
علیخان احمدخان اسمعیلخان

### طایفه قیاخلو و غیره

محمد صادقخان سرهنگ و رئیس محمد رضاخان  
محمد علیخان سرهنگ و رئیس خرنه دارلو بهرامخان سرهنگ  
و رئیس کهنه لو محمدخان سرهنگ و رئیس کرلو

سایر

### سیاوان و غیره

میرزا سید هوسن سررشته دار فرج الله خان باور  
و محمودلار امیرخان سیاو و باشی و باور سایر  
سیاوان پنجفر

### سایر خوانین

دوبسک پنجاه و شش نفر

### بنی اعمام

محمد رحمان رئیس و سرنپ غلامحسینخان حاجی شکرالله  
خان محمد اسمعیلخان محمد ابراهیمخان

### حاجی مهد بقلیخان

حسینعلیخان سرنپ محمدعلیخان رئیس و سرنپ نجف  
علیخان ولد مرحوم حاجی مهر علیخان حیدرعلیخان قاضی  
علیخان سرهنگ محمدعلیخان محمد ناصرخان

### قرزل اباع

محمد حسینخان رئیس و سرنپ نورالله خان نصراللهخان  
رفیعمان غلامحسینخان احمدخان محمد صادقخان احمدخان

### طایفه داولو

حاجی محمد حسینخان رئیس و سرنپ حاجی محمد تقیخان سرنپ  
حاجی علیخان حاجی حسینعلیخان محمدعلیخان محمد صادقخان

### طایفه عزالدینلو

آقاخان رئیس و سرنپ محمد جعفرخان محمدعلیخان محمد  
فاسمخان حبیباللهخان محمد تقیخان محمد رضاخان

### طایفه شامبانی

حاجی محمد رحمان رئیس و سرنپ محمدحسینخان محمدعلیخان  
اللهو برهان امامعلیخان محمد رحمان محمدحسینخان

محمدخان



# وَمِنْ رَجُلَيْكَ حَبِيبُكَ

نواب اشرف والا امیر کبریا پیا سلطنته وزیر جنگ و رئیس کل قشون ظفر نون از توپخانه و قورخانه و زینورخانه  
 و انواع فامره و سواره و پیاده نظام و خارج نظام  
 حاجب نظام الملك وزیر لشکر و رئیس دفتر لشکر  
 امیر الامراء العظام اللہیارخان امیر تومان لاجو امانتی کل

## ارباب قلم دفتر لشکر ملتزمین کاتبین و غیره لشکر نویسیان

میرزا ابوالقاسم میرزا احتشام میرزا هدایت  
 میرزا هدایت و ز نامر نویس میرزا سید حسین  
 میرزا زمان کردستانی میرزا اسمعیل میرزا جعفر  
 نوری میرزا حسن نقرشی میرزا احتشام و ولد میرزا  
 زینب لشکر نویس میرزا عبدالحمید میرزا سید احمد  
 میرزا محمد میرزا سید محمد علی میرزا شفیع محمد میرزا  
 اسمعیل علی آبادی میرزا جبار ایضا حاجی میرزا محمد  
 میرزا سید یوسف حاجی میرزا کاظم میرزا ابراهیم

معتد السلطان میرزا عبدالوہابخان لشکر نویس باشی  
 نایب زار و جلیلہ لشکر حاجی میرزا شفیع میرزا  
 یوسف میرزا محمد تقی وکیل لشکر میرزا سید محمد  
 میرزا علی ولد مرحوم حکیم باشی میرزا زین العابدین  
 میرزا علی داماد معین الملك میرزا حبیب اللہ میرزا علی ولد  
 حاجب وزیر دفتر میرزا علی ولد مرحوم میرزا وزیر لشکر

### سررشتہ داران توپخانه و قورخانه توپخانه و اصطلح

میرزا محمد علی علوی میرزا اسد اللہ میرزا علی اکبر سررشتہ دار  
 اصطلح میرزا نصر اللہ میرزا اسمعیل میرزا جعفر سررشتہ دار  
 میرزا و لعلی لشکر نویس میرزا رضا ولی میرزا اسد اللہ  
 میرزا آقا میرزا نصر اللہ پیر مرحوم میرزا شکر اللہ لشکر نویس  
 میرزا حسن میرزا آقا جان میرزا اشرف

میرزا زینب میرزا محمد علی توپخانه میرزا محمد علی میرزا  
 رفیعخان میرزا حسن لشکر نویس حاجی میرزا اشرف  
 میرزا عبدالحمید میرزا مهدی نوری میرزا ابوالقاسم  
 میرزا عبداللہ خان میرزا حبیب اللہ خان مجد الاشراف  
 میرزا حسینعلی میرزا اشرف میرزا رفیعخان لشکر نویس  
 میرزا حسینعلی کرمی میرزا رضا میرزا محمد علی میرزا  
 حسنخان ولد مرحوم وکیل لشکر میرزا نصر اللہ ولد میرزا  
 اسمعیل لشکر نویس میرزا مقیم میرزا علی اصغر میرزا

### زینب خانہ

میرزا ہادی سررشتہ دار

### مہاجر

میرزا الطیف سررشتہ دار

### مخزن

میرزا سید حسن سررشتہ دار

### مستثنیان

میرزا محمد خان منشی باشی مخصوص میرزا کلبعلی میرزا  
 عبدالکریم میرزا ابوالحسن میرزا عبدالرحیم میرزا  
 داود میرزا عبدالحمید میرزا محمد علی نرذجاب

میرزا حسینعلی میرزا اشرف میرزا رفیعخان لشکر نویس  
 میرزا حسینعلی کرمی میرزا رضا میرزا محمد علی میرزا  
 حسنخان ولد مرحوم وکیل لشکر میرزا نصر اللہ ولد میرزا  
 اسمعیل لشکر نویس میرزا مقیم میرزا علی اصغر میرزا  
 عبدالحمید میرزا حبیب اللہ نوری میرزا ابوالقاسم  
 نقرشی میرزا اسد اللہ میرزا مهدی میرزا محمد حسین  
 مازندران میرزا سید تقی نقرشی میرزا علی بنی کردستانی  
 سررشتہ داران دفتر لشکر و غیره  
 دفتر لشکر از نایب سررشتہ داران و مخزن

میرزا ابوالقاسم میرزا بنی میرزا حسین میرزا سید  
 محمد علی میرزا امامقلی میرزا آقا ماورخند میرزا

### سررشتہ داران دفتر لشکر و غیره

میرزا ابوالقاسم میرزا بنی میرزا حسین میرزا سید  
 محمد علی میرزا امامقلی میرزا آقا ماورخند میرزا  
 احد میرزا احد ایضا میرزا سید ابراهیم میرزا شفیع  
 میرزا ابولزب میرزا عبدالکریم میرزا علی بنی میرزا  
 بزرگ میرزا عنایت میرزا اسحق میرزا صادق

میرزا اسد اللہ میرزا اسمعیل کاتب  
 میرزا محمد علی نوری



صاحبدیوان میرزا علیخان میرزا احمد میرزا محمود  
میرزا علیرضا

### عزیزباشی و عزیزان کافر لشکر

میرزا محمد علی عزیزباشی میرزا علی اکبر میرزا اسمعیل  
میرزا اسمعیل ایضا میرزا جعفر میرزا حسن ایضا  
میرزا جعفر میرزا حسین

### مامون بن ولایات

## آذربایجان لشکر نویسیان

میرزا محمودخان میرزا محمد تقی لشکر نویسن باشی آذربایجان  
میرزا غلامعلی ناظم لشکر میرزا سید مرتضی میرزا علی  
آشتیانی حاجی میرزا کاظمخان میرزا علی رضا میرزا  
علی اشرف حاجی میرزا حسن میرزا احمد میرزا احمد  
میرزا احمد آشتیانی حاجی میرزا ابوالحسن لشکر نویسن

### سر دستمندان

میرزا رحیم میرزا عبدالعلی میرزا علی میرزا قربانعلی  
میرزا محمد میرزا ابراهیم و میرزا یوسف میرزا حسین  
میرزا تقی میرزا اسکندر

### میشندان

میرزا محمدخان میرزا سیدرضا میرزا احمد میرزا اسمعیل  
خراسان

### ارض اقدس

میرزا اسمعیل لشکر نویسن باشی خراسان  
سر دستمندان

میرزا یوسف میرزا رضا

### فارس

میرزا الطیفعلیخان لشکر نویسن باشی فارس میرزا مصطفی میرزا علیخان حشمتی الملک  
لشکر نویسن

### اصفهان

میرزا محمد علی لشکر نویسن میرزا محمد سررشته دار  
سمنان و دامغان

میرزا طاهر سررشته دار کافر لشکر

### عراق

میرزا سید باقر سررشته دار کافر لشکر  
مازندران

میرزا فرج الله خان لشکر نویسن  
استرآباد

میرزا غلامحسین لشکر نویسن

### کرمان

میرزا محمد علی لشکر نویسن میرزا عبدالله سررشته دار

### کرمانشاهان

میرزا سید علی لشکر نویسن

### همدان

میرزا محمد لشکر نویسن

### اطباء و جراحان نظامی

عالمجناب میرزا سید ضیاء حکمیباشی عالمجناب میرزا سید  
حکمیباشی و یحیانه عالمجناب میرزا سید علی بابا حکمیباشی  
میرزا رضاقلی جراح باشی اطباء و جراحان حاضر در کاب  
مامون بن ولایات شصت و پنج نفر

## اصفهان

### امراء تومان

نواب جهاننویس میرزا نواب ناصرالدوله جناب ناصر  
الملک جناب سنعلیخان سالار لشکر جناب حاجی  
محمدرحمان معین الملک سفیر کبیر و وزیر مختار صفیه امیر  
امیرالامراء العظام مصطفیخان امیرالامراء العظام سلیمان  
خان صاحب اختیار امیرالامراء العظام صارم الدوله  
امیرالامراء العظام ساعدالدوله عمده الامراء العظام  
میرزا مصطفی میرزا علیخان حشمتی الملک

### سر تپیان اول

سوارانهایکه جبر و افواج سواره پوشیده شده اند  
احکام الدوله انوشیروان میرزا ضیاء الدوله

حاجی محمد علی خان  
حاجی محمد علی خان

سرهنگان خارج از فوج

حاجی محمد علیخان زند آقا سید میرزای کاشانی  
ابو تراب میرزا موسی خان نواده مستشار الدوله  
محمد تقیخان محمود خان سرهنگ سابق فوج حشمه  
جمشیدخان پیر حاجی اردشیرخان نجفقلیخان مرزوب  
محمد حسینیخان ولد امیر تومان باباخان کرچی میرزا  
آقای کاشانی حسینیخان پیراجوداباشی میرزا محمدخان  
پیر مرحوم صدر اعظم حاجی علیخان ولد مرحوم آکبرخان پیر  
حیدرخان پیر حاجی سعدالدوله میرزا بزرگخان پیر  
میرزا علی قاسم مقام میرزا غلامعلیخان پیر میرزا محمود وزیر  
محمد حسینیخان ولد محمدخان امیر تومان علیخان ولد مرحوم  
نظام الدوله کلبعلیخان نواده مرحوم نظام الدوله  
محمد آقا ولد مرحوم حاجی پیرن خان کریمیخان خدا بندلو  
حاجی محمد حسینیخان زند آقا حسن خواجه آقا محمدخان  
غلامرضاخان ولد مرحوم زین العابدین خان رحمت الله  
خان شقاقی محمودخان کرکی علیقلیخان جوانپشیر  
علیقلیخان شقاقی حسینیخان ولد شیخعلیخان آقاخان  
ماکوفی حاجی فضلعلیخان عبدالله خان شیروانی  
کاظمخان شقاقی اسدالله خان ماکوفی علیقلیخان  
علی اکبرخان برادر مشارالیه زین العابدین خان  
احمدخان جعفرخان سرهنگ سابق فوج حشمه فایوس  
ابوالحسنخان محمدخان بزوی امان الله خان ولد ابراهیم  
ماکوفی فوج الله خان ایضا حسینیخان سرهنگ سابق  
فوج پنجم شقاقی مهدیخان افشار عبدالعلیخان  
حسینیخان هراتی حسینعلیخان ولد مرحوم فضلعلیخان  
ابراهیمخان لاریجانی خانابا خان لاریجانی حسینیخان  
افتخار اسدآبادی رضاخان کودرک پاشاخان حشمه  
محمد حسینیخان دوبرین علیقلیخان مکوه آقاخانان  
علیقلیخان کروسی غلامرضاخان مافی علیقلیخان  
ولد مرحوم حاجی شاهالملك حسینیقلیخان ولد ایضا  
مرضیقلیخان ولد ایضا جعفرقلیخان سلیمانخان

وجه الله میرزا سیدالملك حاجی شاه الدوله حشمه السلطنه  
سلطان محمد میرزا سید الدوله ژنرال حضور  
هابون شهاب الدوله جناب عنضا الملك سهام الدوله  
عبدالحسینخان فخرالملك سار اصلان جناب محمدخان  
والی مصطفیقلیخان جهان بیکو علیخان مشیرالوزار  
شجاع السلطنه میرزا علیخان ولد مرحوم صدر اعظم  
شجاع الملك میرزا یوسفخان مستشار الدوله حسینقلی  
خان افشار برادر سار اصلان جناب زینعلیخان وزیر  
مختار مقیم و بنه حاجی عطاء الله خان محمد حسینیخان  
فراشباشی نواب شرف والا نایب السلطنه جمشیدخان

سرتیپان در قیام

سوارانهایکه در جزو افواج سواره نوشته شده اند  
عبدالعلی میرزا نایب الا امانت شاه میرزا سلطان محمود میرزا  
ولد نواب والا بن میرزا میرزا عبداللہخان مستشارالوزار  
خارجہ محمد علمیرزا حسینقلیخان والی پشکوه حاج  
آقا جوهر معتد احرم عبدالله خان ولد مرحوم اعناد السلطنه

سرتیپان در قیام

سوارانهایکه در جزو افواج سواره نوشته شده اند  
داراب میرزا سلیمان میرزا کامر امیرزا مرضیقلیخان ژنرال اجودان  
حضور هابون محمد علیخان اردلباشی نواب شرف والا نایب السلطنه  
حسینیقلیخان سرتیپ سابق خواجه بند مهدیقلیخان دینلی حاج  
هادیخان جهان بیکو عبطلیقلیخان سرتیپ مترجم محمدخان  
نظیر محمد علیخان ژنرال اجودان مخصوص عزیزالله میرزا  
ابوطالبخان علیشیرخان سرتیپ خارج از فوج ابلات خانابا  
خان پیر صاحب اختیار میرزا کریمخان فیروزکوهی محمدخان  
خان فراباغی میرزا علیخان افشار علیخان مکوه جیدقلیخان  
هرات علیقلیخان ایضا عبطلیقلیخان پشکوهی محمدکاظم  
خان پیر شهاب الدوله فاضلخان مرغه مهد خان باجار  
حاجی اسمعیل پاشاخان ماکوفی باقرخان افشار سیدالله  
خان لاریجانی میرزا نصرالله خان مهندس محمودخان کلب  
محمد میرزا علیرضاخان ژنرال اجودان

کتاب ضاحا ولد مرحوم افشار  
عبدالعلی اولد مرحوم ایضا  
علی اکبرخان مکوه مرثیقلیخان  
سرتیپان ناصر الله خان دماوند  
آقاخان خلف مرحوم سلیمانخان  
امیر تومان میرزا سید علی  
حسینی میرزا

شجاع الدوله

اسدالله پسر مرحوم حاجی سعدالدوله بوکخان وادرمحو  
 محمدخان امیر تومان فتح الله خان فراکوزلو مستخان  
 نواده جناب صاحب دیوان

**نایبان اجود انباشتی**

جلال الدین میرزا مصطفی خان فاجار علی رضا میرزا  
 فرز ارسلان میرزا احمد میرزا خلف مرحوم تیمور میرزا احمد میرزا  
 خلف مرحوم کیفباد میرزا ارسلان میرزا امیر ارسلان میرزا  
 سلطان محمد میرزا میرزا بزرگ خان اسدالله خان مصطفی  
 قلیخان خلف مرحوم صوچه خان نصیرخان فروزینی میرزا علی  
 اسدالله خان دینی حسین قلی افشار ناصر قلیخان  
 حسنخان افشار میرزا بوسفخان میرزا مسعود خان فرزند  
 حسنخان نوید میرزا فضل الله خان بیچاگردستانی  
 بوسفخان شقاق میرزا هادانخان غلامحسینخان  
 رحمت الله خان نواده مرحوم سیف الملک رستمخان کرچی  
 سلطان احمد میرزا علی اکبرخان نواده مرحوم فضل قلیخان  
 حاجی شکر الله خان شقاق محمد حسین پسر حبیبخان  
 شیونخان هادخان زندگ حسنخان خلف مرحوم  
 جارچی باشی میرزا عبداله خان نایب کینان میرزا  
 بوسفخان محمد آقا مصطفی قلی اولاد مرحوم مصفاالدوله  
 باقرخان نواده حاجی محمد علیخان محمد علیخان نواد مرحوم  
 رضا قلیخان ایشیک آقاسی باشی حسنخان ولد نصر  
 خان سرتیپ بنورکانه محمد علیخان ولد امیر الامراء  
 غلامرضا خان بزدی وهرانخان سید حسنخان  
 فرزند کوهی سید حسنخان ایضا حسنخان اولاد مرحوم  
 علی قلیخان میرزا علی بی خان ولد مرحوم عبدالرشوگخان  
 خانبا باخان خلف مرحوم حاجی سعدالدوله محمد صادق  
 خان فراباغی بوکخان افشار مهردادخان ایضا  
 محمد علیخان ولدهاشخان سیف الله خان ولده ایضا  
 میرزا احمدخان ولد مرحوم حاجی شیخ الملک نجف قلیخان  
 عبدالعلیمخان افشار جلال الدین میرزا ولد مرحوم غلام  
 الدوله میرزا حسنخان امیرخان محمدخان فاجار

اقا لرخان پسر پسر پسر پسر پسر علی اکبرخان ولد مرحوم  
 حاجی محمد علیخان سرهنک اسکندر خان رحمت الله خان  
 حسینخان ولد شکر الله خان علی بی افشار محمد علیخان  
 ولد علی نونخان پسر ابو الفتح خان ولد حیدر علیخان  
 محمود آقای ماهور خراسان اسمعیل خان بسطامی مرغه  
 قلیخان کره رحمت الله خان برادر مرحوم دبیر الملک  
 مصطفی قلیخان فاجار محمد علیخان کردی غلام  
 حسنخان ولد محمد علیخان سفزی فاسمخان ملایری  
 محمد حسنخان علیخان بار محمدخان میرزا حسنخان  
 ولد مرحوم میرزا زکی غلامحسین میرزا اسدالله خان  
 نقرش صادخان منسوب مرحوم وکیل الملک نقی  
 کرمانی حاجی حبیب الله خان کرمانشاهی علی قلیخان  
 حسین آقا ماورادزربانجان حسن آقا ولد

**یاوران خارج از فوج**

مرغی قلیخان بوسفخان حسن رضا خان کرمانی اسکندر  
 خان پسر پسر پسر پسر پسر احمدخان ولد علی  
 خان حسین بیگ ولد ایضا علی اکبرخان باور سابق فوج  
 طهران رضا قلیخان باعیش حسین بیگ فراباغی  
 حسنخان مرندی محسن بیگ کریمی اسمعیل خان یادگور  
 علیخان مرند عیسی آقا ولد مرحوم بیابان الله خان  
 بیگ مرند محمد بوسفخان هراتی عزیز محمدخان ایضا  
 جعفر قلیخان هراتی محمدخان نصر الله خان فومنی  
 رجینخان کوردز حسین قلیخان خنده شکر الله خان  
 ایضا عبدالنفا خان قزوینی اسمعیل خان ولد  
 مرحوم محمدخان امیر تومان عیسی بیگ خلف مرحوم جعفر  
 بیگ لطفعلیخان اسمعیلخان

**معلمین برانی**

عبدالحسین میرزا محمد آقا حیدر الاسلام کرمان  
 میرزا عبدالوهاب قلیخان فاجار محمد علیخان مصطفی

### سرهنگان

محمد رفیعخان سرهنگ فوج بهادران بهارلو حاج محمدخان  
 سرهنگ فوج بهادران بهارلو صادقخان سرهنگ فوج  
 بهادران افشار عبدالرحیمخان سرهنگ فوج اولافشا  
 محمد رضاخان سرهنگ فوج چهارم مرند محمدخان سرهنگ  
 فوج پنجم خونی بوکخان سرهنگ فوج مخبران مقدم  
 میرزا بن العابدین خان اردبیلی حاجی باقرخان سرهنگ  
 افشار بکشلو میرزا محمدخان سرهنگ کرمانشاهی  
 حسنقلیخان سرهنگ ایضا میرزا ابراهیمخان ولد محمد  
 اجودابنانشی مصطفیقلیخان رستمخان سرهنگ سبلان  
 میرزا محمدخان پسر ملک الاطباء میرزا رحیمخان سرهنگ  
 بزربنی میرزا صالح خان سرهنگ محمدعلیخان سرهنگ  
 حسینخان سرهنگ نهاوند فتح الله خان طالش

### ناپایان اجودابنانشی

محمدخان میرزا نجاب الله ایضا بوکخان ناپایان  
 اجودابنانشی حسنعلیخان ناپایان اجودابنانشی  
 میرزا حسنخان

### یاوران اول

محمد صادقخان جزو قراولان انبار حیدراللهخان ایضا  
 اسدالله میرزا و در فوج اروغنی حیدرقلیخان اروغنی  
 حاجی حضورقلیخان فرج اللهخان طالش سلیمانخان  
 مقدم صادقخان فرزند غلامحسینخان فرزند  
 عبدالباقیخان ایضا مظفرخان کروی فرج اللهخان  
 کرمانشاهی ابوالقاسمخان بزربنی جزو قراولان انبار  
 محمدعلیمیرزا رضاخان فرج اللهخان شهرازی حسینخان  
 بهارلو هاشمخان بهارلو محمدعلیخان افشار  
 سید ولی پیکر زندی

### یاوران دوم

حسینخان اروغنی حسین بیک خونی بوکخان شقاق  
 صادقخان مقدم عبداللهخان کروی غلامحسینخان  
 بهارلو عبادالله شقاق شریفخان خمس عین

میرزا شکرالله میرزا محمد علی

### سرتیپان فرنگ

#### معلمین قدیم

مسیو علی سر تپ اول اندر صاحب مسیو موزیکاچی باشه  
 مسیو اسد مسیو انجیله طبالباشی  
 معلمین که تازه آمده اند  
 صاحب منصب

مسیو امیرالک سلطان سواره نظام مسیو پرورشیک سلطان  
 توپخانه مسیو کارپسار سلطان پیاده نظام مسیو  
 ناپ اول شاسر

#### سوز افیسیر

فکر میک سواره که لر توپچی بری شاسر پارتی  
 شاسر مکت پیاده نظام

### مهندسین و مترجمین

#### مهندسین

اجودخان قاجار محمد حسن میرزا حاجی محمد میرزا

#### مترجمین

عبداسفیلخان سرتیپ مترجم میرزا محمد علی

### توپچیان و سرتیپان

#### سرتیپان

اللهویردیچان سرتیپ اول آقا رضاخان ژنرال اجودان صاحب  
 حضور ایوان مدبر اداره کل توپها و تپها و چپاره ها و  
 لوازم آن حاجی غلامرضاخان شهابالملك حاجی غلام  
 حسینخان سرتیپ اول میرزا اسمعیلخان اجودابنانشی توپچی  
 صفرعلیخان سرتیپ بهارلو حاجی شکورخان سرتیپ فوج  
 بزربنی اردبیلی جلیلخان سرتیپ فوج هفتم شقاق  
 میرزا فتح اللهخان سرتیپ فوج هشتم خلیالی محمد صادقخان  
 امین نظام سرتیپ فوج مخبران مقدم حاجی عبدالحمیدخان  
 سرتیپ اصلاخان سرتیپ علی رضاخان سرتیپ فوج  
 سیم کروی ذوالفقارخان سرتیپ عسکرخان  
 شقاق

علیه خان میراخور نایب ویم سفر

اصفهان

نایب اول نفر نایب ویم نفر

استرآباد

نایب ویم نفر

بسطام

نایب اول نفر

خرم آباد

نایب ویم نفر

عربستان

نایب ویم نفر

کرمانشاهان

عبدالعظیم بیک نایب اول

کرمان

نایب ویم نفر

بزد

نایب ویم نفر

فارس

مشرف نفر نایب ویم نفر

کردستان

نایب ویم نفر

اداره کل توپخانه و قیسها خیمه ها و لوازم

برپاست آقا رضا خان ژنرال اجودان مخصوص حضور

همایون سبکدوش بیست و چهار نفر

حاضر دکاب

از صاحب منصب و توپچیان و غولداران و فراوان و اصناف

توپچیان و غیره

حاجی باقر خان سرهنگ با فوج افشار بکشلو

سرهنگ محمد علی میرزا با و اول سیف الدین میرزا

سلطان میرزا محمد علی علوی سررشته دار میرزا سید

نقی ایضا میرزا علیخان نایب نایب نفر بیکزاده نفر

میرزای بسطامی جهان شاه میرزای سبلاخور ابوالفتح

خان ایضا حاجی فرج بیک خرفانی محمد آقا ایضا میرزا

رضا قلی جزو فراوان انبار حاجی میرزا فرج نیریزی جزو

فراوان انبار نادر میرزا جزو فراوان انبار محمد طاهر میرزا

ایضا آقا غلامحسین جزو فراوان انبار آقا بیک اردونی

جزو فراوان انبار میرزا حسینیان جهانگیرخان فتح

خان خونی علی عسکر آقا بیک میرزا حسینیان قزوینی

ذوالفقار خان همدانی برزوخان همدانی حسین ضامن

کرمانی میرزا مهدیخان

آذره اصطلق توپچیان

برپاست محمد حسینیان پشیمت مخصوص حضور همایون

حاضر دکاب

محمد حسینیان اصطلق میرزا علی اکبر سررشته دار

کل و بران نویس میرزا محمود مشرف حاجی فریاد

نایب اول نایب ویم دو نفر اخترچی و نفر نعلبند

باشی و نعلبند شش نفر

ولایات

خمس

نایب اول سفر نایب ویم چهارده نفر

ملایر و غیره

میراخور و نایب اول دو نفر نایب ویم چهار نفر

شاهوند

نایب اول دو نفر نایب ویم سه نفر

عراق

افراسیابخان میراخور نایب ویم چهار نفر

ساوه

نایب اول نفر نایب ویم دو نفر

ادریز باجان

محمد حجتخان میراخور نایب اول نفر نایب ویم

سفر

خراسان و فارس و سیستان

و کجلا و سر جو قه سرد نقر مباشر نقر

س ابر

اجرا کارخانه خاب توپخانه

آغا غلام محسن رئیس کارخانه جات میرزا عبدالله نویسنده  
میرزا غولیار بخارا باشی و حنّاد باشی و غیره پنج نفر فوج  
افشار بکشلو و سرای داران ابارها و اصناف و غیرهم دو

و هیجده نفر

ماموی دین

بچه غولیار توپخانه های سرحدات و ولایات هشتاد و شش  
نفر

آذربایجان هفت نفر

شهر تبریز

حسینخان یاور

خوی و ارومی

وارد بیل و ساو جیلانغ و لاهیجان و فطرس شهر نقر

سایر ولایات هفتاد و نه نفر

اصفهان

میرزا محمدجان یاور

شیراز

بندر بوشهر

عربستان

عباس علی سلطان

کرمان

عبدالعظیمخان سلطان

خراسان سرحدات

میرزا هاشم سرشنه دار

فاین و سیستان

فریدون بیگ نایب اول

کرمانشاهان

میرزا آقا سرشنه دار

کردستان

لطف الله سلطان

استرآباد

میرزا محسن علی اجودان سلطان

بسطام

علی کرم بیگ وکیل

میان کاله

عباس میرزا یاور

بروجرد

هادیخان نایب

لرستان

محمود بیگ وکیل

یزد

محمد بیگ وکیل

انزلی و درشت

زنجان

احمد بیگ میر جو قه

سایس

از توپخانه و غیرهم که همراه صاحب منصبان و مخصوصاً غولیار

توپخانه هستند بیست نفر

فقیر حنائی مبارک

جناب جهانگیرخان وزیر صنایع و رئیس قورخانه مبارک

سرهنکان

زین العابدین خان سرهنک غلام حسینخان سرهنک

باقرخان سرهنک میرزا محسن سرهنک عبداللهخان

سرهنک عبدالعظیمخان سرهنک پیر میرزا علی اکبرخان

حسینخان سرهنک حکیم بیکر حکیمباشی توپخانه و

قورخانه

یاوران

بینہ پختہ زنبور کخانہ

نصرت اللہ خان سرہپ عبدالحسن خان سرہک علی محمد پیک  
یاوراول امیر خان یاور دوم رستم خان یاور موپکا پختہ  
زنبور کخانہ

موزیکا پختہ صاحب منصبان

شکر اللہ خان سرہک موزیکا پختہ پاشی محمد حسن خان سرہک  
نوادہ مرحوم خان بابا خان سردار کل صفر علی خان یاور  
غلام حسین پیک یاور

دستہ جات موزیکا پختہ

دستہ

موزیکا پختہ توپخانہ

دستہ

ارنگہ و رود باری

دستہ

لورائی و شہرستانک

دستہ

مخصوص نوایا شرف والا ناہیا السلطنہ

دستہ

موزیکا پختہ زنبور کخانہ

دستہ

سادہ

دستہ

سبلا خوری

افواج فاکرہ

قوم ان اول

فوج بہار ان

شجاع السلطنہ سرہپ اول سید محمد خان سرہک

فوج اول خاصہ

حاجی صاحب الدولہ سرہپ اول حلف علی خان سرہک

فوج دو بہ خاصہ

ابو اجمعی حاجی صاحب الدولہ سرہک حاجی مرزا علی خان

فوج دریا تیر نصرت

رحمان سرہپ احمد خان سرہک

فوج مظفر مراغہ

عبدالحسن خان سرہپ فرح خان سرہک

فوج چہار مرتبہ

آقا خان سرہپ جعفر خان سرہک

فوج پختہ ایلات

ابو اجمعی حاجی صاحب الدولہ سرہک رحیم خان

فوج ششم ایلات

ابو اجمعی شجاع السلطنہ سرہک بوستان

فوج ہفتم افشار

ابو اجمعی خسرو خان سرہپ

فوج ہشتم افشار

ابو اجمعی لطف علی خان سرہپ

فوج مجبران

ابو اجمعی شجاع السلطنہ سرہک میرزا مسعود خان

قوم ان لراق پھر

فوج بہار ان خولے

شیخ علی خان سرہپ ابو الحسن خان سرہک افشار

فوج اول ایضا

ابو اجمعی آقا خان سرہپ سرہک علی خان

فوج سیم مراغہ

ابو اجمعی فتح اللہ خان سرہپ

فوج نختہ قاپو

سرہک علی خان

فوج پختہ شقاق

ابو اجمعی شجاع السلطنہ سرہک مرثی فلا آقا

فوج ششم شقاق

ابو اجمعی

فوج درو میر خلیج ساوه  
سپه السلطنه سرنپ اول

فوج بز چلی  
جمعی محمدخان سرنپ

فوج سیلاخوئی  
سرهنگ رضاخان

فوج هفتم سواد کوه  
ابو اجمعی جناب امین السلطان سرنپ امین الملک

فوج ششم سرنپ  
جمعی حاجی مصصا الملک

فوج مجازان کزازی  
مصصا الملک سرنپ اول حاجی ذوالفقارخان سرنک

فوج های از حشمت  
ابو اجمعی حاجی اسحق خان سرنپ

فوج درو بهر ملا بره  
ابو اجمعی عسکرخان سرنپ

فوج سیم لاریجانی  
ابو اجمعی خانبابا خان سرنپ سرهنگ ابراهیمخان

فوج چهار مرکز  
سرهنگ رحمت الله خان

فوج پنجر کلیایکان  
سرهنگ محمد باقرخان

فوج ششم قدیم خسته  
ابو اجمعی مظفر الدوله

فوج هفتم جدید خسته  
ابو اجمعی علی قلیخان سرنپ

فوج مجازان زرند  
جمعی محمدخان سرنک

فوج اول قدیم فریب  
نظر ملک

ابو اجمعی تجاع السلطنه محمد باقرخان سرنپ  
فوج هفتم خلیجالی

فوج مجازان ما کوی  
میرزا علیخان سرنپ

فوج اول پاشا خان سرنپ  
مجدد پاشا خان سرهنگ

فوج قهرمانیه  
حسنعلیخان ژنرال اجودان علیخان سرهنگ

فوج امیریه  
احمدخان سرنپ لطفعلیخان سرهنگ

فوج اردبیل و مشکین  
ابو اجمعی میرزا علیخان مشیرالوزاره

فوج هفتم شفاقی  
ابو اجمعی حسنعلیخان ژنرال سرهنگ خلیلخان

فوج کروس  
ابو اجمعی جناب سالار شکر سرهنگ خضرخان

فوج جدید افشار  
ابو اجمعی میرزا علیخان سرنپ افشار

فوج چهارم جدید مراغه  
ابو اجمعی فضلعلیخان سرنپ

فوج ششم فرا کوزلو  
ابو اجمعی حاجی مصصا الملک سرنک اول سرهنگ فضل الله خان

فوج منصوب فرا کوزلی  
حسام الملک سرنپ اول علیاکبرخان سرهنگ

فوج مجازان  
ابو اجمعی جناب امیر الملک سرهنگ مهدیخان

فوج هاداران فراهان  
محمد طاهرخان سرهنگ

فوج اول طهران  
ابو اجمعی وجیه الله میرزا سیف الملک



تومسان هشتم

فوج بهادر افلغ زنجبرے

سرہنکے حسنینان

فوج اول کرندے

علم ادرخان سرنپ نضرتہ خان سرہنک

فوج سیم کلہر

مہدیخان پاوراول

فوج چہارم زرنگہ

ظہیر الملک سرنپ دیم سرہنکے حسنینان

فوج پنجہزار کردستان

جمعی محمد علیخان سرنپ

تومسان نہم

فوج بہادر افندی

ابو اجمعی عبداللہ خان سرنپ

فوج پشکوہ لرتنا

ابو اجمعی باقرخان سرہنک

فوج ششم سراہی

نواب جلال الدولہ سرنپ

فوج پنجہزار تیشتری

سیرتپہ محمد جعفرخان فاجار

تومسان دہم

فوج بہادران قرانی

ابو اجمعی عبدالعلیخان سرنپ

فوج اول قاپینے

ابو اجمعی چشمہ الملک سرہنکے حاجی پرویزخان

فوج جدید ایضا

جمعی چشمہ الملک سرہنکے میرزا اسمعیلخان

فوج سیم نیکابنی

سعد الدولہ امیر تومان دلچان سرنپ سیم

فوج مخصوص نواب شرف الانا پاب السلطنہ

سرہنکے میرزا عبدالکریمخان و سرہنکے نفعان و میرزا محمد علیخان

نضر الملک سرنپ اول ہدایت اللہ خان سرہنک

فوج دوم جدید ایضا

جمعی نضر الملک سرنپ اول سرہنکے مصطفیخان

فوج سیم افشار بکشلو

ابو اجمعی اللہ پاشا خان اجوانباشی سرہنکے حاجی اسد اللہ خان

فوج چہارم فرزندے

سرہنکے مصطفی خان حاجی

فوج ششم چچا محالی

سرہنکے میرزا عبدالحسنخان

فوج ہفتم عربی و عجم

ابو اجمعی حاجی بہا الدولہ عبدالعلیخان سرہنک

فوج مجبران فرزند کوشی

ابو اجمعی اسمعیلخان سرنپ

تومسان ہفتم

فوج بہادران داوندک

علینفقان سرنپ محمد حسنینان سرہنک

فوج دوم خلیج قر

سرہنکے علی اکبرخان

فوج سیم ہند پے

سرہنکے مصطفیخان

فوج ششم خرقانی

ابو اجمعی لہودا باشی سرہنکے علی محمد خان

فوج ہفتم قلدہم کرمانی

ابو اجمعی میرزا فضلعلیخان سرنپ سرہنکے فیضخان

فوج ہشتم شوکت کرمانی

ابو اجمعی سلیمانخان سرنپ عرب بسطام

فوج نهم جدید کرمسیر کرمان

ابو اجمعی ابراہیمخان سرنپ سعد الدولہ

فوج مجبران درخیز پے

ابو اجمعی سید السلطنہ سرنپ احمدخان سرہنکے

فضل اللہ خان

سواران

آخر باچان

دست

افشار صایقله بر کرد کی عیقلخان

دست

افشار و ابوجعی عبدالحسین سرتاپ اول بر تپ بافرخان

دست

اردبیل و هشکن جمعی افرخان سر کرده عیقلخان سر کرده

دست

چقادی و نوروزخان سرتپ حسینقلخان سرهنک

دست

چلبانلو محمودخان سر کرده رحیمخان سر کرده

دست

خونی عباسعلی بیگ امین بیگ

دست

شفافی جمعی محمدخان

دست

شاطرانلو جمعی علی خان سر کرده

دست

اینانلو جمعی حسینعلیخان بوزباشی

دست

فراباپان جمعی نجفقلخان سرتپ

دست

حاجی علیو بر کرد کی دستخان

دست

فراسوران راه فراجداغ جمعی عباسعلی بیگ

دست

فراسوران جمعی غفارخان سر کرده

دست

فراسوران در شوق و اسنار جمعی امینالوزراه

دست

فراسوران راه مرند جمعی لطفاللهخان

دست

پکانی جمعی اسفندارخان

دست

کلبر بر کرد کی محمد بافرخان

دست

ماکونی بر کرد کی نصراللهخان

دست

مقدم جمعی محمدصادقخان سرهنک

دست

مکری برهنک حاجی آقابیک

دست

نوجه بیکو ابوجعی حسینقلخان سر کرده

سوار مهاجر

ابو اجمعی عبدالقادرخان شجاع الملک

شجاع الملک سرتپ اول حنا سرتپ شهبه اسکندر خان

سهنک کریمخان سرهنک علیچرخا سرهنک ابروانی فرج الله

خان نجفقلخان علیخان ولد عبداللہخان خلیخان

اربلو نعمتالله بیگ صدآقا محمدخان باوراربلو

حاجیخان یادراربلو شیخعلیخان تک محمدخان ولد

لطیفعلیخان غلامحسین علی اکبر آقا علی آقا ولد غفارخان

سر کردگان غلامرضاش

میرهادیخان مرزاین العبدینخان علیقلخان

حسین ابراهیم قای سرهنک اسکندرخان سلیمانخان

خراسانی

امیرضاندس

جامع هزاره

پوسفخان سرتپ اسمعیلخان سرهنک

جامع نیمور

جمعی علیخان سرتپ

جامع مروی

جمعی عطاء اللہ خان

جامعہ درہ جزی

جمعی نور علیخان و محمد ناصر خان سرکرده

جامعہ جمشیدک

جمعی ذوالفقار خان و حاجی محمد امین خان

جامعہ جامی

جمعی بصر اللہ خان جامی

جامعہ باختری

جمعی یوسفخان سر تپ هزاره

جامعہ باختری جامی

علی رضا خان فرولباشی سخنان سرکرده محل صاخان

سرکرده گلزار خان سرکرده

جامعہ آبدی

جمعی نادر قلی بیک

جامعہ فرانی

جمعی محمدخان سرکرده

جامعہ سزوارک

دستہ دستہ دستہ دستہ  
محمد رضاخان محمدخان سعادتیقلخان علیقلخان

جامعہ نیشابور و خرابچی

ابوالجمعی باقرخان

غلامان شہدک

جمعی ابوالفتح خان افشار

غلامان سزوارک

جمعی میرزا فضل اللہ خان

جامعہ افشار

جمعی مرتضیٰ قلیخان

ساکنین مرخس

دستہ دستہ  
باباخان محمد امینخان

جامعہ لیرد بکیر

دستہ دستہ دستہ  
سرخان نیشابور رمضان بیک غلامرضاخان هراتی

جامعہ بچورک

جمعی یار محمد خان ایلخان

جامعہ قوچانی

جمعی پیر حسینخان شجاع الدولہ

جامعہ مردوزانی

جمعی علیم ریاتخان سر تپ تیمورک

جامعہ زردابی

جمعی محمد عظیم خان هزاره

جامعہ سرجامی

جمعی حسینخان و حسنخان

جامعہ چولابی و ماروشک

جمعی سلیمان آقا

جامعہ عنایت آبادی

جمعی صید محمدخان

جامعہ سینسانی

جمعی کل محمدخان

جامعہ خوانی

جمعی لطفعلیخان

جامعہ بزرک

جمعی فتح اللہ خان سرکرده

جامعہ میامی

جمعی صید محمدخان

جامعہ پشکوهی

جمعی سعادتیقلخان

جامعہ خورده اباک

دستہ دستہ  
بار محمدخان جیدرخان

جامعہ سردلان

جمعی اثاخان و حسینقلخان سرکرده

جامعہ شربک

جمعی محمد حسینخان

جامعہ فائینہ

جمعی غلام اکبرخان سرکرده

سوار و مجازه سوار از ماشپری و ریسکافی  
دین العابد بن خان سر کرده

سوار سیستانی  
اسدالله خان سر کرده

سوار و مجازه سوار خجسته  
صادق خان سر کرده

از ندرانی

میرزا ابوالحسن مشرف

سرکردگان

عبدالله خان ملانلو فتح الله خان ایضا صفی خان ایضا  
موسی خان بهان بکلو اسدالله خان ایضا محمد خان ایضا  
حسن خان کرابلی ذوالفقار ایضا حسن خان اوسانلو  
محمد خان افغان

جماعت خواجگانند

ابو اجمعی جناب امین السلطان علی اکبر خان سرهنگ  
پزدان قنجان سر کرده نعمه الله خان حسن خان  
فتح الله خان

سوار عبدالمکر

ابو اجمعی فضل الله خان سر کرده که جعفر خان

از ندرانی

جماعت ندرین کر

ابو اجمعی سلطان اصلان علیقلی پوزباشی مهدی خان اول

جماعت شاهسون افشار

ابو اجمعی جناب امین السلطان جهان شاه خان

جماعت نجیاری

جمعی سفند پارخان سرتیب

جماعت عربان رهنما

مصطفی قلچان سرتیب سلطان میرزا حسن سر کرده میرزا حسن ایضا

جماعت افشار اسد آباد

جمعی صاحب اختیار سر کرده که محمد کرخان

جماعت حسن

جماعت جاجری

جمعی بار محمد خان بلخانی و سهام الدوله

استرا با باری و غیره

استرا آباد

رشته

غلامان استرا بادی جمعی علیجان آقای فاجار

رشته

کلدی خان ریش سفید طایفه جعفریای

رشته

ابو کلدی نظر ریش سفید آنا بای

رشته

قلچان آنا بای

رشته

قوشه خان آنا بای

رشته

امیر خان آنا بای

رشته

ایضا نظر ریش طایفه آنا بای

رشته

قلچ خان سرهنگ جعفریای

زردینی

جمعی افراسیاب خان سر کرده

کودرزی و بسطامی

ابو اجمعی علی خان سرهنگ محمد علیجان سر کرده

گرمکرمانی

افشار گرمانی

میرزا محمود سر کرده

شماچان بی

ابو اجمعی سعد الدوله

سوار و مجازه سوار جمعی ماشپری

اسدالله خان سر کرده عرب بسطام

جمعی ذوالفقار خان سرتیپ

جماعت شاہسویان بانلو

عزیز اللہ خاصا دم الملک سرتیپ دوم حاجی لطف اللہ خان سرتیپ

جماعت شاہسویان بغداد

جمعی شیخ علیخان سرتیپ امیر علیخان سرکردہ اکبر خان سرکردہ

جماعت شاہسویان دہلی

ابو اجمعی جناب امین السلطان غلام علیخان سرتیپ محمد حسن خان

ایضا غلام رضا سرکردہ ولی محمد خان ایضا

جماعت شاہسویان فوسر بیکلو

ابو اجمعی حسین علیخان سرتیپ لدر جو حسین علیخان

جماعت باجلان

ابو اجمعی احمد خان سرتیپ

جماعت خرفانی

ابو اجمعی اللہ بابا خان اجودا بنا شکر کل

جماعت برفاوند

جمعی حسن خان سرکردہ

جماعت اصنانلو

ابو اجمعی خٹا امین السلطان سرتیپ حاجی جعفر علیخان

جماعت فرجولوی خوار

ابو اجمعی خٹا امین السلطان سرکردہ کی صفر علیخان

جماعت افشار ساوجیلاغ

جمعی حسن خان سرتیپ

جماعت کرد بچہ

جمعی نصر اللہ خان سرتیپ سرکردہ کی خانبا باخان

جماعت ہداوند

ابو اجمعی جناب امین السلطان سرکردہ کی رحیم خان

جماعت شاہسوار

جمعی نصر اللہ خان سرتیپ بنور کٹانہ

جماعت ایلک فریب

ابو اجمعی نصر الملک

جماعت افشار بکشلو

ابو اجمعی اجودا بنا شتی سرتیپ کاٹھان

جماعت چکینے

جمعی نصر الملک امیر ثومان سرتیپ کاٹھان

جماعت احمد مند و بھنوتے

سرتیپ کے کر بھنجان

جماعت کلیائی

سرکردہ کی جلال الدین میرزا

جماعت نانکے کر ماٹشاہان

سرکردہ کی سید خسر و خان

جماعت یار احمد

سرتیپ کے حاجی احمد خان

جماعت سجابی

جمعی فرج اللہ خان سرکردہ

جماعت فیلی

جمعی کر بھنجان سرکردہ

جماعت بختیاری

دارا بھنجان سرکردہ

جماعت عرب باصغر

جمعی محمد حسن خان سرتیپ

پادہ

خراسانے

شمال چکان

ابو اجمعی جہد علیخان سرتیپ

جزایر چکان سرخے

غلام محمد خان سرکردہ عزیز محمد خان پیر عیاض خان سرتیپ

بوسفہ بک

آبادی

دشت مند رسکے

جمعی میرزا علی تقی خان سرتیپ

دشت کول

جمعی علی محمد خان سرکردہ

م ازندگی

جامعہ کلباد و غیرہ

جمعی میرزا محمد خان سرنپ لطفعلی خان سرکردہ

محمد مہدی خان سرکردہ طایفہ عمرانو جامعہ طالش سرکردگی

علی اکبر خان بکشتہ سرکردگی علی اکبر خان

جامعہ اشرفیہ

سرکردگی عباسقلی خان

کرمانی

تفکیحیان اناری

حسنقلی خان سرکردہ

تفکیحیان مخفی و افواج

اسمعیل بیگ سرکردہ

تفکیحیان عربیہ نظام

ابو اجمعی سلیمان سرنپ سرکردگی کریم خان

تفکیحیان رعباد

دوران خان سرکردہ

تفکیحیان کوهک و چاہنار و اسفندہ

ملک بہادر سرکردہ

عرائف ازبایب پیادہ بلوچ

جمعی شیخ محمد خان سرہنگ

اخارہ افواج طرح اطریش و سوارہ طرح

فراق

افواج طرح اطریشی

ازبایب صاحب منصبان کہ برقرار ہستند

در تیمان اول

ازبایب پیادہ نظام

مرد میان در قہر

ازبایب پیادہ نظام

شابسوق

کہ عبارت فوج مخبران باشد

رشی

کہ عبارت

دستہ مفضولو

جمعی عبداللہ خان سرکردہ

دستہ اسرا باد مرستا

جمعی فتحعلی خان ایضا

دستہ بالاشاہکوئے

جمعی آغا عبدالرحمن سرکردہ

دستہ پاپن شاہکوئے

جمعی محمد علی خان سرکردہ

دستہ سدن رستا

جمعی محمد فلجان سرکردہ

دستہ انزانی

جمعی محمد علی خان سرکردہ

دستہ مشکند

جمعی محمد فاسخان سرکردہ

دستہ سیاہوئے

دستہ جمعی جعفر فلجان جمعی حاجی افارضا

دستہ لیوانی و سیل سپر

جمعی اسد اللہ خان سرکردہ

دستہ بلوچ

علی اکبر بیگ

دستہ جہات کیلان

دستہ سالیانی

جمعی میر یوسف خان سرکردہ

سوار کرکان مروء

ابو اجمعی نصرہ اللہ خان سرنپ پاول

سوار اسمالی

ابو اجمعی نصرہ اللہ خان سرنپ برہنہ اللہ یار خان

دستہ انزانی

جمعی جبار فلجان سرکردہ

دستہ شفقنی

جمعی نعمت اللہ خان ایضا



محمود خان محمدخان ولد محمد خان نوائی محمدخان  
 ولد ايضا حاجي محمد حسين خان ولد ايضا حاجي محمد وليخان  
 عتيق عليخان ولد مرحوم بيگلر بيگي هاديخان ولد ايضا  
 محمدخان محمد جعفرخان حسينخان هدايت الله خان  
 علي اکبرخان بنفيلخان محمد باقرخان امان الله خان

دولت زاده خان حاکم سابق درگز  
 نایب قاسم نایب کل جنابانهای دولتی نایب قلی نایب  
 کل محلات نایب جرم رئیس دولت احتسابه عدل کل  
 اجرای احتسابه دو بیت شصت نفر نواب محلات

از راه جلیله بلبلستان را الخلاقه و احتساب  
 کت دو مندر رئیس قریب و رئیس کل ادارات پلبلستان احتساب

عباسقلینا سر نایب کل اداره میرزا ابوترخان سر هنک  
 نایب اول و منیرم و منته اجودان و نحو لیدار کل اداره  
 پولیس و احتساب میرزا سپیدپوسف سر هنک منشیار

اول رئیس محله سنگل حسنجان منشیار داروغه بازار  
 میرزا محمد حسین منشیار رئیس محله دولت عتیققلینا  
 رئیس محله عودلاجان میرزا سید احمد رئیس محله بازار

میرزا عبدالرحیمخان منشیار حاکم کلانتر اداره نظیمه  
 میرزا حسنجان منته مدیر استنطاق و خازن ملبوس اجرای  
 پولیس آقا رخان سر هنک منصد امور مسرفات شهر  
 سلطانقلینخان منته منشیار عمل مسرفات میرزا آقا  
 باور نظام جدید طرح اطرافه مامور بمشافی کل اداره قریب  
 و خازن استنطاقهای اداره میرزا سپید محمد رئیس  
 مجلس میرزا بابا نایب رئیس مجلس و رئیس مجلس نانه  
 احمد میرزا نایب سر هنک مامور خدمت حضرت والا نایب  
 السلطنه قهرمان میرزا صاحب منصب مخصوص  
 اداره پچی میرزا صاحب منصب مخصوص  
 ذوالفقار میرزا رئیس پیشخدمت آنها اداره میرزا علیخان  
 رئیس روزنامه جات و حافظ را پورنهای شهر  
 میرزا شفیع صاحب منصب مامور خدمت حضرت والا امیر کبری  
 نایب السلطنه وزیر جنک میرزا بیع مستنطق کل  
 اداره پولیس سر رشتندار مجلس میرزا مهدی

افقاله العالی  
 جناب حاجی ملا باشی محمد حسینخان سر تپ پیشخدمت  
 حضورها یون فرایشاشی حضرت والا میرزا علی دگر معتمد  
 الاطبا طبیب حضورها یون و حکیمباشی نواب اشرف والا  
 امیرزاده حاجی نصر الله میرزا میرزا خور امیرزاده حسید  
 میرزا صاحب جمع عبدالله خان نفلدار باشی اسمعیل  
 خان کیشکی باشی میرزا عتیققلینخان سر تپ پیشخدمت  
 عتیققلینخان سر تپ شرح میرزا علی مستوفی اکبرخان  
 ناظر میرزا محمد منته باشی کاتب السلطان میرزا  
 ابوالقاسمخان منته مخصوص میرزا هادی مستوفی  
 میرزا محمدخان پیشخدمت هدايت خان شاطر باشی

میرزا صاحب منصب مامور خدمت حضرت والا امیر کبری  
 نایب السلطنه وزیر جنک میرزا بیع مستنطق کل  
 اداره پولیس سر رشتندار مجلس میرزا مهدی



# وزارت اعظم داخله و مالیہ

جناب صفا اجل آقا میرزا یوسف وزیر اعظم داخله و مالیہ

وزارت اعظم داخله و مالیہ

جناب میرزا حسن مستوفی الممالک

مستوفی قبا ان عظام که حسب الایات و غیرها

مرجوع بانها میباشد

جناب حاجی میرزا نصرالله مستوفی الممالک مستوفی حساب

اصفهان و کردستان و عراق و سواد و خرفان و محلات

و در جزیره سائر ابلوک و حساب خزانه عامه جناب آقا

میرزا علی قاسم مستوفی خراسان جناب میرزا اسدالله

مستوفی کاشان حاجی میرزا شفیع مستوفی فارس و برات

نوشهر و باب قلم و فنکاران سرکاری علاء الملک مستوفی

میرزا محمد علیخان معاون الملک مستوفی حساب لاهور و بید

و رختدارخانه و صر و صیبه مبارک و فرشتخانه و کرب و باغ

و چایارخانه و حمام خانہ میرزا محمد مستوفی مازندران

و دارالنظاره و برات نوشهر و کبک دولت و حمامات سرکاری

میرزا حسین مستوفی کیلان و آبادارخانه و فهو خانہ و صدق

خانہ و خوار میرزا ابراهیم مستوفی آذربایجان میرزا حسن

ناپ و وزیر دربرم مستوفی حساب کرمان و کلیایکان

میرزا محمود مستوفی و لدمرچوم صاحب دیوان مستوفی همدان

دعاوند میرزا سید کاظم مستوفی اصطبل خاصه و کلید و اب

دیوانی و زین خانہ و کالسکه خانہ و ابلیجی چان میرزا حسن

و لدمرچوم میرزا موسی و زین شکر مستوفی قزوین میرزا علی

مستوفی اطاق موزه و زر کر خانہ مبارک میرزا محمد حسین

مستوفی حساب خزانه نظام و نظریه و جوشقان کنگاور و اسرا

میرزا سید کاظم مستوفی کروس میرزا سید محمد مستوفی لرستان

و طالبان میرزا عبداللہ مستوفی حساب خراسان و برات نوش

علم خلوت میرزا بیگ مستوفی برات نوشهر ازادگان

خادمان حرم جلالت و آغا یان سرکاری میرزا زکریا نوری

عربستان میرزا طاهر کاشی مستوفی سمنان و دامغان

میرزا محمد مستوفی قم و فیروزکوه میرزا علی و لدمرچوم قوا

الدوله مستوفی حساب جنس ارباب میرزا محمد رضا مستوفی

ملا و قزوین میرزا حسین علی مستوفی نهند میرزا

زکیان مستوفی و لدمرچوم میرزا عبداللہ خان نوری برات

نوشهر اداره نظمیہ احتساب میرزا رفیع مستوفی کوه

میرزا اسحق مستوفی برات نوشهر تکرانخانه مبارک و علیخان

و میرزا رضایانہ میرزا عبدالرحیم خلیفہ مستوفی که بعضی برات

نوشهر بااواسف

مستوفی نیکو حساب نندارند و غنک هم

جناب ضیاء الملک جناب میرزا محمود وزیر میرزا

وزیر سابق دارالخلافه میرزا رضا و لدمرچوم معین الملک

میرزا هداایت اللہ سلطان الملک فیض الملک میرزا

رضا قلیخان سراج الملک میرزا سید احمد مستوفی و وزیر

حاجی میرزا محمد و لدمرچوم میرزا نصر اللہ حاجی میرزا

حسین قلیخان مستوفی میرزا محمد علیخان و لدمرچوم وکیل

شکر میرزا محمود خان نواده مرچوم قاسم مقام میرزا

محمد و لدمرچوم و وزیر شکر میرزا محمد سید حاجی میرزا علی

میرزا رضا قلی مستوفی میرزا رضای البرز میرزا فضل

خان میرزا سید ابراهیم حاجی میرزا سید حسین

میرزا محمد حسین و ارغند فر و لدمرچوم و قایم نکار

میرزا علی محمد خان و لدا آقا میرزا علی قاسم مقام میرزا علی

میرزا نصر اللہ برادر مرچوم دبیر الملک میرزا کاظم خان

میرزا مهدی مستوفی رشیدی مستوفی مخصوص سائر و

میرزا سید محمد میرزا حسن میرزا سید محمد میرزا

شکر اللہ و لدمرچوم نصیر الملک میرزا عبدالعلی میرزا

احمد میرزا آقا پیشکار و نواب میرزا نصر میرزا حسین خان

و لدمرچوم حکیمباشی میرزا عبدالحسین و لدمرچوم عبد

الرحیم خلیفہ میرزا علی و لدمرچوم وکیل شکر میرزا

محمد ولد مرحوم میرزا محمد حسن خزانه میرزا جعفر میرزا  
 حسین ولد مرحوم مهتد بناشی میرزا بن العابد بن خان  
 میرزا محسن پیشکار حسام السلطنه میرزا علی اکبر عزیزی  
 مستوفیایانیکه مامور و لایات هستند  
 جناب حاجی مستشار الملك مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان  
 میرزا نقی پیشکار نوامید کن الدوله میرزا احمد خان مامور  
 فارس میرزا سپنخان ولد جناب صاحب دیوان در فارس  
 میرزا جبار الله خان مستوفی حضرت والا ظل السلطان مامور  
 اصفهان میرزا شفیق خان کرکاتی در خدمت حضرت والا  
 ولیعهد دولت علیه در آذربایجان که آن حاضر در الحاق آذربایجان  
 میرزا ابوالفاسخان نور محمد در آذربایجان میرزا داود و قایم  
 نگار در آذربایجان میرزا سید حسنان نائین در نائین  
 و نازک سایل خاصه  
 جناب علامت قوام الدوله وزیر مسائل خاصه  
 متشیر و قالی

میرزا مهتد کیلان مستوفی و فلتی مخصوص  
 رسایح ولی حاجی میرزا عبداللهمنشی میرزا علیخان  
 نائینی ایضا حاجی میرزا یوسفخان ایضا میرزا شفیق زیاده  
 مرحوم میرزا شفیق صاحب دیوان میرزا حسن کیلان  
 میرزا رضای قویسیرکافی میرزا تقیخان فراهانی میرزا  
 ابراهیم کیلان میرزا علی میرزا فاسم  
 متشیران که در خدمت جناب اجل اعظم  
 حاجی میرزا رضا میرزا حسن مستوفی  
 اجزای مجلس وزارت بقایا  
 جناب امیر حضور وزیر بقایا  
 نظر الله خان پیرامین حضور رئیس مجلس میرزا حسن  
 در شده دار میرزا ابوالفاسم منشی میرزا بن  
 العابدین که کتابچه را پوینت عرابی وزارت بقایا را  
 مینویسد و بحضورها پوینت فرستاده میشود

### وزارت عدلیه اعظم

جناب علامت امیر شیر الدوله وزیر عدلیه اعظم  
 مجلس مخصوص وزیر عدلیه عظمی و اجزای آن  
 میرزا حسین خان منشی حاجی علیقلیخان فاجار که مامور  
 حکومت کاشانت حاجی سپنخان پیر مرحوم عمید الملك  
 میرزا اسمعیل منشی باشی برادر مرحوم ملک الکتاب شریف  
 میرزا باقر منشی میرزا یوسف منشی  
 مجلس صد دیوانخانه که اغلب امیر ملک  
 شرعیات با بخارجوع میشود  
 میرزا شفیق پیر صد دیوانخانه قبح الله خان ناظم اداره عدلیه  
 عظمی که عرابی سواری بهنگام او مرجوع است میرزا ابوالف  
 منشی میرزا ابراهیمخان منشی میرزا محمد علی منشی میرزا  
 سید حسین محتر میرزا سید مهتد ایضا میرزا عبدالغنی  
 بنان دفتر میرزا سید ایضا  
 مجلس تحقیق و در عا و نفوس

حاجی میرزا حسینخان کرانمایه میرزا محمد حسین منشی  
 میرزا حسن منشی کیلانی میرزا حسن شیرازی عزیزی  
 مجلس تحقیق که بعضی عا و نقد و منقر فرها  
 با بخارجوع میشود  
 اعتماد الملك حاجی علیقلیخان یازک میرزا محمد حسین  
 مجلس جنایات بخارت  
 حاجی میرزا علی رئیس محمد حسن میرزا پیر مرحوم سپامک  
 میرزا میرزا منصور خان میرزا رضا منشی آمی میرزا  
 محمد علی منشی تبریزی میرزا شفیق منشی پیر مرحوم میرزا  
 زین العابدین منشی نقرش میرزا عبدالحسن بنات  
 مجلس تحقیق که بعضی امور با بخارجوع میشود  
 حاجی محمد سپنخان فاجار میرزا محمد علی منشی  
 مجلس اجراء

محمد چنگان برادر مرحوم محمد بقچان حاجالدوله	میرزا حاجی میرزا زین العابدین داروغه میرزا عبدالکریم
اسمعیل خان منشی باشی	عزیزه نکار میرزا علی منشی هفته بکر و حاضر منشی
حاجی محمد رضا خان برای مہری نور محمد خان	میرزا عبدالحمین منشی در دفتر خانه اسنہ وقت
هدایت اللہ خان	لازم شود حاضر است

## منقرضہ وزارت جلیلہ خارجہ

جانبہ لائما بمؤمن الملک و زہرا مور خارجہ

اسامی اجرائی کرگرتہ وزارت جلیلہ خارجہ بر طبقی	خان منشی سیم میرزا ابوالقاسم نویسنده و آتشہ میرزا
ترتیبات جلدہ	اسمعیل نویسنده و آتشہ

### اخبارات خمسہ

دائرہ مخصوص وزارت کہ در تحت رہا است شخص جلیل و زہرا مور خارجہ میباشد

میرزا مجیدخان ناظم الملک نائب اول و مدبر میرزا کاظم پسر مرحوم میرزا زین العابدین منشی اول میرزا اسد اللہ منشی دوم میرزا آقاخان نویسنده و آتشہ نویسنده و آتشہ ایضاً نضر

### ادارہ دول غیر ہجواد

حاجی میرزا مہدیخان نائب اول	حاجی میرزا عبداللہ خان مدبر حاجی میرزا رضا خان مترجم
حسین قلیخان نائب اول وزارت خارجہ میرزا شکر اللہ نا	منشی دوم میرزا سپدرضا منشی دوم محرر و آتشہ
نکار نائب ویم میرزا علیخان منشی اول میرزا عبدالحم	دو نفر
خوشنوسر عنوان نکار حاجی میرزا محمد علی منشی اول	
میرزا عبط علیخان منشی اول میرزا سپد امین منشی دوم	
اسمعیل خان فریشتا بشی محمد حسینخان اجودان اول	
فیروزخان اجودان اول محمد رحیم بیک غلام باشی	
غلام حسینخان نویسنده و آتشہ محرر و آتشہ نضر	

### دفتر خمسہ

#### دفتر ثبت ضبط

میرزا مصطفی خان نائب اول و رئیس میرزا رضی خان منشی	میرزا حسن منشی سیم مترجم نضر محرر و آتشہ نضر
اول میرزا محمد حسینخان دفتر دار میرزا علی نقی منشی سیم	

### ادارہ انکلیس

میرزا علی اکبر خان نائب دوم و مدبر میرزا حسینخان پسر مرحوم وزیر لشکر منشی اول میرزا عبدالمطلب منشی دوم میرزا حسینخان پسر میرزا شفیقخان منشی سیم میرزا حسینانجذانی نویسنده و آتشہ نویسنده و آتشہ ایضاً نضر

میرزا جوادخان نائب اول و رئیس میرزا مہدی منشی اول میرزا عبدالرحیم منشی سیم محرر و آتشہ دو نفر

#### دفتر رسو و شرفیات

محمد بقچان نائب اول و رئیس میرزا ابوالقاسمخان پسر میرزا رضی خان منشی سیم منشی ایضاً نضر میرزا اسمعیل لاریجانی نویسنده و آتشہ محرر و آتشہ ایضاً نضر جواد بیک اجودان دوم

### ادارہ روس

میرزا نصر اللہ خان نائب دوم و مدبر میرزا حسینخان منشی دوم میرزا حسینخان پسر مرحوم میرزا اسمعیل

درفتر چهره خطوط درمن

میرزا محمود خان مفتاح الملك نایب ویم و رئیس بارونز  
مترجم اول میرزا علیخان مترجم اول منته دوقر حاجی  
میرزا مهدیخان مترجم ترکی غلامحسین نوسینده و آتش  
میرزا مسعود خان نوسینده و آتش

درفتر محاسبه

میرزا عبدالوہابخان نایب ویم و رئیس میرزا محمد حسین  
مترجم اول میرزا علیخان مترجم اول منته دوقر حاجی  
علی باشا خان خزاند ار جودان میرزا صادق نوسینده و

آتش میرزا علی اکبر عزب نتر محتر سباق دان و آتش و نتر  
صاحب منصبی اکبر بالفعل در این مرکز نتر وزارت  
خارجہ مشغولند و در خدمت حضرت قاری

میرزا جواد خان سرنپ نایب اول میرزا خانلرخان میرزا  
ابوالفاسخان نایب ویم میرزا موسی خان منته اول  
میرزا عیسی خان میرزا اشرفخان سرهنک مهندس  
اسدالله خان مهندس مترجم دوم محمد حسن خان غلام  
پیشخدمت

اسامی موقوفین کارکنان ریهای داخله  
کارکنانی اول در آذربایجان و سایر

کارکنان ری اول

جناب ساعد الملك کارکنان اول حاجی میرزا صادق خان نایب  
نایب اول قلیخان سرنپ مستشار هماندار حاجی  
میرزا معصوم خان نایب منته اول میرزا مهدیخان  
سرهنک نایب اول میرزا حسنخان سرهنک و نایب  
هماندار میرزا حسینخان سرهنک و نایب میرزا محمد  
خان ناظم دفتر و سرهنک ساطورخان سرهنک مترجم  
اول میرزا رحیم باور کارکناری میرزا هاشم منته  
میرزا محمد جودان علیخان جودان و هماندار میرزا  
هاشمخان کارکنان ری

اداره تذکره اخبار ایلیان

عبدقلیخان امین الوزاره رئیس تذکره اخبار حاجی میرزا

حسین نایب منته اول

کارکنان ریهای و لایات دیگر

ارض آفندس کارکنان ری ویم

میرزا معصوم خان سرنپ کارکنان میرزا فتح الله خان منته

استر اباد کارکنان ری ویم

میرزا جواد خان کارکنان میرزا اسدالله منته میرزا

علی اکبرخان و قایع نکارجر

فارس

بوشهر و بند عباس حاجی میرزا عبداللہ خان کارکنان

کیلان

میرزا محمد علیخان کارکنان میرزا عبدالرسول نایب میرزا

حیدرآباد خان امین تذکره کیلان

سایر ولایات

میرزا محمد قلیخان کارکنان قوچان و بجنورد میرزا مهدی

خان کارکنان مازندران میرزا حسینخان کارکنان کاشان

محمد جعفرخان کارکنان خارجه اصفهان میرزا آقاخان

کارکنان خارجه کرمانشاهان سلیمانخان کارکنان

خارجه کردستان

اسامی سفراء کارکنان ری از آن دولت علیہ در مالک

ولایات دولت عثمانی

اسلامبول

جناب معین الملك امیر تومان سفیر کبیر میرزا احمدخان

مستشار میرزا جوادخان نایب میرزا رضاخان

ترجمان اول حاجی محمدخان ژنرال قونسول حاجی میرزا

میرزا معصومخان نایب میرزا آقا منته اول دکتر پامادوکا

حکم سفارت حاجی آقاخان ترجمان ضابطه جودان

ترجمان بخارث یوسف بیک ترجمان شیر مرحوم اسد

مسئول و منته قانون دان سفارت

اردین الرقه

میرزا حسینخان کارپرداز

میوه و هندوستان میرزا سلیمان خان کارپرداز  
ملکنه رسته قونول

برهان حاجی احمد قونول

دولت رسید

سفارتخانه پترزبورگ و غیره

جناب میرزا اسدالله خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص  
میرزا محمود خان مستشار میرزا علیشیر نایب منشی

مترجم نقر آقا میرزا جعفر قونول مسکو

نقلین سایر خاگ قفقازین

میرزا محمد علیخان معین الوزاره کارپرداز مقیم نقلین میرزا  
رضاخان دانشی ناپاول

میرزا معصومخان و پس قونول بادکوبه

میرزا بهرام و پس قونول لنگران و سالیان میرزا محمد دفتر دار  
میرزا جبارخان و پس قونول ابروان

حاجی ترخان

میرزا علیخان کارپرداز منشی نقر مترجم نقر

سفارتخانه پاریس و غیره

جناب نظر آقا وزیر مختار و ایلچی مخصوص میرزا احمدخان  
مستشار و نایب مسووموز لیه حکیم سفارت مسوومیه

ژنرال قونول مسوومهران و پس قونول مسوومیشاد  
قونول مارسپل مسووکرو لو قونول بر دو مسوومو

ادوبنه قونول هاور

سفارتخانه وین

جناب زبیرخان وزیر مختار و ایلچی مخصوص میرزا حسنخان  
نایب اول

سفارتخانه و سایر ولایات  
سفارت دولت عثمانی

در طهران

جناب خیزی بیک افندی سفیر کبیر رفیق بیک ناپاول  
سرکراننده نایب و پتم میرزا حسنخان منشی اول

طرابلس

حاجی میرزا حسنخان کارپرداز

مصر

حاجی محمد صادق خان کارپرداز

شام

میرزا حسنخان کارپرداز

وان

میرزا موسی خان کارپرداز

حلب

میرزا شکرالله کارپرداز

عراق عرب و غیره

بغداد

میرزا محمودخان کارپرداز اول میرزا طه اسفله نایب  
حسن افندی کاتب ترکی حاجی میرزا ابوالقاسم ترجمان

بصره

حاجی میرزا صادق خان کارپرداز میرزا محمدخان نایب

کر بلائی معالی

محمد حسنخان

بخفا شرف

میرزا عبدالوہابخان

خانقین

محمد اسمعیل بیک

سلیمانیه

میرزا علیخان کارپرداز

سایر خاگ عثمانی

گرگوک عباس بیک کاظمین کریم بیک مندیج میرزا ابوطالب  
دبار بیک میرزا حسین مسیت نصرالله بیک عماد علی بیک سماوات

حسین بیک بینا المقدس میرزا هادی حیدر حاجی میرزا علی قونول  
از میرزا محمدخان یعقوبیه پون سفیران حله حاجی عباسقلی

قرلرباط و شهران شیرخان بیک انطاکیه موسی بیک  
دولت انکستان و غیره

سفارتخانه لندن و پیرس و هلاند

جناب ناظم الدوله میرزا ملک خان سفیر کبیر اجزای سفارتخانه  
هندوستان و غیره صورت نداده اند

### سایر ولایات بترین

علیهن بیک باش شهید در میرزا حاجی آقا منته  
منصو آقا وکیل شهید دارو منته عبد الاحد آقا وکیل  
شهید ساو جیلاغ

### کرمانشاهان

محمد رفیعی بیک شهید حاجی ملا احمد منته

### کردستان

آقا سید جابر عرب وکیل شهید میرزا بشیر منته

### شیراز

حاجی سید ابراهیم وکیل شهید میرزا سید محمد منته

### هدان

حاجی محمد سعید وکیل شهید آقا محمد حسین منته

### سفارت دولتروس

### در طهران

جناب سپهبد ملکوف وزیر مختار و ایلیچی مخصوص

مسپوار غزوی پولونایا اول مسپو غزوی و بیچ مترجم

اول مسپو نیلی پین مترجم دوم مسپو اغتایف

آتشه مسپو چری بن حکیمباشی میرزا مهدیخان

منته اول میرزا ابوالقاسمخان منته دوم

### قونسولگری تبریز

مسپو بطرف زوزال قونسول مسپو اشچاکونوف مترجم

کیازدا پترا آتشه مسپو پانفیدین نایب میرزا

علی اشرفخان منته

### قونسولگری رشت

مسپو لاسوف قونسول مسپو پاچنوف نایب

و مترجم مسپو الیری آتشه میرزا عبد الله منته اول

قونسولگری استرآباد

مسپو کاخانوشک قونسول موسپو لویتسکی آتشه

سفارت دولت استرید و مجاریستان

جناب مسپو کوسیک وزیر مختار و ایلیچی مخصوص

### مسپوشفرنا پیاول سفارت دولت انگلیس

### در طهران

جناب اندلطا مسن وزیر مختار و ایلیچی مخصوص قونسول

ژوزال والیر بیک منسشار اول ولیم هرکه منشا

دوم دیکین صاحب السنه شری اثر کار کو صاحب

اسکندر فین و پس قونسول هنری جرجیلد فر دار

سرجوسف یکسن طبیب میرزا زین العابد بن منشی اول

میرزا شعیب منشی دوم میرزا حسن منشی چهارم

### سایر ولایات

### بترین

دبلم جارح آت قونسول ژوزال

کیلان و هازندران و استرآباد

کلنل لوٹ

### بوشهر

کلنل داس بالوز و قونسول ژوزال کیلیان مکور

نایب اول منته دونفر کاتب و نفر

### مشهد مقدس

میرزا عبدلخان

### اصفهان

مسز آقا نور

### شیراز

حیدر علیخان وکیل موقتی

### هدان

آقا سید حسین

### کرمانشاهان

حاجی آقا حسن

### سفارت دولت فرانسه

### در طهران

جناب مسپو بالوا وزیر مختار و ایلیچی مخصوص مسپو

سوزا نایب اول مسپو لرمترجم اول مسپو کلب

مترجم و دفتر سفارت میرزا ابراهیم فیض  
شیرین

میرزا حسن فیض  
دولتین هیلاند و رومانی

مسیو امیل برنر زوال قوسول مسیوادی برشا  
شوالیه شوالیه لشار شارل کپوز زوال قوسود ولش هیلاند رومانی

اذا را من جنبا جلا التما بفضی السلطان وزیر میرزا اعظم خزانة عاظم و کرم و غیره

نایب کلا داران میرزا علی اصغر خان امین الملک ولد جناب میرزا علی

کار دیوار امتیازات مخصوص

شیخ الاطباء میرزا حسن علی معتمد الاطباء میرزا علی دکتر حکیم  
حضرت والا نایب السلطنة امیر کبیر و زنجک میرزا نصر الله  
ننگابی میرزا لقمان ولد ملک الاطباء میرزا سید علی  
حاج میرزا حبیب الله ننگابی میرزا اسد الله کاشانی  
فرزند

وزارت دربار اعظم ریاست خزانة مبارکه اندرو ریاست  
فراوان مخصوص وجود هاپون ریاست اردوی هاپون

خلوت هاپون  
ارباب مناصب

جناب کتر طولوزان حکیمباشی میرزا بن العابدین خان  
کاشانی نایب حکیمباشی طولوزان مسیو هیلاند دندان ساز

جناب اقبال الدوله رئیس خلوت هاپونی حکم الملک  
پیشخدمتباشی سلام غلامحسینخان حازن رکب خانه  
مجد الملک میرزا یحییان منته حضور و رئیس اداره وزارت  
وظایف غلامحسینخان امین خلوت و تفکدار باشی

فراشخلوان خلوت هاپونی و غیره

میرزا کریم محمودی اعلی خلوت هاپونی میرزا محمد خان قاشانی  
حضور مجددان خان فراشخلوت آقا سید ابوالقاسم  
آقا سلیمان ده باشتی خلوت میرزا هدایت آقا سید محمد  
آقا صادق و غیره

سایر

ادب الملک محمد حسنخان محقق جعفر فلجان ولد مرحوم  
الدوله امیرزاده سلطانا حسین میرزا محمد حسنخان پیشخدمت  
و فرانسواشی حضرت والا نایب السلطنة امیر کبیر و وزیر جنگ  
محمد ابراهیمخان ولد مرحوم امین الدوله نور محمدخان امین بوجا  
آقا رضا ناظم خلوت میرزا عبدالله خان جبارخان آقا میرزا  
محمد کروی حاج میرزا حبیب الله خان محمد حسنخان میرزا سید  
عبدالکریمخان حسینخان محلاتی امیرزاده سلطان ابراهیم میرزا  
ژنرال اجودان حضور امیرزاده آقا مسیح علی اکبرخان پسر  
محمدخان امیرزاده تیمور میرزا

فقو خان مبارکه

غلامعلیخان فقوچی باشی آقا جبار فقوچی

تفکداران خاصه

در اداره جناب اقبال الدوله

غلامحسینخان امین خلوت رئیس تفکداران خاصه رضا  
فلجان محمد مانجان رشیمان مصطفی فلجان آقا  
فریح خان میرزا باقرخان علی اکبرخان میرزا محمدخان  
میرزا محمدخان

سند و خانوار خندان خان

امین السلطنة سند و خندان در جامه دار خاصه خازن مخزن خندان  
عسکر بدولت علی

حسنخان پشیان اسد الله خان اسمعیلخان محمدخان  
کریمی نصر الله خان نوری رضاخان نادر بیگ  
میرزا ابوالفتح خان حاجی یحییان حاجی علیخان  
باقی تفکداران خاصه هشتاد نفر

اطباء خاصه  
ایرانی

خواجگه سرایان

ملک الاطباء میرزا کاظم میرزا سید رضی حکیمباشی نظام

مستوفی سرشنه دار اسناد پوسفا اسناد کارخانه

مهدی الحرم حاجی آقا جوهر خواجہ باشی و سرنپ آغا حراب

اداره کرکانه کمالک محروسه

حاجی شروخان حاجی آقا فرزند آقا حسن حاجی آغا

مسئول کتابچی فانون نویس میرزا علی سرشنه دار

غلام علی آقا سید اسمعیل آقا اجرام آغا فتح الله

میرزا علی اصغر منجم محبت تقیخان ناظم میزان آذربایجان

آقا میرزا احمد دستانی آقا نوری آغا فرج

آقا باقر مدبر کرک کپلان و مازندران و بنادر دریای خزر

اطلاق عوزہ مبارکه

غلامرضا خان ناظم میزان بزد و کرمان و کاشان

آقا میرزا علی اکبر مستوفی میرزا علی نایب ایضا آقا باقر آقا محمد

محمد حسین میرزا مدبر کرک فرزند و حسن و همدان

اداره خزانه مبارکه مالیہ

سجری میرزا مدبر کرک کرمانشاهان عباس علی بیک

برایست میرزا اسمعیل خان ولد جناب امین السلطان

کرک طهران محمد حسن میرزا مدبر کرک خراسان

میرزا فضل الله خان مستوفی میرزا احمد منشی میرزا جعفر ایضا

میرزا ناصر الله مدبر کرک اصفهان محمد حسینی

شیخ مرتضی محصل دار میرزا سید جعفر دفتر دار میرزا محمود

کرک فارس بنادر چدرخان مدبر کرک نهاوند و

وجوهان خزانه مبارکه اندرون آقا محمد علی محمولدار کل خزانه

ملا بر و توفیرکان محمود بیک مدبر کرک کرک و کرکستان

آقا هدایت محمولدار و جوکرک و غلات میرزا هادیخان سرشنه دار

اداره غلات کمالک محروسه

میرزا محمود سرشنه دار میرزا عباس نصرت نویس میرزا

برایست میرزا اسمعیل خان ولد جناب امین السلطان

لطیف سرشنه دار خزانه آقا قلی صراف آقا ذین العابدین صراف

میرزا رضا فلجان سرشنه دار میرزا ولی محمدخان

اداره آبدارخانه و سقاخانه

مامور نقد و مجلس اداره حضرت والا ظل السلطان

برایست آقا محمد علی امین الحضرة ولد جناب امین السلطان

محمد تقیخان مامور غلات آذربایجان آقا رضاخان مامور

آقا پوسفا تقیباشی آقا حسین علی آقا باقر آقا دانی میرزا

پوسفان مامور ملا بر و توفیرکان و همدان و نهاوند

ابوالقاسم نایب میرزا غلام حسین سرشنه دار آقا فتح علی

ابراهیمخان مامور سمنان و دامغان و شاهرود و

علاء الدار خانه پانزده نفر سفاس و هفت نفر

بسطام محمود بیک مامور قم و ساوه

اداره صرف جیب مبارک

اداره حکومت و تولید او پوسفاس

آقا حسین علی محمولدار میرزا رضا قلی سرشنه دار کل

حضرت عبدالعظیم علیه السلام

اداره خزانه

جناب آقا میرزا هدایت الله ناظم التوثیه حسین فلجان

حاجی محمد حسن امین دار الضرب آقا باقر رئیس میرزا سید

ناظم التوثیه نایب الحکومه حاجی سید علی اشباشی

عبدالله سرشنه دار حاجی محمد محمولدار سایر اجراء هفتاد نفر

میرزا اسمعیل مهادار حاجی میرزا عبدالکریم صد الحفا

فوج سوار کوه قزول مخصوص

میرزا یحیی ناظر میرزا حبیب الله کلید دار آقا شیخ احمد

امین الملک میرزا علی نصر الله خان مرهک میرزا سید

واعظ میرزا عبدالحسین سرکشک آقا میرزا باقر

اداره چراغ گاز و الکتریسیته

سرکشک میرزا بزرگ فرزند ضریح مطهر میرزا کاظم

سرشنه دار میرزا حسین پسر میرزا علی



نقد و جلس میرزا حسن سردار ختام بیست و پنج نفر و سوار دویست نفر  
فرا و بیست نفر کلابار پانزده نفر مؤذن و چراغی  
پانزده نفر

سواره هداوند

رحیمخان سرکرده میرزا ابوالقاسم مشرف صاحب منصب  
و سوار صد و پنجاه نفر

قراچوری

صفرعلیخان سرکرده میرزا اسحق مشرف صاحب منصب  
سوار یکصد نفر

سواره قرا سوزان زعفرین

جمعی آقا باقر بیوکخان سرکرده میرزا علی اصغر مشرف  
صاحب منصب سوار یکصد و هفتاد نفر

اداره آسار غلدار اختلافه

برایستاقا بووسف مقاباشی میرزا علی سردار  
میرزا حسن سردار فرخ آقا غولیدار میرزا علی  
روزنامه نویس میرزا بیچ مشرف مباشر و غلداران  
چناندار و فرانس و غیره ده نفر

اداره ایلات آرا اختلافه

ابو اجمعی امین الملک ولد جناب امین السلطان  
عرب و رامین عرب بیشتر عرب سستانی اهل  
هداوند ایل و صائلو ایل و چورلو ایل لیکائی  
ایل کاکوز ایل بخناری ایل شفقائی ایل اوریات  
پلات منفرد عرب کلکو

اداره بناخان و فخرخان

علاء الملک مشرف بنائی حاجی ابوالحسن معارباشی  
میرزا حسن سردار میرزا مصطفی قلم سردار  
میرزا علاء الحسن سردار حاجی میرزا سید ابوطالب  
سردار میرزا مصطفی مدبر فخرخان حاجی حسینعلی  
معار باغات دیوانی استاد حسینعلی معار عارات هابونی  
استاد حسین معار بناهای نظام حاجی محمد حسن کدخدای  
فخرخان نایب فرانس بیست نفر

اداره راههای شوسه

راه شوسه و بن سپرده به آقا باقر غلدار یکصد و هشتاد نفر

اداره حکومتها مخصوص

سمنان و دامغان و چهارده کلان حکومتها الدوله  
طاهر حکومت آقا باقر سوار کوه حکومت حاجی و لیخان  
نایب حکومت لشنه تشا و املاک مجد الدوله در میلان  
حکومت اکبرخان بیکلر بیک خیزیش پیمان محمد اسمعیل  
بیک نایب حکومت خوار محمد جعفرخان نایب حکومت  
اداره شترخان و قاطرخان و شترکلای و  
تخت خان

برایست محمد قاسمخان صاحب جمع ولد جناب امین السلطان  
میرزا علی مشرف شترخان حاجی میرزا محمد علی مشرف تخت  
میرزا علی مشرف قاطرخان جواد بیک نایب اول شتریار  
نصیر بیک نایب دوم شتریار موسی خان نایب تخت خان  
حاجی حسن نایب قاطرخان بابا حاجی نایب دوم بابا اکبر  
غولیدار جنس غلداران بنایده باشی و داروغه قاطر  
و ساربان بک هزار و پانصد نفر

اداره سواره دیوانی

دو هزار و یکصد و بیست نفر  
سواره دیوانی  
آقا جان خان سرهنگ کریمخان ایل بکی میرزا رحمت  
مشرف صاحب منصب و سوار پانصد نفر

سوار افتاد

جهانشاه خان سرنوب و بیگلر میرزا محمد علی سردار  
میرزا موسی مشرف صاحب منصب و سوار پانصد نفر  
خواجهدارند  
علی اکبرخان سرنوب حسنخان ایل بکی میرزا شکرالله

اوصانلی

مشرف صاحب منصب و سوار پانصد نفر  
سپهالله خان سرکرده میرزا حسن مشرف صاحب منصب

راه شوسه تم سپرده بمیرزا نظام مهندس المالك عمده خان | راه انچه و نور و فز و ركوه و آمل سپرده بمیرزا نوری و میرزا  
دائمی بیجاہ نفر | نظام مهندس المالك

اداره دارالنظاره مبارکه و اداره مقدسه  
مهر آتارها بون بر پانچ جناب جلالتنا ب عضد الملك وزير  
حضورها بون و خوانسار و خازن مهر آتار و ابلخانی  
ابرا حلیل فاجار

اجزای دارالنظاره

محمد علیخان پیشخدمت حضور نایب النظاره میرزا علی قلی قلی  
میرزا صادق سردشندار میرزا علی اکبر شریف شاد باشی  
حاجی میرزا محمد ضای شریف دار میرزا محمد نایب شریف بیجاہ  
محمد حسن چورچی باشی اسناد زین العابدین شیرباشی  
حاجی نصر الله طباح خاصه دوم آقا محمد باقر مخولدار حلی  
اسناد میرزا یحیی خاصه پز کر بلائی ربیع ایامی باشی  
اجزای اداره مهر آتارها بون  
میرزا زین العابدین حافظ مهر آتار مبارک محمد کریم بیک  
حامل مهرها بون سفر و حضرا فر اول و مستحفظ شش  
نفر

ایشیک خان مبارکه

امیر الامراء العظام ظهیر الدوله ایشیک فامی باشی  
نایب نایب ایشیک فامی باشی و یساولان  
محمد امین خان محمد خان قورسا و لباشی امیرزاده  
حسینقلی خان تقیخان جعفر قلیخان اسداللهخان  
ابوالفتح خان حسینیان محمد علیخان برادر شهریار خان  
ابوالفتح خان عباسقلیخان اکبرخان علیخان  
موسیخان علی آقا فاجار حاجی حسینیان غلام حسینیان  
سلیمانخان علیخان مصطفی قلیخان امان الله خان  
آقاخان محمد علیخان نوائی محمدخان نوائی مهدیقلیخان  
مرغی قلیخان میرزا سیدهاشم میرزا حسینقلی سلیمان آقا  
محمد علیخان کروی میرزا مهدیخان حسین بیک میرزا  
عبدالحسین عباسقلیخان حاجی علیخان آقا محمد

خان دائی غلامعلیخان اشرفی امام قلیخان نوائی  
کرچان زنکنه محمودخان نوری غلامحسینیان آبرو  
میرزا محمد نوری میرزا محمد حسین محمد حسینیان  
زنکنه عباسقلیخان حاجی عبدالله سلیمانخان  
عبدالرزاق بیک فرج اللهخان میرزا عبدالکریم  
عباسقلیخان حاجی محمد تقیخان محمد آقای ابرو دائی بیجاہ

کشتیکخان مبارکه

امیر الامراء العظام عبداللهخان کشتیکباشی  
و کمالشکر مباشر کل محاسبات کشتیکخان مبارکه محمود  
قوللر فامی باشی

غلام پیشخدمت

درجه اول چهارده نفر درجه دوم بیست و چهار نفر  
درجه سوم بیست و هشت نفر درجه چهارم هشتاد و هفت نفر

بوزباشان

رستمخان فاجار سرنپ عباسقلیخان کروی سرنپ  
چندر قلیخان مافی سرنپ محمد قلیخان بیات سرنپ  
عزت اللهخان مافی سرنپ کلبعلیخان قبه سرنپ  
طهاسقلیخان بوزباشی ماموران زرباچان سلطان  
خان ایضا علی اصغر خان بوزباشی موسیخان قبه  
بوزباشی عبداللهخان بوزباشی باباخان ایضا

محمد حسینیان ایضا محمد اسمعیلخان ایضا  
فرانشخان و سر ابدار خان و نسیمی خان مبارکه  
محمد حسینیان حاجی الدوله فرانشباشی و نسیمی باشی

فرانشخان

حسینقلیخان نایب کل میرزا آقا سردشندار  
نایبان  
درجه اول بازده نفر

میرزا حسین شرف بوستخان فاجار میرزا محمود نو  
مجدد رضا خان فرزند بی بی بی بی طهرانی  
غلامان مریدان مخصوص  
ابو اجماع علاء الدوله میرزا احمد خان سرنبد اول و شیخ

مخصوص حضورها یون

سواره موهلای

سیصد و هشتاد و چهار نفر

ارباب مناصب

بیست و دو نفر

محمود خان سرنبدی لدر حرم سپه دار حاجی حسین خان نایب  
نواده مرحوم رفیع خان فاجار میرزا رفیع خان سرهنک  
فتح الله خان سرهنک زعمنا الله خان پوزباشی علاء  
نوبین و نفر نایب نجف پناه باشی ده نفر

سایر

سیصد و شصت و نفر

سواره مناصب

هزار و بیست و پنجاه و هشت نفر

ارباب مناصب

پنجاه و دو نفر

عباسقلخان سرنبدی لدر حاجی صمصا الملک زین العابدین  
خان سرنبدی لدر حسام الملک امیرزاده فریدون میرزا  
ولد مرحوم سالار مجملخان پوزباشی غلامان خلیج  
خیرالله خان پوزباشی غلامان مافی لطیفخان پوزباشی  
غلامان کروی حاجی مجدولخان پوزباشی غلامان سید  
علمدار خان سرکرده غلامان تکلو اسمعیل خان سرکرده  
ولد فاسخان سرنبدی آقا سی خان سرکرده ولد ایضا  
میرزا رضاقلخان سرکرده اسکندر خان سرکرده غلامان  
خلیج میرزا موشتی نایب نوزده نفر پنجاه باشی  
بیست و نفر

سایر

یکهزار و دو بیست و شش نفر

آقا شرفی فرزینی محمود ولد ارباب آقا محمد جعفر شیرازی  
ابوالفاسخان میرزا سپید جعفر جعفر خان بیک شاد مغز  
محمد تقی بیلباری میرزا ابراهیم مازندرانی محمد تقی بیک  
شیرازی آقا علی اکبر هر سینه محمد ابراهیم خان کاشانی  
رحیمخان

درجه دوم هجده نفر

میرزا محمد تقی میرزا عیقلی آقا رضاقلی میرزا حبیب  
میرزا عبدالحمید میرزا اسدالله میرزا محمد آقا رجب  
آقا مهدی میرزا عیلس مهدیخان احمد آقا کریم  
کاظم محمد مهدی بیک میرزا آقا ولد ابوالفاسخان میرزا  
بیار آقا سید رضای پیام باشی محمد حسین بیک  
چراغی باشی

درجه سیم چهارده نفر

میرزا فتح الله خان آقا محمد علی علی آقا بیک غلام مجتهد  
رضا خان کاشی میرزا احمد محمد حسین بیک ابوالفاسخان  
خان ولد مهدیخان ابراهیمخان ولد ابوالفاسخان  
نظر الله بیک حاجی میرزا محمد آقا بیک حسین آقا  
حبیب الله بیک قزاقبدر داعی

قاپوچی باشی قاپوچیان

محمد آقا قاپوچی باشی احمد خان نایب لدر قاپوچی باشی  
کریمخان رمضان پهلوان ابراهیم بزدی

سرایدار خانان

محمد ابراهیمخان سراپدار باشی حسینقلخان نایب  
ولد سراپدار باشی رضاخان نایب ولد ایضا آقا پوسف  
نایب آقا نجف نایب آقا محمد نایب علی مدد خان نایب  
میرزا ابراهیم نایب

تسلیان مبارک

محمد رحیمخان تسلیان باشی ولد حاجب الدوله

نایبان

عباسخان فاجار هادخان فاجار محمد زمانخان  
ابوالفاسخان فاجار خانبا باخان سر بندی

# ادارات خاصه جناب جلاله آبا من الدوله ملير و مرتبه دار الشوكر اكبري و فراسطه

عراضه و صدور احكام

وزارت و وظائف كل ممالك كرويه  
جناب جلاله آبا من الدوله وزير وظائف

مطلبه فاشياشي و خويلدار كل پشخانها ميرزا هادي  
خويلدار امانات ميرزا اسدالله منته اول ميرزا

دفعه خاصه وزارت  
رئيس كل مجد الملك منته حضورها بون

مجلسه مخصوصه ميرزا  
مصطفى خان ميرزا محمد علي منته ميرزا محمد حسين محترم و ثبات

دفعه ثلثه حساب  
اقا علي داسمعل خان مجاز كنده نوشته داخله و خا

رئيس ميرزا سيد مصطفى منته و نايب الوزاره و وظائف ميرزا  
نصرت الله سرشته دار ميرزا سيد حسين سرشته دار ميرزا

مجلسه سرشته دار ميرزا علي اصغر سرشته دار  
دفعه اشتهاء

رئيس ميرزا مهدي منته باشي نايب الوزاره نوبنده ميرزا محمد  
ثبات و نفر

دفعه تحقيق و توضيح  
ميرزا اول طهاسيك ديار اول دوم غلامان كل  
ولايات هشتاد نفر فراشان پشخانه مركزه طهران

اعضا  
ميرزا سيد مصطفى منته و نايب الوزاره ميرزا مهدي منته باشي  
ميرزا نصر الله سرشته دار

دفعه اسناد  
رئيس ميرزا سيد حسين محرم و ضابط ميرزا سيد يوسف  
اجزاي مجلس وزارت و وفات

اقا ميرزا حسن منته و رئيس اقا سيد محمد باقر جازي ناظم  
مجلس ميرزا محمد منته مجلس وفات ميرزا حسن كباچه

نوبس ميرزا سيد حسين سرشته دار ميرزا يوسف ثبات  
اداره كيتي انر صبار كره

بوزارت جناب جلاله آبا من الدوله  
اجزاء پشخانها در خار الخلافه طهران

ميرزا محمد عليخان مستشار نايب كل و رئيس طاق مركزه  
مسئول كلا نايب اول و دفتر دار و منته مكاتبات خارجه

ميرزا اسمعيل منته باشي نايب اول وزارت ثلثه  
ابراهيم سرشته دار و محاسبه نوبس كل پشخانها ميرزا

ميرزا حاجي اقا خويلدار امانات و نوشجات ميرزا  
رضا سرشته دار و خويلدار ورود و خروج ميرزا

محمود خويلدار و دفتر دار اينسانليك و ملامته ها  
ميرزا مهدي خويلدار و نوشجات سفارشي و منفرد داخله

حسن اقا كشرل نوبس غلامان خط طهران پنجفر  
غلامان خط جلفا و نفر غلامان خط خوي و نفر

فراش پشخانه ميرزا بشير نفر  
پشخانها في ولايات جزا آخر بايجان

ميرزا مهدي منته باشي  
ميرزا بشير

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

ميرزا اسمعيل منته باشي  
ميرزا اسمعيل

اصفهان

میرزا کریم رئیس میرزا ضراب الله نویسنده فراش

سه نفر

حلقا

پوستخان رئیس نویسنده نفر فراش نفر

آباد

میرزا جعفر رئیس فراش نفر

سشیراز

نظر علیخان رئیس میرزا باقر نویسنده فراش سه نفر

فاصله شش نفر

کازرون

میرزا آقا رئیس فراش نفر

بندر ابوشهر

مسعود بنون رئیس میرزا محمود نویسنده میرزا محمد علی

کبرنده نوشینخان فراش دو نفر فاصله شش نفر

خط بند و کرمان

فائین

میرزا محمد رئیس فراش نفر

بند

میرزا ابوالقاسم رئیس نویسنده نفر فراش سه نفر

فاصله شش نفر

کرمان

میرزا علی رضا خان رئیس میرزا جواد نویسنده فراش

سه نفر

سپهران

مرتضی فلینجان رئیس فراش نفر

رفسنجان

میرزا آقا رئیس فراش نفر

بندر عباس

میرزا عبدا الوهاب رئیس فراش نفر فاصله هشت

لار

میرزائی مباشر نویسنده نفر غلام نفر فراش نفر

ارومیه

میرزا نیکلا مباشر غلام نفر فراش نفر

خلخال

میرزا اسمعیل مباشر نویسنده نفر غلام نفر

خوی

میرزا مهکد مباشر نویسنده نفر فراش نفر

مرغه

میرزا آقا بالا نویسنده نفر فراش نفر غلام نفر

ارخبیل

میرزا علی قلی مباشر نویسنده نفر غلام دو نفر فراش نفر

سلما س میرزا غلام مباشر غلام نفر فراش نفر

جلقا امیرخان رئیس نویسنده نفر فراش نفر

قره قروین

میرزا زین العابدین رئیس میرزا حاجی آقا نویسنده

فراش سه نفر

زنجان

میرزا محمد علی رئیس نویسنده نفر فراش سه نفر

رشت

میرزا سرکسرخان رئیس میرزائی نویسنده خوی

نفر فراش سه نفر

انزلی

میرزا جبار فراش نفر

خط فارس

قهر

میرزا فضل الله رئیس نویسنده نفر فراش نفر

سلطان آباد

میرزا نصر الله رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

کاشان

میرزا هاشمخان رئیس میرزا ابراهیمخان نویسنده

فراش سه نفر

حاجی میرزا ابوالقاسم رئیس میرزا محمد حسین نویسنده

رئیس نفر فراش نفر  
خان خانقاه کین

فراش چهار نفر  
خان طمازندان

نوبران

امل

میرزا علی قلی مباحث فراش نفر

میرزا اللهیار رئیس فراش نفر

هدان

بار فرزندش

میرزا یحیی رئیس میرزا محمد نویسنده فراش نفر

حیدر خان رئیس فراش نفر

تقی لیسرکان

ساری

میرزا احمد مباحث فراش نفر

حسن خان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

کنکاور

استرآباد

میرزا محمد مباحث فراش نفر

میرزا اواسر رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

کرمانشاهان

ط کردستان

حاجی میرزا ابراهیم رئیس میرزا نعمتی نویسنده فراش

دولت آباد

خانقین

اسدالله خان رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

طهاوند

میرزا محمود رئیس فراش دو نفر

خان خراسان

میرزا فتح الله رئیس فراش نفر

پروجرود

سمنان

میرزا عبدالغنی رئیس فراش نفر

میرزا علی رئیس فراش دو نفر

کروس

شاهرود

میرزا فرج الله رئیس غلام راه ساوجبلاغ دو نفر

میرزا سید نصر الله رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

غلام راه کروس زاده کلان ابن بشار دو نفر فراش نفر

سبزوار

سنندج

میرزا اسمعیل رئیس نویسنده نفر فراش دو نفر

ابوالقاسم خان رئیس نویسنده نفر

نیشابور

فراش دو نفر

میرزا محمد حسین رئیس فراش دو نفر

ارضی اقدس

اداره وزارت تجارت و فلاحت بوزارت جناب جلالتاب نصیرالدوله وزیر تجارت و فلاحت

سایر اجزای مجلس محاکمات

صاحب منصبان مجلس محاکمات

حاجی میرزا آقا حاجی علی اکبر شيرازی حاجی احمد آقاي

مشیر لشکر رئیس مجلس و باب وزارت تجارت حاجی میرزا

اردبیل آقا محمد ابراهیم آقا محمد طهرانی آقا محمد ابن ارباب

پوسنجان نایب مشیر لشکر میرزا ابوترخان مستشار

طهرانی حاجی ملا حسن ناخو طهرانی آقا سید عبد الحمید

وزارت تجارت میرزا حسن خان منشی حاتم خان آخوند

معین البخاری

مجلس محترم نجاشی

شاهزاده نصرالله میرزا رئیس مجلس نایب ذرات حاجی  
میرزائی آقا آقا سید آقای ناجر کاشانی آقا میرزا ابراهیم  
شیرازی حاجی محمد ابراهیم ارباب طهرانی حاجی محمد  
ناجر کاشانی میرزا یعقوب محاسب حبیب الله خان  
اجودان

مجلس محترم ترویج

شاهزاده حاجی محمد طاهر میرزا رئیس مجلس میرزا ابوالقاسم  
خان مستشار وزارت بخاری آقا میرزا صادق منش  
میرزا مهتاب منش آقا عبدالباقی ارباب طهرانی حاجی  
محمد حسن ابن دار الضرب حاجی علی اکبر ناجرده دمشقی  
آقا میرزا کاظم منش آقا میرزا محمود منش حاجی شیخ ابوالفتح  
رضا خان اجودان

تجار معرفت منوقف طهران

حاجی محمد کاظم ملک البخاری ممالک محروسه حاجی آقا موسی  
اصفهان حاجی میرزا عبد الرحیم شیرازی صراف خزانة  
حاجی علی قلی ناجر کاشانی حاجی ابوطالب ناجر طهرانی  
حاجی محمد حسین ناجر تبریز آقا شیخ محمود ناجر تبریزی  
حاجی میرزا محمد آقا ناجر تبریزی حاجی عبد اللطیف ناجر  
ده دشمن آقا سید کاظم معین البخاری کلان حاجی عبد  
الحسین ناجر شیرازی آقا علی سیبیر حاجی علی اصفهانی  
حاجی علی اصغر ابن معادن حاجی محمد صادق ناجر کاشانی  
حاجی علی ناجر بزدی حاجی میرزا محمد علی ناجر شیرازی  
حاجی محمد حسین ناجر کاشانی حاجی غفار ناجر تبریزی  
آقا علی محمد ناجر تبریزی حاجی حسن ناجر نجفوانی حاجی  
محمد نفی ناجر کاشانی حاجی محمد مهدی ناجر کاشانی  
حاجی محمد حسین ملک البخاری کاشانی آقا میرزا حبیب الله ناجر  
کاشانی آقا علی محمد ناجر کاشانی آقا میرزا احمد ناجر کاشانی  
حاجی شکر الله ناجر طهرانی میرزا ابوالقاسم ناجر اصفهانی  
حاجی علی احمد ناجر طهرانی آقا محمد اسمعیل ناجر جهرمی

حاجی محمد آقای ناجر همدانی مشهور محمود ناجر تبریزی  
میرزا احمد ناجر شیرازی حاجی ابراهیم ناجر اسکوی حاج  
آقا کوچک ناجر فروزینی حاجی عبدالرزاق ناجر اسکوی  
آقا محمد حسین ناجر تبریزی حاجی ابوالقاسم ناجر جهرمی  
آقا محمد حسین ناجر ازندرانی حاجی عباس ناجر فروزینی  
آقا علی مقدم ناجر فروزینی حاجی محمد رضا ناجر شیرازی  
حاجی محمد جعفر ناجر خراسانی

مجلس شایر و لایات مالک محرم

حاجی حسین علی خان بیکریک مملکت آذربایجان رئیس  
شیرین

اجزا

حاجی سید نفی آقا ناظم البخاری حاجی شیخ جعفر حاج  
محمد حسین ملک البخاری حاجی محمد صادق مشیر البخاری  
حاجی آقا هاشم معتمد البخاری حاجی عبدالحمید حاجی سید  
حسین ناجر اصفهانی حاجی سید مرتضی

تبخان

رئیس حاجی میرزا محمد حسین وزیر

اجزا

حاجی میرزا بهاء الدین آقا هادی ملک البخاری حاجی سید

فروزین

شاهزاده یعقوب میرزا رئیس

اجزا

حاجی محمد رضا ارباب حاجی میرزا مهدی ارباب حاج

محمد صادق ارباب

گیلان

رئیس محمد خان سرهنک

اجزا

حاجی محمد معین البخاری حاجی محمد آقای ملک البخاری حاج

حبیب الله حاجی سید رضی مشیر البخاری حاجی کاظم ناجر

اصفهان

رئیس جعفر فلینجان قاجار

حاجی محمد حسن امین البخار حاجی سید ابراهیم حاجی  
سید جعفر حاجی میر عبدالرحیم حاجی علینقی حاجی <sup>الطفیل</sup>

همدان  
رئیس میرزا احمد پیشکار

اجزا

حاجی محمد سعید عرب حاجی میر عبدالرزاق حاجی  
ابوالفاسم شهور برشته حاجی محمد صانراقی حاجی

مازندران

رئیس سهام الدوله سر نیاول حکمران

اجزا

میرزا علینقی ملک البخار حاجی محمد اسمعیل آقا سید حسن  
حاجی سید حسین آقا خلیل حاجی ملا آقا جان

مشهد مقدس

رئیس حاجی ابوالفاسم ملک البخار

اجزا

حاجی محمود ناجر کابلی حاجی محمد نفی ناجر میلادی حاجی محمد <sup>جعفر</sup>  
ناجر کاشانی حاجی ابوالفاسم ناجر کابلی حاجی مهک ناجر  
اضفها حاجی محمد حسین ناجر مشهدی مشهور بفاضل

کرمان

رئیس آقا محمد علی امین الرعايا

اجزا

آقا سید مهک ناجر اضفهان حاجی محمد جعفر ناجر هرنندی  
حاجی غلامرضا ناجر خراسانی حاجی اسدالله ناجر یزدی

شیخ محسن ناجر کرمانی

عراق

برپاست میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه

کرمانشاهان

برپاست حاجی آقا حسن وکیل البخاره دولت انگلیس

سمنان و دامغان

برپاست آقا محمد ناجر یزدی

اجزا

حاجی آقا محمد ملک البخار حاجی محمد کاظم فرزند پنی حاجی عبد <sup>اللطیف</sup>  
حاجی سید ابراهیم حاجی عبدالغفار آقا محمد مهک ارباب

شیراز

رئیس میرزا رضا بیکریک <sup>خان</sup>

اجزا

حاجی شیخ زین العابدین حاجی محمد صادق حاجی سید <sup>ابراهیم</sup>  
ناجر اضفهان حاجی میرزا ابوالفاسم حاجی محمد <sup>مهدی</sup>

حاجی میرزا جواد کشته حاجی محمد حسین ناجر کازرونی  
آقا میرزا بزرگ ناجر شیرازی

یزد

رئیس ابراهیم خلیل خان حاکی

اجزا

آقا کوچک ملک البخار حاجی محمد صادق ناظم البخار  
آقا علی آقا ناجر شیرازی حاجی محمد نفی شیرازی حاجی

محمد نفی عرب آقا محمد جواد ولد حاجی ملا محمد نفی معین البخار  
بدر شهر

رئیس حاجی مهک ملک البخار

اجزا

حاجی علی اکبر ناجر کازرونی حاجی ابوالفاسم ناجر کازرونی  
آقا محمد ناجر ده دشتی حاجی محمد حسین ناجر کازرونی حاجی

غلام حسین حاجی محمد حسن ناجر بوشهری حاجی محمد <sup>ابراهیم</sup>  
ناجر بند فرودش

کردستان

رئیس میرزا علینقی

اجزا

حاجی میر ابراهیم امین البخار آقا سید فرج الله حاجی  
سید محمد آقا بابا جان آقا حیدر الله آقا فتح علی همدانی

کاشان

رئیس حاجی عبد قلی خان حاکی

اجزا



### شاهرد و بظام

برایست محمد جان توربا و لباشی حاکی

### اجزا

حاجی ابوالقاسم ناچر بظامی آقا محمد هاشم ناچر اصفهانی

میرزا بابا ناچر شیرازی حاجی محمد علی ناچر اصفهانی

حاجی میر حسین ناچر شاهردی

### کروس

برایست آقا اسدالله ناچر همدانی

### سبزوار

برایست میرزا اسمعیل رئیس شیخان

### ملاپر

برایست حاجی محمد جعفر امین البخار ملاپر

## وزارت علوم و غیره

جناب جلال‌الکتاب مخبرالدوله وزیر علوم و تلکراف و معادن عمالک محروسه

### وزارت علوم

مدرسه مبارکه دارالفنون

### رئسا و معاونین

جناب جعفر قلیخان سرنپاول در رئیس مدرسه محمد حسین

خان سرنپای و بیم و ناظم مدرسه میرزا اسدالله خان

ناپساول وزارت علوم محمد تقی میرزا سرنپای پشم و

اجودان مدرسه میرزا محمد حسین رئیس کتاب احکام

نویس مدرسه میرزا محمد تقی سررشته دار مدرسه

اسدالله خان کتابدار محمد حسین میرزا روزنامه نویس

### معلمین

#### ایرانی

حاجی نجم‌الملک سرنپای و بیم و معلم کل علوم ریاضی و منجمی

میرزا ابوالقاسم حکیمباشی معلم طب ایرانی میرزا کاظم

حکمت طبیب میرزا علی دکترا معتمد الاطبا طبیب جضو هابو

و حکیمباشی حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ

معلم طب فرنگ میرزا محمد دکترا رئیس شیخان مبارکه معلم

طب فرنگ میرزا علی اکبر خان نقاشباشی سرهنک معلم زبان

فرانسه و نقاشی میرزا علیخان قاجار معلم طب تجاتی

ملا محمد صادق معلم فارسی و عربی

### فرنگی

مسئول پستارخان معلم زبان فرانسه دارای درجه دوم سرنپای

مسئول پروسیخان معلم زبان فرانسه دارای درجه دوم سرنپای

مسئول معلم موزیک دارای نشان درجه سوم شیر و خورشید

و نشان طلای علمی مسرطره معلم زبان انگلیسی دارای

نشان درجه سوم شیر و خورشید مادر و سخنان سرهنک

معلم زبان روسی و دارای نشان درجه چهارم شیر و خورشید

دکترا ابو معلم طب مسئول معلم توپخانه مسپو

معلم پیاده نظام مسرها و کتس معلم معدن

### مترجمین

محمد باقر خان سرهنک مهد قلیخان پیر جناب وزیر علوم

### خلفاء و غیره

#### خلفاء

از ریاضی و غیره نه نفر

شاکردان فارغ التحصیل دوازده نفر

اطباء شش نفر مهندسان شش نفر

### شاکردان

دو پست و شصت و دو نفر

### سایر معارف و مدرسه

میرزا جعفر خان ناظر مدرسه میرزا نصیر ملایر و خانه

دولتی میرزا آقا بزرگ مدیر عکاسخانه میرزا عباس

نقاش و مدیر باسره خانه مدرسه غلامحسین ملک نایب

### اجزای مجلس حافظ الصخر

جناب جلال‌الکتاب مخبرالدوله وزیر علوم جناب جعفر قلیخان

رئیس مدرسه

اطباء ایرانی

ملک الاطباء حکیمباشی حضورها یون آقا میرزا سید رضا  
حکیمباشی نظام شیخ الاطباء طبیب مخصوص حضور میرزا  
ابوالقاسم حکیمباشی و معلم مدرسه میرزا کاظم معلم حکیم  
طیب میرزا دکترا معتمد الاطباء طبیب حضور مبارک و حکیمباشی  
حضرت والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ میرزا محمد  
دکترا رئیس ریضخانه مبارکه حاج میرزا حبیب الله حکیم  
حضور میرزا نصر الله طبیب حضور میرزا عبدالکریم  
میرزا عبدالله میرزا علی اکبر خان حسنخان میرزا محمد  
سرشنه دار میرزا نصرت طبیب مخصوص مدرسه طبیب  
ریضخانه و رئیس آبله کو بی طهران محمد حسین میرزا قاسم  
فرنگی و غیره

جناب کتر طولوزان حکیمباشی مخصوص حضورها یون  
میرزا زین العابدین خان حکیم حضور نایب کتر طولوزان  
دکترا صاحب حکیمباشی سفارت انگلیس دکترا چرب بین  
طبیب سفارت روس دکترا بکن

اجزاء ریضخانه مبارکه دولتی

رئیس اطباء

میرزا محمد دکترا رئیس ریضخانه مبارکه حسنخان طبیب  
دو اساز میرزا نصرت طبیب مخصوص مدرسه دارالفتون  
و طبیب حافظ الصحه و رئیس آبله کو بی طهران آقا سید ابوالقاسم  
مقیم شب و روز ریضخانه میرزا قوام الدین طبیب  
میرزا ابراهیم ایضا میرزا فرهاد شاگرد دو اساز  
سایر اجزاء

میرزا سید علی نیرت مشرف ریضخانه مشهور کتب و مؤلفات  
شیخ محمد مؤذن ناظر طبایع و ایامی سرنفر سایر  
علمه حاجت نوزده نفر

اجزاء دولتی تبریز

از فرارسنه ما ضیاء است  
اداره تلکرافیه ما الت محروسه  
بوازرت جناب بلا لقا بجنرال دوله وزیر علوم

چهار صد و هشتاد و پنج نفر  
دارالخلافه باهره و حضرت عبدالعظیم

ادبای صاحبخانه

حسینقلیخان سرنیت رئیس کل نصرالسخان سرنیت  
تلکرافیه عارف مبارکه محمد رضاخان سرهنک بخوبلدار  
محمد رضا میرزا سرهنک محمدرضاخان سرهنک رشته جلیل  
میرزا تلکرافیه و دو نفر

ادبای قلم

میرزا سلیمان سرشنه دار کل میرزا عبدالوهاب منته  
باشی منشیان دوازده نفر محررین دوازده نفر

اجزای خارجه

مسئول سرنیت فز در خارجه مسیو اطامیکا کچی  
مسیو لاپین ناظم خلیه میرزا سرهنک آقا نرسس تلکرافیه

سایر علمه حاجت

از غلام سواره و پیاده و فراش و غیره بیست نفر

خط فارسی کرمان

شمر

محمد میرزا رئیس تلکرافیه سرنفر نویسنده نفر  
فراش دو نفر

کاشان

علیه خان سرهنک و رئیس تلکرافیه دو نفر نویسنده نفر  
فراش دو نفر

اصفهان

میرزا ابوالقاسم سخان سرنیت رئیس تلکرافیه هفت نفر  
نویسنده سه نفر غلامان چهار نفر فراشان چهار نفر

شیراز

و ابوشهر و آباده و کازرون  
علی اصغر خان سرهنک و رئیس تلکرافیه هشت نفر نویسنده  
فراش هشت نفر

یزد

و نواب و عقدا و کرمانشاه  
محمد جعفر میرزا سرهنک و رئیس تلکرافیه چهار نفر غلامان

شش نفر فراشان دونفر

نلکراچی نفر غلام دونفر فراش نفر  
ساوجبلاغ

و نواب و بهرام آباد و انار

کرمان

نلکراچی نفر غلام نفر فراش نفر  
امرومی

عباسعلیخان سرهنگ و رئیس نلکراچی سه نفر نوپسند نفر

غلام شش نفر فراش سه نفر

نلکراچی نفر نوپسند نفر غلام دونفر فراش نفر  
کیلان

خط از دریاچیان و کیلان  
تزوین

محمد مهدی پیر زار رئیس نلکراچی سه نفر نوپسند نفر

فراش سه نفر

شاهزاد میر زار رئیس نلکراچی سه نفر نوپسند نفر  
غلام چهار نفر فراش دونفر

زبجان

جعفر خان رئیس نلکراچی نفر فراش دونفر

نقاط نابعد

اندریاچیان

منجیل

نلکراچی نفر غلام شش نفر فراش نفر

شهر تبریز

انزلی

میرزا جعفر علیخان سرنبد رئیس نلکراچی یازده نفر نوپسند

نلکراچی نفر غلام نفر

چهار نفر غلام دونفر فراش پنج نفر

خط خانقین و عربستان

ولایات جزیره

خان آباد

میابنج

نلکراچی نفر غلام دونفر

نلکراچی نفر فراش نفر

نوبران

خوی

نلکراچی نفر غلام دونفر

نلکراچی نفر فراش نفر غلام دونفر

زره

سلاس

نلکراچی نفر غلام دونفر

حسین آقا باور و رئیس نلکراچی دونفر غلام پنج نفر

فراش نفر

هدان

مرند

نصرت الله خان سرهنگ رئیس میرزا طاهر خان سرهنگ

نلکراچی نفر غلام نفر

نلکراچی پنج نفر نوپسند نفر ناطال صاحب نلکراچی

جلقا

خارجہ غلام چهار نفر فراش چهار نفر

کنکاور

نلکراچی نفر فراش نفر

نلکراچی نفر غلام دونفر

میاندوآب

کرمانشاهان و سرحدات

نلکراچی نفر غلام دونفر فراش نفر

کرمانشاهان

کوهکان

محمد صافی میرزا سرنبد رئیس میرزا حسین سرهنگ

نلکراچی نفر غلام دونفر

نلکراچی شش نفر (داخله سه نفر) (خارجہ سه نفر)

مراغه

غلام سه نفر فراش سه نفر

### سرحدات

قصر شيرين

نلکراچی نفر غلام دو نفر

کرمند

نلکراچی نفر غلام دو نفر

سریل

نلکراچی نفر غلام نفر

### کردستان

میرزا اسمعیل خان سرهنگ درپس نلکراچی نفر نویسنده

نفر غلام و فراش چهار نفر

منزه

نلکراچی نفر غلام سه نفر فراش نفر

بیچار

نلکراچی نفر غلام نفر فراش نفر

ملایر

میرزا محمد باور درپس نلکراچی نفر نویسنده غلام

دو نفر فراش نفر

عراق

سید الملوک میرزا درپس نلکراچی نفر نویسنده نفر

غلام دو نفر فراش نفر

هانند

میرزا حسین باور درپس نلکراچی نفر غلام دو نفر

فراش دو نفر

بروجرد ملکان

میرزا حسین سرهنگ درپس نلکراچی چهار نفر نویسنده

نفر غلام پنج نفر فراش سه نفر

خرم آباد

میرزا موسی خان سرهنگ درپس نلکراچی نفر غلام

نفر فراش دو نفر

عربستان

میرزا جواد درپس نلکراچی نفر غلام دو نفر فراش نفر

خط خراسان و مازندران

ایوان کیف

نلکراچی نفر غلام دو نفر

خوار

نلکراچی نفر غلام دو نفر

سمنان

حاجی بابا خان درپس نلکراچی دو نفر نویسنده نفر

فراش و غلام چهار نفر

فروزانکوه

نلکراچی نفر غلام سواره و پیاده دو نفر

دامغان

حاجی آقا درپس نلکراچی نفر نویسنده غلام سه نفر

شاهرود و نقاط تابعه

آقاخان سرهنگ درپس نلکراچی چهار نفر نویسنده نفر

غلام ده نفر فراش یک نفر

سبزوار و نقاط تابعه

حبیب الله میرزا سرهنگ درپس نلکراچی سه نفر غلام

هفت نفر فراش سه نفر

نیشابور

مجد حسین میرزا درپس شیندر صاحب تربت نلکراچی نفر

فراش و غلام پنج نفر

مشهد معدس

میرزا فضل الله خان سر درپس نلکراچی نفر

نویسنده نفر غلام دو نفر فراش پنج نفر

استرآباد

سید حسین خان سرهنگ درپس نلکراچی دو نفر

غلام چهار نفر فراش دو نفر

مازندران

ساری

میرزا هدا پاشا خان درپس مازندران نلکراچی نفر

### وزارت معادن

جناب جلال‌الآب مخبر الدوله وزير علوم و معادن  
 مسووسندلر <sup>نائب</sup> مهندس مرضى قليچان سرهنك ولد  
 جناب زير علوم عباس قليچان سرهنك مهندس ميرزا  
 عبدالكريم منشي حاجى علي اصغر امين معادن  
 ميرزا ظاهر سرهنك معلم معدن پروسى و غيره دونفر  
 ساپرا اجزاء  
 دونفر

نوسنده نفر غلام چهار نفر فراش دونفر  
 بار فروش  
 نلكرانچي نفر غلام دونفر فراش دونفر  
 بنديجن  
 نلكرانچي نفر غلام سه نفر فراش نفر  
 مشهلسر  
 نلكرانچي نفر غلام نفر فراش نفر  
 اشرف  
 نلكرانچي نفر غلام سه نفر فراش نفر

### وزارت فوايد عامه

جناب جلال‌الآب امين لشكر و زير فوايد عامه  
 تشريف من هونديفن قايديمه اجزاي وزارت

### ساپرا اجزات

#### شا طران

برياست شير الملك فضل الله خان شاطر باشه

#### جارچيان

محمد هاشم خان جارچي باشه حسنان نايب  
 يحيى خان ايضا ابراهيم خان ايضا غلام محسن خان  
 ايضا

#### قوشخانه مباركه

ابراهيم خان قوشچي باشه ميرزا عليخان قوشچي  
 باشي

#### ميرشكار و ابناء

حاجي مصطفى خان ميرشكار عليخان ولد ميرشكار  
 نايب غلام محسن خان ولد ايضا حبيب الله خان  
 ساپرا ابناء معروف  
 نه نفر

#### اصطبل خاصه مباركه

امير الامراء العظام محمد الدوله مهد قليچان امير آخور اصطبل  
 مبارك ميرزا سيد كاظم مشوق اصطبل خاصه ساپردواب  
 ديواني ميرزا رضا قلي سرشده زيار حاجي ميرزا رضا  
 مشرف حاجي ميرزا مهدي ايضا ميرزا نصير ايضا  
 نايبان اصطبل بيست و چهار نفر

رشيد خان ميرزا ابراهيم خان و قليچان حاجي نايب  
 محمديك ساپرا نايبان نوزده نفر ساپر علمه اصطبل  
 از جلو دار و غيره دو بيست و پنجاه نفر

#### كالسكه مباركه

برياست امير الامراء العظام امير دوست محمد خان معير المالك  
 صاحب منصبان و نايبان پنج نفر

حاجي حسين علي باشي كه كلبه امورات كالسكه خانه باشه  
 اليه است ابو طالب بيك نايب ميرزا يعقوب  
 مشرف ميرزا علي رضا جعفر قلي بيك  
 ساپر علمه نود و  
 شش نفر

# وزارت انطباعات و دارالترجمه خاصه دولتی

جاء بجمع الدوله و وزارت انطباعات و دوله و رئیس دارالترجمه خاصه هابونی و مدیر کل باغات و فنون دولتی

## دارالترجمه مبارک دولتی

مترجمین ایرانی از بابت باز فرانسسه انگلیسه غیره

مترجمین عربی و فرانسسه و انگلیسه

علیه خان سرهنک مترجم زبان فرانسه غیره

مترجمین زبان انگلیسه و فرانسه

ایضا مترجمین ایرانی از بابت زبان عربی و غیره

میرزا محمد حسین ادیب لقیه غیره و رئیس دارالطباعة دولتی

مترجم زبان فرانسه و عربی میرزا علی محمد خان سرهنک ناپساول

و زارت انطباعات مترجمین زبان عربی میرزا سید رضی مترجم

میرزا سید ولی مترجم علم جغرافیا

## مترجمین فرنگی و غیره

مسئولین دارخان سرنویس معلم و مترجم زبان فرانسه انگلیسه

غیره مسیوپر و سکه خان سرنویس و هم معلم و مترجم زبان فرانسه

و غیره و اجدان مخصوص وزارت جنگ بارون زمان

مترجم زبان فرانسه المان مادروسخان مترجم زبان فرانسه

و روسی مامور بخداشترجانی اداره سواره فراق روسیه

عارف بک مترجم ترکی عثمانی و غیره

اجرای وزارت انطباعات و اداره دولتی

میرزا سید حسن سنو و روزنامه جات و دارالطباعة دولتی

میرزا محمد حسین ادیب لقیه غیره و رئیس دارالطباعة دولتی

میرزا علی محمد خان سرهنک ناپساول و زارت انطباعات میرزا ابوزرتادوشان پنه

نقاش مخصوص نقاشی شیر و زارت انطباعات میرزا سید احمد

کاتب و روزنامه ایران و سالنامه و غیره

مترجمین و روزنامه اطلاع و غیره و مترجم علم جغرافیا

آقا میر محمد علی کاتب میرزا علی نقاش و اسناد طبع مامور

بخداشترجانی و زارت انطباعات میرزا عباس کاتب

و محرر دارالطباعة دولتی میرزا یوسف مباشر چاپخانه های

الخلافت طهران اسناد حبیب الله اسناد مخصوص طبع دار

الطباعة دولتی اسناد محمد ابراهیم اسناد طبع دستکاسفری

ملا غلام حسین مذهب دارالطباعة دولتی اسناد محمد اسمعیل

صاحب دارالطباعة سایر عملیات بلسبب پیغمبر

امیرزاده عیسی قلی سیرا پاشا مستخوص حضرت ولایت

علی روزنامه و باسما خانهای آذربایجان مباشرین روزنامه

سایر و کایات مغیره هشت نفر

الزاده روزنامه فرهنک منطبعه اصفهان

میرزا فتحی خان سرنویس هم حکیمات حضرت والا ظل السلطان

و نکارنده روزنامه فرهنک میرزا عبدالرحیم خوشنویس

بافسر محمد روزنامه

مؤلفین و اجزاء مجلس تالیفات و اشعار

ناصری

آوندلان و غیره و سید مترجم میرزا سید رضی مترجم

میرزا طاهر خوشنویس کاتب میرزا عبدالحسین مسوده

نویس کتابدار غیره

الزاده باغات و اعزازات و فنون مبارک دولتی

رؤساء

حاجی میرزا حسین پیر محمد بافریک باغبان باشی اسناد

اسمعیل مفتی باشی حاجی حسین علی معمار مخصوص میرزا

عبدالمجید خان نایب سرالبدان سلطنت آباد و نایب کل

محمد علی شرف و دوشان پنه

سررشته دار و غیره

میرزا مهدی سررشته دار کل فنون و باغات دولتی میرزا

محمد علی شرف و دوشان پنه

باغبان و سرایدار کل باغات مبارک دولتی

پانصد نفر

ولایات ملک محمد سوادکار الخلفه طهر اکبر جواد ارات زیاد نوشته شد است  
ملکت آذربایجان و غیره

پیشخدمت امیرزاده عبدالغلام میرزا پیشخدمت و علی پسر  
آذربایجان میرزا علی بیگ خان پیشخدمت و کتابدار مرخصی  
ولید جناب محمدرالدوله میرزا علی اکبر خان ولید فخر الاطباء  
میرزا محمد علیخان کاشی حاج میرزا سیدخان ولید حاج میرزا علی  
وکیل الرعايا حاج محمد تقی ولید ثلعه بیگی نیریز میرزا جواد  
نواده جناب زبرد فرزند امیرزاده محمد فیلیمیرزا احمد خان میرزا  
حاجی خازن لنگ میرزا حسن علی ولید مرحو حاج میرزا حمید  
حسن خان نواده جناب صاحب دیوان سلطان علیخان  
فراسخو نوان چهران نفر

نواب اشرف والا شاه منشا فراده اعظم ولید عهد جاوید  
علیه فرمانفرما و حکمران مملکت آذربایجان ادام الله ابوالاعلی

نواب الاعضا السلطنه  
جناب حسنعلیخان سالار لشکر نواب حاجی سیدالدوله  
رئیس دیوانخانه عدلیه حاجی بهاءالدوله رئیس قشون  
آذربایجان جناب صدیق الدوله کارکنار و وزیرالیه  
عمید الدوله حکمران مراغه امیرزاده اکبر میرزا حکمران اردبیل  
و مشکین ساپر حکام و کارکنان جزو آذربایجان هر یک در طبقه  
خود نوشته شده اند در اینجا حاجت بنگار نیست

میرزا مهرداد سرشنه دار عزیز الله خان کرک برقی و غیره

کارکنان و علمایان مخصوص  
در بخانه نواب اشرف والا ولید عهد

فهرست خانواد آبدارخان  
کر بلائ حسن سقا باشی اسدالله خان قهوجی باشی  
سایر اجزاء پنج نفر

امیران کمان و آرباب مناصب باشیان  
نواب شعاع السلطنه ناظر و مهرداد نواب اسحق میرزا

علاء صطیل  
عبدالمجید میرزا نایب ساپر سه نفر  
علاء فراسخان  
حسنخان نایب فراسخان و غیره سی نفر

امیرا خود نواب لطفعلیخان کشیکباشی حاج میرزا حسن  
صندالدوله استیک آقاسی باشی میرزا محمد فخر الاطباء  
میرزا ابوالحسن حکیمباشی میرزا شعیب مستوفی خاصه  
محمد اسمعیلخان صند و نادر حاج احمدخان شاطر باشی  
محمد صادقخان اجوان باشی محمد حسنخان بختیاری  
فولر آقاسی باشی پاشاخان بوزباشی محمدخان مرهنگ  
برزدی حبیب الله خان صاحب جمع لدمرجم فتح الله خان  
کلیعلیخان میرشکار

علاء کارخان  
امیرزاده مغرور میرزا نایب ناظر میرزا یحییخان نایب ناظر  
سایر علمایان بیست نفر

منشیان و مستوفیان  
میرزا فضل الله خان منته باشی میرزا سلیمان علی مستوفی  
میرزا محمد مستوفی سواد کوهی میرزا صادقخان سرشنه دار  
مخصوص میرزا محمد علی منته ولید جناب میرزا علی محمد ملا باشی  
میرزا آقا منته کمرود

تفنگداران  
اسدالله خان نایب تفنگدار باشی سایر تفنگداران ده نفر  
نایب اجود آنها  
مهد علیخان اجوان خصوصاً حمزه خان پیمان  
میرزا محمدخان

علاء خلوت  
خان باباخان نایب پیشخدمت باشی امیرزاده علی بخش میرزا

حاجی رضا علیخان

علاء خلوت

ممالك و ولايات ففصله بل بحکومت و فرمانروائی و صاحب اختیار نواب شرف و الا شاهنشاهی  
معظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بعلاده ربان مشنون و افواج ولايات ففصله بل

ولايات صفها مملکت فارس ایالت کرمانشاهان ایالت  
کردستان ایالت عربستان ایالت همدان و لایبشهر و  
و خنیک و لایبشهر ایالت عراق کلیایکان  
خوانسار کرمانشاهان

اصفهان

نواب شرف و الا ظل السلطان حکمران و فرمانروا ادام الله  
ایالت العالی

اجزای حکومت

امیر الامرا العظام صارم الدوله امیر نومان رئیس کل  
جناب مولوی ملا باشی میرزا سلیمان خان منشی باشی نایب  
الحکومه اصفهان مظفر الملک حاجی میرزا حسن خان سر تپ  
محمد اسماعیل خان میرآخور سراج الملک میرزا رضا افغان  
مشو پیشکار میرزا افغان سر تپ ویم حکیم باشی  
علیخان رئیس مدرسه هایونی میرزا موسی خان ناظم  
الاطباء

ارباب قلم

مسنوفی و اهل فن خانه

میرزا حبیب الله خان مشو بنان الملک میرزا حسنخان  
سرشته دار میرزا محمد حسن مشو میرزا علی مسنوفی میرزا  
زین العابدین میرزا رضا صاحب جمع خزانه میرزا جعفر مشو مخصوص  
ارباب قلم مخصوص در بجان حضرت والا  
میرزا نصر الله خان مشو میرزا رضا حکیم منشی مخصوص  
حاجی میرزا ابراهیم خان مشو میرزا حسن علی خان منشی  
میرزا یحیی خان منشی

مملکت فارس

نواب شرف و الا ظل السلطان فرمانروای مملکت فارس ادام الله  
ایالت العالی نواب الاحلال الدوله نایب الا باله مملکت  
فارس جناب صاحب دیوان کارکنان کل مملکت فارس  
جناب غوام الملک حاجی نصیر الملک فویده الملک

میرزا حسینخان محمد رضا خان بیکلر بیک حاجی میرزا آقا  
خان وکیل بنان الملک جناب میرزا علی محمد ملا باشی  
میرزا محمد حسین لله باشی میرزا علی محمد خان منشی باشی  
حاجی میرزا جعفر حکیم باشی

کرمانشاهان و کردستان

نواب شرف و الا ظل السلطان فرمانروا ادام الله اقباله العالی  
جناب نام الملک حکمران کرمانشاهان و کردستان جناب میرزا  
محمد ایصال الملک نایب الا باله کردستان مصطفی قلیخان نایب  
الحکومه کرمانشاهان

عربستان

نواب شرف و الا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی  
امیرزاده احتشام السلطنه نایب الا باله عربستان شیخ مرغش  
خان نایب الحکومه محرم آثار رضای مشو و سر رشته دار

لرستان و بروجرد

نواب شرف و الا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی حکمران

لرستان

امیرزاده حشمت الدوله نایب الا باله لرستان شاه رخ میرزا آقا  
الحکومه خرم آباد میرزا عبداللّه منشی میرزا جعفر قلی  
میرزا سپهر رضا مشو و سر رشته دار

بروجرد

امیرزاده حشمت الدوله نایب الا باله بروجرد میرزا سید ابراهیم  
سر رشته دار

بند

نواب شرف و الا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی  
ابراهیم خلیل خان نایب الحکومه محمود آقا میرزا محمد مشو میرزا  
بوالقاسم منشی

عراق و غیره

نواب شرف و الا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی

میرزا علی اکبر خان نایب الحکومه

میرزا سید محمد سر رشته دار محمد صادق خان

کلیایکان و خوانسار و کرمان

نواب شرف و الا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی



مصطفی خان سرهنك ميرزا فتح الله

مشرف

فوج فراهان

نواب ناصر الله له سرهنپ محرم طاهر خان سرهنك

ميرزا اسماعيل مشرف

فوج اربعه كره ماشهان جزآن معين نشده است

فوج كره وغيره

فوج كليايكان با فرخان

سرهنك ميرزا آقا

فوج كره

جزء ندارد

فوج سيلان خور

رضا خان سرهنك ميرزا فضل الله مشرف

فوج لرستان

فوج امرائ فوج پشتكوهي

ولايات ايلانيكه حكومت آنها در اداره

نواب شرف الا نواب السلطنة امير كبير وزير جنگ ادم

الله اقباله العالی است

ايلان كيلان

جناب عبداللہ خان والي حکمران كيلان وطوالش

ميرزا سيدنقي لشکر نويسن پيشكار كيلان

ايلان المازندران

امير الامراء العظام محمد ابراهيم خان سهام الدوله سرهنپ

اول حکمران مازندران

استراباد و کرکان و ترکمان

امير الامراء العظام ساعد الدوله امير نويمان حکمران

استراباد و کرکان وغيره

ميرزا محمد علي مشرف

ميرزا محمد حسين مشرف

جزای حکومت و معارف قمر

اميرزاده عبيد ميرزا ناپي الا باله نصر الله خان پيشكار

جناب مسئول باشي جناب حاجي سيد جواد مجتهد

اداره سناوه

ناب الحکومہ کلیایکان ناب الحکومہ خوانسا ناب الحکومہ کره

قشون و افواج جمع نواب اشرف و الا ظل السلطان

ادم الله اقباله العالی

افواج

افواج ثلثه اصفهان افواج عسکراف افواج اربعه کرمانشاهان

فوج کره فوج سيلان خو فوج کلیایکان فوج امرائ

فوج پشتكوهي

سواره

دو هزار و پانصد نفر

سوار پنجپانچ اصفهان پانصد نفر سوار ابلان فارس پانصد نفر

سوار ابلان بروجرد پانصد نفر سوار ابلان کرمانشاهان

پانصد نفر سوار لرستانی و غیره پانصد نفر

صاحب منصبان افواج

افواج ثلثه اصفهان

فوج جلاله

حاجي ميرزا عبدالوهاب بخا سرهنپ نواب الاجلال الدوله

سرهنك حاجي ميرزا محمد مشرف

فوج فريدون

حاجي مصطفی خان سرهنپ ميرزا احمد خان سرهنك

ميرزا سلیمان مشرف

فوج چها محالی

ميرزا عبدالحميد خان سرهنك

ميرزا محسن مشرف

افواج خمسہ عراق

فوج بزرجلو

ميرزا محمد علي مشرف

محمد خان سرهنپ

فوج خلی قمر

ميرزا محمد حسين مشرف

فوج کرازی

حاجي صمصا الملك سرهنپ ذوالفقار خان سرهنك

ميرزا فتحی مشرف

فوج سريند

سمنان و دامغان

امیرزاده ابو شبر و ان صبیاء الدوله حکمران سمنان و دامغان

شاهرورد و بسطام

محمدخان نایب اشیک ناسی باشی حکمران شاهرورد و بسطام

کروس

جناب حسنعلیخان سالار لشکر حاکم ارومی و سلماس و کروس و غیره

لطفعلیخان نایب الحکومه کروس

خرقانین

حکومت امیر الامراء العظام اللهیارخان اجوینباشی امیرنومنان

کنکاور

حکومت رحمت اللهخان ساری اصلان

اسداباد

حکومت ضابطا باخان سر نشین امیر الامراء العظام سلیمانخان

صاحب اختیار

نظر

حکومت نواب مؤبدالدوله و حاجی حسام السلطنه میرزا و در جزو

محمدنقی حکمران نظر

جوشقان

حکومت کاشتکان امیرزاده مغزالدوله

طارمر

آقا باقر نایب الحکومه طارمر از جانب جناب

امین السلطان

سوادکوه

حاجی دلخان نایب الحکومه سوادکوه از جانب جناب

امین السلطان

علیخان نایب الحکومه حاجی میرزا احمد مجتهد

اداره شاهسون بغدادی

میرزا محمد حسین نایب الحکومه

ملایر و نقدهسرکان و نهاوند

نواب الاعضا الدوله حکمران ملایر و نقدهسرکان و نهاوند

اسداللهخان نایب الحکومه نهاوند

دماوند

حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند

فیروزکوه

میرزا فضل اللهخان حاکم فیروزکوه

سایر ممالک و ولایات محرفه سرایران

مملکت خراسان و سیستان

نواب الاوکن الدوله فرماقرمای مملکت خراسان و سیستان

نواب معین الدوله نایب التولیه نواب میرالدوله و غیره

میرزا امیرزاده علیبن میرزا نایب الحکومه جناب حاجی

مسئدار المملک مشنوی اول و پیشکار مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب ناصر الدوله حکمران کرمان و بلوچستان میرزا سید

کاظم مشنوی و پیشکار مالیاتی

فروزین

نواب الاملاک آرا حکمران فروزین و نواب

ولایات خمسه

نواب مؤبدالدوله حکمران ولایات خمسه میرزا محمد

مسنوی و پیشکار

هدان

نواب الاعزاز الدوله حکمران هدان امیرزاده

حسینقلی میرزا نایب الحکومه میرزا احمد پیشکار هدان

کاشان

حاجی عبدقلیخان قاجار حکمران ولایت کاشان

میرزا سید حسن پیشکار کاشان میرزا حسن

سررشد دار

# ممالك خارجة اروپا

سال پای تخت در زرد مذهب و لغوی پروتستان و  
فدی کا تولیک

## در ممتبرغ

شاه شار اول فردر یک الکساندر سنش شصت سال پای تخت  
استو کارن مذهب ولنی پروتستان و فدی کا تولیک  
دولت انگلستان و آرنلند اسکاتلند

پادشاه ملکه و یکتور با الکساندر بن سنش شصت و سه سال و عهد  
پرنس البریٹانفت به پرنس و گال سنش چهل و دو سال و زهر  
اعظم مسپو کلا د سنش پای تخت لند جمعیت تمام این مملکت از  
انگلستان آرنلند و اسکاتلند از فرانس و ماضی شصت و هفت کرد  
و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک منصفه انگلستان هندوستان  
و غیر چهار صد و هفتاد و شش کرد مذهب ولنی پروتستان  
و مذهب مملکت آرنلند کا تولیک فرانس فرمای هندوستان

لوردا سینسر

## دولت ایتالیا

پادشاه هو میبول سنش سه و هشت سال و عهد و یکتور  
امانوئل پرنس ناپل سنش چهارده سال و زهر اعظم مسپو پرنس  
مذهب کا تولیک جمعیت پنجاه و چهار کرد و چهار صد و هشتاد  
و دو هزار نفر پای تخت روم

## دولت بلژیک

پادشاه لوئید ویم سنش چهل و هشت سال پای تخت برکسل  
جمعیت کرد و سیصد و سی و شش هزار نفر مذهب ولنی کا تولیک

## دولت پرتغال

پادشاه لوی فیلیپ یکم فردیناند پدرو سنش چهل و پنج سال و عهد  
شارل فردیناند لوی مارت و زهر اعظم ردریکس سامپای پای تخت  
لبن جمعیت راروپ نکر کرد و یکصد و هفتاد و دو هزار نفر  
خارج از اروپ شش کرد و دو صد و هشتاد و یک هزار نفر

## دولت اسپانیا

پادشاه فیلیپو سیم الکساندریک فردر یک لوی سنش شصت  
که هلاندر نامند

## دولت آسٹریا و مجارستان

امپراطور فرانسوا شارل ژوزف در سن ۱۲۴۰ هجری متولد شد  
و بعد آرشیدوک و در وقت فرانسوا شارل ژوزف پای تخت و  
صد اعظم و وزیر و مجار کنت کالیک مذهب ولنی کا تولیک  
و پروتستان هم دار جمعیت هفتاد کرد

## دولت اسپانیا

پادشاه الفونس دوازدهم سنش بیست و شش سال و زهر اعظم  
گانو اول گاستیلو مذهب ولنی کا تولیک جمعیت سی  
سد کرد و سیصد و سی و پنجاه نفر پای تخت مادرید

## دولت معتبره المان

جمعیت کل هشتاد و چهار کرد مذهب ولنی پروتستان  
و بعضی کا تولیک هستند  
اول آباد

فرانزما فردر یک گیلپولوی سنش پنجاه و هفت سال  
و بعد فردر یک گیلپولوی یلا گوست سنش بیست و شش سال  
پای تخت کارلسر مذهب پروتستان

## پروس

شاه لوی ویم آن فردر یک گیلپولوی سنش سه و هشت سال  
پای تخت برنیک مذهب کا تولیک

## پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردر یک گیلپولوی اول در  
۱۲۱۲ هجری متولد شد و در سن ۱۲۴۰ با امپراطور المان برقرار کرد  
و سنش هشتاد و شش سال است و بعد فردر یک گیلپولوی  
نیکلا شارل سنش پنجاه و دو سال و زهر اعظم پرنس پرنس  
مذهب ولنی پروتستان و بعضی هم کا تولیک هستند  
پای تخت برلن

## دولت ساکس

شاه آلبر فردر یک گوست آن توان فردینان ژوزف شارل  
باتشپینو موس گیلپولوی کر او پدرو ژوزف لوی سنش پنجاه و پنج

دولت سولیس

دولت سولیس  
رئیس جمہور مسیو کابریو وزیر اول شپس پای تخت برن  
مذہب نصف پروتستان و نصف کاتولیک جمعیت پنج  
کرد و سبصد ہزار نفر

دولت عثمانی

دولت عثمانی  
سلطان عبدالحمید خان سنش چهل سال و لبعهد  
وزیر اول سعید پاشا پای تخت  
اسلامی مذہب و لئی مسلمان سنی علیسو وغیرہ نیز دارد  
جمعیت انفرار سنہ ما ضابطہ تحقیقا معلوم نیست

دولت فرانسه

دولت فرانسه  
رئیس جمہور ژول گری وزیر اعظم و وزیر امور خارجه مسیو  
فرنی پای تخت پارسیس مذہب و لئی کاتولیک جمعیت هفتاد  
و دو کرو و صد و دو ہزار نفر

ایالت صربیا

ایالت صربیا  
پادشاه نیکولای اول سنش چهل و دو سال و لبعهد پرنس وکا  
سنش زده سال وزیر اول پرنس پائی تخت سبب جمعیت  
یک کرو و سی ہزار نفر مذہب ارتودکس یونانی  
کلی ہم کاتولیک مسلمان ہم دارد

دولت یونان

دولت یونان  
پادشاه ژرژ اول سنش و هشت سال و لبعهد سطنین  
پای تخت آثرن جمعیت نفر بیاسہ کرو و چہار صد و شصت  
ہزار نفر مذہب علیسوی  
یونانیست

سنش سال و لبعهد گیلو الکساندر شارل فریک سنش و  
پنج سال پای تخت لاکر جمعیت هفت کرو و سبصد و نہ ہزار نفر  
مذہب ولئی پروتستان

دولت دانمارک

دولت دانمارک  
پادشاه کریستیان نهم سنش شصت و پنج سال و لبعهد کریستیان  
گیلو شارل سنش و هشت سال وزیر اعظم یعنی رییس  
وزن استروپ پای تخت کپرن جاگ مذہب ولئی پروتستان  
جمعیت سہ کرو و چہا صد و سہ ہزار نفر

دولت روس

دولت روس  
امپراطور نیکولای الکساندر ستم سنش سی و هشت سال و لبعهد  
گرائندوک نیکولای الکساندر و بیج سنش پانزدہ سال  
مسیو و کپرسن وزیر خارجه

جمعیت صد هفتاد و هفت کرو و  
دو پش ہزار نفر مذہب ارتودکس یونانی و مذاہب مغربہ  
دارد پای تخت سنس پتر بوریج

دولت رومانی

دولت رومانی  
پادشاه شارل اول سنش چهل و چہا سال پای تخت بورکاش  
وزیر اعظم آینا سنش جمعیت کرو و سبصد و هفتاد و  
شش ہزار نفر مذہب ارتودکس یونانی

دولت سربے

دولت سربے  
پادشاه میلان اول پای تخت لکارا و لبعهد کہ بتر سنش سال  
پرنس الکساندر وزیر اعظم پرنس شانانسن جمعیت سہ کرو و  
یکصد و هشتاد و دو ہزار و پانصد نفر مذہب کاتولیک  
و یونانی

آسیا

دولت چین

دولت چین  
امپراطور گوانگ سو سنش دوازده سال وزیر اعظم شاہزادہ  
کنگ پای تخت یکن مذہب ولئی بودا مذہب ہستند مسلمان  
غیر ہم دارد جمعیت کلہ ہشتصد و شصت و هفت کرو و  
جمعیت عین ہشتصد و نہ کرو و چہا صد و چهل و شش  
ہزار و صد چہا نفر جمعیت کہ زیر حمایت ہستند پنجاہ و

دولت ژاپن

دولت ژاپن  
امپراطور (میکادو) مویش چیت سنش سہ و یکسال و لبعهد  
چکاشی فوشیمی مہا وزیر اعظم ساچو پای تخت مذہب  
بودا مذہب جمعیت سنش شش کرو و صد و دو ہزار نفر

دولت سیام

دولت سیام  
پادشاه

پادشاه بنان

وزیر اول دنیا پور باسور بونگ سی

پای تخت بان گک

مذهب بودا مذهب

جمعیت دوازده کروڑ و سبصد هزار نفر

### افریقا

ایالت تونس

والی سیدی علی بک پای تخت تونس جمعیت

چهار کروڑ

جزیره ماداگاسکار

پادشاه ملکه رانا واله دویم پای تخت نانا نانات

جمعیت پنج کروڑ

دولت جلستان

امپراطور کهنگو سینا مندا شتران پای تخت گندار جمعیت

دوازده کروڑ مذهب ولز کا تولیک مسلمان و غیر هم دارد

دولت هاریک

سلطان ملا حسن پای تخت طابجه جمعیت دوازده

کروڑ مذهب مسلمان

ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

حدیو توفیق پاشا

پای تخت فاهر مذهب اسلام ستم جمعیت تمام مصر

سی و شش کروڑ

دولت زنگبار

سلطان سید برکش بن سعید پای تخت بندر زنگبار

جمعیت جزیره زنگبار صد هزار نفر اما تمام جمعیت آن مملکت

مشخص نیست مذهب مسلمان

### آمریکا

نیکی سبای شمالی

جمعیت سه کروڑ صد هزار نفر مذهب کاتولیک

جمهوری آنا تونی

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهور دن پدرو سانشو پای تخت ماناگا

رئیس جمهور آرتور پای تخت واشینگتن مذهب غلبت کاتولیک

و غیره جمعیت هفتاد و هفت کروڑ سبصد هزار نفر

جمهوری اوندورا

رئیس جمهور مرکواریل پوسنو پای تخت کوما یایکا

جمهوری میکسیک

رئیس جمهور استمن بودیو پاس پای تخت مکزیک مذهب کاتولیک

نیکی سبای جنوبی

جمهوری آرژانتین

رئیس جمهور نیکلا اولانا پای تخت بنوزر جمعیت دو

جمعیت هجده کروڑ و بیست و هفتاد و شش هزار نفر

نیکی دینیای مرکزی

جمهوری اکواتر

رئیس جمهور ابن سبوانیلا پای تخت کنو جمعیت دو کروڑ

جمعیت کل پنج کروڑ و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادور

و چهل هزار و سبصد و هفتاد و یک نفر

پای تخت سان سالوادور

جمهوری اروکی

رئیس جمهور دن لوزولا پای تخت سنت ویدیاو

جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

جمعیت

رئیس جمهور گواردیا پای تخت سان ژوزه

و پنجاه هزار نفر

برزیل

امپراطور پدرو دویم پای تخت پورتو رائز جمعیت بیست

جمهوری کوانامالا

رئیس جمهور ژوزه رو فینواریس پای تخت کوانامالا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَبِعَهْدِكَ  
نَسْتَعِينُكَ  
كَبِيرِهِ

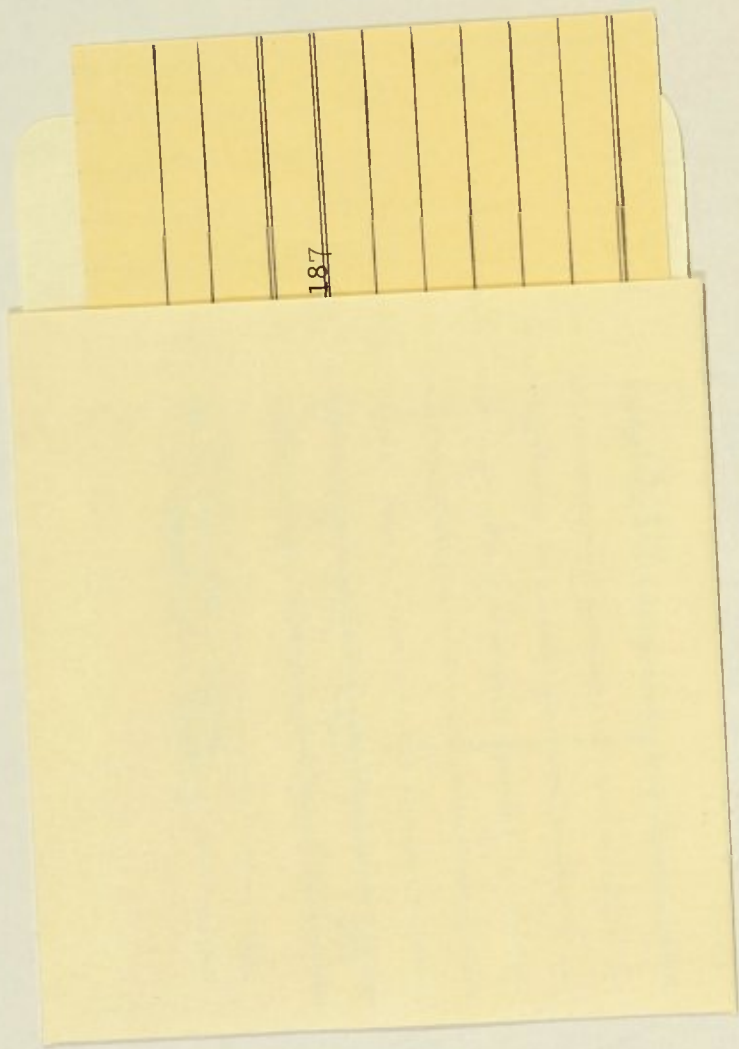
جلد سیم کتاب منظر  
ناصر ناریج قاجار سردار مؤلف  
جناب صنیع الدولہ محمد حسن خان وزیر  
انطباعات دارالترجمہ ہانوی از سال ہزار  
و صد نو و چہاں الی سال ہزار  
و صد ہجری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَبِعَهْدِكَ  
نَسْتَعِينُكَ  
كَبِيرِهِ









187

